

جایگاه ذکر در طراحی عناصر زیباسازی شهری؛ نمونه موردی: شهر قم

شهاب الدین همتی* - کارشناسی ارشد طراحی شهری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
محمد رضا بمانیان - دکتری تخصصی معماری، استاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محسن کاملی - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

در ادوار مختلف نقش و اهمیت طراحی عناصر و المان‌های شهری، در جهت ساماندهی فضا، زیباسازی و ارتقای تصویر ذهنی شهروندان، به اشکال گوناگونی مد نظر طراحان بوده است. ولیکن بسیاری از این عناصر و ایده‌ها، با هویت و آموزه‌های اسلامی مغایرت داشته و بر غفلت و توجه صرف به مادیات در فضاهای شهری تاکید داشته‌اند. بدین جهت توجه به اصول و مبانی طراحی شهر اسلامی به طور عام و همچنین توجه و بکارگیری اصل ذکر (به عنوان یکی از صفات شهرسازی اسلامی) به طور خاص، در طراحی عناصر زیباسازی شهری ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در نوشتار حاضر با روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و اکتشافی، با بررسی و توصیف اهمیت ذکر و یاد خدا در شهر و طراحی عناصر شهری، به بررسی نمونه‌ها و مصادیق این اصل خواهیم پرداخت؛ پس از تبیین اهمیت موضوع و شناسایی معیارها و بایسته‌های مورد نظر و تدوین مدل مفهومی، با کمک روش تحلیلی، تلاش در جهت تحلیل نمونه‌های موجود در شهر قم (۳۲ المان شهری) خواهیم نمود؛ در ادامه با استفاده از نتایج تحلیل مصادیق و مبانی نظری مطرح شده، و طرح پرسشنامه‌هایی در راستای اهداف تحقیق، در جامعه آماری ۳۸۳ نفر جهت سنجش و ارزیابی سطح ادراک شهروندان (افراد عادی و متخصصان) از عناصر یاد شده در راستای ایجاد فضای ذکر پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه حاصل از نظر هر دو گروه بر لزوم انتقال معانی و مفاهیم و نقش تذکردهی در عناصر شهری تاکید دارند؛ ولیکن تفاوت دیدگاه در نوع نگرش و ادراک می‌باشد؛ بدین معنا که شهروندان عادی در درک نمادپردازی و نشانه‌های مورد نظر طراحان به نسبت افراد متخصص (دانشجویان و مهندسان معماری و شهرسازی) ضعیف‌تر بوده‌اند؛ و این موضوع لزوم تقویت عناصر نام‌آشنا، بومی و قابل درک‌تر را در کنار نمادپردازی‌های تخصص‌گرایانه و هنرمندانه طراحان تاکید می‌نماید. و علاوه بر این پاسخگویان بر لزوم در نظر داشتن عناصر طبیعی و نیز عناصری که علاوه بر معنا و زیبایی دارای عملکرد هم باشند؛ تاکید نموده‌اند.

واژگان کلیدی: شهرسازی اسلامی، فضای ذکر، فضای غفلت، عناصر شهری، شهر قم.

The Role of Reminiscence in The Design of Beautification of Urban Elements, Case Study: Qom city

Abstract

Human beings' works and products are somehow indicative of his beliefs, opinions and ideals. Cities and urban elements as one of the products of human beings will not be independent of the relationship too and they are influenced by beliefs, opinions and demands of citizens. And the current article concentrates on the influence of Islamic opinions and teachings on products of human beings. On the other hand we can note that in different eras the role and the importance of designing urban elements for organizing the space, beautification and promoting mental image of citizens have been considered differently by designers. But most of these elements and ideas have been in conflict with Islamic identity and teachings and they emphasized on negligence and sheer attention to material issues in urban spaces. Thus attention to principles and basics of designing Islamic city in general and attention to and application of reminiscence (as one of the qualities of Islamic urbanization) in specific seems necessary for designing elements of urban beautification. Reminiscence which derived from Islamic teachings is one of the principles and criterions with great importance in developing the urban elements. The space of reminiscence is against the space of negligence. The space of reminiscence is the basis for awakening and dealing with main subjects of human beings' life. Such a space emphasize on keeping the thought of god alive and abstinence from negligence. But it should be noted that in analytical survey of this article besides the spiritual concepts, worthy worldly concepts have been considered too. Among other items which have the reminding role in urban spaces include: natural elements such as light, water, color, wind, soil and the man made elements such as symbol and form, the holy figures, color and light in works and other works of art. The results of the research suggest that the viewpoint of both groups emphasize on conduction of meanings and concepts and the reminding role in urban elements but the difference is in the type of attitude and perception. That is common people have been weaker than professionals (students and architecture and urbanization engineers) in perception of symbols and desired signs of designers and this stresses on the necessity of strengthening the more popular, the more indigenous and the more comprehensible elements. And besides this, the respondents also stressed on the necessity of considering the natural elements and elements which have functionality in addition to meaning and beauty. Thus, architecture, the framework of city and the elements of urban beautification as components of daily life space will have considerable role in this reminding aspect. Designing the urban elements in line with creation of Reminiscence space can be defined according to different parameters like: attention to historical dates, customs and culture of the society, attention to revelations and accounts and divine names and immaculate Imams, attention to architecture and the identity of the region and so on. In other words, there will be different interpretations and perceptions according to the place of designing.

Key words: Islamic urbanization, Reminiscence space, negligence space, urban elements, Qom city.

«فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ: پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزاریید و ناسپاسی من مکنید» (بقره: ۱۵۲)

۱- مقدمه

آثار و مصنوعات بشر به نوعی بیان گر عقاید، آراء و آرمان‌های وی می‌باشد. این ساخته‌ها و تولیدات با شیوه سکونت، رفتار و عقاید او ارتباط مستقیمی دارند. شهرها و عناصر شهری نیز به عنوان یکی از ساخته‌های بشر از این رابطه مستقل نخواهند بود و از عقاید، آراء و خواسته‌های شهروندان متأثر می‌باشند که تمرکز این نوشتار نیز بر تاثیر آرا و تعالیم اسلامی بر مصنوعات بشر خواهد بود. شهر بستر تفکرات مردمان و شهروندان خود است و شهر اسلامی نیز آینه تمام‌نمایی از تفکرات شهرساز و شهروند مسلمان (انسان مومن) می‌باشد. این شهر دارای صفات و اصولی است که «مناسب‌ترین تعاریف و اصول را می‌بایست از متون اصیل اسلام به ویژه قرآن کریم استخراج نمود.» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ الف، ص ۱) و با توجه به جامع بودن و همه جانبه بودن دین اسلام، این اصول خواهند توانست متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان باشند. یکی از اصول و معیارهای مستخرج از تعالیم اسلامی که از اهمیت فراوانی در ساخت عناصر شهری دارا می‌باشد؛ ذکر است. «در مقابل فضای غفلت، فضای ذکر قرار دارد که زمینه ساز بیداری و پرداختن به موضوعات اصلی زندگی انسان است.» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب، ص ۱۹۰) چنین فضایی است که بر زنده نگذاشتن یاد خدا در دل شهروندان و پرهیز از غفلت تاکید دارد. از این رو در پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های ذیل خواهیم بود:

- مصادیق و ابزارهای تجلی یاد خدا در مصنوعات بشری چیست؟
- معیارها و بایسته‌های تجلی یاد خدا در مصنوعات بشر کدام اند؟
- نقش آموزه‌های اسلامی در هویت‌بخشی به عناصر زیباسازی شهری چگونه است؟
- وظیفه معماران و طراحان شهری در زنده نگاه

داشتن یاد خدا در دل شهروندان چیست؟

- چه ارتباطی بین نمادپردازی در شهر اسلامی و تجلی یاد خدا و پرهیز از غفلت در ذهن شهروندان وجود دارد؟

- برداشت‌های حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای شهروندان نسبت به معانی و مفاهیم عناصر زیباسازی شهری چگونه است؟

۲- روش تحقیق

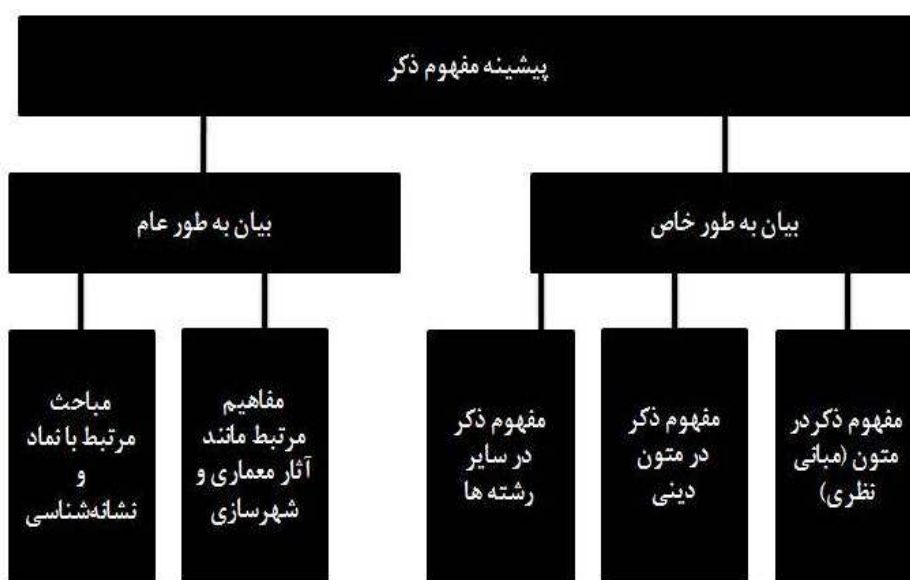
از آن رو که پژوهش حاضر از نوع مطالعات حوزه دینی است از تعدد و تنوع روش برخوردار است و با توجه به میان‌رشته‌ای بودن مباحث معماری روش کار ترکیبی است. در این راستا بین علوم اسلامی، فقه، هنر، معماری و شهرسازی ارتباط برقرار می‌شود و به طور کلی می‌توان گفت که ماهیت تحقیق پیش رو از نوع بنیادین و کاربردی می‌باشد که با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و اکتشافی سعی در تدوین شاخصه‌ها و مصادیق ذکر در عناصر زیباسازی شهری دارد. در ادامه پس از تدوین شاخصه‌های ذکر و تحلیل آن در نمونه موردی با روش تهیه پرسشنامه، به ارزیابی نحوه ادراک شهروندان از مفاهیم این اصل می‌پردازد. ابزار گردآوری اطلاعات توسط فیش‌برداری (مطالعات اسنادی)، عکس‌برداری، مشاهده و تهیه پرسشنامه (مطالعات میدانی) می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

در باب پیشینه موضوع، توجه به ذکر به صورت عملی در ساخت و سازهای شهرهای سنتی ایران، قابل مشاهده است. به عبارت دیگر آنان سعی بر تبلور کالبدی اعتقادات خویش در مصنوعات معماری و شهر بوده اند. لکن در بحث نظری این موضوع به طور خاص، دارای پیشینه و منابع مکتوب کمتری است. که در بحث علمی و نظری تنها شاهد تعاریف و تبیین ویژگی ذکر جهت مبانی نظری شهرسازی اسلامی، توسط دکتر محمد نقی‌زاده (در کتاب‌های تحلیل فضاهای شهری، شهر و معماری اسلامی و غیره) (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ ب) و (نقی‌زاده، ۱۳۸۵) خواهیم بود؛ اما به طور کلی می‌توان منابع مرتبط با این

کالبدی جهانیان مشهود است چنان که مقاله «تجلی ذکر و رمزپردازی مسجد در معماری ایرانی اسلامی» مسجد را در عین سادگی، نوعی پیچیدگی نهفته و رمزگونه می‌داند و اثر معماری هنرمند را تجلی «الله» عنوان می‌نماید (موسوی، ۱۳۹۳). این موضوع در عبادتگاه‌های سایر ادیان نیز صادق است. چراکه محمدرضا پورجعفر نیز در باب تذکر به مضامین دینی سایر ادیان، معماری معابد ژاپن را

موضوع را در پنج گروه طبقه‌بندی نمود. (نمودار ۱) نخست منابعی که به طور خاص چه در بحث هنر و معماری (مبانی نظری) و چه در بحث متون دینی و یا سایر رشته‌ها از مفهوم ذکر یاد می‌کنند و پس از آن از مفاهیمی عام می‌توان یاد کرد که مفهوم ذکر را در خود مستتر دارند مانند مباحث مرتبط با معماری و شهرسازی اسلامی و یا بحث نماد و نشانه‌شناسی نام برد.



مناظر و یادآور از این مضامین و مفاهیم دینی شینتو می‌داند (پورجعفر، ۱۳۸۹). علاوه بر مفهوم ذکر در هنر که پیش‌تر بیان شد؛ مضمون ذکر در متون دینی نظیر حقیقت ذکر و مفاهیم مرتبط با آن بیان شده است (رهبر، ۱۳۸۵)؛ و یا معنای ذکر در قرآن کریم مورد واکاوی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹) و (فقیهی مقدس، ۱۳۸۳)؛ و به طور کلی متون دینی نیز ذکر را عامل مهم در غفلت‌زدایی می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶). در سایر رشته‌ها نیز چون ادبیات فارسی، ذکر را عاملی مهم در تکامل انسان می‌دانند. (خوشحال دستجردی، ۱۳۸۹) و نیز می‌توان به آمیختگی ذکر و عرفان و ادب فارسی اشاره کرد. (محمود زاده، ۱۳۸۲)

به طور عام نیز واضح است که ذکر و مفاهیم مرتبط با آن در آثار معماری و شهرسازی اسلامی به طور گسترده‌ای متجلی شده است. محمدرضا بمانیان

نمودار ۱. طبقه‌بندی منابع مرتبط با ذکر.

در باب مفهوم ذکر و مبانی نظری آن (در هنر، معماری و شهرسازی) می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. سید محمدرضا علاءالدین در مقاله «معماری ذکر و معماری غفلت؛ از منظر قرآن کریم»، معماری ذکر و غفلت را عناصری مهم در فضا سازی تربیتی و هدایت انسان‌ها می‌داند. (علاءالدین، ۱۳۸۲) حبیب الله آیت‌اللهی در متنی پیرامون «ذکر هنرمند» هنر را در خدمت حقیقت‌جویی انسان و یادآور مفاهیم خاص می‌داند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶). عبدالحمید نقره‌کار نیز توجه به شعائر و تذکر مسلمین به آن را در فضای شهری ضروری می‌داند (نقره‌کار، ۱۳۹۲). حمیدرضا پیشوایی معماری را واسطه ذکر می‌داند و برخی از ابنیه را دعوت‌کننده به ذکر خدا می‌پندارد و ذکر را به عنوان ویژگی مکان مطلوب بر می‌شمارد (پیشوایی، ۱۳۹۲). این رویکرد در آثار

هنر معماران مسلمان را در بهره‌مندی و توجه به خدامحوری در آثارشان یاد می‌کند و بر شعائر توحید در اجزاء بنا تاکید می‌نماید. وی آثار آنان را نیز واسطه تعالی روحی و سیر معنوی می‌داند (بمانیان، ۱۳۸۶). شریف شهیدی نیز خدامحوری را در اجزاء معماری اسلامی ایران یادآور شده و آن را منبعث از توحید نظری و عملی اسلامی می‌داند و تجلی آن را در اجزاء و عملکردهای ابنیه بیان می‌کند (شهیدی، ۱۳۸۸). این خدامحوری و تذکر به یاد او در جزء و کل معماری و شهرسازی اسلامی نمود عینی دارد چنان که محمد نقی‌زاده معماری قدسی را در مجتمع‌های اسلامی، تجلی‌گاه کالبدی تعالیم اسلامی می‌داند و تدوین مبانی نظری آن را در پرتو ارزش‌های معنوی بیان می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۷۸). حسن بلخاری نیز مفهوم شهر و شهرسازی اسلامی را پیوند فرم و معنای موجود در باورهای مذهبی و آئینی می‌داند. (بلخاری، ۱۳۹۰) وی نیز معماری مقدس را متذکر و متجلی از ابعاد کیهانی و اشکال هندسی برمی‌شمارد. (بلخاری، ۱۳۸۴) و یا محمد علی‌آبادی نیز مبانی معماری و شهرسازی اسلامی را متجلی از عقل‌مداری و علم حقیقت متأثر از تعالیم اسلامی می‌داند. (علی‌آبادی، ۱۳۹۱) علاوه بر معنای کلی یادآوری و تذکر در کلیت معماری و شهرسازی اسلامی، در اجزای آن نیز شاهد این موضوع هستیم. چنان که کتیبه‌های نگارگری اسلامی را در راستای تجلی یاد خدا در ابنیه معماری اسلامی می‌دانند. (محمدی خوشبین، ۱۳۹۲) و یا جواد شکاری نیز مساجد را دارای نقش کلیدی در زنده نگهداشتن مفاهیم دینی و دعوت مردم به سوی پروردگار و متجلی و یادآور اعتقادات خالصانه بانیان آن می‌داند (شکاری، ۱۳۸۱). شایان ذکر است که مباحث مرتبط با نماد و نشانه‌شناسی نیز خود می‌تواند به عنوان تجلی‌ای از یادآوری و تذکر معانی و مفاهیم باشد که به طور مختصر می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود. نیر طهوری در مقاله «نماد و نشانه در تفسیر معماری اسلامی» انتقال پیام‌ها را در فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. (طهوری، ۱۳۸۶) و یا در این رابطه به اختصار می‌توان به مقالات «نمادگرایی در تاج محل» و کاربرد نمادپردازی عددی در آن (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰) و تاثیر القای معنای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی از طریق بازنمایی نظام

نشانه‌ای در شهر (ماجدی، ۱۳۸۹) بررسی کاربرد نماد و نشانه در معماری صفوی (بمانیان، ۱۳۹۲) و نیز نماد و نشانه‌پردازی در باغ ایرانی به عنوان تمثیلی از بهشت (طوسی، ۱۳۹۰) و بیان باور و اعتقادات سازندگان از طریق نماد و نشانه در باغ ایرانی (حقیقت‌بین، ۱۳۹۳) و یا سایر مواردی که در حوصله این نوشتار نیست اشاره نمود. ولیکن پژوهش در جایگاه کاربردی ساختن و استفاده عملی در حوزه این موضوع و شناسایی تاثیر آن بر شهروندان در طراحی‌های معاصر شهری، دچار خلاهای تحقیقاتی می‌باشیم و در نوشتار حاضر در پی رسیدن به این موضوع می‌باشیم.

۴- بررسی تجلی ذکر در متون اسلامی و سایر اندیشمندان

کاربرد ذکر و اهمیت تذکر در کلام الهی و همچنین روایات معصومین به کرات مشاهده می‌گردد. به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى، لَا تَسْنَى عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ وَلَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، فَإِنَّ نَسْيَانِي يُقْسِي الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ؛ خدای عزوجل به موسی وحی کرد: ای موسی در هیچ حالی مرا فراموش نکن و به ثروت زیاد شاد نشو، زیرا از یاد بردن من دل‌ها را سخت می‌کند و همراه ثروت زیاد، گناهان زیاد است.» (کلینی الرازی، ۱۳۵۹، ص ۴۵) و یا امام باقر (ع) می‌فرماید: «كَانَ الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءَ أَهْلَ فِكْرَةٍ وَعِبْرَةٍ، لَمْ يُصْمَهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ وَلَمْ يَعْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنْ الزَّيْنَةِ؛ گویا مؤمنان همان فقیهان (فرزندگان دین فهم) و اهل اندیشیدن و پند گرفتن هستند. شنیده‌های دنیوی، گوش آنها را از (شنیدن) یاد خدا کر نمی‌کند؛ و زرق و برق دنیا چشم آنان را از یاد خدا کور نمی‌گرداند» (مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

همچنین در سایر روایات و احادیث نیز بر جایگاه والای تداوم ذکر و یاد خدا تاکید گردیده است. با توجه به اهمیت ذکر الهی و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسان‌های مؤمن، خداوند مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد بر حذر می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَلَهْكُمُ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ: آي كَسَانِي كِه ايمان آورده ايد، اموال و اولادتان شما را از ياد خدا باز ندارد و هر كس چنين كند از زيان كاران است. «(منافقون: ۹) و يا در جاي ديگر آمده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: همانا با ياد خدا دل ها آرام مي گيرد.» (رعد: ۲۸) بدین منظور است كه انسان امروزي، در زندگي پرهياهو و پر مشغله روزمره مي بايست ياد خدا را به عنوان رهيافتي به سوي آرامش مد نظر قرار دهد. افزون بر تعاليم عاليه اسلام^(۱) در آراي ساير انديشمندان نيز موضوع ذكر و يادآوري عنوان گرديده است. به عنوان نمونه از افلوطين^(۲) منقول است: «يادآوري براي آنهايي است كه از ياد برده اند.» (نقي زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵) و يا از كنفوسيوس^(۳) نقل شده است كه: «من خلق نمي كنم فقط از گذشته پرتده بر مي دارم.» (همان، ۱۵) در ادامه ويژگي ها و صفات ذكر و عناصر متذكر مورد جمع بندي قرار خواهند گرفت. (جدول ۱):

جدول ۱. جمع بندي ويژگي ها و صفات ذكر

صفات و ويژگي هاي ذكر در بررسي تحليلي متون
لزوم توجه دائمي به ياد خدا و مضرات دوري از ياد الهي
اهميت عبرت آموزي در جهت ذكر
مداومت و تداوم ذكر
دنيا مانع ياد خدا نگردد
آرامش واقعي در ياد خدا
توجه به هويت و گذشته در راستاي ايجاد ذكر

۵- اصل ذكر و معيارهاي تحقق آن

«ذكر حاصل كردن صورتی است كه بعد از ادراك در ذهن حفظ شده است.» (نقي زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۲۸) و از مفاهيمي كه در اسلام مورد توجه و تاكيد قرار گرفته ذكر مي باشد؛ تا جايي كه قرآن نيز ذكر ناميده شده است. (يس: ۶۹) و (قمر: ۳۲، ۳۳، ۱۷) در آيات بسياري نيز به اهميت تذكر در اسلام تاكيد شده است از جمله: (اعلى: ۹)، (ذاريات: ۵۵)، (رعد:

۲۸)، (نجم: ۲۹) و (انبيا: ۵۰). به جهت كشش و جاذبه نفس انسان لزومي به يادآوري مقولات مادي وجود ندارد و در صورت تبليغ و تذكر ماديات مصرف گرايي و مدپرستي فشار عصبي و... در شهر رواج مي يابد؛ در حالي كه بعد معنوي دائما نيازمند يادآوري و تذكر و هدايت مي باشد. شهر و عناصر شهري همواره بايد متذكر اين واقعييت باشند كه زندگي واقعي سراي آخرت است و دنياي محل گذر و كسب كمالات و هدف معنوي حيات انسان سازندگي روح و جسم آدمي مي باشد. بنابر اين يكي از نقش ها و وظيفه عناصر شهري يادآوري و تذكردهندگي مي باشد؛ به گونه اي كه هر عنصر از عناصر شهري ناظر را به اصول و ارزش هاي والاي اسلامي و فرهنگي يادآوري و تذكر نمايد و انسان هيچ گاه از ياد خدا غافل نباشد. به عنوان نمونه از مصاديق ايجاد فضاي شهري متذكر مي توان به مكتب اصفهان نيز اشاره نمود. در اين مكتب توسعه شهر مطابق با جهان بيني شيعي با تكيه بر مفاهيم عرفاني است و شهر را به صورت تصويري از بهشت جاويدان و به واقع بهشت روي زمين و جايگاهي در خور انسان به عنوان جانشين خداوند بر روي زمين نمايان مي سازد. (حبيبي، ۱۳۸۶، ص ۵) البته شايد ذكر است كه در بررسي تحليلي اين نوشتار علاوه بر مفاهيم معنوي به مفاهيم دنيوي واجد ارزشي كه پرداختن و تذكردهنگي به آنها داراي ارزش است نظير زمان نيز پرداخته شده است. از جمله ساير مواردی كه داراي نقش يادآوري و تذكر دهندگي در فضاهای و عناصر شهري می باشند، عبارتند از:

۵-۱ عناصر طبيعي

در تعاليم قرآني از طبيعت و عناصر طبيعي به عنوان آيات و نشانه هاي قدرت و علم الهي ياد شده است البته با حداقل دخالت انسان كه حالت بكر بودن حفظ شود و همه اين ها لزوم ارتباط نزديك و مداوم بين انسان و طبيعت را ضروري مي نمايد تا امكان بهره گيري از اين آيات الهي و تفكر در آن ها فراهم آيد. طبيعت منحصر به گياه و آن هم از نوع تزئيني و بي ثمرش نمي باشد بلكه آب، نور، هوا و موجودات زنده همه عضوي از طبيعت هستند كه در رشد آگاهي انسان نقش دارند.

۵-۱-۱ نور: «نور طبیعی یکی از عناصر مهم معنابخشی به فضا است.» (ضیاءبخش، ۱۳۸۹، ص ۶۰) به عبارتی نور دگرگون کننده معنا و مفهوم فضا است. (دیباچ، ۱۳۸۴، صص ۵۰-۴۸) از این رو کاربرد نور، چه طبیعی و چه مصنوعی، از مهمترین عوامل کیفی و نمادین در معماری و شهرسازی است. (چهاردولی، ۱۳۸۹) در آموزه‌های قرآنی نیز نور دارای معانی نمادین بسیار است، از جمله: «خداوند نور وجود بخش آسمان‌ها و زمین است.» (نور: ۳۵) «پس به خدا ایمان آورید به رسول او و نوری که در آیات قرآن فرستاده‌ایم، بگروید و خدا به هر چه کنید، آگاه است.» (تغابن: ۸) نور علاوه بر جنبه نمادینی که دارد در طبیعت و عناصر شهری ناظر را به ارزش‌های والا مستتر در آن‌ها رهنمون و هدایت می‌کند. بر این اساس نور نیز می‌تواند یادآور و متذکر معانی الهی در زندگی بشر باشد. نور در باور مردم ایران همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و تاکید بر تقدس و اهمیت استفاده از نور روز را باید در باورها و ادیان ایران باستان جست‌وجو کرد. (مه‌دوی نژاد، ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱) در آثار معماری ایرانی نیز این معناگرایی مشهود است؛ چنان که به عقیده هانری کربن، (۴) هنر صفوی هنری دینی است و از مشخصات هنر دینی رمزشناختی است و آن است که هنر دینی را معنا می‌بخشد. به عنوان نمونه تعبیه نور در پنجره‌های مشبک در مسجد شیخ لطف‌الله، فضا را رویایی و معنوی می‌سازد. (مجلسی، ۱۳۸۷، ص ۲۰) به عبارت دیگر می‌توان افزود که «هنر اسلامی عنصر نور را اساساً به عنوان تمثیلی از جلوه وجود مطلق به کار می‌گیرد.» (خوش‌نظر، ۱۳۸۸، ص ۷۲) در واقع ترکیب انتزاعی نور و جنبه نمادین آن جزئی جدایی‌ناپذیر از معماری و کالبد مسجد است. (رضوی، ۱۳۷۹، صص ۳۳۳-۳۲۱). میزان نور نیز در فضاها و عناصر شهری باعث ایجاد جذابیت بصری می‌گردد. در شهرهای قدیمی ایران نیز از عناصر مختلفی همچون نورگیرهای سقفی و ساباطاها با ایجاد نور و سایه و یا سایر نمونه‌های کاربرد نور در معماری سنتی ایران نیز نظیر روشنندان، روزن، گلجام، پالکانه، پاچنگ و ... می‌توان یاد کرد (گرگانی، ۱۳۷۶، صص ۵۵-۴۹) که فضایی مطلوب را برای ناظرین فراهم می‌آورند.

۵-۱-۲ آب: فهم انسان از پدیده‌های محیط همچون آب، در آغاز واکنشی برای تامین نیازهای حیاتی او بود. (منصوری، ۱۳۸۸، ص ۲) از این رو آب در ادوار گوناگون به عنوان یکی از معیارهای آبادانی و حیات برشمرده است. (مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۲، صص ۷۰-۵۹) آب یکی از عناصر چهارگانه است و به تعبیر برخی، کمبود منابع طبیعی آب در ایران باعث احترام و مقام ویژه آب نزد ایرانیان باستان شده است. (افضل طوسی، ۱۳۹۲، صص ۶۰-۴۹)

علاوه بر آن آب دارای معانی نمادین بسیاری است. آفرینش کیهان از آب، طهارت با آب، چشمه‌های مقدس و مفاهیم بسیار دیگر از شکل‌گیری معنای آب نزد تمدن‌های گوناگون حکایت می‌کند. (منصوری، ۱۳۸۸، صص ۳-۲) تعالیم اسلامی نیز آب را به عنوان نمادی از زندگی، بهشت، پاکی و نشانه زیبایی و آبادانی و حیات می‌داند. (امین‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۶۸) و تجلی این باور را در آثار معماری و شهرسازی ایرانیان نظیر باغ‌ها، فضاها، عمومی، آب انبار، سقاخانه‌ها و ... می‌توان مشاهده نمود. (معماریان، ۱۳۸۸، صص ۱۴۱-۱۲۵) البته نوع برخورد انسان با اشیاء مقدس نیز قابل توجه است. او به هیچ وجه به آنان صرفاً از دید مادی نمی‌نگرد بلکه به آن با دیده احترام برخورد می‌کند. (خسروی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳) از این رو مکان‌های مقدس که در سرزمین ایران وجود دارند؛ زمانی در کنار کوه، چشمه یا درخت مقدس شکل گرفته‌اند که یادگاری از باورهای کهن ایرانیان مبنی بر طبیعت‌گرایی بوده و ریشه در اعتقاد به ایزدان مهر و آناهیتا دارد. (جوادی، ۱۳۹۲، صص ۲۳-۱۳) چنان که گویی در آثار باستانی دیگری نظیر معبد آناهیتا نیز از مفهوم آب در تداعی معانی استفاده می‌شود و تمام بنا با این همه دقت و ظرافت برای عرضه و نمایش عنصر مقدس آب است. (آل‌هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۶۰)

در بررسی فرهنگ ایرانی آب معنایی‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد. «آب در فرهنگ سنتی به عنوان منشاء همه مخلوقات یاد شده و در متون ایران باستان آب نماد و سمبل آگاهی و دانش است.» (طوفان، ۱۳۸۵، ص ۷۴) در فرهنگ ایرانی می‌توان جنبه نمادین آب را در مکان‌یابی شهرها و برگزاری

مراسماتی چون تمدن ایلام اشاره نمود. (علم‌الهدی، ۱۳۸۲، ص ۸۴) در سایر نقوش تمدن ایلام نیز جنبه نمادین آب مشهود است (ابراهیمی پورفرسنگی، ۱۳۹۱، صص ۹۴-۸۵). با در نظر داشتن امکان القای معانی نمادین توسط آب و جایگاه آن در هدایت انسان به سمت ارزش‌های والا، این ارزش‌ها و معانی باعث می‌گردد تا از آب به عنوان عامل تذکردهی و نمادی از پاکی یاد گردد. بنابراین در عناصر شهری لزوم تماس با آب، این عنصر نمادین، از کوچک‌ترین عنصر تا کل شهر برقرار می‌گردد.

۵-۱-۳ رنگ‌ها: برخی از رنگ‌ها در فضاها و عناصر شهری و معماری دارای معانی نمادین بسیار می‌باشند و ناظرین را به سوی معانی و مفاهیم والا هدایت و رهنمون می‌سازند. به عنوان نمونه برای این مفهوم می‌توان از رنگ در معماری یاد کرد. معماری آئینه تمام‌نما، معرف سلائق و امکانات و دانسته‌های خالقان خود است. گاه این مفهوم را می‌توان در انتخاب معناگرایانه رنگ در کنار سایر عوامل مرتبط در ابنیه سنتی عنوان نمود. (معماریان، ۱۳۹۳، صص ۵۹-۴۶) در متون ادبی نیز می‌توان گفت رنگ‌ها «بر مفاهیم ذهنی و نمادها دلالت می‌کنند.» (پناهی، ۱۳۸۵، صص ۸۲-۴۹) در واقع «رنگ‌های برگرفته شده از سوی هر ملت در حقیقت واژگان تصویری‌اند که به اعتقادات و آداب و رسوم آن ملت اشاره دارد.» (ذبیح‌نیا عمران، ۱۳۹۲، صص ۱۵۵) البته بیان معانی و مفاهیم و «پذیرش یک رنگ معین به عنوان سمبل در اقوام گوناگون تحت تاثیر عوامل متعددی است مانند: آب و هوا، آداب و رسوم، باورهای کهن و ...» (روشن، ۱۳۸۵، صص ۶۷)

۵-۱-۴ باد: باد علاوه بر نقش تذکردهی (بشارت‌دهنده رحمت الهی، آیه الهی بودن و نزول عذاب الهی)، نقش بسیار موثری در ساخت و توسعه فضاها و عناصر شهری ایفا می‌نماید. باد به لحاظ فرمی مستقل از مکان است ولی تاثیر بسیاری بر مکان‌یابی و جهت‌گیری ابنیه و عناصر معماری دارد. (نقی‌زاده، ۱۳۷۸، صص ۸۴-۷۳) نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنیه و تنظیم ارتفاع ساختمان، به‌گونه‌ای که مانع حرکت باد در عناصر و فضای شهری نگردد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

در گذشته ما شاهد استفاده از بادگیرها در شهرهای کویری ایران بودیم که شاید به جرات بتوان گفت یکی از بهترین نمونه‌های استفاده از عناصر طبیعی در خانه‌ها و فضاها شهریه بوده و شاخص مهمی در تعدیل هوای مناطق گرم بوده است. (ابویی، ۱۳۹۱، صص ۲۸-۱۵)

۵-۱-۵ خاک: خاک نیز به عنوان ماده اولیه خلقت معرفی شده و یادآور انسان به ماهیت اصلی خویش است. این موضوع باعث «سازگاری معماری خاک با سرشت آدمی شده است.» (احمدی دیسفانی، ۱۳۸۵) به طور کلی کاربرد مواد و ساختمایه‌های طبیعی و هم‌سو با سرشت انسانی، مفاهیم و معانی خاصی را بر ناظرین القا می‌نمایند. به عنوان نمونه می‌توان از کاربرد خشت خام در عناصر شهری معماری کویری ایران اشاره نمود. بدین جهت خاک در معماری کویر ساختاری رمزآلود، نمادین و معنایی را در آثار معماری ایفا می‌نماید. (حیدری متین، ۱۳۹۲) به عبارت دیگر «در تمدن معناگرای ایرانی مانند دیگر عناصر، خاک ویژگی‌های نمادینی را بر عهده دارد. به ویژه آن که به جهت اقلیم ایران کاربرد بسیاری در معماری و نوآوری‌های ایرانی مانند قوس، گنبد و ایوان داشته است. به عنوان مثال خاک در کاشی‌کاری‌ها در تلفیق با رنگ و نقش تصویرگر جهان خیال هنرمند و عامل واسطه‌ای از جهان مادی به جهان معنا می‌گردد.» (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۸۳)

۵-۱-۶ سایر عناصر طبیعی: اعم از کوه‌ها، دشتهای، جنگل‌ها، دریاچه‌ها، رودها و... علاوه بر زیبایی عامل یادآوری و تذکر نیز می‌باشند و استفاده از این عناصر در فضاها و در کنار عناصر شهری باعث می‌گردند مناظر بدیعی را پیش روی ناظرین و ساکنان شهرها قرار دهند.

۵-۲ عناصر انسان ساخت و آثار هنری

توجه به ارجحیت و تسلط معنویت (عناصر معنوی و روحانی) بر مادیت (عناصر با عملکرد صرف مادی) در شهرها مهم‌ترین جنبه نمود این اصل می‌باشد. استقرار هماهنگ فضاها و عناصر مختلف در شهر می‌تواند ضمن تذکر از غفلت انسان و غوطه‌ور شدن

انسان‌ها در فعالیت‌ها و امور مادی و بی‌توجهی به بعد معنوی و تمرکز بر دنیا و رشد مصرف‌گرایی و مدگرایی پیشگیری نماید. علاوه بر آن برخی از عناصر و فضاهای شهری و معماری نیز نقش تذکردهی و یادآوری را ایفا می‌نمایند که انسان‌ها را به سمت اصول و ارزش‌های والارهنمون می‌سازند.

۱-۲-۵ نشانه‌ها: بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌های آشنا برای شهروندان جهت یادآوری و القا ارزش‌های معنوی از اصلی‌ترین روش‌های تذکردهی می‌باشد؛ کاربرد نشانه‌ها جهت انتقال معانی و مفاهیم، از اصلی‌ترین صفات آثار ساخت بشر می‌باشد.

۱-۲-۵-۱ نماد و فرم: هنر از هر نوع مرتبه و درجه‌ای که باشد از مهم‌ترین قلمروهای بهره‌گیری از نماد و نشانه است. (بمانیان، ۱۳۹۲، صص ۲۱-۱۳) لکن «نمادها بر معنایی جز معنای ظاهری دلالت دارند.» (کفشچیان مقدم، ۱۳۹۰، صص ۶۶) از سویی دیگر نیز هر اثر هنری شکل و صورتی از بیان است که حامل محتوا، مقصود یا موضوع و سوژه‌ای است که امکان برداشت و تفسیرهایی را برای انتخاب فراهم می‌کند. (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۷، صص ۸۸-۶۹) از این رو است که «مخاطب اثر نقش اساسی در تفسیر اثر هنری دارد.» (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۴، صص ۷۲) به عبارت دیگر «آن‌چه از نهاد نمادها قابل درک است؛ نشانی از جهان‌بینی و نگرش جامعه است.» (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۸۱) پس می‌بایست معانی نام آشنا برای مخاطب به کار رود.

از این رو کاربرد نمادهایی از مفاهیم و موضوعات آشنا برای شهروندان امری ضروری به نظر می‌رسد. نمونه‌ای از این موضوع، کاربرد هندسه و احجام در عناصر معماری و شهر می‌باشد. این موضوع در مساجد مشهود است. «مساجد اسلامی، جلوه‌ای از زیبایی‌های الهی و نمونه بارزی از تلفیق فرم‌های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است.» (ایمان‌طلب، ۱۳۹۱، صص ۷۹) به عنوان مثال کاربرد قوس و تاق در معماری و یا شکل و حجم دایره در گنبد‌های مساجد، (به عنوان نمادی از آسمان) قابل بیان می‌باشند.

۱-۲-۵-۲ کاربرد اعداد مقدس: نوع دیگر بکارگیری نشانه‌ها و نمادها در راستای تذکردهی استفاده از اعداد مقدس می‌باشد. «به طور کلی در باور عامه مردم، اعداد به دو دسته خوش یمن (مقدس) و بدیمن (نحس) تقسیم می‌شوند.» (حسن‌زاده، ۱۳۸۶، صص ۱۶۶) بدین سبب «اعداد در حوزه باورها و اعتقادات علاوه بر ارزش کمی، ارزش کیفی نیز دارند.» (وجدانی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۰) و بدین‌وسیله هنرمندان به جای بیان مستقیم مفاهیم اصلی از اعجاز اعداد کمک می‌گیرند. (هاشمی، ۱۳۹۳) «و بواسطه اعداد، پرده از بسیاری از رمزهای جاودانه برداشته می‌شود.» (زمردی، ۱۳۷۹، صص ۲۷۲) این گونه است که تاثیر نمادها، شکل‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات و باورهای یک جامعه در اعداد مقدس نهفته شده است و خود باعث ارتقای کیفی عناصر معماری و شهرسازی ایرانی می‌گردد. (جعفری فشارکی، ۱۳۹۳) چنان‌که در بسیاری از سنت‌ها بویژه بابلی و هندی، عدد اصلی است که سراسر جهان عینی از آن ناشی می‌شود. (بهزادی، ۱۳۷۹، صص ۲۸-۲۶) و در ایران نیز می‌توان کاربرد این اعداد خاص را در بناها و مساجد (سجاذزاده، ۱۳۹۲) نام برد. معماران ایرانی در بنای ساخت خود به نوعی اعتقاد خویش را نیز بیان می‌نموده است. به عنوان نمونه برای این ویژگی می‌توان به کاربرد اعداد مقدس در مدرسه خان شیراز اشاره نمود. در این بنا «تعداد حجره‌ها ۹۲ عدد است که به حروف ابجد، نام مبارک حضرت محمد (ص) است. پنج مدرس، یک مسجد و دوازده راهرو داشته است. تعداد اتاق‌های آن مجموعاً ۱۱۴ عدد است که برابر با تعداد سوره‌های قرآن کریم است.» (پیرنیا، ۱۳۸۶، صص ۹۴) بکارگیری این اصل نیز در ساخت عناصر و المان‌های شهری، می‌تواند عاملی بر کاربرد ذکر در المان‌های زیباسازی شهری باشد.

۱-۲-۵-۳ رنگ آثار انسان ساخت: به طور کلی رنگ‌ها و ویژگی‌های آنان می‌توانند به عنوان معنا و نمادی از مفاهیم مورد نظر سازندگان عناصر شهری ایفای نقش بنمایند. «مباحث مرتبط با رنگ، چه از نظر معنا و معانی نمادین آن و چه از نظر تاثیرگذاری بر انسان (مباحث روان‌شناسی)» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹، ب، صص ۲۲۱) در جوامع مختلف نقش

مهمی را بر عهده دارند؛ به عنوان نمونه می‌توان به کاربرد کاشی‌هایی به رنگ آبی و فیروزه ای در معماری و گنبد‌های عناصر مذهبی شهرهای ایرانی اشاره کرد.

۵-۲-۱-۴ نور در آثار انسان ساخت: علاوه

بر نورپردازی طبیعی، نور در عناصر انسان ساخت نیز دارای معانی نمادین است چنان که «در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد تعالی، اوج گرفتن، کمال و ... می باشد. از این رو در آثار هنری نقاشان تاریخ، هاله نور در اطراف سر شمایل قدیسان نمادی از تعالی، رسیدن به کمال و اندیشه خاص آنان است.» (نایی، ۱۳۸۶، ص ۶۶) و یا در هنر مانوی، نمادشناسی آن بر پایه تجسم نور و دنیای روشنایی است. (جلالی کمالی، ۱۳۸۶) به طور کلی کاربرد نور مصنوعی علاوه بر نقش مکمل برای نور طبیعی در عناصر شهری، به عنوان جزئی لاینفک و اساسی به لحاظ عملکردی در شب ضروری می‌باشد. طیف نورپردازی عناصر شهری در شب و همچنین نوع، میزان و شدت آن، می‌تواند معانی متنوعی را بر بیننده القا نماید.

۵-۲-۲ آثار هنری: «اثر هنری، شی‌ای است که پدیدآورنده‌ای آن را خلق کرده است و یک اثر هنری جایگاه تلاقی هنرمند و ارواح انسان‌ها است.» (احمدیان باغبادرانی، ۱۳۹۳، ص ۶۰) او (هنرمند) می‌کوشد؛ این ارتباط را غنیمت شمرده و معانی برتر و متعالی را به مخاطب منتقل کند. (نقره‌کار، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲-۹۱) در هنر ایرانی اسلامی نیز هر نقش در ورای ارزش صوری خود، معنای نمادینی دارد. (صحافی اصل، ۱۳۹۰، ص ۷۹-۶۳)

از مهم ترین آثار هنری، استفاده از کلام الهی در ترکیب با سایر هنرها در مکان‌های مختلف شهر و عناصر شهری می‌باشد؛ این مصادیق از قدیم در کتیبه‌ها، خطاطی‌ها، کاشی‌کاری‌ها و گچ‌بری‌های شهرهای سنتی اسلامی وجود داشته و مداوماً ناظر را به اصول و ارزش‌های بنیادین اسلام متذکر می‌کرده است. یکی از مکان‌های مناسب با مضمون آیه به کار برده شده استفاده از آیت‌الکرسی در بناهای مرتفع می‌باشد. از این رو است که می‌توان گفت هنر و معماری اسلامی آموزه‌های اصیل معنوی و رازآلود حکمت اسلامی را بیان می‌کند. (فغفوری،

۱۳۹۳، ص ۱۵-۷) و مفاهیم دینی و آئینی را بازگو می‌نماید. این نمادها و نشانه‌ها که معانی معنوی و روحانی را در خویش مستتر دارند، برخلاف وضعیت حاضر شهرهای معاصر، انسان را به سوی مادیات سوق نمی‌دهند، مصرف را ترویج و ترغیب نمی‌کنند، به فردگرایی و منیت دامن نمی‌زنند و به عبارت دیگر مبلغ و تابع مدگرایی نیستند.

بهره‌گیری از آیات قرآنی در ترکیب با سایر هنرها؛ بر ترویج مفاهیم قرآنی در بین مردم کمک می‌کند. چنانچه گفته‌اند: «وفور کتیبه‌های قرآنی بر دیوار مساجد و بناهای دیگر یادآور این واقعیت است که زندگی اسلامی در همه ابعاد خود با آیاتی از قرآن در آمیخته و بواسطه تلاوت آن و نیز به وسیله نماز و دعا و مناجات، تکیه گاه معنوی پیدا میکند. اگر بتوان تاثیر ناشی از تلاوت قرآن را ارتعاشی روحانی خواند و کلمه بهتری هم برای آن نمیتوان یافت چون تاثیر در مورد نظر ماهیتی معنوی و در عین حال شنیداری دارد، آن گاه باید گفت که همه هنرهای اسلامی بناگزر باید محمل نقشی از این ارتعاش باشند.» (بوکهاردت، ۱۳۷۲، ص ۲۵) «زیبایی‌شناسی هنر ایرانی و اسلامی بر اصل تزئین استوار است.» (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۵۷) البته باید توجه داشت که همه عناصر این تزئینات از قلمرو هنری (کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری و خطاطی) گرفته تا صور و هندسه و از همه بالاتر متون آن، پیوسته ناظر را به اصول و ارزش‌هایی متذکر می‌گردند و معانی و مفاهیم نمادینی را بر مخاطب القاء می‌نماید.

البته در بحث نقش نشانه‌ای آثار هنری می‌بایست گفت که «در هنر، دو گونه نشانه (به معنی عام) و نشانه‌شناسی وجود دارد: نشانه‌ها و نشانه‌شناسی تصویری و آشکار که یا به مثابه عناصر ترکیب‌گر اثر هنری ظهور می‌کنند و یا به تنهایی بار محتوای نشانه را بر خود حمل می‌نماید و نشانه‌ها و نشانه‌شناسی معنوی که باید آن‌ها را فراسوی عناصر تصویری، که در ظاهر مفهومی غیر از خود دارند؛ بازشناخت.» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵، ص ۹) چنین به نظر می‌رسد که هنرمندان نمادگرا و نمادساز در ادوار تاریخی، بر آن بوده‌اند که ضمن افزایش ارتباط انسان و محیط و عناصر زیباساز آن و نیز جوانب

۶- بررسی مصادیقی از ذکر در عناصر شهری

با توجه به توضیحات داده شده و تحلیل محتوای متون اسلامی، ویژگی‌ای که به عنوان برترین و پست‌ترین حالت برای انسان شناخته شده‌اند؛ عبارتند از حالت متذکر بودن و غافل بودن. در واقع بهترین فضا و عنصر شهری، آن است که انسان را آگاه و متذکر بنماید. (رجوع شود به اشکال ۲ و ۱) و بدترین آن‌ها، غفلت‌زا بودن عناصر و فضاهای شهری می‌باشند. با استناد به عالی‌ترین فضای شهری (فضای ذکر)، فضایی است که حس آگاهی و بیداری را در انسان تقویت بنماید.

۶-۱ عناصر معماری و شهرسازی شهر یزد

نمونه‌هایی از حاصل اعتقادات و اهمیت ذکر در سیما و کالبد شهرهای ایرانی قابل مشاهده است. (شکل ۱) که خود دلالت بر نقش آن در ایجاد فضای ذکر دارد. به عنوان نمونه گنبد و مناره موجود در بافت تاریخی شهر یزد، نمودی از القای حس حضور مسجد و عناصر مذهبی آن در شهر می‌باشند. علاوه

نمودار ۲. مدل هویت متذکر در عناصر زیباسازی شهری

عملکردی، از نشانه‌ها در جهت تقویت بار معنایی مکان استفاده نمایند. از این جهت ظهور اسلام و به دنبال آن تقویت تعلیمات اسلام را می‌توان گامی مهم در این نمادگرایی و تذکرسازی در راستای اهداف اسلامی برشمرد. به عنوان نمونه دیگر در هنر اسلامی، می‌توان از سنگاب‌ها یاد کرد که چون اعلامیه و نقش برجسته در معابر شهر، یادآور شهادت کربلا، سنت وقف، آزادگی، ایثار و محمل هنر دینی است. (افضل طوسی، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۳۶) به طور خلاصه می‌توان گفت: شهر اسلامی مدینه ذکر است، شهر اسلامی حامل پیام‌های تذکر دهنده به ساکنان است، تذکراهایی که انسان را به اصول و ارزش‌هایی متوجه می‌کند که فطرتاً به آن‌ها معتقد و ملتزم به رعایت آن‌ها است. ویژگی تذکردهی مدینه اسلامی و عناصر آن را در مقولات مختلفی می‌توان لحاظ کرد.

علاوه بر تاثیر عناصر طبیعی و مصنوعی در ایجاد فضای متذکر، این عناصر در نظام‌های عملکردی، معنایی و زیبایی‌شناختی نیز در اعصار گوناگون قابل بررسی می‌باشند که به عنوان نمونه عناصر زیباسازی بستر مورد مطالعه نیز در این قالب بررسی خواهند شد. (نمودار ۲) مشهود است که تمامی مولفه‌ها اعم از طبیعی و انسان‌ساخت در ایجاد فضای متذکر نقش دارند.



بر این مصالح مورد استفاده و کالبد شهر نمونه‌ای از یادآوری تواضع مردم شهر می‌باشند. کاربرد مصالح و بادگیرها در سیمای شهری بیان‌گر توجه به اقلیم نیز هستند.



شکل ۱. جایگاه تذکردهی عناصر مذهبی در شهر یزد

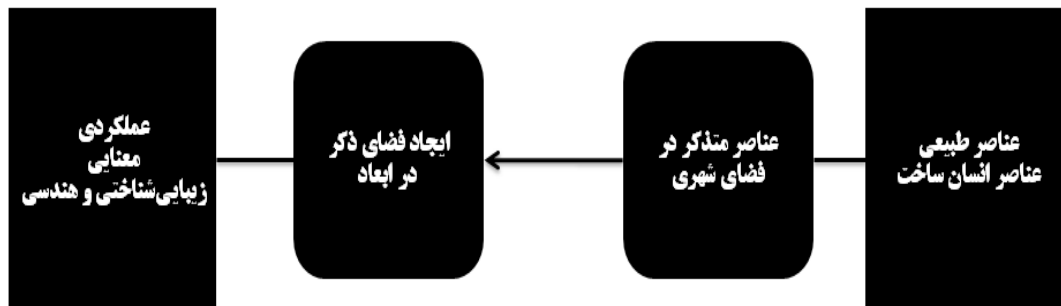
۶-۲ دروازه قرآن شیراز

«دروازه قرآن به عنوان یکی از دروازه‌های شهری شیراز مطرح بوده است ولی ضمن مطالعات انجام شده، این دروازه با ویژگی‌های خاص، به عنوان یک دروازه سمبلیک، در راستای اعتقادات مذهبی مردم به وجود آمده که با توسعه و گسترش شهر و از بین رفتن حصار شهر در اواخر دوره قاجار، نقش دروازه شهری پیدا نموده است.» (شریف، ۱۳۸۱، صص ۱۰۲) این دروازه در ابتدا در زمان عضدالدوله دیلمی ساخته شد و قرآنی در آن جای داده شد تا مسافران با گذر از زیر آن متبرک شوند. دروازه قرآن در دوره قاجاریه به علت وقوع چندین زلزله دچار صدمات زیادی شد که محمد زکی خان نوری آن را تعمیر نمود. این بنا در گذشته تاق قرآن نیز نامیده شده است. گویند مردم روزهای اول هر ماه مردم از شهر خارج شده و از زیر این تاق عبور می‌کرده‌اند. در سال ۱۳۱۵ این بنا به دستور رضاخان، تخریب شد.

دروازه قرآن در سال ۱۳۲۸ شمسی با همت یکی از بازرگانان شیراز به نام حاج حسین ایگار معروف به اعتمادالتجار، با فاصله کمی از دروازه کهن ساخته شد. دروازه جدید در اندازه بزرگ‌تر، شامل دهانه قوس تیزه‌دار و دو ورودی کوچک بر روی جرزهای دو طرف و اتاق مستطیل شکلی بر فراز آن برای گذاشتن قرآن ساخته شد. در این بنا، آیاتی از قرآن را به خط ثلث و نسخ دور تا دور در دروازه قرآن نگاشته‌اند؛ در پیشانی شمالی این تاق آیه: «ان هذا القران یهدی للتی هی اقوم» (اسرا: ۹) و بر پیشانی جنوبی و سمت شهر شیراز آیه: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی...» (اسرا: ۸۸) و در گوشه غربی تاق آیه: «انا نحن نزلنا الذکر» و ادامه آیه در گوشه شرقی: «و انا له لحافظون» (حجر: ۹) نوشته شده‌است. (منبع، URL1) این دروازه خود نمودی از تجلی ذکر و بیان گر اعتقادات مردم شهر در کنار نقش عملکردی عناصر شهری می‌باشد. (شکل ۲)



شکل ۲. دروازه قرآن شیراز نمودی از اعتقاد مردم شهر به ذکر و یاد خدا



نمودار ۳. الگوی نظری تحقیق









چنان که بیان شد واضح است که می‌توان علاوه بر در نظر داشتن ماهیت عناصر متذکر در زیباسازی فضای شهری (به دو گونه طبیعی و انسان ساخت) می‌توان آن‌ها را در سه نظام عملکردی، معنایی و زیبایی شناختی بررسی نمود. (نمودار ۳)













۷- بررسی نمونه موردی (عناصر زیباسازی شهری قم)





همان طور که اشاره شد از ویژگی‌های شهرسازی اسلامی ذکر می‌باشد. فضای ذکر فضایی است که بر مبنای تذکرات و آگاهی انسان بنا گردیده باشد؛ از این رو با توجه به اهمیت تبیین این صفت در ساخت عناصر زیباسازی شهری، هدف تحقیق حاضر تبیین جایگاه این اصل در طراحی این عناصر می‌باشد. از این رو سعی گردیده است؛ با بررسی نمونه‌هایی از این موضوع در شهر قم، (جدول ۲) و تهیه پرسشنامه‌هایی در راستای سنجش رسیدن به اهداف مورد نظر، نظر شهروندان را در مورد نحوه القای شاخصه‌های بدست آمده و فهم این اصل و سایر نکات آن شناسایی نمود.

جدول ۲. تحلیل و بررسی عناصر زیباسازی شهر قم

			
عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.	معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.	عملکرد، زیبایی: عناصر انسان ساخت.	عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.
نورپردازی شهری و استفاده از نمادها و عناصر طبیعی و کارایی در عناصر زیباسازی. (پروانه)	تداعی باورهای مذهبی و فرهنگی در آثار هنری با استفاده از فرم‌ها و نمادها. (نماد علم عاشورا)	عملکرد در عناصر زیباسازی شهری و تداعی مفهوم زمان. (تقویم)	استفاده از آثار هنری با ظاهر طبیعی در تعریف تابلوی ورودی و توجه به عملکرد و زیبایی و معنا. (ورودی بوستان)
			

<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی مفاهیم دینی با استفاده از آثار هنری و ایجاد بستری برای انتقال مفاهیم دینی و مذهبی. (این بقیه الله)</p>	<p>عملکرد، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>عملکرد در عناصر زیباسازی شهری و تداعی مفهوم زمان. (ساعت شهری)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی باورهای مذهبی و فرهنگی و ترویج مفاهیم ایثار و شهادت در آثار هنری. (تصویر و وصیت شهدا)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی باورهای مذهبی و فرهنگی در آثار هنری با استفاده از نمادها و فرمها. (محرم)</p>
			
<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت و طبیعی.</p> <p>تداعی نمادها و عوامل هویت‌ساز بومی در آثار هنری و ایجاد نوآوری. (المان خانه‌های سنتی)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی باورهای مذهبی و فرهنگی در آثار هنری و ایجاد حس مکان در خور ایام خاص محرم. (کاروان امام حسین (ع))</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت و طبیعی.</p> <p>تلفیق عملکرد (آبنما) و وجود عناصر طبیعی چون آب بعنوان نماد پاکی در کنار عناصر غیر طبیعی در راستای انتقال معنا و ایجاد زیبایی. (آبنما)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی نمادها و عوامل هویت‌ساز بومی و نیز باورهای مذهبی در آثار هنری و ایجاد حس مکان در خور ایام خاص محرم و ایجاد نوآوری. (قالی منقش به تصویر عاشورا)</p>
			
<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>کارآیی در عناصر زیباسازی شهری با نمادها و فرم‌های درخور اقلیم گرم و خشک. (سایه بان)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی معانی ملی و فرهنگی با نمایش مفاهیم ایثار، شهادت و پایداری در آثار هنری ضمن کاربرد نمادها و فرم‌ها و ایجاد حس مکان. (نمادهای پایداری)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی باورهای مذهبی و فرهنگی در عناصر زیباسازی و ایجاد نوآوری و حس مکان. (حدیث اهمیت قم به عنوان حرم اهل بیت)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی مفاهیم دینی با استفاده از آثار هنری و ایجاد بستری برای انتقال مفاهیم دینی و مذهبی. (حدیث اهمیت قم به عنوان حرم اهل بیت)</p>

			
<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی نمادها و عوامل هویت‌ساز بومی با استفاده از نمادها و فرم‌ها (خلیج فارس)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی باورهای مذهبی و عناصر هویتی بومی؛ ایجاد حس مکان در آثار هنری. (درب ورودی تاریخی)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>توجه به مناسبت‌های ملی و استفاده از فرم‌ها و نمادها و ایجاد حس مکان و نوآوری. (هفت سین نوروزی)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی مفاهیم ورزشی و ایجاد تشخیص عناصر در ضمن استفاده از رنگ‌های شاد. (ورزش)</p>
			
<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>تداعی نمادها و عوامل هویت‌ساز بومی در آثار هنری و تاکید بر ماهیت اقلیم. (بادگیرهای کویری)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>انتقال معانی مذهبی در آثار هنری با استفاده از نظم هندسی و سادگی. (اسماء الهی)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>ساخت عناصر شهری با استفاده از نمادها و فرم‌ها و ایجاد حس مکان و تاکید (میدان جهاد)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت و طبیعی.</p> <p>استفاده ترکیبی عملکرد (آب‌نما) و معنا (مشک آب و باورهای مذهبی) در ساخت آثار هنری.</p>
			

<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>ساخت عناصر شهری با استفاده از نمادها و فرمها و رنگ؛ ایجاد حس مکان و تاکید (میدان سپاه)</p>	<p>معنا: عناصر انسان ساخت.</p> <p>انتقال معانی ملی و فرهنگی و تاکید بر عناصر با استفاده از نمادها و فرمها (میدان ارتش)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت و طبیعی. انتقال مفاهیم فرهنگی با استفاده از آثار هنری و ایجاد حس مکان و مقیاس انسانی و پرهیز از اشراف بر سایر عناصر. (تمثال امام خمینی در جوار بیت امام (ره))</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>انتقال معانی مذهبی و فرهنگی با استفاده از آثار هنری. (حدیث انتظار فرج)</p>
			
<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>استفاده از نمادها و فرمها و انتقال معانی فرهنگی با استفاده از ساخت آثار هنری. (کتاب و دیوان اشعار)</p>	<p>معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>انتقال مفاهیم شهروندی با استفاده از فرمها و نمادها و ایجاد نوآوری و تاکید. (ارتباط شهروندی با سامانه (۱۳۷)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>ایجاد بستر نمایش مفاهیم مذهبی فرهنگی با استفاده از آثار هنری ضمن رعایت مقیاس انسانی و سادگی. (وصایایی شهدا)</p>	<p>عملکرد، معنا، زیبایی: عناصر انسان ساخت.</p> <p>انتقال معانی مذهبی در آثار هنری با استفاده از نظم هندسی، سادگی و نظم هندسی. (المان القاب ائمه)</p>

۸- تحلیل یافته‌های پژوهش

نظر (زائرین و شهروندان قم) توزیع گردید؛ در شناسایی و انتخاب جامعه آماری سعی شده است که از دو گروه از شهروندان استفاده شود. گروه اول کسانی هستند؛ که به عنوان شهروند عام و فاقد تخصص در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی‌اند. و گروه دوم دانشجویان و مهندسان در رشته معماری و شهرسازی می‌باشند. طی تکمیل پرسشنامه‌ها از پرسش‌هایی نظیر: تزئینات و عناصر شهری واجد چه ویژگی‌هایی باشند که آن‌ها را زیبا بنامیم؟ مدل‌های طراحی شده چه ویژگی خاصی دارد و شما را به یاد چه می‌اندازد؟ آیا نمادها و نشانه‌های این مدل برای شما قابل درک است؟ تا چه حد وجود این عناصر را مفید می‌دانید؟ و موارد مشابهی از افراد مذکور سوال گردید.

بر طبق نظرات اکثریت پاسخگویان: «زمانی که از

ساخت عناصر زیباسازی شهری در هر جامعه بدون زمینه‌سازی فرهنگی و توجه به خواست مردم به عنوان سازندگان و استفاده‌کنندگان اصلی از فضا و شهر مفهومی ناآشنا به نظر می‌رسد. از این رو به جهت تحلیل مفهومی محتوای موجود (مبانی نظری مطرح شده و بررسی مصادیق شهری ملهم از ذکر) در فضای شهری قم به تفصیل مورد بررسی میدانی قرار گرفته و سطح برداشت شهروندان و ادراک آنان و نیز سطح انتقال معانی و مفاهیم و میزان اثرگذاری آن در عناصر موجود زیباسازی شهری از طریق بررسی‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از این رو پس از بررسی نمونه‌های موردی، تصاویر آن جهت ارزیابی و تطبیق با نظرات شهروندان به صورت پرسشنامه در بین افراد مورد

تصاویر و احجام مذهبی در تزئینات»، «مناسبت‌های مهم و تاریخی» و «مواردی که به تاریخ قم مرتبط باشند» استفاده شوند؛ المان‌های شهری زیباتر می‌گردند. آنان همچنین توجه مدل‌های طراحی شده «به محیط منطقه قم» و «استفاده از عبارات دینی» را مفید اذعان داشته‌اند. ولیکن تفاوت یافته‌ها حاکی از آن است که افراد عادی در شناسایی و فهم نکات مورد نظر در طرح مذکور، نکاتی مانند «عبارات و نوشته‌های بدنه احجام» و «وجود آب» را بیشتر مورد تاکید قرار داده‌اند؛ در حالی که مهندسان و دانشجویان به «همساز بودن با اقلیم»، «توجه به مفاهیم نمادپردازی در فرم احجام» و «کاربرد اعداد مقدس» و موارد مشابه توجه نشان داده‌اند. علاوه بر آن، آنان بر اضافه کردن «عملکرد» در کنار زیبایی و معنا در عناصر شهری و «کاربست عناصر طبیعی» در آثار هنر شهری تاکید نموده‌اند. نتایج تفصیلی این بررسی در قالب جداول ۳ الی ۷ قابل مشاهده است. به منظور تحلیل داده‌ها، رابطه عناصر متذکر در فضای شهری (طبیعی و انسان ساخت) با ابعاد ایجاد فضای ذکر (در ابعاد عملکرد، معنایی و زیبایی‌شناختی) بررسی شده است. همچنین برای سنجش هر یک از عناصر متذکر در فضای شهری و ایجاد فضای ذکر از چندین سوال استفاده شده است. از این رو سوالات پس از ترکیب شدن تجزیه و تحلیل نیز گردیده‌اند. با توجه به فاصله‌ای بودن سوالات به دو متغیر ذکر شده از دو آزمون همبستگی پیرسون (۵) برای همبستگی بین متغیرها استفاده شده است. این ضریب به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی استفاده می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت، از کل نمونه ۵۰،۱ درصد را مردان و ۴۹،۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بر حسب وضع تحصیلات، ۴۶،۸ درصد را افراد کمتر از دیپلم، ۵۰،۳ درصد را با تحصیلات دیپلم تا کارشناسی و ۲،۹ درصد را افرادی با تحصیلات بالاتر از کارشناسی شامل می‌شوند. بر حسب گروه سنی ۲۷،۱ درصد متعلق به گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، ۲۲،۴ درصد گروه سنی ۲۰-۲۴ سال، ۲۱،۴ درصد گروه سنی ۲۵-۲۹ سال، ۱۰،۳

درصد گروه سنی ۳۰-۳۴ سال، ۶،۴ درصد گروه سنی ۳۵-۳۹ سال، ۴،۱ درصد گروه سنی ۴۰-۴۴ سال، ۴،۶ درصد گروه سنی ۴۵-۴۹ سال، ۲،۲ درصد گروه سنی ۵۰-۵۴ سال و ۱،۵ درصد گروه سنی ۵۵ ساله و بالاتر هستند. بر حسب محل سکونت از کل نمونه ۶۷،۶ درصد را افراد ساکن در شهر قم و ۳۲،۴ درصد را زوار تشکیل می‌دهند. جدول ۳ توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب عناصر متذکر در فضای شهری (طبیعی و انسان ساخت) است. بیشترین نمره میانگین ۳،۳۶ مربوط به عناصر طبیعی می‌باشد و پس از آن عناصر انسان ساخت با ۳،۱۸ قرار دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب عناصر متذکر در فضای شهری.

طبیعی	انسان ساخت	
۳,۳۶۵۲	۳,۱۸۶۹	میانگین
۰,۰۵۳۲۱	۰,۰۵۷۵۱	انحراف از میانگین
۳,۳۴۱۲	۳,۲۷۵۹	میانه
۴,۰۰	۳,۰۰	مد
۱,۱۲۲۰۲	۰,۶۲۴۸۲	انحراف معیار
۱,۱۸۵۲۱	۱,۱۷۴۵۱	واریانس

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد ایجاد فضای ذکر (عملکردی، معنایی و زیبایی‌شناختی) است. در این جدول همان گونه که مشاهده می‌کنید؛ بیشترین نمره میانگین ۳،۳۶ مربوط به بعد معنایی و کمترین نمره میانگین ۲،۵۵ مربوط به بعد زیبایی‌شناختی است.

جدول ۴. توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد ایجاد فضای ذکر در عناصر زیباسازی شهری.

عملکردی	معنایی	زیبایی شناختی	
میانگین	۳,۳۶۱۹	۲,۵۵۰۶	۳,۲۸۴۸
انحراف از میانگین	۰,۴۲۳۰	۰,۴۳۵۹	۰,۴۶۷۶
میان	۳,۳۰۴۳	۲,۲۷۲۰	۳,۲۸۶۲
مد	۳,۱۷	۲,۰۰	۲,۲۸۰
انحراف معیار	۰,۸۵۰۹۲	۰,۸۸۹۸۸	۰,۹۰۹۸۹
واریانس	۰,۷۲۲۳۶	۰,۷۲۹۱۲	۰,۸۴۰۶۹

از این ابعاد با مولفه‌های مختلف ایجاد فضای ذکر (عملکردی، معنایی و زیبایی‌شناختی) پرداخته می‌شود.

عناصر طبیعی: عناصر طبیعی شامل نور، آب، رنگ، باد، خاک و سایر عناصر طبیعی موجود در فضای شهری و مورد کاربرد در عناصر زیباسازی شهری است. در این تحقیق به منظور سنجش تاثیر عناصر طبیعی در ایجاد فضای ذکر و میزان فهم آنان از این عناصر از پاسخگویان پرسش شده است. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین عناصر طبیعی متذکر در فضای شهری و بعد معنایی وجود داشته است؛ به صورتی که مقدار $r = 0.185$ و سطح معناداری 0.013 است. پس از آن ابعاد زیبایی‌شناختی و عملکردی در مراتب بعدی قرار دارند. به عبارت دیگر چنین می‌توان ادعان داشت که عناصر طبیعی از میان سایر عناصر با مقدار $r = 0.185$ بیشترین تاثیر را داشته است. چنان که معانی متبادر شده به ذهن از این عناصر واجد اهمیت خاصی می‌باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین عناصر طبیعی و ایجاد ذکر در ابعاد گوناگون.

زیبایی شناختی	معنایی	عملکردی	
۰,۰۹۹	(*) ۰,۱۸۵	۰,۸۶	ضریب همبستگی پیرسون
۰,۰۵۷	۰,۰۱۳	۰,۰۸۵	سطح معناداری
۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	تعداد داده‌ها

عناصر انسان ساخت: عناصر انسان ساخت شامل نمادها و فرم‌ها، اعداد مقدس، رنگ و نور مصنوعی در آثار و نیز آثار و عناصر هنری می‌شود. برای سنجش این موضوع نیز سوالاتی همچون: عواملی که در این حوزه واجد اهمیت می‌باشند. و یا سطح برداشت شما از عوامل مصنوعی زیباسازی شهری استفاده شده است. نتایج تحلیل پیرسون حاکی از آن

با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r = 0.132$ و سطح معناداری $= 0.000$) می‌توان ادعان داشت که بین عناصر متذکر ساز شهری و ایجاد فضای ذکر با اطمینان لازم رابطه‌ای معنادار و مستقیم برقرار است؛ یعنی با افزایش عناصر متذکر ساز اعم از طبیعی یا مصنوعی، فضای ذکر با کیفیت بهتری ایجاد خواهد شد و بالعکس.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر عناصر متذکر ساز (طبیعی و انسان ساخت) و ایجاد فضای ذکر در ابعاد سه گانه

مولفه‌های ایجاد فضای ذکر	عناصر متذکر در فضای شهری	
۰,۱۳۲	۱,۰۰۰	ضریب همبستگی پیرسون
۰,۰۰۴		سطح معناداری
۳۸۳	۳۸۳	تعداد

برای سنجش عناصر متذکر ساز در فضاهای شهری از دو گونه طبیعی و انسان ساخت، استفاده شده است که در این جا به سنجش همبستگی هر کدام

است که بین عناصر انسان ساخت زیباسازی شهری و ابعاد عملکردی و معنایی رابطه معنادار وجود دارد. و بعد معنایی در عناصر انسان ساخت بیشترین تاثیر را دارد که البته با وجود در نظر داشتن اعداد ذیل اهمیت بعد عملکردی نیز در کنار آن مشهود است.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین عناصر انسان ساخت و ایجاد ذکر در ابعاد گوناگون.

زیبایی شناختی	معنایی	عملکردی		
۰,۰۹۲	(*) ۰,۱۸۲	(*) ۰,۱۳۲	ضریب همبستگی پیرسون	عناصر انسان ساخت
۰,۰۷۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۹	سطح معناداری	
۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	تعداد داده‌ها	

۹- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شهر مدرن خصلت تکثرگرایی، مادی‌گرایی و بی‌هویتی را در ذهن استفاده‌کنندگان قوت می‌بخشد. رابطه بین تجلی ذکر الهی (از طریق نمادها) و تجلی یاد خدا در زندگی امروزی شهروندان غافل از اصالت انسانی و هویت معنوی آنان ضروری است و در این راستا معماران، هنرمندان و

شهرسازان نقش اساسی‌ای دارند. از این رو وظیفه آنان تقویت نظام معنایی در سازه‌های شهری بر اساس نظامی حاصل از طراحی زیبایی‌شناسانه، عملکردی و معنایی منبعث از مفاهیم معنوی است. در دوران مدرن و زندگی پر هیاهوی شهری معاصر، نیاز به عناصر، نمادها و نشانه‌هایی که جنبه یادآوری و آگاهی بخشی به انسان داشته باشند؛ ضروری به نظر می‌رسند. از این رو معماری، کالبد شهر و عناصر زیباسازی شهری به عنوان اجزایی از فضای زندگی روزمره بشر نقش قابل توجهی

در این تذکردهی خواهند داشت. در جوامع مختلف نمادها و نشانه‌های گوناگونی نقش یادآوری و تذکردهی نکات متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی جامعه خود را بر عهده دارند؛ ولیکن می‌بایست معماران و شهرسازان از تقلیدهای صرف و مناسب‌سازی نشده با فرهنگ و هویت بومی خود پرهیز نمایند و از نمادها و نشانه‌های نام آشنا برای شهروندان خود استفاده ننمایند. بدین جهت ویژگی‌ها و صفات معماری و شهرسازی بومی و ایرانی اسلامی نقش قابل توجهی در راستای آگاهی، بیداری و هویت‌مندی شهروندان و همچنین ارتقای منظر عینی و ذهنی آنان خواهند داشت. طراحی المان‌های شهری در راستای ایجاد فضای ذکر با توجه به عناوین مختلفی چون: توجه به مناسبت‌های تاریخی، آداب و رسوم و فرهنگ جامعه، توجه به آیات و روایات و اسماء الهی و معصومین، توجه به معماری و هویت منطقه و ... قابل تعریف می‌باشند. به عبارت دیگر با توجه به موضوع طراحی تفاسیر و برداشت‌های متفاوتی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. معیارهای گوناگونی در ایجاد فضای ذکر در عناصر شهری موثر می‌باشند.



نمودار ۴. معیارهای ایجاد فضای متذکر

این معیارها در شکل ذیل عنوان گردیده‌اند. (نمودار ۴) تمامی معیارهای طبیعی و انسان‌ساخت در ایجاد فضای متذکر نقش دارند اگر چه طبق نتایج این پژوهش نقش، ادراک و تاثیرگذاری عوامل طبیعی بیشتر و موثرتر است.

نظرات و تاکید اکثریت شهروندان بر لزوم انتقال مفاهیم و معانی خاص، در قالب عناصر زیباسازی شهری می‌باشد. آنان انتقال مفهوم مذهبی، دینی و

هویت‌مند را ضروری می‌پندارند؛ ولیکن نوع نگرش و دیدگاه‌ها در برخورد با عناصر متفاوت می‌باشد. دیدگاه عام و کلی شهروندان در درک نمادپردازی‌ها و مفاهیم تخصص‌گرایانه طراحان به نسبت افراد دارای تخصص در حیطه هنری پایین‌تر می‌باشد؛ از این رو ضروری به نظر می‌رسد؛ که از معانی، نمادها، عناصر و نشانه‌های نام‌آشناتری چون مفاهیم و کتیبه‌های مذهبی و قابل درک در کنار نمادپردازی هنرمندانه استفاده گردد. چنان‌که به نظر می‌رسد که هویت کالبدی عناصر زیباسازی شهری به پیروی از اصول شهر اسلامی نظیر ذکر و ایجاد فضای متذکر، نتیجه تعامل نظام عناصر طبیعی و مصنوعی نظیر آب، باد، نور و غیره و صفات قائم به ذات آن‌ها به همراه در نظر داشتن سه نظام عملکردی، معنایی و زیبایی‌شناختی نقش اساسی‌ای را ایفا می‌نمایند اگر چه نمادهای خاص ریشه در باورهای مذهبی، اعتقادی و جهان‌بینی سازندگان داشته و از این رو در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف به گونه‌ای متنوع استفاده شده است و در تعریف نظام عناصر زیباسازی شهری نقش به‌سزایی را داشته است. و علاوه بر آن توجه به هر سه بعد عملکردی، معنا و زیبایی در ساخت عناصر زیباسازی شهری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آل‌هاشمی، آیدا (۱۳۸۸)، «معبد آب؛ معبد آناهیتا پیدایش فضای معماری در روند تکامل مفهوم آب». فصلنامه منظر، سال اول، شماره ۱، تهران، ۶۱-۵۸.
- ۳- آیت‌الهی، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، «نشانه‌ها و نشانه‌شناسی هنر». مجله فرهنگ و هنر، سال اول، شماره ۳، تهران، ۱۱-۶.
- ۴- آیت‌الهی، حبیب‌الله (۱۳۸۶)، «ذکر هنرمند». نشریه رواق هنر و اندیشه، شماره ۱۲، تهران، ۶۱-۶۰.
- ۵- ابراهیمی پورفرسنگی، مریم، و احمد نادعلیان (۱۳۹۱)، «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان». فصلنامه نگر، شماره ۲۱، تهران، ۹۴-۸۵.
- ۶- ابویی، رضا، و فرهنگ مظفر، و لیلا ذاکرعاملی (۱۳۹۱)، «پیدایش بادگیر در خانه‌های دشت یزد- اردکان». دوفصلنامه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی، سال دوم، شماره ۳، اصفهان، ۲۸-۱۵.
- ۷- احمدیان باغبادرانی، صدیقه، و عفت السادات افضل طوسی، و منصور حسامی کرمانی (۱۳۹۳)، «نقش تعاملی هنر، تجارت و پایگاه‌های موثر از منظر نشانه‌شناسی». فصلنامه باغ نظر، سال یازدهم، شماره ۳۱، تهران، ۶۶-۵۵.
- ۸- احمدی دیسفانی، یدالله (۱۳۸۵)، «معماری خاک سازگارترین معماری با طبیعت و سرشت انسان». همایش منطقه‌ای معماری کویر، اردستان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان.
- ۹- افضل طوسی، عفت السادات، و نسیم مانی (۱۳۹۲)، «سنگاب‌های اصفهان؛ هنر قدسی شیعه». فصلنامه باغ نظر، سال دهم،

- شماره ۲۷، تهران، ۶۰-۴۹ - ۱۸
- پناهی، مهین (۱۳۸۵)، «روانشناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما؛ بر اساس روانشناسی رنگ ماکس لوشر». فصلنامه پژوهش های ادبی، شماره ۱۲ و ۱۳، تهران، ۸۲-۴۹.
- پورجعفر، محمدرضا، و لیلامدقالجی (۱۳۸۹)، «مضامین دینی شینتو و تاثیر آن بر معماری ایزدکده های ژاپن». نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، سال اول، شماره ۱، تهران، ۲۶-۱۵.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۶)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران». تهران، انتشارات سروش دانش.
- پیشوایی، حمیدرضا، و مهرداد قیومی بیدهندی (۱۳۹۲)، «خاک و خرد؛ تاملی در شان معماری در مثنوی معنوی». دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، سال دوم، شماره ۳، کاشان، ۳۵-۱۷.
- جعفری فشارکی، مرتضی، و فریال سادات سیادت (۱۳۹۳)، «نظم مقدس اعداد: کنکاشی پیرامون تاثیر فرهنگ بر عناصر معماری و شهرسازی ایرانی، بررسی نقش نمادهای عددی با تاکید بر مفهوم خواص اعدادمقدس». همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، اصفهان، دانشگاه شیخ بهایی.
- جلالی کمالی، فتانه (۱۳۸۶)، «پژوهشی پیرامون پیشینه جلوه های بصری نور در نگارگری». فصلنامه باغ نظر، سال چهارم، شماره ۸، تهران، ۳۴-۲۳.
- جوادی، شهره (۱۳۸۴)، «تزئین، عنصر اصلی در زیبایی شناسی هنر ایران». فصلنامه باغ نظر، سال دوم، شماره ۳، تهران، ۵۷-۵۱.
- جوادی، شهره، و ندا عرب سلغار (۱۳۹۲)، «تجلی قداست آب در آرامگاه سعدی شیراز». فصلنامه باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۶، تهران، ۲۳-۱۳.
- امین زاده، بهناز (۱۳۸۲)، «آب، معماری و شهرسازی مسلمین». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۵۷ و ۵۸، تهران: خانه کتاب، ۶۹-۷۲.
- ایمان طلب، حامد، و سمیه گرامی (۱۳۹۱)، «نسبت معنا و شکل؛ تطابق اندیشه معماری مسجد و فرم شناسی نماز». دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۶، تهران، ۸۸-۷۷.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۴)، «جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس». فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، تهران، ۱۴-۵.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۰)، «جسم اسلامی شهر». ماهنامه سوره اندیشه، شماره ۵۰ و ۵۱، تهران، ۲۱۶-۲۱۲.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۶)، «بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان». نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، جلد ۱۸، شماره ۵، تهران، ۴۴-۳۷.
- بمانیان، محمدرضا، و سیدعلی درازگیسو، و پایا سالم (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی کاربرد نماد و نشانه در آثار معماری دوره های صفوی و معاصر ایران». دوفصلنامه نقش جهان، سال سوم، شماره ۲، تهران، ۲۱-۱۳.
- بهزادی، رقیه (۱۳۷۹)، «مفهوم برخی از اعداد در اساطیر و نزد اقوام کهن». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۲۷ و ۲۸، تهران، خانه کتاب، ۲۸-۲۶.
- بورکهاردت، تیتوس (۱۳۷۲)، «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی». ترجمه: غلامرضا اعوانی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

- ۲۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، «آثار ذکر خدا». نشریه اسراء، شماره ۱۰، قم.
- ۲۷- چهاردولی، منوچهر و شیدا روستایی (۱۳۸۹)، «مدیریت نورپردازی شهرها و استفاده از فناوری سیستم اطلاعات جغرافیایی در نورپردازی شهرها». همایش منطقه‌ای شهر، شهروند و مدیریت شهری، ملایر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- ۲۸- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۶)، «از شار تا شهر». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- حسن‌زاده، آمنه (۱۳۸۶)، «جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل». نشریه فرهنگ و مردم ایران، شماره ۱۰، تهران، ۱۸۹-۱۶۵.
- ۳۰- حقیقت‌بین، مهدی، و مجتبی انصاری (۱۳۹۳)، «نمادپردازی در باغ‌های ایرانی در دوره اسلامی و ارتباط آن با باورهای مذهبی سازندگان». دوفصلنامه نقش جهان، سال چهارم، شماره ۱، تهران، ۵۵-۴۷.
- ۳۱- حیدری متین، نگار، و مرضیه حاج بابایی (۱۳۹۲)، «بررسی ساختار نمادین همنشینی ارکان ماده: آب، آتش، باد و خاک و مدول های ضمنی». دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ۳۲- خسروی، محمدباقر (۱۳۷۸)، «آب در فرهنگ، هنر و معماری ایرانی». نشریه هنر، شماره ۴۹، تهران، ۱۲۰-۱۱۲.
- ۳۳- خوشحال دستجردی، طاهر، و مرضیه کاظمی (۱۳۸۹)، «تحلیل جایگاه ذکر در قرآن و بازتاب آن در عرفان اسلامی». نشریه پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، شماره ۵، تهران، ۴۰-۱۵.
- ۳۴- خوش‌نظر، سیدرحیم، و محمدعلی رجبی (۱۳۸۸)، «نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۷، تهران: خانه کتاب، ۷۶-۷۰.
- ۳۵- خیالی طیبی، احمد، و سیما شیرمحمدی (۱۳۹۲)، «بررسی رمز و نماد در حدیقه سنایی». نشریه مطالعات نقد ادبی، شماره ۳۰، تهران، ۲۳-۱.
- ۳۶- دیباج، سیدموسی (۱۳۸۴)، «فضای نور و معماری نور». فصلنامه باغ نظر، سال دوم، شماره ۳، تهران، ۵۰-۴۸.
- ۳۷- ذبیح نیا عمران، آسیه و سید خلف حوتی نژاد (۱۳۹۲)، «روانشناسی رنگ در روایت وامق و عذرا». نشریه چیدمان، سال دوم، شماره ۲، یزد، ۱۶۳-۱۵۴.
- ۳۸- رضوی، نیلوفر (۱۳۷۹)، «معماری مسجد موسیقی نور». مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد: افق آینده، کاشان.
- ۳۹- روشن، امین (۱۳۸۵)، «رنگ در شاهنامه». نشریه حافظ، شماره ۲۷، تهران، ۷۰-۶۷.
- ۴۰- رهبر، علی (۱۳۸۵)، «حقیقت ذکر». فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره ۳، قم، ۱۰۴-۸۵.
- ۴۱- زمردی، حمیرا (۱۳۷۹)، «تجلیات قدسی: تمهیدات عددی اسطوره، سمبل و نشانه». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، شماره ۱۵۶، تهران، ۲۷۳-۲۵۹.
- ۴۲- سجاذزاده، حسن و زهرا مهدوی جم (۱۳۹۲)، «نقش اعداد مقدس در معماری اسلامی». کنفرانس بین المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- ۴۳- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، «نمادگرایی در تاج محل». نشریه هویت‌شهر، سال پنجم، شماره ۹، تهران، ۴۷-۳۷.

- ۴۴- شریف، حمید رضا (۱۳۸۱)، «یادی از دروازه قرآن». دوفصلنامه صفا، سال دوازدهم، شماره ۳۴، تهران، ۱۱۷-۱۰۲.
- ۴۵- شکاری، جواد (۱۳۸۱)، «معماری مسجد در نظام اسلامی». نشریه مسجد، سال یازدهم، شماره ۶۳، تهران، ۴۵-۴۲.
- ۴۶- شهیدی، شریف، و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۸)، «نقش خدامحوری در شکل‌دهی به ساختار، اجزاء و عملکردهای معماری اسلامی ایران». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۷، تهران: خانه کتاب، ۴۶-۵۵.
- ۴۷- صحافی اصل، پریسا، و حبیب‌الله آیت‌اللهی (۱۳۹۰)، «بررسی تداوم عناصر تزئینی معماری ایران باستان در معماری دوران اسلامی ایران تا پایان دوره صفوی». فصلنامه نگره، شماره ۱۹، تهران، ۶۳-۷۹.
- ۴۸- ضیاءبخش، ندا، و سیدمصطفی مختاباد امرئی (۱۳۸۹)، «معنابخشی عبادی نور طبیعی در فضای معماری؛ دو فیلم نور زمستانی برگمن و پری مهرجویی». فصلنامه هنرهای زیبای نمایشی و موسیقی، شماره ۴۲، تهران، ۷۰-۵۹.
- ۴۹- طوسی، معصومه، و سیدنظام‌الدین امامی‌فر (۱۳۹۰)، «نمادشناسی و نشانه‌شناسی عناصر باغ‌های ایرانی باتوجه به عناصر باغ فین کاشان». فصلنامه نگره، شماره ۱۷، تهران، ۷۱-۵۹.
- ۵۰- طوفان، سحر (۱۳۸۵)، «بازشناسی نقش آب در حیاط خانه های سنتی ایران». فصلنامه باغ نظر، شماره ۶، تهران، ۸۱-۷۲.
- ۵۱- طهوری، نیر (۱۳۸۶)، «نماد و نشانه در تفسیر معماری اسلامی». نوشته: آگ گرابار، نشریه گلستان هنر، شماره ۹، تهران، ۲۵-۱۳.
- ۵۲- علاءالدین، سیدمحمدرضا (۱۳۸۲)، «معماری ذکر و معماری غفلت از منظر قرآن کریم». نشریه کوثر، سال دوم، شماره ۹، اصفهان، ۳۹-۳۴.
- ۵۳- علم الهدی، هدی (۱۳۸۲)، «آب در معماری ایرانی». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۵۷ و ۵۸، تهران، خانه کتاب، ۹۰-۸۴.
- ۵۴- علی‌آبادی، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر؛ نگاهی دیگر به مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی». دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، سال اول، شماره ۱، کاشان، ۳۷-۲۵.
- ۵۵- فقیهی مقدس، نفیسه (۱۳۸۳)، «آثار و فواید ذکر خدا». نشریه شمیم یاس، شماره ۱۴، قم، ۱۷-۱۴.
- ۵۶- فغفوری، رباب، و حسن بلخاری قهی (۱۳۹۳)، «تجلی حکمت اسلامی در ساختار و مضامین محراب زرین فام حرم مطهر رضوی». دوفصلنامه نقش‌جهان، سال چهارم، شماره ۱، تهران، ۱۵-۷.
- ۵۷- کفشچیان مقدم، اصغر، و مریم یاحقی (۱۳۹۰)، «بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایرانی». فصلنامه باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۹، تهران، ۷۶-۶۵.
- ۵۸- کلانتری، خلیل. ۱۳۸۷. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS. تهران: فرهنگ صبا.
- ۵۹- کلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق ابن جعفر. ۱۳۵۹. اصول کافی. ت: سیدجواد مصطفوی، جلد ۸، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۶۰- گرگانی، مهرانه (۱۳۷۶)، «ابزار روشنایی در هنر اسلامی و نور در معماری ایران». نشریه میراث فرهنگی، شماره ۱۷، تهران، ۵۵-۴۹.

- ۶۱- ماجدی، حمید، و زهرالسادات سعیده زربادی (۱۳۸۹)، «جستاری در نشانه‌شناسی شهری». نشریه آرمانشهر، شماره ۴، تهران، ۵۶-۴۹.
- ۶۲- مجلسی، ابودر (۱۳۸۷)، «مفهوم نور و رنگ و بررسی آرای هانری کرین در کتاب انسان نورانی در تصوف ایرانی؛ با توجه به معماری صفوی». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۱۸، تهران: خانه کتاب، ۳۰-۱۸.
- ۶۳- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۵)، «بحار الانوار». جلد ۷۳، قم، نشر فقه.
- ۶۴- محمدی خوش‌بین، حامد (۱۳۹۲)، «تجلی خداوند در کتیبه نگارگری معماری اسلامی». دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ۶۵- محمودزاده، مهرداد (۱۳۸۲)، «ذکر هنرمند؛ نمونه‌هایی از نسبت ذکر با صنعت در متون فارسی». فصلنامه خیال، شماره ۶، تهران، ۸۹-۸۴.
- ۶۶- مروتی، سهراب، و سارا ساکی (۱۳۹۲)، «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم». نشریه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۷، مشهد، ۱۵۴-۱۳۵.
- ۶۷- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، «ذکر عامل مهم غفلت‌زدایی». نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۶۵، تهران، ۴۸-۴۵.
- ۶۸- مفیدی شمیرانی، سید مجید، و نیلوفر نیک‌قدم، و منصوره طاهباز (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی شهرها، بنادر و جزایر جنوبی ایران؛ در دوره قاجار با معیارهای آبادانی». فصلنامه باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۶، تهران، ۷۰-۵۹.
- ۶۹- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۸)، «معرفی گوشه ای از معماری ناشناخته ایران؛ ساختمان آب انبارها». دوفصلنامه نامه معماری و شهرسازی، سال اول، شماره ۲، تهران، ۱۴۱-۱۲۵.
- ۷۰- معماریان، غلامحسین، و سیروان عظیمی و مهدی کبودی (۱۳۹۳)، «ریشه یابی کاربست رنگ آبی در پنجره های ابنیه سنتی مسکونی؛ نمونه موردی ابنیه مسکونی اورامان». فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، سال اول، شماره ۳، تهران، ۵۹-۴۶.
- ۷۱- منصوری، سید امیر (۱۳۸۸)، «معماری آب». فصلنامه منظر، سال اول، شماره ۱، تهران، ۳-۲.
- ۷۲- موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «تجلی ذکر و رمزپردازی مسجد در معماری ایرانی و اسلامی». دومین همایش ملی معماری عمران و محیط‌زیست شهری، همدان، دانشکده شهید مفتح.
- ۷۳- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، و سها مطور (۱۳۹۱)، «کیفیت نورگیرها در گنبدهای ایرانی؛ با رویکرد به مسائل سازه‌ای گنبد». دوفصلنامه نقش جهان، سال دوم، شماره ۳، تهران، ۱۲-۱.
- ۷۴- ناییبی، بتول، و فاطمه کاتب، و مهرانگیز مظاهری، و بهروز بیرشک (۱۳۸۶)، «تأثیر نور فضاهای داخلی بر کیفیت زندگی و رفتارهای اخلاقی انسان». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۳ و ۴، تهران، ۷۲-۶۵.
- ۷۵- نقره‌کار، عبدالحمید، و فرهنگ مظفر، و مریم عظیمی (۱۳۹۰)، «جایگاه خیال در آفرینش اثر هنری، از منظر اسلامی». نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۳، تهران، ۱۰۲-۹۱.
- ۷۶- نقره‌کار، عبدالحمید، و مهدی حمزه‌نژاد، و صدیقه معین‌مهر (۱۳۹۲)، «راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط

۱۲ در موسیقی ایرانی». ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۵۱ و ۵۲، تهران: خانه کتاب، ۱۱۹-۱۲۲.

۸۶- هاشمی، آذین، و رضا گودرزی (۱۳۹۳)، «نقش اعداد مقدس در معماری». دومین کنگره بین المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز.

87- دسترسی در (<https://goo.gl/mAARVN>) (۱۳۹۲/۰۵/۰۱)

زندگی از منظر اسلامی مطالعه موردی بررسی بافت کهن کرمان در دو مقیاس محله، خانه». فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳، سنندج، ۳۱-۴۶.

۷۷- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸)، «منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی». نشریه هنر، شماره ۴۰، تهران، ۹۹-۱۱۶.

۷۸- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، «معماری و شهرسازی اسلامی». اصفهان، انتشارات راهیان.

۷۹- نقی‌زاده، محمد، و مریم درودیان (۱۳۸۷)، «تبیین مفهوم گذار در مبانی هویت تمدن ایرانی». فصلنامه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، تهران، ۷۳-۸۴.

۸۰- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹ الف)، «تاملی در چیستی شهر اسلامی». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۱، تهران، ۱-۱۴.

۸۱- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹ ب)، «تحلیل و طراحی فضای شهری». تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.

۸۲- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «ذکر عالی‌ترین ویژگی برای عالی‌ترین محیط زندگی». ماهنامه کتاب ماه هنر، سال هجدهم، شماره ۱۷۳، تهران: خانه کتاب، ۱۹-۱۴.

۸۳- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۸۴)، «اصالت زیبایی و انضمامی بودن سوژه در هنر». فصلنامه باغ نظر، سال دوم، شماره ۳، تهران، ۶۴-۷۶.

۸۴- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۸۷)، «نظریه فرمال؛ اساس نقد، تفسیر و فهم آثار هنری». فصلنامه باغ نظر، سال پنجم، شماره ۱۰، تهران، ۶۹-۸۸.

۸۵- وجدانی، بهروز (۱۳۸۱)، «اعداد نمادین ۷ و

درس‌ها و آموزه‌های مهندسی جنگ در دفاع مقدس: الگوی مدیریت جهادی - علمی برای نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

علیرضا عندلیب* - دانشیار شهرسازی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ ایران، همواره سرشار از تجارب ارزشمندی است که در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، جنگ و دفاع، مدیریت، معماری و شهرسازی و نظایر آن مشهود است. انتقال این تجارب به نسل‌های بعد و کاربست آموزه‌های حاصله، گام مهمی به سوی اعتلای کشور محسوب می‌شود. دفاع مقدس، به‌عنوان تجربه‌ای موفق در مدیریت و حرکتی ملی، گنجینه پربراری است که بیش از سایرین ایفای نقش می‌نماید. تجربیات مهندسی جنگ در این دوران، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در عرصه‌های فعالیتی و مدیریتی کشور به‌ویژه مدیریت شهری و بالاخص نوسازی بافت فرسوده داشته باشد. این نوشتار با استناد به سابقه میدانی و مطالعات انجام شده توسط نگارنده، امکان مستندسازی وقایع را فراهم آورده و تکمیل مطالعات مرتبط با نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و غنابخشی به ظرفیت برنامه‌ریزی‌های نوسازی، با بهره‌گیری از تجربیات مهندسی جنگ در ۸ سال دفاع مقدس، هدف تحقیق را تشکیل می‌دهد. یافته‌های حاصل و مهم‌ترین آموزه‌های برگرفته از مهندسی جنگ را می‌توان در تبیین رویکردی جهادی - علمی در مدیریت نوسازی بافت‌های فرسوده خلاصه نمود و ایمان، اعتقاد نسبت به حرکت جهادی، به‌کارگیری علم و دانش تخصصی، تفکر پیشرو و اندیشه خلاق، مشارکت تعاملی، پایایی در مسیر عمل، یادگیری حین عمل و باز تعریف مبانی و تحول در شیوه‌ها را عناصر اصلی این رویکرد برشمرد.

واژگان کلیدی: مهندسی، جنگ، دفاع مقدس، مدیریت نوسازی، بافت فرسوده، رویکرد جهادی - علمی.

Military Engineering in Iran-Iraq war, Lesson Learned A Normative-Scientific Management Pattern for Renovation of Deteriorated Urban Areas

Abstract

Iran's history boasts valuable experiences that are evident in various fields of economic, social, war and defense, management, architecture, urbanism, and so on. Transferring this experience to the next generations and applying them is an important step towards improving the country. The Iran-Iraq War (the Holy Defense), as a successful experience in management and also a national movement is a valuable event which plays more important role than others. The experiences of military engineering during this time period could significantly affect any practical and management field, especially on the city management and renovation of urban deteriorated area. In this article, according to field studies and researches which are conducted by the author, it is provided to document the events and complete the studies in renovation of urban deteriorated area. The main purpose is to enrich the capacity of renovation planning, by employee the experiences of military engineering in the duration of the holy defense. The lessons learned from warfare engineering can be summarized in adopting the Normative-scientific approach to manage the renovation of urban deteriorated areas. This new approach has emphasized on some principles that adopted according to Iranian-Islamic culture based on a special value, scientific and experimental oriented managerial approach. Leading and creative thinking, interactive participation, reliability in the way to action, learning while doing, and redefining the foundations and transformation of practices are the main elements of this approach.

Keywords: Military Engineering, Holy Defense, Renovation, Management, Deteriorated Urban Areas, Normative-Scientific Approach

اکنون که سال‌های آغازین سده بیستم و یکم را پشتسر می‌گذاریم، اهمیت بازنگری مهم‌ترین تحولات سده بیستم به دلیل مشابهت‌های فراوان آن بیشتر می‌شود. سده بیستم عصر دگرگونی‌های بنیادی در همه عرصه‌های زندگی بشر، از جمله عرصه‌های دفاعی و امنیتی بود. در این قرن جهان شاهد وقوع جنگ‌هایی بود که با هدف مشابه آغاز شدند و خسارت‌های سنگین جانی و مالی فراوانی را به بار آوردند. در میان تحولات بزرگ و کوچک این قرن، جنگ‌ها اصلی‌ترین رویدادی بود که حساسیت دولت‌ها و ملت‌ها را برانگیخت و بسیاری از مردم نسبت به آنها ابراز انزجار کردند. اولین جنگ خلیج فارس (عراق علیه ایران) طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم بعد از جنگ ویتنام بود و پرهزینه‌ترین درگیری نظامی در تاریخ معاصر منطقه جنوب غرب آسیا محسوب می‌شد. در این جنگ هر دو قدرت جهانی و هم‌پیمانانشان در دوران جنگ سرد به حمایت از یک طرف نبرد، یعنی عراق پرداختند. مهم‌تر اینکه عدم حل و فصل‌نهایی این جنگ با برقراری صلح میان دو کشور ایران و عراق به همراه مسایل بسیار دیگر سبب شد تا علل آغاز، چگونگی شکل‌گیری زمینه‌ها، ماهیت، اهداف، نتایج و آثار جنگ تا سال‌های مدیدی همچنان مورد بحث و بررسی قرار گیرد (عندلیب، ۱۳۸۰).

بررسی ابعاد و زوایای گوناگون این جنگ تحمیلی، بسیار حائز اهمیت است، زیرا تجربیات مهندسی جنگ در ۸ سال دفاع مقدس و درس‌های حاصل از آن می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در تمامی عرصه‌های مدیریتی کشوری داشته باشد. یکی از مهمترین بسترهای کاربست آموزه‌های منتج از این جنگ، در چارچوب طرح ریزی و برنامه ریزی مدیریت شهری نمود می‌یابد. چراکه این تجربه، نشان داد هر چند تمامی مناطق کشور به عنوان اجزای یک نظام (سیستم) کمابیش متأثر از مساله‌ی جنگ می‌شود، اما عمده‌ترین تأثیرات، چه از نظر تخریب و چه از نظر تهدیدات ناشی از جنگ، در وهله نخست، متوجه مناطق مرزی و سپس شهرها و بویژه کلان شهرها است. از سویی دیگر، ساختار داخلی شهرها نیز

به گونه‌ای است که با معضلات مهمی همچون بافت‌های فرسوده مواجه هستند و از این حیث، دچار بحران تصمیم‌گیری بوده و بیش از هر زمان دیگر نیازمند توجه و مدیریت می‌باشد. از همین روی ضرورت اعمال مدیریتی مدبرانه و هوشمند برای نوسازی این مناطق ضرورت و اهمیت افزون‌تر می‌یابد. بنابراین تجربه مهندسی جنگ با تمرکز بر بعد مدیریت آن، گرچه از وضعیت کاملاً یکسانی در قیاس با نوسازی برخوردار نیست، لیکن می‌تواند وجوه اشتراکی را بین آنها شناسایی نمود.

معضل بافت فرسوده در حد بحرانی خود به تهدیدی جدی برای توسعه و حیات شهری ساکنان این مناطق تبدیل شده است. به همین جهت مقابله با مسایل و مشکلات این بافت‌ها و نوسازی آنها از دشوارترین کارها و اقدامات مدیریت شهری بشمار می‌رود. به همین جهت است که بعضی از مدیران شهری ورود به نوسازی آنها را به مثابه پای گذاشتن در میدان مین قلمداد کرده‌اند (قالیباف، ۱۳۸۸). به زعم آنان، معضل بافت‌های فرسوده تنها ساختمان‌های ناپایدار آن نیست بلکه، آسیب‌های اجتماعی، فقر، فساد، ناامنی، جرم و جنایت و حتی مرگ انسانیت است که در این مناطق اتفاق افتاده است. لذا، دغدغه این مدیران از نوسازی بافت‌های فرسوده تنها درست کردن کالبد یا نمای شهر، ساختمان سازی و ایجاد اصلاحات و رونق اقتصادی نیست، بلکه از نظر آنها، در بافت‌های فرسوده بحث انسانیت، شرافت و کرامت شهروندان مطرح و مورد تأکید قرار دارد (قالیباف، ۱۳۹۴). در این راستا، به‌منظور رفع آسیب‌ها و معضلات موجود در بافت‌های فرسوده بحث نوسازی بافت‌های فرسوده اهمیت و ضرورت مضاعف می‌یابد. در این راستا، این نوشتار تلاش نموده است تا در راستای تکمیل مطالعات مرتبط با نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، با بهره‌گیری از تجربیات مهندسی جنگ در ۸ سال دفاع مقدس به انجام طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی‌های نوسازی این مناطق غنا بخشد. بدیهی است در این مقاله به تمامی ابعاد گوناگون این تجربیات به‌دلیل گستردگی دامنه و سطوح مختلف آنها پرداخته نشده است و صرفاً بخشی از مبانی کلان آن مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است، این نوشتار با

استناد به سابقه میدانی و مطالعات انجام شده توسط نگارنده به تحریر در آمده است. پس از مرور کلی مقوله جنگ تحمیلی و اشاره و به اصول و مبانی حاکم بر عرصه‌های دفاع مقدس به سیر تکاملی مهندسی جنگ و نقش‌های گوناگون آن طی این دوران اشاره شده است و سپس با استفاده از تجربیات مهندسی جنگ، درس‌ها و آموزه‌هایی به منظور بهره‌برداری در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری ارائه شده است.

الگوی مدیریت جهادی دفاع مقدس، تنها تجربه تاریخ معاصر در ایجاد و اداره یک حرکت ملی

در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، جنگ و دفاع، مدیریت، معماری-شهرسازی و نظایر آن مشهود است. با کمال تأسف باید گفت این تجارب عمدتاً در دوران خود مدفون شده و به نسل‌های دیگر منتقل نشده، یا کشورهای دیگر جهان از آن به نام خود تجربه جدیدی را به ثبت رسانده‌اند.

ملت ما حرکت‌های عظیمی همچون جنبش تحریم تنباکو، نهضت مشروطیت، جنبش ملی‌شدن نفت و در رأس همه آنها انقلاب بزرگ اسلامی را شکل داده است. اما در تاریخ کشور ما (به ویژه در چند قرن اخیر) کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که مانند نهضت دفاع مقدس واجد اهمیت باشد (علایی، ۱۳۷۳)؛ چراکه تجارب حاصله از آن می‌تواند به‌عنوان راهنمایی عبرت‌آموز فراراه پوییش تاریخی این ملت باشد و لذا واجد اهمیت است، زیرا:

۱. اولاً؛ مدیریت‌پذیری این حرکت‌های بزرگ ملی قابل بحث است. به این معنا که هیچکدام به‌عنوان حرکتی که اهداف، برنامه‌ها و روش‌هایش به صورت منظم و آگاهانه تعیین و طراحی شده باشد، نبوده‌اند و به همین دلیل نمونه‌های قابل‌شبیه‌سازی و تکرار نیستند. رهبری در این نهضت‌ها جریان حوادث را در کنترل گرفته و سپس جهت آن را هدایت نموده است. اما دفاع مقدس، حرکتی است که توسط یک دستگاه رسمی مدیریتی (شبکه و مراتبی

از مدیران رسمی) و براساس شیوه‌ها و ساختار رسمی (تعیین‌شده توسط دستگاه مدیریتی) شکل گرفته و اداره شده است.

۲. ثانیاً؛ ممکن است گفته شود این حرکت‌ها در مجموع صورتی سلیبی و تخریبی داشته‌اند و یک اقدام اثباتی و سازنده را، در جریان وقوع، نشان نمی‌دهند. باز در مورد دفاع مقدس چنین نمی‌توان گفت. این جریان مقدس به روشنی حرکتی بود که یک ملت در دفاع از کیان خود و تثبیت پایه‌ها و نمایش قدرت خویش به‌عمل آورد.

۳. ثالثاً؛ همه جریانات مذکور به‌عنوان یک حرکت آگاهانه جمعی تنها در دوره کوتاهی جریان داشته‌اند و ممکن است گفته شود تداوم یک حرکت ملی برای مدت طولانی را نمایش نمی‌دهند. اما دفاع مقدس حرکتی ملی بود که هشت سال در جهت تحقق اهدافش، در شرایط و اوضاع و احوال کاملاً متغیر، تداوم و تکامل یافت.

چنین تجربه‌ای برای ملت ما می‌تواند ارزشی به مراتب فراتر از صرف افتخارات عظیمی که در جریان وقوعش به ارمغان آورده، داشته باشد. چراکه به‌نظر می‌رسد مسأله اساسی ما در این دوره و دوره‌های آینده نیز، دقیقاً همچون زمان جنگ، ایجاد، تداوم و اداره یک حرکت ملی باشد. حرکتی که براساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکل گرفته و مسیر تداوم و تکامل انقلاب و نظام اسلامی را هموار نماید (همان). امروز مسأله ملت ما اداره درست یک کارخانه، یا یک وزارتخانه نیست، حتی اداره صحیح دولت و فعالیت‌های دولتی نیز تمام آنچه که امروز ملت ما بدان نیاز دارد نیست. سازندگی و توسعه، نمونه‌های بسیار بارزی از ضرورت یک حرکت ملی هستند. حرکتی که هم در کارخانه، هم در اداره، هم در خانه و خانواده و هم در مدرسه و دانشگاه و خلاصه همچون دفاع مقدس در تمامی شئون زندگی مردم ما می‌باید انعکاس یابد. یعنی تمامی تلاش‌های مردم این کشور را در اولویت اول در راستای هدف ملی، همسو، هماهنگ و تنظیم نماید. تنها به این

طریق است که نه تنها این اهداف بزرگ تامین می‌گردند، بلکه اهداف و نتایج دیگری نیز که اهمیتشان کمتر از آنها نیست به برکت آن حاصل خواهند شد، از جمله تقویت وحدت و وفاق ملی نیز، فقط از طریق تلاش متحد برای دستیابی به اهداف بزرگ، مقدس و مشترک است که حاصل می‌شود. به علاوه وقتی حرکتی ملی و همگانی شد، احساس پیروزی هم موضوعی عمومی و همگانی می‌گردد، همه مردم طعم شیرین و حلاوت پیروزی را در عمق جانشان احساس می‌کنند و از توفیقات بدست آمده، سرشار از روحیه و انرژی می‌شوند و این به لحاظ روانشناسی اجتماعی، خود یک پیروزی بزرگ است.

از این کاربرد و ضرورت اساسی که بگذریم، موضوع مدیریت (یا فرماندهی) در جریان جنگ ویژگی خاصی دارد که در نوع خود یک تجربه ناب در مدیریت به‌شمار می‌آید. این امر شاید از آن جهت است که هسته اصلی مدیریت به معنای امروزی‌نش، رسیدن به هدف در یک اقدام جمعی، به شیوه‌ای آگاهانه (نه خودبه‌خودی) است. و این مساله یعنی رسیدن به هدف، در جنگ یک مساله کلیدی است، تحقق یا عدم تحقق هدف، هر کدام آنچنان پیامدهایی دارد که نمی‌توان آن را ساده گرفت. نتیجه کار در اغلب موارد، سرنوشت ساز است. لذا طرف‌های درگیر، از همه امکانات، مقدرات و امتیازات خویش می‌باید به بهترین وجه استفاده کنند تا به هدف برسند. به علاوه شرایط جنگ بسیار پویاست، یک اراده قوی در مقابل است برای اینکه شما را از رسیدن به هدف باز دارد و شما می‌باید در هر شرایطی، روشی کارآمد برای تحقق هدف بدست آورید. تلاش بی‌وقفه و متمرکز در جهت تحقق هدف، شرایط پویا و ضرورت حفظ ابتکار عمل، موضوع مدیریت (یا فرماندهی) را در مرکز توجه و سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد. لذا نگاه و کاوش از سر عبرت و پندآموزی در اینجا نتایج زیادی بدست می‌دهد که در کمتر صحنه‌ای قابل دستیابی است. به‌ویژه آنکه در این صحنه، سازمان‌های متفاوت با الگوها و سبک‌های متمایز مدیریتی (در طرف خودی و دشمن) و در رسیدن به هدف به فعالیت پرداخته‌اند. لذا با شناسایی تاثیر و تاثرات این نظام‌های متفاوت با یکدیگر، می‌توان زمینه

انجام یک مطالعه تطبیقی را با سبک‌ها، روش‌ها، فنون و تکنیکها در شرایط متفاوت فراهم نمود و با مقایسه امکانات هر کدام از طرفین این سبک‌ها را بهتر استنباط و استخراج کرد. از همه اینها مهمتر اینکه، امروز رسیدن به تفکری در مدیریت که هم با ارزش‌ها، فرهنگ و نظام اسلامی سازگاری داشته باشد و هم در تحقق اهداف خاص این نظام کارآمد باشد، یک ضرورت اساسی است و بسیار محتمل است که از الگوی مدیریت دفاع مقدس و الگوهای مدیریت نوین علمی جهان، رهیافت‌های ارزنده‌ای برای پایه‌گذاری این تفکر استخراج نمود. به این ترتیب تاحدی روشن می‌شود که اولاً، چه سرمایه بزرگی برای کار علمی در دست است که نباید آن را بلااستفاده وانهاد و ثانیاً، چقدر ما به استفاده از این تجربه نیازمندیم.

سوال‌های تحقیق

در این نوشتار تلاش شده است تا به جواب پرسش‌هایی مانند موارد زیر پرداخته شود: چه درس‌هایی از الگوی مدیریت جبهه در دوران دفاع مقدس می‌توان آموخت؟ این الگو در مقایسه با الگوهای مدیریت از چه مزیت‌هایی برخوردار است؟ با توجه به ضرورت بازآفرینی الگوی مدیریت دوران دفاع مقدس، چه اصول، خطوط راهنما و به‌طور کلی رویکردی را از الگوهای پیش گفته می‌توان در مدیریت نوسازی بافت‌های فرسوده مورد استفاده قرار داد؟

نبرد استراتژی‌ها: «جنگ انقلابی» رو در روی «جنگ کلاسیک»

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را باید واجد خصوصیات منحصربه‌فرد دانست. شناخت خصوصیات و ویژگی‌های حاکم بر فضای کلی نبرد به‌طور عام، از یک سو و شناخت اصول و مبانی حاکم بر فضای مهندسی جنگ به‌طور خاص، از سوی دیگر، دارای اهمیت ویژه می‌باشد. این جنگ در مقایسه با جنگ‌هایی که صرفاً دارای ماهیت ملی هستند و یا از نوع جنگ کلاسیک بشمار می‌روند، در هدف، انگیزه، نحوه برخورد و تعارض دارای ماهیت یک جنگ انقلابی بود. بنابراین، به رغم تلاش

مهاجمین به محدود کردن عرصه جنگ در زمین و جغرافیای مشخص، امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، آن را به یک حرکت آرمانی و عقیدتی در راستای حرکت انقلاب تبدیل نمود و از این طریق از تهاجم متجاوزین به عنوان یک عامل تداوم بخش انقلاب اسلامی بهره جست.

ارتش متجاوز در نخستین روزهای هجوم موفق به اشغال بخش وسیعی از اراضی میهن اسلامی شد ولی پس از گذشت زمانی کوتاه و با حضور نیروهای مردمی به همراه نیروهای مسلح در صحنه‌های دفاع مقدس، با استیصال در مراحل اولیه هجوم متوقف شد. پس از مواجهه با مقاومت، قوای مهاجم در پی تثبیت اراضی اشغالی برآمد و با بهره‌گیری از موانع طبیعی و ایجاد موانع مصنوعی و با به کارگیری تجهیزات مهندسی پیشرفته، به تقویت روزافزون مواضع دفاعی اقدام کرد. از این پس رزمندگان با هدف «دفع تجاوز، بیرون راندن مهاجمین از خاک جمهوری اسلامی، بازپس‌گیری مناطق اشغالی و تضمین و تثبیت استقلال سیاسی» وارد عمل شدند (عندلیب، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

پایه‌های اقتدار کشور ما ابتدا ایمان و بعد فکر و بعد بافاصله‌ای فناوری است، ما واقعا جنگ را عمدتا با ایمان، خلاقیت و نوآوری اداره کردیم. در حقیقت ایمان الهی رزمندگان ما متبلور در شهادت‌طلبی بود. رزمندگان ما فراتر از خاک برای خدا می‌جنگیدند. جنگ ایران و عراق نبود، جنگ حق و باطل بود، شما اگر بهترین متخصصین را هم داشته باشید اما روحیه و امید نداشته باشند، نمی‌توانند از امکانات خود استفاده کنند و امکانات جدیدی هم نمی‌توانند به دست بیاورند. ما با کمک روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، از عراقی‌ها تانک می‌گرفتیم و از همان تانک‌ها علیه خودشان استفاده می‌کردیم. ایثار و فداکاری، باعث می‌شد امداد الهی بر فکر و تلاش ما نازل شود. روحیه و ایثار و شهادت‌طلبی، دو اثر دارد، اولاً خودشان بخشی از قدرت هستند و ثانياً ابزارهای دیگر قدرت را چند برابر می‌کنند. این روحیه یعنی همان انقلابی‌گری که مردم با اتکا به آن صحنه دفاع مقدس را به نفع نیروهای اسلام تغییر دادند (رضایی، ۱۳۹۵). در یک جمع‌بندی کلی

می‌توان گفت، نیروهای مسلح در کنار مردم، یک «تجربه تاریخی، آرمانی، علمی و عملی» را در کلیتی به نام «دفاع مقدس» به نمایش گذاشتند.

اصول و مبانی حاکم بر عرصه‌های دفاع مقدس

با توجه به آنچه بیان گردید می‌توان برخی از خصوصیات و ویژگی‌هایی که این «تجربه تاریخی، آرمانی، علمی و عملی» در کلیت دفاع مقدس به نام جنگ انقلابی و سازمان رزم خود در ابعاد گوناگون رزمی، علمی و مهندسی به نمایش گذاشته است را به عنوان اصول و مبانی حاکم بر دفاع مقدس، به صورت زیر جمع‌بندی نمود (عندلیب، بی تا):

۱. **ابتکار و خلاقیت:** اولین ویژگی یا اصل حاکم بر نبرد در کلیت دفاع مقدس، نهادینه کردن ابتکار و رقابت برای ارائه طرح‌های مبتکرانه و ایجاد فضای سرشار از «فکر، علم و عمل» در ابعاد طرح‌ریزی‌های تاکتیکی یا استراتژیکی و تدوین دکترین و استراتژی مشخص (و نه دیکته شده) بوده است. به عبارت دیگر «اصالت دادن به تاثیر تفکرات انقلابی و نوآورانه بر تفکرات کلاسیک، سنتی و قالبی وارداتی، اصل مورد قبول و عمل فرماندهان و دست‌اندرکاران نبرد» بود.

۲. **پویایی:** دومین ویژگی یا اصل حاکم بر سازمان اداره نبرد، «انجام سه ماموریت همزمان دفاع، سازماندهی و توسعه» بود، به نحوی که هیچ یک را به نفع دیگری حذف نمی‌کرد.

۳. **حفاظت، فریب و غافلگیری استراتژیک:** این خصوصیت، شعار دفاع مقدس با تمام ابعاد آن در همه عرصه‌ها به ویژه اقدامات مهندسی در طول جنگ تحمیلی بود. چنانچه بجز در موارد استثنایی در طول تاریخ نبرد ۸ ساله، با تکیه بر «اصول حفاظت، فریب و غافلگیری استراتژیک»، مکان، نحوه و زمان جنگ از میان‌گزینه‌های متعدد انتخاب می‌شد، نه اینکه نیروهای متعارض تحمیل‌کننده آن باشند. بنابراین، در ارتباط با هر سه موضوع، نگرشی ابتکاری مطرح بود.

۴. **سازماندهی مردمی:** خصوصیت نوآوری مهم

دیگر که به عنوان اصلی اساسی در طول دوران دفاع مقدس مطرح بود، «سازماندهی مردمی با تعمیم قدرت رزمی و پشتیبانی آن از محدوده نیروهای مسلح به سطح ملی» بود. در حقیقت دفاع از حالت واحدهای موظف به یک عزم ملی تبدیل شد و اراده حضرت امام با بسیج توانمندی‌های فکری، تخصصی و با پشتوانه‌های ایمانی شکل عینی و عملی به خود می‌گرفت.

۵. **انعطاف‌پذیری سریع:** این خصوصیت عبارت بود از «کسب قابلیت‌های منعطف که متناسب با فضای نبرد در مناطق مختلف عملیاتی به کار آید»، به نحوی که کارایی آن دسته از مقدرات برتری‌دهنده دشمن را به حداقل ممکن برساند.

۶. **فرماندهی در صحنه:** اصل مهم دیگر حاکم، «فرماندهی و مدیریت در صحنه با خصلت انقلابی» بود، به نحوی که سخت‌ترین اقدامات در دشوارترین صحنه‌ها، با حضور فرماندهان اصلی، هدایت و مدیریت نزدیک آنها صورت می‌گرفت. به همین اعتبار نقش فرماندهی و مدیریت رزم در واحدهای عملیاتی، مهندسی جنگ و واحدهای دیگر واجد خصوصیات ویژه اخلاقی، شجاعت، ابتکار، اندیشه، علم و عمل انقلابی بود.

مهندسی جنگ و جنگ مهندسی در ۸ سال دفاع مقدس

با توجه به چارچوب کلان مورد اتفاق رزمندگان دفاع مقدس و تعهد و تقید آنها به اصول و مبانی پیش گفته، می‌توان بررسی فعالیت‌های مهندسی جنگ و میزان نقش و اهمیت آن را در همین چارچوب به عنوان یکی از تجربیات موفق فعالیت‌های مهندسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در این دوره انجام پیچیده‌ترین طرح‌ها و مخاطره‌آمیزترین اقدامات فنی در شرایطی به اجرا در آمده است که طراحان و مجریان با انواع و اقسام محدودیت‌ها مواجه بوده‌اند. این محدودیت‌ها شامل ابعاد زمانی، محیطی، فیزیکی، جغرافیایی، تاکتیکی و یا حتی استراتژیکی بوده است. انجام سخت‌ترین طرح‌های مهندسی در شرایط آتش‌باران‌های دشمن، شرایط دشوار آب و هوایی (بسیار سرد و یا

بسیار گرم)، وجود جغرافیایی طبیعی متنوع، اعم از مقابله، عبور یا دفاع در کوه‌های صعب‌العبور یا رودخانه‌های بزرگ، زمین‌های رمل و با تلاقی از جمله محدودیت‌های فوق می‌باشد. همچنین مقابله با اقدامات و فعالیت‌های مهندسی دشمن که بعضاً به فن‌آوری‌های برتر نیز مجهز و مسلح بود و در نتیجه رودرویی با محیط فیزیکی آماده شده توسط ابزار آلات و نیروهای فراوان مهندسی جنگ دشمن، عملاً نوعی از جنگ مهندسی در طرف نبرد را به نمایش گذاشت. جنگی که در یک سو خیره‌ترین طراحان، کارشناسان و مستشاران سراسر دنیا به خدمت گرفته شده و با کامل‌ترین تجهیزات و تسلیحات مهندسی پشتیبانی شده و در عین حال برخوردار از نیروی فشار فرماندهی و مافوق ناگزیر از انجام فعالیت‌های سخت بودند و در سوی دیگر، متخصصان طراحان و ایثارگرانی که بدون پشتوانه خارجی، متکی بر انگیزه‌های ایمانی و الهی، در پی پاسخ به نیاز دفاع با سلاح دانش نظری و علم تخصصی و مجهز به پشتوانه تجربه و برخوردار از قوه ابتکار و نیروی خستگی‌ناپذیر به جنگ مهندسی دشمن رفته و پیروز به در آمده‌اند. (عندلیب، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۱۸).

سیر تحول و تکامل مهندسی جنگ و نقش آن در دفاع مقدس

جنگ تحمیلی با برخورداری از ماهیتی آرمانی و انقلابی دارای استراتژی کاملاً متفاوت با استراتژی دشمن و استراتژی جنگ‌های مشابه بود. به همین سبب استراتژی حاکم بر فضای طرح‌ریزی، سازماندهی و اجرای فعالیت‌های مهندسی جنگ نیز دارای ویژگی‌هایی بود که به برخی از آنها اشاره شده است: مهندسی در نیروهای مسلح تا قبل از انقلاب به عنوان یک امر فرعی در جنگ محسوب می‌شد. در حقیقت در حاشیه آتش‌های توپخانه و تانک‌ها، در حاشیه پیاده‌ها و سواره نظام توجه اندکی هم به مهندسی می‌شد. در جنگ تحمیلی ایران و عراق این دیدگاه عوض شد، مهندسی نقشی بسیار فعال به خود گرفت و اصولاً جایگاه و نقش مهندسی در رزم تغییر پیدا کرد. البته این امر یک سیر تکاملی داشت و در روزهای اول، مهندسی

رزمی فقط به صورت سنگرسازی نمود داشت. در یک نقطه که رزمندگان حمله می کردند، مهم این بود که پس از حمله سنگر ساخته شود و یا در مقابل حمله دشمن ساخت سنگرها مهم بود. به مرور زمان خاکریز هم در عملیات مفهوم پیدا کرد. در عملیات های بزرگ که رزمندگان حمله می کردند، نیاز به احداث خاکریز داشتند و در صورت احداث، پیشروی ها ادامه می یافت. کم کم مفهوم خاکریز هم پیدا شد و مهندسی رزمی یک گام به جلو برداشت. سیر تکاملی مهندسی رزمی ادامه یافت و به تدریج به این نتیجه رسیدیم که درست کردن میدان های مین جزو عملیات مهندسی و مورد نیاز جبهه است. "گردان های شناسایی باید گردان های تخریب هم تشکیل می شد، آن هم به صورت سازمان یافته (مهندسی جنگ، رضایی، ۱۳۷۸، صص ۹-۱۱).

پس از مدتی به این نتیجه رسیدیم که بعضی اوقات باید کمبود لشگرهای عملیاتی مان را با عملیات مهندسی جبران کنیم. مثلاً برای یک عملیات ۱۰ لشگر می خواهیم، اما به جای ۱۰ لشگر ۷ لشگر پیاده داشتیم، پس باید آن کمبود را با عملیات مهندسی پوشش می دادیم، عملیات فتح المبین این طور بود. در عملیات فتح المبین، مهندسی رزمی گام بلندی به جلو برداشت. در عملیات فتح المبین به نظر می رسید اگر ما از یک جایی در پشت رقابیه درآیم و دشمن را در پشت رقابیه به محاصره درآوریم، کمبود آن سه لشکر جبران خواهد شد، لذا با این برادران به منطقه مزبور رفتیم. عده ای از دوستان مهندسی ما اعلام کردند این کار ۴ تا ۵ ماه طول می کشد یا لااقل ۳ ماه طول می کشد، در حالی که این کار مهم توسط نیروهای مهندسی ظرف حدود ۴۵ روز یا کمتر از دو ماه محقق شد، یعنی تنگه ای که فقط با موتور قابل تردد بود (قاچاقچی ها با موتور تردد می کردند) ما آن تنگه را طوری شکافتیم که ماشین هم می توانست از آن عبور کند. خاصیت این تنگه این بود که ما را به پشت سر نیروی دشمن می رساند (همان، صص ۱۱-۱۳).

بعدها عملیات خیبر و عملیات فاو را داشتیم، رضایی

هم بودیم که باز هم مهندسی رو به جلو است. در عملیات فاو، عملیات مهندسی طوری در پوشش و اختفاء صورت گرفت که دشمن متوجه آن نشد و در کنار آن عملیات مهندسی برای فریب دشمن در منطقه خیبر را انجام دادیم. یعنی توجه دشمن را به منطقه عملیاتی خیبر جلب می کردیم و در فاو عملیات شبانه مهندسی انجام می دادیم. گاهی دو عملیات مهندسی هم زمان نیز داشتیم، یکی اینکه در خیبر جاده می کشیدیم، سنگر و سوله می زدیم و وانمود می کردیم که می خواهیم حمله کنیم، در حالی که عملیات اصلی ما ۲۰۰ کیلومتر پایینتر بود و در آن نقطه کار مهندسی شبانه-که حتی با چراغ های خاموش صورت می گرفت- انجام می شد. هرگز چنین چیزی سابقه نداشت و در هیچ آیین نامه ای نمی توانید ببینید که مهندسی توان خود را در قالب یک عملیات فریب علیه دشمن بکار گرفته باشد. در حقیقت مهندسی به صورت یک عملیات فریب در صحنه جنگ به کار گرفته شد. علاوه بر اینکه مهندسی در متن عملیات فتح المبین خودش را نشان داد، در عملیات فاو نیز به یک عملیات پشتیبانی کننده بدل شد (مهندسی جنگ، رضایی، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۴).

مهندسی رزمی دارای کارکرد چند منظوره و چندگانه گردید که می توانست با قابلیت های انعطاف پذیر در هر صحنه ای حاضر و به تناسب شرایط آن به نیامندی ها پاسخ در خور ارایه نماید (عدنلیب، ۱۳۷۷، صص ۳۲-۳۷)؛ چنانکه در عملیات بزرگ فتح المبین، مهندسی مانند لشگر های رزمی پیاده و زرهی، نقش مهم و تعیین کننده ای یافت و حتی در برخی مواقع، عملیات مهندسی کمبود لشکر های عملیاتی را جبران می کرد. و در برخی مواقع نیز، مهندسی، با بکارگیری یک سری اقدامات مهندسی بعنوان عملیات فریب علیه دشمن بکار گرفته شده که هیچگاه چنین سابقه ای وجود نداشته است (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹) و یا مهندسی در نقش دفاعی نیز از کارکردهای متمایز برخوردار بود، زمانی که نیروهای ما خط دفاعی دشمن را در هم می شکنند و پیشروی می کنند، کارشان پنجاه درصد انجام گرفته و پنجاه درصد دیگرش به این است که در آنجا تثبیت شوند و بمانند، بنابراین

آن چیزی که تضمین می‌کند در آنجا بمانند، کار مهندسی است (خامنه‌ای، ۱۳۶۴).

پیروزی ما در دفاع مقدس، مرهون سه عامل اساسی است که عبارت بودند از رهبری امام، ایمان و سلحشوری رزمندگان، ابتکار عمل و خلاقیت رزمندگان که در بحث ایمان و سلحشوری و ابتکار عمل و خلاقیت محور ابتکار عمل را به بهترین شکل ممکن مهندسی رزمی در دست داشت. یکی از ستون‌های اصلی این پیروزی‌ها به نظر من مهندسی رزمی بود. ما در هیچ عملیاتی موفق نشدیم مگر اینکه مهندسی رزمی در آن نقش تعیین کننده داشت (مهندسی جنگ، صفوی، ۱۳۷۸، صص ۲-۴).

درواقع، یکی از حوزه‌های این جنگ بخش مهندسی دفاع مقدس بود که در ابتدا با نفراتی محدود، ماشین آلات اندک و تجربه مختصر آغاز شد ولی به سرعت رشد کرده و سبب خلق ابتکارات عظیم و با شکوهی گشت که از نظر نوع، اندازه و موقعیت اجرای آن در طول جنگ‌های دنیا بی نظیر بوده و برگ‌های زرینی از دفاع مقدس ۸ ساله بشمار میرود. عملیات‌های مهندسی رزمی دوران دفاع مقدس، شاهکارهایی از جنس اراده و خواستن و در نهایت توانستن بود. (پورکاظم، ۹۵) به این ترتیب، برجسته‌ترین ویژگی که مهندسی ما را در طول دفاع مقدس و دوران پس از جنگ از مهندسی سایر عرصه‌های نبرد و همچنین کشورها متمایز می‌کند اخلاص عمل و دلسوزی آن‌ها بود. (هاشمی، ۱۳۹۵) به همین اعتبار است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی در تبیین نقش مهندسی در جنگ جمله‌ای تاریخی را بیان کردند، «زحمات بی‌وقفه جهاد، این «سنگ‌سازان بی‌سنگر» در دفاع مقدس‌مان، از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد» (خمینی، ۱۳۶۷، ۲۰۴) و ما مهندسین ما در دفاع مقدس سربازان از جان گذشته‌ای بودند که تمام نیرو، هنر و نبوغ خود را به کار گرفتند و هر روز یک پدیده‌ی نو از این جوان‌های با استعداد بروز می‌یافت (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

بزرگترین خلاقیت رزمندگان اسلام در جنگ هشت ساله این بود که توانستند تاکتیک‌ها و تکنیک‌های

خود را که نوعی خلاقیت و نوآوری محسوب می‌شود، بر امکانات دشمن غلبه دهند. اصول مهم نظامی را که پای بند یکسری قوانین دیکته شده بود، بر هم زد و از تکنیک‌هایی استفاده کرد که در عرصه نبرد فقط برای یک بار به کار گرفته می‌شود، چون دشمن بلافاصله راه مقابله با آن را پیدا می‌کند. استفاده از ویژگی‌های مثبت جغرافیایی مناطق مختلف به منظور جبران نقاط ضعف، کاهش نقاط قوت دشمن، پناه بردن به عملیات‌های شبانه به دلیل پوشش ضعف‌های خودی و کاهش اثرات سلاح‌های دشمن، ایجاد قابلیت و ساخت تجهیزات مهندسی مناسب با محیط‌های جغرافیایی و عملیاتی مانند پل‌های کوثر و خیبر برای عملیات دفاع در هور یا احداث جاده در مناطق رملی بستان برای آغاز عملیات و دسترسی به عقبه دشمن در عملیات طریق‌القدس و اجرای پل و طراحی و ساخت طرادهای شناور به منظور عبور از رودخانه اروند، نوعی ابتکار عمل و خلاقیت در مهندسی دفاع مقدس محسوب می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۵).

برخلاف اوایل جنگ که مهندسی تجربه چندان‌ی نداشت، در اواخر جنگ، تخصص ساخت فرودگاه و بیمارستان و سایر استحکامات در حد بالایی در مهندسی بوجود آمد. مهندسی رزمی کمبود فن آوری و تجهیزات خود را با ابتکار عمل، فکر و نیروهای انسانی خلاق جبران می‌کرد. چنانچه ابتکار عمل در عبور از میادین و مین و موانع و رمل‌ها در عملیات والفجر مقدماتی، رمضان، کربلای ۴ و ۵ (شلمچه) شن ریزی و احداث جاده در خیبر، بدر و الفجر ۸ و ... از کارهای بزرگ مهندسی رزمی می‌باشد. فعالیت‌ها و سوابق مهندسی رزمی در طول هشت سال دفاع مقدس برای این مجموعه (مهندسی رزمی) افتخار بزرگی است، که نه تنها برای داخل کشور بلکه برای تمام ملت‌هایی که استقلال طلب می‌باشند باید ثبت و ضبط شود (مهندسی جنگ، صفوی، ۱۳۷۸، ۴-۴).

باتوجه به آنچه بیان گردید بطور کلی، در یک رویکرد کلی فعالیت‌های مهندسی جنگ و نقش مهندسی در دفاع مقدس را متناسب با سیر تاریخی تهاجم دشمن به میهن اسلامی و متناسب با نیاز

های مقاطع زمانی مختلف آن ایفای می نماید را می توان به دو بخش عمده «مهندسی دفاع» و «مهندسی هجوم» تقسیم نمود:

مهندسی دفاع: این مهندسی همچون سدی در برابر دشمن و حصنی برای نیروهای خودی عمل می نماید. لذا، به منظور فراهم کردن شرایط مناسب برای تامین پشتیبانی های لازم و حمایت های فیزیکی در موقعیت های دفاعی جبهه های نبرد، از طریق جنگ آبی ویا کمک به نیرو های مدافع سرزمین با برخی از اقدامات مهندسی همچون استحکامات کمر بند دفاعی مانع پیشروی دشمن میگردد. همانگونه که در مرحله اولیه تهاجم غافلگیر کننده دشمن در شروع جنگ تحمیلی یعنی از ۵۹/۶/۳۱ تا ۲ الی ۳ ماه بعد، مهندسی به عملیات انتقال آب به دشت خوزستان توسط طرح سد سید شریف، کانال شهید چمران و کانال غدیر و نظایر آن، با ایجاد موانع آبی بر سر راه دشمن، سبب زمینگیر شدن زرهی دشمن گردید. بگونه ای که هرگونه تحرک از دشمن صلب شده و دشمن مجبور به توقف می شود (هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹). مهندسی دفاع همچنین، پس از توقف پیشروی دشمن، مهندسی، با عملیات اجرای خاکریز تجیلی، کانال، دژ، راههای دسترسی، سنگر و مواضع دفاعی نیرو های خودی را ایجاد می نمایند. همچنین مقر های عقبه یگانهای رزم، اردوگاهها، مقر فوریت های پزشکی و بنه های پشتیبانی، طراحی واحداث می گردد و مواضع نیرو های رزمنده مدافع کشور را استحکام می بخشد.

مهندسی هجوم: شامل پشتیبانی رزمی نیروها در دو گام می شود. در گام یکم، با پشتیبانی رزمی نیروها از طریق کمک به باز پس گیری مناطق اشغال شده از دست دشمن تا دندان مسلح می شود که در این عملیات ها، توانمندی مهندسی یک رکن اساسی بشمار رفته است. به گونه ای که می بایستی بستر ارتباط زمینی جهت ایجاد پشتیبانی از پیشروی رزمندگان تامین گردد. و این مهم با طراحی و احداث پلهای سریع النصب، راه سازی، عملیات فریب دشمن، اجرای تونل و ... صورت گرفته است. و بدینگونه مهندسی،

با اقدامات خود، در باز پس گیری مناطق اشغالی نقش مهمی را ایفا می نماید. همچنین، در گام بعدی مهندسی هجوم، رزمندگان مهندسی با قوه ابتکار و خلاقیت بی نظیر خود، صحنه های بی بدیلی در طول جنگهای دنیا خلق کردند، ساخت و نصب پل شناور خیبر به طول ۱۴ کیلومتر بر روی دریاچه هور در عملیات خیبر و بعد از آن احداث جاده خاکی بر روی دریاچه هور برای اتصال به جزائر مجنون و همچنین ساخت و نصب پل شناور و متحرک و نیز پل عظیم لوله ای والفجر ۸ بر روی بستر رودخانه خروشان اروند رود بود. همچنین جهت کاهش فاصله زمانی درمان مجروحین از خط مقدم تا اطاق عمل، بیمارستان های امن و مستحکم و مجهز صحرایی مانند بیمارستان فاطمه الزهرا، علی ابن ابیطالب و ... بصورت قطعات بتنی و یا فلزی پیش ساخته طراحی و احداث گردیده که در هیچ یک از جنگهای دنیا سابقه نداشته است. همچنین با توجه به اظهارات فرماندهان و مسئولین اصلی دفاع مقدس، می توان نقش مهندسی جنگ در دوران دفاع مقدس را از منظر دیگر به سه مرحله ماموریت تقسیم نمود:

مرحله نخست: اقدامات قبل از عملیات یا «مهندسی آماده سازی» که شامل احداث و ترمیم جاده های پشتیبانی، ساخت مواضع و سکوهای آتش، احداث استحکامات و ساخت بیمارستان های صحرایی، قرارگاه های عملیاتی، زاغه های مهمات و پیش بینی های لازم جهت مراحل بعدی عملیات مانند آمادگی نصب پل و عبور از کانال ها و موانع مصنوعی دشمن و نظایر آن بود.

مرحله دوم: اقدامات حین عملیات یا «مهندسی رزمی» که شامل اقداماتی از قبیل جنگ آبی، احداث معابر در میادین مین احداث شده دشمن، ایجاد موانع و مواضع تجیلی و تاخیری در حرکت نیروها مانند خاکریز، جاده های موقتی پشت خطوط مقدم جبهه و احداث استحکامات در خط، احداث پل های عبور و نظایر آن می گردید.

مرحله سوم: اقدامات بعد از عملیات «مهندسی پشتیبانی رزمی» که شامل اقداماتی از قبیل تکمیل و تحکیم مواضع دفاعی، جاده ها، استحکامات یا ایجاد موانع جدید و نظیر آن می شد.

براساس آنچه گفته شد می‌توان سه نوع جنگ مهندسی را در هر یک از مراحل پیش گفته در دفاع مقدس به شرح زیر بیان نمود:

۱. **جنگ مهندسی با مهندسی دشمن:** شامل جنگ با موانع مصنوعی ایجاد شده توسط مهندسی جنگ دشمن و ایجاد تسهیلات عبور از زمین مسلح به انواع میادین مین، کانال، سیم خاردار، خاکریز، دژهای مستحکم و دیگر موانع گسترده آبی دشمن می‌گردید. این نوع جنگ عمدتاً در وضعیت مهندسی هجوم و در شرایط حین و بعد از عملیات موضوعیت و عینیت می‌یافت.

۲. **جنگ مهندسی با موانع طبیعی:** شامل فراهم ساختن شرایط عبور از موانع طبیعی، یا در حیطه نیروهای خودی قرار دادن آنها، همچون عبور از ارتفاعات سخت و صعب‌العبور یا با تلاق‌ها، نی‌زارها، بیابان‌های رملی یا ایجاد تسهیلات دفاعی در آن. این نوع جنگ می‌تواند در مهندسی دفاعی موضوعیت و عینیت یابد. همچنین می‌تواند در مهندسی هجوم و در وضعیت قبل، حین و بعد از عملیات نیز کاربرد داشته باشد.

۳. **جنگ مهندسی با هجوم دشمن:** شامل فراهم ساختن شرایط نسبتاً امن در مقابله و دفاع در برابر هجوم دشمن و کاهش تاثیر سلاح‌های آتش‌باری. این نوع جنگ عمدتاً در وضعیت مهندسی دفاع موضوعیت می‌یابد.

همانطور که مشاهده می‌شود اقدامات و فعالیت‌های مهندسی جنگ در شرایط بحرانی و درگیری صحنه‌های نبرد قابل شناسایی است. وجوه مهندسی جنگ در بسیاری موارد به دلیل غیر قابل پیش‌بینی بودن محیط از نظر زمان و مکان و امکانات در اختیار طرف مقابل است و این در حالی است که تعدد بروز حوادث غیر مترقبه ناشی از تغییر تاکتیک نبرد خودی یا دشمن و تغییر در پیش فرض‌های عملیات نیز موجب تغییرات اساسی در انجام فعالیت‌های آن می‌گردد. به این دلیل و نیز قابلیت تغییر و انعطاف در زمان اندک، مطابق با شرایط و مقتضیات عملیات، مهندسی جنگ اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به عبارت دیگر مهندسی

جنگ برخلاف مهندسی غیرنظامی که عموماً دارای ماهیتی ایستا و شرایط ثابت و قابل پیش‌بینی است، در بیشتر موارد دارای ماهیتی پویا، شرایط غیر ثابت و غیر قابل پیش‌بینی است. در مواجهه با چنین شرایط دشوار و استثنایی میدان نبرد، طراحان، متخصصان و مجریان طرح‌های مهندسی جنگ توانستند با درک نیازمندی‌های دفاع، به نیازهای دفاع مقدس پاسخ مناسب دهند. انگیزه و پویایی آنها موجب شد شکاف بین علم، فن، تجربه و ایمان به شایستگی پر شده و کار آمدی این بخش در صحنه جنگ قابل اعتنا باشد.

برخی از درس‌ها و آموزه‌های مهندسی جنگ در دفاع مقدس

تجربیات مهندسی جنگ در ۸ سال دفاع مقدس و درس‌های حاصل از آن می‌تواند تاثیرات و تحولات قابل توجهی در عرصه طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی مدیریت شهری بویژه نوسازی بافت‌های فرسوده داشته باشد. این تجربه گرچه از وضعیت کاملاً یکسانی برخوردار نیست، لیکن می‌توان وجوه اشتراکی را بین آنها شناسایی نمود.

نوسازی چه از نظر دانش نظری و چه از نظر عملی فعالیتی است که در طول زمان می‌بایست به صورت مداوم جاری باشد و به مقطعی از زمان اختصاص ندارد که بتوان آنرا یک شبه و یکباره انجام داد و تحول ایجاد کرد. به این ترتیب نوسازی مفهومی غیرایستا، فعال و تکاملی است (عندلیب، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در آسیب‌شناسی عدم تحقق کامل اهداف نوسازی را می‌توان در عدم سنخیت رویکردهای مدیریتی و تفاوت در الگوهای کاربردی آن دانست. از یکسو، سبک مدیریتی کلاسیک با اتکا به حفظ روش‌ها بر شیوه‌ها و سازوکارهای موجود به دنبال حل مسایل پیچیده و حتی پیش‌بینی نشده است و از سوی دیگر، سبک مدیریت انقلابی با تکیه بر تجارب دفاع مقدس و رویکردی نوگرایانه در پی بنیان‌گذاری رویکردی جهادی-علمی است. رویکردی که در آن علم و دانش و تجربه جهت ایجاد تغییر و

اصلاح و تحول در سازوکارها و ساختارها یک بال آن را تشکیل می‌دهد و اقدام به عمل به روش جهادی بال دیگر و بازوی دوم آن به شمار می‌رود. لذا، با توجه به آنچه در تجربه دفاع مقدس مطرح گردید می‌توان عناصر اصلی و مولفه‌های مدیریت انقلابی با رویکرد جهادی- علمی را بازشناخت.

عناصر و مؤلفه‌های رویکرد جهادی- علمی نوسازی بافت‌های فرسوده

مهم‌ترین آموزه‌های برگرفته از مهندسی دوران دفاع مقدس را می‌توان در تبیین رویکردی جهادی- علمی در مدیریت نوسازی بافت‌های فرسوده خلاصه نمود. خمیرمایه اصلی و جوهره این رویکرد را می‌توان در مؤلفه‌های زیر برشمرد: (عندلیب، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

۱. ایمان، اعتقاد و باور نسبت به حرکت

جهادی، با برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر: هدایت و اصلاح تعالی نیت، مقدم بر عمل، عمل به تکلیف، مقدم بر حصول نتیجه، عمل سازمانی، نه تنها با اراده و رضایت فرد، بلکه از روی میل و رغبت و فراتر از آن از سر شور و شوق و نه برای نتیجه که برای رضای خدا صورت می‌گیرد. تأکید بر آرمان اعتقادی و ارزش‌های الهی، ایثار و فداکاری در این راه، تأکید بر وحدت و روح مشترک جمعی در جهت تحقق اهداف مقدس. آفرینش سازمان انسانی اجتماعی به جای انسان سازمانی، یعنی انسانی که در چارچوب ارزشی، جهادی، اعتقادی و اسلامی می‌اندیشد و رفتار می‌کند. سبک رهبری این رویکرد، رابطه مدار، مبتنی بر توجه به نیروها و حمایت از آنها، سیستم انسانی در این رویکرد، نه به صورت مجموعه‌ای از افراد منفصل و جدا، بلکه به صورت یک سیستم اجتماعی مشترک که با احساسی از تعلق، افراد را به هم پیوند می‌دهد دیده می‌شود. بگونه‌ای که به‌طور جمعی و مشترک در آنچه روی می‌دهد سهیم هستند. آزادی افراد، مبنای ارزشی این رویکرد را می‌سازد، مساله اصلی و حصول عملکرد موردقبول بدون ایجاد اکراه و اجبار و در عین داشتن جوی آزاد و دوستانه می‌باشد. ابزار اصلی، برقرار کردن ارتباطات کارآ و موثر و استفاده موثر از ارزش‌های گروهی در ایجاد تعهد و هماهنگی

در مجموعه است.

۲. **به‌کارگیری علم و دانش تخصصی**، با برخورداری از ویژگی‌های نظیر: خستگی‌ناپذیری، تلاش بی‌وقفه و پرکاری و تأکید بر نگرش مدیریت برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌نگر، معتقد به یادگیری حین عمل و تلفیق هماهنگ علم و عمل، دانش و تجربه مورد تأکید و توجه است.

۳. تفکر پیشرو و اندیشه خلاق

برخوردار از ویژگی‌های نظیر: تأکید بر ابداع، نوآوری و ریسک، رقابت، چالش، پویایی و همزیستی با تغییر، تکامل و بهبود مستمر اوضاع. همچنین، سبک رهبری، اصلاح گر و انتقادی، استقلال، آمادگی و هیجان، ساختار ساده و بی‌تکلف، در جستجوی راه‌های میان‌بر با شناخت اهمیت زمان به‌عنوان عنصر کلیدی و حساس، تأکید بر تحرک و سرعت در دستور کار است. پایه اولیه این رویکرد این است که، جای اندیشیدن به مقابله، مینا را بر پیش بینی قرار می‌دهد، یعنی تفکر مهندسی هجوم به مفهوم پیشرو و پیشگام بودن را به‌جای مهندسی دفاع پایه‌ریزی می‌کند. به عبارت دیگر استراتژی این تفکر آینده‌گرا و فرابالنده است. این خصوصیت و ویژگی در مقابل مدیریت تدافعی و انفعالی قرار دارد که از سبک و سیاق مدیریت محصور در زمان حال پیروی می‌کند. چنین مدیریتی، گسسته از زمان آینده تلقی شده و پیامدهای متعددی را در خود دارد. این نوع مدیریت‌ها خود دچار فرسودگی و اضمحلال آشکارند. بنابراین یک چنین استراتژی با خصوصیت فرابالندگی، مدیریتی فرازمانی است که از طریق اشراف بر زمان، آینده و محیط خود را تعیین می‌کند. در واقع قابلیت تبدیل ضعف‌ها به قوت‌ها و یا تهدیدها به فرصت‌ها در آن، اصلی‌ترین عامل تمایز آن با سایر رویکردها و الگوهاست.

۴. مشارکت تعاملی: دومین مولفه‌ای که رویکرد

جهادی- علمی برگرفته از حضور تعیین کننده مردم در دفاع مقدس و مهندسی جنگ آموخته است، تأکید بر مشارکت تعاملی مردم در صحنه نوسازی است. یعنی در واقع جریان یک سویه ارتباط (از بالا به پایین)، به حرکت و جریانی متعامل و دو سویه تبدیل بشود و این مهم بدست نمی‌آید مگر در تقویت خود باوری

مردمی از یک طرف و جلب اعتماد مردم نسبت به طرف مخاطب از طرف دیگر.

۵. **پایایی در مسیر عمل:** سومین ویژگی اساسی رویکرد جهادی- علمی توجه به اصل پایایی در مسیر عمل است. بدین معنا که این رویکرد با صرف نظر کردن از زمان و شرایط و تحولات منتج از آن، نتیجه‌ای واحد را در تکرارپذیری اثبات نماید. به عبارتی حصول نتیجه و تثبیت آن وابسته به زمان و مکان نبوده و چنانچه بارها و بارها بر همان شیوه خود اجرا گردد، یکپارچگی مورد نظر حاصل شده و باصطلاح از پایایی^۲ لازم برخوردار باشد.

۶. **یادگیری حین عمل:** خصوصیت دیگر آموخته شده از این رویکرد، یادگیری حین عمل^۳ است که آن را از دیگر رویکردها متمایز می‌سازد. امام علی (ع) در بیان ضرورت آموزش در حین فعالیت برای عمال و کارکنانش می‌فرماید، کسی که بدون علم و آگاهی به کاری می‌پردازد مثل کسی است که به بیراهه می‌رود که هر چه راه می‌رود از مسیر و هدف اصلی دورتر می‌شود اما کسی که در مسیر عمل از دانش و آموزش استفاده می‌کند همچون رهروی است که در راهی مشخص و واضح حرکت می‌کند^۴. سخن امام معصوم، بدون شک تبعات سوء اقدام به کار، بر مبنای یک آگاهی اولیه و بدون فراگیری حین کار را گوشزد می‌کند. از تشبیهی که حضرت بکار برده‌اند می‌توان دوری و فاصله گرفتن از هدف، اتلاف وقت و امکانات را از جمله پیامدهای ناشی از غفلت یادگیری حین فعالیت دانست.

۷. **باز تعریف مبانی و تحول در شیوهها:** پنجمین ویژگی رویکرد جهادی- علمی اقدام به باز تعریف مبانی، ادبیات و تحول در شیوهها، روش‌های جاری و سازوکارهای اجرایی دفاع مقدس است. و در واقع تحولی در تبیین و تفسیر معنای آن است. به همین اعتبار، نوسازی نیز در این رویکرد

۲. Reliability

۳. Action learning

۴. **وَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عِنَ الطَّرِيقِ الْوَأَضِاحُ إِلَّا بَعْدًا عَن حَاجَتِهِ وَ إِنَّ الْعَامِلَ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَأَضِاحُ (غررالحکم ص ۳۴۵)**

چندمنظوره بوده و نه تنها نوسازی کالبدی را دنبال می‌کند بلکه به مبانی مقدماتی آن یعنی نوسازی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، رفاهی و خدماتی نیز توجه تام می‌نماید. خصوصیت این رویکرد شیوه‌ها و روش‌ها و سازوکارهایی که سالیان‌سال در ثبات خود کهنگی و فرسودگی عمیق‌تر از بافت‌های فرسوده را به دنبال داشته‌اند و ایستادگی فوق‌العاده‌ای در برابر تحول و تغییر دارند. به این ترتیب، رویکرد جهادی- علمی، افق تازه‌ای است که از پرتو اندیشه دفاع انقلابی و الگوهای نوین مدیریتی بر روی مدیران کشور، گشوده و پدیدار گشته است. افقی که رنگین‌کمانی از دین‌مداری، نشاط پروری، کارآمدی، تعهد و تکلیف، تلاش‌گری و پرکاری، علم دوستی، اخلاص و صداقت را در آسمان خویش دارد. چنین رویکردی است که می‌تواند ارزش‌آفرینی‌هایی همچون رهایی از فقر، بیکاری، محرومیت و نوسازی ساختار اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و اقتصادی ملت ایران را به دنبال داشته باشد. ارزش‌هایی که کمتر از شکست حصر آبادان، آزادسازی خرمشهر و نهایتاً سرافرازی ملت ایران در نبرد نا برابر با دشمن در دفاع مقدس هشت ساله نیست (همان، ۴۲).

تحلیل

بیش از ۳۰ درصد بافت شهری ایران، با جمعیتی بالغ بر ۱۹ میلیون نفر، به معضل فرسودگی مبتلا هستند. همواره اقداماتی که در جهت بهبود اوضاع غالب این مناطق صورت پذیرفته، به صورت پراکنده و وام گرفته از اندیشه‌های غیر بومی بوده و تنها تقلیدی کور و عملی بی فرجام محسوب شده‌اند. این درحالی است که شرایط فرسودگی در ایران و یا هر نقطه دیگری از جهان، خاص همان منطقه بوده و نیازمند اقدامی بومی و در خور موقعیت است. بومی سازی اقداماتی این‌چنینی برای کشوری نظیر ایران که همواره بستر وقایع مهم و عبرت آموز تاریخی بوده، نسبت به سایر مناطق از سهولت نسبی برخوردار است. چراکه آموزه‌های حاصل از تجارب تاریخی، خود مکتبی اصیل را جهت آموزش وطنی سازی اقدامات و آگاهی از پتانسیل‌های موجود فراهم می‌آورد. کشور ایران پس از فائق

آمدن بر دشواری‌های انقلاب، درگیری‌های داخلی، جنگ‌های پارتیزانی و مواردی ازین دست، به نوعی فرسودگی دچار شده بود که در این شرایط بروز جنگ تحمیلی، بر وخامت اوضاع دامن زد. اما نوع برخورد با این شرایط و مدیریت اوضاع، بسیار هوشمندانه بوده و با برقراری پیوندی صحیح میان قدرت علمی و قوای جهادی به سرانجام نیکو منجر شد. بنابراین این نوع مدیریت در تمامی بخش‌های مدیریتی کشور قابل تعمیم بوده که مدیریت شهری و به ویژه نوسازی بافت فرسوده مثال بسیار مناسبی است. چراکه صرف نظر از مقیاس کلان جنگ و حساسیت‌های بالای آن، شباهت‌های بسیاری میان یک بافت فرسوده شهری و کشور ایران در زمان وقوع جنگ تحمیلی وجود دارد. بنابراین بسیاری از اصول جنگ، در مدیریت و نوسازی بافت فرسوده قابل ترجمه است. برخی از شباهت‌های درخور توجه عبارتند از:

بافت فرسوده و کشور جنگ زده، هر دو به دلایل مختص خود، به نوعی جاماندگی فضایی، زمانی و مکانی از سایر نقاط هم سطح مبتلا می‌شوند، به همین دلیل جای دادن دوباره آنها در تراز استاندارد پیشین هدف اصلی است. هدف انسانی و توجه صرف به مردم، مهمترین هدف هر دو رویکرد است.

با توجه به مخاطب اصلی در هر دو عرصه، لزوم در نظر گرفتن خواست‌های مردم و همچنین بهره‌گیری از پتانسیل‌های آنان و وارد نمودن ایشان به صحنه نبرد و در واقع خلق بستر مشارکت مردمی در هر دو مورد ضروری است.

شرایط موجود در بافت فرسوده و جنگ، هر دو به دلیل ایستا نبودن و اینکه میل به وخامت دارند، به نوعی روند منفی دچارند. بنابراین مدیریت پویای هر دو عرصه امری لازم الاجراست.

نهایتاً اینکه، در هر دو عرصه قابلیت شبیه سازی وجود ندارد. زیرا، هر اقدام در عملیات جنگی، صرفاً خاص همان شرایط بوده و از یک الگوی واحد پیروی نکرده و از سویی دیگر وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی در هر عملیات، بدان خاصیت انعطاف

پذیری دیکته می‌کند. نوسازی بافت فرسوده نیز در بستری مشابه، نیازمند اقدام خاص خود بوده و با توجه به ویژگی‌های درونی امری منحصر به فرد محسوب می‌شود. مضاف بر آنکه انعطاف پذیری اقدامات، قابلیت‌های جدایی ناپذیر است.

حال با در نظر گرفتن شباهت‌های موجود میان اداره کردن اوضاع جنگ و مدیریت بافت‌های فرسوده، می‌توان توازنی منطقی را میان مهندسی جنگ، که تلفیقی از علم و عمل است، و اصول کاربردی در رویکردهای مقابله با بافت فرسوده، برقرار نمود. اگرچه این توازن به معنای هم وزنی در مقیاس عمل و فوریت‌های عملیاتی نیست، اما می‌توان در نوع مدیریت علمی-جهادی، تبعات و دامنه آسیب‌های مردمی و شیوه مقابله با دشمن و عامل آسیب رسان این دو را متوازن قلمداد نمود. زیرا، جهاد بی علم، در شرایط روز دنیا، صرفاً هدررفت سرمایه انسانی و مالی است، بنابراین هر اقدام جهادی می‌بایست در بستری دانشی صورت پذیرد و علم و عمل مکمل هم باشند. این مهم در دوران دفاع مقدس، به عنوان یکی از مهمترین نکات قوت ایران در قبال دشمن محسوب می‌شد. ضرورت حاکم در آن شرایط، ایرانیان را به طرح ریزی مهندسی جنگ و مدیریت علمی-جهادی وادار نمود. این خود از مهمترین دستاوردهای معنوی هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌رود. حال آنکه اکنون، قلم ابزار جهاد است، این موضوع پررنگتر از قبل چهره می‌نماید و شهرسازی نیز به پیروی از همین روند، باید در تمام جوانب و عرصه‌ها دانش بنیان عمل نموده و تلفیقی منطقی از علم و عمل را ارائه دهد. نوسازی بافت فرسوده نیز به عنوان جزء مهمی از عملیات شهرسازی، ازین قاعده مستثنی نیست.

لازم به ذکر است اگرچه در این نوشتار از توازنی نسبی سخن رفت، اما همواره آموزه‌های هشت سال جنگ تحمیلی چراغ راه بوده و برتری ارزشی آن بر همگان آشکار است. نمونه‌هایی در اثبات این سخن، به شرح ذیل بیان می‌گردد:

هشت سال دفاع مقدس، نماد علنی اتحاد مردم و وحدت مدنی در تاریخ ایران به شمار می‌رود. چراکه جنگ تحمیلی مختص نقاط مرزی نبوده و

آسیب‌های آن در تمام مناطق کشور و شبکه‌های فعالیتی به ویژه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده شد. لذا، نیازمند مدیریت جامع و بسیج همگانی بود تا از سرایت آن به دیگر بخش‌ها جلوگیری شود. درواقع، دفاع از حالت واحدهای موظف به یک عزم ملی تبدیل شد و اراده حضرت امام با بسیج توانمندی‌های فکری، تخصصی و با پشتوانه‌های ایمانی شکل عینی و عملی به خود گرفت. این نوع مدیریت، به موضوع نوسازی بافت فرسوده نیز قابل تعمیم است، بافت بیمار صرفاً به اهالی خود بافت و محدوده داخلی آسیب نمی‌رساند، بلکه دامنه تبعات آن به نواحی اطراف و کل شهر نیز آسیب می‌زند، لذا نیازمند حرکت جمعی و وفاق اجتماعی است. این وحدت در دو عرصه کلان تعریف می‌گردد:

وحدت علم و عمل: که همان نمود اصلی مدیریت علمی-جهادی است که در این راستا، نوسازی دانش بنیان مطرح می‌گردد.

وحدت انسانی سه سطحی: این سه سطح شامل وحدت مردمی، وحدت سازمانی و وحدت مردمی-سازمانی می‌شود. در بخش اول، تمام ساکنان یک شهر، نه صرفاً ساکنان بافت فرسوده، باید در جهت نوسازی بافت‌های فرسوده گام بردارند. که نمود اصلی آن همان مباحث مشارکت مردمی فرای مرز بافت فرسوده است. بخش دوم، مشارکت سازمانی است، زیرا مسئله نوسازی دیگر یک امر مختص به سازمان نوسازی نیست، بلکه بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های کشوری باید در جهت نوسازی بهینه بافت با یک دیگر متحد شوند و بخش آخر، پیوند این دو بایکدیگر است که شفافیت تصمیم و اقدام در هر دو عرصه لازمه نوسازی بهینه است.

ریز نکته‌های مدیریت در جنگ نیز از موارد مهم درخور توجه است. به طور مثال، حضور فرماندهان در صحنه نبرد به گونه‌ای که کنترل اوضاع را دست گیرند، خود عامل مهمی در قدرت بخشیدن به عملیات محسوب می‌شود. این در حالی است که در موضوع نوسازی بافت فرسوده نیز، چنین اقدامی لازم بوده و احداث دفاتر خدمات محله‌ای همانند حضور فرماندهی حاضر در عرصه نبرد، از نزدیک

کنترل اوضاع را درست می‌گیرد.

هشت سال دفاع مقدس، آموخت که نوآوری بر تفکرات کلاسیک، سنتی و وارداتی یک اصل اساسی در جهت تحقق هدف محسوب می‌شود. نیاز به این مهم در نوسازی بافت‌های فرسوده ایران که از مشکل غیر بومی بودن رنج می‌برند و نیازمند تحولی شگرفت و بنیادین در اصل و پایه مدیریت می‌باشند، بسیار به چشم می‌خورد.

تمرکز بر هدف اصلی و دوری از منفعت طلبی از دیگر آموزه‌های اصلی جنگ تحمیلی بوده است و تلاش بی‌وقفه و متمرکز در جهت تحقق هدف به اصلی مهم بدل گردید. این مهم در بافت فرسوده نیز قابل تعمیم بوده و با توجه به بستر فرسوده بافت و امکان منفعت طلبی سودجویان، حاکم کردن این اصل از الزامات است.

نوع قالب اقدامات و عملیات صورت پذیرفته در جنگ، همانند سیاست دفاع و هجوم نیز در بستر نوسازی بافت فرسوده قابل بررسی است. چراکه باید تمهیداتی اتخاذ شود که از فرسوده شدن یک بافت جلوگیری نماید و هم اصولی در اختیار باشد تا پس از ابتلای بافت به فرسودگی، در پی جبران و مقابله برخیزد. که در این شرایط، کاربست مهندسی آماده سازی، رزمی و پشتیبانی رزمی، هر کدام به طور جداگانه در نحوه مقابله با فرسودگی ترجمان عینی می‌یابند.

به طور کلی، هشت سال دفاع مقدس در زمان جنگ تحمیلی، صرفاً به عنوان یک جنگ پایان یافته در تاریخ ایران تلقی نمی‌شود. کاربست آموزه‌های گسترده این جنگ، در تمام جوانب زندگی ایرانیان مشهود است و چه بهتر که در بستری علمی و منطقی به بار نشیند. نوع مدیریت علمی-جهادی حاصله، به مکتبی فکری بدل شده که همچون ظرفی پذیرای بسیاری از فعالیت‌های موثر بر زندگی روز ایران است. درواقع الگوپذیری نوسازی بافت‌های فرسوده از اصول حاکم بر هشت سال دفاع مقدس نمونه ناچیزی است که نشان دهنده‌ی قدرت مانور این خط فکری در تمام عرصه‌های زندگی است. شاید حتی بتوان

بر آمدن از پس دشواری‌های اقتصاد مقاوتی، که امروزه مردم ایران آن را در نهایت ایستادگی و ایثار به پیش می‌برند، میراث به جا مانده از آن دوران قلمداد نمود.

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از مهم ترین راه های شناخت ارتباط بین دو پدیده، در کنار شناخت تشابه ها، شناخت تفاوت های آنهاست. در این خصوص، شناخت رابطه میان مهندسی جنگ و مدیریت نوسازی مد نظر این تحقیق بود. بدون شک، با توجه به آنچه بیان گردید می توان اینگونه نتیجه گرفت که هر دو این پدیده‌ها، در عین برخورداری از ظرفیت های مهندسی دارای قوه مشترک فکر هستند. به دیگر سخن، مهندسی جنگ صرفاً مهندسی فیزیکی نیست، مهندسی فکر است. فکر مهندسی در خدمت مهندسی فکر و ایده است. چه بسیار عملیات هایی که به واسطه مهندسی جنگ صحنه را به نفع نیروهای خودی تعیین، تغییر و یا تبدیل کرده اند. نوسازی هم مهندسی و هم مدیریت فکر توسعه است. نوسازی دارای مهندسی کالبد می باشد ولی هرگز نباید آن را در مهندسی کالبد خلاصه نمود، نوسازی، مهندسی اجتماعی است. با توجه به عقب افتادگی ها و تاخیرهای فراوانی که در نوسازی بافت های فرسوده شهری به وقوع پیوسته است، ایجاد تغییر و تحول در ساختارهای فکری، الگوها و ادبیات مفهومی نوسازی و تحول در روش ها و شیوه های اجرایی، به عنوان یکی از راه کارهای اساسی در رونق بخشیدن نوسازی بافت های فرسوده ضروری است. این روش ها و شیوه ها علاوه بر برخورداری از بنیان های علمی و تفسیر در ادبیات دانشی موضوع، نیازمند رویکردی عمل گرا، جامع نگر، متکی بر مدیریتی منسجم، تخصصی و هوشمند به صورت یک حرکت جهادی است. مدیریت نوسازی بافت های فرسوده شهری قبل از هر اقدامی دیگر باید بتواند الگوی روشنی را با تکیه بر رویکردی نو ارائه نماید. رویکردی که برگرفته از تجربه ارزشمند دفاع مقدس و بویژه مهندسی جنگ حاصل آمده است و رویکرد جهادی - علمی نامیده می شود.

رویکرد جهادی - علمی بعنوان یکی از رویکردهایی که می تواند به طور عام موجب ایجاد تحول و تسریع روند فعالیت های مدیریت در حوزه های گوناگون کشور که نیازمند حرکت های فراگیر در سطح کلان است شود، مورد بررسی اجمالی قرار گرفت. اهمیت چنین رویکردی از این جهت است که می تواند به عنوان مناسب ترین گزینه و راه حل جهت برون رفت از وضعیت انفعالی و غیر پویای مدیریت نوسازی بافت های فرسوده مورد توجه قرار گرفته و موجب رونق بخشی و ایجاد تحرک جدی در آن گردد. رویکرد جهادی - علمی منبعت از انگاره ارزشی و آرمانی انقلاب اسلامی، به ویژه دوران دفاع مقدس واجد ویژگی ها و خصوصياتی است که قادر است با معضل پیچیده و گسترده ای بنام بافت فرسوده شهری به مبارزه برخاسته و از این رهگذر بر مشکلات و معضلات ناشی از آن فائق آید. به این ترتیب، بررسی و تحلیل مفهوم، ریشه ها و مؤلفه های اصلی این رویکرد با استفاده از تجربه دفاع مقدس انجام و راه عبور از بحران نوسازی بافت های فرسوده از این مسیر نشان داده شد:

پرهیز از انفعال و روزمرگی و اعمال مدیریت فعال، پیشرو، کارآمد، مردمی و برخوردار از ویژگی های انتقاد پذیری، پاسخگویی، شفافیت و در دسترس بودن،

تاکید بر اصالت بنیادین خدمت رسانی خالصانه به مردم به عنوان یک فریضه متعالی و بهره گیری از توان عظیم آنها در امر نوسازی،

واگذاری حداکثر امور به مردم، بخش خصوصی و عمومی و تمرکز بر هدایت، حمایت و تسهیل جریان نوسازی،

راهبری مدیریت نوسازی از طریق ایجاد هماهنگی بین گروه های ذی نفع و ذی نفوذ،

مدیریت و برنامه ریزی اقدامات بر اساس اهداف نوسازی در سه سطح فوری و اضطراری، میان مدت و بلندمدت،

بهره گیری تمام عیار از همه قابلیت ها از طریق ایجاد رابطه فرآیندی بین کارهای علمی، ستادی،

۱. پور کاظم، عزیزالله (۱۳۹۵)، «عملیات های مهندسی دوران دفاع مقدس شاهکارهایی از جنس اراده و خواستن بود»، خبرگزاری صاحب نیوز، هفتم مهرماه، تهران، ایران.
۲. خامنه ای، سیدعلی، رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۳)، ستاد بزرگداشت روز ملی مهندس.
۳. خامنه ای، سیدعلی، رهبر معظم انقلاب (۱۳۶۴)، «درباره نقش جهاد سازندگی در جنگ»، در آستانه سالگرد تشکیل جهاد سازندگی.
۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۷)، «تجلیل و تقدیر از جهادگران جهاد سازندگی» صحیفه سجادیه، جلد ۲۱.
۵. علایی، حسین (۱۳۷۳)، «علل موفقیت مدیران (فرماندهان) در دفاع مقدس»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۶. عندلیب، علیرضا (بی تا)، «یادداشت های دوران دفاع مقدس» به نقل از علی شمخانی.
۷. عندلیب، علیرضا (۱۳۷۷)، «بررسی اجمالی مهندسی رزمی در ۸ سال دفاع مقدس در نگاهی به مهندسی ساختمان و معماری معاصر ایران» وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ایران. (این نوشتار بدون ذکر نام به چاپ رسیده است).
۸. عندلیب، علیرضا (۱۳۷۹)، «آمایش مناطق مرزی با تاکید بر ملاحظات امنیتی-دفاعی، مطالعه مورد خوزستان»، رساله دکتری شهرسازی دانشگاه تهران.
۹. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، «نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات دوره عالی جنگ،

ترغیب و بسیج توانمندی های توسعه ای شهر، منابع و انگیزه های بالقوه و بالفعل موجود در بافت های فرسوده با رویکرد فرصت محور، اطمینان بخش و مشارکت برانگیز.

به این ترتیب، امروز رسیدن به تفکری در مدیریت که هم با ارزش ها، فرهنگ و نظام اسلامی سازگاری داشته باشد و هم در تحقق اهداف خاص این نظام کارآمد باشد، یک ضرورت اساسی است و بسیار محتمل است که از الگوی مدیریت دفاع مقدس و الگوهای مدیریت نوین علمی جهان، رهیافت های ارزنده ای برای پایه گذاری این تفکر استخراج نمود. به این ترتیب تاحدی روشن می شود که اولاً، چه سرمایه بزرگی برای کار علمی در دست است که نباید آن را بلااستفاده وانهاد و ثانیاً، چقدر ما به استفاده از این تجربه نیازمندیم.

تهران، ایران.

۱۸. هاشمی فشارکی، سید جواد (۱۳۸۹)،

«اعجاز مهندسی قرن در دفاع مقدس»،
سایت ستاد کنگره مهندسين شهيد، به
نقل از پایگاه اینترنتی پژوهشگاه علوم و
معارف دفاع مقدس، تهران، ایران.

۱۰. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۲)، «مهندسی جنگ
در دفاع مقدس و درس هایی برای آمایش
دفاعی مناطق مرزی کشور»، فصلنامه
مطالعات دفاعی و امنیتی، سال دهم شماره
سی و پنجم.

۱۱. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۶)، «رویکردی نوین
به: مدیریت نوسازی بافت های فرسوده
شهر تهران»، سازمان نوسازی شهر تهران
و نشر ری پور، چاپ دوم، تهران، ایران.

۱۲. عندلیب، علیرضا (۱۳۹۲) «اصول نوسازی
شهری، رویکردی نو به بافت های
فرسوده»، انتشارات آذرخش، چاپ دوم،
تهران.

۱۳. قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۸)، «نوسازی
بافت های فرسوده دچار بحران
تصمیم گیری است»، همشهری آنلاین ۱۸
بهمن ۹۵.

۱۴. قالیباف، محمد باقر (۱۳۹۴)، «مداخله مستقیم
شهرداری و دولت در بافت فرسوده سم
مهلکی است»، خبرگزاری مهر، ۲۶ مهرماه

۱۵. مناف پور دیزجی، محمد و یزدانی،
ناصر (۱۳۷۱)، «بررسی مسائل دفاعی شهر،
شهرسازی مهران»، پایان نامه کارشناسی
ارشد شهرسازی، دانشگاه تهران.

۱۶. مهندسی جنگ (۱۳۷۸)، اولین همایش
مهندسی رزمی سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی اسفند ۱۳۷۶، اداره مهندسی
ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
با همکاری دانشگاه امام حسین (ع)، گزیده
مقالات، چاپ اول، تهران، ایران.

۱۷. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۹۵)،
«گاهی یک بمباران همه چیز را خراب
می کرد»، خبرآنلاین، پنجم مهرماه، تهران،
ایران.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

تأثیر ضابطه ۶۰+۲٪ بر مسکن ردیفی متداول تهران

آزاده مهاجر میلانی* - دانش آموخته دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علیرضا عینی فر - استاد دانشکده هنر و معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

وضع ضوابط و مقررات ساخت و ساز، شکل و رابطه میان بناهای مسکونی را متفاوت و زندگی در فضاهای مسکونی را متاثر می‌سازد. در شهر تهران، استفاده از ضابطه سطح اشغال و ساخت بنای مسکونی در ۰۶٪ شمال قطعه تفکیکی و سپس امکان دو متر پیش‌آمدگی با در نظر گرفتن پخ ۵۴ درجه، یکی از این ضوابط وضع شده برای گونه خانه‌های ردیفی متداول بود. اهمیت پرداختن به این موضوع، متداول بودن ساخت گونه غالب خانه‌های ردیفی با دو زیر گونه شمالی و جنوبی در تمامی شهرهای ایران است. برای این پژوهش گونه ردیفی با دو زیر گونه شمال و جنوبی، با ارتفاع سه تا شش طبقه الگوی متداول سکونت در تهران تعریف شده است. پرسش اصلی این پژوهش این است که ضابطه سطح اشغال ۰۶+۲٪، تا چه میزان بر شکل‌گیری مسکن در سه مقیاس بستر بنای مسکونی، همجواری‌ها و عناصر واحد مسکونی اثر داشته است؟ ویژگی‌های مورد بررسی در سه مقیاس ذکر شده، عملکرد- رفتار، ساختار- کالبد و فضا- ادراک بوده است که در نمونه‌های موجود در تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که تأثیر این ضابطه در سه گروه اصلی اشراف، کیفیت نورگیری و تناسب فضایی قابل دسته‌بندی و در سه مقیاس ذکر شده قابل تحلیل است.

واژگان کلیدی: ضابطه ۰۶ + ۲٪ مسکن ردیفی تهران، ۲ متر پیش‌آمدگی، ضوابط ساخت و ساز، اشراف

The impact of 60%+2 code on Tehran's common row house construction

Abstract

It has been said that the legislation of rules and regulations, has been affected the form, construction and the relationship between different forms of life in residential buildings. In the city of Tehran, the occupancy code along with the regulation of construction exactly in the northern 60 percent of plot with the feasibility of projection for 2 meters, considering beveled corners (45 degree), was one of the codes legislated for the common row type houses. It seems that this code had a lot of effect on Tehran's residential areas which created a type of housing called row houses. In this type we can distinguish two different species called the northern houses and the southern one. There are obvious differences between these two types that know to be as a reason of the regulation specially the construction portion and its beveled corners. Howbeit the beveled corners are not obligatory any more but we can see its effect on city image. Row type houses along with its northern and southern species with the high of three to six stories is defined as the common residential building patterns of Tehran's houses. Because of this dominance in Tehran as a capital and then in all Iranian cities, it is very important to address this issue as a research topic. So in this research we are going to investigate around the effect of these kinds of regulation and codes on residential buildings. The question arises here is that to what extent this code can influence Tehran's housing. The main question of this research is to realize the effect of the 60 percent occupancy of the plot with a possibility of 2 meters projection on residential areas in three scales including residential unit's itself, its surroundings and other residential buildings and its neighborhood to have a comprehensive study. For the three above mentioned scales, three type of characteristics covering the quality of architecture mentioned by capon, has been selected which consist of performance-behavior, structure and building physics and perception-space. Then these characteristics have been evaluated in available Tehran's samples of row houses. The characteristics and the scales shape a matrix which forms the theoretical Framework of this research. So this frame work used to evaluate the effect of this code. Therefore each of the 9 portions of the framework matrix filled by three instances of effects. With a help of logical reasoning as a research method of this paper, the effects of 60 percent plus 2 meters projection code, has been evaluated through this framework. All the 27 effects which have been founded, consist of day lighting factors, view and landscape, overlook through the triangular balcony created because of the beveled corners, etc. categorised in three main groups of overlook, the quality of day lighting and spatial proportions. These three factors can seriously affect the quality of living in each residential units or apartments which has been increased by solely a code called 60 percent plus 2 meters.

Key words: 60%+2 codes, 2 meters projection, construction regulations, overlook, Tehran's row houses

مقدمه

تحولات مسکن در تهران دوره‌های از تغییرات اساسی را از مقیاس قرارگیری بناها و مجموعه‌ها در بستر شهری تا ترکیب واحد مسکونی، تجربه کرده است. با توسعه خیابان‌کشی‌های جدید در تهران، در دوره‌ای از زمان نظام تفکیک قطعات زمین و ارتباط آن با معابر در مقیاس محله و شهر دگرگون شد. یکی از اهداف اصلی این دگرگونی، برقراری دسترسی سواره به قطعات زمین مسکونی و تبدیل تدریجی ساختار اجتماعی - کالبدی درون‌گرایی مسکن تک‌خانواری به ساختار برون‌گرایی زندگی جمعی در کالبد بناهای موسوم به مسکن آپارتمانی، بوده است (برای مثال نگاه کنید به: Gaffari & Einifar, 2014). حاصل این تحول، متداول شدن الگوی غالب مسکن ردیفی در شهرهای بزرگ ایران، از جمله تهران است. برنامه‌ریزی برای ساخت مسکن ردیفی، با تعیین تناسبات زمین‌های تفکیکی و نحوه ارتباط قطعه با معبر عمومی؛ همراه با وضع مقررات و ضوابط در زمینه تعیین تراکم، سطح اشغال، محل استقرار ساختمان در قطعه تفکیکی (تعیین لفاف ساختمانی یا محدوده حجمی قابل ساخت) و غیره در این دگرگونی‌ها نقش اساسی داشته‌اند. در میان ضوابط مسکن آپارتمانی متداول در شهر تهران، تحول قانون سطح اشغال زمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این ضابطه با اجازه ساخت در ۴۰٪ شمال و ۲۰٪ در جنوب زمین آغاز و همراه با افزایش تراکم و ارتفاع ساختمان، به ضابطه ۶۰٪ ساخت در شمال زمین و سپس ۶۰٪ سطح اشغال با دو متر پیش‌آمدگی و پخ ۴۵ درجه ادامه یافت. از نتایج احداث بنای مسکونی در ۶۰٪ شمال زمین، دگرگونی اساسی در تناسبات نقشه و چیدمان فضاهای داخلی واحدهای مسکونی (مقیاس خرد)؛ تغییر در کالبد همسایگی، همجواری بناهای مسکونی و ترکیب فضاهای باز و بسته (مقیاس میانی)؛ و ساخت خانه در ردیف‌های شرقی - غربی در جوار معابر عمومی و ایجاد سیمایی یکنواخت در احجام ساختمانی و منظر عمومی خیابان‌ها (در مقیاس کلان) بود. اهمیت پرداختن به موضوع ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲ در شهر تهران، عمومیت یافتن ساخت مسکن ردیفی در شهرهای ایران و پیشینه عام استفاده از آن است.

پرسش اصلی این است که «ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲»، چگونه شکل‌گیری گونه غالب مسکن ردیفی تهران (با دو زیرگونه شمالی و جنوبی) را در سه مقیاس «واحد مسکونی، همجواری واحدها در بنای مسکونی، و بستر استقرار مسکن» متاثر ساخته است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا با مطالعه پیشینه موضوع، چارچوب استدلال منطقی تعیین و سپس با استفاده از مطالعه ساختار مسکن آپارتمانی ردیفی در تهران، الگوی تحلیلی پیشنهادی آزموده می‌شود.

پیشینه وضع ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲

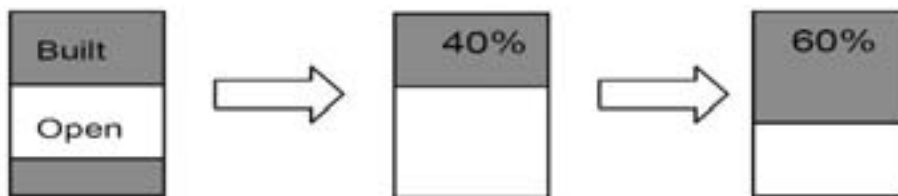
در ایران پیشینه ضوابطی که در شکل‌گیری مسکن و بویژه مسکن آپارتمانی موثر بوده‌اند، به قوانین مصوب مدنی و تشکیل نهادهای قانونی مربوط باز می‌گردد. قانون مدنی مصوب اردیبهشت ۱۲۷۰ و قانون دوم بلدیه مصوب ۱۳۰۹ شمسی از جمله این قوانین است. قانون اول تغییر چندان در نحوه ساخت و ساز مسکن بوجود نیامد، ولی با تصویب قانون دوم پیشنهاد تغییر نقشه شهر به وظایف بلدیه افزوده شد و توسعه معابر، خیابان‌ها و ساختمان‌ها در دستور کار قرار گرفت. در دهه اول قرن چهاردهم شمسی تاکید این قوانین بر احداث خیابان و ساماندهی معابر بود. با ابلاغ قانون مذکور در سال ۱۳۱۲ و اصلاح آن در سال ۱۳۲۰، توسعه خیابان‌ها و معابر و احداث بناهای عمومی در جوار آن‌ها عملی شد (بنیادی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰). شهر تهران در دگرگونی‌های سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ توسعه‌های به نسبت آرام را در حاشیه خیابانهای ایجاد شده در دوره قبلی، تجربه کرد. این توسعه از ضابطه و یا قاعده مدون و منسجمی تبعیت نمی‌کرد. در این دوره زمانی، منظر شهر به‌ویژه در حومه‌ها و حاشیه خیابانهای احداث شده، با معماری گشوده شده به معابر، به تدریج تغییر کرد. در حالی که شبکه معابر درون شهر تحولی طبیعی داشت، در گسترش‌های بیرونی، این شبکه به تبعیت از قطع‌بندیهای جدید ثبتی، بی آنکه از انتظام شهرسازی و سازماندهی فضایی مناسبی برخوردار باشد، میل به شطرنجی شدن پیدا کرد (م. حبیبی ۱۳۸۷، ۱۸۷). در این میان تاثیرگذارترین مصوبه در خصوص ساخت مسکن،

باز تعلق گیرد. این شیوه تفکیک زمین متاثر از ورود اتومبیل به زندگی روزمره شهر، مالکیت خودرو و نیاز به فراهم کردن دسترسی به خیابان برای هر قطعه زمین بود (Steadman and Shayesteh, 2013, 168, Gaffari & Einifar, 95, 2013).

بکارگیری این آئین نامه تا زمان تصویب و اجرای مقررات ساختمانی اولین طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۸، ساخت و ساز مسکن در تهران را تحت تاثیر قرار داد. از جمله این تاثیرات، تغییر سنت ساخت در اطراف حیاط و نمایش نمای ساختمان و پیش آمدگی بناها در گذرهای عمومی بود. ضمن این که در این دوران کنترل اساسی بر تفکیک و قطعه بندی زمین، حجم ساختمان و کیفیت ناماسازی نیز وجود نداشت. با جلوگیری از ساخت بنا در بخش جنوبی زمین در سال ۱۳۵۲، ترکیب ساخت بناهای مسکونی ردیفی در شمال قطعه قوت بیشتری یافت. از نتایج ابلاغ مقررات ساختمانی طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۸، تعیین تراکم های مختلف و تعیین زیربنای مجاز در هر تراکم بود. سطح اشغال به ۶۰٪ مساحت قطعه زمین افزایش یافت، ولی در الگوی معماری مسکن ردیفی تغییر عمده ای ایجاد نشد (عینی فر، ۱۳۹۲).

آئین نامه ساختمانی بود که در سال ۱۳۲۱ برای تهران تصویب و ابلاغ شد. حداکثر ارتفاع ساختمان نسبت به عرض گذر مجاور، پلکان، دودکش، میزان پیش آمدگی ساختمان در گذر، وضعیت نمای ساختمان، رنگ در و پنجره های مشرف به گذر، ضخامت دیوارهای خارجی ساختمان، مواردی از مفاد این آئین نامه بود. از موارد مهم تاثیرگذار بر فرهنگ ساخت و ساز مسکن در این آئین نامه میتوان تعیین حداکثر سطح اشغال ۴۰٪ و تعیین حیاط نورگیر داخلی^۳ با مساحت ۱۲ مترمربع برای فضاهای اصلی و ۶ متر مربع برای سایر فضاها را نام برد (بنیادی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۱).

ایده شمالی- جنوبی ساختن ساختمانهای مسکونی در تهران، ابتدا از طرح کوی نارمک (۳۰ تیر) با روی کار آمدن دولت مصدق، در ۱۳۳۱ آغاز و سپس الزامی شد (جانی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹۰). در سال ۱۳۳۲، برای اولین بار در ایران، ضوابط و مقرراتی برای کنترل توده و آرایش فضایی حاکم بر تحولات فضاهای مسکونی وضع شد. طرحهای دولت برای تقسیم زمین، قطعات یکنواختی بود که ردیفهایی یکسان از ساختمانهای مسکونی را تشکیل می دادند

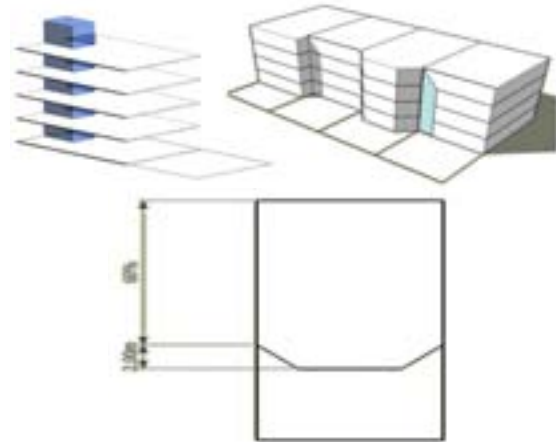


تصویر ۱. ضوابط سطح اشغال، محدوده ساخت و فضای باز بناهای مسکونی (Steadman and Shayesteh, 2013, 95)

در سال های بعد، به منظور افزایش تراکم و استفاده از زیربنای بیشتر، ضمیمه هایی به این ضابطه اضافه شد. به عنوان مثال، دو متر پیش آمدگی یا پیشروی طولی، منوط به رعایت پخ ۴۵ درجه در طرفین ساختمان، مجاز شد. اگرچه بازبینی در آئین نامه پخ ۴۵ درجه در سال ۱۳۸۳ برای ساختمانهای حداکثر تا ۵ طبقه الزام اجرای آن را منوط به اجرای قبلی پخ در ملک مجاور کرده است، ولی با اعمال این ضابطه در طول سالیان، تغییری اساسی در عناصر

(Steadman and Shayesteh, 2013, 95). از دهه ۴۰ به بعد استقرار قطعات بزرگ زمین در میان خیابانکشیها، و امکان تفکیک این قطعات توسط مالکان یا ماموران ثبت املاک (با توجه ناکافی به دانش و معیارهای شهرسازی)، به مستطیلهایی که فاصله شمال و جنوب را به دو قطعه زمین ملکی تقسیم میکردند، چهره مشخص و نهادی به خود گرفت. این شیوه با استقرار فضای بسته در یک طرف زمین و فضای باز حیاط در طرف دیگر، درون خانهها را تحت تاثیر قرار داد (حائری، ۱۳۸۸، ص ۳۹). براساس این قانون، ۴۰٪ از مساحت میتوانست در لبه شمالی^۵ زمین ساخته شود و باقی آن به فضای

تشکیل‌دهنده نماى جنوبى بناهاى آپارتمانى، از جمله فرم بالکن‌ها در دو انتهای جنوبى ساختمان و در نتیجه فرم کلی آن، پدیدار شد. با افزایش سطح اشغال در شمال قطعه و عمیق‌تر شدن ساختمان و نبود امکان باز کردن پنجره به سمت قطعات مجاور، مقررات احداث نورگیر داخلی نیز ضرورت یافت.



تصویر ۲. الحاقات به ضابطه ۶۰٪ + ۲ (۲ متر پیش آمدگی، پخ ۴۵ درجه، ضوابط نورگیر داخلی)

همین ضابطه به ظاهر ناچیز که امتیازاتى را نیز برای سازندگان بنا، از نظر اضافه زیربنا به همراه داشت، خود تبدیل به مساله‌ای خاص در معماری بناها شد که میتوان از آن به عنوان پدیده‌ای قابل توجه در معماری نیمه دوم قرن بیستم ایران یاد کرد (صارمی ۱۳۷۳، ۵). این آپارتمان‌های منفرد ردیفی پیوسته گونه متداول مسکن ساخته شده توسط این ضابطه شد که تابع نظم از قبل اندیشیده بوده و با محوریت دو خیابان عمود بر هم، بافتی شطرنجی و الگویی از بلوکهای مسکونی که با شبکه شطرنجی به هم مرتبطند را پدید آورده است که زیرگونه‌های شمالی و جنوبی، منتج از این الگو به خوبی در این بافت قابل تشخیص است.

نتیجه وضع قوانین فوق در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۴۸ به ساخت چهار گونه مسکن آپارتمانی با مشخصات زیر منجر شد (عینی فر ۱۳۹۲، صص ۱۶-۱۸):

• **گروه اول.** بناهای آپارتمانی ترکیبی مسکونی/تجاری؛

• **گروه دوم.** بناهای مسکونی ساخته شده در قطعات تفکیکی شهرک‌ها یا کوی‌های مسکونی طراحی شده؛

• **گروه سوم.** بناهای مسکونی آپارتمانی ساخته شده در زمین‌های مشاع و در چارچوب مقررات و ضوابط مجموعه‌های مسکونی؛ و

• **گروه چهارم.** بناهای مسکونی آپارتمانی ساخته شده براساس ضوابط و مقررات ساخت ردیفی با ۴۰٪ تا ۶۰٪ سطح اشغال در زمین‌های تفکیکی ردیفی در جوار گذرهای عمومی.

بناهای ترکیبی تجاری مسکونی و مجموعه‌های مسکونی ساخته شده در زمین‌های مشاع به دلیل عدم تبعیت از ضابطه مذکور خارج از موضوع این تحقیق هستند. اما تاثیر ضابطه سطح اشغال ۶۰٪+۲، در گروه دوم^۶ و چهارم^۷ بیش از سایرین قابل بررسی است.

گروه دوم، از زمان ساخت کوی‌های مسکونی تهران از سال ۱۳۲۰ آپارتمان‌های مسکونی، به تدریج با عنوان مسکن ارزان قیمت متداول شدند. کوی‌های چهارصد دستگاه، نارمک، نازی‌آباد، سیزده آبان (نهم آبان سابق)، کن، صاحبقرانیه و غیره در این دوره ساخته شدند. در طرح اولیه این نمونه‌ها، مسکن آپارتمانی در قطعات تفکیک شده ساخته شده است. در دهه‌های بعد در ساخت محله‌های طراحی شده مثل شهرآرا، علاوه بر مسکن ویلایی دوطبقه (دوبلکس) آپارتمان‌های مسکونی یک تا سه خوابه نیز ساخته شد (سال ۱۳۴۲). در همین دوره، سطح اشغال ۶۰٪ در قطعات تفکیکی و احداث بنای مسکونی دو طبقه، در ساخت محله تهران ویلا رعایت شده است. چیدمان ساختمان‌های آپارتمانی در این شهرک‌ها تابع ضوابط مجموعه‌های مسکونی و تامین فضای باز لازم برای هر قطعه است؛ و گروه چهارم، آپارتمان‌های متداولی هستند که در قطعات ردیفی زمین‌های تهران ساخته می‌شوند. در مطالعه موردی تاکید بر این گروه می‌باشد. مشخصه این آپارتمان‌ها ارتفاع حداکثر چهار طبقه و دسترسی به

طبقات ساختمان بدون استفاده از آسانسور بود. آپارتمان‌های کوی نصر با شیوه متداول خیابان‌کشی در تهران و به‌صورت ردیفی در شمال و جنوب گذر ساخته شدند. از ویژگی‌های این دوره مسکن آپارتمانی تراکم ساخت ۱۲۰٪ در ۶۰٪ شمال زمین بود که این تراکم اغلب به ساخت مسکن در دو و نیم طبقه منجر می‌شد. این ضابطه ساخت به متداول شدن اصطلاح بهارخواب^۱ در مسکن دهه ۵۰ ایران منجر شد (عینی فر، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

چارچوب نظری

برای تحلیل تاثیر ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲ بر شکل‌گیری مسکن ردیفی آپارتمانی در تهران و پاسخ به سوال تحقیق به دسته‌بندی ساده و قابل فهمی از شناخت مقوله‌های تاثیرگذار در معماری مسکن نیاز است. برای این منظور گونه‌شناسی انجام شده توسط دیوید کاپون در کتاب نظریه‌های معماری (۱۳۸۳) مورد استفاده قرار گرفته است. وی با مراجعه به مقولات در فلسفه معماری، و تفسیر سه اصل مشهور ویتروویوس^۲ به ساخت، کارکرد، شکل^۱، سه گرایش عمده کارکردگرایی، شکلانگاری و ساختانگاری در دوره مدرن اشاره کرده است. نهایتاً با جستجو در آثار نویسندگان نظریه‌های معماری مانند جفری اسکات (۱۹۱۴)، اوگوست پره (۱۹۲۳)، لوکوربوزیه (۱۹۲۳)، والتر گروپیوس (۱۹۲۴-۱۹۳۵)، اسنوا (۱۹۳۱)، لودویک میس وندرهرو (۱۹۲۸-۱۹۳۸)، نیکولاس پوزنر (۱۹۴۳)، راینر بانهام (۱۹۶۰)، ل. بنه ولوو (۱۹۶۰)، کریستین نوربرگ شولتز (۱۹۶۳)، رابرت ونتوری (۱۹۶۶)، ان.ال.پراک (۱۹۶۸)، جورج برد (۱۹۶۹)، چارلز جنکز (۱۹۶۹)، ل. لیگو (۱۹۷۴)، دیوید کنتر (۱۹۷۷)، راب کرییر (۱۹۸۲) و نورمن فاستر (۱۹۸۳)، سه مقوله مشترک در تعریف معماری به شرح زیر استخراج شد (کاپون، ۱۳۸۳، ص ۷۳) و (سمرقند ۱۳۷۹) (حکمتی ۱۳۸۱):

- ساخت (فن، سازه، کالبد)؛
- عملکرد (نیاز، شیوه زندگی، جامعه، اقتصاد، برنامه، رفتار، افعال)؛ و
- فضا (زیبایی، سنت/رسم، هماهنگی، شکل، فرهنگ، روح، سبک، معنا و مفهوم).

با استفاده از تحلیل‌های مستخرج از منابع ذکر شده، در این پژوهش مقولات اصلی معماری برای تحلیل ویژگی‌های انسانی آن به سه عامل «عملکردی/ رفتاری، ساختاری/ کالبدی و فضایی/ ادراکی» تقسیم شده است. برای تحلیل دقیقتر تاثیر ضابطه مورد نظر، سه مقیاس از فضاهای مسکن ردیفی آپارتمانی شامل «بستر بنای مسکونی، همجواری‌ها و عناصر واحد مسکونی» که در اینجا با عنوان «محل/مجموعه، همسایگی/بلوک مسکونی و خانه/واحد مسکونی» معرفی گردیده، برای سنجش در نظر گرفته شده است. این سه مقیاس به دلیل کارکرد آنها از سطح عناصر واحد مسکونی تا ارتباط مسکن با فضای بیرونی و شهری مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است. نهایتاً ارتباط منطقی این سه مقیاس با ویژگی‌های مستخرج از مقوله‌های معماری در جدول تصویر ۳ ارائه شده است.

تصویر ۳. جدول الگوی تحلیل تاثیر اجرای ضابطه ۶۰٪ + ۲ بر ویژگی‌های انسانی مؤثر در مسکن در سه مقیاس خانه/واحد مسکونی، واحد همسایگی/بلوک مسکونی و محل/مجموعه

مقیاس پاسخ‌گویی / معماری	۱. خانه / واحد مسکونی	۲. واحد همسایگی / بلوک مسکونی	۳. محل / مجموعه
الف. عملکردی / رفتاری	الگوی سکونت	الگوی همجواری	الگوی عملکردی-رفتاری محل

ب. ساختاری / کالبدی	روش‌های ساخت	نظام همجواری	حوزه‌ها و نظام دسترسی
ج. فضایی / ادراکی	هندسه همنشینی فضاها	هندسه هم‌جواری	ترکیب فضایی مجموعه

با توجه به چارچوب نظری تعریف شده در جدول تصویر شماره ۳ در هر مقوله - مقیاس به ترتیب زیر تحلیل‌ها انجام خواهد شد:

• در مقیاس خانه یا واحد مسکونی، از نظر عملکردی/رفتاری، به ریز فضاها و الگوهای رفتاری شکل گرفته در آن‌ها، به منزله «الگوی سکونت» توجه شده است. از نظر ساختاری/کالبدی در همین مقیاس، نمای واحدها و قابلیت‌های ایجاد شده برای هر واحد مسکونی، با عنوان «روش‌های ساخت» و از نظر فضایی/ادراکی، «هندسه همنشینی فضاها» و فضای معماری بررسی می‌شود.

• در مقیاس واحد همسایگی یا بلوک مسکونی، از نظر عملکردی/رفتاری، همجواری واحدها و چگونگی این همجواری‌ها در مشاعات هر بنا، به منزله «الگوی همجواری»؛ در مقوله ساختاری/کالبدی، نما و حجم ساختمان و نحوه کنارهم قرارگیری واحدها با عنوان «نظام همجواری» و از نظر فضایی/ادراکی، «هندسه همجواری» تحلیل خواهد شد.

• در مقوله عملکردی/رفتاری، در مقیاس محله نیز همجواری با پلاک مجاور از نظر اشراف، قرارگیری فضای باز و بسته، حیاط، ورودی پارکینگ و غیره به عنوان «الگوی عملکردی-رفتاری محله»؛ در مقوله کالبدی/ساختاری، موضوعات مرتبط با ساختار محله، نمای خیابان و مقطع خیابان با عنوان «حوزه‌ها و نظام دسترسی»؛ و در مقوله فضایی/ادراکی نیز «ترکیب فضایی مجموعه» تحلیل می‌شود.

از چارچوب معرفی شده به عنوان دستگاه عامی برای تحلیل کارکردهای مختلف معماری میتوان

استفاده کرد. در این مقاله از الگوی مذکور، تنها برای سنجش تاثیرات ضابطه سطح اشغال ۶٪ + ۲ بر شکل‌گیری مسکن ردیفی آپارتمانی متداول در تهران استفاده شده است.

یافته‌ها

برای دستیابی به درک درستتری از تفاوت‌های ایجاد شده از تاثیر ضوابط با تمرکز بر ضابطه ۶۰٪ + ۲ بر مسکن تهران، مطابق جدول چارچوب نظری، در سه مقیاس خانه یا واحد مسکونی، همسایگی یا بلوک مسکونی، محله یا مجموعه مسکونی، به بررسی این‌گونه خاص از مسکن از نظر عملکردی-رفتاری، ساختاری-کالبدی و فضایی-ادراکی، پرداخته می‌شود.

الف. ویژگی‌های عملکردی/رفتاری

الف - ۱. خانه یا واحد مسکونی؛ در مقیاس خانه یا واحد مسکونی، اجرای ضابطه ۶۰٪ + ۲ در مواردی منجر به ایجاد فضاهایی بدون عملکرد مشخص شده است. به عنوان مثال در پخ ۴۵ درجه بالکنهای مثلی با کارایی کمتر متداول شد. این بالکن‌ها علاوه بر نداشتن کارایی مناسب، اشراف به فضاهای باز پلاکهای مجاور را افزایش دادند. همچنین با اجرای ضابطه دو متر پیش‌آمدگی و افزایش سطح اشغال زمین و تقلیل فضای خالی بین ساختمان‌ها، اشراف به فضاهای داخلی از ساختمانهای مجاور و خیابان بیشتر شده است. با توجه به عمیق‌تر شدن ساختمان، ترکیب واحد مسکونی متفاوت شده و راه‌پله ساختمان به فضاهای میانی نزدیک‌تر شده است. امکان نورگیری طبیعی در فضاهای خدماتی واحد مسکونی کمتر شده و کیفیت آنها از نظر عملکردی تقلیل یافته است. از طرفی با افزایش سطح اشغال، علاوه بر این که حیاط به عنوان یک عنصر فعال در زندگی روزمره ساکنان عملکرد خود را از دست داد، و در کاربرد آن در زیرگونه‌های شمالی و جنوبی تفاوت‌هایی

تحلیل کرد. در این مورد فضای پاگردهای مابین واحدهای مسکونی در طبقات که بخش مهمی از مشاعات بنای مسکونیست، بیشترین تأثیر را در زمینه اشراف متقبل شده است. با اجرای این ضابطه از نظر عملکردی و رفتاری، عمق دید در همجواری‌ها کاهش یافته و پنجره‌های خانه‌های جنوبی به خانه‌های شمالی نزدیک‌تر شده است. با اجرای ضابطه دو متر پیش‌آمدگی به همراه استفاده از پخ ۴۵ درجه اشراف، تراکم و فشردگی بیشتری در بافت‌های مسکونی ایجاد شده و ترکیب حجمی مسکن آپارتمانی نیز تغییر زیادی کرده است.

الف - ۳. محله یا مجموعه مسکونی؛
ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲ در مقیاس محله یا مجموعه مسکونی، نسبت فضای باز به فضای ساخته شده را کمتر کرده و به تبع آن مقطع خیابانها نیز تغییر شکل داده است. افزایش سطح اشغال به همراه زیربنای بیشتر به سایه‌اندازی و اشراف بیشتر منجر شده است. یکی از نتایج سایه‌اندازی بیشتر، یخزدگی و سرمای بیشتر خیابان‌های شرقی- غربی در فصل‌های سرد سال می‌باشد. نمای نامتعادل خیابان‌ها که در جبهه جنوبی بی‌واسطه و در جبهه شمالی با واسطه حیاط با حجم بنا مرتبط می‌شود، با افزایش تراکم و ارتفاع مسکن با مشکل بیشتر مواجه شده است. این تفاوت در رفتارهای ساکنان و کارکرد ورودی و استفاده از فضای باز یا حیاط را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. حیاط به عنوان فضایی مشاع و نیازمند رعایت قواعد همسایگی، واجد کارکرد فضای باز در اختیار خانواده و بازی کودکان نیست.

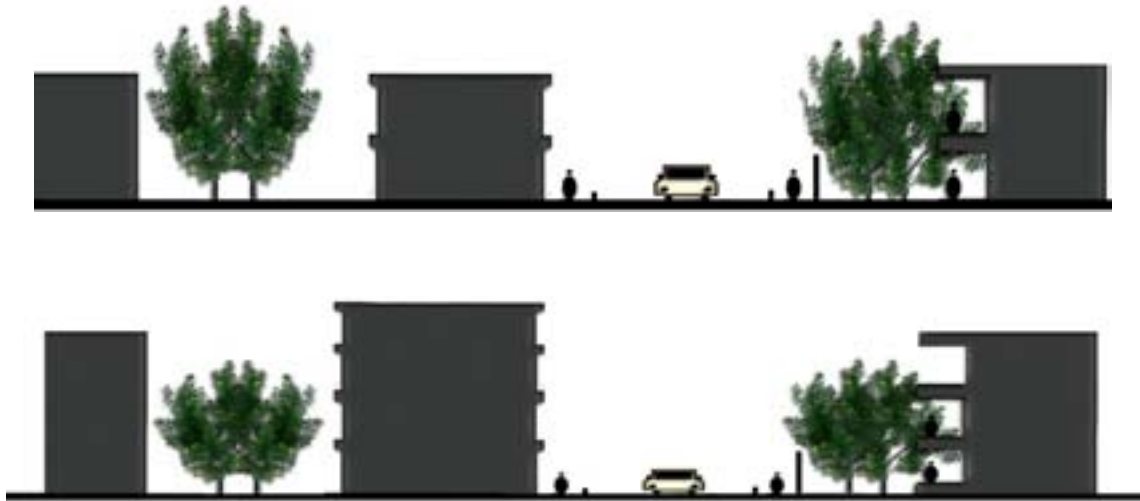
ایجاد شد. در خانه‌های شمالی، حیاط فضای باز نیمه خصوصی ساختمان و جزئی فعال از مشاعات آن است. با افزایش سطح اشغال و نیاز به تامین مسیر و شیب‌راه پارکینگ، فضای سبز و مسیر مناسب حرکت پیاده محدود شده است. این در حالی است که با ورود از طریق فضای ورودی و ارتباط مستقیم با خیابان در زیر گونه جنوبی، حیاط کمتر مورد استفاده ساکنان قرار می‌گیرد. با اجرای ضابطه دو متر پیش‌آمدگی، فضای حیاط جنوبی اگرچه محیط فعالی نیست، ولی فضای بیشتری برای ایجاد فضای سبز دارد اما به علت داشتن سایه همیشگی در آن طراوت و شادابی حیاط خانه‌های شمالی در آن دیده نمیشود و در برخی از موارد دیده میشود که حیاط به شیب‌راه پارکینگ برای طبقه زیرین تبدیل شده است.



تصویر ۴. بالکن‌های اجرا شده در پخ ۴۵ درجه

الف - ۲. همسایگی یا بلوک مسکونی؛
تأثیر اجرای ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲ در مقیاس همسایگی یا بلوک مسکونی را میتوان در قالب الگوی همجواری شامل چگونگی همجواری و تعدد واحدها در هر طبقه و وضعیت مشاعات





تصویر ۵. تحول مقطع ساختمان‌های شمالی و جنوبی در ارتباط با خیابان، قبل، هم‌زمان و بعد از اعمال ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲

ب. ویژگی‌های ساختاری/کالبدی

ب - ۱. خانه یا واحد مسکونی؛ با اعمال ضابطه ۶۰٪ ساخت و امکان ۲ متر پیش‌آمدگی در بناهای مسکونی، عمق فضای ساخته شده نسبت به فضای باز بیشتر شده و ساختار هم‌نشینی فضاهای داخلی تغییراتی پیدا کرد. با افزایش عمق ساختمان، برای اجرای ضوابط نورگیری ریزفضاهای هر واحد مسکونی و استفاده از نورگیری تا حد امکان مستقیم برای همه فضاها، زیر گونه‌های جدیدی از همجواری واحدهای مسکونی در طبقات بوجود آمد. در زمین‌های متعارف بیشترین شکل تقسیم به شرح زیر است:

- استفاده از پلان‌های کشیده خطی یا به اصطلاح اتوبوسی و نورگیری از شمال و جنوب؛ و
- ترکیب واحدهای شمالی و جنوبی و بهره‌گیری از نورگیر داخلی برای رساندن نور به فضاهای میانی.



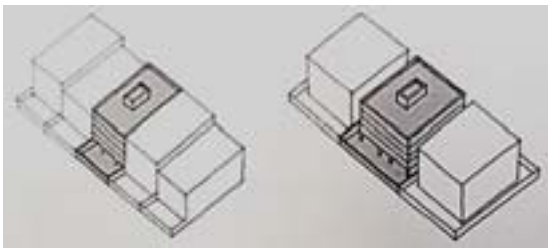
تصویر ۶. گزینه‌های ممکن برای ترکیب واحدها در عمق بیشتر بنا با اعمال ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲

با برابر شدن تراکم ساختمان با محدوده حجمی قابل ساخت (طبقات مجاز و سطح اشغال) در ضوابط مسکن آپارتمانی، حجم غالب بناهای مسکونی مکعب مستطیلی‌هایی یکنواخت تبدیل شدند. برای حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زیربنای مجاز، تنها با بهره‌گیری از طراحی بالکن و ترکیب مصالح نما، امکان ایجاد تنوع در احجام ساختمانی وجود دارد. طراحی نما از جمله ارتفاع سقف، تناسب پنجره، ارتفاع کف پنجره و غیره و بویژه جایگیری بالکن‌ها در نمای ساختمان، طراحی داخلی فضاهای واحد مسکونی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. از طرفی در قطعات شمالی، جداره خیابان، دیوار جداکننده حیاط

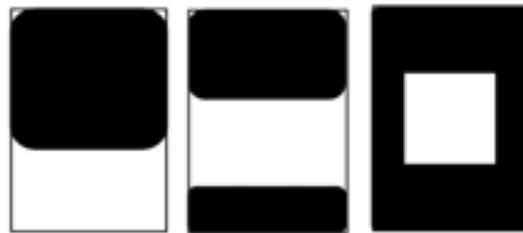
از خیابان است.

و امکان ۲ متر پیش‌آمدگی، الگوی اول یعنی با زاویه صفر درجه، از میان این الگوها، الگوی رایج‌تری است که علاوه بر ایجاد اشراف دیداری، تعداد زیادی از واحدها را اجباراً شمالی یا جنوبی کرده است. چگونگی همجواری واحدها، بر نورگیری و طراحی نمای بناهای مسکونی نیز تاثیرگذار است. با متداول شدن این ضابطه حجم کلی ساختمان‌ها از تنوع کمتری برخوردار شده و در پوسته‌ی بیرونی نما نیز اشکال هندسی ساده و یکنواخت جایگزین نقش مایه‌های متنوع شده است.

در صورت طراحی پارکینگ در زیرزمین، پنجره‌های اتاق‌های اصلی یا خصوصی طبقه همکف ساختمان‌های جنوبی در مجاورت خیابان قرار می‌گیرند. با افزایش تراکم و تاکید بیشتر بر تامین پارکینگ، اغلب نماهای جبهه جنوبی خیابان‌ها به منظره‌ای از ورودی‌های پارکینگ تبدیل شده است. علاوه بر این، نسبت و ساختار فضای باز به بسته بعد از اعمال این ضابطه کاهش یافته و میزان حضور طبیعت در خانه نیز تقلیل یافته است.



تصویر ۹. خانه‌های ردیفی متصل



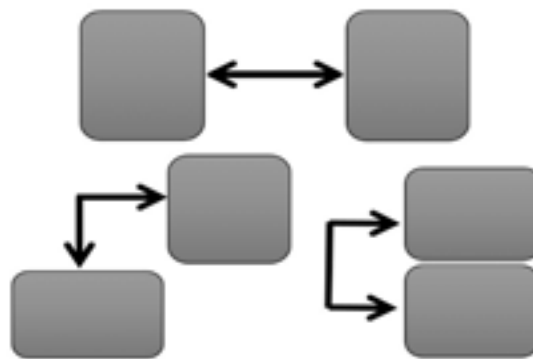
تصویر ۷. تغییرات ساختار فضای باز و بسته با اعمال ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲

ب - ۳. محله یا مجموعه مسکونی؛ در مقیاس محله نیز ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲ در به وجود آوردن ساختار بافتی از خانه‌های متحدالشکل تا ۶ طبقه و به صورت ردیفی متصل به هم طراحی شده‌اند، نقش اساسی ایفا کرده است. با شکلگیری ظاهر یکسان خیابانها، به سلسله مراتب متداول در محله‌های سنتی کمتر توجه شده است. این یکنواختی حاصل از ساخت ردیفی در مسکن متداول تهران، قابل مشاهده است. کمبود فضاهای جمعی و فضاهای باز محلی از نتایج این نوع ساخت است.

ب - ۲. همسایگی یا بلوک مسکونی؛ کاربرد ضابطه سطح اشغال ۶۰٪ + ۲، در مقیاس همسایگی موجب به وجود آمدن تغییراتی در ساختار و الگوی همجواری در طبقات بناهای مسکونی شده است. این دگرگونی ساختاری در پاگرد یک طبقه در قالب همجواری واحدهای مسکونی و رابطه ورودی‌ها به شکل زیر دیده میشود:

ج. فضایی / ادراکی

ج - ۱. خانه یا واحد مسکونی؛ با تغییر الگوی ساخت از مسکن تک خانواری به مسکن آپارتمانی و با افزایش دو متر به پیش‌آمدگی ۶۰٪ طولی ساختمان، طبقات بنا در عمق بیشتری نیازمند نورگیری شدند. با توجه به تمرکز کل حجم ساختمان در یک طرف (در شمال قطعه) و با توجه به عمق نورگیری از هر پنجره، مقررات مربوط به احداث نورگیر داخلی مهم‌تر و وجود آن ضروری‌تر شد. در طراحی مسکن آپارتمانی، نورگیر داخلی،

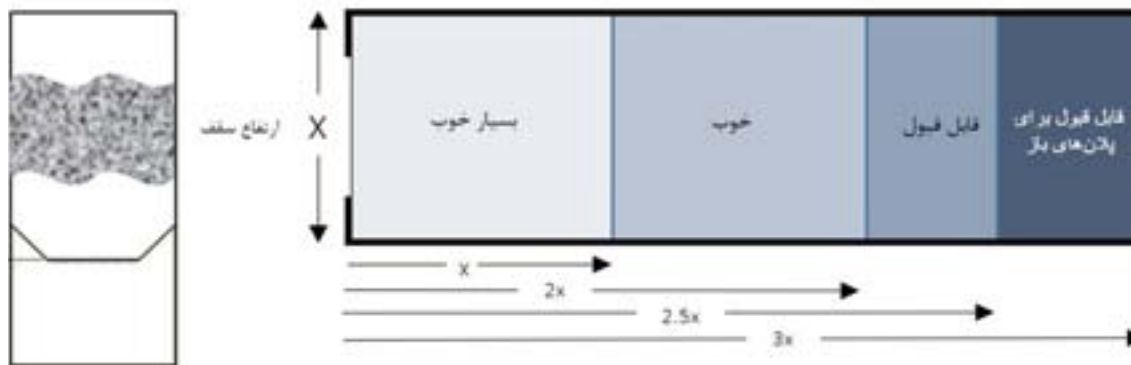


تصویر ۸. ساختار همجواری و ارتباط ورودی واحدها (از راست به چپ با زاویه ۰، ۱۸۰ و ۹۰ درجه)

با توجه به افزایش عمق ساختمان به ۶۰٪ ساخت

از این موضوع یعنی محرومیت فضاهای میانی از داشتن دید و منظر و نور مستقیم، ساختمان با تناسبات خطی کشیده، فضاهای ارتباطی طولانی‌تر و اتلاف فضایی بیشتر شکل می‌گیرد. افزایش عمق بنا کیفیت نورگیری را تقلیل داده و موجب دلگیر شدن فضاهای داخلی می‌شود. هر چه از منبع نور و لبه‌های بیرونی بنا فاصله بیشتر می‌شود، از مطلوبیت نور کاسته می‌شود. از عمق بیشتر از ۸ متر، به منبع نوری دیگری نیاز است (تصویر ۱۰). بنابراین وقتی عمق ساختمان از ۴۰٪ سطح اشغال به ۶۰٪ می‌رسد این مطلوبیت بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و آسایش فضایی حاصل از نور تقلیل می‌یابد.

بسته به بره‌های نورگیر ساختمان و در نقاط کور نورگیری جایابی می‌شود. در این موارد، به دلیل مجاز نبودن احداث پنجره و نورگیری از قطعات مجاور، نورگیر داخلی نور و تهویه بخشی از فضاهای طبقات بنا را تامین می‌کند. در مقررات ساخت، ابعاد حداقل برای طول و عرض نورگیری داخلی تعیین می‌شود، ولی این ابعاد با افزایش تعداد طبقات تغییر نمی‌کند. با افزایش تعداد طبقات و ارتفاع بنا، نورگیر داخلی نسبت به ابعاد ثابت پلان، بسیار عمیق و در نتیجه کم اثر می‌شود. ضرورت وجود نورگیر داخلی در ساختمانهای شمالی، کیفیت استفاده از نور طبیعی را بیشتر تقلیل می‌دهد؛ به طوری که نور برخی فضاهای اصلی بنا صرفاً از نورگیر داخلی تامین می‌شود. ضمن این که با افزایش تعداد



تصویر ۱۰. سمت چپ: عمق مطلوب نورگیری مستقیم در ارتباط مستقیم با ارتفاع سقف (Plan-of Department NSW 2015 Environment and Planning); سمت راست: فضاهایی که به علت افزایش یافتن عمق ساختمان از نور مناسب برخوردار نیستند.

طبقات، کیفیت نورگیری در طبقات پائین کاهش می‌یابد. در ساختمانهای جنوبی این نیاز کمتر حس می‌شود و نورگیری طبیعی از طریق دو جدار شمالی و جنوبی بنا ممکن است. بنابراین دو گونه کلی برای ترکیب پلان طبقات قابل تصور است:

ج - ۲. همسایگی یا بلوک مسکونی؛ علاوه بر مشکلات حاصل از ضابطه سطح اشغال ۶۰٪+۲ در مقیاس واحد مسکونی، در مقیاس همسایگی نیز تغییر تناسبات فضایی واحدها و محدود بودن بر ساختمانها، در موارد زیادی واحدهای مجاور به صورت خطی جانمایی و از شمال و جنوب نورگیری میکنند. در مواردی فضاهای میانی از نورگیر داخلی مشترک میان واحدها و گاه از نورگیر خاص یک واحد استفاده می‌کنند و فضاهای خصوصی واحدها از جمله اتاقهای خواب با پنجره‌های مشرف به هم از فضایی مشترک نورگیری میکنند. مشکل اشراف و محرمیت، عملاً امکان باز بودن پرده اتاقهای خواب

۱- استفاده از نورگیر داخلی برای تامین نور فضاهای میانی و طراحی واحدهای شمالی و جنوبی؛ و

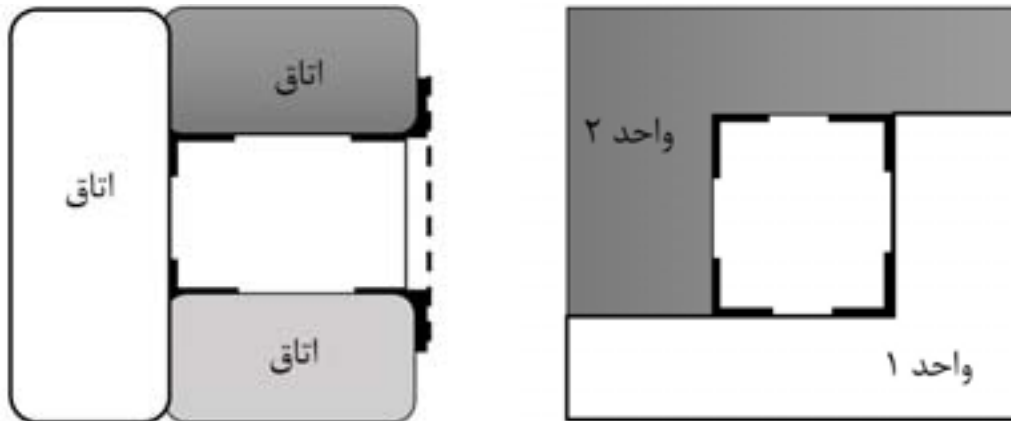
۲- بهره‌گیری از نور طبیعی برای همه فضاها و طراحی خطی پلان واحدها.

در هر دو این حالات که منتج از اعمال ضابطه سطح اشغال ۶۰٪+۲ می‌باشند، ابعاد فضایی واحد مسکونی دچار چالش می‌شود. در مورد اول، برخی از فضاها از داشتن نور مستقیم و دید و منظر به صورت همزمان محروم میشوند. در حالت دوم برای جلوگیری

و بهره‌گیری از نور طبیعی را منتفی می‌سازد. این مشکل با اختصاص نورگیر داخلی به یک واحد در هر طبقه تا حدودی تقلیل می‌یابد.

تصویر ۱۱. نورگیر داخلی بین واحدهای یک طبقه و برای یک واحد در هر طبقه بنای مسکونی

ج - ۳. محله یا مجموعه مسکونی؛ ضابطه سطح اشغال ۶۰٪+۲ اگرچه می‌تواند در سیمای



مناطق مسکونی شهر نوعی انتظام فضایی ایجاد نماید، در عین حال می‌تواند موجب یکنواختی در سیمای خیابان‌ها و منظر شهری شود. با هدف صرفه‌جویی اقتصادی بیشتر، ترکیب مقررات ساخت فعلی، بناهایی یکنواخت و بدون تنوع حجمی در طول خیابان‌ها ایجاد می‌کند. برابر بودن محدوده ساخت در زمین با تراکم مجاز و تعداد طبقات دلیل این مشکل است. در نتیجه فضای محیط‌های مسکونی بی‌روح و مملو از ساختمانهای تقریباً یک شکل از بعد ارتفاع و پیش‌آمدگی تبدیل شده است. به نظر می‌رسید، تفاوت نمایش بیرونی اغلب بناهای مسکونی ساخته شده تنها در انتخاب مصالح و ترکیب دو بعدی فرم نما است. رقابت در تنوع شیوه‌های ساخت نما به دلیل رقابت در فروش و معیارهای تعیین‌کننده در بازار فروش مسکن است. علاوه بر این، نتیجه یکنواختی ساخت بناهای مسکونی و افزایش تراکم و طبقات ساختمان، بویژه در خیابان‌های کم‌عرض محلی، فضاهایی دلگیر و دریافت منظر محدودی از آسمان است. بنابراین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تاثیر اجرای ضابطه سطح اشغال ۶۰٪+۲ بر مسکن تهران در سطوح خرد تا کلان متفاوت بوده است. یافته‌های مذکور در محدوده مسکن ردیفی متداول تهران، در جدول تصویر ۱۲ خلاصه و جمع‌بندی شده است:

الف. عملکردی / رفتاری	۱. خانه / واحد مسکونی	۲. واحد همسایگی / بلوک مسکونی	۳. محله / مجموعه
<p>ایجاد بالکنهای مثلثی با کارایی کمتر و ایجاد اشرف به واحدهای مجاور (الف)</p> <p>اشرف حاصل از دوری و نزدیکی به لبه های زمین (الف)</p> <p>تغییر عملکرد حیاط (ج)</p>	<p>اشرف در پاگردهای چند واحدی (الف)</p> <p>کاهش عمق دید و نزدیک شدن پنجره های خانه های شمالی و جنوبی به هم (الف)</p> <p>تراکم و فشردگی بافت (ج)</p>	<p>کمر شدن نسبت فضای باز به فضای ساخته شده (ج)</p> <p>تغییرات اساسی در شکل شهر منتج از تغییر مقطع خیابانها (ج)</p> <p>تغییر در تناسبات جداره‌های خیابان (ج)</p>	
<p>مکعب مستطیل‌هایی خالص به عنوان حجم غالب مسکن (ج)</p> <p>بیشتر شدن عمق فضای ساخته شده نسبت به فضای باز و تغییر در ساختار همنشینی فضاهای داخلی (ج)</p> <p>ارتباط بیواسطه با خیابان در ساختمانهای جنوبی و با واسطه در ساختمان‌های شمالی (ج)</p>	<p>تغییراتی در ساختار و الگوی همجواری و دگرگونی ساختاری در پاگرد طبقات در قالب همجواری واحدهای مسکونی (الف)</p> <p>افزایش عمق ساختمان و اشرف از طریق چشمی واحدها (الف)</p> <p>اشکال هندسی ساده و یکنواخت به صورت ردیفی (ج)</p>	<p>تغییر در ساختار محلات و سلسله مراتب دسترسی (ج)</p> <p>سیمای یکنواخت و تکراری حاصل خانه‌های متحدالشکل ردیفی متصل بهم (ج)</p> <p>سایه‌اندازی و یخزدگی یکی از پیاده‌راه‌های خیابان به علت ارتفاع متفاوت جداره شمالی و جنوبی در زمستان (ب)</p>	
<p>محروم شدن فضاهای میانی از دید، منظر و نور مستقیم و مطرح شدن نورگیر داخلی (ب)</p> <p>تغییر در تناسبات پلان (پلان اتوبوسی) (ج)</p> <p>کاهش مطلوبیت نور و ایجاد حس گرفتگی و دلگیری ناشی از عمق فضای بسته (ب)</p>	<p>نورگیر داخلی و محدودیت نور وارده به ساختمان (ب)</p> <p>نورگیر داخلی و ازبیرفتن حریمت بین اتاق‌ها (الف)</p> <p>تغییر در تناسبات فضایی واحدها (ج)</p>	<p>ازبیرفتن دل‌بازی و آرامش فضایی (ج)</p> <p>یکنواختی در ریتم خیابان در عین آشفتگی بصری (ج)</p> <p>کم شدن فضاهای پر و خالی در طول خیابان (ج)</p>	

موارد یاد شده در جدول تصویر ۱۲ دارای نقاط اشتراکی هستند که میتوان آن‌ها را در سه موضوع کلی زیر دسته‌بندی نمود:

۱. افزایش اشراف بین واحدهای مسکونی یک بنا و بناهای مجاور؛

۲. کاهش کیفیت نورگیری، بویژه در عمق بنا؛

۳. تغییرات عمده در تناسبات فضایی در هر سه مقیاس؛ شامل فضاهای داخلی واحد مسکونی، همجواری بناها و تغییر در تناسبات خیابان و منظر محیطهای مسکونی.

نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به یافته‌های تحقیق میتوان نتیجه گرفت که، با اعمال ضابطه ۶۰٪+۲ و افزایش عمق ساختمان، نورگیری فضاهای داخلی مشکل و اشراف به این فضاها بیشتر شده است. مشکل نورگیری و اشراف، تغییراتی اساسی در چیدمان فضاها یا به عبارت دیگر سازمان فضایی مسکن آپارتمانی تهران ایجاد کرده است. برای بهبود وضعیت حاصل از افزایش سطح اشغال و تراکم ساختمانی می‌توان راه‌حل‌های زیر را پیشنهاد کرد:

۱. تغییر تناسبات قطعات تفکیکی ضمن تنظیم مناسب‌تر فاصله میان ساختمان‌ها، می‌تواند برای نورگیری بهتر، عمق بناهای مسکونی را نیز کاهش دهد؛

۲. جانمایی متفاوت بناهای مسکونی در قطعات تفکیکی، توزیع بهتر فضاهای باز و بهبود فاصله میان ساختمان‌های مسکونی را در پی دارد. تقسیم فضاهای باز در شمال و جنوب زمین، امکان ایجاد پرسپکتیو مناسب‌تر در خیابان‌های دسترسی و توزیع بهتر فواصل میان بناهای مسکونی (نورگیری بهتر و تقلیل اشراف) را فراهم می‌سازد.

۳. همچنین با ترکیب متناسب‌تری از ضوابط سطح اشغال، زیر بنا و محدوده حجمی بنا (لفاف ساختمانی)، تنوع حجمی و تقلیل زیر بنا در طبقات بالای سه یا چهار طبقه امکان پذیر می‌شود. تفاوت حدود ۲۵٪ میان زیربنا و لفاف ساختمانی این امکان

را فراهم می‌سازد. اعمال این تفاوت، در عین باز نمودن پرسپکتیو خیابانهای دسترسی، امکان بهره‌مندی از نور بهتری را برای طبقات پایین بناهای مسکونی فراهم کرده و مشکلات سایه‌اندازی ساختمانها بر محدوده زمینهای مجاور را بطور نسبی بهبود می‌بخشد. به علاوه، با عقبنشینی طبقات بالاتر، با کاهش عمق بنا و افزایش فاصله با ساختمانهای روبرو، میزان اشراف به بناهای مقابل تا حدودی تقلیل مییابد. این عقبنشینی افزایش سطوح سبز شهری را نیز ممکن می‌سازد.

با تمهیدات فوق، ضمن ایجاد تنوع حجمی بیشتر و فضاهای بیرونی مناسبتر، کنترل اشراف و دید مقابل بناهای آپارتمانی و نحوه نورگیری، به طور نسبی از وضعیت بهتری برخوردار می‌شود. با توجه به عمومیت داشتن ساخت مسکن ردیفی در اغلب شهرهای ایران، به نظر می‌رسد که یافته‌های تحقیق به اغلب مناطق مسکونی تابع مقررات ساخت مشابه، قابل تعمیم است. اعمال این تغییرات در اقلیم‌های مختلف ایران و نتایج حاصل از آنها در ایجاد الگوهای سکونت جدید می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

پی‌نوشت

۱. بجز خیابان‌های چلیپایی دوره قبل
۲. که عمدتاً ایجاد شده به وسیله فارغ التحصیلان دانشکده فنی میباشند.
۳. نورگیر داخلی
۴. ۱۵۳
۵. نتایج نشان میدهند که در پاسخ به این سوال که چرا ساختمان را باید در لبه شمالی احداث کرد، دو دلیل اصلی وجود دارد: اولی نگرانیهایی درباره زاویه تابش خورشید و میزان حداکثر بهره‌برداری از نور خورشید در زمستان هم برای ساختمان و هم برای حیاط است. ثانیاً این اطمینان را حاصل میکند که خانهها در هر دو طرف خیابان شرایط یکسانی از نظر

منابع و ماخذ

1. Einifar, Alireza, and Abbas Ghaf-fari. (2014). Effect of Streets Con-struction in the Context of Iranian Cities on Transformation from Tra-ditional to Modern Housing ,Case Study: Hamadan. Research Jour-nal of Environmental and Earth Sciences 6 (3): 168-173.
2. NSW, Department of Planning and Enviroment. (2015). Appartment Design Guide - Tools for improv-ing the design of residential appart-ment development .Sydney :NSW Government.
3. Shayesteh, Homeira. (2013). Ty-po-morphological Approach to Housing Transformation in Tehran. Unpublished .PhD Thesis ,London: Bartlett School of Graduate Stud-ies ,University College London.
4. Shayesteh, Homeira, and Philip Steadman. (2013). The impacts of regulations and legislation on res-idential built forms in Tehran .The Journal of Space Syntax 4 (1): 92-107.

آفتاب داشته باشند. دلیل دیگر مطرح برای این ضابطه قدرت نور خورشیدیست که بعد از ظهرها از غرب وارد تهران میشود. خانههای رو به غرب به صورت غیر قابل تحملی گرم میشوند و این امر به باور عمومی که ساختمان باید به سمت جنوب رو کند را ایجاد کرده است (and Shayesteh) (96, 2013 Steadman).

۶. در پی ورود مهندسان تحصیل کرده خارج و استفاده از مهندسان خارجی از سالهای ۱۳۱۰ به بعد شروع شد

۷. تصویب قانون تملک آپارتمانها در سال ۱۳۴۳ برای تشویق احداث ساختمانهای بلند مسکونی، و تصویب ماده ۱۰۰ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم محرک ایجاد گروه سوم شد.

۸. بهارخواب به فضای باز متصل به نیم طبقه فوقانی بنای مسکن ردیفی گفته می شود. در این دهه تعداد زیادی خانه در زمینهای معروف به عرض شش متر ساخته شد.

9. Firmitas, Utilitas, Venustas.

10. Construction, Function, Form.

۵. بنیادی، ناصر. (۱۳۷۵). تحول گرایش های فرهنگی در ضوابط معماری. فصلنامه فرهنگ عمومی (۸-۹): ۱۱۸-۱۲۳.

۶. جانی پور، بهروز. (۱۳۷۹). سیر تحول مسکن ایران در دوره پهلوی. رساله دکتری، تهران: پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۷. حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

۸. حبیبی. (۱۳۸۷). از شار تا شهر - تحلیل مفهومی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی

آن تفکر و تأثر. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۹. حکمتی، شیوا. (۱۳۸۱). انتظام شکل-کارکرد زمینه تحقق معنا. تز دکتری، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. سمرقند، د. (۱۳۷۹). اصول نظریه معماری قرن بیستم در تازه ترین پژوهش نظری معماری. مجله معمار ۸: ۴۸-۵۲.

۱۱. صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۳). ضابطه دو متر پیش آمدگی در معماری تهران - زمینه ای برای نقد ساختاری معماری جدید ایران. آبادی ۴: ۴-۱۰.

۱۲. عینی فر، علیرضا. (۱۳۹۲). تدوین ضوابط راهنمای طراحی مسکن آپارتمانی در ایران (با تاکید بر تهران). طرح پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

۱۳. کاپون، دیوید اسمیت. (۱۳۸۳). مبانی نظری معماری. اول. با ترجمه ترجمه علی یاران. جلد ۲.۲. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل

زمزم زمانزاده دربان* - مربی بخش مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر هویت و حس مکان از مقولات مهمی است که نقشی اساسی در ایجاد فضاهایی سرزنده و برخوردار از شرایط زیستی مطلوب برای شهروندان و ساکنان شهرها خاصه در مناطق کلانشهری دارد؛ چنانچه احراز هویت یک مکان این امکان را می‌دهد که فرد در آن فضا مطمئن‌تر و با آرامش بیشتر حرکت کند. در این مقاله بررسی این موضوع در روش «توصیفی-تحلیلی» مورد نظر بوده و عوامل احراز هویت حس مکان در ساختار محلات در پرتو «نظریه محله» معرفی شده‌اند که روش «فراتحلیل» نیز در پی جمع‌بندی تحقیقات و نظریات موجود در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شناخت، آشنایی و تسلط ذهنی بر هویت و حس مکان در فضا نه تنها نیروی زیادی برای ادراک طلب نمی‌کند بلکه آسودگی خاطر و احساس هویت‌مندی و حس مکان در استفاده از فضای محلات را به دنبال دارد؛ چنانچه احساس کنش‌مندی و خوانایی فضا لازم و ملزوم این همانی با فضاست. در پایان نیز مولفه‌ها و شاخص‌های احراز هویت و حس مکان به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حس مکان، باهمستانهای شهری، نظریه محله، فضای شهری.

The typology of factors influencing identity and sense of place in the evolution of neighborhood theory with meta-analysis approach

Abstract

The typology of factors affecting identity and location is one of the important issues that play a major role in creating lively spaces and enjoying favorable living conditions for citizens and residents of cities especially in metropolitan areas; if the authentication of a site allows the individual to Space is safer and more relaxed. In this article, the study of this hypothesis is descriptive-analytic, and the factors of identity recognition of the sense of place in the structure of the neighborhoods have been introduced in the light of the theory of the neighborhood. The meta-analysis method is also followed by the compilation of the research and theories in this field. Is taken into consideration. Findings of the research show that recognition, familiarity and subjective dominance on the identity and sense of space in space not only do not require a great deal of perception, but the relief and sense of identity and sense of place in the use of local space If the sensation of action and readability of space is necessary for this space with space. At the end, the components and indicators of authentication and sense of place are briefly mentioned.

Key words: sense of place, urban neighborhoods, neighborhood theory, urban space.

مفهوم «محلّه» بعنوان بستر یا محل سکونت، ریشه تاریخی در ظهور و بروز مباحث نظری تاریخ شهرسازی و اصولاً مقولات «پارادایمی»^۲ و «نظریه‌پردازی» آن دارد. بنا به یک تعریف تاریخی، واحدهای مختلف شهر که طبقات مختلف اجتماعی را در خود جای می‌دهند یا نواحی شهری (با مرزهای اداری یا رسمی) که دامنه‌ای از گروه‌های اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهند، «محلّه» نامیده می‌شده‌اند؛^۳ اما «توسعه» مفهوم محلّه

۲. در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۷۰ «توماس کوهن» فیزیکدان آمریکایی، مفهوم «پارادایم» را وارد متون علمی جهان کرد و از این مفهوم تعریف و تفسیری ارائه داد. وی در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی»، این عقیده را مطرح ساخت که پیشرفت علوم تابع یک «روند تکاملی و خطی» نیست، بلکه «نظریه‌های علمی» در هر دوره تحت تسلط شرایط فکری و گزاره‌هایی است که در آن زمان اعتبار و ارزش دارد. این شرایط فکری و گزاره‌های مسلط در هر دوره، در واقع زمینه و چارچوبی برای شناخت علمی پدید می‌آورند که «توماس کوهن» آن را «پارادایم» (انگاره) نامیده است. با تغییر شرایط فکری و اجتماعی، پارادایم‌ها نیز تحول می‌یابد و در نتیجه انقلاب‌های علمی پدید می‌آید (مه‌دیزاده، ۱۳۸۵، ص ۸).

۳. محلّه به عنوان سلول شهری در شهر انعکاسی از جامعه بوده و مفاهیمی همچون هویت، وحدت، خوانایی، هماهنگی، سازگاری و بسیاری از مفاهیم دیگر را در خود جای داده است؛ اما به تدریج و با نفوذ سبک معماری مدرن محلّه‌ها انسجام و پیوستگی و هویت و شخصیت مستقل خود را از دست داده و مفهوم و ارزش‌های محلّه بیاعتبار شده و بدنبال درک ناشیانه و برداشت سودجویانه از دیدگاه مدرن‌سیم یافت مسکونی از شکل محل‌های با بافت فشرده و بسته با برخورد‌های اجتماعی محدود به یک سیستم باز و قابل دسترس با روابط اجتماعی پراکنده تبدیل شد. بدین ترتیب طرح محلّه‌های سنتی تحت تاثیر ساختار پیگانه قرار گرفت و زندگی سنتی حاصل از آن به علت روابط اجتماعی جدید و وارداتی دچار دگرگونی شد.

بصورتی که کاربری‌های غیر از سکونت را در نظر بگیرد، دیدگاهی مختص قرن حاضر است. مسئله مهم برای شهرسازان (علاوه بر عملکرد)، بحث «ساختار اجتماعی» ساکنان محلات است که تحت مساله‌ای بنام «هویت»^۴ مطرح است که پهنوعی تحت‌الشعاع محتوا قرار می‌گیرد. پس هم «محتوی» و هم «عملکرد» در «نظریه محلّه» در قرن اخیر مورد مناقشه است. مهمترین انتقاد در رابطه با هویت محللهای، «کارایی اجتماعی»^۵ آن است. در واقع، این توقع که طراحی فیزیکی بتواند روابط اجتماعی را تغییر دهد و نوعی «حس اجتماعی»^۶ و یا شاید «حس مکان» در محلات ایجاد کند، مورد چالش صاحب‌نظران قرار گرفته‌است. جنبه‌های اجتماعی محلّه معمولاً به «حس اجتماعی» تعبیر می‌شود که در صورت آمیزش با مقولات روان‌شناختی یا ادراکی حس مکان در محلات را شکل میدهد. گروهی از نظریه‌پردازان مانند «کیس»^۷ (۱۹۷۳) و «ساراسن»^۸ (۱۹۷۴) عقیده دارند که محلی بودن دیگر نه ممکن و نه مفید است و زندگی شهری مدرن دیگر جایی برای حس اجتماعی باقی نگذاشته‌است. گروه دوم عقیده دارند که ایجاد محلّه‌های شهری بنوبه خود می‌تواند حس اجتماعی قوی را موجب شود. از دیدگاه «ماکس وبر»^۹ (۱۹۶۴) برای شکلگیری یک جامعه «علاقه»^{۱۰} لزوماً نیازی به «جامعه مکان»^{۱۱} نیست. یک محدوده جغرافیایی مانند محلّه میتواند یک جامعه مکان در نظر گرفته شود، در صورتی که یک قلمرو خاص (جغرافیایی یا غیرجغرافیایی) که بتواند حس مشترکی را ایجاد کند مانند یک طبقه شغلی یا تخصصی جامعه علاقه است. در گذشته، بدلیل آنکه افراد نیاز به جابجایی کمتر داشتند و معمولاً محل سکونت و کار در مجاورت هم قرار داشت، مفهوم جامعه مکان نمود بیشتری داشت.

۴. Identity

۵. Effectiveness Social

۶. Community sense

۷. Keyes

۸. Sarason

۹. Webber

۱۰. Community of interest

۱۱. Community of place

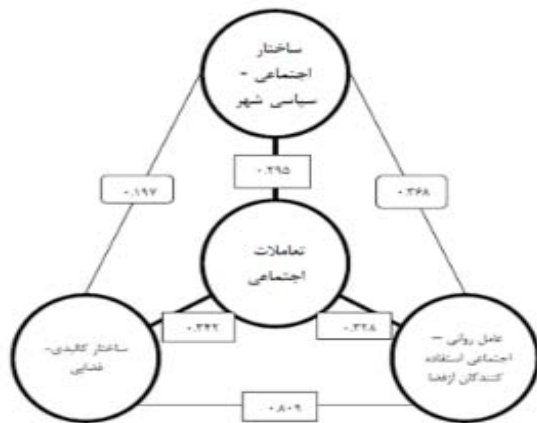
افزایش نیاز به جابجایی، منجر به ناهمگنی بیشتر در سطح محله‌ها شد و این بنوبه خود باعث شد تا ارتباطات اجتماعی کمتری در محدوده محله بوجود آیند. اما غالب نظریه‌پردازان دیدگاه میانی بین دو طیف افراطی (تقدیس‌گرایان محله، و منکران محله) در پیش گرفته‌اند. به عنوان مثال، «راپاپورت»^{۱۲} (۱۹۷۷) می‌گوید: این سخن که محله امروزه دیگر مهم نیست چرا که مردم دیگر فراتر از یک قلمرو فضایی زندگی می‌کنند، اگر چه با شواهدی همراه است ولی مردود است. قدر مسلم، اهمیت محله بعنوان یک فاکتور حیاتی برای زندگی شهری، به نظر می‌آید که در حال کاهش باشد. «لانگ» (۱۹۹۶) عقیده دارد که تسهیلات محلی و قلمرو محلی اگر چه از زاویه ارائه خدمات مهم هستند ولی نباید از آن توقع داشت که ترتیبات و الزامات اجتماعی خاصی دیکته کند. حداقل برای کسانی که دائم در حال جابجایی هستند قلمرو جغرافیایی مهم نیست و البته نه برای هر کس. «جاکوبز» (۱۹۷۰) می‌گوید حتی بی مسئولیت‌ترین شهروندان نسبت به فضای خیابان و منطقه محل سکونت خود حساس هستند. شهروندان بخاطر زندگی روزانه خود نیاز مند محله هستند و این ربطی ندارد به اینکه چه مقدار حق انتخاب در فضای خارج از خانه خود دارند. در این مقاله در ابتدا به تعاریف و مفاهیم مرتبط با حس مکان و هویت مکان پرداخته شده و در نهایت این مفاهیم در سطوح محلات به اختصار مورد اشاره قرار گرفته و در پایان نتیجه‌گیری لازم ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

مصطفی عباس‌زادگان در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی‌های پژوهش در طراحی شهری؛ نمونه‌های موردی در ایران» (عباس‌زادگان، ۱۳۸۶) در موضوع مطالعات محیطی، رفتاری اینچنین می‌نویسند: روش‌های مطالعه ادراک محیط محلات، نحوه دریافت، تفسیر و درک محیط شهری را به‌عنوان لایه پنهان و معنایی فضاهای شهری برای شهروندان ممکن می‌کند و در ادامه با این فرضیه در نحوه درک فضا بر رفتار تأثیر می‌گذارد و

پژوهشگران را به طرف مطالعه رفتار در فضا رهنمون می‌شود. ایشان در همین مقاله به معرفی پروژه «طراحی پیش‌فضاهای ورودی به حرم مطهر حضرت امام رضاع)»، به عنوان مثالی برای سطح اول و «مطالعه چیدمان فضایی بافت تاریخی شهر سمنان»، به عنوان مثالی برای سطح دوم این مطالعات پرداخته‌اند. رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با عنوان «شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، سه متغیر «دسترسی به خدمات»، «امنیت اجتماعی» و «هویت مکانی» را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۷) نیز به سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی در میزان اجتماع‌شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. در مطالعاتی در «مینه سوتای شمالی»^{۱۳} که برای «سنجش کیفیت محیط‌های محلات مسکونی» انجام شده است، سه مؤلفه‌ی «حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان» را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته‌اند. و با توجه به آن‌ها به ما به ازاهای فضایی چون دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگویی فعالیت‌ی در راستای هدفشان اشاره نموده‌اند. کاشانی‌جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای

در پژوهش قنبران و جعفری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی» عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی به ۳ دسته «ساختار اجتماعی-سیاسی شهر، ساختار کالبدی-فضایی و عامل روانی-اجتماعی» استفاده کنندگان از فضا تقسیم شده است. مدل استخراج شده در این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی-سیاسی شهر و زیر فاکتورهای آن با ۰/۲۹، ساختار کالبدی-فضایی با ۰/۳۴، حالات روحی-روانی استفاده کنندگان از فضا و زیر فاکتورهای آن با ۰/۳۲ در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد مؤثر است. نمودار ۱ مبین مولفه‌های مستخرج از این پژوهش است.



نمودار ۱. مدل تحلیلی مطالعه قنبران و جعفری؛ مأخذ: قنبران و جعفری، ۱۳۹۲، ص ۶۳

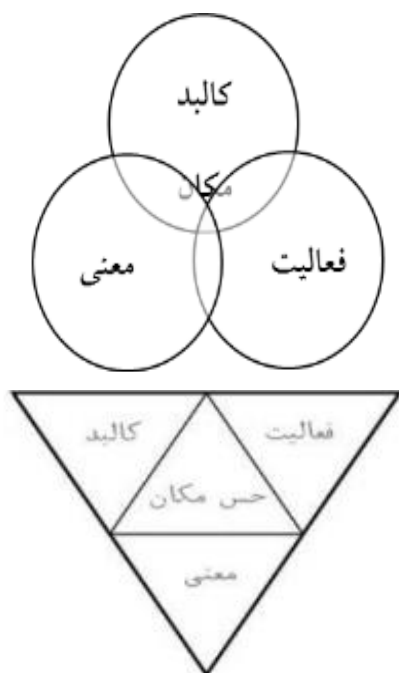
همچنین پژوهش‌های دیگری در زمینه تعاملات اجتماعی در فضاهای باز محلات تاکنون انجام شده است. از این میان می‌توان به مقاله «نقش فضاهای باز در حس تعلق به مکان، مطالعه موردی: شهرک

عمومی شهری محله ای»، این فضاها را به عنوان «مکان سوم» که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی-رفتاری فضاهای شهری و در دوران خیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی-پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. ترابی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را بر افزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است. همچنین در تحقیق بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) بیان شده است مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارند و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آن رشد کرده نوع و سطح خاصی از روابط را با دیگران و محیط انتخاب می‌کند. البته در پژوهش بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) اثبات شد، نقش مؤلفه‌های کالبدی و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت، بنابراین در اینجا نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأیید می‌شود.

جدول ۱. خیابان‌های شهری و تعاملات اجتماعی؛ مأخذ: بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ص ۶۲

مؤلفه‌های مؤثر	مؤلفه‌های کالبدی	مؤلفه‌های فردی	مؤلفه‌های ادراکی
کیفیت تأثیر	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر غیر مستقیم بر رفتار
نوع تأثیر	شکل‌گیری و تثبیت تعاملات	شکل‌گیری و تثبیت تعاملات	تداوم و بقای تعاملات
ترتیب اثر گذاری	آغاز و ابتدا	آغاز و ابتدا	در ادامه
شاخص‌ها	کیفیت عملکردی و فعالیت پذیری، نفوذ پذیری و دسترسی	جنسیت، مدت سکونت، سن، سطح درآمد	ایمنی، امنیت، خوانایی

مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه پیشنهادی کانتر یعنی «کالبد»، «فعالیت» و «تصورات» تشابه دارند.



نمودار ۲. (سمت راست) مولفه‌های سه گانه کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

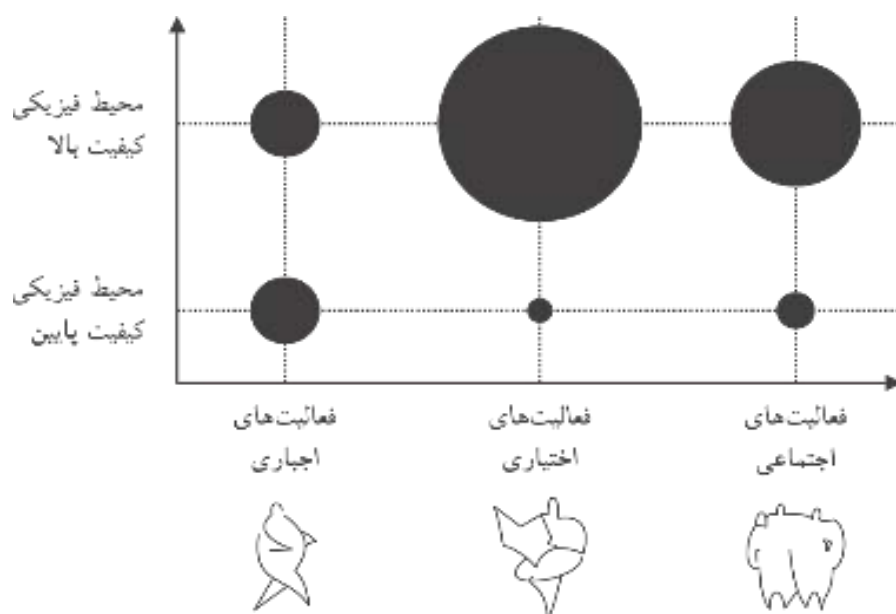
نمودار ۳. (سمت چپ) حس مکان (جان پانتر-۱۹۹۱) ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

اکباتان در تهران» اشاره نمود. این مقاله به حس تعلق در فاز دو شهرک اکباتان و رابطه بین مردم و کالبد، رابطه ویژگی‌های معماری و ایجاد حس تعلق در این شهرک را بررسی نموده است. پژوهش دیگر که به آن اشاره می‌شود مقاله «فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی نمونه موردی مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان» است که به ارائه راهکارها برای جداره‌های بین فضاهای مسکونی در فاز ۲ شهرک اکباتان پرداخته است و از طریق مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای، راه‌حلهایی را برای تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی ارائه کرده است.

اصلی‌ترین تحقیق در این رابطه، مدل مشهور «دیوید کانتر»^{۱۴} از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری، را میتوان از دیگر چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مولفه‌های کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی شهری است، محسوب نمود. بر اساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط مسکونی شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد درهم تنیده‌ی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» است. جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده است که تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از این مدل ارائه دهند. به عنوان مثال مدل «حس مکان» جان پانتر^{۱۵} را که بر سه گانه بودن مولفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. بر اساس مدل جان پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل می‌باشند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه‌ی پیشنهادی کانتر تشابه دارند (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱). براساس مدل پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس

۱۴. Canter David: دیوید کانتر، متولد انگلستان و استاد روانشناسی محیط دانشگاه لیورپول است. در طول دو دهه گذشته در زمینه نقشه تحقیقاتی روانشناسی فعال بوده است. رویکرد او تامل سیستماتیک در تحلیل رفتار انسان‌هاست. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۱)

۱۵. Punter John



نمودار ۴. دسته‌بندی فعالیت‌ها بر اساس نظریان گل؛ مأخذ: گل، ۱۳۸۷، ص ۵.

مبانی نظری

رفتارشناسی و محلات شهری

هر فرد تعدادی نیازهای ذاتی دارد که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند، یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها بکار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی هستند و از اینرو افراد در انجام این رفتارها و نحوه ارضای این انگیزه‌ها تفاوت‌های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بر اساس هرم «نیازهای انسانی مازلو»^{۱۶} (نمودار ۵) احتیاجات افراد به دو گروه تقسیم می‌شود. دسته نخست نیازهای مادی و جسمانی است که در صورت ارضای این دسته، طیف دیگری از نیازها مطرح می‌شود که به بعد روحی و روانی زندگی انسان باز می‌گردد. بر این اساس یکی از نیازهای انسان‌ها (از جمله شهروندان) نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. بدین ترتیب از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله‌ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می‌شود.

۱۶. آبراهام هرولد مزلو (به انگلیسی: Maslow (Harold) Abraham) روانشناس انسان‌گرای آمریکایی می‌باشد. وی به عنوان پدر روانشناسی انسان‌گرا شناخته می‌شود. او در سال ۱۹۵۴ کتاب «انگیزه و شخصیت» را درباره نظریه سلسله مراتب نیازها منتشر کرد.

جدول ۳. نیازهای انسانی و راهکارهای طراحی جهت برآوردن آنها بر اساس مدل لنگ؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۲۹

نیاز	راهکار طراحی
فیزیولوژیک	کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل
ایمنی	کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف پذیری فضاهای مسکونی
احساس تعلق	تامین تسهیلات اجتماعی، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری
عزت نفس	کیفیت و چگونگی «مالکیت» اراضی و مستحدثات، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص
خودشکوفایی	شخصی سازی فضا و رعایت اصل تنوع در طراحی
شناختی و زیباشناختی	تامین امکان فعالیت‌های فرهنگی-تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی.

هرگاه عملی از شخصی سرزند که با پاسخی از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دو سویه، تعامل اجتماعی یا کنش متقابل اجتماعی گفته می‌شود. در این صورت میان این دو شخص، یک رابطه اجتماعی برقرار می‌شود (عباس‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵).

نمودار ۵. سلسله‌مراتب نیازهای مازلو؛ ماخذ: گلرخ، ۱۳۹۱، ص ۷۲.

برای ارضای این نیازها، طبق نظر مازلو، انگیزش‌های انسان باید مورد توجه خاص قرار گیرد. این انگیزش‌ها می‌توانند مادی و یا معنوی باشند و با تغییر در این انگیزش‌ها است که ناگهان شکل‌ها و قابلیت‌های محیط معنا می‌یابند و یا معنای خود را از دست داده به نابودی می‌گرایند. در مدل مازلو توجه تنها به نیازهای پست بدلیل تنزل مقام انسان نکوهش شده است و شناخت انسان سالم را از طریق توجه به نیازهای عالی او امکان‌پذیر می‌داند. مدل ارائه شده در روانشناسی انسان‌گرای مازلو و تعمیم دادن آن بر رفتارهای انسان در فضاهای معماری و شهری می‌تواند سازوکار مناسبی برای تجزیه و تحلیل تعامل و ارتباط انسان و محیط ساخته شده بدست دهد. این مدل به معماران و طراحان شهری کمک می‌کند تا به علل شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و فضاهای معماری در ارتباط با نیازهای انسان توجه نمایند (مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). محیط پیرامون ما سرشار از اطلاعات بالقوه (واقعیت) است. ما ابتدا متناسب با توانایی‌های جسمی و روانی خود، بخشی از این واقعیت را به صورت یک عینیت (اطلاعات بالفعل) ادراک می‌کنیم. سپس قضاوت‌هایی را براساس ادراک خود سازماندهی می‌کنیم و بر اساس این قضاوت‌ها، ذهنیتی از محیط برای خود می‌سازیم. این ذهنیت عوامل پایه ای در رفتار ما هستند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵). محیط دور و بر تاثیر عمیقی بر کارهای ما دارد. خلق، عملکرد



کاری و حتی سلامت جسمی ما تحت تاثیر درونداد حسی است که دائما از این محیط دریافت می‌کنیم (مک اندرو، ۱۳۹۲، ص ۷۱). میان انسان و محیط یک عامل ارتباط وجود دارد. این عامل ارتباط با وجوه مشترکی که با فرد و محیط دارد امکان تبادل اطلاعات، نیروها و اعمال تغییرات در طرفین را ایجاد می‌کند. در واقع به سبب استفاده از نمادها و نشانه‌های مشترک است که ارتباط برقرار شده و دو پدیده قابلیت ارتباط و تبادل با یکدیگر را پیدا می‌کنند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

نظریه محله

«کالوس»^{۱۷} سیر تاریخی «نظریه محله» را به چهار مرحله تفکیک می‌کند:

۱. «محله بعنوان بستری برای برقراری روابط با سایر کارکنان»: این دیدگاه مشارکت شهروندان در اوضاع و احوال محله زندگی خود را بعنوان یک شاخص مهم در کیفیت زندگی شهری میداند. این دیدگاه ابتدا توسط «ترنر»^{۱۸} و «فیچتر»^{۱۹} در دهه ۷۰ مطرح شد. امروزه این نظریه مجدداً مورد اقبال قرار گرفته و بخصوص در غرب به نقش شهروندان در طراحی محلات سکونت برای دستیابی به محیط‌هایی انسانیت‌پرورنده شده است.
۲. «محله بعنوان واحد خودکفایی (از نظر اداری و مدیریتی) یک شهر»: این دیدگاه توسط هاوارد در نظریه باغشهر (۱۹۵۷) مطرح شد. ارزش این نظریه بیشتر در نظریه باغ شهری هاوارد خودنمایی می‌کند.

۳. «محله بعنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان»: مامفورد (۱۹۵۴) بر این عقیده است که پرداختن به محله، تنها راهکار عملی در حل مشکلات کلانشهرهاست؛ هر چند مامفورد استقلال و

خودکفایی کامل محله‌ها را مطرح میکند ولی او عقیده دارد که محله باید جوابگوی نیازمندیهای روزمره ساکنان باشد. به اعتقاد او، محله نقش والدین یک خانوار را دارد که در هر مرحله‌ای از زندگی یک فرد میتواند «نقش حمایتی»^{۲۰} در رشد فرد داشته باشد. بر خلاف مامفورد که از محله انتظار برآورده کردن توقعات روزمره را دارد، لوکوربوزیه محله را یک وسیله رفاهی (بهداشتی، راحتی) می‌داند که ساکنان خود را از صدمات شهر و زندگی شهری مصون می‌دارد، و اما هر دو، ارتقاء شرایط زندگی را از محله انتظار دارند.

۴. «محله بعنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان‌های شهری»: راپاپورت (۱۹۹۷) نخستین کسی بود که محله را بعنوان ابزاری توصیف کرد که شهروندان با استفاده از آن می‌توانند هویت خود را باز یابند. دسترسی محلی به نیازها و توانایی ساکنان به معرفی خود در سطح فردی یا جمعی بطوریکه به آنها کمک می‌کند تا هویت محله خود را تعریف کنند و تمایلات و ترجیحات خود را بیان کنند، فعالیت‌های مربوطه را انجام دهند و تفاوتها و پیچیدگیها را در عرضه شهری خلق کنند. و اما از دیدگاه شهرگرایان جدید مانند «کریر»^{۲۱} (۱۹۸۴)، «کیتز»^{۲۲} (۱۹۹۴) و «دانی»^{۲۳}، «پلاتر»^{۲۴} و «زیبرک»^{۲۵} (۱۹۹۱) مفهوم محله اگر چه سمبولیک است ولی ایجاد ارتباط بین یک «مکان»^{۲۶} و «فعالیت»^{۲۷} ضروری است. محله بعنوان یک فضای عمومی دیده می‌شود که بطور روزانه

۲۰. Cooperation Parental

۲۱. krier

۲۲. Katz

۲۳. Duany

۲۴. Plater

۲۵. Zyberk

۲۶. Place

۲۷. Activity

۱۷. Kallus

۱۸. Turner

۱۹. Fichter

توسط ساکنان مورد استفاده قرار می گیرد. انتقاد از تئوری محله علی‌رغم بهره‌گیری از تئوری محله برای ارائه راه حل‌هایی در جهت پاسخگویی به مشکلات متفاوت زندگی شهری، مفهوم محله از جهاتی مورد انتقاد قرار گرفته است. به موازات توجه‌های اخیر به «جنبه‌های روانشناختی محله‌ها» در انتقال مفاهیم و بیان هویت، نظریه‌های طراحی شهری به گونه‌ای با نظریه محله در هم آمیخته‌اند. اگر چه در بعضی موارد، این رویکردهای جدید بنظر می‌آید که واسازی مفاهیم گذشته باشد، ولی عمدتاً بدنبال راه‌حل‌های کامل‌تری برای مسائل شهری هستند:

۱. «کوچک زیباست»: توجه به محدود سازی و کوچکتر کردن نواحی مسکونی از بحث‌های جدید است. «اسمیت»^{۲۸} (۱۹۸۰) معتقد است که بنا بر یک باور صریح، «محل‌گرایی»^{۲۹} و «کوچکی»^{۳۰} با ارتقاء کیفیت زندگی ملازم هستند. در این راستا، «گرین برگ»^{۳۱} (۱۹۹۵) می‌گوید ایجاد محله با اندازه محدود، منافاتی با بزرگ بودن شهر ندارد. مدل‌های جدید شکل محله، که بنوعی با الگو گرفتن از طراحی‌های سنتی پیشنهاد می‌شوند در تلاش برای ارائه مزیت‌های توسعه کوچک مقیاس هستند. بعنوان مثال، الگوهای روستا شهر^{۳۲} در انگلستان و طراحی نئوسنتی^{۳۳} در امریکا، بر اساس توجه به کوچک سازی ارائه شده‌اند.

۲. «پایداری»: این رویکرد جدید در طراحی شهری به گونه‌ای صریح و مؤثر با مفهوم محله در ارتباط است. برای دستیابی به یک

جامعه پایدار، بایستی از ارزش‌های اجتماعی و نیازهای شهروندی تعریف جدیدی ارائه کرد. «دارلو»^{۳۴} (۱۹۹۶) توسعه پایدار یک آرمان فرهنگی است چراکه در جستجوی اصلاح نگرش‌ها و شیوه‌های زندگی است. جنبه‌هایی از توسعه پایدار که با مفهوم محله می‌توانند در یک راستا قرار بگیرند عبارتند از: ۱- «خودکفایی»^{۳۵}: خود کفایی یک نکته مهم در محیط‌های پایدار است که در مقیاس‌های متفاوت از یک ساختمان تا محله‌ها، شهرها و منطقه‌ها توصیه می‌شود. محله می‌تواند نقش کلیدی در این زنجیره باز کند، اگر چه در واقعیت، داشتن یک محله کاملاً خودکفا در سطح یک شهر دور از ذهن و غیر منطقی است. ۲- «کاهش سفرهای درون شهری»: در ابر شهرهای امروزی کاهش سفرهای درون شهری یک ضرورت است. این هدف می‌تواند از طریق تشویق پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی برآورده شود. تعبیه خدمات محلی در یک آستانه قابل پیاده‌روی، توزیع تسهیلات در سطح محله در کنار پراکنش متوازن مراکز فعالیتی در پهنه شهر می‌تواند چنین هدفی را برآورده سازد.

۳. «قابلیت اجتماعی و حس جمعی»: این مورد نیز از مولفه‌های جوامع پایدار است. پایداری نه تنها با مصرف انرژی و بازیافت مصالح سرو کار دارد، بلکه تمام جنبه‌های زندگی که برای دستیابی به یک محیط مطبوع و ایمن لازم است را در بر می‌گیرد. نقش تعامل اجتماعی بخصوص زمانی پر رنگ می‌شود که مردم بخواهند در تصمیم‌سازی‌های مربوط به محیط پیراموم خود دخالت کنند. «استیوارت و هنز»^{۳۶} (۱۹۹۲) تاکید دارند که نیازمندی‌های توسعه پایدار نمی‌تواند تحمیل شود اگر چه

Darlow .۳۴
Self – sufficiency .۳۵
Stewart and Hans .۳۶

Smith .۲۸
Localism .۲۹
Smallness .۳۰
Greenberg .۳۱
Urban-village .۳۲
Neo-traditional Design .۳۳

مشارکت فعال جوامع محلی ضروری است.

۴. «برابری و توازن»: برابری یک مقوله

مهم در توسعه پایدار است. شهری که بر اساس واحدهای همسایگی توسعه مییابد بستر مناسبی برای توازن و تامین برابری فراهم میکند. الکساندر کریستوفر معتقد است که شهرهای بزرگ زمانی مقبول هستند که مراکز متعددی در گستره آنها فراهم و تجهیز شوند و توسعه شهری بصورت ارگانیک بر مبنای این مراکز شکل بگیرد.

۵. «حس مکان و هویت»: از دیگر

مؤلفه‌های محیط پایدار، برخورداری از حس مکان و هویت خاص است. سکونتگاه‌های سنتی تناسب و تطابق بهتری بین ساختار فضایی، عنصر زمان، معنا، ارتباطات و فرهنگ اجتماعی برقرار می‌کردند. از طرفی دیگر، رویکردی که با تقلید شکلی از سکونتگاه‌های سنتی برای دستیابی به مکان‌های با هویت اخیراً مرسوم شده است بایستی با شناسایی قابلیت‌های واقعی و ویژگی‌های انفرادی هر محمل خاص جایگزین شود. به عقیده «هاتون و هاتر»^{۳۷} (۱۹۹۴). یک سکونتگاه پایدار باید در پی ارتقاء و حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های مثبت خود در زمینه محیط طبیعی، مصنوعی و فرهنگی باشد.

۶. «ایمنی و تمایز اجتماعی»: محله‌های

دروازه‌دار^{۳۸} امروزه یک پدیده مورد اقبال بخصوص در آمریکا هستند، اگر چه قدمت آنها به ۳۰۰ سال قبل میلاد می‌رسد (۱۹۹۷)^{۳۹}، اما اکنون شکل‌های جدیدی از آنها عرضه شده‌اند. این رویکرد جدید می‌تواند بعنوان طیفی از تمایلات به خصوصی سازی فضاهای عمومی و تسهیلات رفاهی باشد که در طی دهه

Houghton and Hunter. ۳۷

Gated communities. ۳۸

Blakely et al. ۳۹

های اخیر برای ایجاد تمایز اجتماعی بین نخبگان و عوام مطرح شده است. اگرچه این پدیده با هدف تنوع اجتماعی مغایرت دارد، منتها می‌تواند بعنوان نگرشی جدید در استفاده از مفهوم محله مطرح شود.

هویت‌مندی محلات

هویت جزء ویژگی‌های یک پدیده نیست، بلکه حاصل توافقی میان فرد و پدیده مورد ارزیابی است. بنابراین هویت مفهومی است نسبی که از یک طرف به انسان و از طرفی دیگر به محیط برمیگردد و نمی‌تواند قائم به پدیده و ثابت باشد و دیدگاه فرد نیز در آن دخیل است. در شرایط عادی هیچ پدیده‌ای را بدون در نظر گرفتن ذهنیتی که آن را ارزیابی می‌کند، نمیتوان مطلقاً و قائم به ذات بیهویت نامید. چون همیشه این احتمال وجود دارد، که پدیده مزبور از منظری دیگر هویت‌مند باشد. لذا بحث هویت فارغ از ارزش‌گذاری بوده و نمی‌توان عینیتی که از نظر ما خوشایند است دارای هویت و آنچه ناخوشایند است، بیهویت قلمداد کرد. چراکه هر پدیده هویت خاص خود را دارد، صرف نظر از احساس مطلوب یا نامطلوبی که در فرد بر می‌انگیزد. با این تفاسیر، بحث هویت تنها در یک بستر زمانی و مکانی معلوم و از دیدگاه افراد مشخص قابل طرح است (قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

به منظور تشخیص هویت؛ معلوم بودن عینیت مورد هویت‌سنجی و ذهنیتی که به سنجش هویت عینیت مفروض می‌پردازد، ضرورت دارد. بخشی از ذهنیات ما متشکل از توقعاتی است که از هر پدیده داریم. به عبارتی پدیده وقتی هویت‌مند احساس میشود که توقعات را برآورده می‌سازد و با ردیابی توقعات امکان تشخیص و تمییز آن به سهولت امکان پذیر باشد. در جریان دنبال نمودن توقعات و تشخیص هویت یکی بودن تصویر ذهنی مورد مراجعه از ابتدا تا انتهای فرایند شرط اساسی است. به عبارت دیگر نمیتوان از میانه راه مبنای مقایسه یعنی ذهنیت را عوض کرد. بنابراین «فضا نیز همانند هر پدیده دیگری زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده، از طرف دیگر خود نیز به عنوان

موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نماییم و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم» (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴) و اگر فضای مورد اشاره، تداعی‌هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد از پدیده‌ای عینی به موجود ذهنی تبدیل شده، جای خود را در رده ذهنیت باز میکند و مکان نام می‌گیرد. و مکان وجهی از فضا است که به وسیلهٔ شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی می‌باشد. (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۲). این همانی را می‌توان با انس یافتن با فضا مترادف دانست. تعلق مکانی به معنی رابطه هم‌پیوندی میان انسان و محیط از دیگر تبعات احراز هویت است. مردم به فضاهای هویت‌نیازمندند تا به آنها تعلق داشته باشند. نیاز به تعلق مکانی به حدی است که حتی اگر فردی درصدد نفی تعلق خود به یک مکان خاص باشد، این کار را با منتسب کردن خویش به یک مکان دیگر انجام می‌دهد (قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۸۵) و خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. خاطرات همیشه در ذهن باقی می‌مانند و فرد نمی‌تواند از آنها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد، در بند مکان است. خاطره به واسطه مکان، قابل ارجاع است و زمان، تنها به ردیف کردن پشت سر هم خاطرات کمک می‌کند. زمان از طریق ردیف کردن خاطرات به طرق متفاوت به فضا امکان چند وجهی بودن و تغییرپذیری در ذهن فرد را می‌دهد. خاطرات گاه جنبه شخصی دارند و گاه خاطره‌ای در حافظه جمعی جای می‌گیرد و تبدیل به یک خاطره جمعی می‌شود. هویت و خاطره با هم در ارتباطند، چرا که همه بخشی از تصویر ذهنی‌شان را بر اساس خاطراتشان می‌سازند و از دست رفتن جایگاه عینی آن خاطره عمل انطباق ذهنیت و عنیت را مختل نموده، فرد را در احراز هویت مکانی با مشکل روبرو خواهد ساخت (حبیبی، ۱۳۷۸، صص ۲۶-۲۷). بی‌هویتی به معنای سلب هرگونه امکان تشخیص مفهومی است که در دنیای واقعی و با قانونمندی‌های مادی حاکم بر آن شاید هیچ‌گاه به صورت مطلق نمود نیابد. زمانی فضا شناخته شده و

مورد استفاده قرار می‌گیرد، که به معنای نمادین، فرهنگی و اجتماعی وقوف حاصل شود. در صورت عدم درک آن معنا، فضا به درستی فهمیده نشده و یا در آن احساس راحتی نخواهد شد. در این صورت ناهمخوانی فضا با انسان بوجود می‌آید. ناهمخوانی فضا با انسان موجبات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط آن دو را فراهم می‌آورد. و بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی‌شود. در صورت عدم ارتباط بین فرد و فضا حادثه‌ای به نام بحران هویت بروز خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴).

اصول حاکم بر طراحی در مقیاس محله

۱. «مقیاس و تناسب»: منظور از تناسب رابطه میان ابعاد مختلف یک فضا یا یک شیء است و رابطه‌ای مستقل از اندازه. در مورد فضا نسبت بین ارتفاع ساختمانها و عرض فضا اعم از اینکه فضا کاملاً محصور و یا نیمه‌محصور باشد، موضوع تناسب را تشکیل می‌دهد. و اگر تناسب، درست و انسانی باشد؛ از نظر روانی در ناظر احساس آرامش خواهد کرد. اما مقیاس به‌رابطه بین اندازه یکفضا یا یک شیء با فضاها یا اشیاء اطراف آن مربوط می‌شود. بررسی‌هایی که در مورد شهرهای قدیمی غرب صورت‌گرفته، نشان می‌دهد که اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضای خطی از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است به ناظر نوعی احساس ترس از تنگی فضا دست دهد. و اگر این نسبت از ۱:۲/۵ کمتر باشد، ناظر احساس میکند که فضا بیش از اندازه گشاد است. به‌نظر طراحان غربی وقتی میتوان گفت فضای خارجی به‌نحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع ساختمان به عرض آن، تا یک باشد. اگر این نسبت از یک کمتر باشد، خصوصیت محصور بودن فضا از بین می‌رود. به‌طور کلی با بررسی نمونه‌های مقیاسها و تناسبات در مجموعه شهری سنتی ایران میتوان برای فضاهای ایستا از نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲ تا ۱ به ۱/۶ پیشنهاد داد و

برای فضاهای پویا نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۱ تا ۳ به ۱ پیشنهاد داد.

۲. «اصل تقارن در فضا شهری»: اغلب فضاهای معماری در شهر ایران ضمن متناسب بودن و داشتن مقیاس انسانی متقارن نیز هستند.

۳. «اصل تباین فضایی»: فضاهای متباین به فضاهایی گفته میشود که از نظر خصوصیات عرض و طول، ارتفاع از یکطرف و عناصر و اجزا محصورکننده از طرف دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. در فضاهای شهرهای سنتی ایران فضاهای متباین زیاد دیده میشوند که در غرب کمتر یافت می شود. متباین بودن فضاها، یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده را کاهش میدهد. از ویژگی مهم فضاهای متباین، پهن و باریکشدن فضا و سرباز و سرپسته بودن آن است. تفاوت در نحوه محصور کردن، فضاها را از نظر مقیاس فضا و تناسب جزئیات بدنه محصورکننده فضا میتواند خصوصیت تباین را بین رشتههای از فضاها تشدید نماید. در طراحی فضاهای متباین باید خصوصیات تفاوت و جاذبه بصری و قلمرو مورد توجه قرار گیرد.

روش طراحی چنین فضاهایی با تغییر مقیاس و خصوصیت محصور نمودن فضاها ممکن میگردد (همان، ص ۶۳-۶۴):

۱. «اصل قلمرو در فضاهای شهری»: انسان سعی در مشخص نمودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که در آن زندگی می کند دارد. این حد به دو صورت خصوصی و عمومی قابل تشخیص است. فضای خصوصی قلمرو فضایی یک یا چند نفر را مشخص میکند و فضای عمومی نشاندهنده فضای همگانی است. حدواسط بین فضای عمومی و خصوصی بحث بسیار قابل توجهی است که در شهرهای سنتی و قدیمی ما همواره به آن توجه داشتند.

بررسیهایی که در غرب صورت گرفته، مسئله دفاع از قلمرو و حد و مرز را به حیوانات نیز تعمیم می دهد.

۲. «اصل ترکیببندی»: در صورتیکه بناهای مختلفی با هم ترکیب شوند و فضایی را محصور کنند، لازم است مابین این بناها آنچنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصورکننده علیرغم تشکیل از ساختمانهای مختلف صورتی پیوسته پیدا کند. در این صورت به جای کلمه ساختمانهای مختلف میتوان کلمه واحدهای همانند و هماهنگ را به کاربرد که مجموعه آنها پیوسته و هماهنگ است. این خصوصیت هماهنگ کننده و پیونددهنده را میتوان هویت معماری نامید. که در مورد ساختمانهای مجموعه شهر نیز مانند ساختمانهای بدنه یک گذر یا یک خیابان یا میدان مصداق پیدا میکند. در صورتی که میان بناهای مختلف محصورکننده فضا ناهماهنگی شکلی وجود داشته باشد و عناصر ترکیبکننده نمای هر ساختمان حداکثر برای خود بدون ارتباط با ساختمانهای مجاور طراحی شده باشند، مجموعه فاقد ترکیب است. حالت یکنواختی و خطی محور را با شکستن فضای خطی یکنواخت به چند فضای تنگ و گشاد می توان به صورت پویا و ایستا با ترکیب بدنه های متفاوت اما هماهنگ تعدیل نمود. این امر در واقع کاهش دادن درازای فضا و ایجاد تغییراتی در فضاست که آنرا از نظر بصری جالب می نماید. درچنین حالتی ترکیب فضاهای متباین باید بگونهای باشد که ناظر با عبور از تسلسل فضاها احساس یکنواختی نکند. درواقع حرکت ناظر در هر فضا زمانی طولانی نخواهد بود و پیش از احساس یکنواختی وی به فضای دیگری جذب خواهد شد. علاوه بر این فضا نیز دارای مقیاس انسانی باشد و طول آن با سرعت حرکت پیاده تنظیم گردد. ترکیب متفاوت اما هماهنگ بدنه هر فضا از

یکنواختی فضا می‌کاهد (همان، ص ۷۶).

۳. «ترکیب توده و فضا»: توده ساختمانی

و فضا دو جزء یا دو عنصر اساسی ترکیب معماری یا مجموعه‌های از شهر است. آگاهی از فضا یکی از اصول پایه‌های در معماری و شهرسازی است، در صورتیکه امروزه طراحان فضا را به اندازه توده ساختمانی مورد توجه قرار نمی‌دهند. متخصصین غربی که مدت‌های زیادی به تحقیق در مسئله حجم و فضا پرداخته‌اند، اعتقاد دارند که اغلب طراحان کور فضایی هستند. بدین معنی که حجم ساختمانها را می‌بینند ولی از درک فضای بین آنها عاجزند. درحالیکه معماری در واقع ترکیب حجم و فضا است. و طراحی عبارتست از برقراری رابطه متقابل بین توده و فضا (همان، ص ۷۸).

همبستگی اجتماعی در محله و هویت

«همبستگی اجتماعی» از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر در میان نویسندگان و نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف در زمینه‌های علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح «همبستگی اجتماعی»^{۴۰} برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم» جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و عبارتی کوشش (احساس تعلق و همسرنوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می‌دهد. همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می‌توانند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان چسب اجتماعی نیز نام برده میشود که افراد و گروهها را در کنار یکدیگر نگه میدارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکهها و ظرفیتهای می‌شود. بدون چنین چسبی ما در واقع فقط با یک گردهمایی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی،

۴۰. social cohesion

۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر میرسد که همبستگی اجتماعی دارای معنای گسترده‌ای بوده و ابعاد و سطوح مختلفی را در برگیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محله‌های در سطح شهری و در سطح ملی میتوان بررسی کرد. همچنین می‌توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی شهروندان جستجو کرد. در همبستگی‌های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می‌شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق‌الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می‌باشند. در سطح محله‌ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می‌شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه‌ها و نهادهای محلی همچون انجمن‌ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در محله، مشارکتهای مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می‌کنند (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

هویت شهروندی در محله و حس مکان

هویت یکی از مهمترین مسائل و چالشهای پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه بهعمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است: حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به‌هو، شناسنامه، چيستی، خود، کیستی، همانی و همانستی. محله‌های شهری یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. ارزشها و هنجارهای محله‌های نخستین برخورد ملموس افراد با هویت فرهنگی را شکل میدهند و اغلب به صورت مناسبات رویاروی،

حس تعلق اجتماعی را تقویت میکنند. در محله عمده زمان ساکنان محل در کوچه و خیابان میگذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش است. اغلب در محله‌های شهری کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی است. از اینرو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محله‌های شهری است. استفاده از مؤسسات محله مثل مراکز مذهبی، باشگاه، قهوه‌خانه به مردم امکان می‌دهد که خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس کرده و در نتیجه تعلق بیشتری نسبت به محله مسکونی خویش پیدا کنند؛ چراکه اجتماع شهری باعث می‌گردد که کنش متقابل اجتماعی و جامعه مدنی شکل گیرد و واحد مکانی که این کنشها عمدتاً در آن شکل می‌گیرد محله می‌باشد؛ بنابراین توجه به بعد اجتماعی محله قلمروهای اجتماعی و غیرکالبدی یکی از ضروریات محیط قابل زیست شهری است و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مرزهای قلمرویی اجتماعی را هرچه بیشتر متبلور سازد، میتواند به ساماندهی بیشتر کنشهای متقابل در اجتماع انسانی منجر شود.

دید بصری در بافت محله، هویت و حس مکان

سیما و شکل شهرها در معرض دید مستمر میلیون ها نفر از مردم قرار دارند و بیش از هرچیز دیگر از طریق دید بر روحیه مردم تأثیر میگذارد. این شکل می‌تواند همانند هنر موسیقی، ادبیات و نقاشی کاملاً موزون، و یا با اغتشاش همراه، و بر رفتارها، فعالیتها و ارتباطات شهری تأثیری نامطلوب برجای گذارد (بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). به نظر لینچ شهرها تشکیل شده از پنج عنصر «راه، گره، لبه، نشانه و محله» است. در ساخت شهرها و محلات بوسیله این عوامل باید مجموعه ای طرح شود که واجد تسلسل اجزا آن تنها در زمینه که قرار دارند و با سایر اجزا به احساس آید. فرمها باید چنان طرح شوند که سیمای اجزا مختلف را رشته ای بهم پیوسته به یکدیگر مرتبط دارد و این پیوستگی و ارتباط در شب یا روز، زمستان یا تابستان، دور یا نزدیک به احساس آید. نقش محیطی که مظاهر بصری نیکو دارد این نیست که صرفاً عبور و مرور

را آسان گرداند و نه آن که معنا و احساسی که هم اکنون واجد است تقویت کند. نقش مهم دیگر آن ممکن است این باشد که بعنوان عامل هادی و محرک، تفحصات تازه را موجب شود. در جوامعی که اساسی پیچیده دارند، روابط متقابل فراوان بین آدمیان و مؤسسات موجود است که باید ماهیت آن را شناخت و بر آن تسلط یافت. اگر بافت و اساس محیط جوامع انسانی مرئی و روشن باشد و اجزا آن واجد خصوصیات مشخص، تفحص و مشاهده آن هم آسان تر می‌شود و هم مطلوبتر؛ بنابراین شرایط محیطی با زیبایی بصری نقش مهمی در شکل گیری روابط افراد دارد.

فضای اجتماعی در محله و ویت و حس مکان

رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق میافتد. مجاورت میتواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است. ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصتها برای ارتباط باشد. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق میافتد؛ بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در بر میگیرد. رابطه اجتماعی و فرهنگی مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آنها محدود می‌شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می‌شود و شدت آن، به فضا معنی میدهد (طالبی، ۱۳۸۳). «دیر»^{۴۱} و «والش»^{۴۲} معتقدند که روابط اجتماعی می‌توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا، مورد تهدید قرار گیرند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین نیازهای انسان در فضای عمومی، نیاز به برقراری تعامل و ارتباط با سایرین و عناصر محیطی در فضای عمومی شهری است. فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که بر اساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکلگرفته بر

Dear .۴۱
Wolch .۴۲

پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را میتوان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری برشمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. میل به پیوند با دیگران و نیاز به بودن با دیگران، انگیزه ای است تا فرد را در بستر فضای عمومی شده و در دسترس همگان قرار داده شده، به تعامل با سایر افراد انسانی و نیز با محیط اطراف خویش وادارد و در این کنش ها و واکنش های انسانی و محیطی است که مکان عمومی در قالب (فضای شهری) نمایان می شود (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم تعامل اجتماعی معطوف به مجموعه پوشش ها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانی تجمعی، باورهای مردمسالاری، خودباوری، خردگرایی و قانونگرایی است (پارسی، ۱۳۸۱) و (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضاهایی به لحاظ تعاملات اجتماعی موفقاند که از تعامل پویا، تبادل اطلاعات، کسب تجارب محیطی، امکان بیان خلاق افراد و گروههای حمایت کنند که این امر خود میتواند منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت مندی بیشتر گردد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، میتواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲). تعاملات اجتماعی با حضور اشیا مختلف در فضا می تواند رخ دهد (Lubis & other، 2010):

۱. «اجتماع پذیری»^{۴۳}: یکی از مهمترین ابعاد و ویژگیهای عمومی ایجاد فرصت های لازم جهت تعاملات اجتماعی می باشد. هنگامی که مردم با سایر افراد

جامعه تعامل میکنند، رابطه قویتری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند.

۲. «فعالیت و کاربری»: رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت ها و کاربری های موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروه های مختلف، مهمترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بعد، میزان و دفعات مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیت های مختلف است.

۳. «دسترسی و ارتباط»: این ویژگی می تواند در امنیت و عملکرد مثبت فضا موثر است. امکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروه های اجتماعی ویژه در نقاط مختلف فضا، از جمله شاخص های تعیین کننده می باشند.

۴. «تصویر ذهنی و آسایش»^{۴۴}: تصویر ذهنی با چگونگی سامان دهی کالبدی فضا و دریافت آسایش ذهنی از فضا، در ارتباط است. تشخیص و خوشایندی بصری فضا در جذب مردم موثرند که سبب می گردد مردم آن را جهت توقف، قدم زدن و تجربه حیات جمعی انتخاب نمایند (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

امنیت و آسایش در محله و هویت و حس مکان

حضور فعال مردم در شهر، از عوامل افزایش امنیت در فضای شهری است. تسلط بر فضا و دیده شدن آن توسط مردم، موجب ایجاد حس ایمنی است فضاهایی دارای کیفیت بالا هستند که وسیع ترین دامنه فعالیت های پیاده را امکان پذیر می کنند. حذف ترافیک به افراد پیاده امکان حرکت بدون مانع، امنیت و آسایش و آزادی برقراری ارتباط را میدهد. نهایتاً حذف کاربریهای زماندار و اداری از بدنه بلافصل فضا و همچنین ایجاد واحدهای

مسکونی در طبقات بدنه مسیر نه تنها به سرزندگی آن کمک میکند، بلکه باعث امنیت بیشتر مسیر و امکان نظارت بر فضا در طول شبانه روز نیز می شود (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۴). آسایش محیطی از مؤلفه های مهم و اساسی محیطهای انسان برای سکونت و زندگی است. شهرها مانند خانه محسوب می شوند و هما نگونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد (صالحی، ۱۳۸۲، ص ۲).

خوانایی و تجربه های زیباشناختی و هویت و حس مکان

شاخصه وضوح و خوانایی نشانگر میزان اطلاعاتی فضایی است که می توان به صورت بصری از یک فضا به دست آورد بنابراین وضوح و خوانایی شهر ارتباط مستقیمی با مفهوم بازسازی کل شهر در ذهن و کنار هم چیدن این قطعات در کنار یکدیگر دارد بنابراین وضوح رابطهای میان ویژگیهای محلی و فراگیر فضای شهری می باشد (Hiller، 2007، 32-40).

نتیجه گیری و جمع بندی

در نهایت می توان گفت؛ مفهوم محله دارای نقش کلیدی در رویکرد فرهنگی به طراحی شهری است و دیدگاههای متنوعی در رابطه با اهمیت و نقش محله مطرح شدهاند. گسترش فن آوری و شدت استفاده از وسیله نقلیه شخصی، وابستگی افراد را به قلمرو سکونتی و خدمات فراهم شده در آن کاهش داده و تعاملات اجتماعی را در مقیاسی فراتر میسر نموده است. تکنولوژی های ارتباط جمعی، مرزها را به مقیاسی جهانی کشیده است بدون محدودیت فاصله. از طرفی دیگر، نیاز به ارتباط چهره به چهره هنوز زوال نیافته و اهمیت طراحی محله در توانایی آن برای ارتقا تعامل اجتماعی واضح است. موارد زیر خلاصه ای از ادبیات موجود در زمینه محله هاست. نقش عناصرسازنده استخوانبندی محله در

ترکیب کلی حس مکان در سطوح محلات همانند نقش نتهای موسیقی در یک دستگاه موسیقایی و یا نقش واژهها در یک متن ادبی است. تاثیرات متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزا در موسیقی و یا ادبیات حاصل می شود، شگفتآور است. و این امر در مورد خلق فضاهای شهری در هر مقیاس به ویژه در مقیاس محله نیز شگفتی آور خواهد بود. آهنگی که از طریق ترکیب توده و فضای محله تولید می شود، تاثیری مستقیم بر ساکنان یا عابران محله داشته و آنان را به همآوایی با خود وادار می سازد. بدین ترتیب کیفیت تجربه ای که از این مشارکتها حادث می شود، بیانگر کارایی نیروهای ارسال شده از توده و فضا بوده و خاطره انگیز می گردد. این دگرگونی در همه جوانب از جمله در شکل نماها، انواع فضاها و رابطه فضاها با یکدیگر، نحوه سازماندهی و تزئینات صورت می پذیرد. اما اگر در ناحیه یا منطقه ای در طول یک دوره تاریخی تغییرات اساسی در الگوهای رفتاری و شیوه اسکان رخ ندهد، طبیعی است که در شکل واحدهای مسکونی نیز شاهد دگرگونی مهمی نخواهیم بود.

جدول ۴. معیارهای موثر بر تصویر ذهنی و کیفیت از دیدگاه صاحب نظران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

انديشمند	شاخصها و معیارهای حاصل شده از فراتحلیل تحقیقات انجام شده
کامپلوسیتته	شکل؛ آثار تاریخی؛ محصوریت؛ توده تعریف کننده فضا؛
کوبن لینچ	تناسب؛ دسترسی؛ نظارت و اختیار؛ کارایی؛ سرزندگی؛ معنی؛ عدالت.
هاتن و هانتر	تنوع؛ تمرکز؛ امنیت؛ مقیاس مناسب؛ طراحی ارگانیک؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن؛ روابط خلاقانه؛ انعطاف پذیری؛ دموکراسی؛ نفوذپذیری؛

فضای همگان؛ ایمنی و امنیت؛ منظر شهری؛ اختلاط و تراکم؛ همه شمول بودن؛ مدیریت زمانی فضا؛ دسترسی؛ سخت فضا و نرم فضا؛	متیو کارمونا
قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه ای در قالب طرحها؛ قرائت‌پذیری؛ آزادی انتخاب؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرمهای شهری متباین؛ امکان زندگی اجتماعی.	ویولیچ
نفوذپذیری؛ گوناگونی؛ خوانایی؛ انعطاف پذیری؛ تناسبات بصری؛ غنای حسی؛ رنگ تعلق.	بتلی و همکاران
حق تصرف مطمئن؛ اقتصاد فعال؛ کنترل های اجتماعی موثر؛ تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی؛ آب پاک؛ خدمات اساسی؛	باربارا وارد و همکاران
وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین؛ بالا بودن کیفیت کالبد مسکن؛ وجود اکوسیستم های سالم؛ وجود محلات فعال و معنی دار؛ نیازهای اولیه هر شهروند؛ وجود روابط اجتماعی در حد معقول؛ وجود اقتصاد متنوع و خودکفا؛ تنوع فعالیت های فرهنگی.	دوئل
دسترسی به فرصتها، تخیل و شادی؛ اصالت و معنا؛ زندگی اجتماعی و همگانی؛ خوداتکایی شهری؛ سرزندگی؛ هویت و کنترل؛	آلن جیکوبز و اپلیارد
محصوریت فضاها؛ پیوستگی لبه؛ کنترل محورها و پرسپکتیوها؛ ممزوج نمودن فضاها درون و بیرون.	ترانسیک

آگاهی از بیوسفر و احساس سرنوشت مشترک؛ حفاظت اکولوژی؛ تنوع؛ تحرک؛ حس محله؛ حس تداوم؛ انتخاب محل سکونت؛ اجتناب از جدایی اجتماعی و امکان گسسته شدن از پیوندهای اجتماعی.	مارگاریت مید
اهمیت مکانها نسبت به ساختمانها؛ ادغام کاربریها و فعالیتهای شهری؛ توجه به مقیاس انسانی؛ توجه به رشد تدریجی و پویای محیط؛ ادغام مضامین نه گانه و دستیابی به ترکیبهای موثرتر محیطی؛ تامین آزادی عابران پیاده؛ ایجاد خوانایی و وضوح محیط؛ توجه به ماندگاری و پایداری محیطی؛	فرانسیس تیبالدز
کیفیت منظر شهر؛ کیفیت دیدها؛ کیفیت فرم شهر؛ کیفیت پایداری زیست محیط؛ کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی.	جان پاتر و کارمونا
آسایش و منظر؛ استفاده و فعالیتهای دسترسی و به هم پیوستگی؛ اجتماع پذیری.	PPS
برخوردهای معنی دار اجتماعی؛ معرفی هویت اجتماعی؛ افزایش احساس راحتی؛ دسترسی های خوب؛ جذب اقدار مختلف؛ حمایت اقتصادی.	
نفوذپذیر بودن؛ استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سنهاى مختلف در یک ناحیه؛ توجه به عنصر خیابان؛ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها؛ قابل دسترس بودن بافت؛	جین جیکوبز

سوت ورت	باز بودن فضاها؛ سرزندگی و حیات؛ تنوع؛ تجانس؛ شادی و شمع؛ معنی؛ سلامتی و ایمنی؛ مرمت و نگهداری، خوانایی؛ شکل دسترسی؛ راحتی و آسایش؛ حفاظت از محیط؛
کولمن	بستر و محیط فرهنگی؛ بستر و محیط طبیعی؛ توجه به ارزشهای معمارانه محیط؛ حفاظت تاریخی و مرمت شهری؛ طراحی برای پیاده ها؛ سرزندگی و تنوع استفاده؛
پاکزاد	هماهنگی؛ نظم؛ ماندگاری؛ پایداری؛ تغییرپذیری؛ زیبایی؛ وحدت؛ هویت؛

فضا و ادراک ساکنان را فراهم آورند و ساکنان با حضور در فضای بین عناصر به هنگام حرکت، جریانی پیوسته از تجربیات جمعی و همگون را دریابند. گام بعدی توجه به ساختار شبکه‌ای استخوانبندی محله و ارتباط آن با کیفیت ادراکی منظر است که می‌تواند ساکن و عابر را از مرکز به پیرامون هدایت کند. همانند دیگر فضاهای شهری محله و مرکز یا مراکز آن نیز می‌تواند از اصولی چون فضای خارجی، فضای داخلی، اصل هم پیوندی واحدها و عناصر شهری، اصل محصوریت، اصل مقیاس و تناسب اصل تباین فضایی، اصل قلمرو، اصل ترکیب و اصل آگاهی از فضا، ساختار خویش را پیدا کند. و این اصول به اصولی چون خوانایی، نمایانی، مرکزیت، حریم، تضاد، دوگانگی، سلسله مراتب، تعادل، وحدت و کثرت، رابطه‌ی انسان و محیط، معانی بیان و استعاره و رفتار انسانی در فضا که از آن با عنوان قرارگاه رفتاری یاد می‌شود، هم تجهیز می‌شوند. همچنین می‌توان به جدولی از معیارها در مقیاس محلی و مطابق با ویژگیهای روانشناختی و ادراکی ایران خاصه در سطح محلات شهری دست یافت.

لذا همزمانی و در زمانی مجموعه رفتارها، هنجارها و فعالیتها در فضا می‌توانند به مثابه‌ی نیروهای پیوند دهنده‌ی عناصر منظر بصری و استخوانبندی محله نقش مهمی ایفا نمایند. مرحله اول آن است که عناصر و عوامل شکل دهنده محله به گونه‌ای استقرار یابند که بتوانند فضای تعامل بین توده و

جدول ۵. متغیرها، شاخص‌ها و گویه‌های بررسی کیفیت محلات؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

شاخص‌ها	گویه‌ها	کیفیت محیطی	متغیرها
ویژگی‌های زیست محیطی	۱. تمیزی آب و هوا؛ ۲. پاکیزگی محیط محله؛ ۳. امکان پیاده روی و دوچرخه سواری		
دسترسی	۱. دسترسی به فضای سبز؛ ۲. دسترسی به خدمات تجاری روزمره؛ ۳. دسترسی به فضای بهداشتی و درمانی؛ ۴. دسترسی به فضای آموزشی موردنیاز؛ ۵. دسترسی به ایستگاههای حمل و نقلی		
ایمنی و آسایش	۱. جرم و جرم خیزی در محله؛ ۲. آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل عمومی		
هویت	۱. رویداد تاریخی مهم؛ ۲. مکان تاریخی مهم؛ ۳. احساس تعلق به محله		
دید بصری	۱. هماهنگی محیط با فرهنگ ساکنین؛ ۲. هماهنگی ساختمانها به لحاظ فرم؛ ۳. مناسب بودن نمای ساختمان‌ها؛ ۴. میزان زیبایی محله از دید ساکنین		
روابط رسمی	همکاری با سازمانها و شوراییاریها	روابط	
روابط غیر رسمی (مشارکت)	۱. برنامه ریزی برای بهبود مدیریت محلی، ۲. کمک در رفع مشکلات محله؛ ۳. تمایل کمک به همسایگان		

عوامل مؤثر در شکلگیری و تعریف شخصیت مکان، هویت تصویر و شخصیت مشاهده و تصویر شده را تشکیل می‌دهند:

ویژگی‌های فرهنگی - معنایی؛ مهمترین ویژگی که در تبدیل محیط به مکان مؤثر است، کیفیت معنایی محیط می باشد. محیط پیرامونی در صورتی میتواند به محیطی بامعنا تبدیل شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معنا را با جهانی متشکل از اشیا و چیزهای مختلف برقرار سازد.

ویژگی‌های کالبدی؛ هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی یابد. چشم انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنه ها، پیکره فضایی، نشانه ها، عناصر شاخص و غیر شاخص کالبدی، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیره‌ها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آنها به درستی امکان پذیر نیست و آنها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت میبخشند.

ویژگی‌های عملکردی؛ علاوه بر کالبد، یک مکان ویژگی‌های منحصر به فرد خود را از حضور کارکردهایی متمایز و فعالیت های زیستی مشخص به دست می آورد و در سایه روشن زندگی روزمره، فعالیت ها و عملکردهای رخ نموده احساس می شوند. مولفه‌های عملکردی مکان که در در پرتو مولفه‌های کالبدی امکان وقوع می یابد، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به بستر مکان دارند. این که کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، باعث می شود که افراد دلیلی برای وارد شدن به فضا و خروج از آن داشته باشند.

جدر پایان عوامل مؤثر بر ارتقاء حس مکان و هویت بخشی آن به اختصار در جدول زیر مورد اشاره قرار می گیرد:

جدول ۶. جمع بندی ویژگی‌های اصلی محیط‌های اجتماع پذیر؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق

عوامل فیزیکی	عملکردهای موجود در فضا		
	توجه به تناسبات		
	مقیاس‌های انسانی		
	ایمنی مسیر		
	توجه به حواس پنج‌گانه انسان(عوامل روحی و روانی)		
فضای اجتماع پذیر	کالبدی	وجود فضای سبز	
		تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا	
	فعالیت فضای	وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی	
		میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی، پیچیدگی، آموزش، تنوع، انتخاب، هویت‌یابی، خلوت‌جویی و دل‌بستگی در فضاست.	
	تعاملات اجتماعی		
ویژگی‌های کالبدی	فرصت‌های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تامل بیشتر در فضا		
	فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل: زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و ...		
	ورودی‌های دعوت کننده و دسترسی به لحاظ بصری و کالبدی		
	راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی		
	کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده		
	تعریف بدنه‌ها هویت جداره‌ها		
	پیش بینی فعالیت‌های جاذب		
	پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن		
	عوامل معماری و محیطی	دسترسی ها	
		توده و فضا	
سیمای شهری			
محیط زیست			

منابع و مأخذ

۱. بحرینی، حسین (۱۳۸۶) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. بتلی، ایان (۱۳۸۲) «محیط‌های پاسخده» ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۳. بهزادفر مصطفی و طهماسبی ارسلان (۱۳۹۲) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج» فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵.
۴. پارسی، حمید رضا (۱۳۸۱) شناخت محتوای فضای شهری، مجله دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۱.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۱) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲): از کمیت تا کیفیت»، چاپ دوم، تهران: انتشارات آرمانشهر
۶. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری». چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی
۷. پاکزاد، جهانشاه و همکاران (۱۳۹۱) «الفبای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: انتشارات آرمانشهر.
۸. ترابی، محمد (۱۳۹۱) «طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
۹. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵، تهران.
۱۰. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر
۱۱. دانشگرمقدم، گلرخ و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت» دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۳۸-۲۷
۱۲. راست‌بین، ساجد و همکاران (۱۳۹۱) «رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی» فصلنامه باغ نظر شماره ۲۱، صص ۴۶-۳۵
۱۳. رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، نشریه راهبرد، شماره ۵۳، سال هجدهم، صص ۲۴۸-۲۲۷
۱۴. شکوئی، حسین؛ حسینی، سید علی. (۱۳۸۰) سازو کارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرحهای توسعه شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱.
۱۵. عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا (۱۳۹۱) «بررسی و تحلیل مولفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم، صص ۱۰۴-۹۵
۱۶. فلاحی، محمد صادق (۱۳۸۵) «حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷
۱۷. قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی: نمونه موردی: محله درکه تهران»، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷.
۱۸. کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) «مکان‌های

29. Hillier B and Hanson J ,The social logiv of space,Cambridge universi-ty press1984 ,
 قرائتی و همکاران، تهران: دانشگاه هنر. ترجمه: فریبا
30. Hophmayer ,Sharon and Yoram Krozer ,2008,Public participation in rural area water management: experiences from the North Sea countries in Europe ,Water Interna-tional
 کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
31. H.Whyte ,W .1980 .The Social Life of Small Urban Spaces .Washing-ton DC :Project for Public Spaces.
 کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹) «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، نشریه هویت شهر، شماره ۶، سال چهارم، صص. ۹۵-۱۰۶
32. H.Whyte ,W .2003 .Social life of small urban spaces ,In Time-Saver Standards for Urban Design, By Donald Watson ,Alan Plattus and Robert Shibley.2.12-1-2.12.8 , McGraw-Hill Professional.
 گل، یان (۱۳۸۷) «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» ترجمه: شیما سادات شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
33. H.Whyte ,W .2009 .City :Rediscovering the Center .Pennsylvania: University of Pennsylvania press.
 گلکار، کوروش (۱۳۷۹) «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۲۹-۳۳
34. Landry ,Charles . (2000) .Urban Vi-tality :A New Source of Urban Com-petitiveness Prince ClausFund.
 گلکار، کورش (۱۳۸۶) «مفهوم سرزندگی در طراحی شهری»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی صفا، شماره ۴۴، صص ۶۶-۷۵
35. Lang ,jan (1961) .Urban De-sign-The American Experience. New York : Van Nostrand Reinhold, p.96 .
 مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) «طراحی فضای شهری»، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
20. کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
21. گل، یان (۱۳۸۷) «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» ترجمه: شیما سادات شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
22. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۲۹-۳۳
23. گلکار، کورش (۱۳۸۶) «مفهوم سرزندگی در طراحی شهری»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی صفا، شماره ۴۴، صص ۶۶-۷۵
24. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) «طراحی فضای شهری»، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
25. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) «روانشناسی محیطی؛ دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا: شماره ۱۰، صص ۵۲-۶۷
26. مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۹۲) «روانشناسی محیطی»، ترجمه: غلامرضا محمودی. چاپ دوم، تهران: انتشارات وانیا
27. منصوری، سید امیر (۱۳۹۰) «درآمدی بر شناخت معماری منظر»، مجله باغ نظر، شماره دوم، صفحات ۷۰-۷۸.
28. الوانی، سید مهدی و سید تقوی، میر علی (۱۳۸۱) سرمایه های اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

فرا تحلیل مطالعات دلبستگی به مکان

محمود قلعه نویی - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

بهادر زمانی - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

سپیده پیمانفر* - دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

مفهوم دلبستگی به مکان، در مقایسه با سایر مفاهیم مورد استفاده در زمینه توصیف پیوند بین فرد و قرارگاه، بیشترین استعمال را دارد. که این موضوع به تنوع تعاریف، منجر گردیده و لزوم طبقه بندی نتایج مطالعات را می طلبد. پژوهش حاضر با هدف ترکیب کمی نتایج پژوهش های انجام شده در زمینه «دلبستگی به مکان» اجرا شده است. تا از ترکیب این نتایج، شدت تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر سازه دلبستگی به مکان، از طریق اثر متوسط، محاسبه گردد و مؤثرترین عامل بر دلبستگی به مکان، از بین ۴ سنجه: هویت مکانی، وابستگی مکانی، علائق مکانی و پیوند اجتماعی با مکان، مشخص گردد. به منظور بررسی هدف اصلی تحقیق، روش فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفته است و مقالات علمی و پژوهشی فارسی و انگلیسی منتشر شده، بدون اعمال محدودیت مکانی و زمانی، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده اند. از مجموع ۴۹ مقاله اولیه که با جستجوی الکترونیک در مجلات نمایه شده در پایگاه های اطلاعاتی: Taylor & Francis Science Direct، Wiley، Proquest، Sid، Magiran و با کلیدواژه های: Place attachment و دلبستگی به مکان به دست آمده اند، در نهایت ۱۸ مقاله به منظور انجام فراتحلیل انتخاب گردید. به منظور انجام محاسبات آماری و تجزیه و تحلیل نتایج فراتحلیل از نرم افزار Comprehensive Meta Analysis V2 بهره گرفته شده است. با استفاده از نرم افزار CMA ناهمگونی میان پژوهش ها با آزمون Q کوکران بررسی شد و با توجه به نتیجه آن، از مدل تصادفی برای استخراج اثر متوسط بهره گرفته شد. نتایج تحلیل، نشان می دهد که «علائق مکانی» بیشترین تأثیر را در ارزیابی دلبستگی به مکان دارد و پس از آن «هویت مکانی»، «پیوند اجتماعی با مکان» و «وابستگی مکانی» قرار می گیرند.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، دلبستگی به مکان، هویت مکانی، وابستگی مکانی، علائق مکانی، پیوند اجتماعی با مکان

این مقاله از رساله دکتری سپیده پیمانفر با عنوان مدل مفهومی محله سنتی و کاربست آن در ارزیابی مجتمع های مسکونی معاصر اصفهان به راهنمایی نویسنده اول و دوم در دانشگاه هنر اصفهان استخراج گردیده است.

Meta-Analysis of Place Attachment Studies Abstract

A review of the literature reveals place attachment is the most popular term used. This led the diversity and requires classification of studies. The purpose of the research is that the most affecting factor of Place Attachment between Place Identity, Place Dependence, Place Affective and Place Social Bonding specified and therefore has been implemented to combine a number of quantitative studies in the field of Place Attachment as the effect size of each factor affecting the structure of place attachment calculated through the summary effect. In order to study the main purpose of the research, the method of meta-analysis is used and scientific articles published in Persian and English, without place and time limitation, have formed the study population. A total of 49 primary articles achieved by looking in magazines indexed in databases: Taylor & Francis, Science Direct, Wiley, Proquest, Magiran and Sid with the key words of "Place attachment ultimately 18 articles obtained in order to perform a Meta-Analysis. To perform statistical calculations and analysis of the results, the software of Comprehensive Meta Analysis V2 has been used. Heterogeneity between studies was assessed by using this software and according to the result of the Q Cochran test, the random model is used to extract the summary effect. The results show that the Place Affective is the most important factor in the assessment of Place Attachment and then Place Identity, Place Social Bonding and Place Dependence are located.

Key words: Meta-Analysis, Place Attachment, Place Identity, Place Dependence, Place Affective, Place Social Bonding.

مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر با فراتحلیل مقالات علمی و پژوهشی فارسی و انگلیسی منتشر شده در حوزه «دلبستگی به مکان»، به تحلیل کمی اسناد پژوهشی و طبقه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر سازه «دلبستگی به مکان» می‌پردازد. تا شدت تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر سازه دلبستگی به مکان، با استفاده از اثر متوسط، محاسبه و مؤثرترین عوامل بر آن مشخص گردند.

پیشینه تحقیق

واژه «مکان‌دوستی»^۶ توسط توان (1974) به بهترین شکل، مفهومی که دلبستگی به مکان دارد را بدون نیاز به توضیح نشان می‌دهد. در مقاله دیگر توان (1976) از Geopiety نام می‌برد، لغتی که از رایت^۷ گرفته شده است، اما با معنایی متفاوت؛ به عنوان مفهومی که طیف وسیعی از پیوندهای عاطفی بین فرد و محیط را پوشش می‌دهد. «Geo» به معنای خاک، زمین، کشور و ملیت است در مقابل عالم روحانی و «piety» به احترام و دلبستگی به خانواده، میهن و به خدایان که آنها را محافظت می‌کند، دلالت دارد. به طور کلی، مفهوم دلبستگی به یک مکان، با احساسات مثبت درباره مکان همراه است، برخلاف احساسات منفی که به بیگانگی با مکان^۸ اشاره دارد (McE- Cross, 2001 cited in wen, 2014: 29). هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱) این تعریف را برای دلبستگی به مکان آورده‌اند: «یک پیوند احساسی بین افراد با محیط خاص». شوماخر و تیلور نیز معتقدند که دلبستگی به مکان: «پیوند احساسی مثبت، بین شخص با مکان خاص است، که ویژگی اصلی آن تمایل شخص به حفظ ارتباط نزدیک با چنین مکانی می‌باشد.» (Alexander, 2008: 8).

تفاسیر متعددی درباره ارتباط حس مکان و دلبستگی به مکان وجود دارد؛ گاهی دلبستگی به مکان ذیل مفهوم کلی حس مکان مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و تنها منعکس کننده بعد عاطفی روابط انسان و مکان است، نه کلیت آن. در این تعریف، حس مکان

واژگان بسیاری به منظور توصیف ارتباط بین افراد و قرارگاهها، در ادبیات نظری وجود دارد؛ از جمله: حس مکان، دلبستگی به مکان، دلبستگی به اجتماع محلی، دلبستگی به واحد همسایگی و پیوند با طبیعت. آنچه از بررسی ادبیات نظری موجود به دست می‌آید، نشان می‌دهد که در بین این اصطلاحات، دلبستگی به مکان از بقیه پرکاربردتر است: Ramkissoon and et al., 2103b (554). در طول دو دهه گذشته، سازه دلبستگی به مکان، توجهات بسیاری را در حوزه روانشناسی محیطی و مدیریت محیطی به خود معطوف کرده است. به دلیل به کارگیری دلبستگی به مکان در بسیاری زمینه‌ها، تعاریف متنوعی از آن دیده می‌شود؛ از جمله به عنوان پیوند عاطفی که در اندوه افرادی که مجبور به نقل مکان هستند، مشخص است (e.g., Fried, 1963; Fullilove, 1996) در روانشناسی فاجعه (e.g., Brown & Perkins, 1992) مهاجرت (e.g., Ng, 1998) نقل مکان (e.g., Giuliani, Ferrara, & Barabotti, 2003; Gustafson, 2001) تشویق به استفاده از فضاهای عمومی (e.g., Kyle, Graefe, & Manning, 2005; Moore & Graefe, 1994; Williams, 1998) در مطالعات ادراک محیطی، مانند تجربه امنیت در مکان‌هایی که در محدوده جنگی (e.g., Billig, 2006) قرار دارند، Scannell (1: 2010a) Gifford. همچنین، «دلبستگی به مکان» تئوری اصلی به کار رفته در مطالعات مربوط به معنای روانشناختی سکونتگاه می‌باشد (Moore, 2000). یکسان سازی مفاهیم مختلف دلبستگی به مکان چالش برانگیز است. در چند سال اخیر پژوهشگرانی که دلبستگی به مکان را به عنوان سطح ارتقا یافته حس مکان در نظر می‌گرفتند. سنجه‌های «هویت مکانی^۲»، «وابستگی مکانی^۳»، «علاقه مکانی^۴» و «پیوندهای اجتماعی با مکان^۵» را به منظور ارزیابی دلبستگی به مکان

۲. Place Identity

۳. Place Dependence

۴. Place Affective

۵. Place Social Bonding

۶. Topophilia

۷. John K. Wright

۸. place Alienation

شامل زیر مجموعه های هویت مکانی، دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان است (Jorgensen & Stedman, 2001). در تعریف دیگر دلبستگی به مکان را سطح بالاتری از حس مکان می دانند و آن را به عنوان ظرف مفاهیم و شاخص اصلی کیفیت رابطه انسان و مکان در نظر گرفته اند. به عنوان مثال شامای (۱۹۹۱) معتقد است که توسعه حس مکان در ۳ مرحله ممکن است:

۱. تعلق به مکان،

۲. دلبستگی به مکان،

۳. تعهد به مکان (Shamai, 1991: 349).

اکثر پژوهش ها تا پیش از سال ۲۰۱۰ در بین پژوهشگرانی که تعریف دوم را برای دلبستگی به مکان قائلند، تأکید خاصی را بر مدل دو سطحی دلبستگی به مکان شامل «هویت مکانی» و «وابستگی به مکان» معطوف داشته اند. روایی و پایایی این مدل دو سطحی توسط چندین مطالعه در امریکا (e.g., Bricker & Kerstetter, 2000; Jorgensen & Stedman, 2006; Kyle, Graefe, & Manning, 2005; Williams & Vaske, 2003) و در استرالیا (e.g., Brown & Raymond, 2007; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003) تأیید شده است. این مدل دو سطحی به پیوندهای مهم با محیط اجتماعی و طبیعی بی توجه است و بیشتر به «جنبه شخصی» دلبستگی به مکان می پردازد. محققین علاقه مند به دلبستگی های اجتماعی دریافتند که بستر جغرافیایی و اجتماعی پیوندهای مکانی نیاز به توجه بیشتری دارد. در نتیجه در پژوهش های اخیر که عمدتاً از سال ۲۰۱۰ به بعد می باشند، «دلبستگی به مکان» شامل ۴ زیرمجموعه: هویت مکانی (Vaske & Kobrin, 2001; Walker & Chapman, 2003) و وابستگی مکانی (Stokols & Shumacker, 1981)، علایق مکانی (Halpenny, 2010) و پیوندهای اجتماعی با مکان (Kyle, Mowen, & Tarrant, 2004) در نظر گرفته شده است (Ramkissoon et al., 2013b; Ramkissoon et al., 2011).

هویت مکانی: هویت مکانی واژه ای است که نخستین بار توسط روانشناس محیطی هارولد پروشانسکی «برای توصیف جهان فیزیکی اجتماعی شده شخص» به کار می رود. «مجموعه شناخت مثبت یا منفی قرارگاه فیزیکی ... که به تعریف اینکه شخص کیست و چه ارزش هایی دارد و همچنین اینکه دیگران او را چطور می بینند کمک می کند.» (Proshansky, et al., 1983: 74). از منظر کوبا و هومان: «هویت مکانی تفسیر خود است با استفاده از معنای محیطی به منظور نشانپردازی و واقع شدن هویت فردی در محل.» او عنوان می کند: «بخشی از پیوندی که شخص با مکان احساس می کند، ناشی از احساس شناسایی است که با آن مکان ها شکل می دهد. ما معمولاً خودمان را برحسب برجسبهای جغرافیایی شناسایی می کنیم.» (Ryden, 1993: 39) به طور خلاصه هویت مکانی براساس مقایسه تصویر ذهنی^۹ شخص از اجتماع محلی ایده آل با مشخصه های فیزیکی یک اجتماع محلی به دست می آید. (Cross 2001: n.p. cited in) (McEwen, 2014: 27) که در حالت مثبت آن، به صورت این مکان انعکاسی از من و من انعکاسی از این مکان هستیم. و در حالت منفی، به صورت «من این مکان را نمی خواهم، این آنچه من هستم نیست» (Scannell and Gifford, 2010a: 3)، ابراز می گردد.

وابستگی مکانی: وابستگی مکانی به پیوندهای عملکردی و هدف محور با یک قرارگاه اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک قرارگاه فیزیکی شرایطی را برای تأمین اهداف فراهم می آورد (Schreyer, et al., 1981 cited in Raymond, et al., 2010: 423). این پیوندیست که شخص با ویژگی های کالبدی مکان شکل می دهد. هرچه سطح وابستگی شخص به مکانی بیشتر باشد، کمتر خواهان تغییر مکان است (Scannell & Gifford, 2010a cited in Ramkissoon, et al., 2011: 262) استوکولوس و شوماخر (1981) معتقدند که وابستگی مکانی یک فرم از احساس عاطفی نسبت به پتانسیل های یک مکان خاص در برآوردن نیازها و اهداف شخص در مقایسه با مکانهای قبلی است

علائق مکانی: معنای سکونتگاه بیش از آنکه متأثر از کاربری و عملکرد باشد، به احساسات ذهنی^{۱۲} وابسته است (Tanner, et al. 2008: 197). اینکه افراد چقدر یک مکان را دوست دارند و به آن احساس تعلق می‌کنند.

پیوند اجتماعی با مکان: پیوند اجتماعی با مکان مؤلفه دیگر دل بستگی به مکان است. محققین معتقدند که افراد به مکان‌هایی دل بسته می‌شوند که روابط بین فردی را تسهیل و تعلق گروهی را محکم می‌کند، وقتی پیوندهای اجتماعی با دیگران از طریق تعامل انسان- مکان ارتقا یابد، دل بستگی به مکان نیز افزایش می‌یابد. لو و آلمن (1992: 7) معتقدند که «مکانها بستریهایی هستند که روابط فرهنگی، اجتماعی و بین فردی در آنها رخ می‌دهد و این همان پیوندیست که در افراد ایجاد دل بستگی می‌کند». اسکنل و گیفورد (2010b) از آن با عنوان پیوند مکانمند اجتماعی نیز یاد می‌کنند. ولدف (2000) و هانتز (1974) معتقدند که دل بستگی به مکان در بستر پیوندها و وابستگی های محلی شکل می‌گیرد. بنابراین، پیوند اجتماعی، نمادی از گروه‌های اجتماعی در یک مکان است (Ram-kisoon, et al., 2011: 264- 265).

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش تحلیل کمی مقالات پژوهشی و طبقه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر سازه «دل بستگی به مکان» می‌باشد. این پژوهش قصد دارد با ترکیب نتایج مقالات، تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر سازه دل بستگی به مکان: هویت مکانی، وابستگی مکانی، علایق مکانی و پیوند اجتماعی با مکان، را محاسبه نماید تا از این طریق، مؤثرترین عوامل بر دل بستگی به مکان مشخص گردند.

روش تحقیق

روش اصلی پژوهش در این طرح، فراتحلیل^{۱۳} می‌باشد. از آنجا که ذهن انسان توانایی ترکیب و انتظام داده‌های منتج از مطالعات فراوان را ندارد، به

که به آن سطح مقایسه^{۱۴} گفته می‌شود و ارزیابی اینکه چطور مکان فعلی در مقایسه با سایر مکانها در حال حاضر می‌تواند نیازها را برآورده کند، که به آن سطح مقایسه با گزینه های موجود^{۱۵} گفته می‌شود (Shumaker & Taylor, 1983: 225). تفاوت بین وابستگی مکانی و دل بستگی این است که وابستگی مکانی می‌تواند تا حدی منفی باشد و دیگر اینکه ممکن است علی رغم بهبود تجربه های مکانی منفی توسط مکان فعلی اما در برآوردن نیازها موفق نباشد. بنابراین فرد می‌تواند وابستگی مکانی را دارا باشد، اما هیچ حس مثبتی به مکان، که هسته اصلی مفهوم دل بستگی می‌باشد را نداشته باشد (Jorgensen & Stedman, 2001: 234).

جدول ۱. مولفه‌های دل بستگی به مکان با تأکید بر جنبه شخصی آن، مأخذ: Raymond et al. 2010

ادبیات مرتبط	تعریف	مکان	مکان
Proshansky et al., 1983; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003.	آن مؤلفه هایی از شخص، همچون تلفیقی از احساسات نسبت به مکان خاص و پیوند نمادین با مکان که نشان می دهد ما که هستیم.	مکان	مکان
Schreyer et al., 1981; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003.	به پیوندهای عملکردی با یک قرارگاه اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک قرارگاه فیزیکی شرایطی را برای تأمین اهداف فراهم می آورد.	وابستگی مکانی	مکان

۱۰. Comparison Level (CL)

۱۱. Comparison Level of Alternatives (CLalt)

۱۲. Subjective Feelings

۱۳. Meta Analysis

ناچار باید از روشی استفاده کرد که با به‌کارگیری الگوی علمی رایج این وظیفه را انجام دهد. در این روش، که به نام فراتحلیل موسوم شده است، روش‌های مختلف اندازه‌گیری و آماری به کار برده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷). فراتحلیل به منظور کشف روابط جدید میان تعداد زیادی از پژوهش‌هایی که قبلاً انجام شده‌اند و ترکیب یافته‌های آنها، از تکنیک‌های دقیق ریاضی و آمار استفاده می‌کند (ازکیا، ۱۳۸۵، ص ۲). آماردانان و روش‌شناسان، روش‌های گوناگونی را جهت انجام فراتحلیل مورد استفاده قرار داده‌اند، که در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان آن را در سه دسته تقسیم‌بندی نمود: رویکرد عوامل بحرانی، رویکرد بی‌زین، رویکرد ترکیب نتایج (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۲۸۹). ولف (۱۹۸۶) معتقد است که در میان روش‌های فوق، رویکرد ترکیب نتایج، به دلیل آنکه از آزمون‌های آماری نیرومندتری جهت ترکیب کمی نتایج سود می‌برد، مقبولیت بیشتری یافته است. در حال حاضر یکی از اساسی‌ترین مفاهیم موجود در ادبیات فراتحلیل، مفهوم اندازه اثر^{۱۴} است. این مفهوم در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط کوهن معرفی شد. اندازه اثر نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور پدیده در جامعه است و هرچه اندازه اثر بزرگتر باشد، درجه حضور پدیده هم بیشتر است (ازکیا، ۱۳۸۵، ص ۵). اندازه اثر، از طریق استاندارد ساختن یافته‌های مطالعات مختلف، آنها را به گونه‌ای مستقیم، قابل مقایسه می‌سازد (هومن، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

به منظور بررسی هدف اصلی تحقیق، مقالات علمی و پژوهشی فارسی و انگلیسی منتشر شده، بدون اعمال محدودیت مکانی، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. جستجوی الکترونیکی در مجلات نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی: Taylor & Francis، Science Direct، Proquest، Magiran، Sid با کلیدواژه‌های: دل‌بستگی به مکان و Place attachment انجام شد. از مجموع ۴۹ مقاله اولیه، ۳ پژوهش نظری، ۷ پژوهش کیفی و ۳۹ پژوهش کمی بودند که در نهایت ۱۸ تا سنجه‌های هویت مکانی و وابستگی مکانی- مؤلفه‌های شخصی دل‌بستگی به مکان- و ۹ تا سنجه‌های علائق مکانی و پیوند اجتماعی با مکان را در ارزیابی دل‌بستگی به مکان مد نظر داشته‌اند.

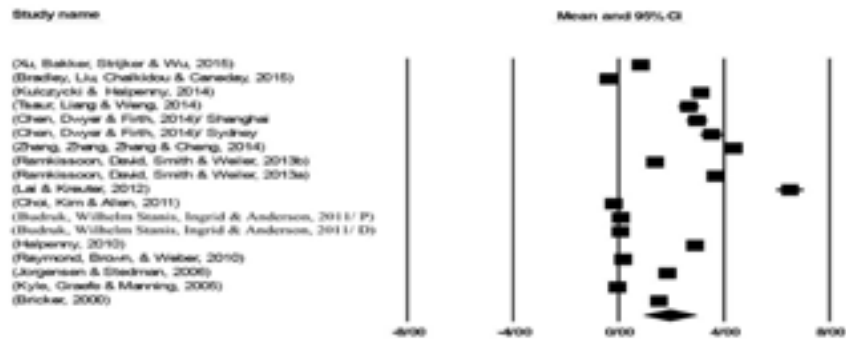
جدول ۲. دسته‌بندی مقالات در زمینه دل‌بستگی به مکان

پژوهش نظری در حوزه دل‌بستگی به مکان از سال ۲۰۱۰ به بعد		پژوهش کیفی در حوزه دل‌بستگی به مکان از سال ۲۰۱۰ به بعد		پژوهش کمی در حوزه دل‌بستگی به مکان از سال ۲۰۱۰ به بعد	
فارسی	انگلیسی	فارسی	انگلیسی	فارسی	انگلیسی
۱	۲	۰	۷	۱	۳۸
۳۹					
هویت مکانی		هویت مکانی		۱۸	
وابستگی مکانی		وابستگی مکانی		۱۸	
علائق مکانی		علائق مکانی		۹	
پیوند اجتماعی با مکان		پیوند اجتماعی با مکان		۹	

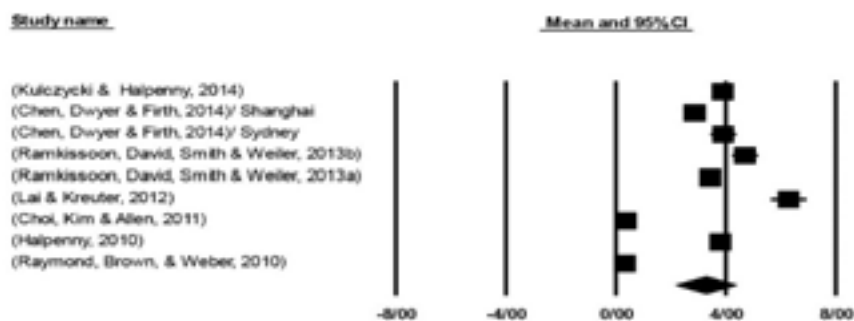
برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل از نرم افزار Comprehensive Meta Analysis V2 بهره گرفته شده است. با استفاده از نرم افزار CMA ناهمگونی میان پژوهش‌ها با آزمون Q کوکران بررسی شد و با توجه به نتیجه آن از مدل تصادفی برای استخراج اثر متوسط^{۱۵} بهره گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

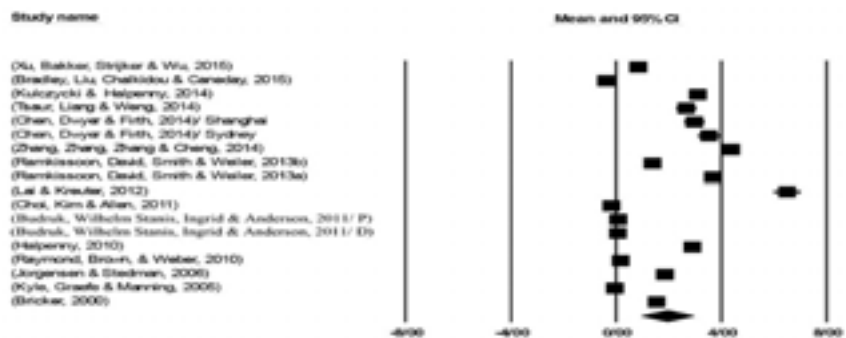
مشخصات پژوهش‌های مورد استفاده در فراتحلیل، حجم نمونه، آماره مورد استفاده آنها و سنجه‌هایی که هریک در ارزیابی دل‌بستگی به مکان مد نظر داشته‌اند. به منظور نمایش گرافیکی داده‌ها از نمودارهای انباشت^{۱۶} استفاده شده است. در این نمودار، شکل لوزی مربوط به اثر متوسط می‌باشد که براساس ترکیب نتایج پژوهش‌ها حاصل شده است.



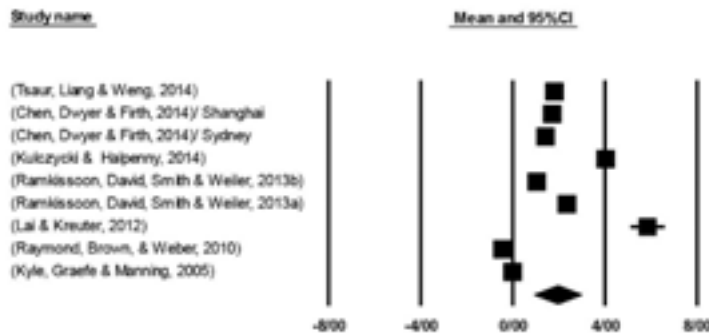
نمودار ۱. نمودار انباشت سنجه «هویت مکانی» در ارزیابی سازه «دل‌بستگی به مکان» با دامنه اطمینان ۹۵ درصد



نمودار ۲. نمودار انباشت سنجه «علاقه مکانی» در ارزیابی سازه «دل‌بستگی به مکان» با دامنه اطمینان ۹۵ درصد



نمودار ۳. نمودار انباشت سنجه «وابستگی مکانی» در ارزیابی سازه «دل‌بستگی به مکان» با دامنه اطمینان ۹۵ درصد



نمودار ۴. نمودار انباشت سنج «پیوند اجتماعی با مکان» در ارزیابی سازه «دلبستگی به مکان» با دامنه اطمینان ۹۵ درصد

با توجه به جدول شماره ۴، اثر متوسط هریک از سنج‌ها مشخص گردیده است که در واقع از نقطه همرسی قطرهای لوزی در نمودار انباشت به دست آمده است. کران بالا و پایین، دو سر قطر بزرگ لوزی در نمودار انباشت می‌باشند. براساس نتایج به دست آمده «علائق مکانی» بیشترین و «وابستگی به مکان» و «پیوند اجتماعی با مکان» به ترتیب کمترین تأثیر را در ارزیابی دلبستگی به مکان داشته است. این نتایج تعریف تئوریک دلبستگی به مکان به عنوان پیوند عاطفی فرد با قرارگاه را نیز تأیید می‌کند.

جدول ۴. اثر متوسط هر یک از سنج‌ها

اثر متوسط در فاصله اطمینان ۰/۹۵				
کران پایین	کران بالا	اثر متوسط	فراوانی مطالعه	متغیرها
۱/۳۶۲	۳/۳۵۵	۲/۳۵۹	۱۸	رابطه هویت مکانی بر دلبستگی به مکان
۰/۹۷۰	۲/۹۲۰	۱/۹۴۵	۱۸	رابطه وابستگی مکانی بر دلبستگی به مکان
۲/۱۷۷	۴/۳۶۰	۳/۲۶۸	۹	رابطه علائق مکانی بر دلبستگی به مکان
۰/۹۲۲	۲/۹۷۵	۱/۹۴۸	۹	رابطه پیوند اجتماعی با مکان بر دلبستگی به مکان

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

ارزیابی این مفهوم و با پذیرش تعریف دوم از دلبستگی به مکان که آن را ظرف مفاهیم و سنج‌هایی از جمله «هویت مکانی»، «وابستگی مکانی»، «علائق مکانی» و «پیوند اجتماعی با مکان» می‌داند، با استفاده از ترکیب نتایج مقالات، به این نتیجه رسید که «علائق مکانی» بیشترین تأثیر و «وابستگی به مکان» که به پیوندهای عملکردی و هدف محور با یک قرارگاه اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک قرارگاه فیزیکی شرایطی را برای تأمین اهداف فراهم می‌آورد و «پیوند اجتماعی با مکان» به ترتیب، کمترین تأثیر را در ارزیابی سازه دلبستگی به مکان، ایفا می‌کنند. این امر، مؤید تعریف دلبستگی به مکان به عنوان پیوند عاطفی مثبت فرد با قرارگاه می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهند که

با مرور ادبیات نظری موجود در ارتباط با پیوند عاطفی بین فرد و قرارگاه، اینطور به دست آمد که «دلبستگی به مکان» از سایر مفاهیم پرکاربردتر است. فراوانی استعمال این مفهوم، به تنوع تعاریف از آن انجامیده است بطوریکه برخی آن را زیرمجموعه «حس مکان» در نظر می‌گیرند و برخی نیز آن را سطح ارتقا یافته حس مکان قلمداد می‌کنند. این امر می‌تواند موجب سردرگمی پژوهشگران باشد، بطوریکه در برخی از پژوهش‌های اخیر از پژوهشگران تازه‌کار خواسته شده است تا به گویه‌های استاندارد ارائه شده در پژوهش‌های قدیمی وفادار باشند و به این تنوع دامن نزنند. پژوهش حاضر با هدف

منابع و مأخذ

«هویت مکانی» به عنوان سنجهای که به شناسایی شدن توسط مکان، می‌انجامد در درجه دوم اهمیت قرار دارد. نتایج این پژوهش، نقص مدل دو سطحی که شامل دو سنج «هویت مکانی» و «وابستگی مکانی» می‌باشد و بر جنبه شخصی دلبستگی به مکان تأکید دارد را بیش از پیش آشکار می‌کند و لزوم پرداختن به جنبه‌های محیطی و اجتماعی را در ارزیابی «دلبستگی به مکان» یادآور می‌گردد.

۱. ازکیا، مصطفی و محمود توکلی (۱۳۸۵)، «فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان های آموزشی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، ۲۶-۱.
۲. دلاور، علی، (۱۳۸۰)، «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران، رشد.
۳. هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۷)، «راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی»، تهران، سمت.
4. Alexander, Laura A. (2008), Meaning of Place: Exploring long-term resident's attachment to the physical environmental in Northern New Hampshire, Antioch University New England.
5. Altman, Irwin and Setha M. Low (ed.) (1992), Place Attachment, Plenum Press, New York.
6. Billig, Miriam (2006) Is my home my castle? Place attachment, risk perception, and religious faith, Environment and Behavior, 38, 248–265.
7. Bradley, Michael J., Hungling Liu, Tatiana Chalkidou and Lowell Caneday (2015), Identifying Differences of Environmental Ethics and Place Attachment Among Visitors and Managers at State Parks, Visitor Studies, 18 (1) , 64- 82.
8. Bricker, Kelly S., and Deborah L. Kerstetter (2000), "Level of specialization and place attachment: an exploratory study of whitewater recreationists, Leisure Sciences, 22, 233-257.
9. Brown, Barbara, Douglas D. Perkins and Graham Brown (2003),

- the psychology of place, *American Journal of Psychiatry*, 153, 1516–1523.
17. Giuliani, M. Vittoria, Fiorenza Ferrara and Silvia Barabotti (2003), One attachment or more?, Ashland, OH: Hogrefe & Huber.
 18. Gustafson, Per (2001), Roots and routes: exploring the relationship between place attachment and mobility, *Environment and Behavior*, 33, 667–686.
 19. Halpenny, Elizabeth A. (2010), Pro-environmental behaviors and park visitors: the effect of place attachment", *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 409-421.
 20. Hammitt, William E., Erik A. Backlund and Robert D. Bixler (2006), Place bonding for recreational places: Conceptual and empirical development, *Leisure Studies*, 25(1), 17–41.
 21. Hammitt, William E., Gerard T. Kyle and Chi-Ok Oh (2009), Comparison of place bonding models in recreation resource management, *Journal of Leisure Research*, 41(1), 57–72.
 22. Hunter, Albert (1974), *Symbolic communities: The persistence and change of Chicago's local communities*, University of Chicago Press.
 23. Jorgensen, B., & Stedman, R. (2001), Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties, *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 233-248.
 24. Jorgensen, Bradley S. and Richard C. Stedman (2006), A comparative analysis of predictors of sense of Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis, *Journal of Environmental Psychology*, 23, 259-271.
 10. Brown, Gregory and Christopher Raymond (2007), The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment, *Applied Geography*, 27(2), 89-111.
 11. Budruk, Megha, Sonja A. Wilhelm Stanis, Ingrid E. Schneider and Dorothy H. Anderson, (2011), Differentiating Place Attachment Dimensions Among Proximate and Distant Visitors to Two Water-Based Recreation Areas, *Society & Natural Resources*, 24(9), 917-932.
 12. Chen, Ning, Larry Dwyer and Tracey Firth (2014), Effect of dimensions of place attachment on residents' word-of-mouth behavior, *Tourism Geographies*, 16, 826-843.
 13. Cross, Jeniffer E. (2001), What is Sense of Place? 12th Headwaters Conference, November 2–4, Western State College.
 14. Cuba, Lee and David M. Hummon (1993), A place to call home: Identification with dwelling, community and region, *The Sociological Quarterly*, 34, 111-131.
 15. Fried, Marc (1963), Grieving for a lost home, In L. J. Duhl (Ed.), *The urban condition: People and policy in the metropolis* (pp. 124–152). New York: Simon & Schuster.
 16. Fullilove, Mindey Thompson (1996), *Psychiatric implications of displacement: contributions from*



31. Moore, Roger L. and Alan R. Graefe (1994), Attachments to recreation settings, *Leisure Sciences*, 16, 17–31.
32. Ng, Cheuk Fan (1998), Canada as a new place: the immigrant's experience, *Journal of Environmental Psychology*, 18, 55–67.
33. Pretty, Grace H., Heather M. Chipuer and Paul Bramston (2003), Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity, *Journal of Environmental Psychology*, 23(3), 273-287.
34. Proshansky, Harold M., Abbe K. Fabian and Rober Kaminoff (1983), Place-identity: Physical world socialization of the self, *Journal of Environmental Psychology*, 3 57-83(1)..
35. Ramkissoon, Haywantee, Betty Weiler and Liam David Graham Smith (2011), Place attachment and pro-environmental behavior in national parks: the development of a conceptual framework, *Journal of Sustainable Tourism*.
36. Ramkissoon, Haywantee, Liam David Graham Smith and Betty Weiler (2013a), Relationships between place attachment, place satisfaction and pro-environmental behavior in an Australian national park, *Journal of Sustainable Tourism*, 21(3): 434- 457.
37. Ramkissoon, Haywantee, Liam David Graham Smith and Betty Weiler (2013b), Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction place dimensions: Attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties, *Journal of Environmental Management*, 79(3), 316-327.
25. Kulczycki, Corry and Elizabeth A. Halpenny (2014), Sport cycling tourists' setting preferences, appraisals and attachments, *Journal of Sport & Tourism*, 19 (2) , 169-197.
26. Kyle, Gerard T., Alan Graefe and Robert Manning (2005), Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings, *Environment and Behavior*, 37, 153–177.
27. Kyle, Gerard T., Andrew J. Mowen and Michael Tarrant (2004), Linking place preferences with place meaning: an examination of the relationship between place motivation and place attachment, *Journal of Environmental Psychology*, 24, 439-454.
28. Lai, Po-Hsin and Urs P. Kreuter (2012), Examining the direct and indirect effects of environmental change and place attachment on land management decisions in the Hill Country of Texas, USA, *Landscape and Urban Planning*. 104(3-4):320-328.
29. Lewicka, Maria (2010), What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment, *Journal of Environmental Psychology*, 30, 35-51.
30. McEwen, John W. (2014), Sense of Place, Place Attachment, and Rootedness in Four West Baton Rouge Parish, Louisiana Bars. Florida State University.

45. Shumaker, Sally A. and Ralph B. Taylor (1983), Toward a clarification of people-place relationships: A model of attachment to place, In E. S. Feimer & E. S. Geller (Eds.), *Environmental psychology: Directions and perspectives* (pp. 219-251). New York: Praeger.
46. Sook Choi, Byung, Suck-kyung Kim and April Allen (2011), Place Attachment to Home Environments: Focusing on U.S. and Korean College Students, *Housing and Society*. 38(2): 169- 190.
47. Stokols, Daniel and Sally A. Shumacker (1981), People in places: a transactional view of settings. In John H. Harvey (Ed.), *Cognition, social behavior, and the environment* (pp. 441-448). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
48. Tanner, Bronwyn, Cheryl Tilse and Desleigh Jonge (2008), "Restoring and Sustaining Home: The Impact of Home Modifications on the Meaning of Home for Older People, *Journal of Housing For the Elderly*, 22(3), 195-215.
49. Tsaur, Sheng-Hshiang, Ying-Wen Liang and Szu-Chun Weng (2014). Recreationist-environment fit and place attachment, *Journal of Environmental Psychology*, 40, 421-429.
50. Tuan, Yi-Fu (1974), "Topophilia: A Study of Environmental Perception. Attitudes and Values", Englewood Cliffs, Nj: Prentice Hall.
51. Tuan, Yi-Fu (1976), Geopietty: A theme in man's attachment to nature and place, In D. Lowenthal & M. Bowden (Eds.), *Geographies of the mind: Essays in historical geosophy in honor of John Kirland and pro-environmental behaviours: A structural equation modelling approach*, *Tourism Management*, 36.
38. Raymond, Christopher M., Gregory Brown and Delene Weber (2010), The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections, *Journal of Environmental Psychology*, 30,: 422-434.
39. Ryden, Kent C. (1993), "Mapping the invisible landscape: Folklore, writing, and the sense of place", Iowa City: University of Iowa Press.
40. Sack, Robert David (1992), *Place, Modernity, and the Consumer's World*, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
41. Scannell, Leila and Robert Gifford (2010a), Defining place attachment: A tripartite organizing framework, *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1-10.
42. Scannell, Leila and Robert Gifford (2010b), The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior, *Journal of Environmental Psychology*, 30(3), 289-297.
43. Schreyer, Richard, G. R. Jacob, Robert G. White, J. W. Frazier and B. J. Bepstein (1981), Environmental meaning as a determinant of spatial behavior in recreation, In R. Schreyer, G. Jacob, & R. White (Eds.), *Proceedings of the applied geography conferences*, Vol. 4 (pp. 294-300). Binghamton, NY: SUNY Binghamton.
44. Shamai, Shmuel (1991), Sense of place: An empirical measurement, *Geoforum*, 22(3), 347-358.



Jeji Zhang and Shaowen Cheng (2014), Predicting residents' pro-environmental behaviors at tourist sites: The role of awareness of disaster's consequences, values, and place attachment, *Journal of Environmental Psychology*, 40, 131- 146.

Wright (pp. 11-39). Oxford, England: Oxford University Press.

52. Vaske, Jerry J. and Katherine C. Kobrin (2001), Place attachment and environmentally responsible behavior, *Journal of Environmental Education*, 32(4), 16-21.
53. Walker, Amanda J. and Robert L. Ryan (2008), Place attachment and landscape preservation in rural New England: a Maine case study, *Landscape and Urban Planning*, 86(2), 141-152.
54. Williams, Daniel R., Michael E. Patterson, Joseph W. Roggenbuck and Alan E. Watson, (1992), Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place, *Leisure Science*, 14, 29-46.
55. Williams, Daniel R. and Susan I. Stewart (1998), Sense of place, *Journal of Forestry*, 98, 18-23.
56. Williams, Daniel R. and Jerry J. Vaske (2003), The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach, *Forest Science*, 49(6), 830-840.
57. Woldoff, Rachael A. (2002), The effects of local stressors on neighborhood attachment, *Social Forces*, 81, 87-116.
58. Xu, Mengjie, Marien de Bakker, Dirk Strijker and Hongmei Wu (2015), Effects of distance from home to campus on undergraduate place attachment and university experience in China, *Journal of Environmental Psychology*, 43, 95- 104.
59. Zhang, Yuling, Hong-Lei Zhang,



بررسی لرزه زمین ساخت و خطر زمین لرزه در ساختمان های شهر تهران به روش احتمالاتی

شهاب فهیم دانش - دانشجوی دکتری زمین شناسی مهندسی، پردیس بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

ناصر حافظی مقدس* - استاد گروه زمین شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

حسین صادقی - دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

محمد غفوری - دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

تهران به عنوان مرکز سیاسی و اداری کشور، تمرکز فعالیتهای اقتصادی و صنعتی، تراکم و تمرکز بالای جمعیت، تراکم و تمرکز بالای جمعیت، دسترسی به شبکه حمل و نقل و راههای ارتباطی (مرکز تلاقی خطوط راه آهن، جاده های و هوایی)، تمرکز موسسات مالی و اعتباری و بانکی یکی از مهمترین استانهای کشور میباشد. گستره تهران که در کوهپایه جنوبی کوه های البرز مرکزی قرار گرفته یکی از لرزه خیزترین مناطق ایران محسوب می شود. فعالیت لرزه خیزی تهران و نواحی مجاور به دلیل چین خوردگی های البرز و گسل های موجود در این گستره می باشد. مطالعه حاضر، بر اساس اطلاعات موجود از چشمه ها، زلزله ها و پارامترهای لرزه خیزی مربوط به چشمه ها انجام شده است و بدیهی است که با وجود اطلاعات گسترده تر و وارد کردن داده های دقیقتر دستگاهی، شکل پهنه بندی لرزه ای تهران می تواند تغییر کند. در آخر با توجه به تعداد بسیار زیاد گسل ها در سطح تهران و سوابق تاریخی فعالیت این گسل ها به این نکته که روزی نه چندان دور تهران با زلزله عظیم مواجه خواهد شد پی می بریم.

واژگان کلیدی: تهران، زلزله، احتمالاتی، زمین.

Investigation of earthquake and earthquake hazard in buildings of Tehran city in a probabilistic way

Abstract

Tehran as the political and administrative center of the country, the concentration of economic and industrial activities, the concentration and concentration of the population, the density and concentration of the population, access to the transportation network and communication routes (the center of the crossroads of railways, roads E & A), the focus of financial, credit and banking institutions is one of the most important provinces in the country. The area of Tehran, located in the southern foothills of the central Alborz Mountains, is considered one of the most viable areas in Iran. Seismic activity of Tehran and adjacent areas due to Alborz folding and faults in this range. The present study is based on available sources of springs, earthquakes and seismic parameters related to springs. It is evident that, with more extensive information and more precise mechanical data inputs, Tehran's seismic zoning pattern can change. slow. Finally, due to the large number of faults in Tehran and the historical records of the activity of these faults, we will find that there will be a massive earthquake in Tehran not far away.

Key words: Tehran, earthquake, probabilistic, earth.

مقدمه

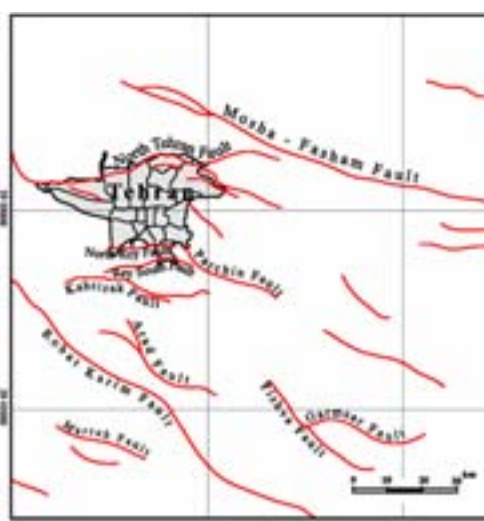
تهران مرکزیت سیاسی و اداری کشور، تمرکز فعالیتهای اقتصادی و صنعتی، تراکم و تمرکز بالای جمعیت، تراکم و تمرکز بالای جمعیت، دسترسی به شبکه‌های حمل و نقل و راه‌های ارتباطی (مرکز تلاقی خطوط راه‌آهن، جاده‌های و هوایی)، تمرکز موسسات مالی و اعتباری و بانکی یکی از مهمترین استانه‌های کشور میباشد (ملک‌محمودی و همکاران، ۱۳۹۱) و (پورمحمد، ۱۳۹۳). و با تکیه بر مطالعات پژوهشی دقیق و مطالعات زمینشناسی به عنوان بستر این شهر و مخاطرات و خطرهای بسیار زیادی منجمله زلزله، زمین لغزش، فرونشست و غیره همواره تهران باید مورد بررسی قرار گیرد. انجام تحقیقات دقیق در موضوعات فوق‌الذکر به لحاظ انقسام شهر تهران و وجود نواحی و مناطق مختلف از لحاظ زمینشناسی و وجود اختلافات ژئوفیزیکی و ژئومورفولوژیکی و ساختارهای زمینشناسی در شهر تهران لزوم انجام تحقیقی جامع در مورد مخاطرات زمینشناسی و زیر مجموعه‌های آن را دو چندان کرده است امبرسز با بررسی زلزله تاریخی و نیز زلزله‌های ثبت شده قرن بیستم اظهار می‌دارد که زلزله‌های بزرگ ایران عمدتاً در این مناطق پراکنده شده اند: خطی که از آذربایجان شروع شده و از البرز گذشته و به شمال خراسان میرسد. آنگاه به سمت جنوب رفته و از شرق کویر لوت تا شمال سیستان ادامه می‌یابد. باید توجه داشت که اکثر زلزله‌های ویرانگر مانند بوئین زهرا، فردوس، دشت بیاض، طبس و منجیل در امتداد همین مناطق رخ داده است.

موقعیت و ویژگی لرزه خیزی

گستره تهران که در کوهپایه جنوبی کوه‌های البرز مرکزی قرار گرفته یکی از لرزه خیزترین مناطق ایران محسوب می‌شود. فعالیت لرزه خیزی تهران و نواحی مجاور به دلیل چین خوردگی‌های البرز و گسل‌های موجود در این گستره می‌باشد. این گسل‌ها چون مرز میان بلندی و دشت را تشکیل می‌دهند می‌توانند سازنده پستی بلندی‌های این منطقه باشند (آقانیاتی، ۱۳۸۸). مطالعه لرزه خیزی و برآورد خطر نیاز بسیاری به اطلاعات مربوط به زمین لرزه‌های ثبت شده در گستره

مورد نظر دارد. در تعیین پارامترهای لرزه خیزی و تخمین احتمال وقوع آنها تنها اطلاعات ثبت شده دستگاهی قرون ۲۰ و ۲۱ با توجه به کوتاه بودن این مدت (حدود ۱۰۰ سال) نمیتواند بیانگر وضعیت لرزه خیزی در زمان طولانی باشد. از طرف دیگر زمین لرزه‌های تاریخی دارای خطای زیادی بوده از این رو اطلاعات دقیق زمین لرزه‌های ثبت شده و گزارش شده توسط دستگاه‌های لرزه نگار الزامی است. در این مطالعه از نقشه ۱:۲۸۰۰۰۰ شهر تهران در ۵۱ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته‌است و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد بین ۱۸۰۰ متر در شمال تا ۱۲۰۰ متر در مرکز و ۱۰۵۰ متر در جنوب متغیر است. تهران در بین دو وادی کوه و کویر و در دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز گسترده شده‌است. شهر تهران از نظر زمین لرزه جزء مناطق پریزبان (۸ تا ۱۰ درجه مرکالی) به‌شمار می‌آید. گسل‌هایی که در تهران و حومه تا شعاع ۱۵۰ کیلومتری مرکز شهر قرار دارند، عبارتند از گسل مشاءبه طول ۹۰ کیلومتر، شمال تهران، ریه طول ۸ کیلومتر، طالقان، ایوانکی و ایپک که بررسی رفتار آنها حایز اهمیت است. در علم زلزله‌شناسی گسل‌هایی برای بشر خطرناک شناخته می‌شوند که حداقل ۱۰ کیلومتر طول داشته و جوان (فعال) هم باشند (گسل فعال گسلی است که در ده هزار سال گذشته حداقل سبب یک زمین لرزه شده باشد). گسل شمال تهران بزرگ‌ترین گسل شهر است که در جنوب دامنه رشته کوه البرز و در شمال شهر تهران قرار دارد. این گسل از لشکرک و سوهانک آغاز شده تا فرحزاد و حصارک و از آنجا به سمت غرب امتداد یافته است. این گسل در مسیر خود، نیاوران، تجریش، زعفرانیه، الهیه و فرمانیه را در بر می‌گیرد. گسل مهم دیگر گسل ری است که با توجه به مقاوم نبودن ساختمان‌های جنوب تهران در صورت فعال شدن بسیار پرتلفات خواهد بود. این گسل از جاده خاوران شروع شده و با گذر از دولت‌آباد و حرکت بر مسیر جاده کمربندی تهران در حد نصاب کوره‌های آجرپزی چهاردانگه به پایان می‌رسد. از نظر زلزله‌شناسی تاریخی، شهر تهران زلزله‌های بزرگی مانند زلزله ۷٫۱ ریشتری دماوند در ۱۸۳۰ م،

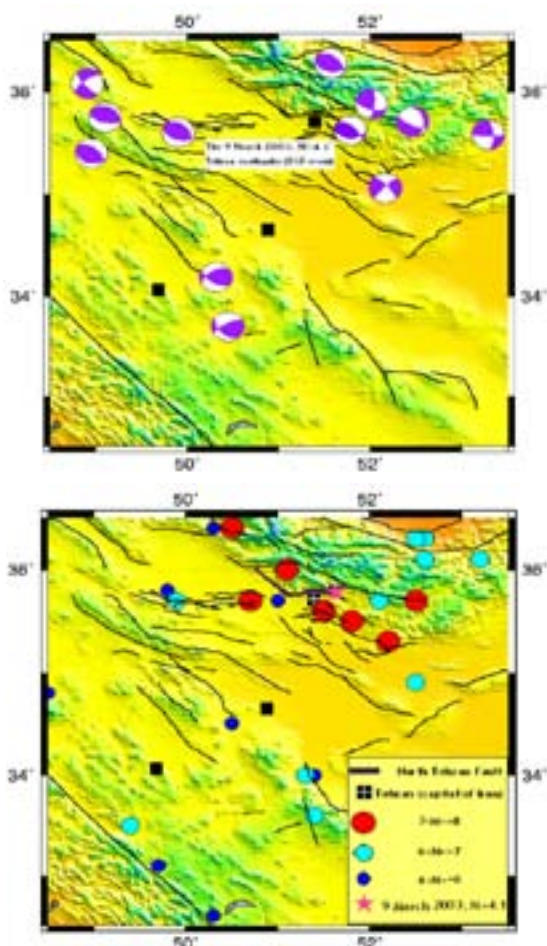
۷,۲ ریشتری کرج در ۱۱۱۷ م. ، ۷,۷ ریشتری طالقان در ۹۵۸ م. ، ۷,۱ ریشتری ری در ۸۵۵ م. و زلزله‌های ۷ ریشتر به بالای بسیار دیگری به خود دیده است. با احتمال بالای ۷۰٪، به طور میانگین هر ۱۵۸ سال زلزله‌ای مخرب در این شهر رخ داده و با توجه به این که از آخرین زلزله مخرب که زلزله ۷,۱ ریشتری دماوند در ۱۸۳۰ م. و به احتمال زیاد مربوط به گسل مشا، حدود ۱۷۸ سال می‌گذرد، احتمال وقوع لرزه‌ای بالای ۷ ریشتر در این ناحیه بسیار بالاست.



شکل ۱. نقشه گسل های تهران؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

کاتالوگ زمین لرزه‌ها

در تهیه کاتالوگ زمین لرزه های گستره مورد مطالعه با نگرش به شبکه های جهانی و سایت های مختلف گزارش دهنده زلزله زمین لرزه های رخ داده در منطقه تعیین شده، استفاده شده است. این کاتالوگ شامل تمامی زمین لرزه های ثبت شده توسط مراجع معتبر داخلی و خارجی می باشد. در شکل ۲ مکانیزم حرکت گسل های منطقه و زلزله های تاریخی ثبت شده قابل مشاهده می باشد.



شکل ۲. مکانیزم حرکت گسل های منطقه و زلزله های تاریخی ثبت شده در منطقه؛ ماخذ: نگارندگان.

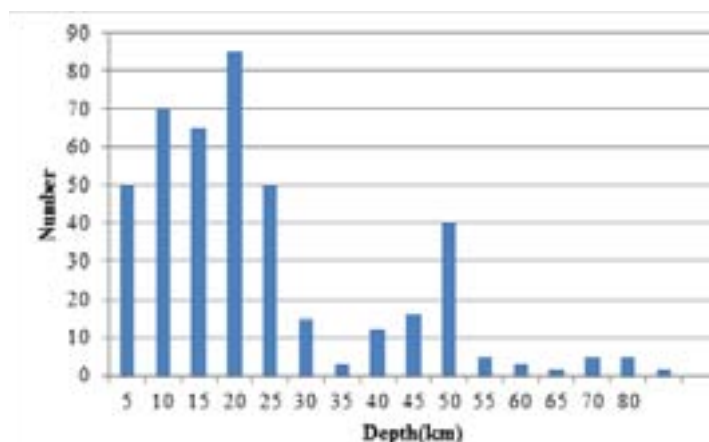
برآورد خطر زمین لرزه در ساختگاه

پس از انتخاب یک رابطه تضعیف مناسب نوبت به انجام برآورد خطر در گستره مورد مطالعه می رسد. در صورتی که انجام مطالعات برآورد خطر زمین لرزه برای یک ساختگاه که موقعیت آن به صورت یک نقطه با طول و عرض جغرافیائی مشخص بیان می شود انجام شود. برآورد خطر زمین لرزه برای آن ساختگاه به صورت منحنی خطر لرزه‌های که نشان دهنده بیشینه شتاب جنبش زمین در مقابل احتمال وقوع سالانه بدست خواهد آمد. برای تهیه فایل ورودی این برنامه لازم است که یک رابطه تضعیف مناسب در نظر گرفته شود. مرحله دوم وارد کردن تمام مشخصات چشمه ها در فایل ورودی است که این مشخصات شامل طول و عرض جغرافیائی

گوشه های چشمه پهنه ای و مختصات دو راس هریک از قطعات چشمه خطی. همچنین با توجه به زمین لرزه های موجود در چشمه مورد نظر لازم است که برای هر بازه بزرگی تعداد زمین لرزه روی داده در سال محاسبه شود که با استفاده از آن ضرایب لرزه خیزی برای آن چشمه به دست می آید. برای شبکه های از نقاط به فاصله ۰/۱ درجه طول و عرض جغرافیائی مقادیر شتاب افقی مورد انتظار از رویداد زمینلرزه در چشمه های بالقوه زمینلرزه های برای ۱۰٪ احتمال افزایش در ۵۰ سال که معمولاً در نقشه های پهنه بندی خطر زمین لرزه این سطح از خطر که در طراحی سازه ها مورد استفاده قرار می گیرد و همچنین برای ۱۰٪ احتمال افزایش در ۲۵۰ سال محاسبه شده و بر اساس آن نقشه پهنه بندی خطر زمینلرزه در گستره تهران تهیه و ترسیم می شود.

بررسی زلزله ها با توجه به پارامترهای موجود

با توجه به گزارشات بدست آمده از شبکه لرزه نگاری تهران از سال ۱۹۹۶ شروع بکار نموده و مطابق شکل ۳ فراوانی در ۴۳۰ زلزله به وقوع پیوسته بالاتر از ۴ ریشتر نسبت به عمق نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می کنید فراوانی زلزله هایی که عمقی کمتر از ۵۰ کیلومتر دارند بسیار زیاد می باشد.



شکل ۳. فراوانی زلزله های بوقوع پیوسته نسبت به عمق؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تعیین چشمه های لرزه ای

برای انجام تحلیل خطر لرزه ای، چشمه های لرزه ای به سه شکل نقطه ای، خطی و سطحی مدل سازی می شوند. در این مطالعه برای گستره شهر تهران تعداد ۴ چشمه نقطه ای، ۱۳ چشمه خطی و یک چشمه زمینه در نظر گرفته شده است.

تعیین زمین لرزه کنترلی

برای یک سایت با خطر لرزه ای نسبتاً کم، بزرگترین زمین لرزه محتمل در طول عمر مفید سازه ها به عنوان زمین لرزه کنترلی، انتخاب می گردد. در جدول زیر مشخصات چشمه ها ارائه گردیده است.

انتخاب مناسب‌ترین مدل از میان مدل‌های مختلف کاهیدگی جنبش نیرومند زمین، با توجه به معیارهایی چون فاصله از چشمه های لرزه زا، بزرگای زمینلرزه ها، ژرفای کانونی زمینلرزه های اصلی، نوع زمین محدوده طرح، ساز و کار چیره چشمه‌های لرزه‌زا و خطای استاندارد صورت می‌گیرد. از میان روابط معتبر موجود در نهایت سه رابطه کمپیل- بزرگ نیا (۲۰۰۳) آمبرسیزو همکاران ۲۰۰۵ و زارع و همکاران ۲۰۰۴ انتخاب گردیدند. از مزایای این روابط می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- (الف) استفاده از داده های زمین لرزه های ایران به شرح زیر: مبرسیزو و همکاران: ۱. شتابنگاشت های زمین لرزه های طیس، منجیل، ماکو، زنجیران و آوج؛ ۲. کمپیل و بزرگنیا: شتابنگاشت های زمین لرزه های طیس و منجیل و ۳. زارع و همکاران: مجموعه داده‌های شتابنگاری ایران (با تفکیک زاگرس، ایران مرکزی و البرز)
- (ب) امکان محاسبه هر دو مؤلفه شتابهای افقی و قائم؛ به عنوان مقیاس بزرگا در روابط Mw
- (ج) در نظر گرفتن مقیاس مناسب بزرگای گشتاوری

در این پژوهش از رابطه کلی (۱) کمپیل و بزرگنیا، جهت تعیین حرکات زمین استفاده شده است. که در رابطه ۱ توابع مختلفی اندازه گیری می شوند، در فاز نخست این رابطه تابع بزرگا، در فاز دوم فاصله سایت تا مرکز زلزله، فاز سوم نوع گسل، فاز چهارم تابعی از نوع توده بالا رونده، فاز پنجم تابعی از شرایط سطحی سایت و فاز ششم تابعی از نوع رسوبات و عمق آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

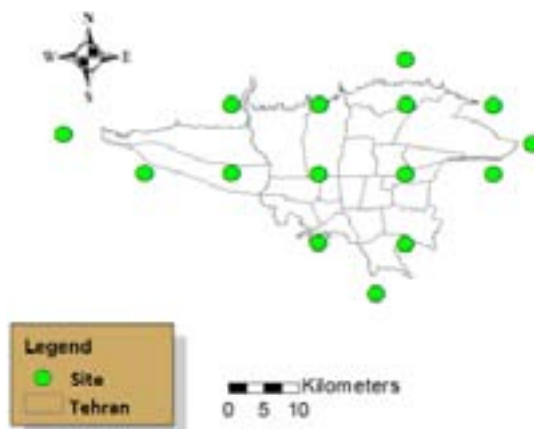
(۱)

فاز اول که شامل تابعی از بزرگای زلزله می باشد از رابطه ۲ بدست می آید:

Source	X	Y	M _{max}	M _{min}	b-Value	a-Value
1	52,25	28,88	7,2	2,5	-0,217	2,261
2	51,22	26,28	7,2	2,6	-0,285	2,225
3	52,12	26,28	7,2	2	-0,292	2,221
4	50,27	26,27	6,6			
5	50,51	26,25	6,6			
6	50,28	25,95	6,2			
7	50,29	26,09	6,2	2,8		
8	51,07	25,88	6,2	2,9		
9	51,28	25,9	7,5	2	-0,522	2,561
10	51,02	25,17	7,2		-0,227	2,087
11	52,29	25,66	7,5			
12	50,27	25,27	6,2		-0,288	2,934
13	50,22	25,26	6,2	2		
14	52,02	25,58	6,6		-0,205	1,794
15	52,21	25,22	7	2,2		
16	51,56	25,71	6,1		-0,201	2,249
17	50,22	26,11	6,2			

برآورد شتاب لرزه‌ای و تحلیل خطر

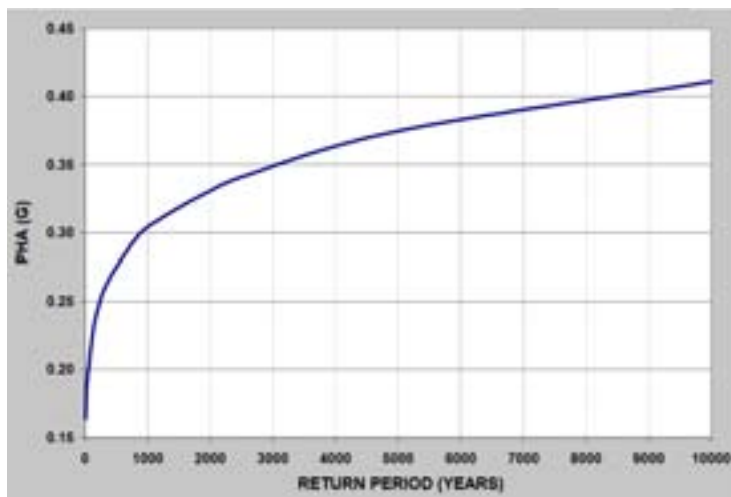
در این مرحله شتاب لرزه ای هر یک از چشمه ها را نسبت به سایت های مورد نظر که در محدوده شهر تهران انتخاب کردیم بدست می‌آوریم. برای اینکار ابتدا شهر تهران را با ابعاد ۱۰ کیلومتر در ۱۰ کیلومتر مشبندی کرده و فاصله مرکز هر یک از این مش‌ها را تا چشمه‌ها بدست می‌آوریم.



شکل ۴. مناطق ۲۲ گانه تهران و مراکز مش‌ها؛ ماخذ: نگارندگان.

برای دوره های بازگشت متفاوت مشاهده می شود.

(۲)



فاز دوم که به بررسی فاصله سایت تا مرکز زلزله می پردازد از رابطه ۳ بدست خواهد آمد.

(۳)

در فاز سوم نوع گسل بررسی می شود که در رابطه ۴ و ۵ می توان تابع مربوط به آنرا مشاهده نمود:

(۴)

(۵)

شکل ۵. میانگین بیشینه شتاب افقی و برای دوره های بازگشت متفاوت؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

فاز چهارم به نوع توده بالا رونده و شکست ناشی از گسل می پردازد که تابع مربوط به این فاز در رابطه ۶ تا ۹ آمده است.

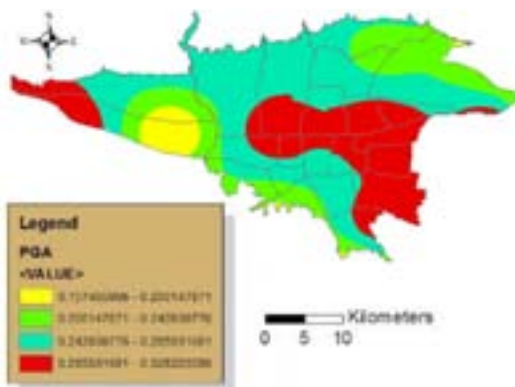
(۶)

(۷)

(۸)

(۹)

پس از بدست آوردن شتاب چشمه ها نسبت به سایت های مختلف برای تمام سایت ها شتاب میانگین بدست می آوریم و شهر تهران را نسبت به این شتاب پهنه بندی می کنیم.



در فاز پنجم شرایط سطحی از طریق سرعت موج برشی و قراردادن در رابطه ۱۰ قابل محاسبه خواهد بود.

(۱۰)

در فاز ششم تاثیرات و لایه بندی های خاک در اعماق سطحی و نوع رسوب گذاری در حوضه ها بررسی می گردد رابطه ۱۱ جهت بررسی این تاثیرات می باشد.

(۱۱)

لازم به توضیح است در رابطه ۱، ۲ میانگین دو مولفه افقی حداکثر شتاب حداکثر زمین (g,PGA) حداکثر سرعت زمین (PGV)، و یا طیف پاسخ شتاب با میرایی ۵ درصد و همچنین میزان خطاهای مختلف می باشد. در شکل ۵ میانگین بیشینه شتاب افقی و

شکل ۶ نقشه پهنه بندی خطر زلزله در شهر تهران؛ ماخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری و جمع بندی

منابع و مأخذ

۱. مرکز لرزه نگاری کشور، موسسه ژئوفیزیک، دانشگاه تهران
۲. آیین نامه طرح ساختمانها در برابر زلزله (۱۳۸۴) مجموعه آیین نامه های ساختمانی ایران، شماره استاندارد ۲۸۰۰ زلزله ویرایش سوم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۳. کمیته دائمی بازنگری آییننامه طراحی ساختمانها در برابر زلزله، (۱۳۸۴) آییننامه طراحی ساختمانها در برابر زلزله، مرکز تهران، ویرایش، (BHRC) تحقیقات ساختمان و مسکن سوم.
4. New York City Natural Hazard Mitigation Plan) March .(2009 Section III :Natural Hazard Risk Assessment, 167-179.
5. Snoussi, M.; Ouchani, T.; Niazi, S. (2008). Vulnerability assessment of the impact of sea-level rise and flooding on the Moroccan coast: The case of the Mediterranean eastern zone. *Journal of Estuarine, Coastal and Shelf Science*. 77, 206-213.
6. Banergeet, A., 1980, Earth quakes, urban scale vulnerability and city design, some observations, school of urban and regional planning, university of southern California.
7. Fathi, A., and Saharkhiz, N., 2014. Climate and Passive Defense Role in Shaping Sustainable Architecture, Review samples (Nosh Abad, Kashan, Iran and Derinkuyu, Turkey Hand carving Architecture). *Current Trends in Technology and Science*. 98-103 Pp.
8. Hays, W.W., and Kitzmiller, C., 1988. A review of earthquake research application in the national
- مطالعه حاضر، بر اساس اطلاعات موجود از چشمه ها، زلزله ها و پارامترهای لرزه خیزی مربوط به چشمه ها انجام شده است و بدیهی است که با وجود اطلاعات گسترده تر و وارد کردن داده های دقیقتر دستگاهی، شکل پهنه بندی لرزه های تهران میتواند تغییر کند. در سال های مختلف مشخص شد که در دهه های اخیر تعداد زلزله ها و همچنین b-value با بدست آوردن بزرگی آنها افزایش یافته است. در آخر با توجه به تعداد بسیار زیاد گسلها در سطح تهران و سوابق تاریخی فعالیت این گسلها به این نکته که روزی نه چندان دور تهران با زلزله عظیم مواجه خواهد شد پی می بریم.

eration and acceleration response spectra”, Bulletin of the Seismological Society of America, Vol.93, No.1, pp.314-331.

16. Ambraseys M M, Melville C P. 1982. A History of Persian Earthquakes [M]. London: Cambridge University Press
9. Middelmann, M.H., (Editor) 2007. Natural Hazards in Australia Identifying Risk Analysis Requirements. Geoscience Australia, Canberra. 206 Pp.
10. Natural Resource Report, 2009. Gettysburg National Military Park and Eisenhower National Historic Site Geologic Resources Inventory Report. Natural Resource Program Center. NPS/NRPC/GRD/NRR. 2009/083. P.O. Box 25287.
11. Sánchez, R., 2007, Civil Defense and Cultural Property, Francis and Taylor group, London.
12. Tyagi, A., Rhyner, J., and Migraine, J.B., 2009. Multi-hazard management perspectives on river basins Invited Session. International Disaster Reduction Conference. IDRC Davos, Switzerland, Program. 15:60 Pp.
13. Probabilistic seismic risk analysis in the Taiwan area based on PGA and spectral amplitude attenuation formulas Engineering Geology, Volume 30, Issues 3-4, June 1991, Pages 277-304
14. Berberian, M. & Yeats, R.S. (1999), “Patterns of historical earthquake rupture in the Iranian plateau”, Bulletin of the Seismological Society of America, Vol.89, No.1, pp.120-139
15. Campbell, K.W. & Bozorgnia, Y. (2003), “Updated near-source ground motion (attenuation) relations for the horizontal and vertical components of peak ground accel-



بررسی ابعاد مرور زمان در دعاوی مربوط به حمل و نقل زمینی (شهری و بین شهری)

عباس احمدی - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.
ابراهیم تقی زاده* - دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

در غالب کنوانسیون های بین المللی حمل و نقل و مقررات داخلی کشورها، به منظور حمایت از طرفین، مرور زمان کوتاه برای دعاوی ناشی از حمل و نقل مقرر شده است، به نحوی که حصول مرور زمان به عنوان یکی از علل معافیت از مسئولیت متصدی حمل تلقی می شود. موضوع این نوشتار، بررسی ابعاد مختلف مرور زمان در مقررات حمل و نقل زمینی (ریلی و جاده ای شهری و بین شهری) ایران و برخی از کنوانسیون های مهم بین المللی حمل و نقل ریلی و جاده ای کالا و مسافر، یعنی سی ام آر، سی وی آر، سی آی ام و سی آی وی می باشد. ابعادی نظیر قلمرو، مدت، نقطه شروع، تعلیق، انقطاع مرور زمان مورد توجه این نوشتار می باشد. نتایج بررسی ها نشان می دهد بین کنوانسیون های مورد بحث در خصوص مقررات مرور زمان تشابهات زیادی وجود دارد، و همچنین بین کنوانسیون های مذکور و حقوق ایران، علی رغم وجود برخی تفاوتها، به عنوان مثال مرور زمان صدمات بدنی ناشی از حمل مسافر، در مجموع می توان گفت، بین حقوق ایران و کنوانسیون های مذکور در مقررات مرور زمان حمل و نقل کالا (نه مسافر) وجوه اشتراک مناسبی وجود دارد.

واژگان کلیدی: متصدی حمل و نقل، حمل و نقل زمینی، مرور زمان، کالا، مسافر، شهری

The Investigation of the Dimensions of Lapse of Time in Claims Relevant to (Urban and inter-urban) Land Transportation

Abstract

In most of international carriage conventions and national regulations, in order to protect the parties, especially carrier, short period of time for actions arising out of carriage is determined, so that the attainment of lapse of time is considered as one of the causes of exemption from the liability of carrier. The issue of this writing is investigation of different dimensions of lapse of time in land carriage regulations (rail and road) of Iran and a number of the important international conventions on transport of goods and passenger by road and rail, namely; CMR, CVR, CIM and CIV. Dimensions such as scope, period of time, starting point, suspension, interruptions of lapse of time are regarded in this writing. The results of investigations show that great similarities exist among the discussed conventions, concerning the regulations of lapse of time. In addition, between the mentioned conventions and Iran's legal system, it can be mentioned that suitable similarities exist between Iran's legal system and the mentioned conventions in the regulations of prescription of goods carriage (not passenger carriage) in spite of a number of differences, such as, lapse of time of body injuries resulted from carriage of passenger.

Keywords: Carrier, Land Carriage, Lapse of Time, Goods, Passenger, Urban

به «مرور زمان» (of limitation; prescription) یا گذر زمان در فقه اسلامی «تقادم الزمان» می‌گویند. مرور زمان برابر ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن مدت دعوا شنیده نمی‌شود. مرور زمان مدنی، تجاری و کیفری، اصلی‌ترین انواع مرور زمان هستند. مقررات مرور زمان در آیین دادرسی کشور ما از قانون مدنی فرانسه اقتباس گردیده است (حاتمی، ۱۳۷۹، ص ۴۹-۴۸) و نهاد مزبور اصولاً مسأله ای حقوقی است و ماهیتاً از مباحث مهم آیین دادرسی مدنی است. امروزه، مرور زمان در ادبیات حقوقی جهان انسجام یافته و دارای عناصر و ارکانی شناخته شده است (شمس، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۵۶). تعریفی که از مرور زمان ارائه گردید، در واقع همان مفهومی است که به آن مرور زمان خاص گفته می‌شود. مراد از مرور زمان عام، هرگونه گذشت مهلت و موعدی است که شخص با سپری شدن آن حقی را از دست داده و یا واجد حقی از جمله اقامه دعوا می‌گردد. مرور زمان عام با مرور زمان خاص در ذات و ماهیت تفاوتی ندارند و تفاوت آن‌ها صرفاً در عموم و خصوص، نوعی و شخصی بودن و طول مدت خلاصه می‌شود (دیلمی، ۱۳۸۵، صص ۸۸-۸۴).

امروزه مرور زمان از ضروریات حقوق تجارت به شمار می‌آید (نوری و آخوندی، ۱۳۹۲: ۵۶) و عواملی از قبیل کاهش کار دستگاه قضایی، حمایت از متصدی حمل و گیرنده کالا، تثبیت روابط حقوقی، سرعت بخشیدن به حل و فصل اختلافات تجاری به عنوان مبانی مرور زمان تجاری ذکر شده است (دیلمی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰). به دلیل جایگاه مهمی که ایجاد اعتماد و سرعت در روابط تجاری دارد، به منظور تثبیت روابط تجاری اشخاص و انتقال با اطمینان سرمایه، اصولاً مدت مرور زمان تجاری کوتاه‌تر از مرور زمان مدنی است (همانجا). در دعاوی ناشی از قرارداد حمل که از موضوعات مهم حقوق تجارت محسوب می‌شود، برای جلوگیری از طولانی شدن اختلافات متصدی حمل و ارسال کننده کالا و صرفه

جویی در هزینه‌هایی از قبیل نگهداری اسناد (نوری و آخوندی، پیشین: ۵۷) مرور زمان کمتر از معمول مقرر شده است. از یک سو مقررات می‌خواهد از متصدی حمل که در زمان تصدی خود، با کالاهای زیادی سروکار دارد و تعهدات سختی بر عهده دارد در برابر شکایت‌هایی که ممکن است بعد از سالها مطرح شود حمایت کند. از سوی دیگر، این مقررات، مصلحت طرف مقابل را نیز در نظر گرفته است، چرا که مدت زمان کوتاه در خصوص بعضی دعاوی، ممکن است فرصت کافی بررسی کالا را به طرف مقابل ندهد، به عنوان نمونه، آثار بی‌مبالاتی متصدی حمل در تهیه اسناد گمرکی، شاید مدت‌ها بعد شناسایی بشود. لذا به منظور حمایت و رعایت عدالت، مرور زمان کوتاه به فرستنده و گیرنده کالا نیز اعطاء شده است (کلارک، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲). مرور زمان از لحاظ اقتصادی نیز به صرفه است. هرچه مدت مرور زمان کمتر باشد، دعاوی بیشتری مشمول مرور زمان می‌شود که در نتیجه آن هزینه‌های دادرسی متصدی حمل کاهش خواهد یافت، مرور زمان کوتاه همچنین در خواهان (گیرنده یا فرستنده کالا) این انگیزه را ایجاد می‌نماید که فوراً پس از ورود خسارت به کالا، اقدامات قانونی انجام دهد و در نتیجه به جهت انجام به موقع تحقیقات، هزینه رسیدگی قضایی به حداقل خواهد رسید (شلین، ۲۰۰۲، ص ۱۲) و علاوه بر این‌ها به کاهش احتمال خطا در تشخیص و قضاوت و رفع عدم اطمینان، جلوگیری از هزینه‌های احتمال مدام در معرض دعاوی بودن و کاهش هزینه ریسک قانونی (نوری و آخوندی، پیشین: ۴۸-۴۷ و ۵۸) و فصل خصومت کمک می‌کند.^۱ این نوشتار در صدد بررسی مرور زمان در دعاوی حمل و نقل زمینی در حقوق داخلی و برخی کنوانسیونهای بین‌المللی جاده‌ای و ریلی کالا و مسافر، یعنی کنوانسیونهای سی‌ام آر، سی‌وی آر، سی‌ای ام^۲ و سی‌ای وی^۳ می‌باشد. به این منظور، این مقاله در چند بخش به بررسی مسائل قلمرو، مدت، نقطه شروع، تعلیق و انقطاع مرور زمان در حقوق ایران و کنوانسیون‌های مذکور می‌پردازد:

۲. قلمرو مرور زمان

۲.۱. کنوانسیون‌ها

۲.۱.۱. سی ام آر: بند ۱ ماده ۳۲ «سی ام آر»، مرور زمانی یک ساله برای کلیه دعاوی ناشی از حمل تابع کنوانسیون مقرر نموده است، خواه منشاء اختلاف قرارداد باشد، خواه شبه قرارداد و خواه وظایف قانونی، خواه وظایف قراردادی^۷ (کلارک، پیشین: ۱۴۳؛ کار، ۲۰۱۰، ص ۳۹۸). بند مزبور هم در خصوص دعاوی اقامه شده توسط متصدی حمل و هم در دعاوی علیه او اعمال می شود. با توجه به قرار گرفتن ماده ۳۲ در فصل مربوط به متصدی حمل و اختصاص مقررات تعلیق مرور زمان به دعاوی علیه متصدی حمل (طبق بند ۲ ماده ۳۲) در قضیه آمستردام (۱۹۷۴) ادعا شد که ماده ۳۲ تنها در دعاوی علیه متصدی حمل قابل اعمال می باشد. اما با توجه به اینکه ماده ۳۲ در فصل مورد بحث با عنوان کلی «دعاوی و اقدامات قانونی» (Claims Actions and) آمده، این ادعا پذیرفتنی نیست. لذا مرور زمان یک ساله موضوع بند ۱ ماده هم نسبت به دعاوی اقامه شده توسط متصدی بر علیه فرستنده و گیرنده کالا و هم بر دعاوی ای که توسط ذینفع در قبال تلف، خسارت یا تأخیر بر علیه متصدی حمل اقامه می شود قابل اعمال است.

ساختار لفظی و نگارش ماده ۳۲ به گونه ای است که ممکن است موسّع توصیف شود. به عنوان مثال، اگر نتیجه بی مبالاتی وسیله نقلیه به یک عابر برخورد کند و عابر مصدوم شود، ممکن است دعاوی ناشی از حمل قلمداد شود. با وجود این، در برخی کشورها، مثل اتریش، دعاوی ماده ۳۲ به دعاوی مبتنی بر قرارداد حمل اشخاص ذیحق به طرح دعوا محدود شده است. اگرچه بند ۱ ماده ۱۷ سی ام آر، متصدی حمل را فقط در فاصله زمانی بین تحویل گرفتن کالا تا زمان تحویل دادن آن، مسئول خسارت دانسته است، ولی با توجه به هدف حمایت ماده ۳۲ از متصدی حمل، و اینکه یکی از شرایط اعمال ماده ۳۲ این است که اختلاف ناشی از حمل و نقل باشد، خواه اجرای قرارداد حمل شروع شده باشد یا خیر، باید گفت دایره شمول ماده ۳۲ وسیع تر است و شامل همه نوع دعاوی

ناشی از قرارداد حمل می شود^۸ (کلارک، پیشین، ص ۱۴۵) حتی اگر اجرای قرارداد هنوز آغاز نشده باشد، مثل، قصور متصدی حمل در تحویل کالا از انبار قبل از اجرای قرارداد حمل. تصمیمات دادگاههای برخی کشورهای عضو کنوانسیون، مثل اتریش و آلمان، در این خصوص متفاوت است^۹.

اگر به دلیلی، کنوانسیون بر قرارداد حمل حکومت نکند، مدت مرور زمان، بر اساس قانون ملی مناسب تعیین می گردد. مثل دعاوی بین فرورادر و فرستنده، دعاوی بین فرورادر و شخص ثالث، دعاوی اشخاصی مثل انباردار که وظایف فرعی در انجام حمل بر عهده دارند^{۱۰} (میسنت و گلس، پیشین: ۲۵۵-۲۵۴). بند ۴ ماده ۳۲ نیز ناظر بر دعاوی متصدیان حمل علیه یکدیگر می باشد.

۲.۱.۲. سایر کنوانسیون‌ها: بر اساس بند ۱ ماده ۴۸ مقررات ۱۹۹۹ «سی آی ام»، "مدت زمان اقامه دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل یک سال است". طبق این مقررات، دعاوی ای که مشمول مرور زمان می گردند صرفاً دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل می باشند، زیرا بر خلاف کنوانسیون سی ام آر که از عبارت «دعاوی ناشی از حمل کالا» استفاده نموده، قانونگذار در مقررات حاضر از عبارت «دعاوی ناشی از قرارداد حمل کالا» نموده و تنها برای دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل (نه دعاوی خارج از قرارداد)، مرور زمان تعیین نموده است (دهقاندار، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). دعاوی مبتنی بر قرارداد حمل به معنای بند ۱ ماده ۵۸، یعنی دعوی که ارتباط نزدیکی و واقعی با قرارداد حمل دارد و ناشی از آن یا مربوط به آن باشد. مقررات سی آی ام در خصوص دعاوی اقامه شده توسط متصدی حمل یا علیه او اعمال می گردد، هر چند که بند ۱ ماده ۴۸ مقررات ۱۹۹۹، در این خصوص سکوت کرده، ولی سکوت به این دلیل بوده که مقررات سی آی ام اشاره به چنین دعاوی را لازم ندانسته است (کلارک، پیشین، ص ۱۴۲). بنابراین مقررات مرور زمان سی آی ام نه تنها دعاوی علیه متصدی را شامل می شود، بلکه دعاوی از طرف متصدی حمل را هم شامل می شود. این نظر در یکی از آرائی که در همین زمینه از یکی از دادگاههای استرالیا در تاریخ

۲۶ آگوست ۲۰۰۴ صادر گردیده مورد قبول قرار گرفته است (بولتن، ۲۰۰۵، ص ۴۰).

ماده ۲۲ کنوانسیون «سی آی آر» راجع به مرور زمان است. طبق بند ۱ این ماده: «مهلت اقامه دعوی ناشی از فوت یا جراحت یا سایر صدمات بدنی یا روحی وارده به مسافر سه سال است» و نیز بر اساس بند ۲ آن: «مهلت اقامه دعوی ناشی از حمل مشمول این کنوانسیون به غیر از موارد اشاره شده در بند ۱ در تمامی موارد یک سال است». مقصود از عبارت «غیر موارد اشاره شده»، دعوی مربوط به توشه و بار همراه مسافر و تأخیر در حمل مسافر یا توشه می باشد. با توجه به استعمال عبارات «دعوی ناشی از فوت یا جراحت و سایر صدمات بدنی یا روحی وارده به مسافر» و «دعوی ناشی از حمل» به نظر می رسد، مقررات مرور زمان کنوانسیون هم شامل دعوی ناشی از قرارداد حمل و هم شامل دعوی خارج از قرارداد حمل می شود. اما در این باره که آیا ماده شامل دعوی توسط متصدی حمل می شود یا خیر باید قایل به تفکیک شد، با این بیان که بند ۱ (صدمات بدنی) به روشنی بر عدم شمول دعوی اقامه شده توسط متصدی حمل دلالت دارد، زیرا موضوع این بند دعوی ناشی از فوت و صدمات بدنی وارده به مسافر است و در خصوص این دعوی متصدی حمل نمی تواند خواهان تلقی شود. اما در خصوص دعوی موضوع بند ۲ (خسارات مالی)، با توجه به مشابهت عبارت «دعوی ناشی از حمل» استفاده شده در این کنوانسیون با کنوانسیون سی ام آر و عدم وجود رویه قضایی قابل توجه و منسجم در این خصوص، می توان راه حل پذیرفته شده در «سی ام آر» را در اینجا نیز مجری دانست.

در «سی آی وی» (۱۹۹۹) ماده ۶۰، در مورد صدمات بدنی وارده به مسافر، بیان می دارد: مهلت اقامه دعوا دعوی مطالبه خسارت مبتنی بر مسئولیت متصدی حمل در صورت فوت و صدمه شخصی به مسافر به قرار ذیل خواهد بود: الف- در مورد مسافر، سه سال پس از روز بعد از حادثه ب- در مورد سایر افراد ذیحق، سه سال از روز بعد از فوت مسافر، مشروط بر اینکه مهلت مزبور حداکثر

ظرف مدت پنج سال از بعد از روز وقوع حادثه باشد. دعوی مربوط به صدمات بدنی، صرفاً شامل دعوی علیه متصدی حمل می شود که مقتبس از ماده ۵۵ سی آی وی ۱۹۸۰ می باشد. همچنین در مورد خسارات مالی وارده به مسافر (خسارت وارده به توشه و تأخیر در حمل)، بند ۲ ماده مقرر می دارد: مهلت اقامه سایر دعوی ناشی از قرارداد حمل یک سال می باشد... این مقررات در خصوص دعوی مالی مثل مقررات سی آی ام از عبارت «دعوی ناشی از قرارداد حمل» استفاده و الگو برداری نموده (گزارش تفسیری سی آی وی، ۲۰۱۵، ص ۷۷) و از این نظر با مقررات سی آی ام یکسان است و به نظر می رسد، نظیر مقررات سی آی ام، صرفاً حاکم بر مرور زمان دعوی ناشی از قرارداد حمل (نه خارج از قرارداد حمل) بوده ولی بر دعوی اقامه شده توسط متصدی حمل نیز حکومت دارد.

۲.۲. حقوق ایران

در قانون تجارت ایران، ماده ۳۹۳ باب هشتم (باب قرارداد حمل و نقل) به مرور زمان دعوی حمل مربوط می شود. در این ماده آمده است: «نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است مبدء این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارت بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده». علی رغم دلالت ظاهر این ماده بر اعمال مرور زمان یک ساله صرفاً در دعوی علیه متصدی حمل (نه دعوی متصدی حمل علیه فرستنده کالا) و استثنائی بودن قواعد مرور زمان (به جهت مخالفت با قواعد موجد حق) و لزوم تفسیر محدود (کاتوزیان، ۱۳۳۵، ش ۴۷: ۹۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۱۰) باید گفت، با توجه به هدف قانونگذار از وضع قواعد مرور زمان که همانا حمایت از طرفین قرارداد حمل، از جمله متصدی حمل و تسریع حل و فصل اختلافات بین آنان می باشد، می توان شمول این ماده بر دعوی اقامه شده توسط متصدی حمل را نیز پذیرفت. کاربرد ماده ۳۹۳ در مواردی است که متصدی اصل تحویل را قبول داشته باشد. اما اگر در موردی تحویل

کالا اساساً مورد انکار متصدی باشد و تحویل آن به متصدی محرز نباشد، موضوع از شمول این ماده خارج است (رای شماره ۱۸۹۴-۱۳۲۹/۱۲/۱- شعبه ۶ دیوان؛ به نقل از دمیرچیلی و دیگران، پیشین: ۲۲۶). در حقوق ایران بر خلاف غالب کنوانسیون های بین المللی، فرستنده و گیرنده کالا، فقط حق طرح دعوا بر علیه متصدی حمل اصلی (طرف قرارداد) را داراست (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۸۸). و سایر متصدیان یا مباشرین حمل (متصدی حمل فرعی یا دست دوم مثل متصدی حمل متوالی یا جانشین)، متصدی حمل به معنای خاص به شمار نمی آیند (جویاری و گوارشکی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳).^{۱۱} خوشبختانه این اشکال در ماده ۷۹ لایحه اصلاح قانون تجارت (۱۳۸۴) مرتفع شده است. به موجب این ماده علیه متصدی حمل فرعی (متصدی غیر طرف قرارداد) نیز می توان دعوی خسارت اقامه نمود. ماده ۳۹۳ ناظر به خسارتی است که مربوط به مال التجاره باشد از قبیل قلت یا کم شدن آن و ارتباط به وجه التزام مقرر در قرارداد ندارد (رای شعبه ۳ دیوان به شماره ۲۳-۱۳۲۳/۸/۵). لذا، دعاوی مربوط به وجه التزام مشمول احکام ماده ۳۹۳ نمی شود. همچنین ماده مذکور، شامل دعاوی خارج از قرارداد نمی شود. در برخی از آراء دیوان نیز مرور زمان قراردادی معتبر و حاکم بر روابط خصوصی طرفین شناخته شده است (رای شعبه ۲۱ دیوان به شماره ۲۱/۲۳۳-۱۳۶۸/۳/۲۰-۲۱/۲۳۳). به نقل از عرفانی، پیشین، صص ۲۹۸-۲۹۷).

۳. مدت مرور زمان

۳.۱. کنوانسیون ها

۳.۱.۱. سی ام آر: در این کنوانسیون، دو نوع مرور زمان (یک ساله و سه ساله) تعیین شده است. ۱. مرور زمان یک ساله: "سی ام آر" مانند سایر کنوانسیون ها در جهت ایجاد محدودیت، اساساً یک مهلت یک ساله برای طرح دعوا در نظر گرفته است. بند ۱ ماده ۳۲ در این باره مقرر می دارد: «مهلت اقامه دعاوی ناشی از حمل کالا طبق مقررات این کنوانسیون یک سال است...» از آنجایی که هدف کنوانسیون حمایت از همه طرفهای قرارداد است نه صرفاً متصدی حمل، مدت مرور زمان خیلی کوتاه تعیین نشده است.

ماده ۳۲ که برگرفته از ماده ۴۶ «سی ام آر» ۱۹۵۲ می باشد، کاربردی ترین مقررره سی ام آر در محاکم است (کلارک، پیشین: ۱۴۲). ۲. مرور زمان سه ساله: یک استثناء در خصوص دوره یک ساله، در بند ۱ ماده ۳۲ مقرر شده است: «... در مورد خلاف عمدی یا ناشی از قصور که طبق قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن مطرح است معادل خلاف عمدی تلقی می شود، مهلت آن سه سال خواهد بود». اصولاً کنوانسیون هایی مثل «سی ام آر» که برای اقامه دعوی جبران خسارت توسط ذینفع، مهلتی مقرر نموده اند، مهلت اقامه دعوا را در صورت ارتکاب تقلب یا تقصیر سنگین افزایش داده اند، چنانکه کنوانسیون سی ام آر مدت مرور زمان یک سال را در صورت بروز خطای عمدی (یا تقلب) یا معادل آن به سه سال افزایش داده است (امانی، ۱۳۸۶، صص ۹۸-۹۷). خلاف عمدی یا معادل آن، همچنین در میزان مسئولیت نیز مؤثر است و آن را افزایش می دهد (ماده ۲۹). البته با این تفاوت که طبق ماده ۲۹، میزان مسئولیت تنها در صورتی افزایش می یابد که خسارت ناشی از تخلف عمدی باشد، نه ناشی از تقصیر سنگین یا معادل تقصیر عمدی (کلارک، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۶). فرقی نمی کند که خطای عمدی مربوط به عملیات حمل و خسارت وارده باشد یا بی ارتباط به آن و صرفاً مربوط به اقداماتی عمدی با هدف ایجاد تأخیر در طرح دعوی احتمالی از سوی افراد ذینفع، مثل درج متقلبانانه نام شرکت دیگری در بارنامه باشد، البته باید اشاره کرد خطای عمدی بی ارتباط به عملیات حمل و صرفاً ناظر بر ایجاد تأخیر در طرح دعوا فقط موجب افزایش مدت مرور زمان می شود و تأثیری در افزایش مسئولیت ندارد (دامار، پیشین، صص ۲۳۰-۲۲۹). با توجه به ساختار و هدف ماده ۳۲ تنها استثناء مرور زمان یک ساله، تخلف عمدی یا معادل آن می باشد و نقض قرارداد توسط خواننده که در عین حال نقض قوانین کیفری هم محسوب می شود، استثناء بر دوره مرور زمان یک ساله تلقی نمی شود، هر چند که از لحاظ تئوری، خواهانی که حق اقامه دعوا را به واسطه حصول مرور زمان از دست داده است، می تواند با طرح یک دعوی کیفری علیه متصدی حمل مطالبه خسارت نماید. در فرانسه این راه با این استدلال

که دعاوی مدنی و کیفری اساساً با هم متفاوتند، بسته شده است.^{۲۱} هدف یکنواخت نمودن مقررات سی ام آر و بدهت این امر که، دوره یک ساله مرور زمان نباید به وسیله حکم غرامت صادره از دادگاههای کیفری مخدوش شود، اقتضاء می نماید که جز در موردی که نقض حقوق کیفری، مصداقی از تخلف عمدی یا معادل آن تلقی می شود، نقض قراردادی متضمن نقض حقوق کیفری استثناء بر دوره مرور زمان یک ساله تلقی نشود. این که چه امری اقامه دعوا محسوب می شود، به قوانین کشور محل طرح دعوا بستگی دارد. به عنوان مثال در انگلیس، دعوا در تاریخ صدور حکم، اقامه شده محسوب می شود (کلارک، پیشین، صص ۱۴۷ و ۱۴۹).

۳.۱.۲. سایر کنوانسیونها: در کنوانسیون «سی وی آر»، تنها مرور زمان یک ساله و سه ساله مقرر شده است. طبق این کنوانسیون، مرور زمان دعاوی فوت یا صدمات بدنی سه سال و مرور زمان سایر دعاوی (دعاوی مربوط به توشه و تأخیر) یک سال می باشد (گلس و کاشمور، پیشین: ۱۳۰). در بند یک ماده ۲۲ کنوانسیون در این خصوص چنین آمده است: مهلت اقامه دعاوی ناشی از فوت یا جراحت یا هر گونه صدمه جسمی و روانی وارد به مسافر سه سال است. و در بند ۲ ماده اخیر الذکر نیز مقرر شده است: مهلت اقامه دعاوی ناشی از حمل تحت شمول این کنوانسیون، به غیر از موارد اشاره شده در بند یک این، در تمامی موارد یک سال است. در این کنوانسیون، تقصیر عمدی یا معادل آن از موجبات افزایش مدت مرور زمان تلقی نشده است.

در مقررات سی آی ام (۱۹۸۰/۱۹۹۹) دو مرور زمان یک ساله و دو ساله تعیین شده است. ۱- مرور زمان یک ساله: اساساً در این مقررات، مدت مرور زمان مقرر برای دعاوی ناشی از قرارداد حمل، جز در موارد خاص (مرور زمان دو ساله)، یک سال است. طبق بند ۱ ماده ۵۸ مقررات ۱۹۸۰: اقامه دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل بعد از یک سال مشمول مرور زمان می گردد. مقصود از دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل، هر گونه دعاوی ناشی از قرارداد از جمله مطالبه خسارت ناشی از نقص، فقدان و تأخیر،

استرداد یا پرداخت کرایه حمل و غیره می باشد. ۲- مرور زمان دو ساله: طبق مقررات سی آی ام در موارد ذیل، دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل ریلی دو سال خواهد بود: الف- واریز وجه جبران خسارت دریافتی گیرنده توسط حمل کننده؛ ب- واریز درآمد حاصل از فروش توسط حمل کننده و پ- به علت خسارت ناشی از فعل یا ترک فعلی که به نیت ایجاد چنین خسارتی یا از روی بی احتیاطی و با علم به اینکه چنین خسارتی رخ خواهد داد. (این مقررات نیز نظیر مقررات سی ام آر، تقصیر عمدی و سنگین حمل کننده را در مدت مرور زمان مؤثر دانسته است). د- دعاوی ناشی از قرارداد حمل و نقل قبل از ارسال مجدد کالا: در سی آی ام (۱۹۸۰/۱۹۹۹) مقررات خاصی در مورد ارسال مجدد کالا وضع شده که منحصر به فرد است. با این بیان که هر گاه محموله ای بر اساس مقررات سی آی ام ارسال گردد و مجدداً تحت شرایط همین مقررات ارسال گردد و در ارسال مجدد (تجدید بارنامه) فقدان جزئی یا آسیب دیدگی در آن مشاهده گردد، محتمل است این امر در فاصله زمانی مربوط به آخرین قرارداد حمل ایجاد شده است، به شرطی که محموله تحت نظارت حمل کننده بوده و به همان شکل که به مقصد اولیه رسیده تجدید حمل شده باشد (کار، پیشین: ۳۷۵، بند ۱ ماده ۲۸ مقررات ۱۹۹۹) که در این صورت، هرگونه دعاوی ناشی از قرارداد حمل قبلی (اول) مشمول مرور زمان دو ساله خواهد بود (گلس و کاشمور، پیشین: ۱۵۱). به علاوه، در مقررات ۱۹۸۰ مهلت اقامه دعاوی مربوط به حمل کالای قاچاق دو سال تعیین شده بود، که این مقرر در مقررات اصلاحی ۱۹۹۹ حذف گردید (دهقاندار، پیشین، صص ۲۷۲).

مهلت‌های مقرر در کنوانسیون: سی آی وی، یک ساله، دو ساله و سه ساله است. ۱- مرور زمان سه ساله: طبق بند ۱ ماده ۶۰ «سی آی وی» مهلت اقامه دعاوی مربوط به فوت یا صدمات بدنی وارده به مسافر سه سال است به شرطی که این مدت در خصوص فوت مسافر حداکثر ظرف پنج سال از روز حادثه باشد. این فرض در جایی اهمیت پیدا می کند که فوت مسافر پس از دو سال از تاریخ روز بعد از تصادف روی دهد که در این صورت مهلت اقامه

دعوا کمتر از سه سال خواهد بود. ۲- مرور زمان یک ساله: بر اساس بند ۲ ماده فوق الذکر مهلت اقامه دعوا سایر دعاوی ناشی از قرارداد حمل یک سال می باشد. این بند، ناظر بر خسارات مالی وارده بر مسافر (توشه و تأخیر) است. ۳- مرور زمان دو ساله: این مرور زمان وقتی اعمال می شود که تلف یا زیان ناشی از عمد یا بی احتیاطی متصدی حمل باشد (بند ۲ ماده ۶۰ مقررات ۱۹۹۹). بنابراین این مقررات هم مانند کنوانسیون های سی ام آر و سی آی ام، تقصیر عمدی و سنگین متصدی حمل را از موارد افزایش مدت مرور زمان، البته صرفاً در مورد خسارات مالی، تلقی نموده است.

۳.۲. حقوق ایران

۳.۲.۱. حمل و نقل جاده‌ای کالا و مسافر: در نظام حقوقی ایران، به لحاظ عدم وجود مقررات خاص در مورد حمل جاده ای، قانون تجارت به عنوان قاعده عام بر این نوع حمل حاکم است. در ماده ۳۹۳ ق.ت. برای اقامه دعوا، فقط یک مهلت یک ساله پیش بینی شده است^{۳۱}. بر خلاف اکثر کنوانسیون های بین المللی حمل، در قانون تجارت ایران، تقصیر عمدی و سنگین موجب افزایش مدت مرور زمان نمی شود، بلکه صرفاً در مهلت اعلام خسارت به متصدی حمل مؤثر است، بدین معنی که وفق ماده ۳۹۱ ق.ت. موجب اعطای فرصت هشت روزه به گیرنده خواهد شد (امانی، پیشین: ۹۹). در مورد نحوه احتساب مرور زمان نیز به موجب حکم شماره ۱۱۵-۱۱۸/۱۰/۲۲ شعبه ۲ دیوان باید سال را رسمی (۳۶۵ روز) در نظر گرفت. (عرفانی، پیشین، ص ۲۹۸).

در باب هشتم قانون تجارت نامی از مسافر برده نشده است^{۴۱} و از اینرو در خصوص شمول قانون تجارت (باب هشتم) نسبت به حمل مسافر و تبعاً درباره شمول مقررات مرور زمان، بین اساتید و مؤلفین حقوقی اختلاف وجود دارد^{۵۱} خسارت وارده به مسافر اصولاً به سه دسته تقسیم می شود: صدمات بدنی و فوت، خسارات وارد به توشه، خسارت تأخیر در حمل مسافر و توشه (جباری، صص ۶۰-۵۸). در نظام حقوقی ایران، به تبعیت از فقه، اساساً ایراد صدمه بدنی به انسان به هر

نحو، حتی خطایی، جرم محسوب می شود و عنوان مجرمانه (میر موسوی و حقیقت، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲) و مرتکب مسئولیت کیفری دارد و علاوه بر مجازات وی که جنبه عمومی دارد، به پرداخت دیه به عنوان ما به ازاء خسارت بدنی به زیان دیده به نحو مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می شود (فخاری، ۱۳۸۷، ص ۶۳-۶۲). لذا با توجه به این امر مقررات مرور زمان کیفری، انطباق بهتری با اینگونه صدمات دارند و باید از مرور زمان کیفری در خصوص این نوع صدمات سخن گفت. در حقوق ایران با توجه به نظرات شورای نگهبان و مقررات قانون جدید مجازات اسلامی (مواد، صص ۱۰۶-۱۰۴)، مرور زمان کیفری صرفاً در جرایم تعزیری (نه سایر جرایم) پذیرفته شده است^{۶۱}. بنابراین صدمات بدنی وارده به مسافر مشمول هیچ یک از مقررات مرور زمان کیفری و تجاری نمی شود. در خصوص خسارات وارده بر توشه و تأخیر در حمل نیز چنانچه، قائل بر عدم شمول قانون تجارت بر حمل مسافر باشیم، پذیرش مرور زمان در دعوی مربوط به این خسارات دشوار می نماید.

۳.۲.۲. حمل و نقل ریلی کالا و مسافر: در حقوق ایران، آیین نامه تعرفه حمل کالا و مسافر با راه آهن مصوب ۱۳۴۳، قانون خاص و منبع اصلی مسئولیت متصدی حمل و نقل ریلی می باشد. در آیین نامه مزبور، درباره مرور زمان در حمل کالا و توشه با راه آهن مقرراتی مقرر گردیده است. درباره حمل ریلی کالا، طبق مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ آیین نامه مذکور (تعرفه)، چنانچه به محموله در طی حمل زیانی وارد شده باشد، صورتمجلس تنظیم می شود و یک نسخه از آن به زیان دیده و گیرنده بار داده می شود که می تواند به استناد آن حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تنظیم صورتمجلس، از راه آهن کتباً ادعای خسارت نماید. به ادعاهایی که بعد از یک سال از تاریخ صورتمجلس بعمل می آید ترتیب اثر داده نخواهد شد، ولی در مورد فقدان محمولات در صورت پیدا شدن عین جنس به صاحب آن مسترد می شود. از این رو در حمل کالا با راه آهن، مهلت طرح دعوی خسارات وارده به کالا یک سال از تاریخ صورتمجلس خسارات می باشد و پس از این مدت این دعوی قابلیت استماع

ماده ۳۲ سی ام آر مقرر گردیده است. طبق بند اول ماده ۳۲: «...مرور زمان از تاریخ های زیر آغاز می شود: الف- در مورد فقدان قسمتی از کالا، خسارت یا تأخیر در تحویل، از تاریخ تحویل کالا. ب- در مورد فقدان تمام کالا از سی امین روز بعد از مهلت توافق شده و در صورتی که مهلتی توافق نشده باشد از شصتین روز تاریخ تحویل کالا به حمل کننده ج- در تمام موارد دیگر سه ماه پس از تاریخ عقد قرارداد حمل. روزی که مهلت از آن شروع می شود جزو مهلت نخواهد بود». طبق بند بالا، سه قاعده متفاوت برای سه مورد خاص ذکر شده است:

۴.۱.۱. الف - تلف جزئی، خسارت یا

تأخیر در تحویل کالا: هنگامی که تلف جزئی یا خسارت یا تأخیر در تحویل کالا اتفاق بیفتد، از هنگام تحویل کالا، مدت مرور زمان آغاز می گردد. این قسمت در صورتی اعمال می شود که دو شرط محقق باشد: تلف جزئی، خسارت یا تأخیر وجود داشته باشد و کالاها تحویل داده شده باشد (اشمیتوف، پیشین، ص ۹۸۲). تأخیر در تحویل کالاها باید به طور واقعی اتفاق افتاده باشد، لذا تأخیری که در آن کالاها به هیچ وجهی تحویل داده نمی شوند، مصداقی از قسمت الف بند اول ماده ۳۲ نیست، بلکه مصداق قسمت ج آن می باشد (کلارک، پیشین، ص ۱۵۲). به نظر یک دادگاه آلمانی، اگر کالاها در انبار مقصد تحویل انبار شوند، تا زمانی که کالاها توسط گیرنده دریافت نشود، تحویل محقق نمی شود، مگر اینکه گیرنده به دلیل ورود خسارت به کالا از تحویل گرفتن کالا خودداری و صرفاً از طرف فرستنده آن ها را تحویل گرفته و انبار کند.

در موردی که کالاها به دلیل گستردگی خسارات وارده به آن ها به گیرنده تحویل داده نشوند، بلکه به عنوان اوراقی به فروش برسند و یا به فرستنده بازگردانده شوند تا آن ها را تعمیر کند و یا اینکه احتمالاً آن ها را دوباره بفروشد، چهار نظریه در مورد نحوه اعمال بند اول ماده ۳۲ از سوی دادگاهها و نویسندگان حقوقی اتخاذ شده است^{۱۱} که از این نظریات، نظریه ای که قائل به اعمال قسمت الف بند اول است از مقبولیت بیشتری در میان دادگاهها و نویسندگان حقوقی برخوردار شده است، زیرا

ندارند (عرفانی، پیشین، ص ۳۰۳). همچنین در تعرفه مهلت هایی در مورد تخلیه کالا و حراج و دریافت وجوه حاصل از فروش کالا پیش بینی شده است (مواد ۱۵۵ و ۱۴۹ تعرفه). در خصوص تأخیر در تحویل کالا مقرره ای در تعرفه وجود ندارد، ولی به لحاظ عام و خاص بودن رابطه قانون تجارت و تعرفه می توان مقررات مرور زمان یک ساله ماده ۳۹۳ را در این مورد نیز جاری دانست. در حمل مسافر و توشه، طبق ماده ۱۶۱ تعرفه، در صورت ایراد خسارت به توشه در موقع تحویل توشه، صورتجلسه تنظیم می شود و به گیرنده تسلیم می شود و صاحب توشه در صورتی که مدعی خسارت باشد، باید کتباً حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تنظیم صورتجلسه به راه آهن شکایت نماید، در غیر این صورت به شکایاتی که پس از یک ماه مذکور به عمل آید، ترتیب اثر داده نمی شود و دعوا مشمول مرور زمان می شود. در مورد مرور زمان خسارات جانی وارده به مسافری در حین حمل و نقل مسافری توسط راه آهن، متأسفانه حکمی در تعرفه حمل مسافر و کالا با راه آهن وجود ندارد و به ناچار می بایست به قوانین دیگر از جمله قانون تجارت (به عنوان قاعده عام) و قانون مجازات اسلامی برای حل مسأله و تعیین حکم آن رجوع نمود (قسیمی، پیشین، صص ۶۶ و ۶۸). در خصوص مرور زمان صدمات بدنی، با توجه به توضیحات قبلی باید گفت: دعاوی مزبور تابع قواعد مرور زمان نیستند و در هر زمان قابل تعقیب می باشند. درباره خسارت ناشی از تأخیر در حمل مسافر یا توشه نیز مقررات خاصی در تعرفه مقرر نشده است، اما بر خلاف مقررات حمل کالا با راه آهن که قانون تجارت می تواند در موارد سکوت و خلاء حکمفرما باشد، در مورد خسارات مزبور در حمل مسافر، به جهت سکوت قانون تجارت و اختلاف حقوقدانان درباره شمول مقررات قانون تجارت بر این نوع حمل، در اجرای ماده ۳۹۳ ق.ت. در خصوص تأخیر در حمل مسافر و توشه تردید جدی وجود دارد.

۴. مبداء شروع مرور زمان

۴.۱. کنوانسیونها

۴.۱.۱. سی ام آر: قواعد مربوط به لحظه ای که مرور زمان شروع به محاسبه می شود، در بند اول

مطابق ماده ۱۲ «سی ام آر» فرستنده این حق را دارد که کالا را متوقف کند، مکان تحویل یا حتی تحویل گیرنده را تغییر دهد. لذا اگر فرستنده کالا بعد از شنیدن خبر خسارت دستور تحویل به خود یا شخص ثالث را صادر کند، این تحویلی مطابق قرارداد خواهد بود، بنابراین مشمول بند ۱ خواهد بود و با هدف بند ۱ ماده که تثبیت یک مبداء زمانی قابل تشخیص و معقول برای آغاز مرور زمان علیه خواهان است انطباق بیشتری دارد. (کلارک، پیشین: ۱۵۷-۱۵۶). در حمل مرکب مشمول ماده ۲ سی ام آر (حمل سوپر پوز-Superpoze)^{۱۱}، مرور زمان از لحظه تحویل کالا به گیرنده کالا (تحویل نهایی) آغاز می شود، حتی اگر تحویل به گیرنده، نه در پایان مرحله حمل جاده ای، بلکه در پایان سایر مراحل حمل، صورت گرفته باشد، زیرا هدف ماده ۳۲ این است که مرور زمان، فقط بعد از تحویل کالا به گیرنده آغاز شود تا فرصت بازرسی مناسب کالا در لحظات آغازین شروع مرور زمان برای وی فراهم شود (هوگس، پیشین: ۱۴۸).

۴.۱.۱. ب - تلف کلی کالا: در مورد تلف کالا چون هیچ تحویلی وجود ندارد، تا مرور زمان آغاز بشود، قسمت ب بند اول ماده ۳۲ مقرر نموده است، در این موارد، مدت مرور زمان از سی امین روز بعد از مهلت توافق شده و در صورتی که مهلتی توافق نشده باشد، از شصتمین روز از تاریخ تحویل کالا به متصدی حمل و نقل آغاز خواهد شد (کلارک، پیشین، ص ۱۵۲). در صورتی که کالاها در محدوده زمانی تحویل داده نشده باشند، فرض قطعی (مبتنی بر فرض مقرر در بند ۱ ماده ۲۰ سی ام آر) این است که آن ها تلف شده اند و در نتیجه، آغاز مرور زمان به موجب قسمت ب تعیین می شود (اشمیتوف، همان جا). کالاها زمانی تحویل گرفته می شوند که برای اجرای قرارداد تحت حفاظت و در کنترل متصدی قرار بگیرند. اگر انبار کردن موقت کالاها قبل از شروع عملیات حمل، مقدمه ضروری برای انجام حمل باشد و از طرف متصدی حمل و بدون تقاضای فرستنده صورت بگیرد، این دوره موقت، مشمول قسمت ب بند اول ماده ۳۲ شده و از لحظه تحویل کالا مرور زمان آغاز می شود. لحظه آغاز دوره شصت روزه، تاریخ تحویل کالاها به

متصدی حمل است و در صورت وجود چند متصدی حمل متوالی، به دلیل دشواری اثبات زمان تحویل کالا به متصدی توسط ذینفع، راه حل مناسب آن است که آغاز مدت مرور زمان، از لحظه تحویل به متصدی حمل اولی جریان یابد (میسنت و گلس، پیشین، ص ۲۵۹).

۴.۱.۱. ج - سایر موارد: به موجب قسمت ج بند اول ماده ۳۲ "در تمام موارد دیگر"، مرور زمان پس از اتمام دوره سه ماهه بعد از تاریخ انعقاد قرارداد حمل آغاز خواهد شد. «تمام موارد دیگر» شامل دعاوی گیرنده و فرستنده که در آن اعمال قاعده مذکور در قسمت الف به این دلیل که تحویل انجام نشده مناسب نباشد و نیز دعاوی که قاعده مذکور در قسمت ب بند اول به دلیل اینکه هیچگونه تلف کلی وجود نداشته است، برای اعمال مناسب نباشد؛ و همچنین دعاوی که در آن متصدی حمل قرارداد را اجرا نموده؛ دعاوی مربوط به استرداد هزینه ها مثل کرایه حمل بر علیه فرستنده یا طرف دیگر مسئول برای پرداخت؛ خسارت ناشی از توقیف وسیله نقلیه در ایستگاههای گمرک؛ دعاوی فرستنده برای استرداد هزینه مازاد بر کرایه و غیره (میسنت و گلس، پیشین، ص ۲۶۱، کلارک، پیشین، ص ۱۵۳). یک قرارداد حمل واحد ممکن است به جهت تعلیق مرور زمان (طبق بند ۲ ماده ۳۲) یا تفاوت تاریخ آغاز مرور زمان یکی از دعاوی مربوط به آن، منجر به طرح دعاوی اصلی و دعاوی متقابل با مرور زمان های متفاوت شود و مشکلاتی در رابطه با هم پوشانی قسمت ج با مهلت های دیگر بند اول به وجود بیاید و نتیجتاً مرور زمان های متفاوتی قابلیت اعمال داشته باشد، به عنوان مثال طرح دعاوی کرایه از سوی متصدی حمل (مشمول شق ج بند ۱ ماده ۳۲) و طرح دعاوی تلف جزئی کالا از سوی گیرنده (مشمول شق الف بند ۱ ماده ۳۲). این نظر که تمامی دعاوی ناشی از یک قرارداد حمل باید مدت مرور زمان یکسانی داشته باشند مورد قبول قرار نگرفته است، در مقابل این نظر که دوره مرور زمان دعاوی کرایه حمل که تابع قسمت ج بند ۱ ماده ۳۲ است، نباید محدود به مدت مرور زمان دعاوی مربوط به خسارت (مربوط به شق الف بند ۱) شود، دارای قوت است

و مطلوب اغلب خواهانها می باشد (کلارک، پیشین، صص ۱۵۳-۱۵۲). برای رفع این مشکل، بهترین راه حل آن است که دادگاهها یک مدت مرور زمان عمومی را در مورد دعاوی فوق اعمال کنند، ولی بر اساس عبارت پردازی کنوانسیون به نظر نمی رسد که دادگاهها از چنین اختیار گسترده ای برخوردار باشند (میسنت و گلس، همانجا).

طبق بند ۴ ماده ۳۹ سی ام آر در مورد دعاوی بین متصدیان حمل متوالی، مهلت مرور زمان یک ساله یا از تاریخ تصمیم قضایی نهایی تعیین کننده مبلغ غرامت و در صورت عدم وجود چنین تصمیم قضایی از تاریخ واقعی پرداخت غرامت، شروع به احتساب خواهد شد. اثبات تاریخ تصمیم قضایی یا تاریخ پرداخت بر عهده متصدی حمل مدعی است. گستره دعاوی مشمول این مقرر صرفاً محدود به دعاوی غرامت و دعاوی بین متصدیان حمل متوالی می شود. از آنجایی که هدف این ماده اعطای یک مدت معقول برای طرح دعوا به متصدی حمل پرداخت کننده غرامت مربوط به متصدی حمل دیگری است، به نظر می رسد اعمال این بند در خصوص حمل کنندگان فرعی که اجرای کل قرارداد به آن ها واگذار شده است نیز امکان پذیر است، اگرچه ماده مزبور مربوط به متصدیان حمل متوالی می شود. این ماده زمانی بین دعاوی حمل کنندگان حاکم خواهد بود که دعوا بابت خسارت وارده به کالا و صدور حکم و نهایتاً پرداخت غرامت باشد و راجع به سایر اختلافات متصدیان حمل و نقل از قبیل کرایه حمل و غیره دلالتی ندارد (کلارک، پیشین: ۱۶۰-۱۵۸).

۴.۱.۲. سایر کنوانسیونها: مسأله آغاز مهلت مرور زمان دعاوی موضوع مقررات «سی آی ام»، در مقررات ۱۹۸۰ به طور پیچیده و شفاف در بند ۲ ماده ۵۸ تعیین گردیده بود، و لیکن در مقررات اصلاحی (۱۹۹۹) معلوم نیست به چه دلیل حذف گردیده و نقطه شروع مرور زمان به «از روزی که حق می تواند اعمال شود» تغییر پیدا کرده است و هنوز وضعیت آن در محاکم به روشنی معلوم نیست (دهقاندار، پیشین، ص ۲۲۲)، البته به استثناء مقررات شروع مرور زمان تلف کلی و خسارت و تأخیر در

تحویل کالا که حذف نشده و در قسمت الف و ب بند ۲ ماده ۴۸ مقررات اصلاحی تکرار شده است. به این ترتیب بر اساس مقررات اخیر (۱۹۹۹)، نقطه شروع مرور زمان دعاوی از روزی است که این حق باید اعمال گردد، به استثناء دعاوی مربوط به تلف جزئی کالا، خسارت و تأخیر (که اغلب دعاوی علیه متصدی حمل را نیز تشکیل می دهند) که نقطه شروع مرور زمان آن ها از زمان تحویل و در مورد تلف کلی کالا از سی امین روز پس از انقضاء مهلت تحویل به متصدی حمل آغاز می شود (گلس و کاشمور، پیشین، ص ۱۵۱). بر اساس مقررات سی آی ام (۱۹۸۰/۱۹۹۹) روزی که به عنوان شروع و نقطه عزیمت مرور زمان تعیین شده است جزء مهلت محسوب نمی شود.

در کنوانسیون «سی وی آر» نقطه شروع مرور زمان سه ساله (دعاوی ناشی از صدمات بدنی و فوت)، از تاریخی است که شخص متحمل صدمه یا زیان بدنی از ورود صدمه آگاهی پیدا می کند یا می بایست آگاهی پیدا کند (بند ۱ ماده ۲۲) که نباید تحت هیچ شرایطی از پنج سال از تاریخ حادثه تجاوز نماید. کنوانسیون، مبداء آغاز مرور زمان را در خصوص صدمه بدنی از تاریخ آگاهی دانسته است، ولی برای احراز آگاهی مسافر از دو ضابطه شخصی و نوعی استفاده نموده است. در ضابطه شخصی آگاهی خود مسافر زیان دیده ملاک است، اما در ضابطه نوعی آگاهی یک شخص متعارف در اوضاع و احوال مربوط به حادثه ملاک است. در هر حال مدت مرور زمان نباید از پنج سال از تاریخ وقوع حادثه بیشتر شود، حتی اگر از تاریخ آگاهی مسافر یا یک شخص متعارف بیش از سه سال نگذشته باشد و مرور زمان سه ساله حاصل نشده باشد. در مورد مرور زمان یک ساله (دعاوی مالی) باید گفت، به موجب بند ۲ ماده ۲۲، مبداء مرور زمان مربوط به این دعاوی در صورت رسیدن وسیله نقلیه به مقصد، از تاریخ رسیدن به مقصد و در صورت نرسیدن آن به مقصد، از تاریخی است که وسیله نقلیه باید به مقصد می رسید محاسبه می شود. در صورتی که موعدی تعیین نشده باشد وسیله نقلیه باید در مهلت متعارف به مقصد برسد و در صورت نرسیدن در مهلت متعارف، مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت متعارف

آغاز می‌شود.

حمل مسافر در مورد صدمات بدنی وارده به مسافر، چنانکه گفته شد، مرور زمان منتفی است، ولی در مورد خسارات وارد به توشه و تأخیر، چنانچه قانون تجارت را حاکم بر حمل و نقل مسافر بدانیم، مبداء شروع مرور زمان یک ساله نیز در این خصوص اعمال خواهد شد.

۴.۲.۲. حمل و نقل ریلی کالا و مسافر:

در مورد حمل ریلی کالا، مبداء آغاز مرور زمان خسارت آسیب دیدگی و فقدان کالا از تاریخ تنظیم صورتجلسه مقرر در ماده ۱۶۷ تعرفه و مرور زمان تأخیر در حمل کالا وفق ماده ۳۹۳ ق.ت از تاریخ موعد تحویل می باشد. در مورد صدمات بدنی وارده به مسافر، علاوه بر اینکه مقررات خاصی در تعرفه لحاظ نشده، چنانکه گفته شد، در خصوص این صدمات در حقوق ایران مرور زمان وجود ندارد. ولی درباره خسارات وارده به توشه، لحظه شروع مرور زمان یک ماهه مقرر در تعرفه از تاریخ تنظیم صورتجلسه مقرر در ماده ۶۱ تعرفه است. در مورد لحظه شروع مرور زمان خسارات ناشی از تأخیر در تحویل توشه و مسافر نیز، چنانچه قانون تجارت را حاکم بر حمل مسافر بدانیم، تابع ماده ۳۹۳ ق.ت می باشد.

۵. تعلیق مرور زمان^{۹۱}

۵.۱. کنوانسیون‌ها

۵.۱.۱. سی ام آر: بند ۲ ماده ۳۲ سی ام آر در رابطه با تعلیق مرور زمان (Suspension of prescription) مقرراتی وضع کرده است. طبق این بند، اگر مالک کالاها یا شخصی از طرف او، یک ادعای کتبی برای متصدی حمل ارسال نماید، مقررات سی ام آر اجازه می دهد که مرور زمان عادی یک ساله معلق بماند. این تعلیق قهری است و تا زمانی اجرا می شود که متصدی حمل به وسیله ادعای کتبی ادعا را رد کند و اسناد ضمیمه آن را برگرداند (اشمیتوف، پیشین، ص ۹۸۲، استیونس، ۲۰۰۴، ص ۷۱۱). هدف از این تعلیق این است که متصدی حمل را قادر گرداند تا تصمیم بگیرد ادعا موجه است یا نه و همچنین در مدتی که متصدی حمل در حال بررسی ادعا می باشد به حقوق خواهان لطمه

در کنوانسیون «سی آی وی» (۱۹۹۹) مبداء مرور زمان سه ساله دعاوی مربوط به صدمات بدنی وارده به مسافر در صورت عدم فوت مسافر از روز بعد از حادثه و در صورت فوت مسافر از فردای روز فوت مسافر آغاز می شود، به شرط اینکه مدت مرور زمان از پنج سال از فردای روز حادثه بیشتر نشود (بند ۱ ماده ۶۰). به موجب بند ۴ ماده ۶۰ ماده مذکور، مبداء مرور زمان سایر دعاوی قرار داد حمل (منظور دعاوی مالی) به قرار ذیل است : الف- برای غرامت مربوط به تلف کلی از چهل روز پس از انقضای مهلت زمانی مقرر در بند ۳ ماده ۲۲، مقصود از عبارت «مهلت زمانی مقرر»، موعد توافق شده برای تحویل توشه می باشد و در صورت اقتضاء به علاوه انقضای زمان مورد نیاز برای انجام تشریفات گمرکی یا سایر تشریفات اداری مربوط به توشه. ب- در خصوص غرامت مربوط به تلف جزئی، خسارت یا تأخیر در تحویل از تاریخ تحقق تحویل ج- در سایر موارد متضمن حمل مسافر، از تاریخ انقضای اعتبار بلیط. همچنین در پایان بند ۳ ماده فوق اشاره شده است که روز مقرر برای شروع مهلت اقامه دعوا جزء مدت محسوب نمی شود. در مورد مرور زمان خسارات ناشی از تقصیر عمدی یا سنگین متصدی حمل و نقل، مبداء آغاز مرور زمان دو ساله، به نحو مقرر در مرور زمان یک ساله خواهد بود.

۴.۲. حقوق ایران

۴.۲.۱. حمل و نقل جاده‌ای کالا و مسافر: در

حمل کالا، قانون تجارت، مبداء شروع مرور زمان را در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم از روزی که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) از روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده مقرر نموده است. بنابراین مبداء مرور زمان یک ساله عبارت است از: ۱. در صورت تلف یا گم شدن و یا تأخیر در تسلیم از موعد توافق شده برای تحویل ۲. در صورت وقوع خسارت از روز تسلیم کالا. ماده ۷۹ لایحه اصلاح قانون تجارت با تغییر عبارتی اندکی، همین حکم را پیش بینی نموده است. در

وارد نشود (گلس و کاشمور، پیشین: ۱۳۱). در موردی که متصدیان حمل متوالی باشند، مدعی باید مراتب را به اطلاع متصدی حملی که می خواهد علیه او اقامه کند برساند و کافی نیست که مراتب را فقط به اطلاع اولین متصدی حمل برساند، زیرا هر یک از متصدیان حمل مربوط باید از این که قصد طرح دعوی علیه او وجود دارد اطلاع یابد (اشمیتوف، پیشین، ص ۹۸۳؛ ربیعی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). مقررات این بند، در مورد تمام موارد تحت شمول بند ۱ ماده ۳۲ قابل اعمال خواهد بود، چه مدت مرور زمان آغاز شده باشد چه نشده باشد (گلس و کاشمور، پیشین: ۱۳۲).

بند ۲ ماده ۳۲ بر خلاف بند ۱ آن، فقط بر دعوی حاکم است که بر علیه متصدی چه از سوی یک متصدی حمل دیگر، چه از سوی فرستنده یا گیرنده اقامه شده است و شامل دعاوی که متصدی علیه فرستنده یا گیرنده، از قبیل دعاوی مطالبه کرایه حمل اقامه می کند نمی شود^۲ (میسنت و گلس، پیشین، صص ۲۶۴-۲۶۳). برای تعلیق مرور زمان باید یک ادعای کتبی وجود داشته باشد. کنوانسیون در رابطه با ماهیت و شکل ادعای کتبی مقرراتی را وضع نکرده است و با توجه به سایر مدارک و همچنین رویه دادگاهها، ادعای کتبی باید حاوی مطالبی باشد تا متصدی را وادار کند که آن را رد کند. برای این که ادعای کتبی تحقق پیدا کند، کافی است که خواهان نامه ای را به متصدی حمل و نقل در رابطه با ارزیابی میزان خسارت وارده ارسال کرده و در آن نامه تأکید کند که متصدی حمل مسئول پرداخت غرامت است (کلارک، پیشین، ص ۱۶۵). ارسال ادعا به صورت فکس نیز کافی است و کتبی محسوب می شود (گلس و کاشمور، پیشین، ص ۱۳۱). لازم نیست که ادعا به صورت رسمی و خیلی دقیق و یا با تمام جزئیات تنظیم شود، ولی باید حاوی اطلاعات لازم باشد تا طرف دیگر را برای انجام اقدامات لازم جهت رسیدگی به ادعا قادر سازد. ادعای کتبی باید به همراه اسناد لازم فرستاده شود. اگرچه نوع این اسناد در بند دوم ماده ۳۲ معین نشده است، ولی در صورتی باید به ادعا ضمیمه شوند که برای تصدیق ادعای مزبور لازم باشد و در موارد لزوم باید نسخه اصلی این اسناد

ضمیمه ادعا شود (میسنت، پیشین: ۲۶۴؛ کلارک، پیشین: ۱۶۶). هر چند که قصد تنظیم کنندگان سی ام آر این بوده که اصل اسناد باید ضمیمه ادعا شوند، ولی به نظر می رسد این امر در حمل جاده ای مدرن به دور از عادت و غیر عملی باشد (کلارک، پیشین، صص ۱۶۷-۱۶۶). تعلیق مدت مرور زمان از زمان دریافت ادعا از سوی متصدی حمل آغاز و تا تاریخ رد کتبی ادعا و اعاده اسناد مربوطه ادامه پیدا خواهد کرد. رد ادعا باید روشن بوده و دارای هیچگونه ابهامی نباشد. اگر متصدی حمل بخشی از مسئولیت را در ارتباط با ادعای کتبی بپذیرد، تعلیق مرور زمان در بخشی که وی پذیرفته است همچنان ادامه خواهد یافت، ولی در بخشی که نپذیرفته تعلیق از بین خواهد رفت (میسنت و گلس، پیشین، صص ۲۷۳-۲۷۱). نیازی نیست که ادعا توسط شخص خواهان ارسال شود، بلکه نماینده وی هم اگر اختیار انجام چنین کاری را داشته باشد از چنین حقی برخوردار است. ارسال ادعای کتبی به نماینده صاحب اختیار متصدی حمل کفایت می کند. همچنین نماینده دارای اختیار و بیمه کننده حمل کننده نیز می تواند ادعا را رد نماید (گلس و کاشمور، پیشین، ص ۱۳۲). مسئولیت اثبات وصول ادعای کتبی یا وصول ابلاغ کتبی رد ادعا یا وصول اسناد به عهده طرفی خواهد بود که به مراتب مذکور استناد می نماید. در موردی که ادعا یا رد ادعا به وسیله پست انجام می شود، اماره ظاهری وجود دارد که طرف دیگر این ادعا یا رد ادعا را دریافت کرده است (میسنت و گلس، پیشین، ص ۲۷۴). جریان مهلت با ادعاهای دیگر با همان مهلت تعلیق نخواهد شد. بند ۳ ماده ۳۲ بیان می دارد: «تمدید مهلت برابر قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن جریان دارد با رعایت مقررات بند ۲ بالا اعمال خواهد شد. دلیل وضع این بند این است که اصولاً تمدید مرور زمان (خواه از طریق تعلیق یا انقطاع مرور زمان و یا توافق طرفین) از موضوعاتی است که تحت حاکمیت قانون دادگاه رسیدگی کننده به دعوا قرار دارد و بند ۲ ماده ۳۲ (مقررات تعلیق) به منظور رفع کاستی های موجود در قانون محل دادگاه در این زمینه در کنوانسیون گنجانده شده است». بنابراین هر عامل اضافی که به موجب قانون ملی مجاز باشد، می

تواند جریان مرور زمان را تعلیق نماید. در صورت تعارض میان بند ۲ ماده ۳۲ و مقررات قانون محل دادگاه در باب تمدید مرور زمان، بند ۲ حاکم بر مسائلی است که در چهارچوب بند ۱ ماده ۳۲ قرار می گیرند (کلارک، پیشین: ۱۶۱؛ میسنت و گلس، پیشین: ۲۷۶). طبق قسمت پایانی بند ۲ ماده ۳۲ سی ام آر، قانون ملی حاکم بر حق اقامه دعوی جدیدی که ایجاد می شود خواهد بود. به عنوان مثال، در حقوق انگلیس تنها راهی که یک دعوا می تواند پس از انقضاء مرور زمان دوباره ایجاد شود، انعقاد قرارداد جدید برای پرداخت مجدد است که باید با عوض همراه باشد.

۵.۱.۲. سایر کنوانسیونها: در مقررات «سی

وی آر» (بند ۳ ماده ۲۲)، «سی آی ام» (بند ۳ ماده ۴۸) و «سی آی وی» (بند ۴ ماده ۶۰) نیز مقرراتی تقریباً یکسان با سی ام آر وضع شده است.^{۱۳} در بند ۳ ماده ۲۲ سی وی آر آمده است: ادعای کتبی موجب خواهد شد که این مهلت تا تاریخ رد کتبی ادعا از طرف حمل کننده و اعاده اسناد تسلیم شده به او در جهت حمایت از ادعا به حالت تعلیق درآید. چنانچه قسمتی از ادعا پذیرفته شود مهلت فقط نسبت به آن قسمتی که هنوز مورد اختلاف است دوباره آغاز می شود. مسئولیت اثبات وصول ادعا یا پاسخ به آن و یا اعاده اسناد به عهده طرفی خواهد بود که به مراتب یاد شده استناد می کند. جریان مهلت با ادعاهای دیگری با همان محتوا تعلیق نخواهد شد، مگر این که متصدی حمل توافق نماید آن ادعاها را مورد بررسی قرار دهد. تنها تفاوتی که بین این بند و بند ۲ ماده ۳۲ سی ام آر وجود دارد در جمله آخر این بند است که مقرر می دارد در صورت توافق متصدی حمل مبنی بر بررسی ادعای جدید جریان مرور زمان به حالت تعلیق در می آید.

۵.۲. حقوق ایران

در باب هشتم قانون تجارت و تعرفه حمل کالا و توشه با راه آهن هیچ اشاره ای به تعلیق مرور زمان نشده است. لذا طبق اصول کلی که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است، موارد تعلیق مرور زمان بر علیه متصدی حمل جاری است (ستوده تهرانی، پیشین: ۸۸)، زیرا قواعد

کلی قانون مدنی در صورتی که نصی خاصی بر خلاف آن ها نباشد، در امور تجاری نیز قابل استناد است (کاتوزیان، ۱۳۳۵، ش ۴۸، ص ۳۲). در حقوق ایران، موجبات تعلیق مرور زمان به طور حصری در قانون آ.د.م سابق و برخی قوانین دیگر شمارش شده است. به موجب مواد ۷۵۱ تا ۷۵۸ قانون آ.د.م سابق جهات مرور زمان عبارتند از: عدم اهلیت و حجر، قوه قاهره، مؤجل یا مشروط بودن دین، به ثبت رسیدن ملک. در حقوق ایران، ارسال ادعای کتبی از جهات تعلیق مرور زمان تلقی نمی شود، ولی یکی از جهات انقطاع مرور زمان، «ارسال اظهارنامه» شباهت بسیاری به ارسال ادعای کتبی مقرر در کنوانسیون های موضوع بحث دارد. طبق بند ۱ ماده ۷۶۱ قانون آ.د.م سابق، افزون بر دادخواست، مطالبه حق از طریق اظهارنامه قانونی (اظهارنامه) از جهات انقطاع مرور زمان تلقی می شود (دیلمی، پیشین: ۹۹). بین ارسال اظهارنامه رسمی در حقوق ایران و ارسال ادعای کتبی طبق کنوانسیون های اشاره شده، این تفاوت ها وجود دارد: ارسال اظهارنامه رسمی از موارد انقطاع مرور انقطاع مرور زمان است، ولی ارسال ادعای کتبی از جهات تعلیق مرور زمان است؛ اظهارنامه رسمی یکی از روش های رسمی مطالبه حق است، ولی ارسال ادعای کتبی چنین جایگاهی ندارد؛ اظهارنامه از طریق دادگستری یا اداره ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی ارسال می شود، ولی ادعای کتبی اینگونه نیست و می تواند از هر طریق از جمله اداره پست ارسال گردد؛ اظهارنامه در فرمهای چاپی مخصوص تنظیم می شود و از طریق رسمی به طرف مقابل ابلاغ می شود، اما ادعای کتبی شکل خاصی ندارد و همین که کتبی باشد کافی است، حتی ارسال آن از طریق فکس هم کفایت می کند؛ در ارسال اظهارنامه نیازی به پیوست نمودن اسناد لازم یا مثبت دعوا نیست، ولی در ادعای کتبی اسناد مربوطه در صورتی که برای تصدیق ادعای مزبور لازم باشد، باید به ادعای کتبی ضمیمه بشود^{۱۴}؛ در اظهارنامه، انقطاع مرور زمان از طریق رد مخاطب از بین نمی رود، ولی در ادعای کتبی با رد ادعا از طریق کتبی و اعاده اسناد مربوط از طرف متصدی حمل تعلیق از بین می رود و مرور زمان دوباره به جریان می افتد و تفاوت آخر اینکه در صورت انقطاع مرور زمان از طریق ارسال

اظهارنامه، مرور زمان جدیدی ایجاد می شود که مدت آن شش ماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود، ولی در ادعای کتبی مرور زمان جدیدی ایجاد نمی شود، بلکه چنانکه گفته شد، مرور زمان موقتاً به حالت تعلیق در می آید.

۶. انقطاع مرور زمان^{۳۲}

۶.۱. کنوانسیون‌ها

کنوانسیون‌های موضوع بحث به طور مستقیم به بحث انقطاع مرور زمان (pre- of Interruption scription) نپرداخته اند و این مسأله را به حقوق داخلی (قانون محل دادگاه) ارجاع داده اند. دلیل این امر چنانکه اشاره شد، این است که اصولاً مسائل مربوط به تمدید مرور زمان از جمله مسائلی است که در قلمرو حقوق داخلی قرار دارد و دخالت کنوانسیون‌های بین‌المللی صرفاً در راستای رفع خلاء و کاستیهای حقوق داخلی در این زمینه است (کلارک، پیشین، ص ۱۶۱). طبق بند ۳ ماده ۳۲ سی‌ام آر تمدید مهلت، برابر مقررات قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن جریان دارد با رعایت مقررات بند (۲) بالا اعمال خواهد شد و همچنین طبق بند ۴ ماده ۲۲ س‌وی آر «تمدید مرور زمان برابر مقررات قانون محل دادگاه یا دیوانی که دعوا در آن جریان دارد با رعایت مقررات بند پیشین، به استثناء قواعد حل تعارض قوانین اعمال خواهد شد». طبق بندهای مذکور، اصولاً تمدید مرور زمان (از جمله انقطاع مرور زمان) به شرط رعایت مقررات تعلیق مرور زمان کنوانسیون، به حقوق داخلی واگذار شده است، با این تفاوت که در مقررات سی‌وی آر قواعد حل تعارض قانون داخلی، یعنی قانون محل دادگاه از اعمال قواعد حقوق داخلی استثناء شده است، بدین معنی که از نظر سی‌وی آر، صرفاً قانون ملی (ماهوی) دادگاه یا دیوان باید حاکم بر موضوع تمدید مهلت باشد نه قانون کشور دیگری که به موجب قواعد حل تعارض محل دادگاه یا دیوان، حاکم بر این موضوع شناخته می شود. در بند ۵ ماده ۴۸ سی‌وی‌ام و بند ۶ ماده ۶۰ سی‌وی‌وی (۱۹۹۹) مقررات مشابهی به این قرار مقرر شده است: «... وانگهی تعلیق و انقطاع مدت مرور زمان تحت حاکمیت قانون ملی خواهد بود». این امر در

هر دو مقررات پذیرفته شده است که برای تعیین شرایط انقطاع یا تعلیق در زمان شروع و خاتمه آن‌ها می‌بایست به قانون یا سیستم حقوقی ملی مراجعه نمود.

۶.۲. حقوق ایران

در باب هشتم قانون تجارت، مقرراتی در خصوص انقطاع مرور زمان مقرر نشده است. طبق اصول کلی که در آ.د.م سابق پیش بینی شده است، حکم موارد قطع مرور زمان دعوی حمل موضوع قانون تجارت، همان موارد انقطاع مرور زمان مدنی است. طبق مفاد ماده ۷۶۱ قانون آ.د.م سابق، موارد انقطاع مرور زمان قانونی به موارد زیر تقسیم می شود: ۱- مطالبه حق با اقامه دعوا: تقدیم دادخواست اعم از کتبی و شفاهی، موجب قطع مرور زمان می شود. چه در دعوی اصلی تقدیم شود، چه در دعوی طاری. در این که مصادیق طرح دعوا کدامند و اینکه آیا درخواست دستور موقت، درخواست سازش و موارد مشابه از مصادیق طرح دعوا هستند یا خیر، اختلاف نظرهایی در بین نویسندگان وجود دارد. باید توجه داشت تقدیم دادخواست فقط در شرایطی قطع مرور زمان را در پی می آورد و در موارد زیر انقطاع مرور زمان بی اثر است: بطلان یا رد شدن دادخواست، استرداد دعوا، رد یا ساقط شدن دعوا، تقدیم دادخواست به دادگاه غیر صالح و عدم طرح دعوا ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت در دادگاه صالح (ماده ۷۶۲- کاتوزیان، ۱۳۳۵، ش ۴۸: ۳۱- دیلمی، پیشین، صص ۹۸-۹۷) ۲- مطالبه حق بوسیله اظهارنامه رسمی (که شرح آن گذشت) ۳- اقرار به دین: اقرار به دین ممکن است صریح یا ضمنی باشد. اقراری قاطع مرور زمان است که دارای همه شرایط بلوغ، رشد، قصد و اختیار باشد. البته درباره سایر شرایط اقرار مثل کتبی بودن یا وقوع آن در دادگاه، بین قوانین مختلف توافق نظر وجود ندارد. در صورت قطع مرور زمان، مدت مرور زمان، شش ماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود، جز در موارد خاص مثل مرور زمان اسناد تجاری موضوع ماده ۳۱۸ ق.ت که مرور زمان کامل مجدداً آغاز می شود (کاتوزیان، همانجا؛ دیلمی، پیشین: ۹۹) و با هدف جلوگیری از

سوء استفاده بیش از یک دفعه قطع نمی گردد (ستوده تهرانی، پیشین؛ ۸۹).

۷. نتیجه گیری و جمع بندی

کنوانسیون های موضوع بحث، در خصوص دعاوی اقامه شده توسط متصدی حمل یا علیه او اعمال می گردد، به استثنای دعاوی مربوط به صدمات بدنی (در کنوانسیون های سی وی آر و سی آی وی) که تنها بر علیه متصدی حمل قابلیت اجرا دارند. همچنین از این کنوانسیون ها، مقررات مرور زمان سی ام آر و سی وی آر هم شامل دعاوی ناشی از قرارداد حمل و هم شامل دعاوی خارج از قرارداد حمل می شوند. اما در مورد کنوانسیون سی آی ام و دعاوی مربوط به خسارات مالی سی آی وی، با توجه به استعمال عبارت دعاوی ناشی از قرارداد حمل در این کنوانسیون ها، مقررات مربوط به مرور زمان، صرفاً حاکم بر مرور زمان دعاوی ناشی از قرارداد حمل می باشد. در حقوق ایران، علیرغم سکوت قانونگذار در خصوص شمول مقررات ماده ۳۹۳ ق.ت بر دعاوی متصدی حمل علیه گیرنده یا فرستنده کالا، با توجه به هدف قانون از وضع قواعد مرور زمان، می توان قابلیت اعمال این ماده بر این دعاوی را استنباط نمود. همچنین ماده مذکور شامل دعاوی خارج از قرارداد نمی شود و دلالت روشنی نیز بر شمول بر حمل و نقل مسافر ندارد. با توجه به مقررات قانون جدید مجازات اسلامی و نظرات شورای نگهبان می توان این نتیجه را استنباط نمود که در صدمات بدنی ناشی از حمل و نقل مرور زمان بر علیه متصدی حمل وجود ندارد. در کنوانسیون های مورد بحث، به عنوان یک روش مشترک، مدت مرور زمان در دعاوی خسارت وارده به کالا (در سی ام آر و سی آی ام) و خسارت مالی در حمل مسافر (خسارت وارد به توشه و تأخیر در سی وی آر و سی آی وی) جز در موارد استثنائی (مقصود برخی موارد خاص و استثنائی در کنوانسیون سی آی ام که دو سال تعیین شده است) یکسال مقرر شده است. اما در مورد صدمات بدنی یا فوت (در سی وی آر و سی آی وی)، مدت زمان طولانی تری به مدت سه سال تعیین شده است که دلیل این امر می تواند اهمیت صدمات بدنی و فوت

نسبت به خسارات مالی باشد که در هر صورت این مدت نباید به بیش از پنج سال از زمان وقوع حادثه تجاوز نماید. همچنین در این کنوانسیون ها به استثنای سی وی آر، تقصیر عمدی و سنگین متصدی حمل از موجبات افزایش مرور زمان تلقی شده است و مدت آن را به سه سال (در سی ام آر) و دو سال (در سی آی وی و سی آی ام) افزایش می دهد، حتی اگر تقصیر عمدی، مربوط به عملیات حمل نباشد و صرفاً مربوط به اقدامات عمدی یا متقلبانه به قصد تأخیر در طرح دعوا از سوی افراد ذینفع باشد. در قانون تجارت نیز مدت مرور زمان یک سال تعیین شده است که در خصوص شمول آن بر حمل مسافر تردید جدی وجود دارد. در تعرفه حمل کالا و توشه با راه آهن نیز همین مدت مقرر شده است با این تفاوت که در حمل توشه مدت مرور زمان یک ماه است. در حقوق ایران تقصیر عمدی و سنگین متصدی حمل از موجبات افزایش مرور زمان تلقی نشده است، بلکه صرفاً در مهلت اعلام خسارت به متصدی حمل مؤثر است که جای انتقاد دارد، متأسفانه در لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز به این مسأله توجهی نشده است و پیشنهاد می شود این اشکال مرتفع شود.

در خصوص تعلیق مرور زمان در کنوانسیون های موضوع بحث مقررات تقریباً یکسانی پیش بینی شده است. با این بیان که با ارسال یک ادعای کتبی از طرف مالک کالا یا شخصی از طرف او، جریان مرور زمان تا رد کتبی ادعا از سوی متصدی حمل و اعاده اسناد ضمیمه آن معلق می شود. در حقوق ایران، به دلیل سکوت قانون تجارت و تعرفه در این خصوص، موارد تعلیق مقرر در قانون آ.د.م سابق مجری می باشد و شامل موارد متعددی است که ارسال ادعای کتبی و رد آن از موجبات تعلیق تلقی نمی شود، بلکه اگر در قالب اظهارنامه باشد از موجبات انقطاع مرور زمان تلقی می شود. در کنوانسیون های موضوع بحث، در مورد انقطاع و تمدید مرور زمان (با توافق طرفین یا به موجب قانون) مقررات خاصی وضع نشده است و این مسأله به حقوق داخلی (قانون محل دادگاه یا داوری) ارجاع شده است و تحت شرایط این کنوانسیون ها مقررات داخلی حاکم است. در حقوق ایران،

طبق مقررات آ.د.م سابق (که به جهت سکوت مقررات حمل و نقل، حاکم بر انقطاع مرور زمان دعاوی حمل موضوع بحث می باشد)، مرور زمان با مطالبه حق از طریق دادخواست (تحت شرایط قانونی) یا اظهارنامه قانونی یا اقرار در دادگاه و یا در سند قطع می شود. مرور زمان با هدف پیشگیری از سوء استفاده بیش از یک بار قطع نمی گردد. در صورت قطع مرور زمان، مدت مرور زمان، شش ماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود، جز در موارد خاص مثل مرور زمان اسناد تجاری موضوع ماده ۳۱۸ ق.ت که مرور زمان کامل مجدداً آغاز می شود.

پی نوشتها

۱. قبل از انقلاب، مرور زمان در برخی از قوانین مقرراتی را به خود اختصاص داده بود که مقررات مزبور، اجرا می گردید. اما شورای نگهبان، در راستای اصل چهارم قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ طی نظریه ای، مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان را مخالف شرع تشخیص داد و از آن پس در خصوص حذف مرور زمان از قانون تجارت اختلاف نظر فراوانی ایجاد شد. ولی در مجموع، نظر به اینکه در سال های بعد، شورای نگهبان در نظریات دیگری از نظریه قبلی خود عدول نموده و عملاً مرور زمان را تدریجاً پذیرفته است، از جمله این نظریات، پذیرش عدم مخالفت با موازین شرعی مرور زمان تخلفات پزشکی (در سال ۱۳۶۱) و تعقیب انتظامی قضات (در سال ۱۳۶۳)، دعاوی کیفری از نوع بازدارنده، دعاوی که یکی از طرفین آن فرد بیگانه است؛ اعلام مطلق بودن مفاد نظریه مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ در نظریه تاریخ ۷۱/۵/۱۱ به شماره ۳۵۰۶ (اسکینی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)، سکوت شورای نگهبان در مورد مرور زمان دعاوی تجاری و تأیید عدم مخالفت مهلت های تجدید نظر مندرج در ق.آ.د.م ۱۳۷۹ با موازین شرعی، به نظر می رسد شورای نگهبان با کلیت نهاد مرور زمان مخالفتی ندارد و تنها برخی از موارد آن را خلاف شرع می داند (عرفانی، ۱۳۸۵: ۲۹۶-۲۹۵؛ دیلمی، ۱۳۸۵: ۸۷). مرور زمان در حقوق ایران در موارد زیر صریحاً پذیرفته شده است:

دعاوی تجاری، دعاوی کیفری از نوع مجارات های تعزیری، دعاوی تجدیدنظر، دعاوی که یک طرف آن بیگانه است، دعاوی مربوط به تخلفات انتظامی پزشکی و تخلفات انتظامی قضات (حاتمی، پیشین: ۶۶-۶۵). در فقه، در توجیه و رد مرور زمان به روایات و فتاوی فقهای مختلفی استدلال شده است. ولی علیرغم مخالفت نظر مشهور امامیه با مرور زمان که شورای نگهبان از آن پیروی کرده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۷۹) و با توجه به سابقه طولانی مرور زمان در حقوق اسلام و بیان حکم فقهای آن در برخی منابع معتبر شیعه (ساریخانی و کوشا، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۸) و تمسک به برخی روایات و اصول و قواعدی مانند قاعده اعراض، اسقاط، ابراء، لاضرر، لاجرح، اقدام، حکم حکومتی و قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی، اقتضاء ظاهر و سیره عقلایی، می توان مشروعیت مرور زمان مدنی و تجاری را در فقه پذیرفت (دیلمی، پیشین: ۸۳؛ حاتمی، پیشین: ۶۵-۶۱).

۲. (Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road CMR)

کنوانسیون حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده (سی ام آر) در سال ۱۹۵۶ در ژنو تصویب شد و در سال ۱۹۶۱ لازم الاجراء گردید و مشتمل بر ۵۱ ماده و دارای دو پروتکل اصلاحی به سال ۱۹۷۹ می باشد. هدف اصلی این کنوانسیون، یکنواخت نمودن شرایط حاکم بر حمل و نقل بین المللی جاده ای کالا می باشد و کاملترین کنوانسیون در زمینه حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده می باشد. این کنوانسیون در مواردی اعمال می شود که کالا از طریق وسایل نقلیه موتوری زمینی حمل شود و در قرارداد تنظیمی محل تحویل گرفتن و محل تحویل دادن کالا به طور مشخص در دو کشور که حداقل یکی عضو سی ام آر باشد معین شده باشد، کشورهای زیادی (عمدتاً اروپایی) عضو این کنوانسیون هستند (گلس و کاشمور، ۱۹۸۹: ۸۵؛ رسولی، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۱۸). کشور ما نیز در سال ۱۳۷۶ به آن ملحق شده است (محسنی و صفوی شاملو، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

۳. (Convention on the Contract for the International Carriage of Passenger and Luggage by Road) (CVR)

کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی مسافر و توشه از طریق جاده (سی وی آر) در سال ۱۹۷۳ در ژنو تهیه شد و مشتمل بر ۳۶ ماده و دارای یک پروتکل اصلاحی (مصوب سال ۱۹۷۹) می باشد. کنوانسیون مزبور در خصوص حمل و نقل زمینی توشه و مسافر از طریق جاده با وسایل نقلیه موتوری زمینی (به غیر از تاکسی و وسایل نقلیه اجاره ای) اعمال می شود، به شرط اینکه طبق قرارداد حمل و نقل تنظیمی، حمل در بیش از یک کشور که حداقل یکی از آن ها عضو کنوانسیون مزبور باشد انجام شود. کنوانسیون مزبور در سال ۱۹۹۴ لازم الاجرا شده است، ولی به دلیل عدم رواج حمل و نقل بین المللی جاده ای مسافر از آن استقبال چندانی نشده است و کشورهای معدودی عضو آن می باشند (دامار، ۲۰۱۱: ۲۲۱؛ گلس و کاشمور، پیشین: ۱۳۷).

۴. (Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Goods by Rail CIM)

مقررات یکنواخت مربوط به قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق راه آهن (سی آی ام)

۵. (Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Passenger by Rail) (CIV)

مقررات یکنواخت مربوط به قرارداد حمل و نقل بین المللی مسافر از طریق راه آهن (سی آی وی)

۶. کنوانسیون سی آی ام و سی آی وی از قدیمی ترین اسناد بین المللی در زمینه حمل و نقل کالا و مسافر از طریق راه آهن محسوب می شوند که در سال ۱۹۸۰ در راستای وضع مقررات متحد الشكل در زمینه حمل و نقل ریلی با هم ادغام شدند و در قالب کنوانسیون کوتیف در شهر برن سوئیس به تصویب رسید. کوتیف در سال ۱۹۸۵ لازم الاجرا شد و در سال ۱۹۹۹ در شهر ویلنیوس مورد اصلاح نهایی قرار گرفت و منجر به تصویب

پروتکل ویلنیوس یا کوتیف ۱۹۹۹ گردید. کشورهای زیادی (۴۲ کشور) از جمله کشور ایران عضو این کنوانسیون می باشند. کنوانسیون کوتیف دارای ۷ ضمیمه است که کنواسیون های سی آی وی و سی آی ام به ترتیب ضمایم شماره ۱ و ۲ این مقررات را تشکیل می دهند. سی آی ام و سی آی وی در صورتی اعمال می شوند که مسیر حمل و نقل از خطوط ریلی دو کشور عضو یا حداقل یک کشور عضو با توافق طرفین قرارداد حمل عبور نماید (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۸ و ۴۲).

۷. دعوای بی جی اچ - ۱۸,۲,۷۲ ۱۹۷۲.

۸. دعوای شل شیمی کال لیمیتد علیه پی اند اُرد تانکز لیمیتد (۱۹۹۳).

۹. نظر مخالف: دعوای بی جی اچ. ۱۶,۲,۷۲ نظر موافق: دعوای ا.جی اچ ۱۲,۲,۸۵.

۱۰. همچنین دعوای مربوط به خسارت تخطی از تعهد فرستنده مبنی بر تأمین محموله برای مسیر برگشت متصدی حمل، دعوای که نسبت به حمل فرعی تلقی می شوند، مانند دعوای متصدی حمل مبنی بر پرداخت عوارض گمرکی به عنوان نماینده گمرک.

۱۱. البته طبق برخی نظرات این امر نافی حق طرف قرارداد جهت اقامه دعوا علیه سایر عوامل دخیل در حمل (متصدیان غیر طرف قرارداد) یا حق سایر افراد ذینفع (غیر از طرف قرارداد) علیه عامل بر اساس مسئولیت غیر قراردادی نخواهد بود (جویباری و گوارشکی، پیشین: ۱۹۵)، زیرا مسئولیت متصدی حمل نسبت به اعمال متصدیان حمل غیر طرف قرارداد، مسئولیت ناشی از فعل غیر بوده و این امر منافاتی با مسئولیت غیر (مقصر) ندارد و مسئولیت این دو، دو مبنای متفاوت دارد که قابل جمع اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ش ۲۵۹). در هر حال ماده ۳۹۳ در خصوص دعوای علیه متصدیان غیر طرف قرارداد قابلیت استناد ندارد.

۱۲. زیرا میزان غرامت در سی ام آر تا میزان محدودی است، اما غرامت کیفری کامل بوده و محدود نمی باشد. از سوی دیگر، تعقیب کیفری، به طور کلی،

باید زودتر از دعوای مدنی آغاز شود، در حالی که در مسأله ما وضعیت بر عکس است، و دعوای مدنی باید سریعتر از تعقیب کیفری تقاضا شود.

۱۳. ماده ۷۹ لایحه اصلاح قانون تجارت نیز با تغییر عبارتی اندکی که فاقد اهمیت است همین دیدگاه را اتخاذ نموده است.

۱۴. در لایحه اصلاح قانون تجارت، با وجود این که در برخی مواد اشاره به حمل و نقل مسافر شده است، ولی در ماده ۷۹ که مربوط به مرور زمان می شود، نامی از مسافر برده نشده است.

۱۵. جهت مطالعه بیشتر: دمیرچیلی، پیشین: ۳۷۸-۳۷۷؛ اشتري، ۱۳۵۸، رساله دکتری: ۱۵۸-۱۵۷؛ فخاری، ۱۳۸۷؛ ۶۲؛ عرفانی، پیشین: ۹۸-۹۷، ستوده تهرانی، پیشین: ۸۹؛ یزدانی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۳۶.

۱۶. در گذشته قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع مرور زمان می پرداخت و برای نخستین بار است که موضوع مرور زمان در قانون جدید مجازات اسلامی مطرح شده است، در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ مرور زمان تنها در جرایم بازدارنده پذیرفته شده بود؛ اما با حذف مجازات‌های بازدارنده در قانون جدید مجازات اسلامی، قانونگذار مرور زمان را برای نخستین بار در جرایم تعزیری پذیرفته است.

۱۷. الف - به دلیل این که کالاها برگشت داده شده و به فرستنده تحویل داده شده اند، لحظه آغاز مرور زمان مشمول قسمت الف بند اول خواهد بود (رای دادگاه انگلستان در قضیه وولدواید کریزر علیه آرتدران اینترنشنال در سال ۱۹۸۹؛ کار، پیشین: ۳۹۸) ب-به دلیل اینکه کالاها به گیرنده تحویل داده نشده اند، لحظه آغاز مرور زمان مشمول محدوده زمانی مذکور در بند اول ماده ۲۰ سی ام آر شده و به موجب قسمت ب بند اول ماده ۳۲ مشخص خواهد شد (رای دادگاه انگلیس در قضیه آی سی آی فیبرز علیه مات ترانسپورت در سال ۱۹۸۷؛ کار، همانجا). ج-به دلیل اینکه مشمول هیچ یک از قسمت های الف و ب ماده ۳۲ نمی شود، لذا این مورد خاص شامل عبارت "همه موارد دیگر" شده و لحظه

آغاز مرور زمان بر اساس قسمت ج بند اول ماده ۳۲ مشخص خواهد شد (نظریه یکی از دادگاههای بلژیک در سال ۱۹۶۹؛ نظریه مورد پذیرش کار، همانجا) د-نه تنها مشمول قسمت های الف و ب بلکه مشمول قسمت ج نیز نمی شود. زیرا منظور از عبارت "همه موارد دیگر" در قسمت ج مواردی غیر از تلف جزئی، خسارت یا تلف کلی می باشد. در حالی که در مواردی که کالا خسارت دیده ولی تحویل نمی شود، بی شک خسارت وجود دارد و باید قانون مناسب داخلی اعمال شود (دعوای موتور وسپا علیه مات لیمیتد در انگلستان سال ۱۹۷۹؛ کلارک، پیشین: ۱۵۴).

۱۸. حمل و نقل سوپر پوز یکی از اشکال حمل و نقل ترکیبی (دارای مرحله جاده ای) است که در آن، در بخشی از سفر، وسیله نقلیه جاده ای به همراه کالا (به صورت تخلیه نشده) بر روی سایر وسایل نقلیه غیر جاده ای از قبیل کشتی (رو-رو)، قطار (پیگی بک) یا حتی هواپیما قرار گرفته و حمل می شود (هوکس، ۲۰۱۰: ۱۶۰؛ سعیدی پور، ۱۳۹۲: ۱۲).

۱۹. تعلیق مرور زمان عبارتست از وقفه ای که در جریان مرور زمان به علت وجود مانعی ایجاد می شود و موقتاً از ادامه مرور زمان تا رفع مانع جلوگیری می کند. تعلیق ممکن است از آغاز مدت مرور زمان یا بعد از آن محقق شود. در هر دو صورت، بعد از زوال مانع ادامه پیدا می کند و اگر قبل از بروز مانع، مدت مرور زمان جریان داشته باشد، آن مدت به مدت جدید اضافه می شود (متین دفتری، ۱۳۸۸: ش ۳۶۸؛ مستنبط از جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳۹ ش ۵۰۹۳-۵۰۹۲).

۲۰. دعوای مولر باتاوییر بر علیه لورنت ترانسپورت کامپنی لیمیتد (۱۹۷۷).

۲۱. تفاوت قابل اشاره ای که بین مقررات سی آی ام و سی آی وی با مقررات سی ام آر در خصوص تعلیق مشاهده می شود این است که در بند ۲ ماده ۳۲ سی ام آر تکلیف این که نسخه اصلی یا کپی اسناد مربوط به ادعای کتبی باید به ادعای کتبی ضمیمه شود یا نه به روشنی مشخص نشده است، در حالی که در مقررات سی آی ام و سی آی

وی تکلیف مشخص شده و مقرر گردیده که یک نسخه اصلی یا کپی این اسناد باید ضمیمه ادعای کتبی بشود (بدین معنی که ارائه هر یک از نسخه های اصلی یا کپی کفایت می کند و نیازی نیست که حتماً نسخه اصل اسناد ضمیمه ادعا شود) و عند الاقتضاء به تقاضای حمل کننده کپی اسناد باید به نحو مقتضی برابر با اصل شوند. همچنین در مقررات فوق الاشعار سی آی ام و سی آی وی تکلیف این که چه اسنادی باید ضمیمه ادعای کتبی بشوند تا حدی مشخص شده است (در سی آی ام حسب مورد بارنامه یا نسخه دوم بارنامه و هر سند دیگری که مدعی مناسب می بیند و در سی آی وی هر سندی که مدعی مناسب می بیند) در حالیکه در مقررات سی ام آر به صراحت مشخص نشده است.

۲۲. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: پانوش شماره ۲۲.

۲۳. انقطاع مرور زمان یعنی از بین رفتن آثار بخش اعظم مدتی از مرور زمان که تا قبل از انقطاع مرور زمان جریان داشته است به علت تحقق عملی که به طور حقیقی یا قانونی موجب قطع مرور زمان شروع شده می گردد. اصلی ترین تفاوت میان انقطاع و تعلیق مرور زمان در این است که تعلیق تأثیری در مدت سپری شده از مرور زمان (اگر قبلاً شروع شده باشد) و مدت باقی مانده از آن از حیث اعتبار و طول مدت ندارد، حال آنکه انقطاع مرور زمان هم مدت زمان سپری شده از مرور زمانی را که قبل از انقطاع جریان یافته بوده تا حدود زیادی از اثر می اندازد و هم به مدت باقی مانده از مرور زمان مقداری می افزاید (دیلمی، پیشین: ۹۴).

منابع و مأخذ

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹). حقوق تجارت (برات، سفته ...). جلد سوم، تهران: سمت.
۲. اشمیتوف، کلایو ام (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین الملل. ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، جلد دوم، تهران: سمت.
۳. امانی، مسعود (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی آثار تقلب و تقصیر سنگین متصدی حمل و نقل. مجله فقه و حقوق، ۱۴: ۸۵-۱۰۱.
۴. تقی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی و تحلیلی منای مسئولیت متصدی حمل و نقل در حقوق داخلی با مسئولیت متصدی حمل و نقل ریلی بر اساس کنوانسیون کوتیف. پژوهشنامه حمل و نقل. سال نهم، ۱: ۲۹-۴۴.
۵. جباری، منصور (۱۳۹۰). حقوق حمل و نقل بین الملل هوایی. تهران: نشر میزان.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۷. میرزا نژاد جویباری، اکبر و مرادی گوارشکی، محسن (۱۳۸۵). چالشهای موجود در مسئولیت عامل حمل و نقل ترکیبی در کنوانسیون ژنو (۱۹۸۰) و تأملی در حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال اول، ۲ و ۳: ۲۰-۱۶۵.
۸. حاتمی، علی اصغر و ذاکری، محمد وحید (۱۳۷۹). تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۸: ۴۷-۷۰.
۹. ربیعی، فرانک (۱۳۸۶). حقوق حمل و نقل، زمینی، هوایی، دریایی. تهران: نشر آریان.
۱۰. رسولی، محمد (۱۳۹۲). حقوق حمل و نقل. لنگرود: نشر سمرقند.
۱۱. دمیرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۶). قانون

تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میثاق عدالت.

۱۲. دهقاندار، مجتبی (۱۳۸۵). مسئولیت متصدی حمل و نقل ریلی در کنوانسیون کوتیف. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۱۳. دیلمی، احمد (۱۳۸۴). بررسی فقهی - حقوقی مرور زمان. قم: مؤسسه کتاب.

۱۴. دیلمی، احمد (۱۳۸۵). تأملی در مشروعیت مرور زمان مدنی. مجله مطالعات اسلامی، ۱: ۸۳-۱۱۶.

۱۵. ساریخانی، عادل و کوشا، جعفر (۱۳۸۰). مرور زمان در جرایم مستوجب حد و تعزیر. نامه مفید، ۲۶: ۹۷-۱۲۴.

۱۶. ستوده تهرانی، محمد (۱۳۸۸). حقوق تجارت جلد چهارم، تهران: نشر دادگستر.

۱۷. سعیدی پور، محمد علی (۱۳۹۲). حمل و نقل چند وجهی. ماهنامه چهار راه، ۵: ۱۲-۱۰.

۱۸. شمس، عبدالله (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته. جلد اول، تهران: انتشارات دراک.

۱۹. عرفانی، توفیق (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل زمینی جاده و ریل. تهران: آثار اندیشه.

۲۰. فخاری، امیر حسین (۱۳۸۷). لزوم تصویب مقرراتی در مورد حمل و نقل جاده ای مسافر، مجله تخصصی الهیات و حقوق. ۲۸: ۵۷-۶۸.

۲۱. قسیم، امین (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی متصدی حمل ریلی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). حقوق انتقالی. جلد

دوم، تهران: نشر میزان.

۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). الزام های خارج از قرارداد. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۳۵). مرور زمان اسناد تجاری. مجله کانون و کلاء، دوره اول، ۴۷.

۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۳۵). مرور زمان اسناد تجاری. مجله کانون و کلاء، دوره اول، ۴۸.

۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۷. کریمی، عباس (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات مجد.

۲۸. متین دفتری، احمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. جلد دوم، تهران: مجد.

۲۹. محسنی، سعید و صفوی شاملو، حسین (۱۳۹۲). راهنما در کنوانسیون سی ام آر. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، ۲: ۱۳۶-۱۲۳.

۳۰. میر موسوی، سعید علی و حقیقت، سعید صادق (۱۳۹۱). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۱. نوری، جعفر و آخوندی، عبدالرشید (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. سال دوم، ۵: ۳۵-۶۱.

۳۲. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱). تعهدات و مسئولیت های ناشی از حمل و نقل جاده ای دوستانه مسافر در حقوق ایران و فرانسه. فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، ۱: ۲۵۱-۲۳۳.

33. Bulletin (2005). International Carriage By Rail .Otif Organization.

- International Carriage of Goods by Road) CMR)
45. Convention on the Contract for the International Carriage of Passenger and Luggage by Road) CVR(
 46. Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Goods by Rail) CIM(
 47. Uniform Rules Concerning the Contract of International Carriage of Passenger by Rail (CIV)
 34. Carr, Indira (2010). International Trade Law, .London and New York: Routledge.
 35. Clarke, Malcolm. (2014 (International Carriage of Goods by Road: CMR. London: Sweet and Maxwell.
 36. Damar, Duygu (2011) .Wilful Misconduct in international Trade Law. Hamburg :Springer.
 37. Glass, David A & Cashmore, Chris (1989) .Introduction to the Law of Carriage of Goods .London :Sweet and Maxwell.
 38. Hoeks, Marian (2010) .Multimodal Transport Law .Netherland :Kluwer Law International.
 39. Messent, Andrew & Glass, David A .(2000) CMR :Contracts for the International Carriage of Goods by Road .London :LLP.
 40. Stevens, Frank (2004). Toward a Liability Regime for Road Carriage The European Experience: The CMR Convention23 .Th Annual Southern African Transport Conference) SATC.(
 41. Schelin, Johan (2002). CMR Liability in a Law and Economic Perspective .available in :www.feat-books.com
 42. Otif (2015). Explanatory Report, Uniform Rules concerning the Contract of International Carriage of Passengers by Rail (CIV Uniform Rules), available in: www.otif.org
 43. Otif (2015). Explanatory Report, Uniform Rules concerning the Contract of International Carriage of Goods by Rail (CIM), available in: www.otif.org
 44. Convention on the Contract for the



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

تحلیل نشانه شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه های متن / بافت

علیرضا غفاری* - استادیار گروه معماری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

بافت تاریخی کرمان، مجموعه ارزشمندی از معماری و بافت شهری این مرزو بوم است که از جهت معماری و شهرسازی، خصوصیات قابل تاملی را دارد. از مسائل مطرح نشانه شناسی، چگونگی ارتباط لایه‌های نشانه-شناختی معماری (متن/بافت) برپایداری و پویایی یا عدم پایداری سامانه ای معماری می باشد. در این مقاله جهت تبیین این مسئله، ضمن تشریح مفاهیم نشانه شناسی شمایل، نماد و نمایه، رمزگانهای نشانه شناختی، زیبایی شناسی و اجتماعی که متأثر از مفاهیم فوق هستند، معرفی می گردند. سپس سه رویکرد مهم نشانه شناختی تحت عنوان مناسبات همنشینی و جانشینی و نشانه شناسی فرهنگی تبیین و مشخص خواهد شد که لایه های متشکل از رمزگان ها، چگونه تحت این رویکردها سبب قوام و پویایی یا زوال سامانه بافت معماری و شهری محدوده مورد مطالعه در بافت تاریخی کرمان خواهند شد. تحلیل نشانه شناختی بر اساس مدلی مبتنی بر مبانی نظری و پارامترهای نشانه شناختی در مورد متن/بافت محله ها، دردو بازه زمانی گذشته و معاصر، مشخص خواهد کرد که چگونه لایه های مختلف و سازنده متن/بافت سنتی، ارتباطی هم افزا و بافت ساز داشته و بالعکس در وضعیت معاصر به دلیل برهم خوردن ارتباط لایه های رمزگان، اعم از اجتماعی- فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی، معنایی و... نتایج حاصل از مناسبات ها، انسجام زدایی و اغتشاش سامانه بافت راموجب شده است. درپایان تشریح و توصیه خواهد شد که شرط لازم برای هم افزایی، انسجام و تقویت این سامانه و آفرینش بافتی کارکردی، تناسب و توازن در تغییرات همنشینی و جانشینی لایه های متفاوت متن/بافت می باشد.

واژگان کلیدی: متن معماری، مناسبت همنشینی، مناسبت جانشینی، نشانه شناسی بافت، لایه های متن/بافت.

Semiology Analysis of Kerman Historical Context Based on the Relation of Text/Context Layers

Abstract

The historical context of Kerman makes a valuable collection of urban texture and architecture of Iran, which has considerable properties regarding architecture and urbanism. Among the issues associated with semiotics is how architectural semiotic layers (text / context) are related to stability and dynamic architecture or systematic instability of architecture. In order to explain this in the current paper, besides describing the concepts of iconic, symbolic and indexical semiotics, aesthetic and social semiotic codes that are affected by the above concepts are also introduced. Then, three major approaches of semiotics, namely, Syntagmatic relation, Paradigmatic relation and cultural semiotics are explained; it is also determined how the constructed layers of the codes affected by this approach may strengthen, dynamite or destroy the system of the urban architecture and context of the studied area located in the historical context of Kerman. Accordingly semiotic analysis of the desired text / context in both past and contemporary period will determine how different constructing layers of the traditional text / context are increasingly and contextually related, and adversely, how in the current state, due to the disrupted relation of layers, including structural, functional, aesthetic and conceptual relation, the results syntagmatic and paradigmatic relations of these layers caused separation and perturbation of the contextual system. At the end of the article, it is recommended that to strengthen the system and create a coherent and functional tissue, it is required to cognition and congruence of syntagmatic and paradigmatic relations in different layers of text / tissue.

Keywords: text of architecture, syntagmatic relation, paradigmatic relation, semiotics of context, layers of text/context

۱. مقدمه

فضا، یا یک ساختار فضایی (هندسی)، یک متن است؛ شهر چنین فضایی است. هر شهر ساختاری است که نشانه‌های آن با ساکنانش و بازدیدکنندگان سخن می‌گوید و بر معانی ویژه‌ای دلالت می‌کند. در حقیقت در مفهوم نشانه‌شناختی، زبانی (لایه‌های رمزگان) و نظمی برای هر ساختاری وجود دارد که به واسطه این زبان بین کسانی که رمزگان آن زبان را به سنجش برده و پذیرفته‌اند ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. نقشه یک شهر، ساختار و رابطه کوچه‌ها، رابطه خانه‌ها با یکدیگر، رابطه تمام فضاها و دانه‌های محله با هم و شهر، روابط فرهنگی خاصی برای ساکنین آن فضا می‌آفریند. بنابراین معماری و بافت معماری نمونه دقیقی از یک ساختار نظام مند است که در درون خود لایه‌های کارکردی و زیباییشناختی منحصر به فردی را داراست. صحبت از کارکرد عناصر یک نظام، خود پایه نظری نشانه‌شناسی است. ولی «نشانه‌شناسی معماری»^۱ با این فرض که عناصر معماری جدا از کارکرد خود معناهایی فراتر را دلالت می‌کنند، راه خود را از کارکرد گرایی^۲ جدا می‌کند. «ایمس راپوپورت»^۳ بر این عقیده است که: «معنا در قالب نشانه، مصالح، رنگ، شکل، اندازه، اثاث، محوطه و نظایر آن مجسم می‌شود» (راپوپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۱). در واقع او «نشانه» را چیزی غیر از عناصر معماری می‌داند، در حالیکه از دید یک نشانه‌شناس، تمام این عناصر نشانه‌اند و در بستر ساختار متنی فضای معماری در ارتباط با یکدیگر معنا سازی می‌کنند. این همان فرآیند دلالت^۴ است. در این پژوهش بر پایه دانش نشانه‌شناسی که هر اثری از جمله بناهای معماری و بافت معماری به مثابه یک متن است، به ژرف کاوی لایه‌های متفاوت تولید متن (بافت تاریخی کرمان) پرداخته تا مشخص گردد که چگونه لایه‌های متن^۵ (معماری/ بافت) در سطوح مختلف رمزگانی «همزمانی»^۶ و «در زمانی»^۷ با یکدیگر ارتباط سامانه‌ای پویایی داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت و یا تضعیف نمایند. مسئله اصلی بر این امر استوار است که تعامل لایه‌های مختلف متن (بافت) چه نقشی در تعریف پایه‌ای یک سامانه منسجم معماری همچون بافت تاریخی

کرمان داشته و چگونگی این نقش‌های نشانه‌ای و ارزش‌های منبعث از آنها، هم افزا و بافت ساز شده و یا در تقابل با هم قرار گرفته و سبب پاشیدگی و عدم انسجام و پویایی بافت امروزه می‌گردد.

۲. روش تحقیق

نشانه‌شناسی به عنوان دانشی که به تحلیل‌های متنی می‌پردازد، شناخته شده است. بنابراین یکی از ویژگی‌های آن توجه به تحلیل‌های ساختاری است. تمرکز تحلیل‌های ساختارگرا بر آن روابط ساختاری است که در نظام‌های دلالتی در یک لحظه‌ی خاص وجود دارند. در این مقاله با دیدگاه تحلیلی نسبت به مفاهیم و مولفه‌های نشانه‌شناسیک می‌نگردد و با استناد به این مفاهیم و نظریات سعی دارد که به کمک تحلیل ساختارها بر اساس مناسبت‌ها و روابط همنشینی و جانشینی به خوانش لایه‌های مختلف متن (معماری بافت) در بافت تاریخی کرمان در محله‌های مورد نظر بنگردد. نوع اطلاعات مرتبط با موضوع بر پایه زمینه‌های تاریخی، تفسیری و به ویژه کالبدی می‌باشد. ضمن بهره‌گیری از این اطلاعات از گونه تحقیق استدلالی - منطقی نیز در تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری

نمود مؤلفه‌های سه گانه پیرس در رویکرد نشانه‌شناسی

برخی نظریه پردازان دانش نشانه‌شناسی همچون چارلز سندرز پیرس^{۱۰} اعتقاد دارند که «تنها در پرتو نشانه‌هاست که می‌توان اندیشید و تفکر بدون نشانه امکان پذیر نمی‌باشد». یکی از موارد طبقه بندی نشانه که هنوز به طور گسترده‌ای در مطالعات نشانه‌شناختی به آن ارجاع می‌شود، طبقه بندی سه گانه‌ای است که پیرس ارائه کرده است. پیرس، خود این طبقه بندی را بنیادی‌ترین تقسیم بندی نشانه‌ها می‌داند (Peirce, 1937-58: 564). پیرس معتقد است سه نوع نشانه وجود دارد:

۱. **نشانه‌های شمایی**^{۱۱}؛ آن دسته از نشانه‌هایی که رابطه بین دال و مولول، مبتنی بر تشابه است. یعنی دال از برخی

جهات (شکل ظاهری، صدا، احساس) مشابه مدلول است و یا آن را تداعی می کند.

۲. **نمادها یا نشانه‌های نمادین**^{۱۴}؛ آن دسته از نشانه‌ها هستند که در آن دلالت کننده (دال)، هیچ شباهتی با مدلول ندارد. در واقع «میان صورت (دال) و معنایش (مدلول)، رابطه‌ای قراردادی برقرار است» (ضمیران، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۳. **سومین گروه از نشانه‌ها که از آنها به نشانه‌های نمایه‌ای**^{۱۵} تعبیر می‌شود، آنهايي هستند که مناسب دال و مدلول در آنها رابطه‌ای است علت و معلولی. برای مثال نشانه‌های طبیعی (دود، جای پا)، نشانه‌های پزشکی (درد، ضربان) و شاخص‌هایی در زبان (ضمایر شخصی، قید مکان) و ... نمونه‌هایی از نشانه‌های نمایه‌ای هستند که دلالت از نوع رابطه علت و معلولی است و نه قراردادی.

آنچه لازم به ذکر است اینکه: «نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیر پذیر می‌باشند» (Chandler, 2008: 227). تولید و تفسیر متون به وجود رمزگان^{۱۶} یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته، بستگی دارد. منظور از رمزگان، مجموعه نشانه‌هایی است که میان ارسال کننده پیام و دریافت کننده آن پیوند برقرار می‌کند. «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند» (Chandler, 2009: 221). بر اساس طبقه بندی پیرس، سه نوع رمزگان در دانش نشانه شناسی قابل تعریف می‌باشد که عبارتند از «رمزگان علمی (منطقی)، اجتماعی و زیبایی شناختی» (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). ویژگی‌های رمزگان سه گانه و دامنه کاربرد آنها در جدول ۱ مشاهده می‌گردد. بر پایه جدول آنچه بستر اصلی این نوشتار بر آن استوار است، نشانه‌های شمایی و نمادین و در نتیجه، رمزگان‌های زیبایی شناختی و اجتماعی است که ماهیتاً با دانش معماری قرابت بیشتری دارند.

جدول ۱. شاخص‌های رمزگان‌ها؛ ماخذ: ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲

شاخص‌های رمزگان‌های منطقی
ماهیت: بر اساس نظامی از اصول بدیهی دامنه کاربرد: باز نمایی عینی یک ساختار پیچیده انواع رمزگان: نظام‌ها، علامتی، قوانین و برنامه‌های آموزشی
شاخص‌های رمزگان‌های زیبایی شناختی
ماهیت: غالباً منش شمایی دارند و با آفرینش همراهند و نشأت گرفته از تجربه احساسی هستند دامنه کاربرد: انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و موضوع انواع رمزگان: هنر، معماری، نقاشی و ..
شاخص‌های رمزگان‌های اجتماعی
ماهیت: موضوع در قالب نشانه، هویت خود را مشخص می‌کند، نشأت گرفته از تجارب منطقی و احساسی دامنه کاربرد: سازمان دهی جامعه و فرهنگ انواع رمزگان: آئین‌ها، مراسم و ...

۴. باز نمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در تحلیل متن معماری

هر متن اجتماعی به (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی^{۱۷} به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهنده متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمز گشایی^{۱۸} و معنا سازی برای متن، همت می‌گمارد. بر پایه دانش نشانه شناسی، هر اثری به مانند یک بنای معماری به مثابه یک متن است که خوانش آن عبارت است از:

تأویل نشانه‌های آن توسط کاربر فضا. از این منظر «معماری نیز نوعی زبان است» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۵۳۱) و از آنجا که «زبان نظامی است از واژه‌های وابسته به هم» (Saussure, 1966: 774)، یک اثر معماری متنی است که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل دهنده بنا بوده که ضمن وابستگی معنایی به هم از طریق رمزگان‌های زیبایی شناختی و اجتماعی - فرهنگی، پیام خود را انتقال می‌دهند. معماری، یک متن لایه‌ای فضایی است و مانند هر متن دیگر در دنیای امروز، دارای مضامین و معناهای متعدد است. مخاطب با سفر در این متن / بافت، با توجه به زمینه‌های فرهنگی خود و بستر فرهنگی طرح معماری، به معنا سازی برای طرح می‌پردازد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی - شناختی و ... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرآیند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، لایه‌های سیستمی: لایه کارکردی، اقتصادی، زیبایی شناختی، اجتماعی، فرهنگی، زمان و لایه معنا به صورت روابط همنشینی و همزمانی بایکدیگر، متن لایه گون معماری را شکل می‌دهند.

۴.۱. روابط همنشینی و جانشینی در خوانش متن معماری (معماری به مثابه متن)

بر اساس مباحث پایه‌ای دانش نشانه‌شناسی، یک متن (اعم از یک متن ادبی یا یک اثر هنری)، محصول دو جریان کلی به لحاظ چگونگی ترکیب و ترتیب عناصر سازنده آن می‌باشد که معنا، مفهوم و کارکرد آن را بنیان می‌دهد؛ که عبارتند از روابط همنشینی و جانشینی (که به لحاظ زمانی می‌توان از آنها به روابط همزمانی^{۱۹} و روابط در زمانی^{۲۰} تعبیر نمود). روابط همزمانی در دانش نشانه‌شناسی آن دسته از روابطی است که ناظر بر ترکیب زمانی عناصر یک متن می‌باشد. مقصود از روابط همنشینی در واقع شیوه‌های متفاوتی است که عناصر درون یک متن را به هم می‌پیوندد. «روابط همنشینی اهمیت روابط جزء به کل را برجسته می‌کنند» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۵۷). سوسور می‌گوید، «کل وابسته به اجزاء است و اجزاء وابسته به کل» (Saussure, 1987: 126). «روابط جانشینی

می‌توانند هم در سطح دال و هم در سطح مدلول عمل کنند» (Chandler, 2009: 127). مجموعه عناصر جانشین، مجموعه‌ای از دال‌ها یا مدلول‌های مرتبط با هم است که اعضای آن همگی عنصری از یک مقوله معین و متفاوت می‌باشند.

نکته حائز اهمیت این بحث آن است که هم مناسبت‌های همنشینی و هم مناسبت‌های جانشینی، در شکل‌گیری سامانه جامع معماری متن‌وار، مؤثر و در تعامل با یکدیگر می‌باشند. هر متنی قبل از آنکه محصول آفرینش فردی مؤلفی باشد، نتیجه عملکرد پیچیده شبکه‌ی رمزگان‌های فرهنگی می‌باشد، که هم وجه، در زمانی دارند و هم وجه همزمانی، و همچنین روابط بنیامنتی است که آن متن را به تاریخ انباشته فرهنگ در حقوق دیگر مرتبط می‌سازد. به این ترتیب «هر متن، پیوسته در نظامی از روابط همنشینی با لایه‌های دیگر و مجموعه‌ای از روابط جانشینی با تاریخ خود، متون دیگر و فرهنگ قرارداد» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵). بازخوانی رمزگان‌های اجتماعی و زیبایی شناختی آن بایستی بر پایه روابط بنیامنتی صورت پذیرد. بنابراین سامانه یک متن وبه طور خاص یک اثر معماری متن وار و فضای شهری، بیانگر ارتباطی است که بین لایه‌های متنی می‌تواند برقرار شود و بسته به چگونگی بر هم کنش لایه‌ها، سازمان درونی و بیرونی آنها، این ارتباط می‌تواند بافت ساز باشد یا بافت زدا. برای مثال در مقایسه تطبیقی نحوه ارتباط و پیوستگی محله‌ها در گذشته و محله‌های امروزی شاهد، جایگزینی تدریجی رمزگان‌های اجتماعی - فرهنگی و زیبایی شناختی، عنصری واسط به نام مرکز محله در سیری در زمانی بود که این اتفاق فضایی نهایتاً به غیاب عنصری به نام مرکز محله یا میدان محله‌ای که در آن دانه بندی‌های فضایی، عناصر و اجزاء آن با هماهنگی بی‌نظیری، چیدمان شده‌اند، منجر می‌گردد.

۵. ویژگی‌های کلی بافت تاریخی کرمان

ساختار فضایی معماری محله‌ها، مرکز محله‌ها، بازارها، حمام‌ها، مساجد و دیگر بناهای عمومی و خصوصی، حیاط‌های بزرگ و کوچک و معابر، بافت بسیار منسجمی را به وجود آورده‌اند. در

یک کلام ما با ساختارهای محکم روبرو هستیم. «در جوامع سنتی این چهار نظام: فضا، مفاهیم، ارتباطات و زمان وحدت بیشتری داشتند و همسازتر بودند» (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۳). ارتباط لایه‌های کارکردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ...، بافت منسجم و پویایی را برای حیات آدمیان فراهم کرده است. محله‌های پامنار، بازار شاه و ناصریه، از قدیمی‌ترین و منسجم‌ترین محله‌های کرمان می‌باشند که دارای عناصر، بناهای ارزشمند و مرکز محله‌های پویا در زمان خود بوده‌اند. این محله در فاصله‌ای نه چندان دور از مرکز شهر و راسته بازار اصلی قرار داشته و در ارتباط با بازار و فعالیت‌های پیرامونی آن، بوده‌اند (شکل ۱ و ۲، محله‌ها در قدیم و بافت جدید).



شکل ۱. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۳۵)



شکل ۲. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۹۴)

۶. همگرایی و همنشینی در خوانش لایه‌های بافت

مطابق به چارچوب نظری و مباحث نظری نشانه‌شناسی ارائه شده در بخش‌های قبل، می‌توان چنین استنباط نمود که از منظر نشانه‌شناختی،

آنچه سبب گردیده تا بافت تاریخی کرمان در برش تاریخی مربوط به زمان خود کارا باشد، این است که لایه‌های متنی سامانه، در ارتباطی بافت ساز با یکدیگر قرار داشته و برآیند این ارتباط که متأثر از مناسبات همزمانی و در زمانی مربوط به خود بوده است، فرآیندی همافزا تلقی شده است. به این معنا که اجزای مختلف سامانه بافت تاریخی کرمان، اعم از اجزای ساختاری، کارکردی، اجتماعی - فرهنگی، زیبایی‌شناختی، معنایی و غیره در رابطه نحوی و نظام‌مند با یکدیگر قرار داشتند و منجر به آفرینش بافتی پویا و منسجم در عین زیبایی و عملکردگرا بودن آن شده‌اند.

۶.۱. نشانه‌شناسی فرهنگی بافت

نشانه‌شناسی فرهنگی، نشانه‌ها را در ارتباط با روابط فرهنگی و مناسبات انسان‌ها بررسی می‌کند. «نشانه‌شناسی، چیزها و کنش‌های درون یک فرهنگ را نشانه می‌پندارد و از این راه درصد است تا قوانین و مقرراتی که اعضای آن فرهنگ، خودآگاه یا ناخودآگاه، پذیرفته‌اند و با آن‌ها به پدیده‌ها معنی داده‌اند، تشخیص دهد» (Culler, 2007: 35). در طرح معماری بافت محله‌های مورد مطالعه نیز، هر عنصر مادی (اجزاء تشکیل دهنده بافت و بنا) یا هر ساختار فضایی (فضا سازی و تحمیل کنش‌های مشخص انسانی در آن فضا) در متن / بافت، دل‌هایی را در پی دارد که با ساخت فرهنگی زمینه اثر، در ارتباط متقابل است. به تعبیر امبرتواکو^۲، «کارکردهای اشیاء در معماری به جز دلالت عین یا یک به یک خود، می‌توانند به واسطه ایدئولوژی خاصی، دلالت ضمنی هم داشته باشند» (Eco, 1997: 187). دلالت‌های عینی بیشتر بر اساس لایه فایده، عملکرد، سهولت و تعریف جهانی شکل می‌گیرند، ولی دلالت‌های ضمنی بیشتر مسئول انتقال احساسات و ارتباط‌های انسانی و طرح لایه‌های ایدئولوژی ویژه هستند.

بافت محله‌ها در کرمان به دلیل دارا بودن ریشه‌های اعتقادی و مذهبی، ایدئولوژی خاصی را طرح می‌کند. در واقع محرمیت بافت محله ای مطرح است که از لایه برون به فضای درونی عناصر معماری و بناها انتقال داده می‌شود. به این معنا که هرچه

از بیرون بافت به درون بافت، مرکز محله‌ها، فضا های خصوصی و عمومی بناها وارد می‌شویم؛ جزئیات، عناصر تزئینی و حریم‌های خانواده و اهالی آنها بیشتر و پر رنگ‌تر می‌شود. به تعبیری نشانه شناختی، هر نشانه بافت و بنا به عنوان رمزگانی با دلالت ضمنی، ایدئولوژیک یا اجتماعی- فرهنگی، در رابطه همنشینی ویژه‌ای با رمزگان‌های کارکردی و دیگر رمزگان نحوی قرار می‌گیرد.

۶.۲. ساختار هزارتویی لایه‌ای بافت

لایه مربوط به فرم و ساختار هندسی بافت، عمدتاً در تعاملی هم افزا با لایه مربوط به نظام ایدئولوژیک زمان خود می‌باشد و همزمان به لایه نیازهای اقلیمی نیز پاسخی مناسب و بافت ساز ارائه می‌دهد، در حقیقت «رمزگان نحوی»²¹ منطق همنشینی دانه بندی بافت را، در نظر دارد. به این معنی که «عناصر معماری بر اساس منطق خاصی در رابطه همنشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کنند» (Eco, 193: 1997). مانند رابطه کوچه با خانه‌ها، کوچه با مرکز محله، ورودی با حیاط و کالبدهای معماری با کاربری‌های متفاوت در همجواری یکدیگر. در واقع اساس کار، ساختار لایبرنتی (هزار تویی) می‌باشد. در ساختار هزار تویی، کوچه‌ها پر از پیچ و خم‌اند و هیچ جا نمی‌توان ایستاد و تا انتها را دید. در معماری محله‌ها، تظاهر بیرونی کمتر وجود دارد و همه شکوه و توجه به درون است. ساختار پیچیده کوچه‌ها علاوه بر حریم‌ها، بحث کنترل باد را به عهده دارد. همچنین طی کردن این مسیر و ناظر بودن بر پرسپکتیوهای متفاوت و زیبا که گاه‌ها چهره آسمان کم می‌شود و دوباره پیدا می‌شود و در نهایت رسیدن به خانه و یا مرکز محله که فضایی به تمام معنا با شکوه و عملکردی را پدید می‌آورد. همنشینی چنین لایه‌هایی (کارکردی، اقلیمی، زیبایی شناختی و اجتماعی- فرهنگی)، بافت ساز بودن را به همراه دارد.

۶.۳. جهت حرکت در نشانه‌شناسی معماری محله‌ها: از بیرون به درون، از حاشیه به مرکز

یکی از مباحث اصلی نشانه شناسی (به ویژه نشانه شناسی معماری) حرکت درون یک متن است. حرکت درون فضای معماری نه تنها کارکردی ابتدایی و فایده گرا دارد، بلکه در سطح‌ها و رمزگان‌های اجتماعی- فرهنگی و زیبایی شناختی مطرح است. در نشانه شناسی معماری، «متأثر از نظریات فردینان دوسوسور»^{۲۲}، تقابل بین بیرون و درون را در قیاس با تقابل دال و مدلول قرار داده‌اند» (Noth, 1995: 437). به این ترتیب، آنچه تلقی ما از بیرون بافت ویژگی فیزیکی نشانه است و آنچه درون بافت محله‌ها و درون بناها می‌بینیم، ویژگی ذهنی نشانه است. در حقیقت نشانه از لایه بیرون به درون، حرکت به سوی مدلول است که وجه ذهنی و معنایی نشانه و عمق متن را رهبری می‌کند. آنچه لازم به ذکر است اینکه به غیر از تقارن، رعایت وزن و تناسب، نظام خاص حرکتی از لایه‌ای به لایه دیگر حاکم است. حرکت از بیرون بافت و محله شروع می‌شود و هر آنچه دیده می‌شود، دیوارهای یکدست و بلند ساده‌ای، که کمتر روزه‌ای دارند و نظم لایه‌ای و ارتباطی است که با آن می‌توان به هر نقطه دلخواه از فضا رسید. همه نگاه‌ها، معطوف به مرکز محله و حیاط خانه‌هاست. هر چه هست گذر از لایه‌ای به داخل لایه‌ای درونی، که ساختار اصلی است.

۶.۴. تقابل لایه‌ای بیرون و درون بافت

تکثر و تنوع فضاها و کاربری‌هایی با کارکردهای متنوع در محله‌های کرمان کاملاً مشهود است. این کارکردها را در سه بخش می‌توان طبقه‌بندی کرد: «فضاهای عمومی» مانند: مساجد، تکیه‌ها، حمامها و ...؛ «فضاهای خصوصی» به مانند: خانه‌ها و فضاهای درون خانه همچون: شاه نشین، پنج دری، تالار و ...؛ «فضاهای میانی» که در واقع ما بین فضاهای عمومی و خصوصی قرار می‌گیرند. اگر از بیرون بافت به درون بافت حرکت کنیم، فضاهای میانی یا واسط، بین دو قطب دیگر وجود دارند که اتفاقاً به دلیل واسط بودن به گونه‌ای پارادوکسی،

هم این دو قطب را تهدید می‌کنند و هم فاصله بین آنها را حفظ می‌کنند. به بیانی دیگر، حرکت از لایه‌های بیرونی با ساختار و هویت خاص خود به لایه‌های درونی با ساختار و هویت خاص دیگر، از طریق لایه‌های میانی، در متن/ بافت محله‌ها صورت می‌گیرد که همگی آنها برای تشکیل بافتی با ساختارهای متفاوت الزامی می‌باشد. با توجه به آنچه ذکر شده، ذکر این نکته ضروری است که منظور از هم افزایی و بافت ساز بودن لایه‌ها، ارتباط تمامی لایه‌ها اعم از ایدئولوژیک، کالبدی، اقلیمی و اجتماعی و ... به نحوی کارآمد در ساخت و تعریف هویت بافت/ متن معماری می‌باشد. در جدول زیر شاخص‌های لایه‌های رمزگان در آفرینش بافت، سه محله مورد مطالعه در کرمان بیان شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. خوانش بافت محله‌های مورد مطالعه در گذشته، از منظر نشانه‌شناختی و لایه‌های رمزگان؛ ماخذ: نگارنده.

لایه رمزگان	عنوان	مصادیق شاخص‌ها	محله پامنا	محله بازارشاه	محله ناصریه
اجتماعی فرهنگی	میان شالوده‌ای	اجتماعی و فرهنگی	اتحاد محلی، اجتماع قانون مدار و ارزش مدار		
		مذهبی	اعتدالی ساختاری، تبیین ارزش‌ها		
		آموزشی	نهادمحوری، هم‌سویی آرمانی		
		اقتصادی	رشد، ارزش افزوده		
زیباشناسی	کالبد معماری	تعلق اجتماعی، انسجام، وجود نمادها، هنجارهای خاص، ساختار و نظم اجتماعی و سیاسی و حس تعلق، بافت ساز بودن محله را موجب شده است.			
		فرم	منسجم، سلسله مراتب از کل به جزء، توجه به درون		
		تناسبات	توجه به نیازهای انسانی، همخوانی با محیط و کالبد مجاور		
		تزئینات	پرهیز از شمایل‌گرایی، متأثر از لایه‌های ایدئولوژیک اسلامی		
	معنا	ساختار هندسی	ساختار هزارتویی، نظم در بی‌نظمی		
		دلالت‌های مستقیم	فرم و کالبد بیان کننده نوع کاربری		
		دلالت‌های ضمنی	اشاره به نمادها، تشبیهی و ارجاع به طبیعت		
		ترندهای بلاغی	نگاره‌ای، انتزاع و خلاقیت در شکل و جزئیات عناصر		
		روابط بنیامینی	تقابل درون و برون، حرکت از بیرون متن به درون متن، تفسیر معانی متفاوت متن / بافت		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۱۳۵

۷. انسجام‌زدایی سامانه بافت محله‌های معاصر کرمان

متن/ بافت، همانطور که گفته شد، شبکه‌ای باز است و متشکل از لایه‌های متنی متفاوت که خود حاصل رمزگان متفاوتند. از آنجا که معماری به مثابه متن «حاصل عملکرد نظام‌های مختلف نشانه‌ای است» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳) و با بسیاری از شاخص‌های دیگر فرهنگی، اجتماعی، ساختاری و غیره در تبادل سامانه‌ای می‌باشد، «در طول حیات در زمانی‌اش دچار تغییراتی می‌شود که ناشی از دگرگونی‌های فرهنگی، تغییر در ساختارهای اجتماعی و نظام‌های ارزش و معناست» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳). اما این رابطه و تبدلات سامانه‌ای متقابل بین لایه‌های نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ساختاری، زیباشناسی و ایدئولوژیک آنگاه می‌توانند در متن/ بافت معماری، هم‌افزا گردند که کلیت و ساختار بافتی منسجم و پویا را آفریده و آن را تقویت و حفظ نمایند. لیکن در ادامه به مواردی اشاره خواهد شد که نشان می‌دهد که در بافت محله‌های امروز به دلیل به هم خوردن نظام لایه‌های ذکر شده، شاهد رویکردی تخریبی می‌باشیم که این امر سبب بروز اغتشاش سامانه‌ای بافت و در نهایت ناکارایی محله‌های امروزی در بافت را موجب گردیده است. نمونه اولی که برای این تغییرات در زمانی (از نوع مخرب) می‌توان به آن استناد نمود، تغییرات فضایی در نظام محله و مرکز محله می‌باشد. به این معنا که با بهم ریختن نظام لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ساختار محله به هم می‌ریزد. توضیح آنکه در نظام محله‌ای سنتی، نظام

فضایی به نحوی می‌باشد که همنشینی فضاهای عمومی، مرکز محله و فضاهای خصوصی همچون خانه‌ها، کوچه‌ها، هماهنگ و هم‌افزا می‌باشد و انسجام کلیت متن / بافت، پاسخگوی نیازهای فضایی، اجتماعی خود می‌باشد. در حالی که در محله‌های امروزی، به دلیل تغییرات در زمانی مرز بین محله‌ها و فضاهای عمومی و خصوصی از بین رفته و در واقع ماهیت محله و دانه‌بندی عناصر آن دچار اغتشاش شده است. دلایل آن را می‌توان به:

۱. نفوذپذیری به مرزهای محله‌ها به علت الزامات شهرسازی (به مانند خیابان‌کشی و عبور پل و ...)

۲. تغییر ماهیت مرکز محله از یک فضای پویا و کارآمد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی به تقاطع‌ها و پارکها

۳. ورود تکنولوژی نوین ارتباطی و اطلاعاتی

۴. عدم توجه به اقلیم و دانه‌بندی صحیح و متوازن در بافت / متن محله و در نهایت عدم توجه به

انسجام و یکپارچگی محله‌ها

۵. نادیده گرفتن پتانسیل‌های محله‌ای و در نهایت به بی‌هویتی درون محله‌ای اشاره کرد.

نمونه دومی که برای این تغییرات می‌توان اشاره کرد، برخی تغییرات فضایی خانه امروزی می‌باشد. در نظام لایه‌ای مسکن سنتی در گذشته، ترکیب فضایی به گونه‌ای بود که همنشینی لایه‌های فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی با سایر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی متن / خانه، در برش تاریخی خود، همسو و هم‌افزا است. در حالی که در نظام الگویی معاصر خانه در بافت، حریم سکونت و در حقیقت حجاب سکوتی بافت، به دلیل به هم ریختن لایه اجتماعی - اعتقادی، معنایی دیگر یافته است (جدول ۳).

جدول ۳. مقایسه الگوی فضایی گذشته و معاصر محله‌های مورد مطالعه؛ ماخذ: نگارنده

الگوی فضایی زمان	فضای عمومی باز	فضای خصوصی باز	فضای عمومی بسته	فضای عمومی نیمه بسته	فضای خصوصی بسته
گذشته بافت	میدان محله	مرکز محله	مسجد، تکیه، حمام و ...	ساباط، دالان‌ها	حیاط‌های اندرونی و بیرونی
وضع موجود	ندارد	پارک‌ها	مسجد	ندارد	بصورت مشاع

نمونه سومی که برای این تغییرات نظام لایه‌ای می‌توان به آن استناد کرد این است که به دلیل روابط در زمانی شکل گرفته در طی زمان، کاربری‌های محله همانند مساجد و بخصوص خانه‌ها در چهره بیرونی خود، به عنصری بصری دارای ارزش مادی تبدیل شده است. در حقیقت کیفیت منظر ذهنی و درونی به منظر عینی و بیرونی تبدیل شده است. به این معنا که برخلاف الگوی غالب در عناصر محله در گذشته که غالباً توجه به درون اهمیت داشت و آدمیان با سلسله مراتبی پیچیده و هماهنگ با بازی نور و سایه‌ها در پیچ و خم کوچه‌ها (که هم کارکردی بود و هم اقلیمی)، با سرزندگی به عرصه خصوصی خود نزدیک و وارد می‌شدند. به گونه‌ای دیگر شأن و اعتبار منظر خانه و بناهای دیگر محله در لایه‌های خصوصی‌تر خود را به نمایش می‌گذاشت. اما برآیند این عوامل و لایه‌ها در سیر در زمانی خود سبب شد تا چهره بیرونی عناصر بافت اهمیت بیشتری پیدا کرده و در مواردی، خانه‌های امروز بافت به عنصری بصری تبدیل شده است. این عنصر بصری گاهی جهت نمایش شئون اجتماعی مالک نیز می‌باشد. این تغییر حالت در واقع

در مناسبات در زمانی، به متن/ بافت اضافه شده و رویکردی تقابلی دارد نه هم افزا و بافت ساز.

نمونه چهارم برای بیان این واپاشی و به هم ریختگی در لایه های بافت محله های معاصر، عدم انتقال پیام و مفهوم و در واقع عدم وجود مبانی نظری از جانب فرم ها و کالبد بناهای جدید می باشد که منجر به ناسازگاری صورت و محتوا شده است. دلیل آن را می توان به عدم توجه و عدم هماهنگی لایه های تشکیل دهنده بافت از جمله، عدم تناسب لایه های هندسی با لایه های کارکردی، عدم تناسب الگوهای فرم با عملکرد، عدم تناسب الگوی مصالح با کاربری و بافت همجوار، عدم تناسب الگوی برنامه ریزی کالبدی معماری بناها با نیازهای اجتماعی ساکنین و غیره اشاره کرد. در واقع تمامی این عوامل منجر به عدم خوانایی و ظهور معنا و مفاهیم در فرم ها و کالبد جدید می گردد. آنچه لازم به ذکر است، اینکه با ذکر مواردی از ناسازگاری و تغییرات در زمانی و هم زمانی در طی زمان در ساختار معماری بافت محله ها، شاهد عدم انسجام و همگنی می باشیم. در واقع با به هم ریختن شاخصه های لایه های رمزگان تشکیل دهنده بافت، با ساختار و متنی بافت زدا، روبرو هستیم که نه کارکردی است و نه مفاهیمی را از زمانه خود به مخاطب خود انتقال می دهد.

۸. نتیجه گیری و جمع بندی

بر پایه آنچه بیان شد، هر متن/ بافت معماری، از لایه های متعدد و هم نشین با یکدیگر تشکیل شده که می توان نشانه های سازنده بافت تاریخی را در تحلیلی نشانه شناختی همچون یک متن، بازخوانی نمود. محله های تاریخی کرمان دارای ساختار و بناهایی هستند که در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می کنند. خلاف معماری و طراحی

شهری سرگشته امروزی ایران، در این بافت ها، شاهد مهارت خاصی در استفاده از عناصر معماری و رمزگان ها هستیم تا علاوه بر کارکرد ابتدایی در چند سطح؛ رمزگان های اجتماعی - فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی و معنایی با فرهنگ مردمی که در آنها سکنی داشته اند و در سطح کلان تر با اجتماع، در هماهنگی تمام می باشند. سامانه های متن/ معماری از جمله متن/ محله های مورد مطالعه ضمن اینکه حاصل رمزگان های مختلف می باشند، متأثر از مناسبات هم زمانی و در زمانی بین لایه های معماری (ساختار، ارتباطات فضایی، ترکیب احجام، پیکره بندی و غیره) و لایه های فرامعماری (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیبایی شناختی و غیره) می باشند که می توانند در راستای روابط هم نشینی و جان شینی، یکدیگر را تقویت یا تخریب نمایند. نتیجه همسو بودن این لایه ها، هم افزایی در سامانه متن/ بافت محله ها خواهد بود که به انسجام بیشتر و پویایی آن منجر خواهد شد؛ همچنانکه طبق شواهدی که به آنها اشاره گردید، این هم افزایی، ارتباط لایه ها در بافت های تاریخی کرمان و بخصوص در محله های مورد مطالعه، سبب ایجاد بافتی یکدست و هماهنگ و در عین حال کارکردی شده است. اما چنانچه تعادل و ارتباط بین لایه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کارکردی، معنایی، زیبایی شناختی و ...، در معماری و ساختار محله ای امروز از بین برود و لایه های متن/ بافت، نسبت به هم نقش غیرهمگن و منفی ایفا کنند، نتیجه آن عدم انسجام و واپاشی سامانه بافت محله ای امروزی خواهد بود. در جدول شماره (۴)، روابط و شاخص های لایه ها در گذشته (بافت ساز بودن و انسجام محله ها) و در امروز (عدم انسجام و واپاشی محله ها) با هم قیاس شده اند.

جدول ۴. مقایسه شاخص‌ها و زیرلایه‌های رمزگان در ساختار شکل گذشته و معاصر محله‌های مورد مطالعه

لایه رمزگان	نمونه‌های موردی شاخص‌های زیر لایه‌ها	محله پامنار در گذشته	محله پامنار در بافت معاصر	محله بازار شاه در گذشته	محله بازار شاه در بافت معاصر	محله ناصریه در گذشته	محله ناصریه در بافت معاصر
اجتماعی - فرهنگی	رابطه با بافت	رابطه هم‌هنگ، تعلق اجتماعی	رابطه متضاد، عدم انسجام	رابطه هم‌هنگ، انسجام	رابطه متضاد	رابطه هم‌هنگ	رابطه متضاد
	روابط درون فرهنگی	توجه به قراردادهای اجتماعی و مذهب	از میان رفتن مفاهیم ضمنی	توجه مستقیم به قراردادهای اجتماعی، ارزشهای دینی	عدم توجه به روابط انسانی، مدنی	نهادی انسانی - مدنی، توجه به توافق ضمنی	عدم توجه به قراردادهای اجتماعی و روابط اجتماعی
	زیست محیطی	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری
	اقلیم و بوم	همسو با اقلیم، معماری بومی	عدم بهره‌گیری مناسب از نور	همسو با اقلیم، معماری بومی	جهت‌گیری نامناسب بناها، عدم بهره‌گیری از اقلیم	همسو با اقلیم، معماری بومی	عدم بهره‌گیری از نور مناسب، سایه‌اندازی روی بناها

اجتماعی - فرهنگی

زیبایی شناختی	حجم	خالص، کوتاه	نامنظم، بیان مدرن، بلند	خالص، کوتاه	بیان مدرن احجام	خالص، کوتاه	نامنظم، بلند
	فرم	منظم، حیاط مرکزی	نامنظم، ناهماهنگ با محیط	منظم، حیاط مرکزی	توجه به برون	منظم، حیاط مرکزی	توجه به برون، عدم انسجام
	تناسبات	هندسی، همخوان با نیازهای انسانی	بیان جدید از هندسه‌ای بدون تعریف	همخوانی با محیط مجاور کالبد	توجه به هندسه مدرن و بی‌نظمی	هندسی، منظم، همگن با کالبد مجاور	هندسه مدرن، عدم توجه به نیازهای انسانی
زیبایی شناختی	فضا	انسانی	غیرانسانی، عدم تشخیص کاربری از برون	انسانی	توجه به شکل و فرم، عنصری بصری	انسانی	عدم تشخیص کاربری از بیرون، غیرانسانی
	آرایه‌ها	پرهیز از شمایل‌گرایی، توجه به ایدئولوژی زمانه	بدون تزئینات	انتزاعی و متأثر از ایدئولوژی زمانه	عدم تعریف زیبایی	انتزاع و هماهنگی با اعتقادات، هنر و متأثر از مذهب	بیانی مدرن از زیبایی
	خط آسمان	تعریف خط آسمان و قاب‌بندی آن	عدم تعریف	خط آسمان سه بعدی، تعریف از طریق آرایه‌های (قطاره بندی)	عدم تعریف	تعریفی سه بعدی، قاب‌بندی آسمان	عدم تعریف

کارکردی	کارکرد بنا	نظام مناسب	نامناسب، تقابل فضاها	بسیار مناسب	نامناسب، عدم سازگاری کالبد و کاربری	بسیار مناسب	عدم سازگاری کالبد و کاربری
	رابطه اجزاء و کارکرد	همهانگ، روابط متعادل اجزاء	عدم سازگاری	همهانگ	عدم سازگاری	همهانگ	عدم سازگاری
معنا	ترفندهای بلاغی	انتزاع، خلاقیت نگاره‌ای، اشاره به طبیعت	غیرمستقیم نگاره‌ای، توجه به خودنمایی	نگاره‌ای، انتزاعی، اشاره به طبیعت	عدم خلاقیت، خودنمایی در بیان مصالح	خلاقیت، انتزاع نگاره‌ای	عدم توجه به انتزاع و خلاقیت
	معناسازی	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه کل به جزء و فرم و کالبد در بافت	عدم تعریف مفاهیم و معنا در ساختار جدید	بیان رمزی مفاهیم و معنا در شکل‌ها و ساختار هندسی بافت	تعریف نامناسب از رابطه کل به جز در مفاهیم و رابطه فرم و معنا	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه فرم و کالبد	عدم دلالت مستقیم در رابطه فرم و معنا
	روابط بینامتنی	حرکت از بیرون به درون متن / بافت	عدم تفسیر معانی	تقابل درون و بیرون، تفسیر معنایی متفاوت در متن / بافت	عدم تعریف معنا	تفسیر معانی متفاوت در متن / بافت	عدم روابط بینامتنی

مقاله حاضر با اهدافی چندگانه نگاشته شده است؛ نخست اینکه، سعی بر این بود که در ادبیات نقد معماری ایران، روش نقد نشانه‌شناسی به گونه‌ای قابل فهم و دور از نظریه پردازیه‌های پیچیده معرفی شود. دوم اینکه، به اعتقاد نگارنده، بافت تاریخی کرمان و به خصوص محله‌های آن با اهمیتی که دارند، هنوز به عنوان پیکره منسجم، مفهومی مورد خوانش دقیق قرار نگرفته‌اند و تلاش شد که با روش نشانه‌شناختی به این مهم نزدیک شد. سوم اینکه، رهیافت مشخصی که بر پایه مباحث تحلیلی این مقاله برای اصلاح سامانه‌ای بافت و محله‌ای امروز کرمان از منظر نشانه‌شناختی استخراج نمود بر این اصل اساسی استوار است که «ارتباط لایه‌های متن / بافت، محله‌های کرمان - ایران، آنگاه هم‌افزا و منسجم خواهد بود

که مسائل و موارد مربوط به هر یک از لایه‌ها را با توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سایر لایه‌ها و در رابطه‌ای همسو و وحدت‌گرا، مورد خوانش قرار داده و حل نماییم». به بیانی دیگر آنچه سبب گردیده که در بافت محله‌ای معاصر کرمان، شاهد افول و به هم ریختگی و اغتشاش باشیم، آن است که مسائل مربوط به هر یک از لایه‌ها، نظیر لایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ساختاری، عملکردی و غیره را به صورت منفصل و بی‌رابطه با سایر لایه‌ها حل نماییم. غافل از اینکه به محض فرعی قرار دادن لایه‌ای و عدم هم‌نشینی لایه‌ها با هم، به اغتشاش و عدم انسجام و پویایی بافت محله‌ای، دامن زده‌ایم و نتیجه آن علاوه بر ساختار بی‌نظم و بی‌مفهوم، عدم آرامش و رضایت ساکنان را از فضای زندگی به همراه دارد. بنابراین طبق این نگاه، هر یک از لایه‌ها، هویتی منحصر به فرد و خودبسنده دارند. از این رو فرآیند حل تمامی مسائل آنها، تنها در ارتباط آنها با سایر لایه‌ها و رمزگان‌های آنها صورت می‌پذیرد. توجه توأمان به لایه‌های درگیر در طراحی و رمزگان‌ها، بازتابنده مفاهیم زیبایی‌شناختی با رویکردی اجتماعی - فرهنگی بوده که در عین پاسخگویی به نیازهای ساکنان، بافتی منسجم و وحدت‌گرا را رقم خواهد زد و تا زمانی که نوع نگاه انحصاری به لایه‌ها و عدم ارتباط آنها در رویکردهای حل مسائل سامانه معماری در متن / بافت، محله‌های کرمان حاکم باشد، مجموعه لایه‌های هم‌نشین، بافت ساز نخواهند بود و نظام‌های ساختاری، زیبایی‌شناختی و فرهنگی، سامانه‌ای وحدت‌گرایز را بنیان می‌نهند.

منابع و مأخذ

۱. آرنه‌ایم، رودولف، (۱۳۸۲)، پویه‌شناسی صورمعماری، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات سمت، تهران.
۲. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۶)، معماری ورازجاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات شهیدبهشتی، تهران.
۳. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ الف)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.
۴. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ب)، از نشانه‌های تصویری تا متن، نشر مرکز، تهران.
۵. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ج)، ساختار وهرمنوتیک، گام نو، تهران.
۶. اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، نشر ثالث، تهران.
۷. چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر، تهران.
۸. دباغ و مختابادمرئی، امیر مسعود و سید مصطفی، (۱۳۹۰)، تأویل معماری پسامدرن از نظر نشانه‌شناسی، مجله علمی-پژوهشی هویت شهر، شماره ۹، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۹. حقیقی، منی، گزینش و ویرایش، (۱۳۷۴)، سرگستگی نشانه‌ها، نشر مرکز، تهران.
۱۰. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر علم، تهران.
۱۱. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، تهران.
۱۲. دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، تهران.

چیست؟، ترجمه علی میر عمادی، نشر
ورجوند، تهران.

24. Agrest & Gandelsonas, Diana & Mario, (1995), "Semiotics and Architecture", Princeton Architectural Press, New York.
25. Arnheim, Rudolf, (1975), "The Dynamics of Architectural form:
26. Based on the 1975 Mary Duck Biddle Lectures at the Cooper Union", University of California Press, Berkeley.
27. Barthes, Roland, (1967), "Elements Semiology". Trans, A. Levers & C. Smith & Hill & Wang, New York.
28. Culler, Jonathan, (1981), "The Pursuit of Signs", Routledge, London.
29. Eco, Umberto, (1979), "A theory of Semiotics", Indiana University Press, Bloomington, Indiana, USA.
30. Eco, Umberto, (1979), 'Function and Sign: The Semiotics of Architecture in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory", Ed. By Neil Leach, Routledge, London.
31. Kristeva, Julia, (1980), 'Desre Language: A Semiotic Approach to Literature and Art" (New York: Columbia University Press.
32. Martin & Ringham, Bromwen & Feliztas, (2000), "Dictionary of Semiotics", Cassell, London & New York.
33. Nöth, Winfried, (1995), "Handbook of Semiotics", Indiana University Press, Bloomington and Indianapolis.
34. Peirce, Charles Sanders, (1931-

۱۳. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۱)، نشانه و نشانه شناسی؛ بررسی تطبیقی آرای سوسو، پیرس، اکو، مجله زیبا شناخت، ص ۸۳-۱۰۰، معاونت امور هنری وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

۱۴. ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.

۱۵. ضیمران، محمد، (۱۳۷۹)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، نشر هرمس، تهران.

۱۶. شیرازی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، نشانه شناسی معماری، مجله معمار، شماره ۱۶، تهران.

۱۷. صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، شکل گیری نشانه ها، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۱۸. فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.

۱۹. کالینسن، دایانا، (۱۳۸۵)، تجربه زیبا شناختی، مجموعه مقالات زیبایی شناسی و فلسفه هنر، ترجمه فریده فرودفر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۲۰. کالر، جاناتان، (۱۳۸۶)، فردینان دو سوسور، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.

۲۱. گیرو، پی یر، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشر آگاه، چاپ سوم، تهران.

۲۲. مهدوی نژاد و بمانیان و خاکسار، (۱۳۸۹)، هویت معماری، مجله هویت شهر سال پنجم شماره ۷، ص ۱۱۳-۱۲۲، علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲۳. یوهانسن ولارسن، یورگن دنیس و سونداریک، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی

- 58), "Colected Writings" (8Vols.) (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arture W. Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.
35. Saussure, Ferdinand de, ([1916] 1983): "Course in General Linguistics" (trans. Roy Harris), Duckworth, and London.
36. Walker, Paul, (1986), "Semiotics and the Discourse of Architecture", Thesis (Phd.Architecture), University of Auckland.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

مطالعه تطبیقی الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی با وضعیت ایران (با تأکید بر مدل‌های هانیگن، هرندل و براون، برول)

امیر ملکی - دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران.
صادق صالحی - دانشیار گروه جامعه‌شناسی محیط زیست، دانشگاه مازندران، ایران.
علی ربیعی - استاد گروه رسانه و ارتباطات، دانشگاه پیام نور، ایران.
رضا یازرلو* - دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور، ایران.

Comparative Study of Global Patterns of Environmental Discourse with the Situation in Iran (With emphasis on Hanygan, Herndel & Brown, Brulle models)

Abstract

Environmental protection and prevention of environmental events are among the most important programs of policy institutions in the world today, and therefore, environmental policies are prioritized by national and international institutions. In Iran, a series of parliamentary talks has been devised in the form of plans and bills to the environment. These negotiations are usually influenced by approaches that are called environmental discourses in environmental sociology. This paper attempts to examine the extent of compliance of the members of the Islamic Consultative Assembly with the global patterns of environmental discourse. The present study examines the negotiations of MPs through a qualitative approach. The method has been used to adapt the negotiations to the global patterns of environmental discourse, documentary and data quality analysis, means the documents and research data, including the talks of representatives of the seven sessions of the Islamic Consultative Assembly, were studied. The negotiation process of the delegates indicates that most of the negotiations are in line with the Brulle and then Hanygan patterns, and, in the end, with the Herndel & Brown model. But at the same time, there are talks that are influenced by the conditions of Iran and do not adapt to global patterns.

Keywords: Global environmental discourse, Islamic Consultative Assembly, Global Dialogue, Brulle, Hanygan, Herndel & Brown, Development and Renovation

چکیده

حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از مخاطرات زیست محیطی از مهم‌ترین برنامه‌های نهادهای سیاست‌گذاری در دنیای امروز محسوب می‌شود و به همین دلیل سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی در اولویت برنامه‌های نهادهای ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. در ایران، مجموعه‌ای از مذاکرات نمایندگان مجلس در قالب طرح‌ها و لوایح به موضوع محیط زیست پرداخته است. این مذاکرات معمولاً تحت تأثیر رویکردهایی است که در جامعه‌شناسی محیط‌زیست، گفتمان‌های زیست محیطی نامیده می‌شوند. در این مقاله سعی شده است میزان انطباق مذاکرات زیست محیطی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی مورد بررسی قرار گیرد. تحقیق حاضر با رویکردی کیفی، مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش مورد استفاده جهت تطبیق مذاکرات با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی، روش اسنادی و تحلیل کیفی داده‌هاست، بدین گونه که اسناد و داده‌های تحقیق، که شامل مذاکرات نمایندگان ۷ دوره اول مجلس شورای اسلامی می‌باشد، مورد مطالعه قرار گرفتند. بررسی مذاکرات نمایندگان نشان می‌دهد که بیشتر مذاکرات به ترتیب با الگوی برول و سپس هانیگن و نهایتاً با الگوی هرندل و براون انطباق دارند، اما در عین حال مذاکراتی نیز وجود دارند که متاثر از شرایط ایران بوده و انطباقی با الگوهای جهانی ندارند.

واژگان کلیدی: گفتمان زیست محیطی جهانی، مذاکرات مجلس شورای اسلامی، گفتمان‌های جهانی، برول، هانیگن، هرندل و براون، توسعه و نوسازی

دنیای پر از تغییر و تحول کنونی با فرایندهای مختلفی همچون جهانی شدن، صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه است که جنبه‌های مختلف زندگی بشر را تحت تاثیر خود قرار داده است؛ با وجود تمام جنبه‌های مثبتی که برای انسان حاصل شده است؛ اما حوزه‌هایی وجود دارند که بیتاثير از دخالت انسان نبوده‌اند. یکی از مهمترین این بخشها محیط زیست انسان است که تحت تاثیر فرایندهای مذکور همواره مسائلی را برای بشر به ارمغان آورده‌اند که از آن به مسائل زیست محیطی تعبیر میشود (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۲). محیط‌زیست در عصر کنونی در سطح محلی، ملی و جهانی در معرض تهدیدهای جدی قرار دارد. از گرم شدن اقلیم زمین، از بین رفتن تنوع زیستی، کمبود منابع طبیعی و انواع آلودگیها که موضوعی بحرانی در اکثر جوامع است (بوتکین، ۱۳۷۸، ص ۳) و دارای مبانی اجتماعی، فرهنگی و همچنین پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بعضاً سیاسی فراوانی است، تا مساله آب، از بین رفتن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، جنگلزدایی یا نابودی جنگلها و مراتع، مساله ریزگردها، بیابانزایی، افزایش بیماریهای قلبی و تنفسی و مغزی ناشی از آلودگی منابع، افزایش مرگ و میر ناشی از آلودگیهای مذکور، افزایش تنشهای داخلی و بین المللی ناشی از کمبود منابع، افزایش مهاجرتها، اتلاف انرژی از طریق الگوهای غلط مصرف انرژی و سبکهای زندگی خاص، پدیدههای زیست محیطی را شامل میشود (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲). با افزایش این مخاطرات در طی سه دهه گذشته بحرانهای زیست محیطی تجسم عینی یافته‌اند (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۴۷) و لذا با دستهای از اندیشمندان روبرو هستیم که تعهدی قوی نسبت به رویکرد واقعگرایانه داشته و بر صورت، شدت و علل عینی مسائل تمرکز میکنند. بنابراین نقش اندیشمندان در این زمینه ترسیم دستورالعملهای مطلوب برای تغییر وضع عینی از طریق راهکارهای متناسب این پارادایم است. مانند سنجش نگرشها و رفتارهای زیست محیطی و یا ابداع راه حلهای مهندسی در راستای حل پدیدههای عینی. در عین

حال جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، در دهه‌های اخیر این روند را متشدد و حتی زیانبار ساخته و در نتیجه تاثیرات مثبت و منفی بسیاری برای انسانها و جهانی که در آن زندگی میکنند داشته است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۵). لذا جهانی‌شدن مسائل محیط‌زیست سبب شد تا جامعه جهانی در برابر آن عکسالعمل نشان دهد. برگزاری کنفرانسها و شکلگیری کنوانسیونهای بینالمللی با هدف حفظ و ترمیم محیط‌زیست و پیشگیری از مخاطرات زیست‌محیطی، نشان از توجه کشورها در عرصه بینالملل به حوزه محیط زیست دارد. این وضعیت باعث شد تا کشورهای عضو شده در این کنوانسیونها در قالب نهادهای سیاستگذار، اقدام به تدوین قوانین و مقررات محیط‌زیستی نمایند. این سیاستگذارها در طول زمان دچار تغییر شده و حتی در یک زمان واحد ممکن است، در تضاد با یکدیگر باشند. یکی از دلایل این امر به تاثیر پذیری سیاستگذارها از گفتمانهای زیست‌محیطی مربوط میشود (همان، ص ۷۶). مروری بر روند تحول مسائل زیست‌محیطی در عرصه بینالمللی نیز حاکی از این واقعیت است که جامعه‌شناسان از رویکردهای عینیگرایانه در طرح مسائل زیست‌محیطی به رویکردهای کیفی متمایل شده‌اند (هانینگن، ۱۳۹۲، مقدمه) و اساساً گفتمان زیست محیطی زمانی اهمیت مییابد که از منظری کیفی به طرح مسائل محیط‌زیستی بپردازیم. اگرچه جامعه‌شناسان کلاسیک نظیر وبر و دورکیم و مارکس توجه کمتری به محیط زیست داشته‌اند؛ ولی در سالهای اخیر و با مشاهده مشکلات زیست محیطی ناشی از صنعتی شدن همچون کشف حفرهای بزرگ در لایه ازن در سال ۱۹۸۵ و فاجعه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ نگاههای خوشبینانه به رشد بیپایان و رابطه انسان با محیط زیست تغییر کرد و از دهه ۱۹۶۰ به بعد جامعه‌شناسی نیز جایگاه خود را در این مسیر پیدا کرد (صالحی، ۲۰۰۸، ص ۱). به عبارتی در اینباره میتوان با «بنتون و ردکلیف» ۲ هم عقیده شد که: «فاز جدید دغدغه زیست محیطی موجب شده که دانشمندان اجتماعی نقش وسیعتر، متفاوتتر و خلاقانهتری را در مباحث زیست محیطی ایفا کنند (ردکلیف و بنتون، ۱۹۹۴، ص ۵). امروزه

جامعه‌شناسان محیط‌زیست با تاکید بر گفتمانهای زیستمحیطی درصددند نشان دهند که هم تصمیمات و سیاستگذاریهای کلان (حوزه مدیریت عرضه) و هم نوع ارزشها و رفتارها و کنشهای زیستمحیطی (حوزه مدیریت تقاضا) در انگاره‌های گفتمانی شکل میگیرند و به عبارتی سیاستها و رفتارهای حوزه محیط‌زیست در برهه‌های زمانی را نتیجه تسلط انگاره‌های گفتمانی در آن دوره میدانند. لذا در سالهای اخیر کاربرد رویکرد کیفی و مخصوصا روش تحلیل گفتمان برای تحلیل نحوه نگارش، پذیرش و کاربست راهبردی متون، تصاویر و ایده‌های زیست محیطی افزایش یافته است (هانینگن، ۱۳۹۲، ص ۵۹). در ایران نهادهای مختلفی اقدام به تدوین قوانین و سیاستگذاری در حوزه محیط زیست میکنند. نهاد دولت در قالب برنامه‌های توسعه، شورایی عالی محیط زیست در ذیل نهاد دولت، و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قالب نهاد مجلس، اقدام به تدوین قوانین و سیاستهایی میکنند که نقشه راه محیط زیست را نشان میدهد.

در واقع مذاکرات و قوانین زیستمحیطی مجلس شورای اسلامی به مثابه سیاستهای کلان زیست محیطی که خط و ربط زیست محیطی را تعیین میکنند، همواره میتوانند بر پدیده‌های زیستمحیطی موثر باشند و متقابلاً از آن تاثیر بپذیرند. دستگاه قانونگذاری از طریق تدوین قوانین و سیاستها در صدد اصلاح و یا پیشگیری از مسائل زیست محیطی است. قانون اساسی نیز در اصل پنجاهم، آن را یک اصل و یک وظیفه تلقی نموده است (حاتمی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). نمایندگان در ادوار مختلف، مذاکراتی را بر اساس لوایح دولت یا طرحهای خود مجلس، صورت داده‌اند که برخی از آنها در یک رقابت گفتمانی، با تصویب نمایندگان به قانون تبدیل شده‌اند و البته برخی نتوانسته‌اند رای کافی برای لازم الاجرا شدن بیاورند. اما بطور کلی، جدای از تصویب یا رد آنها، مذاکرات روح کلی حاکم بر فضای ذهنی نمایندگان مجلس پیرامون مسائل زیست محیطی را منعکس میکند که بررسی آنها میتواند، خطوط فکری حاکم بر نمایندگان را برجسته و آشکار نماید. از سویی، در سطح جهانی گفتمانهای متعددی برای تحلیل جایگاه محیط زیست شکل

گرفته‌اند که هر چند از تعدد برخوردارند اما دارای یک خط سیر مشخصی از محیط‌زیستگرایی به زیست‌بومگرایی میباشند (برول، ۲۰۰۰؛ جان درایزک، ۲۰۰۵) و (صالحی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۷۶). در حال حاضر هرندل و براون (Brown & Herndel) برول (Brulle) و جان هانینگن (JohnHannigan) از مهمترین جامعه‌شناسانی هستند که گونه‌شناسیهای مختلفی از گفتمانهای زیست محیطی ارائه کرده‌اند (همان، صص ۶۴-۶۰). با توجه به این نکته در این مقاله درصدد خواهیم بود که با خوانش مذاکرات زیست محیطی نمایندگان، آنها را با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی مورد انطباق قرار دهیم. لذا سوال اصلی آنست که آیا مذاکرات زیستمحیطی نمایندگان مجلس ایران با الگوهای گفتمانی دنیا که در کارهای برول، هانینگن و هرندل و براون منعکس است، قابل انطباقند یا خیر؟ با توجه به این نکته که مسائل زیست محیطی در دنیای امروز مسائلی فراملی و جهانی هستند، حل مسائل و مشکلات زیست محیطی نیز نیاز به عزم و نگرشی جهانی دارند. در واقع راهکارها، راهبردها، تصمیمات و سیاستهای اتخاذ شده از سوی نهادهای سیاستگذاری مانند مجلس، بستگی به نوع گفتمان حاکم بر آن نهادها دارد. بنابراین شناسایی این گفتمانها میتواند به آشکار شدن الگوهای زیست محیطی حاکم کمک نماید. از طرفی میتوان با انطباق مذاکرات مذکور با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی، نشان داد که آیا نگرشها، فهم و ادراکات زیست محیطی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کانتکس جهانی قرار دارند یا محیط زیست را به مثابه مسائلی محلی و بومی و خارج از فرایندهای جهانی درک میکنند.

اهمیت تحقیق

تحقیق پیرامون گفتمانهای زیست محیطی میتواند الگوها و نگرشهای کلان حاکم بر نهادهای تصمیمگیر را آشکارتر نماید و از این طریق به درک و حل مسائل زیستمحیطی کمک نماید. با توجه به این نکته که حوزه محیط زیست، نظر پژوهشگران فعال در مجموعه وسیعی از رشته‌های دانشگاهی را به خود جلب کرده‌است، لذا از منظر

علمی واجد اهمیت فراوانی میباشد (ردکلیف و بنتون، ۱۹۹۴، ص ۱). از سویی دیگر در طی یکی دو دهه‌ی گذشته کنفرانسها کنوانسیونها و توافقنامه‌های بینالمللی متعددی با محوریت چالشهای زیست محیطی توسط سازمانهای رسمی بینالمللی، مانند سازمان ملل انجام شده که با استقبال حکومتها و کشورهای مختلف مواجه شده است. در کنوانسیونهای و کنفرانسهای مذکور همواره اصول و قواعدی مورد توافق حکومتها و در سطح مجامع بین المللی قرار میگیرد که براساس حقوق بینالملل همهی کشورهای امضاء کننده آن ملزم به رعایت مفاد آن میگردد» (حاتمی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). بنابراین با توجه به تأکیدی که بر موضوعات زیستمحیطی در قوانین بین المللی و داخلی شده است تحقیق پیرامون مسائل زیست محیطی از منظر حقوقی و قانونی نیز دارای اهمیت به سزایی میباشد. از سویی دیگر مسائل زیست محیطی هزینههای اقتصادی فراوانی بر دوش حکومتها و مردم حمل میکند. هزینهی فرسایش خاک در ایران (روزنامه بهار، ۱۳۹۲، ۱۹ فروردین). اثر آلودگی هوا و افزایش آلایندههای جوی بر هزینههای پزشکی و سلامت همواره افزایش مییابد. تغییر اکوسیستم ها و خشک شدن رودها و تالابها، بار اقتصادی سنگینی بر دوش مردم و جامعه محسوب میشود (روزنامه ایران، ۱۳۹۱، ۲۰ آبان). لذا از منظر اقتصادی نیز این موضوع دارای اهمیت است. بعلاوه، آموزه‌های دینی برگرفته از آیات قرآنی و روایات، نشانگر آن است که اسلام به مسأله محیطزیست و نحوه‌ی رفتار با آن توجه شایانی داشته است (اسراری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱). در این زمینه آیات فراوانی وجود دارد که بارها بر رفتارهای اصلاحگرانه و سازنده تأکید کرده است (سورهی اعراف آیهی ۸۵) و (سورهی بقره آیهی ۲۰۵). روایت هایی از پیامبر اکرم(ص) نیز در این راستا وجود دارد که میفرماید از زمین حفاظت کنید به درستی که آن مادر شماست (اسراری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴). لذا از منظر دینی و مذهبی نیز پرداختن به مسائل زیست محیطی دارای ضرورت و اهمیت فراوانی است. از طرفی شناسایی و تحلیل گفتمانهای زیست محیطی مجلس به طور خاص نیز واجد اهمیت است. بررسی تاریخ معاصر نشان میدهد که پدیدهها، جریانها و رخدادهای زیست محیطی از مهمترین نیروهای اثرگذار بر تحولات

جامعه در عرصه‌های مختلف بودهاند. بدیهی است که با گسترش روز افزون پدیدهها و جریانهای مذکور، اهمیت مطالعه آن دو چندان میشود. با ورود افراد و نمایندگان مجلس به درونگفتمان و تبدیلشدن شان به سوژه‌های گفتمانی، تحولی در آنها بوجود میآورد که باعث میشود بر اساس چارچوبهای گفتمانی مسلط آن لحظه بیانیشند و تصمیم بگیرند که میتوان نتیجه آن را در مذاکرات و قوانین و سیاستهای خاص در دورانهای خاص مشاهده کرد. در واقع گفتمانها در هر دوره با بازنمایی واقعیت به گونه‌های خاص عمیقاً بر کنشهای هواخواهان در زندگی روزمره تأثیر میگذارد و لذا روایت گفتمانی آن از واقعیت، بواسطه نسبت دادن معنا به جهان تحت تأثیر شرایط اجتماعی خاصی بوده و دارای پیامدهای اجتماعی خاصی است (خسروی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). لذا مقایسه مذاکرات مجلس با الگوهای گفتمان جهانی، نه فقط فهمی دقیقتر از جایگاه محیط زیست در ادوار مجلس میگذشاید بلکه، نوع درک نمایندگان از مسائل زیست محیطی و سیاستگذاری این حوزه را آشکار میکند. شناسایی فضای گفتمانی حاکم بر روند مذاکرات میتواند یک نگاه کلان و تاریخی را در حوزه‌ی سیاستگذاری محیط زیست در اختیار قانونگذاران و سیاستگذاران قرار دهد. این امر این امکان را به آنان میدهد که با نگاه به گذشته نقش مؤثرتر و مفیدتری در آینده سیاستگذاری محیط زیست ایفا کنند (صالحی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۷۴)

مبانی نظری: الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی

در سالهای اخیر تحلیل گفتمان به عنوان روشی با کارایی روز افزون برای تحلیل چگونگی ایجاد پذیرش و آرایش استراتژیک متون، تصاویر و ایده‌های زیست محیطی مطرح شده است. گفتمان در مطالعات زیست محیطی به طرق مختلفی مطرح شده است. از یک خط داستانی که تابلوی راهنما برای کنش در اقدامات نهادی فراهم میکند گرفته (هایر، ۱۹۹۵) تا چهارچوبی برای جنبش اجتماعی که اقدام در سازمانهای جنبش های زیست محیطی را ممکن میسازد، تا یک مجموعه معانی زیست محیطی که حول واژهها، تصاویر، مفاهیم و فعالیتها ساخته

شده است (مایرسون و ریدین، ۱۹۹۶). کتابها و آثار بسیاری وجود دارد که درباره گفتمان زیست محیطی بحث کرده‌اند اما بسیاری از آنها سنخ شناسی ارائه نمیکنند. مانند: تحلیل دقیق برساختگرایی اجتماعی مارتین هایر (۱۹۹۵) از گفتمان نوسازی اکولوژیکی در مورد بارانهای اسیدی در بریتانیا و هلند طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰. و تحلیل کارن لیتفین (۱۹۹۴) در زمینه تغییرات گفتمان بینالمللی تخریب جهانی لایه ازن در دهه ۱۹۸۰ (هانینگن، ۱۳۹۲، ص ۶۳). و از این جهت به کار مان در این مقاله نمیآیند، چراکه هدفمان، اشاره و الگوگیری از رویکردهایی است که گونه‌شناسی یا سنخشناسی از گفتمانهای زیست محیطی ارائه میکنند.

در یک رهیافت کلی و کلان، میتوان گفتمانهای موجود در زمینه محیط زیست را در قالب دو رویکرد از هم متمایز کرد: ۱- محیط زیستگرایی (environ-mentalism) و ۲- زیست بومگرایی (ecologism). سیر تحول تاریخی گفتمانهای زیست محیطی، بیانگر نوعی حرکت و انتقال از محیط زیستگرایی به زیست بومگرایی میباشد (صالحی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۸۲). به این صورت که تا اواسط قرن بیستم، بر اساس رویکرد مسلط علم‌گرای پوزیتیویستی، این اندیشه در حوزه علوم اقتصادی و دانشهای زیست محیطی حاکم بود که رشد اقتصادی و بهره‌برداری از منابع محیط زیست حد و مرزی ندارد و کره زمین از امکانات تقریباً بیپایانی برای حفظ و بازسازی خود برخوردار است. این رویکرد به محیط زیست گرایی معروف شد. رویکرد گفتمانی محیط زیست گرایانه معتقد است بدون هرگونه دگرگونی بنیادین در ارزشهای کنونی و الگوهای تولید و مصرف، میتوان مسائل زیست محیطی را از میان برداشت (دابسون، ۱۳۷۷، ص ۱۰). محیط زیستگرایی کمتر به ارزشهای بنیادین طبیعت توجه دارد و اساساً طبیعت را مجموعه‌های از منابع در خدمت انسان به حساب می‌آورد، اما پژوهشهای دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ نشان داد که امکانات رشد و توسعه در روی زمین محدود است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۸۳). در واقع رشد فزاینده مسائل زیست محیطی در جهان باعث گسترش اندیشه‌ها و نظریه‌های جدید درباره ماهیت طبیعت، محیط زیست و نحوه ارتباط

انسان با آن گردید و زمینه رشد رویکرد زیست بومگرایی را فراهم آورد. رویکرد گفتمانی زیست بومگرایی معتقد است که حیات پایدار و شکوفای انسانها به دگرگونی بنیادین در رابطه‌اش با جهان طبیعی، و شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی انسان بستگی دارد (دابسون، ۱۳۷۷، ص ۱۰). میتوان گفت که رویکرد زیست بومگرایی نوعی انقلاب فکری و انگاره جدید برای تحلیل عمیقتر بحران زیست محیطی و جستجوی راهکارهای جدید برای کاهش و مقابله با آنست. بنابراین زیست بومگرایی پدید آورنده هویت نوینی است که نوع بشر را عنصری از طبیعت میداند (کاستلز، ۱۳۸۲). این هویت فراتر از مرزهای ملی، نژادی، طبقاتی و بومی بوده و دربرگیرنده دیدگاهی جهانی است که بر منافع و مصالح مشترک همه انسانها بر روی زمین تأکید میکند. در ادامه سه مورد از گونه‌شناسیهای گفتمانهای زیست محیطی جهان امروز معرفی میشوند که در قالب انگاره گفتمانی زیست بوم گرایی قرار میگیرند. چراکه اساساً نگاهشان به محیط‌زیست، جهانی بوده و نهایتاً حامی محیط زیستاند.

یکی از تلاشهای اساسی برای سامان بخشیدن به تحلیل گفتمان زیست‌محیطی از طرف هرنندل و براون (۱۹۹۶) صورت گرفته است. «مدل لفاظی گفتمان زیست محیطی» به شکل سه دایره است که هر یک از آنها در گوشه‌های از یک مثلث قرار گرفته‌اند. در رأس آن مثلث، «گفتمان انتظامی» قرار دارد و به نهادهای قدرتمندی اشاره میکند که تصمیمگیری و سیاست‌گذاریهای زیست‌محیطی را انجام میدهند. در اینجا با طبیعت به عنوان یک منبع برخورد میشود. در گوشه پایین سمت راست مثلث، «گفتمان علمی» قرار دارد که در آن طبیعت به عنوان موضوع دانش مطرح نظر قرار میگیرد که از طریق روشهای علمی ایجاد میشود. سیاستگذاران همواره تصمیمات خود را در اینجا و به‌ویژه با تکیه بر اطلاعات فنی و شواهد کارشناسان بنا میکنند. در نهایت دقیقاً در قطب متضاد در گوشه سمت چپ «گفتمان شاعرانه» قرار دارد که مبتنی بر روایتیهای

۳. discourse Regulatory
۴. discourse Scientific
۵. discourse Poetic

انسانها محافظت شوند)

۶. اکولوژی ژرف^{۱۲} (تنوع حیات در زمین باید حفظ شود چون دارای ارزشی ذاتی است)
۷. عدالت زیست محیطی^{۱۳} (مشکلات زیست محیطی بازتاب و نتیجه‌ی نابرابریهای اجتماعی اساسی است)
۸. اکوفمنیسم (سوء استفاده از اکوسیستم نشان دهنده‌ی تسلط و عدم توجه مردان به نظم و چرخه‌ی طبیعت است)
۹. الهیات محیطی^{۱۴} (انسانها مجبورند از طبیعت حفاظت کنند چون مخلوق خداست).

برول معتقد است که این چندگانگی در گفتمانها موجب تکته‌شدن شدن جنبش زیست محیطی آمریکا و مانع از آن شده که این جنبش با صدایی واحد و متحد با مخاطب آگاه ملی سخن بگوید. طرفداران هر یک از این چهارچوب استدلالی در یک فرایند تشکیک و عدم تفاهم متقابل با یکدیگر سخن میگویند. برول هم مانند «اشنایبرگ»^{۱۵} و پیروانش نتیجه میگیرد که بدون تغییر ساختاری واقعی، هیچ کنش زیست محیطی معناداری نمیتواند وجود داشته باشد. تا مادامی که گفتمانهای مربوط به محیط زیست، خاستگاههای اجتماعی زیست بومی را بیوشاند و ادعای یک دید منسجم از خیر عمومی زیست محیطی را داشته باشند، بعید به نظر میرسد این امر اتفاق بیافتد (همان، ص ۶۲). جان هانینگن نیز سه گفتمان محیط زیستی را مشخص میکند: گفتمان آرکادی، گفتمان بوم شناختی و گفتمان عدالت زیست محیطی. ترتیب این گفتمانها تاریخی نیست، بلکه هر یک در مراحل مختلفی از تاریخچه جنبش محیط زیست جایگاه نخست را داشته است. ویژگی برجسته حاکم بر آنها همانند مدل هرندل و

در مورد طبیعت است که بر زیبایی معنویت و نیروی عاطفی تأکید میورزد. نوشتن درباره طبیعت مثالی از این دست است. هرندل و براون تأکید میکنند که این سه گفتمان قدرتمند زیست محیطی در هر صورت مستقل از هم یا خالص نیستند و اغلب با هم تلفیق میشوند. در چنین مواردی بهتر است به دنبال یافتن «جهتگیریهای غالب»^۶ باشیم (عنبری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۱). اقدام دیگری که در راستای طبقه بندی گفتمانهای زیست محیطی صورت گرفته است، سنخ شناسی برول (۲۰۰۰) از چهارچوبهای استدلالی است که مورد پذیرش جنبش زیست محیطی ایالات متحده واقع شد. برول بر اساس ادبیات فلسفه زیست محیطی و مطالعه‌ی دقیق تاریخ محیط زیستگرایی در آمریکا به نه گفتمان متمایز دست یافت:

۱. تقدیر آشکار^۷ (استخراج و توسعه‌ی منابع طبیعی به محیط زیست ارزشی میبخشد که در غیر آن صورت فاقدهش بود)
۲. مدیریت حیات وحش^۸ (مدیریت علمی اکوسیستمها میتواند بقای جمعیت پایدار حیات وحش را برای سرگرمیهای نظیر شکار تضمین کند)
۳. حفاظت از محیط زیست^۹ (منابع طبیعی باید با استفاده از رویکرد فایده‌گرایانه بوسیله‌ی مدیریتی شوند)
۴. محافظت از طبیعت^{۱۰} (گسترهی حیات وحش باید از تهاجم انسان در امان بماند، چرا که از ارزش معنوی و زیبایی شناختی برخوردار است)
۵. محیط زیستگرایی اصلاحی^{۱۱} (اکوسیستمها باید به منظور سلامتی

tendencies Dominant ۶

destiny Manifest ۷

management Wildlife ۸

Conservation ۹

Preservation ۱۰

environmentalism Reform ۱۱

ecology Deep ۱۲

justice Environmental ۱۳

Ecotheology ۱۴

Schnaiberg ۱۵

براون «انگیزه» و «توجیه» اقدام در زمینه محیط زیست است (هانینگن، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

جدول ۱. گونه شناسی گفتمان‌های زیست محیطی هانینگن

گفتمان	آرکادی	حفظ اکوسیستم	عدالت زیست محیطی
منطق دفاع از محیط زیست	طبیعت ارزش زیباشناختی و معنوی دارد	دخالت انسان در اجتماعات حیاتی، تعادل طبیعت را برهم می زند	همه ی شهروندان حق زندگی و کار در محیط زیست سالم را دارند
کتاب های نمادین	اولین تابستان من در سیرا	بهار خاموش؛ نشریه شهر ماسهای	زباله دان در دیکسی
محل ظهور	بازگشت به جنبش طبیعت	علم زیست شناسی	کلیساهای سیاه پوستان
متحدان اصلی	حفاظت کنندگان	بوم شناسی و علم اخلاق	حقوق مدنی و محیط زیست گرایبی جوامع محلی

ترسناک منعکس شده است. برای مثال در قصه های ترسناک مانند «قرمز کوچولوی درشکه سوار» و «پیترو و گرگ» گرگ نقشی محوری بازی میکند همچنین در یکی از آخرین کارها در این زمینه «دیزنی» در فیلم «دیو و دلبر» جنگل را مکانی خطرناک برای کودکان تنها معرفی کرده است.

ب) گفتمان بوم شناختی یا حفظ اکوسیستم: دومین گفتمان عمده‌ای که چگونگی برخورد با طبیعت و محیط زیست را شکل داده است بر محور مفاهیم «بومشناسی» و «زیستبوم» بنا شده است. با استناد به واژه شناسی هرنلد و براون (۱۹۹۶) میتوان گفت که گفتمان علمی گرایش غالب در این گفتمان است گرچه در دهه ۱۹۷۰ این گفتمان با یک فشار و کشمکش هنجاری وارد جنبش زیست محیطی در حال ظهور شد. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ بومشناسی تبدیل به سنگ بنای دغدغه جدید و سریع الانتشار نسبت به محیط زیست شده بود. بومشناسان به طور فزاینده‌ای پا را از نقش دانشمندی خود فراتر گذاشتند تا بتوانند سهم عمده‌ای در منازعات زیست محیطی داشته باشند. تعداد زیادی واژه‌های جدید به ادبیات انگلیسی اضافه شدند؛ مثل سیاست اکولوژیکی فاجعه اکولوژیکی و آگاهی اکولوژیکی (ورستر، ۱۹۷۷، ص ۳۴۱). مجله انگلیسی بومشناس به مرکز ثقلی برای محیط زیستگرایان چپ تحت رهبری ادوارد گلد اسمیت تبدیل شد. به‌طور طنزآمیزی تمام این

الف) گفتمان آرکادی: ون کوپن (۱۹۹۸) سه ویژگی را برای گفتمان آرکادی بیان می کند: بیرونی بودن، تصویرسازی و تکمیلکنندگی. بیرونی بودن به این معنی است که طبیعت آرکادی به عنوان امری بیرونی نسبت به جامعه انسانی ساخته شده است یا اینکه حداقل از زندگی روزمره شهری حذف شده است. تصویر سازی بیانگر این است که تصویر طبیعت در سنت آرکادی به صورت تصاویر بصری و کلیشه ای در حافظه فرهنگی جای گرفته است. از قرن‌ها پیش چنین مناظری در نقاشی های انگلیسی و هلندی یافت می شد اما امروزه، آنها بیشتر با عکسهای مناظر بکر طبیعت وحشی نظیر جنگل های استوایی آمازون مرتبط است. نهایتاً سنت آرکادی را می توان از طریق چارچوب تکمیل کنندگی به بهترین وجه درک کرد. به عبارتی سنت آرکادی در نقطه مقابل جامعه‌ی صنعتی شهری و همه مشکلات اجتماعی و زیست محیطی مرتبط با آن قرار میگیرد (هانینگن، ۱۳۹۲، ص ۶۵). با افزایش سریع روند شهری شدن اروپا و امریکا در اواخر قرن نوزدهم دیدگاهها به طبیعت به سرعت متحول شد. به طور خاص مفهوم «توحش یا طبیعت وحشی» که مدتهای طولانی تهدیدی برای شهر نشینی تلقی میشد کنار رفت و جای خود را به تصویری بسیار رمانتیک از طبیعت داد که در آن توحش ارزشمند بود. در بسیاری از ادبیات اسطوره‌های گذشته و کنونی ما تصویر سنتی از طبیعت و ساکنانش به صورتی

اتفاقات در میان‌هی یک شکاف روشنفکری عمیق در زمینه بوم‌شناسی زیست‌شناختی، بین بوم‌شناسی زیست‌بوم و بوم‌شناسی تکاملی، بر سر مفهوم «انتخاب گروهی» که نوعی «خود - تنظیمی» است و به طور طبیعی رشد جمعیت را کنترل می‌کند، رخ داد. عوامل کلیدی مختلفی وجود دارند که محوریت بوم‌شناسی زیست‌بوم را در ظهور محیط زیست‌گرایی در دهه ۱۹۷۰ تبیین می‌کنند. اول زبان و منطق بوم‌شناسی با دغدغه‌های فزاینده‌ای در مورد تشعشعات رادیواکتیو مسمومیت ناشی از آفتکشها ازدیاد جمعیت آلودگی شهری و علاقه به ساخت یک نظریه علمی فراگیر در مورد مشکلات زیست‌محیطی ارتباط داشت. بوم‌شناسی از یک مدل علمی برای فهم اجتماعات گیاهی و حیوانی به نوعی «سلاح سازمانی» تغییر شکل داد که می‌توانست برای سامان دهی گسترش و احیای اخلاقی امر اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در این فرایند بوم‌شناسی به‌ترکیب جدیدی دست یافت: سیاست‌گر جهانی‌تر و مخرب‌تر بود (سیرز، ۱۹۶۴؛ شپرد، ۱۹۶۹). درحالی که برخی از بوم‌شناسان علمی نسبت به بازسازی این مفهوم واکنش منفی نشان دادند؛ دیگران از آن حمایت کردند با این استدلال که بحران زیست‌محیطی مستلزم معنای جدیدی از فعالیت اجتماعی از جانب محققان بوم‌شناسی است. دست‌های دوم به مدعیان منتفذی تبدیل شدند که یک دیدگاه سیاسی را ارائه می‌کردند که در آن مرزهای بین طبیعت و جامعه به عمد نادیده گرفته می‌شد.

ج) گفتمان عدالت زیست‌محیطی: در دهه‌ی ۱۹۸۰ مجموعه‌ی جدیدی از «صورت‌های گفتمانی» در ایالات متحده ظهور کردند که در تفسیر مشکلات و اولویتهای زیست‌محیطی تفاوت زیادی با گفتمان‌های رایج داشتند. «دورستا تیلور» (۲۰۰۰، صص ۵۶۶-۵۰۸) می‌گوید که اندیشه عدالت زیست‌محیطی به عنوان بخش اصلی گفتمان زیست‌محیطی ظاهر شده است و در این مدت کمی که مطرح بوده است ماهیت گفتمان زیست‌محیطی را تغییر داد و چالشی را برای سلطه‌ی رویکرد نوین زیست‌محیطی ایجاد می‌کند. عدالت زیست‌محیطی مجموعه‌ای از دعاوی را در ارتباط با آلودگی‌های سمی با توجه به «حقوق

مدنی» کسانی که صدمه دیدند و نه در رابطه با «حقوق طبیعت» مطرح می‌کند (ناش، ۱۹۸۹). کاپک (۱۹۹۳) چهار مؤلفه‌ی عمده چهارچوب عدالت زیست‌محیطی را تعیین می‌کنند: حق کسب اطلاعات در مورد موقعیت یک فرد، حق دادرسی جدی به هنگام طرح دعاوی مربوط به آلودگی، حق غرامت گرفتن از کسانی که یک محله‌ی خاص را آلوده ساخته‌اند و حق مشارکت دموکراتیک در تصمیم‌گیری برای آینده‌ی یک اجتماع آلوده. هر کدام از این مؤلفه‌ها نمایانگر یک ادعای خاص هستند که از لحاظ معانی با یک زبان استحقاقی^{۱۶} بیان شده‌اند (ایبارا، کیتوسه، ۱۹۹۳). در این مقاله سعی شده، با الهام از الگوهای جهانی گفتمان زیست‌محیطی، میزان انطباق مذاکرات نمایندگان با هر یک از الگوهای مذکور، مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق بتوان تشخیص داد که محیط زیست در چه فضایی دیده شده است.

روش تحقیق

رویکرد این مقاله با توجه به داده‌های تحقیق که عبارتند از مذاکرات مجلس، رویکرد کیفی و از نوع تطبیقی است. پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های پیچیده اجتماعی از داده‌های کیفی، نظیر داده‌های حاصله از مصاحبه، مشاهده و مستنداتمانند متن و نظایر آن استفاده می‌کند (رضاعلی، ۱۳۹۴). داده‌های این پژوهش شامل کلیه مذاکرات نمایندگان هفت دوره مجلس شورای اسلامی می‌باشد که در طی ۳۳۲۸ جلسه در ادوار مذکور مورد مذاکره قرار گرفته‌اند. در تحقیقات کیفی، هدف نمونه‌گیری، انتخاب نمونه‌هایی است که با نظریه همخوانی داشته باشند یا مقوله‌های نظری را پرکنند (قجری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶)؛ لذا برخی از محققان عرصه روش کیفی، شیوه‌هایی از جمله نمونه‌گیری ساده (convenience) روش گلوله برفی (snow ball) نمونه‌گیری تئوریک یا مبتنی بر هدف را به عنوان شیوه‌های نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی مطرح می‌کنند (ادیب حاج باقیری، ۱۳۸۵، ص ۳۳). به نظر وداک (۲۰۰۱) ون دایک (۲۰۰۱) و فرکلاف (۲۰۰۵) تحلیلگر گفتمان بایستی برای انتخاب نمونه

از میان داده‌های بی شمار با مشورت متخصصین حوزه مورد مطالعه یک یا چند مورد از برجسته ترین داده‌ها، متون و گفتارها را که به خوبی بازنمایی کننده گفتمان مورد نظر هستند به عنوان نمونه انتخاب و سپس آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (قجری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). روش نمونه گیری مورد استفاده در این تحقیق، نمونه گیری نظری یا مبتنی بر هدف است، لذا مذاکراتی وارد نمونه شدند که پیرامون حوزه محیط زیست باشند. البته ذکر این نکته مهم است که هم مذاکراتی که صراحتاً درباره محیط زیست اظهار نظر کرده و حامی محیطی زیست اند، و هم مذاکراتی که صراحتاً اظهار نظر نکرده اما تبعات زیست محیطی دارند به عنوان نمونه انتخاب شدند؛ هرچند که این مذاکرات، با توجه به پیامدهای احتمالی اش مخرب محیط زیست بوده اند. این مذاکرات بعضاً تبدیل به قانون شده و بعضاً به صورت طرحهای نمایندگان یا لوایح دولت، در مجلس مطرح شده اند و الزاماً به تصویب نمایندگان نرسیده اند.

برای انجام تحقیق حاضر، در عمل با چند مرحله درگیر بوده ایم؛ در مرحله اول، لایحه یا طرح با مضمون اصلی، تاریخ و دوره ارائه آن، گزارش شده و سپس استدلال های مخالفان و موافقان طرح یا لایحه بررسی شدند. سپس برای تعیین میزان تطبیق مذاکرات نمایندگان با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی، خوانشی از متن و مذاکرات انجام شد و مصادیقی از مذاکرات که محتوای آنها نشاندهنده الگوی گفتمانی خاصی باشد، مشخص شدند. این فرایند در سه مرحله پیش رفت و در هر مرحله، مذاکرات با یک الگوی جهانی مورد تطبیق قرار گرفت. لذا بر اساس روش اسنادی، به خوانش متن و میزان انطباق با الگوی جهانی، مبادرت شد. ارزیابی کیفیت داده‌ها یا اعتبار و پایایی تحقیق با توجه با ماهیت کیفی پژوهش انجام شده است. محققان کیفی ملاکهای مختلفی را در این خصوص پیشنهاد داده‌اند: کرک و میلر به پایایی آرمانی (quixoticreliability) اشاره میکنند (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۴۱۱). «زیگفرد جاگر» معیار جامعیت (completeness) را به عنوان معیار مناسبی برای تحلیل گفتمان معرفی میکند (جاگر، ۲۰۰۱، صص

۵۲-۵۱). ونداک معیار قابلیت دسترسی را به عنوانی که یکی از اهداف اصلی تحلیل گفتمان است معرفی میکند. وداک و رون اسکالن فرایند مثلثبندی یا مثلثسازی یا تثلیث (Triangulation) را برای تضمین اعتبار پیشنهاد میکنند (سیلورمن، ۱۳۷۹، ص ۵۶). «لینگلن و گویا» و همچنین «استرابت و کارپنز» (۱۹۹۹) چهار معیار مقبولیت (credibility) همسانی (dependability) تعیین و انتقال پذیری (confirmability) را برای ارزیابی داده‌های کیفی پیشنهاد میکنند. به نظر نویسندگان فوق، درگیری مداوم محقق، استفاده از مثلث بندی یا تثلیث در تحقیق، بازنگری ناظرین، جستجو برای شواهد مغایر و مقبولیت پژوهشگر کارهایی است که برای مقبولیت پژوهش کیفی انجام میگیرد (قجری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). «پاتر و وترل» (۱۹۸۷) دو معیار انسجام و سودمندی را معرفی کرده اند. یورگنسن و فیلیپس نیز سه معیار برای اعتبار معرفی می کنند: محکم و استخواندار بودن تحلیل، جامعیت تحلیل و شفافیت تحلیل (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰). در این تحقیق تلاش شده است، اولاً نمونه‌های مناسبی انتخاب گردند تا معیار مقبولیت بر اساس توافق متخصصان تامین گردد؛ بدین منظور مذاکرات مرتبط با فضای محیط زیست شناسایی و انتخاب شدند؛ ثانیاً مراحل تحقیق روشن و مشخص باشند و از سوی دیگر با تایید آن از سوی اهل فن به گونه‌ای میتوان به اعتبار توافقی نزدیک گردید. این توافق زمینه کسب ملاک مشروعیت تحقیق بر اساس استحکام و جامعیت را نیز تا اندازه‌ای پوشش می دهد و نهایتاً اینکه شفافیت و قابل فهم بودن مطالب تحقیق میتواند به عنوان شاخصی دیگر کیفیت تحقیق را افزایش دهد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه شده اند. ابتدا با بررسی مذاکرات انجام شده در هفت دوره مجلس شورای اسلامی، مشخصات مذاکرات زیست محیطی در این هفت دوره معرفی می شوند. و سپس به این سوال پاسخ داده خواهد شد که آیا مذاکرات زیست محیطی نمایندگان، با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی انطباق دارند؟ و این انطباق شامل

چه حجم و بخشی از مذاکرات نمایندگان می شود؟ پاسخ به این سوال از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که از طریق همین مذاکرات می توان پی برد که تا چه اندازه نمایندگان مجلس، موضوعات و مسائل زیست محیطی را به عنوان پدیده ای جهانی می بینند و تا چه اندازه نسبت به منابع نسلهای آینده در حوزه محیط زیست دغدغه دارند؟ به عبارتی می توان پی برد، نمایندگان درباره محیط زیست چگونه می اندیشیده اند؟

۱- جایگاه محیط زیست در مذاکرات نمایندگان هفت دوره مجلس شورای اسلامی

مذاکرات زیست محیطی انجام شده به لحاظ نوع یا قالب، در پنج بخش از همدیگر تفکیک شده اند: طرح، لایحه، سوال از وزیر، نامه به رئیس جمهور و نهایتاً قرائت در کمیسیون. همچنین مذاکرات زیست محیطی به لحاظ نوع نگاه به محیط زیست به دو دسته تقسیم می شوند: دسته اول مذاکراتی اند که محیط زیست را در اولویت خود قرار داده و نتیجتاً حامی محیط زیستند و دسته دیگر مذاکراتی را شامل می شوند که نوسازی و توسعه زیر ساخت ها اولویت اول بوده و محیط زیست اولویت دوم یا چندم بوده و بعضاً در اولویت مذاکره و سیاستگذاری قرار نمی گیرد و لذا از این جهت مخرب محیط زیست محسوب می شوند. بر این اساس مذاکرات دسته اول نشاندهنده گفتمانهای زیست محیطی و مذاکرات دسته دوم نشاندهنده گفتمان نوسازی و توسعه هستند.

۱. مجلس اول (۱۳۵۹-۱۳۶۳): مجلس اول به لحاظ حجم کار و فعالیت از پرکارترین مجالس بوده است و بیشترین جلسات و نشستها در بین ادوار مختلف مجلس در این دوره با ۶۲۵ جلسه صورت گرفته است که از این میزان، مجموعاً ۱۱ مذاکره، زیست محیطی بوده است. از این ۱۱ مذاکره ۶ مذاکره حامی محیط زیست (۲ طرح و یک لایحه و ۳ سوال از وزیر) و ۵ مذاکره نیز مخرب محیط زیست بوده اند. مهمترین مباحث مطرح شده در این مذاکرات عبارتند

از تصویب طرح توزیع عادلانه آب، تصویب لایحه اجازه تعیین نرخ آب برای مصارف شهری، کشاورزی، صنعتی و سایر مصارف، تصویب طرح قانونی جنگلها و مراتع و ...

۲. مجلس دوم (۱۳۶۳-۱۳۶۷): در طول چهار سال مجلس دوم ۵۴۰ جلسه برگزار شد که از این میزان، ۱۰ مذاکره زیست محیطی انجام شده است که ۴ مذاکره حامی محیط زیست (۲ طرح و ۲ لایحه) و ۶ مذاکره مخرب محیط زیست بوده اند. مهمترین مباحث مطرح شده در این مذاکرات عبارتند از تصویب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحی کنوانسیون مربوط به تالابهای مهم بین المللی به ویژه تالابهای زیستگاههای پرندگان آبی، طرح تعیین تکلیف سازمان محیط زیست، تصویب لایحه عضویت دولت ایران در کنوانسیون تجارت بین المللی گونههای جانوران و گیاهان وحشی در معرض نابودی، تصویب لایحه ادامه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان منطقه ای حفاظت محیط زیست دریایی و ...

۳. مجلس سوم (۱۳۶۷-۱۳۷۱): در این دوره ۴۸۹ جلسه برگزار شده است که ۲۳ مذاکره در حوزه محیط زیست صورت گرفته است. از این تعداد ۱۰ مذاکره زیست محیطی صورت گرفته حامی محیط زیست (یک طرح و ۹ لایحه) و ۱۳ مذاکره صورت گرفته مخرب محیط زیست بوده اند. مباحث مطرح شده در این مذاکرات شامل تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون مربوط به مقررات بین المللی جلوگیری از تصادم در دریا، تصویب لایحه اخذ ورودیه از بازدیدکنندگان پارکها و موزه های تاریخ طبیعی، تصویب لایحه پرداخت حقالکشف به کاشفین و مخبرین گارد سازمان حفاظت محیط زیست، تصویب طرح قانونی جلوگیری از آلودگی هوا و ...

۴. مجلس چهارم (۱۳۷۱-۱۳۷۵): در این دوره از ۴۲۶ جلسه برگزار شده، ۳۴ مذاکره زیست محیطی انجام شده که بیشترین فراوانی مربوط به مذاکرات زیست محیطی را به خود اختصاص داده است. از این تعداد ۱۶ مذاکره حامی (۴ طرح و ۱۲ لایحه) و ۱۸ مذاکره مخرب محیط زیست بوده اند. مباحث محوری مذاکرات عبارتند از تصویب لایحه اجازه عضویت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زیان بخش و دفع آنها، تصویب لایحه اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس ماده ۶۰ آیین نامه داخلی، تصویب لایحه دو فوریتی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون آب و هوا، تصویب طرح یک فوریتی در خصوص جلوگیری از تبدیل ۱۱۰۰ هکتار زمینهای کشاورزی آبی و دیم در اصفهان به دهکده المپیک، تصویب لایحه عضویت ایران در کنوانسیون تالابهای مهم بین المللی و تالابهای زیستگاههای پرندگان آبی و ...

۵. مجلس پنجم (۱۳۷۵-۱۳۷۹): در این دوره از ۳۸۷ جلسه برگزار شده، ۲۱ مذاکره زیست محیطی انجام شده است که از این تعداد ۱۱ مذاکره حامی (۴ طرح و ۷ لایحه) و ۱۰ مذاکره مخرب محیط زیست بوده است. موضوعاتی از قبیل تصویب طرح یک فوریتی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی در کشورهایی که بطور جدی با خشکسالی و یا بیابان زایی مواجه می باشند، تصویب لایحه اجلاسهای لندن و کپنهاک راجع به پروتکل مونترال در مورد مواد کاهنده لایه ازن، تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، تصویب لایحه تاسیس موسسه بینالمللی تاس ماهیان دریای خزر، تصویب طرح دو فوریتی ایجاد تسهیلات

برای توسعه طرح های فاضلاب و بازسازی شبکه های آب شهری و

۶. مجلس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۳): از ۴۳۳ جلسه ای که در این دوره برگزار شد، ۳۳ مذاکره زیست محیطی انجام شده است که به لحاظ فراوانی بعد از مجلس چهارم، بیشترین مذاکرات زیست محیطی را به خود اختصاص داده است. از این تعداد ۱۹ مذاکره حامی (۹ طرح و ۷ لایحه و ۳ نامه به ریس جمهور) و ۱۴ مذاکره مخرب محیط زیست بوده اند. موضوعات مهم بحث شده در این مذاکرات عبارتند از تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون روتردام در مورد آیین اعلام رضایت قبلی برای مقابله با مواد شیمیایی و آفت کشهای خطرناک خاص در تجارت بین المللی، تصویب لایحه پذیرش موافقتنامه تاسیس کمیسیون منطقه ای جهت کنترل ماهیگیری، تصویب طرح افزایش جریمه های تخلفات رانندگی موثر در آلودگی هوا، تصویب طرح یک فوریتی جایگزینی خودروهای فرسوده و

۷. مجلس هفتم (۱۳۸۳-۱۳۸۷): در این دوره ۴۲۸ جلسه انجام شده است که در این میان ۲۶ مذاکره در حوزه محیط زیست صورت گرفته است که ۱۴ مذاکره آن حامی (۱ طرح و ۱۲ لایحه و یک قرائت کمیسیون) و ۱۲ مذاکره مخرب محیط زیست بوده است. مهمترین مباحث مورد مذاکره در این دوره شامل تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا، تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده های آلی پایدار، تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر، تصویب

لایحه موافقتنامه همکاری در زمینه
قرنطینه گیاهی و حفظ نباتات بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری ترکیه و ...

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی مذاکرات زیست محیطی
صورت گرفته حامی محیط زیست بر حسب قالب مذاکره

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۸,۸	۲۸,۸	۲۳	طرح
۹۱,۳	۶۲,۵	۵۰	لایحه
۹۵,۰	۳,۸	۳	سوال از وزیر
۹۸,۸	۳,۸	۳	نامه به رئیس جمهور
۱۰۰,۰	۱,۳	۱	قرائت کمیسیون
	۱۰۰,۰	۸۰	جمع

جدول فوق تعداد مذاکرات زیست محیطی
صورت گرفته توسط نمایندگان در هفت دوره
را بر اساس نوع و قالب مذاکره نشان می
دهد. این مذاکرات حامی محیط زیست
بوده اند و محتوا و نتیجه آنها عموماً در
راستای محافظت از محیط زیست بوده
است. همانگونه که ملاحظه می گردد ۶۲/۵
درصد از مذاکرات زیست محیطی صورت
گرفته حامی محیط زیست، در قالب لوایح
دولت تقدیم مجلس شده و پیرامون آن
بحث شده است. ۲۸/۸ درصد نیز طرحهای
داخل مجلس بوده است. مابقی مذاکرات
که بخش کوچکی از مجموع مذاکرات
زیست محیطی اند، در قالب سوال از وزیر و
نامه به رئیس جمهور مطرح شده اند. آنچه
آشکار است، اینست که بیشترین مذاکرات
زیست محیطی، در ادوار هفتگانه مجلس
شورای اسلامی، دغدغه دولتها بوده اند که
در قالب لایحه تقدیم مجلس شده اند.

جمع	نوع مذاکره				
	قرائت کمیسیون	نامه به رئیس جمهور	سوال از وزیر	لایحه	طرح
مجلس اول					
۶	۰	۰	۳	۱	۲
%۷,۵	%۰,۰	%۰,۰	%۱۰۰,۰	%۲,۰	%۸,۷
مجلس دوم					
۴	۰	۰	۰	۲	۲
%۵,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۴,۰	%۸,۷
مجلس سوم					
۱۰	۰	۰	۰	۹	۱
%۱۲,۵	%۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۱۸,۰	%۴,۳
مجلس چهارم					
۱۵	۰	۰	۰	۱۲	۴
%۲۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۲۴,۰	%۱۷,۴
مجلس پنجم					
۱۱	۰	۰	۰	۷	۱
%۱۳,۸	%۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۱۴,۰	%۴,۳
مجلس ششم					
۱۹	۰	۳	۰	۷	۹
%۲۳,۸	%۰,۰	%۱۰۰,۰	%۰,۰	%۱۴,۰	%۳۹,۱
مجلس هفتم					
۱۴	۱	۰	۰	۱۲	۱
%۱۷,۵	%۱۰۰,۰	%۰,۰	%۰,۰	%۲۴,۰	%۴,۳
جمع					
۸۰	۱	۳	۳	۵۰	۲۳
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی نوع (قالب) مذاکرات زیست محیطی صورت گرفته حامی محیط زیست بر حسب دوره مجلس

جدول بالا وضعیت نوع مذاکرات زیست محیطی صورت گرفته حامی محیط زیست را در ادوار مختلف هفتگانه مجلس نشان می دهد. بیشترین مذاکرات زیست محیطی در قالب طرح، که نشاندهنده دغدغه های زیست محیطی نمایندگان مجلس است، با ۳۹ درصد متعلق به مجلس ششم است و از این حیث می توان مجلس ششم را فعالترین مجلس در جهت ارائه طرحهای زیست محیطی به حساب آورد. از طرف دیگر بیشتر لوایح زیست محیطی که در طول مجالس هفتگانه ارائه شده اند، در مجلس چهارم (با ۲۴ درصد) و هفتم (با ۲۴ درصد) بوده اند که به ترتیب توسط دولت دوم هاشمی رفسنجانی و دولت اول احمدی نژاد به این دو مجلس ارائه شده و مورد مذاکره نمایندگان قرار گرفته اند. بعلاوه جدول نشان می دهد که بیشترین مذاکرات زیست محیطی انجام شده فارغ از نوع و قالب مذاکره، به ترتیب در مجلس ششم، چهارم و سپس مجلس هفتم انجام شده است.

جدول شماره ۴. وضعیت مذاکرات زیست محیطی در مجلس اول تا هفتم

مجلس ابعاد	مجلس اول	مجلس دوم	مجلس سوم	مجلس چهارم	مجلس پنجم	مجلس ششم	مجلس هفتم	جمع
بعد زمانی	۱۳۵۹/۳/۷ تا ۱۳۶۳/۳/۶	۱۳۶۳/۳/۷ تا ۱۳۶۷/۳/۶	۱۳۶۷/۳/۷ تا ۱۳۷۱/۳/۵	۱۳۷۱/۳/۷ تا ۱۳۷۵/۳/۶	۱۳۷۵/۳/۱۲ تا ۱۳۷۹/۳/۴	۱۳۷۹/۳/۷ تا ۱۳۸۳/۳/۶	۱۳۸۳/۳/۷ تا ۱۳۸۷/۳/۵	۲۸ سال
تعداد کل جلسات	۶۲۵	۵۴۰	۴۸۹	۴۲۶	۳۸۷	۴۳۳	۴۲۸	۳۳۲۸
تعداد مذاکرات زیست محیطی (حامی)	۶	۴	۱۰	۱۶	۱۱	۱۹	۱۴	۸۰
نوع مذاکره	طرح	۲	۲	۱	۴	۹	۱	۲۳
	لایحه	۱	۲	۹	۱۲	۷	۱۲	۵۰
	سوال از وزیر	۳	-	-	-	-	-	۳
	نامه به رییس جمهور	-	-	-	-	-	۳	۳
	قرائت کمیسیون	-	-	-	-	-	-	۱
تعداد مذاکرات زیست محیطی (مخرب)	۵	۶	۱۳	۱۸	۱۰	۱۴	۱۲	۷۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

نوع مذاکره	طرح	۳	۳	۶	۱۰	۴	۸	۸	۴۲
	لایحه	۳	۷	۶	۶	۶	۴	۳۴	
	سوال از وزیر	-	-	-	-	-	-	-	
	نامه به رییس جمهور	-	-	۲	-	-	-	۲	
	قرائت کمیسیون	-	-	-	-	-	-	-	
کل مذاکرات زیست محیطی	۱۱	۱۰	۲۳	۳۴	۲۱	۳۳	۲۶	۱۵۸	
نوع نگاه	محلی (بخشی)	محلی (بخشی)	ملی	ملی	ملی	جهانی	جهانی		

جداول فوق وضعیت مذاکرات نمایندگان را در بازه زمانی سه دهه ای و هفت دوره ای مجلس شورای اسلامی نشان می دهد. همانگونه که در جدول آمده است، تعداد مذاکرات زیست محیطی (اعم از حامی یا مخرب)، و به تفکیک نوع مذاکره و نوع نگاه حاکم بر نمایندگان مشخص شده است.

۲- تطبیق مذاکرات نمایندگان با الگوهای جهانی گفتمان زیست محیطی

برای رسیدن به میزان انطباق مذاکرات نمایندگان با الگوهای جهانی، سه الگوی گفتمانی: (۱) هانیگن، (۲) هرندل و براون و (۳) برول ملاک قرار گرفت و مذاکرات مذکور با این نگاه مورد خوانش قرار گرفت. دیدگاههای مذکور در بخش ادبیات نظری معرفی شده اند، به این ترتیب جداولی استخراج شد که نشان می دهد مذاکرات توسط چه نماینده ای و در چه تاریخی مطرح شده و با کدام گفتمان جهانی انطباق دارد. در ادامه ضمن معرفی وضعیت مذاکرات زیست محیطی نمایندگان در هفت دوره مجلس، جداول استخراج شده مذکور به همراه مصادیقی از بحثهای نمایندگان ارائه شده است.

نام مطرح کننده، عبارت کلیدی، تاریخ و صفحه	تعداد	گونه‌شناسی هانیگن
<p>فاضل هرنندی: برخی پارکها به محض ورود فرد با منظره مشمئزکننده ای روبرو میشود، چهره پارکها بسیار برهم خورده است. ۱۳۶۷/۶/۲۲ -۲۴- منافعی: بحث حفاظت و نگه داری از تالابهای کشور هم به لحاظ زیبایی و هم به لحاظ اقامتگاه پرندگان مهاجر حائز اهمیت می باشد. ۱۳۷۲/۱۲/۳ ص ۲۸ و ۲۹- نعمت زاده: گونه های وحشی هم از لحاظ اقتصادی، هم زیبایی و هم حفظ و تعادل اکوسیستم اهمیت دارند. ۱۳۸۷/۹/۷ ص ۱۸</p>	۳	آرکادی
<p>یوسفی اشکوری: چه اقداماتی در جهت حفاظت از تخریب غیرقانونی و آتش سوزی های مشکوک صورت گرفته است؟ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷ ص ۲۹- اعظم طالقانی: برای بقای نسل ماهیان در حال انقراض فصل صید باید کنترل گردد و حوضچه های پرورش ماهی بوجود آوریم. ۱۳۶۰/۳/۲۶ ص ۳۱- نوروزی: جنگلهای شمال کشور رو به نابودی است، چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟ ۱۳۶۱/۵/۱۷ ص ۳۱- لطیف صفری: حفظ منابع طبیعی و توسعه و بهره برداری از آن در هر مملکتی یکی از سرمایه های اصلی است که تضمین حفظ جانوران و انسانها را فراهم میکند. ۱۳۶۲/۸/۱۰ ص ۱۸- شینی مصطفی: احیا و حفاظت از زیستگاههای پرندگان تولید نسل آنها را بیشتر کرده و از خطر انقراض در امان خواهند بود. ۱۳۶۵/۳/۱۴ ص ۳۴- مدنی: گسترع در حال انقراض برخی گونه های نایاب باید کنترل گردد. ۱۳۶۷/۲/۲۹ ص ۲۵- سیحانی نیا: کار کنوانسیون منطقه ای کویت حفاظت و بهبود شرایط زیستی خلیج فارس خواهد بود. ۱۳۶۶/۹/۱ ص ۲۷- غلامرضا فدایی: حفاظت از گونه های مختلف گیاهی نیاز به هزینه دارد که اخذ ورودیه میتواند یکی از منابع تامین این هزینه ها باشد. ۱۳۶۷/۶/۲۲ ص ۲۴- طاهایی: اگر در حفاظت از گونه های بربازندگان و ماهی آزاد تلاش بیشتری صورت میگرفت، امروز با خطر انقراض آنها مواجه نبودیم. ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۳۱- کبیری: حفظ محیط زیست وظیفه ای عمومی است. ۱۳۶۹/۹/۷ ص ۲۱- احمد کبیری: سازمان جنگلها و مراتع کشور موظف است ضمن حفاظت از گونه های در حال انقراض، متخلفین را به مراجع</p>	۲۲	حفاظت از محیط زیست (اکوسیستم)

<p>قضایای معرفی نماید. ۱۳۷۰/۵/۸ ص ۳۲- احمد کبیری: هدف کمیسیون مزبور تلاش در جهت حفظ و صیانت محیط زیست دریایی از آلودگی‌هایی است که توسط عملیات اکتشافی رخ می‌دهد. ۱۳۷۰/۷/۲ ص ۲۳- منافی: کشورهای عضو موظف به کنترول تولید گازهای گلخانه‌ای و در نهایت حفظ فضای سبز و جنگلها خواهند بود. ۱۳۷۵/۲/۲۶ ص ۲۸- منافی: لزوم حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری در حال انقراض که برای ادامه چرخه حیات ضروری می‌باشند. ۱۳۷۵/۲/۲۶ ص ۲۹- شایسته: احداث دهکده المپیک در زمینهای کشاورزی بخش عظیمی از خاک قابل کشت را از بین خواهد برد و منجر به فرسایش خاک می‌گردد. ۱۳۷۴/۱/۱۵ ص ۲۳- منافی: عصویت در این کنوانسیون زمینه بازسازی و حفاظت از تالابهای کشور را فراهم می‌کند. ۱۳۷۲/۱۲/۳ ص ۲۸ و ۲۹- فروزش: حفاظت از برخی گونه‌های ارزشمند وظیفه ای ملی و همگانی است. ۱۳۷۱/۷/۵ ص ۲۸- سیفیان: براساس کنوانسیون در صورت بروز حادثه ای زیست محیطی برای نجات دهنده محیط زیست اجرت و پاداش در نظر گرفته می‌شود. ۱۳۷۳/۱/۳ ص ۲۷- مرجبا: ممنوعیت صید ماهی در فصل تخمگذاری، ماهیان در حال انقراض را از نابودی نجات داده و منجر به بازیابی آنها میگردد. ۱۳۷۴/۳/۲۸ ص ۲۴- آقای: ضرورت همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس و دریا عمان به منظور حفاظت مدیریت و بهره برداری صحیحی از این منابع به چشم می‌خورد. ۱۳۸۰/۳/۲۹ ص ۲۷</p>	
<p>علی موحدی ساوجی: طرح باید به گونه ای باشد که همه مردم بتوانند به قاعده از آب استفاده کنند، انفال و مشترکات متعلق به همه است. آب کشاورزی قیمت کمتری داشته باشد. ۱۳۶۱/۲/۳۰ ص ۲۴- سیحانی نیا: تردد کشتی‌ها در خلیج فارس و بهره برداری از منابع فلات قاره و زیرزمینی در دراز مدت سبب آلودگی آنها شده و منابع مهم دریایی را از بین میبرد. ۱۳۶۶/۹/۱ ص ۲۷- روحانی نیا: الحاق به کنوانسیون مزبور تلاشی است جهت حفظ حقوق در برابر شکارچیان غیر مجاز ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۳۲- کبیری: وضعیت آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ به حدی است که گاهی مجبور به اعلام وضعیت اضطراری شده تا افراد با ناراحتی قلبی و ... در خانه هایشان بمانند. ۱۳۶۹/۹/۷ ص ۲۱- کبیری: قطع گونه‌های نایاب مانند شمشاد، زرین، سرخدار، سرو خمره ای، چنل در سراسر کشور ممنوع می‌باشد. ۱۳۷۰/۵/۸ ص ۳۲- فارغ: با فرسایش خاک کشور از منابع غنی خاکهای کشاورزی تهی گشته و وابستگی کشاورزی بدنبال خواهد داشت. ۱۳۷۰/۵/۹ ص ۲۷- صدیق: کشورهای توسعه‌یافته همواره بدنبال کشورهای ثالثی هستند تا زباله های صنعتی خود را آنجا دفن کنند که مضرات جبران ناپذیری برای کشورهای مقصد در پی خواهد داشت. ۱۳۷۱/۶/۳۱ ص ۳۱- صدیق: کلیه منابع طبیعی که تا سال ۶۵ توسط متصرفین تصرف شده است، باید خلع ید شده و در اختیار عموم قرار گیرد. ۱۳۷۲/۱/۲۸ ص ۱۸- شایسته: تصویب طرح مزبور موجب از بین رفتن یکی از منابع ارتزاق خانوارهای روستایی کشاورزی خواهد شد. ۱۳۷۴/۱/۱۵ ص ۲۳- دهگان: در حال حاضر تمامی فاضلاب شمال تهران به سمت جنوب تهران روانه میگردد که مسئله ای عادلانه نیست. ۱۳۷۷/۳/۱۹ ص ۳۲- خانم راکعی: حفظ جان و مال احاد مردم بعهدده حاکمیت است، لذا ضروری است دولت تمهیدات لازم برای مقابله و پیشگیری جریانات و سوانح طبیعی را مد نظر قرار دهد. ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ ص ۲۶- بنایی: آلودگی هوا سلامت شهروندان تهرانی و سایر کلانشهرها را تهدید می‌کند. ۱۳۸۷/۳/۱ ص ۲۹</p>	<p>عدالت زیست محیطی ۱۳</p>

جدول فوق تعداد مذاکرات و نمایندگانی را که دیدگاهشان در قالب گفتمان هانیگن قرار می گیرد، نشان می دهد. ۳۸ مذاکره از مجموع مذاکرات زیست محیطی صورت گرفته (۱۵۸ مذاکره)، با الگوی هانیگن منطبق اند. این مذاکرات در ادوار اول تا هفتم مجلس انجام شده و حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از مذاکرات با ادبیات هانیگنی انطباق دارد. اما همانگونه که مشخص است، کمترین میزان از مذاکرات انجام شده به گفتمان آرکادی اشاره نمودهاند و بیشترین بحثها در قالب گفتمان حفاظت و با هدف حفظ محیط زیست انجام شده است. در بحث گفتمان عدالت زیست محیطی نکاتی را باید مورد نظر قرار داد. با مروری بر روند مذاکرات، گفتمان عدالت زیست محیطی عموماً در دو مجلس اول توانست امکان ظهور پیدا کند و در ادوار دیگر تحت سیطره سایر الگوهای گفتمانی قرار گرفت. وجه اشتراک گفتمان عدالت هانیگن با گفتمان عدالت مورد بحث نمایندگان مجلس در آنست که هر دو به حقوق مدنی خسارت دیدگان اشاره دارند نه حقوق طبیعت (ناش ۱۹۸۹) و (هانیگن، ۱۳۹۲) اما تفاوت مهمی در گفتمان عدالت زیست محیطی در دیدگاه هانیگن با گفتمان عدالت زیست محیطی در مذاکرات نمایندگان مجلس مشاهده می گردد. الگوی عدالت زیست محیطی هانیگن به ۴ حوزه حقوق مدنی افراد اشاره می کند: حق کسب اطلاعات در مورد موقعیت یک فرد، حق دادرسی جدی به هنگام طرح دعاوی مربوط به آلودگی، حق غرامت گرفتن از کسانی که یک محله‌ی خاص را آلوده ساخته اند و حق مشارکت دموکراتیک در تصمیم گیری برای آینده‌ی یک اجتماع آلوده (هانیگن، ۱۳۹۲)؛ این بدان معناست که گفتمان عدالت زیست محیطی مورد اشاره هانیگن با این حقوق، زمینه و بستر مناسبی را برای سالم سازی و حفظ محیط زیست ایجاد می کند. اما در گفتمان عدالت زیست محیطی نمایندگان مجلس، وضعیت دوگانهای دارد: از یک طرف بر حق دسترسی همگان به محیط زیست سالم و عموماً به یک حوزه حقوق مدنی تاکید می شود. از طرف دیگر نمایندگان مجلس با این استدلال که منابع طبیعی و زیست محیطی جزو انفال بوده و در واقع منابع ملی است، لذا همه باید به آن دسترسی داشته

باشند، زمینه ای مهیا شد که منابع را در اختیار همه و مخصوصاً مستضعفین که در سنوات گذشته در حق آنها اجحاف صورت گرفته، قرار دهند. این نکات در بحثهای نمایندگان عمدتاً با نگاه به حوزه انتخابی که نمایندگی آنها برعهده دارند، یعنی نگاهی بخشی و محلی مطرح می شود. (طرح توزیع عادلانه آب که در جلسات ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸ و ۳۱۹ و به ترتیب در تاریخهای ۶۱/۲/۳۰، ۶۱/۳/۴، ۶۱/۳/۵، ۶۱/۳/۹، ۶۱/۳/۱۳ و ۶۱/۳/۱۶ دوره اول مجلس شورای اسلامی برگزار شد و همچنین طرح تعیین تکلیف منابع ملی که توسط دولت به افراد حقیقی یا حقوقی واگذار گردیده است، در جلسه شماره ۲۶۰ و در تاریخ ۸۱/۸/۱۲ دوره ششم مجلس شورای اسلامی برگزار شد). به عنوان مثال نمایندگانی که طرح تعیین تکلیف منابع ملی را مطرح می کنند، معتقدند منابعی که سالها در ید عده خاصی بوده، باید خلع ید شوند و به عنوان منابع ملی در اختیار همه قرار گیرند. طرح مذکور زمینه نظارت بیشتر دولت را بر منابع ملی مهیا میکند که این نوع نگاه مبتنی بر عدالت خواهی در حوزه محیط زیست است، اما طرح هایی چون طرح توزیع عادلانه آب در صدد است که با اتکا به مبانی عدالتخواهانه و در راستای کمک به کشاورزی، آب کشاورزی را با قیمت پایین در اختیار کشاورزان قرار دهد. این وضعیت علی رغم اینکه در چارچوب عدالتخواهی قرار دارد اما عملاً پیامدهایی در پی دارد که محیط زیست را در معرض تهدید قرار می دهد. بدین معنا که در طرح مذکور، این موضوع مطرح می گردد که عدالت اسلامی اقتضاء می کند تا آب کشاورزی ارزانتر در اختیار کشاورزان قرار گیرد تا زمینه رشد کشاورزی را فراهم کند. بنابراین عملاً زمینه فشار بیشتر بر منابع آبی زیر زمینی را فراهم می آورد و سرعت مشکلات زیست محیطی آینده را تسریع میکند. درحالیکه گفتمان عدالت هانیگنی حامی محیط زیست است، گفتمان عدالت مجلس در برخی جنبه ها حامی محیط زیست و در برخی موارد علی رغم جنبه های عدالتخواهانه، مخرب محیط زیست است. بعلاوه گفتمان عدالت هانیگن در حالیکه نگاهی جهانی دارد، گفتمان عدالت زیست محیطی مجلس از نگاهی محلی و بخشی برخوردار است.

نام مطرح کننده، عبارت کلیدی، تاریخ و صفحه	تعداد	گونه‌شناسی هرندل و براون
<p>فاضل هرندی: برخی پارکها به محض ورود فرد با منظره مشمئزکننده ای روبرو می شود، چهره پارکها بسیار برهم خورده است. ۱۳۶۷/۶/۲۲ -۲۴ منافی: بحث حفاظت و نگه داری از تالابهای کشور هم به لحاظ زیبایی و هم به لحاظ اقامتگاه پرندگان مهاجر حائز اهمیت می باشد. ۱۳۷۲/۱۲/۳ ص ۲۸ و ۲۹- نعمت زاده: گونه های وحشی هم از لحاظ اقتصادی، هم زیبایی و هم حفظ و تعادل اکوسیستم اهمیت دارند. ۱۳۸۷/۹/۷ ص ۱۸</p>	۳	شاعرانه
<p>سلامتی (وزیر کشاورزی): نهادهایی صادفانه اما ناآگاهانه در جهت واگذاری زمینهای جنگلی و مرتعی به کشاورزان اقدام کردهاند. ۱۳۶۰/۱۱/۲۷ ص ۲۹- سلامتی (وزیر کشاورزی): توسط نهادهای قدرتمند که تصمیم گیرهای محیط زیستی را انجام میدهند، اقداماتی جهت کنترل صید ماهی انجام شده است. ۱۳۶۰/۳/۲۶ ص ۳۱- لطیف صفری: سازمان نظر کارشناسی و علمی خود را می دهد، وزارت نیرو، کشاورزی و وزارت کشور و ... هریک نقش خود را ایفا خواهند کرد. ۱۳۶۴/۳/۲۷ ص ۲۵- غلامعلی شهرکی: عدم عضویت ایران در کنوانسیون منجر بهعدم توانایی در دفاع از حقوق خود در زمینه مسائل و رخدادهای دریایی خواهد شد. ۱۳۶۷/۷/۵ ص ۲۹- طاهایی: سازمان محیط زیست از این طریق اهرمهای لازم جهت اجرای اهداف خود را خواهد داشت. ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۳۱- کبیری: این طرح جامع نگری شده و کلیه دستگاههای ذیربط ملزم به رعایت اصول محیط زیستی خواهند بود. ۱۳۶۷/۹/۷ ص ۲۱- کبیری: سازمان جنگلها و مراتع کشور موظف است ضمن حفاظت از گونه های در حال انقراض، متخلفین را به مراجع قضایی معرفی نماید. ۱۳۷۰/۵/۸ ص ۳۲- کمال الدین شهرداری: شورای عالی اقیانوس شناسی کشور جهت انجام و هماهنگی مطالعات و تحقیقات و عملیات دامنه دار دریابیدر هفت کمیته تخصصی تشکیل خواهد شد که حفظ محیط زیست دریایی و کنترل آلودگی های دریایی را بر عهده خواهد داشت. ۱۳۶۹/۱/۲۹ ص ۲۷- کبیری: پروتکل حاضر یک سری ضوابط و پارامترهایی را مشخص کرده که کشورهای عضو ملزم به رعایت جهت کنترل آلودگی نفتی ناشی میکند. ۱۳۷۰/۷/۲ ص ۲۳- صدیق: ریاست شورای عالی محیط زیست با رئیس جمهور است و اعضای آن وزراء کشاورزی، صنایع، مسکن و شهرسازی، جهاد سازندگی خواهند بود. ۱۳۷۱/۶/۳۱ ص ۲۳- مرحبا: هرساله مدیران بخشنامه های مختلفی ارائه می دهند و صیادان دچار سردرگمی و بلاتکلیفی هستند. حقوق قانونی آنها نیز ضایع میگردد. ۱۳۷۴/۳/۲۸ ص ۲۳- قندهاری: موسسه تحقیقاتی مورد نظر باید برنامه ای راهبردی برای صید و پرورش ماهی ارائه دهد. ۱۳۷۶/۵/۷ ص ۳۳</p>	۱۲	انتظامی

۳	علمی	<p>رضا عبداللهی: هرگونه حادثه، اخلال، عیب و یا تغییرات در رابطه با منابع مولد اشعه که احتمال افزایش مخاطرات بالقوه محیط زیستی را در برداشته باشد، باید به واحدهای قانونی اطلاع رسانی شود. ۱۳۶۸/۱/۲۰ ص ۲۲- احمد کبیری: اگر لایه ازن از بین برود، سبب عبور اشعه ماوراء بنفش از پوسته زمین شده و اثرات مخرب و زیانبار بر طبیعت، انسان و چرخه زندگی خواهد گذاشت. ۱۳۶۸/۸/۷ ص ۲۷- منافی: بدنبال مصرف بیش از اندازه انرژی و از بین رفتن جنگلها و افزایش گازهای گلخانه ای و تغییرات اقلیم، حیات بشری بطور جدی در معرض خطر قرار گرفته است. ۱۳۷۵/۲/۲۶ ص ۲۸</p>
---	------	--

از مجموع مذاکرات صورت گرفته تعداد ۱۸ مذاکره با الگوی هرنندل و براون منطبق اند. هرنندل و براون سه گونه گفتمان زیست محیطی را شناسایی و تفکیک می کنند. گفتمان شاعرانه هرنندل و براون به لحاظ معنایی و موضوعی به گفتمان آرکادی هانیگن بسیار نزدیک است و همانگونه که مشخص است، عمده مذاکرات نمایندگان از منظر زیبا شناختی و شاعرانه صورت نمی گیرد. آنچه مشهود است آنست که مذاکرات مجلس عموماً با گفتمان انتظامی انطباق دارد. گفتمان انتظامی عموماً به سازمانها و ارگانهای اشاره دارد که وظایف و حیطه عملکردی شان در حوزه محیطزیست قرار داشته و عمدتاً تصمیم گیرنده و تعیینکننده خط مشی های زیست محیطیاند (هانیگن، ۱۳۹۲، ص ۶۰) مانند سازمان حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، سازمان جنگلها، شورای عالی محیط زیست، سازمان اقیانوس شناسی و غیره. بخش قابل توجهی از مذاکرات مجلس درباره این سازمانها، وظایف و شیوه عملکرد آنها بوده است و بنابراین با گفتمان انتظامی هرنندل و براون منطبق می باشد. نکته دیگر اینکه نمایندگان در مذاکراتشان پیرامون مسائل محیط زیستی، کمتر از استدلالها و بحثهای علمی استفاده نموده اند و لذا مذاکرات کمتر رنگ و بوی گفتمان علمی به خود گرفته است.

جدول شماره ۷. مصادیق مذاکرات صورت گرفته منطبق با الگوی برول

گونه شناسی برول	تعداد	نام مطرح کننده، عبارت کلیدی، تاریخ و صفحه
تقدیر آشکار	۲	<p>سلامتی (وزیر کشاورزی): دریاهاى ما بخصوص خلیج فارس و دریای عمان این امکان را دارند که سالیانه ۱۰۰ هزار تن، ماهی تحویل جامعه دهد در حالیکه در سالهای گذشته ۴ تا ۶ هزار تن بیشتر نبوده است. ۱۳۶۰/۳/۲۶ ص ۳۱- مقدم نژاد: لایحه به منظور حفظ دراز مدت و بهره برداری پایدار از ذخائر ماهیان مهاجر به مجلس تقدیم شده است. ۱۳۷۶/۷/۲۳ ص ۲۱</p>
مدیریت حیات وحش	۱	<p>اعظم طالقانی: برای بقای نسل ماهیان در حال انقراض فصل صید باید کنترل گردد و حوضچه های پرورش ماهی بوجود آوریم. ۱۳۶۰/۳/۲۶ ص ۳۱</p>

<p>حفاظت از محیط زیست</p>	<p>۲۲</p>	<p>یوسفی اشکوری: چه اقداماتی در جهت حفاظت از تخریب غیرقانونی و آتش سوزی های مشکوک صورت گرفته است؟ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷ ص ۲۹- نوروژی: جنگلهای شمال کشور رو به نابودی است. چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟ ۱۳۶۱/۵/۱۷ ص ۳۱- لطیف صفری: حفظ منابع طبیعی و توسعه و بهره برداری از آن در هر مملکتی یکی از سرمایه های اصلی است که طمینه حفظ جانوران و انسانها را فراهم میکند. ۱۳۶۲/۸/۱۰ ص ۱۸- شینی مصطفی: احیا و حفاظت از زیستگاههای پرندگان تولید نسل آنها را بیشتر کرده و از خطر انقراض در امان خواهند بود. ۱۳۶۵/۳/۱۴ ص ۳۴- مدنی: گسترع در حال انقراض برخی گونه های نایاب باید کنترل گردد. ۱۳۶۷/۲/۲۹ ص ۲۵- سیحانی نیا: کار کنوانسیون منطقه ای کویت حفاظت و بهبود شرایط زیستی خلیج فارس خواهد بود. ۱۳۶۶/۹/۱ ص ۲۷- غلامرضا فدایی: حفاظت از گونه های مختلف گیاهی نیاز به هزینه دارد که اخذ ورودیه میتواند یکی از منابع تامین این هزینه ها باشد. ۱۳۶۷/۶/۲۲ ص ۲۴- طاهایی: اگر در حفاظت از گونه های ببرمازندران و ماهی آزاد تلاش بیشتری صورت میگرفت، امروز با خطر انقراض آنها مواجه نبودیم. ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۳۱- احمد کبیری: حفظ محیط زیست وظیفه ای عمومی است. ۱۳۶۹/۹/۷ ص ۲۱- احمد کبیری: سازمان جنگلها و مراتع کشور موظف است ضمن حفاظت از گونه های در حال انقراض، متخلفین را به مراجع قضایی معرفی نماید. ۱۳۷۰/۵/۸ ص ۳۲- احمد کبیری: هدف کمیسیون مزبور تلاش در جهت حفظ و صیانت محیط زیست دریایی از آلودگی هایی است که توسط عملیات اکتشافی رخ میدهد. ۱۳۷۰/۷/۲ ص ۲۳- صدیق: کلیه منبع طبیعی که تا سال ۶۵ توسط متصرفین تصرف شده است، باید خلع ید شده و در اختیار عموم قرار گیرد. ۱۳۷۲/۱/۲۸ ص ۱۸- منافی: لزوم حفظ گونه های گیاهی و جانوری در حال انقراض که برای ادامه چرخه حیات ضروری می باشند. ۱۳۷۵/۲/۲۶ ص ۲۹- شایسته: تصویب طرح مزبور موجب از بین رفتن یکی از منابع ارتزاق خانوارهای روستایی کشاورزی خواهد شد. ۱۳۷۴/۱/۱۵ ص ۲۳- منافی: عصویت در این کنوانسیون زمینه بازسازی و حفاظت از تالابهای کشور را فراهم می کند. ۱۳۷۲/۱۲/۳ ص ۲۸ و ۲۹- فروزش: حفاظت از برخی گونه های ارزشمند وظیفه ای ملی و همگانی است. ۱۳۷۱/۷/۵ ص ۲۸- سیفیان: براساس کنوانسیون در صورت بروز حادثه ای زیست محیطی برای نجات دهنده محیط زیست اجرت و پاداش در نظر گرفته می شود. ۱۳۷۳/۱/۳ ص ۲۷- مرجبا: ممنوعیت صید ماهی در فصل تخمگذاری، ماهیان در حال انقراض را از نابودی نجات داده و منجر به بازیابی آنها میگردد. ۱۳۷۴/۳/۲۸ ص ۲۴- آقایانی: ضرورت همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس و دریا عمان به منظور حفاظت مدیریت و بهره برداری صحیحی از این منابع به چشم می خورد. ۱۳۸۰/۳/۲۹ ص ۲۷</p>
<p>محافظت از طبیعت</p>	<p>۱</p>	<p>نوروژی: جنگلهای شمال کشور رو به نابودی است. چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟ ۱۳۶۱/۵/۱۷ ص ۳۱</p>

۳	محیط زیست گرای اصلاحی	روحانی نیا: وجود پارکهای جنگلی برای جامعه انسانی امری حیاتی می باشد؛ مشکلات عدیده پارکها اعم از کثیفی و نابسامانی باید مرتفع گردد. ۱۳۶۷/۶/۲۲ ص ۲۳- طاهایی: در زنجیره حیات، انسان و حیات وحش ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر دارند. انسان از این پارامترها در تداوم جریان حیاتی و سیکل حیاتی اش بهره می جوید. ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۲۷- منافی: لزوم حفظ گونههای گیاهی و جانوری در حال انقراض که برای ادامه چرخه حیات ضروری می باشند. ۱۳۷۵/۲/۲۶ ص ۲۹
۱	اکولوژی ژرف	طاهایی: در زنجیره حیات، انسان و حیات وحش ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر دارند. انسان از این پارامترها در تداوم جریان حیاتی و سیکل حیاتی اش بهره می جوید. ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۲۷
۱۳	عدالت زیست محیطی	علی موحدی ساوجی: طرح باید به گونه ای باشد که همه مردم بتوانند به قاعده از آب استفاده کنند، انفال و مشترکات متعلق به همه است. ۱۳۶۱/۲/۳۰ ص ۲۴- سیحانی نیا: تردد کشتیها در خلیج فارس و بهره برداری از منابع فلات قاره و زیرزمینی در دراز مدت سبب آلودگی آنها شده و منابع مهم دریایی را از بین میبرد. ۱۳۶۶/۹/۱ ص ۲۷- غلامعلی شهرکی: جهت کنترل آلودگی های احتمالی ناشی از تردد آبراهه ها عضویت ایران ضروری به نظر می رسد. ۱۳۶۷/۷/۵ ص ۲۹- روحانی نیا: الحاق به کنوانسیون مزبور تلاشی است جهت حفظ حقوق در برابر شکارچیان غیر مجاز ۱۳۶۷/۸/۸ ص ۳۲- کبیری: وضعیت آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ به حدی است که گاهی مجبور به اعلام وضعیت اضطراری شده تا افراد با ناراحتی قلبی و ... در خانههایشان بمانند. ۱۳۶۹/۹/۷ ص ۲۱- کبیری: قطع گونه های نایاب مانند شمشاد، زرین، سرخدار، سرو خمره ای، چنل در سراسر کشور ممنوع میباشد. ۱۳۷۰/۵/۸ ص ۳۲- فارغ: با فرسایش خاک کشور از منابع غنی خاکهای کشاورزی تهی گشته و وابستگی کشاورزی بدنبال خواهد داشت. ۱۳۷۰/۵/۹ ص ۲۷- صدیق: کشورهای توسعه یافته همواره بدنبال کشورهای ثالثی هستند تا زباله های صنعتی خود را آنجا دفن کنند که مضرات جبران ناپذیری برای کشورهای مقصد در پی خواهد داشت. ۱۳۷۱/۶/۳۱ ص ۳۱- صدیق: کلیه منبع طبیعی که تا سال ۶۵ توسط متصرفین تصرف شده است، باید خلع ید شده و در اختیار عموم قرار گیرد. ۱۳۷۲/۱/۲۸ ص ۱۸- شایسته: تصویب طرز مزبور موجب از بین رفتن یکی از منابع ارتزاق خانوارهای روستایی کشاورز خواهد شد. ۱۳۷۴/۱/۱۵ ص ۲۳- دهگان: در حال حاضر تمامی فاضلاب شمال تهران به سمت جنوب تهران روانه میگردد که مسئله ای عادلانه نیست. ۱۳۷۷/۳/۱۹ ص ۳۲- بنایی: آلودگی هوا سلامت شهروندان تهرانی و سایر کلانشهرها را تهدید می کند. ۱۳۸۷/۳/۱ ص ۲۹
-	اکوفمینیسم	-
۴	الهیات محیطی	رهامی (مخبر کمیسیون): دو اشکال شرعی: قابل تملیک نبودن» و «قابل لغو نشدن» باید رفع گردد. ۱۳۶۱/۱۱/۱۴ ص ۱۸- کاظمی دینان: اخذ رودیه مغایرتی با موازین شرعی و فرمایشات حضرت امام ندارد. ۱۳۶۷/۷/۲۲ ص ۲۶- ندیمی: بدلیل حساسیت دین مبین اسلام به مسائل زیست محیطی الحاق به پروتکل مزبور الزامی است. ۱۳۸۳/۱۰/۳۰ ص ۲۷- دلخوش: حفظ و حراست از انفال تاکید ویژه قرآن کریم و البته وظیفه ملی و همگانی است. ۱۳۸۴/۱/۲۴ ص ۲۱

بخش قابل توجهی از مذاکرات مجلس (۴۷ مذاکره از مجموع مذاکرات) با الگوی برول منطبق است. یک دلیل آنست که برول در گونه شناسی گفتمانهای زیست محیطی، گونه های بیشتری از گفتمانها را از همدیگر تفکیک نموده است. هرچند که وی معتقد است که این چندگانگی در گفتمان ها موجب تکه تکه شدن جنبش زیست محیطی آمریکا گردیده و مانع از آن شده که این جنبش با صدایی واحد و متحد با مخاطب آگاه ملی، سخن بگوید (عنبری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۰). به عبارت دیگر اگر جنبش زیست محیطی تکه تکه شده است به این علت است که الگوی گفتمانی زیست محیطی حاکم، اینگونه بوده است. برول گفتمان حفاظت از محیط زیست را از گفتمان حفاظت از طبیعت جدا نموده است و مبنای دقیقی برای این جدایی معرفی نکرده است. حتی گفتمان مدیریت حیات وحش و تقدیر آشکار به نوعی به همان گفتمان حفظ محیط زیست اشاره دارد. اما نکته مهم آنست که گفتمان حاکم، زمینه حفاظت از محیط زیست را هر چند در تکه ها و بخش های مختلف فراهم کرده است یعنی گفتمانهای زیست محیطی حامی محیط زیست بوده اند. تطبیق مذاکرات نمایندگان با این گونه شناسی نشان داد که عمده مذاکرات با گفتمان، عدالت زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست انطباق دارد. البته برول در این سنخ شناسی گفتمانهای زیست محیطی، به گفتمان الهیات زیست محیطی اشاره می کند که جنبه نوآورانه ای دارد. منظور برول دیدگاهها و نکات برگرفته از متون دینی است که درباره محیط زیست اظهار نظر کرده است. با توجه به این نکته مذاکرات زیست محیطی نمایندگان که مبنای مذاکراتشان آیه و حدیث و بطور کلی مبانی دینی باشد، جزو گفتمان الهیات زیست محیطی قرار می گیرد. اما نکته جالب آنست که علی رقم آنکه مبانی دینی ما (اسلام) سرشار از توصیه هایی درباره محیط زیست است، اما بخش اندکی از مذاکرات در قالب این گفتمان قرار می گیرند. به عبارتی این گفتمان حتی نتوانسته است خود را به عنوان گفتمان رقیب در ادوار مجلس مطرح نماید.

جدول شماره ۸ از مصادیق مذاکراتی در حوزه گفتمانی نوسازی و توسعه

عنوان گفتمان	تعداد	نام مطرح کننده، عبارت کلیدی، تاریخ و صفحه
نوسازی	۷۸	<p>صلواتی: ایجاد و گسترش صنایع مزبور برای کل کشور بخصوص شهر اصفهان بسیار کاربردی و ذینفع می باشد. ۱۳۶۱/۱۰/۲۷ ص ۲۶- مجید انصاری: بسیاری از صنایع با نظر شورای انقلاب پس از پیروزی انقلاب تعطیل شدند، لذا لزوم توسعه صنایع ایران در این برهه از زمان کاملا محسوس می باشد. ۱۳۵۹/۹/۱۲ ص ۲۲- معزی: گسترش فعالیتهای تولیدی بخش خصوصی در زمینه صنعت و تجارت میتواند مکمل فعالیتهای دولتی و تعاونی باشد ۱۳۶۴/۹/۳ ص ۲۴- غلامرضا فدایی: سعی و اهتمام شرکت راه آن باید در ایجاد و گسترش خط آهن در مناطقی باشد که تاکنون راه آهن در آنها احداث نشده است. ۱۳۶۵/۱۰/۴ ص ۳۴- صدقیانی: ایجاد محیط تجاری در فضای غیر قابل استفاده مدارس میتواند زمینه اشتغال را فراهم کند. ۱۳۶۸/۴/۶ ص ۲۹- اسحاق جهانگیری: واگذاری کارخانها و صنایع مسکوت مانده قبل از انقلاب به بنیاد شهید و شروع فعالیتهای آنها جهت اختصاص سود حاصله به خانواده های شهدا ۱۳۶۸/۱۱/۲۴ ص ۲۰- دکتر عباس شیبانی: فراهم کردن مسکن برای قشر کم درآمد و ضعیف با قیمتی ارزان در حومه شهرها درست مطابق با فرامین امام خمینی (ره) مبنی بر حمایت از مستضعفین می باشد. ۱۳۷۲/۱/۲۹ ص ۳۲- ناطق نوری: طرح خط آهن سرخس- مشهد- تجن حقا میتواند به عنوان نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی باشد. ۱۳۷۵/۲/۲۵ ص ۲۲</p>

از مجموع ۱۵۸ مذاکره زیست محیطی صورت گرفته، ۷۸ مذاکره انطباقی با الگوهای جهانی گفتمان زیستمحیطی ندارند. این مذاکرات عموماً توسعه امکانات سخت افزاری و زیرساختی را هدف قرار میدهد. گسترش صنایع، گسترش فعالیتهای تولیدی، راه آهن، گسترش فضاهای تجاری، احداث کارخانه ها و توسعه ساخت و ساز در حومه شهرها و مواردی از این دست در اولویت این دسته از مذاکرات قرار داشته که با توجه به اولویت توسعه و نوسازی بر محیط زیست، نام این الگوی گفتمانی را نوسازی نهادیم. نمایندگان گفتمان نوسازی معتقدند که اختصاص بودجه از مصارف جاری کشور به محیط زیست و ایجاد محدودیت در فعالیتهای صنعتی به بهانه کمک به محیط زیست، سبب فشار آمدن به سیستم بانکی شده و علاوه بر آن اقشار متوسط و ضعیف آسیب خواهند دید. بعلاوه روند توسعه با کندی غیر قابل قبول مواجه خواهد شد. این نمایندگان در واقع مخالفت علنی خود را با حوزه محیط زیست ابراز نمی کنند، بلکه معتقدند که رشد صنایع و توسعه زیرساختهایی همانند احداث سد و گسترش جاده و پل و غیره، بر مسائل زیست محیطی اولویت دارد و با همین استدلال است که موافق ایجاد محدودیت در فعالیتهای صنعتی نیستند.

گفتمان نوسازی، تنها گفتمانی است که در طول هفت دوره مجلس شورای اسلامی همواره به عنوان رقیب حضور داشته، و در برخی دوره ها مانند مجلس اول و دوم کمرنگ تر و در سایر ادوار پررنگ تر بوده و کسانی که این گفتمان را نمایندگی می کردند همواره معتقد بوده اند که رشد کشاورزی و توسعه زیرساختهای صنعتی - اقتصادی کشور مانند، گسترش راهها، احداث راه آهن، گسترش صنایع، ایجاد شهرکهای صنعتی و غیره، با توجه به نیاز امروز جامعه امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد و اولویت اصلی سیاستگذاران را تشکیل می دهد. این نگاه باعث شده که همواره مباحث زیست محیطی، به مثابه پدیده های دست چپدم مطرح شوند و لذا گفتمان نوسازی، حامی محیط زیست محسوب نمیشود بهگونهای که در ادوار مختلف مجلس، گفتمان نوسازی، همواره در تقابل با گفتمانهای حافظ محیط زیست بوده و روند مذاکرات

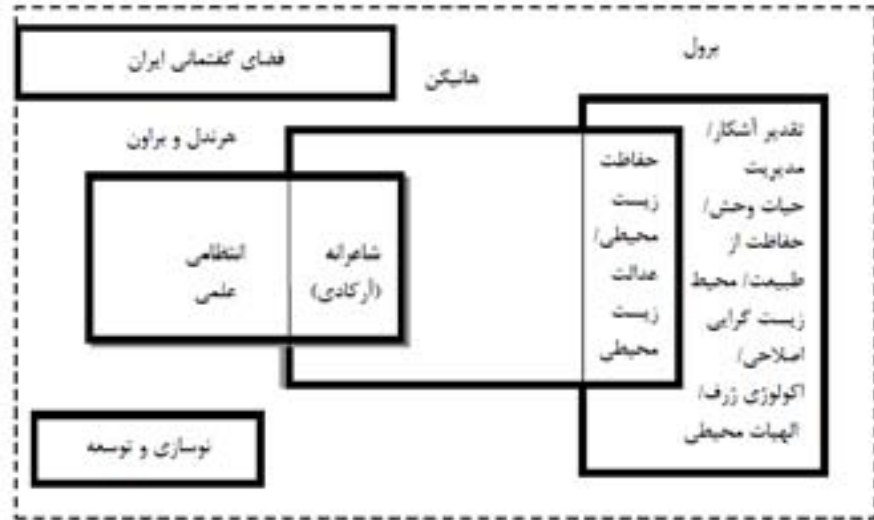
و تصویب قوانین را تحت تاثیر قرار داده است. گفتمان نوسازی، گفتمان سیالی است که عموماً از شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه تاثیر پذیرفته و به اقتضای شرایط، فراز و فرودهایی را در ادوار مختلف مجلس داشته است به گونه ای که با بدتر شدن شاخصهای اقتصادی جامعه و همچنین ظهور گفتمان سیاسی کارگزاران سازندگی، رسیدگی به معیشت و اشتغال مردم در اولویت سیاستگذاران قرار گرفت و لذا نمایندگان گفتمان نوسازی نیز مجال بیشتری برای تاثیر گذاری و جهت دهی به سیاستهای کلان مجلس پیدا نمودند. البته مهمترین رقیبان گفتمان نوسازی در روند مذاکرات مجلس، گفتمانهای حفظ محیط زیست و گفتمان مخاطره می باشد که هر دو گفتمان با نگاه مثبت به محیط زیست، اقدام به سیاستگذاری و وضع قوانین حافظ محیط زیست نموده اند.

بطور کلی از مجموع مذاکراتی که نمایندگان مورد بحث قرار داده اند (۱۵۸ مذاکره)، ۴۷ مذاکره با الگوی برول، ۳۸ مذاکره با الگوی هانینگن و ۱۸ مذاکره با الگوی هرنندل و براون انطباق دارند. یعنی بیشتر مذاکرات، با سنخ شناسی برول و سپس هانینگن و نهایتاً با الگوی هرنندل و براون انطباق دارد. اما با توجه به اینکه برخی از این سنخ شناسی ها با همدیگر همپوشانی دارد، برخی از مذاکرات هم در قالب الگوی برول و هم الگوی هانینگن و هرنندل قرار می گیرند. مثلاً گفتمان عدالت هم در الگوی هانینگن و هم در الگوی برول آمده است، بنابراین برخی مذاکرات لاجرم در هر دو سنخ شناسی شمارش شده اند. ۷۸ مذاکره نیز با هیچیک از الگوهای مورد اشاره سنخیت و انطباقی ندارند؛ این مذاکرات اساساً بازتابی از شرایط اجتماعی ایران اند و مستقیماً مسائل زیست محیطی را مورد اشاره قرار نمی دهند، اما با توجه به اینکه مشوق ایجاد تاسیسات و امور زیر بنایی اند، به طور غیر مستقیم و بعضاً مستقیم، مخرب محیط زیست محسوب می شوند. این مذاکرات موبد این بحث اینگلهارت است که اساساً کشورهای جهان سوم با اقتضائاتی که دارند توان فکر کردن به ارزشهای فرامادی مانند ارزشهای زیست محیطی را ندارند. (اینگلهارت و آبراهامسون، ۱۳۷۸، ص ۸۵). بررسی ویژگیها و اجزای

گفتمانهای حاکم بر روند مذاکرات نمایندگان و ارائه نوع شناسی گفتمانی حاکم بر مذاکرات نمایندگان در ادوار هفتگانه مجلس، خود بحث مفصلی است که در مقاله دیگری به آن پرداخته خواهد شد. در ادامه مدل مفهومی مستخرج از الگوهای حاکم بر فضای فکری و ذهنی نمایندگان آمده است.

ضمن مشخص کردن میزان انطباق مذاکرات زیست محیطی نمایندگان مجلس با گفتمانهای مذکور، جایگاه گفتمانهای مجلس را در این انطباق نشان می دهد. بعلاوه با خوانش مذاکرات نمایندگان، مدل تعدیل شده ای از گفتمانهای زیست محیطی حاکم بر مجلس اول تا هفتم استخراج گردید. بنابراین مقاله حاضر، سیاستگذاری نهاد مجلس را در سه دهه بعد از انقلاب در حوزه محیط زیست هدف قرار داده است.

در طول ۲۸ سال، از مجلس اول تا مجلس هفتم، ۳۳۲۸ جلسه علنی تشکیل شده است که در هر جلسه موضوعاتی در قالب طرح یا لایحه مورد بحث و مذاکره قرار گرفته است. از مجموع مذاکرات انجام شده ۱۵۸ مذاکره در حوزه محیط زیست انجام شده که برخی بصورت طرح و برخی



نتیجه گیری و جمع بندی

در رهیافتی کلی گفتمانهای موجود در زمینه محیط زیست در قالب دو رویکرد از هم متمایز می شوند: ۱- محیط زیست گرایی و ۲- زیست بوم گرایی. رویکرد اول که تا اواسط قرن بیستم حاکم بود، معتقد بود طبیعت مجموعه‌های از منابع در خدمت انسان است و رشد اقتصادی و بهره برداری از منابع زیست محیطی حد و مرزی ندارد چراکه امکانات زیست محیطی تقریباً بی پایان اند. با بروز مشکلات زیست محیطی، کم کم رویکرد زیست بوم گرایی جایگزین شد. این رویکرد نوع بشر را عنصری از طبیعت دانسته و فراتر از مرزهای ملی و بومی، با تاکید بر جهانی بودن مسائل زیست محیطی بر منافع مشترک همه انسانها بر روی زمین تمرکز دارد. در قالب این رویکرد، گونشناسیهای مختلفی از گفتمانهای زیست محیطی در دنیا انجام شده که تحقیق حاضر با الگوگیری از این گفتمانها،

بصورت لایحه بوده اند. برخی (۸۰ مذاکره) حامی محیط زیست و برخی (۷۸ مذاکره) مخرب محیط زیست بوده اند. هر مذاکره بطور میانگین شامل ۲۵ صفحه بوده، بنابراین جهت تحلیل مذاکرات زیست محیطی حدوداً ۴۰۰۰ صفحه سند مورد مطالعه قرار گرفت. بررسی مذاکرات نمایندگان نشان داد برخی از مذاکرات زیست محیطی، با الگوهای جهانی مطابقت دارد و برخی خیر. در این راستا هر بار کل مذاکرات با یک الگو مورد خوانش قرار گرفت. مقایسه مذاکرات نمایندگان با الگوهای مذکور نشان می دهد که از مجموع مذاکرات زیست محیطی انجام شده، ۴۷ مذاکره با گونه شناسی برول؛ ۳۸ مذاکره با گونه شناسی هانیگن و ۱۸ مذاکره با گونه شناسی هنرندل و براون مطابقت دارد. ۷۸ مذاکره نیز با هیچکدام از گونه شناسی های فوق مطابقت ندارد. شناسایی گفتمان حاکم بر این مذاکرات، به ارائه مدل تعدیل شده ای از گفتمانهای زیست محیطی می انجامد.

این مدل تعدیل شده، الگوی گفتمانی زیست محیطی حاکم بر ادوار مجلس را نشان می دهد که در مقاله جداگانه ای به آن پرداخته خواهد شد.

آن دسته از مذاکرات زیست محیطی که با گونه شناسی برول مطابقت دارند، بیشتر در قالب گفتمان حفاظت از محیط زیست و سپس عدالت زیست محیطی قرار می گیرند. مذاکرات منطبق با گونه شناسی هانیگن نیز همین گونه است یعنی بیشتر مذاکرات نمایندگان در الگوی هانیگن، با گفتمان حفاظت و سپس عدالت زیست محیطی مطابقت دارند. و نهایتاً در الگوی هرندل و براون، بیشتر مذاکرات با گفتمان انتظامی و سپس علمی و شاعرانه مطابقت دارند. آندسته از مذاکراتی که با هیچیک از گفتمانهای موجود در گونه شناسی های مذکور مطابقت ندارند، گفتمان نوسازی را شکل می دهند. نوسازی، گفتمان سیالی است که در ادوار هفتگانه مجلس وجود دارد و همواره در رقابت با سایر گفتمانهاست و سهم زیادی از مذاکرات را به خود اختصاص داده است. بیشتر مذاکرات مربوط به نوسازی و توسعه در مجالس چهارم و سوم و ششم مطرح شده اند.

گفتمان نوسازی، هم به عنوان رقیب سایر گفتمانها در ادوار مختلف مجلس و هم به عنوان گفتمان مسلط در ادوار چهارم و سوم، تاثیر زیاد و مهمی بر سیاستگذاری محیط زیست داشته است. تعداد مذاکرات مربوط به گفتمان نوسازی به تفکیک ادوار مجلس در جدول شماره ۴ آمده است. به این صورت که گفتمانهای مذکور، در ادوار مختلف، مجال بروز و ظهور پیدا کرده اند و روند مذاکرات نمایندگان را تحت تاثیر قرار داده اند، البته در همه ادوار گفتمان رقیبی وجود داشته است که همواره در صدد بوده است تا گفتمان مسلط را به چالش کشیده و تحت تاثیر قرار بدهد. لذا می توان در تحقیقی جداگانه دلایل هژمونیک شدن هر گفتمان را مورد بررسی قرار داد. همانگونه که ذکر شد گونه شناسی گفتمانهای زیست محیطی دنیا در قالب رویکرد زیست بوم گرایی قرار دارند و لذا مختصات و ویژگیهای این رویکرد درباره گفتمانهای آنها صادق است. نتیجه اینکه گفتمانهای جهانی

حامی محیط زیستند. این گفتمانها فضای ذهنی، علمی و عملی حاکم بر کنشگران اجتماعی و سیاسی حوزه محیط زیست را نشان می دهد. به عبارتی گفتمانهای جهانی نشان می دهد که کنشگران چگونه در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست فعالیت می کنند. از طرفی تطبیق و مقایسه مذاکرات نمایندگان مجلس با این گفتمانها نشان داد که انطباق کاملی با گفتمانهای جهانی وجود ندارد، بلکه فضای ذهنی متفاوت و خاصی بر نمایندگان مجلس، به عنوان یکی از کنشگران اصلی سیاستگذاری محیط زیست ایران حاکم است. این بحث نکته مهمی را در خصوص مذاکرات زیست محیطی مجلس آشکار کرد و آن اینکه، بر خلاف گفتمانهای جهانی که حامی محیط زیستند، برخی از مذاکرات مجلس حامی و برخی مخرب محیط زیستند؛ یا حداقل حامی محیط زیست نیستند. همانگونه که ذکر شد برخی مذاکرات با تاکید بر رشد و توسعه زیر ساختها و مجموعه فعالیتهایی که نوسازی نامیده شد، در روند سیاستگذاری، محیط زیست را در اولویت قرار نمی دهد و لذا پیامدهای آن تخریب محیط زیست است. لذا این گفتمان را می توان در ذیل رویکرد زیست گرایبی قرار داد. نکته دیگر نوع نگاه نمایندگان و گفتمانهای مجلس به محیط زیست است که از این جهت نیز با گفتمانهای جهانی قابل مقایسه و متمایز است. در حالیکه گفتمانهای جهانی درکی جهانی و بین المللی از مسائل زیست محیطی دارند، نگاه مذاکرات مجلس به مسائل زیست محیطی، متفاوت است، به گونه ای که از درک و نگاهی محلی و بخشی به درکی ملی و نهایتاً به درک و دیدگاه جهانی تغییر می کند. مثلاً در جایی که از عدالت زیست محیطی بحث می کنند، با تفسیرهایی که بعضاً در روند مذاکرات از عدالت مطرح می کنند، نگاهی محلی و بخشی به مسائل زیست محیطی دارد. در حالیکه نگاه برخی دیگر از مذاکرات به مسائل زیست محیطی بعضاً محلی (جاییکه نمایندگان دغدغه حفظ منابع زیستی حوزه نمایندگی خود را دارند) و عموماً ملی است (جاییکه منابع زیست محیطی را منابع ملی و متعلق به همه می دانند) و نهایتاً زمانیکه از مخاطرات بحث می کنند، نگاهی جهانی و فرا ملی به مسائل زیست محیطی دارند. چراکه معتقد است

مسائل زیست محیطی همه دنیا را تهدید می کنند. منابع و مأخذ

۱. ادیب حاج باقری، محسن و دیگران (۱۳۸۵). روشهای تحقیق کیفی، تهران، انتشارات بشری
 ۲. اشتیاقی، معصومه (۱۳۹۳) شکاف توسعه مرکز و پیرامون در ایران، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری
 ۳. اشتیاقی معصومه (۱۳۹۴) آسیب شناسی توسعه نامتوازن در ایران، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری
 ۴. اینگلهارت، رونالد، پل آر آبراهامسون (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه شهناز شفیق خانی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵
 ۵. بوتکین، دانیل و کلر، ادوارد (۱۳۷۸). شناخت محیط زیست: زمین، سیاره زنده‌ی ما، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب زاده، تهران، موزه طبیعت و حیات وحش ایران
 ۶. توکلی نیا، جمیله؛ شالی، محمد (۱۳۹۱) نابرابری منطقه ای در ایران، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۸، صفحه ۱۵-۱
 ۷. جمالی، فیروز؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ قنبری، ابوالفضل (۱۳۸۸) تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استانهای ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۵، ص ۲۸-۱
 ۸. حاتمی، علی (۱۳۹۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر پارس بوک
 ۹. خسروی، جمال (۱۳۹۰) تطورات گفتمان مکتب قرآن. علل و زمینه ها، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- به نظر می رسد ضعف در حفظ منابع زیست محیطی، ناشی از تاثیرات گفتمان نوسازی باشد که رقیب گفتمانی مهمی در ادوار مختلف مجلس بوده است. با وجودی که در قانون اساسی (اصل ۴۸) به عنوان زیربنای نهاد قانونگذاری و همه برنامه های توسعه کشور بعد از انقلاب با شدت و حدت به موضوع تعادل و توازن و پایداری توسعه در سطح کشور پرداخته شده است لیکن، با گذشت بیش از سه دهه هنوز یکی از مسائل جدی در سطح سیاستگذاری و کلان کشوری موضوع تعادل و توازن منطقه‌ای و پایداری توسعه است. نتایج داده پژوهشهای جمالی و همکاران (۱۳۸۸)، توکلی نیا و شالی (۱۳۹۱)، قنبری (۱۳۹۳) و اشتیاقی (۱۳۹۳) نشان از فاصله بین استانهای کشور از حیث سطح توسعه پایدار است. برداشتهای چندگانه و عمدتاً نادرست از توسعه از چالشهای اساسی سیاستگذاری در ایران محسوب می شود. نگاه به توسعه عمدتاً در قالب مجموعه ای از شاخص های کمی و فیزیکی دیده می شود و اقدامات عمرانی و زیربنایی به مثابه توسعه قلمداد می شود درک مشترک و جامعی از مفهوم برنامه ریزی و توسعه در فرایند سیاستگذاری بسیار کم رنگ است. این وضعیت باعث شده همواره مجموعه ای از نمایندگان در ادوار مجلس با همین نگاه، گفتمانی را نمایندگی کنند که ملاحظات زیست محیطی را در درجه دوم اهمیت خود قرار داده اند. در این راستا یکی از ساز و کارهایی که افراد و جریان‌ها در ایران به کار برده‌اند ایجاد «دوقطبی» های مختلف است. شماری از دوقطبی‌ها برای خارج کردن محیط زیست از دستور کار به کار گرفته شده است. اغلب سیاستمداران و کلیت جامعه در دوقطبی بین «توسعه» و «محیط زیست» قرار داده شده‌اند. در بهترین حالت گفته شده که توسعه اولویت نخست و محیط زیست اولویت بعدی است، و از طریق چارچوب‌بندی کردن ذهن مردم و حذف سایر گزینه‌های ممکن، تعارضی بین توسعه و محیط زیست ایجاد شده و ایدئولوژی‌ای را برساخته‌اند که بنیانی واقعی نداشته است.

۱۰. رضا علی، روح الله (۱۳۹۴) پژوهش کیفی چیست، نشریه رسانه های جمعی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی کشور، (<http://oerp.ir/article/2187>)
۱۱. رضایی، فرزانه (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتب درسی دوره‌ی ابتدایی براساس مؤلفه های آموزش جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران
۱۲. روزنامه ایران (۱۳۹۱) فعالیتهای کوره گچ سالانه ۳۹ میلیارد خسارت می زند، ۲۰ آبان ماه
۱۳. روزنامه بهار (۱۳۹۲) هزینه فرسایش خام در کشور ۴۰ درصد درآمدهای نفتی است، دوشنبه، ۱۹ فروردین
۱۴. رنای، محسن (۱۳۸۹) گفتگو با عنوان: بی ثباتی مستمر اصلی ترین مانع توسعه، مجله چشم انداز ایران، شهریور و مهر.
۱۵. صالحی، صادق و محمودی، حسین و دیبایی، نرگس و کریم زاده، سارا (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه ی بین نگرش نوین محیط زیستی و مصرف انرژی خانگی، مجله ی علوم محیطی، سال نهم، شماره ۴
۱۶. صالحی، صادق و فیروزجائیان، علی اصغر و غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان زیست محیطی برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۱
۱۷. عربشاهی، زهرا؛ جباری، حبیب (۱۳۹۴) تحلیل فضایی ناموزونی توسعه در ایران، ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق
۱۸. فاضلی، محمد (۱۳۹۴) بحران محیط زیست و مسئولیت علوم اجتماعی، دو ماهنامه سیاسی اجتماعی اندیشه پویا، شماره ۳۱، آذر و دی
۱۹. فرجی راد، عبدالرضا؛ عبدی، مسعود (۱۳۹۴). توسعه علمی و فناوری در کشور و تاثیر آن بر افزایش قدرت منطقه ای (مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و هند)، فصلنامه ژئوپولیتیک، دوره ۱۱، شماره سوم.
۲۰. فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۲۱. قجری، حسینعلی (۱۳۸۷)، تکوین بنیادگرایی شیعی و چرایی هژمونیک شدن آن در ایران، پایان نامه دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
۲۲. قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۳) تحلیلی بر نابرابریهای ناحیه ای در ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. کلانتری، عبدالحسین و طالبی، مهشید و مومن، علیرضا (۱۳۹۲). مروری بر چارچوب های نظری جامعه شناسی محیط زیست، بیجا
۲۴. محمدی، آرزو (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان مصرف برق مطالعه موردی شهر گرگان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
۲۵. هانیکان، جان (۱۳۹۲) جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران، انتشارات سمت.
۲۶. هانیکان، جان (۱۳۹۲) جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

28. Dickens ,P (2004) .Society and Nature :Changing Our Environment, Changing- Ourselves ,Cambridge: Polity Press.
29. Jager,(2001)Discourse and knowledge :Theoretical Methodological Aspects of A critical Discourse and Dispositive Analysis ,London ,sage
30. Kaiser ,F.G ,Wolfing ,S & .Fuhrer,U (1999).Environmental Attitude and Ecological Behavior.Journal of Psychology.1-19 ,19,
31. M .R .Redclift and Ted Benton, ,(1994)Social Theory and the Global Environment ,Routledge.
32. Meyer ,Micheal and woda-k,Ruth.(2001)methods of critical Discourse Analysis ,sage publications,London,thousands,New Delhi.
33. Salehi ,Sadegh (2008) PEPOLE AND THE ENVIRONMENT A Study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran “PhD thesis University of Leeds.



تدوین فرایند و شاخص‌های مؤثر بر گونه‌شناسی معماری با معیار ویژگی‌های ترکیب‌بندی (نمونه موردی: بناهای تاریخی شهر اراک)

علی مشهدی* - دانش‌آموخته دکتری معماری در دانشگاه هنرهای زیبا، ایروان، ارمنستان و کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
احمد امین پور - استادیار دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Formulation of process and indicators affecting the architectural typology with the composition properties standard

Abstract

This study is an attempt to determine the factors affecting the architectural typology as possible by abstracting the species, achieving the proper patterns and provide comprehensive architectural design. For this purpose, using documentary and descriptive methods, a variety of methods, criteria and indicators analyzed and criticized and typology has been developed theoretical foundations. The study shows that each of the methods and indicators in the field of typology enough not comprehensive and architectural features such as fully affected by the indexes are, as examples of subsets of a particular species, different behaviors in terms of architectural features of the show. So with the aim of achieving full and maximum comprehensiveness of the typology to develop criteria and indicators as a parameter based on the characteristics of architectural composition action. In the process of any of the standard features of the composition of each sample in terms of index composition was analyzed and the following sub-classified and then a comparative analysis of the matching between the groups classified and Species based on sub-samples are compared to each sub-factors the maximum frequency are extracted. The results show the method to obtain the sample species belonging to the same treatment as it has all the features of their architecture. Another point is that this method can achieve the process of reviewing its options and reproduction of the species.

Keywords: Typology, architecture, process, indicators, composition properties

چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است برای تعیین شاخص‌های مؤثر در گونه‌شناسی معماری بطوری که بتوان با تجریدی کردن این گونه‌ها، زمینه دستیابی به الگوهای مناسب و جامع طراحی معماری فراهم گردد. بدین منظور با استفاده از مطالعات اسنادی و روش توصیفی تحلیلی، انواع روش‌ها، معیارها و شاخص‌های گونه‌شناسی مورد تحلیل و نقد قرار گرفته و مبانی نظری پژوهش تدوین شده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر کدام از روش‌ها و شاخص‌های موجود در زمینه تیپولوژی به اندازه کافی جامع نبوده و ویژگی‌های معماری گونه‌ها به طور کامل متأثر از شاخص‌ها نیستند بطوریکه نمونه‌های زیرمجموعه یک گونه خاص، رفتارهای متفاوتی را از نظر ویژگی‌های معماری از خود نشان می‌دهند. بنابراین با هدف دستیابی به گونه کامل و حداکثر جامعیت در گونه‌شناسی به تدوین معیارها و شاخص‌های تیپولوژی مبتنی بر پارامتر تحت عنوان ویژگی‌های ترکیب‌بندی معماری اقدام شده است. در فرایند گونه‌شناسی با معیار ویژگی‌های ترکیب‌بندی هر کدام از نمونه‌ها از نقطه نظر شاخص‌های ترکیب‌بندی مورد آنالیز قرار گرفته و در ذیل زیرشاخص‌ها طبقه‌بندی می‌شوند سپس با روش تحلیلی مقایسه‌ای به تطبیق بین گروه‌های طبقه‌بندی شده پرداخته و گونه‌ها بر اساس اینکه نمونه‌های زیرمجموعه آن نسبت به هر کدام از زیرفاکتورها دارای حداکثر فراوانی باشند استخراج می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با این روش به گونه‌هایی دست می‌یابیم که نمونه‌های متعلق به آن گونه دارای رفتاری یکسان نسبت به همه ویژگی‌های معماری می‌باشند. نکته دیگر اینکه این روش قابلیت مرور فرایند دستیابی به گزینه‌ها و تولید مجدد گونه‌ها را دارد.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، معماری، فرایند، شاخص‌ها، ویژگی‌های ترکیب‌بندی.

تقارن، سلسله مراتب، نقطه عطف، تکرار و غیره دارای محتوای ساختار شکلی منحصر به فرد بوده و از این طریق بر محیط اطراف خود تاثیر می گذارد بطوریکه دو اثر با ساختار شکلی مشابه به جهت تفاوت در ویژگیهای ترکیبندی دارای محتوای ساختار شکلی متفاوتی می باشند بدین ترتیب با تحلیل ویژگیهای ترکیب بندی معماری، محتوای ساختار شکل به عنوان لایه های زیرین و موثر بر طراحی بنا آشکار میگردد. هدف این پژوهش از تدوین فرایند و شاخصهای موثر بر گونه شناسی معماری با معیار ویژگیهای ترکیب بندی رسیدن به حداکثر جامعیت در گونه شناسی بوده بطوریکه نمونه های متعلق به یک گونه خاص دارای رفتاری یکسان نسبت به همه ویژگیهای معماری بوده و نسبت به هر کدام از زیرشاخص ها دارای حداکثر فراوانی باشند بطوریکه با این فرایند، تشابه بین اعضای گونه بیشتر شده و زمینه دستیابی به یک تیپولوژی جامع تر و دقیقتر فراهم می شود.

روش تحقیق

بر اساس هدف مقاله، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و تحلیلی- مقایسه‌ای می باشد. بدین ترتیب که ابتدا بر اساس منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به توصیف ادبیات جهانی گونه‌شناسی معماری پرداخته و سپس نقاط قوت و ضعف نظریه های موجود تحلیل گردیده و نسبت به تدوین مبانی نظری پژوهش اقدام شده است. سپس با بهره‌گیری از نقاط ضعف و ریشه‌های مشترک در نظریه های رایج در گونه شناسی معماری به روش استدلالی و با هدف دستیابی به گونه کامل و حداکثر جامعیت در گونه‌شناسی به تدوین معیارها و شاخص های تیپولوژی مبتنی بر پارامتر تحت عنوان ویژگیهای ترکیبندی معماری پرداخته شده است. سپس در ادامه فرایند گونه شناسی، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، کلیه نمونه ها بر اساس ویژگیهای ترکیبندی آنالیز شده و سپس با روش تحلیلی مقایسه ای به تطبیق بین گروههای طبقه بندی شده پرداخته و گونه ها بر اساس اینکه نمونه های زیرمجموعه آن نسبت به هر کدام از زیرفاکتورها دارای حداکثر فراوانی باشند استخراج می شوند.

معادل انگلیسی گونه شناسی واژه «تیپولوژی»^۱ بوده که از ریشه کلمه «تایپ»^۲ گرفته شده است. واژه تایپ نیز برگرفته از ریشه یونانی «تپس»^۳ و «تپیس»^۴ در زبان لاتین بوده و معادل واژه های «مدل»^۵، «نمونه»^۶، «فرم»^۷، «دسته»^۸، «نماد»^۹ و «ویژگی»^{۱۰} است. گونه از نظر مفهوم به نوع، طبقه یا گروهی از اشیا اشاره دارد که ویژگیهای مشترکی دارند و این ویژگیها آنها را از دیگر گروهها متمایز می نماید. گونه شناسی تلاشی است برای قراردادن مجموعه ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه ریزی. گونه شناسی معماری از سه منظر ضروری به نظر می رسد اول اینکه گونه شناسی ابزاری است برای توصیف ساختار معماری بر حسب ویژگیهای مختلف، دوم ابزاری است برای تحلیل و ایجاد ارتباط بین داده های اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی با گونه های تعریف شده و سوم ابزاری است برای رسیدن به الگوهای مناسب طراحی معماری در سطح خرد و کلان. در هر زمانی که معماران در جهت ایجاد هویت در معماری، نگاه سطحی به گذشته داشته و با بهره گیری از ابزارهای گوناگون به صورت ها پرداخته اند این روند منجر به تقلید از المان های سنتی شده و نتایج زیانباری را به دنبال داشته است درحالیکه الگوبرداری از معماری سنتی مستلزم شناخت تمام ویژگیهای موثر در شکل گیری محتوا و شکل بناها می باشد و از آنجائیکه در معماری اسلامی ایران، با ترکیب و تکثیر شکلها بصورت کاملا پیچیده روبرو هستیم؛ بنابراین تنها راه الگوبرداری از این پیچیدگی تجزیه و تجزیه کردن به ریشه هایی است که مبنای الگویی معماری سنتی قرار می گیرند. تیپولوژی یک ابزار مهم در جهت تجزیه کردن الگوهای معماری سنتی بوده بطوریکه از طریق یک تیپولوژی جامع، زمینه دسترسی به الگوهای تجزیدی از معماری سنتی و بکارگیری این الگوها در معماری امروز فراهم می گردد. بنابراین تحلیل معماری سنتی از این نگاه، دارای اهداف کاملا کاربردی می باشد. هر اثر معماری دارای یک ساختار شکلی است که از طریق ویژگیهای ترکیب بندی همچون

کدام از گونه‌ها دارای ویژگیهای معماری متناسب با شرایط اقلیمی میباشند. در گونه شناسی اقلیمی، ویژگیهای کالبدی پلان، حجم و فضا مانند ابعاد، مقیاس، تناسب، فشردگی، هندسه و ... با ویژگیهای اقلیمی تفسیر می شود بطوریکه گونه یا تیپ در نگاه اقلیمی یک شیء است که ویژگیهای مشترک معماری گروهی از بناها را در یک اقلیم مشابه دارا می باشد. بنابراین بودن در یک اقلیم مشابه و راه حل های معماری مشابه دو عامل مهم در تعریف «گونه اقلیمی» می باشند.

۲. گونه شناسی شکلی

«دوران»^{۱۴} از اساتید دانشکده پلی تکنیک پاریس در اواخر قرن هجدهم، معیار شکل را برای گونه شناسی بناها ارائه کرد. روش گونه شناسی دوران فارغ از زمان، مکان و سبک ساخت بوده و مبتنی بر تجزیه فرم بنا به شکل های پایه و بدست آوردن ترکیب های متنوع از طریق «تقارن، دوران، تکرار، بازتاب و حذف اجزای شکل» بوده است. در روش تیپولوژی شکلی ارائه شده توسط «کرایر»^{۱۵}، سه شکل پایه به عنوان فرم های اولیه انتخاب شده و فرم های پایه با انواع سازه ترکیب می گردند سپس تغییرات شکلی در هر کدام از فرم ها اعمال شده و در مرحله آخر، مصادیقی از تاریخ معماری جهان در ذیل شکل های تغییر یافته، طبقه بندی می گردند. در گونه شناسی شکلی «استدمن»^{۱۶}، تعداد نامحدودی پلان معماری بدون در نظر گرفتن معیار ارائه می شود سپس عوامل محدودکننده مشتمل بر محدودیت های هندسی، توپولوژیک و فرمی اعمال شده بطوریکه این روند منجر به حذف تعدادی از احتمالات گردیده و گزینه های خاص تری بدست می آید.

۳. گونه شناسی تاریخی - تکاملی

روش گونه شناسی تاریخی - تکاملی متأثر از نظریه تغییر تدریجی صفات گونهها در زیست شناسی بوده است. هدف از گونه شناسی تاریخی تکاملی، یافتن ریشه مشترک بین گونه های معماری، کشف تغییرات، رشد گونه ها و تدوین سیر تکاملی گونه های اصلی به گونه های فرعی می باشد. «سیدنی

گونه شناسی در معماری از حدود دوهزار سال پیش در آثار نویسندگان معمار دیده می شود. «ویتریوس»^{۱۱} در اثر مشهور خود تحت عنوان ده کتاب معماری، گونه های مختلف بناهای یونانی شامل خانهها، معابد و ساختمانهای عمومی را گروه بندی کرده است. آبرتی^{۱۲} معمار معروف قرن پانزدهم به دستپهنی معابد بر اساس ویژگیهای شکلی پرداخته است. گیاتالدین جمشید کاشانی در قرن نهم هجری یک تیپولوژی در مورد قوسها، طاقها، مقرنس و گنبد ارائه داده است. از اواسط قرن هجدهم میلادی از گونه شناسی در معماری بصورت جدی به عنوان ابزاری برای شناخت و دسته بندی بهره گرفته شد. در ابتدا معماران مدرن، گونه شناسی را به عنوان مانعی مهم بر سر راه خلاقیت معمار می دانستند و به آن «گونه مانع» یا «گونه انجمادکننده» نام می دهند و در نهایت در بحث تولید انبوه، موضوع گونه بندی یا تیپ نمودن اهمیت می یابد و بوسیله معماران مدرن بکار گرفته می شود. در ایران اندیشه تیپولوژی بناها بر اساس وجوه مشترک نخست در دانشکده های معماری و شهرسازی مطرح شد. از دهه ۱۳۶۰ گونه شناسی در دو سازمان دولتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان تحقیقات ساختمان و مسکن با هدف بهره گیری کاربردی در جهت دستیابی به الگوهای مناسب طراحی آغاز شد ولی به دلیل استفاده از معیارهای متفاوت در تحقیقات متعدد، نتایج تحقیق فاقد جامعیت بوده و به همین جهت کاربردی نبوده است. اکنون به توصیف انواع نظریه های گونه شناسی معماری می پردازیم.

۱. گونه شناسی اقلیمی

در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، «الگی»^{۱۳} در کتاب طراحی اقلیمی برای نخستین بار به ارائه گونههای شکل و فضای معماری در اقلیم های مختلف پرداخته است. مهندس محمود توسلی اقلیم گرم و خشک ایران را به عنوان نمونه کار خود انتخاب کرده و تاثیر عناصر اقلیمی بر اجزای مختلف معماری را بررسی می نماید. ایشان خانه های مسکونی شهر زواره را در سه گونه چهارصفه، حوض خانههای و سه قسمتی معرفی میکند بطوریکه هر

و تکامل الگوهای معماری سنتی بصورت تجریدی بوده است.

۵. گونه شناسی فرهنگی - اجتماعی

ابن خلدون دانشمند مسلمان قرن هشتم هجری با روش خاص خود در مطالعات فرهنگی و اجتماعی یک تیپولوژی در زمینه سکونتگاهها و آبادیهای انسانی ارائه کرده است. هر رابطه اجتماعی نیاز به یک ظرف مکانی دارد و مقیاس این ظرف گوناگون است. «راپاپورت»^{۲۰} معتقد است شکل ظرف مکانی معلولی از فرهنگ جامعه بوده بطوریکه فرهنگ عامل اصلی شکل دهنده معماری می باشد. یکی از روشهای کاربردی گونه شناسی فرهنگ گرا، روش نحو فضا می باشد این روش برای اولین بار توسط «بیل هیلیر»^{۲۱} و «جولیان هانسن»^{۲۲} مطرح شد. هدف این محققین، گونه شناسی معماری با معیار روابط اجتماعی در فضا بوده است. معیارهای گونه شناسی در این روش بر اساس «جنوتایپ»^{۲۳} و «فنوتایپ»^{۲۴} بنا نهاده شده اند جنوتایپ یا ژن گونه به قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی گفته می شود و فنوتایپ کالبد یک بناست که خود را در قالب یک گونه نشان می دهد. جنوتایپ مبین ساختار اجتماعی، ثابت و فاقد محدودیت مکانی و زمانی بوده درحالیکه فنوتایپ نسبت به عوامل مختلف متغیر است.

۶. گونه شناسی معناگرا

نظریه پردازان معناگرا معماری را در کالبد آن نمی بینند بلکه آن را نمودی از معانی می دانند. «بورکهارت»^{۲۵} سه معیار هندسه، وزن و نور را به عنوان ابزار تحلیل معنا در یک اثر معماری بیان می کند. از دید گونه شناسی معناگرا، فضا و ویژگیهای معنایی آن اساس گونه شناسی و درک معماری سنتی است. در گونه شناسی معناگرا، عواملی مانند فرم، فضا، سطح، رنگ و ماده به عنوان شاخص در نظر گرفته شده و در عالم معنا رمزگشایی می گردد. بر این اساس هر کدام از این فاکتورها به چند زیرفاکتور تقسیم شده و بناها در ذیل آن ریزفاکتورها طبقه بندی می شوند. بطور مثال در بخش فضا، کیفیاتی همچون سنگینی، سبکی، سلسله مراتب،

ادی»^{۱۷} در اواخر قرن نوزدهم به تحلیل گونه های تاریخی تکاملی خانه های انگلیسی می پردازد و کلبه هایی با نقشه مدور را به عنوان ریشه و قدیمی ترین ساختار معماری انگلستان دانسته و سپس از یک ریشه مشترک به انواع گونه های رایج دست می یابد. یکی از مهمترین گونه شناسی های تاریخی تکاملی، تیپولوژی ارائه شده در مدرسه «موراتوری»^{۱۸} ایتالیا بوده است. در این روش، مکان، مقیاس و روند گونه شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است. روند گونه شناسی موراتوری با رده بندی بناها آغاز می گردد. در مرحله بعد از طریق تجزیه کردن و مقایسه بین فرم ها، گونه پایه که شروع تکامل یک تیپ خاص بوده است شناسایی شده و سپس روند رشد کالبدی گونه پایه تا گونه متکامل بر اثر عوامل کمی و کیفی بر روی یک خط زمانی ترسیم می گردد بدین ترتیب از نظر موراتوری ها با این روش، امکان شناسایی و تدوین تکامل یافته ترین گونه ها فراهم می گردد.

۴. گونه شناسی فضاگرا

در دهه ۱۹۴۰ میلادی، «برونو زوی»^{۱۹} با نگاه خاص خود که از معماری مدرن نشات گرفته بود تاریخ معماری را با نگاه فضایی و با تمرکز بر حرکت در فضا معرفی کرد. از نظر معماران مدرن، گشایش، شفافیت و سبکی فضایی به عنوان سه شاخص برای تیپولوژی فضاگرا در نظر گرفته شده اند. در ایران برای اولین بار دکتر منصور فلامکی در کتاب «باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی» فضای معماری تاریخی را بر اساس معیارهایی همچون مسیرها، مکانها و ترکیبات فضایی تحلیل کرده است. او بناهای تاریخی را با معیار طراحی مسیر در دو تیپ طبقه بندی کرده و بر همین اساس مسجدهای ایرانی را در دو گونه تقسیم بندی می کند. او در بخش ترکیبات فضایی، فضاها را در سه گروه فضای سرپوشیده، باز و نیمه باز تقسیم بندی می کند و هر کدام از این زیربخش ها را مورد تحلیل قرار می دهد. مهندس میرمیران از زاویه فضایی، معماری دوره قاجار را تحلیل کرده و معیارهای او برای خوانش فضای معماری، خلاقیت، تنوع، گشایش، سبکی فضایی، خلق فضاها، جدید

۱۲. گونه شناسی چندوجهی برای محدود کردن طیف گونه ها

نقد و تحلیل نظریه های گونه شناسی

نخستین انتقادهای به گونه شناسی اقلیمی توسط راپاپورت صورت گرفت. راپاپورت در کتاب «فرهنگ و شکل خانه» فرهنگ را در برابر اقلیم قرار داده است. او تنوع گونه های اقلیمی در یک اقلیم مشابه و تکرار یک گونه اقلیمی در اقلیم های متفاوت را به عنوان دلایلی برای رد گونه شناسی اقلیمی ذکر می نماید. از آنجائیکه ویژگیهایی که منجر به ایجاد فرم و فضای نهایی معماری می شوند تنها تحت تاثیر اقلیم نیستند بنابراین به علت عدم تاثیرگذاری همه جانبه شاخص های اقلیمی بر نمونه ها، گونه ها با شاخص های اقلیمی بصورت کامل قابل تفسیر نبوده و نمونه های زیرمجموعه گونه ها از نظر ویژگیهای ترکیب بندی رفتارهای مختلفی را بروز می دهند بنابراین گونه شناسی اقلیمی به علت عدم تعدد شاخص ها فاقد جامعیت می باشد. در گونه شناسی شکلی، معیار مهم برای طبقه بندی بناهای مختلف در یک گروه، تشابه شکلی آنهاست و به علت فقدان برخی شاخص های تاثیرگذار بر فرم همچون زمان، مکان، اقلیم، مقیاس، معانی اشکال، ریتم، انعطاف پذیری، تناسب، هندسه و ... فرم گونهها با شاخص های محدود این روش قابل تفسیر نمی باشد. نکته دیگر اینکه گونه شناسی شکلی، معماری چندوجهی را در حد یک ترکیب شکلی دویعدی محدود کرده و تشابه فرم را صرفا در پلان جستجو می کند به همین علت، پلان، فضا و حجم نمونه ها در یک گونه شکلی، رفتار یکسانی ندارند. بدین جهت بناهایی همچون آتشکده نیاسر، مسجد امام اصفهان، گالری امانوئل در ایتالیا و کالج کمبریج علیرغم عدم سنخیت فرمی در یک گونه شکلی طبقه بندی می شوند. گونه شناسی تاریخی تکاملی تنها به تغییر فرم ها و اشکال از گونه پایه به گونه متکامل پرداخته و به همین جهت در روند گونه شناسی، همه عوامل موثر در شکل گیری و تکامل گونه ها قابل شناسایی نیستند. بطور مثال در بناهای تاریخی ایران وجود لایه های مختلف حریم اجتماعی و خصوصی باعث

مرکزگرایی، سیالیت، تداوم، نظم فضایی و در بخش فرم، کیفیاتی همچون هندسه، تناسب، تشابه، تقارن، هارمونی، سلسه مراتب، تضاد و ... مبنای تیپولوژی معناگرا قرار می گیرند.

مبانی نظری تحقیق

۱. بدین ترتیب با فرایند توصیف ادبیات جهانی گونه شناسی معماری و تحلیل نقاط قوت و ضعف نظریه های گونه شناسی، مبانی نظری پژوهش به شرح زیر تدوین شده است.
۲. بکارگیری شاخص های متعدد به جای بکارگیری شاخص واحد (اصل اول گونه شناسی راپاپورت)
۳. پرهیز از تشخیص گونه ایده آل و خالص (اصل دوم گونه شناسی راپاپورت)
۴. حذف شاخص های غیرضروری به علت تاثیرگذاری غیرمستقیم بر هدف گونه شناسی (اصل سوم گونه شناسی راپاپورت)
۵. تاثیرگذاری همه جانبه شاخص ها بر گونه ها یا ضرورت توجیه کامل گونه ها با شاخص ها
۶. رفتار یکسان پلان، فضا و حجم در یک گونه خاص
۷. رفتار یکسان ویژگیهای معماری در نمونه های زیرمجموعه گونه ها
۸. وابسته بودن گونه شناسی به فاکتورهای زمان، مکان و سبک ساخت
۹. قابل تسری بودن شاخص های تیپولوژی در همه نمونه ها
۱۰. انعطاف پذیری شاخص ها و قابلیت مرور فرایند دستیابی و تولید مجدد گونه ها
۱۱. تبعیت کامل نمونه ها از ویژگی های گونه اصلی

شکل‌گیری سلسله مراتب فضایی شده است که از نگاه روش گونه‌شناسی تاریخی تکاملی تاثیر این عامل فرهنگی در تکامل گونه پایه قابل شناسایی نمی‌باشد. به اضافه اینکه در برخی موارد، بازسازی حلقه‌های تکاملی بین فرم‌های پایه متضاد غیرممکن بوده و اصرار برای کشف گونه پایه بی‌فرجام است. به اضافه اینکه در بعضی موارد، گونه پایه نسبت به مکان قرارگیری آن گونه اصالت نداشته و صرفاً یک گونه پایه وارداتی از سایر مکان‌ها بوده است که تشخیص این موضوع در روش گونه‌شناسی موراتوری غیرممکن می‌باشد. در گونه‌شناسی فضاگرا صرفاً ترجمان شکلی از فضا دیده می‌شود. سنجش فضا بر اساس معیارهایی که روابط بین شکلها را نشان می‌دهند بر یک برداشت مبتنی بر شکل از فضا دلالت داشته و تنها دستیابی به الگوهای شکلی فضایی از تاریخ را میسر می‌سازد. از طرفی سه شاخص گشایش، شفافیت و سبکی فضایی برای تحلیل و گونه‌شناسی فضای معماری کافی نبوده بطوریکه این سه شاخص تنها با اصول معماری مدرن تطابق داشته و قابل تسری به سبک‌های دیگر معماری نمی‌باشد. بنابراین تیپولوژی معماری تنها بر پایه معیارهای شکل‌گرا فاقد جامعیت می‌باشند.

جدول شماره ۱: نقد و تحلیل نظریه‌های گونه‌شناسی

نقاط ضعف	فرآیند گونه شناسی	شاخص	معیار	روش گونه شناسی	
تنوع گونه های اقلیمی با عملکرد واحد در یک اقلیم مشابه تکرار یک گونه اقلیمی در اقلیم های متفاوت عدم تاثیرگذاری همه جانبه شاخص های اقلیمی بر گونه ها عدم امکان توجیه کامل گونه ها با شاخص های اقلیمی عدم رفتار یکسان پلان، فضا و حجم در یک گونه اقلیمی رفتارهای مختلف ویژگیهای ترکیب بندی نمونه هادر گونه اقلیمی عدم جامعیت گونه شناسی به علت عدم تعدد شاخص ها	انتخاب منطقه اقلیمی، تحلیل رفتار فرم بناها در تقابل با شاخص های اقلیمی، تعریف گونه و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	شاخص های اقلیمی (دما، باد، رطوبت و تابش)	بودن در یک اقلیم مشابه و راه حل های معماری مشابه	گونه شناسی اقلیمی	۱
مستقل از زمان، مکان، اقلیم و سبک ساخت رفتارهای مختلف ویژگیهای ترکیب بندی نمونه ها در گونه شکلی عدم امکان توجیه کامل فرم گونه ها با شاخص های شکلی عدم رفتار یکسان پلان، فضا و حجم نمونه ها در یک گونه شکلی عدم جامعیت گونه شناسی به علت فقدان برخی شاخص های تاثیرگذار بر فرم عدم گونه شناسی در قالب ترکیب های شکلی چندوجهی	ترکیب سه شکل پایه با انواع سازه، اعمال تغییرات شکلی، تعریف گونه و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	فرم های پایه و شاخص های تغییر فرم (تقارن، دوران، تکرار، بازتاب و حذف اجزاء)	تشابه شکلی	گونه شناسی شکلی	۲
عدم امکان توجیه کامل سیر تکاملی گونه پایه با شاخص شکلی رفتارهای مختلف ویژگیهای ترکیب بندی نمونه ها در گونه فرعی عدم امکان بازسازی حلقه های تکاملی بین فرم های متضاد اصالت نداشتن برخی از گونه های پایه نسبت به مکان قرارگیری عدم جامعیت گونه شناسی به علت فقدان برخی شاخص های تاثیرگذار بر تکامل فرم	رده بندی بناها، یافتن گونه پایه از طریق تحلیل و مقایسه فرم ها، کشف تغییرات و سیر تکاملی گونه های اصلی به گونه های فرعی و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	شاخص های شکلی و کالبدی برای تحلیل تکامل فرم	داشتن ریشه مشترک تاریخی	گونه شناسی تاریخی تکاملی	۳

۴	گونه شناسی فضاگرا	حرکت در فضای داخلی	گشایش، شفافیت و سبکی فضایی	یافتن مصادیق برای زیرفاکتورهای شاخص، و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	قابل تسری نبودن شاخص های تیپولوژی فضاگرا در همه بناها رفتارهای مختلف ویژگیهای ترکیب بندی نمونه ها در یک گونه عدم امکان توجیه کامل فرم گونه ها با شاخص های فضایی عدم جامعیت گونه شناسی به علت تفسیر فضا صرفا بر اساس معیارهای مبین شکل و روابط بین شکلها
۵	گونه شناسی فرهنگی اجتماعی	روابط اجتماعی در فضا	فاکتورهای مبین جنوتایپ (ارتباط فضاها با یکدیگر و با محیط اطراف)	تحلیل روابط بین فضاها برای رسیدن به جنوتایپ، تیپولوژی بر اساس جنوتایپ و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	عدم تحلیل ویژگیهای ترکیب بندی نمونه ها در تغییر جنوتایپ عدم جامعیت گونه شناسی به علت انحصار شاخص ها به جنوتایپ ثابت فرض کردن و عدم انعطاف پذیری شاخص های جنوتایپ تناقض بین نمونه های متعلق به یک گونه فرهنگی اجتماعی از نظر ویژگیهای ترکیب بندی عدم رفتار یکسان پلان، فضا و حجم نمونه ها در گونه اصلی
۶	گونه شناسی معناگرا	تشابه معنا	فرم، فضا، سطح، رنگ و ماده	تفسیر معنا از کالبد معماری با توجه به شاخص های معناگرایی، تیپولوژی بر اساس تشابه معنایی و طبقه بندی بناها در ذیل گونه ها	عدم تعریف مشخص از کالبد معماری عدم تبعیت برخی نمونه ها از گونه اصلی عدم جامعیت گونه شناسی به علت محدودیت شاخص ها

حرکتی در فضا و در نتیجه موجب تغییر جنوتایپ می شوند. این نظریه یک نگرش یک سویه است بطوریکه تنها عوامل اجتماعی را حاکم بر روابط بین فضاها می داند و عوامل دیگر را نادیده می انگارد. یکی از انتقادهایی که به نظریه گونه شناسی معناگرا وارد است عدم تعریف مشخص از کالبد معماری است به همین دلیل برخی از نظریه پردازان این نظریه، هنگام ارائه معانی نهفته در پس کالبد، آن را به عناصری بدون ارتباط با هم تجزیه می کنند. چنین موردی را می توان در

در نظریه گونه شناسی فرهنگی اجتماعی نقش مقیاس، تناسب فضایی، فرم، هندسه، نوع مصالح، سازه و تزئینات در شکل گیری جنوتایپ نادیده گرفته شده است و تنها فاکتوری که دارای اهمیت می باشد ارتباط فضاها با یکدیگر و با محیط اطراف است بنابراین در این سیستم داشتن دو الگوی مشابه جنوتایپ منجر به قرارگیری در یک تیپ نمی شود و تیپولوژی فاقد جامعیت لازم می باشد. این در حالی است که در معماری اسلامی ایران همه عوامل ترکیب بندی باعث تغییر الگوی

نظریه بورکهارت مشاهده کرد. انتقاد دیگری که به این گونه شناسی وارد است عدم ارتباط بین گونه اصلی و برخی نمونه هاست بطوریکه برخی از نمونه ها در گونه شناسی اولیه طبقه بندی شده و با در نظر گرفتن همه زیرفاکتورها، نمونه مذکور با گونه اصلی هماهنگی ندارد. انتقاد دیگر به گونه شناسی معناگرا، مشخص نبودن چگونگی دست یافتن به شاخص ها (فضا، فرم، سطح، رنگ و ماده) و حذف برخی شاخص های تاثیرگذار بر گونه شناسی همچون سازه می باشد.

تعیین معیارها و شاخص های ترکیب بندی

یکی از مهمترین انتقادهایی که به همه نظریه‌های گونه شناسی وارد است عدم تاثیرگذاری همه جانبه شاخصها بر شکل گیری گونه ها می باشد بطوریکه ویژگیهای معماری گونهها به طور کامل متاثر از شاخص ها نبوده و نمونه های زیرمجموعه یک گونه، رفتارهای متفاوتی را از نظر ویژگیهای معماری از خود نشان می دهند. این امر به علت پیش قضاوت نسبت به معیارهای موثر بر گونه شناسی معماری است بطوریکه در همه روش های گونه شناسی ابتدا یک معیار مطلق همچون اقلیم، شکل، تاریخ، فضا، فرهنگ، معنا در نظر گرفته شده سپس نظریه پردازان در صدد تفسیر ویژگیهای معماری و تیپولوژی بناها با آن معیارها برآمده اند در صورتیکه معماری محصولی از ترکیب عوامل مختلف بوده و قابل تفسیر با معیاری مجرد نمی باشد. با دقت در انواع روشهای تیپولوژی معماری به این نتیجه می رسیم که ویژگیهای ترکیب بندی معماری ابزار خوانش بوسیله همه روشهای تیپولوژی می باشند بطوریکه معیار در گونه شناسیهای اقلیمی، شکلی، تاریخی تکاملی، فضاگرا، فرهنگی اجتماعی و معناگرا به ترتیب ویژگیهای معماری مشترک در اقلیم های مشابه، ویژگیهای مشترک شکلی، ریشه مشترک تاریخی از نظر فرم، ویژگیهای مشترک فضایی، ویژگیهای معماری مبین جنوبایپ و ویژگیهای دارای معنای مشترک است. پس می توان نتیجه گرفت همه روش های گونه شناسی به نوعی به دنبال کشف وجه مشترکی از ویژگیهای

معماری بوده و اثبات اینکه این ویژگیهای مشترک با یک عامل خاص همچون اقلیم، فرهنگ، تاریخ و ... قابل تفسیر و توجیه می باشند. برای رسیدن به جامعیت و چندوجهی نگری در شاخص ها بر مبنای اصل اول نظریه گونه شناسی راپاپورت، در درجه اول ویژگیهای معماری گونه ها می بایست به طور کامل متاثر از شاخص ها بوده و شاخص ها قابل تسری در همه نمونه ها باشد و این امر مستلزم این است که کل نمونه های واقع در یک گونه خاص از نظر ویژگیهای ترکیب بندی معماری دارای رفتاری یکسان باشند. در روش گونه شناسی با معیار ویژگیهای ترکیب بندی معماری ابتدا بناها بر اساس ویژگیهای معماری آنالیز شده سپس بناها با معیار داشتن ویژگیهای معماری مشترک طبقه بندی شده و بدین ترتیب با تکنیک کوچک کردن طیف گونه، زمینه دستیابی به کاملترین گونه ها فراهم می گردد بطوریکه نمونه های زیرمجموعه هر گونه دارای رفتاری یکسان از نظر ویژگیهای ترکیب بندی معماری می باشند. سپس به دور از پیش داوری و با تحلیل و مقایسه بین گروههای طبقه بندی شده می توان قضاوت کرد که یک گونه خاص معماری بیشتر تحت تاثیر ترکیبی از کدام عوامل اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و ... قرار دارد. بدین ترتیب با در نظر گرفتن شاخص هایی که تاثیر مستقیم بر هدف گونه شناسی دارند به تعریف شاخص های ترکیب بندی معماری می پردازیم. معیارهای ترکیب بندی بر اساس کارکرد آنها در معماری به سه گروه قابل تقسیم بندی می باشند. گروه اول شامل معیارهایی می باشد که منجر به ایجاد هارمونی در معماری شده و نقش مهمی در ایجاد توازن و هماهنگی بین اجزاء معماری ایفا می کنند. شاخص های این معیار شامل سلسله مراتب، محور، نقطه عطف، مرکز ترکیبی، هارمونی فرم و ترکیب فضاها می باشند. گروه دوم شامل ویژگیها و استعدادهای ذاتی فرم ها و عناصر تشکیل دهنده معماری همچون انعطاف پذیری، رنگ، نور، سایه و بافت می باشد. گروه سوم شامل معیارهای ایجادکننده نظم در معماری همچون مقیاس، تناسب، ریتم، هندسه و مدول می باشد.

فرایند گونه شناسی با معیار ویژگی‌های ترکیب بندی

در روش گونه شناسی با معیار ویژگی‌های ترکیب بندی، ابتدا حالت‌های مختلف شاخص‌های ترکیب بندی (سلسله مراتب، محور، نقطه عطف، مرکز ترکیبی، هارمونی فرم، ترکیب فضاها، انعطاف پذیری، رنگ، نور، سایه، بافت، مقیاس، تناسب، ریتم، هندسه، مدول) را تعریف می‌نماییم. سپس هر کدام از نمونه‌ها از نقطه نظر شاخص‌های ترکیب بندی مورد آنالیز قرار گرفته و در ذیل زیرفاکتورهای هر کدام از شاخص‌های ترکیب بندی طبقه بندی می‌شوند سپس از طریق مقایسه بین گروه‌های طبقه بندی شده، کل نمونه‌ها در چند گروه طبقه بندی می‌شوند بطوریکه بیشتر اعضای آن گروه در مورد هر کدام از زیرفاکتورهای شاخص‌های ترکیب بندی رفتار یکسانی را بروز دهند. بدین ترتیب با این روش به گونه‌هایی دست می‌یابیم که نمونه‌های متعلق به آن گونه نسبت به هر کدام از زیرفاکتورها دارای حداکثر فراوانی می‌باشند. سپس برای تدقیق گونه شناسی ویژگی مشترک بناهای متعلق به هر گروه را استخراج می‌کنیم بصورتیکه این ویژگی منحصر بفرد بوده و در گروه‌های دیگر قابل تسری نباشد. ممکن است این ویژگی تشابه فرم، عملکرد، سازه و فضا باشد و یا بتوان با ترکیب دو یا سه معیار با یکدیگر رفتار مشابه نمونه‌های متعلق به یک گونه را توجیه کرد. بدین ترتیب با توجه به مکان قرارگیری نمونه‌ها و با تاکید بر پژوهش مبتنی بر نمونه می‌توان به گونه شناسی جامع دست یافت بطوریکه با این روش می‌توان تصمیم گرفت تشابه شاخص‌های ترکیب بندی در هر گونه را با کدام یک از معیارهای گونه شناسی اقلیمی، شکلی، تاریخی، فضاگرایی، فرهنگی اجتماعی و معناگرایی تفسیر کرد.

تحلیل نمونه موردی

به عنوان نمونه بناهای تاریخی شهر اراک با این روش تیپولوژی گردید بطوریکه ابتدا شاخص‌های گونه شناسی بر اساس ویژگی‌های ترکیب بندی در ذیل پنج زمینه مشتمل بر پلان موقعیت، پلان معماری، نما، حجم و فضای داخلی تعریف گردید.

شاخص‌های ترکیب بندی زیرمجموعه پلان موقعیت شامل ترکیب دسترسی به بنا، شکل مسیر دسترسی، موقعیت ورودی نسبت به لبه معبر، مقیاس و شکل پلان موقعیت، سلسله مراتب دسترسی، ترکیب و پیوستگی فضایی با بافت همجوار می‌باشند. شاخص‌های ترکیب بندی زیرمجموعه پلان معماری شامل سلسله مراتب، محور، نقطه عطف، مرکز ترکیبی، هارمونی فرم، ترکیب فضاها، انعطاف پذیری، رنگ، نور، سایه، بافت، مقیاس، تناسب، ریتم، هندسه، مدول، محصوریت، تقارن، نسبت کمیت فضاها، شاخصیت، مفصل‌های فضایی می‌باشند. سپس زیرشاخص‌های گونه شناسی را در ذیل هر شاخص با توجه به حالت‌های مختلفی که در نمونه‌ها وجود دارند تعریف کرده ایم. در ذیل چند نمونه از زیرشاخص‌های گونه شناسی آورده شده است.

- شاخص مقیاس: ۱. مقیاس بزرگ؛ ۲. مقیاس متوسط؛ و ۳. مقیاس کوچک.

- شاخص محصوریت فضا: ۱. فضاها کاملاً بسته؛ ۲. فضاها بسته؛ ۳. فضاها نیمه بسته؛ ۴. فضاها نیمه باز؛ و ۵. فضاها باز.

- شاخص موقعیت حیاط در بنا: ۱. حیاط جانبی؛ ۲. حیاط مرکزی؛ و ۳. حیاط محیطی.

- شاخص سلسله مراتب محصوریت فضا: ۱. بدون سلسله مراتب؛ ۲. سلسله مراتب ترکیبی بسته، نیمه بسته و نیمه باز؛ ۳. سلسله مراتب ترکیبی بسته، نیمه باز و باز؛ و ۴. سلسله مراتب ترکیبی بسته، نیمه بسته، نیمه باز و باز.

- شاخص ریتم: ۱. ریتم یکنواخت؛ ۲. ریتم متناوب؛ ۳. ریتم تکاملی؛ و ۴. ریتم موجی.

- شاخص تقارن: ۱. تقارن محوری؛ و ۲. تقارن مرکزی.

- شاخص محور تقارن: ۱. یک محور تقارن؛ ۲. یک محور طولی و یک محور عرضی؛ ۳. یک محور طولی و دو محور عرضی؛ و ۴. فاقد محور تقارن.

- شاخص ترکیب محورهای تقارن و نقاط عطف:
۱. محورهای گذرنده از مرکز هندسی؛ ۲. محورهای گذرنده از مرکز ترکیبی؛ و ۳. محورهای گذرنده از ورودی.

- شاخص انعطاف پذیری: ۱. انعطاف پذیری عملکردی؛ ۲. انعطاف پذیری اقلیمی؛ و ۳. انعطاف پذیری هندسی.

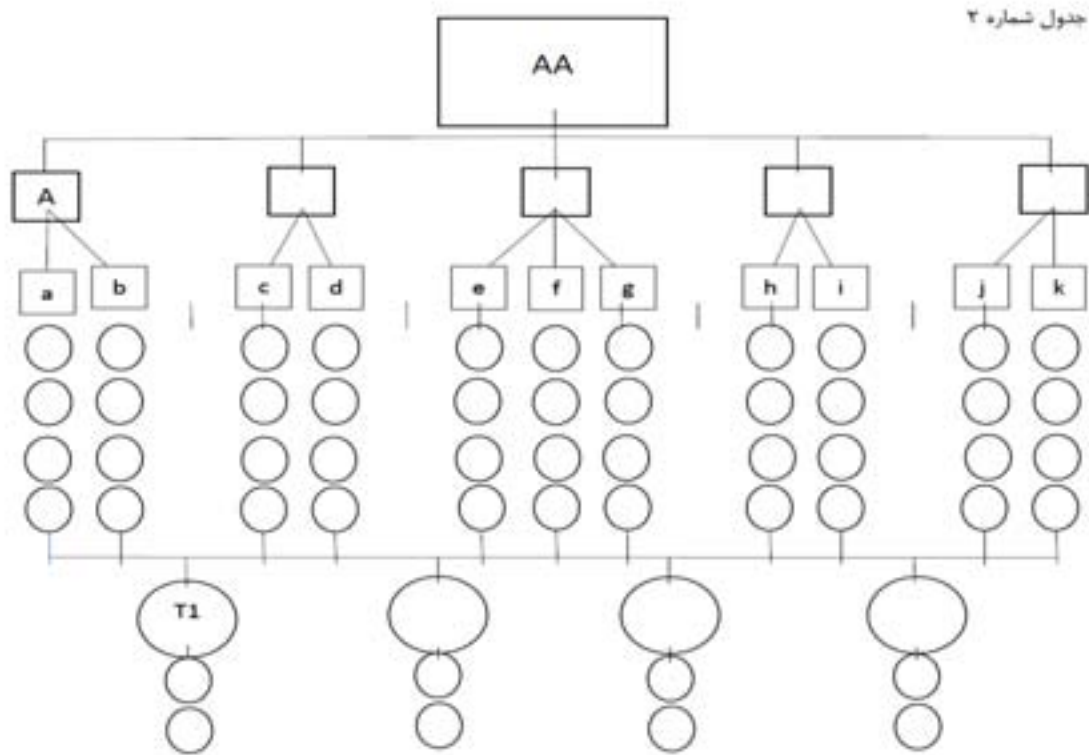
- شاخص هارمونی فرم: ۱. یک فرم پایه، ترکیب های مشابه؛ ۲. یک فرم پایه، ترکیب های متفاوت؛ ۳. چند فرم پایه، ترکیب های مشابه؛ و ۴. چند فرم پایه، ترکیب های متفاوت.

- شاخص شبکه دسترسی: ۱. دسترسی عمومی؛ ۲. دسترسی نیمه عمومی؛ ۳. دسترسی نیمه خصوصی؛ و ۴. دسترسی خصوصی.

بعد از اینکه زیرشاخص های زیرمجموعه هر کدام از شاخص ها تعریف گردید هر کدام از نمونه ها از نقطه نظر شاخص های ترکیب بندی مورد آنالیز قرار گرفته و در ذیل زیرفاکتورهای هر کدام از شاخص های ترکیب بندی طبقه بندی شده اند. سپس از طریق مقایسه بین گروه های طبقه بندی شده، گونه های اصلی بر اساس حداکثر فراوانی نمونه ها نسبت به زیرشاخص ها استخراج شده اند بطوریکه بیشتر نمونه های متعلق به یک گونه خاص در مورد هر کدام از شاخص های ترکیب بندی رفتار یکسانی را بروز داده اند. بطور مثال نمونه های متعلق به اولین گونه شامل مساجد شیخ ابوالحسن، حاج تقی خان، آخوند، حصار، خوانساری، النبی و ساعت ساز دارای مقیاس کوچک، حیاط جانبی، یک محور تقارن با نقش عملکردی، محورهای گذرنده از مرکز ترکیبی، مرکز ترکیبی در انتهای محور تقارن، شبکه مدولار سازهای، هندسه منتظم در ترکیب و فرم اجزاء، ریتم یکنواخت و فاقد سلسله مراتب محصوریت فضا، شاخصیت فرم و تزئینات، مفصل فضایی، تناسب طلایی، انعطاف پذیری عملکردی، اقلیمی و هندسی، ریتم متناوب، تکاملی و موجی، تقارن مرکزی و هارمونی فرم می باشند. سپس با مقایسه نمونه های واقع در هر کدام از گونه ها، ویژگی مشترک نمونه های متعلق به

هر گونه را استخراج می کنیم به شرط اینکه این ویژگی، منحصر به آن گونه خاص بوده و در نمونه های متعلق به گونه های دیگر قابل تسری نباشد. پس از انجام فرایند فوق در مورد بناهای تاریخی اراک، به این نتیجه رسیدیم که هر کدام از گونه ها را می توان بر اساس یک ماتریس دو بعدی که یک وجه آن عملکرد بنا مشتمل بر شش گروه مذهبی، عمومی، مسکونی، همگانی، یادمانی و فرم های معماری کوچک و وجه دیگر آن ساختار فرمی بنا مشتمل بر ساختارهای بلوکی، حیاط مرکزی، ترکیب ساختار بلوکی و حیاط مرکزی و چندحیاطی می باشد تفسیر کرد بطوریکه با در نظر گرفتن این ماتریس، بناها در گروه های ترکیبی عملکردی و ساختار فرمی، دارای ویژگیهای ترکیب بندی مشترک می باشند. سپس از طریق مقایسه درصد فراوانی بناها در هر کدام از زیر فاکتورها، الگوهای طراحی مربوط به هر کدام از ویژگیهای ترکیب بندی استخراج شده است و بدین ترتیب با این روش، زمینه بکارگیری و تعمیم الگوهای طراحی معماری سنتی در بافت تاریخی اراک بصورت کاملاً ملموس فراهم شده است.

جدول ۲. فرایند گونه شناسی با معیار ویژگیهای ترکیب بندی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



AA تعریف معیار گونه شناسی بر مبنای مبانی نظری (ویژگیهای ترکیب بندی معماری)
 A, B, ... تعریف شاخص های گونه شناسی بر اساس معیار
 a, b, ... تعریف زیرشاخص های گونه شناسی بر اساس شاخص ها
 1, 2, ... آنالیز و طبقه بندی نمونه ها در ذیل زیرشاخص ها
 T1, T2, ... استخراج گونه های اصلی بر اساس حداکثر فراوانی نمونه ها نسبت به زیرشاخص ها
 1, 2, ... نمونه های نهایی زیرمجموعه گونه های اصلی

روشهای گونه شناسی به علت محدودیت کمی و کیفی شاخص ها می باشد از طرفی برخی شاخص ها در همه بناها قابل تسری نبوده و به علت عدم تاثیرگذاری مستقیم بر هدف گونه شناسی از صلاحیت لازم برای تفکیک و طبقه بندی بناها برخوردار نبوده اند بنابراین این پژوهش بر اساس گونه شناسی چندوجهی و برای رسیدن به حداکثر جامعیت بدین معنی که همه نمونه های متعلق به یک گونه در مورد همه شاخص ها رفتاری یکسان داشته باشند نتایج تحقیق حاکی از این است که در روش مبتنی بر پارامتر از طریق آنالیز و طبقه بندی بناها در ذیل زیرفاکتورهای شاخص های ترکیب بندی و سپس طبقه بندی بناها در گروههایی که نسبت به همه شاخص ها رفتار یکسان نشان بدهند

نتیجه گیری و جمع بندی

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل نظریه های مختلف در گونه شناسی معماری پرداخت و اصول و زمینه های گوناگون مطرح در این مطالعات را در چهارچوبی نظری تدوین نمود سپس بر اساس مبانی نظری مطرح شده، معیارها، شاخص ها و مولفه های موثر بر هدف گونه شناسی را مشخص و در نهایت فرایند عملی برای استفاده از این شاخص ها برای گونه شناسی معماری ارائه نمود. از آنجائیکه در نظریه های پیشین گونه شناسی گونه ها به طور کامل متاثر از شاخص ها نبوده و ویژگیهای معماری گونه ها بطور کامل با شاخص ها توجیه نمی شود و این حاکی از عدم جامعیت

نتایج تحقیق نشان می دهد با این روش به گونه هایی دست می یابیم که نمونه های متعلق به آن گونه نسبت به هر کدام از زیرفاکتورها دارای حداکثر فراوانی می باشند بدین ترتیب با توجه به مکان قرارگیری نمونه ها و با تاکید بر پژوهش مبتنی بر نمونه می توان به گونه شناسی جامع دست یافت. بطوریکه بجای قضاوت اولیه در مورد معیارهای تاثیرگذار بر ویژگیهای بنا در مورد معیارهای گونه شناسی به تحلیل نمونه ها اقدام کرده و سپس از طریق با روشی مبتنی بر نمونه به کاملترین گونه ها بطوریکه نمونه های زیرمجموعه هر گونه رفتاری یکسان در مورد هر کدام از شاخص های ترکیب بندی معماری دارند و این امر تنها از طریق از طریق این روش می توان با تحلیل و مقایسه بین گروههای طبقه بندی شده میتوان قضاوت کرد که چگونه خاص معماری بیشتر تحت تاثیر ترکیبی از کدام عوامل اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و غیره قرار دارد. ویژگیهای ترکیب بندی معماری مشتمل بر عوامل ایجادکننده هارمونی، ویژگیهای ذاتی فرم و عوامل ایجاد کننده نظم می باشد بنابراین در نوع خود حاوی تمام معیارهای طراحی معماری بوده و از جامعیت زیادی برخوردار است بطوریکه منجر به استخراج الگوهای طراحی سازگار با همه عوامل موثر بر شکل گیری کالبد معماری همچون اقلیم، فرهنگ، و تاریخ می گردد. این روش قابلیت مرور فرایند دستیابی به گزینه ها و تولید مجدد گونه ها را دارد.

پی نوشت

1. Typology; 7. Form; 13. Olgyay; 19. Bru- no Zevi; 2. Type; 8. Class; 14. Durand; 20. Rapaport; 3. Typos; 9. Symbol; 15. Krier; 21. Bill Hillier; 4. Topos; 10. Character; 16. Steadman; 22. Julian Hanson; 5. Model; 11. Vitruvius; 17. Sidney Addy; 23. Genotype; 6. Exemplar; 12. Alberti; 18. Muratori; 24. Phenotype; 25. Burckhardt

منابع و ماخذ

۱. ابن خلدون: (۱۳۶۶)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
۲. بورکهارت، تیتوس: (۱۳۶۹)، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.
۳. پیرنیا، محمدکریم: (۱۳۸۱)، سبک شناسی معماری، تهران، انتشارات معمار- پژوهنده.
۴. توسلی، محمود: (۱۳۶۰)، ساخت شهر و معماری اقلیم گرم و خشک، تهران، ناشر نویسنده
۵. چینگ، فرانسیس: (۱۳۶۸)، معماری: فرم، فضا و نظم، ترجمه زهره قراگزلو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. فلاح فر، سعید: (۱۳۷۹)، فرهنگ واژه های معماری سنتی ایران، تهران، انتشارات کامیاب.
۷. فلامکی، منصور: (۱۳۵۵)، باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کرایر، راب: (۱۳۸۰)، گونه شناسی عناصر پایه در معماری، ترجمه عباسعلی شاهرودی و احمد خوشنویس، قزوین، انتشارات سایه گستر
۹. کسمایی، مرتضی: (۱۳۶۳)، اقلیم و معماری، تهران، انتشارات خاک.
۱۰. گذار، آندر: (۱۳۵۸)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. گلکار، کوروش: (۱۳۷۹)، مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵

۱۲. معماریان، غلامحسین (۱۳۹۳)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات سیمای دانش.

۱۳. معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی: (۱۳۹۲)، گونه و گونه شناسی معماری، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶، صص ۱۱۴-۱۰۳.

14. Addy ,S.Oldall ,(1933) :The Evolution of the English House ,London, George Allen & Unwin
15. Brown ,F.E” ,(1986) :.Continuity and Change in the Urban House, Developments in Domestic Space Organization in Seventeenth Century London ,“Comparative Studies in Society and History ,Vol ,28.pp. 558-590
16. Hillier ,Bill & Hanson ,Julienne: ,(1984)The Social Logic of Space, Cambridge ,Cambridge University Press.
17. Krier ,Rob ,(1991) :Architectural Composition ,New York ,Rizzoli.
18. Madrazzo ,Leonardo ,(1994) :Durand and the Science of Architecture ,JAE
19. Olgyay ,V ,(1963) :.Design with Climate ,Princeton ,Princeton University Press.
20. Rapoport ,Amos,(1969) : House Form and Culture ,London, Prentice Hall.
21. Steadman ,J .P ,(1989) :.Architectural Morphology ,London ,Pion limited.
22. Vitruvius ,(1960) :The Ten Book on Architecture ,New York ,Dover Publication.



بررسی تأثیر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی با تأکید بر نقش واسطه‌ای نوآوری فناوری در سازمان زیباسازی شهر تهران

محمدرضا ربیعی مندجین - استادیار و عضو هیأت علمی تمام وقت دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
معین رضانی میمی* - کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

هدف مدیریت دانش، بیشینه کردن سودآوری و افزایش اثر بخشی سازمانی است. در عصر دانایی و دانش محوری، مدیریت دانش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است از این رو هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی با تأکید بر نقش واسطه‌ای نوآوری فناوری در سازمان زیباسازی شهر تهران است. روش اجرای پژوهش حاضر توصیفی و طرح پژوهش همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این تحقیق شامل کارکنان سازمان زیباسازی شهر تهران می‌باشد که تعداد آنان ۴۳۰ نفر بود. ۱۹۶ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی در پژوهش شرکت کردند. آنان به پرسشنامه‌های مدیریت دانش، نوآوری فناوری و مزیت رقابتی پاسخ دادند. پایایی و روایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی محتوایی و تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به دست آمده نشان از پایایی و روایی مورد قبول برای ابزارها داشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در بخش استنباطی از آزمونهای همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) استفاده میشود. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزارهای SPSS21 و SMARTPLS استفاده میشود. نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر نوآوری فناوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. مدیریت دانش بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. مدیریت دانش تأثیر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر مزیت رقابتی دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت دانش، مزیت رقابتی، نوآوری فناوری

The Effect of Knowledge Management on Competitive Advantage with Emphasis on the Mediating Role of Technology Innovation in Tehran's Beautification Organization

Abstract

The goal of Knowledge Management is to maximize profitability and increase organizational effectiveness. Therefore, the purpose of this research is to investigate the effect of knowledge management on competitive advantage with emphasis on the role of intermediary of technology innovation in the beautification organization of Tehran. The method of this research was descriptive and correlation research was a structural equation type. The statistical population of this research includes employees of the beautification organization of Tehran city, which numbered 430 people. 196 of them participated in the study by random sampling method. They responded to knowledge management questionnaires, technology innovation and competitive advantage. Reliability and validity of the tools were examined using Cronbach's alpha coefficient, composite reliability, content validity, and confirmatory factor analysis. The results showed that reliability and validity were acceptable for tools. Data analysis was done at descriptive and inferential levels. In the inferential part, Pearson correlation tests and structural equations are used by least squares (PLS) method. SPSS21 and SMARTPLS software are used to analyze the research data. The results showed that knowledge management has a positive and significant effect on technology innovation. Knowledge management has a positive and significant effect on competitive advantage. Technology innovation has a positive and significant effect on competitive advantage. Knowledge management has a positive indirect and significant indirect effect on competitive advantage.

Key words: knowledge management, competitive advantage, technology innovation

موضوع رقابت میان بنگاهها امروز به موضوع مورد بحث در میان مدیران، سیاستمداران و دانشگاهیان تبدیل شده است (دپرو و کراتو، ۲۰۰۷؛ پناوینسیس و اربانو، ۲۰۱۴). رقابت فرآیندی است که در آن برای دستیابی به منابع و مصرفکنندگان بیشتر، تلاش میشود (کوانگ و بای، ۲۰۰۲). مزیت رقابتی یک شرکت بستگی به توانایی این شرکت برای طراحی، تولید و ارائه محصولات و خدمات با ارزش بالا و با توجه به نیازهای مشتریان دارد (سانتاپاراج و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسماعیل و همکاران، ۲۰۱۲). شاید رایجترین مفهوم پذیرفته شده در میان دیدگاههای مختلف در خصوص مدیریت استراتژیک مفهوم مزیت رقابتی باشد. مفهوم مزیت رقابتی از قلب استراتژی بازاریابی سرچشمه میگیرد (کرچتون، ۱۹۹۵؛ استچمسر و همکاران، ۲۰۱۵) و یادآوری مقایسه و رقابت است (دپرو و کراتو، ۲۰۰۷). مزیت رقابت اشاره به جایگاه برتر یک شرکت نسبت به رقبایش در آن صنعت دارد. هنگامی که یک شرکت پیوسته سود بیشتری نسبت به شرکتهای دیگر که با آن شرکت در صنعت مشابه رقابت میکنند، به دست آورد؛ به عنوان یک شرکت با مزیت رقابتی در این بازار شناخته میشود (درنوویچ و شانلی، ۲۰۰۵؛ بلیوکا، ۲۰۱۴). بدون دستیابی به مزیت رقابتی شرکت توجیه اقتصادی کمی برای ادامه حیات خود خواهد داشت و از نظر مالی رو به زوال خواهد گرایید (کیم و اوه، ۲۰۰۴). در چنین فضایی تنها بنگاههایی می توانند بقاء خود را حفظ و موقعیت خود را ارتقاء دهند که تمرکز خود را بر همه ابعاد رقابت یعنی کیفیت، قیمت، سرعت، پاسخگویی به مشتری و نوآوری معطوف نمایند، تا با کسب مزیت رقابتی پایدار بتوانند از رقبای خود پیشی بگیرند (داروچ، میلز و ماردین، ۲۰۱۵؛ داوید و داوید، ۲۰۱۶). همچنین تغییر انتظارات مشتریان از کالا و خدمات و تغییرات محیطی، شرکتها را از لحاظ رقابتی تحت فشار قرار داده و چالشهایی فراروی آنها قرار می دهد. بنگاهها با تخصیص کارای منابع، بهبود شایستگیها و تواناییها و کسب مزیت رقابتی پایدار می توانند محصولات و خدمات بهتری نسبت به سایر رقبای عرضه کنند. در بررسی شرکت های موفق در می یابیم که اغلب

آنها توانمندی هایی دارند که آنها را قادر به رقابت در بازارهای پرنوسان امروز می سازد (ابراهیم و گودوین، ۱۹۸۶؛ ورهیس و مورگان، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، امروزه عمدهترین سرمایه سازمانها، دانشی است که به آن دسترسی دارند (لیبویتز و فرانک، ۲۰۱۶). سازمانهایی میتوانند موفق باشند که قادرند مفیدترین، معتبرترین و به روزترین دانش بشری را درحوزه کسب و کار خود در اختیار گیرند و از آن به نحو احسن استفاده نمایند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). دانش سازمانی به زعم غالب مدیران موفق دنیا، مهمترین سرمایه شرکت های سده بیست و یکم محسوب میشود. نظرسنجیهای انجام شده در میان ۲۰۰ شرکت برتر دنیا نشان می دهد بیش از ۸۸ درصد از مدیران شرکتهای موفق و بزرگ دنیا، مدیریت دانش سازمانی رابه عنوان دومین اولویت اصلی کاری خود ذکر کرده اند (شفیعا و همکاران، ۱۳۸۶). مدیریت دانش علاوه بر ارتقاء عملکرد نوآوری، باعث ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان نیز میشود. برای اینکه یک سازمان دارای مزیت رقابتی باشد، لازم است که توانایی آن در قابلیت پیشنهاد محصولات و خدمات به طور مداوم گسترش پیدا کند. در مجموع باید در نظر داشت که مبنای اصلی موفقیت یک شرکت، دستیابی به یک مزیت رقابتی پایدار و حفظ آن است (کیم و همکاران، ۲۰۱۲). مزیت رقابتی زمانی پایدار خواهد بود که دیگر شرکتها قادر نباشند توانهای این استراتژی را تقلید کنند (بارنی، ۱۹۹۹، ص ۲۰۱۲). مزیت رقابتی میتواند نتیجه بکارگیری یک استراتژی ایجاد ارزش باشد که به طور همزمان توسط رقبای فعلی یا بالقوه مورد استفاده قرار نگیرد و یا نتیجه بکارگیری همان استراتژی به شیوههای بهتر از رقبای باشد (واراداران و بهارادواج، ۲۰۱۵). بررسی پیشینه تجربی نشان میدهد که پژوهشهای اندکی به بررسی تأثیر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی با تأکید بر نقش واسطه های نوآوری فناوری پرداختهاند. بنابر این مسأله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا نوآوری فناوری در ارتباط بین مدیریت دانش با مزیت رقابتی نقش واسطه های دارد؟

مبانی نظری

مزیت رقابتی اشاره به جایگاه برتر یک شرکت نسبت به رقبایش در آن صنعت دارد. هنگامی که یک شرکت پیوسته سود بیشتری نسبت به شرکتهای دیگر که با آن شرکت در صنعت مشابه رقابت میکنند، به دست آورد؛ به عنوان یک شرکت با توان رقابتی در این بازار شناخته میشود (بلیوکا، ۲۰۱۴). بات مدیریت دانش را فرایند ایجاد، تایید، ارائه، توزیع و کاربرد دانش دانسته و هم چنین سوکومار مدیریت دانش را این گونه تعریف می کند؛ حرفهایی که هدف آن مهار و به کار گیری دانش و اطلاعات و ایجاد دسترسی بی کم و کاست به آن برای همه کارکنان در یک سازمان است با این هدف که آنها کارشان را بهتر انجام دهند. تعریفی دیگر برای مدیریت دانش اینگونه است: مدیریت دانش یک فرایند آگاهانه ایجاد دانش، اعتبار بخشی به آن، توزیع و کاربرد آن است. در این تعریف اجزاء اصلی مدیریت دانش عبارتند از: اطلاعات، افراد و سیستم می باشد. ذخیره دانش، دانش خامی که در اختیار قرار میگیرد (داده و اطلاعات) باید در مکانی ذخیره شود که بتوان آن را مدیریت نمود، حفاظت کرد و در دسترس دیگران گذاشت. این وسیله ذخیره سازی می تواند نظام تولید، انبار داده ها یا کاربرد گروه افزار باشد (صلواتی، ۱۳۸۸). خلق دانش به توانایی سازمان به منظور ایجاد و خلق راه حل ها و ایده های کار آمد و جدید اشاره دارد. از طریق شکل دهی و ترکیب مجدد دانش جدید با دانش گذشته، سازمان قادر خواهد بود مفاهیم و واقعیت های جدیدی را خلق نماید (بیهت، ۲۰۰۱). اشتراک دانش به این معنی است که افراد، دیگری را با استفاده از دانش، بینش و افکار خود راهنمایی میکند تا او را کمک کند که موقعیت خود را بهتر ببیند. به علاوه فردی که دانش خود را تسهیم می کند، باید از هدف دانش اشتراک شده، و کاربرد آن، و همچنین از نیازها و شکافهای اطلاعاتی فرد گیرنده دانش اطلاع داشته باشد (مک درموت، ۱۹۹۹). کاربرد یا اعمال قدرت دانش، آخرین فرایند مدیریت دانش و از دیدگاه اکثر پژوهشگران مهم ترین فرآیند نیز می باشد. به طور کلی کاربرد دانش، به اشتراک گذاشتن اطلاعات، دانش و

فرزانگی را شامل می شود (ستاری، ۱۳۸۶). تکنولوژی یا فناوری به معنای کاربرد منظم معلومات علمی و دیگر آگاهی های نظام یافته برای انجام وظایف عملی است. به بیان ساده تر، تکنولوژی کاربرد عملی دانش و ابزاری برای کمک به تلاش انسان است و تأثیر بسزایی بر توسعه جوامع بشری دارد. تکنولوژی در واقع دانشی است که به حل مشکلات و دنبال کردن اهداف می انجامد (سیمون، ۱۹۷۳). تکنولوژی، شیوه و شگرد ساخت و کاربرد ابزار، دستگاه ها، ماده ها و فرایندهایی است که گرگشای دشواری های انسان است و در واقع یکی از ابزارهایی است که موجب ارزش آفرینی و مزیت رقابتی خواهد شد (لیوام، ۱۹۹۴). بر این پایه واژه تکنولوژی اغلب به نوآوری ها و نوآوری های اشاره دارد که از اصول و فرایندهای جدید در علم بهره می گیرند (کیل و همکاران، ۲۰۰۲). نوآوری تکنولوژیک عمل معرفی کردن یک وسیله یا روش یا مواد جدید برای استفاده از آنها در جهت اهداف تجاری یا عملی است و می توان اقرار داشت که مهمترین محرک دستیابی به موفقیت رقابتی می باشد. در واقع می توان گفت نوآوری تکنولوژیک، میزان محصول قابل حصول از یک مقدار معین کار و سرمایه را افزایش می دهد (لی و ام، ۲۰۰۲). تکنولوژی مهم ترین عامل در سیستم تولید ثروت است ولی عوامل دیگری نیز در این سیستم دخیل هستند. مثلاً، تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری، نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می کنند. نیروی کار، عامل موثر دیگری در رشد اقتصادی است. مدیریت تکنولوژی دارای ابعاد ملی، سازمانی و فردی است. در سطح ملی یا دولتی (سطح کلان)، مدیریت تکنولوژی به شکل گیری سیاست های عمومی کمک می کند. در سطح بنگاه (سطح خرد)، به ایجاد و تثبیت بنگاه های رقابت پذیر می انجامد. در سطح فردی، به ارتقاء ارزش فرد در جامعه کمک می کند (گاوریلوا، ۲۰۰۵).

پیشینه تحقیق

صحت و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی رابطه بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی در شرکتهای بیمه را مورد بررسی قرار دادند. یافته های تحقیق

نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان نوآوری سازمانی به‌طور کلی و انواع آن با مزیت رقابتی در شرکت‌های بیمه وجود دارد و در میان انواع نوآوری، نوآوری در محصول، بیشترین رابطه را با مزیت رقابتی در شرکت‌های بیمه دارد. همچنین، نتایج تحلیل آزمون تی یک نمونه‌ای نشان داد که شرکت‌های بیمه تنها از لحاظ نوآوری فرایندی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. کاظمی آسفه (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تحلیل تأثیر توانمندسازهای اشتراک دانش بر قابلیت نوآوری پرداختند. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهشی کاربردی محسوب شده و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) از نوع SmartPLS می‌باشد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد عوامل توانمندساز سازمانی اشتراک دانش (فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، سیستم پاداش) به جز حمایت مدیریت ارشد بر قابلیت اشتراک دانش تأثیر مثبت دارد. لی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت دانش با مزیت رقابتی با تأکید بر نقش واسطه‌های نوآوری فناورانه پرداختند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی استفاده کردند. نتایج نشان داد که مدیریت دانش تأثیر مثبت و معناداری بر نوآوری فناورانه و مزیت رقابتی دارد. نوآوری تأثیر مثبت و معناداری بر مزیت رقابتی دارد. چاهال و بخشی (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه فکری و مزیت رقابتی با تأکید بر نقش نوآوری و یادگیری سازمانی پرداختند. شرکت‌کنندگان پژوهش کارکنان بانکهای خصوصی و دولتی هندوستان بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های از مدل معادلات ساختاری استفاده کردند. نتایج نشان داد سرمایه فکری بر

نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان نوآوری سازمانی به‌طور کلی و انواع آن با مزیت رقابتی در شرکت‌های بیمه وجود دارد و در میان انواع نوآوری، نوآوری در محصول، بیشترین رابطه را با مزیت رقابتی در شرکت‌های بیمه دارد. همچنین، نتایج تحلیل آزمون تی یک نمونه‌ای نشان داد که شرکت‌های بیمه تنها از لحاظ نوآوری فرایندی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. کاظمی آسفه (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تحلیل تأثیر توانمندسازهای اشتراک دانش بر قابلیت نوآوری پرداختند. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهشی کاربردی محسوب شده و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) از نوع SmartPLS می‌باشد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد عوامل توانمندساز سازمانی اشتراک دانش (فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، سیستم پاداش) به جز حمایت مدیریت ارشد بر قابلیت اشتراک دانش تأثیر مثبت دارد. لی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت دانش با مزیت رقابتی با تأکید بر نقش واسطه‌های نوآوری فناورانه پرداختند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی استفاده کردند. نتایج نشان داد که مدیریت دانش تأثیر مثبت و معناداری بر نوآوری فناورانه و مزیت رقابتی دارد. نوآوری تأثیر مثبت و معناداری بر مزیت رقابتی دارد. چاهال و بخشی (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه فکری و مزیت رقابتی با تأکید بر نقش نوآوری و یادگیری سازمانی پرداختند. شرکت‌کنندگان پژوهش کارکنان بانکهای خصوصی و دولتی هندوستان بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های از مدل معادلات ساختاری استفاده کردند. نتایج نشان داد سرمایه فکری بر

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. مدیریت دانش بر نوآوری فناوری تأثیر دارد.
۲. مدیریت دانش بر مزیت رقابتی تأثیر دارد.
۳. نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی تأثیر دارد.
۴. نوآوری فناوری در ارتباط بین مدیریت دانش و مزیت رقابتی نقش میانجی دارد.

۵. مدل مفهومی پژوهش

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد. در این مدل مدیریت دانش به عنوان متغیر مستقل، نوآوری فناوری به عنوان متغیر میانجی و مزیت رقابتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش؛ منبع: لی و همکاران، ۲۰۱۶؛ لی و ژئو، ۲۰۱۰؛ فیلیوس و همکاران، ۲۰۰۰.

مزیت رقابتی (منبع: لی و ژئو، ۲۰۱۰)	نوآوری فناوری (منبع: لی و همکاران، ۲۰۱۶)	مدیریت دانش (منبع: فیلیوس و همکاران، ۲۰۰۰)
کیفیت زمان هزینه انعطاف‌پذیری	نوآوری محصولات / خدمات نوآوری فرآیندها	اکتساب دانش حلق دانش ذخیره دانش اشتراک دانش کاربرد دانش

روش تحقیق

این تحقیق، روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی میباشد زیرا سعی بر توصیف و تحلیل و تفسیر شرایط موجود دارد و از طرفی دیگر توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری میباشد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کارکنان سازمان زیباسازی شهر تهران هستند. تعداد کل جامعه آماری ۴۳۰ نفر میباشد. طبق فرمول کوکران، ۲۰۳ نفر از کارکنان سازمان زیباسازی شهر تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب خواهند شد. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر نیز روش نمونه گیری تصادفی ساده خواهد بود. در این پژوهش از هر دو روش گردآوری اطلاعات یعنی روش‌های کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی استفاده شده است. برای اندازه‌گیری مدیریت دانش از پرسشنامه فیلیس^۱ و همکاران (۲۰۰۰) و گولد^۲ و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۳ سؤال است که ۷ سؤال اکتساب دانش، ۶ سؤال کاربرد دانش، ۷ سؤال ذخیره دانش، ۹ سؤال اشتراک دانش و ۴ سؤال خلق دانش را می‌سنجد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. برای اندازه‌گیری نوآوری فناوری از پرسشنامه پراجوگو و سوهال (۲۰۰۳) استفاده شد. این پرسشنامه از ۹ گویه تشکیل شده است که دو بعد نوآوری محصول (۵ گویه) و نوآوری فرآیندی (۴ گویه) را می‌سنجد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. برای اندازه‌گیری مزیت رقابتی از پرسشنامه لی و ژائو (۲۰۰۶) استفاده شد. این پرسشنامه از ۱۷ گویه تشکیل شده است که چهار بعد کیفیت (۴ گویه)، انعطاف‌پذیری (۴ گویه)، زمان (۴ گویه) و هزینه (۴ گویه) را می‌سنجد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. در این پژوهش نیز آلفای بالای ۰/۷ میزان مناسبی برای پایایی ابزار در نظر گرفته شده است. بنابراین اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، با استفاده از روش آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS 21 صورت می‌گیرد.



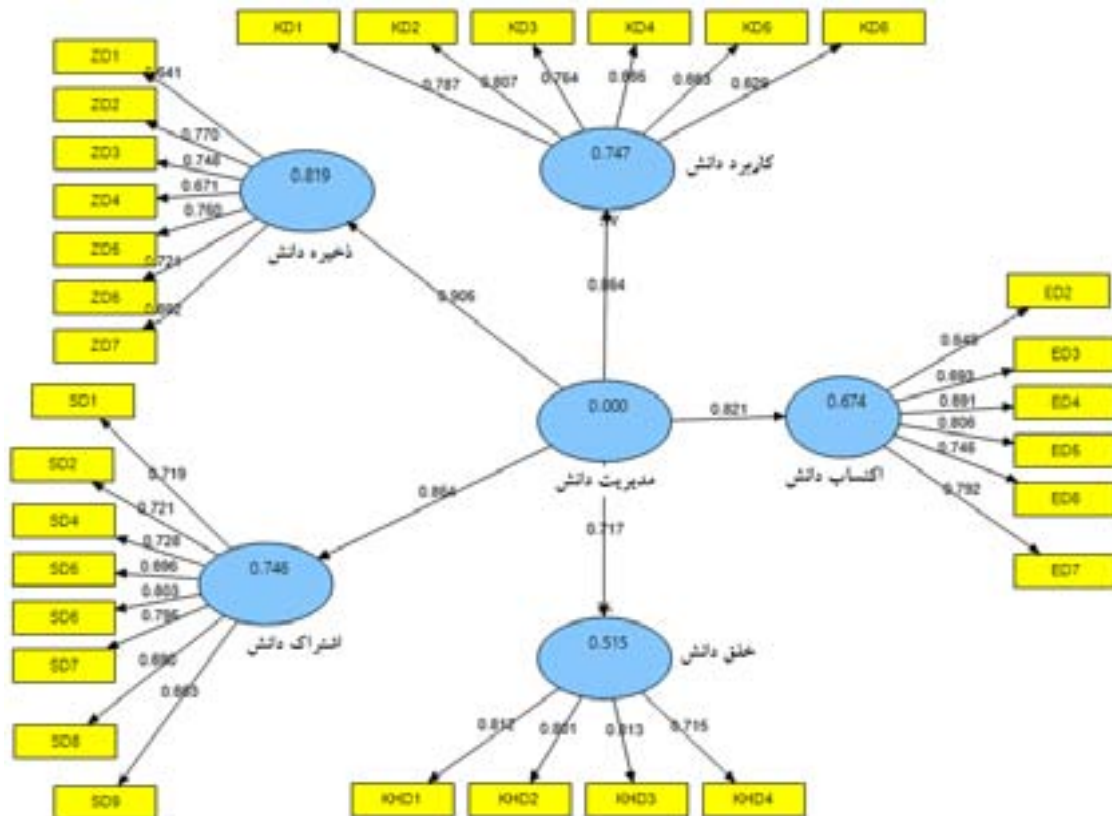
پایایی و روایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی محتوایی و تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به دست آمده نشان از پایایی و روایی مورد قبول برای ابزارها داشت. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمونهای توصیفی و استنباطی استفاده میشود. در بخش توصیفی از درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمونهای همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) استفاده میشود. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزارهای SPSS و SMARTPLS استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل فرضیه ها

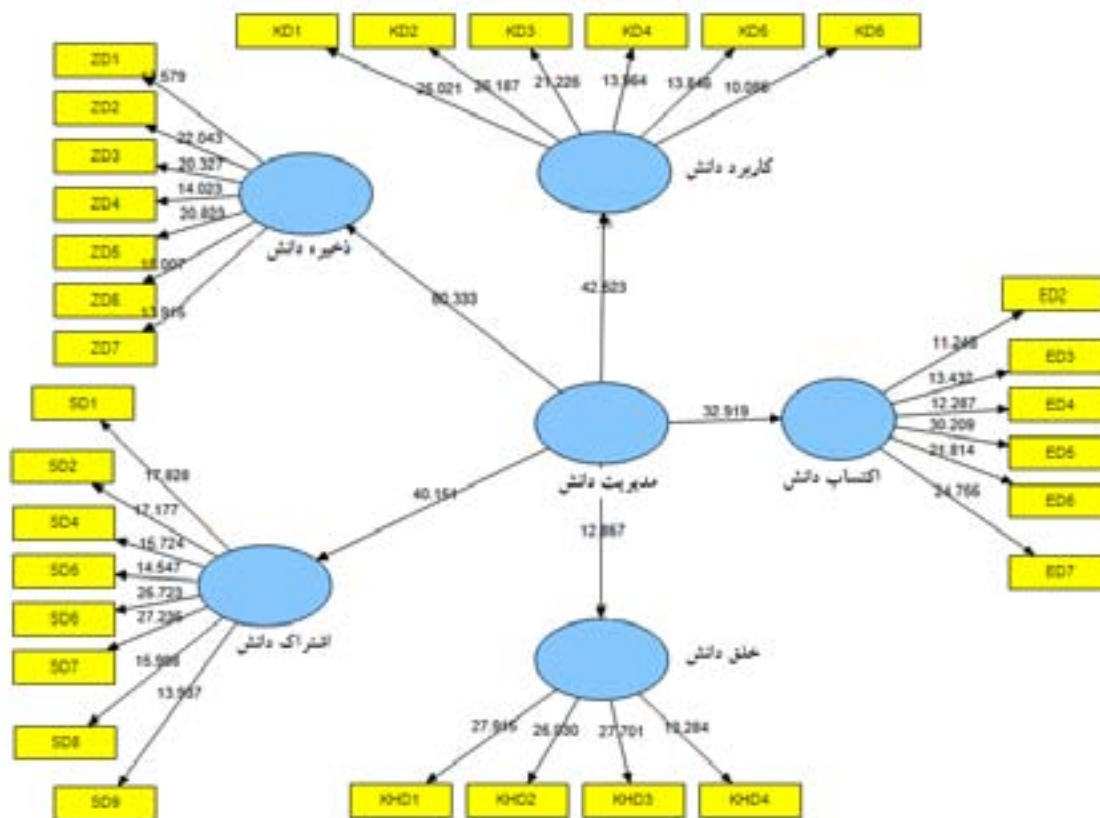
بررسی قابلیت اعتماد ابزارهای اندازه‌گیری

در جداول ۱ تا ۳ با CP و AVE هر یک از سازه‌ها ارائه شده اند. مقادیر این جدولها نشان دهنده قابلیت اعتماد کافی و مناسب سازه‌ها هستند. در شکل ۲ و جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدیریت دانش آورده شده است. همانطور که ملاحظه میشود تمام سؤاها بارهای معناداری روی ابعاد سازه مدیریت دانش دارند. لازم به ذکر است به چنین مدل‌هایی مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم گفته میشود.

شکل ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدیریت دانش



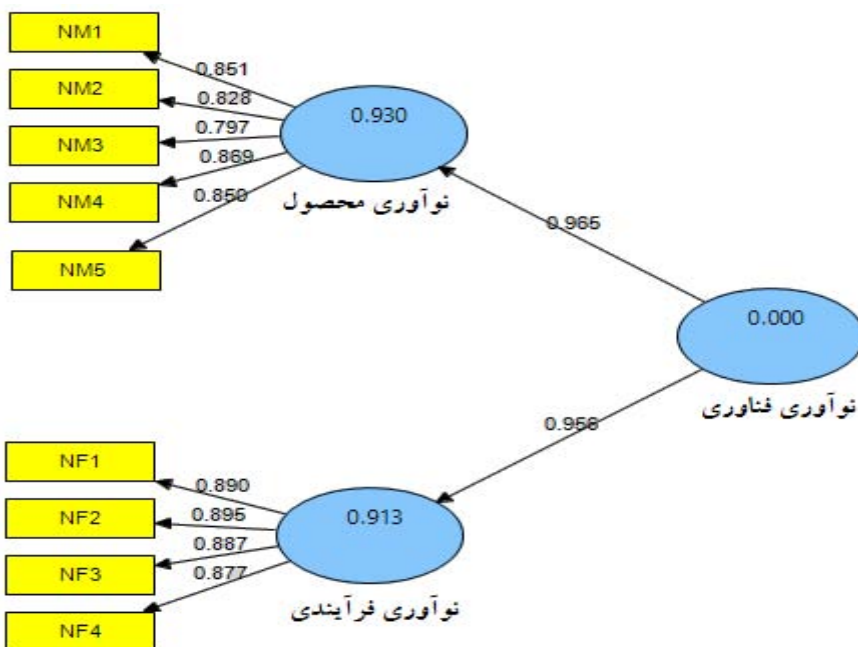
شکل ۳. ضرایب تی نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدیریت دانش



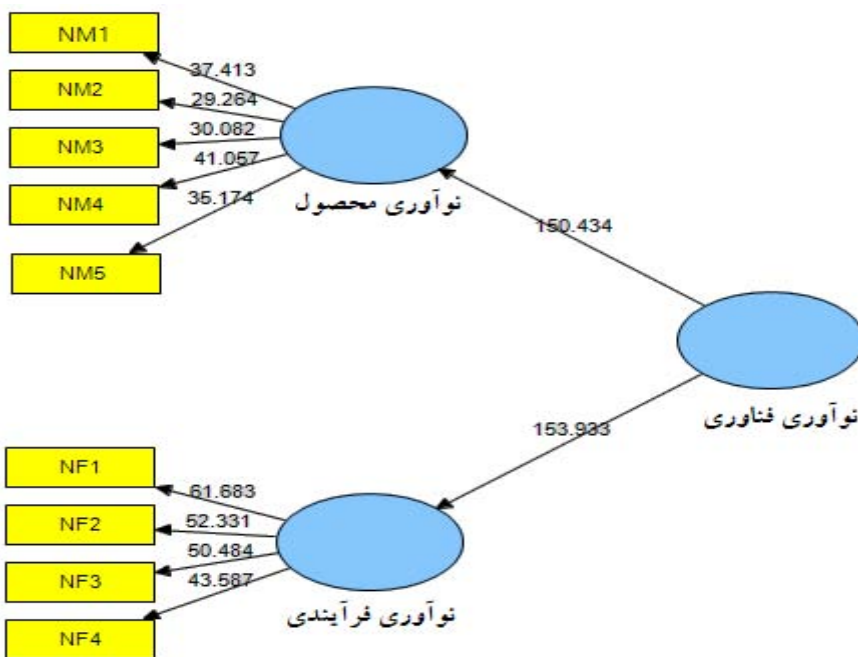
جدول ۱. پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده مدیریت دانش

متغیر / شاخص	AVE	cp	آلفا
اكتساب دانش	۰/۵۳	۰/۸۷	۰/۸۳
كاربرد دانش	۰/۵۲	۰/۸۷	۰/۸۱
ذخیره دانش	۰/۵۱	۰/۸۸	۰/۸۴
اشتراک دانش	۰/۵۳	۰/۹۰	۰/۸۷
خلق دانش	۰/۶۲	۰/۸۶	۰/۷۹

در شکل ۴ و ۵ و جدول ۲ نتایج تحلیل عاملی تأییدی نوآوری فناوری آورده شده است. همانطور که ملاحظه میشود سؤاها بارهای معناداری روی ابعاد سازه نوآوری فناوری دارند.



شکل ۴. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نوآوری فناوری



شکل ۵. ضرایب تی نتایج تحلیل عاملی تأییدی نوآوری فناوری

جدول ۲. پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده نوآوری فناوری

متغیر / شاخص	AVE	cp	آلفا
اكتساب دانش	۰/۷۰	۰/۹۲	۰/۸۹
كاربرد دانش	۰/۷۹	۰/۹۴	۰/۹۱

در شکل ۶ و ۷ و جدول ۳ نتایج تحلیل عاملی تأییدی مزیت رقابتی آورده شده است. همانطور که ملاحظه میشود سؤالها بارهای معناداری روی ابعاد سازه مزیت رقابتی دارند.



شکل ۷. ضرایب تی نتایج تحلیل عاملی تأییدی مزیت رقابتی



شکل ۶. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مزیت رقابتی

جدول ۳. پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده مزیت رقابتی

متغیر / شاخص	AVE	cp	آلفا
کیفیت	۰/۷۱	۰/۹۱	۰/۸۷
انعطاف پذیری	۰/۷۲	۰/۹۱	۰/۸۷
هزینه	۰/۶۹	۰/۹۰	۰/۸۵
زمان	۰/۷۰	۰/۹۲	۰/۸۹

بررسی اعتبار ابزارهای اندازه گیری

در جدول ۴ بار مقطعی مؤلفه‌ها بر سازه‌های پژوهش گزارش شده‌اند.

جدول ۴. بارهای عاملی متقاطع برای بررسی روایی

بعد / متغیر	مدیریت دانش	نوآوری فناوری	مزیت رقابتی	AVE
اکتساب دانش	۰/۸۱	۰/۴۰	۰/۴۷	۰/۷۰
کاربرد دانش	۰/۸۵	۰/۴۴	۰/۴۱	
خلق دانش	۰/۷۳	۰/۳۹	۰/۳۶	
اشتراک دانش	۰/۸۶	۰/۶۳	۰/۵۴	
ذخیره دانش	۰/۹۰	۰/۵۶	۰/۴۹	
فرآیندی	۰/۵۰	۰/۹۶	۰/۵۶	۰/۹۲
محصول	۰/۵۳	۰/۹۵	۰/۵۰	
انعطاف‌پذیری	۰/۴۵	۰/۵۱	۰/۹۲	۰/۷۷
هزینه	۰/۴۵	۰/۳۴	۰/۸۱	
کیفیت	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۸۸	
زمان	۰/۵۱	۰/۵۳	۰/۹۰	

با توجه به جدول ۵ جذر میانگین واریانس استخراج شده تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از همبستگی آنها با متغیرهای دیگر است. بنابراین ملاک دوم بررسی روایی واگرا متغیرهای پژوهش برقرار است. علاوه بر این اعداد زیر قطر ماتریس همبستگی برای بررسی رابطه بین متغیرها گزارش شده است. ضریب همبستگی بین تمام متغیرها مثبت و معنادار است.

آزمون الگوی ساختاری

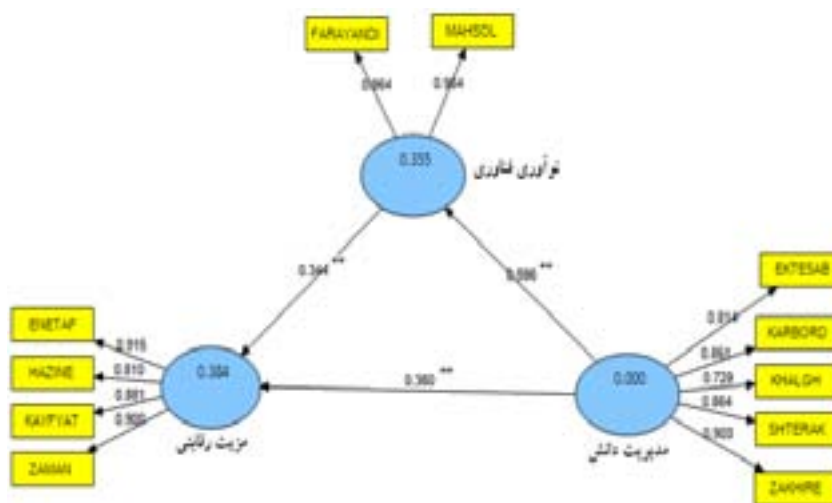
در شکل ۸ مدل آزمون شده رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. با توجه به این شکل تأثیر مدیریت دانش بر نوآوری فناوری و مزیت رقابتی مثبت و معنادار است. تأثیر نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی مثبت و معنادار است. اعداد داخل دایره واریانس تبیین شده هستند.

با توجه به جداول فوق تمامی ابعاد بیشترین بار عاملی را بر سازه خودشان دارند و حداقل فاصله بین بارعاملی مربوط به سازه خودشان بیش از ۰/۱ می‌باشد که نشان می‌دهد سازه‌های پژوهش از روایی مناسبی برخوردار هستند. در جدول ۵ نتایج مربوط به بررسی همبستگی و ملاک دوم روایی گزارش شده‌اند.

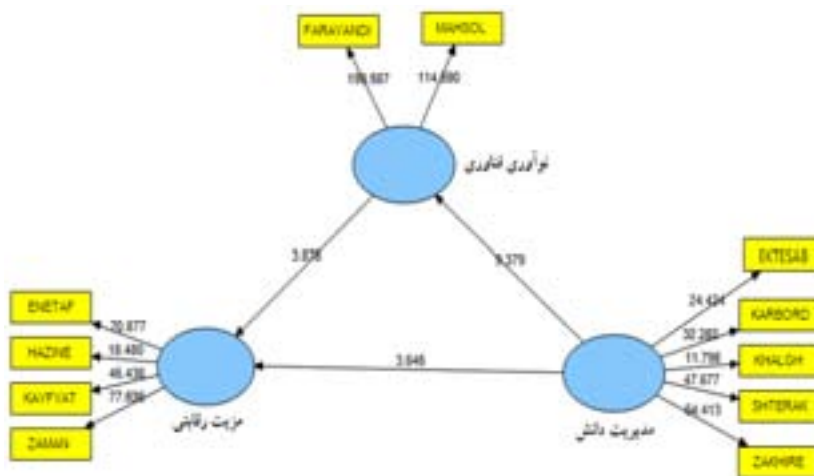
جدول ۵. ماتریس همبستگی و جذر میانگین واریانس استخراج شده (***) $(p > 0.01)$

متغیر	مدیریت دانش	نوآوری فناوری	مزیت رقابتی
مدیریت دانش	۰/۸۴		
نوآوری فناوری	۰/۵۹ **	۰/۹۵	
مزیت رقابتی	۰/۵۵ **	۰/۵۴ **	۰/۸۸

توجه: اعداد روی قطر ماتریس همبستگی جذر میانگین واریانس استخراج شده می‌باشند.



شکل ۸. الگوی آزمون شده پژوهش



شکل ۹. ضرایب تی الگوی آزمون شده پژوهش

شکل ۸ ضرایب تی مسیرهای پژوهش را نشان میدهد. ضرایب تی بالای $1/96 \pm$ تا $2/58 \pm$ در سطح $0/05$ معنی‌دار می‌باشند و ضرایب تی بالاتر از $2/58 \pm$ در سطح $0/01$ معنی‌دار هستند. همچنین در جدول ۶ برآورد ضریب مسیر و واریانس تبیین شده مدل پژوهش گزارش شده است.

جدول ۶ ضرایب مسیر و واریانس تبیین شده

متغیرها	ضرایب مستقیم	ضرایب غیرمستقیم	واریانس تبیین شده
بروی مزیت رقابتی از: مدیریت دانش نوآوری فناوری	$0/35$ ** $0/34$ **	$0/20$ ** * (۳/۸۵) -	$0/38$
بروی نوآوری فناوری از: مدیریت دانش	$0/60$ **		$0/35$

مطابق با جدول ۶ تأثیر مدیریت دانش بر نوآوری فناوری و مزیت رقابتی مثبت و معنادار است. تأثیر نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی مثبت و معنادار است. تأثیر غیرمستقیم مدیریت دانش بر مزیت رقابتی از طریق نوآوری فناوری مثبت و معنادار است. علاوه بر این ۳۸ درصد واریانس مزیت رقابتی و ۳۵ درصد واریانس نوآوری فناوری توسط متغیرهای مدل پژوهش تبیین میشود. جدول ۷ اعتبار اشتراک و حشو متغیرهای پژوهش را نشان میدهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود تمام مقادیر اعتبار اشتراک و حشو مثبت هستند که نشان دهنده کیفیت مناسب و قابل قبول مدل پژوهش حاضر می‌باشند.

جدول ۷. اعتبار اشتراک و حشو متغیرها

متغیرهای پژوهش	Q2 (CV-Redundancy)	CV-Communality
مدیریت دانش	-	۰/۶۹۶
نوآوری فناوری	۰/۳۲۴	۰/۹۱۹
مزیت رقابتی	۰/۲۰۳	۰/۷۶۹
خلاقیت کارکنان	۰/۱۵۳	۰/۷۰۳

دانش بین گروه‌ها می‌شود که در نتیجه دانش سریعتر و موثرتر یکپارچه می‌شود. علاوه بر این مدیریت دانش ابزارها، فرایندها و زیرساختهای لازم برای تسهیم دانش بین کارکنان را فراهم میکند و از این طریق بر نوآوری فناوری تأثیر میگذارد. بنابر این میتوان گفت که بدون وجود دانش در سازمان امکان نوآوری وجود ندارد به عبارت دیگر نوآوری در خلاء بوجود نمیآید بلکه نیاز به شرایط و زمینهها و بستر لازم دارد. دانش ابزاری است که مردم با آن کنش نشان می‌دهند یا دانش جدید را به دست می‌آورند. علاوه بر این دانش مجموعه ای از شناختها و مهارت‌های لازم برای حل یک مساله را فراهم می‌کند هنگامی که دیگران دانش خود را با افراد تسهیم می‌کنند، دانش گسترش

در نهایت جهت نشان دادن اعتبار یافته‌های مدل تحقیق از شاخص‌های برازش مدل‌های معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. در پژوهش حاضر برای الگوی آزمون شده شاخص برازش مطلق GOF، ۰/۵۴ بهدست آمد که مقدار بهدست آمده برای این شاخص برازش نشانگر برازش مناسب الگوی آزمون شده است.

۸- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر نوآوری فناوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این مدیریت دانش منجر به افزایش نوآوری فناوری میشود. این یافته با نتایج پژوهش الهی و همکاران (۱۳۹۳)، لی و همکاران (۲۰۱۶) و ژنگ و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. این یافته نشان میدهد که وقتی نوآوری فناوری وجود دارد که مدیریت دانش، یکپارچگی دانش بین گروه‌ها و واحدهای کاری پراکنده را تسهیل مینماید و همچنین موجب تسهیل جریان

می‌یابد و هنگامی که دانش فرد با دانش دیگران ترکیب می‌شود دانش جدیدی به وجود می‌آید. و این به نوبه خود منجر به افزایش نوآوری میشود. نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این مدیریت دانش منجر به افزایش مزیت رقابتی میشود. این یافته با نتایج پژوهش منصوره و همکاران (۱۳۹۰) و لی و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که شرکتها برای موفقیت، باید دارای مزایای رقابتی باشند، تا بتوانند در شرایط پیچیده و متحول عملکردی برتر داشته و خود را در بازارها حفظ نمایند. توجه شرکتها، برای کسب عملکرد برتر و مزایای رقابتی، از سرمایه‌گذاری در منابع مشهود به سمت سرمایه گذاری در منابع نامشهود، تغییر یافته است. در اقتصاد نوین، دانش به عنوان عامل راهبردی در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار یک قدرت محسوب می‌شود. درحالیکه، دانش و سرمایه فکری پایه و اساس شایستگی‌های اصلی و

نیز راهبردی برای عملکرد بهتر می‌باشد. دانش در صورتی نقش راهبردی دارد که سازمان بتواند آن را در فعالیت‌های ارزش‌آفرینی استفاده نموده و از دانش ابزاری برای عملی ساختن فرصت‌های موجود در بازار رقابتی بهره‌برداری کند. زیرا برای شرکت‌ها دیگر امکان‌پذیر نیست که با انجام سریع‌تر و بهتر کارها مزیت رقابتی خود را حفظ کنند، بلکه مزیت رقابتی هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که کارهایی صورت گیرد و قابلیت قلید توسط دیگران نباشد. در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار، هم توجه به دانش موجود و استفاده موثر از آن و هم ایجاد ساختاری برای استفاده از دانش نوین اهمیت بسیار دارد. سازمان‌ها باید به همه امور توجه داشته باشند، زیرا مدیریت دانش همچون یک استراتژی کاری، همزمان، در کل سازمان عمل می‌کند و ابزار پیشرفت برنامه کلی یک سازمان محسوب می‌شود. نتایج نشان داد که نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این نوآوری فناوری منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش صحت و همکاران (۱۳۹۴)، حاجی حسینی و نورزاد مقدم (۱۳۹۳)، لی و همکاران (۲۰۱۶) و چاهال و بخشی (۲۰۱۵) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که اگر سطح تازگی محصولات جدید در سازمان کافی باشد، سازمان از آخرین نوآوری‌های فناوری در توسعه محصولات جدید استفاده کند، سرعت سازمان در توسعه محصولات جدید رضایتبخش باشد، سازمان محصولات جدید زیادی به بازار معرفی کند، رقابت‌پذیری سازمان در نوآوری‌های فناوری برای استفاده در فرآیندهای سازمانی مطلوب باشد، در سازمان از فناوری‌های به روز و نو در فرآیندهای سازمانی استفاده شود، سرعت انطباق‌پذیری سازمان با آخرین نوآوری‌های فناوری در فرآیندهای سازمانی رضایتبخش باشد و نرخ تغییر در فرآیندها، روشها و فناوری در سازمان مناسب باشد منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. نتایج نشان داد که مدیریت دانش تأثیر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر مزیت رقابتی دارد. این یافته با نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. بنابر این نوآوری فناوری در ارتباط بین مدیریت دانش و مزیت رقابتی نقش میانجی دارد. در نتیجه می‌توان گفت که مدیریت دانش از طریق تأثیرگذاری بر

نوآوری فناوری منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. در مجموع نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر نوآوری فناوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این مدیریت دانش منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. مدیریت دانش بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این مدیریت دانش منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این نوآوری فناوری منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. مدیریت دانش تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این نوآوری فناوری در ارتباط بین مدیریت دانش و مزیت رقابتی نقش میانجی دارد. در نتیجه می‌توان گفت که مدیریت دانش از طریق تأثیرگذاری بر نوآوری فناوری منجر به افزایش مزیت رقابتی می‌شود. نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر نوآوری فناوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این به مدیران و مسئولان سازمان زیباسازی شهر تهران پیشنهاد می‌شود که حمایت خود را از تحقق مدیریت دانش در عمل نشان دهند و سایر کارکنان را نیز تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای ورود به فرآیند مدیریت دانش مشتاق کنند رهبران باید دارای توانایی‌هایی باشند که تحقق مدیریت دانش را تسهیل کنند. این مهارتها را عبارتند از: هدایت فرآیند تحول سازمانی، ایجاد فهم اهمیت مدیریت دانش در بین کارکنان، حفظ روحیه آنها و ایجاد فرهنگ یک‌ه مشوق مدیریت دانش باشد. همانند کلیه برنامه‌های تحول و بهبود سازمانی، پشتیبانی و تعهد مدیریت ارشد سازمان نسبت به پروژه مدیریت دانش حیاتی است. پشتیبانی از سوی مدیریت ارشد باید مستمر بوده و در حد کلام باقی نماند، چنین پشتیبانی آگاه می‌تواند به تلاش هماهنگ در جهت موفقیت مدیریت دانش تبدیل شود. نتایج نشان داد که مدیریت دانش بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این به مدیران و مسئولان سازمان زیباسازی شهر تهران پیشنهاد می‌شود برای تحقق مدیریت دانش برنامه‌ریزی دانشی مناسبی داشته باشند، در این برنامه‌ریزی آنها باید چشمانداز دانشی، اهداف کلی، اهداف جزئی، اهداف عملیاتی و در نهایت مکانیسم‌هایی برای ارزیابی میزان بهبود مدیریت دانش جهت افزایش مزیت رقابتی ترتیب

منابع و مأخذ

دهند. نتایج نشان داد که نوآوری فناوری بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابر این به مدیران و مسئولان سازمان زیباسازی شهر تهران پیشنهاد میشود که جهت بهبود مزیت رقابتی سطح تازگی محصولات جدید در سازمان را افزایش دهند، از آخرین نوآوریهای فناوری در توسعه محصولات جدید استفاده کنند، سرعت سازمان در توسعه محصولات جدید رضایتبخش باشد، محصولات جدید زیادی به بازار معرفی کنند، رقابتپذیری سازمان در نوآوریهای فناوری برای استفاده در فرآیندهای سازمانی مطلوب باشد، از فناوریهای به روز و نو در فرآیندهای سازمانی استفاده شود و سرعت انطباقپذیری سازمان با آخرین نوآوریهای فناوری در فرآیندهای سازمانی را بهبود بخشند تا از این طریق باعث افزایش مزیت رقابتی شوند. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که سازمان زیباسازی شهر تهران با برگزاری دورههای آموزشی مدیران و کارکنان خود را از پیامدهای مهم مدیریت دانش آگاه ساخته و به آنها آموزش دهند که چگونه می توان از مدیریت دانش در ارتقای نوآوری فناوری و بهبود مزیت رقابتی استفاده کرد.

۱. حاجی حسینی، حجت الله؛ نورزاد مقدم، احسان (۱۳۹۳). تأثیر نوآوری بر عملکرد کسب و کار و مزیت رقابتی پایدار در بنگاههای صنعتی. توسعه تکنولوژی صنعتی، ۱۲(۳۳): ۲۱-۳۰.

۲. شفیعا، محمد علی؛ متولیان، سید علیرضا؛ رهنما فرد، سید محسن (۱۳۸۶). ارائه مدلی کاربردی در برنامه ریزی جامع مدیریت دانش سازمانی، اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش، تهران، ایران.

۳. صحت، سعید؛ مظلومی، نادر، فخریمی محمدپور، حمید (۱۳۹۴). رابطه بین نوآوری سازمانی و مزیت رقابتی در شرکتهای بیمه. پژوهشنامه بیمه، ۳۰(۲): ۱-۳۴.

۴. صلواتی، عادل (۱۳۸۸). بررسی تحلیل عوامل زمینه ای موثر بر استقرار سیستم مدیریت دانش در واحدهای ستادی شرکت نفت ملی ایران. فراسوی مدیریت، ۳(۱): ۷۷-۱۰۴.

۵. کاظمی آسفه، مژده (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر توانمندسازهای تسهیم دانش بر قابلیت نوآوری مورد مطالعه: کارکنان و مدیران شرکت گاز استان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

۶. الهی، صفورا؛ رستگار، عباس علی؛ شفیعی نیکآبادی، محسن (۱۳۹۳). بررسی تأثیر قابلیت های فرآیندی مدیریت دانش بر عملکرد نوآوری با اثر میانجی فرآیند نوآوری در سازمانها با فناوری پیشرفته. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۱(۴): ۱۰۵-۱۳۰.

۷. منصوری، حسین؛ طاهری دمنه، محسن، کنجکاو منفرد، امیررضا (۱۳۹۰). ارزیابی تأثیر راهبرد مدیریت دانش بر کارکردهای مدیریت منابع انسانی در کتابخانه های

- Analysing international competitiveness at the firm level: Concepts and measures (Research Report).
15. Depperu, D., & Cerrato, D. (2008). Analysing international competitiveness at the firm level: Concepts and measures (Research Report).
 16. Filius, R., De Jong, J. A., & Roelofs, E. C. (2000). Knowledge management in the HRD office: a comparison of three cases. *Journal of Workplace Learning*, 12(7), 286-295.
 17. Fraj, E., Matute, J., & Melero, I. (2015). Environmental strategies and organizational competitiveness in the hotel industry: The role of learning and innovation as determinants of environmental success. *Tourism Management*, 46, 30-42.
 18. Gavrilova, M. N. (2004). Small and medium enterprises activities in innovation, technology, and e-commerce and SME policy in the Russian Federation. In *Science and Technology, 2004. KORUS 2004. Proceedings. The 8th Russian-Korean International Symposium on* (Vol. 3, pp. 216-220). IEEE.
 19. Ismail, A. I., Rose, R. C., Uli, J., & Abdullah, H. (2012). The relationship between organizational resources, capabilities, systems and competitive advantage. *Asian Academy of Management Journal*, 17(1), 151-173.
 20. Kale, P., Dyer, J. H., & Singh, H. (2002). Alliance capability, stock market response, and long-term alliance success: the role of the alliance function. *Strategic Management Journal*, 23(8), 747-767.
 21. Kim, K. H., Jeon, B. J., Jung, H. S., دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی با استفاده از رویکرد BSC، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۲۷ (۱): ۲۶۳-۲۷۸.
 8. Bhatt, G. D. (2001). Knowledge management in organizations: examining the interaction between technologies, techniques, and people. *Journal of knowledge management*, 5(1), 68-75.
 9. Bleoca, L. (2014). Knowledge Management, Innovation and Intellectual Capital for Corporate Value in the United States. *Journal of Business and Economics*, 5(9), 1614-1636.
 10. Chahal, H., & Bakshi, P. (2015). Examining intellectual capital and competitive advantage relationship: role of innovation and organizational learning. *International Journal of Bank Marketing*, 33(3), 376-399.
 11. Crichton, E., & Edgar, D. (1995). Managing complexity for competitive advantage: an IT perspective. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 7(2/3), 12-18.
 12. Darroch, J., Miles, M., & Jardine, A. (2015, January). Market Creation: A Path to Sustainable Competitive Advantage. In *Proceedings of the 2008 Academy of Marketing Science (AMS) Annual Conference* (pp. 331-331). Springer International Publishing.
 13. David, F., & David, F. R. (2016). *Strategic Management: A Competitive Advantage Approach, Concepts and Cases*.
 14. Depperu, D., & Cerrato, D. (2008).



Peruvian Small and Medium Multinational Enterprises. *Emerging Markets Finance and Trade*, 50(6), 229-248.

29. Santhapparaj, A., Sreenivasan, J., & Chong KuanLoong, J. (2006). Competitive factors of semiconductor industry in Malaysia: The managers' perspectives. *Competitiveness Review: An International Business Journal*, 16(3/4), 197-211.
30. Simon, H. (1973), Technology and environment. *Management Science*, 19(10): p. 1110-1121.
31. Stechemesser ,K ,.Endrikat ,J., Grasshoff ,N & ,.Guenther ,E. (2015)Insurance Companies' Responses to Climate Change: Adaptation ,Dynamic Capabilities and Competitive Advantage .The Geneva Papers on Risk and Insurance-Issues and Practice.
32. Vorhies ,D .W & ,.Morgan ,N .A. (2005)Benchmarking marketing capabilities for sustainable competitive advantage .*Journal of marketing*.80-94 ,(1)69 ,
- Lu, W., & Jones, J. (2012). Effective employment brand equity through sustainable competitive advantage, marketing strategy, and corporate image. *Journal of Business Research*, 65(11), 1612-1617
22. Kwong, C. K., & Bai, H. (2002). A fuzzy AHP approach to the determination of importance weights of customer requirements in quality function deployment. *Journal of intelligent manufacturing*, 13(5), 367-377.
23. Lee, M., & Om, K. (1994). A conceptual framework of technological innovation management. *Technovation*, 14(1), 7-16.
24. Lee, V. H., Foo, A. T. L., Leong, L. Y., & Ooi, K. B. (2016). Can competitive advantage be achieved through knowledge management? A case study on SMEs. *Expert Systems with Applications*, 65, 136-151.
25. Li, J. J., & Zhou, K. Z. (2010). How foreign firms achieve competitive advantage in the Chinese emerging economy: Managerial ties and market orientation. *Journal of Business Research*, 63(8), 856-862.
26. Liebowitz, J., & Frank, M. (Eds.). (2016). *Knowledge management and e-learning*. CRC press.
27. McDermott, R., & O'dell, C. (2001). Overcoming cultural barriers to sharing knowledge. *Journal of knowledge management*, 5(1), 76-85.
28. Peña-Vinces, J. C., & Urbano, D. (2014). The Influence of Domestic Economic Agents on the International Competitiveness of Latin American Firms: Evidence from

عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران

سید علی رحمان زاده* - استادیار علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.
معصومه حیدری پارسا - کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.

Cultural Effective Factors on the Development of Virtual Communication in the Public Relations of Municipality of District 1 in Tehran

Abstract

In this research, in order to study the cultural factors affecting the development of virtual communication in the public relations of the municipality of district 1 in Tehran, various approaches and models have been introduced. Then, after considering the opinions of the employees of the municipality of district 1 in Tehran, the views provided by them have been used. The research method used in this research is applied in terms of purpose, in terms of data type, quantitative and in terms of data collection method, descriptive and correlational. The statistical population of this research is all employees of the municipality of district 1 of Tehran, whose number is about 1500 people. According to the sampling criteria (based on the Morgan table sampling method), 384 people are selected as the sample of the study. 400 questionnaires were distributed among these people and 384 questionnaires were returned. In the next stage, based on the conceptual model of the research, the research questions and hypotheses, using the researcher-made questionnaire, have been questioned in the statistical sample of the research. In the descriptive section, descriptive data in two parts of the underlying variables and main variables are presented using absolute frequency, relative frequency, mean, standard deviation, and variance in the tables. In the inferential part, for testing the hypotheses, the test Pearson correlation coefficient and multiple linear regression have been used. According to the research data, it can be said that cultural factors affect the development of virtual communication in the public relations of the municipality of district 1 of Tehran.

Keywords: Cultural factors, development of virtual communication, public relations, municipal employees

چکیده

در این تحقیق در راستای بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران، رویکردها و مدل‌های مختلف مطرح گردیده و سپس ضمن بررسی نظرات کارکنان شهرداری منطقه ۱ تهران، از دیدگاه‌های ارائه شده از سوی آنها، استفاده شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان شهرداری منطقه ۱ تهران هستند که تعداد آنها حدود ۱۵۰۰ نفر می‌باشد که با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (بر اساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب می‌شوند. ۴۰۰ پرسش‌نامه بین این افراد توزیع شده و ۳۸۴ پرسش‌نامه برگشت داده شده است. در مرحله بعد بر اساس مدل مفهومی پژوهش، سوالات و فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، گویه‌های مستخرجه در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی، توصیف داده‌ها در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های فراوانی مطلق، فراوانی نسبی، میانگین، انحراف معیار و واریانس در جداول ارائه گردیده و در بخش استنباطی، جهت بررسی فرضیه‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. با توجه به داده‌های تحقیق می‌توان گفت عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران مؤثر می‌باشند.

واژگان کلیدی: عوامل فرهنگی، توسعه ارتباطات مجازی، روابط عمومی، کارکنان شهرداری منطقه ۱ تهران.

ورود به رنسانس و رشد و گسترش نظام صنعتی نوین همواره از بابت تولید محصولات و خدمات، دستاوردهای بسیاری را برای بشر به ارمغان آورده است که به نظر می رسد ارزنده ترین و البته تأثیرگذارترین آن، رشد و گسترش ارتباطات و تعاملاتی است که بین جوامع بشری ایجاد گردیده است. تعاملاتی که در سایه توسعه روزافزون انواع فناوری، گسترشی باور نکردنی در سطح جهان یافته است. به طوری که مرزهای جغرافیایی میان کشورها و ملت ها را کمرنگ و چه بسا از میان برداشته و امکان تولید و نشر افکار و فرهنگها را در قالب انواع رسانه ها در کل جهان فراهم نموده است و از این بابت نه تنها تغییر و تحولات عظیمی را در تمامی شئون اجتماعی و فرهنگی ایجاد نموده، بلکه بحث جهانی شدن را به مثابه یک روند غیر قابل بازگشت، مطرح نموده است. از سوی دیگر گسترش فنآورهای نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه های گروهی از جمله تلویزیون، اینترنت، تلویزیون های ماهواره ای و ظهور رسانه های جهانی، باعث گردیده اند که مرزهای فرهنگی کشورها از بین رفته و مفهوم جغرافیای اجتماعی دچار تغییر و تحول اساسی گردد (راسل^۲ و دیگران، ۲۰۱۳). گروهی دیگر برعکس معتقدند که جهانی شدن موجب پایداری و افزایش تنوع فرهنگی خواهد شد و ارتباطات جهانی، بازارهای جهانی و غیره، با بافتهای محلی تعدیل خواهند شد و در واقع فرصتی خواهد بود برای توسعه فرهنگها (شولت، ۱۳۸۲، ص ۱۸) از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است. کامل ترین تعریف فرهنگ متعلق به تیلور است. وی کوشید تا تعریف نسبتاً جامع و دقیقی از فرهنگ ارائه دهد. باوجود این تعریف اش عمدتاً به جنبه های معنوی موضوع پرداخته است. تیلور فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ به معنی وسیع کلمه یک کل پیچیده می باشد که شامل باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم و هرگونه قابلیت و عادت است که فرد به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند» (رشیدپور، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

از دیر باز فرهنگ و موضوعات فرهنگی در کانون مطالعات اجتماعی و انسانی جای گرفته اند. رشد علوم بین رشته ای نیز به توجه بیشتر و بررسی ابعاد فرهنگی، مفاهیم و تعاریف فرهنگی، پژوهش ها، نظریه ها و مسائل مرتبط با آن از سوی دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی در اکثر حوزه ها منجر شده است (آیدین و مک ایساک، ۲۰۰۴؛ بارتا و دیگران، ۲۰۰۳؛ بنتلی و دیگران، ۲۰۰۴؛ دبیری، ۲۰۰۲ و پاول، ۱۹۹۷). بدلیل پیچیدگی و تنوع و حساسیت ها و ظرافت های مقوله فرهنگ، مدیریت آن نیز بایستی از قابلیت ها و توانمندی های بالایی برخوردار باشد، لذا شناخت آسیب ها و عواملی که موجب تقلیل توانمندی ها در جهت تحقق اهداف و کارکردهای مثبت هستند موضوع با اهمیتی است، به ویژه اینکه مطالعات عمیق می تواند جنبه درمانی یا توسعه ای داشته باشد و نظام فرهنگی اصولاً تعادل بخش و ثبات بخش بین سایر نظام های، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق حفظ الگوهای هنجاری است. از اهتمام به حوزه فرهنگی به عنوان یک مقوله جدی مدیریتی دیر زمانی نمی گذرد (سابرامونی، ۲۰۰۴). علاوه بر مطالعات تجربی در این زمینه- ها، انتقادات، تحلیلها، تعاریف و نظریهها با روند رشد جهانی شدن همراه است (گونواردنا و لاپوینت، ۲۰۰۸؛ پرکینس، ۲۰۰۸؛ سابرامونی، ۲۰۰۴؛ توماس و دیگران، ۲۰۰۲). از دیدگاه پارسونز (۱۹۴۹) فرهنگ عبارت است از: آن الگوهایی که به رفتار و فرآورده های عمل بشری مربوط است و می تواند به ارث برسد، یعنی بدون دخالت های بیولوژیک از نسلی به نسل دیگر فرا داده می شود (آشوری، ۱۳۵۷، ص ۴۵). «فرهنگ الگویی است از کشف و توسعه پندارهای اساسی که از طریق آن فرد یا گروه می آموزد که از طریق سازگاری خارجی (زنده ماندن) و پذیرش داخلی (با هم بودن) با مسائل کنار بیاید.» هر مقطع زمانی را در بر می گیرد و از یک مرحله به مرحله بعد هدایت می شود. این تعریف شامل ویژگی های فرهنگ است:

۱. اول: فرهنگ در تقابل منظم ایجاد می شود.
۲. دوم: فرهنگ شامل عوامل شکل دهنده ای

از قبیل زبان و فرصت تقابل است.

۳. سوم: فرهنگ در مقاطع مختلف زمانی انتقال می یابد. فرهنگ ترکیب پیچیده ای است که بایستی قبل از درک، تمامی سطوح آن تجزیه و تحلیل شود.

بزرگترین ریسک در کار با فرهنگ، کلی نگاشتن فرهنگ و بی توجهی به جنبه‌های مختلف آن است که این جنبه‌ها شامل: ۱- فرهنگ عمیق است؛ ۲- فرهنگ گسترده است. و ۳- فرهنگ پایدار است.» (تقدیسی و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

اگر فرهنگ را به معنی کوشش‌های انسان برای ارضاء نیازهایش و غلبه بر طبیعت بدانیم آنگاه می توانیم آن را در دو مبحث فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی یا معنوی تقسیم کنیم. فرهنگ مادی شامل اشیاء قابل لمس مانند مسکن، وسایل زندگی، و وسایل و ابزار و ادوات مختلف و غیره می توان از عنصر مادی فرهنگ به میراث فرهنگی، تکنولوژی فرهنگی، سینما، فیلم، صنعت فرهنگی، و غیره اشاره کرد. در عناصر فرهنگ آنچه را که مادی نیست، فرهنگ معنوی گویند. فرهنگ معنوی را بدنه اصلی یک فرهنگ ملی و نقطه تعالی و فرازگاه حیات ملی است. مانند هنر، زبان، ادبیات، فلسفه، سیاست، افکار و عقاید، اندیشه‌ها، باورها و سنتها، قوانین علوم در این زمینه جای میگیرند. «فرهنگ مادی و غیرمادی به یک نسبت رشد نمی کنند، بلکه معمولاً فرهنگ مادی سریعتر دگرگون میگردد و از اینرو شکافی بین این دو پدیده می آید که از آن تحت عنوان تأخر فرهنگی یاد می شود» (رشیدپور، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

از طرفی روابط عمومی مفهومی است که به بیان ساده دیدگاه‌های افراد و برداشت‌های آنها را از موضوعی خاص تغییر میدهد که این تغییر دیدگاه به تغییر رفتار منجر می شود. پایه علمی روابط عمومی به سرعت از روزنامه نگاری به گروه‌های ارتباطات منتقل شد. دو علت برای این تغییر وجود دارد. اول اینکه ماهیت پیچیدگی کار روابط عمومی از یک جهت یابی ساده تحول پیدا کرد و کار تبلیغ را به سوی جهت یابی پوششی پیچیده راند. تحولی

که در آن بر وظیفه ارتباطات در مقام عامل تسهیل کننده مناسبات میان کنشی سازمانها و گروه‌ها تأکید میشود. دوم اینکه گسترش برنامه‌های روابط عمومی در گروه‌های دانشگاهی ارتباطات نشاندهنده درخور بودن آنها به عنوان جایگاه توسعه نظریه و پژوهش روابط عمومی است پیچیدگیهای فزاینده وظایف روابط عمومی منجر به نقش پیچیده‌تر و تخصصی تری برای روابط عمومی شده است. احتمالاً به دلیل این تغییر نقش در روابط عمومی و تغییرات دیگر در اقتصاد است که بسیاری از کارکنان تمام وقت روابط عمومیها، سازمانهای بزرگ را به قصد پیوستن به کارزارهای روابط عمومی ترک کرده اند در این میان تکنولوژی به شدت بر روابط عمومی تأثیر گذاشته است. برای مثال واژه پردازی رایانه‌های، پخش ماهواره‌های، گرافیک رایانه‌های، پردازش آنی اطلاعات و همایش دور بُردی، ابعاد تازه‌ای به فراگرد ارتباطات افزوده اند. اگرچه رایانه‌ها به کنش متقابل ارتباطی کمک می کنند، اما برای این که متخصصان روابط عمومی درباره کمک‌های بالقوه این نوزایی الکترونیک به روابط عمومی، بصیرت پیدا کنند جهت یابی تازه ای لازم است. کانتور (۱۹۸۵) تأکید تکنولوژی بر روابط عمومی را در سطحی کلی تر توصیف کرده است: آنجا که اظهار داشته رسانه‌های ارتباطی مختلف این قابلیت را دارند که هدف شرکت را تحقق بخشند، ارزش‌های اساسی را مورد حمایت قرار دهند و تغییر روابط عمومی را برنامه ریزی کنند. وی این امر را در این جمله که: «این میدان مسابقه روابط عمومی است» جمع بندی کرده است. گذشته از این ضرورت دارد متخصصان با این تکنولوژی آشنا شوند، آن را به کار گیرند و شناختی از قابلیت این ابزارها به دست آورند تا به مشارکت کنندگان مؤثر در فراگرد تصمیم گیری سازمان‌های بین المللی تبدیل گردند (سفیدی، ۱۳۸۳).

امروزه نقش روابط عمومی‌ها در کمک به تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و استراتژیک یک سازمان نقشی درخور توجه است. تبدیل روابط عمومی به ابزار مدیریتی برای فعالیتهای حرفه‌ای، علمی و الکترونیکی، از مشخصه‌های جدید روابط عمومی در قرن حاضر است. بنابراین، از نقاط برجسته و

ممتاز در مدیریت استراتژیک، تأکید بر محیط برون سازمانی و حتی جهانی است و در واقع، منظور از وظایف استراتژیک روابط عمومی، دخالت در روند تصمیم گیری سازمان است. با چنین دیدگاهی جزء مهمی از سازماندهی هر دستگاهی، مدیریت روابط عمومی و مهم ترین ویژگی مدیران عالی توانایی ایجاد ارتباطات درون و برون سازمانی است و چنانچه عالی ترین مقام هر دستگاه و سازمانی به این وظیفه خطیر بی تفاوت باشد. یا در مدیریت کلان سازمان چنین مدیریتی اندیشیده نشود. بخش عمده ای از وظیفه دستگاه مورد نظر ابتر می ماند و از حداکثر توان بالقوه آن سازمان نمی توان بهره برد (کرپس، ۱۳۷۶، ص ۱۷). مهمترین وظیفه روابط عمومی، شناخت افکار عمومی و نفوذ در آن برای جلب رضایت افکار عمومی از سازمان است که هم در درون سازمان و هم در بیرون از سازمان دنبال می شود. بی تردید، این وظیفه، در قالب مجموعه ای از فعالیت های ارتباطی صورت می گیرد که تحت عناوین نسبتاً ثابتی شامل ارتباطات رسانه ها و سازمان ها، ارتباط مردمی، پژوهش، آموزش، برنامه ریزی، انتشارات، امور فرهنگی و نمایشگاه ها، سنجش افکار و پشتیبانی از آنها یاد می شود (سفیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰). بنابراین بر همین اساس زمینه کاری روابط عمومی در موارد زیر خلاصه می شود: پیشبرد ادراک دوگانه؛ دوری و اجتناب و ریسک کردن در عدم ادراک دوگانه؛ موفقیت در دوست شدن (جلب دوستی دیگران)؛ تأثیرگذاری بر مردم؛ توانایی در تغییر دادن رفتارها و نگرش های مردم؛ افزایش دادن حمایت و پشتیبانی از اقشار مختلف مردم؛ کمک به رشد سرمایه؛ اقلان و ترغیب اشخاص و گروه ها؛ سوء تفاهم درست و انتقاد شفاف از سیاست ها و عملکرد؛ پیش بردن خوش قلبی و صمیمیت؛ آفرینش تصویر و برقراری معروفیت و اعتبار درباره شرکت؛ پیش دستی در مواجهه با رقیبان و مخالفان؛ برقراری و ایجاد برنامه ریزی آموزشی روابط عمومی؛ کمک به مردم برای دوست داشتن زندگی و تلاش و کوشش در کار و مسؤلیتشان؛ توسعه روابط با کارکنان سازمان؛ ارتباط برقرار کردن، مشورت کردن و پند دادن و گفتگو با مردم؛ تهیه اطلاعاتی درباره عملکرد شرکت (سازمان) و ارسال آن به رسانه های جمعی؛ آماده کردن و تهیه اطلاعات مورد نیاز

مردم راجع به سازمان همانند قیمت و چگونگی محصول، صادرات، استخدام و سایر موارد؛ شناخت افکار عمومی، هدایت تحقیقات از نوع افکارسنجی و درک نگرش های عمومی در سازمان؛ برقراری ارتباط با کارمندان بر اساس منافع آنها و جلوگیری از حوادث یا سانحه با داشتن روابط چهره به چهره و ساده. برنامه ریزی و طراحی مناسب برای آموزش مردم در صنعت یا حرفه خاص و همکاری با مردم در این زمینه (سفیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

در این بین عوامل فرهنگی یکی از اساسی ترین عواملی هستند که اخیراً مورد توجه جدی قرار گرفته اند. برخی از عوامل و عناصر فرهنگی همانند سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، نوع و میزان تبلیغات، تأخرات فرهنگی، میزان ارزش های بنیادین فرهنگ در سطح جامعه، باورهای اعتقادی و مذهبی، نوع نگرش مردم نسبت به الزامات زندگی مدرن و الزامات بیمه و بازار سرمایه و... هم می توانند تسهیل کننده توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی باشند و هم برخی از اجزاء آنها در این راستا سد و مانع آن باشند. لذا این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران میباشد. تا از این طریق اساسی ترین عوامل فرهنگی تأثیرگذار شناسایی و در اختیار مسوولین و متولیان امر به منظور توجه جدی به بهره گیری از آنها در برنامه ریزی ها و فعالیت های مربوطه قرار گیرد.

اهداف پژوهش

هدف کلی: شناسایی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران.

اهداف فرعی: ۱- بررسی میزان تأثیر سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران؛ ۲- بررسی میزان تأثیر حجم و نوع تبلیغات و اطلاع رسانی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران؛ ۳- بررسی میزان تأثیر باورهای اعتقادی (تقدیرگرایی، قضا و قدر ...) بر

توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران؛ ۴- بررسی میزان تأثیر نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن (آمادگی پذیرش و ایجاد تغییر، مشارکت پذیری، مسئولیت پذیری، واقعیت پذیری ...) بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران؛ ۵- بررسی میزان تأثیر ارزش های فرهنگی حاکم بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تأثیرگذار هستند.

فرضیات فرعی: ۱- سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تأثیرگذار هستند؛ ۲- تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تأثیرگذار هستند؛ ۳- باورهای اعتقادی (تقدیر گرایی، قضا و قدر ...) بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تأثیرگذار هستند؛ ۴- نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن (آمادگی پذیرش و ایجاد تغییر، مشارکت پذیری، مسئولیت پذیری، واقعیت پذیری ...) بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تأثیرگذار هستند؛

چهارچوب نظری تحقیق

فرهنگ

واژه فرهنگ را در زبانهای اروپایی (انگلیسی، فرانسوی و آلمانی) Kultur، Culture، Kultour و Kultur می-گویند که از واژه Cultura بر می آید و از ریشه لاتینی COLERE. این واژه طیف معنایی گسترده-ای داشته است: مسکنگزیدن، کشت کردن، حراست کردن و پرستش کردن. با گذشت زمان فرهنگ معنای آغازین را که خصلتی عملی داشت، پشت سر می گذارد و به سوی معنایی استعارهای سیر می کند. از طرف دیگر به یک فراگرد مشخص

محدود نمی شود و یک فراگرد عام را که در ضمن خصلتی انتزاعی دارد، مینمایاند. فرهنگ در معنای انتزاعی خود سه کاربرد عمده پیدا میکند: اول به صورت یک اسم مستقل و انتزاعی که فراگرد عام رشد فکری، معنوی و زیباییشناسانه را می نمایاند؛ دوم آنکه کاربردی عام یا خاص پیدا می کند که معرف روش زندگی معینی است (در یک گروه، مردم، دوره یا بشریت بطور کلی) و سوم توصیف آثار و تجربیات فکری که به خصوص فعالیت های هنری را هدف میگیرد (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۶). واژه فرهنگ که امروزه از واژههای متداول در مباحث اجتماعی است، برای رسیدن به مفهوم امروزین خود در علوم اجتماعی، سیر تحول زیادی را طی نموده است. فرهنگ به عنوان یک اسم مستقل، فراگردی انتزاعی یا محصول چنین فراگردی پیش از پایان قرن هجدهم میلادی اهمیتی نداشته است. و تا نیمه قرن نوزدهم میلادی معمول نبوده است. با این حال میتوان گفت که این تحول به طور ناگهانی در زبان های اروپایی به وقوع نپیوسته است (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۴).

در ادبیات فارسی، اصطلاح فرهنگ بر حسب زمان و مورد (قبل و بعد از اسلام) با مفاهیم مختلف بکار رفته است. از جمله: به معنی دانش و حرفه و علم، به معنی فنون و ورزش ها، فردوسی واژه فرهنگ را به معنی و مترادف با دانش و هنر می داند و در جایی دیگر فرهنگ اشراف ساسانی را دبیری و شکار و جنگ آوری نقل می کند، در قابوسنامه، از ادبیات قرن پنجم، واژه فرهنگ مترادف با هنر و به معنی «آموختن» و «بکار بستن» آمده است، در برهان قاطع آمده: بر وزن و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل، ادب و بزرگی و سنجیدگی، با شروع تعلیم و تربیت جدید در ایران، واژه فرهنگ به معنی آموزش و پرورش بکار رفت، در زبان و بیان روشنفکران مترادف با کلمات «مبادی آداب»، «اهل مطالعه» و «خوش مشرب» است (رشیدپور، ۱۳۸۸، ص ۸۴). دگرگونی های پدید آمده در مفهوم فرهنگ به خصوص بر اثر گسترش نظام آموزش و رسانه های همگانی با روند جهانی شدن، در نهایت دوستداران مسائل حوزه فرهنگ را در برابر وظایف تازه ای قرار داده است. با توجه به این تحولات

گرچه به یک اعتبار می توان گفت که محتوا و هیأت فرهنگ تغییر می یابد ولی هرگز رنگ و رو نمی بازد و از میان نمی رود. هر چند طیف وسیع اندیشه ها و عقاید نمی گذارد فرهنگ را به آسانی جمع و جور کرد و بر سر حیطه موضوعی و محتوایی آن به توافق رسید، یا اجزای پراکنده آن را در مجموعه ای منسجم بهم آمیخت و از سامانی منسجم و روشن برخوردار ساخت، با این حال، همواره فرهنگ با قدرت و توانایی چشمگیر حضور خود را به اثبات می رساند. فریدریش تئبروک می گوید هر آنچه انسان می کند، به معنی وسیع کلمه، و هر آنچه عمل او بیار می آورد، در حوزه فرهنگ قرار می گیرد. به نظر او اندیشه جوهر فرهنگ است زیرا که کلید تفسیر واقعیت را به دست می دهد. او اضافه می کند به همان میزان که فرهنگ بنیادهای اجتماعی دارد، اجتماع هم بنیادهای فرهنگی دارد (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۱۱). فرهنگ تأثیر قابل توجهی در زندگی انسانها دارد. به قول وارنیه محقق فرانسوی، فرهنگ قطب نمای جامعه است که اعضای جامعه بدون آن نمی دانند از کجا آمده اند و چگونه باید رفتار خود را تنظیم کنند (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۹) کودک نوزاد بیفرهنگ پای به جهان میگذارد، سپس رفتار، نگره ها، ارزش ها، آرمان ها و باورهایش سخت زیر نفوذ فرهنگی قرار می گیرد که از هر سو او را در میان گرفته است. در باره قدرت و نفوذ فرهنگ بر روی انسان ها هرچه بگوییم کم گفته ایم. فرهنگ چنان نیرومند است که میتواند جلو انگیزش جنسی را بگیرد و موجب پاکدامنی پیش از زناشوئی شود و یا کسی را وادارد که برای همه عمر سوگند پارسائی بخورد. فرهنگ می تواند کسی را از گرسنگی بکشد در حالیکه غذا فراهم باشد، زیرا برخی از خوراک ها نجس خوانده شده است. فرهنگ از مرگ و زندگی قوی تر است. فرهنگ بر مرگ چیره می شود و در بستر تاریخ به آدمی زندگی جاودانه می بخشد (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۹۲).

برخی از مشتقات فرهنگ مانند آداب و سنن، هنرها، هنجارها و الگوهای رفتاری قابل رویت هستند و می توان آنها را به سادگی شناخت و مورد بررسی قرار داد، هرچند عمدتاً از لایه های درونیتز یا زیرینتر

مانند ارزشها، اعتقادات، باورها و اسطوره ها تأثیر پذیرفته اند. فرهنگ سیال و متغیر است، به این معنی که فرهنگها ساخته می شوند. اگر فرهنگ را مجموعه ای از هنر، موسیقی، لباس، دین، هنجار، باور، نهاد، افسانه و آداب بدانیم که در داخل یک سبب میگذاریم، این سبب هرگز آماده و پر شده از کالاهای تاریخی- فرهنگی تحویل داده نمیشود، بلکه ما فرهنگ را با چیدن و گزینش اقلام از قفسه های گذشته و حال و گذاشتن در سبب مورد نظر میسازیم. به بیان دیگر فرهنگها به واسطه قرض گرفتن ترکیب، کشف و باز تفسیر کردن در جریان کنشهای افراد و گروهها ساخته میشوند. دیگر ویژگی فرهنگ نسبی بودن آن است. یک فرهنگ هیچ معیار مطلق برای قضاوت درباره فرهنگهای دیگر ندارد و بد یا خوبدانستن یک فرهنگ بر هیچ معیار عینی و فرا فرهنگی استوار نیست (رشیدپور، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی

فن آوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی و روابط عمومی کارآمد

توجه و اهتمام یک روابط عمومی کارآمد برای دستیابی به آخرین فناوریها و شیوههای اطلاعاتی و ارتباطی برای افزایش سطح کمی و کیفی فعالیتها یک اقدام اساسی است. روابط عمومی کارآمد برای آنکه بتواند همگام با مخاطبان سازمان حرکت و نوآوری و فعالیت داشته باشد، ملزم به تجهیز شدن به آخرین یافته ها و روش های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و نیز زبان روز مخاطبان است. در این میان تکنولوژی به شدت بر روابط عمومی تأثیر گذارده است. برای مثال، امروزه واژه پردازای رایانه ای، پخش ماهواره ای، گرافیک رایانه ای، پردازش آنی اطلاعات و همایش از راه دور ابعاد تازه ای به فراگرد ارتباطات افزوده اند. اگرچه رایانه ها به کنش متقابل ارتباطی کمک می کنند، اما برای این که متخصصان روابط عمومی درباره کمک های بالقوه این نوآوری الکترونیک به روابط عمومی بصیرت پیدا کنند، جهت یابی تازه ای لازم است. ضرورت دارد که متخصصان روابط عمومی با این تکنولوژی جدید آشنا شوند، آن را به کار گیرند

و از قابلیت های آن شناختی به دست آورند تا به مشارکت کنندگان مؤثری در فراگیر تصمیم گیری سازمان های بین المللی تبدیل گردند. امروزه در سایه فناوری های جدید، روابط عمومی، کانونی بین المللی پیدا کرده است. تکنولوژی، امکانات ارتباطی جدیدی را به روی آن گشوده و کارشناس حرفه ای روابط عمومی مدام با تضادهای عمده ای درگیر است که حداقل بخشی از این پیشرفت ها و تحولات در روابط عمومی مرهون نیروهای اجتماعی و پیشرفت تکنولوژیک است (بوتان و هزلتون، ۱۳۷۸).

ضرورت اطلاعات در دنیای امروز به ما کمک می کند که روابط عمومی نوین را به یک روابط عمومی اطلاع مدار مبدل سازیم. روابط عمومی در عصر اطلاعات موظف به همگونی و همسانی با فرایند اطلاعات در جهت نو شدن است، با ایجاد و گسترش زیرساختهای ارتباطی، ایجاد شبکه های اطلاعاتی و جذب نیروهای متخصص و آموزش نیروها، این امکان فراهم میشود که نظام نوینی پدید آید. روش های گردآوری اطلاعات، چگونگی مبادله اطلاعات، مدیریت اطلاعات، نظام تولید و توزیع اطلاعات، ساماندهی اطلاعات و ایجاد شبکه اطلاع رسانی از ضرورت هایی است که کارشناسان روابط عمومی باید از آن آگاهی یابند. شبکه های اطلاعاتی امروزه آن قدر اهمیت یافته اند که اینترنت را میان بری به جهان اول، از جهان سوم نامیده اند، در چنین دنیایی هیچ سیستمی نمی تواند بدون اطلاعات، مسیر مطلوب خود را طی کند و به هدف برسد (حسومی و قائدمحمدی، ۱۳۸۴). بنابراین روابط عمومی امروز در گسترهای از تکنولوژیها و روشهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی قرار گرفته است که آشنایی با این تکنولوژیها و روشهای نوین، افق های جدیدی را برای توسعه فعالیتها و برنامههای اطلاعاتی آن می گشاید تا بتواند با بهره گیری از آن ها سریع تر و مؤثرتر با مخاطبان خود ارتباط برقرار کرده و در زمان کمتری اطلاعات و پیام ها را به آنان رسانده و در اسرع وقت بازخوردهای آن را از مخاطب دریافت کند و یک فرایند ارتباطی دو سویه اثربخش بین سازمان و مخاطب را در حداقل زمان ممکن مهیا سازد. بدون تردید طراحی و اجرای موفق چنین فرایندی تنها از طریق تکنولوژیهای

نوین ارتباطی و اطلاعاتی میسر خواهد بود (سید محسنی، ۱۳۸۰).

نگرش روابط عمومی الکترونیکی و دیجیتال نسبت به مخاطبان

درخواست مخاطبان برای دریافت اطلاعات و خدمات مناسب و بهتر، زمینهای برای رشد فراهم مینماید، در این حالت مدیران روابط عمومی استانداردهای جدید ارتباطی را از مراکز مختلف دریافت و با استفاده از فن آوری آنها در بخشهای مختلف به کار می گیرند. تحقیقات نشان می دهد که دو عامل: تأکید بر مخاطبان و فنآوری، رابطه سازمان با سازمانها و افراد را در بلندمدت بهبود میبخشد. برای اینکه مخاطبان بتوانند از خدمات اطلاعات Online روابط عمومی ها استفاده نمایند پیشنهادهای زیر مفید به نظر می رسد:

۱- بخش اطلاعات: سازمانها و روابط عمومی آنها از فن آوری هایی استفاده نمایند که دسترسی هرچه بیشتر به اطلاعات و فن آوری برای مخاطبان و مشتریان را فراهم نمایند.

۲- رابطه دوطرفه رسمی: مؤسسات دولتی و روابط عمومی های آنها از فن آوری هایی استفاده کنند که رابطه آنها دوطرفه مثل امضای الکترونیکی و دیجیتالی وب سایت های اختصاصی و پاسخگویی امکان پذیر شود.

۳- نمایش چند هدفه: روابط عمومی ها صفحات اینترنتی را به گونه ای طراحی کنند که مخاطبان و مشتریان و سازمانها از یک نقطه تماس با سازمان مربوطه ارتباط پیدا نمایند.

۴- آزاد گذاشتن ورودی به اینترنت: وب سایتهای اینترنتی روابط عمومی به گونه ای باید طراحی شوند که مخاطبان و کاربران قادر باشند براساس خواست خودشان از مجاری ورودی متعدد استفاده نمایند.

۵- دسته بندی خدمات عمومی ارتباطی و اطلاع رسانی: اصلاح واقعی ساختار امروزه کار دشواری است، کاربران وقتی که خدمات ارتباطی و اطلاع

رسانی خاصی را به صورت بسته های گوناگون از مجاری مختلف دریافت می نمایند در ذهنشان ابهام ایجاد می شود. بنابراین بهتر است خدمات قابل ارائه از طریق یک کانال خاص با مجاری ورودی خاص با سرعت بیشتر ارائه شود.

۶- یکپارچگی کامل اصلاح ساختارها: روابط عمومی دیجیتال می تواند دایره المعارف یکپارچه ای از اطلاعات و داده های سازمان باشد تا هر فرد با سلیقه خودش بتواند از آن استفاده کند.

به هر حال جوامع امروزی اینک در حال گذار به جامعه اطلاعاتی آینده هستند، جامعه ای که فناوری های اطلاعات و ارتباطات تمامی ابعاد زندگی انسان ها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. جامعه ما نیز ناگزیر از این روند خواهد بود و خواه ناخواه به این سمت و سو کشیده خواهد شد. در همین راستا دولت و مسئولان نظام در سخنان خود بارها به اهمیت این مسئله پرداخته اند و لزوم اندیشیدن تدابیر لازم در این زمینه را یادآور شده اند که از جمله مصادیق آن می توان به تدوین طرح تکفأ، اجرای طرح تحول نظام اداری کشور و برگزاری چندین همایش اشاره کرد. لذا همسو با این اقدامات و تلاشها و تغییرات به وجود آمده در سازمان ها و نهادها در سال های آتی، روابط عمومی ها نیز می بایست با اندیشیدن تدابیر لازم و با ایجاد تغییرات مورد نظر زمینه های لازم را جهت تحقق روابط عمومی دیجیتال آماده سازند (حسومی، قائدمحمدی، ۱۳۸۴).

کارکردهای دولت الکترونیک

روند پیشرفت دولت الکترونیک مؤید آن است که خدمات دولت الکترونیک در آینده به سمت خدمات تعاملی پیش خواهد رفت و به جای ارائه صرف داده ها و اطلاعات بر روی شبکه، زمینه تعامل فزاینده میان شهروندان و مدیریت دولتی در عرصه های مختلف فراهم خواهد شد. مطالعه صورت گرفته در سال ۲۰۰۲ توسط یکی از پژوهشگران دولت الکترونیک نیز این مطلب را تایید می کند که حرکت به سوی الگوی دولت الکترونیک با روندی تصاعدی آغاز شده و در طراحی و بسایتها رویکرد کاربر محور مورد تاکید قرار گرفته است

(حسومی و قائدمحمدی، ۱۳۸۴). براساس این رویکرد، دولت الکترونیک در صدد است تا بر مبنای خواسته شهروندان به ارائه آن دسته از خدمات عمومی بپردازد که ارضای نیازهای شهروندان را در پی داشته باشد و با عنایت به اینکه تنوع در نیازهای شهروندان کاملاً مشهود است به جای محدود کردن خدمات دولت الکترونیک در ابعاد اطلاعاتی و ارتباطی، دامنه و شمول آن را گسترش داده و خدمات تراکنشی را نیز در محدوده خدمات الکترونیکی بگنجانند در یکی دیگر از مطالعات انجام شده، کارکردهای دولت الکترونیک در قالب یک مدل سه حلقه های معرفی شده است. این کارکردها عبارتند از:

کارکرد اطلاعاتی: بر اساس این کارکرد، دولت الکترونیک درصدد است به انتشار اطلاعات میان بخشهای مختلف جامعه بپردازد، به گونه ای که تمام شهروندان دسترسی برابری به اطلاعات داشته باشند. در واقع فراهم کردن بسترهای دسترسی شهروند به اطلاعات دولتی و ممانعت از محدود شدن اطلاعات در دست عدهای خاص یا سازمانی مشخص اولین کارکرد دولت الکترونیک است و مطالعات نشان می دهد که ارائه اطلاعات به صورت بر خط مهم ترین اولیوی است که مجریان دولت الکترونیک در کشورهای مختلف در دستور کار خویش قرار داده اند. دولتها تلاش می کنند با استفاده از فن آوری های جدید اطلاعات و ارتباطات، اطلاعات مورد نیاز شهروندان را به صورتی سریع و آسان ارائه دهند، به گونهای که شهروند تفاوت چشمگیر میان چگونگی اطلاع رسانی در دو الگوی سنتی و مدرن را به خوبی احساس کند (یعقوبی، ۱۳۸۶).

کارکرد تراکنشی: ارائه خدمات دولتی به صورت برخط از کارکردهای دولت دیگر دولت الکترونیک است. سازمانهای بخش عمومی خدمات مختلفی به شهروندان ارائه می دهند که در بسیاری از مواقع به دلیل ساختار حاکم بر این سازمانها، مشکلاتی همچون مراجعه به چند سازمان جهت انجام یک کار مشخص را برای شهروندان به دنبال دارد. بر اساس مدل سه حلقه های، دولت الکترونیک فعالیتهای مرتبط را یکپارچه کرده و با استفاده از ابزارهای الکترونیکی همچون اینترنت، خدمات دولتی

را تسهیل می کند، به گونه ای که شهروند بتواند فراتر از مرزهای فیزیکی سازمان ها و واسطه های فعال در رده های مختلف بوروکراسی، خدمات مورد نظر را دریافت دارد و در صورت تمایل، با دادن بازخور و برقراری ارتباط با مقامات دولتی در فرایندهای حکومتگری نیز نقش مؤثری ایفا کند. مدل آی.سی.دی.تی. که توسط استامولیس و همکارانش در سال ۲۰۰۱ ارائه شده است نیز ضمن به تصویر کشیدن سیر فزاینده ارزش افزوده در فضای مجازی، خدمات دولت الکترونیک را در چهار مورد اطلاعات، ارتباطات، توزیع و تراکنش معرفی می کند. شکل ۲ این مدل را نشان می دهد (یعقوبی، ۱۳۸۶).

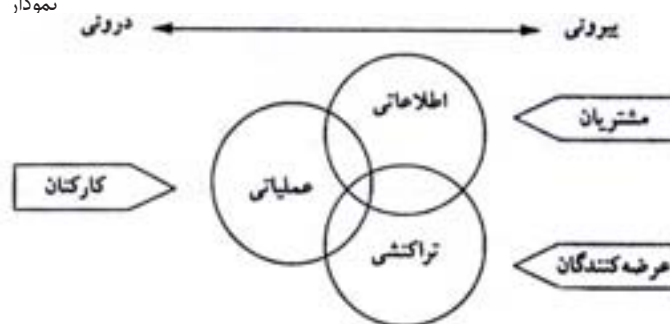


نمودار ۲. سیر فزاینده ارزش افزوده در فضای مجازی؛ ماخذ: یعقوبی، ۱۳۸۶

بر اساس این مدل، یک استراتژی موفق در زمینه دولت الکترونیک می بایست به ابعاد چهارگانه مدل توجه کند و به گونه ای تدوین شود که ضمن در بر داشتن خدمات دولت الکترونیک بتواند در یک فرایند تعاملی ارزش افزوده در فضای مجازی را افزایش دهد. همانطور که نمودار نشان می دهد این ارزش افزوده در طول زمان روندی تصاعدی به خود گرفته و ارزش الگوهای جدید ارائه خدمات را در مقایسه با الگوهای سنتی، نزد شهروندان افزایش خواهد داد (یعقوبی، ۱۳۸۶).

را در دسترس شهروندان قرار میدهد. در این حالت، دولت الکترونیک زمینه برقراری تعاملات الکترونیکی میان دولت- شهروند را فراهم آورده و فرصتی برای شهروندان ایجاد می کند تا در هر کجا که هستند با اتصال به اینترنت بتوانند خدمات دولتی را به صورت سریع و آسان دریافت کنند و به جای مراجعه حضوری به چند سازمان، خدمات مورد نظر را از منزل دریافت و تراکنشهای خود با دولت را با انجام رسانند (یعقوبی، ۱۳۸۶).

کارکرد عملیاتی: کارکرد عملیاتی سومین کارکرد دولت الکترونیک است که مدل سه حلقه ای بر آن تاکید می ورزد. اینترنت سازوکاری جدید برای سازمانهای دولتی فراهم می آورد. دولت الکترونیک با کنار هم قرار دادن قدرت کامپیوترها، سرمایه های فکری و سایر منابع سازمانی، نوعی هم افزایی به وجود آورد که نتیجه این هم افزایی بهبود بهره وری سازمانی، افزایش ارتباطات درون سازمانی و بین سازمانی و هماهنگی و تشریک مساعی فزاینده است. شکل ۱ مدل سه حلقه- ای کارکردهای الکترونیک را نشان می دهد (یعقوبی، ۱۳۸۶).



نمودار ۱. مدل سه حلقه ای کارکردهای دولت الکترونیک؛ ماخذ: یعقوبی، ۱۳۸۶

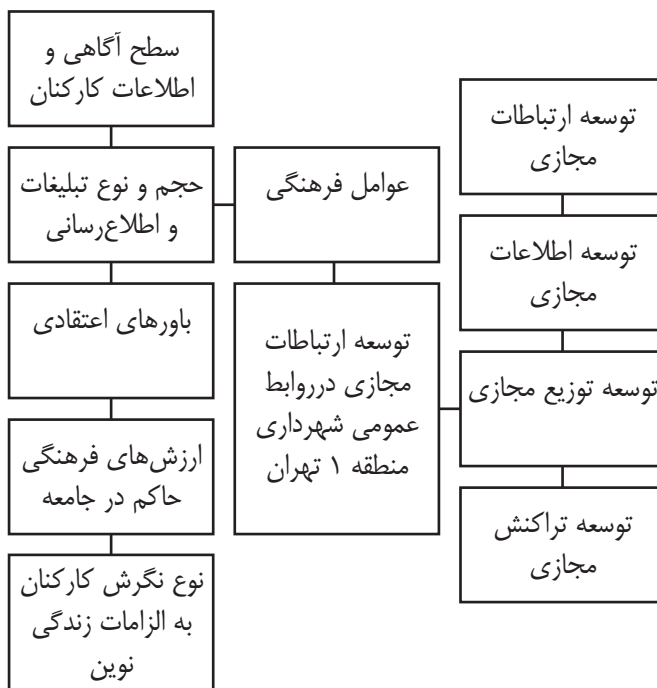
همان گونه که نمودار شماره ۱ نشان می دهد، کارکردهای دولت الکترونیک را می توان از دو بعد درونی و بیرونی نیز مورد تحلیل قرار داد. از بعد درونی، دولت الکترونیک به کمک سازمان و کارکنان آن آمده و تسهیلاتی در عملیات درونی سازمان ایجاد می کند. از بعد بیرونی، روابط میان دولت و ذینفعان

مدل مفهومی تحقیق

متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از:

متغیر مستقل: عوامل فرهنگی (اطلاعات و آگاهی، تبلیغات و اطلاع رسانی و مطلوب، باورهای اعتقادی، ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه و نگرش مثبت اعضای جامعه به الزامات زندگی نوین)

متغیر وابسته: توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران



نمودار ۳. مدل تحلیلی تحقیق - عوامل فرهنگی موثر در توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران؛ ماخذ: محقق ساخته برگرفته از (یعقوبی، ۱۳۸۶) و ایزدی (۱۳۹۲)

روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. در این تحقیق، با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، به مطالعات انجام شده قبلی مراجعه شده و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه‌های مرتبط با موضوع، به تدوین شاخصها و متغیرهای تحقیق

با ارائه مدل محقق ساخته پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان شهرداری منطقه ۱ هستند که تعداد آنها حدود ۱۵۰۰ نفر می‌باشد با توجه به گستردگی جغرافیایی و تعداد کارکنان شهرداری منطقه ۴ از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (بر اساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب میشوند؛ ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق ساخته بوده و جهت سنجش روایی پس از تایید روایی محتوا توسط خبرگان میزان روایی سازه محاسبه و ارتباط سوالات و مولفه‌ها تایید گردید. همچنین برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه نشان داد که ضریب آلفای کل محاسبه شده برابر با ۰/۹۰ است و با توجه به اینکه بزرگتر از ۰/۷ است، می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مورد استفاده از پایایی پژوهشی لازم برخوردار می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی با توجه به سطح سنجش متغیرها و نوع فرضیات از هر دو دسته آزمون‌های تفاوت و رابطه استفاده گردیده است. در این تحقیق از آزمون‌های آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن داده‌ها و آزمون بارتلت جهت تعیین کفایت نمونه و آزمون رگرسیون خطی، آزمون دوربین-واتسون (DW)، ضریب تعیین، آزمون معنی‌دار بودن در الگوی رگرسیون، آزمون معنی‌دار برای معادله رگرسیون و آزمون معنی‌دار بودن ضرایب و ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری و تحلیل عاملی جهت بررسی فرضیه‌ها استفاده شده است.

بررسی فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۱. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه اصلی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۵۸۱	۰/۳۳۷	۰/۳۱۴	۲/۲۴۹

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۴۹) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۳۷ می باشد که این موید آن است که ۳۳/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است.

جدول ۲. آزمون ANOVA فرضیه اصلی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۶/۴۵۵	۱	۲۶/۴۵۵	۶۴/۶۷	۰/۰۰۰
خطا	۱۵۶/۲۶۴	۳۸۲	۰/۴۰۹		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقدره آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیونی فرضیه اصلی

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۱/۲۶۱	۰/۲۶۸	-	۴/۶۹۶	۰/۰۰۰
عوامل فرهنگی	۰/۶۴۶	۰/۰۸	۰/۵۸۱	۸/۰۴۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۳) مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر عوامل فرهنگی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ = α می باشد ($\text{sig} < 0,05$ و $\text{sig} = 0,05$) در نتیجه متغیر عوامل فرهنگی وارد مدل رگرسیونی می شود. بنابراین عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران دارد و فرضیه تایید می گردد. با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می توان گفت عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه عوامل فرهنگی بهبود یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز بهبود می یابد.

فرضیه فرعی اول: سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۴. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی اول

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۴۸۶	۰/۲۳۶	۰/۱۷۹	۱/۹۸۲

بدین ترتیب همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۸۲) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۳۶ می‌باشد که این موید آن است که ۲۳/۶٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است.

جدول ۵. آزمون ANOVA فرضیه فرعی اول

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۴/۹۶۲	۱	۱۴/۹۶۲	۳۴/۰۷	۰/۰۰۰
خطا	۱۶۷/۷۵۶	۳۸۲	۰/۴۳۹		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقدره آماره آزمون F و معنی‌داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۶. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی اول

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۲/۵۱۷	۰/۱۵۶	-	۱۶/۱۷۲	۰/۰۰۰
آگاهی اعضای جامعه	۰/۵۲۵	۰/۰۸۳	۰/۴۸۶	۶/۳۲۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۶) مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری متغیر آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه (۰/۰۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می‌باشد ($\text{sig} < ۰,۰۵$ و $\alpha = ۰,۰۵$) در نتیجه متغیر آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه وارد مدل رگرسیونی می‌شود. بنابراین سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران اثر دارد و فرضیه تایید میگردد. با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می‌توان گفت آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه افزایش یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۷. آزمون همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول؛ ** معنی داری در سطح اطمینان ۹۹٪

متغیر		ارتباطات مجازی	اطلاعات مجازی	توزیع مجازی	تراکنش مجازی
آگاهی اعضای جامعه	ضریب همبستگی	۰/۴۱۳ **	۰/۴۱۵ **	۰/۲۵۷ **	۰/۳ **
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر (آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه و ارتباطات مجازی) برابر (۰/۴۱۳) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، برای متغیر (آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه و اطلاعات مجازی) برابر (۰/۴۱۵) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ و برای متغیر (آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه و توزیع مجازی) برابر (۰/۲۵۷) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد و برای متغیر (آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه و تراکنش مجازی) برابر (۰/۳) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۱ کمتر است ($\alpha=0/01$ و $sig<0/01$)، فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه بین آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه با توسعه ارتباطات مجازی، توسعه اطلاعات مجازی، توسعه توزیع مجازی و توسعه تراکنش مجازی مثبت و مستقیم است. افزایش سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه منجر به توسعه ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی می‌گردد.

فرضیه فرعی دوم: تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۸. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی دوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۳۵۳	۰/۱۲۵	۰/۱۲۳	۱/۸۴۹

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۸۴۹) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۱۲۵ می‌باشد که این موید آن است که ۱۲/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است.

جدول ۹. آزمون ANOVA فرضیه فرعی دوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۲/۸۰۳	۱	۲۲/۸۰۳	۵۴/۴۷۱	۰/۰۰۰
خطا	۱۵۹/۹۱۵	۳۸۲	۰/۴۱۹		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقدره آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۱۰. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی دوم

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۵۶۲	۰/۱۱۹	-	۲۱/۵۶۲	۰/۰۰۰
تبلیغات مطلوب	۰/۲۴۶	۰/۰۳۳	۰/۳۵۳	۷/۳۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱۰) مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب (۰/۰۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می باشد ($\text{sig} < ۰/۰۵$ و $\text{sig} = ۰/۰۵$) در نتیجه متغیر تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب وارد مدل رگرسیونی می شود. بنابراین تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران اثر دارد و فرضیه تایید می گردد. با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می توان گفت تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب بر توسعه ارتباطات مجازی تاثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه سطح تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب افزایش یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز افزایش می یابد.

جدول ۱۱. آزمون همبستگی پیرسون فرضیه فرعی دوم؛ ** معنی داری در سطح اطمینان ۹۹٪

متغیر	ارتباطات مجازی	اطلاعات مجازی	توزیع مجازی	تراکنش مجازی
ضریب همبستگی	۰/۳۰۷ **	۰/۲۵۹ **	۰/۳۲۵ **	۰/۳۱۱ **
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱۱) مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر (تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب و ارتباطات مجازی) برابر (۰/۳۰۷) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد، برای متغیر (تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب و اطلاعات مجازی) برابر (۰/۲۵۹) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ و برای متغیر (تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب و توزیع مجازی) برابر (۰/۳۲۵) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد و برای متغیر (تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب و تراکنش مجازی) برابر (۰/۳۱۱) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۱ کمتر است ($\text{sig} < ۰/۰۱$ و $\alpha = ۰/۰۱$)، فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت رابطه معنی داری بین تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی می توان گفت رابطه بین تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی مثبت و مستقیم است. افزایش سطح تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب منجر به توسعه ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی می گردد.

فرضیه فرعی سوم: باورهای اعتقادی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۱۲. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی سوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۰۶۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۲/۲۹۳

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۹۳) در فاصله ۲/۵-۱/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۰۰۵ می‌باشد که این موید آن است که ۰/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است که این مقدار بسیار ناچیز است.

جدول ۱۳. آزمون ANOVA فرضیه فرعی سوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۰/۸۴۴	۱	۰/۸۴۴	۱/۷۷۴	۰/۱۸۴
خطا	۱۸۱/۸۷۴	۳۸۲	۰/۴۷۶		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

مقدار سطح معنی‌داری آزمون ۰/۱۸۴ می‌باشد. سطح معنی‌داری آزمون از ۰/۰۵ بیشتر است بنابراین با اطمینان ۵٪ می‌توان گفت معادله رگرسیون معتبر نبوده و نتایج آن قابل تحلیل نیست.

جدول ۱۴. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی سوم

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۳/۵۹۶	۰/۱۴۹	-	۲۴/۱۸۹	۰/۰۰۰
باورهای اعتقادی	۰/۰۵۹	۰/۰۴۵	۰/۰۶۸	۱/۳۳۲	۰/۱۸۴

با توجه به جدول (۱۴) مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری متغیر باورهای اعتقادی (۰/۱۸۴) بیشتر از ۰/۰۵ = α می‌باشد ($\text{sig} > 0,05$ و $= 0,05$) در نتیجه متغیر باورهای اعتقادی وارد مدل رگرسیونی نمی‌شود. بنابراین باورهای اعتقادی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران اثر ندارد و فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۱۵. آزمون همبستگی پیرسون فرضیه فرعی سوم؛ ** معنی داری در سطح اطمینان ۹۹٪

متغیر	ارتباطات مجازی	اطلاعات مجازی	توزیع مجازی	تراکنش مجازی
باورهای اعتقادی	ضریب همبستگی	۰/۰۴۵	۰/۰۴۷	۰/۰۹۱
	سطح معنی داری	۰/۳۸۳	۰/۳۶۲	۰/۰۷۴

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱۵) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنیداری آزمون برای تمام متغیرها از ۰/۰۱ بیشتر است ($\text{sig} > 0/01$ و $\alpha = 0/01$)، فرض صفر رد نشده و با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین باورهای اعتقادی با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی وجود ندارد.

فرضیه فرعی چهارم: نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن (آمادگی پذیرش و ایجاد تغییر، مشارکت پذیری، مسئولیت پذیری، واقعیت پذیری ...) در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۱۶. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی چهارم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۵۸۱	۰/۳۳۷	۰/۲۷۷	۱/۷۲۸

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱۶) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۲۸) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۳۷ می‌باشد که این موید آن است که ۳۳/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تحلیل است.

جدول ۱۷. آزمون ANOVA فرضیه فرعی چهارم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۴/۴۵۱	۱	۱۴/۴۵۱	۳۲/۸۰۷	۰/۰۰۰
خطا	۱۶۸/۲۶۷	۳۸۲	۰/۴۴		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقادیر آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۱۸. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی چهارم

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۵۱۵	۰/۱۵۹	-	۱۵/۸۲۳	۰/۰۰۰
نوع نگرش مدرن	۰/۶۵۴	۰/۰۶۴	۰/۵۸۱	۱۰/۲۱۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱۸) مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن (۰/۰۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می باشد ($\text{sig} < ۰,۰۵$ و $\alpha = ۰,۰۵$) در نتیجه متغیر نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن وارد مدل رگرسیونی می شود. بنابراین نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران اثر دارد و فرضیه تایید می گردد. با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می توان گفت نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن بر توسعه ارتباطات مجازی تاثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه سطح نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن افزایش یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز افزایش می یابد.

جدول ۱۹. آزمون همبستگی پیرسون فرضیه فرعی چهارم؛ ** معنی داری در سطح اطمینان ۹۹٪

متغیر		ارتباطات مجازی	اطلاعات مجازی	توزیع مجازی	تراکنش مجازی
نوع نگرش مدرن	ضریب همبستگی	۰/۳۸۶ **	۰/۴۷۲ **	۰/۲۵۹ **	۰/۵۳۲ **
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۱۹) مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر (نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارتباطات مجازی) برابر (۰/۳۸۶) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد، برای متغیر (نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و اطلاعات مجازی) برابر (۰/۴۷۲) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ و برای متغیر (نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و توزیع مجازی) برابر (۰/۲۵۹) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد و برای متغیر (نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و تراکنش مجازی) برابر (۰/۵۳۲) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۱ کمتر است ($\text{Sig} < ۰,۰۱$ و $\alpha = ۰/۰۱$)، فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت رابطه معنی داری بین نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی می توان گفت رابطه بین نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی مثبت و مستقیم است. افزایش نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن منجر به توسعه ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی می گردد.

فرضیه فرعی پنجم: ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

جدول ۲۰. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه فرعی پنجم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۵۳۹	۰/۲۹۲	۰/۲۵	۲/۰۶۹

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۲۰) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۰۶۹) در فاصله ۲/۵-۱/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۹۲ می‌باشد که این موید آن است که R^2 ۲۹/۲٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیر مستقل قابل تبیین است.

جدول ۲۱. آزمون ANOVA فرضیه فرعی پنجم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۷/۸۹۶	۱	۲۷/۸۹۶	۶۸/۸۲۹	۰/۰۰۰
خطا	۱۵۴/۸۲۲	۳۸۲	۰/۴۰۵		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقدره آماره آزمون F و معنی‌داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۲۲. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه فرعی پنجم

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۲/۰۷۸	۰/۱۶۳	-	۱۲/۷۳۷	۰/۰۰۰
ارزش فرهنگی	۰/۶۳	۰/۰۷۱	۰/۵۳۹	۸/۸۷۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۲۲) مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری متغیر ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه (۰/۰۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می‌باشد ($\text{sig} < ۰/۰۵$ و $\alpha = ۰/۰۵$) در نتیجه متغیر ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه وارد مدل رگرسیونی می‌شود. بنابراین ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران اثر دارد و فرضیه تایید می‌گردد.

با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می‌توان گفت ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی تأثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه سطح ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه افزایش یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲۳. آزمون همبستگی پیرسون فرضیه فرعی پنجم؛ ** معنی داری در سطح اطمینان ۹۹٪

متغیر		ارتباطات مجازی	اطلاعات مجازی	توزیع مجازی	تراکنش مجازی
ارزش فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۲۵۸ **	۰/۲۵۷ **	۰/۴۸۷ **	۰/۴۶۷ **
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۲۳) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر (ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه و ارتباطات مجازی) برابر (۰/۲۵۸) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد، برای متغیر (ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه و اطلاعات مجازی) برابر (۰/۲۵۷) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ و برای متغیر (ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه و توزیع مجازی) برابر (۰/۴۸۷) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد و برای متغیر (ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه و تراکنش مجازی) برابر (۰/۴۶۷) و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۱ کمتر است ($\alpha=0/01$ و $sig<0/01$)، فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت رابطه معنی داری بین ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی می توان گفت رابطه بین ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه با ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی مثبت و مستقیم است. افزایش ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه منجر به توسعه ارتباطات مجازی، اطلاعات مجازی، توزیع مجازی و تراکنش مجازی می گردد.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

رتبه بندی متغیرهای تحقیق

با توجه به نتایج فرضیه ها مشخص شده است متغیرهای سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیرگذار هستند. با توجه به نرمال بودن توزیع داده های متغیرهای تحقیق جهت رتبه بندی متغیرهای مستقل و تعیین متغیری که بیشترین اثر را بر توسعه ارتباطات مجازی دارد، از رگرسیون خطی چندگانه استفاده می شود. در این حالت متغیر وابسته عبارت است از توسعه ارتباطات مجازی و متغیرهای مستقل عبارتند از: سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه.

■ ۲۲۱ ■

جدول ۲۴. خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۶۳۲	۰/۳۹۹	۰/۳۸۶	۱/۹۹۲

بدین ترتیب همان طور که در جدول (۲۴) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۹۲) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۹۹ می باشد که این موید آن است که تقریباً ۴۰٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیرهای مستقل (سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق

و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه) قابل تبیین است.

جدول ۲۵. آزمون ANOVA

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۱/۷۷	۴	۱۲/۹۴۴	۳۷/۴۵۶	۰/۰۰۰
خطا	۱۳۰/۹۴۲	۳۷۹	۰/۳۴۵		
کل	۱۸۲/۷۱۸	۳۸۳			

با توجه به مقدره آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول ۲۶. تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون

متغیر	B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۱/۷۷۹	۰/۲۲۳	-	۷/۹۷۷	۰/۰۰۰
آگاهی اعضای جامعه	۰/۳۳۵	۰/۰۴	۰/۳۴۲	۸/۳۷۵	۰/۰۰۰
تبلیغات مطلوب	۰/۱۸۶	۰/۰۳۲	۰/۲۶۷	۵/۸۴	۰/۰۰۰
نوع نگرش مدرن	۰/۴۱۹	۰/۰۴	۰/۴۴۳	۱۰/۴۷۵	۰/۰۰۰
ارزش فرهنگی	۰/۳۶۶	۰/۰۳۶	۰/۴۱۷	۱۰/۱۶	۰/۰۰۰

f | توجه به جدول (۲۶) مشاهده می شود، سطح معنی داری متغیرهای سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه (۰/۰۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می باشد ($\text{sig} < ۰,۰۵$ و $\alpha = ۰,۰۵$) در نتیجه متغیر سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه وارد مدل رگرسیونی می شوند.

با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می توان گفت سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه، تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب، نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن و ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه بر توسعه ارتباطات مجازی تاثیر مستقیم دارد.

اثر بخشی شبکه های اجتماعی مجازی در سازمان های رسانه ای رابطه معناداری وجود دارد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که همانند تحقیق فوق عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر گذار هستند.

با توجه به مقدار ضریب بتای استاندارد شده می توان گفت متغیر نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات زندگی مدرن (۰/۴۴۳) بیشترین سهم را در تغییرات توسعه ارتباطات مجازی دارد و متغیر تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب (۰/۲۶۷) کمترین سهم را در تغییرات توسعه ارتباطات مجازی دارد. متغیرهای تحقیق به ترتیب میزان اثر گذاری عبارتند از:

۱. نوع نگرش اعضای جامعه به الزامات

$$\beta = 0/443 \leftarrow \text{زندگی مدرن}$$

۲. ارزش های فرهنگی حاکم در جامعه

$$\beta = 0/417$$

۳. سطح آگاهی و اطلاعات اعضای جامعه

$$\beta = 0/342$$

۴. تبلیغات و اطلاع رسانی دقیق و مطلوب

$$\beta = 0/267$$

نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به یافته های ناشی از انجام تحقیق، سطح معنی داری متغیر عوامل فرهنگی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ = α می باشد ($\text{sig} < 0/05$ و $\alpha = 0/05$) در نتیجه متغیر عوامل فرهنگی وارد مدل رگرسیونی می شود. بنابراین عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران دارد و فرضیه تایید میگردد. با توجه به علامت مثبت ضریب بتا می توان گفت عوامل فرهنگی بر توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران تاثیر مستقیم دارد، به عبارتی هرچه عوامل فرهنگی بهبود یابد توسعه ارتباطات مجازی در روابط عمومی شهرداری منطقه ۱ تهران نیز بهبود می یابد.

در مقایسه با تحقیقات انجام شده، نتایج پژوهش رحمن زاده و حقیقی تحقیق خود را با عنوان عوامل موثر در افزایش اثر بخشی شبکه های اجتماعی مجازی در سازمان های رسانه ای نشان داده است که از دیدگاه اعضای انجمن مدیران روابط عمومی ایران بین مولفه های توسعه فرهنگی و افزایش

منابع و مأخذ

ارتباطات جهانی وامنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.

12. Baskin and dan Lattimor (1997) The public relation profession and practice London: Etwood publica-tion
13. ELLIS, Richard, and B. Lindsay. LOWELL (1999) "Core Occupa-tions of the US Information Tech-nology Workforce." Report 1 of the IT Workforce Data Project.
14. ELLIS, Richard, and B. Lindsay. LOWELL (1999) "The Production of US
15. Russell L. R., Kinuthia W. L., Lok-ey-Vega A., Tsang-Kosma W. and Madathany R. (2013). Identifying complex cultural interactions in the instructional design process: a case study of a cross-border, cross-sector training for innova-tion program. Education Tech Re-search Dev (2013) 61:707-732.
16. Wikipedia.com, retrived 15th may 2008

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۸۰) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، ویراست سوم، چاپ اول، تهران: آگه.
۲. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸) فرهنگ شناسی، تهران: پیام امروز.
۳. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸) جهانی شدن و فرهنگ، مجله اندیشه جامعه، شماره ۹.
۴. رشیدپور، علی (۱۳۸۸) نقش دانشگاه آزاد در توسعه فرهنگی کشور، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. سفیدی، هوشمند، نیکرفتار خیابانی، کمال الدین (۱۳۸۳) «ماهیت و کارکردهای روابط عمومی، ناشر مؤسسه تحقیقات روابط عمومی، تهران
۶. سفیدی، هوشمند (۱۳۸۳) «راهبردهای عملی روابط عمومی»، تهران، مرکز نشر مؤسسه تحقیقات روابط عمومی
۷. سید محسنی، سیدشهاب (۱۳۸۰) روابط عمومی و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، انجمن متخصصان روابط عمومی، تهران.
۸. شاه محمدی، عبدالرضا (۱۳۸۵) اقناع و تبلیغ، انتشارات زرباف اصل، تهران.
۹. شولت، آرت یان (۱۳۶۹) نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات یونسکو، چاپ اول.
۱۰. محسنی، ربیع (۱۳۸۹) ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰.
۱۱. شولت، پیتز (۱۳۸۲) «اقتصادسیاسی

شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های رهبری اخلاقی و ارائه مدل مطلوب

محمد سلیمانی* - گروه مدیریت، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
غلامرضا معمارزاده طهران - گروه مدیریت، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
محمد عطایی - گروه مدیریت، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
ابوالفضل کاظمی - گروه مدیریت، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.

Identify and prioritize components of ethical leadership and providing optimal model Abstract

Ethical leadership focuses on how to use social power by managers and supervisors in decision making and action in the workplace and how it affects and influences others. The main objective of this research is to provide an optimal leadership model compatible with Iranian government agencies. This research is applied in terms of purpose and is descriptive-survey based on the data collection method. The statistical population of this research includes 30 experts and managers of the Tax Administration and the Department of Finance and Economic Affairs of the provinces of West and East Azarbaijan. Data were collected by a questionnaire and Delphi method and interpretive structural modeling were used to analyze them. The results showed that the experts from 34 components were selected through the Delphi method using the panel of experts as components of moral leadership, and in the second stage components such as ethical knowledge, the establishment of ethical standards, determination in ethical moral behaviors, ability to understand Ethical issues, customer reverence, and fairness in moral leadership had the most impact, respectively, with levels 1 to 6. According to the results of the research, the first and the most important component of ethical leadership is the existence of ethical knowledge, so that leaders, beyond sentiment, offer ethical behavior based on rationality, and this also leads to the ability to understand ethical issues and the emergence of a number of ethical features Like the reverence of the lord and righteousness, and so forth.

Keywords: Ethical Leadership, Ethical Knowledge, Social Learning

چکیده

رهبری اخلاقی بر نحوه استفاده از قدرت اجتماعی توسط مدیران و سرپرستان در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات محیط کار و نحوه تأثیر و نفوذ آنها بر دیگران متمرکز است. هدف اصلی این تحقیق ارائه مدل سبک های رهبری سازگار با سازمان‌های دولتی ایران است. این تحقیق از نظر هدف، از نوع کاربردی است و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تعداد ۳۰ نفر از خبرگان و مدیران اداره امور مالیاتی و اداره دارایی و امور اقتصادی استان های آذربایجان غربی و شرقی می‌باشد. داده‌ها توسط پرسش‌نامه گردآوری شدند و برای تجزیه تحلیل آنها از روش دلفی و مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده گردید. نتایج نشان داد که از دید خبرگان ۳۴ مولفه از طریق روش دلفی و با استفاده از پانل متخصصان به عنوان مولفه‌های رهبری اخلاقی انتخاب شدند و در مرحله دوم مولفه هایی چون دانش اخلاقی، استقرار استانداردهای اخلاقی، مصمم بودن در رفتارهای صحیح اخلاقی، توانایی درک مسایل اخلاقی، تکریم ارباب رجوع و عادل بودن در رهبری اخلاقی بیشترین اثر گذاری را داشتند و به ترتیب سطوح اول تا ششم را دارا شدند. با توجه به نتایج تحقیق اولین و مهمترین مولفه رهبری اخلاقی داشتن دانش اخلاقی می باشد تا رهبران فراتر از احساسات به ارائه رفتارهای صحیح اخلاقی مبتنی بر عقلانیت مبادرت ورزند و این خود نیز منجر به توانایی درک مسایل اخلاقی و بروز یکسری از ویژگی‌های اخلاقی به مانند تکریم ارباب رجوع و عادل بودن و غیره می گردد.

واژگان کلیدی: رهبری اخلاقی، دانش اخلاقی، یادگیری اجتماعی

پژوهشگران به اهمیت «رهبری اخلاقی»^۲ در رفتار پیروان به عنوان مدل‌های نقش اخلاقی اذعان دارند (۲۰۱). رهبری اخلاقی تاثیرگذاری خود را از طریق یادگیری اجتماعی شروع نموده که این یادگیری با مشاهده رفتارهای مطلوب، دستورات عملیاتی کلامی و تفسیر علامات انجام می‌گیرد. یادگیری اجتماعی بستگی به توجه، انگیزه و توانایی برای حفظ اطلاعات و رفتار مجدد دارد. رهبران اخلاقی با توجه به قدرت موقعیتی خود (به عنوان مثال پاداش برای رفتارهای اخلاقی و مجازات برای رفتارهای غیر اخلاقی) دارای توانایی تنظیم رفتار هنجاری مناسب می‌باشند. آنها از طریق یادگیری اجتماعی در پیروان برای توجه به رفتار مناسب ایجاد انگیزه مینمایند (۳ و ۴). در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا رهبری اخلاقی به عنوان یک مسئله در سازمان‌های دولتی مطرح می‌گردد؟ مسائل اخلاقی سازمان‌های دولتی ویژگی‌هایی دارد. آنها بسیار فراگیر هستند و همه ابعاد سازمان را شامل می‌شوند. در پس هر اقدام و در بن هر تصمیم مدیریتی و هر فعالیت سازمانی، انبوهی از مسائل اخلاقی را می‌توان رصد کرد زیرا با حقوق افراد گوناگون چون شهروندان، کارکنان و کلیه ذی‌نفعان ارتباط دارد. بستر مسائل اخلاقی می‌تواند ریشه در خارج از سازمان داشته باشد و زمینه‌های تربیتی، خانوادگی، فرهنگ اجتماعی، میراث تاریخی، نهادهای دینی و ... در آن نقش دارند. بدین جهت است که سنخ این مسائل در جوامع و کشورها متفاوت است. اگر در شرکت‌های آمریکایی مسائل اخلاقی در اطراف مواد مخدر و الکل، دزدی کارکنان از شرکت، تعارض در علائق، مباحث کنترل کیفیت، تبعیض در استخدام و ترفیع، سوء استفاده از حساب‌های شرکت، اخراج کارکنان و مانند آن می‌چرخد، در سازمان‌های ما کم‌کاری، قانون‌گریزی، مالیات‌گریزی، افت وفاداری سازمانی، شایسته‌گریزی، زیرآب زنی و حسدورزی از مسائل اخلاقی است (۵). در اینجا باید به این سؤال پاسخ داد که آیا رهبری اخلاقی در سازمان‌های دولتی به عنوان یک مسئله مطرح می‌باشد؟ در پاسخ به

این سؤال باید گفت تصمیمات غیر اخلاقی به طور مکرر به عملکرد بسیاری از سازمانها صدمه میرسانند. واقعیت امر آن است که مدیریت دولتی با شرایط پیچیده اخلاقی مواجه بوده است. واقعیت پیچیده‌های که مدیران دولتی با آن مواجه شدند. بهزعم ایشان ابعاد مختلف حقوقی، فنی، حرفه‌ای، سازمانی و فردی مسائل و آن ایجاد پیوند و آشتی میان ابعاد متعارض اخلاقی است و در این میان باید به شیوه‌های رهبری که پاسخگوی مسائل اخلاقی است و میتواند همزمان به این مسائل پاسخ دهد اهمیت بالایی داده شود. سؤال دیگر اینکه چگونه می‌توان به مسائل اخلاقی از طریق رهبری اخلاقی پاسخ داد و نتایج آن چه می‌باشد؟ در پاسخ به سؤال دوم قبل همه چیز باید مدل‌هایی که محققان مختلف ارائه داده اند بررسی گردد. برخی محققان مدلی را برای رهبری اخلاقی ارائه دادند که در این مدل رهبری اخلاق مدار را تحت تاثیر دو دسته عوامل موقعیتی^۲ و ویژگیها و صفات فردی، که هر دوی آنها نیز تحت تاثیر متغیرهای تعدیل گرقرار گرفته اند. براساس این مدل اثر عامل ویژگی‌های موقعیتی تحت تاثیر زمینه اخلاقی^۳ و خودپایشی^۴ (خود مراقبتی) تعدیل شده و تاثیر عامل ویژگی‌های شخصی تحت تاثیر متغیرهای نیاز به قدرت^۵ و استدلال گری اخلاقی^۶ تعدیل شده است. بر اساس مدل حاضر خروجی‌های رهبری اخلاقی متغیرهایی چون تصمیم‌گیری اخلاقی نزد پیروان، رفتار مثبت اجتماعی آنان، رفتار غیرمولد^۷ و رضایت مندی و انگیزش^۸ آنان خواهد بود. رهبران اخلاقی تمایل دارند به عنوان الگوی خوب مطرح شوند تا بتوانند زیردستانشان را با خودشان همراه سازند (۶ و ۷). برخی از پژوهش‌ها با توجه به سوابق آنها بر اهمیت شخصیت رهبر اشاره کردند به عنوان مثال از تعهد به عنوان نگرش به کار مثبت و رفتارهای متعارض و خارج از نقش به عنوان نگرش منفی

۳. Contexts Ethical
۴. Monitoring-Self
۵. Power for Need
۶. Reasoning Moral
۷. Unproductive
۸. Motivation

در نظر گرفته شدند و از عدم اطمینان محیطی به عنوان متغیر تعدیل گر که بر روی رهبری اخلاقی تاثیر می گذارد استفاده کردند (۸). برخی محققان مطالعات قبلی را بررسی نمودند و مدلی جدیدی را با تغییرات جدید ارائه دادند. بطور دقیق تر آنها استدلال کردند که احساسات رهبر به عنوان مهمترین عامل مطرح می باشد. در حقیقت رابطه بین رهبر- پیرو از طریق استدلال های اخلاقی و ارزش های اخلاقی ۱۰ شکل می گیرد (۹). برخی دیگر از پژوهش ها تاکید ویژه ای را بر زمینه ی رهبری داشتند. در این رویکرد موقعیتی، سوابق زمینه ای مانند اجتماعی (به عنوان مثال، روح حقوق بشر یا ارزشهای فرهنگی بهمانند عدالت، مسئولیت پذیری، انسانیت و شفافیت)، صنعت (به عنوان مثال شبکه های سهامدار، پیچیدگی محیط) و ویژگیهای درون سازمانی (به عنوان مثال زیرساخت های رسمی و غیر رسمی در مورد اخلاق) مطرح هستند (۱۰). طی پژوهشی زمینه اخلاقی به طور مستقیم باعث ارتقای رضایت شغلی و تعهد سازمانی در کارمندان میشود. همچنین جو اخلاقی کاهش تمایل به ترک شغلی کارمندان را در محیط اداری فراهم میکند (۱۱). در پژوهشی محققان صدای اخلاقی را معرفی نمودند، عموماً مخالف رفتار و عمل سازمانی نامناسب میباشد. رهبران اخلاقی با تقویت صدای اخلاقی در کارکنان، ایشان را در مورد اقدامات سازمانی نامناسب یا فعالیتهای غیر اخلاقی به ابراز شجاعانه نظرات و عقایدشان ترغیب خواهند نمود. علاوه بر این در پژوهشی دیگر محققان مسیری را بین رهبری اخلاقی و قضاوت اخلاقی پیروان ایجاد نمودند و به این نتیجه رسیدند که خود رهبری متمرکز بر اخلاق نقش واسطه ای بین رهبری اخلاقی و قضاوت اخلاقی دارد (۱۲ و ۱۳).

همچنین در دیگر تحقیقات مربوط به رهبری اخلاقی رابطه مستقیم بین رهبری اخلاقی مدیریت ارشد و سرپرست را با نتایج مرتبط یا غیر مرتبط اخلاقی زبردستان نظیر مشاهده رفتارهای اخلاقی، رفتار انحرافی، تعارض نقش، رفتار های اخلاقی و رفتار

های مثبت اجتماعی را تایید کردند و در همین راستا تمامی این نتایج عواقب شهودی ۱۲ رهبری اخلاقی را نشان دادند (۷ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶). هرچند محققان رهبران اخلاقی پیشنهاد کردند که رهبری اخلاقی نتایج غیر قابل آشکار دیگری را نشان می دهد که از طریق روابط مبادله اجتماعی رهبران اخلاقی با زبردستان خود تشکیل می شود. این روابط بدست آمده از نتایج رهبری اخلاقی قبلا در زمینه رهبری اخلاقی مطالعه نشده بود، اما با این حال روابط مبادله در سایر زمینهها پیشبینی کننده قدرتمندی در زمینه رفتار های زبردستان می باشد (۱۷ و ۱۸ و ۱۹). در همین رابطه محقق مدلی را ارائه نمود که در این مدل روابط مبادله بین رهبران اخلاقی و زبردستان هر دو بطور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق مبادله اجتماعی) ۱۳ بر طیف وسیعی از نتایج مفیدسازمانی، نگرشی و رفتاری زبردستان تاثیر میگذارد. همچنین با توجه به اینکه امروزه در سازمانهای ایرانی معضلات اخلاقی مطرح است و این معضلات اخلاقی چه در سطح کلان و چه در سطح خرد مطرح میباشند؛ در سطح کلان رفتار مدیران ارشد و در سطح خرد رفتار کارکنان تصمیمگیری ها و دستاوردهای سازمانی را تحت تاثیر قرار میدهند. یکی از عمدهترین دغدغههای مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفهها است تا با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسایل در جامعه و حرفه خود به کار پردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (۲۰). برخی از تحقیقات هفت ویژگی کلیدی که در رهبران اخلاقی معرفی مینمایند: صفات ممتاز ۱۴، درستی و صداقت، آگاهی اخلاقی ۱۵، مردم مداری / جامعه مداری، برانگیزاننده، مشوق و قدرت دهنده و اداره جوابگویی اخلاقی.

۱. صفات ممتاز: به الگویی از اهداف و خصوصياتی که اساس اخلاقی برای رفتار میباشد اشاره دارد. صفات ممتاز در صفاتی

۱۲. Intuitive
۱۳. exchange Social
۱۴. traits Outstanding
۱۵. awareness Moral

۹. follower - Leader
۱۰. values moral
۱۱. justice

مثل تواضع و فروتنی، صداقت، سخاوت، بخشش و گذشت نمود دارد.

۲. درستی و صداقت: یک جزء اساسی از صفات ممتاز است و شامل توانایی مصمم بودن و در گیر شدن در رفتارهای صحیح اخلاقی با وجود فشارهای خارجی می باشد.

۳. آگاهی اخلاقی: توانایی درک کردن و حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی که اثر مهمی بر دیگران دارد، می باشد.

۴. جامعه مداری / مردم مداری: رهبران اخلاقی بر خدمت کردن نیکوتر و پسندیده تر تمرکز دارند که نتیجه آن مردم مدار بودن، آگاهی از چگونگی تاثیر فعالیت‌هایشان بر دیگران و استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت در جهت علایق جمعی گروه به جای علایق فردی می باشد.

۵. انگیزاننده: رهبران اخلاقی پیروان خود را با مقدم قرار دادن علایق گروه بر می انگیزانند.

۶. مشوق و توانمند ساز: رهبران اخلاقی پیروان را تشویق می کنند و توانمند میسازند که پیروان احساس شایستگی فردی به دست آورند که این اجازه می دهد که آن ها با صلاحیت و باقابلیت شوند.

۷. اداره جوابگویی اخلاقی: رهبری اخلاقی جزئی سوداگرانه و معامله گرانه دارد که شامل استقرار استانداردها و انتظارات رفتار اخلاقی برای پیروان می باشد.

همچنین اغلب به نظر میرسد که رهبری اخلاقی باید نوعی رهبری نرم و آرام باشد و هیچ چیزی جز حقیقت نباشد. رهبر اخلاقی بودن، یعنی در هر موقعیتی به میزان درست از اقتدار استفاده کردن. بعضی مواقع، شرایط ایجاب میکند تا رهبری چیزی جز مهربانی نباشد. در عوض، رهبری سخت و خشن

نمی تواند برای مدت طولانی بدون خشم و بدبینی دوام بیاورد (۲۱). در پژوهشی دیگر که به بررسی رابطه رهبری اخلاقی با توانمندسازی پرداخته شده است. در بین ابعاد رهبری اخلاقی، مولفه صداقت بیشترین ارتباط و تسهیم قدرت کمترین ارتباط را با توانمند سازی دارا هستند. در حقیقت، ارائه مدل بومی و عملیاتی در همین راستا ضروری به نظر می رسد تا شرایط موجود را بهبود بخشد و با توجه به شرایط موجود، سبک مناسب رهبری اخلاقی تشخیص داده شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و جمع آوری اطلاعات بر اساس تلفیق روش های اسنادی و مطالعات میدانی انجام شده است. منبع و مبنای اصلی داده های تجزیه تحلیل، نظر کارشناسان و متخصصان است. در این پژوهش برای شناسایی و اولویت بندی از آنجا که روش دلفی می تواند با جمع آوری و تجزیه و تحلیل نظر کارشناسان و متخصصان، پاسخگوی خوبی برای پرسش های پژوهش باشد، مورد توجه و انتخاب پژوهشگران قرار گرفت. هدف دلفی رسیدن به اجماع گروهی است که از طریق مجموعه ای از دور های پرسشنامه ای با حفظ گمنامی پاسخگویان و بازخورد دادن نظرات به اعضای پانل صورت می گیرد (کینی و همکاران، ۲۰۰۱). در حقیقت دلفی با استفاده از نظر کارشناسان، اجماع قوی از نظرات را بخصوص در موارد کمبود شواهد تجربی ارائه می دهد. همچنین بازخورد بین دوره های انجام دلفی محرک ایده های جدید بوده و موجب گسترش دانش می گردد (رو و رایت، ۱۹۹۹). و همچنین برای ارائه مدل مطلوب از مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده گردید. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه های از عناصر مختلف و به هم مرتبط در یک مدل نظام مند جامع ساختاردهی میشوند (وارفیلد، ۱۹۷۴). این روش شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک مینماید (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه، میتوانیم یک سیستم فراهم مینماید بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تأثیرگذاری عناصر برهم (بسته به

نوع رابطه محتوایی تعریف شده) فراهم مینماید و نمایشی تصویری به نمایش میگذارد. این روش تفسیری است، چون قضاوت گروهی از افراد تعیین مینماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از روابط مشخص و ساختار کلی در یک مدل دیاگراف، نشان داده می شود. روش مدلسازی ساختاری تفسیری در حوزه های مختلفی استفاده شده است. ایده اصلی مدلسازی ساختاری تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیر سیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل ساختاری چند سطحی می باشد. در این تحقیق ما از نظرات تعداد ۳۰ نفر از خبرگان سازمان های امور اقتصاد دارایی و امور مالیاتی استان های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی استفاده نمودیم.

یافته ها

مرحله اول: روش دلفی

در مرحله اول این پژوهش از روش دلفی برای شناسایی مولفه های رهبری اخلاقی استفاده شده است. در این روش گروهی از متخصصان در زمینه حرفه ای خویش برای توسعه اجماع، به یک سوال ویژه یا مجموعه ای از پرسش ها پاسخ می دهند. در این روش ۳۰ نفر از متخصصان شامل ۵ نفر از روسای سازمان های نمونه و ۲۵ نفر از کارشناسان و کارمندان متخصص در این سازمانها که حداقل ۱۰ سال سابقه کاری دارند به عنوان نمونه استفاده شده است. این روش شامل یکسری از مراحل پیمایشی یا پرسشنامه ای است که با پرسشنامه اولیه، پرسشنامه های مراحل بعدی نیز شکل می گیرد.

دور اول روش دلفی: تعیین شاخص ها

در این پژوهش از سه دور برای روش دلفی استفاده شده است. در دور اول مولفه های معیارهای رهبری اخلاقی تهیه و به صورت پرسشنامه تهیه شد و آن را به افراد نمونه داده تا آنها را پاسخ دهند. این پرسشنامه اولیه شامل ۳۷ مولفه بود که در این

مرحله ۳۰ نفر نمونه به طور کامل به سوالات پاسخ دادند و از این بین تعداد ۳۴ گویه دارای اجماع نظری بین افراد نمونه بود که در جدول ۱ ارائه شده اند؛ لازم به ذکر است که این دور ۱۵ روز به طول انجامید.

جدول ۱. دور اول روش دلفی؛ تعیین مولفه های رهبری اخلاقی

ردیف	مولفه های معیارهای سبک های رهبری اخلاقی	تعداد پاسخ مشترک
۱	مراقبت اخلاقی	۱۴
۲	صداقت	۲۲
۳	انصاف	۲۶
۴	دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات	۱۸
۵	سازگار بودن	۱۷
۶	برون گرا	۱۹
۷	با وجدان	۲۳
۸	دارای ذهنیت باز	۱۸
۹	با انگیزه	۱۶
۱۰	عادل	۲۵
۱۱	دارای قدرت کنترل	۱۴
۱۲	اعتماد به نفس بالا	۱۹
۱۳	دارای تعهدات طولانی مدت	۲۴
۱۴	تواضع و فروتنی	۲۰
۱۵	سختاوت	۱۸
۱۶	بخشش و گذشت	۷
۱۷	مصمم بودن در رفتار های صحیح اخلاقی	۲۶
۱۸	در گیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی	۲۱
۱۹	حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی	۲۵
۲۰	توانایی درک مسائل اخلاقی	۲۲

جدول ۲. دور اول روش دلفی؛ تعیین مولفه های رهبری اخلاقی

ردیف	مولفه های معیارهای سبک های رهبری اخلاقی	مد
۱	مراقبت اخلاقی	۱۴
۲	صداقت	۲۲
۳	انصاف	۲۶
۴	دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات	۱۸
۵	سازگار بودن	۱۷
۶	برون گرا	۱۹
۷	با وجدان	۲۳
۸	دارای ذهنیت باز	۱۸
۹	با انگیزه بودن	۱۶
۱۰	عادل	۲۵
۱۱	دارای قدرت کنترل	۱۴
۱۲	اعتماد به نفس بالا	۱۹
۱۳	دارای تعهدات طولانی مدت	۲۴
۱۴	تواضع و فروتنی	۲۰
۱۵	سخاوت	۱۸
۱۶	مصمم بودن در رفتارهای صحیح اخلاقی	۲۶
۱۷	در گیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی	۲۱
۱۸	حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی	۲۵
۱۹	توانایی درک مسائل اخلاقی	۲۲
۲۰	جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی	۱۷
۲۱	استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم	۱۵
۲۲	برآورده کردن انتظارات دیگران	۱۱
۲۳	تشویق پیروان	۱۶
۲۴	ارتقاء شایستگی کارکنان	۱۸

۲۱	جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی	۱۷
۲۲	استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم	۱۵
۲۳	برآورده کردن انتظارات خود	۵
۲۴	برآورده کردن انتظارات دیگران	۱۴
۲۵	تشویق پیروان	۱۶
۲۶	ارتقاء شایستگی کارکنان	۱۸
۲۷	استقرار استاندارد های اخلاقی	۲۱
۲۸	دانش اخلاقی	۲۸
۲۹	تعلیم اجتماعی	۲۴
۳۰	تکریم ارباب رجوع	۲۶
۳۱	تعقل جوهری	۲۴
۳۲	دارای قدرت تاثیر گذاری	۲۰
۳۳	مربیگری	۱۴
۳۴	دارای روابط انسانی بالا	۱۸
۳۵	دارای نفوذ بالا	۸
۳۶	اهمیت دادن به شغل	۱۷
۳۷	استفاده از مکانیسم پاداش و تنبیه	۱۹

دور اول روش دلفی؛ جمع بندی مولفه های رهبری اخلاقی

مولفه های رهبری اخلاقی که در دور اول تهیه شده بود مورد بررسی قرار گرفت و تعداد ۳ مورد از آنها دارای توافق زیر ۱۰ بودند و از مجموع مولفه ها حذف شدند. بنابراین پرسشنامه اولیه بعد از بازبینی شامل ۳۴ مولفه بود که در جدول ۲ ارائه شده اند.

۲۱	استقرار استاندارد های اخلاقی	۲۵
۲۸	دانش اخلاقی	۲۶
۲۴	تعلیم اجتماعی	۲۷
۲۶	تکریم ارباب رجوع	۲۸
۲۴	تعقل جوهری	۲۹
۲۰	دارای قدرت تاثیر گذاری	۳۰
۱۴	مربیگری	۳۱
۱۸	دارای روابط انسانی بالا	۳۲
۱۷	اهمیت دادن به شغل	۳۳
۱۹	استفاده از مکانیزم پاداش و تنبیه	۳۴

دور دوم روش دلفی؛ اولویت بندی مولفه های رهبری اخلاقی

این دور ۲۱ روز به طول انجامید. مولفه های معیارهای رهبری اخلاقی که در دور اول تهیه شده بود، بازبینی شد و به عنوان دور دوم آن را به افراد نمونه داده تا آنها را اولویت بندی کنند. این پرسشنامه شامل ۳۴ مولفه بود که در این مرحله ۲۷ نفر از نمونه مورد نظر به سوالات پاسخ دادند که میزان اهمیت و اولویت آنها به صورت مد، میانگین و انحراف معیار در جدول ۳ مشاهده می شود. از بین این ۳۴ مولفه ۳ مولفه دانش اخلاقی، انصاف و مصمم بودن در رفتارهای صحیح بالاترین مد و میانگین را دارا بودند. همچنین در ۱۹ مولفه، اجماع قوی (انحراف معیار بالاتر از ۱) بین اعضای پانل به وجود آمده است. در این بین بالاترین اجماع نظری مربوط به استقرار استانداردهای اخلاقی، توانایی درک مسایل اخلاقی و انصاف بوده است.

جدول ۳. دور دوم روش دلفی؛ اولویت بندی مولفه های رهبری اخلاقی

ردیف	مولفه های معیارهای سبک های رهبری اخلاقی	مد	میانگین	انحراف معیار
۱	دانش اخلاقی	۲۴	۴,۲۳	۱,۴۸
۲	انصاف	۲۲	۴,۱۲	۱,۵۴
۳	مصمم بودن در رفتار های صحیح اخلاقی	۲۱	۴,۰۹	۱,۳۶
۴	تکریم ارباب رجوع	۲۰	۳,۹۸	۱,۴۲
۵	عادل	۱۹	۳,۶۷	۱,۰۵
۶	سختاوت	۱۹	۳,۷۳	۰,۶۴
۷	حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی	۱۸	۳,۶۹	۱,۱۱
۸	دارای تعهدات طولانی مدت	۱۷	۳,۵۵	۱,۳۴
۹	تعلیم اجتماعی	۱۷	۳,۵۱	۱,۲۴
۱۰	تعقل جوهری	۱۶	۳,۴۹	۱,۳۴

۱,۲۳	۳,۳۱	۱۶	با وجدان	۱۱
۱,۱۴	۳,۲۱	۱۶	صداقت	۱۲
۱,۵۴	۳,۱۹	۱۵	توانایی درک مسائل اخلاقی	۱۳
۱,۳۹	۳,۱۷	۱۵	در گیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی	۱۴
۱,۵۴	۳,۱۶	۱۴	استقرار استاندارد های اخلاقی	۱۵
۱,۲۵	۳,۱۳	۱۴	تواضع و فروتنی	۱۶
۱,۰۳	۳,۱۲	۱۳	دارای قدرت تاثیر گذاری	۱۷
۱,۱۲	۳,۰۸	۱۳	برون گرا	۱۸
۱,۰۱	۳,۰۲	۱۲	اعتماد به نفس بالا	۱۹
۰,۹۹	۲,۹۷	۱۲	استفاده از مکانیسم پاداش و تنبیه	۲۰
۱,۱۱	۲,۸۹	۱۲	دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات	۲۱
۰,۷۵	۲,۷۸	۱۱	دارای ذهنیت باز	۲۲
۰,۹۷	۲,۷۲	۱۱	ارتقاء شایستگی کارکنان	۲۳
۰,۶۸	۲,۶۹	۱۱	دارای روابط انسانی بالا	۲۴
۰,۴۷	۲,۶۴	۱۱	سازگار بودن	۲۵
۰,۵۵	۲,۶۱	۱۱	جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی	۲۶
۰,۵۸	۲,۶۱	۱۱	اهمیت دادن به شغل	۲۷
۰,۶۴	۲,۵۹	۱۰	با انگیزه بودن	۲۸
۰,۸۴	۲,۵۹	۱۰	تشویق پیروان	۲۹
۰,۸۳	۲,۵۴	۱۰	استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم	۳۰
۰,۷۳	۲,۵۱	۱۰	مراقبت اخلاقی	۳۱
۰,۹۱	۲,۴۶	۱۰	دارای قدرت کنترل	۳۲
۰,۵۸	۲,۳۲	۱۰	مربیگری	۳۳
۰,۹۴	۲,۲۷	۱۰	برآورده کردن انتظارات دیگران	۳۴

دور سوم روش دلفی؛ اولویت بندی مجدد مولفه های سبکهای رهبری اخلاقی با توجه به نظرات جدید اعضای پانل

این دور ۲۸ روز به طول انجامید. پس از اینکه هر متخصص ارزش جدیدی را با توجه به میانگین و انحراف معیار محاسبه شده در دور دوم ارائه داد، میانگین مولفه های سبکهای رهبری اخلاقی با توجه به آراء جدید محاسبه شد که در جدول ۴ آمده است. شایان ذکر است که در این دور ۲۳ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند. در این مرحله با توجه به اینکه دور آخر در روش دلفی است مولفههای سبکهای رهبری اخلاقی اولویتبندی نهایی می شوند. ترتیب اولویت و اهمیتی که در دور دوم اعلام کرده بودند تقریباً در دور سوم تکرار شد و نظر خود را چندان تغییر ندادند. تنها چند مورد از مولفههای تغییر کردند که بر اساس میانگین اولویتبندی جدید به شکل زیر است که بر این اساس میتوان گفت که اتفاق نظر میان اعضای پانل به دست آمده است: ۱- دانش اخلاقی، ۲- استقرار استاندارد های اخلاقی، ۳- مصمم بودن در رفتار های صحیح اخلاقی ۴- توانایی درک مسائل اخلاقی.

جدول ۴. دور سوم روش دلفی - اولویت بندی مجدد مولفه های رهبری اخلاقی

ردیف	مولفههای معیارهای سبکهای رهبری اخلاقی	مد	میانگین	انحراف معیار
۱	دانش اخلاقی	۲۵	۴,۵۱	۱,۳۹
۲	استقرار استاندارد های اخلاقی	۲۴	۴,۲۱	۱,۶۲
۳	مصمم بودن در رفتار های صحیح اخلاقی	۲۲	۴,۰۱	۱,۳۸
۴	توانایی درک مسائل اخلاقی	۲۱	۴,۰۱	۱,۲۳
۵	تکریم ارباب رجوع	۱۹	۳,۹۸	۱,۴۲
۶	انصاف	۱۹	۳,۸۹	۱,۲۶
۷	عادل	۱۸	۳,۷۶	۱,۰۵
۸	سختاوت	۱۷	۳,۷۳	۰,۶۴
۹	حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی	۱۷	۳,۶۹	۱,۱۱
۱۰	دارای تعهدات طولانی مدت	۱۶	۳,۵۵	۱,۳۴
۱۱	تعلیم اجتماعی	۱۶	۳,۵۱	۱,۲۴
۱۲	تعقل جوهری	۱۶	۳,۴۹	۱,۳۴
۱۳	با وجدان	۱۵	۳,۳۱	۱,۲۳
۱۴	صداقت	۱۵	۳,۲۱	۱,۱۴
۱۵	در گیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی	۱۴	۳,۱۷	۱,۳۹
۱۶	تواضع و فروتنی	۱۴	۳,۱۳	۱,۲۵
۱۷	دارای قدرت تاثیر گذاری	۱۳	۳,۱۲	۱,۰۳
۱۸	برون گرا	۱۳	۳,۰۸	۱,۱۲
۱۹	اعتماد به نفس بالا	۱۲	۳,۰۲	۱,۰۱

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

۰,۹۹	۲,۹۷	۱۲	استفاده از مکانیسم پاداش و تنبیه	۲۰
۱,۱۱	۲,۸۹	۱۲	دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات	۲۱
۰,۷۵	۲,۷۸	۱۱	دارای ذهنیت باز	۲۲
۰,۹۷	۲,۷۲	۱۱	ارتقاء شایستگی کارکنان	۲۳
۰,۶۸	۲,۶۹	۱۱	دارای روابط انسانی بالا	۲۴
۰,۴۷	۲,۶۴	۱۱	سازگار بودن	۲۵
۰,۵۵	۲,۶۱	۱۱	جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی	۲۶
۰,۵۸	۲,۶۱	۱۱	اهمیت دادن به شغل	۲۷
۰,۶۹	۲,۵۹	۱۰	با انگیزه بودن	۲۸
۰,۸۴	۲,۵۸	۱۰	تشویق پیروان	۲۹
۰,۸۳	۲,۵۴	۱۰	استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم	۳۰
۰,۷۳	۲,۵۱	۱۰	مراقبت اخلاقی	۳۱
۰,۹۱	۲,۴۶	۱۰	دارای قدرت کنترل	۳۲
۰,۵۸	۲,۳۲	۱۰	مربیگری	۳۳
۰,۹۴	۲,۲۷	۱۰	برآورده کردن انتظارات دیگران	۳۴

درک مسایل اخلاقی، تکریم ارباب رجوع و عادل بودن در رهبری اخلاقی از اثرگذاری بیشتری برخوردارند و به ترتیب سطوح اول تا ششم را دارند. همچنین در سطح هفتم مولفه های زیر قرار گرفته اند:

مراقبت اخلاقی؛ صداقت؛ انصاف؛ دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات؛ سازگار بودن؛ برونگرا؛ باوجدان؛ دارای ذهنیت باز؛ با انگیزه بودن؛ دارای قدرت کنترل؛ اعتماد به نفس بالا؛ دارای تعهدات طولانی مدت؛ تواضع و فروتنی؛ سخاوت؛ درگیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی؛ حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی؛ جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی؛ استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم؛ برآورده کردن انتظارات دیگران؛ تشویق پیروان؛ ارتقاء شایستگی کارکنان؛ تعلیم اجتماعی؛ تعقل جوهری؛ دارای قدرت تاثیر گذاری؛ مریبگری؛ دارای روابط انسانی بالا؛ اهمیت دادن به شغل؛ استفاده از مکانیسم پاداش و تنبیه



نمودار ۱. الگوی مناسب رهبری اخلاقی در سازمان های نمونه

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تجزیه و تحلیل سئوالات پژوهش نشان داد که از دیدگاه خبرگان مولفه‌هایی چون دانش اخلاقی، استقرار استانداردهای اخلاقی، مصمم بودن در رفتارهای صحیح اخلاقی، توانایی درک مسایل اخلاقی، تکریم ارباب رجوع و عادل بودن در رهبری اخلاقی از اثرگذاری بیشتری برخوردارند و به ترتیب سطوح اول تا ششم را دارند. همچنین در سطح هفتم مولفه‌های زیر قرار گرفته‌اند: مراقبت اخلاقی؛ صداقت؛ انصاف؛ دارای قدرت پاسخگویی در برابر سوالات؛ سازگار بودن؛ برون‌گرا؛ با وجدان؛ دارای ذهنیت باز؛ با انگیزه بودن؛ دارای قدرت کنترل؛ اعتماد به نفس بالا؛ دارای تعهدات طولانی مدت؛ تواضع و فروتنی؛ سخاوت؛ در گیر شدن در رفتار صحیح اخلاقی؛ حساس بودن نسبت به مسائل اخلاقی؛ جایگزینی علایق جمعی به جای علایق فردی؛ استفاده از قدرت اجتماعی برای خدمت به مردم؛ برآورده کردن انتظارات دیگران؛ تشویق پیروان؛ ارتقاء شایستگی کارکنان؛ تعلیم اجتماعی؛ تعقل جوهری؛ دارای قدرت تاثیر گذاری؛ مریگیری؛ دارای روابط انسانی بالا؛ اهمیت دادن به شغل؛ استفاده از مکانیسم پاداش و تنبیه.

در نتیجه این تحقیق، از دید خبرگان سازمان های دولتی در مرحله اول مهمترین فاکتور در رهبری اخلاقی دارا بودن دانش اخلاقی میباشد و از دیدگاه ایشان مدیرانی که دانش اخلاقی را به صورت شهودی یا عملی یاد گرفته اند میتوانند به راحتی استانداردهای اخلاقی را تدوین و اجرا نمایند و توانایی نظارت بر اجرای صحیح رفتارهای اخلاقی را نیز خواهند داشت. همچنین با توجه به آشنایی و تدوین استانداردهای اخلاقی توسط خود مدیران، آنها نیز توانایی درک صحیح مسایل اخلاقی را خواهند داشت و تمایز میان مسایل اخلاقی با غیر اخلاقی را براحتی میتوانند بر جسته نمایند که این خود منجر به یکسری ویژگی های ممتاز اخلاقی به مانند تکریم ارباب رجوع، عادل بودن، مراقبت اخلاقی، صداقت، انصاف و ... در رفتار مدیران میشود. در راستای نتایج تحقیق و با توجه به اهمیت دانش اخلاقی پیشنهاد می گردد، سازمانهای

دولتی ایران دوره‌هایی نظیر دوره های اخلاق در محیط کار و اخلاق حرفه‌ای برای بهبود رفتارهای اخلاقی مدیران و ارتقای دانش اخلاقی مدیران برگزار نمایند. همچنین یکی دیگر از نتایج رهبری اخلاقی مصمم بودن در استقرار و اجرای استاندارد های رهبری اخلاقی می باشد لذا پیشنهاد می گردد سازمان های دولتی برای اخلاقیات در بخش دولتی از مدیرانی استفاده نماید که علاوه بر آگاه بودن از مسایل اخلاقی با جدیت به تدوین و اجرای استاندارد ها و هنجار اخلاقی پردازد.

- pendence in organizations .Cambridge, UK, New York: Cambridge University Press. P: 338–354.
9. Brown, M. E., & Mitchell, M. S. (2010). Ethical and unethical leadership: Exploring new avenues for future research. *Business Ethics Quarterly*, 20(4) : 583–616.
 10. Eisenbeiß, S. A., & Giessner, S. R. (2012). The emergence and maintenance of ethical leadership in organizations. *Journal of Personnel Psychology*, 11(1): 7–19.
 11. Hasani,mohammad , Bashiri ,Zhi-na, 2015, The relationship between the positive and negative consequences of organizational ethical climate . *Ethics in science & technology* ; 10(4): 27-36.
 12. Angela Shin-Yih Chen a, Yu-Hsiang Hou.2016. The effects of ethical leadership, voice behavior and climates forinnovation on creativity: A moderated mediation examination. *The Leadership Quarterly* 27 : 1–13.
 13. Robert Steinbauer , Robert W. Renn ,Robert R. Taylor, Phil K. Njoroge, 2014. Ethical Leadership and Followers' Moral Judgment: The Role of Followers' Perceived Accountability and Self-leadership . *J Bus Ethics*120:381–392.
 14. Mayer, D. M., Aquino, K., Greenbaum, R. L., & Kuenzi, M. (2012). Who displays ethical leadership, and why does it matter? An examination of antecedents and consequences of ethical leadership. *Academy of Management Journal*, 55(1): 151–171.
 15. Mayer, D. M., Kuenzi, M., Greenbaum, R., Bardes, M., & Salvador,
 1. Treviño ,L .K .(1986) .Ethical decision making in organizations: A person-situation interactionist model .*Academy of Management Review*.617–601 ,11 ,
 2. Kohlberg ,L .(1969) .Stage and sequence :The cognitive developmental approach to socialization. In D .A .Goslin) Ed ,(Handbook of socialization theory. Chicago: Rand McNally. p. 347–480.
 3. Treviño, L. K., Brown, M., & Hartman, L. P. (2003). A qualitative investigation of perceived executive ethical leadership: Perceptions from inside and outside the executive suite. *Human Relations*, 56(1): 5 –37.
 4. Zhu, W. (2008). The effect of leadership on follower moral identity: The mediating role of psychological empowerment. *Leadership Review*, 8:62–73.
 5. Binesh . M. (2012). Barriers to the growth of professional ethics in organizations. *Journal of Auto industry*, 15(161):22-27.(In Persian).
 6. Stillman, R. J. (1991). Preface to public administration: A search for themes and direction. New York: St. Martin's Press.p.16.
 7. Brown, M. E., & Treviño, L. K. (2006). Ethical leadership: A review and future directions. *Leadership Quarterly*. 17: 595–616.
 8. De Hoogh, A. H. B., & Den Hartog, D. N. (2009). Ethical leadership: The socially responsible use of power. In B. Wisse & D. Tjosvold (Eds.), *Cambridge companions to management. Power and interde-*

agement Review. 42: 128-142.

23. Fazel, Amir Kamalian, Amin Reza, Roshan Seyed Ali Gholi, 2016. The relationship between ethical leadership and empowerment of students. *Ethics in Science & Technology*. 11(3): 59-68.
16. Brown, M. E., Trevino, L. K., & Harrison, D. A. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 97: 117-134.
17. Bauer, T. N., S. G. Green. 1996. "Development of Leader-member Exchange: A Longitudinal Test." *Academy of Management Journal*, 39:1567-1563.
18. Gerstner, C. R., and D. V. Day. 1997. "Meta-analytic Review of Leader-member Exchange Theory: Correlates and Construct Issues." *Journal of Applied Psychology*, 82(6): 844-827.
19. Shore, L. M., L. E. Tetrick, and P. Lynch. 2006. "Social and Economic Exchange: Construct Development and Validation." *Journal of Applied Social Psychology*, 36(4):867-837.
20. HANSEN. S. DUANE, (2011). Ethical Leadership: A Multifoci Social Exchange Perspective, *The Journal of Business Inquiry*. 10 : 1,41-55.
21. Mohsen vand .M. (2008). the role of organizational perception and five ethical leadership style, *journal of auto industry*. 199(10) : 35-40. (in Persian).
22. Trevino, L. K., Hartman, L. P., & Brown, M. (2000). Moral person and moral manager: How executives develop a reputation for ethical leadership. *California Man-*

تحلیل نقش کیفیت محیطی فضاهای آموزشی در بهره‌وری دانشجویان هنرهای نمایشی؛ مطالعه موردی رشته تئاتر

نسیم معظمی* - کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری، پردیس دانشگاه تهران، ایران.

Analysis of role of environmental quality of educational spaces in performing art students' efficiency (Theater case study)

Abstract

The Art is totally the processes made by human that has direct effect on emotions, feelings and human intelligence and causes the creation of concept and meaning. The performing arts actually show the deepest mental goals of the artist and take new form by passing of the time. They need their worthy dynamic nature along with the changes. Meanwhile the art of theater has lost its motivations and vital sources for a long time and has become half-dead and it has not been introduced as an organized and disciplined activity except in universities and among students' training booklets. For enjoying this worthy art, we need professional places for training and educating of students besides creating the substrate of provision and construction of all instruments and enclosure of professional artworks with cultural and academic backgrounds. In this essay the analysis of role of environmental quality of educational spaces in efficiency of performing art and students specially theater art has been studied. Research method is based on descriptive and analytical approach and data gathering is based on library fieldwork. Analyzing of the results trough comparing domestic and foreign performing art collages is used as sample. It can be concluded that, the more the space be ready, the more the students will be creative and active. The aim of study was concerning about the previously mentioned issues and according to obtained information it was tried to create adequate field for qualitative and quantitative increase of students' scientific levels, so that move them in educational roll and in addition creating a background for developing of performing arts level and at the end, it let to planning for performing arts and theater faculty, observing standards and concerning functions that architectural design has provided as result of this study.

Keywords: Environmental Quality, Educational Spaces, Student Efficiency, Performing Art, Theater

چکیده

هنر بطور کلی به فرآیندهای انسان ساخت تلقی می‌گردد که بر عواطف، احساسات و هوش انسانی اثر مستقیم گذاشته و منجر به خلق یک معنا یا مفهوم می‌شوند. هنرهای نمایشی در واقع عمیق‌ترین اهداف ذهنی هنرمند را ارائه کرده، با گذشت زمان اشکال تازه‌ای به خود می‌گیرند. همراه با این تحولات، مکان آن‌ها نیز، نیازمند فضاهایی درخور ذات پویای آن‌ها می‌باشد. در این میان هنر تئاتر، مدت‌هاست انگیزه‌ها و منابع حیاتی خود را از دست داده و به صورت نیمه جان در آمده است، و هرگز جز در داخل دانشگاه‌ها و در میان جزوه‌های درسی دانشجویان همچون فعالیت سازمان یافته و منضبطی معرفی نشده است. برای بهره‌گیری از این هنر ارزنده، وجود فضایی برای آموزش و پرورش دانشجویان به صورت حرفه‌ای و در کنار آن، ایجاد بستر تهیه و ساخت کلیه وسایل و ضمایم آثار حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای با زمینه‌های فرهنگی و دانشگاهی الزامی می‌نماید. در این مقاله، تحلیل نقش کیفیت محیطی فضاهای آموزشی در بهره‌وری دانشجویان هنرهای نمایشی و بطور خاص مورد رشته تئاتر مطالعه قرار گرفته است روش تحقیق مبتنی رویکرد توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای می‌باشد. تجزیه و تحلیل نتایج از طریق مقایسه انواع دانشکده‌های هنرهای نمایشی داخلی و خارجی به عنوان نمونه موردی استفاده شده است. میتوان نتیجه گرفت هرچه فضا آماده‌تر باشد دانشجویان خلاقتر و فعالتر خواهند بود. هدف مطالعه‌ها توجه به مسائلی که بیان گردید و طبق اطلاعات بدست آمده تلاش شد، ایجاد زمینه‌ای مناسب است برای افزایش کیفی و کمی سطح علمی دانشجویان بطوری که ایشان را در کوران آموزشی قرار دهد و در ضمن بستری برای ارتقاء سطح هنرهای نمایشی به وجود آورد.

واژگان کلیدی: کیفیت محیطی، فضاهای آموزشی، بهره‌وری دانشجویان هنرهای نمایشی.

از سویی دیگر، تئاتر تاریخی به قدمت عمر بشریت دارد و این تاریخ پر از ماجراهای بزرگ و کوچک بوده است، صحنه آن، محل ظهور خالصترین احساسات انسان در رابطه با دیرپاترین مسائل زندگی اجتماعیش است. آفرینندگان این ماجراها بازیگران و تماشاگران بوده‌اند. تئاتر بدون تماشاگر مفهوم پیدا نمی‌کند و بازیگر رکن اساسی تئاتر است. وقتی معماری به عنوان عامترین شکل هنر با تئاتر ارتباط برقرار کند، جذابترین پیوند هنری رخ می‌دهد. هنرهای نمایشی در صورت زنده و خلاق بودن، آموزنده، بازگوکننده احساسات و تمایلات و تزکیه دهنده روح می‌باشند. تئاتر جزء اجتماعیتیرین هنرها محسوب می‌شود. ابعاد اجتماعی این هنر، از سویی به سابقه دیرینه آن در فراز و نشیبهای جوامع از بدوین تا معاصر، که عمدتاً به مفاهیم و مسایل اجتماعی می‌پردازد و از سویی دیگر به شکل منحصر به فرد آن که ارتباط زنده با تماشاگر را طلب می‌کند، مرتبط است. همچنین، بنا به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، این هنر به طرز چشمگیری با خود زندگی شباهت دارد. این شباهت باعث شده‌است که تئاتر در اجتماع از جایگاهی ویژه برخوردار باشد. علاوه بر این، در رویکردهایی گوناگون، مقوله فضای معماری مورد بازبینی و بررسی قرار می‌گیرد که در این میان میتوان به «رویکرد سیاسی»، «رویکرد اقتصادی»، «رویکرد جغرافیایی - فضایی»، «رویکرد جامعه شناختی»، «رویکرد انسانشناختی» و «رویکرد معناشناختی» اشاره کرد که: «شهر به مثابه «واقعیتی معنایی و نمادین» تعریف میشود که نوعی پیوستگی «زمانی - فضایی» را بوجود می‌آورد که از خلال «معانی» تبلور می‌یابد. انسانها درون این شبکه‌ها به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند و همانگونه که خود به مثابه نشانه تفسیر می‌شوند، سایر نشانه‌ها را نیز تفسیر می‌کنند و بر اساس این کنش‌های نمادین است که می‌توانند حضور خویش را در شهر احساس و به یک معنی خود را در شهر هدایت کنند. «رویکرد معنایی شهر» صرفاً در بعد زمانی حاضر محدود نشده، بلکه به سوی گذشته و آینده نیز فرافکنی میشود به گونهای که «حافظه‌های

تاریخی - نمادین» و آرمان شهرگرایی‌های گوناگون در طول تاریخ فرهنگی انسان، عناصری بسیار تعیین کننده بوده‌اند؛ بدین ترتیب که فضاهای معنایی چه فضاهایی که بر اساس بازتفسیر فضاهای موجود یا پیشین توصیف شده‌اند (نظیر تفسیرهای نژادی همچون فضای حیاتی «راتزل») و چه فضاهایی که صرفاً حاصل فرافکنی «اندیشه‌های ایدئولوژیک» به سوی فضا برای تصور فضاهای خیالی بوده‌اند: «مور»، «کامپانلا»، «هرینگتون»، «فوریه»، «کابه» همواره تأثیری اساسی در «پارامتر نمادین معنایی» در شهر داشته‌اند که می‌تواند در شکل‌گیری گونه‌گونه فضاهای شهری و بار معنایی مربوط به آنها به عنوان رویکرد غالب در بررسی و بازبینی قلمداد شود که در رابطه با فضاهای نمایشی و تاترگونه نیز چنین خواهد بود. از طرفی، در ایران با سابقه تمدن چند هزار ساله‌اش، و مطالعه هر دوره تاریخی آن، با شواهد بسیاری مبنی بر توجه به علم و دانش روبرو می‌شویم و از مدارس و مراکز علمی فراوانی که در حکم دانشگاه‌های امروزی بوده‌اند، نشانی به‌دست می‌آوریم. مدارس که از لحاظ هنر معماری بی‌دیلانند. چنین سابقه تمدن و قدمت مدرسه‌سازی، این پرسش را در ذهن متبادر میکند که چرا مدارس و دانشگاه‌های امروزی ما از فضای مناسب و عملکردی صحیح محروماند؟ چرا توان ساخت و سازهای مناسب و درخور با عملکرد آن، جای خود را به بناهایی بی‌روح و نامتناسب با کارکرد آن داده‌است؟ در حقیقت امروزه در زمینه آموزش هنرهای نمایشی، کمبود فضای آموزشی که در خور اساتید و کاربردی برای هنرپژوهان باشد، کاملاً محسوس است. حال ایجاد مهدی برای آموزش و تجربه بازیگران و حضور و تعامل تماشاگران، مهم مینماید. بستری که نبوغ دانشجویان را در جریان به روز آموزش قرار داده و به او امکان میدهد در فضایی آکادمیک رشد و نمو پیدا کند. بنابراین میتوان گفت دانشکده تئاتر آفرینش مکانی است برای تالاقی آموزش و آزمایش، که از یک طرف به دانشجویان فرصت تحصیل و ارائه و نمایش دستاوردهایشان را دهد، از طرف دیگر زمینهای برای ارتقاء تعاملات اجتماعی و نزدیکی مردم به دانشگاه و آشنایی آنها با این دستاوردها را فراهم سازد و برای جذب مردم عامی از عرصه

شهری به جایگاه تماشای اقدام کند. نگارنده، در پی این ضرورت با مقایسه ایده‌های طراحی و بسط مبانی نظری در موارد مورد مطالعه، ویژگی‌های مورد نیاز فضای معماری متناسب با هنر تئاتر را تحلیل کرده و در نهایت پیشنهاد فضایی ارائه شده که در بخش‌هایی از آن، کالبد طراحی شده متناسب با آثار به نمایش گذاشته شده، به عنوان اثری هنری نمود پیدا میکند و محیط تعاملی به عنوان بستر مناسبتری برای درک مخاطبان و تحقق منظور هنرمندان خالق آثار فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، میدانی و مشاهده گردآوری شده‌اند. نمونه‌های خارجی مورد مطالعه مدرسه هنرهای عالی دانشگاه ایالت کانکتیکات اثر فرانک گهری، مرکز هنری کارپنتر با معماری لوکوربوزیه، مرکز طراحی دانشگاه سینسیناتی اهیو پیتز آیزنمن، دانشکده هنر و معماری بیل در شهر نیویورک در آمریکا با طراحی پل رودولف بودهاند. در داخل ایران دانشکده هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، دانشگاه هنر اصفهان و دانشکده هنر دانشگاه سوره بررسی شدند. لازم به ذکر است اطلاعات بدست آمده به صورت مهمترین قسمت مطالعه، که نقاط قوت و ضعف هر اثر میباشد چه به لحاظ کالبدی و چه به لحاظ مبانی نظری و چگونگی اهداف دانشکده‌ها و روند آموزششان بیان شد. در نهایت با مقایسه انواع دانشکده‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات طرح معماری ارائه شد که زمینه را برای ارتقا سطح دانشجویها بیشتر و بهتر شود. در این مقاله پرسشهای زیر در نظر گرفته شده است: آیا دانشکده‌های هنرهای نمایشی، برای بسط مفاهیم و شکلگیری هویت دانشجوی گام بر میدارد؟ چه کیفیتی از صورت کالبدی محیط، میتواند بر ارتباط هرچه بیشتر هنرمند با جامعه و مخاطب اثرگذار؟ تاثیر فضاها و امکانات محیط‌های هنری، در پرورش خلاقیت، تجربه‌ی ذهنی و شکلگیری هدف تاجچه حد می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

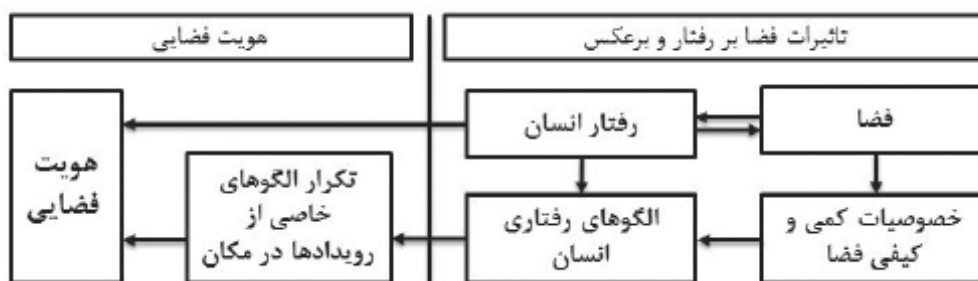
در بررسی‌های انجام شده در میان انبوه کتاب‌های منتشر شده، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های معتبر مربوط به حوزه معماری و تئاتر، پژوهش مستقلی که به طور کامل به موضوع «تحلیل نقش کیفیت محیطی فضاها و آموزشی در بهره‌وری دانشجویان هنرهای نمایشی» پرداخته باشد، یافت نشد. هر چند در این میان، به برخی از مقالات موجود که به صورت گذرا به تاثیر معماری بر سطح هنرهای نمایشی پرداخته‌اند، میتوان اشاره نمود که عبارتند از: «تعاملات در هنر و معماری» (نوحی، ۱۳۷۹)، «تحلیل رابطه شیوه بازنمایی و مکان نمایش در هنرهای جدید» (عینفرو و کیپور، ۱۳۹۲، ص ۵)، «تئاتر در معماری متحرک» (رامیار و شالی امینی، ۱۳۹۱).

مبانی نظری

تئاتر از جمله هنرهای ترکیبی است که ناگزیر از حوزه‌های سازنده‌ی خود متاثر است؛ چنانچه بنیان نظری تئاتر متاثر از فلسفه، نمایشنامه‌گونه‌های از ادبیات، صحنه بخشی از یک اثر معماری و اثر نهایی از هنرهای اجرایی است و ماهیت معنایی و شکلی فضا در هریک از این حوزه‌ها می‌تواند باز نمودی در تئاتر داشته باشد. به همین دلیل است که فضا سازی می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌ها و حتی برتری‌های تئاتر نسبت به دیگر گونه‌های هنرهای نمایشی قلمداد شود چنانچه نگاهی به تاریخ تئاتر در چند دهه‌ی اخیر آشکارا اهمیت این مفهوم را در حوزه‌ی اجرا نشان می‌دهد. «معماری، اندیشه‌های بسیاری را در برمیگیرد و معانی و مفاهیم بیشماری را به صورتی مؤثر و گویا ارائه میدهد. هنگامیکه من برای نخستین بار عناصر معماری را در تئاتر به کار بردم، از این سؤال شگفتزده و ذوقزده شدم که آیا معماری به طراحی صحنه قوت میبخشد؟ بله. معماری، علم و هنر، هر دو است» (Burian و ۱۹۷۴ و ۵۸). فضای معماری بنایی است که به عنوان یک واحد معماری هویتی مستقل از بناها و فضاها مجاورش دارد صحنه بخشی از یک اثر معماری است به همین دلیل است که فضا سازی می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌ها و

حتی برتری‌های تئاتر نسبت به دیگر گونه‌های هنرهای نمایشی قلمداد شود چنان چه نگاهی به تاریخ تئاتر در چند دهه‌ی اخیر آشکارا اهمیت این مفهوم را در حوزه‌ی اجرا نشان می‌دهد. محیط فیزیکی هنرهای نمایشی، مانند سایر محیطهای بنا شده، همانگونه که جنبه‌های فیزیکی دارد، از منظر اجتماعی نیز قابل بررسی است. جهان بنا شده، خواه یک دانشکده باشد یا یک بیمارستان، یک منزل مسکونی یا یک بزرگراه، به سادگی یک منظر آرایه از سیستمی اجتماعی است که عموماً بر رفتار و رابطه ما با دیگران تأثیر میگذارد. علاوه بر این، پاسخ اشخاص به جهان فیزیکی هرگز و تنها با مشخصات و ویژگیهای بنا و رخدادهایی که آن را تعریف میکنند، تعیین نمیشود. فضاها، امکانات و ویژگیهایشان، مردم داخل آنها و اعمالی که این مردم را درگیر میکند، نمایشگر سیستم مهمی برای هر شخص مشارکتکننده بوده و در نتیجه بر نحوه تعامل فرد با این مجموعه فیزیکی تأثیر میگذارد (Proshansky, Ittelson & Rivlin, 1976, 5). برخی از محققین بر این باورند که کار ویژه محیط فیزیکی به شدت بر ریشه‌های فرهنگی آن متکی است (Rapoport, 1977, 13). این واقعیت در فضاهای استفاده شده در نمایشهای مذهبی جوامع بدوی، تمدنهای کهن، قرون وسطی و حتی در برخی از جوامع مدرن که سنتهای مذهبی خود را حفظ کرده‌اند، قابل مشاهده است (Wickham, 1992). در واقع، رفتار انسان در یک فضا باید در زمینه مورد نظر و نیز در ادراک اجتماعی- فرهنگی آنان فهمیده شود (Ittelson & Rivlin, 1976). Proshansky (1976) مطالعه در خصوص نقش اجتماعی- فرهنگی محیط فیزیکی، به صورت عمومی، و در

تمايلات اجتماعی- فرهنگی هنرمند و مخاطب است (Malrin, 14 & Shoring, 15, 1995). دوم، این محیط فیزیکی نقش مهمی را در جامعه و زندگی اجتماعی- فرهنگی تماشاگر ایفا میکند (Carlson, 1989). سوم، فضاهای فیزیکی نمایش مذهبی در جوامع بدوی و تمدنهای کهن و نیز در قرون وسطی، در زمره مهمترین مظاهر معماری تاریخ زندگی بشر بوده‌اند (McAuley, 16, 2002)؛ برای مثال، گرچه در قرون وسطی ساختمانهای رسمی تئاتر وجود نداشت و نمایشها معمولاً در کلیساهای جامع، گورستانها، بازارها و خیابانها اجرا میشدند، موقعیت فیزیکی اجرا داخل ۱۷ شهر عاری از مفهوم نمادین در زمره سایر موضوعات معمارانه نبود (Johnston & Richardson, 1991). در این دوره، درست مانند دوران بدوی و تمدنهای کهن، تمامی شهر(مکان زندگی مردم) را میتوان به عنوان فضای تئاتری مورد بررسی قرار داد (Mumford, 1961). 18 (Carlson, 1989) بنا بر تاریخ هنر نمایش، بیشتر اجراهای نمایشی از دیرباز در فضاهای بیرونی آرایه میشده‌اند. محیطهای فیزیکی ابتدایی آیینها در جوامع بدوی، نزدیک به مکانهایی بودند که مردم زندگی میکردند (Brockett, 1984). محیط فیزیکی مورد استفاده در نمایشهای مصری به سه گروه اصلی تقسیم میشوند: غیر مقدس، نیمه مقدس و مقدس (Kirby, 1975). به عنوان مثال تعزیه اوزیریس، به عنوان اصیلترین و مقدسترین نمایش مصری، در فضاهای بازی چون کنار رود نیل و معبر بین این رودخانه و معبد اوزیریس اجرا میشد. این نمایش اصالتاً یک نمایش دسته‌روی محسوب میشود (Brockett, 1984).



نمودار ۳. تأثیرات فضا بر رفتار و هویت فرهنگی شهرها، ماخذ: جوادی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷.

نمایش دینی به صورت خاص، معمولاً نمایانگر سه واقعیت است. اول، فضای فیزیکی منعکس کننده

نیازهای انسانی	کیفیت‌های طراحی مربوطه
نیازهای فیزیولوژیک	تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیمی خرد) استحکام تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی
نیازهای ایمنی	ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، حریمیت، نفوذپذیری و انعطاف پذیری
نیاز به تعلق داشتن	هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی، خوانایی، تناسب بصری
نیاز به قدر و احترام	حس تعلق به فضا، فردیت و تعلق داشتن به گروه
نیاز به خود شکوفایی	فرصت‌های برای شخصی‌سازی فضا و مشارکت در طراحی، تنوع
نیاز به زیبایی	نما و منظر، غنا

مراسم آیینی و فضای نمایش

هشتم) در باب غنا به رقاصانی اشاره می‌کند که تمثالهایی از اسبانی چوبی و لباسهایی مخصوص را می‌پوشیدند و به وسیله آن تقلید اسب دوانی می‌کردند و در مهمانیها و عروسیها و جشنها با انواع کارها مردم را سرگرم می‌کردند (ابن خلدون، ۱۳۵۳، ص ۸۵۵). در رابطه با مراسم مذهبی که جنبه ای تفریحی به خود می‌گرفت، مطلبی در کتاب «آیین شهرداری (معالم القریه)» ابن اخوه متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری در ضمن باب چهل و هشت در مورد حسبت بر واعظان، نوشته شده که هر چند بسیار مختصر و مبهم می‌باشد، با این وجود قابل توجه است. او پس از آنکه وظایف واعظان و شرایط وعظ را بیان می‌کند، از اجتماعات وعظی که برای تفریح برگزار می‌شود، شکایت می‌کند و چنین می‌گوید: «البته اجتماعاتی بیهوده هم تشکیل می‌شود که مردم نه برای شنیدن پند و سود بردن در آنجا گرد می‌آیند بلکه این مجامع نوعی تفریح و سرگرمی است و کارهایی ناروا از قبیل فراهم آمدن زنان و دیدن یکدیگر در آنجا صورت می‌گیرد، اینها همه بدعت و گمراه کننده است و باید به سختی از این امور ممانعت شد» (ابن اخوه، ۱۳۶۰، ص ۱۸۲). «کاشفی» درباره معرکه گیری نکات جالبی را از نظر جامعه شناسی بیان می‌کند. در جایی در مورد ویژگیها و خصوصیات معرکه گیر از ده صفت نام می‌برد که عبارت از «خوش برخورد و خندان بودن»، «چالاکی»، «وقت شناسی»، درک و شناخت محیط خوب برای معرکه گیری، شرکت دادن حاضران در معرکه، یاد کردن پیران و بزرگان، صلوات دادن و

یکی از نخستین صورتهای نمایش که مورد توجه انسان قرار گرفت، نمایشهای تقلیدی و جادویی برای موفقیت در شکار یا ترغیب نیروهای غیبی جهت تنزیل باران و جشنهای باروری و کشاورزی می‌بود، تصاویر بدست آمده از غارها و اشیاء مکشوفه در اثر حفاریات و جالبتر از آنها گزارشات و مشاهدات از مراسم و آداب قبایل ابتدایی که تا عصر اخیر و شاید هنوز، در جزایر ملانزی و استرالیا و برخی در هند و آفریقا زندگی می‌کنند، می‌باشد. در واقع نمایش تقلیدی بهترین شیوه برای برانگیختن احساسات و تصویرسازی و بیان واقعیت است (سلطان زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲). در دستگاه خلافت بنیامیه و بنی عباس در کنار خوانندگان و نوازندگان مجالس لهو و لعب عدهای تقلیدی و دلک نیز بودند که با نمایشهای خود دیگران را سرگرم می‌کردند. اشعب از مشهورترین دلکان زمان بنی امیه و خلیع دمشق و ابوالعبر از دلکهای دوره هارون و متوکل عباسی بودند. این دلکان از لباسهای گوناگون و مضحک استفاده می‌کردند و علاوه بر آن گاه در پوست حیواناتی مثل خرس و میمون می‌رفتند و از آنها تقلید می‌کردند (جرجی زیدان، ۲۵۳۶، ص ۱۰۱۴). در کتاب «محاسن اصفها» نیز نام تعدادی دلک آمده است. به غیر از تقلیدچیان، عده ای نیز بودند که به وسیله عروسک بازی نمایشهایی برای سرگرمی بینندگان ترتیب می‌دادند و ظاهرا اینکار در زمان سلاجقه در ایران معمول بوده است (جتی عطایی، ۱۳۳۳، ص ۵۲). «ابن خلدون» هم (قرن

حماسه سرایی و نقالی هم از هنرهای است که از زمان باستان در ایران سابقه داشته و حماسه های بسیاری از آن زمان تاکنون برجای مانده است و نه تنها در ایران بلکه در بین سایر اقوام نیز به صورت گوناگون رایج بوده است. این حماسه ها علاوه بر تحریک و نشویق جنگاوران و زورآرمایان در هنگام کار و نیز سرگرم ساختن مردم در وقت فراغت، کار حفظ و بازگو کردن تاریخ اساطیری را هم بر عهده داشتند. یکی از حماسه های قدیمی مذهب شیعه، خاوران نامه است که شامل شرح حال و داستانهایی از حضرت علی بن ابی طالب (ع) متعلق به مولانا محمد بن حسام الدین از شعرای قرن نهم متوفی با سال ۸۷۵ هجری است و یکی دیگر از این حماسه ها، منظومه ایست به نام صاحبقران نامه که درباره «حمزه بن عبدالمطلب» عم پیامبر اکرم (ص) ملقب به سید الشهدا است که در سال ۱۰۷۳ هجری به نظم در آمده است و سراینده آن معلوم نیست (صفا، ۲۳۵۶م)، ص ۳۷۷). تاریخ اجرای نخستین تعزیه و چگونگی آن هنوز مشخص نشده است. بنا به خبری تعزیه در زمان کریم خان زند برای اولین مرتبه به اجرا درآمد و درباره علت و انگیزه آن نوشته اند که در زمان او سفیری از فرنگ به ایران می آید و درباره تاترهای غم انگیز آنجا توصیفی برای کریم خان می کند و او نیز دستور می دهد که واقعه کربلا به صورت تعزیه برگزار شود (فلسفی، ۱۳۳۲، ص ۱۰). دکتر پرویز ممنون به کتابی بنام «تاریخ و جغرافیای امروز ایران» به زبان آلمانی که در سال ۱۷۳۹ انتشار یافته، دست یافته است که در آن از قول دو سیاح به نام سالامون انگلیسی و وان گوک هلندی شرحی درباره یک نوع نمایش مذهبی در روز عزا آمده است که در واقع نشان یک تعزیه سیار است. متن گزارش چنین است: «به طرز خاصی زندگی او (امام حسین (ع))، اعمال و جنگها و شهادتش، در روی عرابه هایی که به شکل صحنه تئاتر تزیین یافته است، قسمت به قسمت، به نمایش در می آید. آنها هم به ویژه در مراسم عزاداری پر شکوه و پر تماشاگر، از این گذشته عرابه های زیادی دیده می شوند که در حرکتند و بر روی آنها افرادی با پرچم و آلات

عدم تعرض به کسی می باشد. «کاشفی» در مورد تقسیم بندی معرکه از نظر اخلاقی، آن را به دو نوع یکی مقبول و پسندیده و دیگری نامقبول و نامشروع، تقسیم می نمایند و آن را از نظر حرفه ای به سه طایفه تقسیم می نماید. اول اهل سخن، دوم اهل زور و سوم اهل بازی.

۱. «اهل سخن» خود شامل سه طایفه اند که عبارت اند از: مداحان و غراخوانان و سقایان؛ خواص گویان و بساط اندازان؛ قصه خوانان و افسانه گویان.

۲. «اهل زور» را شامل هشت طایفه می داند که عبارتند از: کشتی گیران، سیگ گیران و ناوه کشان و سله کشان و خمالان و مغیر گیران و رسن بازان و زورگران.

۳. «اهل بازی» را به سه طایفه تقسیم می کند که عبارتند از: طاس بازان، لعبت بازان و حقه بازان و برای هر یک تعریفی آورده که نقل می شود. در مورد طاس بازی می گوید: در این کار چهار فعل است و هر یک معنی دارد. اول جبه پوشیدن، دویم چرخ زدن، سیم رخت (برداشتن) و پنهم کردن و چهارم باز آوردن و درباره لعبت بازی حکایتی را نقل می کند که گویای چگونگی لعبت بازی، عروسک بازی در آن هنگام می باشد. می گوید: «عزیزی گفته است که روزی به هنگام لهوی حاضر شدم، شخصی را دیدم نشسته و چادری در سر کشیده و دو صورت در زیر چادر نگاه داشته، گاه به زبان یک صورت سؤال می کند، با آواز (مردی بالغ بلند آواز و باز خود) جواب گوید به زبان صورت دیگر به آواز، دختری خرد باریک آواز و (و باز) در یک حالت چنان سخن می گوید که سؤال و جواب ایشان به اختلاف اصوات هر دو از وی توان شنید و در اثنای سؤال و جواب حال مودی به خصومت شد و بر یکدیگر زدند و باز به صلح مشغول شدند و این همه قول و فعل یک کس بود که در زیر آن چادر بازی می کرد» (سبزواری کاشفی،

ادوات جنگی در دست، قسمتی از اعمال حسین را به نمایش می گذارند.» (ممنون، بی تا، ص ۱۴). زمینه های نمایش تقلیدی در دوره صفویه وجود داشت، چنانکه علاوه بر قهوه خانه ها که در این عهد پدید آمدند و در آنها برنامه های نمایشی و رقص و آواز و شاهنامه خوانی و برخی بازی ها اجرا می شد (فلسفی، بیتا، ص ۲۵۸). نمایشهایی نیز به صورت ابتدایی در میدان شهر اجرا می شد، چنانکه شاردن اشاره می کند: «تفریحات میدان عبارتست از نمایشات شعبده بازان و بندبازان و مسخرگان و لودگان و کشتی گیری و مصارعت و نبرد قوچها و گاونرها» (شاردن، ۱۳۴۵، ص ۴۰۸) که این نمایشات به خصوص نمایشهای تقلیدی در زمان زندیه روبه تکامل نهاد و نمایشاتی به نام بقال بازی و کچلک بازی که جنبه انتقادی و تفریحی داشت، معروف شد.

در زمان قاجاریه گزارشهای متعددی درباره چگونگی برگزاری مراسم تعزیه وجود دارد. سرهنگ «گاسپار دروویل» که در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ از ایران دیدن کرده و در این باره چنین می نویسد: «در آنروز یکی از درباریان که ایفای نقش حسین بن علی به او واگذار شده بود با سوارانی به تعداد همراهان حسین (ع) به هنگام عزیمت به کوفه به میدان می آید. ناگهان عبیدبن زیاد در راس چندین هزار سوار سر می رسد. حیرت من وقتی فروتنتر شد که دیدم پس از پایان نمایش از چهار هزار تن سوار که بدون رعایت نظم و احتیاط بجان هم افتاده بودند، حتی یک تن نیز زخمی نشده است. مراسم تعزیه در میان قبائل و طوائف مختلف با تغییرات کم و بیش زیادی انجام می گیرد ولی در هر حال اساس آن یکی است» (دروویل، ۱۳۴۸، ص ۱۵۹). «اوژن فلاندن» نیز که در سال ۱۸۴۰ به ایران می آید، از تعزیه هایی سخن میگوید که در زیر چادرهایی بزرگ که در معابر عمومی و یا حیاط مساجد یا درون قصور بزرگ برگزار می شد. این تعزیه ها در روی تختی که در وسط فضای مورد نظر قرار می گرفت، انجام می شد. ضمناً او از نقش فردی به عنوان فرنگی که در اثر توجه و اعتقاد به حقانیت مبارزین، شفاعت آنان را نزد خلیفه اموی می کند و لباسی فرنگی پوشیده بود، نام می برد. همراه با

این مراسم درباره مراسمی در سالگرد قتل خلیفه دوم که جنبه نمایشی دارا بوده، توصیفات و خبرهایی نیز آمده است (ریچاردز، ۱۳۴۳، ص ۱۱۷) و (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۹۶).

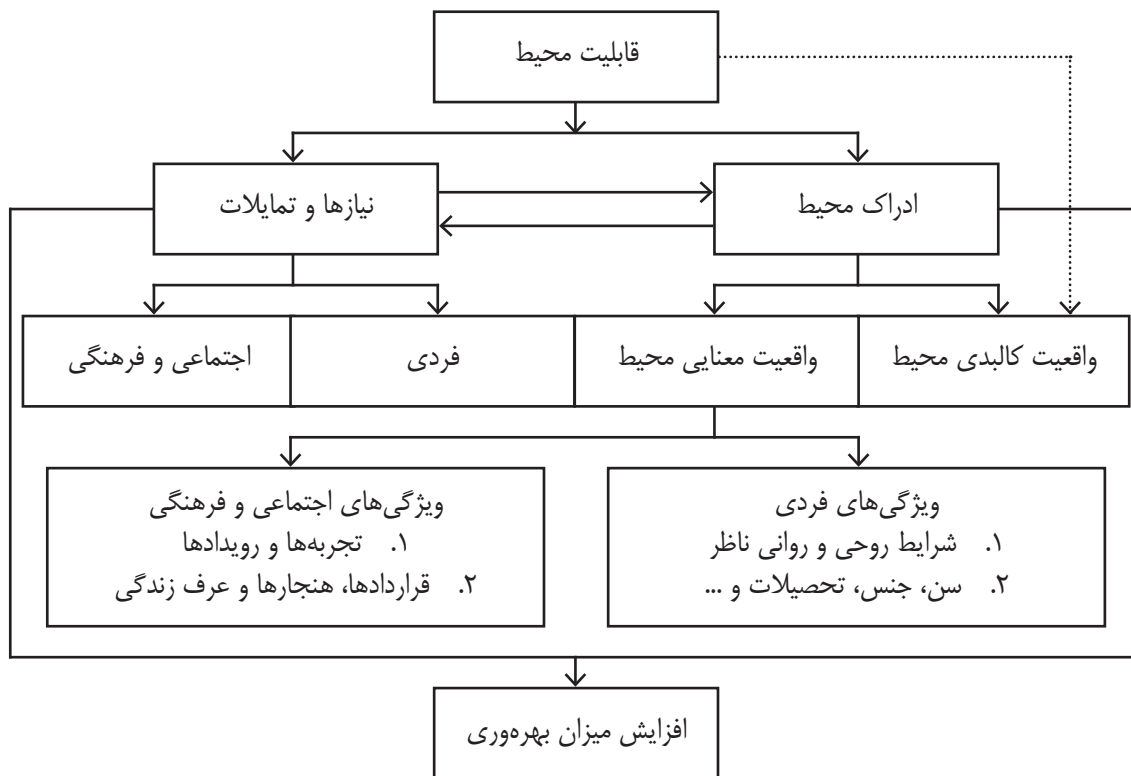
کیفیت و کیفیت محیطی

محیط های موفق پشتیبانیکننده و تسهیلکننده فعالیت های مردم هستند. بنابراین، طراحی عرصه های همگانی شهری میبایست با آگاهی از نحوه استفاده مردم از آنها باشد (کرمونا و تیزدل، ۱۳۹۰، ص ۳۴۳). «کار» و همکاری استدلالات می کنند همان طور که یک فضا میبایست دارای معنی و جامعگرا باشد، میبایست پاسخگوی نیازهای استفاده کنندگان نیز باشد. آنچه مهم است آشنا شدن با نیازها است؛ زیرا مکان هایی که نیازهای مردم را برطرف نکنند یا عملکرد مهمی برای مردم نداشته باشند، مورد استفاده قرار نمیگیرند و ناموفق محسوب می شوند (Francis, Carr, 1992, Stone & Rivlin). «لنگ» نیز کارکرد محیط ساخته شده را بر مبنای الگوهای رفتار انسان، مورد توجه قرار می دهد و بر لزوم توجه به طیف وسیعی از نیازهای انسان شامل نیازهای زیستی، اجتماعی و روانی تأکید می کند (Lang & Moleski, 2011:23). راپاپورت معتقد است وقتی قوانین به کاررفته در یک محیط به خوبی شناخته و ادراک شده باشند رفتار مناسب حاصل میشود و در نتیجه فرد در استفاده بیشتر از محیط تواناتر می گردد (راپاپورت، ۱۳۸۴، صص ۶۴-۶۷). در نوع و نحوه رفتار دو عامل بسیار مهم، تأثیرگذار هستند: محیط (ادراک تمام ابعاد و ویژگی های آن) و فرد (با تمام ویژگی های فردی، اجتماعی و فرهنگی). ادراک محیط و قابلیت های آن در شکلگیری الگوهای رفتار و فعالیت در عرصه های همگانی مؤثر می باشد و توجه به نیازها انتظارات کاربران عرصه همگانی، زمینه های ارتقای کیفیت و افزایش حضور مردم را در عرصه های همگانی فراهم میسازد. ادراک کیفیت و قابلیت عرصه های همگانی از تعامل دوجانبه انسان/ محیط جدا نیست. «گیفورد» در تبیین تأثیر متقابل انسان و محیط معتقد است، فرد محیط را دگرگون می کند و همزمان، رفتار و تجارب وی به وسیله

محیط ساخته‌شده توسط افراد جامعه می‌باشد. ادراک محیط تابعی از شرایط و متغیرهای محیطی و نیز ویژگی‌های فرد ادراک‌کننده می‌باشد. بدیهی است هر چه میزان دانش و آگاهی نسبت به کدهای محیط بیشتر باشد، ادراک کاملتر بوده و از این رو، مدت‌زمان حضور فرد در محیط رابطه مستقیمی با شناخت بیشتر و ادراک کاملتر دارد. بنابراین، می‌توان ادراک محیط را فرآیند به تصویر کشیدن اطلاعات ارسالی از محیط ساخته‌شده در ذهن ناظر (ادراک‌کننده) برشمرد. فرآیند ادراک قابلیت‌های محیط از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد می‌توانند در تجربه محیطی و درک آن اثرگذار باشند.

محیط دگرگون می‌شود (Gifford, 1997:10). از این رو، محیط باید دارای شرایط لازم برای وقوع رفتارها باشد؛ اما وجود این شرایط به این معنی نیست که رفتار خاصی در آنجا انجام می‌شود. اینکه در واقع چه اتفاقی روی خواهد داد، بستگی به موقعیت، انگیزه، دانش و شایستگی افراد مربوط به آن دارد (Lang, 2005:8). بنابراین، می‌توان ادعا نمود که محیط ساخته‌شده دارای قابلیت‌هایی است که به مردم حق انتخاب در استفاده از عرصه همگانی را می‌دهد. قابلیت‌های محیط ساخته‌شده به واسطه ویژگی‌های کالبدی محیط به وجود آمده و به طیفی از فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی پاسخ می‌دهند. ادراک قابلیت‌ها و کیفیت‌های محیطی فرآیند هدفمند دریافت اطلاعات ارسال شده از

نمودار ۵. کیفیت محیط و افزایش بهره‌وری از فضا؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.



فضای نمایش

نحوه اجرای نمایش با توجه به فضای آن به انواع مختلفی تقسیم میشود: پرده بازی اساس سینما و خیمه شب بازی اساس تئاتر است، به همین جهت در پرده بازی تماشاگر، خود عروسک را نمی بیند بلکه سایه ی آن روی پرده می افتد؛ اما در خیمه شب بازی، عروسک ها بی واسطه پرده، به روی صحنه می آیند. در نتیجه پرده بازی تنها به یک پرده و یک چراغ احتیاج داشت که بتوانند سایه عروسک ها را بر روی پرده نمایش دهند ولی خیمه شب بازی در خیمه ای که دو طرفش دو چراغ روشن بود، نمایش داده می شد. صحنه، صندوقی بود که یک طرف صندوق به طرف تماشاچیان باز بود و سه طرف دیگرش اتاقی را نشان می داد. صندوق در خیمه بود و نمایشگردان پشت صندوق مخفی می شد و عروسک ها را با نخ یا بالهای نازک تکان می داد. اغلب هر دوی این مراسم در شب برگزار می شد و عروسک گردان ها دوره گردهایی بودند که مکان خاصی نداشتند و بساط خود را در هر جایی پهن می کردند.


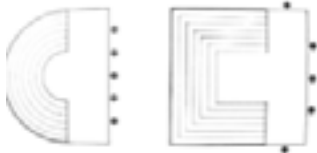
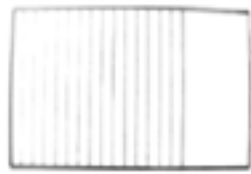
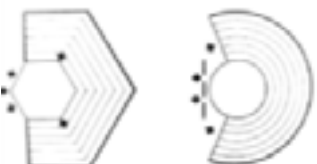
جدول ۳. نحوه اجرای نمایش با توجه به فضای آن؛ ماخذ: نگارنده.

نمایش‌های سیار: ایام نوروز و عاشورا در معابر و بازارها نمایش‌های ثابت: روحوضی و تعزیه در خانه‌ها، کاخ‌ها و قهوه‌خانه‌ها		نحوه اجرای نمایش با توجه به فضای آن
فضاهای شهری فاقد طراحی: نمایش‌های مذهبی، محلی یا ملی در قسمتی از یک فضای باز. فضاهای شهری طراحی شده: فضاهای طراحی شده برخی از میدان‌ها، میدان‌چه‌ها و بازارها که غرفه‌ها و طاق‌نماها پیرامون این فضاها به صورت منظم و فکر شده‌ای تزئین می‌شدند.	فضاهای شهری	انواع فضاهای نمایش
فضای تئاتر ثابت: تکیه دولت، نخستین فضای معماری که تنها کارکرد آن نمایش. نقطه قوت: ارتباط نزدیک با مخاطبان	فضاهای معماری مخصوص نمایش	
فضاهای تئاتری ناپایدار: روی حوضی کاروان‌سراها، مدارس و برخی از خانه‌های بزرگ، تماشاگران نیز در پیرامون حیاط و در حجره‌ها و ایوان‌های مشرف به حیاط	فضاهای معماری با کارکردهای دیگر	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۴. اصول طراحی فضاهای نمایشی؛ ماخذ: نگارنده.

	<p>صحنه میدانی: جایگاه تماشاچیان صحنه را کاملاً دایره‌وار احاطه کرده است، نمونه تاریخی: کلوستوم شهر روم.</p>	<p>نکات مهم در طراحی تالارها فرم تالارها</p>
	<p>صحنه نعل اسبی: جایگاه تماشاگران مجزا از هم است و سه طرف صحنه را احاطه کرده است، نمونه تاریخی: تئاتر اپیداروس.</p>	
	<p>صحنه یک سویه: جایگاه تماشاچیان به وسیله خطی مستقیم از صحنه جدا می‌شود.</p>	
	<p>فضای منعطف: رکیبی از موارد بالاست، می‌تواند با جابجایی صندلی‌ها و قسمت‌هایی از کف به صورت ایوانی - میدانی و هلالی ظاهر شود به این گونه صحنه‌ها چند شکلی می‌گویند یعنی تماشاگران و بازیگران دچار تداخل و ترکیب شوند.</p>	

۲-۳. فضای معماری و گونه‌های مختلف تئاتر

اجرای تعزیه نیز نیاز به صحنه آرایشی (دکور) خاصی نداشت، اجرای تعزیه از نظر مکانی منحصر به جای ویژه‌ای نیست. این مراسم در ماه محرم، به ویژه در تکایا و حسینیه‌ها یا فضای باز اطراف آنها، حیاط کاروانسراها، بازارها، صحن مساجد، میدانچه‌ها و چهارراه‌ها و گاهی منازل شخصی و یا در عصر جدیدتر، در تماشاخانه‌ها بازی می‌شود. نمایش روحوضی در زمان جشنها و میهمانیها در خانه‌ها برگزار میشد، به این ترتیب که ساکنان خانه روی حوض وسط حیاط تخته بزرگی می‌گذاشتند و شکلی همانند صحنه نمایش به آن میدادند و عده‌ای بازیگر روی آن تخته به اجرای نمایش می‌پرداختند. نقالی و پردهخوانی هم تنها به پرده مخصوص خود احتیاج داشت و نیازمند دکور خاصی نبود، این مراسم اکثراً در قهوهخانه‌ها اجرا میشد

جدول ۵. ساختار عمومی فضاهای نمایشی

<p>سن و تالار تماشاگران، فضای خالص برای نشستن، فضای سیرکولاسیون، مسیر اصلی تخلیه، راه فرار، بالکن‌ها و سن اصلی.</p>	<p>عرصه نمایشی</p>
<p>مربوط به امور نمایشی و اداری که با کارکنان و بازیگران ارتباط مستقیم دارند، شامل کارگاه‌های ساخت، آماده‌سازی دکور، سالن‌های تمرین بازیگران، سالن‌های تمرین نوازندگان، رختکن‌ها، کارگاه‌های دوخت لباس و انبار.</p>	<p>پشت صحنه</p>

جدول ۶. نحوه توزیع فضایی، فعالیت‌ها و فضاهای تشکیل دهنده

صحنه	نمایش در آن‌ها اجرا می‌شد	دایره، بیضی، مربع یا مستطیل و نسبت به سطح زمین مجاورش تا یک متر بلندتر
تماشاگران	پیرامون صحنه	همه تماشاگران در یک سطح استقرار، زنان در یک سو و مردان در سویی
فضاهای اصلی	در حسینیه‌ها و تکیه‌ها: حجره‌ها، غرفه‌ها، طاق‌نماهای پیرامون فضاهای باز یا تالارها، ایوان‌ها و حجره‌های پیرامون حیاط	
فضاهای خدماتی	فضای تهیه غذا، سرویس‌های بهداشتی و تأسیسات	
فضاهای ارتباطی	گاهی تکایا محل تقاطع دو یا چند معبر اصلی محله قرار دارند و در نتیجه بخشی از فضای آن‌ها با فضای ارتباطی مشترک است و گاهی تنها توسط یک یا دو ورودی با معابر شهری ارتباط داشتند.	

نمونه‌های مورد مطالعه

نمونه‌های خارجی


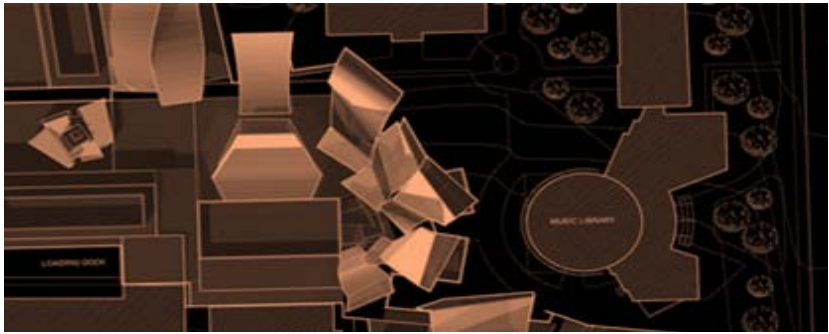


مدرسه هنرهای عالی دانشگاه ایالت کانیکتیکات

این مدرسه، طرح برگزیده فرانک گهری است. سقفهای منحنیوار، ساختمان مدرسه هنرهای عالی را به قسمت جنوب شرقی مجموعه دانشگاه ایالت کانیکتیکات متصل نموده‌است که این مدرسه به صورت یک مجموعه وسیع و دارای ۲۰ بلوک در سایت دانشگاهی واقع شده‌است. همچنین ساختمانهای جدید طوری طراحی شده‌اند تا مرکز جدید شهر منسفیلد را به قسمت شرقی گذر استور مرتبط نمایند. بخش ورودی مجموعه در مجاورت مناطق مسکونی و مراکز خرید بوده و به سمت دهکده سبز دارد. فرانک گهری فضاهایی چون نمایشگاه، سالن آمفی تئاتر، کتابخانه، کافه تریا و دیگر فضاهای مورد نیاز را برای این مجموعه در نظر گرفته است. ساخت این پروژه در سال ۲۰۰۶ آغاز گشته و مساحتی معادل ۱۸۳۰۰۰ مترمربع دارد.

میتوان اظهار داشت که نخستین فضای معماری که عمدتاً به منظور انواع نمایشها ساخته شد تکیه دولت بود و پیش از آن فضایی که بتوان گفت تنها کارکرد آن نمایش بوده، وجود نداشته است. در تکیه‌هایی که به صورت یک فضای معماری بودند، مراسم عزاداری به صورت روضه خوانی و دیگر شکل‌های آن نیز برگزار میشد و خصوصیات معماری آنها از سایر بناهای معماری چندان متمایز نبود. به نظر می‌رسد اهمیت فضا در تئاتر معاصر مسئله‌ای است که به تدریج و در نتیجه‌ی عوامل متفاوتی شکل گرفته‌است عواملی که گاه به دلیل رویکردهای اجتماعی با تأثیری همگانی و ناگزیر بوده و گاه برگرفته از سلیقه‌های شخصی و در نتیجه نوعی رویکرد فردی قلمداد می‌شود. مدرسه هنرهای عالی کانیکتیکات، دانشکده هنر و معماری ییل، مرکز هنرهای تجسمی و مرکز طراحی اهیو برای بررسی انتخاب شدند. در داخل ایران نیز دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، دانشگاه سوره و دانشکده هنر اصفهان به عنوان نمونه‌های داخلی مطالعه شدند. در ادامه به بررسی موردهای مطالعه و تحلیل آنها پرداخته شده است.



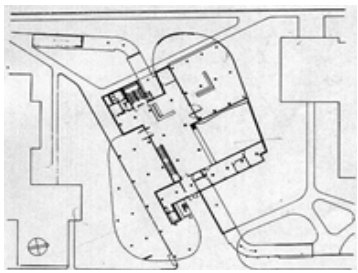
جدول ۷. مدرسه هنرهای عالی دانشگاه ایالت کانیکتیکات؛ ماخذ: نگارنده.

ایالت کانیکتیکات - ۲۰۰۶	۱۸۳۰۰۰ متر مربع	فرانک گهری	مدرسه هنرهای عالی دانشگاه
			
<p>۱- طرح برگزیده فرانک گهری؛ ۲- به عنوان گیت ارتباطی بخش‌های داخلی و خارجی شهر ۳- طراحی ساختمان‌های دانشکده منطبق با شهر؛ ۴- دید بسیار زیبا ۵- دو مسیر پیاده یکی برای عموم دانش‌آموزان و دیگری در پشت آتلیه‌های شیشه‌ای برای مشاهده نحوه عملکرد دانش‌آموزان توسط افراد پیاده.</p>			شاخصه‌های مجموعه مورد نظر

مرکز هنری کارپنتر

این مرکز تنها ساختمانی است که لوکوربوزیه در آمریکای شمالی و در پایان دوران کاری خویش تکمیل نمود. او فرم شیشه‌ای این مرکز هنری را از مجموعه دیر لاتورت اقتباس نموده است. همچنین او در ویلا ساوا با ایجاد رامپ و پارتیشن‌های منحنی فضای طبیعی محیط بیرون را به داخل برده که این شیوه طراحی در مرکز کارپنتر با تاکید بیشتری اجرا شده است در قلب این مرکز یک حجم مکعبی شکل قرار دارد که فضاهای منحنی استودیوها از آن خارج شده اند و رمپ S شکلی از میان این مجموعه گذشته و آن را به گذر اصلی مرتبط می نماید.

جدول ۸. مرکز هنری کارپنتر؛ ماخذ: نگارنده.

آمریکای شمالی	-	لوکوربوزیه	۱۹۶	مرکز هنری کارپنتر - دانشگاه هاروارد
				
<p>۱- معمار با ایجاد رامپ و پارتیشن‌های منحنی فضای طبیعی محیط بیرون را به داخل برده؛ ۲- ترکیب فوق‌العاده‌ای از جمع‌آوری طرح‌های اولیه لوکوربوزیه که به صورت بتنی.</p>				شاخصه‌های مجموعه مورد نظر

مرکز طراحی دانشگاه سینسیناتی، اهیو

پیتر آیزنمن در این پروژه موظف بود تا دانشکده معماری و شهرسازی این مجموعه که در اوایل سال ۱۹۵۰ ساخته شده بود و مساحتی معادل ۱۳۴۰۰ متر مربع را داشت بازسازی نماید. علاوه بر آن فضاهای جدیدی که شامل: کتابخانه، سالن اجتماعات، نمایشگاه، استودیوهای طراحی و بخش های اداری می باشند به این مجموعه اضافه کرده و طراحی کند. که مساحتی معادل ۱۲۰۰۰ متر مربع را دربرداشتند. برای طراحی مجموعه جدید پیتر آیزنمن به کمک فرم زمین پروژه و ساختمان های اطراف که منحنی استفاده نمود. در واقع ساختمان جدید در سایت مورد نظر به خوبی جای CURVE شکل بودند از فرم گرفته و خود را با محیط اطراف تطبیق داده است.

جدول ۹. مرکز طراحی دانشگاه سینسیناتی، اهیو؛ ماخذ: نگارنده.

مرکز طراحی دانشگاه سینسیناتی	۱۹۵	پیتر آیزنمن	اهیو	۱۳۴۰۰ (متر مربع) بازسازی ۱۲۰۰۰ (متر مربع) طراحی
				
شاخصه های مجموعه مورد نظر		۱- ایده اصلی مجموعه تطابق حجم با فرم زمین می باشد؛ ۲- محصوریت این دانشگاه در میان فرم سایت و درختان اطراف آن از محورهای اصلی طراحی بوده است.		

مدیریت شهری




فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۲۵۳

دانشکده هنر و معماری ییل در شهر نیویورک

ساختمانهای مدرن به کار گرفته شده اما در اینجا تضادی در سیمای ساختمان پدید میآورد و خشونت آن را بیشتر میکند. غیر از سیمای برون ساختمان، معمار به سیما و عملکرد درونی آن نیز توجه داشته است. با آنکه گفته شده که سطوح متعدد در درون این ساختمان هفت طبقه گیج کننده است اما چون هر یک به منظوری خاص و مشخص طرح شده و در جای خود قرار گرفته است به تنوع فضای درونی که آن نیز به سبب این سطوح مختلف و متعدد حالت تندیس گونه گرفته است میافزاید.

این دانشکده، توسط پل رودولف به سبک برتالیسم طراحی شد. جایی که برتالیسم خود را به وضوح بیشتر نشان می دهد. در این ساختمان اگرچه تاثیر لوکوربوزیه مشهود است اما رودولف با امکاناتی فراوانتر و جرأتی بیشتر و طرحی مستقلتر خصوصیت برتالیسم را آشکار کرده است. در این ساختمان نیز نه تنها بتن به صورت آشکار به کار گرفته شده بلکه به آن شیار داده شده تا خشونت در سیمای این ساختمان گران پیکر دیده شود. به عنوان مثال ابعاد تیرها بیش از میزان لازم هستند و تیرها در دو جهت عمود برهم در نما آشکار شده اند تا در احساس تنومندی ساختمان تردیدی پیش نیاید. شیشه نیز در این ساختمان به وفور و همانند بقیه

شهر نیویورک در آمریکا	بروتالیسم	پل رودولف ۱۹۶۴- ۱۹۸۵	دانشکده هنر و معماری ییل
			<p>۱- سطوح رو به حیاطی محصور که از سقف نیمه باز است مرتبط می‌شود که به این دانشگاه کیفیتی دل‌باز و دل‌گشا و برخلاف مدارس تنگ و تاریک قدیمی معماری می‌دهد. ۲- پل رودولف با ایجاد حالت تندیس‌گونه بنا سعی در ایجاد انگیزه در دانشجویان را داشته است. ۳- تا حدی فضاهای داخلی به دلیل سردی و خشونت بتن و صفحات انعطاف‌ناپذیر افقی و عمودی نسل جدید را جلب نکرده است. ۴- سطوح متعدد در درون این ساختمان هفت طبقه گنج‌کننده است.</p> <p>شاخصه‌های مجموعه مورد نظر</p>

برای تدریس در یک سال تحصیلی به ایران دعوت شد. رشته نمایش در سی‌ام آذرماه ۱۳۴۵ به طور رسمی به دانشکده هنرهای زیبا پیوست و بدین ترتیب تمام فعالیت‌های نمایش در این دانشکده متمرکز شد. فارغ‌التحصیلان این رشته به عنوان گروهی از هنرمندان جامعه وظیفه مفاهیم فرهنگی را با بیانی هنری عهده‌دار می‌باشند. این فارغ‌التحصیلان توانایی انجام کلیه امور مربوط به نمایش، اعم نویسنده‌گی، کارگردانی، بازیگری، دکورسازی و صحنه‌آرایی و نمایش عروسکی را متناسب با گرایش خود دارا بوده و می‌توانند جذب مراکز هنری و آموزشی گردند. دوره کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی نیز از جمله دوره‌های آموزشی دانشکده هنرهای زیبا است که در آن سال تأسیس شد، هدف آن ارتقای سطح علمی و بینش هنری و توان نویسنده‌گی شرکت‌کنندگان در زمینه ادبیات نمایشی، رشد خلاقیت‌های ادبی و هنری متناسب با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. با توجه به اینکه بنیاد و اساس فعالیت‌های نمایشی از جمله نمایش (تئاتر) و سینما را متون نمایشی (نمایشنامه

نمونه‌های داخلی

دانشکده هنرهای نمایشی - پردیس هنرهای زیبا - دانشگاه تهران^۱

در سال ۱۳۳۵ ه.ش برای نخستین بار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از یک استاد و کارگردان آمریکایی به نام «فرانک دیویدسون» برای تدریس نمایش دعوت کرد. در این کلاس غیر از دانشجویان دانشگاه، اشخاص علاقمند متفرقه هم می‌توانستند پس از یک آزمون مقدماتی، شرکت نمایند. دروس موردنظر شامل بازیگری، کارگردانی، سبک‌های نمایش، آرایش چهره، صحنه‌آرایی و لباس، نمایشنامه‌نویسی و انتقاد نمایش بودند. از سوی دانشکده ادبیات به قبول شدگان در امتحانات پایانی، گواهینامه‌ای به امضای رئیس دانشکده و استاد مربوطه «دیویدسون» ارایه می‌شد. در سال ۱۳۳۶ ه.ش، پروفیسور جرج کوئین‌بی، استاد «دانشگاه مین»، از سوی مؤسسه «فولبرایت»

۱. <http://ut.ac.ir/fa>

و فیلم‌نامه) تشکیل می‌دهند.

جدول ۱۱. دانشکده هنر و معماری تهران؛ ماخذ: نگارنده.

پرديس هنرهای زیبا - دانشگاه تهران	معمار	۱۳۴۴ - ۱۳۴۵	دانشکده هنرهای نمایشی
			
<p>۱- چارچوب تعليماتی هنرهای تئاتری طی دوره چهار ساله در دو نوع نظری و عملی: قسمت نظری، تربیت نویسندگی درام و منتقد تئاتری و قسمت عملی تربیت هنرپیشه، کارگردان و مدیر تئاتر. ۲- هنرهای نمایشی این دانشکده: کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه، نمایش عروسکی، ادبیات نمایشی و تئاتر. ۳- توجه به ادبیات و فرهنگ ایران باستان.</p>			<p>شاخصه‌های مجموعه مورد نظر</p>



مدیریت شهری

دانشگاه هنر اصفهان^۲

به عنوان محور آموزش عالی رشته‌های هنری در استان هنر پرور و خطه هنرخیز اصفهان در ابتدا با نام «دانشکده پرديس اصفهان» و به سال ۱۳۵۵ با هدف تربیت نیروهای متخصص در زمینه حفظ و نگهداری آثار و ابنیه تاریخی تأسیس شد و به عنوان اولین مرکز آموزش عالی ایران در زمینه مرمت، فارغ التحصیلان دوره‌های کارشناسی باستان شناسی، نقاشی، معماری داخلی، ساختمان، شیمی و نساجی را به عنوان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مرمت ابنیه و کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی پذیرش نمود.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۲۵۵ ■

اصفهان	۱۳۵۵	دانشگاه هنر
		
<p>۱- به علت پراکندگی در ساختمان‌های ارزشمند تاریخی یکی از غنی‌ترین دانشگاه‌های ایران از نظر بهره‌مندی از فضای ایده‌آل هنری است. ۲- اولین مرکز آموزش عالی ایران در زمینهٔ مرمت.</p>		<p>شاخصه‌های مجموعه مورد نظر</p>

دانشکده هنر دانشگاه سوره^۳

دانشگاه سوره به عنوان یکی از مؤسسه‌های آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با شناسایی و بهره‌گیری از اساتید بزرگ علمی و تجربی جهت پرورش و معرفی هنرمندان جوان و خلاق از بهمن ماه ۱۳۷۲ در دوره‌های کاردانی و کارشناسی رشته‌های صنایع دستی، سینما، موسیقی، نمایش، معماری، مجسمه‌سازی، گرافیک و نقاشی توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی شروع به فعالیت نمود. دانشگاه سوره در حال حاضر دارای سه دانشکده هنر، معماری، فرهنگ و ارتباطات و همچنین پژوهشکده‌ی مطالعات هنراسلامی، مرکز مطالعات فرهنگی جوانان و مرکز مطالعات معماری ایران و ایتالیا می‌باشد. دانشگاه سوره دارای لابراتور عکاسی (سیاه و سفید و رنگی) و عکاسی دیجیتال، کارگاه‌های سفال، چاپ دستی (سیلک و پاتیک)، چوب نساجی، بافت فرش، تراش سنگ، تراش شیشه، لعاب، سرامیک، رنگرزی، جواهرسازی، نقشه‌کشی، عروسکی، آتلیه و کارگاه‌های معماری، سایت رایانه، کتابخانه مرکزی، پلاتوهای نمایش، سالنهای سینما، اجتماعات، مطالعه، اجرا، اتاق تدوین فیلم و ویدئو، کانونهای فرهنگی و دانشجویی، سالن ورزش و نمازخانه، ۱۳ آتلیه معماری و نگارخانه می‌باشد. فعالیتهای فرهنگی و بینالمللی دانشگاه سوره در راستای تحقق اهداف تعیین شده خود، فعالیت‌های فرهنگی و هنری بسیاری داشته است.

جدول ۱۲. دانشکده هنر سوره؛ ماخذ: نگارنده.

تهران	۱۳۷۲	دانشکده هنر دانشگاه سوره
		
<p>۱- هدف احیای حکمت دینی و معنوی، ۲- همکاری با دانشگاه‌های داخلی و خارجی، ۳- همکاری در تولید فیلم دانشجویی با دانشگاه کنراد ولف آلمان و ۴- تبادل هیأت علمی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی با دانشگاه‌های اسپینزا، ناپل و جنوا ایتالیا، بیلگی ترکیه، دانشگاه هنر عراق و دانشگاه هنر روسیه.</p>		شاخصه‌های مجموعه مورد نظر

ب- شرایط محیطی دانشکده

جدول ۱۴. دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
<p>حسین سلطانزاده</p>	<p>فقدان ارتباط آکادمیک استاد و معماران با یکدیگر و عدم ارتباط و همکاری علمی و بین مراکز و دانشکده‌های گوناگون معماری از مسائل مهمی است که مدیریت‌های آموزشی و پژوهشی برای توجه به آن لازم است برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب را انجام دهند. در این زمینه می‌توان اشاره کرد که ساختار آموزشی واحدهای دانشگاه آزاد به گونه‌ای است که غالباً امکان استفاده از اساتید مراکز دیگر آموزشی در آن میسر است، در حالی که بیشتر دانشکده‌های معماری دولتی فضا نسبتاً محدودتر و بسته‌تری دارند. (سلطانزاده، ۱۳۸۳، ص ۱)</p>

یافته‌های پژوهش

مولفه‌های کیفیت محیط و امکانات در فضاهای آموزشی معماری

الف- امکانات آموزشی

جدول ۱۳. دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
<p>هاشم هاشم‌نژاد</p>	<p>به نظر من در آموزش معماری تنها استاد مؤثر نیست، استاد، دانشجو و امکانات و وسایل کمک آموزشی در واقع سه رأس مثلث آموزش معماری را تشکیل می‌دهند. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱)</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

ج- روش‌های آموزش و تدریس

جدول ۱۵. دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
کامبیز نوایی	فکر می‌کنم، اگر در دانشکده‌های معماری امکان کارهایی عملی بیشتر وجود داشته باشد، همه از آن استقبال خواهند کرد. وقتی که واقعیت‌ها پیش روی دانشجوی معماری قرار گیرد، همان‌طور که وقتی پیش روی مهندس معمار قرار می‌گیرد، تازه خلاقیت امر جالبی می‌شود. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳)
سیمون آیوازیان	استاد علاوه بر این که در حرفه تخصصی‌اش فرد خلاق است باید در روش‌های تدریس هم خلاقیت داشته باشد. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴)
محمد مهدی محمودی	گاهی اوقات تأثیر عقاید استاد بسیار زیاد می‌شود، به طوری که هر طرح و ایده‌ای که دانشجوی پس از گفت و شنود با مدرس ارائه می‌دهد، در واقع همان ایده استاد است در این صورت مدرس به عنوان یک معمار و دانشجو یک نقشه کش تلقی می‌شود. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵)
داراب دیبا	دلیل دیگر کارایی پایین سیستم کارگاهی فعلی، مشکل تورم و رفتاری‌های مالی و کار بیرون دانشجویان است. از طرف دیگر، تقریباً در ذهن همه دانشجویان این می‌گذرد که اگر ما بیرون کار کنیم بیشتر استفاده خواهیم کرد تا در دانشکده، همه این عوامل را در نظر بگیریم مشاهده می‌کنیم که نظام آتلیه‌ای کارایی سابق را ندارد. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶)

حمید نوحی	مشکل دیگر در آموزش معماری و به طور کلی رشته‌های هنری مدرک‌گرایی و برخورد خشک و اداری است. به فارغ‌التحصیلان خارج از کشور اهمیت بیشتری داده می‌شود در حالی که ما، لااقل در رشته معماری، بهترین پستوانه را در میان فارغ‌التحصیلان داخل داریم. سابقه کار آموزشی معماری بسیار دخیل است. به تجربه دریافته‌ایم اساتیدی که علاوه بر سابقه آموزشی سابقه کاری پربراری هم دارند، از کارایی زیادی برخوردارند. (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۷)
حسین سلطان‌زاده	یکی از مشکلات مدرک‌گرایی در مرکز آموزش است که برای تدریس برخی از دروس به افرادی با تبحر ویژه نیاز است که این تبحر به ویژه در رشته‌ای مانند معماری تنها بر اثر آموزش بیشتر حاصل نشده، بلکه مهارت‌های فردی و تجربیات شخصی در کسب آن اهمیت قابل توجهی دارد و لزوماً افرادی با مدارک بالاتر نمی‌توانند از عهده تدریس آن دروس برآیند، در این حالت نظام اداری و آموزشی غالباً امکان بهره‌گیری از مهارت، دانش و تجربیات این گونه افراد را به سادگی فراهم نمی‌آورد. برای مثال می‌توان به برخی از معماران حرفه‌ای اشاره کرد که گاه بیش از دو دهه سابقه فعالیت‌های ارزشمند حرفه‌ای دارند اما مدارک آنان کارشناسی ارشد است که بر اساس ضوابط نمی‌توان از آنان به عنوان نیروهای دائمی استفاده کرد. (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱)

محمد
مهدي
محمودي

برای این که سیستم‌های آتلیه‌ای به بازدهی مطلوب برسد، قدم اول را باید استادها بردارند، واقعاً از این سیستم طرفداری کنند و هماهنگی‌های لازم را بین کارگاه‌های دانشکده فراهم و نهایتاً با دروس غیر از دروس طراحی ارتباط برقرار کنند؛ مثلاً اساتید دروس فنی در کارگاه‌ها و در کنار اساتید طراحی به کرکسیون بپردازند. (البته در حیطه کار خود) (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶)

سید رضا
هاشمی

با همسایگانی جدید، یعنی مهندسان ساختمان و برق و تأسیسات، عهد مودت و همکاری می‌بندند، و به همین دلیل هم از یک عنوان مشترک حرفه‌ای، که همان عنوان مهندس است، استفاده می‌کنند، اما این که بعدها هم کسی برای نزدیک کردن تعلیمات معماری به خانواده تعلیمات مهندسی ساختمان کوششی نکرد بلکه بر عکس، با راه دادن به موسیقی و نمایش در جمع رشته‌های دانشکده هنرهای زیبا، ماهیت هنری معماری را بیش از پیش به عوارض خویشاوندی‌های ناخواسته گرفتار کردند، البته سزاوار ملامت است.

د- برنامه و محتوای آموزش

جدول ۱۶. دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
فرانک لویدرایت	نگران تعلیم طراحی نباشید، اصول را تعلیم دهید.
محمد کاظم سیفیان	تجربه کار آتلیه‌ای، فارغ از این که بنیان‌گذارش چه کسی بوده، برای آموزش معماری مفید است. به اعتقاد من برای ایجاد تعادل، باید دروس تئوری را در هم ادغام کرد و گرایش‌های متفاوت را در دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته یا دکترا گنجانند. (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴)
سیمون آیوایان	تصور می‌کنم اگر در مبانی نظری معماری از شناخت، تعریف و پیش‌برد معماری و رابطه آن با اجتماع بحث شود، کمک مؤثری به آموزش خواهد کرد. (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با آنکه مطالعات کیفیت محیطی - و در اینجا در فضاهای آموزشی - در ابتدا تحت تأثیر رویکردهای صرفاً روان‌شناسانه تنها بر دانش و باور و شناخت متمرکز بودند، و به ابعاد و ماهیت خود محیط فیزیکی توجه خاصی نداشتند؛ اما مطالعات بعدی با تعریف و تبیین مفاهیمی چون فضای شخصی، ازدحام، مکان‌های مقدس و مانند آنها ویژگی‌های کالبدی و ابعاد کیفی محیط را نیز در مطالعات وارد کردند. «فریتز استیل» عوامل کالبدی تأثیرگذار در ادراک و حس مکان را اندازه، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری معرفی میکند که نقشی بی‌بدیل در فضاهای آموزشی دارند. از سویی دیگر مؤسسه‌های معتبر پژوهشی پروژه فضاهای عمومی حداقل دو مورد از چهار کیفیتی که برای مکان‌های موفق ذکر می‌کنند، مستقیماً به کیفیت طرح و کالبد فیزیکی اشاره دارند که این موارد به دسترسی و نفوذپذیری و نیز راحتی و تصویر کالبد فیزیکی می‌پردازند. شاخصه وضوح و خوانایی در فضا و خاصه فضاهای آموزشی نشانگر میزان اطلاعاتی فضایی است که می‌توان به صورت بصری از یک فضای آموزشی به دست آورد بنابراین وضوح و خوانایی ارتباط مستقیمی با مفهوم بازسازی کل در ذهن و کنار هم چیدن این قطعات

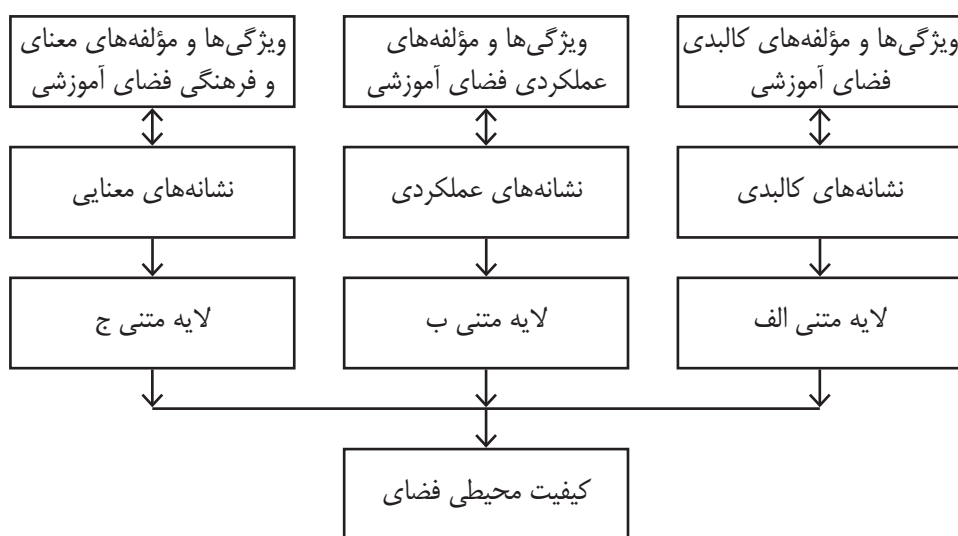
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

در کنار یکدیگر دارد بنابراین وضوح رابطه ای میان ویژگی های فضای آموزشی می باشد. مکانها گاهی به عنوان ظرف و بستر ارتباطات اجتماعی و فرهنگی قلمداد شده اند، تا آنجا که برخی مطالعات تعلق به مکان را بیشتر به آن ارتباطها منتسب کرده اند تا به ماهیت فیزیکی مکان هرچند برخی از مطالعات در صفت انحصاری و حتی تفصیلی نقش تعاملات اجتماعی دانشجویان در ایجاد و تقویت حس مکان و تعلق به فضای آموزشی دانشگاهی تشکیک کرده اند؛ اما صرف اهمیت وافر روابط اجتماعی در شکل گیری و بسط حس مکان که در قریب به اتفاق مطالعات مکانی منعکس شده، سبب تثبیت تصورات ذهنی از محیط آموزشی بر ابعاد حس مکان به مثابه یک اثرگذاری مهم در مدل تأثیرسنجی ابعاد کیفیت فضایی فضاهای آموزشی بالاخص برای دانشجویان رشته تاتر است.

جدول ۱۶. تدوین مبانی طراحی پیشنهادی؛ ماخذ: نگارنده.

پیش بینی فضایی لخت، بکر و خالص واجد قدرت خلاقیت نامتناهی	اجازه می دهد اتفاق یا حادث های جدید امکان تولد و زندگی یابد
ایجاد عرصه عمومی برای حضور انسان ها	تعامل با یکدیگر و حضور ایشان به عنوان عامل اصلی خلق فضا ارتقاء تعاملات اجتماعی و نزدیکی مردم به دانشگاه
صحنه نمایش تئاتر	بازیگر از ذهن خویش جدا شده و بالاتر می رود؛ آن جا که ذهن وجود ندارد و سکوت است و آرامش و بر زمان و مکان چیره می شود
جایگاه تماشاچیان	تماشای صحنه زندگی خودشان از بالا
سیرکولاسیون از حجم بیرون زده و تعبیه رمپ ها و پله ها	همانند حس های موجود در طبیعت
پنل های عمودی و افقی در برابر نور مستقیم و آزار دهنده	ایجاد نوری کافی، ریتمیک و زیبا در فضا
حجمی ساده، صریح، بی حصار و لایتناهی	تلاشی برای جذب مردم عامی از عرصه شهری



نمودار ۶. لایه های متنی کیفیت محیط موجود در فضاهای آموزشی؛ ماخذ: نگارنده.

منابع و ماخذ

۱. ابن اخوه (۱۳۶۰) آیین شهرداری (معالم القریه)، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. ابن خلدون (۱۳۵۳) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. جنتی عطایی، امین (۱۳۳۳) بنیاد نمایش در ایران، تهران، نشر ابن سینا.
۴. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵) سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشی، تهران، ابن سینا و امیر کبیر.
۵. دروویل، گاسپار (۱۳۴۸) سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ.
۶. دشتی شفیعی، علی، حاضری، نسرین، (۱۳۹۳) بازشناسی الگوهای ساخت و ساز با رویکرد توسعه پایدار در مراکز هنرهای نمایشی، اولین کنفرانس ملی مهندسی عمران و توسعه پایدار ایران.
۷. رامیار، مینا و شالی امینی، وحید و علیمحمدی، پریرسا، (۱۳۹۱) تأثیر در معماری متحرک (بررسی حرکت و انعطاف پذیری در طراحی معماری فضای نمایش) پایان نامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده هنر و معماری، کارشناسی ارشد.
۸. ریچاردز، فرد (۱۳۴۳) سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. زیدان، جرجی (۲۵۳۶) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۰. سبزواری، کاشفی (۱۳۵۰) فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱. سرسنگی، مجید، (۱۳۷۹) نمایش خیابانی و نسبت آن با فضاهای شهری، فصلنامه باغ نظر، دوره: ۱۲، شماره: ۳۴، ۱۳۹۴.
۱۲. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
۱۳. صفا، ذبیح الله (۲۳۵۶) تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، امیر کبیر.
۱۴. صفا، ذبیح الله (۱۳۵۴) مقدمه ای بر تصوف، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
۱۵. صنیعی پور، حمید و خلیل آذر، جلیل و دانش، جابر، (۱۳۹۲) تحلیلی بر اندیشه خلق فضا در صحنه پردازی جوزف اسووبودا نشریه هنرهای زیبا - هنرهای نمایشی و موسیقی دوره ۱۸ شماره ۱، بهار و تابستان.
۱۶. راپاپورت، آ. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی. (ف. حبیب، مترجم) چاپ اول. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۷. کرمونا، م؛ تیزدل، الف. (۱۳۹۰). خوانش مفاهیم طراحی شهری. (ک. ذکاوت؛ ف. فرشاد، مترجم) چاپ اول. تهران: انتشارات آذرخش.
۱۸. عینفیر، علیرضا و کیپور، سوده، (۱۳۹۲) تحلیل رابطه شیوه بازنمایی و مکان نمایش، در هنرهای جدید، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸ شماره ۱ بهار، ص ۱۴-۵.
۱۹. فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲) زندگی شاه عباس اول، تهران، دانشگاه تهران.
۲۰. فلسفی، نصرالله (بی تا) تاریخ قهوه و قهوه خانه در ایران، تهران، سخن.
۲۱. کریمیان، سحر و بابائیان، محمد صالح،

tionalism Revision: Architectural Theory and Practice and the Behavioral Sciences. England: Ashgate Press.

33. Theatre Of The Avant-Garde , (1890-1950) Edited by Bert Cardullo And Robbert Knopf , Yale University Press, 2001.

(۱۳۹۴) طراحی مرکز هنرهای نمایشی کرمانشاه با رویکرد تعامل بین زمان و مکان، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه شهری.

۲۲. ممنون، پرویز (بی تا) نخستین تعزیه ها در ایران، رودکی.

۲۳. نوحی، حمید (بی تا) تعاملات در هنر و معماری، انتشارات گام نو، تهران.

۲۴. همدانی، نادعلی (۱۳۸۳) تئاتر پست دراماتیک هانس تیس لهن نشر قطره.

۲۵. پژوهنده، محمد حسین (۱۳۹۰) اندیشه های جامعه شناسی فرهنگ، نشریه اندیشه حوزه.

۲۶. گلکار، کوروش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، صفا، شماره ۳۲.

۲۷. جوادی، مهسا و دیگران (۱۳۹۴) درامدی بر مفهوم هویت محیط انسان ساخت با تاکید بر مولفه های مکان، فضا و کالبد، مدیریت شهری، شماره ۴۴.

28. Carr, S; Francis, M; Rivlin, L & Stone, A. (1992). Public Space. Cambridge: Cambridge University Press.

29. Gehl, J. (2004). Public spaces, public life. Copenhagen: Danish architectural Press.

30. Gifford, R. (1997). Environmental Psychology: Principles and Practice. London & Boston: Allyn and Bacom Press.

31. Lang, J. (2005). Urban Design: A typology of Procedures and Products. Illustrated with over 50 Case Studies. Oxford: Architectural Press.

32. Lang, J; Moleski, W. (2011). Func-



سنجش و ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی جهت مقابله با بحران‌های طبیعی؛ مطالعه موردی: زلزله در محلات تاریخی شهر اردبیل

شهرام عبدالله زاده ملکی - دانشجوی دکتری تخصصی، گروه شهرسازی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.
نسیم خانلو* - استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
کرامت‌الله زیاری - استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
وحید شالی امینی - استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Assessment and evaluation of social resilience in coping with natural disasters Case study: earthquake in historical districts of Ardebil

Abstract

The present study is an application that uses the descriptive-analytical method is used to identify the indicators and factors affecting social resilience and assess their amount in districts of Ardebil city. In this research, firstly through library studies, indicators and factors influencing social resilience were identified and defined operationally. Using ANP questionnaire, the final weight of the indicators was determined by experts. In the next step, using the questionnaire, the information needed for households in selected districts of the sample was collected. Then, using the ELECTRE model, the quarters were ranked. The results of the research showed that among the indicators studied, social capital index had the weight (0.37) and the highest human capital index (0.29), quality of life With weight (0.18) and index of demographic characteristics (0.14), they are in the next stages. According to the method of electrification, the prioritization of the neighborhoods under study showed that the districts of Tvay with points of 3, GAZERAN2 and AALIGHTPOU 1 are the highest ranked points in the first to fourth order.

Keywords: social resilience, Ardebil districts, ELECTRE, human capital, empowerment

چکیده

امروزه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مدیریت سوانح به دنبال ایجاد جوامع تاب‌آور در برابر مخاطرات طبیعی می‌باشد و در حال حاضر تاب‌آوری به عنوان راهی جهت تقویت جوامع با استفاده از ظرفیت‌هایشان مطرح می‌باشند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به شناسایی شاخص‌ها و عوامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی و ارزیابی میزان آنها در محلات شهر اردبیل می‌پردازد. در این تحقیق ابتدا از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، شاخص‌ها و عوامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی شناسایی و تعریف عملیاتی گردید. پس با استفاده از پرسشنامه در قالب فرایند تحلیل شبکه‌ای ANP وزن نهایی شاخص‌ها بوسیله کارشناسان و اساتید تعیین شد. در گام بعدی با استفاده از پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز خانوارها محلات منتخب نمونه جمع‌آوری گردید. سپس با استفاده از مدل ELECTRE محله‌های مورد مطالعه رتبه‌بندی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که از میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص سرمایه انسانی به ترتیب با وزن (۰,۳۷) دارای بیشترین وزن و شاخص سرمایه انسانی با وزن (۰,۲۹)، کیفیت زندگی با وزن (۰,۱۸) و شاخص ویژگی‌های جمعیتی با وزن (۰,۱۴) در مراحل بعدی قراردارند. باتوجه به روش الکترو اولویت‌بندی نهایی محله‌های مورد مطالعه نشان داد که محله‌های طوی با امتیاز ۳، گازران ۲ و عالی قاپو ۱ اوجدکان به ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم قرار دارند. **واژگان کلیدی:** تاب‌آوری اجتماعی، محلات اردبیل، الکترو، سرمایه انسانی، توانمندسازی.

مقدمه

در سراسر جهان، کشورها بطور فزاینده ای در حال شهری شدن هستند (DUTTA:2:2012). این بهممنای افزایش آسیب پذیری مردم به علت پتانسیل موجود در شهرها میباشند (mar-,Atia, 2015:62:tin). سوانح طبیعی در دنیا همواره به عنوان چالش بزرگ در راه توسعه پایدار مورد توجه بوده اند (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۶)؛ بطوریکه سازمان ملل در مقاله ای در ارتباط با حوادث طبیعی و توسعه پایدار به طور شفاف این سوال را مطرح نموده است. آیا توسعه پایدار با هدف کاهش فقر و حفاظت از محیط زیست می تواند بدون در نظر گرفتن ریسک مخاطرات طبیعی و آثار آنها موفقیت آمیز باشد؟! در واقع تحلیل و افزایش تاب آوری سیستمهای انسانی و محیطی در برابر سوانح طبیعی در مسیر نیل به آرمان توسعه پایدار از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است (معماری، ۱۳۹۲، ص ۸). تا دهه ۱۹۸۰ رویکرد کاهش آسیب پذیری و مقابله با بحران برمتون نظری مدیریت بحران حاکم بود از دهه ۱۹۸۰ و به خصوص ۱۹۹۰ محققان علوم اجتماعی به نقد رویکرد علوم طبیعی در مدیریت بحران پرداختند و معتقد بودند که آسیب پذیری یک ویژگی اجتماعی نیز دارد و به خسارت جمعیتی و فیزیکی محدود نمی شود.

از آن پس رفته رفته تلاش ها جهت تغییر پارادایم غالب مدیریت بحران صورت گرفته است؛ بطوریکه دیدگاه غالب از تمرکز صرف بر کاهش آسیب پذیری به افزایش تاب آوری در مقابل سوانح تغییر پیدا کرده است. در این انگاره جدید، تغییر نگاه از واکنش پذیری و تک عاملی (دولت محور) به بازدارندگی و مشارکت تبدیل گردیده است (داداش پور، ۱۳۹۴، ص ۷۴). تصویب چارچوب هیوگو در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵ توسط سازمان ملل متحد که تحت عنوان «تقویت تاب آوری ملت ها و جوامع در مقابل سوانح» نام گرفت که نوعی استراتژی کاهش خطر بلایای طبیعی قلمداد می گردد (Us-al et mah:1379:2014). و در ادامه آن تصویب چارچوب سندای به عنوان جایگزینی برای چارچوب هیوگو جهت کاهش ریسک بلایا (۲۰۳۰-۲۰۱۵)

در سومین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در سندای ژاپن به تصویب رسید و هدف از آن تاکید بیشتر در راستای پیشگیری از ریسک های جدید و تقویت تاب آوری در سطح جهانی می باشد (محقق و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵).

در سال های گذشته، جهان شاهد بعضی از مخاطره های پیش بینی شده طبیعی مانند سونامی آسیا، گردباد کارینا و زمین لرزه سیچوان چین بود. اگرچه بعضی از ابزارهای پیشبینی کننده در کاهش آثار بحران ها موثر است. واقعیت این است که نمی توان براساس شواهد مخاطره های آتی را پیش بینی نمود (رضایی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۰)؛ بنابراین از آنجا که امکان کنترل و پایش دقیق بلایای طبیع وجود ندارد و آنچه امکان پذیر است گام برداشتن در مسیر ساخت شهر های تاب آور در مواجهه با یک فاجعه است (Mitchell:3:2012).

مخاطرات طبیعی از جمله زلزله با توجه به ماهیت آن یعنی در مدت زمان کوتاه می تواند به فاجعه ای ختم گردد توجه ویژه ای را می طلبد. ایران از زلزله خیز ترین کشورهای دنیاست که به طور متوسط هر سال یک زلزله به بزرگی شش ریشتر و هر ده سال یک زلزله به بزرگی هفت ریشتر در آن حادث می شود (حبیب، ۱۳۹۰، ص ۱۱). موفقیت جغرافیایی و اقلیمی کشور ما به گونهای است که از مجموع ۴۱ نوع پدیده های طبیعی شناخته شده. در جهان وقوع ۳۱ نوع آن در ایران داری سابقه است (سازمان دهیاری و شهرداری کشور، ۱۳۹۰، ص ۱). بنابراین کاهش خطر سوانح از اهمیت خاصی برخوردار است و ضرورت دارد برای ان جایگاه مناسبی در سیاست گذاری های ملی هر کشور باز گردد تا بتوان شرایط مطلوبی برای کاهش خطر موثر و کارا در سطوح مختلف ایجاد نمود (Davis:2004). در این میان شهر اردبیل با دارا بودن پیشینه تاریخی و اهمیت فراوان از نظر تغییر و تحولات کالبدی، عملکردی و از لحاظ تعلق به تفکر خاص مذهبی از قرن ها پیش مورد توجه بوده است (رضا زاده و پیغامی، ۱۳۸۸، ص ۱). با بررسی پیشینه این شهر زلزله های مهیبی در این شهر رخ داده است وجود گسل های فراوان در اطراف شهر، رشد نا هماهنگ



و نیمه اصولی، نبود برنامه و توانمندی‌های عملیاتی لازم برای مدیریت بحران در مرحله پاسخ و مقابله، گسستگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیش از پیش نیاز جامعه علمی را به این گونه مطالعات روشن می‌سازد. در مطالعه ایی که اسفندیاری و همکاران تحت عنوان بررسی توان لرزه زایی و گسل‌ها و برآورد تلفات انسانی ناشی از زلزله در مناطق مختلف اردبیل داشته‌اند. از روش ارائه شده توسط Coburn تعداد تلفات انسانی در زمان وقوع زلزله در شب بدون هیچ گونه امداد رسانی حدود ۷۴۹۴۵ نفر معادل ۱۷،۵۵٪ کل جمعیت اردبیل کشته خواهند شد! که ارقامی تکان دهنده ولی دور از ذهن نمی باشد (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳). بنابراین این پژوهش با شناسایی عوامل موثر بر تاب آوری اجتماعی محلات شهری به سنجش و ارزیابی میزان تاب آوری اجتماعی در محله‌های منتخب می پردازد و در پی پاسخ دادن به این سوال اساسی می باشد که محلات بافت تاریخی اردبیل و هسته اولیه شهر به لحاظ تاب آوری اجتماعی نسبت به حد بهینه تاب آوری در چه وضعیتی قرار دارد.

مبانی نظری

این مفهوم در سال ۱۹۷۳ توسط هولینگ (که از وی به عنوان پدر تاب‌آوری یاد میشود)، به عنوان یک اصطلاح توصیفی در اکولوژی معرفی گردید (al et Korrholm: 2014:121) و از آن پس بطور گسترده‌ای در هر زمینه علمی مختلف مانند مدیریت بحران، روانشناسی و اکولوژی مورد استفاده قرار گرفته است (March&Lemon: 2014:251). این مفهوم جدید به حراست از روح و روان شهر می پردازد و اساسا اجتماع محور است و ویژگی اجتماع محور بودن، مفاهیمی مثل مشارکت شهروندان، نیاز ذینفعان، پایداری و امنیت اجتماعی، هویت جمعی، سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های انسانی را مطرح می نماید. تاب آوری روند تطابق در سختیها، ضربه‌ها، ناملایمات، تهدیدات با منبع بزرگی از تنش است (شریف‌آرا، ۱۳۹۳، ص ۵۲). عدم آمادگی و مقابله مناسب با سوانح طبیعی تلفات و خسارات سنگینی را به ملت‌ها و دارایی‌های آنها

وارد میکند (آقامیری ۱۳۹۰ به نقل از حسین حاتمی نژاد). تاب آوری گام گذاشتن در راهی نوین است راهی که فرآیند توانمندسازی را در یکایک شهروندان خانواده‌ها و اقشار مختلف و کل جامعه تقویت می نماید. تاب آوری محلی عمدتاً حاصل توانمندی جوامع محلی برای برنامه ریزی و آمادگی در برابر مواجهه با بحران و پاسخ به آن و از سرگذراندن بحران و کنار آمدن با شرایط جدید و متفاوت می باشد (پورحیدری، ۱۳۹۳، ص ۹۲). کارپنتر و همکاران (al et Carpentel: 2001) تاب آوری سیستم‌های اجتماعی اکولوژیکی را با در نظر گرفتن سه بعد از هم تعریف می‌نمایند.

۱. میزان تخریبی و زیانی که یک سیستم با باقی ماندن در وضعیت اولیه و قادر به جذب آن است. (تأکید بر مقاومت)
۲. میزان توانایی یک سیستم برای سازماندهی خود (تاکید بر انعطاف پذیری) میزان توانایی یک سیستم در ساخت.
۳. گسترش ظرفیت اطلاعات و سازگاری. (تأکید بر تحول و تکامل) (رضایی ۱۳۸۹)

این مفهوم اخیر که بر اساس مفهوم تکامل و تحول در «نظام‌های پیچیده انعطاف پذیر» است. کاملتر از دو تأکید فوق بوده و یک مرحله فراتر رفته و روابط میان اجزا سیستم‌ها را که مرتب در حال رشد، انباشت، بازساختاریابی و نو شدن هستند در نظر می گیرد. برای تدقیق این موضوع اصطلاح جدید بنام «پنارکی» از نام «پن»، خدای تغییر در یونان باستان گرفته شده است. چرخه‌های انعطاف پذیر بطور خاص پنارکی نامیده می شود. پنارکی هم خلاق و هم مولد و هم حفاظت کننده است. (شکل ۱)



شکل ۱. پناارکی در نظام های اجتماعی اکولوژیکی؛ ماخذ: al et Gunderson, 2010

وقتی در مورد تعابیر تاب آوری در بافت و عوامل تنش زاو نتایج حاصل از آن سخن به میان می آید باید به محرک محیطی داخل و خارجی یک شهر توجه کرد (etal Desouza:2013). باید توجه داشت از آنجایی که تاب آوری یک مفهوم ذهنی- انتزاعی می باشد تعیین روش های مختص برنامه ریزی برای تاب آوری کار مشکلی است؛ بطور مثال شهر تا چه میزان باید تاب آور باشد یا شهر ها به عنوان سیستم های پیچیده چگونه می توانند بطور کامل تاب آور باشد (Branecau:2003). تاب آوری را این چنین تعریف می کنند به توانایی واحدهایی اجتماعی (مانند سازمانها و جوامع) جهت کاهش اثرات مخاطرات که شامل اثرات سوانح در هنگام وقوع می شود و انجام بازتوانی به طریقی که قطع جریان های اجتماعی را به حداقل برساند و اثرات زمین لرزه های آینده را کاهش دهد. توانایی یک شهر یا نظام شهری برای ایستادگی در برابر میزان وسیعی از آسیب ها و تنش ها را می توان تاب آوری تعریف نمود (etal Agudelo:5:2012). در جدول یک تعاریف تاب آوری دیگری از تاب آوری آمده است.

جدول ۱. تعاریف تاب آوری

تاب آوری توانایی رو به رو شدن با حادثه ناگهانی و سازش با مشکلات بوجود آمده می باشد.	Graziono & Rizzio 2016
تاب آوری توانایی یک سیستم، جامعه یا اجتماع به هنگام رو به رو شدن در برابر خطرات جهت مقابله، جذب، سازگاری و محافظت و برگشت عملکردها و ساختارهای اساسی مهم جامعه تعریف شده است.	Lenchner et al: 2016
تاب آوری به ظرفیت سیستم های اکولوژیکی برای جذب اختلالات و نیز برای حفظ بازخوردها، فرایندها و ساختارهای لازم و ذاتی سیستم اطلاق می شود.	Kutum & AL. Jaberri کیوتم و الجابری (۲۰۱۵)
توانایی سیستم در تحمل، جذب خسارات درونی و بازگشت به کارکرد طبیعی در مقابل خطرات محتمل.	Oyang (2014) اویانگ
تاب آوری، ایستادگی، بازیابی یا سازگاری تحت تأثیر است یک شوک و یا تغییر ناگهانی می باشد.	Mitchel & Harris میتچل و هریس (۲۰۱۲)

مسئله ای که باید به آن توجه و مدنظر قرار گیرد این است هر شهر با توجه به زمینه اجتماعی-تاریخی و اقتصادی خود راه حل خاصی را برای دستیابی به ویژگی های انعطاف پذیر می طلبد و به عبارتی تماس نسخه ها برای شهرهای تاب آور یکسان نیستند. هر شهر، منطقه، کشور و حتی هر نوع بافت شهری نیاز به راه حل های خاص خود برای دستیابی به تاب آوری دارد. تاب آوری دارای ابعاد گوناگون می باشد که بطوریکه رفیعان و همکاران (۱۳۸۹) شاخص های مطلوب جهت سنجش تاب آوری را در قالب ابعاد چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی- محیطی پیشنهاد می دهد. جهت طراحی سم چارچوب مفهومی و ارزیابی تاب آوری لازم است که آنها را به مولفه های اصلی تقسیم بندی نماییم چند مولفه اصلی می تواند زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و ابعاد نهادی باشد. (2014:1493,yogmata&sharifi)



شکل ۲. تاب آوری و مفاهیم آن؛ ماخذ: نگارندگان.

تاب آوری اجتماعی

بعد تاب آوری اجتماعی با تاکید به تحقیق پایداری اجتماعی در برابر سوانح از یک سو بر شکل گیری و حفظ گروه های اجتماعی و جوامع محلی و از سوی دیگر بر ارتقای سرمایه اجتماعی و ارتقای حس دلبستگی به مکان، حس جامعه محلی، افزایش مشارکت ساکنین در مراحل مختلف بحران و شکل گیری پیوندهای اجتماعی میکند. تلاش برای تاب آوری اجتماعی می تواند با ارتقای سطح زندگی، تحصیلات، پرداخت های پزشکی سلامت، تامین سکونت، و وجود اخلاقیات افزایش یابد. حفظ ارزشها و میراث فرهنگی- محلی هویت شهری، آموزش و سایر مولفه های کیفیت زندگی هستند که با حفظ حس تعلق به مکان و بازگرداندن روح زندگی را منجر می شود (لک و بهزادفر، ۱۳۹۴، ص ۴۵). تاب آوری اجتماعی در مقابل بحرانها از ظرفیت و توانایی خاصی در شهروندان و شبکه های اجتماعی و خانوارها و محلات صحبت میکند، عمدتاً حاصل توانمندسازی آنها در مقابل بحرانها می باشد.

جدول ۲. تعاریف تاب آوری اجتماعی؛ مأخذ: نگارندگان

تاب آوری به خصوصیات جامعه توانایی آن در جهت رفع کمبودها به علت شوک‌ها و اختلالات وارد می‌شود و در واقع یکی از ارکان اصلی مولفه‌های تاب آوری می‌باشد.	Reinhorn (2015)
توانایی کشورها، جوامع و خانوارها برای تغییر مدیریت، به وسیله نگهداری یا دگرگونی استانداردهای زندگی در مواجهه با شوک‌ها و فشارها همانند زلزله.	Brown (2014)
تغییر توانایی جوامع برای خود سازماندهی، افزایش ظرفیت خود برای یادگیری و سازگاری، توانایی پاسخ مثبت را می‌توان تاب آوری اجتماعی نامید.	Jeha etal (2013)
تاب آوری اجتماعی را به عنوان ظرفیت جامعه جهت مقابله با حوادث مانند تغییرات محیطی و یا دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی یا اجتماعی تعریف می‌کند.	Stockholm Res.Lience Center (2010)

اولین تعریف از تاب آوری اجتماعی توسط ادگر (۲۰۰۰) مطرح شد. وی تاب آوری اجتماعی را به عنوان «توانایی گروه‌ها یا جوامع جهت کنار آمدن با آشفتگی‌ها و استرس‌های خارجی که نتیجه تغییر محیطی، اجتماعی و سیاسی است» تعریف می‌کند. (حسینی المدنی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵) در واقع تاب آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند و بیانگر توان جامعه برای پاسخ به بحران‌ها می‌باشد (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵). در جمع بندی مفاهیم تاب آوری اجتماعی می‌توان تاب آوری اجتماعی را در یک نگاه ملی توانایی مردم در گروه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در مواجهه با بحران در شرایط اضطراری و زمان بازسازی با استفاده از منابع فردی و جمعی و به اشتراک گذاشتن آموزه‌های آن دانست (کاظمی و عندلیب، ۲۰۱۵، ص ۳). تاب آوری اجتماعی نشان دهنده یک تغییر پارادایم در ذهنیت مردم در برابر مشکلات خود، درک افراد دیگر و در نتیجه آن، نیاز به یک دیدگاه تازه در تعیین مداخلات در برابر مشکلات می‌باشد و دارای سطوح مختلف فردی و خانوادگی می‌باشد (2011:46:al et cacioppo).

جدول ۳. شاخص‌های مطرح در تاب آوری اجتماعی

بررسی منابع در دسترس، وضعیت سلامت، دانش و انعطاف‌پذیری ارتباطات شبکه‌های اجتماعی	Batica Gournsville (2015)
آموزش آمادگی از خطر، حس اجتماع، نگرش‌ها و اعتقادات شخصی، اعتماد به مسئولین، تجربیات پیشین، سطح تحصیلات و ویژگی‌های جمعیتی	Alsheri etal (2015)
روابط اجتماعی، آموزش و پرورش فردی، آگاهی اجتماعی و دستیابی به دموکراسی	Endress (2015)
ویژگی‌های جمعیتی، آمادگی اجتماعی و خدمات اجتماعی	Kusumostuti, Husad-Suradi, Danasari (2014)
دانش، آگاهی، مشارکت، قدرت، تنوع، ابتکار، انسجام اجتماعی، سرعت، کاهش فقر شهری و امکان خود سازماندهی	Trklja (2014)
اعتماد، مدیریت، سرمایه اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، تقسیم کار و همکاری ارزش‌ها و نگرش‌ها و هنجارهای حاضر، ارتباطات و اطلاعات	Maguire Hagan (2007)



عقاید و مذهب، سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، جمعیت، جنسیت، توزیع و نرخ رشد جمعیت قومیت، نژاد، زبان، حس تعلق، هویت اجتماعی ساختار خانوار، مهاجرت، مشارکت و درس‌پذیری از تجارب	بهتاش و همکاران (۱۳۹۲)
خصوصیات فردی، باورها و اعتقادات، ثبات اجتماعی، خصوصیات جمعیتی، میزان مشارکت مردم، ساختارهای خانوادگی، گرایش‌های اجتماعی و فرایندهای اجتماعی	صالحی و همکاران (۱۳۹۰)

روش پژوهش

با استفاده از ابزار پرسشنامه که روایی آن از طریق پیش‌آزمون تأیید شده بود. اطلاعات مورد نیاز خانوارهای محله‌های نمونه جمع‌آوری کرده و با ورودی داده‌های حاصل از پرسشنامه به محیط نرم افزار SPSS پایایی ابزار تحقیق با استفاده از آزمون کرونباخ (۰/۸۰۲۹) برآورد شد که گویای هماهنگی و پایداری درونی ابزار تحقیق می‌باشد. به دلیل ارتباطی که شاخص‌های مختلف با یکدیگر دارند و تأثیرگذاری آنها بصورت رفت و برگشت روی یکدیگر و یا بعضی مواقع تأثیر عوامل بر روی خود آن عامل، در این پژوهش از تحلیل شبکه‌ای ANP جهت بدست آوردن وزن شاخص‌ها استفاده شده است. در مرحله بعد با استفاده از روش الکترون میزبان تاب‌آوری اجتماعی محله‌های مورد مطالعه سنجش قرار گرفت.

جدول ۴. تعداد خانوارهای مورد بررسی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

مقاله حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش با توجه به مسله و هدف، واحد تحلیل «خانوار در محله» انتخاب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۸ خانوار، از ۱۳۶۶ ساکن از چهار محله که هسته اولیه شهر اردبیل را تشکیل می‌دهند (جز محلات شش‌گانه اردبیل می‌باشد). جدول چهار تعداد نمونه‌ها را به تفکیک محله‌ها (نقشه یک) موقعیت محله‌های مورد مطالعه در شهر اردبیل را نشان می‌دهد. متغیرهای تحقیق سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، ویژگی جمعیتی، و کیفیت زندگی است. در گام اول با توجه به مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، به مفهوم تاب‌آوری با هدف شناسایی ضرورت و ابعاد گسترده موضوع پرداخته شد. سپس با بررسی ابعاد و چارچوب‌های تاب‌آوری، شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی تعیین و تعریف عملیاتی گردید. در گام سوم



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۲۶۹ ■

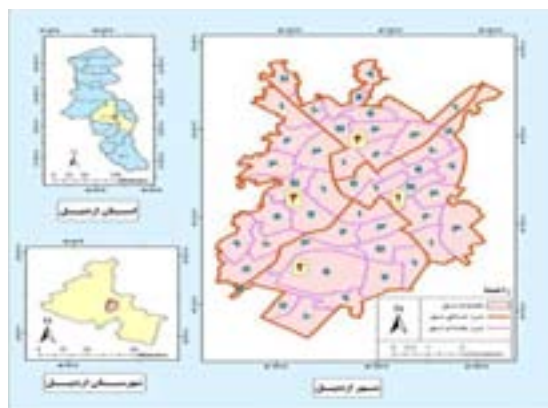
منطقه	ناحیه	خانوار ساکن در محله	محله	پرسش‌نامه‌های توزیع شده
۱	۱	۲۱۶	طوری	۵۳
۱	۱	۱۴۴۰	گازاران	۹۶
۳	۳	۱۵۲۰	عالی قاپو	۱۰۱
۱	۱	۱۶۰۰	اوجدکان	۱۰۶
جمع کل ۵۳۶۰				۳۵۸

شهر اردبیل تا به حال مثل شهرهای دیگر نظیر بم، منجیل و رودبار شاهد به وقوع پیوستن زلزله شدید در خود نبوده است. اما در هر حال نمی‌توان این را به عنوان دلیلی موجه بر عدم آمادگی در برابر خطر زلزله دانست. محدوده مورد مطالعه محلات هسته اولیه شهر اردبیل محلات اوجدکان، طوی، گازران و عالی قاپو می‌باشد. (نقشه ۱)

و مشخص باشد، قابل اندازه گیری و دستیابی باشد، واقع گرایانه باشد و همانگونه که عنوان شد بانک اطلاعاتی معین و اطلاعات لازم مربوط به شاخص وجود داشته باشد که سعی شده در این مقاله بر حسب موارد فوق و با نظر کارشناسان خبره و اساتید دانشگاه هلال احمر شهر اردبیل شاخص های برای سنجش میزان تاب آوری اجتماعی انتخاب شده است. بر اساس جدول ۵ ضمن نشان دادن شاخص های تاب آور اجتماعی به تعاریف عملیاتی آن می پردازد.

جدول ۵. تعریف عملیاتی شاخص های تاب آوری اجتماعی

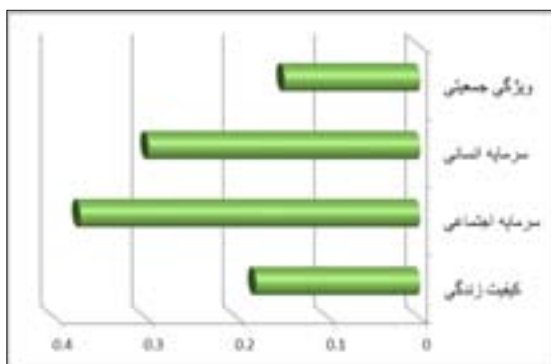
شاخص	تعریف عملیاتی
سرمایه انسانی	سرمایه انسانی محله های مورد مطالعه و خانوارهای آن با مغیرهای مسولیت پذیری آگاهی و دانش و دانستن مهارت امدادی با توجه به پرسش نامه به خانوار ۵ گزینه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت به طوری که نمره ۱ کمترین و ۵ بیشترین امتیاز را به خود اختصاص می دهد.
سرمایه اجتماعی	میزان سرمایه اجتماعی با توجه به متغیرهای اعتماد (نهادی - عمومی) انسجام و پیوستگی و نهایتا وجود شبکه های اجتماعی و سازمان های مردم نهاد (مشارکت امدادی) بوسیله طیف لیکرت و با پرسش نامه ۵ گزینه ای مورد ارزیابی قرار گرفت که نمره ۱ کمترین و ۵ بیشترین امتیاز را داشت.
کیفیت زندگی	این شاخص بر اساس متغیرهای سه گانه حس تعلق به مکان و محله مورد نظر میزان رضایت مندی از خدمات محله ای و دسترسی به آن ها و سنجش بیمه بودن خانوارها مورد ارزیابی با ابزار پرسش نامه و طیف لیکرت ۵ گزینه ای خدمات محله ای مانند آموزش، درمانی، مذهبی، حمل و نقل عمومی، فرهنگی مراکز خرید روزانه، امنیت محله، روانی حرکت، روابط همسایگی، آرامش محله و خدمات شهرداری مورد پرسش قرار گرفت.



نقشه ۱. محدوده مورد مطالعه بافت تاریخی اردبیل (اوجدکان، طوی، گازران و عالی قاپو)؛ ماخذ: امیری، ۱۳۸۴، ص ۳۴ و اسفندیاری، ۱۳۹۳.

تعریف عملیاتی شاخص ها

از آنجاییکه اندازه گیری تاب آوری در شرایط مطلق دشوار است و همانگونه که عنوان شد این مفهوم حالت انتزاعی و ذهنی دارد و طی سالیان اخیر جامعه بین المللی آن را به عنوان یک اصل راهنما پذیرفته و برای رسیدن به اهداف مورد نظر و سنجش آن راهکارهایی اندیشیده اند. هر جامعه متناسب با شرایط خود از چارچوب ها و پتانسیل های بالقوه خود باید یاری جسته و نمی توان نسخه ایی یکسان برای تاب آوری کلیه شهرها و جوامع انسانی ارائه نمود از این رو انتخاب شاخص ها در مطالعه مربوط به آن باید حداقل به دو ملاک: ۱- توجیه بر مبنای ادبیات موجود متناسب با تاب آوری و ۲- در دسترس بودن داده های کیفی از منابع صورت گیرد. آنچه مشخص می باشد در انتخاب شاخص ها باید به یکسری ویژگی مانند مخصوص معین



شکل ۴. وزن نهایی شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بر اساس نتایج تحقیق، شاخص سرمایه اجتماعی دارای وزن (۰/۳۷)، شاخص سرمایه انسانی دارای وزن (۰/۲۹)، کیفیت زندگی (۰/۱۸) و شاخص ویژگی جمعیت دارای وزن (۰/۱۴) است. در این میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی بیشترین و ویژگی جمعیتی کمترین اهمیت را نسبت به سایر شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی دارد. پس از تعیین اهمیت نسبی شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای مقادیر مربوط به مولفه‌های چهارگانه برای خانوارهای هر محله با استفاده از رابطه که در آن S_i میزان تاب‌آوری اجتماعی، W_i وزن نسبی پارامترهای پرسش‌نامه اساتید و خبرگان (بدست آمده از تکنیک تحلیل شبکه‌ای) و S_i پارامترهای تاب‌آوری اجتماعی است، میزان تاب‌آوری اجتماعی

این شاخص بر حسب ساختار جنسیتی زنان و مردان مورد ارزیابی گرفت چرا که معمولاً زنان آسیب‌پذیرتر در مقابل بحران‌ها هستند. ساختار سنی: اطفال زیر ۶ سال و سالمندان بالای ۶۵ سال نیز جز افراد آسیب‌پذیر در بحران‌ها که به وسیله پرسش‌نامه مورد ارزیابی قرار گرفت و تعداد آن‌ها مشخص گردید. سلامت جسمی و روانی: افراد معلول جسمی و یا افراد که به لحاظ روحی دارای مشکلات پزشکی هستند، جز اقشار آسیب‌پذیر محله محسوب می‌گردد و هر چه تعداد جوانان محل بیش‌تر باشد می‌توان گفت محله دارای تاب‌آوری بیش‌تری می‌باشد.

ویژگی اجتماعی

تشکیل ماتریس اولیه داده‌ها

با توجه به یکسان نبودن وزن شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی ابتدا از خبرگان و اندیشمندان و اساتید دانشگاه مدیریت بحران وابسته به هلال احمر شهر اردبیل با استفاده از پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای مقایسه زوجی انجام گرفت. به دلیل اینکه شاخص‌های مختلف با یکدیگر ارتباط دارند و تاثیرگذاری آنها به صورت رفت و برگشت بر روی یکدیگر و حتی بعضی مواقع تاثیر عوامل بر روی خود آن عامل وجود دارد، در این پژوهش از تکنیک ANP جهت بدست آوردن شاخص‌های امتیاز، استفاده شده است. با استفاده از این تکنیک نتایج نهایی فرایند تحلیل شبکه‌ای شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی در شکل ۵ مشخص می‌باشد. (نرخ سازگاری نرم افزار چهار صدم هست که بسیار مناسب می‌باشد)

محلله‌های مورد مطالعه سنجیده شد. جدول ۵ ماتریس اولیه داده‌های تصمیم‌گیری را در محله‌های مورد نظر نشان می‌دهد.

جدول ۵. ماتریس اولیه داده‌های حاصل از پرسش‌نامه

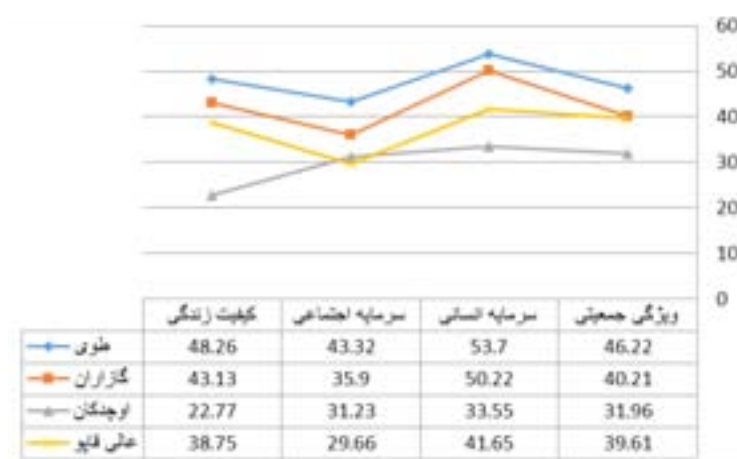
ویژگی جمعیتی	سرمایه انسانی	سرمایه اجتماعی	کیفیت زندگی	طوی
۴۶/۲۲	۵۳/۷۰	۴۳/۳۲	۴۸/۲۶	
۴۰/۲۱	۵۰/۲۲	۳۵/۹۰	۴۳/۱۳	گازران
۳۳/۹۶	۳۳/۵۵	۳۱/۲۳	۲۲/۷۷	اوپدکان
۳۹/۶۱	۴۱/۶۵	۲۹/۶۶	۳۸/۷۵	عالی قاپو

شاخص‌ها و متغیرهای بعد اجتماعی

یکی از ابعاد تاثیر گذار در ارزیابی و سنجش تاب اوری، بعد اجتماعی است که از آن طریق میتوان وضعیت اجتماعات محلی را به لحاظ ویژگیهای جامعه شناسانه در فاز پیشگیری و آمادگی ارزیابی نمود. برای این منظور، جهت سنجش این بعد از تاب اوری، متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، کیفیت زندگی و ویژگی های جمعیتی در محله های نمونه مورد ارزیابی قرار گرفتند. از شاخص های مهم بعد اجتماعی، سرمایه های اجتماعی می باشد که با توجه به این تحقیق مهمترین شاخص میتوان قلمداد نمود. با عنایت به بررسی صورت گرفته خانوارهای محله های طوی و گازران به ترتیب با (۴۳/۲۳) و (۳۵/۹۰) بالاترین و خانوارهای اوپدکان و عالی قاپو به ترتیب با (۳۳/۵۵) و (۲۹/۶۶) کمترین میزان تاب اوری را دارند. از دیگر مولفه های مهم و تاثیر گذار در

مورد مطالعه دیگر کیفیت زندگی می باشد که از شاخصهای منتخب این پژوهش می باشد؛ چرا که اگر ساکنان درگیر مسایل و مشکلات روزمره باشند سخت بتوان انتظار تفکر در مورد بحرانهایی مانند زلزله را داشت، محلات طوی با (۴۸/۲۶) و (۴۳/۱۳) در رتبه اول و دوم و در مرحله بعدی عالی قاپو با (۳۸/۷۵) و اوپدکان با (۲۲/۷۷) دارای کمترین تاب اوری هستند و نهایتا شاخص مهم دیگر ویژگی های جمعیتی محلات می باشد خصوصیاتمانند تعداد افراد خردسال یا سالمند، معلولین و زنان که احتیاج به حمایت های ویژه ایی دارند تاثیر گذاری بر تاب اوری خواهد داشت به نحوی که از این حیث طوی و گازران به ترتیب با (۴۶/۲۲) و (۴۰/۲۱) بالاترین و عالی قاپو و اوپدکان با (۳۹/۶۱) و (۳۳/۹۶) دارای تاب اوری حداقلی می باشند. در جدول زیر توزیع فراوانی داده های موجود در ماتریس داده های اولیه مشخص شده است. میانگین کلیه داده‌های جمع

ابن بخش، سرمایه های انسانی می باشد که بیان کننده میزان دانش و آگاهی و مهارت های امدادی ساکنین محلات می باشد با توجه به این شاخص، وضعیت محله های چهارگانه ارزیابی شد که محله های طوی و گازران به ترتیب با (۵۳/۷۰) و (۵۰/۲۲) و محلات عالی قاپو و اوپدکان با (۴۱/۶۵) و (۳۳/۵۵) کمترین تاب اوری را دارا هستند. شاخص



نمودار ۶ توزیع فراوانی داده ها در ماتریس داده های اولیه؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

آوری شده برابر با ۳۹/۳۸ است. این ۳۹/۳۸ میانگین حسابی همه اعداد جدول فوق می باشد. در نهایت می توان گفت که میزان تاب اوری بعد اجتماعی به ترتیب در محله های طوی به گازران، عالی قاپو و اوچدکان دارای سیر نزولی می باشد. با توجه به توزیع فراوانی داده های موجود در ماتریس اولیه میانگین تاب اوری اجتماعی کل داده های جمع اوری شده برای کل خانوارهای نونه (۳۹/۳۸) می باشد که این مقدار برای خانوارهای طوی و گازران (۴۷/۸۷) و (۴۲/۳۶)، که بیشتر از حد میانگین و برای خانوارهای عالی قاپو و اوچدکان (۳۷/۴۱) و (۳۰/۶۱) و پایین تر از حد میانگین می باشند.

رتبه بندی شاخص های تاب اوری با کمک روش الکترون

هر مسئله تصمیم گیری به دو مرحله اصلی تقسیم می شود. مرحله اول یا مرحله ارزیابی است. در این مرحله شاخص های کلیدی ارزیابی گزینه ها تعیین می شوند. این مرحله وابسته به نظر تصمیم گیرندگان جهت ارزیابی کمی و کیفی گزینه ها بر مبنای شاخص های مذکور می باشد و نتیجه این مرحله تشکیل ماتریس تصمیم گیری است. مرحله دوم نیز مرحله ارزیابی و انتخاب می

باشد که اساس آن رتبه بندی گزینه ها توسط ماتریس تصمیم گیری است (کارسون، ۱۹۹۶). روش ELECTERE مخفف عبارت Elimination et Choice in Translating to Reality به معنی «انتخاب حذفی در ترجمه به واقعیت» است. در این روش کلیه گزینه ها با استفاده از مقایسه های غیر رتبه ای مورد ارزیابی قرار گرفته و به این ترتیب گزینه های غیرموثر حذف می شوند. کلیه مراحل تکنیک الکترون بر مبنای یک مجموعه هماهنگ و یک مجموعه ناهماهنگ پایه ریزی می شود که به همین خاطر به «آنالیز هماهنگی» معروف است (اصغرپور، ۱۳۹۲، ص ۲۸۷). در این روش به جای رتبه بندی گزینه ها از مفهوم جدیدی معروف به مفهوم غیررتبه ای استفاده می شود. به طور مثال ممکن است از نظر ریاضی گزینه ای هیچ ارجحیتی به دیگر گزینه نداشته باشد اما تصمیم گیرنده و تحلیلگر بهتر بودن آن گزینه به دیگری را بپذیرد. در این روش کلیه گزینه ها با استفاده از مقایسه ها غیر رتبه ای مورد ارزیابی قرار گرفته و بدان طریق گزینه های غیرموثر حذف می شوند. کلیه مراحل اجرای این روش بر مبنای یک مجموعه هماهنگ و یک مجموعه غیرهماهنگ پایه ریزی می شوند که به این دلیل این روش معروف به آنالیز هماهنگی هم می باشد.

جدول ۷. ماتریس بی مقیاس شده داده های اولیه؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ویژگی جمعیتی	سرمایه انسانی	سرمایه اجتماعی	کیفیت زندگی	طوی
۰/۵۸۰۳۱۶۰۳۷	۰/۵۹۰۶۴۲۸۰۷	۰/۶۱۱۳۸۷۶۳۸	۰/۶۱۲۴۴۵۴۳	
۰/۵۰۴۸۵۷۳۷۴	۰/۵۵۲۳۶۶۵۱۴	۰/۵۰۶۶۶۷۰۴۱	۰/۵۴۷۳۴۲۹۶۳	گازران
۰/۴۰۱۲۷۴۳۵۲	۰/۳۶۹۰۱۴۲۶۸	۰/۴۴۰۷۵۷۹۸۶	۰/۲۸۸۹۶۳۵۸۱	اوچدکان
۰/۴۹۷۳۳۴۰۶۳	۰/۴۵۸۱۰۵۶۴۱	۰/۴۱۸۶۰۰۱۲۴	۰/۴۹۱۷۵۸۴۰۱	عالی قاپو

مرحله دوم تشکیل ماتریس بی مقیاس شده موزون

در این مرحله با استفاده از وزن هایی که با از طریق تحلیل شبکه ای (ANP) بدست آمده ماتریس بی مقیاس شده موزون را بدست می آوریم. برای بدست آوردن هر یک از این مقادیر کافی است تا وزن های بدست آمده برای هر یک از شاخص ها را در مقادیر ماتریس بی مقیاس ضرب نماییم.

جدول ۸. ماتریس بی مقیاس شده موزون؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ویژگی جمعیتی	سرمایه انسانی	سرمایه اجتماعی	کیفیت زندگی	
طوی	۰/۱۷۶۰۱۱۵۵۷	۰/۲۲۷۹۸۶۴۵	۰/۱۱۰۲۴۰۱۷۷	
گازاران	۰/۱۶۴۶۰۵۲۲۱	۰/۱۸۸۹۳۶۱۴	۰/۰۹۸۵۲۱۷۳۳	
اوپدکان	۰/۱۰۹۹۶۶۲۵۲	۰/۱۶۴۳۵۸۶۵۳	۰/۰۵۲۰۱۳۴۴۵	
عالی قاپو	۰/۱۳۶۵۱۵۴۸۱	۰/۱۵۶۰۹۵۹۸۶	۰/۰۸۸۵۱۶۵۱۲	

مشخص نمودن مجموعه هماهنگی و نا هماهنگی محاسبه ماتریس هماهنگ موثر

تشکیل ماتریس هماهنگ موثر: در این مرحله ابتدا یک حد آستانه (threshold) مشخص می شود. یکی از روش های متعارف محاسبه آن، متوسط گیری از عناصر ماتریس هماهنگ به صورت رابطه زیر می باشد. سپس اگر هر عضو ماتریس A بزرگتر یا مساوی حد آستانه باشد، آن مولفه در ماتریس H مقدار ۱ وگرنه مقدار ۰ می گیرد.

$$\bar{I} = \sum_{l=1}^m \sum_{k=1}^m \frac{I_{k,l}}{m(m-1)} = H$$

در ابتدا به بررسی نقش عوامل تاثیر گذار بر روی انتخاب تاب آور ترین محله خواهیم پرداخت. چهار معیار شناسایی شده در این پژوهش همگی مساعد بوده و در صورت رشد تاثیر مثبت بر روی تاب آوری اجتماعی خواهد گذاشت. با این مقدمه امکان تشکیل مجموعه های هماهنگی و نا هماهنگی مطابق جدول زیر فراهم می گردد.

جدول ۹. شاخص های هماهنگ و ناهماهنگ؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مجموعه هماهنگ	مجموعه ناهماهنگ
$\{1,2,3,4\} = S_{12}$	$\{1,2,3,4\} = D_{11}$
$\{1,2,3,4\} = S_{13}$	$\{1,2,3,4\} = D_{21}$
$\{1,2,3,4\} = S_{14}$	$\{1,2,3,4\} = D_{31}$
$\{1,2,3,4\} = S_{23}$	$\{1,2,3,4\} = D_{22}$
$\{1,2,3,4\} = S_{24}$	$\{1,2,3,4\} = D_{32}$
$\{1,3,4\} = S_{33}$	$\{3\} = D_{33}$
$\{3\} = S_{34}$	$\{1,3,4\} = D_{34}$

محاسبه ماتریس ناهماهنگی

ماتریس ناهماهنگی با NI تعریف می شود که یک ماتریس $m \times m$ است. عناصر این ماتریس با استفاده از عناصر ماتریس بی مقیاس موزون V طبق رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$NI_{kl} = \frac{\max_{j \in D_{kl}} |V_{kj} - V_{lj}|}{\max_{j \in J} |V_{kj} - V_{lj}|} = NKI$$

محاسبه ماتریس ناهماهنگی موثر

این ماتریس با G نمایش داده می شود. عناصر ماتریس NI با مقدار آستانه NI که از رابطه زیر بدست آمده است، مقایسه می شوند؛ هر مولفه ای که کوچکتر یا مساوی آن باشد مقدار ۱ وگرنه مقدار ۰ می گیرد.

محاسبه ماتریس هماهنگی

ماتریس هماهنگی ماتریسی است به ابعاد $m \times m$ که قطر ماتریس فاقد عنصر و سایر عناصر از مجموع وزن های بدست آمده برای شاخص های متعلق به مجموعه هماهنگ k و l حاصل می شوند.

$$= A_{kl}$$



$$NI = \sum_{l=1}^m \sum_{k=1}^m \frac{NI_{k,l}}{m(m-1)} = G$$

محاسبه ماتریس کلی و موثر

این ماتریس با F نمایش داده می شود و نشاندهنده ترتیب ارجحیت های نسبی از گزینه ها است. مقدار عناصر این ماتریس برابر با حاصلضرب عناصر متناظر در دو ماتریس H و G می باشد. گزینه ای مطلوب است که ستون آن دارای حداکثر صفرها یا سطر آن دارای حداکثر یک ها باشد.

=F

نتایج نشان میدهد محله طوی با امتیاز ۳ در رتبه اول محله گازاران با امتیاز ۲ در مقام دوم و عالی قاپو با امتیاز ۱ در مقام سوم قرار گرفتند و اوچدکان در مقام آخر.

نتیجه گیری و جمع بندی

با تبیین تئوریک مسائل تحقیق و اهداف آن ملاحظه گردید که تاب آوری علاوه بر ابعاد کالبدی، اقتصادی و نهادی دارای بعد اجتماعی نیز می باشد بنابراین در تحلیل و کاهش آسیب پذیری شهرها و محلات نباید فقط به بعد کالبدی و ویژگی های فیزیکی جوامع تاکید صرف نمود بلکه باید به ساختارها و ابعاد اجتماعی نیز توجه خاص نمود. تاب آوری اجتماعی هنوز در تعریف و شاخص سازی ابهامات زیادی دارد ولیکن آنچه از تعاریف موجود می توان استنباط نمود. توجه به ظرفیت های افراد، سازمان ها و جوامع و محلات می باشد. نقطه شروع برای مطالعات در مورد تاب آوری اجتماعی این سوالات است تاب آوری برای چه؟ در برابر چه؟ پژوهش حاضر با توجه به نقش و اهمیت ابعاد تاب آوری اجتماعی در برنامه ریزی جهت تاب آوری جامعه و نیز گستردگی، تنوع و پیچیدگی شاخص های تاب آوری و نقش تاثیرگذار آن بر جامعه در مقابل بحرانهای مانند زلزله تمرکز داشته، پس از بررسی و تعاریف و دیدگاه ها و نظریات گوناگون جهت ارائه تعریفی که بتواند تا اندازه ای جنبه های

مختلف تاب آوری اجتماعی را شامل گردد؛ چهار مولفه کیفیت زندگی، ویژگی های جمعیتی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی را انتخاب شدند که هر یک دارای معیارهای جهت تبیین هر چه بهتر ابعاد تاب آوری اجتماعی می باشد. این شاخص ها به منظور مقایسه و ارزیابی در محلات شهر اردبیل مورد بررسی قرار گرفتند. پس از جمع آوری اطلاعات مرود نیاز از خانوارهای مورد مطالعه از طریق پرسشنامه شاخصهای تاب آوری اجتماعی توسط اساتید و متخصصان با استفاده از فرایند تحلیل شبکه ای ANP مقایسه زوجی و اولویت سنجی گردید (از طریق پرسشنامه جداگانه) و در نهایت با استفاده از مدل الکترون محله های مورد نظر از نظر شاخص های تاب آوری رتبه بندی گردید. بطوریکه محله طوی در رتبه اول و به ترتیب محلات گازران و عالی قاپو و اوچدکان در مراحل بعدی هستند. با توجه به تحقیق فوق مشخص گردید که سرمایه اجتماعی با وزن ۳۷٪ و در مرحله بعد سرمایه انسانی با وزن ۲۹٪ سهم عمده ای در تاب آوری اجتماعی دارد. جهت تاب آوری محلات پیشنهاد می گردد:

در فرایند تاب آوری اجتماعی به مشارکت مردم و اعتماد و انسجام شهروندان توجه ویژه ای گردد. با ایجاد همبستگی در بین افراد به عنوان منبع کنشهای اجتماعی در عرصه های مختلف میتوان شهروندانی توانمندتر در جهت مقابله با سوانح داشت. بطور کلی ظرفیت سازی محلات با توجه به پتانسیلهای آن محله و بسترهای تاریخی- فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می تواند گام مهمی در ایجاد تاب آوری باشد. توانمندسازی افراد در قلمرو مهارت دانش و آگاهی و زمینهایسازی جهت مشارکت میتواند از دیدگاه های کارساز در این زمینه باشد.

۱. شناسایی سرمایه های اجتماعی موجود در محلات و بهره گیری از این سرمایه ها به منظور افزایش مشارکت ساکنان در تماس فرایندهای تصمیم گیری و تصمیم سازی مرتبط با محلات.
۲. تاکید بر شناسایی مخاطرات توسط ساکنین محلات.

۳. شناسایی گروه های آسیب پذیر ساکن

در محلات و برنامه ریزی جهت افزایش توانمندی.

۴. تقویت حس تعلق مکانی در محلات.

۵. شناسایی افراد و گروه های توانمند در سطح محلات و سازماندهی آنان به منظور مشارکت در برنامه های بحران.

۶. برنامه ریزی و اقدام به منظور افزایش آگاهی ساکنان محلات نسبت به بحران.

۷. توجه به توسعه شبکه های اجتماعی در سطح شهر.

و نهایتاً توصیه می شود بر روی نحوه پیاده سازی چارچوب مفهومی ارائه شده در این تحقیق کار شود با توجه به این که هرکدام از فازهای مدیریت بحران و مکاتب فکری متفاوت می باشد با انتخاب تعدادی از این فازها و مکاتب می توان تحقیقات بیشتری بر روی آنها انجام داد و آنها را بصورت عملی پیاده سازی نمود. تحقیق حاضر با کمی تغییرات می تواند برای سایر بلاها مانند سیل که اخیر در کشورها رو به افزایش گذاشته انجام پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. اسفندیاری، فریباغفاری گیلاننده عطا، لطفی، خداداد (۱۳۹۳) بررسی توان لرزه زایی گسل ها و برآورد تلفات انسانی ناشی از زلزله در مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل) پژوهش های ژئومورفولوژی کیم، سال دوم، شماره ۴.

۲. امیری، پیمان (۱۳۸۴) «در جستجوی هویت شهر اردبیل»، چاپ اول، انتشارات مسکن و شهرسازی تهران

۳. بهتاش، محمدرضا فرزاد و همکاران (۱۳۹۲) ارزیابی و تحلیل ابعاد و مولفه های تاب آوری کلان شهر تبریز، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، شماره ۳.

۴. پرتوی، پروین، بهزادفر، مصطفی، شیرانی، زهرا (۱۳۹۵) طراحی شهری و تاب آوری اجتماعی محله جلفای اصفهان، مجله معماری و شهرسازی، ۹۹-۱۱۶

۵. پورحیدی، غلامرضا، ولدییگی برهان الدین (۱۳۹۳) تابآوری بحران الزامی ملی، ایرانیان با همکاری انجمن علمی مدیریت بحران ایران، چاپ اول

۶. حاتمی نژاد، حسین، نصرتی هشی، مرتضی (۱۳۹۵) تاب آوری و پایداری در مقابل بلایای طبیعی چالشی برای شهر آینده، اراد کتاب، تهران، چاپ اول

۷. حبیب، فرح (۱۳۹۰) نقش شکل شهر در کاهش خطرات ناشی از زلزله، چاپ اول، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

۸. حسینی المدنی، سیدعلی (۱۳۹۵) تاب آوری (فردی، خانوادگی و اجتماعی)، نشر دانش، چاپ اول

۹. داداش پور، هاشم (۱۳۹۴) سنجش ظرفیت های تاب آور در مجموعه شهری قزوین، شماره هشتم، فصلنامه علمی پژوهشی

- مدیریت بحران.
۱۰. رضا زاده، مجتبی، پیغامی، لیلا (۱۳۸۸) رهیافتی حاصل از شناخت شهر سنتی به منظور آرایه الگوی مداخله در بافت (مطالعه موردی: اردبیل)، نشریه های هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۳۸.
۱۱. رضایی، محمدرضا (۱۳۹۰). «ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی و نهادی جوامع شهری در برابر سوانح، نمونه موردی زلزله محله‌های شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره ۳.
۱۲. رضایی، محمدرضا، رفیعان، مجتبی، حسینی، سیدمصطفی (۱۳۹۴) سنجش و ارزیابی میزان تاب‌آوری کالبدی اجتماع های شهری در برابر زلزله (مطالعه موردی: محله های شهر تهران) پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۴.
۱۳. رفیعان و همکاران (۱۳۸۵) تبیین مفهوم تاب‌آوری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور CBDM، دوره پانزدهم، شماره ۴.
۱۴. سازمان دهیاری و شهرداری های کشور (۱۳۸۵) مدیریت بحران شهری، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی
۱۵. شریف آرا، حسین (۱۳۹۳) رویکرد زبان شناختی به ادبیات مدیریت بحران، ایرانیان با همکاری انجمن علمی مدیریت بحران، چاپ اول.
۱۶. صالحی و همکاران (۱۳۹۰) بررسی میزان تاب‌آوری محیطی با استفاده از مدل شبکه علیت، محیط‌شناسی، شماره ۵۹.
۱۷. صالحی، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۰) بررسی میزان تاب‌آوری محیطی با استفاده از مدل شبکه علیت، محیط‌شناسی، سی و هفت، شماره ۵۹.
۱۸. عینالی، جمشید، فرهانی، حسین، جعفری، نسرین (۱۳۹۲) ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش اثرات سانحه زلزله در دهستان سجارود. شهرستان خدابنده، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهارم.
۱۹. محقق، مصطفی، تقی زاده، عباس، کریم لو، کیوان (۱۳۹۴) چارچوب‌سندای برای کاهش خطر بلایا (۲۰۱۵-۲۰۲۰)، سازما پیشگیری و مدیریت بحران تهران.
۲۰. معماری، محسن (۱۳۹۲) تاب‌آوری شهری، درس سمینار مدیریت بحران، دانشگاه علامه طباطبایی.
21. Agudelo-Vero ,Claudia M et al. (2012)Harvesting urban resources towards more resilient cities .In: Resources ,Conservation and Re-cycling ,p3-12 .
22. Adger. W.N (2000)social and ecological resilience are the related ?Progres in Human Geography24 (3 .347.364 .(doi101191/030913200701540405:
23. Alshehri,S.A,Rezgui.Y&Lih(2015) Disaster community resilience as-sessment method : a consensus_ based Dephi and AHP approach Natural Hazds.doi/1001007: s11069-015
24. Atiya,M(2015).A frame work to un-derstand the relationship between social factors the reduce in cities Application to the city of Boston international journaling of disaster risk Redution53-80 (2015)12,
25. Batica.J & Gourbesrille.p(2015) Flood Resilience index-Methodology and Application.
26. Branecauو.M.e(2003).A frame work to quantitatively assess and

Peri-urban Growth Characteristics of a Sprawling City

35. Endress . Martin (2015) "the social constradness off resilience" soc.sat .2015.4 533-545:doi:3390/socsci4030533
36. Endress.M "(2015),The Social Constructedness of Resilience" ISSN ,2076-0760 Soc .Sci,2015 . ;545-533 ,4doi/10.3390:socsci4030533 www.mdpi.com/journal/socsci
37. Grazino.P&Rizzi.P(2016).Valncrahility and resilience in the local systems the case of italion prorinces.since of the total ernviornment ,553,211-222
38. Gunderson, L. H. and Holling, C. S. (eds.) (2010): Panarchy: understanding transformations in human and natural systems. Washington, D.C.
39. Jha, A. K., Miner, T. W., & Stanton-Geddes, Z. (2013). Building Urban Resilience:
40. Joerin ,J,Show.R.Takeunchi,Y&Krishnamuthy,R.(2014).The adoption of a climate disaster resilience index 12085.in Chennai,India.Disasters,38(3)540-561
41. Karholm.M,nylund.K.Fuente . P(2014)"Spatial resiliera and urban planning addressing the interdependence of uran retail area cities volume36.121-130
42. Kutum,1.8 Al-JABERI ,k(2015) Jordan Bnks Finacial soundness indicators.Indicators international Journal of Finance form:Http://ssbfnet.com/OJS/Inden-PHP/ijfbs/article/view/224
27. Brown.K.2014.Global environmental change IA social Turn for resilience?Progress in Human Geography,38,107-117
28. Cacioppo.J. Reis .H& Zautra .A(2011) Social resilience the value of social fitness with onapplication yhe military American psychologist 66(1).43-5
29. Carpenter setal(2001)form metaphor to measermentresilience of what to what ecosystems 4,765-781
30. Cutter.s.l. Barnes.L.Berry.M.Burton.C,Evans,E,TAUTE,E&Webb,J(2008)Aplace -basedmodel for understanding communityresilience to noturalelisnsters Global Environmental change18(4),598-606. Doi: 10.1016/j.gloenvcha.2008.07:013
31. Daris.I.(2004)The application of prormance target to promote effective earthquake risk reduction strategies.Engineering paper ,no2726 ,presenet Ted at the thirnth world conference on earthquake
32. Desouza,K.,Flanery,T.(2013)," Designing planning and managing resilient cities:A conceptual framework" Contents lists available at SciVerse ScienceDirect, journal homepage: www.elsevier.com/locate/cities ,pp. 98-99
33. Desouza,Kevin c Flanery Tevorh(2013) Design,planning and manag resilit cities A conceptual
34. Dutta, V. (2012), War on the Dream, How Land use Dynamics and



43. Lechner.S,Jaco metti,J
NCBean,G&Mitchison .N(2016)
Resilience in a complex world-Avoiding
cross-sector collapse.International
Journal of Disaster Risk Reduction
19,84.91
44. Leon.J.March.A(2014) Urban morphology
as a tool for supporting
post-disaster resilience . A case
study of Talchuan, Chile. Habitat
international volume 43.July.2014
pages250-262
45. Maguire.B: Hagan.P (2007)"Disaster
and communities social resilience".The
Australian Journal of
Emergency Management 2012.
PP.16-19
46. Principles, Tools and Practice.
Washington: Library of Congress
Cataloging-in-Publication Data.
47. Reinhorn.A.(2015)computational
methods, seismic protection hybrid
testing and resilience in earthquake
Engineering A Tribute to the
research contributions of prof,Andrei
Reinhorn :springer International
Publishing
48. Usman.M,Handmer,J,Mitchell,D,
Ahmad,I(2014)"can the vulnerable
be resilient ?co-existence of
vulnerability and disaster resilience
in informal settlements in the Philippines.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

تبیین جامع مفهوم سرمایه فضایی

تمینه انصاری* - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
پروین پرتوی - دانشیار گروه آموزشی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

چکیده

سرمایه فضایی مفهومی نسبتاً نوین در ادبیات مطالعات شهری و فضایی تلقی می‌شود که افکار پژوهشگران جامعه‌شناسی، شهرسازی، و جغرافیا درباره سرمایه و فضای شهری را به یکدیگر پیوند زده، و گرچه حدود دو دهه از شکل‌گیری این دانش‌واژه می‌گذرد، همچنان گسیختگی و ابهام زیادی در دامنه‌های مفهوم سرمایه فضایی وجود دارد. مقاله حاضر با هدف تبیین مفهوم سرمایه فضایی، از روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده است و با روش بازبینی سیستماتیک منابع، به تبارشناسی مفهوم سرمایه فضایی و تحلیل انتقادی آرای نظریه‌پردازان مهم تأثیرگذار بر شکل‌گیری این مفهوم پرداخته است. این مقاله برای پاسخ به سوال از چیستی این مفهوم و شاخصهای آن، به بازبینی دقیق تمامی منابع معتبر و به‌روز در حوزه سرمایه فضایی و تعاریف، شاخصها و معیارهای هر یک پرداخته است. با تحلیل این یافته‌ها، نقاط اشتراک و تفاوت‌های تعاریف موجود شناسایی شده‌اند و چارچوب مفهومی سرمایه فضایی جهت شفاف‌سازی ارتباطات درونی این مفهوم ارائه شده است. مهمترین دستاورد پژوهش، ارائه چارچوب مفهومی و تعریفی جامع از سرمایه فضایی است که در آن ذخایر و جریانها، دو جنبه اصلی این مفهوم بوده و تبیین دو نوع سرمایه فضایی متصل‌کننده و محدودکننده، بسته به میزان شمول آن در رابطه با کنشگران صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در تبیین این دانش‌واژه، کلیدی‌ترین مفاهیم، مجاورت و فاصله بوده‌اند و گرهی بودن، دسترسی‌پذیری، تحرک‌پذیری، ارتباط‌پذیری و مهارت‌های فضایی کنشگران، عوامل موثر بر کاهش فاصله و افزایش مجاورت فضایی می‌باشند. این یافته‌ها، زمینه‌های شناخت فرآیندهای ایجاد، حفظ و ارتقا، یا تخریب سرمایه فضایی در نواحی شهری، و رابطه آن با تبدلات سایر انواع سرمایه را که موجب کارآمدی بیشتر عمل برنامه‌ریزی، طراحی، و مدیریت شهری می‌گردد فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی: مجاورت، انباشت فضایی، ذخایر سرمایه، جریانهای سرمایه، سرمایه فضایی محدودکننده و متصل‌کننده.

The comprehensive explanation of the "spatial capital" concept

Abstract

Spatial capital" as a relatively new concept in urban studies" has been employed by researchers in various fields such as urban geography, urban design, sociology and urban economy, in the last 2 decades. Unfortunately, most of this research is not highly interconnected, and there is still ambiguity around the concept and its criteria; which makes it hard to grasp and explain both in terms of its relationship to concrete spatial factors such as form, density, legibility, accessibility, land use, mobility, etc., and its exchange with other types of capital as well. This research aims to provide a conceptual framework and a comprehensive definition of spatial capital, through a systematic review of all the relevant literature. It explores the roots of this concept and analyzes the commonalities and differences between various relevant studies and their definitions of spatial capital. The findings of this research show that the core elements of spatial capital are proximity and distance, which are influenced by nodality, accessibility, mobility, connectivity, and spatial competence of the actors. This research defines spatial capital as the value-added of space which represents itself through the stocks of spatial capital, and the flows of spatial capital. The spatial capital could be bonding or bridging based on how inclusive it is in relation to spatial actors. This research provides a complex, open and loose framework that shows the role of various physical, spatial, social, economic factors in the form of an urban assemblage called spatial capital. The spatial distance from the centers of capital accumulation and The spatial distance from the centers of capital accumulation and center of concentration of the owners of these capitals (in terms of dwelling, or using the space in any shape or form) could be summed up in three approaches to distance which .are temporal, physical, and social distance

Keywords: Proximity, Spatial Accumulation, Flows of Capital, .Stocks of Capital, Bonding/Bridging Spatial Capital

مقدمه

سرمایه فضایی، دانش‌واژه‌ای است که نظر بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های فضایی و شهری میان‌رشته‌ای، نظیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری، اقتصاد، جغرافیا، معماری، انسان‌شناسی و... را به خود جلب کرده و ظاهراً از توان بالقوه مهم و البته مبهمی برای درک و توضیح بسیاری از فرآیندهای فضایی و اجتماعی شهری برخوردار است. توانی که از یکسو در ذهن هر پژوهشگر ویژگی‌های متفاوتی داشته و از سوی دیگر مرزها و چگونگی آن بسیار مبهم و ذهنی و نامشخص است. حتی در بعضی موارد، دانش‌واژه سرمایه فضایی چنان طبیعی و به‌جا به نظر می‌رسیده که نویسندگان از آن در آثار خود استفاده کرده‌اند اما هرگز توضیح و تعریفی برای آن ارائه نکرده‌اند و یا ارجاعی به نظریات در این حوزه نداشته‌اند. البته لازم است توجه شود که «طبیعی و به‌جا» به نظر آمدن این دانش‌واژه، هرگز به معنای ساده بودن مفهوم آن و یا شفافیت در منظور استفاده کننده از آن نبوده است. نظر به اینکه زمینه‌های تخصصی این پژوهشگران، متنوع و پراکنده بوده است و تفاوت زیادی در پارادایم‌های نظری و رویکرد آنها به دانش‌واژه سرمایه فضایی وجود داشته است، عدم توجه کافی این پژوهشگران به پژوهش‌های یکدیگر و ادبیات نظری پیشاپیش موجود، زمینه گسست و ابهامات غیرضروری در این مفهوم را ایجاد کرده است. به نظر میس (۲۰۱۵) این ابهامات، محدودیتهای کاربست سرمایه فضایی در عمل شهرسازی را گسترده‌تر می‌نماید و آن را در معرض سوء تعبیرهای نظری قرار می‌دهد. (Mace, ۲۰۱۵, pp. ۱۰-۱۱) مقاله حاضر، با هدف تبیین مفهوم سرمایه فضایی به معرفی مختصر زمینه‌های شکل‌گیری این مفهوم پرداخته و سپس تعاریف و معیارهای پژوهشگران از آنرا، ضمن توجه به رویکرد نظری آنها تحلیل می‌کند تا نقاط اشتراک و تفاوت‌های تعاریف مشخص شده و امکان فهم عمیق این دانش‌واژه از طریق شفاف‌سازی ادبیات نظری موجود و استخراج ارتباطات درونی مفهوم، فراهم شود. این مقاله ضمن ایجاد چارچوب مفهومی سرمایه فضایی از درون ارتباطات مطالعات موجود، تعریفی جامع از سرمایه فضایی را در کنار

شاخصها و انواع آن ارائه می‌دهد.

روش تحقیق

این مقاله با روش بازبینی «سیستماتیک»^۱ همه منابع مرتبط با دانش‌واژه سرمایه فضایی صورت گرفته است و منابع بازبینی شده درباره این دانش‌واژه، مربوط به دو دهه یعنی ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ می‌باشند. داده‌های موردنیاز با روش اسنادی جمع‌آوری شده است. این مقاله با فراترکیب و تحلیل انتقادی نظریه‌پردازیهای پیشین و نقاط اشتراک و تفارق، و قوتها و ضعف‌های آنها، پاسخ به چستی مفهوم سرمایه فضایی و عوامل موثر در آن را دنبال کرده است و ضمن ارائه تعریفی جامع، دو نوع متفاوت از سرمایه فضایی را شناسایی و تبیین نموده است.

پیشینه پژوهش

الف) تحلیل ب واژه سرمایه فضایی

در تعاریف اولیه سرمایه توسط آدام اسمیت در قرن هجدهم میلادی، سرمایه یکی از انواع دارایی محسوب می‌شود و «بخشی از دارایی یا ذخایر انسان که او انتظار دارد بتواند از آن عایدی و بازده داشته باشد، سرمایه نام دارد» (Smith, ۱۹۹۸, p. ۳۶۳) گرچه اسمیت بنیانگذار اقتصاد سیاسی کلاسیک بوده و چارچوب مهمی برای اقتصاددانان قرن نوزدهم فراهم کرده است (Jensen, ۱۹۷۶, p. ۲۶۱) اما در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با رواج نظریه تضاد اجتماعی، مفهوم‌پردازی مارکس از سرمایه اهمیت پیدا می‌کند که در آن سرمایه بخشی از ارزش مازاد است که سرمایه‌داران، یعنی کسانی که ابزار تولید در اختیار دارند، آن را از گردش کالاها و پول در فرایندهای تولید و مصرف به دست می‌آورند (Lin, ۲۰۰۴, p. ۵)؛ علیرغم تقلیل‌گرایی این تعریف، پارادایم مارکسیسم با پیوند نظریات اقتصادی و حوزه جامعه‌شناسی، بستر مهمی برای نظریات جدید سرمایه فراهم نمود. از ۱۹۶۰ به بعد، تئوریهای سرمایه از سیستم غیر منعطف و سخت دو طبقه‌ای (کارگر و سرمایه‌دار) خارج شده، و با طرح ساختار اجتماعی سلسه‌مراتبی و طبقات گوناگون، امکان تحرک میان طبقات مطرح شد؛ «لذا شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه هم‌چون سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی هستیم.»

(Lin, 2004, p. 10) اما علی‌رغم تمامی تغییرهایی که در نظریه سرمایه صورت گرفته، اندیشه اصلی مفهوم سرمایه یعنی «سرمایه به عنوان ارزش مازاد و سرمایه‌گذاری با یک بازدهی موردانتظار» در همه آنها حفظ شده است (Lin, 1999, p. 29) و نقطه اشتراک نظریه‌های کلاسیک و جدید سرمایه محسوب می‌شود که توسط نظریه‌پردازانی نظیر شولتز، بکر، اریکسون، لین، پورتس، کلمن، پاتنام، بوردیو و... مطرح شده‌اند.

نظریات پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی قرن بیستم (۱۹۳۰-۲۰۰۲) در باب سرمایه و انواع آن، اصلی‌ترین بستر شکل‌گیری مفهوم سرمایه فضایی در اواخر قرن بیستم هستند. بوردیو تقلیل انواع سرمایه به سرمایه اقتصادی را، که جهان مبادلات را به مبادله تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری می‌داند. از نظر او توضیح جهان اجتماعی غیرممکن است مگر آنکه سرمایه نه فقط به همان شکلی که نظریه اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی اشکال آن از نو شناخته و معرفی شوند. (Bourdieu, 1986, pp. 281-280) در نظریه بوردیو چهار نوع سرمایه به طور کلی معرفی شده‌اند که عبارتند از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین. از نظر وی اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. ن.ک. (Bourdieu, 1986, p. 281; Turner, 1998, p. 512) قابلیت تبادل انواع سرمایه با یکدیگر و تاثیر آن بر جابجایی موقعیت کنشگران در فضای اجتماعی، از اصول مهم نظریه بوردیو است، «... همین برداشت از سرمایه به بوردیو اجازه می‌دهد تا فراز و نشیب موقعیت کنشگران را با توجه به کم و کیف سرمایه آنها در مراحل مختلف حیاتشان در یک میدان خاص تعقیب کند.» (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲۴)

تاثیر تبادلات سرمایه بر جابجایی موقعیت کنشگران، به تحرک طبقاتی اقتصادی و اجتماعی محدود نمی‌شود و بوردیو در آخرین نوشته‌های خود در اواخر قرن بیستم از تاثیر تبادلات سرمایه بر جابجایی موقعیت فیزیکی و فضایی در کنار موقعیت اجتماعی سخن می‌گوید. بر این اساس، در کنه اندیشه بوردیو، کم و کیف سرمایه کنشگران و تحولات آن، نه تنها با فراز و نشیب موقعیت

اجتماعی آنها، بلکه با تغییرات موقعیت فیزیکی و فضایی آنها در ارتباط است. بوردیو (۱۹۹۹) مفهوم موقعیت ۱ را که معادل واژه فرانسوی lieu است معرفی می‌کند و از این واژه برای توصیف موقعیت فیزیکی علاوه بر موقعیتهای انتزاعی‌تر در میدان اجتماعی استفاده می‌کند. (Danahay-Reed, 2005, pp. 134-135) سایت یا موقعیت ۲ برای بوردیو «به عنوان نقطه‌ای در فضای فیزیکی تعریف می‌شود که یک کنشگر یا یک چیز در آن قرار گرفته است، «رخ میدهد» و وجود دارد؛ چنین قرار گرفتنی می‌تواند به صورت «محلی شدن/ در نقطه‌ای تمرکز یافتن» ۳ باشد و یا با یک نگاه ارتباطی به یک «جایگاه» نظیر رتبه‌ای در یک نظام اشاره داشته باشد.» (Bourdieu, 1999, p. 123)

تعریف بوردیو از موقعیت، مشخصاً تعریفی چندساحتی بوده و همزمان به جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی توجه دارد. این همزمانی در نوشته‌های بوردیو، آنجایی به اوج می‌رسد که مفاهیم موقعیت نسبی و فاصله را به عنوان عناصر تعریف‌کننده موقعیت کنشگران در فضای اجتماعی معرفی می‌کند و رابطه‌ای تقریباً جبری میان موقعیت اجتماعی کنشگران و موقعیت فضای فیزیکی در نظر می‌گیرد. از نظر بوردیو، چون کنشگران در فضای اجتماعی شکل گرفته‌اند، و چیزهای دیگر توسط این کنشگران از آن خودد شده و به عنوان دارایی محسوب می‌شوند؛ بنابراین کنشگران در یک سایت یا موقعیت از فضای اجتماعی قرار دارند که می‌تواند بر اساس دو چیز تعریف شود، اول تعریف بر اساس موقعیت ۶ آن نسبت به

۱. Location

۲. بوردیو از کلمه lieu استفاده می‌کند که در فرانسوی به معنای محل می‌باشد. مترجم فرانسه به انگلیسی، کلمه site را جایگزین مناسبی تلقی کرده است که البته برخی نویسندگان دیگر با این معادل چندان موافق نیستند، رید-داناها (2005, p. 134) کلمه location را معادل مناسبتری برای lieu تلقی می‌کند.

۳. Localization

۴. Constituted

۵. بوردیو از کلمه Appropriated استفاده می‌کند که به معنای مال خود کردن فضا و مقتضی خواسته‌های خود کردن است.

۶. Position

دیگر سایتها (بالا، پایین، میان و...) و دوم تعریف بر اساس فاصله‌ای ۱ که آن سایت را از آنها جدا میکند. از نظر بوردیو (۱۹۹۹) «در یک جامعه سلسله مراتبی شده ۲ هیچ فضایی وجود ندارد که خود، در جایی از این سلسله مراتب قرار نگرفته باشد و هیچ فضایی وجود ندارد که بیان‌کننده مرتبه‌ها و فواصل اجتماعی نباشد. ... در حقیقت، فضای اجتماعی به فضای فیزیکی ترجمه می‌شود، اما این ترجمان همیشه کمابیش «تار» است: قدرت بر فضا، از دل دارا بودن انواع مختلف سرمایه بیرون می‌آید و این قدرت بر فضا ... ارتباط خاصی میان ساختارهای فضایی پراکندگی کنشگران با ساختارهای فضایی پراکندگی کالاها و خدمات خصوصی و عمومی ایجاد می‌کند. جایگاه یک کنشگر در فضای اجتماعی، در آن سایت فضای فیزیکی که کنشگر در آن قرار گرفته است، بازنمایی و اظهار میشود.» (Bourdieu, ۱۹۹۹, pp. ۱۲۳-۱۲۴) این بازنمایی، از طریق اشغال و مصرف فضا توسط کنشگران صورت می‌گیرد، که منجر به الگوهای خاص پراکنش فضایی کنشگران و کالاها و خدمات می‌شود. منظور از اشغال کردن فضا، اشغال موقعیتهای موقت و دائم (موقعیتهای موقت نظیر جایگاه ویژه نشستن، و موقعیتهای دائم نظیر آدرس منزل یا محل کار) در مقایسه با جایگاه نسبی دیگر کنشگران در اشغال این موقعیتهای است و معمولا موقعیت هر کنشگر به گونه‌ای نسبی و در مقایسه با سایر کنشگران تعریف می‌شود. برای بوردیو، رابطه میان سرمایه و فاصله فیزیکی کنشگران از کالاها و خدمات، از طریق مفهوم سود فضایی توضیح داده می‌شود.

سودهای فضایی می‌توانند در دو گروه یعنی سودهای فضایی ناشی از جایگاه و سودهای فضایی ناشی از تصرف قرار بگیرند. (Bourdieu, ۱۹۹۹, pp. ۱۲۶-۱۲۷) سود ناشی از جایگاه یا مرتبه، درآمد ناشی از مجاورت به کنشگران و کالاها و فواصل و مطلوب (نظیر موسسه‌های آموزشی، فرهنگی و درمانی) می‌باشد که در حقیقت سود نمادین گره خورده به مالکیت انحصاری یک ملک متمایز، مثلا یک آدرس با پرستیژ بالا است. درباره این نوع سود فضایی، چون فاصله فیزیکی بر اساس زمان

۱. Distance
۲. Hierarchized

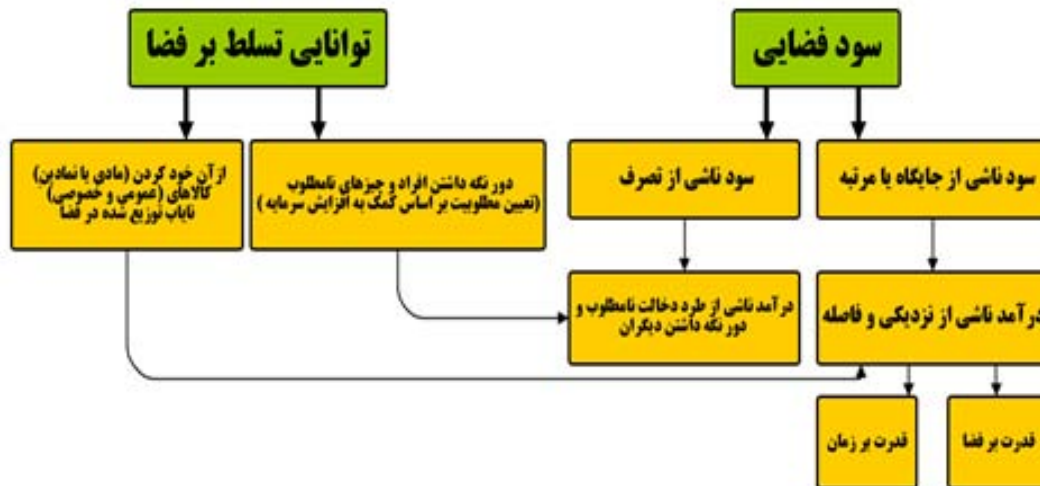
مورد نیاز برای رسیدن از نقطه‌ای به نقطه دیگر معنا می‌یابد، قدرت بر فضا که از طریق فرمهای مختلف سرمایه حائز می‌شود، قدرت بر زمان نیز هست. بنابراین چون این نوع از سود فضایی، به طور مستقیم به مجاورت و نزدیکی برمی‌گردد، به فاصله فیزیکی و فاصله زمانی وابسته است و ارتباط اساسی با عوامل فضایی نظیر دسترسی پذیری، فاصله از مرکز، مجاورت با مرکز یا گره‌ها، و... دارد، که مورد توجه جدی پژوهشگران سرمایه فضایی در سالهای بعد قرار گرفته است.^۳

ارزش‌های فضایی برای کنشگران سود تولید میکنند و موقعیت اجتماعی آنها را بازنمایی میکنند؛ و حفاظت از آنها و به حداکثر رساندنشان از طریق تسلط بر فضا و اعمال قدرت بر فضا صورت می‌گیرد. به همین دلیل، حالت دوم سودهای فضایی، سود ناشی از تصرف (یا ناشی از ازدحام) می‌باشد که در آن تملک یک فضای (نظیر زمین‌های وسیع، آپارتمان جادار و...) شیوه‌ای برای طرد هر گونه دخالت نامطلوب و در فاصله دور نگه داشتن مزاحمان است. توانایی تسلط یافتن بر فضا، خصوصا از طریق از آن خود کردن (مادی یا نمادین) کالاها (عمومی و خصوصی) نایاب توزیع شده در فضا، وابسته به سرمایه تصرف شده است. سرمایه، امکان دور نگه داشتن افراد و چیزهای نامطلوب را فراهم میکند و همزمان، افراد و چیزهای مطلوب (مطلوب بودنی که بر اساس غنای سرمایه تعریف شده‌است) را گرد هم می‌آورد؛ و بنابراین هزینه‌های لازم (خصوصا از نظر زمانی) برای مال خود کردن آنها را به حداقل ممکن می‌رساند. اجتماعات دروازه‌دار، محلات اعیانی‌سازی شده، شهرک‌های مسکونی متعلق به گروه‌های اجتماعی مختلف و برج‌های مسکونی لوکس، همگی از نمونه‌های رایج تسلط بر فضا با در فاصله نگاه‌داشتن مزاحمان و اغیار است، که با هدف حفظ و به حداکثر رساندن سودهای فضایی انجام می‌شود. این مساله نیز بر نظریات پژوهشگران سرمایه فضایی در دوره‌های بعد موثر بوده است.^۴ این جنبه سودهای فضایی، از آنجا که

۳. (ن.ک. Cailly, 2007; Lees & Rérat, 2011; Soja, 2005, 2008, 2011)
۴. (ن.ک. Cailly, 2007; Centner, 2008; Hoff- mann, 2008)

با بحث میزان شمول سرمایه فضایی در ارتباط است، شباهتی مهم با انواع سرمایه اجتماعی محدودکننده^۱ و متصل کننده^۲ برقرار می‌نماید که در بخشهای بعدی مقاله حاضر به این ارتباط پرداخته شده است.

نمودار ۱. روابط میان سود فضایی و تسلط بر فضا از نظر بوردیو، ماخذ: نگارندگان.



همانطور که در نمودار ۱ دیده میشود، در نظر بوردیو رابطه میان انواع سرمایه با سودهای فضایی، رابطه‌ای مبادله‌ای و رفت و برگشتی است: «مجاورت در فضای فیزیکی، اجازه می‌دهد تا مجاورت در فضای اجتماعی بتواند تأثیرات خود را در تجمع یافتن سرمایه اجتماعی، تسهیل و تسریع نماید. ... در مقابل، آنهایی که از سرمایه محروم شده‌اند، در فاصله (فیزیکی و نمادین) از کالاهای نایاب نگه داشته شده و مجبورند با نامطلوب‌ترین و رایج‌ترین افراد و کالا بیوندند. نبودن سرمایه موجب تشدید تجربه محدودیت میشود و فرد را به یک مکان زنجیر میکنند.» (Bourdieu, ۱۹۹۹, p. ۱۲۷) بر این اساس محدودیت در تحرک فضایی، از عوامل مهم تأثیر گذار بر سرمایه فضایی محسوب میشود که از دیدگاههای بوردیو نشات گرفته و در نظریات بعدی اکثریت پژوهشگران سرمایه فضایی نیز، در قالب عوامل حرکت، تحرک پذیری، ارتباط پذیری، و دسترسی پذیری، مورد توجه قرار گرفته است.^۳

۱. Bonding

۲. Bridging

۳. (ن.ک. & Bergman, Kaufmann ;2006 ,Kaufmann & Flamm ;2010 ,Monfroy & Barthou ;2004 ,Lévy ;2004 ,Joye ;2004 ,Lévy ;2000 ,2003 ,2014 ,Lussault & Lévy ;2003 ,Lees & Rérat ;2011)

ب) تحلیل جامع آرای نظریه پردازان سرمایه فضایی

نظر به کثرت و تنوع آرا درباره مفهوم سرمایه فضایی، و تعداد زیاد منابع، در این پژوهش از روش بازبینی سیستماتیک منابع استفاده شده است؛ و نتایج این تحلیلها به صورت خلاصه در دو قالب متن و جدول، ارائه شده‌اند. با توجه به محدودیت حجم مقاله لازم است مخاطب گرامی برای مطالعه دقیق آرای هر یک از پژوهشگران به اصل منبع مراجعه نماید.

اولین نظریه‌پردازانی که به شرح و بسط نظریات بوردیو درباره تمایز در فضای فیزیکی پرداخته است، جغرافیدان فرانسوی ژاک لوی میباشد. بوردیو، تا پیش از مقاله «تأثیرات موقعیت» در کتاب وزن جهان در سال ۱۹۹۹، به صورت مستقیم در حوزه ایده‌های خود درباره فضای فیزیکی صحبت نکرده است (ن.ک. Bourdieu, ۱۹۹۹) درحالیکه ژاک لوی، برای اولین بار با تکیه بر نظریات بوردیو و هانری لوفور، در سال ۱۹۹۴ ایده‌هایی را درباره سرمایه فضایی مطرح کرده است. (ن.ک. Lévy, ۱۹۹۴)

از نظر لوی، بوردیو اصلاح نظری مهمی را در مفهوم سرمایه از طریق اضافه کردن سرمایه فرهنگی و سرمایه ارتباطی (که آنرا سرمایه اقتصادی مینامید) ایجاد نمود و با این اصلاحات، مضمون اساسی واژه سرمایه را از درون واژگون کرد. مضمون پولی سرمایه همچنان پایدار است اما به عنوان یک نمونه خاص از یک نظام معنایی بسیار عمومی‌تر فهمیده میشود. (Lévy, ۲۰۱۴, pp. ۴۶-۴۷) لوی (۲۰۱۴) با تاکید بر تعمیم ایده بوردیو به فضای فیزیکی مینویسد: «علاوه بر این ... چرا باید اینجا توقف کرد؟ چرا نمی توان تصور کرد که بقیه منابع هم می‌توانند در کنار هم تجمع یابند و یا حتی اینکه دامنه منابع ممکن، نه می‌تواند ثابت باشد و نه می‌تواند از قبل معین باشد؟ به طور کلی پویایی اجتماعی در ترکیب سرمایه و در ارزیابی تشخیصی از فرمهای متنوع آن می‌تواند سلسله مراتب گروههای اجتماعی را به خوبی نشان دهد. بنابراین، سرمایه فضایی، فرمی از سرمایه است که میتواند تجمع یابد و برای تولید بقیه کالاهای اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. سرمایه فضایی، به بازی تبادلات میان

بقیه انواع سرمایه وارد میشود.» (Lévy, ۲۰۱۴, p. ۴۸) لوی، که از تجمع منابع در کنار هم و همچنین از تبادلات سرمایه فضایی با بقیه انواع سرمایه سخن می‌گوید، کاملاً با نظرات بوردیو درباره پراکنش کنشگران و منابع به عنوان بازتاب و ترجمان موقعیت اجتماعی در موقعیت فضایی، هماهنگی دارد. در مقایسه رویکرد لوی و بوردیو، لوی به فضا به عنوان یکی از منابع و کالاهای کمیاب نگاه می‌کند و برای او، فضا تنها بستر پراکنشهای فضایی کنشگران و کالاهای و منابع نیست؛ فضا محدود بوده و بنابراین موضوع رقابت است و میتواند با کالاهای کمیاب که گونه‌ای از سرمایه را ایجاد می‌کنند و میتوانند منشا ایجاد نابرابری باشند، مقایسه شود. بنابراین سرمایه فضایی، از تمام ابزارهایی تشکیل شده است که به کنشگر اجازه میدهد مسائل و مشکلات مربوط به فاصله راه، مدیریت و کنترل نماید. (Lévy, ۱۹۹۴, p. ۹۴) در جای دیگری، لوی و لاسالت (۲۰۰۳, p. ۱۲۴) در تعریفی نسبتاً شفاف از سرمایه فضایی، مینویسند: سرمایه فضایی «تمام منابع انباشت شده توسط یک بازیگر فضایی است که برای او امکان بهره‌برداری و سود بردن از جنبه فضایی جامعه راه، مطابق با استراتژی انتخاب شده توسط او، فراهم می‌آورد». (Lussault & Lévy, ۲۰۰۳, p. ۱۲۴)

لوی (۱۹۹۴)، بین دو گونه عمده سرمایه فضایی تفاوت قائل شده است: اول، سرمایه جایگاهی ۱ که به یک مکان ۲ مرتبط است و دوم، سرمایه موقعیتی ۳ که به یک منطقه ۴ ارتباط می‌یابد. در مورد سرمایه جایگاهی، عنصر اصلی، شمول ۵ در فضایی است (یک مکان مسکونی یا محل کار) که داراییهای ۶ فضایی برای فرد تامین می‌کند. به عنوان مثال سکونت در یک آدرس پرستیژ و دسترسی مناسب به کابریهای تفریحی و تجاری، یا استقرار دفتر کار در یک برج تجاری لوکس و نزدیک به یک گره شهری مهم، و... (Lévy, ۱۹۹۴, p. ۹۵)

۱. Position capital

۲. Place

۳. Situation capital

۴. Area

۵. Inclusion

۶. Assets

منظور از سرمایه موقعیتی، استفاده از تحرک پذیری ۱ برای کنترل و مدیریت مقوله فاصله می باشد؛ که به معنای استفاده از اتومبیل شخصی و مودهای مختلف حمل و نقل برای دسترسی به یک نقطه فضایی و بنابراین کنترل فاصله از این طریق می باشد. به عنوان مثال ساکنان یک منطقه مسکونی دارای مترو، نزدیکی به بزرگراهها، عدم قرارگیری در محدوده طرح ترافیک و دسترسی به خطوط ویژه اتوبوس، تحرک پذیری زیادی داشته و در عین داشتن فاصله فیزیکی با گره های شهری مهم، مقوله فاصله را تحت کنترل و مدیریت دارند و از سرمایه موقعیتی بالایی برخوردارند. سرمایه جایگاهی در تعریف لوی، بر شمول فضایی تاکید دارد و از این رو به مفهوم سودهای فضایی ناشی از تصرف در نظر بوردیو شبیه است. در مقابل، سرمایه موقعیتی در تعریف لوی، از آنجا که به فاصله فیزیکی و مجاورت و کنترل آن توجه دارد، متناظر با سودهای فضایی ناشی از جایگاه یا مرتبه در نظر بوردیو می باشد.

در نظر لوی (۲۰۱۴) سرمایه فضایی، جزء مهمی از سرمایه اجتماعی بازیگر اجتماعی است و می تواند با انواع دیگر سرمایه مبادله شود. همچنین یک فضا میتواند از حیث جریانها ۲ و ذخایر ۳ دارای سرمایه فضایی باشد. به عنوان مثال، یک شهر می تواند از موقعیت و محل خود استفاده کرده و ارتباطات با دیگر فضاها را ایجاد کند و یا همچنین جذابیت خود را برای گروه های متنوعی از بازیگران فضایی پرورش دهد. (Lévy, ۲۰۱۴, p. ۶۶) بر اساس این تعریف لوی، سرمایه فضایی هم می تواند درباره اشخاص و گروه های اجتماعی معنا داشته باشد و هم در ارتباط با شهر و بخش های آن.

گرچه لوی بنیانگذار این مفهوم است و نظراتش بیشترین تناسب هستی شناسی را با دیدگاه بوردیو دارا هستند اما این مفهوم در نوشته های لوی انتزاعی و مبهم باقی می ماند و فاقد نمونه هایی برای درک منظور نویسنده است. در سال های اخیر بخش هایی از نظریه سرمایه فضایی لوی، در دو مقاله برای بررسی نمونه های موردی به کار گرفته شده اند. یکی از این موارد، مقاله کایلی (۲۰۰۷) است که به بررسی

۱. Mobility
۲. Flows
۳. Stock

جنبه هایی از سرمایه فضایی- بر اساس نظرات لوی و لاسالت- در یک منطقه مسکونی پرداخته است. (ن. ک جدول شماره ۱، و Cailly, ۲۰۰۷) مقالات معدود دیگری نیز به زبان فرانسه وجود دارند که از ماهیت انتزاعی نظریه لوی خارج نشده و به مرور آن پرداخته اند. (Ripoll, ۲۰۰۶; Catin, ۱۹۹۷; Ripoll & Veschambre, ۲۰۰۵)

در مقاله دیگری، بارتون و مانفری (۲۰۱۰) بر دو بعد سرمایه فضایی از نظر لوی (۱۹۹۴) یعنی سرمایه موقعیتی و جایگاهی تاکید کرده اند. این پژوهش «... اهمیت و معنی داری سرمایه فضایی در تبیین وضعیت های تحصیلی را تأیید می کند و تأثیر جنبه فضایی در مقایسه با جنبه صرفاً اجتماعی بر وضعیت تحصیل، بیشتر بوده و بر جنبه اجتماعی سایه می اندازد. ... این سرمایه [سرمایه فضایی] عمدتاً بقیه منابعی را که از طریق دیگر انواع سرمایه بازیگران اجتماعی فراهم شده اند، مصرف می کند...» (Monfroy & Barthon, ۲۰۱۰, p. ۱۹۱) از نظر ایشان کنترل بر جنبه فضایی، خود یک سرمایه است که به گونه ای نابرابر میان گروه های اجتماعی توزیع شده است و بر وضعیت نابرابری های تحصیل در محیط های شهری موثر است.

از دیگر نظریه پردازان دانش واژه سرمایه فضایی، جودیت بلاو، جامعه شناس است که در سال ۲۰۰۰ در مقاله ای از دانش واژه سرمایه فضایی نام برده است و گرچه رویکرد نظری کاملاً متفاوت از لوی و بوردیو دارد، اما بر اهمیت برخی عناصر مشترک نظیر مجاورت ۴ و روابط مبادله ای تاکید می کند. بلاو (۲۰۰۰) بحث می کند که مجاورت منجر به ایجاد روابط مبادله ای بیشتر می شود که در نتیجه، جایگاه سطح محلی را به عنوان یک سایت که در آن اقتصاد محلی شکل خواهد گرفت ارتقا می بخشد. از این اقتصاد محلی، سرمایه فضایی پدیدار می شود؛ که عبارتست از منابعی که از دل حمایت نهادهای محلی از تولید و نگهداری منابع اشتراکی ایجاد شده اند. (Blau, ۲۰۰۰, p. ۲۱۷) از نظر وی منابع مشترک، سایت یا محل آنچه هستی هستند که آن را سرمایه فضایی می نامد. سایت های منابع مشترک، سرمایه فضایی تولید می کنند زیرا پایه روابط متنوع شکل گرفته اند و فرصت های مواجهه ها و تماسها و ارتباطات

جدید را گسترش میدهند. این تعامل اجتماعی ارتقا یافته، به کم اهمیت جلوه کردن تمایزات اجتماعی کمک می‌کند. با چند برابر شدن ارتباطات اجتماعی در حول و حوش منابع مشترک، سهم تک تک افراد از منابع افزایش می‌یابد. (Blau, ۲۰۰۰, p. ۲۲۱) با این تعریف، از نظر بلاو بازیگران اقتصادی مختلف که در قالب افراد، سیاستمداران و صاحبان تجارتهای محلی شناخته میشوند، دارای سهمی از منابع مشترک و میزان متفاوتی از سرمایه فضایی هستند.

نظریه‌پرداز دیگر، میشل لاسالت جغرافیادان فرانسوی است که برای او، سرمایه فضایی تنها در ارتباط با کنشگران فضایی معنا پیدا می‌کند و نه در ارتباط با فضای کالبدی. لاسالت از کفایت و خبرگی^۱ فضایی کنشگران صحبت می‌کند و می‌گوید کنشگران، مهارتهای ادراکی، شناختی، زبانی، تکنولوژیک و ارتباطی خود را بسیج میکنند تا با مسائل فضایی مواجه شوند. لاسالت، این کفایتها را در قالب سه مهارت در مواجهه با فضا طبقه‌بندی کرده است که عبارتند از: الف) مهارتهای شناختی^۲ نظیر دانش از مکانها (مثلا نقطه دارای بهترین شیب برای اسکی در پیست)، یا دانش از فواصل (کوتاهترین راه، راههای میانبر، ترافیک ساعات مختلف) هستند که منجر به جهت‌یابی بهتر و یافتن مکان بهتر برای زیست و یا تجربه‌های فضایی میشوند. ب) مهارتهای رفتاری^۳: نظیر تمایز آداب رفتاری و آنچه که با نزاکت تلقی می‌شود در فضای عمومی و خصوصی، در سطح زمین و یا زیر زمین، در یک هتل قصرمانند و یا یک مهمانخانه. تکنیکها و مهارتهای جسمانی نظیر چگونه اسکی کردن، چگونه آفتاب گرفتن، چگونه پرسه‌زنی در شهر و... ج) مهارتهای ابزاری^۴ نظیر چگونه استفاده از دستگاه بلیت خودکار، رانندگی کردن، پیدا کردن یک خانه و... که همگی منجر به تنوع و تفاوت میان افراد در دسترسی به مکانهایی می‌شوند که به شدت متکی بر توانمندی در استفاده از ابزار می‌باشند. از نظر لاسالت، تاثیر متقابل این سه مهارت و ظرفیت، به خروجی توانمندیهای فرد در

مواجهه با مسائل فضایی می‌انجامد. (Lussault, M. Stock & Stock, ۲۰۰۹, p. ۱۶) همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد یکی از مهمترین ابهامات در دانش‌واژه سرمایه فضایی و معیارهای آن، تعلق داشتن (و یا چگونگی ارتباط یافتن) سرمایه فضایی به افراد و گروهها، و یا تعلق داشتن سرمایه فضایی به شهر و محله و کالبد شهری می‌باشد. رویکرد لاسالت شفاف‌ترین توضیح از چگونگی برقراری ارتباط میان سرمایه فضایی و افراد می‌باشد که در این منابع وجود دارد. نقطه ضعف نظریه لاسالت آن است که مهارتهای فضایی به تنهایی قادر به توضیح جنبه‌های مختلف تبادلات سرمایه‌ای در فضا و مداخله‌های فضایی نیستند و بنابراین محدود کردن سرمایه فضایی به مهارتهای فضایی، تقلیل‌گرایانه به نظر میرسد. این مهارتها تبیین‌کننده بخشی از فرآیند شکل‌گیری سرمایه فضایی کنشگران هستند که بنیان دیگر متغیرهای موثر در سرمایه فضایی را تحت تاثیر قرار میدهند، به عنوان مثال مجموعه این مهارتها میتواند به ارتقای تحرک‌پذیری کنشگران کمک قابل توجهی نماید و در نتیجه سطح ارتباطات و هم‌حضور و تبادلات را ارتقا داده و بر جریان رفت و برگشتی میان سرمایه‌ها موثر باشد.

نظریه‌پرداز دیگر وینسنت کافمن، جامعه‌شناس و جغرافیادان شهری می‌باشد که گرچه از دانش‌واژه سرمایه فضایی در مکتوبات خود استفاده نکرده اما تاثیر زیادی بر این حوزه داشته و نظریه‌پردازان حوزه سرمایه فضایی در سالهای بعد، نظیر ریرات و لیز (۲۰۱۱) را تحت تاثیر قرار داده است. کافمن و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی «تحرک‌پذیری به عنوان سرمایه» پرداخته و تحرک‌پذیری را حلقه اتصال میان جابجایی و حرکت فضایی و اجتماعی دانسته‌اند (al et Kaufmann, ۲۰۰۴, p. ۷۴۹) و آنرا مشتمل بر سه عنصر دسترسی^۵، صلاحیت^۶ و مناسب‌سازی یا از آن خود کردن^۷ معرفی کرده‌اند. دسترسی، مربوط به دامنه حرکتی ممکن بر اساس مکان، زمان و دیگر محدودیتهای زمینه‌ای می‌باشد؛ و بر وسائل حمل و نقل و ارتباطات که در هر زمان

۱. competence

۲. Cognitive skills

۳. Behavioral skills

۴. Instrumental skills

۵. Access

۶. Competence

۷. Appropriation

و مکان خاص در دسترس هستند اشاره دارد. عنصر دوم یا صلاحیت، به مهارت‌های افراد اشاره می‌کند که می‌توانند فیزیکی باشند (نظیر مهارت دوچرخه سواری)، یا کسب‌کردنی باشند (نظیر گواهینامه رانندگی)، و یا سازمانی تلقی شوند (نظیر توانایی برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن فعالیتها). عنصر سوم یا مناسب‌سازی، به استراتژیها، انگیزشها، ارزشها و فعالیتهای افراد اشاره دارد و شامل شیوه عمل افراد از لحاظ دسترسی و مهارت؛ و همچنین چگونگی استفاده افراد از تحرک‌پذیری بالقوه خودشان می‌باشد. (al et Kaufmann, ۲۰۰۴, p. ۷۵۰; Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۲۷) از نظر آنها همانطور که سرمایه اقتصادی با دانش، ثروت فرهنگی و موقعیت اجتماعی در ارتباط است، تحرک‌پذیری نیز بیانگر فرمی از سرمایه است که میتواند روابطی میان فرمهای دیگر سرمایه ایجاد نموده و یا با آنها مبادله شود. بر خلاف سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که عمدتاً با موقعیتهای سلسله‌مراتبی سر و کار دارند؛ تحرک‌پذیری، همزمان به جنبه‌های عمودی و افقی موقعیتهای اجتماعی اشاره دارد. (al et Kaufmann, ۲۰۰۴, p. ۷۵۴) سه عنصر معرفی شده توسط ریرات و لیز، هم جنبه‌هایی از سرمایه فضایی در ارتباط با کنشگران را شامل شده و هم جنبه‌هایی را سرمایه فضایی در ارتباط با فضای فیزیکی را توصیف میکند و از این روی از ظرفیت بالایی برای شفاف‌سازی ابهامات سرمایه فضایی برخوردار است.

ادوارد سوجا، نظریه‌پرداز شهری و جغرافیدان، در طول دهه اخیر ایده سرمایه فضایی را اندیشه‌ای با ظرفیتهای قوی دانسته که با تجمع و انباشت شهری در ارتباط بوده و آن را به عنوان بخشی از جریان علیت فضایی شهری و در راستای توضیح بهتر تأثیرات فضایی شهرها بر فرآیندهای اجتماعی و جریانات شهری شناسایی میکند و بر ارتباط‌پذیری و تناسب این ایده با اندیشه سرمایه اجتماعی تأکید می‌نماید. سوجا در ریشه‌شناسی ایده‌های بنیادی این مفهوم، بر سه عامل گرهی بودن، مجاورت و تأثیرات آفرینندگی شهری تأکید کرده است. از نظر وی ویژگی بنیادین این رویکرد، اهمیت مجاورت به مرکز گرهی برای دسترسی به مزایای ارتباطی آن است. «گرهی بودن» در شکل انباشتگی شهری، از

طریق صرفه‌ناشی از ذخیره زمان و انرژی و همچنین از طریق ایجاد فرآیندهای انباشت شهری - که کمتر قابل اندازه‌گیری بوده و عمدتاً به مزایای ارتباط رفت و برگشتی بازیگران فضاها مرتبطند - مزیت اقتصادی ایجاد میکنند. از نظر او ایده سرمایه فضایی تأثیرات آفرینندگی انباشتگی شهری را آشکار می‌کند.^۲ سوجا (۲۰۰۸, p. ۳۱) پیش‌بینی میکند که «قدم بعدی ... ظهور مفهوم قدرتمندی از سرمایه فضایی خواهد بود که برای علیت فضایی شهری و دیالکتیک اجتماعی - فضایی، به رسمیت شناخته شدنی - که مدتهاست لیاقتش را دارند - را به ارمان آورد». سوجا (۲۰۱۱) می‌نویسد: «من حدس می‌زنم که به زودی، ایده علیت فضایی شهری تبدیل به مفهومی جدید و جامع از سرمایه فضایی شود، که با توسعه‌های اخیر ایده سرمایه اجتماعی در تناسب می‌باشد.» (Soja, ۲۰۱۱, p. ۴۵۲)

دیگر نظریه‌پرداز مؤثری که تعریف شفافی از سرمایه فضایی ارائه داده است، لارس مارکوس، معمار و طراح شهری می‌باشد. مارکوس (۲۰۰۷) روابط میان فرم شهری و زندگی شهری را در قالب مفهوم شهریت^۳ نام‌گذاری می‌کند و بحث میکند که فرم شهری، چیزی را در این فرآیند تولید می‌کند که می‌تواند سرمایه فضایی نامیده شود و قابل اندازه‌گیری است. (Marcus, ۲۰۰۷, p. ۳) از نظر مارکوس، اندازه‌گیری متغیرهای حرکت^۴، تراکم^۵ و تنوع^۶ - که مستقیماً برآمده از تحلیل چیدمان فضایی است - چیزی را شناسایی می‌کنند که می‌توان آن را سرمایه فضایی نامید (Marcus, ۲۰۰۷, p. ۱) و امکانات نظری جدیدی را برای اندازه‌گیری تأثیر فرم شهری بر ارزش زمین فراهم می‌کند. تعریف مارکوس با هدف فراهم آوردن ابزار تخمین قیمت زمین شهری، خصوصاً در مورد پروژه‌های مسکونی شهری جدید ارائه شده است و ارزش مبادله‌ای سرمایه فضایی و قابل ترجمه بودن ارزش فرم شهری به سرمایه اقتصادی را فرض گرفته است. (Marcus, ۲۰۰۷, p. ۱۰) شهرها

۲. درباره ریشه‌های اندیشه انباشت شهری و گرهی بودن

ن.ک. Soja, 2005

۳. Urbanity

۴. Movement

۵. Density

۶. Diversity

اعمال شده ۲ یا هزینه ۳ میشود و ... نتیجه هزینه کردن سرمایه فضایی، شکل گیری مکان می باشد.» (Centner, ۲۰۰۸, p. ۱۹۵) نقطه قوت نظریه سنتنر، توجه آن به چگونگی هزینه شدن سرمایه فضایی و رابطه میان مصرف فضا با انواع دیگر سرمایه می باشد؛ که بسط نظریات بوردیو در حوزه تمایز و مصرف، به دانش‌واژه سرمایه فضایی می باشد و در دیگر پژوهش‌های سرمایه فضایی در دهه اخیر، توجهی به آن نشده است.

تعریف مهم دیگر از دانش‌واژه سرمایه فضایی، به ریرات و لیز (۲۰۱۱) تعلق دارد که عمدتاً تحت تاثیر نظریه کافمن و همکاران درباره تحرک پذیری به عنوان یک سرمایه شکل گرفته است. ریرات و لیز (۲۰۱۱) با تمرکز بر شیوه‌های تحرک پذیری در نمونه‌های اعیانی‌سازی هسته شهرهای سوئیس، سعی کرده‌اند به تئوری‌پردازی «مزیت‌های مکانی» (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۲۸-۱۲۶) در نظریه آنها، مزیت‌های مکانی - که معادل سرمایه فضایی هستند - از طریق دو عنصر مجاورت ۵ و ارتباط پذیری ۶ ایجاد می‌شوند و انتخاب‌های سکونتی مردم را بر اساس ایجاد الگوهای تحرک پذیری متفاوت، تحت تاثیر قرار میدهد. (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, pp. ۱۳۳-۱۳۷) در چارچوب نظری ایشان، ادغام میان ایده‌های مقالات کافمن و همکارانش درباره تحرک پذیری به عنوان سرمایه، با نظرات ژاکس لوی (۲۰۰۳) و نیز ایده جان اوری (۲۰۰۷) درباره سرمایه شبکه‌ای، دیده می‌شود. ۷

ریرات و لیز با مطالعه متغیرهای موثر بر انتخاب سکونتگاه توسط خانوارها و اعیانی‌سازی، دریافتند که تقریباً همه متغیرهای موثر با مفهوم «مجاورت و دسترسی پذیری» در ارتباط بوده‌اند. (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۳۳) همچنین به غیر از «منطق

ارائه‌دهنده سرمایه فضایی هستند و این عامل رشد شتابان شهرنشینی بوده است؛ شهر به کسانی که دچار فقر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند سرمایه فضایی را هدیه میدهد و برای کسانی که از نظر سرمایه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی ثروتمند هستند، سرمایه فضایی شهر، ارزش سرمایه‌های دیگر را ارتقا میدهد. (Marcus, ۲۰۱۰, p. ۳۹) لارس مارکوس در سال‌های اخیر، به بررسی روابط این معیارها با مقوله‌هایی نظیر جدایی‌گزینی و دسترسی‌پذیری نقشه شهر پرداخته است. (Fall- Legeby, 2009, Ström & Marcus, ström 2009, Mar- 2010, Marcus & Legeby; 2011, Marcus & Legeby; 2006, cus, d.n)

رایان سنتنر (۲۰۰۸) جغرافیادان و جامعه‌شناسی است که با مینا قرار دادن نظریات بوردیو و لوفور، سرمایه فضایی را به عنوان شکلی از سرمایه نمادین، در میدانی ۱ که پای فضای فیزیکی در میان است، تعریف کرده است. در این تعریف، سرمایه فضایی از دل فرم‌های دیگر سرمایه برآمده و فرم‌های دیگر سرمایه میتوانند به سرمایه فضایی تبدیل شوند. به عبارت دیگر، «سرمایه فضایی، مشتمل بر توانایی کالایی کردن فضا و نیز قدرت شکل‌دادن مکان و مداخله کردن در آن به معنای واقعی کلمه است؛ که به صورتی نابرابر توزیع شده است. ... سرمایه فضایی میتواند پایه انباشت سرمایه اجتماعی بیشتر باشد و یا دسترسی به موقعیت‌های تولید که منجر به ارتقا سرمایه اقتصادی میشوند را امکان‌پذیر سازد». (Centner, ۲۰۰۸, pp. ۱۹۷-۱۹۸) از نظر او، سرمایه فضایی اساساً در ارتباط با اشخاص و گروه‌های اجتماعی معنا دارد.

رویکرد سنتنر به سرمایه فضایی، چارچوبی برای توضیح تاثیرات فضایی روش‌های مصرفی، نظیر اعیانی‌سازی و تحولات مسکونی را ایجاد نموده و استدلال میکند که گونه‌ای از اعمال سرمایه فضایی وجود دارد که خود را از طریق تبدیل روش‌های مصرف فضا به انواع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان میدهد و همچنین قابلیت تبدیل مجدد هر یک از این انواع سرمایه به سرمایه فضایی را فراهم می‌آورد. (Centner, ۲۰۰۸, p. ۱۹۳) از نظر سنتنر، «سرمایه فضایی چیزی است که



۲. exert
۳. expend
۴. Locational Advantages
۵. proximity
۶. connectivity
۷. (ن.ک. Kaufmann & Flamm, 2006; Kaufmann, 2002, al et Kaufmann; 2004; Lévy, 2003)
۸. Gentrification

چنانکه ملاحظه شد، گرچه تعاریف و شاخصهای پژوهشگران مختلف از سرمایه فضایی، از بسترهای نظری مختلفی ریشه گرفته است، نقاط اشتراک مهمی بین این تعاریف و شاخصها وجود دارد که شناسایی و شفافسازی آنها می‌تواند کلیدی برای فهم عمیق‌تر و جامع‌تر این مفهوم تلقی شود. جدول شماره ۱، مشتمل بر نکات کلیدی این پژوهشها می‌باشد که به مقایسه انواع یا جنبه‌های سرمایه فضایی، شاخصها یا معیارهای سرمایه فضایی و ریشه نظری مورد استفاده در مورد هر یک از پژوهشگران این حوزه پرداخته و بر اساس ترتیب زمانی هر یک از پژوهشها سازماندهی شده است. در این جدول، نقاط ضعف و قوت این دیدگاهها تحلیل شده است تا زمینه‌های ارائه تعریف جامع از این مفهوم فراهم شود.

مجاورت»، که آنرا انگیزه مهم انتخاب مسکن در این نمونه‌های موردی می‌دانند، «منطق ارتباط‌پذیری»^۱ نیز از عوامل موثر تلقی شده است. این مساله عمدتاً درباره انتخاب مسکن افرادی که مسافرت‌های بین شهری زیادی انجام می‌دهند معنی‌دار است؛ برای این افراد، زندگی در مناطق مرکزی، به معنای مجاورت به نودهای راه‌آهن و انواع دیگر سیستمهای شبکه حمل و نقل شهری است. (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۳۵) در این سکونتگاههای اعیان‌نشین، «موقعیت مسکونی انتخاب شده، به آنها اجازه می‌دهد که سرمایه فضایی بالایی را کسب کنند که برای پیوند دادن زندگی حرفه‌ای، اجتماعی و خانوادگی خود به آن نیاز دارند». (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۳۸) یافته‌ها نشان می‌دهند که این کنشگران به صورت همزمان، «بیش-تحرك‌پذیر»^۲ و «بیش-ثابت»^۳ هستند. «بیش-تحرك‌پذیر» به این معنا که سرمایه فضایی لازم را جمع کرده‌اند برای اینکه بتوانند بسیار تحرك‌پذیر باشند و «بیش-ثابت» به این معنا که به‌گونه‌ای استراتژیک، موقعیتهای مرکزی شهری ثابتی را انتخاب کرده‌اند که در آنها ریشه‌های محلی دارند. «آنها تحرك‌پذیر و ریشه‌دار»^۴ هستند. آنها کنترل فاصله‌های اجتماعی و فضایی خود را در اختیار دارند...» (Lees & Rérat, ۲۰۱۱, p. ۱۳۹) بنابراین در نمونه موردی و در نظریه ریرات و لیز نیز تاکید بر عناصر مشترک مجاورت و دسترسی‌پذیری و اهمیت ارتباط، و همچنین مقوله کنترل فاصله‌ها، که در نظریات دیگر وجود داشته است مشاهده میشود و نقطه قوت مهم این پژوهش، در ادغام و شفافسازی و آزمون پژوهشهای دیگر در این حوزه می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

الف) نقاط اشتراک تعاریف و شاخصهای پژوهشگران مختلف از سرمایه فضایی

۱. Connectivity logic
۲. Hyper-mobile
۳. Hyper-fixed
۴. Mobile and rooted

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های سرمایه فضایی در تعاریف پژوهشگران اصلی این حوزه بر اساس ترتیب زمانی، مآخذ: نگارندگان.

پژوهشگر	سال	انواع یا جنبه‌های سرمایه فضایی	شاخص/ معیارهای سرمایه فضایی	ریشه های نظری مورد استفاده	نقاط ضعف و قوت دیدگاه
ژاک لوی (Lévy, 1994, 2000, 2003, 2014; Lévy & Lussault, 2003)	1994 2000 2003 2014	-سرمایه موقعیتی -سرمایه -جایگاهی -جریانهای فضا -ذخایر فضا	-صلاحیت چانه زنی بر سر فضاها -میراث فضایی -کنشگران (تجربه مکانها و اعمال جغرافیایی) -مهارت و کفایت کنشگران (قابلیت مدیریت موقعیتهای فضایی) -تحریک پذیری و کنترل فاصله -شمول فضایی و داراییهای فضایی	نظریات پیر بوردیو، سودمندگرایی جرمی بنتام، تفکرات اقتصادی نئوکلاسیک لئون والراس و ویلفردو پارتو	-قوت: بنیان گذاشتن دانش‌واژه سرمایه فضایی و بسط نظریه انواع سرمایه بوردیو در توضیح روابط فضای فیزیکی و اجتماعی -ضعف: انتزاعی بودن و ملموس نبودن نظریه، عدم شفافیت در منظور
جودیت بلاو (Blau, 2000)	2000	منابع مشترک در قالب سایت	-مجاورت -شدت و تنوع روابط مبادله‌ای در سطح محلی -وجود و شدت استفاده از سایت‌های منابع مشترک	اقتصاد اخلاقی یا اقتصاد بر پایه اخلاق نظریه کارل پولانی	-قوت: برقراری ارتباط میان مفهوم ثروت ارتباطی و مسائل کالبدی -ضعف: عدم اشاره به پژوهش‌های پیشین دانش‌واژه سرمایه فضایی
میشل لاسالت و همکاران (M. Lussault & Stock, 2009; Michel Lussault, 2007, 2009)	2003 2007 2009	مهارت و کفایت فضایی کنشگران	-مهارت‌های شناختی -مهارت‌های رفتاری -مهارت‌های ابزاری	نظریات پیر بوردیو، مفهوم سرمایه حرکتی سیرگوندی	-قوت: تبیین چگونگی ارتباط میان سرمایه فضایی و کنشگران -ضعف: تقلیل‌گرایی در محدود کردن سرمایه فضایی به مهارت‌های فضایی

<p>وینسنت کافمن (Flamm & Kaufmann, 2006; Kaufmann et al., 2004)</p>	2004	<p>تحرك پذیری به عنوان سرمایه</p>	<p>-دسترسی (دامنه حرکتی بر اساس زمان، مکان و دیگر محدودیتها) -مهارت -مناسب سازی یا از آن خود کردن</p>	<p>مانوئل کستلز، جان اوری (مفهوم سرمایه شبکه ای)</p>	<p>-قوت: برقراری ارتباط میان مجاورت فضایی و سرمایه، از طریق تحرك پذیری</p>
<p>ادوارد سوچا (Soja, 2005, 2008, 2011)</p>	2005 2008 2011	<p>انباشت سرمایه فضایی به عنوان خروجی علیت فضایی شهری</p>	<p>-مجاورت به مرکز گرهی -گره های بودن -انباشتگی شهری</p>	<p>جین جیکوبز، آلفرد مارشال، ادوارد گلاسر، رابرت لوکاس جونیور، ریچارد فلوریدا</p>	<p>-قوت: تبیین ریشه های نظری علیت فضایی شهری و انباشت در ارتباط با مفهوم سرمایه فضایی</p>
<p>لارنت کیلی (Cailly, 2007)</p>	2007	<p>سرمایه مسکونی</p>	<p>-دسترسی پذیری و فاصله از مرکز شهر -رعایت حریم خصوصی مسکن - میدان اجتماعی و میدان اقتصادی (میدان در مفهوم بوردیوی آن)</p>	<p>ژاک لوی، پیر بوردیو</p>	<p>-قوت: بررسی بخشی از نظریه لوی درباره سرمایه فضایی، در قالب بررسی یک نمونه موردی</p>
<p>لارس مارکوس و همکاران (Fallström et al., 2009; Legeby, 2009, 2010; Legeby & Marcus, 2011; Marcus, 2006; Marcus & Legeby, n.d.)</p>	2007	<p>-پتانسیل تولید دامنه متنوعی از شهریت ها و سرمایه ها، توسط فرم شهری</p>	<p>-فرم شهری -حرکت، تراکم و تنوع در تحلیل چیدمان فضایی</p>	<p>بوردیو، هیلبر و هانسون</p>	<p>-قوت: معرفی معیارهای کالبدی برای تخمین سرمایه فضایی و کمک به انضمامی شدن آن -ضعف: پدید نیامدن پیوند منطقی میان چارچوب نظری و متغیرهای معرفی شده، و تکیه صرف بر روشهای کمی</p>

<p>-قوت: بسط نظریه تمایز بوردیو در یک نمونه فضای شهری، و نیز ادغام رویکرد بوردیو و لوفور -ضعف: محدود بودن دامنه تحلیل نظریه، و نیز عدم توجه به تعریف پیشین سرمایه فضایی</p>	<p>بیر بوردیو و هانری لوفور</p>	<p>-اعمال شدن یا هزینه شدن سرمایه فضایی -تغییرات الگوهای مصرف، -نمایش دادن پول نوظهور، -تحول یافتن شخصیت، -موقعیت ایجاد شبکه .</p>	<p>-توانایی کالایی کردن فضا - قدرت مداخله و شکل دادن مکان</p>	<p>2008</p>	<p>رایان سنتنر (Centner,) (2008)</p>
<p>-قوت: تاکید بر جنبه کنترل فاصله و محدودکننده بودن سرمایه فضایی - ضعف: عدم توجه به پژوهشهای پیشین سرمایه فضایی</p>	<p>بوردیو</p>	<p>دور نگه داشتن و در فاصله نگه داشتن دیگری از قلمرو</p>	<p>کنترل قلمرو به عنوان سرمایه فضایی</p>	<p>2008</p>	<p>هافمن (Hoffmann,) 2008, p. (127)</p>
<p>-قوت: بررسی برخی از نظریات پیشین سرمایه فضایی در قالب نمونه موردی.</p>	<p>بوردیو، لوی و لاسالت</p>	<p>-قدرت کنترل بر جنبه‌های فضایی -دسترسی پذیری فضایی در مقایسه با متغیرهایی نظیر پیشینه اجتماعی، نوع محله مسکونی از نظر طبقه اجتماعی، محیط تحصیلی، دسترسی پذیری مدرسه و فاصله طی شده و...</p>	<p>-سرمایه موقعیتی -سرمایه جایگاهی</p>	<p>2010</p>	<p>بارتون و مانفروی (Barthon) & Monfroy, (2010)</p>

51. Demonstration of new money
52. the conversion of character
53. the location of networking

<p>پاتریک ریرات و لورتا لیز (Rérat & Lees, 2011)</p>	<p>2011</p>	<p>مزیت‌های مکانی در قالب دو منطق مجاورت و ارتباط‌پذیری</p>	<p>-مجاورت -دسترسی‌پذیری -سه عنصر -حرکت‌پذیری -کافمن، به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه فضایی: دسترسی، صلاحیت و مناسب‌سازی</p>	<p>وینسنت کافمن، جان اوری، ژاکس لوی، پیر بوردیو</p>	<p>-قوت: ادغام برخی نظریات پیشین سرمایه فضایی و بررسی آنها در قالب یک نمونه موردی.</p>
<p>آجم مرسویو (Marsoyo,) (2012)</p>	<p>2012</p>	<p>-شدت استفاده از فضا -وسعت استفاده از فضا</p>	<p>-اشتراک گذاشتن فضا -وسعت بخشیدن فضا -تغییر دادن فضا</p>	<p>کارولین موزر (Moser,) (2007) لوفور، راپاپورت، آلمن، هانسون و هیلیر</p>	<p>-قوت: توضیح چگونگی تأثیر ویژگی‌های خانه بر تغییر انواع سرمایه در یک نمونه موردی خاص. -ضعف: عدم توجه به پژوهش‌های پیشین سرمایه فضایی.</p>
<p>شوگوی تن (Tan, Song,) Akhmat, & Hussain, (2014)</p>	<p>2014</p>	<p>همه منابع و خدمات وابسته به سکونت، به عنوان سرمایه‌فضایی</p>	<p>زمین، چرخه‌های بیوشیمیایی و دیگر وجوه بیوفیزیکی</p>	<p>محققان پایداری شهری: نوریچیکا کین و فلیکس کیناس</p>	<p>-ضعف: عدم توجه به پژوهش‌های پیشین سرمایه فضایی.</p>

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۱ با قطعیت قابل توجهی مشاهده میشود که مفاهیم مجاورت و فاصله، کلیدی‌ترین مفاهیم توضیح‌دهنده سرمایه فضایی، در نقطه نظرات مطرح شده می‌باشد و مفاهیم گرهی بودن، دسترسی‌پذیری، تحرک‌پذیری، و ارتباط‌پذیری، اساسی‌ترین مفاهیمی هستند که در ارتباط با مقوله مجاورت و فاصله معنا پیدا کرده‌اند و در نتایج این پژوهشها بر آنها تاکید شده است.

آنچه در این بین معمولاً مغفول واقع شده است، معنادار بودن این مفاهیم در ساحت‌های مختلف می‌باشد، بدین معنا که فاصله، مجاورت، دسترسی و... در جنبه‌های مختلفی از فضا، دارای معانی به هم آمیخته می‌باشد. به عنوان مثال مفهوم تحرک‌پذیری نه تنها دارای جنبه‌های مکانی و موقعیتی می‌باشد، بلکه جنبه زمانی تحرک‌پذیری (مثلاً فاصله زمانی رسیدن از نقطه آ به ب بر اساس مودهای حمل و نقل، مسیرهای طراحی شده و...) و همچنین جنبه اجتماعی تحرک‌پذیری (تغییر در وضعیت طبقه اجتماعی- اقتصادی، منزلت و...)، از اهمیت برخوردارند. به زبان دیگر همین جنبه‌های درهم آمیخته فضا هستند که موجب گره خوردن جنبه‌ها یا اشکال مختلف سرمایه به یکدیگر می‌شوند و تولید فضا به عنوان یک کل، و تحولات آن را توضیح می‌دهند. هنگامی که از مقوله‌ای فضایی صحبت می‌کنیم، جنبه‌های زمانی، فیزیکی و اجتماعی به صورت همزمان در دل مفهوم فضا نهفته‌اند.

جنبه مشترک دیگر میان برخی تعاریف در جدول ۱، «سرمایه فضایی معطوف به کنشگران فضایی» یا مفهوم مهارت فضایی می‌باشد، که در پژوهشهای لوی، لاسالت، کافمن، ریرات و لیز، و تا حدی در پژوهش سنتر، مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم می‌تواند در توضیح چگونگی ارتباط میان جنبه‌های کالبدی و جنبه‌های اجتماعی سرمایه فضایی موثر واقع شود. به عنوان مثال دسترسی فضایی یک کنشگر به نقطه‌ای در مرکز شهر در ساعات اوج ترافیک، با افزایش مهارت و کفایت فضایی او، یعنی اطلاع از مسیرهای خلوت و شلوغ، شناخت راه‌های میان‌بر، دسترسی به مجوز ترافیکی

و...، افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند و با افزایش دسترسی به فضا، امکان حضور در فضا و انجام مبادلات و تعامل افزایش می‌یابد که با تولید انواع سرمایه‌ها در بستر فضا ارتباط دارد.

مفهوم مشترک دیگر در تعاریف جدول شماره ۱، کنترل فاصله‌ها و مجاورت می‌باشد؛ و کلماتی نظیر کنترل قلمرو، فاصله اندازی، دور نگه داشتن دیگری، قدرت کنترل بر جنبه‌های فضایی، مناسب‌سازی فضا و از آن خود کردن فضا، کنترل فاصله، شمول فضایی، حریم فضایی، و محدودیتهای دسترسی، همگی به این مفهوم مشترک اشاره دارند که در مقاله حاضر در بخش پیشینه پژوهش و ایده‌های بوردیو به آن پرداخته شده است. یکی از مفیدترین دسته‌بندیهای این کنشهای فضایی کنترل، دسته‌بندی دیوید هاروی، اقتصاددان شهری معاصر می‌باشد که وی بر مبنای نظریات بوردیو ارائه داده است و شامل ۴ کنش فضایی یعنی فاصله‌اندازی، سلطه‌اندازی و کنترل فضا، از آن خود کردن فضا، و تولید فضا می‌باشد. از نظر هاروی، این چهار جنبه کنش فضایی از یکدیگر مستقل نیستند و همگی بر مبنای کنترل «اصطکاک فاصله» شکل می‌گیرند و بنابراین فاصله‌اندازی، اهمیت بیشتری نسبت به بقیه کنشها دارد (برای توضیح بیشتر ن. ک. Har-vey, ۱۹۹۰, pp. ۲۱۹-۲۲۲). این کنشهای فضایی، به خوبی توضیح‌دهنده تأثیر قدرت بر جریان سرمایه فضایی می‌باشند. کنترل متغیرهای فاصله و مجاورت، که از طریق اعمال قدرت و مداخله در ویژگیهای فضا صورت می‌گیرد، به جنبه محدودکننده سرمایه فضایی و میزان شمول آن اشاره دارد که مشابه جنبه محدودکننده دیگر انواع سرمایه است. در ادبیات سرمایه اجتماعی، انواع سرمایه اجتماعی بر اساس نوع شبکه‌های ارتباطی که برقرار می‌کنند و عمومیت شمول آنها، به سرمایه‌های اجتماعی محدودکننده (یا درون‌گروهی)، متصل‌کننده (یا برون‌گروهی) طبقه‌بندی شده‌اند. سرمایه اجتماعی محدودکننده، به روابط همراه با اعتماد و همکاری در میان اعضای یک شبکه که خود را از نظر هویت اجتماعی شبیه هم می‌دانند اشاره دارد و رابطه‌ای

۱. (ن. ک. Kwon & Adler, 2009, p. 19; Sztreter, 2002, p. 661; Woolcock, 2001, pp. 10-11)

منحصر و محدود به یک شبکه خاص را نشان میدهد. در حالیکه سرمایه اجتماعی متصل کننده، متشکل از روابط متقابل و محترمانه میان مردمی است که می‌دانند الزاما از نظر ویژگیهای اجتماعی، هویتی، سنی، قومی، طبقاتی و... شباهتی با یکدیگر ندارند. (Woolcock & Szreter, ۲۰۰۴, p. ۶۵۵) به نظر می‌رسد تقابل میان درون گروهی بودن و اختصاصی بودن شمول سرمایه اجتماعی، در برابر برون گروهی بودن و عام بودن شمول آن، در فهم ابعاد مختلف سرمایه فضایی نیز مصداق دارد.

در حوزه سرمایه فضایی، شمول کالبدی فضا، اهمیت پیدا میکند و چیدمان فضا، اعم از میزان عمق یا سطحی بودن فضایی، ساختار فضایی و گونه‌های ارتباط فضایی بر آن تاثیرگذار است. متوذهای چیدمان فضا که توسط هیلیر و هانسون (۱۹۸۴) ایجاد شده‌اند، ابزار مفیدی برای تحلیل مساله قدرت در معماری و شهرسازی هستند. (Dovey, ۱۹۹۹, p. ۲۰) فضای شهری و ساختمانها، هم میتوانند تجسم و باز تولید انواع مختلف توزیع قدرت باشند و هم میتوانند پیوند و همبستگی فضایی را توسعه دهند یا از آن جلوگیری کنند. ۲ فضاها ابزارهای طبقه‌بندی کننده‌ای هستند که طبقات اجتماعی را از طریق قاب کردن ارتباطات اجتماعی، باز تولید میکنند. «فضاهای متصل می‌توانند منجر به برقراری ارتباطات رایگان و مکرر باشند و مواجهه میان طبقات، گروهها و افراد را با فراوانی زیادی امکان‌پذیر سازند. ... از سوی دیگر، گزینه دیگری هم وجود دارد که حرکت کنترل شده و تحت نظارت برای اهداف خاص و ویژه تولید است.» (Markus, ۱۹۸۷, p. ۲۵) بدین ترتیب، متصل بودن یا پیوند فضایی و در مقابل، فضای تحت نظارت و مورد کنترل، میتواند بر چگونگی ارتباط میان کنشگران تاثیرگذار باشد.

تمایزی که میان دو گزینه چیدمان فضایی، یعنی میان پیوند و اتصال در حرکت، در مقابل حرکت کنترل شده مطرح شد، شباهت واضحی با تمایز میان سرمایه اجتماعی محدود کننده و متصل کننده دارد. همانطور که سرمایه اجتماعی میتواند محدود

به روابط داخلی یک اجتماع خاص باشد و برای حمایت از اعضای آن گروه در برابر اغیار مورد استفاده قرار گیرد، سرمایه فضایی نیز می‌تواند در یک بُعد، با ایجاد فاصله میان خودی و غیر (دیگرانی که صاحب سطح متفاوتی از انواع دیگر سرمایه هستند) به تولید و باز تولید خود ادامه دهد و میزان سرمایه فضایی برای افرادی که در این محدوده قرار می‌گیرند (امتيازات و حقوق ویژه در ارتباط با مصرف فضا، نظیر حق حضور در فضا، حق تبادل بقیه انواع سرمایه در فضا، حق مداخله در فضا، حق کنترل فضا و تصمیم در طراحی و برنامه‌ریزی فضایی، حق داشتن حریم خصوصی و...) را افزایش دهد؛ در حالیکه سرمایه فضایی را برای افراد خارج از این محدوده کاهش داده و به حداقل برساند. بُعد دیگر سرمایه فضایی میتواند از همه شمولی بیشتری برخوردار باشد و گروههای اجتماعی، اقتصادی و محلی گسترده‌تری را شامل شود و به عنوان مثال رویکرد جودیت بلاو (۲۰۰۰) به سرمایه فضایی در قالب سایت‌های منابع مشترک محلی، که در قسمتهای پیش مورد بررسی قرار داده شد، با این نوع از سرمایه فضایی هماهنگی بیشتری دارد. همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، زمینه‌های این بحث، در مفاهیم فاصله‌اندازی، تمایز، از آن خود کردن و مناسب‌سازی فضا، دور نگه داشتن دیگری و... از بوردیو آغاز شده و در پژوهشهای ژاک لوی، بلاو، کافمن، کیلی، هافمن و سنتنر، در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

باید توجه کرد که تمایز میان سرمایه فضایی محدود کننده و متصل کننده، تمایزی صرفا دو وجهی و سیاه و سفید نیست، بلکه به طیف و دامنه‌ای از سرمایه‌های فضایی اشاره دارد که ممکن است مثلا بیشتر به سوی انحصاری بودن گرایش داشته باشند و بالعکس. به نظر می‌رسد برای کنشگران، پاسخ این سوال که میزان فاصله‌اندازی میان خودی و دیگری در فضا باید به چه میزان باشد، به آن وابسته است که نقطه تعادلی فاصله‌اندازی، که در آن مبادلات انواع دیگر سرمایه میان خودی و غیر به حداکثر می‌رسد و در نتیجه حداکثر سرمایه فضایی برای ذی‌نفعان تولید می‌شود، کجاست. نقطه تعادلی که در آن، بازدیدکنندگان فضا و یا به

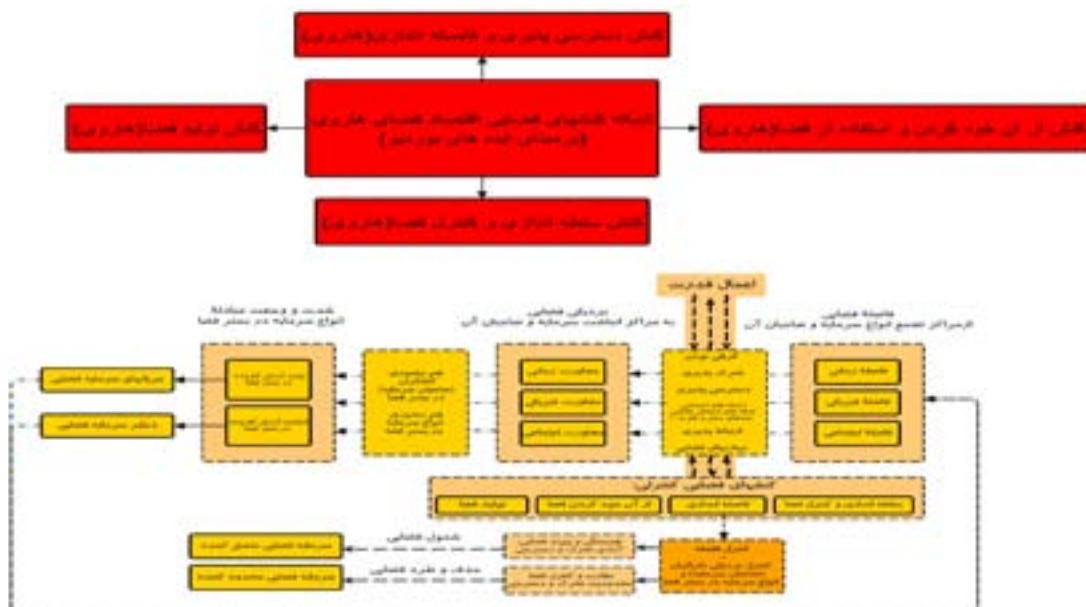
۱. syntax Space

۲. (برای اطلاعات بیشتر ن. ک. Hillier ;1999, Dovey ;1999, Hanson & Markus ;1984, 1987, 1993)

طور کلی افرادی به غیر از ساکنان، حاضرند حداکثر سرمایه‌های خود را برای مبادلات به فضا وارد کرده و حداقل ارزش افزوده را برداشت کنند و بنابراین حداکثر سرمایه فضایی به ساکنان و سایر ذی‌نفعان بازگردد. به عنوان مثال در مورد یک اجتماع دروازه‌دار و یا محلات اعیانی‌سازی شده، گروه‌هایی که برای عبور و مرور وارد فضا می‌شوند معمولاً از سطح پاینتری از انواع گوناگون سرمایه برخوردارند و قادر به مبادلات متعادلی با ساکنان فضا نمی‌باشند و به همین دلیل است که امکان دسترسی فضا برای اغیار محدود می‌شود و حداکثر فاصله‌اندازی، با هدف حفظ حداکثر سرمایه فضایی و انواع دیگر سرمایه‌ها، خصوصاً سرمایه نمادین اعمال می‌گردد. نمونه دیگری که نقطه مقابل این فرآیند است، سفر توریست‌های ثروتمند به شهری تاریخی در یک کشور جهان سوم است. ۲ تا زمانی که سرازیر شدن سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از سوی توریست‌ها و مهاجران، به سوی ساکنان، با سود برای آنها همراه باشد و همچنین تا زمانی که میزان سرمایه در گردش و در حال بازتولید (سرمایه اقتصادی جذب شده، سرمایه فرهنگی نظیر سواد، تحصیلات، آداب و...، سرمایه فضایی شناخته شدن فضا و مورد تبلیغ قرار گرفتن، بهبود ویژگی‌های رفاهی و کالبدی فضا، امکان مرمت و نگهداری فضا، افزایش امنیت فضا و...)، از سرمایه‌های در حال ناپدید شدن (نظیر سرمایه اجتماعی وابسته به ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، شبکه‌های اجتماعی، سرمایه نمادین ناشی از دست نخورده و بومی و رمزآلود بودن فضا، از بین رفتن روح و هویت اصلی فضا در اثر مرمت، یا در اثر استفاده‌های تجاری و سودمحوری و...) بیشتر باشد، دو طرف مبادله با رضایت به تبادلات خود ادامه خواهند داد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که گستره شمول سرمایه فضایی، و به عبارت دیگر محدوده‌کننده یا متصل‌کننده بودن آن، تا حدی از منطق اقتصادی سرمایه تبعیت میکند و با هدف حفظ کردن سرمایه فضایی و به حداکثر رساندن سرمایه‌ها ارتباط دارد.

ب) تبیین چارچوب مفهومی سرمایه فضایی

نمودار ۲. چارچوب مفهومی سرمایه فضایی، ماخذ: نگارندگان.



۱. (به عنوان نمونه ن.ک. Monterescu, 2009؛ که به بررسی موقعیت اقتصادی اجتماعات دروازه‌دار در یافا و اورشلیم و تاثیر سیاست‌های شهری بر آنها پرداخته است.)
۲. (درباره تاثیر توریسم بر فضای شهری از طریق تغییر فرآیند انباشت سرمایه ن.ک. Britton, 1991, p. 476)

نمودار شماره ۲، روابط میان مفاهیم کلیدی سرمایه فضایی را نشان می‌دهد. فاصله فضایی از مراکز تجمع سرمایه و صاحبان آن، از سه جنبه زمانی، فیزیکی و اجتماعی قابل بررسی می‌باشد و با کاهش فاصله فضایی، از طریق تقویت مولفه‌های گرهی بودن، تحرک پذیری، دسترسی پذیری، ارتباط پذیری و مهارت‌های فضایی کنشگران، مجاورت فضایی به مراکز انباشت سرمایه افزایش می‌یابد. با افزایش مجاورت فضایی، هم‌حضور کنشگران و انواع سرمایه در بستر فضا شدت یافته و منجر به شدت و وسعت مبادله انواع سرمایه در بستر فضا می‌شود که از سویی با تولید ارزش افزوده در فضا و از سوی دیگر با انباشت ارزش افزوده در فضا مرتبط است. تولید ارزش افزوده در فضا، با آنچه به عنوان جریانهای سرمایه فضایی^۱ تعریف می‌شود هماهنگ است و انباشت و تمرکز ارزش افزوده در فضا، با ذخایر سرمایه فضایی^۲ ارتباط دارد. همچنین نقش قدرت و کنشهای بازیگران فضایی در این نمودار از اهمیت زیادی برخوردار است. از آنجا که کاهش فاصله و افزایش مجاورت، از طریق مداخله در مولفه‌های فضایی تحرک پذیری، دسترسی و... امکان پذیر می‌باشد، با اعمال قدرت و نظارت و کنترل این مولفه‌ها در قالب ۴ کنش فضایی کنترلی یعنی فاصله‌اندازی، سلطه‌اندازی، از آن خود کردن فضا و تولید فضا، امکان کنترل فاصله، مجاورت و در نهایت سطح سرمایه فضایی نیز فراهم می‌گردد. کنترل فاصله‌های زمانی، فیزیکی و اجتماعی، به معنای کنترل مجاورت انواع سرمایه و صاحبان سرمایه می‌باشد. چنین کنترلی می‌تواند از طریق گزینه‌های فضایی مختلف اعمال شود و منجر به شکل‌گیری شمول فضایی و یا حذف و طرد فضایی باشند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با بازبینی سیستماتیک و جامع منابع موجود درباره زمینه‌های شکل‌گیری، تعاریف و جنبه‌های دانش‌واژه سرمایه فضایی، نقاط قوت و ضعف این تعاریف، و نیز تفاوتها و اشتراکات مهم میان آنها مورد تحلیل قرار گرفت و چارچوب مفهومی این دانش‌واژه ارائه گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش، سرمایه فضایی عبارت از ارزش افزوده فضاست که خود را در قالب جریان‌های فضایی و ذخایر فضایی بروز می‌دهد.

۱. capital spatial of Flows

۲. Stocks of spatial capital

شکل‌گیری سرمایه فضایی، از طریق افزایش فراوانی مبادلات انواع سرمایه و هم‌حضور سرمایه‌ها، و در اثر مجاورت فضایی (و یا فراهم آوردن امکان مجاورت و نزدیکی) با سرمایه‌های دیگر و صاحبان آنها به وجود می‌آید. عوامل گرهی بودن، دسترسی پذیری، تحرک پذیری، ارتباط پذیری و مهارت‌های فضایی کنشگران، از طریق کاهش فاصله فضایی و افزایش مجاورت فضایی به مراکز انباشت سرمایه و صاحبان آنها، زمینه ایجاد هم‌حضور و تبادل را فراهم کرده و با تولید و انباشت ارزش افزوده در بستر فضا، موجب شکل‌گیری جریانها و ذخایر سرمایه فضایی می‌شوند. باید توجه داشت که سرمایه فضایی، ارزش افزوده فضا از حیث قابلیت تبادل آن با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، و از این روی هم در رابطه با خود فضا و هم در رابطه با کنشگران فضایی (مالکان، ذی‌نفعان و ذی‌نفعان رسمی و غیررسمی) معنا می‌یابد. سرمایه فضایی وقتی معطوف به روابط کنشگران فضایی باشد، دو نوع سرمایه فضایی محدودکننده و متصل‌کننده را شامل می‌شود. از طرف دیگر همانطور که توضیح داده شد، سرمایه فضایی وقتی که معطوف به فضای فیزیکی باشد، خود را در قالب دو گونه جریانهای فضایی و ذخایر فضایی نشان می‌دهد. این در حالیست که فضا به طور عام، مفهومی کلان‌تر از فضای فیزیکی دارد و فضای اجتماعی، و زمان را نیز شامل می‌شود.

انواع سرمایه فضایی وقتی که معطوف به فضا به طور عام باشند، باید بر اساس ساحت‌های فضا تبیین و شناخته شوند؛ و این موضوع، در کنار موردپژوهشی سیر تحول سرمایه فضایی در مناطق شهری، در مطالعات بعدی نگارندگان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فهم معنای سرمایه فضایی در ساحت‌های مختلف فضا- زمان، ابزار مهمی برای طبقه‌بندی فرایندهای تبادل سرمایه در بستر فضای شهری فراهم می‌آورد که می‌تواند هشیاری جریان برنامه‌ریزی و طراحی شهری را برای ارتقا و حفظ سرمایه‌های فضایی در محلات شهری افزایش داده و از تخریب و نابودی آن جلوگیری نماید. سطوح سرمایه فضایی نقش مهمی در کیفیت زندگی ساکنان مناطق شهری و دسترسی آنها به دیگر انواع سرمایه دارد؛ و محدودکننده یا متصل‌کننده بودن سرمایه فضایی، بر مسائل مهم شهری نظیر رکود شهری، جدایی‌گزینی و چندپارگی شهری موثر است.

منابع و مآخذ

- ography of tourism .Environment and Planning D :Society and Space, .478–451 ,(4)9<http://doi.org/10.1068/d090451>
- Cailly ,L .(2007) .Capital spatial, stratégies résidentielles et processus d'individualisation .Annales de Géographie .187–169 ,(654)116 ,<http://doi.org/10.3917/ag654.0169>.
- Catin ,M .(1997) .Disparités spatiales de productivité ,accumulation du capital et économies d'agglomération .Revue Économique.579 ,(3)48 , [http://doi.org/10.2307/3502844/](http://doi.org/10.2307/3502844)
- Centner ,R .(2008) .Places of Privileged Consumption Practices :Spatial Capital ,the Dot-Com Habitus, and San Francisco's Internet Boom. City & Community, 7(3), 193–223. Retrieved from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1540-6040.2008.00258.x/full>
- Dovey, K. (1999). Framing places: mediating power in built form. Book, Routledge.
- Fallström, B., Marcus, L., & Ström, P. (2009). Urban Form and Urban Capital. In D. Koch, L. Marcus, & J. Steen (Eds.), 7th International Space Syntax Symposium. Conference Proceedings, Stockholm: KTH.
- Flamm, M., & Kaufmann, V. (2006). Operationalising the concept of motility: a qualitative study. Mobilities, 1(2), 167–189.
- Harvey, D. (1990). The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change. Blackwell.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). The social logic of space. Cambridge university press.
- جمشیدیه، غلامرضا. و پرستش، شهرام. (۱۳۸۶). دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پییر بوردیو. نامه علوم اجتماعی، ۳۰
- Adler ,P .S & ,Kwon ,S .(2009) .Prospects for a New Concept .The Academy of Management Review, .40–17 ,(1)27<http://doi.org/10.5465/AMR2002.5922314>.
- Barthon ,C & ,Monfroy ,B.(2010) . Sociospatial schooling practices :a spatial capital approach .Educational Research and Evaluation :An International Journal on Theory and Practice .196–177 ,(2)16 ,<http://doi.org/10.1080/13803611.2010.484978>
- Blau ,J .R .(2000) .Relational wealth in the commons :Local spaces of work and residence in a global economy. In C .Leana & D .Rousseau) Eds,(. Relational wealth :The advantages of stability in a changing economy. Oxford University Press .Retrieved from https://books.google.com/books?id=TPrYNwby_RkC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false
- Bourdieu ,P .(1986) .The Forms of Capital .In N .W .Biggart) Ed ,(R. Nice) Trans ,(Readings in economic sociology) pp .(291–280 .Blackwell.
- Bourdieu ,P .(1999) .Site Effects .In P .Bourdieu ,A .Accardo ,G .Balazs, S .Beaud ,F .Bonvin ,E .Bourdieu... , L .J .D .Wacquant) Eds ,(P .P.
- Ferguson ,S .Emanuel ,J .Johnson, &S .T .Waryn) Trans ,(The Weight of the World .Social Suffering in Contemporary Society) pp.(129–123 . Book Section ,Stanford ,California: Stanford University Press.
- Britton ,S .G .(1991) .Tourism ,capital ,and place :towards a critical ge-



Hoffmann, O. (2008). Collective Memory and Ethnic Identities in the Colombian Pacific. *Journal of Latin American Anthropology*, 7(2), 118–138. <http://doi.org/10.1525/jlca.2002.7.2.118>

Jamshidiha, GH., & Parastesh, Sh. (2007) The dialectics of character and field in Pierre bourdieu's action theory, *Name- Oloom Ejtemaee*, 30

Jensen, H. E. (1976). Sources and Contours of Adam Smith's Conceptualized Reality in the Wealth of Nations. *Review of Social Economy*, 34(3), 37–41.

Kaufmann, V. (2002). *Rethinking Mobility: Contemporary Sociology*. Book, Ashgate.

Kaufmann, V., Bergman, M. M., & Joye, D. (2004). Motility: mobility as capital. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28(4), 745–756.

Leana, C. R., & Rousseau, D. M. (2000). *Relational wealth: The advantages of stability in a changing economy*. Oxford University Press. Retrieved from <http://www.amazon.com/Relational-Wealth-Advantages-Stability-Changing/dp/0195134478>

Legeby, A. (2009). *Accessibility and Urban Life Aspects on Social Segregation Ref 064*. In D. Koch, L. Marcus, & J. Steen (Eds.), *Proceedings of the 7th International Space Syntax Symposium*. KTH.

Legeby, A. (2010). *Urban segregation and urban form: From residential segregation to segregation in public space*, Licentiate Thesis in Architecture (Book). KTH Royal Institute of Technology Architecture and the Built Environment School of Architecture, Stockholm, Sweden.

Legeby, A., & Marcus, L. (2011). Does the urban structure of Swedish cities inhibit the sharing of public space? *Built Environment*, 37(2), 155–162.

Lévy, J. (1994). *L'espace légitime. Sur la dimension géographique de la fonction politique* [The legal space. About the geographical dimension of political function]. Paris, France: Les Presses de Sciences Po.

Lévy, J. (2000). Les nouveaux espaces de la mobilité. In M. Bonnet & D. Desjeux (Eds.), *Les territoires de la mobilité* (pp. 155–70). Book Section, Paris: Presses universitaires de France.

Lévy, J. (2003). Capital spatial. In *Dictionnaire de la géographie et de l'espace des sociétés*. Paris: Belin.

Lévy, J. (2014). Inhabiting. In R. Lee, N. Castree, R. Kitchin, V. Lawson, A. Paasi, C. Philo, ... C. Withers (Eds.), *The SAGE Handbook of Human Geography* (pp. 45–68). SAGE Publications.

Lévy, J., & Lussault, M. (2003). *Dictionnaire de la géographie [et de l'espace des sociétés]* (Vol. Vol. 1034). Paris: Belin.

Lin, N. (1999). Building a network theory of social capital. *CONNECTIONS*, 22(1), 28–51.

Lin, N. (2004). *Social capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press. Retrieved from http://www.worldcat.org/title/social-capital-a-theory-of-social-structure-and-action/oclc/43751713&referer=brief_results



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

Lussault, M. (2007). *L'homme spatial: la construction sociale de l'espace humain* (Vol. Vol. 363). Paris: Seuil.

Lussault, M. (2009). *De la lutte des classes à la lutte des places*. Paris: Grasset.

Lussault, M., & Stock, M. (2009). "Doing with space": towards a pragmatics of space. *Social Geography Discussions*, 5(1), 1–23. <http://doi.org/10.5194/sgd-5-1-2009>

Mace, A. (2015). Spatial capital as a tool for planning practice. *Planning Theory*, 1–14. <http://doi.org/10.1177/1473095215617000>

Marcus, L. (2006). Accessible plots: A configurational approach to urban diversity. In *International symposium of urban morphology. Conference Proceedings*.

Marcus, L. (2007). Spatial Capital and How to Measure it - An Outline of an Analytical Theory of the Social Performativity of Urban Form. In *Proceedings, Sixth international space syntax ...* (pp. 1–11). Conference Proceedings, Istanbul. Retrieved from <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2:469880>

Marcus, L. (2010). Spatial Capital. *The Journal of Space Syntax*, 1(July), 30–40. Retrieved from http://joss.bartlett.ucl.ac.uk/index.php/joss/article/viewFile/12/pdf_5

Marcus, L., & Legeby, A. (n.d.). The need for co-presence in urban complexity – measuring social capital using space syntax.

Markus, T. A. (1987). Buildings as classifying devices. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 14(4), 467–484. <http://doi.org/10.1068/b140467>

Markus, T. A. (1993). *Buildings & power: Freedom and control in the origin of modern building types*. London: Routledge.

Marsoyo, A. (2012). *Constructing Spatial Capital: Household Adaptation Strategies in Home-Based Enterprises in Yogyakarta*. Newcastle University. Retrieved from <http://hdl.handle.net/10443/1452>

Monterescu, D. (2009). To Buy or Not to Be: Trespassing the Gated Community. *Public Culture*, 21(2), 403–430. <http://doi.org/10.1215/08992363-2008-034>

Moser, C. (2007). Asset Accumulation Policy and Poverty Reduction. In *Reducing global poverty: The case for asset accumulation*. Washington: Brookings Institution Press.

Reed-Danahay, D. (2005). *Locating Bourdieu*. (D. Berdahl, M. Bunzl, & M. Herzfeld, Eds.). Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

Rérat, P., & Lees, L. (2011). Spatial capital, gentrification and mobility: evidence from Swiss core cities. *Transactions of the Institute of British ...*, 36, 126–142. Retrieved from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1475-5661.2010.00404.x/full>

Ripoll, F. (2006). Réflexions sur les rapports entre marquage et appropriation de l'espace. In T. Bulot & V. Veschambre (Eds.), *Mots, traces et marques: dimensions spatiale et linguistique de la mémoire urbaine* (pp. 15–36). L'Harmattan. Retrieved from <https://hal.archives-ouvertes.fr/halshs-00182166/>

Ripoll, F., & Veschambre, V. (2005).



Sur la dimension spatiale des inégalités. Contribution aux débats sur la "mobilité" et le "capital spatial." In S. Arlaud, Y. Jean, & D. Royoux (Eds.), *Rural – Urbain. Nouveaux liens, nouvelles frontières* (pp. 467–483). Presses universitaires de Rennes. Retrieved from <https://hal.archives-ouvertes.fr/halshs-00182163/>

Smith, A. (1998). *An Inquiry into the Nature and Causes of THE WEALTH OF NATIONS*. London: The Electric Book Co.

Soja, E. W. (2005). On the Concept of Global City Regions. *ART-eFACT: Strategies of Resistance*, (4).

Soja, E. W. (2008). Taking space personally. In B. Warf & S. Arias (Eds.), *The spatial turn: Interdisciplinary perspectives* (pp. 11–35). Routledge.

Soja, E. W. (2011). Beyond Post-metropolis. *Urban Geography*, 32(4), 451–469. <http://doi.org/10.2747/0272-3638.32.4.451>

Szreter, S. (2002). The state of social capital: Bringing back in power, politics, and history. *Theory and Society*, 31, 573–621. <http://doi.org/10.1023/A:1021300217590>

Szreter, S., & Woolcock, M. (2004). Health by association? Social capital, social theory, and the political economy of public health. *International Journal of Epidemiology*, 33(4), 650–667. <http://doi.org/10.1093/ije/dyh013>

Tan, S., Song, H., Akhmat, G., & Hussein, J. (2014). Governing Harmonious Human Engagement with the Spatial Capital. *Sustainability*, 6(3), 1203–1221. <http://doi.org/10.3390/su6031203>

Turner, J. H. (1998). *The Structure of*

Sociological Theory (sixth edit). Book, Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

Woolcock, M. (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcomes. *Canadian Journal of Policy Research*, 2(1), 1–35.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

ارزیابی عملکرد دیوار برشی فولادی با بازشو در ساختمانهای شهری

رضا بمانیان* - دانشجوی دوره دکتری، پژوهشگاه مدیریت بحران شاخص پژوه، اصفهان، ایران.

حمزه شکیب - استاد، دانشکده عمران و محیط زیست، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فرهاد دانشجو - استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

Evaluating the performance of steel shear walls with openings in city buildings

Abstract

Building is related to the city in every respect. They are a natural response to the accumulation of population and cost of land. Building will be resulted to justify his answer to the concept of the design and building results. Buildings in the city in terms of resistance and stability need to take advantage of structural systems are appropriate. Steel sheer wall system is interesting to researchers for the good performance in absorbing lateral forces such as earthquakes and for this reason used in normal and high-rise buildings in earthquake-prone countries is used because openings make to unavoidable is it ,cases few and needs s'beautification and architecture applying of path and position like considerations nonstructural also Steel in openings Requirements .systems installation of neces- are systems structural all like system wall shear consider- design and architecture of terms the to sary enough large be must openings cases these In .ations cases the in used be can they so number and size in severely could openings large such of creation The .cited often and wall the within distribution stress the change .loaded wall the of behavior the affects mode failure the mul- off causes the is article this of question main The sys- wall shear steel of behavior the and openings tiple of effect the article this In .openings multiple with tem the on openings multiple of arrangement and position the of terms in studied been has wall of type this of behavior For .analysis dynamic nonlinear using by performance motions ground earthquake seven of set a purpose this systems the to applied and selected appropriately were .analyzed were results the and

Keywords : city ,building ,steel plate shear wall ,multiple openings.

ساختمان‌ها از هر لحاظ به شهر مربوط هستند. آن‌ها برای تجمع جمعیت و هزینه زمین جوابی طبیعی می‌باشند. توده ساختمان از توجیه مفهوم محیط طرح و جواب او به هدف ساختمان نتیجه می‌شود. ساختمان‌ها در شهر به لحاظ مقاوم بودن و پایداری نیاز به بهره‌گیری از سیستم‌های سازه‌ای متناسب را دارند. سیستم سازه‌ای دیوار برشی فولادی کانون توجه پژوهشگران به دلیل عملکرد خوب خود در جذب نیروهای جانبی زلزله و باد بوده است و به همین دلیل در ساختمان‌های بلند به ویژه ساختمان‌های جدید در کشورهای زلزله خیزی بکار گرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مواردی وجود بازشوها به دلایل اعمال نیازهای معماری و زیباسازی و همچنین ملاحظات غیر سازه‌ای از قبیل موقعیت و مسیر سیستم‌های تأسیساتی، اجتناب ناپذیر می‌باشد. در این حالات، بازشو باید به اندازه کافی بزرگ و تعداد آن‌ها زیاد باشد تا بتوان از آن در موارد ذکر شده استفاده نمود. ایجاد چنین بازشوهایی زیادی می‌تواند به شدت توزیع تنش را درون صفحه تغییر دهد و در اغلب اوقات مود شکست و رفتار صفحه بارگذاری شده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پرسش اصلی مقاله حاضر به این موضوع اختصاص دارد که دلیل وجود بازشوها در دیوارهای برشی فولادی در ساختمان‌های شهری چیست؟ و چه تغییری در رفتار دیوار برشی فولادی می‌گذارد؟ بدین منظور در متن مقاله تاثیر محل ایجاد و چیدمان بازشوهایی چندگانه بر رفتار این نوع دیوارها از لحاظ عملکردی مورد بررسی قرار داده شده و با استفاده از روش تحلیل دینامیکی غیرخطی به بررسی و تحلیل رفتار اینگونه دیوارهای برشی پرداخته شده است. برای این منظور ۷ رکورد زلزله دور از گسل انتخاب و به این نوع سیستم سازه‌ای اعمال گردیده است و در انتها عملکرد این نوع سیستم با وجود بازشوهایی متفاوت بررسی و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: شهر، ساختمان، دیوار برشی فولادی، بازشو چندگانه

از اواخر قرن نوزدهم میلادی بر اثر پیشرفت قابل ملاحظه ای در مسائل علمی و تکنیکی، مصالح، ابزارآلات و تجهیزات بوجود آمد. بر اثر پیشرفتهای حاصله بالاخص در زمینه سازه روند ساخت بناها در شهرهای توسعه و گسترش روزافزون یافت. از سال ۱۹۷۰ در خلال چهار دهه گذشته، ازدیوار برشی فولادی به عنوان یک سیستم مقاوم جدید که در برابر بار جانبی دارای عملکرد لرزه ای مناسبی می باشد، در طراحی و تقویت بسیاری از ساختمان های با اهمیت و بلند مرتبه به ویژه ساختمان های جدید در کشورهای زلزله خیزی همچون آمریکا و ژاپن بکار گرفته شده است. در حالت کلی دیوارهای برشی فولادی از دو ستون در دو طرف ورق فولادی و تیر طبقات در بالا و پایین ورق تشکیل شده است. از مزایای استفاده این سیستم نسبت به مشابه بتنی می توان به مواردی همچون، کاهش وزن مرده ساختمان و در نتیجه کاهش نیروی زلزله وارد بر آن، افزایش سختی جانبی آن، کاهش ابعاد تیر و ستون و در نتیجه افزایش فضای مفید طبقات و اجرای سریع آن اشاره نمود.

در طراحی سازه ها به غیر از سازه های بلند و مهم، تأمین فضاهای مناسب داخلی و ملاحظات معماری از مهمترین اهداف طراحی می باشد که پس از آن، مهندس طراح مقید به ایجاد سازه مناسب در چهارچوب فضاهای تعیین شده خواهد بود. اعمال چنین نیازهایی در معماری و زیباسازی را می توان یکی از عوامل ایجاد بازشو در دیوارهای برشی فولادی به حساب آورد. همچنین ملاحظات غیر سازه ای از قبیل موقعیت و مسیر سیستم های تأسیساتی نیز می توانند از دیگر عوامل موثر در ایجاد بازشو در دیوارهای برشی فولادی باشند. تا کنون تحقیقات ارزشمندی برای ارزیابی رفتار صفحات برشی فولادی و جان لاغر تیرورقها انجام شده است که از جمله می توان به تحقیقات تاکاناشی و همکارانش در سال ۱۹۷۳ در مورد بازشوها انجام شده است اشاره کرد. در این تحقیق یک قاب دو طبقه یک دهنه بر گرفته از یک ساختمان ۳۲ طبقه در مقیاس واقعی مورد آزمایش قرار گرفته

شد، در این نمونه در ابتدا با جاری شدگی در جان تیر بین بازشوها اتفاق افتاد، سپس جاری شدگی در هر دو گوشه دیوار و در اعضای قاب محیطی آن ظاهر می شود. قبل از اینکه جاری شدگی در دیوار گسترش پیدا کند صفحه بصورت موضعی در پیرامون بازشو کمانش می کند. در ادامه می توان به مدل های صبوری و روبرتز در سال ۱۹۹۲ که مطالعاتی در مورد نمونه های بدون سخت کننده و با بازشوی دایره در وسط دیوار انجام داده اند پرداخت. آنها در انتها ضریب محافظه کارانه کاهشی () را برای تخمین مقاومت و سختی پانل بازشودار پیشنهاد نموده اند که در آن D قطر بازشو و d ارتفاع پانل می باشد. در سال ۲۰۰۰ نیز آقایان دیلمی و دستفان در دانشگاه امیرکبیر تأثیر بازشو مستطیلی بزرگ و برخی پارامترهای هندسی را بر رفتار دیواربرشی مورد مطالعه قرار دادند. با این وجود، این مطالعات برای بررسی موقعیت چند بازشوی همزمان برای صفحات برشی فولادی از اعتبار کافی برخوردار نیست. اطلاعات بسیار کمی در خصوص رفتار و ظرفیت برشی این نوع از صفحات وجود دارد که از آن جمله می توان به کارهای آقایان وین و برونیو در مرکز تحقیقات زلزله دانشگاه بوفالو سال ۲۰۰۴، که در این تحقیق سه نمونه دیوار برشی فولادی با مقاومت تسلیم پایین را طراحی و در دانشگاه تایوان تحت بارگذاری چرخه ای مورد آزمایش قرار دادند اشاره کرد که دو نمونه از این سه نمونه دارای بازشو بودند. در این آزمایش یکی از نمونه ها دارای ۲۰ عدد بازشو دایره ای هریک به قطر ۲۰۰ میلیمتر بود. وجود سوراخ های متعدد در نمونه علاوه بر ملاحظات معماری، دسترسی به تأسیسات را تسهیل می بخشد. همچنین در سال ۲۰۰۶ نیز آزمایشهای چرخه ای بر روی دیوار برشی با المانهای مرزی مفصلی توسط آقایان جلیلی و سازگار انجام گرفت که از نتایج تحقیقات انجام شده ضرایبی در بدست آوردن مقاومت دیواربرشی فولادی پیشنهاد گردید.

با توجه به تحقیقات انجام شده با این حال رفتار غیر خطی و دقیق این سیستم با متغیرهای گوناگون مستلزم مطالعات بیشتری است. همچنین علاوه بر عدم وجود روابط طراحی جامع برای سیستم دیوار برشی فولادی، برای ارزیابی میدانی

این سیستم گزارش مبسوطی ارائه نشده است. در این مطالعه سعی می شود با انجام تحلیل های دینامیکی غیر ارتجاعی سیستم باربر جانبی دیوار برشی فولادی مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرد. برای انجام این مقایسه یک گروه از زلزله های واقعی به این سیستم باربر جانبی اعمال و رفتار آن مورد مقایسه قرار می گیرد. در متن مقاله ابتدا دلایل ایجاد بازشوها در دیوار برشی فولادی و مدل مورد استفاده آن بیان شده است. در ادامه صحت سنجی و مدل سازی صورت پذیرفته است. سپس به انتخاب شتابنگاشتهای مناسب و همپایه کردن آنها و معادله حرکت دینامیکی بصورت جزئی با بهره گیری از روش تحلیل دینامیکی غیر ارتجاعی، بررسی شده است. در انتها نیز نتیجه گیری لازم ارائه شده است.

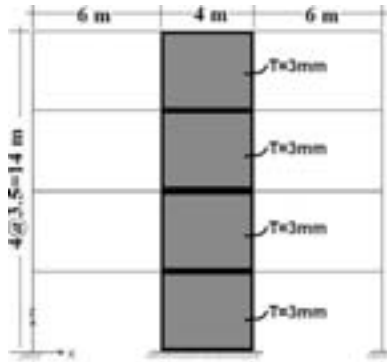
۲- دلایل ایجاد بازشو در دیوار برشی فولادی و مدل مورد استفاده

دلایل ایجاد بازشو در دیوار برشی فولادی را می توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود.

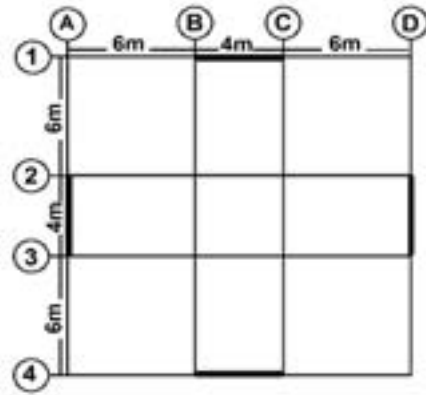
برخی مواقع از دیدگاه سازه ای لازم می شود که در دیوار برشی فولادی، بازشو ایجاد شود. که نیاز طراح به ورق نازکتر در طراحی و یا کاربرد فولاد با مقاومت تسلیم کم که ممکن است در بازار قابل دسترس و موجود نباشند، می تواند از جمله موارد سازه ای موثر در ایجاد بازشو قلمداد شوند (تاکاناشی و همکاران ۱۹۷۳). در طراحی سازه ها به غیر از سازه های بلند و مهم، تأمین فضاهای مناسب داخلی و ملاحظات معماری از مهمترین اهداف طراحی می باشد که پس از آن، مهندس طراح مقید به ایجاد سازه مناسب در چهارچوب فضاهای تعیین شده خواهد بود. اعمال چنین نیازهایی در معماری و زیباسازی مانند: گسترش فضاء، ایجاد دسترسی ها، تعبیه در و پنجره (این اتفاق اغلب زمانی رخ می دهد که دیوار برشی فولادی در قاب های مربوط به نمای خارجی ساختمان استفاده می شوند) و ایجاد نوردهی مناسب را می توان یکی از عوامل ایجاد بازشو در دیوارهای برشی فولادی به حساب آورد. همچنین الزامات تأسیساتی از قبیل موقعیت و مسیر عبور کانالها و داکت ها و لوله های تأسیساتی

و تهویه هوا می توانند از دیگر عوامل موثر در ایجاد بازشو در دیوارهای برشی فولادی باشند.

در این مقاله بازشوها در سیستم سازه های شامل سیستم دیوار برشی فولادی مورد ارزیابی قرار می گیرد، بدین منظور ساختمان چهار طبقه ای با ارتفاع طبقات ۳/۵ متر انتخاب شده است. پلان این سازه دارای دهانه های ۶ و ۴ متری با کاربری مسکونی مطابق شکل ۱ می باشد. سیستم باربر جانبی سازه در هر دو جهت سیستم دیوار برشی فولادی بوده و سیستم سقف از نوع تیرچه بلوک با فرض دیافراگم صلب می باشد. این سازه برای منطقه با خطر نسبی لرزه ای بسیار زیاد بر روی خاک نوع II استاندارد ۲۸۰۰ واقع شده است. این ساختمانها مطابق استاندارد ۲۸۰۰ بارگذاری و بر اساس آیین نامه AISC360-10 و Guide Design AISC 20 طراحی شده است. میزان بار مرده معادل با ۷۸۰ کیلوگرم بر مترمربع در طبقات و ۶۶۰ کیلوگرم بر مترمربع در بام و بار زنده طراحی برای این سازه ۲۰۰ کیلوگرم بر مترمربع در نظر گرفته شده است. مدل مورد استفاده در این مطالعه یک قاب از ساختمان طراحی شده می باشد که زمان تناوب مد اصلی قاب مورد نظر برابر ۰/۳۹ ثانیه است. همچنین با توجه به تحقیقات انجام گردیده و مدل صحت سنجی شده به دلیل تمرکز تنش در گوشه های بازشوها، بازشوهای دایره ای شکل به قطر ۲۰ سانتی متر در سه حالت روی قطر بیرون قطر و مجموع دو حالت اول و دو (بیرون قطر و روی قطر) به صورت منظم با توجه به مدل های تحقیقی انجام گردیده است (شکل ۲). مشخصات مصالح و مقاطع استفاده شده در ساختمان طراحی شده مورد نظر در جدول ۱ آورده شده است. مقاطع به دست آمده پس از طراحی به دلیل سادگی در مدل کردن قاب مورد نظر در تمام طبقات یکسان انتخاب شده است که مشخصات آن در جدول ۳ ارائه شده است.



ب



الف

شکل ۱. الف) پلان طبقات ساختمان

ب) نمای قاب برگرفته از ساختمان ۴ طبقه



شکل ۲. نمایش بازو دایره ای روی قطر، بیرون قطر و مجموع بازو بیروی قطر و روی قطر

جدول ۱. مشخصات مصالح نمونه ها

نوع فولاد	() تنش تسلیم	() مدول الاستیسیته	ضریب پواسون
ST37	$2/4 \times (10)^8$	$2/1 \times (10)^{11}$	۰/۳

جدول ۲. مشخصات مقاطع ساختمان چهار طبقه طراحی شده

نوع مقطع	پروفیل
مقاطع تیر	IPE330,300,260
مقاطع ستون	IPB240,220,180 IPB280,260
ضخامت دیوار برشی	۳ میلیمتر

جدول ۳. مشخصات مقاطع قاب انتخابی

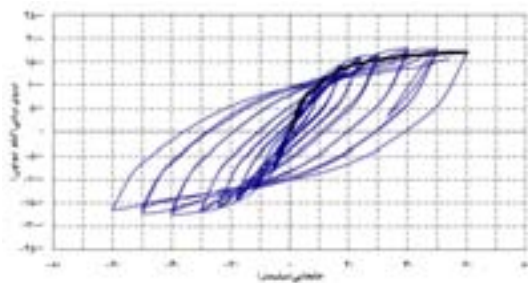
نوع مقطع	پروفیل
مقاطع تیر	IPE330
مقاطع ستون	IPB220 IPB260
ضخامت دیوار برشی	۳ میلیمتر

۳- صحت سنجی و مدل سازی



شکل ۳. نمایش نحوه بارگذاری و آرایش بازوها در نمونه وین و برونیو

منحنی پسماند نمونه تحلیلی در نرم افزار اجزاء محدود به همراه نتایج مدل آزمایشگاهی نمونه تحت بارگذاری شبه استاتیکی چرخه ای توسط تاریخچه بارگذاری مشخص و منحنی بار - تغییر مکان نمونه تحت بارگذاری یکنوا در شکل (۴و۵) آورده شده است.

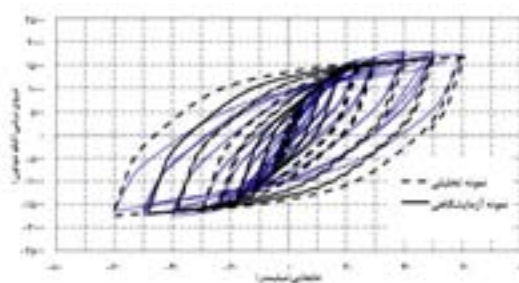


شکل ۵. مقایسه منحنی پسماند نمونه آزمایشگاهی وین و برونیو و منحنی پش اور نمونه تحلیلی

اجزاء محدود در ناحیه غیر خطی به شمار آید.
۴- انتخاب شتابنگاشتهای مناسب و همپایه کردن آنها

در این تحقیق از هفت شتابنگاشت جهت انجام آنالیز دینامیکی غیرخطی استفاده گردید. شتابنگاشتهایی که برای تحلیل دینامیکی غیرخطی انتخاب شده اند سعی شده است حتی الامکان دارای مشخصات هماهنگی مانند نوع خاک با ساختگاه سازه داشته باشند. شتابنگاشتها دارای بزرگای ۶ الی ۷٫۵ ثبت

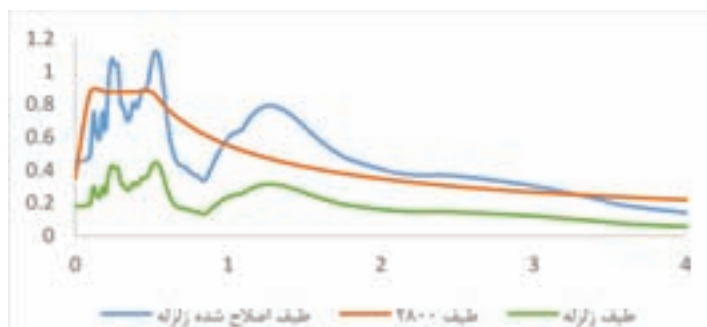
در این مطالعه مدل‌های عددی با استفاده از برنامه اجزای محدود به صورت غیرخطی تحلیل شده است. نرم افزار اجزای محدودی از یک قانون تفاضل مرکزی برای انتگرال گیری از معادلات حرکت به طور صریح در طول زمان استفاده می‌کند. اعتبار سنجی مدل اجزا محدود مورد بررسی بر روی کار آزمایشگاهی درایور و همکاران انجام پذیرفته است. مدل آزمایشگاهی که در یک برنامه آزمایشگاهی مشترک بین دانشگاه -BUFFA LO و دانشگاه تاپوان توسط آقایان وین و برونیو قرار گرفته بود توسط این نرم افزار مدل شده است (شکل ۳) که تحت دو نوع بارگذاری مختلف یکی بارگذاری شبه استاتیکی چرخه ای برای بدست آوردن منحنی هیستریزیس نمونه و دیگری با اعمال تغییر مکان یکنوا برای بدست آوردن منحنی پش نمونه انجام پذیرفته است.



شکل ۴. مقایسه منحنی پسماند نمونه آزمایشگاهی وین و برونیو و نمونه تحلیلی

با دقت در نتایج دو مدل می‌توان ملاحظه نمود که سختی اولیه مدل اجزاء محدود به میزان بسیار کم از سختی مدل آزمایشگاهی بیشتر می‌باشد و از لحاظ بار نهایی مقدار کمی اختلاف وجود دارد که این اختلاف به علت عدم وجود عوامل محیطی می‌باشد که در مطالعات آزمایشگاهی وجود دارند. در مدل آزمایشگاهی ناکامی مکانیکی مربوط به نحوه ایجاد بارگذاری باعث ایجاد پیچش در مرکز تیر بالائی شده، همچنین وجود تنش‌های پسماند در نمونه آزمایشگاهی می‌تواند از مهمترین عوامل ایجاد اختلاف در نتایج مطالعه آزمایشگاهی و مدل

شده بر روی ۰/۶۷ خاک نوع ۲ با فاصله دو از گسل و بدون اثر جهت پذیری بوده است. برای آنکه بتوان از شتابنگاشت در تحلیل دینامیکی غیرخطی استفاده نمود، باید طیف این شتابنگاشت تا حد امکان با طیف زلزله هدف سازه همخوانی داشته باشد که در این تحقیق زمین مورد نظر از نوع دو مطابق با آیین نامه ۲۸۰۰ و پهنه با خطر زلزله خیلی زیاد می باشد که آن سطح خطر یک نامیده شده است. در واقع قبل از استفاده از شتابنگاشت‌ها باید آنها را مقیاس کرد. در این روش شتاب حداکثر هر یک از شتابنگاشت‌ها به g مقیاس می شود. سپس پاسخ سازه یک درجه آزادی تحت این شتابنگاشت بدست می آید و طیف پاسخ زلزله استخراج می گردد. مقادیر طیف در بازه تناوبی $0/T_2$ تا $1/T_5$ قرائت می گردد. از طرف دیگر مقادیر طیف هدف (طیف آیین نامه ۲۸۰۰) نیز قرائت می گردد سپس نسبت این مقادیر محاسبه می گردد و از این نسبت ها میانگین گرفته می شود. این میانگین بعنوان ضریب اصلاح استفاده می شود و این ضریب اصلاح در شتابنگاشت مورد نظر ضرب می شود و شتابنگاشت اصلاح شده بدست می آید که در این مطالعه برای نمونه در شکل ۶ طیف اصلاح شده زلزله Mendocino Cape نشان داده شده است. شتابنگاشت‌ها و مشخصات مربوط به آنها و نتایج حاصل از هم پایه کردن آنها در جدول ۴ آمده است.



شکل ۶. نمونه طیف ۲۸۰۰ و زلزله Mendocino Cape و طیف اصلاح شده

جدول ۴. خصوصیات و ویژگی های شتابنگاشت‌های مورد استفاده

شماره	رکورد	ایستگاه	حداکثر شتاب اصلاح شده (g)	حداکثر شتاب (g)	فاصله از گسل (کیلومتر)
۱	Cape Mendocino	Myrtle & West	۰/۵۲	۰/۱۷۸	۴۴/۶
۲	Landers	Barstow 23559	۰/۵۲	۰/۱۳۵	۳۶/۱
۳	Loma Prieta	Fremont - Mission San Jose	۰/۴۲	۰/۱۲۴	۴۳
۴	Morgan Hill	Corralitos	۰/۴۰	۰/۱۰۹	۲۲/۷
۵	Northridge	Baldwin Hills	۰/۳۸	۰/۱۶۸	۳۱/۳
۶	San Fernando	Pasadena - CIT Athenaeum	۰/۴۰	۰/۱۱	۳۱/۷
۷	Kern County	Santa Barbara	۰/۵۸	۰/۱۲۷	۸۷

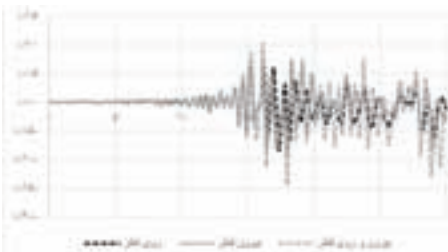
۵- روش تحلیل

روش تحلیل مورد استفاده در این تحقیق تحلیل دینامیکی غیرارتجاعی می باشد. بدین منظور معادله حرکت دینامیکی بصورت جزیی به شکل زیر نوشته می شود.

در معادله فوق ماتریس جرمی، ماتریس میرایی، ماتریس سختی مماسی و U بردار جابجایی نسبت به زمین و نیز تغییرات زمانی نیروهای جانبی (زلزله) را نشان می دهد.

ماتریس سختی مماسی در هر لحظه از زمان می تواند تغییر کند که با توجه به اینکه المانهای سازه ای وارد مرحله غیر ارتجاعی می شوند اصلاح می شود. منحنی رفتاری تنش کرنش مصالح فولاد نمونه ها مطابق شکل ۷ از منحنی سه خطی استفاده شده است که شیب قسمت اول نمودار یعنی مدول الاستیسیته فولاد برابر kg/kg و تنش تسلیم نیز kg / 2400 و ضریب پواسون 0.3 لحاظ شده است.

و تغییر مکان بام عبارت است از نسبت جابجایی بام به زمین. به عنوان نمونه، تاریخچه زمانی جابجایی بام نسبت به زمین مربوط به سیستم مورد نظر برای شتابنگاشت Landers (Barstow 23559) در شکل زیر نشان داده شده است (شکل ۸). همانطور که از نتایج آنالیز پیداست در شکل اول که پریمود سازه متناسب با مصالح و مشخصه قاب ۴ طبقه می باشد مدل دارای رفتار الاستیک بوده و جابجایی ماندگار در شکل مشاهده نمی شود همچنین بیشترین تغییر مکان برای سوارخ های بیرون و روی قطر به صورت همزمان می باشد که برای قاب با زمان تناوب اصلی 0.4 در ادامه در جدول ۵ بیشینه تغییر مکان جانبی بام قاب برای ۷ رکورد انتخابی نشان داده شده است. همانطور که از نتایج تحقیقات و پدیده کشش قطری قابل پیش بینی بود بیشترین تغییر مکان مربوط به حالتی است که باز شو بر روی قطر و یا جمع دو حالت بیرون قطر و روی قطر می باشد.



شکل ۸. تاریخچه زمانی حداکثر تغییر مکان جانبی بام قاب دیوار برشی فولادی با سه حالت باز شو تحت شتابنگاشت Landers (Barstow 23559)



شکل ۷. منحنی رفتاری فولاد مورد استفاده

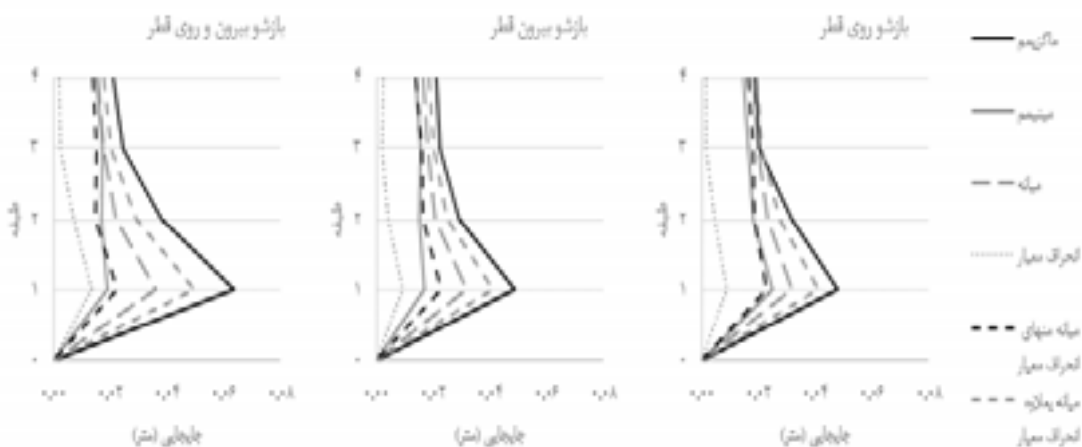
۶- نتایج تحلیل

مدل های دیوار برشی فولادی با باز شو به روش دینامیکی غیرخطی با استفاده از ۷ شتابنگاشت یاد شده به کمک روش انتگرال گیری مستقیم تحلیل گشته و مورد ارزیابی قرار گرفته است. در آیین نامه ی ۲۸۰۰ ویرایش سوم مقرر گردیده است در تعیین تغییر مکان جانبی نسبی طبقات لازم است جابجایی در محل مرکز جرم طبقات ملاک عمل قرار گیرد. به عبارتی دیگر تغییر مکان نسبی هر طبقه عبارت است از جابجایی کل مرکز جرم آن طبقه نسبت به جابجایی کل مرکز جرم طبقه تحتانی آن

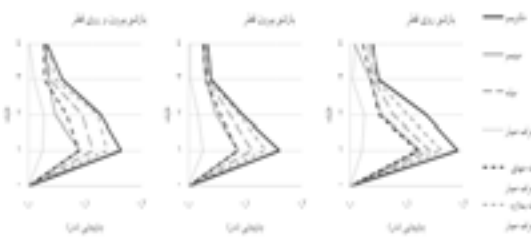
جدول ۵. بیشینه تغییر مکان جانبی بام قاب برای ۷ رکورد انتخابی برای قاب

شماره	رکورد	ایستگاه	بیرون قطر و روی قطر	بیرون قطر	روی قطر
۱	San Fernando	Pasadena - CIT Athenaeum	۰/۰۸۱	۰/۰۸۳	۰/۰۸۹
۲	Northridge	Baldwin Hills	۰/۰۶۷	۰/۰۶۱	۰/۱
۳	Morgan Hill	Corralitos	۰/۰۸۸	۰/۰۶۸	۰/۰۷۳
۴	Loma Prieta	Fremont - 57064 Mission San Jose	۰/۰۸۹	۰/۰۸۶	۰/۰۷۵
۵	Landers	Barstow 23559	۰/۱۴	۰/۰۹۳	۰/۰۸۴
۶	Kern County	Santa Barbara 283 Courthouse	۰/۱۲	۰/۱۱۷	۰/۱۱۶
۷	Cape Mendocino	Myrtle & West	۰/۱	۰/۰۸	۰/۱۱

همچنین به منظور پراکنندگی پاسخ قاب برای سیستم دیوار برشی فولادی چهار طبقه مقادیر حداکثر، حداقل، میانگین، میانگین به علاوه انحراف معیار و میانگین منهای انحراف معیار جابجایی نسبی طبقات تحت اثر هفت شتابنگاشت مورد مطالعه برای سه مدل چیدمان بازشوهای چندگانه بدست آمده و مقادیر آن در شکل ۹ نشان داده شده است. همچنین در شکل ۱۰ میزان تغییر مکان ماکزیمم طبقات مختلف قاب با سه چیدمان مختلف بازشوهای چندگانه نشان داده شده است.



شکل ۹. میزان پراکنندگی پاسخ طبقات مختلف قاب با سیستم دیوار برشی فولادی با سه چیدمان مختلف بازشوهای چندگانه



شکل ۱۰. میزان تغییر مکان ماکزیمم طبقات مختلف قاب با سیستم دیوار برشی فولادی با سه چیدمان مختلف بازشوهای چندگانه

همانطور که در شکل ۹ مشاهده می‌شود در سیستم دیوار برشی فولادی بیشترین جذب انرژی از طریق تسلیم شدن صفحه دیوار انجام می‌شود که طبقه اول سهم بیشتری به خود اختصاص می‌دهد که می‌تواند تغییر مکان بیشتری را در این طبقه به دلیل تسلیم شدن آن به همراه داشته باشد که این یافته مشابه نتایج تحقیقات انجام شده می‌باشد (صبوری قمی و قلهکی ۲۰۰۶). در مدل بازشو روی قطر با توجه به تعداد کمتر بازشو که حدوداً ۳۰ درصد کمتر از مدل بازشو روی قطر می‌باشد دارای ماکزیمم جابجایی کمتری در تمام طبقات می‌باشد که این امر نشان دهنده آن بوده که بحرانی ترین حالت زمانی رخ می‌دهد که تمرکز بازشو روی قطر اصلی و وسط دیوار قرار داشته باشد. با توجه به اینکه پس از کمانش ورق، ابتدا تنش‌های غشایی در مرکز رخ داده و سپس در قسمت‌های دیگر ورق گسترش می‌یابد، نتیجه مذکور کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به پراکندگی پاسخ‌ها به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر پاسخ در هر مدل بازشو چندگانه در این سیستم سازه ای شدیداً وابسته به نوع رکورد زلزله می‌باشد. از این رو لازم است در نحوه نوع انتخاب رکوردها به نحوی که متناسب با شرایط ساختگاهی باشد و همچنین تعداد آنها نهایت دقت را در نظر گرفت.

شکل ۱۱ میزان تغییر مکان ماکزیمم طبقات مختلف قاب با سیستم دیوار برشی فولادی با سه چیدمان مختلف بازشوهای چندگانه را نشان داده که در این میان ماکزیمم جابجایی عمود بر صفحه دیوار زمانی که بازشوهای چندگانه بر روی قطر دیوار قرار دارد بیشترین مقدار را نشان می‌دهد که حتی این مقدار بیشتر از زمانی است که همان مقدار

بازشو علاوه بازشوهای دیگر در اطراف آن وجود دارد. ساختمانها از هر لحاظ به شهر مربوط هستند. آنها برای تجمع جمعیت و هزینه زمین جوابی طبیعی می‌باشند. توده ساختمان از توجیه مفهوم محیط طرح و جواب او به هدف ساختمان نتیجه می‌شود. ساختمانها در شهر به لحاظ مقاوم بودن و پایداری نیاز به بهره گیری از سیستم های سازه ای متناسب را دارند. سیستم سازه ای دیوار برشی فولادی کانون توجه پژوهشگران به دلیل عملکرد خوب خود در جذب نیروهای جانبی زلزله و باد بوده است و به همین دلیل در ساختمان های بلند به ویژه ساختمان های جدید در کشورهای زلزله خیزی بکار گرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این سیستم دیوار برشی فولادی همانند همه سیستم‌های سازه ای به لحاظ الزامات ضوابط معماری و ملاحظات طراحی بازشوهایی لازم است. در این حالات، بازشو باید به اندازه کافی بزرگ و تعداد آنها زیاد باشد تا بتوان از آن در موارد ذکر شده استفاده نمود. ایجاد چنین بازشوهایی زیاد می‌تواند به شدت توزیع تنش را درون صفحه تغییر دهد و در اغلب اوقات مود شکست و رفتار صفحه بارگذاری شده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پرسش اصلی مقاله حاضر به این موضوع اختصاص دارد که وجود بازشوها در دیوارهای برشی فولادی در ساختمانهای شهری چیست؟ لذا در این مقاله تأثیر محل ایجاد و چیدمان بازشوهایی چندگانه بر رفتار این نوع دیوارها از لحاظ عملکردی مورد بررسی قرار داده شده و رفتار اینگونه دیوارها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد برای این منظور ۷ رکورد زلزله دور از گسل انتخاب و به این نوع سیستم سازه ای اعمال گردیده است و در انتها عملکرد این نوع سیستم با وجود بازشوهایی متفاوت بررسی و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۷- نتیجه گیری و جمع بندی

در مقاله حاضر که به ارزیابی عملکرد دیوار برشی فولادی با بازشو در ساختمانهای شهری پرداخته شده است. قاب ۴ طبقه سه هانه با سیستم دیوار برشی فولادی طراحی گشته و تحت اثر هفت شتاب نگاشت زلزله قرار گرفته و با استفاده از نرم

منابع و ماخذ

[1] M. Tagaki, T. Takemoto, Y. Takanashi, "shear steel thin on study Experimental" alter- under bracing particular and walls, Report Preliminary "load horizontal native and Resistance on Symposium .IABSE Acted Structures of Deformability Ultimate, Lisbon, Loads Repeated defined-Well on .185-191, 1973, Portugal

[2] S. Ghomi-Sabouri and M.T. Roberts, "unstiff- of characteristics Hysteretic" (1992) 'panels shear plate steel perforated ened .Structures Walled-Thin of Journal

[3] H. Dafari and A. Deylami, "shear plate steel of behavior Nonlinear" 12th 'opening rectangular large with wall Engi- Earthquake on Conference World neering (2000)

[4] M. Bruneau and D. Vian, "wall shear plate steel LYS special of ing En- Earthquake on Conference World 13th .gineering (2004)

[5] R. Sazgari, A. Jalili, "Experimen- of Study Buckling-Post Theoretical and tal Con- International 4th "Walls Shear Steel Taipei. Engineering Earthquake on ferece .Taiwan (2006)

[6] مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. آیین نامه طراحی ساختمان ها در برابر زلزله، استاندارد ۲۸۰۰ ایران (ویرایش سوم). تهران: مؤلف. ۱۳۸۴.

[7] American Institute of Steel Construction, "Specification for Structural Steel Buildings", 9th Edition, March 2005.

[8] American Institute of Steel Construction, "Design Guide 20: Steel Plate Shear Walls".

[9] Sabouri-Ghomi, S. and Gholhaki, M.; "Cyclic tests on two specimens of three-story ductile steel plate shear wall"; Report of Tests, Building and Housing Research Center (BHRC), (2006) 167 pages

[۱۰] ساختمان بلند و شهر، موسسه نشر شهر، محمد رضا بمانیان ۱۳۹۰.

[۱۱] سازه های ساختمان بلند، انتشارات دهخدا، تالیف دلف کنگ شولر ترجمه حجت الله عادلی ۱۳۷۱.

[۱۲] رفتار و طراحی سازه ای ساختمانهای بلند، فریبرز ناطق الهی، موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله ۱۳۷۵.

افزار اجزاء محدود تحلیل شده است. با توجه به نمودارها و جداول ارائه شده نتایج زیر بدست آمده است:

- مقادیر پاسخ در سیستم سازه ای به شدت وابسته به نوع رکورد زلزله می باشد، از این رو لازم است در انتخاب رکوردها و نحوه متناسب کردن با شرایط ساختگاهی و همچنین تعداد آنها دقت صورت گیرد. همچنین وابستگی چیدمان بازشوها بیشتر از مقدار مساحت آنها در تغییر مکانهای طبقات داشته به صورتی تغییر مکانهای مدل با بازشوهای چندگانه روی قطر با وجود مساحت کمتر بازشو بیشتر از مدل بازشو بیرون قطر می باشد.

- از مقایسه سه مدل بازشو چندگانه در سیستم دیوار برشی فولادی با بازشو چندگانه تحت اثر شتاب نگاشت که بیانگر طیف آیین نامه ۲۸۰۰ است مشاهده می شود که این سیستم در این سطح، حالت الاستیک داشته و مقدار جابجایی حداکثر طبق آیین نامه ۲۸۰۰ را رعایت کرده است.

- وابستگی جابجایی عمود بر صفحه در دیوار برشی فولادی نیز همانند تغییر مکان طبقات در طبقه اول بیشترین مقدار را به خود اختصاص می دهد و این مقدار برای مدلی که بازشو بر روی قطر قرار دارد حتی بیشتر از مدلی است که هم بازشو بر روی قطر و هم بیرون قطر قرار دارد.

- تمرکز تغییر مکان و خسارت در سیستم دیوار برشی فولادی با بازشو چندگانه در طبقات پایین می باشد.

برآورد نیاز مسکن اقشار کم درآمد در ۲۵ سال آینده

علی نیکزاد* - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه، تهران، ایران

چکیده

Estimated need for housing for low-income groups in the next 25 years

Abstract

The excellence of each society depends on meeting the basic needs of those people. If any person has a decent job and housing in his life, he will feel comfortable with an efficient and comprehensive social security structure and adequate security and the law-enforcement community. The people of such a community will have considerable potential for excellence and, if there is proper planning in these societies, scientific progress, development, wealth generation, and the pioneering economy and, most importantly, human dignity will be decisive. In all societies, income diversification is inevitable among people, and naturally, people with appropriate income are able to meet their different needs, but low-income groups without the support of governments will not be able to meet their basic needs, including housing. Therefore, planning to support this group is a prerequisite for social justice and, at the same time, necessary for the development of a progressive and balanced society. So, in order to realize this, this paper has addressed the need for housing for low-income groups over the next 25 years. To do this, first all the characteristics of the target group are determined and then the number of required housing is estimated by the end of the year. The importance of estimating the number of residential units needed for the future is very important in estimating the funds needed to build these residential units, as well as for proper management and financing, and, on the other hand, provides the necessary housing and, on the other hand, promotes market growth and prosperity. Housing will be.

Key Words: Estimated housing needs, low income groups, men and women, marriage and divorce, births and wives

تعالی هر جامعه در گرو رفع نیازهای اولیه افراد آن جامعه می باشد. چنانچه هر فرد در زندگی خود از شغل و مسکن مناسب برخوردار باشد، در کنار یک ساختار تأمین اجتماعی کارآمد و فراگیر و امنیت کافی و جامعه قانون مدار احساس آرامش خواهد نمود. افراد چنین جامعه ای ظرفیت قابل توجهی برای تعالی و پیشرفت پیدا می نمایند و در صورت وجود برنامه ریزی صحیح در این جوامع، پیشرفت علمی، توسعه یافتگی، تولید ثروت و پیشتازی در اقتصاد و از همه مهم تر تأمین کرامت انسانی قطعی خواهد بود. در تمامی جوامع تنوع درآمد در بین افراد جامعه اجتناب ناپذیر است و طبیعتاً افراد با درآمد مناسب قادر به تأمین نیازهای مختلف خود می باشند، لیکن اقشار کم درآمد بدون حمایت دولت‌ها قادر به رفع نیازهای اساسی خود از جمله تأمین مسکن، نخواهند بود. از این رو برنامه ریزی برای حمایت از این گروه پیش نیاز برقراری عدالت اجتماعی و در عین حال لازمه شکل گیری یک جامعه مترقی و متوازن است. بنابراین برای تحقق این موضوع، این مقاله، به برآورد نیاز مسکن اقشار کم درآمد در طول ۲۵ سال آینده پرداخته است. بدین منظور، ابتدا تمامی مشخصات گروه هدف تعیین شده و سپس تعداد مسکن مورد نیاز تا پایان سال هدف برآورد شده است. اهمیت برآورد تعداد واحد مسکونی مورد نیاز برای آینده در برآورد منابع مالی مورد نیاز برای ساخت این واحدهای مسکونی و همچنین جهت مدیریت صحیح و تأمین هزینه‌ها، بسیار حائز اهمیت بوده و از طرفی موجب تأمین مسکن مورد نیاز و از سوی دیگر موجب رشد و رونق بازار مسکن خواهد شد.

واژگان کلیدی: برآورد نیاز مسکن، اقشار کم درآمد، مردان و زنان، ازدواج و طلاق، موالید و اموات

وضع این مالیات به عنوان دلیل اصلی این موضوع عنوان شده است [3]. در همین رابطه، مقاله فیو و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی اثرات سیاست افزایش مالیات بر نقل و انتقال در بخش مسکن کشور سنگاپور پرداخته است. به طور کلی، می توان گفت که نتایج این مقاله نسبت به سیاست افزایش مالیات بر نقل و انتقال به منظور دست یابی به ثبات قیمتی هشدار می دهد تا توان خرید مسکن توسط اقشار کم درآمد افزایش یابد [4]. محمدی در کتاب برنامه ریزی مسکن (۱۳۷۹)، اهمیت مسکن را بالاتر از دیگر نیازهای ضروری افراد می داند و برای مسکن در برآورده نمودن هر سه دسته نیاز اساسی مادی انسان شامل: نیازهای زیستی، اقتصادی و اجتماعی، نقش ویژه ای را در نظر می گیرد. این کتاب عدم دسترسی به مسکن مناسب را مترادف با افزایش بزهکاری، طلاق و از هم گسیختگی اجتماعی و عامل بازدارنده رشد و اعتلای اجتماعی- فرهنگی و روانی و همچنین باعث پیدایش پدیده های ناهنجار اجتماعی دیگری از قبیل خیابان خوابی، زاغه نشینی و تکدی گری قرار داده و دخالت دولت را در امر مسکن ضروری دانسته که ابزارهای دولت برای این مداخله شامل: پول، زمین و وضع قوانین لازم است [5]. با توجه به مطالعات انجام شده، در این مقاله برای برآورد تعداد مسکن مورد نیاز اقشار کم درآمد در سال های هدف، به بررسی پارامترهایی از جمله برآورد تعداد ازدواج، تعداد طلاق، مسکن آزاد شده در اثر فوت اعضاء خانوار و همچنین بررسی روند تشکیل خانوارهای یک نفره پرداخته شده است. مجموع این عوامل امکان برآورد نیاز اقشار کم درآمد به مسکن در سال های آینده را میسر می سازد.

۲- نیاز مسکن ناشی از ازدواج

برای برآورد تعداد ازدواج، تعداد زنان مایل به ازدواج در گروه هدف ملاک محاسبه است، زیرا برای زنان امکان تعدد زوجات وجود نداشته و به ازاء هر زن تنها امکان تشکیل یک خانواده میسر می باشد. با توجه به اینکه برخی از زنان هرگز ازدواج نخواهند کرد و همچنین بعضی از زنان بعد از فوت همسر و یا طلاق از همسر بنا به دلایل مختلف از قبیل:

امروزه موضوع تامین مسکن اقشار کم درآمد به عنوان یکی از ضروریات مدیریت بازار مسکن در کشور بدل شده است. از این رو و به منظور مدیریت و تصمیم گیری صحیح و تامین منابع لازم، ضروریست تعداد واحد مسکونی مورد نیاز برای آینده را برآورد و پیش بینی نمود. بررسی سوابق مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می دهد که تحقیقات متعددی در حوزه نیازسنجی مسکن اقشار کم درآمد و بی خانمان انجام شده است. بطور مثال: در سال ۲۰۰۴ رونتیری به بررسی موضوع شکست بازار در تامین مسکن افراد بی خانمان پرداخته است. براساس این مطالعه، شکاف عرضه و تقاضا، علاوه بر تأثیر بر قیمت مسکن، اجاره بها را نیز به شدت متأثر می سازد. ناکارآمدی بازار در تامین مسکن برای طیف وسیعی از اقشار با درآمد متوسط و پایین در کنار عملکرد ناکارآی نظام اقتصادی از جمله رشد نامتناسب دستمزد نسبت به رشد قیمت و اجاره بهای مسکن، لزوم دخالت دولت در این بازار را حتمی می سازد. بنابراین مقابله با معضل شکست بازار در تامین سرپناه مناسب برای افراد سالخورده، بیمار، بی بضاعت، ناتوان جسمی و ذهنی و افراد کم درآمد از جمله مهمترین اهداف دولتهاست [1]. همچنین در سال ۲۰۱۰ والاس تحقیقی را انجام داد با این عنوان که، منظور از اقشار مشمول کمک های دولت در اسکان کم درآمدها کدام گروه درآمدی است؟ مطابق این تحقیق، اقشاری نیازمند خانه های قابل خرید تشخیص داده می شوند که بیش از ۲۵ درصد از درآمد خود را صرف پرداخت اجاره بها و یا بیش از ۳۰ درصد از درآمد خویش را صرف پرداخت اقساط وام رهنی نمایند. نتایج حاصل از این تحقیق به معرفی برخی از ابزارهای مورد استفاده دولت ایالات متحده در حمایت از پروژه های استیجاری می پردازد [2]. تحلیل بین کشوری از تأثیرگذاری مالیات ها بر قیمت مسکن و توان خرید افراد کم درآمد عنوان مطالعه هیو (۲۰۰۶) می باشد. این مطالعه نشان داد که مالیات بر نقل و انتقال باعث افزایش نوسانات قیمتی می شود و کاهش نقدینگی بازار در اثر وضع این مالیات، به عنوان دلیل اصلی این موضوع عنوان شده است. نقدینگی بازار در اثر

بالا بودن سن آنها، وجود فرزند، آداب و رسوم و یا داشتن علاقه به همسر خود بعد از فوت وی تمایل به ازدواج نخواهند داشت، بنابراین مجرد ملاک آماده ازدواج نخواهد بود، بلکه از تفاضل زنان در معرض ازدواج (تمام زنان مجرد) و زنانی که براساس دلایل ذکر شده ازدواج نخواهند کرد، تعداد زنان آماده ازدواج برآورد خواهد شد. آمار درصد افرادی که بعد از طلاق و یا فوت همسر خویش ازدواج خواهند کرد در جدول ۱-۲ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار ازدواج زنان پس از فوت و یا طلاق از همسر؛ ماخذ: محاسبات پژوهشگر.

تعداد زنان آماده ازدواج	درصد احتمال ازدواج زنان مجرد ناشی از طلاق	تعداد زنان مجرد ناشی از طلاق	درصد احتمال ازدواج زنان مجرد ناشی از فوت همسر	تعداد زنان مجرد ناشی از فوت همسر	تعدادی که هرگز ازدواج نخواهند کرد	تعداد زنان مجرد هرگز ازدواج نکرده	(سال)
۱,۸۷۹,۷۳۸	۱۰۰	۶۹۳	۱۰۰	۷۸۹	۱۸,۸۷۲	۱,۸۹۷,۲۳۸	۱۴-۱۰
۱,۸۰۶,۵۳۱	۱۰۰	۴,۹۷۰	۱۰۰	۱,۴۹۱	۱۸,۱۸۳	۱,۸۱۸,۲۵۳	۱۹-۱۵
۱,۵۰۹,۸۷۹	۱۰۰	۲۴,۰۳۳	۹۸	۶,۰۳۰	۱۴,۸۴۹	۱,۴۹۴,۸۸۵	۲۴-۲۰
۹۰۵,۱۰۸	۱۰۰	۵۱,۷۶۶	۹۵	۱۴,۰۱۴	۸,۴۸۵	۸۴۸,۵۱۴	۲۹-۲۵
۴۴۶,۶۰۱	۹۵	۶۰,۰۰۱	۹۰	۲۳,۴۶۴	۳,۷۲۲	۳۷۲,۲۰۵	۳۴-۳۰
۲۱۷,۳۷۱	۸۵	۴۴,۴۹۸	۸۵	۳۶,۰۶۷	۱۶,۵۳۲	۱۶۵,۳۳۳	۳۹-۳۵
۱۳۲,۰۵۹	۶۵	۳۳,۷۱۶	۷۰	۵۰,۴۰۹	۱۸,۷۱۴	۹۳,۵۷۲	۴۴-۴۰
۷۰,۴۴۴	۴۵	۱۸,۰۹۷	۵۰	۵۱,۰۹۲	۱۵,۷۵۲	۵۲,۵۰۶	۴۹-۴۵
۴۳,۵۵۹	۳۵	۱۰,۹۸۶	۴۰	۵۹,۸۷۲	۱۵,۷۶۵	۳۱,۵۳۰	۵۴-۵۰
۱۶,۵۷۵	۲۰	۴,۰۹۸	۳۵	۴۵,۵۳۸	۱۳,۱۱۲	۱۷,۴۸۳	۵۹-۵۵
۵,۴۰۵	۱۰	۱,۱۵۸	۱۵	۳۹,۳۸۲	۸,۰۷۰	۸,۹۶۷	۶۴-۶۰
۲,۸۲۸	۱	۱۶۵	۵	۴۲,۶۲۶	۱۳,۳۱۰	۱۳,۹۰۵	۶۹-۶۵
۳۵۶۵	-	-	-	-	-	۳,۵۶۵	۷۴-۷۰
-	-	-	-	-	-	-	۷۵ بیشتر

برای برآورد درصد ازدواج زنان در هر بازه سنی از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$(۱-۲) \quad y = \frac{e_1}{s_1} \quad \text{درصد ازدواج زنان در هر بازه سنی}$$

e_1 : تعداد زنان ازدواج کرده در بازه سنی

s_1 : تعداد کل زنان موجود در هر بازه سنی

همچنین برای برآورد تعداد زنان آماده ازدواج از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$(۲-۲) \quad T_a = (M_f \times X) + (M_t \times Z) + M_1 - M_n$$

T_a : تعداد زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی

M_f : تعداد زنان در معرض ازدواج ناشی از فوت همسر در هر بازه سنی

x : درصد ازدواج زنان بعد از فوت همسر در هر بازه سنی (درصد از مفروضات مقاله)

M_t : تعداد زنان مجرد ناشی از طلاق در هر بازه سنی

z : درصد ازدواج زنان بعد از طلاق در هر بازه سنی (درصد از مفروضات پژوهشگر)

M_1 : تعداد زنان مجرد که قبلاً اصلاً ازدواج نکرده‌اند در هر بازه سنی

M_n : تعداد زنانی که هرگز ازدواج نخواهند کرد در هر بازه سنی

با توجه به اینکه درصد ازدواج تمام زنان مجردی که قبلاً ازدواج نکرده‌اند همیشه صد در صد نبوده، بنابراین برای اختلاف این تعداد از زنان با تعداد زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، کفایت تعداد زنان مجرد قبلاً ازدواج نکرده را در احتمال ازدواجشان که عددی کمتر از درصد ۱۰۰ می‌باشد را ضرب نمود. نکته بسیار مهم اینکه این تعداد دربرگیرنده‌ی تعداد موالیید در ۲۵ سال آینده نیز خواهد بود که روش محاسبه تعداد موالیید در ادامه این مقاله آورده شده‌است. بنابراین تعداد زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی در طول سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۴ با استفاده از ابطنه ۲-۲ برآورد و در جدول ۲ ارایه شده‌است.

جدول ۲. برآورد تعداد زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی (T_a) تا سال ۱۴۱۴؛ ماخذ: محاسبات پژوهشگر.

سن	درصد ازدواج (%)	۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۵-۱۳۹۰
۰-۴ ساله	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵-۹ ساله	-	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰-۱۴ ساله	۱.۳	۱۸۷۹۳۳۸	۱۸۷۹۳۳۸	۱۸۷۹۳۳۸	۱۸۷۹۳۳۸	۱۸۷۹۳۳۸
۱۵-۱۹ ساله	۱۶.۹	۱۸۰۶۵۳۱	۱۸۰۶۵۳۱	۱۸۰۶۵۳۱	۱۸۰۶۵۳۱	۱۸۰۶۵۳۱
۲۰-۲۴ ساله	۲۲.۳	۱۵۰۹۲۷۹	۱۵۰۹۲۷۹	۱۵۰۹۲۷۹	۱۵۰۹۲۷۹	۱۵۰۹۲۷۹
۲۵-۲۹ ساله	۲۳	۹۰۵۱۰۸	۹۰۵۱۰۸	۹۰۵۱۰۸	۹۰۵۱۰۸	۹۰۵۱۰۸
۳۰-۳۴ ساله	۱۱.۹	۴۴۶۶۰۱	۴۴۶۶۰۱	۴۴۶۶۰۱	۴۴۶۶۰۱	۴۴۶۶۰۱
۳۵-۳۹ ساله	۶.۳	۲۱۷۳۷۱	۲۱۷۳۷۱	۲۱۷۳۷۱	۲۱۷۳۷۱	۲۱۷۳۷۱
۴۰-۴۴ ساله	۳.۱	۱۳۲۰۵۹	۱۳۲۰۵۹	۱۳۲۰۵۹	۱۳۲۰۵۹	۱۳۲۰۵۹
۴۵-۴۹ ساله	۱.۷	۷۰۳۳۴	۷۰۳۳۴	۷۰۳۳۴	۷۰۳۳۴	۷۰۳۳۴
۵۰-۵۴ ساله	۱	۴۳۵۵۹	۴۳۵۵۹	۴۳۵۵۹	۴۳۵۵۹	۴۳۵۵۹
۵۵-۵۹ ساله	۰.۶	۱۶۵۷۵	۱۶۵۷۵	۱۶۵۷۵	۱۶۵۷۵	۱۶۵۷۵
۶۰-۶۴ ساله	۰.۵	۵۶۰۵	۵۶۰۵	۵۶۰۵	۵۶۰۵	۵۶۰۵
۶۵ ساله و بالاتر	۰.۶	۲۸۲۸	۲۸۲۸	۲۸۲۸	۲۸۲۸	۲۸۲۸

و در نتیجه تعداد ازدواج زنان در هر بازه سنی با توجه به پارامترهای معرفی شده برابر است با:

$$(2-3) T_e = (T_a \times y) + (T_a \times (100\% - y) \times y) + (T_a \times (100\% - y)^2 \times y) + T_a \times (100\% - y)^3 \times y + (T_a \times (100\% - y)^4 \times y) \Leftrightarrow T_e = \sum_{n=0}^{\infty} (T_a \times (100\% - y)^n \times y)$$

T_e : تعداد ازدواج زنان در هر بازه سنی

T_a : تعداد زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی

y : درصد ازدواج زنان در هر بازه سنی

تعداد ازدواج زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی (تعداد ازدواج در کشور) در طول سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۴ با استفاده از رابطه ۲-۳ برآورد در جدول ۳-۲ ارائه شده است. مطابق با این تعداد ازدواج و با توجه به فرض پراکندگی یکسان جمعیت در دهک های مختلف درآمدی کشور، تنها ۲۶٫۶ درصد اجاره نشین از ۴۰ درصد کل ازدواج ها در دسته بندی گروه هدف قرار می گیرند. در این حالت، روند ادامه درصد ازدواج در بازه ها، در دهک های درآمدی کشور مطابق با سال ۱۳۹۰ فرض شده و پایه محاسبات بر این مبنا قرار داده شده است.

جدول ۳. برآورد تعداد ازدواج زنان آماده ازدواج در هر بازه سنی (T_e) تا سال ۱۴۱۴؛ ماخذ: محاسبات پژوهشگر.

سن	۱۳۹۴-۱۳۹۰	۱۳۹۹-۱۳۹۵	۱۴۰۴-۱۴۰۰	۱۴۰۹-۱۴۰۵	۱۴۱۴-۱۴۱۰
۱۴-۱۰ ساله	۱۲۱،۰۷۶	۱۱۹،۰۱۷	۱۳۰،۵۲۶	۱۲۲،۵۲۶	۱۴۳،۷۷۸
۱۹-۱۵ ساله	۱۱۲۷،۶۸۹	۱۱۷۸،۲۰۱	۱۱۵۸،۳۶۷	۱۲۷۰،۴۷۶	۱۳۸۷،۱۷۶
۲۴-۲۰ ساله	۱۳۶۵،۰۰۷	۱۳۳۲،۶۱۸	۱۳۷۰،۹۵۵	۱۴۳۵،۹۴۷	۱۵۸۵،۸۸۸
۲۹-۲۵ ساله	۹۰۳،۹۳۱	۷۴۶،۴۱۷	۷۲۹،۹۱۵	۷۳۹،۴۴۷	۷۳۶،۷۰۶
۳۴-۳۰ ساله	۲۲۶،۵۷۲	۲۳۹،۶۲۲	۱۹۷،۸۶۷	۱۹۳،۲۹۲	۱۹۸،۶۷۰
۳۹-۳۵ ساله	۲۱۷،۲۷۰	۶۵،۱۴۵	۳۴،۹۵۵	۲۸،۸۶۴	۲۸،۲۲۶
۴۴-۴۰ ساله	۱۳۲،۰۵۹	۱۸،۰۱۶	۵،۴۰۲	۲،۸۹۹	۲،۳۹۳
۴۹-۴۵ ساله	۷۰،۲۲۴	۶،۸۱۱	۹۲۹	۲۷۹	۱۲۹
۵۴-۵۰ ساله	۴۳،۵۵۹	۲،۴۲۷	۲۲۶	۲۲	۱۰
۵۹-۵۵ ساله	۱۶،۵۷۵	۱،۰۵۲	۵۹	۶	۱
۶۴-۶۰ ساله	۵،۴۰۵	۲۹۷	۱۹	۱	۰
۶۵ ساله و بالاتر	۲،۸۲۸	۰	۰	۰	۰

۳. برآورد تعداد موالید در سال های آینده: تعداد موالید در آینده نقش مهمی در روند رشد جمعیت در کشور خواهد داشت، بنابراین این مقاله الگویی در برآورد تعداد موالید در هر سال ارائه نموده است. در این الگو فرض روند شکل گیری بعد خانوار مطابق با درصد آن در سال ۱۳۹۰ قرار داده شده است. با استفاده از روابط ۱-۳ تا ۵-۳ تعداد موالید تا سال ۱۴۱۴ محاسبه و در جداول ۱-۳ و ۲-۳ ارائه شده است.

$$(۳-۱) N_j = V_j + G_j - Q_t - Q_0$$

N_j : تعداد خانوار در سال n ام

V_j : تعداد خانوار در سال $(1-n)$ ام

G_j : تعداد خانوار تشکیل شده در سال $(1-n)$ ام

Q_t : تعداد خانوار ۲ نفره کم شده در اثر فوت اعضا در سال $(1-n)$

Q_o : تعداد خانوار یک نفره کم شده در اثر فوت اعضا در سال $(1-n)$

$$A_j = N_j * d \quad (3-2)$$

A_j : قرار گیری تعداد خانوار با در نظر گرفتن بعد خانوار

d : درصد خانوار با ابعاد مختلف

با تعیین قرار گیری تعداد خانوار با در نظر گرفتن بعد خانوار و درصد خانوار با ابعاد مختلف تعداد جمعیت شهری برابر است با:

$$J = P + (W_2 * 2) + (W_3 * 3) + (W_4 * 4) + (W_5 * 5) + (W_6 * 6) + (W_7 * 7) + (W_8 * 8) + (W_9 * 9) + (W_{10} * 10) \quad (3-3)$$

J : تعداد جمعیت شهری

P : تعداد خانوار یک نفره

W_2 : تعداد خانوار ۲ نفره

W_3 : تعداد خانوار ۳ نفره

W_4 : تعداد خانوار ۴ نفره

W_5 : تعداد خانوار ۵ نفره

W_6 : تعداد خانوار ۶ نفره

W_7 : تعداد خانوار ۷ نفره

W_8 : تعداد خانوار ۸ نفره

W_9 : تعداد خانوار ۹ نفره

W_{10} : تعداد خانوار ۱۰ نفره

پس از محاسبه تعداد جمعیت شهری، تعداد موالید و یا همان تعداد فرزندان جدید در هر سال برابر است با:

(۳-۴)

$$H = J - P - ((W_2 + W_3 + W_4 + W_5 + W_6 + W_7 + W_8 + W_9 + W_{10}) * 2) \\ H_n = H - H_{n-1}$$

H : تعداد کل فرزندان

H_n : تعداد فرزندان جدید در سال n ام

H_{n-1} : تعداد فرزندان در سال $(1-n)$ ام

با استفاده از روابط بیان شده در این بخش، برآورد تعداد موالید در جدول ۳ ارائه شده است.



جدول ۳. برآورد تعداد موالید (محاسبات پژوهشگر)

میانگین	۱۴۱۰	میانگین	۱۴۰۵	میانگین	۱۴۰۰	میانگین	۱۳۹۵	میانگین	۱۳۹۱	۱۳۹۰	درصد (d)	شرح
۱۴۱۴-۱۴۱۱	۱۴۰۹-۱۴۰۶	۱۴۰۵	۱۴۰۴-۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹-۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴-۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۹۰		
۲۰۳۹۸۳۵	۱۹۹۹۳۴۴	۱۸۰۳۳۷۴	۱۶۴۴۶۰	۱۶۰۴۲۲۰	۱۴۴۴۲۰۸	۱۳۹۰۸۸۴	۱۳۶۵۰۰۸	۱۱۶۵۹۸۲	۱۱۰۵۴۵۶	۷/۲	انقره ۱	
۵۲۶۹۹۰۹	۵۱۶۵۳۰۱	۴۶۵۸۷۵۶	۴۳۴۹۴۳	۴۱۴۴۵۰۰	۳۷۰۵۲۷۴	۳۵۹۳۳۴۶	۳۱۶۸۶۸۱	۳۰۱۳۳۱۳	۲۸۵۵۹۴۴	۱۸/۶	انقره ۲	
۷۹۸۸۸۴۸	۷۸۳۰۲۶۹	۷۰۶۳۳۷۸	۶۴۴۹۶۱۲	۶۲۸۱۸۰۰	۵۶۱۶۹۶۰	۵۴۴۲۲۸۵	۴۸۰۳۵۲۰	۴۵۶۶۹۷۵	۴۳۲۹۴۳۰	۲۸/۲	انقره ۳	
۷۳۲۰۸۵	۶۹۸۷۳۳۹	۶۸۳۹۸۱۲	۶۳۶۶۹۷۲	۶۰۸۴۸۰۱	۵۴۳۹۹۴۶	۵۲۷۵۶۱۸	۴۶۵۲۱۴۰	۴۴۲۲۵۶۶	۴۱۹۲۹۹۱	۳۷	انقره ۴	
۳۳۷۷۱۴۴	۳۰۴۹۸۸۹	۲۹۸۵۴۹۶	۲۷۲۲۳۳۲	۲۶۵۵۹۴۲	۲۳۷۴۴۷۰	۲۳۰۲۷۴۴	۲۰۳۰۶۰۳	۱۹۳۰۳۹۷	۱۸۳۰۱۹۰	۱۱	انقره ۵	
۱۲۷۷۳۲۲	۱۱۵۳۴۶۵	۱۱۲۹۱۱۱	۱۰۲۹۵۴۵	۱۰۰۴۴۷۵	۸۹۸۰۲۲	۸۷۰۸۹۵	۷۶۹۹۷۳	۷۳۰۰۷۴	۶۹۲۱۷۶	۴/۵	انقره ۶	
۳۹۷۷۲۵	۳۵۹۱۸۵	۲۵۱۶۰۱	۲۲۰۵۹۶	۳۱۲۷۹۰	۲۷۹۶۴۰	۲۷۱۱۹۴	۲۳۹۱۴۳	۲۲۷۳۴۲	۲۱۵۵۴۱	۱/۴	انقره ۷	
۱۵۸۵۴۹	۱۴۳۱۸۵	۱۴۰۱۶۲	۱۳۷۸۰۲	۱۳۴۶۹۰	۱۱۱۱۴۷۵	۱۰۸۱۰۸	۹۵۳۳۱	۹۰۶۲۷	۸۵۹۲۳	۰/۶	انقره ۸	
۶۲۰۶۶	۵۶۰۵۲	۵۴۸۶۹	۵۰۰۳۰	۴۸۸۱۲	۴۳۴۳۹	۴۲۳۲۰	۳۷۳۱۹	۳۵۴۷۷	۳۲۶۳۶	۰/۲	انقره ۹	
۴۵۴۰۲	۴۱۰۰۳	۴۰۱۳۷	۳۶۸۹۷	۳۵۷۰۶	۳۱۹۲۲	۳۰۹۵۸	۲۷۳۹۹	۲۵۹۵۲	۲۴۶۰۵	۰/۱۶	انقره ۱۰ بیشتر	
۲۸۳۵۳۷۹	۲۵۶۰۶۲۳۳	۲۵۰۶۵۵۹۶	۲۲۸۵۵۳۹۲	۲۲۲۹۸۱۳۷	۱۹۹۳۵۵۶۰	۱۹۳۳۳۳۵۳	۱۷۰۴۸۵۱۹	۱۶۲۰۷۲۰۶	۱۵۳۶۵۸۱۲	۱۰۰	جمع تعداد خانوارها (I)	
۹۶۶۵۸۳۵۷	۸۷۳۲۱۲۷۲	۸۵۴۶۹۶۴۶	۷۷۹۶۲۵۷۱	۷۶۰۵۴۴۷۸	۶۸۰۰۸۹۶۴	۴۵۹۴۶۴۶۹	۵۸۱۶۰۶۰۸	۵۵۳۲۹۱۹۹	۵۲۶۶۵۸۴۹	۰	جمعیت شهری کشور (II)	
۴۱۹۹۰۰۵۹۳	۳۷۹۵۰۹۷۴	۳۴۱۴۱۷۳۸	۳۳۸۹۶۴۴۷	۳۳۰۶۳۱۷۵	۲۹۵۷۳۰۵۱	۲۸۶۷۰۶۴۷	۲۵۲۹۰۰۷۸	۲۴۰۳۰۷۷۰	۲۳۰۰۰۲۲۱	۰	تعداد فرزند (H)	
۸۲۴۴۵۹	۸۰۹۲۴۵	۷۴۶۶۶۴	۸۳۳۰۷۲	۷۸۶۹۰۸	۹۰۱۴۰۵	۸۶۱۹۵۱	۱۲۵۹۳۰۸	۱۰۳۰۵۴۹	۰	۰	تعداد فرزند جدید	

۴- نیاز مسکن ناشی از طلاق

$$(۵-۱) \quad i = \frac{T_f}{U_f}$$

U_f : تعداد افراد متوفی در هر بازه سنی

T_f : تعداد کل افراد موجود در هر بازه سنی

i : درصد فوت افراد در هر بازه سنی

در این مقاله روند پراکندگی تعداد فوت در سال‌های آینده بر مبنای سال ۱۳۹۰ فرض شده است. بنابراین تعداد افراد در دوره‌های ۵ ساله بعد از سال مبنا در هر بازه سنی برابر است با:

$$(۵-۲) \quad t = B \times (100\% - i)^5$$

t : تعداد افراد در دوره‌های ۵ ساله بعد از سال مبنا در هر بازه سنی

B : تعداد افراد در دوره $(1-i)$ ام در هر بازه سنی

برای محاسبه تعداد کل فوت در کشور می‌بایست مجموع تعداد فوت زنان و مردان در هر دوره محاسبه شود. تعداد افراد متوفی در بازه‌های مختلف ۵ ساله از رابطه زیر بدست می‌آید:

$$(۵-۳) \quad O_f = B \times i + (100\% - i) \times i + B(100\% - i)^2 \times i + B(100\% - i)^3 \times i + B(100\% - i)^4 \times i$$

$$O_f = \sum_{n=0}^4 (B \times (100\% - i)^n \times i)$$

O_f : تعداد متوفی در بازه‌های مختلف ۵ ساله

برای محاسبه تعداد خانوارهای ۲ نفره کم شده به دلیل فوت اعضا، هر دو عدد فوت به عنوان یک خانواده کم شده در نظر گرفته شده است که با استفاده از رابطه زیر قابل محاسبه خواهد بود:

یکی دیگر از عوامل بروز نیاز به مسکن، موضوع طلاق است. زیرا پس از وقوع طلاق احتمال برگشت طرفین طلاق به منزل پدری و یا منزل اقوام نزدیک به دلالی همچون وجود فرزند، محدودیت زندگی با اقوام، در قید حیات نبودن پدر و مادر، سکونت والدین یا اقوام نزدیک در شهری دیگر و امثال آن، کم می‌باشد. از سوی دیگر یافتن این موضوع که چه تعدادی از افراد طلاق گرفته مجدداً ازدواج نموده‌اند در شرایط آماری کنونی دشوار است. با این وجود بدیهی است که چنانچه در شرایط بدبینانه تمامی طلاق‌ها منجر به زندگی هریک از طرفین طلاق در قالب خانواده ای مستقل گردد، در اینصورت به ازاء هر طلاق نیاز به یک واحد مسکونی جدید خواهد بود تا یکی از طرفین در خانه قبلی و دیگری در خانه ای جدید سکنی گزینند. چنانچه فرض شود که ۵۰٪ این نیاز نیز از طریق اقوام و والدین پوشش داده می‌شود، در این صورت لااقل به ازاء هر دو طلاق نیاز به یک واحد مسکونی خواهد بود. نیاز مسکن ناشی از طلاق در این مقاله به عنوان پارامتر تعداد زنان مجرد ناشی از طلاق در نظر گرفته شده و در محاسبات لحاظ گردیده است.

۵- کاهش متراتر زمین مورد نیاز در اثر فوت اعضا

مسکن آزاد شده در اثر فوت اعضا می‌تواند در اختیار دیگر خانواده‌ها قرار گیرد که در نتیجه از متراتر زمین مورد نیاز جهت ساخت واحدهای مسکونی جدید می‌کاهد. برای برآورد این تعداد واحد مسکونی آزاد شده در هر سال از شاخص امید به زندگی استفاده شده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، امید به زندگی در بدو تولد برای مردان ۷۱٫۵ سال و برای زنان ۷۴ سال برآورد شده است. برای برآورد تعداد افراد متوفی در بازه‌های سنی قبل از ۷۵ سال از روابط زیر استفاده شده است.

$$Y_t = \frac{ch_{-}(C_f)}{2} \quad (5-4)$$

Y_t : تعداد خانوار دو نفره کم شده در اثر فوت اعضا

ch: تعداد کل متوفی در هر سال

C_f : تعداد متوفی بالای ۷۵ سال

در جدول زیر تعداد کل جمعیت، تعداد فوت و درصد فوت در هر بازه ارائه شده است.

جدول ۵. تعداد جمعیت، تعداد فوت و درصد فوت افراد در بازه‌های سنی مختلف در سال ۱۳۹۰؛ ماخذ: مأخذ مرکز آمار ایران.

گروه سنی (سال)	جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۹۰- (T_t)			تعداد فوت شهری در سال ۱۳۹۰- (U_t)			درصد فوت شهری در سال ۱۳۹۰ (i)		
	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
کل کشور	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲۷۰۲۳۶۳۸	۲۶۶۲۳۰۲۳	۲۵۰۰۵۷	۱۴۳۱۲۰	۱۰۶۹۳۷	۰٫۴۷٪	۰٫۵۳٪	۰٫۴۰٪
کمتر از یک سال
۴-۱	۴۲۰۳۴۷۷	۲۱۵۳۸۶۸	۲۰۴۹۶۰۹	۱۰۵۷۴	۵۸۹۳	۴۶۸۱	۰٫۲۵٪	۰٫۲۷٪	۰٫۲۳٪
۹-۵	۳۸۳۲۰۴۶	۱۹۶۳۳۹۷	۱۸۶۸۷۴۹	۱۵۱۸	۸۶۵	۶۵۳	۰٫۰۴٪	۰٫۰۴٪	۰٫۰۳٪
۱۴-۱۰	۳۹۱۲۷۴۸	۱۹۹۰۰۸۸	۱۹۲۳۶۶۰	۱۵۱۷	۸۷۰	۶۴۷	۰٫۰۴٪	۰٫۰۴٪	۰٫۰۳٪
۱۹-۱۵	۴۴۸۴۴۴۸	۲۲۵۹۷۷۰	۲۲۲۴۶۷۸	۳۹۴۰	۲۸۳۴	۱۱۰۶	۰٫۰۹٪	۰٫۱۳٪	۰٫۰۵٪
۲۴-۲۰	۵۹۴۴۵۹۳	۲۹۲۴۶۲۲	۳۰۱۹۹۷۱	۶۹۲۲	۴۹۲۵	۱۹۹۷	۰٫۱۲٪	۰٫۱۷٪	۰٫۰۷٪
۲۹-۲۵	۶۳۸۳۶۸۵	۳۱۷۸۸۵۸	۳۲۰۴۸۲۷	۷۷۳۴	۵۲۹۹	۲۴۳۵	۰٫۱۲٪	۰٫۱۷٪	۰٫۰۸٪
۳۴-۳۰	۵۱۳۸۲۰۳	۲۵۸۶۵۴۶	۲۵۵۱۶۵۷	۶۹۳۰	۴۹۸۷	۱۹۴۳	۰٫۱۳٪	۰٫۱۹٪	۰٫۰۸٪
۳۹-۳۵	۴۰۷۹۴۲۶	۲۰۸۵۶۶۵	۱۹۹۳۷۶۱	۶۰۴۶	۴۳۶۸	۱۶۷۸	۰٫۱۵٪	۰٫۲۱٪	۰٫۰۸٪
۴۴-۴۰	۳۶۹۴۶۵۰	۱۸۸۰۴۳۶	۱۸۱۴۲۱۴	۶۹۷۵	۴۸۱۷	۲۱۵۸	۰٫۱۹٪	۰٫۲۶٪	۰٫۱۲٪
۴۹-۴۵	۳۰۷۸۱۴۲	۱۵۶۰۱۷۰	۱۵۱۷۹۷۲	۸۵۵۱	۵۷۵۷	۲۷۹۴	۰٫۲۸٪	۰٫۳۷٪	۰٫۱۸٪
۵۴-۵۰	۲۶۴۴۰۳۸	۱۳۳۸۵۹۱	۱۳۰۵۴۳۷	۱۱۵۷۷	۷۷۷۰	۳۸۰۷	۰٫۴۴٪	۰٫۵۸٪	۰٫۲۹٪
۵۹-۵۵	۱۹۸۰۲۸۳	۱۰۰۳۷۹۹	۹۷۶۴۸۴	۱۳۹۷۶	۸۸۳۹	۵۱۳۷	۰٫۷۱٪	۰٫۸۸٪	۰٫۵۳٪
۶۴-۶۰	۱۳۳۴۴۸۹	۶۴۹۳۶۱	۶۸۵۱۲۸	۱۴۶۴۷	۸۵۴۹	۶۰۹۸	۱٫۱۰٪	۱٫۳۲٪	۰٫۸۹٪
۶۹-۶۵	۹۴۸۶۴۷	۴۵۹۵۹۷	۴۸۹۰۵۰	۱۶۵۱۴	۹۳۸۸	۷۳۲۶	۱٫۷۴٪	۲٫۰۲٪	۱٫۴۸٪
۷۴-۷۰	۷۵۸۲۵۰	۳۷۸۴۱۵	۳۷۹۸۳۵	۲۳۷۸۷	۱۲۶۸۹	۱۰۰۹۸	۳٫۰۱٪	۳٫۳۵٪	۲٫۶۶٪
۷۹-۷۵	۱۱۹۰۵۲۳	۵۸۶۷۳۳	۶۰۳۸۰۰	۳۱۸۴۴	۱۷۳۳۵	۱۴۵۰۹	۹٫۲۳٪	۹٫۴۴٪	۹٫۰۲٪
۸۴-۸۰	.	.	.	۳۲۶۷۶	۱۶۲۹۴	۱۶۳۸۲	-	-	-
۸۵ به بالا	.	.	.	۳۵۳۳۶	۱۶۹۵۱	۱۸۳۸۵	-	-	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

تعداد واحد مسکونی آزاد شده به دلیل فوت افراد با استفاده از روابط ۲-۵، ۳-۵ و ۴-۵ در جدول زیر آمده است.

جدول ۶. تعداد واحد مسکونی آزاد شده به دلیل فوت افراد؛ ماخذ: مأخذ مرکز آمار ایران.

سال	تعداد متوفی	تعداد خانواده ۱ نفره کم ناشی از فوت (C_1)	تعداد خانواده ۲ نفره کم شده ناشی از فوت (Y_t)	مجموع تعداد واحد مسکونی آزاد شده در گروه هدف
۱۳۹۱	۲۳۸,۷۶۰	۴۵,۴۹۶	۹۱,۶۳۲	۵۴,۸۵۱
۱۳۹۲	۲۳۸,۷۶۰	۴۵,۴۹۶	۹۱,۶۳۲	۵۴,۸۵۱
۱۳۹۳	۲۳۸,۷۶۰	۴۵,۴۹۶	۹۱,۶۳۲	۵۴,۸۵۱
۱۳۹۴	۲۳۸,۷۶۰	۴۵,۴۹۶	۹۱,۶۳۲	۵۴,۸۵۱
۱۳۹۵	۲۶۸,۳۱۳	۵۳,۳۶۸	۱۰۷,۴۳۳	۶۴,۳۱۶
۱۳۹۶	۲۶۸,۳۱۳	۵۳,۳۶۸	۱۰۷,۴۳۳	۶۴,۳۱۶
۱۳۹۷	۲۶۸,۳۱۳	۵۳,۳۶۸	۱۰۷,۴۳۳	۶۴,۳۱۶
۱۳۹۸	۲۶۸,۳۱۳	۵۳,۳۶۸	۱۰۷,۴۳۳	۶۴,۳۱۶
۱۳۹۹	۲۶۸,۳۱۳	۵۳,۳۶۸	۱۰۷,۴۳۳	۶۴,۳۱۶
۱۴۰۰	۳۱۴,۳۷۸	۶۳,۱۵۷	۱۲۵,۶۱۱	۷۵,۵۰۷
۱۴۰۱	۳۱۴,۳۷۸	۶۳,۱۵۷	۱۲۵,۶۱۱	۷۵,۵۰۷
۱۴۰۲	۳۱۴,۳۷۸	۶۳,۱۵۷	۱۲۵,۶۱۱	۷۵,۵۰۷
۱۴۰۳	۳۱۴,۳۷۸	۶۳,۱۵۷	۱۲۵,۶۱۱	۷۵,۵۰۷
۱۴۰۴	۳۱۴,۳۷۸	۶۳,۱۵۷	۱۲۵,۶۱۱	۷۵,۵۰۷
۱۴۰۵	۳۷۷,۳۵۹	۷۹,۴۱۳	۱۴۸,۹۷۳	۹۱,۳۵۴
۱۴۰۶	۳۷۷,۳۵۹	۷۹,۴۱۳	۱۴۸,۹۷۳	۹۱,۳۵۴
۱۴۰۷	۳۷۷,۳۵۹	۷۹,۴۱۳	۱۴۸,۹۷۳	۹۱,۳۵۴
۱۴۰۸	۳۷۷,۳۵۹	۷۹,۴۱۳	۱۴۸,۹۷۳	۹۱,۳۵۴
۱۴۰۹	۳۷۷,۳۵۹	۷۹,۴۱۳	۱۴۸,۹۷۳	۹۱,۳۵۴
۱۴۱۰	۴۵۰,۳۹۶	۱۰۵,۰۹۰	۱۷۲,۶۵۳	۱۱۱,۰۹۷
۱۴۱۱	۴۵۰,۳۹۶	۱۰۵,۰۹۰	۱۷۲,۶۵۳	۱۱۱,۰۹۷
۱۴۱۲	۴۵۰,۳۹۶	۱۰۵,۰۹۰	۱۷۲,۶۵۳	۱۱۱,۰۹۷
۱۴۱۳	۴۵۰,۳۹۶	۱۰۵,۰۹۰	۱۷۲,۶۵۳	۱۱۱,۰۹۷
۱۴۱۴	۴۵۰,۳۹۶	۱۰۵,۰۹۰	۱۷۲,۶۵۳	۱۱۱,۰۹۷

۶- ارایه مدل عددی

برای برآورد نیاز مسکن اقشار کم درآمد شهری در ۲۵ سال آینده که هدف اصلی این مقاله بوده، از مدل عددی زیر استفاده می‌شود.

$$(۶-۱) \quad F=K \times R \times (T_e - Y_t)$$

K : نسبت دهک‌های اقشار کم درآمد به کل جامعه

R : درصد اقشار کم درآمد اجاره نشین

T_e : تعداد ازدواج زنان در هر بازه سنی

Y_t : تعداد خانوار دو نفره کم شده در اثر فوت اعضا

۷- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این مقاله با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه تأمین مسکن اقشار کم درآمد شهری، گروه خانوارهای اجاره نشین دهک‌های ۳ تا ۶ (به تعداد ۴ دهک) به‌عنوان گروه هدف قرار گرفتند. سپس بر این اساس، به محاسبه مسکن مورد نیاز برای تمامی خانوارهای گروه هدف در سال‌های آینده پرداخته شد. در نهایت، نتایج حاصل از این مقاله نشان می‌دهد:

۱. تعداد واحد مسکونی مورد نیاز برای اقشار کم‌درآمد شهری تا سال ۱۴۰۵ سیر نزولی دارد و از این سال به بعد رو به افزایش خواهد بود.
۲. با توجه به اثر کاهشی فوت اعضا خانوار، این پارامتر تنها در میزان زمین موردنیاز برای حمایت این اقشار تأثیر خواهد داشت.
۳. تعداد واحد مسکونی موردنیاز برای اقشار کم درآمد در ۲۵ سال آینده برابر با تعداد خانوار تشکیل شده کمدرآمد مورد نیاز به حمایت دولت در طول این دوره می‌باشد.

۴. استفاده از مدل عددی ارائه شده در این مقاله جهت برآورد تعداد واحدهای مسکونی مورد نیاز تا پایان سال هدف، دربرآورد منابع مالی به‌منظور ساخت این واحدها و همچنین مدیریت بهتر و ارائه روش بهینه در جهت تأمین هزینه‌های ساخت با اهمیت بوده و استفاده از این الگو موجب تأمین نیاز مسکن گروه هدف به همراه حفظ رفاه، آسایش و کرامت انسانی توأم با رشد و رونق بازار مسکن در کشور خواهد شد.

با توجه به اینکه نسبت دهک‌های اقشار کم درآمد به کل جامعه، ۴۰ درصد یا همان ۴ دهک در نظر گرفته شد و تنها ۲۶٫۶ درصد اجاره‌نشین از ۴۰ درصد کل ازدواج‌ها در دسته‌بندی گروه هدف قرار گرفتن، بنابراین مقدار کمیت‌های K و R به‌ترتیب برابر با ۴۰ درصد و ۲۶٫۶ درصد در نظر گرفته شده است. برآورد نیاز مسکن اقشار کم درآمد در ۲۵ سال آینده با استفاده از رابطه ۶-۱ در جدول ۶-۱ ارائه شده است.

جدول ۷. تعداد واحد مسکونی مورد نیاز تا پایان سال هدف ۱۴۲۰؛ ماخذ: مأخذ مرکز آمار ایران.

دوره (سال)	برآورد نیاز مسکن اقشار کم درآمد در ۲۵ سال آینده (واحد مسکونی)
۱۳۹۴-۱۳۹۰	۹۷۸۴۴
۱۳۹۹-۱۳۹۵	۷۶۳۰۰
۱۴۰۴-۱۴۰۰	۷۸۱۵۰
۱۴۰۹-۱۴۰۵	۱۱۲۲۳۱
۱۴۱۰-۱۴۱۴	۱۲۹۰۹۷

منابع و ماخذ

1 - Joseph Rowntree ,Housing Market Failure, AS Economics, 2004, pages: 202-208.

2- James E. Wallace, Financing social housing: Mechanisms, constraints, and opportunities financing affordable housing in the United States, Housing Policy Debate, Volume 6, Issue 4, pages 785-814, published online: 31 Mar 2010.

3- Fu, Y., Qian, W., & Yeung, B. (2013). Speculative Investors and Tobin's Tax in the Housing Market (No. w19400). National Bureau of Economic Research.

4- Hau, H. (2006). The role of transaction costs for financial volatility: Evidence from the Paris Bourse. Journal of the European Economic Association, 4 (4), 862-890.

5 - پور محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹) برنامه ریزی مسکن، تهران، انتشارات سمت.



تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی:

اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران)

علی اکبر اکبری - دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران

کاوه بذرافکن* - استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

فرهاد تهرانی - دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

حسین سلطانزاده - دانشیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

Conceptualism and Regionalism Planning Methods in the Iranian Architecture (Case Study: Distinctive Works of Different Eras in Tehran Architecture)

Abstract

Event between architecture and earlier context is one of the most important issues in the field of architecture and urban planning. The issue originate from the ancient thinking about placement of building in vicinity of the adjacent ones. Concerning the valuable concepts, one may achieve worthwhile architecture tailored to its cultural and historic as context, through the reading of historical, cultural and social text. In this study, we are going to define the context and explain planning methods such as conceptualism and regionalism, which are direct response to planning background. In next section valuable buildings of different eras (from the first Pahlavi to modern times) have been selected, in order to recognize the time architects approaches to the context. In addition, the earlier context impressibility would be investigated in these buildings. The main problem of the study is the proof of the distinction between regionalism and conceptualism approaches. Research method is proportional to the hypotheses, i.e. analytical-comparative method. Data collection method and the instrument for achieving theoretical bases of the study including data related to backgrounds and approaches such as regionalism and conceptualism was library studies. Then analytical and comparative studies were applied to analyze the case studies, along with presence in the environment, field studies and photography. The results of the study reveal that regionalism and conceptualism planning methods are distinctive. That is conceptualism acts on smaller scale relative to the site and its neighborhood and regionalism acts in larger scale, at national and regional levels.

Keywords: Context, Conceptualism, Regionalism, Indigenous materials

رخداد بین معماری و زمینه پیشین یکی از موضوعات بسیار مهم در عرصه معماری و طراحی شهری است. این مبحث از تفکرات دوران باستان از قرارگیری بناها در ارتباط با بناهای مجاور سرچشمه می‌گیرد. در زمینه‌های ارزش می‌توان با استفاده از خوانش متن تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مورد نظر به طراحی معماری ارزشمند و متناسب با زمینه فرهنگی و تاریخی آن دست یافت. در این پژوهش قصد داریم که در قسمت نخست به تعریف زمینه و همچنین روش‌های طراحی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی که واکنشی مستقیم به بستر طراحی هستند بپردازیم. در قسمت دوم با انتخاب بناهایی ارزشمندی از دوره‌های زمانی متفاوت (از دوره پهلوی اول تا به امروز) از شهر تهران، سعی در شناسایی رویکرد معماران در این دوران نسبت به زمینه و همچنین میزان تأثیرپذیری زمینه گذشته در این بناها را داریم. اثبات تمایز بین دو رویکرد زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی مسأله اصلی این پژوهش است. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر متناسب با فرضیه‌های تحقیق از نوع، تحلیلی-تطبیقی است. بدین صورت که برای دستیابی به مبانی نظری پژوهش که شامل اطلاعات مربوط به زمینه و رویکردهایی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی است، از روش‌های کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی و از طریق حضور در فضا و تحقیقات میدانی و عکسبرداری به تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند به این صورت که: زمینه‌گرایی در مقیاس کوچکتر نسبت به سایت و همسایگی‌های آن و منطقه‌گرایی در مقیاس بزرگتر و در حد ملی و منطق‌های عمل می‌کند.

واژگان کلیدی: زمینه، زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی، مصالح بومی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین نقش زمینه در فرم معماری و تدوین طیفی برای روش‌های طراحی منتج از زمینه (نمونه موردی: زمینه‌های باارزش در شهرهای تاریخی ایران)» است، که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، تحت راهنمایی دکتر کاوه بذرافکن و دکتر فرهاد تهرانی و مشاوره دکتر حسین سلطانزاده در حال انجام است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۰۲۱۰۱۰؛ رایانامه: kavehbazrafkan@gmail.com

دغدغه ای که همواره با پژوهشگر در مورد معماری معاصر وجود داشته، بحث برخورد یک اثر جدید با زمینه ای که قرار است در کنار آن قرار گیرد. همانطور که می دانیم مسأله برخورد با زمینه (context) در معماری امروز بسیار چالش برانگیز است. گروهی زمینه گرایان و منطقه گرایان را در معماری تأیید میکنند (مانند: حسن فتحی)، و گروهی دیگر هم هیچ توجهی به زمینه نمی کنند و زمینه را مقابل با نو بودن می دانند (مانند: رم کولهاس). رابطه با زمینه در معماری معاصر معقوله ی مهمی می باشد. همانطور که می دانیم در معماری سبک بین الملل زمینه نادیده گرفته می شود، اما در دوران معماری پست مدرن توجه به زمینه طراحی باز مورد توجه معماران قرار می گیرد، که پارادایم های زمینه گرایان و منطقه گرایان به عنوان واکنش مستقیم به زمینه طراحی مطرح می شوند. در معماری چند سال اخیر مفهوم برخورد با زمینه در کار معماران گویی تغییر کرده است به طور مثال موزه گوگنهایم بیلانو فرانک گهری در برخورد اول هیچ اثری از توجه به بستر و زمینه در طراحی آن دیده نمی شود، اما پس از اتمام طراحی این موزه یا شی هنری، این اثر باعث زنده کردن زمینه پیشینش (شهر بیلانو) می شود. اینک در این کشمکش برخورد معماری با زمینه عواملی همچون قدرت و کاپیتالیسم (سرمایه داری) سهم بسزایی را دارند. شهر به مثابه یک اندامواره زنده است که همواره بخشی از بناهای آن در اثر عملکرد عوامل مخل طبیعی (خواه بطنی و خواه آبی) و عوامل مخل انسانی در طی مرور زمان دچار فرسودگی و یا تخریب می شود. بر اساس قواعد حاکم بر هر اندامواره ای زنده، شهر نیز با زایش و ظهور بناهای جدید استمرار می یابد. تاریخ معماری و شهرسازی شهرها هیچ گاه به دوره خاصی تعلق نداشته و ندارد و شهر، بار تاریخی ادوار مختلف را به دوش می کشد و شواهد متعددی از تمدن های مختلف را برای نسل های آتی به ارمغان می آورد. در واقع شهر محصول دوره های تاریخی متعدد و ماحصل روابط خاص میان وجوه اجتماعی، فرهنگی، انسان شناسی، جغرافیایی و اقتصادی است. معماری امروز ما نیز در

آینده بخشی از تاریخ شهرها را تشکیل خواهد داد. ساختارهای جدید که بیانگر تاریخ هنر و معماری هر دوره خاصی است، به حکم پویایی و حیات یک شهر زنده، در شهرها جلوه می کند. مراکز تاریخی شهرها، تشکیل دهنده پویای زمان حال و نه به عنوان یک موضوع مطالعه ایستا و جذب توریست، مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. لذا مخالفت با احداث ساختارهای جدید در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می رود (قدیری، ۱۳۸۵). تشریح بناهای انتخاب شده از شهر تهران و تعریف زمینه و روشهای طراحی زمینه گرایان، منطقه گرایان جزء اهداف مروری پژوهشگر در رابطه با این موضوع است. دسته بندی و میزان تأثیر زمینه ی گذشته در این بناها (میزان زمینه گرایان و منطقه گرایان) جزء اهداف کاربردی است. مسأله اصلی نگارنده اثبات تمایز بین دو رویکرد زمینه گرایان و منطقه گرایان است که به اشتباه در پژوهش های گذشته درباره این موضوع به صورت مشترک تعریف و تحلیل میشوند. پرسشهای پیش روی این پژوهش عبارتند از: ۱. پرسش نخست: چه تفاوتی بین رویکرد زمینه گرایان و منطقه گرایان در برخورد با زمینه پیشین وجود دارد؟ ۲. پرسش دوم: برخورد چهار بنای شاخص معماری ایران نسبت به زمینه پیشین بر اساس معیار زمینه گرایان و منطقه گرایان چگونه بوده است؟ فرضیه های این پژوهش: ۱- رویکرد زمینه ای بیشتر مربوط به همسایگی های سایتی است، که قرار است بنای جدید در آن قرار بگیرد. ولی در رویکرد منطقه گرایان مقیاس بزرگتر و در حد منطقه ای و ملی دیده میشود، که الگوهای اقلیمی و معماری گذشته آن سرزمین در آن تأثیرگذار هستند؛ ۲- به نظر میرسد هرچقدر زمان ساخت بناهای مورد نظر به زمان حال نزدیکتر میشود میزان تأثیرپذیری و احترام آنها نسبت به مباحث زمینه ای و منطقه ای در معماری کمتر می شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش های پیشین در مورد این موضوع را می توان بر اساس خود موضوع به دو دسته تقسیم کرد:

روش تحقیق و توصیف مراحل انجام پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر متناسب با فرضیه‌های تحقیق از نوع، تحلیلی - توصیفی است. بدین صورت که برای دستیابی به مبانی نظری پژوهش که شامل اطلاعات مربوط به زمینه و رویکردهایی چون زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی است، از روش‌های کتابخانه‌ای و توصیفی بهره گرفته شده است. سپس با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی در بررسی اطلاعات بدست آمده و با کمک جداولی که میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی نمونه‌های موردی را مشخص میکند، به اثبات فرضیه‌ها پرداخته شده است. مراحل انجام پژوهش در ۴ مرحله انجام می‌شود:

مرحله اول: تعریف زمینه و رویکردهای مستخرج از آن یعنی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی. در این مرحله از پژوهش با تأکید بر پیشینه‌های که از این تعاریف وجود دارد، سعی در شناسایی مؤلفه‌های اصلی این دو رویکرد شده است. معیارهای ارزیابی بناها در مراحل بعد بر اساس این دو رویکرد مشخص می‌شود. **مرحله دوم:** الف) انتخاب نمونه‌های موردی و توصیف آنها. انتخاب این نمونه‌ها کاملاً آگاهانه و بر اساس تاریخ‌های متفاوت و پراکندگی مناسب نسبت به نقشه تهران بوده است. ب) تعریف جداگانه‌ای از معیارهای زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی مورد نظر برای بررسی بر روی نمونه‌های موردی. **مرحله سوم:** تجزیه و تحلیل داده‌ها. میزان زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی نمونه‌های انتخاب شده به صورت جداگانه بر اساس درصد مشخص میشوند. **مرحله چهارم:** نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بدست آمده از مراحل قبلی.

۱. دسته اول: منابعی که مربوط به تشریح بناهای معماری معاصر ایران است، که از آن جمله میتوان به کتابهای معماری معاصر ایران به تألیف امیربانی مسعود و همچنین کتاب سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران نوشته دکتر وحید قبادیان اشاره کرد.

۲. دسته دوم: به منابعی مربوط میشود که در مورد روش‌های زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی و گونه‌شناسی است.

«کاری یورماکا»^۱ (۲۰۱۳-۱۹۵۹) معمار، منتقد و مدرس فنلاندی کتابی را با عنوان «مقدماتی بر روش‌های طراحی معماری» را در انتشارات بیرخاوزر منتشر کرد. این کتاب در مورد روش‌های طراحی معماری است که با توجه به مشخصه‌ی کتاب که موضوع را با حجم کم و اطلاعات قابل توجه ارائه کرده است، میتواند کتاب مفیدی باشد. این کتاب در ۸ فصل تهیه شده است که فصل ششم این کتاب با عنوان واکنش‌هایی به بستر، روش - های طراحی مرتبط با زمینه (زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی) را شرح داده است. ترجمه این کتاب به فارسی در سال ۱۳۸۹ توسط دکتر کاوه بذرافکن عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شده است. «برنتسی برولین»^۲ کتاب «معماری در زمینه - سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم» را در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسانده است. شالوده اصلی کار برولین مانند دیگر آثار او، بیشتر بر تحلیل نمونه‌های (مطالعات موردی) موجود بوده و کمتر راه به تحلیل‌های تجربیدی تری می‌برد که از آن، اصول کلی منتج شود. این کتاب در سال ۱۳۸۶ توسط خانم راضیه رضازاده عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت به فارسی برگردانده شده است. «نوبین تولایی» در مقاله‌ای با عنوان زمینه‌گرایی در شهرسازی که در سال ۱۳۸۰ در مجله هنرهای زیبا چاپ گردید. زمینه‌گرایی را به عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی نام برد. از دیدگاه تولایی زمینه‌گرایی ۳ گونه است: ۱- زمینه‌گرایی کالبدی؛ ۲- زمینه‌گرایی تاریخی؛ و ۳- زمینه‌گرایی اجتماعی و فرهنگی.

جدول ۱. روش و ساختار پژوهش؛ مأخذ: نگارنده.

دیدگاه نظری	زمینه- زمینه گرایی- منطقه گرایی
روش	تحلیلی- تطبیقی و استفاده از معیارهای زمینه گرایی و منطقه گرایی
نمونه موردی	چهار بنا با چهار دوره زمانی و عملکردهای متفاوت نسبت به هم.
نتیجه گیری	میزان تأثیرپذیری هر بنا نسبت به زمینه پیشین

زمینه

راز کل طراحی، قرار دادن آگاهانه یک ساختمان در جامعه ای که موجود است، میباشد (هاینز و نزل)^۲. زمینه (context) از واژه لاتین contextus ریشه گرفته و فعل آن contexere به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است. در بستر شهر، به گونه ای قیاسی، می توان context را اتصال و هم نشینی میان بناها خواند (Porter, 2004: 31). موضوع زمینه در سه عنوان مورد بحث قرار می گیرد:

۱. زمینه فرمی (formal context): به ویژه تصاویر و مناظر شهری و غیرشهری در رابطه با محل و محیط اطراف ساختمان
۲. زمینه بصری و احساسی (visual context)، بررسی، به ویژه در مفاهیمی از همفکری و همدلی.
۳. زمینه انسانی (human context) و سنت های فرهنگی، از قبیل سوالات درباره تزئینات و دکوراسیون (Capon, 1999: 186).

بر اساس اینکه بناهای مورد بررسی نگارنده از دوره های زمانی متفاوتی در شهر تهران انتخاب شده اند که بعضی از این بناها به زمانی برمیگردند قبل از اینکه مباحثی با عنوان زمینه بصری / احساسی و زمینه انسانی وجود داشته است، پس محور اصلی بررسی بناهای موجود از دوره پهلوی اول تا به امروز

بر اساس زمینه فرمی است. البته نمیتوان از زمینه های سیاسی و اجتماعی آن دوره که بر ساخت این بناها وجود داشته است، چشم پوشی کرد.

روش های طراحی وابسته به بستر

واژه انگلیسی روش (Method) از ریشه ی یونانی Methodos (meta، با یا مشترک + odos، راه)، به مثابه راه های مشترک با داشتن راه های انجام کارها است، بنیاد روش در نظم های قابل تکثیر یا طبقه بندی واقع شده است که برای فهم و بهتر انجام دادن به کار گرفته می شود. روش تحقق یافتن [به انجام رسیدن] در گونه ای قاعده مند، رویه ای منظم، یا جایگشت سامان مند موضوعات است. روش به معنی طرز، طریقه، قاعده وقانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، و تیره، نسق، منوال، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آیین، نهج (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳۷۸). رویه (یا شیوه) ای برای دست یافتن به یک شی (ابژه)، یا فرم ویژه ای از یک رویه ی منطبق در شاخه ای از فعالیت فکری است؛ راه انجام هر چیز، با توجه به برنامه ای مشخص (Oxford Advanced Dictionary, 2005: 963). رویه و فنون شاخص هر نظام مشخص یا زمینه ای از دانش (American Heritag Dictionary, 2005: 963). طراحی روندی ناهمگن است؛ رهیافت، راهبرد و روش شناسی. طراحی اغلب متأثر از تجارب شخصی، زمینه اجتماعی- فرهنگی طراحان در کنار شرایط فنی و اقتصادی جامعه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱). در این قسمت پژوهش به توصیف روش های طراحی می- پردازیم که مفهوم مشترک آنها در طراحی نگرش به زمینه با ارزش شهری یا تاریخی بوده است.

زمینه گرایی

زمینه گرایی اولین بار توسط «توماس شوماخر»^۴، در سال ۱۹۷۱ و در مقاله «زمینه گرایی: آرمان های شهری و دگردیسی ها» استفاده شد. شوماخر این اصطلاح را در مورد نظریات رو و کوتر در مقاله شهرچهل تکه به کاربرد (نسبیت، ۱۳۸۷، ص ۷۸). او زمینه گرایی را به عنوان عامل واسطه وابسته به بستر تعریف می کند که دو مفهوم متضاد را با هم آشتی می دهد (Schumacher, 1970: 359).



«استوارت کوهن»^۵، بعنوان یکی از معماران زمینه گرای معاصر در مقاله اش تحت عنوان زمینه فیزیکی / زمینه فرهنگی، درک خود از زمینه گرای را با رابرت ونچوری مقایسه می کند. از دیدگاه کوهن، ونچوری گرایش های معماری مرتبط با معنای تصاویر معماری سنتی و متعارف را نشان می دهد. وی بیان میکند که هر دو فلسفه طراحی برای غلبه بر محدودیت های معماری مدرن، که نتیجه ی طرد تصاویر معماری سنتی و همچنین شهرسازی سنتی است، تلاش می کنند که می تواند یک ایده از زمینه گرای فرهنگی تصور شود: زمینه گرای با استفاده از تصاویر معمارانه. بنابراین، کوهن مفاهیم معنایی در معماری را برای تقویت زمینه گرای به فلسفه طراحی چند وجهی برای هر دو پروژه های شهرسازی و معماری معرفی میکند (Stuart Cohen, 1974). کالین رو و فرد کوتر کانسپت معنای فرهنگی زمینه گرای را در سطح دیگری معرفی میکنند. آنها در کتاب اصلی خود بنام کلاژ شهر، شهر را به عنوان مکانی که در طول زمان توسط آرمان های فرهنگی و سیاسی شهروندان شکل یافته است، وصف می کنند. امروزه شکل فیزیکی شهر به واسطه «زمینه روانی- فرهنگی» جامعه و تاریخ آن درک می شود (Colin Rowe and Fred koetter, 1987). استیون هارت بطور خلاصه اینگونه بیان میکند که: «زمینه گرای تلاشی برای رسیدن به معماری و شهرسازی برگرفته از بستر طراحی است، جایی که در آن زمینه به هردو بعد مصنوع و فرهنگی فرم معنای بخشد»^۶ (Steven Hurtt, ۱۹۸۷). استوارت کوهن بازتاب گسترده ی شرایط فرهنگی و سیاسی زمینه گرای در طراحی شهری را از نظر پیامد آن برای ساختمان های فردی تعیین می کند. فرم مناسب آنها که بازگو کننده ی میزان تطابق با محیط اطرافشان است، با توجه به موقعیت آنها نسبت به سلسله مراتب شهری و سازمانی محیط اطرافشان تعیین می شود. یک ساختمان مهم شهری ممکن است بیشتر از یک ساختمان خصوصی با اطرافش در تضاد باشد. در مقیاس شهری بسیاری از ساختمانهای خصوصی در میان پس زمینه ای از توده خاکستری فضاهای عمومی باعث برجسته کردن بناهای یادبود شهری می شوند (Stuart Cohen, 1987). برج

رسانه ای «هانس هولاین» در وین، یکی از نمونه های بسیار مشخص زمینه گرای است (شکل شماره ۱). این برج، طرح به هم کلاژ شده ای از اختلاط عناصر متنوع معماری است. به استثنای برجهای بلند شیشه ای، نمای ساختمان، بازخوانی از ساختمانهای همسایگی اش است که با احترام به رنگ، تناسبات و روزنه های آن طراحی شده است. از سویی تغییر دادن پوسته به هدف پوشاندن ساختمان است و از سویی دیگر «هولاین» جعبه شیشه ای عجیب کجی را برای جلب توجه در گوشه ساختمان طراحی کرده است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).



شکل ۱. برج رسانه ای، هانس هولاین؛ منبع: کتاب مقدماتی بر روشهای طراحی. کاوه بذرافکن

سنتی شکل داد (capon,1999:230).

در منطقه گرایبی، معمار تلاش می کند که تا خود را با ویژگی هایی که تابعی از ویژگی های منطقه ای یا ملی استخراج شده محیط اطراف پروژه است، منطبق کند (تولائی، ۱۳۸۰، ص ۴). در بطن جنبش منطقه گرایبی، روش های ساختمانی محلی و متعارف با هدف تولید انواع بیشتر فرم ها، فهم و ادراک بهتر، بازگشت قویتر به سنت و برقراری یک تأثیر احساسی شدیدتر مدنظر بود (لامپونیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸). در معماری منطقه گرا، ما تنها از جنبه زیبایی شناسانه به ساخت مایه و تکنیک های ساخت محلی توجه نمی کنیم. بلکه از این رو که سنت محلی اغلب مبتنی بر راه حل تجربه و آزمون است و برای موضوعاتی چون اقلیم، شرایط روشنایی، دما، رطوبت و سایر زمینه های در روند تاریخی، پایدار و بهینه شده است، می تواند بسیار مورد توجه قرار بگیرد. حسن فتحی یکی از پیشگامان منطقه گرایبی بود.

با این روش، «آدولف لوس»^۲، کونر هاوس^۱ را در کوههای اتریش طراحی کرد (شکل شماره ۳). بدین صورت که دیوارها را از چوب تیره که برگرفته از معماری بومی منطقه بود، ساخت. این در حالی بود که به طور معمول اغلب طراحی هایش در بافتهای شهری اندودی سفید داشتند. «کنث فرامپتون»^{۱۱} در تحلیل خود، منطقه گرایبی انتقادی را متمرکز بر ویژگی های محلی می داند که در راستای مقاومت در برابر همسان سازی سرمایه داری مدرنیسم قرار گرفته است. که این طیف کلی، فرهنگ جهانی را وسازی می کند و میراث دار و در عین حال، منتقد تمدن جهانی می گردد (همان: ۱۱۵).



شکل ۳. کونرهاوس، آدولف لوس؛ مأخذ: کتاب مقدماتی بر روشهای طراحی. کاوه بذرافکن

توسعه موزه بهود «دانیل لیسکیند» در برلین، نمونه ای از واکنشی ساختارشکنانه به زمینه است (شکل شماره ۲). اگرچه معمار، نقش هایی مشابه خطوط رعد و برق در طرح های اولیه اش به کار گرفته است، ولی می توانسته خانواده فرم هایش را از پروژه شکاف هنر زمینی «مایکل هیزر» یا از افسردگی های نه گانه «نوادا»، الهام گرفته باشد. در اینجا شکلی غامض، واکنشی به بستر اطراف پروژه است که به صورتی مشخص، موزه قدیمی، باروکی است و موزه جدید به عنوان توسعه آن دیده می شود. در هنر باروک اغلب تاکید بر سازماندهی های قطری و شعاعی است. بر این مبنا «لیسکیند» ساختمان پریپچ و خمش را به گونه ای ساخت که بسیاری از جداره هایش به سمت مرکز نمای اصلی حیاط متقارب شده است و باغ «ای.تی.ای»^۲ در این طرح نیز، دارای همان ابعاد ساختمان قدیمی روبروی موزه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰).



شکل ۲. توسعه موزه برلین، دانیل لیسکیند؛ مأخذ: www.freewebs.com

منطقه گرایبی

منطقه گرایبی^۸ در اوایل سال ۱۹۲۵ توسط لوییس مامفورد به کار رفت ولی عقاید پیرامون این لفظ و معنی آن چیز تازه ای نیست. مثلاً واگنر نزدیک به پایان قرن نوزدهم نوشت: معماران در کشورهای مختلف اشکال با معانی مختلف را در بیان «مراکز نبوغ» به کار بردند. عنصر ملی در هنر به طور طبیعی وارد کار خواهد شد. با توجه به شباهت حالات بیان و سبک های زندگی (حالات زندگی) در کشورهای متمدن، این اختلافات هرگز بزرگ نبوده و عمده تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و اقلیمی اند و ما می توانیم فناوری کنونی را به آن اضافه کنیم چیزی که برای اولین بار به معماری عامیانه

خانه‌هایی که «ماریو بوتّا» در سوئیس در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی طراحی کرد، می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از منطقه‌گرایی انتقادی دانست (شکل شماره ۴). بوتّا به عنوان شاگرد کوربوزیه، هندسه انتزاعی و ساده مدرنیستی را بکار گرفت ولی آنها را با استفاده از رنگ و مصالح محلی به سنت ساختمان‌های محلی متصل کرد. بنابراین بسیاری از خانه‌هایش بازخوانی از دیوارهای نواری متداول منطقه است (یورماکا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶).



شکل ۴. خانه‌های روستایی ماریو بوتّا؛ مأخذ: کتاب مقدماتی بر روش‌های طراحی. کاوه بذرافکن

توصیف بناهای مورد نظر کاخ شهربانی

بزرگترین طرحی که به سبک ملی^{۳۱} اجرا شد، کاخ شهربانی در میدان مشق در تهران است. ساخت ساختمان کاخ شهربانی در اوایل سال ۱۳۱۱ خورشیدی شروع و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به اتمام رسیده است. این ساختمان با مساحتی حدوداً بیست و دو هزار مترمربع ساخته شده است. این بنا توسط قلیچ باغلیان طراحی گردید و نظارت فنی آن با مهندس علیخان بود (قبادیان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). ورودی اصلی باشکوه‌ترین قسمت بناست، و با الگوبرداری از پله‌ها و ستون و سرستون‌های تخت جمشید طراحی و ساخته شده است. ستون‌ها، سرستون‌ها، تزئینات دور پنجره‌ها، ازاره و کنگره‌های این بنا که بهترین نمونه سبک ملی است، همه با استفاده از عناصر تزئینی کاخ‌های تخت جمشید طراحی و ساخته شده‌اند. اما نکته مهم استفاده گسترده از سیمان به عنوان مصالح اصلی تزئینات است. ردپای معماری دوره قاجار را

هم در گره‌چینی‌های چوبی بسیار ظریف پنجره‌ها می‌توان دید. در پنجره گوشه‌های اصلی بنا از قوس‌های جناغی که در معماری قاجار و پیش از آن مرسوم بوده، استفاده شده است. تزئینات نئوکلاسیک اروپایی فقط در چند فضای داخلی به کار رفته است. در حیاط جنوب غربی ساختمان که بدنه‌های آن با شیوه‌ای متفاوت، تماماً با سیمان پوشانده شده است، عناصر تزئینی به چشم نمی‌خورد و در واقع بیشتر تحت تأثیر جریان‌های مدرن آن روزگار قرار دارد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴).

۲-۴- موزه هنرهای معاصر

موزه‌های هنرهای معاصر یکی از موزه‌های شهر تهران است که در ضلع غربی پارک لاله در زمینی به مساحت شانزده هزار مترمربع بین سال‌های ۱۳۴۶-۵۶ بنا شد. طرح پروژه تلفیقی از معماری مدرن، سنت و اندیشه‌ی فلسفی است و نیازهای جامعه‌ی شهری مدرن و اثر متقابل انسان برای او در طراحی پروژه مهم است. در معماری موزه‌های هنرهای معاصر تهران معماری مدرن با سنت‌های آشنای بومی ترکیب شده است. البته در این بنا «از فرم‌های معماری تاریخی استفاده‌ی طرفاً صوری شده است. مثل ... فرم بادگیر که در طرح آنها به کار رفته، اما استفاده کارکردی تهویه از آن صورت نمی‌گیرد.» (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). بنای موزه به صورت مجموعه‌ای از احجام کم‌ارتفاعی طراحی شده است که نسبت به خیابان اصلی به اندازه ۴۵ درجه چرخیده است. برفراز این احجام چرخیده، نورگیرهایی هم‌شکل واقع شده‌اند که به چ� چهار نورگیر فراز ورودی، همگی رو به روی شمال شرق قرار دارند (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۵۶). در ساختمان موزه از عناصر معماری سنتی ایران از جمله: هشتی، چهارسو، معبر، گذرگاه و مفاهیم فلسفی الهام گرفته شده است. «شکل نورگیرها یادآور بادگیرها در شهرهای سنتی است. فرورفتن تدریجی ساختمان در دل زمین... و به تبع آن، بالا و پائین رفتن احجام بیرونی و نورگیرهای متعدد آنها، سیمای بیرونی ساختمان را به مجموعه‌ای از بناها در شهرهای سنتی، یا به عبارتی به یک «بافت سنتی» شبیه می‌سازد. مصالح نمای ساختمان و نحوه‌ی ترکیب بندی آنها هم در ایجاد سیمای

سنتی بی تأثیر نیست.» (حاجی قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

ساختمان مجلس شورای اسلامی

فکر احداث بنای جدید مجلس شورای اسلامی ملی از سال‌های ۵۳-۵۲ مطرح شد. خواسته اصلی این بود که طرح نباید جلوی ساختمان کمیسیون‌ها را بگیرد. یک راه حل فرو رفتن در عمق بود. فرو رفتن در عمق برای پروژه‌های دیگر عیبی نداشت. ولی برای مجلس که باید بنایی نمادین باشد راه حل مناسبی نبود. به نظر ما فرم مثلث راه حل خوبی بود. هم فرم پایداری است. هم سه قوه را تداعی می‌کند و هم یک هندسه قابل بسط در همه جهات است. راس مثلث روی ساختمان مرتفع اداری قرار می‌گیرد و هر چه به طرف ساختمان کوتاه کمیسیون‌ها می‌آییم دو بال آن باز می‌شود. ابتدا قرار بود نما شیشه‌ای باشد که خیلی با اعتراض مواجه شد مخصوصاً که بنا به شکل هرم بود گفته می‌شد که چنین هرمی در لوور ساخته شده در حالی که اولاً پروژه ما هرم نیست، به هرم شباهت دارد؛ ثانیاً زمانی که این پروژه اول بار طراحی شد. هنوز هرم شیشه‌ای لوور ساخته نشده بود. به هر حال آن وقت‌ها شروع این گونه معماری‌ها بود. شیشه داشت در معماری به صورتی اساسی مطرح می‌شد. خلاصه، یک سال و نیم دو سال در این باره بحث شد و بالاخره سنگ انتخاب شد. چنین حجم عظیمی از بیرون اصلاً محسوس نیست. وقتی از بهارستان به آن نگاه می‌کنید بنای غول پیکری به نظر تان نمی‌آید. «این معماری با محیطش هماهنگ است. حجم و فرم کاملاً شاخص و متمایز است. هرم فقط مال مصر نیست. تصویری است در ذهن هر کسی از وحدت و خلاصه شدن فرم در مثلث شکل می‌گیرد. از لحاظ سه عامل حجم، رنگ و طرز قرارگیری بین دو ساختمان این پروژه نمادین است و اضافه می‌کنم به این‌ها معماری درون‌نگرای ایرانی را بدون هیچ تظاهر خارجی مگر شکل و ارتفاع نمادین آن» (ذکایی، ۱۳۸۱، صص ۶۸-۷۵).

پردیس سینمایی ملت

پردیس سینمایی ملت در زمینی به مساحت شش هزار مترمربع در منتهی‌الیه جنوب غربی پارک

ملت، بین سال‌های ۸۷-۱۳۸۲ طراحی و اجرا شده است. «سازماندهی فضایی پروژه با توجه به فرم کشیده و محدود زمین و امکان ایجاد دو سالن نمایش در روی زمین و دو سالن دیگر در زیرزمین، به گونه ای تنظیم شده که معماری با برنامه و سازه پروژه ی پروژه هماهنگ و با طبیعت زیبای محیط تلفیق شود (رئیزی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). کشیدگی و انحنای فرم پروژه و وجود مقاطع متغیر عرضی ناشی از آن، امکان طرح شیپراهه های نرم و مواج را در طول پروژه و جبهه شمالی مهیا کرد. بنابراین همانند پیاده روها و مسیرهای توپولوژیک درون پارک فضای حرکتی پروژه احساسی از تداوم فضای پارک را در درون پروژه ایجاد میکند و مناظر بدیعی را در حین حرکت فراهم میکند.» (دانشمیر، ۱۳۸۷، ص ۳۰). سینما دارای پرسپکتیوهای متنوعی است و به محیط پیرامون خود بسیار نزدیک و حجمی روان و سیال دارد. در بنا از مصالح مدرن مانند: شیشه، بتن و فلز استفاده شده است (رئیزی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰).



جدول ۲. دستهبندی و توصیف معیارهای زمینگرایی؛
 مأخذ: Soosani,2013& Tiesdell,2003& Brolin,1980

معیار طراحی	زمینه گرایی
جنبه فضایی	حجم
	موقعیت
	ارتفاع
جنبه بصری	عقب نشینی
	جهت گیری
	ریتم
	تناسب
	ساختمایه و رنگ
	مقیاس
	جزئیات

جدول ۳. دسته بندی و توصیف معیارهای منطقه گرایی؛ مأخذ: لامپونبانی،
 ۱۳۸۶ و بورماکا، ۱۳۹۱ و Capon,1999 و نگارنده

معیارهای منطقه - گرایی	تعاریف
مصالح بومی	استفاده از مصالح بوم آورد و مصالحی همچون آجر، کاه گل و ... که در معماری گذشته ایران بر اساس اقلیم منطقه به وفور استفاده شده است.
ساخت بومی	تکنولوژی ساخت بناهای گذشته ایران که بر اساس مصالح موجود به وجود آمده است مانند تکنولوژی ساخت گنبد، طاق و ...
دارای عناصر منطقه ای یا ملی در معماری	استفاده از کهن الگوهای معماری که بر اساس شرایط اقلیمی و تکنولوژی ساخت در گذشته معماری ایران تکرار شده اند.
همساز با اقلیم منطقه	شکل گیری فرمی بنا بر اساس شرایط خاص اقلیمی هر منطقه.
هندسه و تناسبات معماری بومی	استفاده از هندسه و تناسبات پرتکراری که بر اساس هنر ایرانی در پلان و نمای بناها دیده شده است.

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

احساس مسئولیت نسبت به گذشته، حال و آینده جنبه های مهمی از شکل دادن به یک محیط هستند. بنابراین، معماری میان افزا باید به گذشته، حال و آینده محیط تاریخی پیوند بخورد. تقریباً ۴۰ سال پیش بحث «زمینه گرایی» در سخنرانی ها به عنوان نیاز به سازگاری و محافظت از محیط های تاریخی به تکرار بحث میشد. و بحث زمینه بین ساختمان جدید با قدیم به عنوان یک کانسپت معماری عنوان شد. در واقع، لازم است که معماری معاصر نسبت به زمینه اش حساسیت بیشتری داشته باشد که این همان کانسپت زمینه گرایی در طراحی است. برولین (۱۹۸۰) در کتابش با

عنوان: معماری زمینه گرا: سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، عنوان میکنند که باید ساختارهای جدید به عناصر معماری موجود در محیط ساخت احترام بگذارند این عناصر معماری عبارتند از: عقب-نشینی، ارتفاع، ساخت مایه، تناسب، ریتم، جهت گیری، مقیاس و جزئیات. بنابراین با این تعاریف رویکرد مهم در زمینه گرایی و منطقه گرایی رعایت تناسب و سازگاری در معیارهای جدید بین ساختار جدید و قدیم است (Soosani, 2013:43).

جدول ۴. تحلیل بنای کاخ شهربانی بر اساس معیارهای زمینه گرایی؛ مأخذ: نگارنده.

آثار ساختمان کاخ شهربانی میدان مشق		معیار طراحی	زمینه گرایی / سازگاری ● عدم زمینه گرایی / ناسازگاری ○	نتیجه آنالیز
 	حجم	ساختار حجم این بنا مطابقت از ساختمان های اطراف است	○	
	موقعیت	قرارگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به سایر ساختمان ها وجود ندارد.	●	
	ارتفاع	متناسب با ارتفاع ساختمان های موجود در همسایگی	●	
	طبقه بندی	این بنا نسبت به سایر ساختمان های اطراف آن در تمامی جهات طبقه بندی دارد	●	
	جهت گیری	در قسمت ورودی ساختمان جهت گیری مناسبی نسبت به ساختمان های اطراف دارد.	●	
	ریتم	ریتم مناسبی در تقسیم بندی نمای ساختمان و همچنین محل قرارگیری بازشوها با سایر ساختمان ها دارد.	●	
	تناسب	از لحاظ بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با ساختمان های اطراف وجود دارد.	●	
	ساخته بابه و رنگ	در رنگ و مصالح استفاده شده همخوانی لازم با ساختمان های اطراف وجود دارد.	●	
	مقیاس	تا حدی مقیاس ساختمان با سازه های اطراف همخوانی دارد	●	
	جزئیات	جزئیاتی مشابه نسبت به همسایگی ها	●	

خلاصه آنالیز: ۸ از ۱۰- ساختمان کاخ شهربانی نسبت به معیارهای طراحی زمینه گرایی با بافت موجود همخوانی و سازگاری دارد.

جدول ۵. تحلیل بنای موزه هنرهای معاصر تهران بر اساس معیارهای زمینه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده.

آنالیز ساختمان موزه هنرهای معاصر - تهران - کانون دنیا		
معیار طراحی	زمینه‌گرایی / معنایی ● گزینی ○ عدم زمینه‌گرایی / نامعنایی	نتیجه آنالیز
حجم	○	تا حدی ساختار حجم متفاوت با سایت و پارک کلاه است.
موقعیت	●	قرارگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به بافت اطراف وجود دارد.
ارتفاع	●	ارتفاع ساختمان با بافت اطراف آن هماهنگی دارد.
نظریاتی	●	این بنا نسبت به حیاطان و پارک موجود در سایت نظریاتی مناسب دارد.
جهت‌گیری	●	در قسمت ورودی ساختمان جهت‌گیری مناسبی نسبت به بافت مورد نظر وجود دارد.
رنگ	○	رنگ مناسب در حجم و پیوستگی در فرم یافت. دید مناسبی نسبت به بنا از حیاطان شده است. تا حدی رنگ بنا متفاوت با بافت است.
تناسب	○	ارتباط بصری مناسب بین تاسیسات این ساختمان با بافت اطراف وجود ندارد. ولی از لحاظ معنایی گزینی فرم این بنا یادآور کتیبه‌های معماری ایران است.
ساخته‌ها و رنگ	○	در رنگ و مصالح استفاده شده همخوانی لازم با بافت اطراف وجود ندارد.
مقیاس	○	تا حدی مقیاس ساختمان با سازه‌های اطراف همخوانی دارد.
جزئیات	○	جزئیات برگرفته از بافت اطراف نیست.

خلاصه آنالیز: از ۱۰-۶ تا ۱۰- بنای موزه هنرهای معاصر تهران نسبت به معیارهای طراحی زمینه‌گرایی با بافت موجود همخوانی و سازگاری دارد.

جدول ۶. تحلیل بنای مجلس شورای اسلامی بهارستان بر اساس معیارهای زمینه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده

آنالیز ساختمان مجلس شورای اسلامی بهارستان ۱۳۸۰		
معیار طراحی	زمینه‌گرایی / سازگاری ● گزینی ○ عدم زمینه‌گرایی / سازگاری	نتیجه آنالیز
حجم	○	ساختار حجم این بنا متفاوت از ساختمان‌های اطراف است.
موقعیت	●	قرارگیری بنا طوری است که دید مناسبی نسبت به سایر ساختمان‌ها وجود دارد.
ارتفاع	●	متناسب با ارتفاع ساختمان‌های موجود در همسایگی.
نظریاتی	●	فرم ساختمان طوری است که در همه جهات از لحاظ بصری نظریاتی دارد.
جهت‌گیری	○	قسمت ورودی ساختمان متفاوت با ساختمان‌های اطراف است.
رنگ	○	در نمای قسمت پائین حجم رنگ مشابه با ساختمان‌های اطراف وجود دارد ولی در قسمت فوقانی حجم اینطور نیست.
تناسب	○	ارتباط بصری بین تاسیسات این ساختمان با ساختمان‌های اطراف وجود ندارد.
ساخته‌ها و رنگ	○	در رنگ و مصالح استفاده شده متفاوت با ساختمان‌های اطراف است.
مقیاس	○	تا حدی مقیاس ساختمان با سازه‌های اطراف همخوانی دارد.
جزئیات	○	جزئیات متفاوت نسبت به همسایگی‌ها.

خلاصه آنالیز: از ۱۰-۴ تا ۱۰- ساختمان مجلس شورای اسلامی نسبت به معیارهای طراحی زمینه‌گرایی با بافت موجود همخوانی و سازگاری ندارد.

جدول ۷. تحلیل بنای سینما پردیس ملت تهران بر اساس معیارهای زمینه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده

آلایز ساختمان پردیس سینمایی ملت		معیار طراحی	زمینه‌گرایی / سازگاری ● ○	نتیجه آنالیز
	حجم	ساختار حجم این بنا متفاوت از زمینه و بافت اطراف است	○	
	موقعیت	فراگیری بنا طوری است که تا حدی دید مناسبی نسبت به بافت اطراف وجود دارد.	●	
	ارتفاع	تا حدی ارتفاع ساختمان با بافت هم‌پوشانی دارد.	⊙	
	تطبیقی	این بنا نسبت به اوتوان و پارک موجود در سایت تطبیق‌ناپذیر است.	●	
	جهت‌گیری	در قسمت ورودی ساختمان جهت‌گیری مناسبی نسبت به بافت مورد نظر وجود ندارد.	○	
	رنگ	رنگ مناسب در حجم و پوستگی در فرم بافت دید مناسبی نسبت به بافت اوتوان و پارک شده است.	●	
	تناسب	از نظر بصری مناسبی بین تناسبات این ساختمان با بافت اطراف وجود ندارد.	○	
	ساخته‌ها و رنگ	در رنگ و مصالح استفاده شده هم‌پوشانی لازم با بافت اطراف وجود ندارد.	○	
	مقیاس	تا حدی مقیاس ساختمان با سازه‌های اطراف هم‌پوشانی دارد.	⊙	
	جزئیات	جزئیات برگرفته از بافت اطراف نیست.	○	

خلاصه آنالیز: ۴ از ۱۰ - ساختمان پردیس سینمایی ملت نسبت به معیارهای طراحی زمینه‌گرایی با بافت موجود هم‌خوانی و سازگاری ندارد.

جدول ۸. تحلیل نمونه‌های موردی پژوهش بر اساس معیارهای منطقه‌گرایی؛ مأخذ: نگارنده

معیارهای منطقه‌گرایی	کاخ شهرستانی	موزه هنرهای معاصر	ساختمان مجلس	پردیس ملت
مصالح بومی	●	○	○	○
ساخت بومی	⊙	○	○	○
دارای عناصر منطقه‌ای یا ملی در معماری	●	●	○	○
همساز با اقلیم منطقه	○	●	○	○
هندسه و تناسبات معماری بومی	⊙	●	○	○
معیارهای منطقه‌گرایی	۴۰ (درصد)	۴۰ (درصد)	۰ (درصد)	۰ (درصد)

همانطور که در جدول ۸ (که بر اساس معیارهای منطقه گرایي منابعی چون لامپونبانی، یورماکا و کاپون است) مشاهده میشود بناهای کاخ شهرداری و موزه هنرهای معاصر دارای ۴۰ درصد منطقه گرایي هستند، در صورتی که بناهای مجلس بهارستان و پردیس ملت منطقه گرا نیستند. برای صحت نتایج منطقه گرایي جامع‌آماری انتخابی این پژوهش از جدول ۹ که دارای معیارهای منطقه گرایي جامع تری است، استفاده شده است.

جدول ۹. تحلیل نمونه های موردی پژوهش بر اساس معیارهای معماری برای تحلیل بناها با رویکرد منطقه گرایي؛ مأخذ: سعادتی خنسه، ۱۳۹۵ و نگارنده

شاخصه ها / نام بنا	پلان و حجم (درصد)	نظام گردش (درصد)	ترتبات (درصد)	عناصر معماری (درصد)	مصالح و سازه (درصد)	منبع الهام (درصد)	میانگین منطقه گرایي (درصد)
کاخ شهرداری (۱۳۱۶)	۳۰	۲۰	۱۰۰	۶۰	۵۰	۲۰	۴۶/۶۶
موزه هنرهای معاصر (۱۳۵۶)	۶۰	۱۰	۱۰	۴۰	۲۰	۱۰۰	۴۰
ساختمان مجلس (۱۳۸۰)	۰	۱۰	۱۰	۰	۰	۲۰	۰/۶۶
پردیس ملت (۱۳۸۷)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
میانگین شاخص	۲۲/۵	۱۰	۳۰	۲۵	۱۷/۵	۳۵	

نتیجه گیری و جمع بندی

نمودارهای ۲۱ مشاهده میشود درصدهای متفاوتی از رویکردهای زمینه گرایي و منطقه گرایي از بناهای مورد نظر استخراج شده است. به عنوان مثال ساختمان مجلس در بهارستان دارای ۴۰ درصد زمینه گرایي نسبت به سایت پروژه است در صورتی که درصد زمینه گرایي این پروژه کمتر از یک درصد است. (اثبات فرضیه اول)

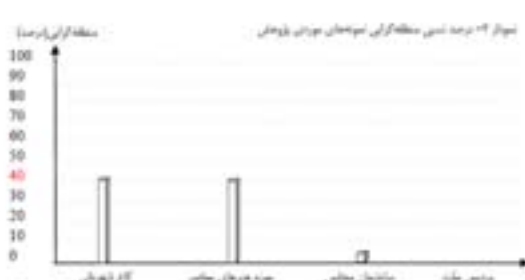
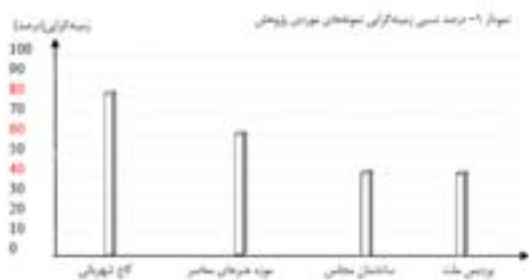
از نتایج دیگر این پژوهش واکنش متفاوت این بناها به سایت از لحاظ زمینه گرایي و منطقه گرایي است. در جداول بخش تجزیه و تحلیل و نمودارهای ۲۱ میتوان مشاهده کرد که بنای کاخ شهرداری بیشترین میزان زمینه گرایي و منطقه گرایي را در این پژوهش دارد، در صورتی که بنای پردیس ملت دارای کمترین میزان زمینه گرایي و همچنین نداشتن هیچکدام از شاخصهای منطقه گرایي است. این بنا نشان از یک بنای کاملاً جدیدی دارد که هیچکدام

زمینه گرایي به عنوان عاملی واسط بین معماری و زمینه، که می تواند دو مفهوم متضاد را با هم آشتی دهد و همچنین منطقه گرایي به عنوان روشی که دیدگاه آن به زمینه به صورت منطقه ای و ملی است، کاربرد دارد. همانطور که در متن پژوهش اشاره شده، ایرادی که در پژوهشهای پیشین در این باب وجود دارد، تعریف و فهم یکسانی است که نسبت به مباحث زمینه گرایي و منطقه گرایي وجود دارد. در این پژوهش سعی شده است که مباحث و معیارهای زمینه گرایي و منطقه گرایي به صورت جداگانه ای تعریف شوند، و بر روی جامعه آماری انتخاب شده توسط پژوهشگر آزمایش شوند. از نتایج برگرفته شده از این آزمایش میتوان این استنتاج را کرد، که یک بنای مشخص واکنش-های متفاوتی به زمینه بر اساس رویکردهای زمینه گرایي و منطقه گرایي می دهند. همانطور که در

جدیدتر زمینه گرایي و منطقه گرایي کمتر. (اثبات فرضیه دوم)

از افق های تحقیقاتی که برای ادامه و توسعه این تحقیق وجود دارد می توان به رابطه بین ارزشمندی زمینه و فرم گرایي طرح در جامعه آماری مشخص شده اشاره کرد.

از معیارهای منطقه گرایي معماری ایرانی مانند: منبع الهام، هندسه و تناسب، پلان و حجم و ... در بنای پردیس ملت وجود ندارد. نکته دیگر که می توان در این بخش به آن اشاره کرد این است که میزان زمینه گرایي و منطقه گرایي بناهای انتخاب شده رابطه معکوسی با زمان ساخت آنها دارد. بنای قدیمی تر زمینه گرایي و منطقه گرایي بیشتر - بنای



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

منابع و ماخذ

- ۱- بانى مسعود، امير (۱۳۸۸)، معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- ۲- تولائی، نوین، (۱۳۸۰)، زمینه‌گرایی در شهرسازی، هنرهای زیبا، ش ۱۰، ص ۴.
- ۳- حاجیقاسمی، کامبیز (مهندسين مشاور نقش) (۱۳۸۷) نقد آثاری از معماری معاصر ایران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- ۴- حسینی، اکرم (۱۳۹۰)، تبیین و تدوین گرایشهای معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی هویت شهر، شماره ۸، بهار و تابستان.
- ۵- دانشمیر، رضا (۱۳۸۷)، معرفی پردیس سینمایی ملت دوماهنامه معماری شماره ۵۲.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، محل نشر: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- رئیسی، ایمان (۱۳۹۲) نقد بازی: جستارهای نقد معماری / به کوشش ایمان رئیسی، مشهد: کتابکده کسری.
- ۸- ذکایی، عبدالرضا (۱۳۸۱)، ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی، فصلنامه ی معمار، شماره ۱۸، پائیز ۱۳۸۱، صفحه ی ۶۸-۷۵.
- ۹- قبادیان، وحید (۱۳۹۲)، سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: علم معمار رویال.
- ۱۰- گالین، ریچارد، (۱۳۸۳)، اثرزدایی در هنر، ویرانسازی، شالوده شکنی و پالیمپسست، ترجمه فتاح محمدی، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۳۴.
- ۱۱- گوران، فرهاد و احمد زهادی، (۱۳۸۳)، پالیمپسست: شهر سوخته ، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۲.
- ۱۲- مونثو، رافائل، (۱۳۹۰)، اشتیاق تئوریک و استراژی های طراحی در آثار هشت معمار معاصر، ترجمه ایمان رئیسی و حسام عشقی صنعتی، مشهد: کتابکده کسری.
- ۱۳- نبوی، افروز، (۱۳۸۳)، نشانه‌هایی از پالیمپسست، رایانه معماری و ساختمان، ش ۳، ص ۵۶.
- ۱۴- نسبیت، کیت، (۱۳۸۶)، نظریه های پسامدرن در معماری، ترجمه و تدوین محمد رضا شیرازی، تهران: نی.
- ۱۵- یورماکا، کاری، (۱۳۹۱)، مقدماتی بر روش های طراحی معماری ، ترجمه کاوه بذرافکن، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

16- Capon, David Smith(1999), *Le Corbusier's Legacy*, published by John Wiley and Sons, England.

17-

18- Porter, Tom(2005), *ARCHISPEAK An illustrated guide to architectural terms*, published in the Taylor & Francis e-Library.

19- Lee, Du Hyun(2013), *Combining space syntax and shape grammar to investigate architectural style* , Seoul: Sejong university.

20- Soosani, Leila(2013), *Questioning the compatibility of the infill Architecture in Historic Environment*, Case study: Walled city of Nicosia, Estern Mediterranean Universiyt July 2013.

21- Tepavcevic, Bojan(2012), *SHAPE GRAMMAR IN CONTEMPORARY ARCHITECTURAL THEORY AND DESIGN*, FACTA UNIVERSITATIS.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

(setondnE)

- Kari Jormakka 1
 Brent C Brolin 2
 Heinz Wetzel 3
 Thomas Schumacher, "Contextualism: 4
 Ueban Ideals and Deformations".
 Casabella 359-360, 1970
 Stuart Cohen 5
 Steven Hurtt, Contextualism of 6
 paradigms, politics and poetry". Inland
 Architect, sep./oct.1987
 E.T.A 7
 regionalism 8
 Adolf Loos 9
 Khuner House 10
 Kenneth Frampton 11
 12 ویژگی های سبک ملی:

۱- نماها با ارتفاع زیاد و الهام از کاخ ها و نمادهای عصر هخامنشی و ساسانی- شیوه پارسی و پارتی
 ۲- پلان به صورت بروننگرا به تبعیت از ساختمان های نئوکلاسیک و مدرن در غرب ۳- تقارن در پلان و نما، ورودی در وسط ساختمان ۴- ایوان های وسیع، ستون های مرتفع، پلکان عریض در محور ورودی ساختمان و بازشوهای بزرگ و مرتفع ۵- استفاده از مجسمه ها و حفاری های هخامنشی و ساسانی در نماهای ساختمان ۶- نماها بیانگر شکوه و عظمت تمدن ایران ۷- قوس ها شلجمی (سهمی) و نیم دایره ۸- استفاده از کنگره های سرتاسری بر لبه بام ها، ایوان ها و پله ها ۹- اجرای بدنه بنا و نما با استفاده از سنگ و یا آجر- به ندرت از سیمان ۱۰- بام ساختمان به صورت شیبدار با خرپای چوبی و پوشش شیروانی ۱۱- سازه ساختمان با استفاده از دیوار باربر و گاه تیروستون ۱۲- تیرها و ستون ها و نرده ها با استفاده از مصالح چوبی و یا فلزی ۱۳- در سبک ملی تلفیقی، نمادهای سبک ملی با شیوه اصفهانی و یا سبک نئوکلاسیک و آرت دکو تلفیق شده است (قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۹۸).



شناسایی و اولویت بندی آلاینده های آب در صنایع نفت و پتروشیمی و ارائه یک مدل ریاضی جهت کاهش مخاطرات زیست محیطی

ابوالفضل روحانی* - مربی، عضو هیات علمی گروه مهندسی صنایع دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، دانشجوی دکتری مهندسی صنایع، پردیس البرز دانشگاه تهران.
عباس کرامتی - دانشیار، عضو هیات علمی گروه مهندسی صنایع، دانشکده فنی دانشگاه تهران، تهران، ایران
جعفر رزمی - استاد، عضو هیات علمی گروه مهندسی صنایع، دانشکده فنی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Identify and Prioritize Water Pollutants in Petroleum and Petrochemical Industries and Employing a Mathematical Model to Reduce Environmental Risk Emphasis

Abstract

Water contamination is one of the important problems and challenges facing the world, including Iran. It is one of the main causes of death and mortality in the world. Surface and ground waters are both exposed to various contaminants. The contaminants have been classified into various categories, based on their nature, the source of contamination, and whether they are man-made or occur naturally. The main organic contaminants of water are agricultural, chemical, oil, and food contaminants. Each of these four groups has sub-criteria. In this research, investigation, identification, and accurate ranking of water contaminants in oil and petrochemical industries have been done using the factor analysis and analytical hierarchy process methods. The results of the factor analysis method suggest that the contaminants nitrate, sodium, and TDS have claimed the highest score from environmental experts as water contaminating agents. Further, the results of the ANP showed that agricultural and oil contaminants, with weights of 0.321 and 0.152, have been ranked first and fourth, respectively. In this research, following an investigation and ranking of water contaminants in oil and petrochemical industries, using factor analysis and ANP methods, a mathematical model was presented and then solved using goal programming with the aim of predicting and extracting the main contaminants and their levels in the oil and petrochemical industry and decreasing the environmental contaminants. The researchers hope that the presentation of the findings to relevant organizations, an effective step is taken to prevent environmental destruction by the contaminants of this industry

Keywords: Water Contaminants, Analytical Network Process, Principal Components Analysis, Factor Analysis, Oil and Petrochemical Industry, Mathematical Modelling

چکیده

آلودگی آب یکی از مشکلات و چالش‌های مهم دنیا و ایران است. یکی از علل اصلی بیماری‌ها و مرگ و میر در جهان آلودگی آب است. آب‌های سطحی و زیرزمینی هر دو در معرض آلاینده‌های مختلف قرار دارند. با توجه به ماهیت، منشأ ورود آلاینده‌ها، طبیعی و یا انسان ساز بودن، تقسیم بندی‌های مختلفی برای آلاینده‌ها در نظر گرفته شده است. عمده آلاینده‌های آلی آب ناشی از صنایع نفت و پتروشیمی، ۴ معیار اصلی کشاورزی، شیمیایی، نفتی و غذایی می‌باشند. هریک از این چهار دسته خود دارای زیر معیارهایی می‌باشند. در این پژوهش به بررسی، شناسایی و رتبه‌بندی دقیق آلاینده‌های آب در صنایع نفت و پتروشیمی با استفاده از روش‌های آنالیز فاکتور و فرآیند تحلیل شبکه‌ای پرداخته ایم. نتایج روش آنالیز فاکتور بیانگر این واقعیت می‌باشد که آلاینده‌های نترات، سدیم و TDS بیشترین امتیاز را از خبرگان محیط زیست در حوزه آلودگی آب به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج فرآیند تحلیل شبکه‌ای نشان دادند که آلاینده‌های کشاورزی با وزن ۰/۳۲۱ در رتبه اول و آلاینده‌های نفتی با وزن ۰/۱۵۲ در رتبه چهارم قرار دارند. سپس به استناد یافته‌های پژوهش به ارائه مدل ریاضی و حل مدل با برنامه‌ریزی آرمانی با هدف پیش بینی و استخراج آلاینده‌های اساسی و میزان آن‌ها در صنعت نفت و پتروشیمی با رویکرد کاهش آلاینده‌های زیست محیطی پرداخته‌ایم. محقق امیدوار است با ارائه آن به سازمانه ای مربوطه گامی موثر در جلوگیری از تخریب محیط زیست توسط آلاینده‌ها این صنعت برداشته شود.

واژگان کلیدی: آلاینده‌های آب، فرآیند تحلیل شبکه‌ای، تحلیل مولفه‌های اصلی، تحلیل عاملی، صنعت نفت و پتروشیمی، مدل سازی ریاضی

۱- مقدمه

آب یکی از فراوانترین ترکیباتی است که در طبیعت یافت می‌شود و تقریباً ۷۵٪ سطح زمین را اشغال می‌نماید. با این وجود، چندین عامل زمینه‌ساز کمبود آب در نقاط مختلف دنیا شده است. اولین عامل، توزیع ناهمگن جغرافیایی می‌باشد؛ بیش از ۹۷٪ کل منابع آب در اقیانوسها و دریاها قرار دارد که به دلیل بالا بودن میزان نمکهای محلول، مستقیماً برای مصرف مناسب نمی‌باشند. کمی بیش از ۲٪ کل منابع آب در یخچالها و مناطق قطبی و یا به صورت رطوبت در خاک و اتمسفر زمین قرار دارد، که به دلیل در دسترس نبودن، برنامه ریزی برای استفاده از آنها از نظر امکان‌سنجی اقتصادی قابل توجیه نیست. به این ترتیب انسان جهت ادامه حیات و رفع نیازهای صنعتی، کشاورزی و شرب، تنها به ۶۲٪ آب باقیمانده در دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و آبهای زیرزمینی می‌تواند دسترسی داشته باشد. این امر نه تنها کیفیت منابع آب در دسترس را کاهش داده و با محدودیتهای بیشتری رو به رو نموده است، بلکه به دلیل توسعه‌ی شهرنشینی و فعالیتهای صنعتی و کشاورزی، تغییر و تنزل کیفیت آبها مواجه شده‌اند و سالهاست در زمینه برنامه ریزی صحیح در مدیریت منابع آب سرمایه‌گذاری می‌نمایند (Azadfallah, et al. 2016). اکنون در زمانی زندگی می‌کنیم که مسئله‌ی آلودگی محیط زیست به خاطر رشد سریع جمعیت، صنعت و محدودیتهای منابع طبیعی بیش از پیش مورد توجه کارشناسان واقع شده؛ و همچنین به شکل یک مسئله‌ی قابل لمس مورد توجه عام مردم قرار گرفته است؛ در جوامع امروزی اهمیت حفاظت محیط زیست امری ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد؛ بدون شک اقدام و اجرای هر گونه برنامه نیاز به دانش کافی و شناخت لازم از محیط زیست و آلاینده‌های آن دارد. بحرانهای زیست محیطی ناشی از آلودگیها هم اکنون بسیاری از کشورها را به طرز خطرناکی تهدید می‌کند. لذا کشور با حفاظت جدی و منطقی از محیط زیست خود و برنامه ریزی‌های علمی می‌توانند این بحرانهای زیست محیطی را کنترل نمایند. در همین راستا شناخت آلودگی آب در صنایع راه را برای مقابله با این آلودگیها هموار کرده است (Ramudhin, et al (2010)). ساختار این مقاله به این صورت

خواهد بود که در بخش ۲ به مرور آخرین تحقیقات انجام گرفته در حوزه مورد مطالعه می‌پردازیم. در بخش سوم اشاره‌های به ضرورت و نوآوری تحقیق با رویکرد کاهش مخاطرات زیست محیطی شده است. بخش چهارم بیان گر روش تحقیق می‌باشد. در بخش ۵ معرفی معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی و در انتها تجزیه و تحلیل و برخی جداول محاسباتی آمده است. سپس در بخشهای ۷، ۸ و ۹ به ترتیب نتیجه گیری، ارائه پیشنهادات و منابع آمده است.

۲- مروری بر تحقیقات پیشین

در نوامبر سال ۱۹۸۶ بر اثر ریزش موادی شامل جیوه و انواع مواد آلی سمی مانند آفتکش‌ها در رودخانه راین، تمام آبریزان از شهر بال سوئیس تا ساحل هلند کشته شدند. در سالهای اخیر با غرق شدن تانکرهای بزرگ نفتی اقیانوس پیما با به گل نشستن آنها آسیب‌هایی به حیات دریایی وارد آمد. در سال ۱۹۸۳ بر اثر ۱۱۰۰۰ واقعه آلوده کننده در حدود ۱۲۰ میلیون لیتر مواد آلوده کننده در آبهای ایالات متحده تخلیه شده است (Rohani et al, 2016). در سال ۱۹۶۹ برای آلودگی آب تعریفی ارائه داد: آلودگی آب عبارت است از افزایش مقدار هر معرف اعم از شیمیایی، فیزیکی یا بیولوژیکی که موجب تغییر خواص و نقش اساسی آن در مصارف ویژه‌اش شود (Faiku, A. Haziri, 2016). آب یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین عامل حیات موجودات زنده است از این نظر جلوگیری از آلودگی آب نیز به همان نسبت مهم و مورد توجه می‌باشد عوامل آلوده کننده آب بسیار گوناگون‌اند و می‌توانند هم منابع آبهای زیرزمینی و هم آبهای سطحی را آلوده کنند (Faiku, A. Haziri, 2016). کارول براونر، امریکا EPA، یکی از مسئولان پیشروی آلودگی آب، دکتر دیوید اوزون اف از دانشگاه بوستون از بهداشت همگانی هشدار میدهد که، «ریسک بیماری وابسته با آب آشامیدنی همگانی از نظری به واقعی پیش رفته است» بسیاری بیماریها که در گذشته نمی‌توانست مرتبط با یک علت احتمالی بشود، حالا می‌تواند مستقیماً مرتبط با سموم در آب آشامیدنی مان بشود. استفاده از حشره کشها و افت کشها تا حدی فزاینده شده است که حالا بطور معمول در شیر آب خانگی با تناوب هشدار دهنده یافت میشوند (Cozzi et al, 2015; Tsyntsarski et)

Pantazidou, (al. 2014) و همکاران (2007) روند آلاینده ها در خلیج Elefsis یونان را با در نظر گرفتن چهار فلز سرب (Pb)، روی (Zn)، کروم (Cr) و مس (Cu) مورد بررسی قرار داده اند و یک روش برای رتبه بندی آلاینده ها مبتنی بر ویژگی های سمی بودن مشخص شده با محدودیت های مجاز ارائه داده اند. برای این کار، برای هر آلاینده و هر ماتریس، یک اندازه ی غلظت شناسایی شده و با حد مشخص شده برای آن غلظت، در آب و رسوب مقایسه شده است. در این مقاله از اطلاعات ۱۸ ساله ی غلظت چهار فلز در آب و رسوب خلیج Elefsis استفاده شده که روند کاهشی واضحی فقط برای کروم نشان میدهد. همچنین، داده های به دست آمده از محلی در نزدیکی دو کارخانه کشتی سازی خلیج Elefsis، ماکزیمم های دوره ای برای Pb، Zn و Cu در مکان های نمونه برداری نشان داده است. شاخص خطری که برای مشخص کردن کل خلیج معرفی شده است، مس و سرب را به عنوان آلاینده های پرخطرتر نشان میدهد. با رتبه بندی توسط روش پیشنهادی این پژوهش، ترتیب چهار فلز در آب دریا عبارت است از: Zn، Cr، Cu، Pb. این رتبه بندی در رسوبات عبارت است از: Zn، Cu، Pb و Cr. با توجه به نتایج به دست آمده، اگر هدف رتبه بندی، بهبود کیفیت آب است، تمرکز باید بر روی سرب صورت گیرد. در جایی دیگر Lam و همکاران (2011) به شناسایی و اولویت بندی آلودگی هایی که مانعی برای فرصتهای موجود برای صنعت تولید برد سیم کشی چاپی در ایالات متحده است، پرداخته اند. ^۱ EPA این کشور دو روش پایش محیط زیستی را ارائه داده است: (۱) ابزاری برای ارزیابی و کاهش اثرات محیط زیستی (۲) شاخصهای محیط زیستی پایش ریسک. در این پژوهش از هر دو روش برای رتبه بندی اثرات شیمیایی در تولیدی PWB استفاده شده است. درصد منتشر شده از مواد شیمیایی مانند متانول، گلیکول اثرها، و دی متیل نشان دهنده ی انتشار بیشتر این مواد در هوا و آب است، با این حال، یافته های مقاله بیان میکنند که سرب، مس و ترکیبات آنها از هر دو روش مذکور، که در حالت های مختلف ارزیابی میشوند، بالاترین نمره خطر و بنابراین بیشترین اثر

۱ . Environmental Protection Agency

محیط زیستی را دارند.

بررسی توزیع جغرافیایی، میتواند مکانهایی را که جلوگیری از آلودگی ممکن است موثرتر باشد، مشخص نماید. محدودیت این روش این است که، جمع آوری داده ها نیازمند گزارش خود (self-reported) است. در اینجا، فرایندهای شیمیایی و مواد جایگزین برای جلوگیری از آلودگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که تکنولوژیهای بازیابی خوردگی و تعویض مواد از آن جمله هستند. این موضوع در جای دیگر مورد توجه Caravanos و همکاران (2014) قرار گرفته است. آنها یک سیستم رتبه بندی خطر ساده شده برای رتبه بندی محله ای آلوده ارائه داده اند و تمرکز خود را بر کشورهای با درآمد کم و متوسط گذاشته اند. هدف از انجام پژوهش آنها، شرح ساده اما موثر روشی که موسسه Blacksmith برای مقدار دهی و رتبه بندی قرار گرفتن در معرض مواد سمی در LMICs^۲ اتخاذ کرده، بیان شده است. این سیستم در ۳۰۰۰ سایت در ۴۸ کشور مانند هند، اندونزی، چین، غنا، کنیا، تانزانیا، پرو، بولیوی استفاده میشود. برای دستیابی به این هدف و ارائه یک فرمول برای رتبه بندی خطر - شاخص Blacksmith- فاکتورهای مهمی چون مقیاس منابع آلودگی، اندازه ی جمعیت تحت تاثیر، و راه های قرار گرفتن در معرض خطر را در نظر گرفته اند. شاخص Blacksmith یک ابزار رتبه بندی ریسک است که توصیف مشخصه های مستقیم، مقداردهی و رتبه بندی مکان های آلوده ی سمی زمانی که پول، زمان و منابع محدود است را ارائه میدهد. مدل پیشنهادی این پژوهش برای چهار نمونه مطالعه موردی، با مکانها، جمعیت، آلودگیها و راه های در معرض قرار گرفتن متفاوت، اجرا شد. در این مکانها، شاخص Blacksmith برای ارزیابی میزان و شدت آلودگی محیط زیستی به کار رفت. این شاخص پیچیدگی سیستم رتبه بندی خطر آژانس حفاظت محیط زیست آمریکا را ندارد اما مطالعات موردی، اثربخشی آن را به خصوص در موارد با منابع کم تایید میکند. با توجه به محدودیتهای موجود، شناسایی دقیق خطرات سایت های آلوده به مواد سمی میتواند باعث اطمینان از استفاده بهتر از منابع و حفظ سلامت عمومی شود.

۲ . low- and middle-income countries

Giubilato و همکاران (۲۰۱۴) روشی برای رتبه بندی عوامل استرس زای شیمیایی که بر محیط زیست اثرگذارند ارائه داده اند. به منظور کمک به تصمیم گیرندگان در شناسایی اولویت آلاینده ها، همچنین اولویت بندی منطقه ها، ابزاری مبتنی بر ریسک در این مقاله معرفی شده است که به شواهد وزن میدهد و با ترکیب سه نوع از اطلاعات- خطوط شواهد (LOE)- آلودگی محیط زیست، نیروی جذب شده و اثرات مشاهده شده، اجرا میشود. روش تحلیل تصمیم چند معیاره (MCDA) مبتنی بر منطق فازی برای پشتیبانی از این سه LOE به کار رفته است. این روش به تعیین اولویت زیرمناطق موجود در هر منطقه کمک میکند. با این حال، عملکرد این ابزار با یک مطالعه موردی در منطقه Flemish (شمال بلژیک) آزمایش شد. در این نمونه، داده های مربوط به آلودگی خاک توسط فلزات و آلاینده های آلی با اطلاعات در معرض بودن نوجوانان، در طول سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ بررسی شدند. روش پیشنهادی مقاله انعطاف پذیر است، همچنین علاوه بر ادغام اولویت های هر تصمیم گیرنده، چون همه ی فرضیات و اعتباردهی ها قابل ردگیری است، همزمان از شفافیت لازم نیز برخوردار است. در همین سال Kudlak و همکاران (۲۰۱۴) رتبه بندی آزمون سمیت با ارزیابی کیفیت آبهای زیرزمینی در محل های دفن زباله چند شهر در شمال لهستان را با استفاده از روش نمودار Hasse (HDT) انجام دادند. بررسی دقیق پارامترها نشان داده است که علاوه بر شاخص های شیمیایی، کاربرد تست های حیاتی برای ارزیابی سمی بودن نیز مساله قابل توجهی است. این مقاله تلاش میکند تا علاوه بر رتبه بندی تست سمیت مورد استفاده برای بررسی کیفیت آب در محل دفن زباله، اهمیت این تستها را با اهمیت پارامترهای شیمیایی مورد استفاده برای ارزیابی کیفیت آب مقایسه کند که برای حل این مسائل، از رویکرد ارزیابی چند متغیره (Hasse diagram technique) استفاده میکند. بعد از جمع آوری نمونه ها، تحلیل شیمیایی بر روی پارامترهایی چون PH، رسانایی، دما، تیرگی، رنگ، مزه، بو و شرایط جوی صورت گرفته است. همزمان با ارزیابی پارامترهای شیمیایی، شش تست سمیت مختلف نیز به کار گرفته شده و برای تعیین

میزان کاربردی بودن این تستها، رتبه بندی سطوح پایش شده با استفاده از HDT صورت گرفته است. در این پژوهش با انجام آنالیز حساسیت مشخص شد که انتخاب تستهای سمیت میتواند با استفاده از استراتژی HDT بهینه شود. در این سال کار دیگری توسط Donnachie و همکاران (۲۰۱۴) انجام شده است؛ آنها برای شناسایی خطرناکترین حالت برای موجودات آبی در انگلستان و بهبود شرایط، رتبه بندی ریسک فلزات موجود در رودخانه ها را با استفاده از یک فرمول ریسک انجام داده اند. روش استفاده شده در این مقاله، مقایسه اطلاعات سمیت با غلظت اندازه گیری شده در رودخانه ها است. عامل تجمع نیز به عنوان روش رتبه بندی استفاده شده است. یافته ها نشان میدهند که مس، آلومینیوم و روی به ترتیب جزو پرخطرترین فلزات در این منطقه هستند. همچنین یک محصول مراقبت شخصی مانند تریکلوزان (triclosan) خطر بیشتری نسبت به بسیاری فلزات دارد. در جایی دیگر Papa و همکاران (2015) به سراغ بررسی تهدیدات فاضلاب بر اساس اثرات آنها و رتبه بندی آنها و بررسی مزایای این کار بر سلامت انسان رفته اند. هدف این مقاله ارزیابی تهدیدات فاضلاب با محاسبه فاکتور کلیدی آسیب- آسیب از طریق انتشار در آب و هوا- به سلامت انسان است. در اینجا فاکتورهای هزینه ای برای آلودگی هوا و یک دیدگاه نوآورانه برای آلودگی آب نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تفاوت این کار با مطالعات قبلی این است که در مطالعات پیشین، سنجش بیولوژیکی و بیماریهای مربوطه برای محاسبات نهایی استفاده شده در حالی که این پژوهش بر اساس اثر هر یک از ترکیبات آنها است.

در این مقاله، رویکرد BAD^3 فشارها را اندازه گیری میکند و آنها را به اثرات مشابه و قابل مقایسه، با توجه به آسیب ایجاد شده بر سلامت انسان منتقل و به صورت ارزش اقتصادی بیان میکند. با اجرای فرایند بیولوژیکی ثانویه، بیش از نیمی از آسیب کاهش می یابد. استفاده از کربن فعال شده یا اضافه کردن یک مرحله از نزینه های مناسبی هستند که کمترین آسیب را ایجاد می نمایند. Qu

۳. The biological assay and disease (BAD) approach

و همکاران (2016) یک رتبه بندی چند مرحله ای برای حوادث آلودگی منبع آب با استفاده از ابزار تصمیم گیری گروهی فازی انجام داده اند. به دلیل عدم قطعیت این حوادث، تدوین گزینه بهینه بسیار مشکل است. نویسندگان این مقاله از آزمایش فنی چند مرحله ای و روش TOPSIS فازی، برای تعیین رویکرد فنی بهینه استفاده کرده اند. در مرحله اول، یک ابزار تصمیم گروهی مبتنی بر CBR⁴ استفاده شده است. سپس در مرحله دوم، درجه خطر آلودگی با استفاده از سیستم ارزیابی خطر تعیین و به چهار سطح تقسیم میشود. روش تصمیم گیری گروهی چند مرحله ای برای حوادث آلودگی در سطوح تهدید مختلف به کار گرفته شده است. شرایط بیان میکند که وجود روشی با حداکثر راندمان حذف آلاینده ها ضروری است. در این حالت عملکرد، حساسیت زمانی و سهولت تهیه مهمترین معیارهای این مورد بودند. نتایج به دست آمده نشان میدهد، وقتی که معیار هزینه، وزنی بیشتر از دیگر معیارها دارد، انتظار سطح حداقلی از تهدید وجود دارد. روش پیشنهادی این مقاله علاوه بر تعیین وزن کارشناسان، میتواند اثر استدلال غیرمنطقی بر نتایج تصمیم نهایی را مینیمم کند. در همان سال Mantyka-Pringle (۲۰۱۶) اقدامات لازم مدیریتی برای حفاظت از تنوع زیستی در آب شیرین را با در نظر گرفتن تغییرات آب و هوایی و پوشش زمین رتبه بندی کرده اند. این امر به دلیل حداکثر سازی بازده سرمایه گذاری در زمینه حفاظت از آب صورت میگیرد. نوآوری این مقاله، استفاده از یک مدل محیط زیستی برای تهدیدهای متقابل چندگانه است که مقرون به صرفه باشد.

در این مقاله یک رویکرد تصمیم گیری بیزینس برای اولویت بندی اقدامات ممکن برای حفظ منابع طبیعی به منظور حفاظت از تنوع زیستی آب ارائه شده است. روش پیشنهادی این مقاله در جنوب شرق کوئینزلند (SEQ)، استرالیا با تغییرات آب و هوا، تغییرات پوشش زمین، و اثر ترکیبی آنها اجرا شده است. نتایج نشان میدهند، اولویت بندی با لحاظ کردن تهدیدات چندگانه و هزینه ها نتیجه کاملا متفاوتی نسبت به اولویت بندی دیگری بدون در نظر گرفتن هزینه ها و تعاملات ایجاد میکند. در

۴ . Case-based reasoning

غیاب معیار هزینه، ترمیم ساحلی و جریان داشتن، تنها استراتژی قابل استفاده برای حفاظت است؛ در حالی که با حضور معیار هزینه، مدیریت زمین با ترمیم ساحلی و جاری شدن، مقرون به صرفه ترین راه برای حفاظت از آب و آبیان است. بر اساس یافته های مقاله، رتبه بندی استراتژیهای حفاظت به این بستگی دارد که آیا تهدیدهای متقابل چندگانه در نظر گرفته شده اند یا خیر. همچنین تولید محصولات کشاورزی باید با اکوسیستمهای سلامت به منظور هماهنگ کردن اقدامات، سازگار شوند. مدیریت زمین مقرون به صرفه تر از ترمیم ساحلی در مناطق روستایی است، اما انتظار می رود که بدون سرمایه گذاری در ترمیم، فقط بهبود کمی در تنوع زیستی آب شیرین صورت گیرد. در جایی دیگر رتبه بندی استراتژیهای مدیریت لجن فاضلاب توسط Bertanza و همکاران (2016) انجام گرفته است. آنها مدلی بر اساس تحلیل تصمیم چند معیاره^۵ با بیش از ۳۰ پارامتر برای ارزیابی استراتژیهای مدیریت زوائد فاضلاب ارائه کرده اند و آن را برای یک منطقه با ۵۰۰۰۰۰ سکنه اجرا نموده اند؛ در این منطقه استفاده کشاورزی، سوزاندن، اکسیداسیون مرطوب و بازیابی در کوره سیمان کیلن (Kiln) صورت میگیرد. با بررسی این چهار جایگزین نتایج به دست آمده برای اولویت بندی استراتژیها عبارت است از: استفاده کشاورزی <<<< سوزاندن <<<< سیمان کیلن <<<< اکسیداسیون مرطوب.

روو و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقات خود به بررسی مشخصات زیست محیطی زنجیره تولید و عرضه پرداخته اند. در این پروژه برای ارزیابی اثرات زیست محیطی در یک منطقه بیش از حد خشک از روش LCA استفاده شده است. آنها به این نتیجه رسیدند که تولید کودهای معدنی به نظر می رسد یک منبع مهم تاثیر گذار در این رابطه باشد. همچنین حالت حمل و نقل بار و مسافت ها، نقش کلیدی در مسئولیت های کلی زیست محیطی دارد. در نهایت در این مطالعه در نظری ارائه داده اند که، یک پروکسی برای درک نقاط خاص مربوط به تولید مارچوبه سبز در پرو، می تواند به عنوان یک راه برای شرکت های در مقیاس متوسط، کوچک و محلی برای بهبود بازیابی زیست محیطی خود

۵ . Multi Attribute Decision Analysis

باشد. در سال ۲۰۱۵، زیلانی و همکاران در مطالعه‌ای با هدف بررسی عوامل موثر بر پذیرش نوآوری سبز و اثر آن بر عملکرد شرکت‌های تولیدکننده خودرو در کشور مالزی پرداختند. در این پژوهش با بررسی زنجیره تامین ۱۵۳ شرکت خودروساز مالزیایی که داده‌های آنها با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار گرفت، دریافتند که مقررات زیست محیطی، تقاضا در بازار، و طرح‌های داخلی شرکت دارای اثر مثبت بر روی طرح‌های نوآوری سبز دارای اثر مثبت بر سه دسته از عملکرد پایدار (به عنوان مثال، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی) دارند. همچنین در همین سال کوزی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به ارائه ارزیابی مکانی برای کشاورزی با هدف افزایش بهره‌وری از نظر اقتصادسنجی در کشور ایتالیا پرداختند. در این پژوهش که در در منطقه باسیلیکاتا ایتالیا انجام گرفته برای فیلتر کردن فضولات ناشی از پسماندهای شیمیایی از روش متوسط وزنی و با استفاده از کمیت سنج کلامی مورد استفاده قرار گرفت. براین اساس نقشه مناسب برای کاهش محصولات کشوری که به دور از پسماندهای شیمیایی و بخصوص پسماندهای آبی بود در سطح منطقه مورد مطالعه مشخص گردید. براساس مقیاس‌های زمین‌شناسی و همچنین کشاورزی مورد استفاده در این پژوهش محققان دریافتند که از کل سطح منطقه مورد مطالعه فقط ۲۵ هکتار از ۱۶۳ هکتار موجود قابل کشت می‌باشد. همچنین نتایج این پژوهش موید این واقعیت می‌باشد که در صورت جلوگیری نکردن از ورود پسماندهای شیمیایی و بخصوص آلاینده‌های آبی به آب‌های زیر سطحی مناطق کشاورزی، این مناطق در خطر نابودی خواهند بود. در پژوهشی دیگر بوکنگت و همکاران (۲۰۱۵) به ارزیابی خطرات موجود در تولید محصولات تازه کشاورزی با وجود سبز بودن برگ‌های آن در طول زنجیره تامین آن در اروپا پرداختند. در این پژوهش با توجه به بررسی‌های انجام گرفته بر روی طیف وسیعی از آلاینده‌های محیط‌زیستی و بخصوص آلاینده‌های آب به این نتیجه دست یافتند که خطرات تهدید کننده فقط یک خطر بهداشت عمومی توسط ویروس‌ها در مواد غذایی مطرح زنجیره‌های تولید نمیباشد و تنها با شناسایی و ارزیابی ویروس‌ها در محصولات

در خرده فروشی نمیتوان به مقابله با آن پرداخت. بر این اساس ارائه راهکاری در این رابطه بسیار حائز اهمیت میباشد. در این پژوهش با استفاده از یک مدل مفهومی و بررسی شاخص‌های تاثیرگذار بر روی کیفیت محصولات کشاورزی از قبیل: میزان آلاینده‌های آب مانند فنول، نیتريد، آمونیاک و نیترات موجود در چندین ماده غذایی کشت شده نزدیک به مراکز صنایع شیمیایی در چندین نقطه از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تاثیر منفی این آلاینده‌ها بر روی کیفیت محصولات به وفور مشاهده شده است. نتایج پژوهش بروی چند محصول خاص کشاورزی مانند کاهو و میوه‌های نرم شکل مانند توت فرنگی، در مناطق آلوده در مقایسه با مناطق پاک کیفیت این محصولات به میزان ۹۷/۵٪ افت کیفیت داشتند و این کاهش کیفیت به دلیل رها نمودن آلاینده‌های صنایع شیمیایی موجود در منطقه به سمت مزارع کشاورزی می‌باشد.

۳- ضرورت و نوآوری تحقیق (کاهش مخاطرات زیست محیطی)

ویژگی محیط کسب و کار مدرن، رقابت دائماً در حال افزایش و جهانی‌سازی اقتصاد است. در چنین شرایطی تولیدکنندگان از استراتژی‌ها و تکنولوژی‌های جدید به منظور دستیابی به محیط زیست بهره می‌جویند. در نتیجه طی سال‌های اخیر، مدیریت زنجیره تامین به‌عنوان یک فلسفه کسب و کار اثربخش توجه زیادی را هم از سوی دانشگاه و هم از سوی صنعت به خود جلب کرده است. از آنجایی که روش‌های زنجیره‌ی تامین سبز انقلاب سبزی در سطح زنجیره تامین ایجاد کرده است، شرکت‌ها باید از منابع داخلی و خارجی خود به منظور اجرای روش‌های زنجیره‌ی تامین سبز استفاده کنند. آلودگی آب و منابع زیرزمینی با آلاینده‌های مختلف آثار منفی زیست محیطی متنوعی به دنبال دارد. آلودگی ناشی از فعالیتهای صنعتی همواره موجب دلمشغولی دست‌اندرکاران صنعت و مراجع ناظر بر حفظ محیط زیست بوده و برگزیدن سیاست‌های سازگار و راه‌حلهای منطقی برای پاکسازی محیط زیست در مسیری هماهنگ با ملاحظات زیست محیطی، اجتناب‌ناپذیر است. باتوجه به تاثیر محیط زیست در زندگی و به طبع آن بقای انسان، حفاظت از محیط زیست امری ضروری تلقی می‌شود. لذا



برای دستیابی به این هدف شناخت مواردی که زمینه‌ی آلودگی محیط زیست را فراهم می‌کنند. بدیهی به نظر می‌رسد با توجه به اینکه کشور دارای شهرک‌های صنعتی (صنایع تولیدی) زیادی بوده لذا آگاهی و شناخت عوامل موثر در آلودگی- های زیست محیطی آن مهم جلوه می‌دهد. بدین وسیله میتوان این عوامل را کاهش داده و برای حذف آنها تدابیر مهمی اندیشید و در راستای حفظ محیط زیست برآمد. از آنجایی که آب یک کالای مصرفی و بی ارزش نیست. آب امروزه یک کالای استراتژیک، راهبردی اقتصادی و بسیار ارزشمند است و دارندگان آن قدرت چانه زنی و برهم زدن معادلات سیاسی و منطقه ای را دارا هستند. همچنین کمبود آب در مناطق خشک و نیمه خشک از یک طرف و استفاده‌ی بیرویه و غلط از منابع آب و آلودگی آن از طرف دیگر، تهدیدی جدی برای توسعه‌ی پایدار و حفاظت محیط زیست است. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا و همچنین با توجه به مطالعات پیشین به شکاف مطالعاتی و فقدان روشی کارآمد برای شناسایی و اولویتبندی انواع آلودگی‌های آب در زنجیره تامین سبز دست یافتیم. با توجه به این واقعیت در این پژوهش سعی داریم تا با طراحی سیستم خیره برای شناسایی و اولویت بندی انواع آلودگی‌های آب در زنجیره تامین سبز بتوان به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیاز جامعه هدف ارائه گردد. به طور خلاصه نوآوری‌های این پژوهش شامل موارد زیر می‌شود. در این پژوهش پیش‌بینی می‌شود آلاینده‌های اساسی و میزان آنها در صنعت نفت و پتروشیمی کشور و بخصوص در استان تهران استخراج و پس از رتبه‌بندی شاخص- ها و زیرشاخص‌ها با روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای و مدلسازی ریاضی و حل آن با ارائه به سازمان‌های مربوطه گامی موثر در جلوگیری از تخریب محیط توسعه آلاینده‌ها این صنعت برداشته شود. از آن جایی که ایران کشوری نفت خیز است و دارای پالایشگاه‌های فراوان و صنایع پتروشیمی و مرتبط با آن میباشد، از نتایج طرح فوق میتوان در این صنایع و صنایع مشابه نیز بهره مند شد.

۴- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و در چارچوب تحقیقات توصیفی و مدلسازی قرار می-

گیرد و از حیث نوع یک روش ارزیابی مبتنی بر تحلیل پرسشنامه‌ای در فضای واقعی هست؛ که میتواند به‌عنوان یک مطالعه موردی مطرح شود، تعیین شاخص‌های ورودی و خروجی، به دست آوردن و استخراج متغیرها در این نوع از تحقیقات خود بخش مهمی از اجرای این تحقیق هست. با توجه به مطالب فوق در این پژوهش پس از بررسی و شناسایی دقیق آلاینده‌های آب در صنایع سنگین بخصوص صنعت نفت و پتروشیمی که از طریق مصاحبه و استفاده از نظرات خبرگان امر(کارشناسان محیط زیست و بررسی آزمایشات گذشته در این حوزه و روش PCA با طراحی ماتریسهای ارجحیت، اقدام به جمع‌آوری داده‌های این پژوهش می- نمایم. پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و تحلیل و بررسی پرسشنامه، به رتبه‌بندی دقیق آلاینده- های آب از روش‌های مرسوم تصمیم‌گیری چند معیاره (مانند روش ANP) می‌نمایم. سپس با توجه به تحلیل ماتریسها و همچنین تحلیل‌های بدست آمده از روش ANP به تخصیص منابع محدود به فعالیت‌های تولید(فعاليتها در قالب تولید سبز) از قبل تعریف شده با ارائه یک مدل ریاضی و حل آن در جهت کاهش آلاینده‌های زیست محیطی اقدام میگردد. مراحل انجام‌گرفته در این تحقیق به شرح زیر است: تعیین معیارها با استفاده از پیشینه تحقیق و روش PCA؛ تهیه پرسشنامه؛ بررسی پایایی پرسشنامه؛ جمع‌آوری داده‌ها؛ تعیین روایی سؤالات پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده؛ وزن‌دهی متغیرها؛ تحلیل و رتبه‌بندی با استفاده از روش ANP؛ مدل‌سازی ریاضی و حل آن.

۴-۱- تحلیل مولفه‌های اصلی^۶

تحلیل مولفه‌های اصلی یکی از روش‌های کلاسیک چند متغیره و شاید قدیمی‌ترین و معروف‌ترین آنها باشد. این روش ابتدا به منظور تجزیه و تحلیل ساختارهای ماتریس‌های واریانس- کواریانس و ضریب همبستگی توسعه داده شد. مثل بسیاری از روش‌های چند متغیره تا قبل از اختراع رایانه‌ها به دلیل پیچیدگی در محاسبات به طور گسترده ای مورد استفاده واقع نشد. بعد از آن از دیدگاه تئوری و کاربرد به طور وسیعی توسعه پیدا کرده و بکار برده شد. این نوع تجزیه را می‌توان از دیدگاه‌های

مختلف مورد توجه قرار داد: تبدیل متغیرهای وابسته به متغیرهای غیر همبسته؛ یافتن ترکیبات خطی با تغییرپذیری نسبی بزرگ یا کوچک؛ کاهش حجم داده ها؛ تفسیر داده ها. این نوع تجزیه معمولاً یک تجزیه نهایی تلقی نمی شود بلکه به عنوان وسیله ای میانی برای مطالعات و بررسی های بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد. جنبه های ریاضی مورد استفاده در این روش شامل مقادیر ویژه و بردارهای ویژه ماتریس های همیشه مثبت متقارن است. کاهش حجم داده ها هدف اصلی این تجزیه را تشکیل می دهد که این داده ها شامل تعداد زیادی متغیرهای با همبستگی های درونی می باشند به طریقی که حداکثر ممکن اطلاعات موجود در داده ها محفوظ بماند. این امر از طریق تبدیل داده ها (متغیرها) به متغیرهای جدیدی است که مولفه های اصلی نامیده شده و غیر همبسته بوده و به ترتیبی اولویت بندی می شوند که تعداد اندکی از آنها اغلب تغییرات موجود در متغیرهای اولیه را با خود به همراه دارند. در تجزیه مولفه های اصلی گرچه ظاهراً توجه اصلی روی واریانس متغیرها است اما با توجه به روابط بین واریانس ها و کواریانس ها این روش به طور ضمنی کواریانس ها یا ضرایب همبستگی را نیز مورد توجه قرار می دهد.

۴-۲- روش فرآیند تحلیل شبکه‌های (ANP)

ساعتی در سال ۱۹۹۶ روشی را برای تصمیم‌گیری چند معیاره ارائه کرده است که این روش فرآیند تحلیل شبکه یا به اختصار ANP نامیده شده و هدف از ارائه آن ساختن مدلی هست که از طریق آن بتوان مسائل پیچیده تصمیم‌گیری چند معیاره را به صورت اجزاء کوچک‌تر تجزیه نمود و به واسطه مقاردهی معقولانه به اجزاء ساده‌تر و سپس ادغام این مقادیر تصمیم‌گیری نهایی را انجام داد. روش ANP شکل توسعه یافته‌ای از روش AHP است که قادر است همبستگی‌ها و بازخوردهای موجود بین عناصر مؤثر در یک تصمیم‌گیری را مدل‌سازی نموده و تمامی تأثیرات درونی اجزای مؤثر در تصمیم‌گیری را منظور و وارد محاسبات نماید، لذا به واسطه این ویژگی این فن متمایز و برتر از مدل‌های قبلی مربوطه هست. در واقع می‌توان گفت که AHP شکل خاصی از روش ANP هست. روش ANP دارای دو قسمت اصلی است که این دو

قسمت را در یک فرآیند ادغام می‌نماید. قسمت اول شامل دسته‌هایی مرکب از ملاک‌های کنترلی و زیر ملاک‌ها و نیز دسته جای گزینه‌های داوطلب هست و قسمت دوم شبکه‌ای از بردارها و کمان‌ها که نشان‌دهنده وابستگی‌ها و همبستگی‌ها و نیز بازخوردهای موجود در سیستم تصمیم‌گیری است، هست. این روش در نهایت بر پایه انجام مقایسات زوجی که مشابه با مقایسه‌های زوجی انجام گرفته در روش AHP است، هست. فرآیند تحلیل شبکه‌ای را می‌توان کامل‌ترین روش تصمیم‌گیری چند معیاره نامید که تاکنون ارائه شده است؛ اما مشکل اساسی که در این مدل وجود دارد قسمت انجام مقایسات زوجی هست، این مشکل که در روش AHP نیز وجود دارد از آن جهت است که یک تصمیم‌گیرنده همواره با حالت‌های دقیق نظردهی مواجه نبوده و در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های دنیای واقعی، تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند با قطعیت در مورد مقایسات زوجی تصمیم‌گیری نمایند. فرآیند مدل‌سازی شامل مراحل زیر هست:

گام اول، پایه‌ریزی مدل و ساختار مسئله

گام دوم، ماتریس مقایسات زوجی و برآورد وزن نسبی

گام سوم، تشکیل سوپر ماتریس اولیه

گام چهارم، تشکیل سوپر ماتریس وزنی

گام پنجم، محاسبه بردار وزنی عمومی

گام ششم، محاسبه وزن نهایی معیارها

۴-۳- مدل برنامه ریزی ریاضی

در این بخش به مدل‌سازی برنامه‌ریزی آرمانی با توجه به نتایج روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای می‌پردازیم. قبل از پرداختن به مدل‌سازی به تعریف متغیرها و پارامترهای مورد استفاده در مدل می‌پردازیم.

مجموعه‌ها

i	:	شاخص آلاینده‌های اصلی
I	:	مجموعه آلاینده شاخص‌های اصلی $I = \{1, \dots, m\}$
j	:	شاخص صنعت
J	:	مجموعه صنایع آلاینده $J = \{1, \dots, n\}$
k	:	زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی
K	:	مجموعه زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی $K = \{1, \dots, p\}$

پارامترها و متغیرهای تصمیم

g_i	:	حداقل سطح مجاز آلاینده‌گی زیست محیطی شاخص‌های اصلی i ام
a_i	:	وزن آلاینده‌گی زیست محیطی شاخص‌های اصلی i ام
l_j	:	حداقل سطح مجاز آلاینده‌گی زیست محیطی شاخص‌های اصلی در صنعت J ام
b_j	:	وزن آلاینده‌گی زیست محیطی زیست محیطی شاخص‌های اصلی در صنعت J ام
o_k	:	حداقل سطح مجاز آلاینده‌گی زیست محیطی زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی k ام
d_k	:	وزن آلاینده‌گی زیست محیطی زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی k ام
s_{ijk}	:	اگر سطح مجاز آلاینده‌گی زیست محیطی زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی k ام در صنعت J ام شاخص‌های اصلی i ام بیشتر باشد برابر با ۱ در غیر اینصورت برابر با صفر
c_{ijk}	:	ضریب تاثیر آلاینده‌گی زیست محیطی زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی k ام در صنعت J ام شاخص‌های اصلی i ام
y_{ijk}	:	اگر زیرمعیارهای شاخص آلاینده‌های اصلی k ام در صنعت J ام شاخص‌های اصلی i ام بیشتر باشد برابر با ۱ در غیر اینصورت برابر با صفر

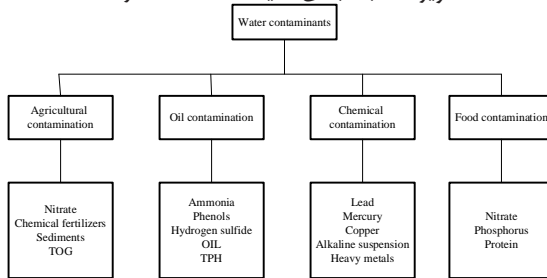


۵- معرفی معیارهای موثر و زیر معیارها در فرآیند ارزیابی

در این تحقیق، با ارائه چارچوبی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی میزان سبز بودن صنایع تولیدی و ارائه راهکاری برای ارتقای سبز بودن زنجیره تامین است. با توجه به سوابق و مصاحبه با کارشناسان خبره، معیارهای موثر در فرآیند ارزیابی به صورت گام‌های ارائه شده در تحقیق بر اساس شکل ۱ تنظیم شده است. در این مدل هدف شناسایی و اولویت‌بندی آلاینده‌های صنعتی در آب (پساب) است که در سطح یک قرار دارد. عمده آلاینده‌های آلی آب ناشی از صنایع نفت و پتروشیمی، ۴ معیار اصلی کشاورزی، شیمیایی، نفتی و غذایی می‌باشند. در سطح دو زیر شاخص‌ها آمده است که به صورت نیترات (NO_3)، نیتريد (N_3^-) و آمونیاک (NH_3) موجود در صنایع غذایی، فسفات (PO_4)، سولفات (SO_4) و کلراید (CL^-) موجود در صنایع شیمیایی، فنول ($\text{C}_6\text{H}_5\text{OH}$)، سولفید (H_2S)، نفت، جیوه (Hg) و کادمیم (Cd) موجود در صنایع نفتی و نیترات (NO_3)، آمونیاک (NH_3)، فسفات (PO_4) و کلراید (CL^-) موجود در صنایع کشاورزی می‌باشد. (BOD)، (COD)، (TSS)، (TDS) که به عنوان شاخص‌های ارزیابی مقایسه‌ای آلاینده‌ها در همه‌ی صنایع تولیدی می‌باشند، که آنها نیز به عنوان زیر معیار در سطح سوم قرار دارد. که در نهایت این آلاینده‌ها در صنعت به ترتیب میزان آلاینده‌گی در محیط زیست اولویت‌بندی می‌شوند. لیست آلاینده‌ها به قرار زیر می‌باشند (کوزی و همکاران، ۲۰۱۵).

تقسیم‌بندی آلاینده‌های آب

تصویر ۱. طبقه‌بندی آلاینده‌ها؛ ماخذ: نگارنده.



فرآیندهای انتخاب معیارهای انتخاب میزان آلودگی صنایع بر مبنای دو حوزه‌ی زیر بنا نهاده شده است: ۱. بررسی معیارهای مورد استفاده توسط پژوهشگران گذشته؛ ۲. بررسی شاخص‌های آلاینده‌ی و صنایع مهم آلوده کننده از منظر مدیران و کارشناسان محیط زیست. بر مبنای فرآیند گفته شده، مجموعه‌ای از مهمترین شاخص‌های انتخاب صنایع و آلاینده‌ها، به عنوان اصلی‌ترین معیارها سنجش مدنظر قرار گرفتند. توضیح این که آلاینده‌های آب در صنایع نفت و پتروشیمی با ۴ معیار اصلی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. **معیار آلودگی صنایع غذایی؛** بر مبنای میزان اهمیت و افزایش این آلاینده‌ها در آبهای زیرزمینی، معیار صنایع غذایی از سه زیر معیار «نیترات، فسفر و پروتئین» تشکیل شده است (ژانگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۳).

۲. **معیار آلودگی صنایع شیمیایی؛** چهار مورد زیر به عنوان مهمترین زیر معیارهای ویژگی‌های این صنعت در آزمایشگاه معتمد محیط زیست مطرح هستند که در این مرحله انتخاب شده‌اند: سرب، جیوه، مس، قلیایی بودن موادمعلق و فلزات سنگین (وو^۸ و همکاران، ۲۰۱۲).

۳. **معیار آلودگی صنایع نفتی؛** موارد زیر نیز از مهمترین زیرمعیارهای این صنعت در سنجش میزان آلاینده‌ی به شمار می‌رود: فنول، سولفید هیدروژن، نفت، آمونیاک و TPH (زیلانی^۹ و همکاران، ۲۰۱۵).

۴. **معیار آلودگی صنایع کشاورزی؛** همچنین چهار مورد زیر به عنوان زیرمعیارهای مربوط به صنایع کشاورزی استخراج و مدنظر قرار گرفته است: نیترات- کودهای شیمیایی- رسوبات و TOG (یونگ مینگ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۶) شکل ۱ نشان‌دهنده آلاینده‌های اصلی به تفکیک نوع آن می‌باشد.

۶- تجزیه و تحلیل و بیان یافته‌ها ۶-۱- تحلیل آماری

براساس مطالعات پیشین ۲۰ شاخص آلاینده آب استخراج گردید و در بین ۱۴۵ افراد خبره قرار گرفت تا براساس تجربه قبلی خود به آنها امتیازی بین ۱ (کمترین اهمیت) الی ۱۰ (بیشترین اهمیت) داده شود. براین اساس به جهت رتبه‌بندی آلاینده‌ها از روش‌های آماری و بخصوص آنالیز فاکتور و PCA استفاده نمودیم. در ادامه این بخش به بیان نتایج پرسشنامه باز می‌پردازیم. در جداول ۱ و ۲ نتایج تحلیل عاملی اولیه شاخص‌ها برای تخمین عملکرد تأثیری هریک از آلاینده‌ها بر هدف مسئله نشان داده شده است.

جدول ۱. نسبت واریانس، هر یک از آلاینده‌ها

Commonalities	Initial	Extraction
Nitrate	۱,۰۰۰	.۷۸۲
phosphor	۱,۰۰۰	.۶۷۱
PH	۱,۰۰۰	.۶۶۷
Oil	۱,۰۰۰	.۶۶۷
TDS	۱,۰۰۰	.۷۱۲
heavy metals	۱,۰۰۰	.۵۹۹
TSS	۱,۰۰۰	.۵۵۹
Ammonia	۱,۰۰۰	.۵۹۹
Phenols	۱,۰۰۰	.۵۲۲
Protein	۱,۰۰۰	.۴۹۱
Chemical fertilizers	۱,۰۰۰	.۶۲۷
COD	۱,۰۰۰	.۵۹۱
Sediments	۱,۰۰۰	.۷۱۲
Hydrogen sulfide	۱,۰۰۰	.۶۸۲
Lead	۱,۰۰۰	.۷۰۸
Mercury	۱,۰۰۰	.۷۲۵
Copper	۱,۰۰۰	.۷۲۶
DO	۱,۰۰۰	.۵۷۲
BOD	۱,۰۰۰	.۴۷۲
Sodium	۱,۰۰۰	.۷۷۹

Extraction Method: Principal Component Analysis.

Zhang .۷

Wu .۸

Zailani .۹

Yongming .۱۰

جدول ۱ نسبت واریانس امتیازات اخذ شده هریک از آلاینده توسط خبرگان را نشان می‌دهد. همانطوری که در جدول فوق قابل مشاهده می‌باشد، آلاینده‌های نیترات، سدیم و TDS بیشترین امتیاز را از خبرگان محیط زیست در حوزه آلاینده‌گی آب به خود اختصاص دادند

جدول ۲. رتبه بندی نهایی آلاینده‌ها براساس نظرات خبرگان

Final Ranking	Score	Contaminants
۲	-۰.۸۵۵	Nitrate
۱۱	-۰.۷۳۴	phosphor
۵	-۰.۸۰۸	PH
۱۵	-۰.۷۱۹	OIL
۱۷	-۰.۷۱۱	TDS
۱۳	-۰.۷۲۶	heavy metals
۱۲	-۰.۷۲۹	TSS
۱۳	-۰.۷۲۶	Ammonia
۴	-۰.۸۲	Phenols
۱۶	-۰.۷۱۷	Protein
۱۸	-۰.۷۰۷	Chemical fertilizers
۸	-۰.۷۶۴	COD
۹	-۰.۷۵۴	Sediments
۱۴	-۰.۷۲۶	Hydrogen sulfide
۱	-۰.۸۷	Lead
۱۹	-۰.۷۰۳	TOG
۷	-۰.۷۸۵	Mercury
۶	-۰.۷۸۸	Copper
۱۰	-۰.۷۳۲	DO
۲۰	-۰.۷۰۳	BOD
۳	-۰.۸۷۴	Sodium

مقایسات زوجی انجام شده و روش اصلاح شده اصغرپور و همکاران (۱۳۸۸) وزن مؤلفه‌ها را بدست آورده شده و بر اساس آن اولویت‌بندی میشوند. نتایج با استفاده از نرم‌افزار Super Decision محاسبه گردید. در تحقیق حاضر، از تکنیک ANP برای تعیین اولویت آرمان‌ها (اهداف) استفاده شد. بدین منظور، به کمک پرسشنامه ANP، از ۱۵ مدیر و کارشناس حوزه زیست محیطی مرتبط با آلاینده‌های نفت و پتروشیمی نظرخواهی شد، که در نتیجه نرخ ناسازگاری ۰/۰۴ به‌دست آمد. با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری، کمتر از ۰/۱ است، اوزان به‌دست آمده، قابل اعتماد هستند. در ادامه نتایج حاصل از فرآیند تحلیل شبکه‌ای به تفصیل بیان میگردد.

جدول ۳. رتبه‌بندی معیارهای اصلی

The main criterion	weight	Rank
agricultural contaminants	-۰.۳۲۱	۱
chemical industries	-۰.۲۸۶	۲
oil contaminants	-۰.۱۵۲	۴
food industries	-۰.۲۲۱	۳

جدول ۳ بیانگر رتبه‌بندی معیارهای اصلی آلاینده‌های آب میباشد. همانطوری که در جدول مشاهده میشود آلاینده‌های کشاورزی با وزن ۰/۳۲۱ در رتبه اول و آلاینده‌های نفتی با وزن ۰/۱۵۲ در رتبه چهارم قرار دارند. در ادامه در جدول ۴ الی ۷ بیانگر رتبه‌بندی زیرمعیارهای آلاینده‌های هریک از معیارهای چهارگانه اصلی میباشد.

جدول ۴. رتبه بندی زیر معیارهای آلاینده‌های غذایی

The main criterion	weight	Rank
Nitrate	-۰.۲۵۵	۱
Phosphorus	-۰.۲۴۱	۲
Protein	-۰.۱۱۴	۳

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که عنصر نیترات در زیرمعیار آلاینده‌های غذایی در رتبه اول می‌باشد. همچنین این نتیجه موید بخش اول پژوهش در پرسشنامه باز میباشد که اکثریت خبرگان این عنصر را به عنوان دومین آلاینده انتخاب کرده بودند.

همانطوری که در جدول ۲ مشاهده میشود، آلاینده سرب (Lead) از نظر خبرگان مهمترین آلاینده آب می‌باشد. بعد از سرب، آلاینده نیترات با امتیاز ۰/۹۵۵ در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنین در جدول فوق میتوان استنباط کرد چند آلاینده از نظر خبرگان امتیاز برابری داشتند مانند سولفید هیدروژن و فلزات سنگین که هر دوی این آلاینده امتیازی برابر با ۰/۷۱۷ را به خود اختصاص دادند.

۶-۲- تحلیل فرآیند شبکه‌ای

به منظور دستیابی به هدف تحقیق پرسشنامه‌های مقایسات زوجی طراحی و بین خبرگان توزیع شد. در این قسمت با توجه به شبکه سلسله مراتبی، جداول

جدول ۵. رتبه‌بندی زیر معیارهای آلاینده‌های کشاورزی

The main criterion	weight	Rank
nitrate	-۰,۳۸۷	۱
chemical fertilizers	-۰,۳۵۵	۲
sediments	-۰,۳۱۵	۳
TOG	-۰,۳۳۲	۴

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که عنصر نیترات در زیرمعیار آلاینده‌های کشاورزی در رتبه اول می‌باشد. همانطور که در نتایج زیرمعیارهای آلاینده‌های غذایی نیز بیان شد، این نتیجه موید بخش اول پژوهش در پرسشنامه باز میباشد که اکثریت خبرگان این عنصر را به عنوان دومین آلاینده انتخاب کرده بودند.

جدول ۶ رتبه‌بندی زیر معیارهای آلاینده‌های شیمیایی

The main criterion	weight	Rank
alkalinity of suspended solids	-۰,۱۵۵	۴
Heavy metal	-۰,۰۹۶	۵
lead	-۰,۳۸۲	۱
mercury	-۰,۱۶۶	۳
copper	-۰,۲۰۱	۲

جدول ۶ بیانگر نتایج رتبه‌بندی زیرمعیارهای آلاینده‌های شیمیایی می‌باشد. همانطوریکه مشاهده میشود سرب با وزن ۰/۳۸۲ در رتبه اول این زیرمعیار میباشد. همانطوری که در جدول ۲ نشان داده شده بود، عنصر سرب از نظر خبرگان حوزه آلاینده‌های محیط زیستی صنایع نفت و پتروشیمی بیشتر تأثیر بر آلودگی محیط را به خود اختصاص داده است.

جدول ۷. رتبه‌بندی زیر معیارهای آلاینده‌های نفتی

The main criterion	Weight	rank
oil	-۰,۱۶۰	۴
TPH	-۰,۱۹۸	۲
ammonium	-۰,۳۰۱	۱
hydrogen sulfide	-۰,۳۸۸	۳
phenol	-۰,۱۳۳	۵

جدول ۷ بیانگر نتایج رتبه‌بندی زیرمعیارهای آلاینده‌های نفتی می‌باشد. همانطوریکه مشاهده میشود آمونیاک با وزن ۰/۳۰۱ در رتبه اول این زیرمعیار میباشد. عناصر TPH و سوافید هیدروژن

به ترتیب با اوزان ۰/۱۹۸ و ۰/۱۸۸ در رتبه‌های دوم و سوم این زیر معیار میباشند.

۳-۶- ارائه مدل ریاضی تابع هدف

$$\min \sum_i \sum_j \sum_k C_{ijk} \cdot y_{ijk} \cdot S_{ijk} \quad (1)$$

رابطه (۱) بیانگر تابع هدف مسئله تحقیق میباشد. این رابطه بیانگر حداقل میزان آلودگی زیست محیطی براساس ضریب اهمیت انتشار آنها در صنعت نفت و پتروشیمی می‌باشد.

محدودیتها

$$\sum_j y_{ijk} \cdot S_{ijk} \leq 1 \quad (2)$$

$$\sum_j y_{ijk} = g_i \quad (3)$$

$$\sum_j y_{ijk} = l_j \quad (4)$$

$$\sum_j y_{ijk} = o_k \quad (5)$$

$$\sum_i g_i \leq 1500 \quad (6)$$

$$\sum_j l_j \leq 250 \quad (7)$$

$$\sum_k o_k \leq 1700 \quad (8)$$

$$\sum_i \sum_j \sum_k y_{ijk} a_i \leq 0.3 \quad (9)$$

$$\sum_i \sum_j \sum_k y_{ijk} b_j \leq 0.4 \quad (10)$$

$$\sum_i \sum_j \sum_k y_{ijk} d_k \leq 0.3 \quad (11)$$

رابطه (۲) تضمین کننده حداقل میزان آلودگی در صنعت بیشتر از حد مجاز نباشند. رابطه (۳) الی (۵) بیانکننده میزان حداقل آلودگی به ترتیب برای معیارهای اصلی، زیرمعیارها و صنعت آلاینده می‌باشد. رابطه‌های (۶) الی (۸) بیانگر حداقل میزان مجاز آلاینده‌های زیست محیطی برای هر یک از شاخص‌های اصلی، زیر شاخص‌ها و صنعت مورد نظر می‌باشند. میزان حداقل‌های در نظر گرفته

جدول ۱۰. سطح مجاز آلاینده‌های شاخص‌های مورد بررسی در دسته آلاینده‌های شیمیایی

میزان اصلی	واحد محاسبه	حداکثر مجاز	حداقل مجاز	میانگین منطقه	وزن
فلزات بوزن مواد	میلی‌گرم بر لیتر	۶۵	۴۴	۷۳	۰.۱۵۵
سبب فلزات سنگین	تعداد در ۱۰۰ میلی‌لیتر	۳ کمتر از	۱ بزرگتر از	۴	۰.۰۹۶
سرب	میلی‌گرم بر لیتر	۵ کمتر از	۳ بزرگتر از	۸	۰.۲۸۲
جیوه	میلی‌گرم بر لیتر	۱۲/۵ کمتر از	۲ بزرگتر از	۱۵/۵	۰.۱۶۶
مس	میلی‌گرم بر لیتر	۵ کمتر از	۳ بزرگتر از	۹	۰.۲۰۱

جدول ۱۱. سطح مجاز آلاینده‌های شاخص‌های مورد بررسی در دسته آلاینده‌های نفتی

میزان اصلی	واحد محاسبه	حداکثر مجاز	حداقل مجاز	میانگین منطقه	وزن
نفت	میلی‌گرم بر لیتر	۷ کمتر از	۳ بیشتر از	۸	۰.۱۶۰
TPH	PHI	۹	۵/۵	۷	۰.۱۶۸
آب‌باز	HOCL میلی‌گرم بر لیتر	۵-	۴۱	۸۶	۰.۲۰۱
سولفید هیدروژن	میلی‌گرم بر لیتر	۴۰۰ کمتر از	بیستتر از	۲۶۵	۰.۱۶۸
فول	میلی‌گرم بر لیتر	۱۰.۸	۰.۰۰۱	۰.۱۱	۰.۱۲۲

مدل فوق با استفاده از نرم‌افزار لینگو ۱۴ حل گردید. نتایج در جدول ۱۲ قابل مشاهده می‌باشند.

شده در این محدودیت‌ها براساس نتایج استاندارد موسسه تحقیقات صنعتی ایران و استاندارد ملی آلاینده‌های زیست‌محیطی آب با کد ۱۰۵۳ می‌باشند. رابطه (۹) الی (۱۱) نشان‌دهنده ضریب وزنی هریک از آلاینده‌های نسبت به کلا آلاینده‌های زیست-محیطی در هریک از صنایع (پتروشیمی و نفت) میباشد. میزان ضرایب تاثیر هریک از آلاینده‌ها براساس پژوهش وو^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۲) بیان شده است.

حل مدل ریاضی

با توجه به محاسباتی که در فوق توسط ماتریس‌ها در جدول ۳ الی ۷ نشان داده شده، و همچنین با توجه به تعریف مدل برنامه‌ریزی، در ادامه به حل مدل تعریف شده با توجه به یافته‌های تحقیق و براساس آلاینده‌ها می‌پردازیم.

جدول ۸. سطح مجاز آلاینده‌های شاخص‌های مورد بررسی در دسته آلاینده‌های کشاورزی

میزان اصلی	واحد محاسبه	حداکثر مجاز	حداقل مجاز	میانگین منطقه	وزن
نیترات	میلی‌گرم بر لیتر	۱۲	۷	۱۲/۸	۰.۲۸۷
کودهای شیمیایی	تعداد در ۱۰۰ میلی‌لیتر	۱۰۰۰ کمتر از	بیستتر از	۸۳۲	۰.۲۵۵
رسوبات	میلی‌گرم بر لیتر	۲۲۰	۱۲۲	۲۰۰	۰.۲۱۵
TOG	میلی‌گرم بر لیتر	۵-	۲۲	۵۵	۰.۱۲۲

جدول ۹. سطح مجاز آلاینده‌های شاخص‌های مورد بررسی در دسته آلاینده‌های غذایی

میزان اصلی	واحد محاسبه	حداکثر مجاز	حداقل مجاز	میانگین منطقه	وزن
نیترات	میلی‌گرم بر لیتر	۱۲	۶	۱۲/۸	۰.۲۵۵
فسفر	تعداد در ۱۰۰ میلی‌لیتر	۱۵۵-	۰.۰۶	۰.۸	۰.۲۲۶
پروتئین	تعداد در ۱۰۰ میلی‌لیتر	۲۵	۱۵	۲۸	۰.۱۱۲



جدول ۱۲. نتایج حل مدل ریاضی در صنعت نفت و پتروشیمی

متغیر	صنعت نفت	
	مقدار	
کشاورزی	۱	۱
نیترات	۱	۱
کودهای شیمیایی	۰	۰
رسوبات	۱	۱
TOG	۰	۰
غذایی	۱	۱
نیترات	۰	۰
فسفر	۰	۰
پروتئین	۱	۱
شیمیایی	۱	۱
قلیایی بودن مواد	۰	۰
سایر فلزات سنگین	۱	۱
سرب	۱	۱
جیوه	۰	۰
مس	۰	۰
نفتی	۰	۰
نفت	۱	۱
TPH	۰	۰
آمونیاک	۱	۱
سولفید هیدروژن	۱	۱
فنول	۱	۱

و صفر عدم آلاینده بودن میباشد. نکته بسیار مهم در نتایج بدست آمده این حقیقت هست که براساس تفاوت تعریف در مقدار سطح آلاینده‌گی هریک از عناصر در واحدهای محیط زیست این دو صنعت، تفاوت در تشخیص آلاینده بودن یا نبودن هر یک از شاخص‌های میباشد که در جدول ۱۲ نیز به وضوح قابل مشاهده می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

فعالیت‌های مربوط به توسعه منابع آب تغییراتی را در محیط زیست بدنبال دارد. اثرات زیست‌محیطی سیستم‌های توسعه منابع آب، در ضمن مفید بودن می‌تواند مضر هم باشند. برای مثال مخازن سدها اغلب بخش‌هایی از بستر سیلگیر رودخانه و نیز حوزه آبریز را تخریب می‌نمایند درحالی‌که از طرف دیگر دریاچه ای بوجود می‌آورند و به این ترتیب بعضی از خصوصیات زیست‌محیطی و اکولوژی این رودخانه‌ها در حوزه‌های آبریز از دست می‌رود. افزایش دمای زمین به این معنی است که سطح آب دریا بالا خواهد رفت و مناطق ساحلی و رودخانه‌ها را غرقاب خواهد کرد و زندگی بیش از ۱۰۰ میلیون جمعیت را به مخاطره خواهد انداخت.

بسیاری از رودخانه‌های کشورهای مانند کارون، زاینده رود، سفید رود علاوه بر مسائل کمی گرفتار تخریب کیفیت منابع آب می‌باشند. پمپ بنزین‌ها و مخازن زیر زمینی ذخیره فرآورده‌ها و مشتقات نفتی به دلیل عدم انجام پایش‌های لازم و پوسیدگی جداره آنها، به طور مرتب محیط و به ویژه منابع آب زیر زمینی را آلوده می‌نمایند. در بیشتر روستاهای کشور، فاضلاب‌های خانگی در سطح کوچه‌ها و انبارهای روباز جاری بوده یا از طریق چاه‌های جذبی دفع میشوند. این نوع تخلیه فاضلاب‌ها آلودگی منابع آب زیر زمینی و سطحی را به دنبال داشته است. همچنین شیرابه‌های ناشی از فضولات دامی که دارای مقدار زیادی ازت و موجودات ریززنده می‌باشند، منابع آب را آلوده می‌نمایند. به طور معمول این منابع آلاینده نیز بیماری‌زا می‌باشند. با محدود کردن منشاء آلاینده‌های آب میتوان تا حد زیادی به بهبود کیفیت منابع آبی کمک نمود. استفاده از مواد شوینده و بهداشتی به صورت کنترل شده و در حد نیاز، محدود کردن استفاده از کودهای شیمیایی و آفت‌کشها و حشره‌کشها و عدم تخلیه

برمبنای یافته‌های تحقیق براساس مدل برنامه-ریزی ریاضی، ۲۰ عنصر به عنوان عناصر آلاینده محیط زیست در دو صنعت نفت و پتروشیمی، به عنوان مهمترین عناصر مشخص گردید. با توجه به ضریب اهمیت نسبی هریک از عناصر که در ماتریس W^{ANP} نشان داده شد (جدول ۳)، بیشتر اهمیت مربوط به آلاینده‌های کشاورزی و کمترین مقدار به آلاینده‌های دسته غذایی مربوط می‌شوند. با توجه به این موارد و داده‌های جداول ۸ الی ۱۱ که از سازمان محیط زیست و آزمایشگاه‌های معتبر سطح استان گردآوری شد، جدول ۱۲ بیانگر نتایج بدست آمده از حل مدل ریاضی در دو صنعت به تفکیک می‌باشد. همانطوری که در جدول ۱۲ قابل مشاهده هست، مقدار یک بیانگر آلاینده بودن

آلاینده‌های نفتی روی زمین‌های نفوذپذیر و منابع آب روان می‌تواند تا حد زیادی از ورود آلاینده به سیستم‌های آبی جلوگیری می‌کند. همچنین باید محل زندگی و چرای دام‌های محلی حتی الامکان دور از منابع آبی باشد تا از ورود فضولات آنها به آب‌های سطحی جلوگیری شود. فاضلاب صنایع، کارگاه‌های کوچک و رستوران‌ها و غذاخوری‌ها محتوی مقادیر زیادی آلاینده‌های آلی و غیرآلی است، که نباید به طور مستقیم و بدون تصفیه به رودخانه و دریاچه‌ها تخلیه گردند. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر و همچنین یافتن اهمیت هریک از آلاینده‌ها، طبق تحقیقات پیشین در زمینه کاهش آلاینده‌های آب، روش‌های مختلفی به منظور حذف آلودگی از منابع آب ابداع شده که می‌توان این روش‌ها را در ۵ دسته کلی قرار داد: روش‌های بیولوژیک، روش‌های شیمیایی، جذب سطحی، اسمز معکوس و تبادل یونی. البته هر کدام از این روش‌ها مشکلات خود را به همراه دارند که از جمله آنها می‌توان به غیراقتصادی بودن برخی از این روش‌ها، آسان نبودن انجام برخی از مراحل حذف آلاینده‌ها و تولید مواد زاید زیاد اشاره کرد. به‌طور مثال روش‌های اسمز معکوس و تبادل یونی موجب تولید آب شور می‌شود. روش‌های بیولوژیک هم نیاز به تامین مستمر بسترهای آلی دارد و از مشکلات این روش نیز می‌توان به تولید لجن اشاره کرد. پژوهشگران برای مقابله با این مشکلات به دنبال طراحی فناوری‌هایی هستند که با کمترین چالش‌ها بتوانند طیف وسیعی از آلاینده‌ها را از منابع آبی حذف کنند. فناوری نانو توجه پژوهشگران محیط‌زیست را به خود جلب کرده و به‌طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است.

۸- پیشنهادات

۱. استفاده از محاسبات Z-numbers در بررسی متغیرها
۲. توسعه روش‌های ابتکاری و فراابتکاری دیگر برای مسائل بهینه‌سازی چند هدفه تحت شرایط عدم قطعیت با ابعاد بزرگ
۳. مدل‌سازی مسئله با در نظر گرفتن اهداف دیگری نظیر کمینه نمودن تغییر در سطح نیروی انسانی، کمینه نمودن انتشار گازهای گلخانه‌ای و پسماندهای صنعتی

۴. مدل‌سازی مسئله بصورت سلسله مراتبی و مقایسه نقاط ضعف و قوت آن با رویکرد یکپارچه

۵. مدل‌سازی بصورت غیر متمرکز و مقایسه نقاط ضعف و قوت آن نسبت به رویکرد متمرکز (در مدل‌های پیشنهادی تمام تصمیمات تاکتیکی و عملیاتی توسط شرکت اصلی و با لحاظ نمودن زیان و سود کل زنجیره بصورت متمرکز مدل شده است، رویکرد غیر متمرکز می‌تواند این گونه باشد که در زنجیره تأمین، هر شرکت بصورت منفرد طوری برنامه‌ریزی شود ضمن آنکه برنامه خود را بهینه نماید در یک بازی چند طرفه کل زنجیره نیز به سمت بهینه کل حرکت نماید)

- Water Management, 159, 185-196.
- Donnachie, R. L., Johnson, A. C., Moeckel, C., Pereira, M. G., & Sumpter, J. P. (2014). Using risk-ranking of metals to identify which poses the greatest threat to freshwater organisms in the UK. *Environmental Pollution*, 194, 17-23.
- F. Faiku, A. Haziri (2016), Assessment of the water quality of Lumbardhi river, Prizren (Kosovo). *Bulgarian Chemical Communications*, Volume 48, Number 4 (pp. 646 – 658) 2016
- Giubilato, E., Zabeo, A., Critto, A., Giove, S., Bierkens, J., Den Hond, E., & Marcomini, A. (2014). A risk-based methodology for ranking environmental chemical stressors at the regional scale. *Environment international*, 65, 41-53.
- Kudlak, B., Tsakovski, S., Simeonov, V., Sagajdakow, A., Wolska, L., & Namieśnik, J. (2014). Ranking of ecotoxicity tests for underground water assessment using the Hasse diagram technique. *Chemosphere*, 95, 17-23.
- Lam, C. W., Lim, S. R., & Schoenung, J. M. (2011). Environmental and risk screening for prioritizing pollution prevention opportunities in the US printed wiring board manufacturing industry. *Journal of hazardous materials*, 189(1), 315-322.
- Liu, G., E. D. Larson, R. H. Williams, T. G. Kreutz and X. Guo (2011). "Making fisher-tropsch fuels and electricity from coal and biomass: Performance and cost analysis." *Energy & Fuels* 25: 415-437.
- Mantyka-Pringle, C. S., Martin, T. G., Moffatt, D. B., Udy, J., Olley, J., Saxton, N., ... & Rhodes, J. R. (2016). Prioritizing management actions for the conservation of freshwater biodiversity under changing climate and land-cover. *Biological Conservation*, 197, 80-89.
- Mulbry, W., Kangas, P., & Kondrad, S. (2010). Toward scrubbing the bay: Nutrient removal using small algal turf scrubbers on Chesapeake Bay tributaries. *Ecological Engineering*, 36(4), 536-541.
- Pantazidou, M., Kapniaris, S., Katsiri, R. Z., & Zanjiri, M. (2013). Assessment of the water quality of the Lumbardhi river, Prizren (Kosovo). *Bulgarian Chemical Communications*, 45(4), 646-658.
- Ramudhin, A., Chaabane, M., Paquet, A. (2010). "Carbon market sensitive sustainable supply chain network design", *International Journal of Management Science and Engineering Management* 5(1). 30-38.
- Azadfallah, M., & Azizi, M. (2016). A new approach in group decision-making based on pairwise comparisons for International Business and Entrepreneurship Development, 8(2), 159-165.
- Bertanza, G., Baroni, P., & Canato, M. (2016). Ranking sewage sludge management strategies by means of Decision Support Systems: A case study. *Resources, Conservation and Recycling*, 110, 1-15.
- Bouwknegt, M., Verhaelen, K., Rzeżutka, A., Kozyra, I., Maunula, L., von Bonsdorff, C. H., & Pavlik, I. (2015). Quantitative farm-to-fork risk assessment model for norovirus and hepatitis A virus in European leafy green vegetable and berry fruit supply chains. *International journal of food microbiology*, 198, 50-58.
- Caravanos, J., Gualtero, S., Dowling, R., Ericson, B., Keith, J., Hanrahan, D., & Fuller, R. (2014). A simplified risk-ranking system for prioritizing toxic pollution sites in low-and middle-income countries. *Annals of global health*, 80(4), 278-285.
- Cozzi, M., Viccaro, M., Di Napoli, F., Fagarazzi, C., Tirinnanzi, A., & Romano, S. (2015). A spatial analysis model to assess the feasibility of short rotation forestry fertigated with urban wastewater: Basilicata region case study. *Agricultural*

- A., & Christidis, A. (2007). Pollutant trends and hazard ranking in Elefsis Bay, Greece. *Desalination*, 210(1-3), 69-82.
- Papa, M., Alfonsín, C., Moreira, M. T., & Bertanza, G. (2016). Ranking wastewater treatment trains based on their impacts and benefits on human health: a "Biological Assay and Disease" approach. *Journal of Cleaner Production*, 113, 311-317.
- Qu, J., Meng, X., & You, H. (2016). Multi-stage ranking of emergency technology alternatives for water source pollution accidents using a fuzzy group decision making tool. *Journal of hazardous materials*, 310, 68-81.
- Razmi, J., Sangari, M. S., & Ghodsi, R. (2009). Developing a practical framework for ERP readiness assessment using fuzzy analytic network process. *Advances in Engineering Software*, 40(11), 1168-1178.
- Rohani, A., Keramati, A. & Razmi, J. (2016). Presenting an Innovative Approach Combining FA and ANP Methods to Identify and Prioritize Water Pollutants in Petroleum and Petrochemical Industries. *Archives of Business Research*, 4(6), 405-418.
- Saaty (1996). *Analytical Network Process*. RWS Publications, USA.
- Tsyntsarski, B. G., Petrova, B. N., Budinova, T. K., Petrov, N. V., & Teodosiev, D. K. (2014). Removal of phenol from contaminated water by activated carbon, produced from waste coal material. *Bulgarian Chemical Communications*, 46(2), 353-361.
- Vázquez-Rowe, I., Kahhat, R., Quispe, I., & Bentín, M. (2016). Environmental profile of green asparagus production in a zone in coastal Peru. *Journal of hyper-arid Cleaner Production*, 112, 2505-2517.
- Wu, G.C., J.H., Ding, P.S., Chen. 2012. The effects of GSCM drivers and institutional practices in Taiwan's pressure on GSCM textile and apparel industry, *International Economics, Production* Vol. 135, pp. 618-636.
- Zailani, S., Govindan, K., Iranmanesh, M., Shaharudin, M. R., & Chong, Y. S. (2015). Green innovation adoption in automotive supply chain: the Malaysian case. *Journal of Cleaner Production*, 108, 1115-1122.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

بررسی نقش طبیعت بر حس شادابی ساکنین در مجتمع های مسکونی (راهکارهای بهبود روابط همسایگی؛ نمونه های مورد بررسی مجتمع اکباتان در تهران و مجتمع مهرگان در قزوین)

محمد بهزادپور - دانشجوی دکتری تخصصی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران

یوسف گرگی مهلبانی* - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

جمال الدین سهیلی - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران

چکیده

research investigates the role of nature in residential complexes, in sense of freshness and happiness of residents, by examining case studies in Ekbatan complex in Tehran and mehregan complex in Qazvin

Abstract

This research investigates the role of nature in residential complexes, in sense of freshness and happiness of residents, by examining case studies in Ekbatan complex in Tehran and mehregan complex in Qazvin. (In this study, happiness was examined from two point of views) The first is subjected to individual and is related to culture, insight and understanding of people and the two views are interrelated and affect each other. Then factors affecting the happiness were studied. It is important to note that the role of nature in creating happiness is basic and undeniable. Nature, as one of the factors in the design of open spaces in these complexes can be useful in the sense of vitality and calm environment and reduction of machine spirit of modernity. Eventually, the impact of nature in Ekbatan and Mehregan complexes were examined through questionnaires the result of questionnaires showed that high level of nature in Ekbatan has very significant impact on sense of happiness of people in the complex, and also the slight nature in Mehregan complex has very little impact on the sense of happiness of people Mehregan complex. According to the concept of happiness and factors affecting it, we shall say, the open nature of the residential complexes, as a gathering place, causes better so social interactions and better relationships between users, which will lead to greater happiness of the residents. In the past architectures, in order to perform these interactions, the nature in the yard was used but, in today's residential complex, there is less attention regarding meaning and quality of environment. With regards to the requirements of modern life "shortage and sometimes lack of natural elements, rush hours, noise pollution, advanced technology, fading close emotional relations of the resident in most good neighborly relations in residential complexes, and followed by social anomalies (crime) and identity crisis in settlements requires attention to the construction of residential areas with natural elements, for creating space for social interaction (more and better understanding of users towards each other) has attracted researcher's view. We can also say, nature as factor that can canes social, cultural, psychotically mobility of people in residential complexes, has been considered in this study. And according to the belief that man is part of the nature, causes his survival, and this valuable relationship is emphasized in Islamic teaching is one of the main points in this study the methodology described in this research is qualitative.

Key word: Nature-Residential complex-Social interaction-Happiness-freshness

این مقاله به بررسی نقش طبیعت در مجتمع های مسکونی بر میزان حس شادابی و سرزندگی ساکنین با بررسی نمونه های موردی مجتمع اکباتان در تهران و مجتمع مهرگان در قزوین پرداخته است. در این مقاله تعریف سرزندگی از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت. دیدگاه اول که بعد آن فردی است، مربوط به بینش، فرهنگ و ادراک مردم است و دیدگاه دوم به فضاهای شهری مربوط می شود که این دو دیدگاه با هم ارتباط متقابل دارند و از یکدیگر نیز تاثیر می پذیرند. سپس به بررسی عوامل موثر بر سرزندگی پرداخته شده که در این میان نقش طبیعت در ایجاد سرزندگی، نقشی اساسی و غیر قابل انکار است. وجود طبیعت به عنوان یکی از عوامل موثر در طراحی محوطه باز مجتمع ها می تواند جهت «ارتقاء حس سرزندگی، آرامش محیط و کاهش روح ماشینی مدرنیته» مفید واقع می شود. در نهایت تاثیر طبیعت موجود در مجتمع های مسکونی اکباتان تهران و مهرگان قزوین از طریق پرسشنامه ای که پایایی و روایی آن بررسی شده است، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه حاکی از آن بود که میزان زیاد طبیعت در مجتمع اکباتان تاثیر بسیار قابل توجهی بر حس سرزندگی افراد در این مجتمع نیز داشته، همچنین میزان اندک طبیعت در مجتمع مهرگان، تاثیر بسیار اندکی بر روی حس سرزندگی ساکنین این منطقه داشته است. با توجه به مفهوم سرزندگی و عوامل موثر بر آن، باید گفت که طبیعت موجود در محوطه باز مجتمع های مسکونی به عنوان یک بستر و فضای گرددم آورنده، باعث تعاملات اجتماعی و روابط بهتر میان کاربران خواهد شد. که در نهایت این ارتباطات منجر به شادمانی بیشتر و حس سرزندگی ساکنین می شود. از متغیرهای این تحقیق می توان به: ۱- متغیر مستقل: طبیعت؛ ۲- متغیر مداخله گر: تعاملات اجتماعی؛ ۳- متغیر وابسته: سرزندگی اشاره کرد و داده های تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و پرسشنامه جمع آوری و تجزیه و تحلیل گردیده اند. در معماری گذشته برای انجام این تعاملات، از طبیعت موجود در حیطه خانه ها استفاده می کردند ولیکن در مجتمع های مسکونی امروزی به علت عدم توجه به معنا و کیفیت فضایی، به آن کمتر توجه شده است. همچنین روش تحقیق در این مقاله توصیفی (علی-مقایسه ای) از نوع کیفی می باشد. در پایان نتیجه گیری لازم اشاره شده است.

واژگان کلیدی: طبیعت، مجتمع مسکونی، تعاملات اجتماعی، شادابی.

امروزه شهرنشینی و مجتمع‌سازی، پدیده‌های زنده و متغیر می‌باشد. این تحرک و زنده بودن خود تبعاتی به همراه دارد که شامل، سمومات فضاهای شهری و صنعتی است. طبیعت موجود در مجتمع‌های مسکونی همانند ریه‌هایی که عمل تنفس را آسانتر و میسر می‌سازد عمل می‌کنند. شاید مجتمعی که فاقد طبیعت باشد به مجتمع مردگان تبدیل شود و روابط همسایگی در آن تقلیل یابد. مقصود از این مقاله ایجاد طبیعت به منظور ریه‌های مجتمع‌های مسکونی که در زمینه شهرسازی مطرح می‌شود نیست. بلکه هدف اصلی از این پژوهش بررسی جنبه‌ی روانشناختی طبیعت و در پی آن تأثیر طبیعت بر حس سرزندگی، شادابی در مجتمع‌های مسکونی می‌باشد. باتوجه به این باور که انسان جزئی از طبیعت است و ارتباط نزدیکی با طبیعت، باعث ادامه حیات و دوام زندگی اوست و این ارتباط ارزشمند در تعالیم دین اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته، از اهمیت موضوع این تحقیق می‌باشد. به نوعی می‌توان گفت سرزندگی، حاصل شرایط محیطی و نوع درک ما از آن محیط است. تاکنون به ویژگی سرزندگی مجتمع‌های مسکونی در مطالعات، تحقیقات و پروژه‌های طراحی مجتمع‌ها توجه جدی نشده است و بیشتر مجتمع‌های مسکونی که امروزه دیده می‌شوند محیط‌های کسل کننده و غیر جذابی می‌باشند که هیچ انگیزه‌ای را در افراد برای رفتن و ماندن در آن مکان‌ها بر نمی‌انگیزانند. ایجاد فضاهای سبز در مجتمع‌ها به سلامت جسم و روان ساکنین کمک می‌کند تا مردمی که امکان استفاده روزمره از طبیعت در داخل شهر را ندارند، این امکان برای آنها در مجتمع‌های مسکونی خود فراهم شود. در این مقاله قصد بر این است که نقش فضای سبز در معماری معاصر را بر میزان حس سرزندگی ساکنین، در دو مجتمع مسکونی «اکباتان تهران و مهرگان قزوین» را از طریق پرسشنامه بررسی نماییم. به نظر می‌رسد که افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی، با واحدهای همسایگی هم ارزش اگر برای آنها زمینه مناسب ارتباطات وجود داشته باشد باهم رابطه‌ی اجتماعی بیشتر و بهتری خواهند داشت. دلیل آن، رابطه‌ی

مستقیم و یک به یک مردم نیست فرض بر این است، افرادی که چنین مناطقی را برای زندگی انتخاب می‌کنند، به دلیل همگونی ارزش‌ها تعامل بیشتری خواهند داشت و برای انجام این تعامل نیاز به بستری مناسب هست، که فضای سبز می‌تواند همان بستر برای تأمین روابط اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی باشد. تحقیق ترنس لی در بریتانیا جنبه‌های ادراکی این مشاهده را تأیید میکند، مردمی که در یک منطقه همگون و یا به بیان لینچ در یک محله زندگی می‌کنند احتمال بیشتری دارد که تصویر ذهنی روشنی از محله‌ی خود داشته باشند. مجتمع‌های مسکونی می‌توانند با طبیعتی بکر و مناسب جهت نیل به اهداف مختلفی طراحی شوند اما نتیجه‌ی به دست آمده از طراحی‌ها چنین دقتی را نشان نمی‌دهد. در این موارد موضع گیری‌های متفاوتی وجود دارد، یکی از این مواضع این است که اگر در طراحی خواسته‌های مردم در نظر گرفته نشود محیط ساخته شده حاصل از آن، قابلیت تأمین تعامل اجتماعی را نخواهد داشت. در این صورت محیط مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و ساخت آنها موجب اتلاف سرمایه خواهد شد. موضع گیری دیگر این است که طراح باید بر مبنای روابط متقابل اجتماعی، فرصتهای لازم را هدف طراحی قرار دهد. و به این ترتیب امکان استفاده از سودمندی‌های تعامل اجتماعی را برای مردم فراهم آورد تا روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی به نوعی بهبود و افزایش یابد. امروزه بسیاری از آشفتگی‌های روحی جامعه از محیط‌های زندگی افراد ناشی می‌شود، گرچه رابطه خوب و بد افراد، علل مختلفی دارد اما از جمله مهمترین این علتهای، شرایط محیطی زندگی آنها می‌باشد. تأثیری که محیط بر ذهن آدمی می‌گذارد بی‌گمان بر رفتار و کردار او ظاهر می‌شود. نتایج آزمایشات صورت گرفته در محیط‌های زندگی، حاکی از آن است که اگر محیطی مشکل از عناصر طبیعی باشد حکایت از گرمی و جذابیت داشته که روح را شاداب و رفتار را صمیمانه‌تر می‌کند و برعکس، اگر محیطی بدون عناصر طبیعی باشد، روح و رفتار را سرد و بی‌نشان از زندگی می‌کند، در این ارتباط هسه می‌گوید وقتی که به طبیعت نزدیک می‌شوید می‌توانید صدای خداوند را بشنوید

(سرانو، ۱۳۶۲، ص ۲۹). بر اساس آثار بر جای مانده از خانه ها و سکونتگاه‌های کهن تاریخی که در هزاره‌ی ششم پیش از میلاد به بعد در بسیاری از نقاط ایران وجود داشته‌اند و همچنین آثار برجای مانده از برخی سکونتگاه‌های واقع در بین‌النهرین هر خانه به‌طور معمول از دو بخش (یکی فضای ساخته شده به عبارتی محصور و دیگری فضای باز) تشکیل می‌شدند. معماری سنتی و گذشته را می‌توان سرشار از مفاهیمی دانست که بر اساس فرهنگ، عقاید، محیط و بسیاری از مسائل دیگر به شکل کالبدی انسجام یافته و با توجه به نیازهای کاربران شکل گرفته است. در خانه‌های گذشته، طبیعت با قرارگیری در مرکز خانه، نقش بسزایی در تنظیم و انسجام فعالیت‌ها، حریم‌ها (امنیت)، تعاملات اجتماعی، هویت در سکونتگاه‌ها، روابط مطلوب همسایگی و در نهایت تنوع فضایی و طبیعی در محیط‌های زندگی ایفا می‌نموده است. ولیکن امروزه ساخت مجتمع‌های مسکونی همراه با طبیعت به دلایل گوناگونی همچون (نگرش کمی به مقوله مسکن، رویکرد سودگرایانه نسبت به زمین، عدم توجه به معنا، کیفیت فضایی و غفلت از تاثیر گذاری محیط بر روان و روابط انسانها) مورد کم لطفی و بی توجهی قرار گرفته است که این عدم توجه در مجتمع‌های مسکونی، مشکلات و تبعاتی به همراه داشته که در این مقاله به تاثیر این کم توجهی‌ها پرداخته می‌شود و درنهایت با تحلیل و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی راه کارهایی جهت حل این مشکلات نیز باید مطرح گردد.

زندگی و معماری‌های مدرن امروزی در مجتمع‌های مسکونی بیش از هر زمان دیگری وحدت بین انسان و طبیعت را کم‌رنگ کرده، انسان معنا و مفهوم آرامشی را که در گذشته از محیط زندگی خود می‌گرفته را امروزه از دست داده است. همزیستی مسالمت آمیز و هماهنگ بین انسان و طبیعت از آغاز، به عنوان یک فرض یا پیش زمینه در قواعد راهنمایی معماری چین نیز مجسم بوده است. در مجموع اصطلاحات امروزه «پیوستگی انسان و طبیعت» یعنی فعالیت‌های انسانی، از جمله معماری، باید با فرایندها و الگوهای طبیعی یکپارچه شود تا هماهنگی میان انسان و طبیعت حاصل شود. در

عین حال طبیعت، نیز باید اصلاح شود و با عناصر مصنوعی ترکیب شود، تا بتواند با نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها در منظر طبیعی، استقرار و همگرایی ایجاد کند (پناهی و کریمی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۶). به یقین روابط بین انسان و محیط دو طرفه می‌باشد. بر این اساس معمار باید از روابط بین، انسان و طبیعت آگاهی فراوانی داشته باشد تا بتواند اثری نیکو خلق کند. متأسفانه در مجتمع‌های مسکونی نه تنها به بعد معنوی طبیعت توجهی نمی‌شود، بلکه از نظر تامین نیازهای مادی نیز انسان از طبیعت دور بوده است. موانع اصلی در طراحی مجتمع‌های مسکونی و تیپ جدید سکونت (سکونت ماشینی)، نگاه مردم را به زندگی عوض کرده است. به تبع این تغییر نگاه، نوع خواسته‌های مردم از زندگی نیز عوض شده، بنابراین، تغییر در نوع خواسته‌های زندگی، روی کیفیت فضایی و روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی نیز تاثیر گذار بوده است. در نتیجه معماری، روز به روز از طبیعت و فطرت انسان دور شده و مسکن امروزی فاقد فضایل و شئون انسانی شده است. فلذا برای احیای معنای خانه، باید با راهکارهای گذشته آشتی کرد. آشتی با گذشته بدین معنی نیست که عیناً از معماری سنتی تقلید کرد، بلکه بدین معنا می‌باشد که فضا و حال‌وهوای آن تیپ معماری را باز زنده سازی کرد. به عبارت دیگر معماری امروز را به لحاظ فرهنگی، فضایی و محیطی با طبیعت همسو کرد. چراکه طبیعت، مبنای اساس معماری سنتی و بومی بوده است. همچنین مؤثرتر آن است که استفاده کنندگان؛ مفهوم واقعی سکونت را درک کنند و نیازهای واقعی خود را از نظر فرهنگی و طبیعی بشناسند و در صدد تأمین آن نیازها گام بردارند. به این ترتیب می‌توان به جای پیروی کورکورانه و ناقص از معماری مدرن غربی (مجتمع‌های مسکونی) یا تقلید نادرست و سطحی از معماری سنتی، به ایجاد پیوند معماری امروز با معماری اصیل گذشته امیدوار بود (اکرمی و زارع، ۱۳۹۲، صص ۵۷-۵۶). از این روی با در نظر گرفتن ملزومات زندگی امروزی (کمبود و بعضاً فقدان عناصر طبیعی) لزوم توجه به ساخت مجتمع‌های مسکونی همراه با عناصر طبیعی، جهت ایجاد بستری برای برقراری تعاملات اجتماعی مطلوب، نظر محقق را به خود جلب کرده است.

همچنین می‌توان گفت، طبیعت به عنوان عاملی که می‌تواند پویایی اجتماعی، فرهنگی، روحی و روانی افراد را در مجتمع‌های مسکونی سبب شود، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. و با توجه به این باور که انسان جزئی از طبیعت است و ارتباط نزدیکش با طبیعت، باعث ادامه حیات و دوام زندگی اوست و این ارتباط ارزشمند در تعالیم دین اسلام نیز مورد تاکید قرار گرفته است نیز از اهمیت‌های مهم این تحقیق می‌باشد.

پس می‌توان چنین گفت که امروزه در مجتمع‌های مسکونی شاهد یک معماری به «اصطلاح متکبری» هستیم که با این ایدئولوژی (فقط من باید بدرخشم) تمامی طبیعت پیرامون خود را از بین برده است. در حالی که در گذشته طبیعت جزوی از معماری محسوب می‌شده است. عشق به طبیعت و صداقت، هر دو احساسات قوی از نبوغ آدمی هستند. ذات بشر به شکلی است که طبیعت را دوست دارد و به آن ایمان مطلق دارد و می‌توان گفت که انسان، جاه طلبی خود را محدود می‌کند تا به طبیعت وفادار بماند (August Rodin, testament, 1840-1917).

امروزه مفهوم خانه به معنای محصولی شبه طبیعی و پاسخگو به نیازهای معنوی و مادی انسان جای خود را به واحدهای مسکونی به عنوان نوعی محصول غیرطبیعی و مکانیکی داده است. بطوری که سکونت به معنای آرامش یافتن، جای خود را به اسکان به معنای مستقر شدن داده است (نصر، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

سیر تحول ارتباط با طبیعت

جدا شدن فضای سکونت از زمین و استقرار در ارتفاع، مشکل کمبود زمین در شهرهای بزرگ را حل می‌کند؛ اما انسان را از طبیعت و زمین دور می‌کند. این دوری پایدار نیست و خیلی زود انسان برج نشین به جستجوی گم گشته خود می‌پردازد. ساکنان ساختمان‌های بلند، علی‌رغم داشتن آخرین امکانات امروزی، زندگی در یک خانه دارای حیاط و باغچه را آرزو می‌کنند، حتی اگر این خانه قدیمی و فرسوده باشد. این خواسته در خیال ساکنین خانه‌های واجد باغچه و حیاط، تا از آن جدا نشوند، به آرزو تبدیل نمی‌شود (شرقی و محتشمی، ۱۳۸۶، ص ۱). در دوران کهن انسانها پیش از رسیدن

به مراحل تکوین فرهنگی و زندگی یکجانشینی از طریق شکار حیوانات ارتزاق می‌نمودند و با شروع فصل سرما به درون غارها پناه می‌بردند. با کشف نقاشی‌های درون غارهای آلتامیرا در اسپانیا و لاسکو در فرانسه به این مهم می‌توان رسید که معماری اولیه سکونتگاه‌های انسانها همان غارهایی بوده که در دل کوه‌ها قرار داشتند (زارعی، ۱۳۹۱، صص ۱-۲). از این روی می‌توان چنین گفت که انسان و معماری از ازل در دل طبیعت جای داشته‌اند، به عبارتی طبیعت تشکیل دهنده‌ی معماری بوده و در اینجا باید گفت که طبیعت بر معماری چیره بوده است. انسان از زمانی که پای از غار و تپه‌ها بیرون نهاد روی به دشت آورد، و به فکر ایجاد سرپناهی که دست ساز خویش باشد افتاد و با ورود به دوران کشاورزی با ایجاد پرچین‌ها، مرز کم رنگی میان قلمرو خود و محیط اطراف (طبیعت) و همچنین همسایگان خود ایجاد نمود و با استفاده از گل و ییاف گیاهان توانست برای خود سرپناهی فراهم آورد، بعدها گل طبیعی را به خشت مبدل ساخت. در دوره نوسنگی که از آن دوران، اریحا در اردن و چاتال هویک در ترکیه باقی مانده است، می‌توان اثرات خشت پخته را در معماری این مناطق مشاهده کرد (زارعی، ۱۳۹۱، ص ۸). در این دوران نیز طبیعت نقش اساسی در معماری داشته است، مصالحی که در ساخت بناها استفاده می‌شده از خود طبیعت بوده و فرم‌های معماری مصنوع شده از فرم‌های موجود در طبیعت بوده‌اند. با گذشت زمان نقش طبیعت در زندگی و محل سکونت انسانها کم‌رنگتر گشت ولیکن همچنان ارتباط غیر مستقیمی میان طبیعت و معماری پابرجا بوده در این دوران طبیعت با ورود به صحن خانه‌ها نمایان شد. طبیعت موجود در حیاط خانه‌ها به عنوان فضایی جهت تلطیف هوا و تنظیم کننده شرایط اقلیمی مناسب و از طرفی هم، ضامن زندگی کوچک و مانوس درونی در برابر فضای باز و ناامن بیرونی بوده است (بهزادپور و عبداللهی، ۱۳۹۴، ص ۴). در خانه‌های تاریخی ایران، معماری از طبیعت جدا نبوده و حضور نمایندگان از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه‌ها الزامی بوده است (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴).

حیاط مرکزی و طبیعت موجود در معماری سنتی

ایران که نقش اصلی و مرکزیت خانه را ایفا می‌نموده، بخشی از فعالیت‌های همگانی در آن محیط انجام می‌گرفت که مجموعه این فعالیت‌ها و اتفاقات باعث سازگاری اجتماعی بیشتر بین کاربران می‌گشت. و در نهایت ارتباطات و تعاملات باعث شناخت بهتر ساکنین در روابط همسایگی نسبت به یکدیگر بوده که این مهم جهت ایجاد حس امنیت و کاهش وقوع جرم و جنایت در آن محیط‌ها، تأثیری جدی داشته است (کلارک، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰). با انقلاب صنعتی تحولی شگرف در زندگی انسانها رخ داد، انسان با نگاهی ابزاری به طبیعت سعی بر بهتر شدن زندگی خود بوده، حتی در دورانی مانند فتوریسیم‌ها (درایتالیا) آنها با تهاجم به ارزش‌های کهن خواستار نابودی طبیعت و ماشینی شدن زندگی بوده‌اند (بانی مسعود، ۱۳۹۴، ص ۳۰۸). بامدرنیزاسیون شدن کشورها و تمایل به سکونت عمودی، طبیعت از زندگی انسانها حذف شده و بعضا انسان با نابودی طبیعت سعی بر ساخت اوتوپییای (مدینه‌ی فاضله) خود بوده است، که با گذشت زمان و تأثیراتی که این سبک معماری در مجتمع‌های مسکونی بر روحیات و رفتار ساکنین داشته و همچنین اتفاقاتی نظیر مجتمع پروئیت ایگو، می‌توان چنین برداشت کرد که انسان مدرن یک دیستوپییای (مدینه نازله) برای خود خلق کرده بود و در اینجا باید بر چیرگی معماری بر طبیعت اشاره کرد. طرح‌های انبوه ساخت (مجتمع‌های مسکونی) در کشورها طبق نظریات مدرن سعی بر اسکان دادن تعداد بیشتر افراد را داشته، که در اینگونه طرح‌ها طبیعت موجود در فضاهای زندگی حذف شده است. سایمون بل براساس مطالعاتش به این نتیجه رسید که پیوند با طبیعت براساس تجربه و علم با آن می‌تواند احساس بیگانگی را در مجتمع‌های مسکونی تقلیل دهد (بل، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴) ولیکن وی با خلق محیط‌های مصنوعی، در برابر سرشت خود قد علم کرد و هرچه جلوتر رفت طبیعت را گسیخته‌تر، غارت کرد و سرشت خود را حقیر و حقیرتر کرد و آن عظمت وجودی خویش را با لایه‌هایی از ترس و حقارت عوض نمود و اندک اندک خود را در انبوهی از کلان شهرهای مرتفع بتنی پنهان نمود و رنگ‌های آبی و سبز رقصنده طبیعت را با رنگ‌های خاکستری دلمرده عوض نمود. تنها امر ضروری برای زندگی

«همهانگ با طبیعت» احترام به طبیعت می‌باشد. در گذشته انسان بسیار نزدیک به طبیعت بوده و رابطه صمیمی و درک متقابل آنها، منجر به هماهنگی و تعادل می‌شد. با گذشت زمان انسان رشد کرد و نگرش وی تغییر کرد و یاد گرفت، با توجه به محیط اطراف خود از آب و هوای نامساعد و دشمنان موجود در طبیعت از خود محافظت کند. غرور و احساس برتری و قدرت انسان‌ها، باعث شد که آنها ناخواسته دشمن طبیعت شوند. هرچه بشر از ریشه‌ی خود دورتر شد، فضای زندگی خود را خارج از وجود اولیه خویش ساخت. انسان از طبیعت خارج شد و هنوز نسبت به طبیعتی که ترک کرده احساس حسرت می‌کند که تأثیر این دوری را می‌توان در روابط همسایگی نیز مشاهده کرد. از این روی باید گفت که مجموعه عوامل بالا چرایی‌های لازم جهت انجام این مقاله می‌باشند و با رسیدگی به این مسائل شاید بتوان اندکی از آشفتگی‌های اجتماعی، روانی و روحی کاربران در مجتمع‌های مسکونی را کاهش و در راستای بهبود روابط همسایگی گامی مؤثر برداشت.

عوامل مؤثر بر حس سرزندگی

به منظور افزایش سطح سرزندگی و شادی باید اجزای شادی شناخته شوند. یکی از تازه‌ترین تحقیقات بیان می‌کند که شادی و سرزندگی از ۳ جزء تشکیل شده است. (الف- سهم عوامل ژنتیکی تقریباً ۵۰٪؛ ب- سهم شرایط محیطی تقریباً ۱۰٪؛ ج- سهم فعالیت‌های آگاهانه در حدود ۴۰٪ است). این فاکتورهایی اصلی که ذکر شد، روی سطح دائمی شادی اثر خواهند گذاشت. این سه فاکتور عبارتند از: ۱- نقطه ثابت؛ ۲- شرایط زندگی؛ ۳- فعالیت‌های آگاهانه (با نیت قبلی) که در این پژوهش به فاکتور دوم و سوم پرداخته می‌شود:

۱. **نقطه ثابت:** بزرگترین سهم شادی در عوامل ژنتیکی است که این فاکتور را نقطه ثابت می‌نامند. یعنی سطح معین و ثابتی از شادی از والدین به ارث می‌رسد و موروثی می‌باشد.

۲. **شرایط زندگی:** جزء دوم شادی شرایط

زندگی است که شامل عوامل ملیتی، جغرافیایی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی منطقه ای است که فرد در آن زندگی می‌کند و همچنین شامل فاکتورهای جمعیت‌شناسی مانند سن، جنس و قومیت می‌باشد.

۳.

فعالیت‌های آگاهانه: شل‌دان این فاکتور را اینگونه تعریف می‌کند: این سطح، دسته وسیعی از فعالیت‌هایی است که مردم انجام می‌دهند یا در فکر انجام آنها هستند. رفتارها و فعالیت‌های فراوانی وجود دارند که افراد برای انجام آن‌ها وقت و انرژی صرف می‌کنند. این فعالیت‌ها مستلزم صرف انرژی هستند، یعنی به خودی خود این اتفاقات رخ نمی‌دهند. در واقع تفاوت اصلی بین فاکتور شرایط زندگی و فعالیت‌های آگاهانه، (اتفاقی بودن) آنهاست. فاکتورهای شرایط زندگی تقریباً تصادفی هستند. اما فاکتورهای آگاهانه، در اختیار خود فرد می‌باشد. مانند ورزش منظم، محبت ورزیدن به دیگران، حضور در اجتماعات، که برای انجام همه این موارد ذکر شده به نوعی نیاز به یک بستر مناسبی هست. در غیر این صورت عملی رخ نخواهد داد (زارعی متین، احمدی زهرانی، حق گوینان، ۱۳۸۸، ص ۹).

نقش فضای سبز در زندگی انسان

از نظر زیبایی‌شناسی تماشای درختان سرسبز و گل‌های زیبا و رنگارنگ و آرایش بدیع گونه‌های مختلف گیاهان که در ابعاد مختلف در کنار یکدیگر به چشم می‌خورد انسان را به آرامش و آسایش فکری می‌رساند و امروزه ثابت شده است که بعضی درختان با ترشح ماده‌ای به نام فیتونسید ایجاد یک حالت آرامش و خلسه در انسان می‌کنند. بنابراین فضای سبز در ایجاد تعادل عصبی انسان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. گیاهان با توجه به سیمای ظاهری خود می‌توانند در تزئین محیط و ایجاد چشم‌اندازی مطلوب کمک کنند. فضای سبز علاوه بر تلطیف و پاکسازی هوا، در

اصلاح و بهبود شرایط زیست محیطی شهر و شرایط طبیعی و ساختاری آن نقش مهمی دارد. با توجه به اهمیت طبیعت و تعادل اجزاء آن در کمک به رشد صحیح و مناسب روانی در دوران کودکی و نوجوانی لازم است تدابیر اصولی اندیشید تا این گروه سنی هر چه بیشتر با فضای سبز شهری مانوس شده و از مواب کوتاه و دراز مدت آن استفاده نمایند. (صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴). ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراشها، نشانه‌ای از پیشرفت تکنولوژی و دور شدن انسان‌ها از طبیعت دست‌نخورده می‌باشد. امروزه گسترش تکنولوژی به نحوی در روان و احساس آدمی، اثرات نامطلوب‌گذارده و همبستگی طبیعی را که انسان‌ها از آغاز با طبیعت داشته‌اند، به جدایی سوق داده و نتیجه اثرات آن، وجود فضاهایی فاقد تعلق مکانی، سرزندگی و نشاط در مجتمع‌های مسکونی و تبع آن انسان‌هایی عصبی، خسته و به ظاهر متحرک در جوامع بشری می‌باشد. احساس آرامشی را که انسان در سایه، به ویژه سایه یک درخت دریافت می‌کند، جذب گرد و غبار توسط درختان و در نتیجه تأثیر مستقیم بر سلامت جسم و به تبع آن سلامت روح و سرزندگی وی، تعدیل آب و هوا و فراهم نمودن آرامش جسمانی و روانی افراد، احیای بازی‌های سنتی در طبیعت فضای سبز به جای بازی در فضاهای مجازی کامپیوتری و همچنین تأمین منظر و چشم‌انداز زیبا از پنجره آپارتمان‌ها، بستری جهت تعاملات اجتماعی و در پی آن روابط مطلوب همسایگی، همگی می‌توانند از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد حس تعلق و سرزندگی در روحیه ساکنین مجتمع‌های مسکونی باشند و با توجه به اینکه که بسیاری از مجتمع‌های مسکونی فاقد فضا یا محوطه‌ای برای طبیعت و فضای سبز وسیع می‌باشند، لذا ضروری می‌نماید بر روی این مبحث ویژه کار کرد و به نحوی طبیعت زنده و سرسبز را با مظاهر تکنولوژی مدرن پیوند داد. حیاط مکان مناسبی برای اتباط انسان با عناصر طبیعی از جمله درخت و آب است. وجود طبیعت و حوض آب در حیاط منازل مسکونی با فرم‌های هندسی خاص؛ خود نمادی از بهشت مطلوب ایرانیان می‌باشد. اهمیت نمادین طبیعت و آب در بین مردم خاورمیانه به پیش از دوران اسلامی باز می‌گردد. قرآن کریم نیز بهشت را به باغی تشبیه کرده که در زیر آن

جوی هایی در جریان است و به مرکزیت آب در حیات موجودات تأکید کرده است. علی رغم بهره گیری از آب در قالب آبنا و فواره های کوچک که جنبه تزئینی داشته، حوض آب و طبیعت پیرامون آن خود در ایجاد ارتباط حیات با باغ ها و باغچه ها نقش بسزایی داشته است (نایی، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

جدول ۱. تعاریف سرزندگی؛ ماخذ: نگارندگان.

تعریف	نظریه پرداز
یک حیوان سرزنده مکان برقراری برخوردها و تعاملات مفید بین افراد و نهادها کردن دیگران است.	جی جیکوبز
میزان سازگاری بین محیط و فعالیت های نظر ملاقات با دیگران، تماشای مردم و خوردن است.	سوزان
امکان زندگی راحت در یک شهر می باشد.	الن جیکوبز و دنلایبارد
تأمین سلامت و بهرینگی افراد و برای موجودات زنده یا داشتن سه خصوصیت (بهداشت و سازگاری) است.	کوبین لینگ
به نوبت هویت داشتن، وجود زندگی اجتماعی در شهر، طولانی و بیشتر اجتماع و انحصار و پایداری اکولوژیکی است.	سازانو
امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آنها امکان گردهم آمدن غیر رسمی مردم در عرصه های عمومی، فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و جوانان در عرصه های عمومی.	جان لنگ
تعاریف سرزندگی، ارائه شده در کنفرانس ها، مجلات و انجمن های متعدد	
میزان سازگاری یک محل با فعالیت های تماشای می باشد.	گروه کرمونا مکانهای زندگی.
سرزندگی کیفیت زندگی قابل تجربه توسط ساکنان یک شهر یا منطقه است که دارای نهاد قابلیت دسترسی، برابری و مشارکت می باشد.	گروه ونکوورا میاحه گروه کاری ونکوور
داشتن هویت، پویایی، انعطاف پذیری و قابلیت تطابق با نیازهای جدید است.	انجمن معماری ایالات متحده انجمن سرزندگی.
داشتن هویت، پویایی، انعطاف پذیری و قابلیت تطابق با نیازهای جدید است.	پان گل و انجمن سرزندگی
کیفیت سرزندگی یک مکان برای فضاهای شهری موهوب، پویایی، فعال بودن، امنیت، راحتی، تنوع و قابلیت سرگرم کننده تعریف شده است.	راهنمای مکان های عمومی

انسان کمک می کند. کریستوفر الکساندر ملاقات های گاه گاه و غیر رسمی را زمینه ساز توسعه دوستی ها و روابط روزمره مردم دانسته است که این امر تاثیر مستقیم بر روحیه و حس سرزندگی افراد دارد. تعامل اجتماعی (نگرش افراد، پیشینه های ذهنی و ویژگی های متفاوت ساکنین) را به یکدیگر نزدیک می کند. در مناطقی که شیوهی سکونت مردم متفاوت باشد مجاورت مکانی آنها در بهترین حالت منجر به سردی روابط و در بدترین شرایط منجر به خثومت می شود. در صورتی که، در محیط های محلی که تعاملات اجتماعی قابل توجهی وجود دارد میزان جرم و جنایت پایین تر است. اما از دلایل کاهش جرم و جنایت در این محیطها (وظایف و الزامات اجتماعی روشنتر، حمایت مردم از یکدیگر و از خود بیگانگی کمتر) است. همچنین گفته شده است که علاقه ی مردم به مناطق مسکونی که، در آن همسایگان تعامل اجتماعی زیادتری دارند بیشتر است. در این مناطق وقتی که ساکنین تصمیم به جابه جایی می گیرند نقل مکان آنها با اندوه فراوان

از مشخصه های مشترک تعاریف بالا، می توان به موارد (امکان گردهم آمدن در عرصه های عمومی، تنوع و طیف کاربران، فضایی که مردم آن را برای درنگ، ماندن و ملاقات انتخاب کنند و قابلیت سرگرم کنندگی داشته باشند) اشاره کرد. طراحان تا حدودی می توانند خلوت و کنترل قلمرو مکانی را با طراحی مناسب تأمین نمایند که تعامل اجتماعی را برای ارتباط بیشتر کاربران برقرار سازند. برای توضیح مطلوب بودن تعامل اجتماعی دلایل زیادی وجود دارد. اصلی ترین دلیل این است که رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیاز های انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است، که این ضرورت را در مجتمع های مسکونی، می توان در محوطه باز و طبیعت موجود جست و جو کرد. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است، دلیل دیگر این است که فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری، به رشد فردی

همراه است. همچنین واضح است که رابطه‌ی اجتماعی مردم تحت تأثیر تفاوت های فردی و شخصیتی آنها است. و پیشینه‌ی فرهنگی و انتظارات مردم نیز در آن مؤثر است.
جدول ۲. انواع سرزندگی و زیست پذیری از دیدگاه لاندری؛ ماخذ: Landrys, 2000, 6

<p>۱- سرزندگی اقتصادی؛ توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی‌ها، ارزش زمین و دارایی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.</p>	<p>انواع سرزندگی</p>	<p>زیست پذیری؛ خود اکتایی بلند مدت، پایداری، سازگاری، انطباق پذیر و خودآجایی</p>
<p>۲- سرزندگی اجتماعی؛ به وسیله سطوح فعالیتها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده میشود. یک شهر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، بیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و بویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری باطرولات توصیف گردد.</p>		<p>سرزندگی؛ سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، میدالات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی نظائر فعالیتها و تعاملات در جهان بیرونی)</p>
<p>۳- سرزندگی و زیست پذیری محیطی؛ دو جنبه را دربرمی‌گیرد. اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، آلودگی ترافیک و فضاهای سبز قرار دارد و جنبه دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معماری، انصال و ارتباط بخشهای مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک شدن است را دربرمی‌گیرد.</p>		
<p>۴- سرزندگی و زیست پذیری فرهنگی؛ دربرگیرنده بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشنها اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه‌هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می‌باشد است.</p>		

فضاهای نشستن و تجمع در محوطه های سبز مجتمع‌ها را می‌توان به گونه ای طراحی کرد، که مردم با فاصله‌ی راحتی از یکدیگر قرار گیرند، زمان و مکان مطلوب را برای تعامل اجتماعی داشته باشند. نقاط مکث را می‌توان در تقاطع مسیرها قرار داد و یا مکانهای تامین مایحتاج روزمره‌ی، زندگی مردم را در نقاط مرکزی مجتمع‌ها جانمایی کرد. چرا که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند در هر محیطی زمینه‌ی آن را فراهم می‌آورند. ولیکن یکی از الزامات برای ایجاد تعاملات اجتماعی در دوره معماری معاصر برای هر قشر و فرهنگی ساختن بستری مناسب، جهت تعاملات اجتماعی است. که در آن باید عواملی چون «هندسه و شادابی و بویایی» فراهم باشد تا تعامل اجتماعی به نحو احسن رخ دهد. می‌توان گفت که در معماری معاصر، محیط های سبز با طراحی مناسب بستری خوبی برای این ارتباطات باشند. وقتی که فضای سبزی، برای فراهم آیی و بازی کودکان صورت می‌گیرد و مراقبت‌های طبیعی از طریق پنجره های مشرف به

چارلز لاندری مفهوم سرزندگی را به گونه ای متفاوت بررسی نموده؛ او سرزندگی و زیست پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او ۹ معیار موثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست پذیر برمی‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عمده عوامل موثر بر آن‌ها اشاره نموده است. جدول بالا چکیده مواردی است که لاندری به آنها اشاره نمود است (خستو، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶)

کاربرد طراحی طبیعت جهت تعامل اجتماعی کاربران در مجتمع های مسکونی
فضاهای سبز در معماری معاصر می‌توانند در محوطه باز مجتمع‌ها با طراحی مسیریابی با عرض کافی و لبه‌هایی مناسب برای توقف و دیدارهای اتفاقی و یا با قرار قبلی، شکل گیرند.

محوطه (فضای سبز) تامین شود، و قابلیت انجام فعالیت‌هایی چون حرکت پیاده در مسیرهای کوتاه، ملاقات‌ها در تقاطع‌های فضاهای سبز و تعامل اجتماعی میان ساکنین بلوک‌های مسکونی وجود داشته باشد محیط زندگی، سرزنده‌تر و دوست داشتنی‌تر خواهد شد. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مردم ساکن در خیابان‌های بن بست و یا محیط‌های باز مرکزی به همراه فضای سبز، نسبت به مردمی که در جوار خیابان‌های عبوری زندگی می‌کنند همدیگر را بهتر می‌شناسند. اگرچه ممکن است ساکنین به دنبال چنین هدفی نباشند. به این ترتیب نوع خیابان معیار مهمی به شمار نمی‌رود بلکه تعداد خانه‌ها، فضاهای سبز، عرض و طول خیابان، تقاطع پیاده راه‌ها و میزان ترافیک عبوری و چگونگی قرار گرفتن خانه‌ها در جوار خیابان و یا محوطه باز سبز از عوامل مهم به نظر می‌رسند. هرچه فضای سبز کمتر و ترافیک سنگین‌تر باشد زمینه‌های تعامل، به ویژه در مجتمع‌های مسکونی تقلیل می‌یابد. اگر ساکنان یک منطقه شخصیت همگون داشته باشند مجاورت مکانی به تماس‌های بیشتری منجر خواهد شد. قرارگاه‌ها و مکانهای رفتاری در ساختمانها و محلات از نظر فراهم آوردن امکان تعامل اجتماعی به دو گونه تقسیم می‌شود: ۱. مکانهایی که با در نظر گرفتن امکان تعامل برای مردم ساخته شده‌اند؛ ۲. مکان‌هایی که در آنها تعامل اجتماعی حاصل مقاصد کارکرد دیگری است. برای مثال وقتی والدین در کنار فضاهای سبز مراقب کودکان خود هستند باب گفتگو را نیز باز می‌کنند و یا افرادی که در محیط‌های سبز آپارتمان‌های مسکونی خود ورزش و یا فعالیتی می‌کنند ممکن است مشکلات را با یکدیگر مطرح کرده و درباره آن صحبت کنند. که این تعاملات، در روحیه ساکنین تاثیر گذار می‌باشد. همچنین استحکام نهاد خانواده‌ها وابسته به وجود روابط متقابل اجتماعی است. ایجاد حس قلمرو، مالکیت و تحریک رفتار قلمروپایی در فضاهای سبز، ساکنین مجموعه مسکونی نسبت به محیط ضروری است که به افزایش کارایی و بیشتر کردن ارتباطات و به بهبود امنیت و حس سرزندگی در ساکنین آن مجموعه می‌انجامد.

بررسی نمونه‌های موردی

پروژه مسکن مهر، بزرگترین طرح ملی مسکن

می‌باشد که به علت گستردگی طرح و نو بودن آن نیاز به بررسی نتایج حاصل از این تجربه احساس می‌شود. از اینرو هدف اصلی این پژوهش ارزیابی شادابی و سرزندگی و میزان رضایت مندی ساکنان از مجتمع‌های مسکونی مطروحه می‌باشد. با توجه به گسترش ساخت و ساز و مجتمع‌سازی (مساکن مهر) و اهمیت بالای تنش‌های ایجاد شده در واحدهای همسایگی مسکن مهر و عواقب نادیده گرفتن نیازهای اولیه انسان از جمله نیاز به تعاملات اجتماعی، طبیعت و تاثیر این مهم بر رفتار و روحیات ساکنین و همچنین عدم نشاط در این مجتمع‌ها، مجموعه‌ای از عوامل مهم جهت انجام این پژوهش در محدوده مجتمع‌های مسکونی می‌باشند. مجتمع‌های اکباتان در تهران و مهرگان در قزوین به عنوان نمونه‌های موردی در این پژوهش مد نظر قرار گرفته‌اند و اما دلایل اصلی انتخاب این مجتمع‌های مسکونی بدین شرح می‌باشد که هر دو مجتمع با کاربری یکسان مسکونی هستند ولیکن یکی مملو از طبیعت و دیگری خالی از طبیعت می‌باشد که عواقب و انعکاس این تناقض را می‌توان در حس سرزندگی، تعلق مکانی و در نهایت روابط مطلوب همسایگی در هر مجتمع جستجو کرد. از اینرو با توجه به پارادوکس ایجاد شده به بررسی کیفیت زندگی (حس سرزندگی) و تاثیر آن بر روابط همسایگی در هر دو مجتمع مسکونی پرداخته شد با مقایسه تطبیقی اثرات حضور یا عدم حضور عنصر طبیعت در مجتمع‌های مسکونی شناسایی شد و در نهایت راهکارهایی جهت حل مشکلات مطروحه در مسکن امروزی نیز ارائه گردید. مجتمع اکباتان با داشتن طبیعت فراوان، وضعیت مناسبی از نظر محوطه سازی دارد این در حالی است که در مجتمع مهرگان متأسفانه هیچگونه توجه و تمهیداتی نسبت به حضور طبیعت دیده نشده است و به عبارتی فاقد فضای سبز کافی می‌باشد که از اهداف دیگر این پژوهش، پرداختن به عدم حضور طبیعت در مسکن مهر و در پی آن بررسی عدم هویت در این سکونتگاهها می‌باشد. در نهایت جهت ارزیابی روابط همسایگی همچنین تأثیر طبیعت بر تعلق مکانی و حس سرزندگی کاربران در این دو مجتمع مسکونی نیازمند مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد که در این راستا مواردی که بر احساس تعلق و

سرزندگی افراد دخیل می‌باشند مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت. جهت ارزیابی تأثیر فضای سبز بر میزان حس سرزندگی افراد ساکن در این دو مجتمع پرسشنامه ای که پایایی و روایی آن بررسی شده است که شامل ۱۰ سوال است تدوین گردید. و در این راستا مواردی که بهنجوی بر احساس سرزندگی افراد دخیل بودند مورد پرسش قرار گرفتند. و پاسخها به صورت ۵ گزینه ای (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) عنوان شدند.

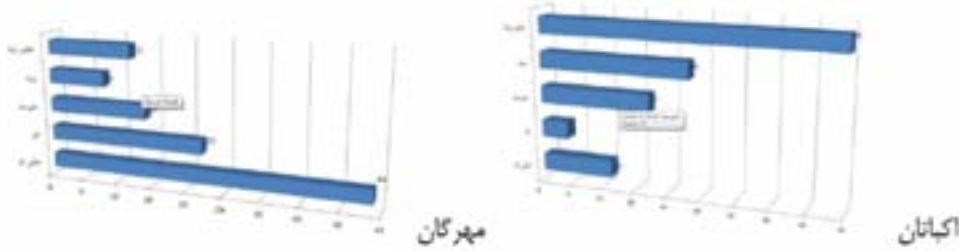
تصویر ۱ الی ۳. مجتمع اکباتان تهران؛ منبع en.wikipedia.org/wiki/Ekbatan و www.maskanqazvin.ir



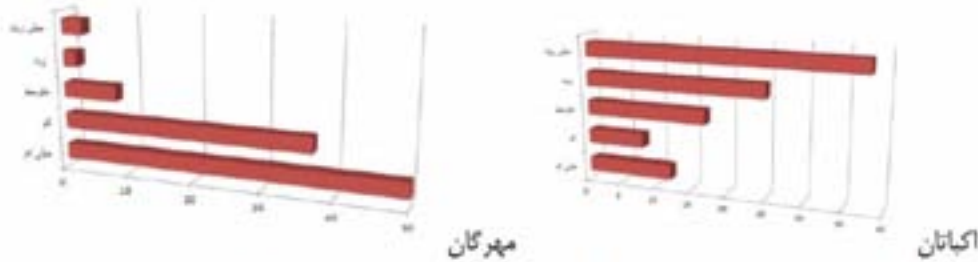
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهرداری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No. 48 Autumn 2017

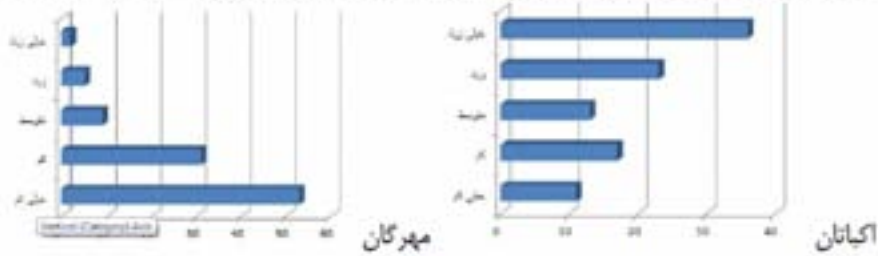
آیا فضاهای نشیمن و تجمع در مجتمع شما، بر ارتباط میان کاربران و همسایگان مجموعه مسکونی شما تاثیر گذار است؟



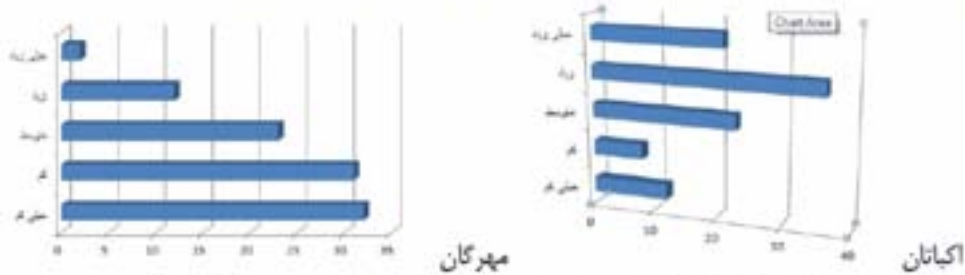
مجتمع مسکونی خود را با توجه به حضور طبیعت موجود در آن، تا چه حد سرزنده و با نشاط ارزیابی می کنید؟



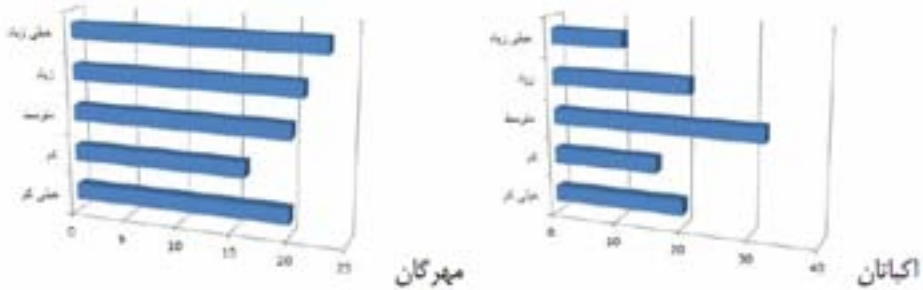
آیا طبیعت محل زندگی شما، بر گرایش به فعالیتهای گروهی و ورزش کردن شما و اهالی مجتمع مسکونی خود تاثیر گذار است؟



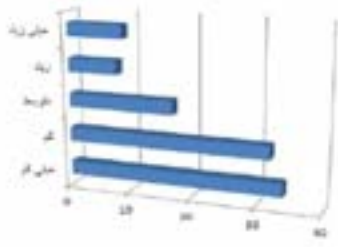
میزان رضایتمندی شما، از نظر (تنوع دید و منظر و خاطرات جمعی) از پارک ها و فضاهای سبز مجتمع خود چگونه است؟



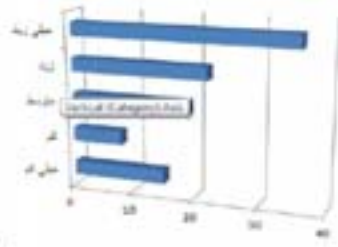
آسایش زیستی شما، حاصل از پاکیزگی مجتمع خود از نظر آلودگی هوا، به چه میزان است؟



آیا وجود فضای سبز در مجتمع مسکونی شما، برای میل به بازی و تحرک در کودکان، موثر است؟

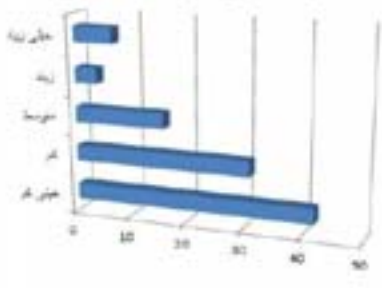


مهرگان

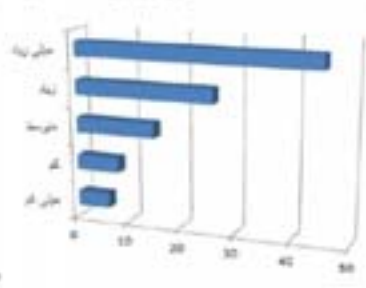


اکباتان

رضایتمندی شما به لحاظ آرامش روانی، از مسیرهای پیاده، در مجتمع مسکونی خود تا چه میزان است؟

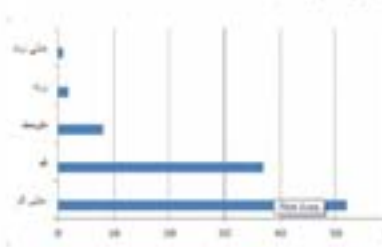


مهرگان

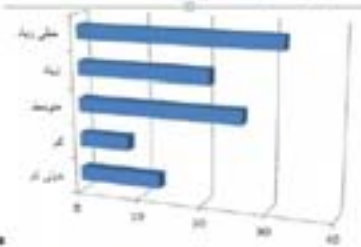


اکباتان

میزان مشرف بودن بلوک های شما، به طبیعت مجتمع مسکونی خود تا چه حد است؟

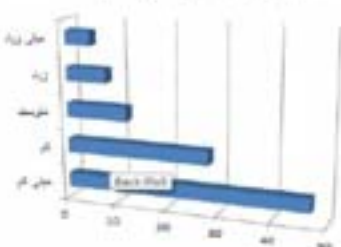


مهرگان

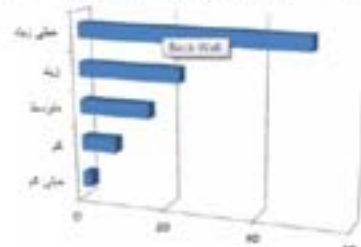


اکباتان

تاثیر وجود طبیعت، در بهبود روابط اجتماعی شما با واحدهای همسایگی مجتمع خود تا چه حد است؟

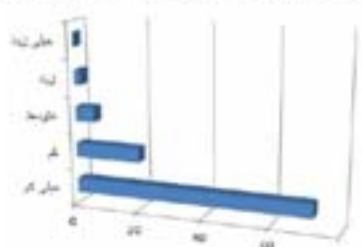


مهرگان

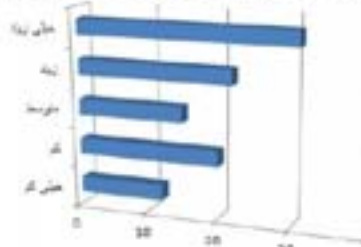


اکباتان

آیا مسیرهای دسترسی شما، به پارکینگ های مجتمع خودبا توجه به وجود حضور طبیعت جذابیتی دارد؟



مهرگان



اکباتان

نتیجه گیری و جمع بندی

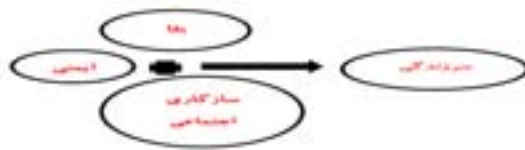
در قسمت بالا به بررسی پرسشنامه سرزندگی و شادابی در دو مجتمع (اکباتان- مهرگان) روی آورده ایم. و در پی آن به تحلیل و استنتاج پاسخ ها پرداخته ایم. که با استفاده از نرم افزار اکسل پاسخها به حالت کمی تبدیل شده اند تا برای رسیدن به یک نتیجه گیری نهایی و همینطور ارائه طرح پیشنهادی بتوانیم تصمیم گیری کنیم. نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه ها در مجتمع اکباتان و مهرگان حاکی از تاثیر غیر مستقیم طبیعت بر حس سرزندگی ساکنین مجتمع ها را دارد. و هرچه میزان طبیعت در مجتمع های مسکونی بیشتر شود باعث میشود که افراد وساکنین با هم تعاملات بیشتری داشته و از واحدهای همسایگی خود شناخت بیشتری داشته باشند. از روی دیگری می توان گفت که کودکان انرژی خود را در فضای سبز و الحاقات مربوط به آن راحتتر تخلیه می کنند و همچنین طبیعت بستری را جهت تفریح، نشست و ورزش کردن برای بزرگسالان شکل میدهد. که این عوامل همگی بر حس سرزندگی ساکنین دخیل بوده است. در نتیجه مجتمع اکباتان با داشتن طبیعت زیاد ساکنین شاداب تر و سرزنده تر نسبت به مجتمع مهرگان که طبیعت آن کم است را دارا میباشد. با توجه به مفهوم سرزندگی و عوامل موثر بر آن، نقش طبیعت در مجتمع های مسکونی برای ایجاد حس سرزندگی، نقشی اساسی و غیرقابل انکار است، وجود طبیعت از جمله عوامل موثر در طراحی شهری جهت ارتقاء حس سرزندگی، آرامش محیط و کاهش روح ماشینی مدرنیته می باشد. از بررسی های به عمل آمده این مقاله در دو مجتمع اکباتان و مهرگان، این نتیجه حاصل شده که وجود طبیعت تأثیر غیرمستقیم بر حس سرزندگی ساکنین مجتمع داشته است، از این روی فرضیه ما که حضور طبیعت در مجتمع های مسکونی به عنوان یک فضای گردهم آورنده، باعث تعاملات اجتماعی بالاتر و در پی آن شادمانی بیشتر ساکنین در مجتمع های مسکونی می شود، را می توان مهر تأیید بر صحت آزمون فرضیه دانست. در این راستا مواردی مورد پرسش قرار گرفتند که همگی این موارد به نحوی بر احساس سرزندگی افراد دخیل بودند. جوابها و نتایج حاصل از این سوالات با توجه

به تحلیل و استنتاج نمودارهایی که در بالا آمده است نشان میدهد که مجتمع اکباتان که دارای طبیعت زیادی است، که این میزان طبیعت، تأثیر بسیار قابل توجهی بر حس سرزندگی افراد در این مجتمع را داشته است. که جنبه پاسخ مثبت به اکثر سوالات از جانب ساکنین در مجتمع مذکور، این مهم را تأیید می نماید. و همچنین طبیعت اندک در مجتمع مهرگان متقابلاً تأثیر بسیار کمی بر میزان حس سرزندگی ساکنین این مجتمع را داشته است. پس میتوان گفت که، بسیاری از خانه ها و حیاط های قدیمی که امروزه تخریب می شوند به همراه آنها فضاهای سبز نیز به علت رویکرد سودگرایانه نسبت به زمین از بین می روند و ساختمانها و خانه های جدید در مجتمع های مسکونی بدون در نظر گرفتن به طبیعت ساخته می شوند. در خانه های گذشته طبیعت موجود در حیاط، نقش بسزایی در محیط های زندگی ایفا می نمود. ولی امروزه طبیعت در سطح شهرها و پارکها ظاهر می شوند که در این صورت مشکلاتی عدیده ای به وجود می آید که عبارتند از:

۱- پارکها در دسترس همه بلوکها و واحدهای مسکونی نیستند؛

۲- باتوجه به این نکته که پارکها یک فضای عمومی شهری هستند، افراد از قشرها و فرهنگهای مختلف را می توان در این مکانها دید که خود این موضوع یک ناهنجاری اجتماعی به وجود می آورد. بنابراین پارکها و طبیعت شهری به اندازه فضاهای سبز حیاطها اثربخش و موثر نخواهند بود.

تصور می شود چیزی را که انسان در معماری گذشته «وجود طبیعت در حیاط» به آن رسیده بود امروزه در مجتمع های مسکونی بنا به دلایلی از دست داده است. بنابراین باید گفت که یکی از علتهای تغییر کاربری و نقش فضاهای باز در مجتمع های مسکونی «که فضای باز برای پارکینگ خودرو شده است»؛ همین فقدان طبیعت در عرصه حیاط بوده، چرا که اگر بستری جهت فضای گردهم آبی و ارتباطات محیا نشود این تعاملات به خودی خود رخ نخواهند داد. و در این صورت فضا پویایی و نشاط



خود را از دست خواهد داد و باید گفت که طبیعت‌همان بستر برای تعاملات بوده که امروزه در مجتمع‌های مسکونی از بین رفته است. در این مقاله به این خروجی رسیدیم که در مجتمع‌های مسکونی با طراحی مناسب طبیعت در محوطه باز میتوان نقش گم‌گشته حیات تعاملات اجتماعی درخانه‌های معماری گذشته را به نوعی در محوطه باز مجتمع های مسکونی معماری معاصر احیا کنیم و در نهایت این تعاملات و روابط اجتماعی میان کاربران باعث ایجاد حس شادابی و سرزندگی ساکنین خواهد شد. در کلام آخر باید گفت که سرزندگی یک مجموعه در صورت پایداری به زیست‌پذیری مجموعه منجر خواهد شد.

منابع و ماخذ

- کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی.
- ۱۶- نصر، طاهره (۱۳۸۷) نگاهی به معماری ایران در دوره پهلوی، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴۳.
- ۱۷- کلارک، رونالد (۱۳۸۷) نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، محمدحسن جعفریان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره سوم.
- ۱۸- سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۸۱) معماری فضای سبز (محوطه سازی)، تهران، سیمای دانش.
- ۱۹- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.
- 20- www.maskanqazvin.ir/home-sales-view/id/32 Landry, Charles, (2000). "Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness", Prince ClausFund
- 21- en.wikipedia.org/wiki/Ekbatan
- 22- anqazvin.ir/home-sales-view/id/32

- ۱- زارعی متین، حسن، احمدی زهرانی، مریم، حق گوین، زلفا، نقش دانشگاه در ایجاد عوامل موثر بر شادی (۱۳۸۸) مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۴۲/ سال سیزدهم، شماره ۲.
- ۲- لنگ، جان (۱۳۸۳) مترجم علیرضا عینی فر، آفرینش نظریه معماری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- جیکویز، جین، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران
- ۴- جان روس (۱۳۹۳) احیای سرزندگی فضاهای شهری، رویکردی نو در تقویت هویت ایرانی-اسلامی.
- ۵- لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- پناهی، سیامک و کریمی، ارسلان (۱۳۹۴) فنگ شویی، تهران، انتشارات ادیبان.
- ۷- سرانو، میگوئل (۱۳۶۲) با یونگ و هسه، ترجمه سیروس شیمسا، انتشارات فردوسی
- ۸- بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر-الگو، ادراک فرآیند، بهناز امین زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- ۹- چرمایف، سرچ؛ الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳) عرصه های زندگی خصوصی و زندگی جمعی، منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۴) معماری غرب: ریشه ها و مفاهیم، چاپ هفتم، تهران: نشر هنر معماری قرن
- ۱۱- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۱) آشنایی با معماری جهان، چاپ دهم، تهران: نشر فن آوران.
- ۱۲- ناییبی، فرشته (۱۳۸۱) حیاط در حیات، چاپ اول، انتشارات نزهت، تهران.
- ۱۳- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸) خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۴- اکرمی، غلامرضا و زارع، فائزه (۱۳۹۲) طراحی خانه در بافت سنتی شهری، مطالعه موردی: طراحی در بافت سنتی قم، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۲.
- ۱۵- بهزادپور، محمد؛ عبداللهی، سعیده (۱۳۹۴) بررسی نقش حیاط در معماری گذشته ایران،



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهرداری

Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

تحلیلی بر باغ‌سازی ایران از آغاز دوران حکومت هخامنشی تا پایان عصر پهلوی

ویدا گودرزی* - عضو هیئت علمی گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایزده، ایران

چکیده

An analysis of Iranian Gardening since the Beginning of the Achaemenid Dynasty to the End of the Pahlavi Era

Abstract

Persian gardens, whose background dates back to the Achaemenid dynasty have always been influenced by some of the main characteristics of Iran's culture, religion and civilization in design on one hand and, on the other hand the environmental conditions. The general pattern of the design of these gardens has been based on Chahrbaghi design since the beginning of the Achaemenid rule until the end of the Qajar period; however, by the end of Qajar period and from the beginning of the Pahlavi era, this type of design pattern is influenced by the modernity and Western architectural style. Also, the retrieval of the concepts inherent in the Iranian gardens requires the recognition of the religion and their views on nature and the main characteristics of the ideal paradise per each. Hence, the current paper aims to explore the features and patterns of garden design as well as the effective factors in shaping them since the beginning of the Achaemenid rule to the end of the Pahlavi era. This is an analytical - descriptive research with a historical and deductive approach. Data was collected purposefully using library tools and research studies. The results of the current paper show that the formation of urban parks during the first Pahlavi period in Iran has been caused by different domestic and foreign factors. On the other hand, the first urban parks in Tehran and Iran have been influenced by Western landscape architectural styles. In a general conclusion, Iranian gardens are cultural, historical, and physical phenomena in the territory of Iran. Also, in most texts related to the gardens of the Islamic period, reference is made to paradise in their design. In this school, natural elements such as water and plants are considered as divine signs, and they are of such importance that repeatedly referred to in Islamic texts.

Keywords: Iranian Garden, Gardening, Achaemenid Garden, Sassanid Garden, Safavid Garden, Qajar Garden, Pahlavi Garden

باغ‌های ایرانی که پیشینه شکل‌گیری آن‌ها به دوره هخامنشی می‌رسد همواره ویژگی‌های طراحی آن‌ها از یک سو تحت تأثیر برخی از خصوصیات مهم فرهنگ، مذهب و تمدن ایران و از سوی دیگر تحت تأثیر شرایط محیطی بوده است. الگوی کلی طراحی این باغ‌ها از زمان آغاز حکومت هخامنشیان تا پایان دوره قاجار بیشتر بر طرح چهارباغی استوار بوده است که در اواخر دوره قاجار و از آغاز حکومت پهلوی این نوع الگوی طراحی تحت تأثیر تجدیدگرایی و سبک معماری فرنگی قرار می‌گیرد. همچنین بازخوانی مفاهیم نهفته در بطن باغ‌های ایرانی، نیازمند شناخت آیین مذهبی و دیدگاه آن‌ها نسبت به طبیعت و شناخت شاخصه‌های اصلی بهشت آرمانی در هریک از آنهاست. از این رو، این پژوهش در پی آن است تا ویژگی‌ها و الگوهای طراحی باغ‌ها و همچنین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن‌ها را از زمان آغاز حکومت هخامنشیان تا پایان دوره پهلوی را مورد کنکاش قرار دهد. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و توصیفی با رویکرد تاریخی و قیاسی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به شکل هدفمند با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شکل‌گیری پارک‌های شهری در دوره پهلوی اول در ایران معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی بوده است. از سوی دیگر نخستین پارک‌های شهری در تهران و ایران تحت تأثیر سبک‌های معماری منظر غربی شکل گرفته‌اند. در یک جمع‌بندی کلی، باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است. همچنین در بیشتر متون مربوط به باغ‌های دوره اسلامی به الگو گرفتن از بهشت در طرح آنها اشاره شده است. در این مکتب، عناصر طبیعی مانند آب و گیاه به عنوان آیه و نشانه‌ی الهی محسوب می‌شوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که بارها در متون اسلامی نام این دو عنصر تکرار شده است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، باغ‌سازی، باغ هخامنشی، باغ ساسانی، باغ صفوی، باغ قاجار، باغ پهلوی

تاریخ باغ‌سازی یکی از مهم‌ترین فضاهای معمارانه از ادوار کهن در فضای ایران بوده است. به گواهی تاریخ، طراحی و اجرای این فضای معمارانه مصنوع و طبیعی همواره مورد توجه پادشاهان و مردمان این سرزمین بوده است (لیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳). در سرزمین پهناور ایران باغ‌هایی وجود داشته‌اند که از نقطه نظر هنر و معماری نمونه‌های با ارزشی تلقی شده و باعث ترویج هنر باغ‌سازی ایرانی در دیگر سرزمین‌ها شده‌اند (متدین، ۱۳۸۹، ص ۵۱). ایرانی‌ها از دیرباز به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشا این علاقه بوده است (محمد مهدی گودرزی، مختاباد امرئی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). می‌توان اظهار داشت که باغ آرمانی‌ترین و خوشایندترین فضای معماری در ایران به شمار می‌آمده است. زیرا کمبود آب و فضای سبز در بسیاری از نواحی کشور بویژه نواحی مرکزی و جنوبی کشور موجب می‌شد که باغ به عنوان فضایی سبز و آرامش‌بخش، محل مناسبی برای محل سکونت و گذران اوقات فراغت به شمار آید. همچنین تنوع اقلیمی و جغرافیایی پهناور ایران موجب شکل‌گیری انواع گوناگونی از باغ‌ها در طول تاریخ شده است (سلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲). باغ ایرانی در شهرسازی و معماری سنتی ایران دارای جایگاهی بلند مرتبه و رفیع می‌باشد. باغ ایرانی در واقع یک پدیده فرهنگی و چند بعدی است که متعلق به جامعه و فرهنگ ایرانی است (علائی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). همچنین، باغ و باغ‌سازی متضمن معانی بسیاری در فرهنگ ایرانی است، بطوریکه عالم ایرانی همواره آکنده از مظاهر باغ و طبیعت بوده است (طوسی، امامی فر؛ ۱۳۹۰، ص ۵۹). در ادبیات ایران به باغ ایرانی «باغ سرا» و یا پردیس یا فردوس گفته می‌شده است (علائی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). باغ ایرانی را می‌توان زیباترین محصول منتج از اصول زیبایی‌شناسی و طبیعت‌گرایی فرهنگ ایرانی دانست (تیموری‌گرده، حیدر نتاج؛ ۱۳۹۳، ص ۱۵). آشنایی با باغ‌های ایرانی و ویژگی‌هایی که هر یک از عناصر آن‌ها دارند، منجر به شناخت یکی از

نیکوترین جلوه‌های صورت و معنا برآمده از باورهای ایرانیان است (طوسی، امامی فر؛ ۱۳۹۰، ص ۵۹). در واقع، باغ‌سازی هنر ترکیب عناصر معماری، عناصر گیاهی و نمایش آب با یکدیگر است. دانشدوست باغ را محوطه‌ای محصور، ساخت انسان با بهره‌گیری از گل، گیاه و درخت و آب معرفی می‌کند که محیطی مطلوب، ایمن و آسوده بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگ خاص مردم بوجود می‌آید (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). از دیدگاه ترنر باغ قطعه زمینی قابل کشت است که برای جلوگیری از هجوم گاوها محصور شده و برای استفاده و تفریح انسان مناسب سازی شده است (Turner، 2005، p:1). قدمت ساخت باغ در معماری ایران به دوره‌های قبل از اسلام (باغهای پاسارگاد) می‌رسد و دستیابی به نظم حاکم بر باغ ایرانی همراه با شکل‌گیری فرهنگ ایرانی حاصل شده است (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). کاخ‌های کوروش در میان باغ‌بزرگ و انبوهی از درختان گوناگون و دشتی چمن‌زار و خرم واقع بوده که توسط آبگذرهای متعددی که از رود پلوار می‌آوردند، سیراب می‌شده است. این محوطه سرسبز را بوستان پاسارگاد (باغ سلطنتی) نامیدند (لیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). نمونه اعلاء و آرمانی ذوق سنتی شگرف هنر باغ‌سازی را در کشور های اسلامی همیشه باغ‌های شاهانه ایران باستان دانسته‌اند. باغ در مقام برخوردارگاه آدمیان و اندیشه‌هایشان و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و پندار، بهترین جای تجربه عرفانی است (محمد مهدی گودرزی، مختاباد امرئی، به نقل از سمیع آذر؛ ۱۳۹۲، ص ۵۶). همچنین باغ ایرانی، در این دوره، در پس ارزشهای نهان خود، تنها به هندسه کالبدی شناخته می‌شود؛ هرچند این هندسه قوی، متفکرانه و منتج از اصول آبیاری و کشاورزی بوده و از اهمیت کمی برخوردار نیست (مدقالچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در دوران پس از اسلام نیز باغ به عنوان تمثیلی از بهشت همواره جایگاه بالایی بین ایرانیان داشته است به طوری که باغ ایرانی جایی امن، آرام و مکانی برای تأمل و مکاشفه است و محلی است برای ارتباط با عالم بالا. به همین علت هیچ چیز بی‌موردی در باغ ایرانی وجود ندارد. همه اجزا با معنا و مفهومی به کار برده شده و این گونه است که نزدیکترین حالت

را به بهشت دارد (تصوری و سجاذزاده، ۱۳۹۵). نمونه بارز این تشابهات را می توان در باغ سازی عصر صفویه و مکتب اصفهان جستجو کرد. با توجه به اینکه مکتب اصفهان و آموزه هایش متأثر از حکمت عقلی شیعی شکل می گیرد از این رو بررسی آموزه های مذهب شیعه و مکتب اصفهان در شکل گیری ایده باغ ضروری به نظر می رسد (حقیقتی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵). از طرفی، سنت باغ سازی در معماری ایران در دوره قاجار متأثر از باغ سازی قرن ۱۷ و ۱۸ اروپا به خصوص فرانسه که پایه های آن مکتب باغ سازی ایتالیایی است شکل می گیرد، ارتباط بیشتر ایران با غرب، طراحان ایرانی را بر آن داشت تا عوامل مشخص معماری ایران را با توجه خاصی با عوامل معماری اروپایی در آمیزند و آثاری بوجود آورند (HeidarNattaj، 2010، p:35). بعد از آن، و در انتهای سده ۱۳ ه.ق و در طی دهه اول سده ۱۴ ه.ق شکل و نقشه باغ های تهران تغییر پیدا کرد و نوعی باغ به نام پارک ایجاد شد بررسی باغ ها در یک دهه پیش از این رویداد نشان می دهد شکل باغ ها کماکان با باغ های اصیل قاجاری تهران همخوانی داشته و در عین حال برخی تغییرات در باغبانی و آرایش گیاهان آغاز شده است. تغییرات وسیعی که به تغییر شکل باغ ها انجامید در باغ شاه و پس از آن در پارک های امین الدوله، ظلالسلطان و امین السلطان که غالباً طی دهه ۱۳۰۰ ه.ق ساخته شدند قابل مشاهده است. این باغ ها اجزای جدیدی مانند دریاچه و عناصر تزئینی مانند مجسمه داشتند و نحوه کاشت و آرایش گیاهان به ویژه گل ها در آن ها بکلی تغییر پیدا کرده بود. در عین حال نمی توان در دوره های پیشین و قبل از دهه ۱۲۸۰ ه.ق ریشه های این دگرگونی را جستجو کرد. این باغ های نو، با روابط جدیدی قابل مقایسه اند که پیش از ۱۳۰۰ ه.ق چندان معمول نبود (جیحانی، ۱۳۹۲، ص ۵۵). با توجه به مباحث ذکر شده بازخوانی مفاهیم نهفته در بطن باغ های ایرانی، نیازمند شناخت آیین مذهبی و دیدگاه آن ها نسبت به طبیعت و شناخت شاخصه های اصلی بهشت آرمانی در هریک از آنهاست؛ زیرا باغ های ایرانی در حقیقت، تجسم عینی و زمینی از بهشت آرمانی ادیان مختلف بوده اند (حمزه نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۸). با این حال، براساس اندیشه

رایج، باغ ایرانی در سراسر تاریخ یک هویت ثابت و تداوم یافته دارد، ولی بررسی های دقیق تر تمایزات کالبدی بارزی را بین نخستین باغ های ایرانی (باغ پاسارگاد) و باغ های دوران اسلامی نشان می دهد. به نظر می رسد این تفاوتها ریشه در اندیشه ها و آرمان های پشتوانه آنها داشته باشد (لبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳). حفظ برخی از عناصر در دوره های خاص به ویژه سه رکن آب، گیاه و ساختمان که سه جزء ثابت همه باغ ها هستند و در فرهنگ به گونه ای خاص به آن ها پرداخته شده است نشان از ظهور اندیشه های دینی و اسطوره ای در طراحی باغ های ایرانی داشته است. در مورد نحوه طراحی و شکل دهی باغ ایرانی تفسیرات گوناگون و بسیاری وجود دارد که مهمترین آنها عبارت است از الزامات کالبدی، اقلیمی، اقتصادی، سکونتی و تفکرات اساطیری، اعتقادی و آیینی (لبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). به نظر می رسد باغ های پس از اسلام براساس اندیشه ها و باورهای دینی شکل گرفته اند. در واقع هدف عمده از مقاله حاضر بررسی و تحلیلی بر باغ سازی ایران از آغاز دوران حکومت هخامنشی تا پایان عصر پهلوی است. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- پیشینه طراحی باغ ایرانی به چه زمانی می رسد؟
- خصوصیات و ویژگی های باغ های ایرانی در دوران پیش و پس از اسلام چگونه بوده است؟

۲. روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و توصیفی با رویکرد تاریخی و قیاسی می باشد. روش گردآوری اطلاعات به شکل هدفمند با استفاده از ابزار کتابخانه ای و مطالعه پژوهش های صورت گرفته در این زمینه گردآوری و پس از آن نقد و بررسی می شود. در ادامه با استناد به شواهد کتابخانه ای و مطالعات تطبیقی صورت گرفته در این زمینه؛ درباره نحوه باغ سازی ایرانی و ساماندهی آن از بعد کارکردی و زیبایی شناختی، مطالعه و بررسی صورت

گرفته است. همچنین در این پژوهش، باغ‌سازی در دوره های مختلف تاریخی ایران از جمله دوره قبل از اسلام؛ (از زمان آغاز حکومت هخامنشی و بعد از آن، باغ‌سازی در دوران ساسانی)؛ و در دوران پس از اسلام؛ باغ‌سازی از سده چهارم تا دوازدهم ه.ق، باغ‌سازی در دوره تیموریان، قاجار، صفویه و عصر پهلوی مورد پژوهش قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

در برخی از متون مربوط به معماری و شهرسازی پیش از اسلام از جمله شاهنامه فردوسی به طراحی و ساخت باغ‌ها در دوران باستان اشاره شده است. در دوران اسلامی نیز طراحی باغ‌ها و کاخ‌ها بصورتی بارز در دوره غزنویان مورد توجه قرار گرفت و با وجود آن‌که نمونه‌هایی قابل بررسی از آن دوران باقی نمانده، اما برخی از ویژگی‌های آن‌ها را از متون تاریخی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. از دوره تیموریان نیز براساس متون تاریخی شمار فراوانی باغ طراحی و ساخته شده است. علاقه تیمور به باغ‌های ایرانی بخصوص به باغ‌های شیراز چنان بود که در سمرقند و بخارا شماری باغ با نام باغ‌های ایرانی به دستور او ساخته شد (سلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲). همچنین، باغ‌های متعدد سمرقند با جنبه‌هایی مشترک، نشان می‌دهند نمونه اصلی باغ‌های ایجاد شده در قرن‌های بعد بودند. این باغ‌ها بسیار زود از میان رفتند (انصاری، صالح؛ ۱۲۹۱، ص ۶). باغ‌های ماقبل دوره صفوی در طول سال‌های پرماجرا از بین رفته‌اند. تا قبل از دوران معاصر و تحلیل محققان هنر باغ‌سازی اکثر مورخین به توصیف ساده باغ‌ها اکتفا نموده و از نوشته‌های تحلیلی در لابه‌لای نوشته‌ها چندان خبری نیست. جهت مشخص نمودن ساختار شکل‌گیری باغ ایرانی باید به باغ‌های باقی مانده از دوران صفوی تکیه نمود که حاوی خصوصیات مشترک باغ‌های ماقبل خود نیز می‌باشند. از طرفی نوشته‌های مورخین و مقایسه آنها با نمونه‌های موجود موجب شناخت تغییرات احتمالی در ساختار این باغ‌ها در دوره‌های بعد خواهد بود (متدین، ۱۳۸۹، ص ۵۲). در دوره قاجار نیز طراحی باغ‌های ایرانی همانند طراحی برخی از دیگر فضاهای

معماری به تدریج از معماری اروپایی تأثیر پذیرفت و فضاهایی طراحی و ساخته شدند که به پیروی از چگونگی طراحی آن‌ها، در همان زمان پارک نامیده شدند (سلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

در پژوهشی که حمزه‌نژاد و همکاران در سال ۱۳۹۳؛ با موضوع «بررسی تطبیقی باغ‌سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی براساس توصیف‌های بهشتی» انجام دادند به بررسی مصادیقی از دوران ساسانی و دوره بعد از آن که مصادف با ورود اسلام است پرداختند و الگوی کلی باغ‌سازی در این مقاطع و تغییرات صورت گرفته در آن را مورد واکاوی قرار دادند. در این تحقیق، با استناد به آموزه‌های اوستا و قرآن و سایر منابع دینی، با روش تحقیق تفسیری تاریخی شاخصه‌های مورد اشاره در توصیف باغ‌های بهشتی تبیین می‌شود؛ سپس با روش تطبیقی به بازبینی مبانی نظری باغ‌سازی ایرانی در دوران ساسانی و اسلامی پرداخته می‌شود تا امکان انطباق مؤلفه‌ها و عناصر باغ ایرانی با مبانی نظری فرهنگ دینی (زرتشتی و اسلامی) فراهم شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد صفات و مفاهیم نمادین مرتبط با باغ‌سازی، مبنایی فرهنگی و دینی دارد و ویژگی‌های خود را از صفات بهشت آرمانی مذهب و آیین حاکم بر جوامع می‌گیرد و همین تفاوت هاست که به ساختارها و الگوهای کالبدی متفاوت در هر برهه از زمان می‌انجامد. تمدن ایران در دوره رواج و گسترش آیین‌های میتزایی، مزدیسنا و زرتشتی با تفسیر ویژه از طبیعت به تقدیس آن می‌پرداخت؛ اما با ورود دین اسلام، احترام به طبیعت جای تقدیس آن را گرفت و به تبع آن، تغییرات کالبدی چشمگیری از منظر برون‌گرایی درون‌گرایی، محوربندی، موقعیت قرارگیری، تعداد طبقات کوشک و... در باغ‌های ایرانی به وجود آمد. بررسی‌ها حاکی از آن است که کوشک‌های ساسانی نسبت به اسلامی، بعد درونگرایی قویتری نسبت به طبیعت پیرامونی داشته‌اند؛ با این حال، مرزبندی و تعریف حریمی مشخص برای باغ، با آغاز دوره اسلامی معنی و مفهوم می‌یابد. با گذر از دوران ساسانی به اسلامی، محوربندی و تقسیمات کلی پلان باغ‌ها از تقسیمات دوتایی به الگوی چهارباغ متحول و بر تعداد طبقات کوشک‌ها نیز افزوده شد (حمزه نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۷).

در سال ۱۳۸۸، زمانی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تاکید بر اصول دینی- آیینی»، به بررسی مبانی و مفاهیم دینی و آیینی متبلور در میراث کنونی باغ‌های ایران پرداختند. که به نوبه خود تأثیراتی از دوران پیش از اسلام و پس از آن و همچنین از تفکرات آیینی متفاوت در آن جلوه‌گر شده است؛ پژوهش حاضر به دنبال آن است که با ارائه مستندات و مصادیق مختلف دینی آیینی و عرفانی، بدین مفهوم تأکید نماید که کانسپت اصلی و میراث موجود باغ‌های ایرانی، ریشه در تفکرات دینی و آیینی مردمان این سرزمین دارد. نتایج حاصل بیانگر آن است که باغ ایرانی نظامی حکیمانه و کمال گراست که عناصر طبیعی آب و گیاه را به نحوی در خود جای داده که نیازهای فیزیکی استفاده کنندگان را برآورده می‌سازد، و در همان حال نیز به بعد ماوراء الطبیعه و معنوی آن توجه شده است. همین مسئله باعث بقا و تداوم آن در طول زمان و شاخص شدن آن به صورت مجموعه ای واحد شده است. به کمک بازشناخت این ساختار می‌توان در ساختن محیط زیستی مناسب و هماهنگ با نظم موجود، بهره‌برداری لازم را به عمل آورد (زمانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

لیبب زاده و همکارانش نیز در سال ۱۳۹۰؛ با پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی تأثیر ایده های معنوی در شکل باغ»، به بررسی تمایزات کالبدی بین نخستین باغ های ایرانی (باغ پاسارگاد) و باغ های دوران اسلامی پرداختند. در واقع هدف از این پژوهش آن بود که نشان دهد باغ‌ها پیش از آنکه تجلی اقلیم و ادوار تاریخی باشند، جلوه اندیشه ها و باورهای آدمیان بوده و ساختار کالبدی باغ‌ها با تغییر اندیشه دینی (آرمان‌ها و باورها) دچار تحولات شگرف شده است. برای دستیابی به هدف فوق، با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسانه (مصادق به مفهوم) تمایزات باغ پاسارگاد با باغ‌های دوران اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده است تا با استناد به اندیشه های فکری دو مکتب پیش و پس از اسلام، ریشه این تفاوت‌ها تبیین شود. براساس یافته های این تحقیق مهم‌ترین تمایزات کالبدی: ۱) سازمان‌دهی تقسیمات در پلان

باغ؛ ۲) نماد پردازی حرکت آب؛ ۳) شیب‌بندی زمین و مکانیابی کوشک؛ معرفی شده است (لیبب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳).

سلطان‌زاده نیز در سال ۱۳۸۲؛ با تحقیق بر روی باغ و پارک تحت عنوان «از باغ تا پارک»، به بررسی علل پیدایش و مفهوم باغ‌سازی در ایران باستان و همچنین علل گرایش باغ‌سازی به پارک‌سازی در دوران قاجار و پهلوی می‌پردازد. از نظر سلطان‌زاده باغ های ایرانی که بر اساس برخی از اسناد موجود، پیشینه آن ها حداقل به دوران هخامنشی می‌رسد، همواره و در طول تاریخ ایران ویژگی ها و اصولی عام و اساسی داشتند که آن ها را از سایر باغ ها در سرزمین های دیگر متمایز می‌ساختند. برخی از این اصول مانند طرح چهارباغ و کاربرد شبکه های شطرنجی همواره در طراحی انواع باغ های ایرانی استفاده می‌شده است. از دوره قاجار به بعد به تدریج تحت تاثیر فرهنگ و معماری اروپا، چگونگی طراحی باغ های ایرانی دگرگون شد و فضاهایی پدید آمد که کاربرد خطوط و سطح های منحنی شکل و غیرمتمقارن از ویژگی‌های اساسی آن به شمار می‌آمد. این گونه فضاهای سبز را به تقلید از اروپاییان پارک می‌نامیدند. نمونه هایی از آن ها که در آغاز توسط اعیان و رجال مورد توجه قرار گرفتند و سپس در طراحی فضاهای سبز عمومی نیز مورد توجه قرار گرفتند، در نقشه تهران در دوره قاجار قابل مشاهده است. این پارک های نخستین غالبا از لحاظ مالکیت و نحوه استفاده از آنها همانند باغ‌ها بودند. از آغاز دوره پهلوی و هم زمان با دگرگونی هایی اساسی و ساختاری در بافت و کاربری های شهری از یک سو و تغییراتی که در ساختار واحدهای مسکونی روی داد و منجر به کوچک شدن حیاط و فضای سبز آنها شد، موجب گردید که نوع جدیدی از فضاهای سبز شهری که برخلاف پارک‌های نخستین که مالکیت شخصی داشتند و غالبا برای استفاده عموم نبودند؛ برای استفاده مردم شهر و به صورت عمومی طراحی و ساخته شوند که از لحاظ کالبدی نیز فاقد فضاهای ساخته شده مانند باغ ها بودند. بطور کلی، روند طراحی، ساخت و شکل‌گیری باغ‌های ایرانی حاکی از وجود سنتها و روش هایی کمابیش پایدار و دائمی است که تحت

تأثیر برخی از خصوصیات مهم فرهنگ و تمدن ایران، و از سوی دیگر تحت تأثیر شرایط محیطی و سایر عوامل نظیر کارکرد اصلی فضا قرار گرفته است (سلطانزاده؛ ۱۳۸۲، ص ۹۱).

۳. مبانی نظری

در ذهن ایرانی، باغ تصویری فراگیر دارد. این ذهنیت نه تنها گاهی معرف هویت ایرانی است بلکه گاه از آن هویت میگیرد بطوریکه فرهنگ ایرانی و تصویر و تصور باغ در ذهن ایرانی در طول تاریخ همواره بر هم تأثیر گذار بوده و از هم تأثیر گرفته است. در واقع، باغ ایرانی در مفهوم وسیع خود، فرآورده هنر زیستن است و در ایجاد رابطه میان انسان و طبیعت و در نظام هستی ره آورد تمدن پرمایه ایران زمین است. نظام باغ ایرانی، تنوع و اندازه‌های گوناگون آن از کوچکترین حیاط خانه تا بزرگترین چهار باغ شهری و باغ شهر را در بر می‌گیرد (گودرزی، مختاباد امرئی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). باغ ایرانی با تاریخ درخشان خود به عنوان یکی از بهترین الگوهای منظرسازی، محصول تعامل سازنده انسان ایرانی در مواجهه با طبیعت است (حیدر نتاج، امیر منصوری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). باغ ایرانی به مثابه تمثالی از بهشت، همواره در میان باورهای ایرانیان جایگاه مقدسی داشته است. برخلاف اندیشه‌های رایج مبنی بر هویت و ساختار یکسان باغ ایرانی در طول تاریخ، شاخصه‌های اصلی باغ سازی در ادوار گوناگون بسیار متغیر بوده است. (حمزه نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۷). نخستین باغ که گفته میشود اساس الگوی چهارباغ را بنیان نهاده؛ باغ شاهی پاسارگاد است که بخشی از نقشه آن بر اساس حفاری‌ها و بخشی بر اساس حدس و گمان است و به صورت چهار بخشی ارائه شده است. از همینرو، از بین عوامل مختلف شکل‌گیری باغ ایرانی و هندسه خاص آن، فرضیه الگوی چهارباغ به عنوان یکی از مشهورترین فرضیه‌ها شناخته شده است (حیدرنتاج، منصوری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). این تعریف به عنوان ریشه هندسی باغ ایرانی مطرح شده است.

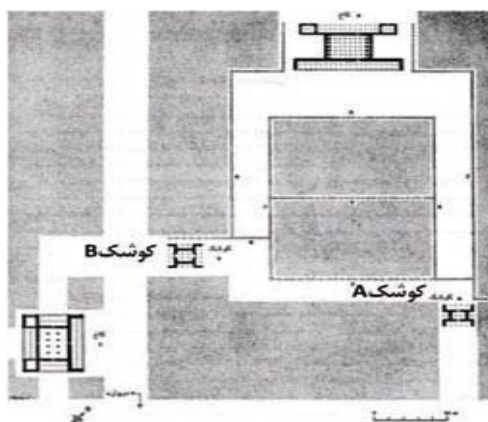
باغ پاسارگاد نماد باغ‌سازی دوره هخامنشی

با توجه به گفته‌های مورخین، کاخ‌های کوروش در میان باغ بزرگ و انبوه از درختان گوناگون و دشتی چمن زار و خرم واقع بوده که توسط آبگذرهای متعددی که از رود پلوار می‌آوردند سیراب می‌شده است. این محوطه سرسبز را بوستان پاسارگاد (باغ سلطنتی) نامیده‌اند. طرح بناهای پاسارگاد تک ساختمان‌هایی را نشان می‌دهد که از چهار جانب باز و گشاده بوده‌اند و بنابراین محوطه دیدشان می‌بایست چشمگیر و خرم باشد. از همین روی، میان طرح کاخ‌ها و نقشه آبنماهای بوستان و خیابان‌های آن وابستگی دقیقی مشخص شده است (لیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته توسط لیب‌زاده و همکارانش، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مبانی کشف نشده فراوانی در پس طراحی این باغ وجود دارد. مهمترین این شواهد را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

■ سازماندهی تقسیمات در پلان باغ: برخلاف نظریه‌های رایج که باغ پاسارگاد را به عنوان اولین باغ چهار باغ ایرانی معرفی میکند، براساس شواهد برجای مانده، این باغ از تقسیمات دو قسمتی در پلان برخوردار بوده و از باغی دو بخشی روبروی کاخ اصلی تشکیل شده است. براساس شواهد موجود به نظر می‌رسد باغ پاسارگاد تقسیماتی دوبخشی داشته است که توسط یک آبراهه در میانه باغ ایجاد می‌شده است (لیب‌زاده و همکاران به نقل از سیکول؛ ۱۳۹۰، ص ۵). در بین پژوهشگران معاصر، تحقیقات «مهوش عالمی» و بازخوانی «ارشادالزراعه» توسط ایشان نظریه دیگری را در زمینه الگوی چهارباغ مطرح می‌کند که بر تک محوری بودن باغ و طرح چهارباغ تأکید دارد و نه دو محوری بودن آن. این محقق ضمن تأکید بر مفاهیم دوتایی در اعتقادات زرتشتیان مبنی بر دو قسمتی بودن جهان که با باغ پاسارگاد هماهنگی بیشتری دارد این نظریه را مطرح می‌کند و می‌گوید: وقتی ارشادالزراعه را خواندم، به فکر افتادم شکل آنچه را توصیف شده است ترسیم نمایم. بعد از

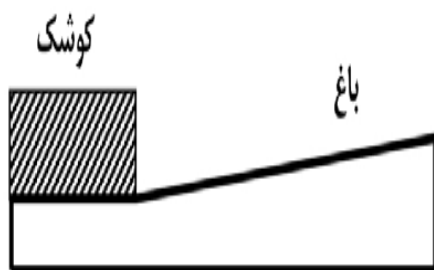
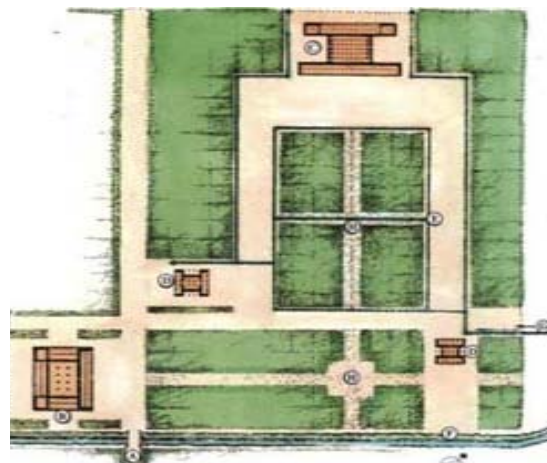
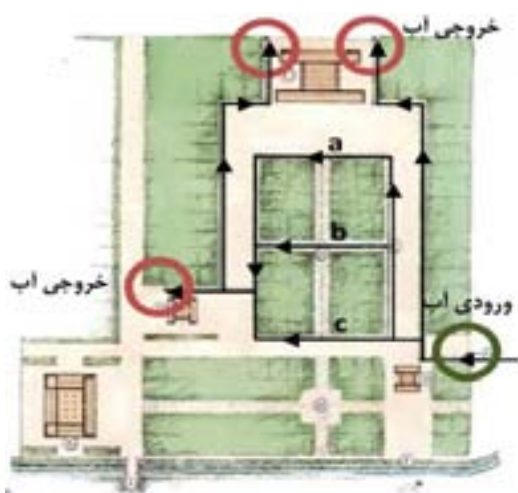
ترسیم شکل آن متوجه برخی تفاوت ها در تصور از چهارباغ گردیدم. به نظرم می آمد اصلاً لزومی ندارد که در چهارباغ حتماً دو محور وجود داشته باشد (همان).

شکل ۱. تقسیمات دویخشی در پلان باغ پاسارگاد؛ مأخذ: لیبب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۰.



دانشسته است. اما براساس مدارک معتبر می توان به مسئله جدا بودن آب تزئینی از آب مورد نیاز برای آبیاری مجموعه اذعان داشت. در باغ پاسارگاد آب تزئینی (یا نمادین) و آب کاربردی مسیرهای متفاوتی دارند. باغ، یک ورودی آب و سه خروجی دارد که خروجیها از کنار کاخها می گذرد و به شهر می رسد. تقسیم بندی حرکت نهرها بسیار حساب شده تنظیم شده و چه بسا شیب بندی طوری تنظیم شده که بتواند چنین مسیری از آب ایجاد شود (همان).

شکل ۲. تنظیم مسیر حرکت آب و ورد و خروج آن (شکل سمت راست)؛ محل قرارگیری کوشک در پایین ترین محل نسبت به باغ (شکل سمت چپ)؛ مأخذ: لیبب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۰.



■ شیب بندی زمین و مکان یابی کاخ:
برای تشخیص شیب بندی زمین و موقعیت

■ **نمادپردازی حرکت آب:** بنا به نظر «استروناخ» منبع اصلی آب پاسارگاد در خارج از مجموعه قرار داشته و آب تزئینی در جویهای کم عرض به ابعاد حدود ۲۵ سانتیمتر در جریان بوده و حوضهایی به ابعاد ۸۰×۸۰×۸۰؛ سانتیمتر در مسیر آنها وجود داشته است که ممکن است برای رسوب و گل و لای جوی های کم عمق طراحی شده باشد. آشکارا فقدان حوض مرکزی و حتی حوض جلوی کوشک مشهود است. «مسعودی»، احتمال استفاده از این جوی ها را برای آبیاری کاملاً مردود

قرارگیری کوشک‌ها بهترین روش بررسی مسیر حرکت آب است. با توجه به جهت حرکت آب، کاخ در مرتفع‌ترین جای زمین قرار نگرفته، بلکه زمین دارای دو جهت شیب است و کاخ‌ها در پایین‌ترین جای شیب‌بندی زمین قرار گرفته‌اند. گویی باغ نمایشی از عالم غیب و ملکوت بوده و کاخ شاه در پایین‌ترین جای آن واسطه خدا و مردم است و آب از کنار قصر او به مردم می‌رسد (لیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷).

باغ ایرانی به عنوان یک پدیده تمدنی که در طول تاریخ همچنان به حیات خود ادامه داده است، خواستگاهی ارزشمند به نام پردیس در دوران هخامنشی دارد. شناخت این خاستگاه و واکاوی جایگاه و ارزش آن در نظام فکری دوران باستان و حکومت هخامنشی هم در بازشناسی صحیح از باغ ایرانی ما را یاری میکند و هم در بازگشت به ارزش‌های برتری که رابطه اصیل انسان ایرانی را با طبیعت بیان میدارد (سیروس، ۱۳۹۳، ص ۹). از طرفی، شاه بزرگ که خود را پاسبان باغ میدانند و حتی شاید شخصاً دست در کشاورزی دارد، طراح اصلی کهن الگوی باغ ایرانی است. گزنفون درباره اصول طراحی باغ توضیحات دقیقی می‌دهد و آن را منسوب به کوروش میدانند. اصولی که از زبان لوساندر طرح می‌شود و شامل هندسه، نظم، گیاهشناسی و اسلوب گل‌کاری می‌شود؛ اصولی که به راحتی آن را در مورد باغ‌های بعدی ایرانی هم می‌توان تعمیم داد. بطور کلی، از نظر سیروس، پردیس هخامنشی تنها یک باغ نیست بلکه مؤسسه یا نهادی است همچون بسیاری نهادهای مدرن در دوران حاضر که در محور اقتصاد، سیاست، مذهب، فرهنگ و دانش هخامنشی قرار می‌گیرد و نه تنها سمبلی از جمالی و مدیریت را می‌نمایاند، بلکه عرفان عمیقی رابطه انسان ایرانی و طبیعت را در عالی‌ترین جلوه اش به نمایش می‌آورد (سیروس، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

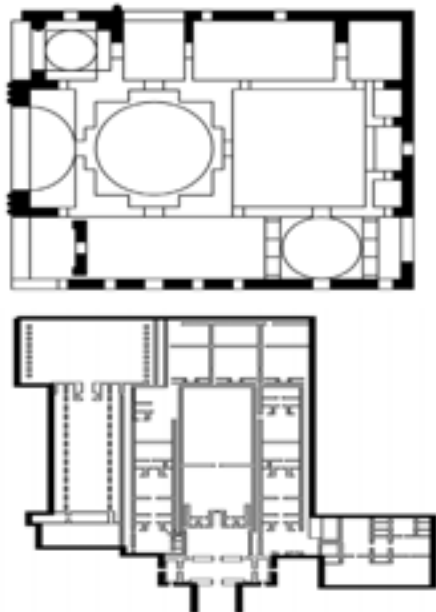
الگوی کلی و ویژگی‌های هندسی - فضایی باغ‌های دوران ساسانی

بررسی مصادیق مختلف باغ‌سازی دوران ساسانی

از منظر درون‌گرایی و برونگرایی کوشک نسبت به باغ و باغ نسبت به اطراف مجموعه است. از موارد مهم و ویژگی‌های کالبدی، هندسی و فضایی باغ‌های ساسانی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) اغلب کاخ‌ها و معابد دوران ساسانی به واسطه دیوارهایی قطور و عظیم که در بیشتر موارد، همچون دیوار دژ و فاقد بازشو و گشودگی هستند، درون‌گرا بوده و از طبیعت پیرامون خود جدا شده‌اند. در این ساختمان‌ها، اتاق‌ها عمدتاً گسسته از محوطه هستند و بازشوهای آن‌ها چه از داخل و چه از خارج، از قاعده‌های زیبایی‌گرا یا طبیعت‌گرایانه منظری تبعیت نمی‌کنند. درون‌گرایی و گسست میان ساختمان کاخ - معبد و باغ در بسیاری از آثار این دوران، از جمله عمارت خسرو، آتشکده فیروزآباد و تخت سلیمان، کاملاً مشهود است.

شکل ۳. کاخ سروستان، درون‌گرا (شکل سمت راست)؛ کاخ عمارت خسرو، درون‌گرا (شکل سمت چپ)؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۹.



در این بناها دیواری صلب، دور تا دور اتاق‌های کاخ معبد را فرا گرفته و مجموع‌های کاملاً درون‌گرا به وجود آورده است. تنها ارتباط این کوشک‌ها با محیط اطراف از طریق ایوانی است که در بیشتر مواقع مشرف بر سکویی وسیع است. با وجود این، در برخی از آثار از قبیل باغ کاخ سروستان، شاهد گشودگی‌های متعددی در بدنه کوشک هستیم (حمزه‌نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۹).

ب) در بیشتر کاخ‌های دوران ساسانی، ایوان رو به باغ تنها گشودگی و مسیر دسترسی به ساختمان است. ایوان از نظر کارکردی به دو گروه تقسیم بندی می‌شود: نخست ایوان‌هایی که به عنوان یک فضای اصلی از آنها استفاده می‌شود؛ دوم ایوان‌هایی که نقش یک فضای رابطه را بر عهده دارند. این ایوان‌ها نیز ممکن است بین حیاط و یک فضای محصور یا میان یک فضای معماری و یک فضای شهری

رابطه باشند. با بررسی مصادیق ساسانی می‌توان اظهار داشت که ایوان و فضای نیمه باز با عرض نسبتاً کم که در کنار فضاهای اصلی شکل گرفته است، برای تنظیم پیوند بین انسان با طبیعت اصالت ندارد و صرفاً به عنوان یک مسیر عبوری عمل می‌کند برخی از این کاخ‌ها نظیر عمارت خسرو، فاقد ایوان رو به حیاط هستند. (همان، ص ۶۰).

ج) درونگرایی و برونگرایی باغ نسبت به زمین‌های اطراف، از دیگر موارد ایجاد تمایز میان الگوی باغسازای ساسانی و اسلامی است. در دوران ساسانی، با وجود ارتباط میان کاخ/ معبد و باغ که ارتباطی گسسته است، عدم وجود حایل مرزی مشخص در اطراف مجموعه، باعث امتزاج حریم‌ها شده و رابطه‌ای پیوسته میان باغ و زمین‌های اطراف به وجود آورده است (همان؛ ص: ۶۱).

جدول ۱. درون‌گرایی و برون‌گرایی در کوشک در باغ‌های دوره ساسانی؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۶۷

دوره تاریخی	ویژگی‌های کلیدی	مبانی نظری	سندندات دینی
ساسانی	درون‌گرایی کوشک نسبت به طبیعت اطراف (خلق فضای درون‌گرا، مناسب برای تمرکز و سیر در نفس) به‌واسطه: - دیوارهای صلب بیرونی - محدودیت در تعداد و ابعاد بازتوها - گنبدخانه و فضای اصلی تنگ و نازک با بازتوهای گوی‌عرض - تعریف ایوان به‌عنوان فضای ارتباطی صرف	اندیشه نیک اساسی تعالی به جایگاه والای و بنیان رستگاری است.	هر تسلی که از خرد بهره بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است (مبنوی خود، ۵۵-۵۷).
	برون‌گرایی باغ نسبت به زمین‌های اطراف (عدم دستبرد و تحریف از طبیعت) به‌واسطه: - عدم تعریف حریم و مرزی مشخص برای باغ	در آیین زرتشت، طبیعت مقدس است و در جایگاه والای قرار دارد. انسان قرار دارد.	خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهان، خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خاندان‌ها. خواستار ستایش اورمزد، دارنده این روستاهایم (نوستخواه ۱۳۷۱، ۱۰۵-۱۰۷).
	تعریف سلسله‌مراتب طولی چهارگانه در راستای محور اصلی و زوج مکمل‌های دوگانه فضایی	اعتقاد به مراحل چهارگانه بهشتی و دوگانه‌پرستی در آیین زرتشت	بهشت نخست از ستاره پایه تا ماه پایه جایگاه اندیشه نیک، بهشت دوم از ماه پایه تا خورشید پایه، جایگاه گفتار نیک و بهشت سوم از خورشید پایه تا گرزمن، آنجا که افریدگار اورمزد برآیند، جایگاه کردار نیک است (همان، ۲۲).

به دلیل فقدان منابع و مستندات کافی از باغ سازی دوران ساسانی، تاکنون پژوهش‌های چشمگیری در بررسی الگوها و مبانی نظری منظر این دوره صورت نگرفته است. بدیعییت موضوع، ضرورت انجام پژوهش‌هایی دقیق در ابعادی گسترده را به اثبات می‌رساند.

باغ حکومتی عضدالدوله دیلمی شیراز (آبویه، قرن چهارم هجری)

امیر عضدالدوله دیلمی شاهی از دیار دیلمان که بین سال‌های ۳۳۸-۳۷۲ هـ ق بر ایران حکومت می‌کرده است؛ در شیراز کاخی ساخته بود و در پیرامون آن باغ بزرگ پر از گل و درخت که جوی آبی در آن روان بود بنا نمود. این باغ در روزگار خود در نوع خود بی نظیر بود. در تاریخ نامه‌ها ذکر نام کاخ عضدالدوله دیلمی همراه با شرح باغ وسیعی است که آن را محصور کرده بود. این اولین اشاره به ساخت باغ در بافت شهر توسط حاکم وقت بوده است (منصوری، عرب سلغار؛ ۱۳۹۴، ص ۹). شمس الدین ابی عبدالله سوریانی، مورخ سده چهارم هجری که این باغ را دیده، بوستان آن را پرگل و ریاحین و آب‌های جاری توصیف کرده است (منصوری، عرب سلغار به نقل از آریان‌پور؛ ۱۳۹۴، ص ۹). مقدسی درباره این قصر می‌نویسد: "عضدالدوله در این کاخ جوی‌های آب روان ساخته و بر فراز آن گنبدهایی بنا کرده و در اطراف آن بوستان‌هایی از درختان تعبیه ساخته و در آن حوض‌هایی حفر نموده و تمام وسایل و اسباب آسایش را فراهم کرده است (منصوری، عرب سلغار به نقل از افسر؛ ۱۳۹۴، ص ۹).

باغ حکومتی اتابک (قرن ششم هجری)

مرحله دوم تحول تاریخی شهر بین سال‌های ۵۴۳ تا ۶۸۶ ه ق، در دوره اتابکان فارس بوده است. محور حکومتی اتابکان به موازات محور آل بویه و قنات عضدی شکل گرفت و برای تثبیت حکومت خود، اقدام به ایجاد یک مرکز حکومت و باغ منضم به آن پرداختند. یک سوی این محور مسجد جامع عتیق و سوی دیگر مسجد جامع نو است. باغ حکومتی اتابک در سمت جنوب مسجد نو شکل

گرفته است. باغ اتابک یکی از باغ‌های مهم این دوره حکومتی بوده و به وسیله حکام این سلسله احداث شده است. از این باغ بزرگ امروزه به جز باغچه مسجد نو که اهمیت چندانی ندارد، آثاری بر جای نیست، ولی آن محله را مردم شیراز همچنان محله سر باغ می‌نامند (منصوری، عرب سلغار به نقل از آریان‌پور؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰). هرچند منابع دقیقی موجود نیست که بتوان به صورت مستقیم، شکل‌گیری عناصر طبیعی را در بافت شهری به دوره اتابکان نسبت داد، وجود برخی از نشانه‌های مسلم همچون باغ اتابکان و سراسرستان‌هایی که وصاف الحضرة در زمان شاهزاده خانم گردوجین به صورت دقیق آن‌ها را توصیف کرده که پیوسته آبی صاف و گوارا از آن می‌گذرد، مؤید آن است. همچنین طراحی حیاط مسجد نو در تلفیق آب و درخت می‌تواند نشانگر توجه اتابکان در تبلور عناصر طبیعی در فضای شهری باشد (منصوری، عرب سلغار؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰).

باغ در دوره تیموری

در زمان تیمور، باغ‌های زیادی در اطراف سمرقند و شهرهای دیگر احداث شد که با نام باغ‌های دوره تیموری معروف اند. باغ‌های متعدد سمرقند، با جنبه‌هایی مشترک، نشان می‌دهند نمونه اصلی باغ‌های ایجاد شده در قرن‌های بعدند. این باغ‌ها بسیار زود از میان رفتند؛ اما با خواندن نوشته‌های شرف الدین یزدی، خاطره نویسنده عصر تیمور، و به کمک کاوش‌های جدید باستان‌شناسی، توانسته‌اند در بیرون چمنزارهای مخصوص چادر زدن و جشن‌های بزرگ عمومی، پنج باغ تیموری را شناسایی کنند. چنانکه جواهریان می‌نویسد، این باغ‌ها عبارت‌اند از:

- 1) باغ شمال، که بنا به توصیفات مستند چهار عمارت در چهار گوشه آن ساخته بودند.
- 2) باغ دلگشا، که به گفته شرف الدین یزدی در آن تنگ راه‌های مشجر به صورت شبکه‌ای از استخر مرکزی شروع می‌شد و باغچه‌ها را در اشکال چهارضلعی و سه ضلعی و شش ضلعی تشکیل می‌داد. در

کناره باغچه‌ها درختان میوه کاشته بودند و فرشی از انواع گوناگون گل، وسط هر باغچه را می پوشاند. عمارتی چهار گوش نیز در میانه باغ قرار داشت.

(3) باغ نو، با چهار برج در چهار گوشه آن و کوشکی در وسط و استخری در روبه روی آن قرار داشت.

(4) باغ دولت آباد، که در آن نهری به منظور ترسیم شش کرت، باغ را سراسر می پیمود و در نقاط تقاطع شش استخر وجود داشت. کوشک بر روی بلندی احداث شده بود و از همه طرف به چشم اندازی سرسبز رو می گشود. این باغ‌ها همگی با دیوارهایی محصور و دارای سردرهای ورودی ظریف و مجللی بوده اند.

(5) باغ بهشت، که شامل دوازده باغ (به تعداد برج‌های منطقۀ البروج) می‌شد و، بر روی هم، کمربندی سبز را در غرب سمرقند تشکیل می‌داد (انصاری، صالح به نقل از جواهریان؛ ۱۳۹۱، ص ۶).

طرح تجدید شده باغی در سمرقند که شاید نام آن باغ گل سرخ باشد در تصویر زیر نشان داده شده است. تیمور در اواخر عمر، یعنی در سال ۸۰۷ ق، به معماری که از دمشق فراخوانده بود فرمان داد تا در وسط این باغ، که در جنوب باغ شمال واقع شده بود، بنای کاخ عظیمی را آغاز کنند. هر طرف این باغ حدود ۷۵۰ متر بود. در داخل باغ هم حوضه ای آب و فواره هایی به شکل گوناگون احداث شدند (انصاری، صالح به نقل از ویلبر؛ ۱۳۹۱، ص ۷).



شکل ۴. باغ گل سرخ در دوره تیموریان؛ مأخذ: انصاری، صالح به نقل از ویلبر، ۱۳۹۱، ص ۷.

به طور کلی، صفات مشخص باغ‌های تیموری به شرح زیر است:

- (1) وسعت زیاد باغ‌های تیموری و طراحی فضای باغ با تناسب زیاد.
- (2) محصور بودن باغ با دیوارهای بلند و سردرهای مزین به کاشی کاری‌های آبی و طلائی.
- (3) پیروی از سنت چهار باغ ایرانی و تقسیم فضا به چهار قسمت.
- (4) استفاده از یک نهر اصلی در باغ.
- (5) وجود یک گوشک یا قصر در مرکز باغ
- (6) انتخاب یک قطعه زمین که طبیعتاً سراسیم است یا ایجاد تپه ای مصنوعی به منظور اطمینان از اینکه آب به طور رضایت بخشی جریان پیدا می کند.
- (7) استفاده از خیابان‌ها و باغچه های مستطیل شکل در باغ.

باغ در دوره صفوی (قرن یازدهم هجری)

مؤسس سلطنت این خاندان اسماعیل صفوی است. صفویان با شعار تشیع مناطق شیعه نشین ایران را متحد کردند و توانستند دولت ملی ایران را به وجود بیاورند (انصاری، صالح به نقل از آذرنگ و دیگران؛ ۱۳۹۱، ص ۸). ساختار شهر در دوره صفوی بر محور جدیدی که به موازات محورهای آل بویه و اتابکان فارس قرار داشت شکل گرفت. این محور از مدرسه خان در شرق آغاز شده و به میدان شاه صفوی در غرب منتهی می شد. میدان شاه، مجموعه‌های متشکل از قصر، دارالشفاء و مسجد صفوی بود که در پشت قصر صفوی، باغ حکومتی منضم به آن قرار داشته است. ضلع شمالی باغ حکومتی مجاور معبری بود که در خارج از شهر به باغ شاه مرتبط می شد و بزرگان شهر در این زمان محور دیگری به صورت، در دو سوی آن باغ‌هایی احداث کرده بودند (منصوری، عرب سلغار به نقل از فلامکی؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰). این دو محور چهارباغ احداث شد که

از دروازه اصفهان تا تنگ الله اکبر امتداد می یافت. معروفتترین و کاملترین مجموعه بناهای صفوی، که در دوره شاه عباس در اصفهان پس از سال ۱۵۹۸ م/ ۱۰۰۷ ق ساخته شد، نمایانگر علاقه ای جدید در طراحی است. اولین پروژه بزرگ چهارباغ بود، یک خیابان شاهانه که اتصال میان اسکان قدیمی تر اطراف مسجد جامع و رودخانه را میسر می ساخت. چهار باغ نه به علت نقشه مربع آن، بلکه به این علت که در میان زمینی با چهار شکوفه زار امتداد یافته، چهار باغ نامیده می شد. چهارباغ دارای کانال آبی بود که به سمت پایین مرکز آن با فواره ها و آبشارهای کوچک و باغچه ها امتداد می یافت. در هر سمت آن ردیفی از درختان چنار و عمارت‌های کلاه فرنگی (غرفه ها) قرار داشت (انصاری، صالح؛ ۱۳۹۱، ص ۸). عناصر اصلی سازنده باغ ایرانی به عنوان اصلی ترین نمادهای عینی به طور مستقیم و غیرمستقیم تضمین کننده عملکرد باغ به عنوان طبیعی از پیش اندیشیده هستند. علاوه بر این که وجود نظام‌های عملکردی و معنایی و اصول خاص نظام دهنده مؤثر بر ساختار کالبدی و فضایی این عناصر، که تحت تأثیر باورهای اعتقادی و فرهنگی سازندگان بود، بخش عمده ای از هویت ویژه کالبدی باغ ایرانی را در اعصار مختلف تعریف نموده است (حقیقت‌بین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶). چنین به نظر می رسد که باغ سازی دوره صفوی نه تنها از این امر مستثنا نبود، بلکه به واسطه اصولی متأثر از مذهب و حیات عقلی شیعی هویتی ویژه یافت. این مهم در کنار مفهوم ذهنی باغ تمثیلی از بهشت اخروی، مهم ترین عاملی بود که در تعریف هویت ویژه برای باغ در دوره صفویه مؤثر افتاد. معماران مسلمان این دوره تلاش کرده بودند در طراحی باغ، تمامی ویژگی های بهشت اخروی قرآن را در باغ ایرانی تجسم بخشند و آن را به عنوان تمثیلی از بهشت اخروی طراحی و اجرا نمایند. در این باره آن‌ها از عناوینی مرتبط با بهشت در نام گذاری باغ‌ها استفاده نمودند و حتی «نام بهشت را بر باغ‌های مختلف» اطلاق کرده اند (حقیقت بین و همکاران به نقل از ویلیبر، ۱۳۹۲، ص ۶).

باغ شهر اصفهان در دوره صفوی بنا بر نوشته های «پیترو دلاواله» سیاح زمان شاه عباس اول،

به وسیله تقاطع عناصر اصلی نظام دهنده شهر (رودخانه و محور چهارباغ، مطابق با مدل باغ ایرانی) در عین پیوستگی به چهار بخش اصلی تقسیم می شد که گروه های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش های مجزا جای می داد. چنین به نظر می رسد که دولت صفوی برای ایجاد شهر جدید ابتدا مکان (سایت) و ویژگی های شهر قدیم و عوامل بالقوه سایت، بویژه زاینده رود و باغ های باقی مانده از دوران قبل شناسایی کرد. سپس به عنوان بهترین و سریع ترین شیوه و مطابق با ویژگی های زندگی شهری در دوره تیموریان که احداث اقامتگاه ها و باغ های برون شهری بود، بدون ایجاد خرابی و آسیب، با ادغام شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاط های داخلی و میدان ها و باغ های متعددی ایجاد کرد و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغ شهر باعث نفوذ طبیعت به داخل شهر شد. علاوه بر این موارد که بیشتر نتیجه امنیت و توسعه فرهنگی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، به احتمال قریب به یقین استفاده از باغ ها و مدل باغ شهر برای توسعه شهر اصفهان، با جهان بینی شیعه و باورهای مذهبی صفویان، که خود را مدافع و مبلغ مذهب تشیع می دانستند، ارتباطی مستقیم دارد. در این باره آنها از مدل باغ شهر با هدف تجسم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان استفاده کرده اند (حقیقت بین و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۹).



شکل ۵. ارتباط ایده باغ شهر ایرانی در دوره صفوی با الگوی باغ ایرانی و جایگاه باورهای دینی اسلامی و شیعی؛ مأخذ: حقیقت بین و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۱۱.

از ویژگی های باغ های صفوی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- (۱) طرح ریزی باغ ها به صورت چهارباغ و قرارگرفتن درخت، کوشک، یا بیشتر اوقات استخر (مستطیل شکل، هشت ضلعی یا نیم دایره در تقاطع چهار باغ.
- (۲) ارتباط بین دو فضای داخل (ساختمان یا کاخ) و خارج (باغ)، از جمله ایجاد حوض خانه و آب نماهایی همراه با فواره در داخل ساختمان با گلدان های گل (انصاری، صالح به نقل از خوانساری و همکاران؛ ۱۳۹۱، ص ۸).
- (۳) استفاده از درختان به صورت ردیف چهار تا هشت تایی.
- (۴) برداشتن حصار باغ و کاربرد آن به منزله تفرجگاه عمومی و راه های ارتباطی شهر
- (۵) ایجاد لانه ها و قفس های کوچک برای پرندگان به تأثیر از طرح های چینی
- (۶) استفاده از آبراهه با کاشی های فیروزه ای رنگ.
- (۷) دیوارهای احاطه کننده مشبک (انصاری، صالح به نقل از نیکویی؛ ۱۳۹۱، ص ۸).

باغ و باغ سازی دوره قاجار

آذین بندی و باغ سازی این دوره با تأثیر از محوطه سازی فرانسوی، سطوح وسیع چمن کاری و درختان تزئینی، حوضچه ها و گل کاری باغچه ها صورت گرفته است استفاده خصوصی مالک در این دوره دلیل محصوریت باغ با دیوار های بلند و جرزهای ضخیم می باشد. کاشت پوشش گیاهی انبوه (از جمله اسپست، شبدر، یونجه) و سایه انداز به وفور در امتداد محور اصلی و فرعی باغ خنکی لازم را در تابستان فراهم می کند. شاه چراغی محور بندی گل ها را بر حسب عطر و فصل گلدهی بیان می کند که گلدان های گل روی لبه حوض ها، پله ها، ایوان ها، منظر زیبایی را در مجاورت بنا ایجاد می کند (نیلی و همکاران به نقل از جوادی؛ ۱۳۹۲، ص ۱۷۱). باغ به عنوان عامل پیوند محیط مصنوع با

محیط طبیعی بر اساس معیار های متعددی دسته بندی می شود. استقرار باغ به باغ های مسطح، شیبدار، باغ در زمین های با دریاچه و باغ در داخل یا خارج بافت شهر از طبقه بندی است که ورجاندی براساس خصوصیات کالبدی باغ انجام می دهد. خصوصیات کلی عناصر تشکیل دهنده باغ در چهار محور گیاه، آب، شکل زمین و ابنیه بصورت زیر بیان می گردد:

عناصر طبیعی: گیاهان به عنوان مهم ترین عنصر و اساسی ترین عامل شکل دهنده و زینت بخش در باغ با هدف ایجاد سایه، برداشت محصول و تزئینی کاشته می شود و آنها را می توان در سه گروه درختان مثمر، درختان بی ثمر (سایه افکن)، بوته ها و گل های تزئینی تقسیم کرد. معمولاً درختان مثمر را می توان انگیزه نام گذاری باغ ها به عنوان مثال توتستان، موستان، تاکستان و نخلستان و... دانست که غالباً درون کرت ها به طور جداگانه به شکل چهارتایی و پنج تایی با فاصله های معین کاشت می شود. آب از عناصر زیبای بهشتی از شاخصه تشکیل دهنده باغ ایرانی است، دانشدوست حرکت، رنگ آب، صدای آب، موج آب (شکل آب) را از ویژگی های امید بخش و زندگی ساز باغ ایرانی معرفی می کند. از مشاکله بصری نمایش آب در باغ ایرانی فرم های عمودی (آب نما، فواره و آبشار) و فرم های افقی (نهر، چشمه) است. شکل زمین باغ بر پایه نظم هندسی است که محور از اصلی ترین عنصر شاخص این نظم است، محور یا خط می تواند دید ناظر را به فضا یا مکانی خاص هدایت کند یا سیر کولاسیون حرکت افراد را نیز مشخص گرداند. محور اصلی محور طولی باغ است که باغ را به دو بخش تقسیم می کند همچنین باغ هایی هم وجود دارد که بوسیله دو محور عمود بر هم تفکیک می شوند (نیلی و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۱۷۲).

عناصر مصنوعی: در باغ ایرانی، تمامی عناصر شکل دهنده به باغ به وسیله دیوار کادره شده است. دیوار و عناصر انسان ساخت به همراه کالبد باغ از عواملی است که باغ را از طبیعت بکر متمایز می کند. مسعودی، کاشت درختان درحاشیه دیوار که تابع هندسه آن است را تأکیدی بر نقش دیوار به عنوان یک چهارچوب می داند. عمارت سردر، کوشک و فضای خدماتی از عناصر انسان ساخت باغ ایرانیست که تنوع فضایی باغ را با عملکرد خاص و استقرار در محل مشخص نوید می دهد (همان).

در دوره قاجار تقلید و اقتباس از معماری غرب در چند سطح صورت می گرفت. نخست کاربرد برخی از عناصر در نمای بنا مانند کاربرد ستوری مثلثی شکل یا انواع ستوری گرد و هلالی به صورت منفرد یا ترکیبی؛ استفاده از انواع سرستون های غربی ماننسد سرستون های دوریک، ایونیک، کورنتی و توسکان؛ کاربرد قوس های نیم دایره و برخی از انواع ترکیب های غربی در درگاه ها و پنجره ها و استفاده از برخی از ترکیببندیها در طراحی نما مانند استفاده از آجرهای سنگ نما و مانند آن. در طراحی داخلی برخی از ساختمان ها نیز از طرح ها، الگوها و عناصر غربی استفاده می شد. برای نمونه از کاغذ دیواری، طرح ها و نقاشی هایی از افراد، ساختمان ها و مناظر غربی برای تزئین سطوح و فضاهای داخلی بهره می بردند. حتی در معدودی از بناها، از میلمان خارجی استفاده می کردند. در شماری از بناهای متعلق به اعیان و رجال از طرح های غربی نیز استفاده می شد و به این ترتیب تعدادی از بناها به طور کامل با نقشه، نما و ترکیب حجمی اروپایی یا روسی طراحی و ساخته شدند. نکته قابل توجهی که در عبارات فوق مشاهده می شود، اشاره مؤلف به این پدیده است که تقلید از عمارات فرنگی در ساختمان کوشک بیرونی صورت گرفته و عمارات حرم خانه و اندرونی به سبک؛ بناهای دوره صفویه ساخته شده است. این نکته به دو سبب بوده است: نخست، این که بسیاری از ساختمان های عمومی و ویلایی اروپایی و روسی که مورد توجه معماران یا کارفرمایان ایرانی بودند، طرحی برون گرا داشتند و

به همین دلیل در ساختمان های سکونت گاهی یا تشریفاتی و گاه اداری اعیان و رجال که آنها نیز در بیشتر موارد در درون باغ ها و فضاهای سبز ساخته می شدند، مورد اقتباس قرار می گرفتند. دومین نکته در درون گرا ساختن عمارت حرم یا اندرونی، از یک سو حفظ محرمیت در انور تمایز آن از سایر فضاهای واقع در پیرامونش و از سوی دیگر روحیه سنتی حاکم بر فضای زیستی آن بوده است. اما در مواردی نیز ملاحظه شده که عمارت سکونتگاهی بعضی از رجال به صورت برون گرا طراحی و ساخته می شده است. عمارت خوابگاه نمونه ای از این نوع بناها به شمار می آید که درباره آن چنین نوشته شده است: این عمارت مبارکه که به وضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است، دو سال قبل به توسط جناب جلالت ما با امین السلطانی وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم در عمارت و حیاط فمسیح الغفضای حرم حانه جلالت که شش هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرقوم و مسطورشاد، بنا شده است (سلطانزاده به نقل از شرف و شرافت، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). ساختمان صاحبقرانیه نیز از عمارت هایی بود که در طراحی و ساخت آن از بناهای غربی الهام گرفته بودند و در روزنامه شرف درباره آن مطالبی نوشته شده و از جمله به موضوع طرح آن چنین اشاره شده «به وضع عمارات مرغوبی به دولی اروپا». طرح و نقشه ایسنا ساختمان به صورت خطی است و راستای آن در امتداد شرقی - غربی می باشد، ساختمان دو نمای اصلی و دو منظر وسیع دارد. یکی در جبهه جنوبی و رو به شهر و دیگری در جبهه شمالی و رو به کوهستان داشته است. در گذشته چشم انداز بسیار گسترده و وسیعی در جلویی. دو جبهه اصلی ساختمان وجود داشت که امروز با احداث برخی ساختمان ها از گستردگی آن کاسته شده است (سلطانزاده؛ ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

باغ ملی ایران، تجلی مفهوم باغ و پارک در دوره پهلوی

از اواسط دوره قاجار و به دنبال افزایش مراودات ایران با غرب، شاهد تأثیر پذیری سبک باغسازی در ایران از سبک های غربی می باشیم. با این

حال حضور پارک های شهری به مفهوم امروزی در فضای شهرهای ایران سابقه چندان طولانی نداشته و به ابتدای دوره پهلوی اول باز می گردد. باغ ملی تهران که از آن به عنوان نخستین پارک عمومی شهری در ایران یاد می گردد، اگر چه دارای عمر بسیار کوتاهی در ابتدای قرن حاضر بوده است، ولی اهمیت بسیار زیادی در فضای شهری تهران به عنوان اولین پارک شهری داشته است (حبیب و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۱). گرچه آغاز استفاده از عنوان پارک، به دوره قاجار و به باغ هایی همچون پارک های ظل السلطان، امین الدوله و اتابک باز می گردد، ولی تجلی واقعی آن به شکل فضاهای سبز عمومی، تا شکل گیری باغ های ملی در دوره پهلوی اول ظهور یافت. آشنایی ایرانیان با شهرها و شیوه احداث پارک و باغ در اروپا، آغازگر تحولاتی بود که عرصه معماری منظر را در ایران از مسیر گذشته خود منحرف ساخت. در دوره قاجار این تحولات سبب شکل گیری برخی از باغ های رجال سیاسی به تقلید از اصول باغ سازی اروپایی گردید و نخستین باغ ها به سبک اروپایی در تهران بنا شدند. بدین ترتیب باغ سازی غربی در ایران راه پیدا کرد و باغ سازی سنتی را دستخوش تغییر نمود. تأثیر باغ سازی اروپایی در این دوره را می توان در باغ های فرح آباد، صاحبقرانیه، سعدآباد، امین الدوله، عشرت آباد و باغ شاه ملاحظه نمود. استفاده از خطوط منحنی و غیرمستقیم، تپه های مصنوعی، خیابان ها و قطعات مختلف شکل مستطیل، مستدیر، قوس، لوزی و بیضی؛ دریاچه، جزیره، تپه های طبیعی نما، فواره، آبشار، مجسمه، تزئینات، مبلمان فرنگی و گلخانه از ویژگی های باغ سازی اروپایی بود که در باغ سازی ایران نفوذ کرد. از دیگر تأثیرات نفوذ باغ سازی غربی در این دوره، استفاده از واژه پارک است که به برخی از باغ های خصوصی اطلاق می شد. در این دوره عناوینی چون پارک ظل السلطان، پارک امین الدوله، پارک اتابک در ارتباط با برخی از باغها به کار رفت (حبیب و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۴). باغ ملی تهران نخستین پارک عمومی ساخته شده در تهران است که امروز از میان رفته است. این پارک در شمال خیابان باغشاه واقع گردیده بود.



شکل ۶. باغ ملی تهران؛ مأخذ: حبیب و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۶

این پارک در محل میدان مشق ساخته شده بود. بنیاد میدان مشق که محل انجام تمرینات نظامی بود، ظاهراً در زمان فتحعلی شاه نهاده شده و سپس در دوره ناصرالدین شاه بنای آن تجدید گردیده بود. در سال ۱۲۷۸ ه.ق میدان مشق به صورت میدانی مربع شکل درآمد و دیوارهای مشتمل بر طاق نماهای آجری گرداگرد آن ایجاد شد و در سال های بعد بنایی به شیوه معماری روسی در شمال آن بنا گردید که مرکز قزاقخانه بود. تجدید ساختمان این میدان به کوشش میرزا محمدخان سپهسالار انجام گرفت (همان). طراحی این پارک تفاوت آشکاری را با باغ سازی ایرانی نشان می دهد. استفاده از خطوط منحنی و دایره شکل، تقارن مرکزی، استفاده از یک عنصر با نام کیسک (کیوسک) در نقطه مرکزی باغ، عدم استفاده از عنصر آب، استفاده از مجسمه، استفاده از نیمکت، عمومی بودن پارک، و غیره درو نگرا بودن آن، استفاده از سردر و چراغ گاز برای روشنایی، از مهم ترین ویژگی های این پارک بودند. شکل گیری پارک های شهری در دوره پهلوی اول، معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی می باشد که بسیاری از آن ها ریشه در تحولات دوره قاجار داشته اند که از جمله آن ها می توان به سفر ایرانیان به غرب، توصیف پارک ها در سفرنامه ها، حضور باغبان های خارجی در ایران، محصلین بازگشته از فرنگ، دگرگونی ساختار شهر و پیروی از شهرسازی غربی و احساس نیاز مردم عادی به وجود فضاهای سبز اشاره نمود.

نتیجه گیری و جمع بندی

پاسارگاد، باغ به شدت پارس خاستگاه و گهواره قوم پارسی و هخامنشیان است. کوروش، پایتخت خود را در مرکز پارسی محلی قرار داد. پاسارگاد (شاید

به معنای جایگاه پارسیان) پارسه گرد نامیده می شود. به تدریج، به خصوص بعد از مرگ کوروش مجموعه کاخ های پاسارگاد و مقبره کوروش که در مرکز و قلب این مجموعه جای می گرفت، برای پارسیان، ماهیتی مقدسی پیدا کرد. قدیمی ترین و در عین حالی دقیق ترین شواهد موجود از یک باغ ایرانی یا همان پردیسی، مربوط به پاسارگاد است. در دوران ساسانیان نیز تمدن ایران در دوره رواج و گسترش آیین های میتراپی، مزدیسنا و زرتشتی با تفسیر ویژه از طبیعت به تقدیس آن می پرداخت؛ اما با ورود دین اسلام، احترام به طبیعت جای تقدیس آن را گرفت و به تبع آن، تغییرات کالبدی چشمگیری از منظر برون گرای ی درون گرایی، محوربندی، موقعیت قرارگیری، تعداد طبقات کوشک و... در باغ های ایرانی به وجود آمد. بررسی ها حاکی از آن است که کوشک های ساسانی نسبت به اسلامی، بعد درو نگرایی قویتری نسبت به طبیعت پیرامونی داشته اند؛ با این حال، مرزبندی و تعریف حریمی مشخص برای باغ، با آغاز دوره اسلامی معنی و مفهوم می یابد. با گذر از دوران ساسانی به اسلامی، محوربندی و تقسیمات کلی پلان باغ ها از تقسیمات دوتایی به الگوی چهارباغ متحول و بر تعداد طبقات کوشک ها نیز افزوده شد. در قرن چهارم باغ حکومتی عضدالدوله دیلمی و در قرن پنجم هجری باغ حکومتی اتابک، عنصر آغازکننده و هویت بخش محور حکومتی بود. در دوره صفویه شکل گیری دو باغ محور شمالی و غربی شهر نمایش دهنده اصول باغ سازی صفویان برای هویت بخشی به ورودی های شهر بود. در قرن ۱۵ میلادی، تیمور جنگجو گرچه از علم باغ آرای بی اطلاع بود اما ایجاد باغ های پر شکوه و عظیم را جهت اهداف سیاسی و ابهت بخشیدن به تاج و تخت خود مفید می دانست. بابر گورکانی در کابل و هند آنچنان به زیبایی هر چه بیشتر باغ ها توجه داشت که لطافت و دلربایی باغ هایش شهره عام و خاص شد. روحیه ملی- مذهبی صفویان، با شهادت و جرات مردمی، باغ های این دوره را به عصر طلایی باغ های ایرانی مبدل ساخته است. در این میان وجود فضاهای سبز عمومی از جمله خیابان های مشجر همچون چهارباغ اصفهان قابل ملاحظه می باشند. صفویان گرچه در ابتدا سنت

منابع و ماخذ

- باغ‌های با شکوه را دنبال کردند، اما به مرور باغ‌ها به محلی برای خوشگذرانی مبدل شدند. سنتی که در نزد شاهان نالایق قاجار نیز دنبال گردید. آنها باغ‌ها را به خلوت کشیدند تا در دور دست‌ها محلی برای عیش خویش بیابند. باغ‌ها این چنین سمبل تفکر امرا و سلاطین می‌باشند. باغات هر عصری از دوره خود سخن می‌گویند. آنها نشان‌دهنده روحیه حاکم بر حکومت‌ها و آینه زمان خویش هستند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شکل‌گیری پارک‌های شهری در دوره پهلوی اول در ایران معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی بوده است. از سوی دیگر نخستین پارک‌های شهری در تهران و ایران تحت تأثیر سبک‌های معماری منظر غربی شکل گرفته‌اند. در یک جمع‌بندی کلی، باغ ایرانی پدیده‌های فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است. همچنین در بیشتر متون مربوط به باغ‌های دوره اسلامی به الگو گرفتن از بهشت در طرح آنها اشاره شده است. در این مکتب، عناصر طبیعی مانند آب و گیاه به عنوان آیه و نشانه‌ی الهی محسوب می‌شوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که بارها در متون اسلامی نام این دو عنصر تکرار شده است.
- (۱) انصاری مجتبی، محمودی نژاد هادی (۱۳۸۶) باغ ایرانی تمثیلی از بهشت با تاکید بر ارزشهای باغ ایرانی دوران صفوی، هنرهای زیبا، شماره ۲۹.
 - (۲) انصاری مجتبی، صالح الهام (۱۳۹۱) بررسی تطبیقی نگارگری مکتب دوم تبریز و باغ ایرانی در دوره تیموری و صفوی، نگره، دوره ۷، شماره ۲۲.
 - (۳) جیحانی، حمیدرضا (۱۳۹۲) فرنگی سازی در باغ ایرانی دگرگونی‌های باغهای تهران در دهه ۱۳۰۰ قمری، فصلنامه منظر، دوره ۵، شماره ۲۳.
 - (۴) حبیب فرح، اعتصام ایرج، قدوسی فر، سیدهادی (۱۳۹۲) تبارشناسی پارک‌های شهری دوره پهلوی اول، نمونه موردی: باغ ملی تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۵، شماره ۱۱.
 - (۵) حقیقت بین، مهدی و همکاران (۱۳۹۲) بررسی آموزه‌های مذهب شیعه در باغ شهرهای صفوی، هویت شهر، شماره ۱۴.
 - (۶) حقیقت بین، مهدی؛ و همکاران (۱۳۹۵) بررسی زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری باغ شهرهای صفوی با تأکید بر آموزه‌های حکمی مذهب شیعه، هویت شهر، شماره ۲۵، سال دهم.
 - (۷) حمزه نژاد مهدی، سعادت جو پریا، انصاری مجتبی؛ (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی باغ‌سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی بر اساس توصیف‌های بهشتی، دوره ۳، شماره ۵.
 - (۸) حیدرنتاج، وحید؛ منصوری، سیدامیر، (۱۳۸۸) نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی، باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲.
 - (۹) خویی حمیدرضا، گراوندپور محمدرضا؛

۱۹، شماره ۴۹.

لیبب زاده راضیه، حمزه نژاد مهدی، خان محمدی محمدعلی، (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی تاثیر ایده های معنوی در شکل باغ مطالعه موردی باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی و باغ فین از دوره اسلامی، باغ نظر، دوره ۸، شماره ۱۹.

متدین، حشمت اله؛ (۱۳۸۹) علل پیدایش باغ های تاریخی ایران، باغ نظر، شماره پانزده، سال هفتم.

مدقالچی، لیلا و همکاران؛ (۱۳۹۳) روح مکان در باغ ایرانی، فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۱، شماره ۲۸.

منصوری، سید امیر و ندا عرب سلغار، (۱۳۹۴) سیر تحول رابطه ساختاری باغ و شهر در سازمان فضایی شیراز از سده چهارم تا دوازدهم هجری قمری، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۸.

نیلی، ریحانه و همکاران (۱۳۹۴) شتابخشی در منظرسازی باغهای دوره قاجار، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱.

24) Heidarnattaj, Vahid. (2010). Bagh -e Irani Iranian garden. (Tehran :Daftar-e Pajuheshha -ye Farhangi.

25) Turner, T. (2005). Garden History. New York: Taylor & Francis e-Library.

(۱۳۸۹) شرح معماری باغ تخت شیراز، نشر صفا، دوره ۲۰، شماره ۵۱.

(۱۰) زمانی، احسان و همکاران؛ (۱۳۸۸) بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تاکید بر اصول دینی- آیینی، باغ نظر، شماره یازدهم، سال ششم.

(۱۱) سروش، محمد مهدی گودرزی؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی؛ (۱۳۹۲) نماد گرایی باغ ایرانی در دوره اسلامی، هویت شهر، شماره سیزدهم، سال هفتم.

(۱۲) سلطان زاده حسین؛ (۱۳۸۲) از باغ تا پارک، مجله انسان شناسی (نامه انسان شناسی)، دوره ۲، شماره ۴.

(۱۳) سلطانی، مهرداد؛ (۱۳۸۶) شکل گیری بوستان های شهری در دوره معاصر، گذر از مفهوم باغ به پارک، باغ نظر، شماره هشتم، سال چهارم.

(۱۴) سیروس، شهریار، (۱۳۹۳) پردیس هخامنشی خاستگاه باغ ایرانی، فصلنامه منظر، دوره ۶، شماره ۲۹.

(۱۵) شاه چراغی آزاده، (۱۳۸۸) تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریه روان شناسی بوم شناختی، هویت شهر، دوره ۳، شماره ۵.

(۱۶) طوسی معصومه، امامی فر سیدنظام الدین، (۱۳۹۰) نمادشناسی و نشانه شناسی عناصر باغ های ایرانی با توجه به عناصر باغ فین کاشان، نگره، دوره ۶، شماره ۱۷.

(۱۷) علائی، سینا؛ (۱۳۹۵) بررسی و تاثیر معماری و باغسازی دوره صفوی در باغسازی انگلی شهر تبریز، مطالعات هنر و معماری، سال دوم، شماره ۴ و ۵.

(۱۸) علایی، علی؛ (۱۳۸۸) تنوع در طرح معماری باغ های تاریخی شیراز باغ ارم و باغ تخت و باغ جهان نما و باغ دلگشا، صفا، دوره

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱)

(۲۲)

(۲۳)

(۱۰)

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)



بررسی اثر نوسانات سرمایه گذاری بر تولیدات صنایع کارخانه‌ای ایران

محمد قلی یوسفی* - استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
پرهام پارسوا - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

The Impact of Investment Shocks on the Output of Iranian Manufacturing Industries

Abstract

In this study, we have tried to estimate the impact of investment shocks on output in manufacturing industries of Iran. In this research, Vector Autoregressive (VAR) model is applied for the period starting from 1374 to 1393. To achieve more reliable and comparable results, we have categorized industries into three groups, namely resource base, low technology, medium and high technology. Using Impulse Response Functions and Variance Decomposition Analysis, the results show that investment shocks have a significant impact on all three sample industrial groups. In other words, capital increase grows value added of Iranian industries in both short-run and long-run.

Keywords: Manufacturing Industries, Investment shocks, Impulse Response Functions, Variance Decomposition

چکیده

در این مطالعه تأثیر سرمایه گذاری بر تولید در صنایع کارخانه‌ای ایران بر اساس داده‌های سری زمانی سالانه ۱۳۷۴-۱۳۹۳ و با استفاده از روش مدل VAR و VECM مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور صنایع در قالب سه گروه صنایع منابع محور، صنایع با تکنولوژی پایین و صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا طبقه بندی شده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه‌گذاری بر ارزش افزوده در گروه‌های مختلف صنایع، مثبت و معنادار از نظر آماری بوده است. بدین معنی که افزایش سرمایه در کوتاه مدت و بلند مدت موجب افزایش ارزش افزوده صنایع مختلف می‌گردد.

واژگان کلیدی: نوسانات سرمایه‌گذاری، صنایع کارخانه‌ای، ایران.

و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری تولیدی در صنایع شده و موجب فرار سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به خارج از کشور شده و یا در بخشهای غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است (تقوی و محمدی، ۱۳۸۸، صص ۱۷ و ۱۸). این پژوهش در همین راستا با هدف بررسی نوسانات حجم سرمایه بر بخشهای مختلف صنایع کارخانه ایران - که در این مطالعه به سه گروه صنایع از نظر نوع تکنولوژی به شرحی که در ادامه ارائه می‌شود - به دنبال یافتن آن گروه از صنایع است که تاثیر نوسانات سرمایه‌گذاری بر آنها قابل توجه بوده است. قبل از اینکه روند تحقق این هدف مورد بحث و بررسی قرار بگیرد در ابتدا لازم است تصویری از ویژگی‌های سرمایه‌گذاری در صنایع کارخانه‌ای ایران ترسیم گردد.

۱. ویژگی صنایع کارخانه‌ای ایران

به طور کلی با معیار تکنولوژی و فناوری، می‌توان صنایع را به سه گروه عمده زیر تقسیم کرد:

الف- صنایع بر پایه منابع^۵: این تولیدات عمدتاً در بر گیرنده محصولات ساده و کاربر هستند. مزیت در این نوع محصولات معمولاً از وجود منابع طبیعی در یک کشور ناشی می‌شود. به عنوان مثال می‌توان در این گروه از انواع محصولات کشاورزی و جنگلی، مواد غذایی، محصولات متکی به نفت و تولیداتی مانند سیمان و شیشه نام برد.

ب- صنایع با فناوری سطح پایین^۶: محصولات این گروه، به طور عمده، در فرآیند تولید نیاز به مهارت‌های کاری نسبتاً ساده دارند. بسیاری از محصولات آن یکسان بوده و رقابت عمدتاً روی قیمت است. شایان ذکر است که مقیاس این محصولات معمولاً بزرگ نیست. محصولات نساجی مانند پارچه، کفش و محصولات ساده فلزی در زمره این صنایع قرار می‌گیرند.

صنعت، یکی از بخشهای مهم اقتصادی هر کشور است که نیاز به سرمایه‌بیشتری دارد و برای توسعه این بخش، رشد سرمایه‌گذاری باید شتاب بیشتری بگیرد (دریکوند، ۱۳۹۲). مطالعات تاریخی حکایت از تاثیر تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری بر تولید و اشتغال از یک طرف و ارتقا کارایی و بهره‌وری از طرف دیگر می‌گردد. کمبود سرمایه‌گذاری، بیکاری را افزایش داده و تولید ملی را کاهش می‌دهد و لذا روند توسعه یافتگی را در کشورهای در حال توسعه با چالشی جدی مواجه می‌سازد. رشد و توسعه پایدار مستلزم تداوم سرمایه‌گذاری تولیدی است. در حقیقت تاثیر سرمایه‌گذاری در ابتدا به صورت افزایش تقاضا و در مرحله بعد ایجاد ظرفیت تولیدی است. در نتیجه سرمایه‌گذاری باید روند با ثبات و پایدار داشته باشد تا مانع از نوسان در بخش تولید و اشتغال گردد. «جاستینیانو و همکاران»^۳ (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که هرگونه شوک به بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری^۲ (یا به اختصار شوک سرمایه‌گذاری) تاثیر مهمی برای نوسانات متغیرهای اقتصاد کلان ایجاد نموده و نقش مهمی در نوسانات تولید صنایع در کشورهای مختلف داشته است. (آگویار و گپیناس^۴، ۲۰۰۷؛ مدینا و سوتو^۵، ۲۰۰۷؛ آلپ و الکداگ^۶، ۲۰۱۱؛ یوکسل، ۲۰۱۳). در ایران بدلیل وابستگی شدید سرمایه‌گذاری فیزیکی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، هر تغییر در درآمدهای نفتی موجب نوسانات متعددی بر بدنه صنعت کشور می‌گردد. بدیهی است هرگونه شوک از جانب درآمدهای نفتی بر روند واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تاثیر گذاشته و لذا روند تولید را با محدودیت مواجه می‌سازد. این مشکلات همراه با قوانین و مقررات پیچیده و سایر اختلالات نهادی موجب دلسردی

3. Justiniano et al.
4. Marginal Efficiency of Investment (MEI)
5. Aguiar and Gopinath
6. Medina and Soto
7. Alp and Elekdag
8. Yuksel

9. Resource base
۱۰. Low technology

ج- صنایع با فناوری سطح متوسط و بالا^۷: تولید محصولات این گروه، نیازمند به فناوری های پیچیده، سطح نسبتاً بالای تحقیق و توسعه و مهارت های پیشرفته است. صنایع تولید خودرو و قطعات آن، تولیدات شیمیایی و پلاستیک و فرآیندهای مهندسی مانند تولید موتور و ماشین آلات صنعتی و محصولات الکترونیکی در زمره تولیدات با فناوری متوسط و بالا قرار می گیرند.

جدول ۱ سهم ارزش افزوده و اشتغال صنعتی را از کل صنعت به تفکیک گروه های سه گانه صنایع فوق الذکر نشان می دهد.

جدول ۱. ترکیب سهم ارزش افزوده و اشتغال از کل صنعت به تفکیک نوع تکنولوژی

۱۳۹۲		۱۳۸۴		۱۳۷۹		۱۳۷۴		نام صنعت
اشتغال	ارزش افزوده	اشتغال	ارزش افزوده	اشتغال	ارزش افزوده	اشتغال	ارزش افزوده	
۳۶/۴۸	۳۴/۵۷	۳۳/۸۹	۳۰/۵۴	۳۳/۵۳	۳۱/۳۳	۳۵/۵۸	۲۹/۹۹	صنایع بر پایه منابع*
۹/۳۳	۳/۰۶	۱۴/۰۹	۵/۲۴	۱۸/۹۰	۶/۹۴	۲۴/۳۱	۱۳/۹۷	صنایع با تکنولوژی پایین**
۵۵	۶۱/۰۵	۴۹/۷۵	۶۴/۲۱	۴۷/۵۷	۶۱/۷۳	۴۰/۰۹	۵۶/۰۴	صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا***
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل صنعت

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده های مستخرج از نتایج آمارگیری از کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران سالهای مختلف؛ * شامل صنایع: ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی، توتون و تنباکو، چوب و محصولات چوبی، کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار، چاپ، فرآورده های نفتی- پالایشگاهی، کانی غیر فلزی. ** شامل صنایع: ساخت منسوجات، پوشاک، دباغی و پرداخت چرم، مبلمان و مصنوعات، بازیافت؛ *** شامل صنایع: ساخت مواد و محصولات شیمیایی، لاستیکی و پلاستیکی، فلزی اساسی، فلزی فابریکی، ماشین آلات غیر برقی، ماشین آلات برقی، وسایل نقلیه موتوری، تجهیزات حمل و نقل، ماشین آلات اداری و حسابداری، رادیو و تلویزیون، ابزار پزشکی

همانگونه که ملاحظه می شود تغییر چندانی در خصوص سهم صنایع مبتنی بر منابع و صنایع با تکنولوژی بالا طی این مدت دیده نمی شود تنها از سهم صنایع با تکنولوژی پائین کاسته شده و بر سهم صنایع با تکنولوژی متوسط افزوده شده است. بطور کلی صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا با حدود ۶۲ درصد از کل تولیدات و ۵۵ درصد اشتغال نقش غالب را در صنایع کارخانه ای ایران دارا می باشند و پس از آنها صنایع وابسته به منابع با ۳۴/۵۷ درصد تولیدات و ۳۶/۴۸ درصد شاغلین در رده بعدی قرار دارند. صنایع با تکنولوژی پائین نیز با حدود ۳ درصد سهم در تولید و ۹/۳ درصد سهم در اشتغال صنعتی در ردیف بعدی قرار دارند. پس از این مقدمه به بررسی مبانی نظری موضوع می پردازیم و سپس روش تحقیق ارائه می شود. در قسمت چهارم یافته های تحقیق تشریح می شوند و نهایتاً در قسمت پنجم و آخر مقاله، نتیجه گیری بحث ارائه می شود.

۲. مبانی نظری و ادبیات موضوع

تا اواخر دهه ۱۹۹۰، شوکهای سرمایه گذاری به عنوان عواملی غیرمحمتمل برای ایجاد ادوار تجاری در محیطهای استاندارد نئوکلاسیک محسوب می شدند؛ چراکه این شوکها در ایجاد تغییر همزمان متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان ناموفق بوده اند (یوکسل، ۲۰۱۳). در ادبیات اقتصاد توسعه، پژوهشگران بر اهمیت

موجودی سرمایه و حفظ ثبات آن در فرایند توسعه تاکید کرده اند. از نظر کلاسیک ها انباشت سرمایه عامل کلیدی رشد اقتصادی است. برای انباشت سرمایه نیاز به پس انداز بیشتر وجود دارد. تمرکز آدام اسمیت به روند افزایش تولید از طریق تقسیم نیروی کار و تخصص بوده است که این منجر به کارایی بیشتر تولید می شود. او سود حاصل از صنعت و کشاورزی را عامل افزایش پس انداز تلقی کرد و آن را مسبب اصلی افزایش سرمایه گذاری و به دنبال آن رونق رشد اقتصادی ارزیابی نمود. از نظر مالتوس اگر رشد جمعیت از رشد انباشت سرمایه پیشی بگیرد، سطح دستمزدها کاهش یافته و در روند سرمایه گذاری اختلال ایجاد شده و اقتصاد به طرف وضعیت سکون حرکت می کند. ریکاردو و مالتوس هر دو معتقد بودند که رشد جمعیت و انباشت سرمایه از طریق قانون بازدهی نزولی، رشد اقتصادی را کند خواهند کرد. از نظر استوارت میل، در صورت فقدان پیشرفت فنی در کشاورزی و رشد جمعیت، به دلیل فزونی رشد جمعیت بر نرخ رشد انباشت سرمایه، ارزش افزوده صنایع شروع به کاهش می کند و در نهایت اقتصاد در شرایط عدم امکان افزایش تولید قرار خواهد گرفت. از دیدگاه اقتصاد خرد، تولیدکنندگان برای افزایش تولید، نیاز به خرید ماشین آلات، ساختمان و... دارند تا به تقاضای ناشی از درآمد جامعه پاسخ دهند. یکی دیگر از الگوهای سرمایه گذاری مدل نئوکلاسیک است در این الگو سرمایه گذاری نشأت گرفته از عامل سرمایه است، که قیمت سرمایه در تصمیم گیری برای میزان سرمایه گذاری اهمیت فوق العاده ای دارد. مدل نئوکلاسیک با توجه به محدودیت تابع تولید، می خواهد ارزش فعلی جریان درآمدی خالص را در طول زمان حداکثر کند.

گرینوود و همکاران^۸ (۱۹۸۸) در زمره اولین محققانی می باشد که شوک های سرمایه گذاری را به عنوان عاملی با دوام برای توضیح شوک های تکنولوژیکی در چارچوب مدل تعادل عمومی مطرح نمودند. آنها، به ارزیابی نقش شوک سرمایه گذاری در تکنولوژی را در رشد تولید کشور ایالات متحده پرداختند. در مدل آنها، دو نوع سرمایه وجود دارد که

۸. Greenwood et al 11

تکامل یکی از آنها معلول تغییر در تکنولوژی است. نتایج تحقیق آنها حاکیست شوک های تکنولوژیکی، تعاریف بخشهای مختلف رشد را تغییر داده است. در تحقیق پس از آن گرینوود و همکاران (۲۰۰۰ و ۲۰۱۱) نشان دادند که این شکل از تغییرات تکنولوژیکی می تواند حدود ۳۰ درصد نوسانات خروجی آمریکای پس از جنگ را توضیح دهد که این مهم، نتایج تحقیق قبل را تایید می کند. در تحقیقی دیگر فیشر^۹ (۲۰۰۶) با استفاده از مدل خود توضیح برداری ساختاری^{۱۰} نشان دادند که شوک های سرمایه گذاری نقش برجسته ای در ادوار تجاری و تغییر در قیمت های سرمایه گذاری در بخش عظیمی از نوسانات در تولید دارند. این تحقیقها زمانی انجام شدند که بهای سرمایه گذاری مرتبط با مصرف پس از جنگ آمریکا کاهش یافت و اینطور به نظر می رسید که تولید کالاهای سرمایه ای با گذشت زمان موثرتر از قبل می شوند. در واقع آنها نوسانات سرمایه گذاری را با کاهش ناگهانی قیمت های نسبی سرمایه گذاری تلقی نمودند. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال یافتن این پرسش است که شوک های سرمایه گذاری در چه بخشهایی از اقتصاد صنعتی ایران اثر بیشتری داشته است و اولویت سرمایه گذاری در چه بخشهایی از صنایع کارخانه ای کشور است. موضوعی که در اقتصاد صنعتی کمتر بدان پرداخته شده است. به طوریکه در باب تاثیر شوک های سرمایه گذاری بر تولید صنعت تحقیقی یافت نشده است. دامنه مطالعات انجام شده پیشین در خصوص موضوع سرمایه گذاری و تاثیر آن بر رشد اقتصادی و ندرتاً صنعتی قابل توجه است که نتایج بعضی از این مطالعات در ادامه تشریح می گردد.

اندرسون^{۱۱} (۱۹۹۰) به وسیله استخراج یک رابطه حسابداری بین نرخ رشد اقتصادی و متغیرهایی که نمایانگر نرخ رشد و کارایی سرمایه گذاری هستند به بررسی نقش سرمایه گذاری در رشد اقتصادی پرداخت. نتایج تحقیق او نشان داد در صورتی سرمایه گذاری نقش بیشتری را در افزایش رشد اقتصادی

۹- Fisher 12

۱۰- Structural Vector Autoregression 13

۱۱- Anderson 14

ایفا میکند که به صورت کارآمد در جهت افزایش تولید، مورد استفاده قرار گیرد. در تحقیقی دیگر بلامستورم و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۶) به بررسی رابطه بین سرمایه گذاری و رشد اقتصادی با استفاده از رابطه علیت گرنجر و برای ۱۰۱ کشور جهان پرداخت. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که بطور کلی سرمایه گذاری نقش چندانی در رشد اقتصادی ندارد، در حالیکه رشد اقتصادی بر موجودی سرمایه تاثیر گذار است. در تحقیقی دیگر و نتیجه ای متناقض با بلامستورم و همکاران (۱۹۹۶)، چاو^{۱۳} (۱۹۹۳) نقش موجودی سرمایه را بر پنج بخش اقتصادی کشور چین نظیر کشاورزی، صنعت، ساخت و ساز، حمل و نقل و بازرگانی مورد مطالعه قرار داد. حاصل نتایج او مبین این مهم است که بخش صنعت بیشترین نرخ بازگشت سرمایه را در بین سایر بخشهای اقتصادی کشور چین دارد. همچنین تحقیقات وی نشان داد بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۵ نرخ رشد سرمایه منجر به افزایش مجموع درآمد کشور چین و به دنبال آن رشد اقتصادی شده است.

در مطالعات داخلی در این زمینه می توان به تحقیق اکبریان و قائدی (۱۳۹۰) اشاره کرد. در این تحقیق آنها به بررسی اثر سرمایه گذاری در زیرساختهای اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی ایران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که در بلندمدت اثر سرمایه گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت های اقتصادی روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار مثبت می باشد. در بسیاری از تحقیقات انجام شده در این زمینه، از متغیرهای سرمایه گذاری دولتی و خصوصی بطور مجزا استفاده و جایگزین سرمایه گذاری کل شده اند که مطالعات خان و رینهارت^{۱۴} (۱۹۹۰)، نظمی و رامیرز^{۱۵} (۱۹۹۷) و کاندنج^{۱۶} (۲۰۰۴) و در سطح داخلی مطالعات گرجی (۱۳۸۱)، ملاشاهی (۱۳۸۲) و حاجی و عسگری (۱۳۹۰) از آن دسته اند. نتایج این تحقیقات بطور کل تفاوت معناداری با تحقیقاتی که سرمایه گذاری

کل را به عنوان تنها متغیر شاخص سرمایه گذاری در نظر گرفته اند نداشته و همگی مبین اثر مثبت و معنادار هر گونه سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه می باشند. در مشابه ترین تحقیق انجام شده با این مطالعه، می توان به تحقیق سلیمان پور و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد. در این تحقیق آنها اثر شوک های سرمایه گذاری در بخش مسکن و اثرگذاری آن را در ادوار تجاری در بازه سالهای ۱۳۸۵-۱۳۳۸ بررسی نمودند. آنها با استفاده از مدل خود توضیح برداری و تابع عکس العمل آنی، به این نتیجه رسیدند که سرمایه گذاری بخش مسکن می تواند تحولات آتی ادوار تجاری را پیش بینی کرده و یک شوک مثبت در آن، می تواند به مدت سه سال بر روند ادوار تجاری تاثیرگذار باشد.

۱. روش تحقیق و برآورد مدل

هدف این تحقیق بررسی تاثیر نوسانات موجودی سرمایه بر تولیدات صنعتی صنایع کارخانه ای ایران است. در این پژوهش تکیه اصلی بر روش علی-تحلیلی با استفاده از مدل خود توضیح برداری است. اطلاعات آماری لازم از نشریات مختلف طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگ صنعتی مرکز آمار ایران، بر اساس کدهای ISIC طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۷۴ استخراج شده است. همچنین داده های مربوط به نرخ ارز و قیمت نفت از سالنامه بازرگانی بین المللی و یا سالنامه آماری کشور و نیز گزارشهای سالانه و ترازنامه بانک مرکزی استخراج گردید. قبل از برآزش مدل، آزمون ایستایی و پایایی انجام می گردد. پس از آن آزمونهای همگرایی و نیز پویایی صورت خواهد پذیرفت. بعد از اطمینان یافتن از برآورده شدن پیش نیاز های لازم به تخمین مدل با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری پرداخته می شود. با بهره گیری از توابع واکنش آنی، تاثیر نوسانات موجودی سرمایه بر تولید در دوره های بعدی پیش بینی می گردد و در نهایت با استفاده از تجزیه واریانس سهم بی ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده به هر یک از متغیرهای دیگر الگو تعیین می شود. با تجزیه واریانس خطای پیش بینی برآورد در اثر شوک وارده به یک متغیر توسط دیگر متغیرها

۱۲- Blomstorm et al. 15

۱۳- Chow 16

۱۴- Khan and Reinhart 17

۱۵- Nazmi and Ramirez 18

۱۶- Kandenje 19

را در چارچوب یک الگوی عکس‌العمل مشخص می‌شود. روش‌های تخمین مدل خودرگرسیون برداری متناسب با ترکیب داده‌ها تغییر می‌کند. بنابراین لازم است که ایستایی یا مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. از این روی به پیروی از هولتز-ایکن و همکاران (۱۹۸۸) در این تحقیق از مدل خودتوضیح برداری پانل برای بررسی مانایی یا نامانایی متغیرها استفاده شده است. با توجه به اینکه این تحقیق تجزیه و تحلیل ترکیبی بر مبنای داده‌های ۱۹ ساله برای صنایع طبقه بندی شده در نظر می‌گیرد، استفاده از داده‌های پانل با اثرات ثابت یک راه حل مناسب برای رفع مشکل عدم تشخیص رگرسیون به خصوص زمانی که اثرات ویژه هر کشور بر اثرات زمانی آن غالب می‌باشد، ارائه می‌کند.

فرم ریاضی مدل خود رگرسیون برداری مورد استفاده به صورت زیر است:

$$\Delta X_t = \beta_1 \Delta X_{t-1} + \beta_2 \Delta X_{t-2} + \dots + \beta_{p-1} \Delta X_{t-p+1} + \pi X_{t-p} + U_t$$

$$\ln X = \beta_1 \ln X_{t-1} + \beta_2 \ln K_t + \beta_3 \ln L_t + \beta_4 \ln EX_t + \beta_4 \ln IM_t + \mu_t$$

لاستیک و پلاستیک، فلزات اساسی و فابریکی، ماشین آلات برقی و غیر برقی، وسائط حمل و نقل، تجهیزات حمل و نقل ماشین آلات اداری و حسابداری و ابزار پزشکی می‌باشند.

در مدل‌های خودتوضیح برداری تجزیه و تحلیل اثرات متقابل پویا از تکانه‌های ایجاد شده در الگو با استفاده از روش‌های تجزیه‌ی واریانس خطای پیش‌بینی و توابع عکسالعمل آبی صورت می‌گیرد. روش تجزیه‌ی واریانس، خطای پیش‌بینی قدرت نسبی زنجیره‌ی علیت گرنجر یا درجه برون-زایی متغیرها ماورای نمونه را اندازه‌گیری می‌کند. لذا تجزیه‌ی واریانس را می‌توان علیت گرنجر خارج از نمونه نام گذاری کرد. در این روش سهم تکانه‌های وارد شده بر متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص می‌گردد. توابع عکس‌العمل آنی، رفتار پویای متغیرهای دستگاه را در طول زمان به هنگام تکانه‌ی وارد به اندازه‌ی یک انحراف معیار را نشان می‌دهد. با استفاده از این توابع پاسخ پویای دستگاه به تکانه‌ی واحد اعمال شده از سوی هریک از متغیرها مشخص می‌گردد. اما با توجه به انتقاد مذکور در بالا که در مورد تجزیه‌ی چولسکی در مورد اهمیت ترتیب قرار گرفتن متغیرها در مدل‌های، کوپ و همکاران (۱۹۹۶) و پسران و شین (۱۹۹۸) رویکرد تجزیه‌ی واریانس خطای پیش‌بینی

در این رابطه، $\ln X$ لگاریتم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای، $\ln K$ لگاریتم میزان موجودی سرمایه، $\ln L$ لگاریتم شاخص نیروی کار، LEX لگاریتم شاخص نرخ ارز، LIM لگاریتم واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و μ_t خطای پیش‌بینی شده است. متغیرهای مربوط در هر دو شکل لگاریتمی و غیرلگاریتمی به تفکیک در الگوی مذکور برای تمامی زیربخشها استفاده شد، که از این میان، فرم لگاریتمی متغیرها منجر به برآزش مطلوب‌تر مدل و منطقی و معنی‌دار شدن آماره‌ها و ضرایب، خصوصاً ضرایب مربوط به اجزای تصحیح خطا و آزمونهای همجمعی گردیده است، به همین علت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از فرم لگاریتمی متغیرها استفاده شده است. لازم به ذکر است که بررسی اثر سرمایه بر ارزش افزوده تولید در قالب سه مدل مجزا برای صنایع کشور صورت پذیرفته است. بدین صورت که کلیه صنایع کشور در یکی از گروه‌های صنایع منابع محور، صنایع با تکنولوژی پائین و صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا قرار می‌گیرند. صنایع منابع محور شامل صنایع غذایی، آشامیدنی، توتون، کاغذ، محصولات کاغذی، انتشارات، فرآورده‌های نفتی و پلاستیکی می‌باشند. صنایع با تکنولوژی پائین شامل نساجی، پوشاک، دباغی و چرم، مبل و بازیافت می‌باشند و صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا شامل محصولات شیمیایی،

تعمیم یافته و توابع عکسالعمل آنی تعمیم یافته را معرفی کردند. مزیت این روش نسبت به تجزیه‌ی چولسکی آن است که توابع تجزیه‌ی واریانس و توابع عکسالعمل آنی به ترتیب قرار گرفتن متغیرها حساس نیستند. توابع تجزیه‌ی واریانس تعمیم یافته و توابع عکسالعمل آنی تعمیم یافته هر دو از نمایش میانگین متحرک مدل خودتوضیح برداری خلاصه شده حاصل میشوند (پسران و پسران ۱۹۹۷). اما قبل از برآورد مدل تعمیم یافته بایستی تصمیم گرفت که تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرها مورد استفاده قرار گیرد یا سطح متغیرها. اگر متغیرهای مدل با یکدیگر همانباشتگی داشته باشند و بردار همانباشتگی مرتبط در تصریح مدل لحاظ نشود، در این صورت تصریح مدل برآورد شده بر اساس تفاضل مرتبه‌ی اول نتایج قابل اعتمادی را ارائه نخواهد داد. برای تعیین وجود رابطه‌ی همانباشتگی میتوان از دو روش جوهانسون جوسیلیوس (۱۹۹۰) و رویکرد آزمایش مرزی پسران و همکاران (۲۰۰۱) استفاده کرد.

با توجه به مطالعات انجام شده در این حوزه، الگوهای اقتصادی موجود، شرایط خاص اقتصادی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و همچنین اهداف پژوهش حاضر، مدلی برای ارتباط سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای ایران با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از نهاده تولید تبیین گردیده، تا در مرحله بعدی آزمون تجربی فرضیه‌های مربوطه بوسیله این الگوها انجام گردد.

۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش الگوسازی - که در این تحقیق روش خودتوضیح برداری با استفاده از داده‌های تابلویی سه گروه عمده صنایع کارخانه‌ای ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۷۴ می‌باشد. در واقع ترکیبی از روش‌های سری زمانی و مقطعی است و در آن روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرند. به این منظور در این بخش بعد از انجام آزمون‌های مقدماتی و پیش نیاز به برآورد مدل‌های نظری پرداخته شده است.

آزمون مانایی؛ همانطور که در بخش‌های پیشین

گفته شد، روش‌های معمول اقتصادسنجی در کارهای تجربی مبتنی بر فروض ایستایی متغیرهای مورد مطالعه می‌باشند. از طرف دیگر اکثر سری‌های زمانی اقتصاد کلان نایستا می‌باشند. از این رو قبل از استفاده از متغیرهای سری زمانی لازم است نسبت به ایستایی و نایستایی آن اطمینان حاصل گردد. ایده اصلی ایستا بودن متغیرها مربوط به ثبات گشتاورهای یک سری زمانی است. ایستا بودن از این جهت حائز اهمیت است که کلیه استنباط‌های آماری روی ضرایب برآورده شده معادلات رگرسیون مبتنی بر فرض ساکن بودن متغیرها استوار است و در غیر این صورت، هیچ یک از استنباط‌های آماری معتبر نخواهد بود. آزمون‌های لوین-لین-چو و آزمون پسران-شین از متداولترین آزمون‌های بررسی مانایی در داده‌های پانل هستند. فرضیه صفر این آزمون‌ها بیانگر نایستایی متغیرهاست. لذا چنانچه مقدار آماره محاسبه شده بزرگتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج باشد، فرضیه صفر مبتنی بر نایستایی رد خواهد شد. نتایج جدول و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال آنها نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر نایستایی متغیرها رد می‌شود، یعنی کلیه متغیرهای مدل در سطح ایستا هستند. با حصول اطمینان از ایستایی متغیرها دیگر نیازی به انجام آزمون هم‌انباشتگی پانلی و هراس از کاذب بودن رگرسیون وجود نداشته و می‌توان به برآورد مدل پرداخت. در این قسمت برای اطمینان از ایستایی و یا نایستایی متغیرهای مورد استفاده در مدل مورد نظر، کلیه متغیرهای استفاده شده بر اساس آزمون لوین-لین-چو تعمیم یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول ۱ نشان دهنده نتایج آزمون لوین-لین-چو برای متغیرهای مورد نظر می‌باشد.

جدول ۱. آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای تفاضل متغیرهای مورد نظر؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

متغیر	آمار ADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪
X	-۱/۳۵	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
EX	-۱/۴۱	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
L	-۱/۱۵	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
K	-۱/۳۲	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
IM	-۱/۱۱	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود با توجه به اینکه قدر مطلق آماره لوین- لین - چو از مقادیر بحرانی برای کلیه متغیرها کوچکتر می باشد، لذا این چنین نتیجه گیری می شود که کلیه متغیرهای مورد مطالعه در سطح ناپایا بوده و فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرهای مزبور در سطح بالایی از درجه اطمینان مورد نظر رد نمی شود. در این قسمت برای تشخیص درجه انباشتگی متغیرهای مورد نظر آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته را برای تفاضل مرتبه اول متغیرها تکرار می کنیم. نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون لوین- لین - چو برای تفاضل متغیرهای مورد نظر؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

متغیر	آمار ADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪
DX	-۴/۳۵	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
DEX	-۴/۴۱	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
DL	-۳/۱۵	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
DK	-۴/۷۵	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
DIM	-۴/۴۴	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱

نتایج آزمون لوین- لین- چو برای تفاضل مرتبه اول متغیرها (جدول ۲) نشانگر این است که کلیه متغیرها با یکبار تفاضل گیری پایا می باشند. چرا که قدر مطلق آماره لوین- لین - چو برای تفاضل مرتبه اول کلیه متغیرهای مورد نظر بزرگتر از مقادیر بحرانی مربوطه در سطح یک درصد است. لذا می توان ادعا کرد که کلیه متغیرها انباشته از درجه یک می باشد.

مدل VECM برای صنایع با سطح تکنولوژی پائین

نخستین گام در تخمین مدل VECM تعیین تعداد بردار هم انباشته است. با توجه به نتایج آزمون λ trace یک بردار هم انباشته در نظر گرفته شده است. همچنین از بین الگوهای مطرح در مدل VECM برای صنایع دسته اول مدل عرض از مبدأ و روند در بخش تصحیح خطا و بدون روند در VAR برگزیده شده است. ارزش افزوده تولید صنایع منابع محور با ضریب تعدیل $0/95$ - به مقدار بلند مدت خود همگرا میشود. مدل VECM برآورد شده برای صنایع اولیه صورت زیر خواهد بود:

جدول ۳. نتایج برآورد الگوی VECM؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب	β_1	β_2	β_3	β_4	β_5
مقدار	-۰/۲۳	۰/۹۸	-۰/۰۶	-۰/۱۶	-۰/۰۱
t-stat	۰/۱۹	۰/۸	-۰/۷۹	-۱/۴۹	-۰/۸۳

جدول ۴. برآورد ضرایب بلند مدت صنایع منابع محور با استفاده از الگوی VECM؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب بلند مدت	LX	LK	LL	LEX	LIM
مقدار	-۰/۹۵	+۰/۱۶	+۰/۰۱	-۰/۰۶	۰/۰۶
t-stat	-۳/۵۵	+۲/۶۷	+۳/۴۱	-۰/۸	۰/۷۹

بر اساس جدول ۳ میتوان نتیجه گرفت که در کوتاه مدت تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده تولید صنایع به صورت غیر مستقیم خواهد بود. به عبارت دیگر افزایش سرمایه در کوتاه مدت تولید آن صنعت را بهبود میبخشد. جدول ۴ نشان میدهد که در بلند مدت در صنایع منابع محور، سرمایه بر ارزش افزوده تولید تأثیر مثبت میگذارد. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه در بلند مدت وضعیت تولید و درآمد صنایع اول بهتر میشود. از طرف دیگر روابط بالا نشان می دهند که تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده تولید در صنایع منابع محور معنادار است و با افزایش سرمایه ارزش افزوده تولید این صنایع افزایش می یابد.

مدل VECM برای صنایع با سطح تکنولوژی پائین

با توجه به نتایج آزمون λ trace در صنعت دوم که صنایع با تکنولوژی پائین هستند یک بردار هم انباشتگی وجود دارد. همچنین از بین الگوهای مطرح در مدل VECM در این صنعت مدل عرض از مبدأ و روند در EC و بدون روند در VAR برگزیده شده است. ارزش افزوده این صنایع به ترتیب با ضریب تعدیل $0/97, -0/001, 0/0004, 0/064, 0/64$ به مقدار بلند مدت خود همگرا میشود. ضرایب مدل VECM برآورد شده برای صنایع گروه دوم به صورت زیر خواهد بود:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴۰۳

جدول ۵. نتایج برآورد الگوی VECM؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب	β_1	β_2	β_3	β_4	β_5
مقدار	-۰/۰۱۵	-۰/۰۵	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۰۳
t-stat	-۵/۲۱	-۳/۱۴	-۲/۲۶	۱۲/۳	-۰/۱۳

جدول ۶. برآورد ضرایب بلند مدت صنایع با تکنولوژی پائین با استفاده از الگوی VECM؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب بلند مدت	LX	LK	LL	LEX	LIM
مقدار	-۰/۹۷	۰-/۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۰۶۴	۰/۶۴
t-stat	-۵/۲۱	۰-/۸۶	۴/۳	۱/۸	۱/۷۹

بر اساس جدول ۵ میتوان نتیجه گرفت که در کوتاه مدت تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده تولید صنایع به صورت غیر مستقیم خواهد بود. به عبارت دیگر افزایش سرمایه در کوتاه مدت تولید آن صنعت را بهبود میبخشد. جدول ۶ نشان میدهد که اثر بلند مدت سرمایه بر ارزش افزوده تولید در صنایع با تکنولوژی پائین یک اثر مثبت است و با افزایش سرمایه در بلند مدت وضعیت تولید این صنایع بهتر خواهد شد و شدت این اثر بیشتر از صنایع گروه اول خواهد بود.

برآورد مدل برای صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا

الگوی عرض از مبدأ و روند در EC و بدون روند در VAR از میان الگوهای مطرح در VECM برگزیده شده است. با توجه به نتایج آزمون λ trace این صنایع دارای یک بردار همانباشته است. ارزش افزوده صنایع این بخش با ضریب تعدیل $-0/99$ به مقدار بلند مدت خود همگرا میشود. وقفه بهینه نیز در این مدل صفر در نظر گرفته میشود. مدل VECM برآورد شده برای صنعت به صورت زیر خواهد بود.

جدول ۷. نتایج برآورد الگوی VECM؛ منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح‌های آمارگیری از کارگاه‌های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4	β_5
مقدار	$-0/94$	$0-/23$	$0/001$	$0/009$	$0/04$	$-0/001$
t-stat	$-5/24$	$2-/24$	$3/3$	$2/24$	2	$-1/17$

جدول ۸. برآورد ضرایب بلند مدت صنایع هایتک با استفاده از الگوی VECM؛ منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح‌های آمارگیری از کارگاه‌های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

ضرایب بلند مدت	LX	LK	LL	LEX	LIM
مقدار	$0/99$	$0/037$	$0/001$	$0/06$	$0/06$
t-stat	$6-/24$	2	$1/17$	$1/88$	$1/99$

به صورت سالانه نشان داده شده است. با توجه به نمودارهای الف-۱ تا ج-۱، شوک سرمایه بر تولید را می‌توان از مهمترین و موثرترین شوک‌های وارد شده بر تولید به حساب آورد. نکته قابل توجه این است که اثر شوک سرمایه بر تولید تقریباً به صورت تصاعدی و فزاینده است. به این معنا که با گذشت زمان اثر شوک‌های سرمایه بیشتر از قبل نمایان میشود.

نمودار ۱ الف. نشان می‌دهند که اثر شوک مثبت سرمایه در تولید صنایع منابع محور تا پایان سال اول مثبت و پس از یک دوره دو ساله سکون، از آغاز سال چهارم تقریباً به طور یکنواخت مثبت و صعودی می‌باشد و در بلند مدت (دوره ۸ ساله) نیز روند تاثیرگذاری شوک سرمایه مانا بوده و با شیبی تند ادامه دارد.

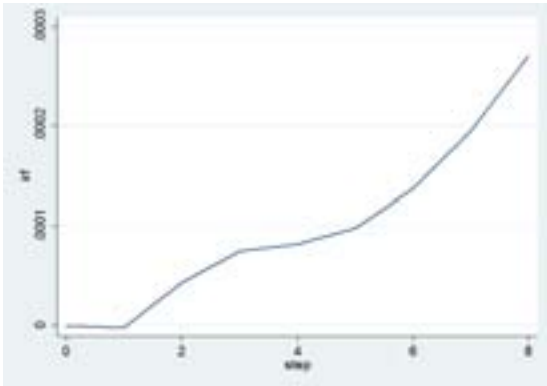
نمودار ۱ ب. مبین این نکته است که نتیجه نسبتاً مشابهی نیز در مورد اثر شوک مثبت سرمایه گذاری بر تولید صنایع با تکنولوژی پایین دیده می‌شود. با این تفاوت که در سال اول شوک وارد بر سرمایه تاثیر چندانی بر تولید صنایع ندارد و با گذشت زمان اثر شوک بیشتر از قبل نمایان می‌شود و

بر اساس جدول ۷ میتوان نتیجه گرفت که در کوتاه مدت تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده تولید صنایع به صورت غیر مستقیم خواهد بود. به عبارت دیگر افزایش سرمایه در کوتاه مدت تولید آن صنعت را بهبود میبخشد. جدول ۸ نشان میدهد که اثر بلندمدت سرمایه بر ارزش افزوده تولید در صنایع با تکنولوژی پایین یک اثر مثبت است و با افزایش سرمایه در بلند مدت وضعیت تولید این صنایع بهتر خواهد شد و شدت این اثر بیشتر از صنایع گروه اول خواهد بود.

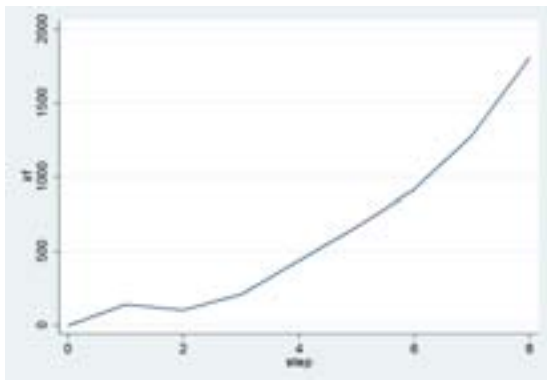
۱. تحلیل یافته‌ها

در نمودار ۱ نتایج حاصل از اثر بروز یک انحراف معیار شوک در کلیه متغیرهای سیستم بر ارزش افزوده حقیقی صنایع نشان داده شده است. در این نمودارها، محور عمودی بیانگر اثر شوک متغیرهای تحقیق شامل تولید، موجودی سرمایه، نیروی کار، واردات کالاهای سرمایه‌ای و نرخ ارز بوده و محور افقی طول دوره زمانی اثر شوک را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده از نوع سالانه هستند لذا زمان اثر شوک در محور افقی نیز

نمودار ب-۱. تابع عکس العمل تحریک صنایع با تکنولوژی پایین نسبت به شوک سرمایه؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری



نمودار ج-۱. تابع عکس العمل تحریک صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا نسبت به شوک سرمایه؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری



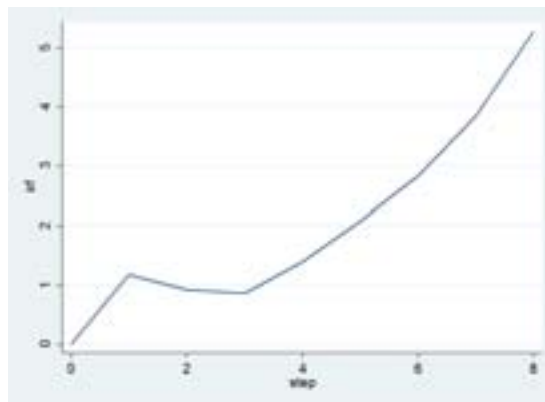
در جدول شماره ۹ آثار نهایی این تکانه بر متغیرهای مهم اقتصاد با استفاده از توابع تکانه- عکس العمل^{۱۷} ارائه شده است. از آنجا که متغیرهای مدل به شکل انحراف لگاریتمی از مقادیر بایاتشان هستند، ارقام ارائه شده در محور جدول عکس العمل درصد تغییرات متغیرها را نشان می دهد.

این وضعیت تا پایان سال پنجم (با شیب ملایم) ادامه می یابد. از پایان سال پنجم روند تاثیرگذاری آن مانا شده و همراه با شیبی تند، تاثیری تصاعدی بر تولید صنایع مذکور خواهد گذاشت.

نمودار ۱ ج. نشان می دهد که اگر یک شوک مثبت به میزان یک واحد انحراف معیار بر تولید صنایع وارد شود پس از دو سال رکود، موجب رونق در این گروه از صنایع می شود و این دوره رونق اثر خود را حفظ کرده و تبدیل به یک اثر دائمی و بلندمدت می شود.

در مجموع نتایج این نمودارها حاکی از این است که شوک موجودی سرمایه بر تولیدات صنایع هر سه گروه تاثیر مثبتی را بر رشد تولیدات این صنایع را داراست. دلیل این مهم به کلیه کالاهای صنعتی بر می گردد که در هر گروه از این صنایع تولید می شوند. بدین مفهوم که صنعت با موجودی سرمایه به عنوان کالای مکمل محسوب می گردند. به عبارت دیگر با افزایش موجودی سرمایه، در بلند مدت تولید صنعتی نیز سیر صعودی خود را آغاز می کند و این افزایش تولید تداوم می یابد.

نمودار الف-۱. تابع عکس العمل تحریک صنایع منابع محور نسبت به شوک سرمایه؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری



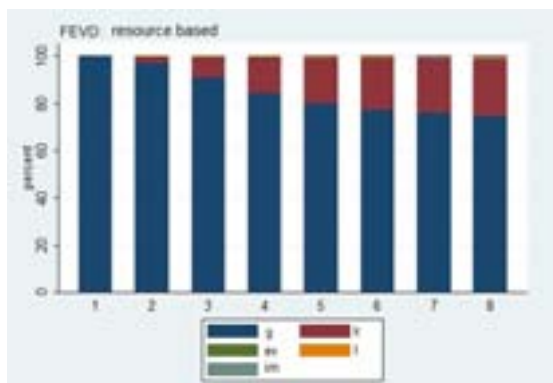
۱۷. Impulse Response Function

جدول ۹. واکنش شاخص ارزش افزوده تولید (کل صنعت) به شوک‌های وارده بر سایر متغیرهای مدل؛ منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح‌های آمارگیری از کارگاه‌های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

واکنش نسبت به شوک	واکنش نسبت به شوک	واکنش نسبت به شوک	واکنش نسبت به شوک	
L	K	EX	IM	
۰	۰/۱۲۶	۰/۳۴۲	۰/۰۵۰	میزان واکنش دوره دوم
۰/۰۱	۰/۲۷۸	۰/۳۴۲	۰/۰۳۰	بیشترین میزان واکنش
۲	۴	۲	۳	دوره بیشترین واکنش
۰/۲	۰/۲۲۸	۰/۱۲۰	۰/۰۵۹	میانگین واکنشها در ۱۰ دوره اول

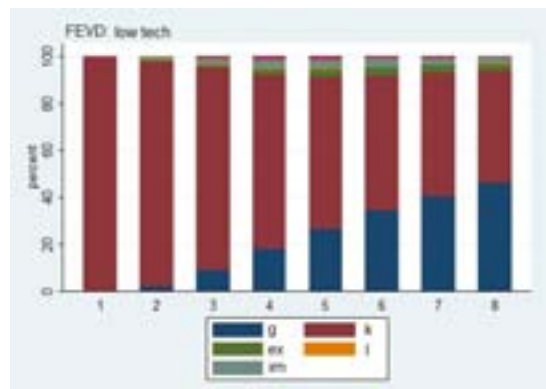
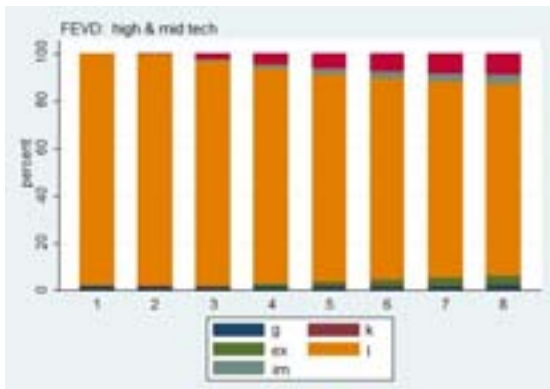
همچنین نتایج تجزیه واریانس با توجه به الگوی برآورد شده در جدول ۱۰ ارائه شده است. این نتایج درصد مشارکت هر یک از تکانه‌های ε_{22} و ε_{33} متغیرها نشان میدهد. با توجه به اینکه خطا در هر سال براساس سال قبل محاسبه می‌شود لذا طی دوره‌ی مورد بررسی همواره افزایش مییابد. منبع این خطا تغییر در مقادیر جاری و تکانه‌های آتی آن است.

نمودار الف-۲. تجزیه واریانس تغییرات صنایع منابع محور؛ منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری



نمودار ب-۲. تجزیه واریانس تغییرات صنایع با تکنولوژی پایین؛ منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری

فرض می‌شود یک تکانه مثبت نرخ ارز به ارزش افزوده تولید به اندازه انحراف معیاری به اندازه یک واحد به سیستم اقتصادی وارد شود. ارزش افزوده تولید به میزان ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. با وارد شدن یک تکانه مثبت به اندازه یک واحد انحراف معیار از طرف متغیر واردات کالاهای سرمایه‌ای، ارزش افزوده به میزان ۶ درصد کاهش می‌یابد. همچنین هنگامی که یک تکانه مثبت در اثر انباشت سرمایه به ارزش افزوده تولید به اندازه یک انحراف معیار به سیستم اقتصادی وارد شود، ارزش افزوده تولید به میزان ۲۲ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت هنگامی که یک تکانه مثبت در اثر بهبود اشتغال و بهره‌وری نیروی کار به ارزش افزوده تولید به اندازه یک انحراف معیار به سیستم اقتصادی وارد شود، ارزش افزوده تولید به میزان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. تجزیه واریانس در کنار واکنش آنی که گاه حسابداری تکانه‌ها نیز نامیده می‌شود روش مهمی برای بررسی عملکرد پویای بین متغیرها به شمار می‌آید. در این روش، سهم تکانه‌های وارد شده به متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در کوتاه مدت و بلندمدت مشخص می‌شود و سپس سهم همه متغیرها در آن محاسبه می‌گردد. این تابع نیز همانند تابع عکس‌العمل واکنش با بهره‌گیری از الگوی VAR محاسبه می‌شود. با تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی اثر هر متغیر بر متغیرهای دیگر را در طول زمان اندازه‌گیری می‌شود. مایش گرافیکی تجزیه واریانس نیز در نمودار ۲ ارائه شده که موید نتایج بدست آمده از تابع عکس‌العمل تحریک است.



جدول ۱۰. نتایج تجزیه واریانس متغیر ارزش افزوده تولید (کل صنعت)؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از طرح های آمارگیری از کارگاه های بزرگتر از ده نفر کارکن، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف

نمودار ج-۲. تجزیه واریانس تغییرات صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا؛ منبع: یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات آماری مستخرج از پایگاه رسمی مرکز آمار ایران و سالنامه آماری

Pe	S.E.	l	k	ex	im
۱	۰,۰۲۳۸۷۷
۲	۰,۰۲۴۳۰۹	۰,۰۸۳۷۸۳	۱۵,۷۲۵۶۴	۰,۸۱۶۹۵	۱۵,۷۱۱۲۷
۳	۰,۰۲۹۹۵۷	۰,۰۹۹۹۰۱	۲۹,۲۷۹۲۵	۱,۰۷۸۴۹۸	۱۹,۲۲۵۷۹
۴	۰,۰۴۳۲۰۲	۰,۰۹۳۷۹۱	۲۵,۸۵۴۶۵	۲,۰۷۴۰۵۱	۲۱,۵۰۷۴۹
۵	۰,۰۴۴۶۲۶	۰,۰۸۸۵۴۴	۲۸,۵۹۲۹۵	۳,۴۱۵۹۹۱	۲۱,۳۶۹۷
۶	۰,۰۴۵۳۰۹	۰,۰۹۰۰۳۴	۲۸,۷۶۱۱۳	۴,۳۱۸۱۹۸	۲۱,۱۴۲۶۵
۷	۰,۰۴۵۶۴۱	۰,۰۸۸۵۵۲	۲۸,۴۷۳۶۸	۴,۸۰۴۳۹۲	۲۰,۹۲۲۸۸
۸	۰,۰۴۵۷۷۸	۰,۰۸۸۷۷۸	۲۸,۲۷۸۶	۵,۰۴۰۸۰۴	۲۰,۸۱۲۸۲
۹	۰,۰۴۵۸۴۶	۰,۰۸۸۶۲۴	۲۸,۱۸۳۳۵	۵,۱۴۹۲۶۲	۲۰,۷۶۲۳۳
۱۰	۰,۰۴۵۸۹	۰,۰۸۸۵۰۱	۲۸,۱۳۷۶	۵,۱۸۶۳۶۲	۲۰,۷۴۵۷۸

در جدول ۱۰، ستون اول که با S.E مشخص شده، خطای پیش بینی متغیرهای مربوطه را طی دوره های مختلف نشان می دهد. به این علت که این خطا در هر سال بر اساس خطای سال قبل محاسبه می شود و منبع این خطا تغییر در مقادیر جاری و تکانه های آتی است، طی زمان افزایش می یابد. نتایج جدول نشان می دهد، خطای پیش بینی در دوره اول به اندازه ۰/۰۲۳ و در دوره دوم ۰/۰۳۴ بوده و در طی زمان افزایش یافته است. ستون های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر ناگهانی یا تکانه مشخص را نشان می دهد. در دوره دوم تغییرات این شاخص، ۰/۰۸ درصد مربوط به تکانه نیروی کار، ۱۵,۷۲ درصد مربوط به تکانه سرمایه گذاری (انباشت سرمایه)، ۰/۸ درصد مربوط به تکانه نرخ ارز، ۱۵,۷۱ درصد مربوط به تکانه واردات کالاهای سرمایه ای بوده است. در طی زمان نیز از تغییرات شاخص تولید صنایع، ۴۳ درصد ناشی از تکانه شاخص تولید، ۰/۹۹ درصد مربوط به تکانه نیروی کار، ۲۹ درصد مربوط به تکانه سرمایه

گذاری (انباشت سرمایه)، ۱/۰۷ درصد مربوط به تکانه نرخ ارز، ۱۹ درصد مربوط به تکانه واردات کالاهای سرمایه ای بوده است. جدول ۱۰ نشان می دهد که اگر شوکی به اندازه یک واحد انحراف معیار در متغیر سرمایه گذاری ایجاد شود، ارزش افزوده کل صنعت بیش از ۳۸ درصد این تغییرات را می تواند توضیح دهد. این قدرت توضیح دهی در سالهای اولیه رفته رفته افزایش می یابد ولی پس از ۱۰ سال، این این قدرت اثر دائمی دارد. همانگونه که از جدول ۱۰. پیداست همه متغیرهای مذکور بر تولید اثر داشته اما بیشترین تاثیرپذیری تولید از جانب انباشت سرمایه و همچنین واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای بوده است. همچنین این جدول نشان می دهد که اثر شوک های وارده از جانب متغیر انباشت سرمایه بر تولید در ابتدا کم بوده اما به مرور افزایش یافته، بطوریکه در پایان دوره چهارم بطور فزاینده ای رشد یافته و به بیش از ۱۴ درصد رسیده است. لذا میتوان گفت که دو متغیر انباشت سرمایه و شوک های واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای بیشترین سهم در تاثیرگذاری بر تولید صنعتی را در بلندمدت دارا می باشند. سهم هزینه نیروی کار از این تغییرات همواره در سطح پایینی قرار داشته است. سهم سرمایه از ۶ درصد به بیش از ۱۴ درصد و سهم واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای از حدود ۱۵ درصد به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است. سهم نرخ ارز به ترتیب از کمتر از یک درصد به حدود ۵ درصد افزایش داشته است. بنا براین اگرچه تاثیر متغیرهای واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، اشتغال نیروی کار و نرخ ارز از یک روند صعودی برخوردار بوده ولی اثر شوک های وارده از جانب حجم سرمایه از روند فزاینده تری برخوردار است.

۱- نتیجه گیری و جمع بندی

در این مطالعه به بررسی تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده تولید در صنایع کشور بر اساس داده های سری زمانی سالانه ۱۳۷۴-۱۳۹۳ و بر اساس روش مدل VAR و VECM پرداخته شده است. بدین منظور صنایع در قالب سه گروه صنایع منابع محور، صنایع با تکنولوژی پایین و صنایع با تکنولوژی متوسط و بالا طبقه بندی شدند. ابزارهایی که

برای این منظور به کار گرفته شده عبارتند از توابع عکس العمل تحریک و تجزیه واریانس که با کمک نرم افزار Stata برای تحلیل اثر نوسانات و شوک های اقتصادی استفاده شدند. برآوردهای انجام شده نشان میدهد که در کوتاه مدت تأثیر سرمایه بر ارزش افزوده هر سه گروه صنایع دارای نوسان و اثری میرا می باشد. به صورت مستقیم و مثبت خواهد بود و افزایش سرمایه در کوتاه مدت و بلند مدت به طور چشمگیری درآمد صنایع را بهبود میبخشد. همچنین نتایج تابع عکس العمل تحریک نشان میدهد انباشت سرمایه در کوتاه مدت با ارزش افزوده تولید در صنایع هر سه گروه رابطه مستقیم و مثبت دارد و شدت آن زیاد و فزاینده خواهد بود و با افزایش سرمایه، در بلند مدت تولید این صنایع به صورت تصاعدی بیشتر خواهد شد. لذا سرمایه گذاری در صنعت باید در اولویت سرمایه گذاریهای دولت و بخش خصوصی قرار گیرد تا در بلند مدت تولید صنعتی رونق یافته و به تبع آن اشتغال در این حوزه افزایش یابد. به منظور افزایش سرمایه گذاری در بخش صنعت باید رانتهای موجود در اقتصاد زیرزمینی و محدودیتهای قانون کاهش یابد تا با فزونی یافتن انگیزه های سرمایه گذاری این بخش، منابع ملی به سمت تولید بیشتری سوق داده شود. با توجه به تابع عکس العمل مربوط به سرمایه گذاری، یک شوک مثبت در سرمایه گذاری کل گروههای سه گانه صنایع مطرح شده در این تحقیق، باعث ایجاد رونق در آن منابع و اقتصاد کشور می گردد، پیشنهاد می شود دولت با ارائه تسهیلات لازم برای سرمایه گذاری در بخش صنعت کشور، بستر ایجاد رونق اقتصادی را فراهم آورده و با ایجاد ثبات در قوانین سرمایه گذاری، از بروز شوک های منفی جلوگیری کند.

- Blomstorm, M., Lipsey, R. E. and Zejan, M. (1996) *Is Fired Investment the Key to Economic Growth?* Quarterly Journal of Economics, 111, 269-276
- Chow, G. (1993) *Capital Formation and Economic Growth in China*, Quarterly Journal of Economics, 108, 809-842
- Kandenge, F. T. (2009). *Public and Private Investment and Economic Growth in Namibia (1970-2005)*. Botswana Journal of Economics, pp. 2-15.
- Nazmi, N. and Ramirez, M. D. (1997). *Public and Private Investment and Economic Growth in Mexico*. Contemporary Economics Policy, 15(1), pp. 65-75
- Khan, M.S. and Reinhart, G. M. (1990). *Private Investment and Economic Growth in Developing Countries*. World Development, 18(1), pp. 19-27
- Justiniano, A., G. E. Primiceri and A. Tambalotti (2010) Investment Shocks and Business Cycles, *Journal of Monetary Economics*, 57(2), 132–145.
- Justiniano, G. E. Primiceri and A. Tambalotti (2011) Investment Shocks and the Relative Price of Investment, *Review of Economic Dynamics*, 14(1), 101-121.
- Aguiar, M. and G. Gopinath (2007) Emerging Market Business Cycles: The Cycle is the Trend, *Journal of Political Economy*, 115(1), 69-102.
- Greenwood, J., Z. Hercowitz, and G. W. Huffman (1988) Investment, Capacity Utilization and the Real Business Cycle, *American Economic Review*, 78(3), 402-417.
- Greenwood, J., Z. Hercowitz, and P. Krusell (1997) Long Run Implications of Investment- Specific Technological Change, *American Economic Review*, 87(3), 342-362.
- Anderson, D. (1990) Investment and Economic Growth, *World Development*, 18(8), 1057-1079
- Fisher, J. D. M. (2006) The Dynamic Effect of Neutral and Investment-Specific Technology Shocks, *Journal of Political Economy*, 114(3), 413-451.
- Greenwood, J., Z. Hercowitz, and P. Krusell (2000) The Role of Investment-Specific Technological Change in the Business Cycle, *European Economic Review*, 44(1), 91-115.
- Medina, J. P. and C. Soto (2007) The Chilean Business Cycles Through The Lens Of A Stochastic General Equilibrium Model, Working Paper Series, No.457, Central Bank of Chile.
- Alp, H. and S. Elekdağ (2011) The Role of Monetary Policy in Turkey during the Global Financial Crisis, Working Paper Series, No.11/10, Central Bank of Turkey.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

بررسی رابطه بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی با بهره‌وری در سازمان

زهرا رجائی* - گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران
علی ارغوانی - مربی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران
زهرا مهمی - مربی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

چکیده

Investigating the relationship between electronic human resource management and productivity in the organization

Abstract

Today, the limited availability of available resources requires useful, efficient and fruitful utilization. Population growth and the growth of urban needs and demands, and the scarcity of resources have caused urban planners, policy and management of society and organizations to increase the productivity of government agencies in their programs. Give Electronic HR management is a potential capability in both areas of work and effectiveness and as a result of organizational efficiency. Therefore, in the present study, the effect of establishment of EHR on productivity in Birjand property organization has been studied. The present research is applied and is descriptive-survey method. The statistical population consisted of all finance staff in Birjand, with a response rate of 65%. In order to collect information, a questionnaire on indicators of the model of establishment of human resources management in the government organizations of Khanzadeh and colleagues in 1395 and Sharifi productivity questionnaire have been used. The hypothesized paths of electronic HR management on productivity in the organization are meaningful and in terms of EHRM productivity gains, various factors including the deployment of electronic human resources in terms of structural dimension, cultural dimension, strategic dimension, technological dimension and other factors is. All hypotheses corresponding to the desired paths were confirmed with 95% confidence, except for the path of deployment of electronic human resources in terms of cultural dimension on the organization's efficiency, which was rejected.

Keywords: Electronic Human Resources, Organizational Productivity

امروزه محدودیت منابع در دسترس لزوم استفاده مفید و کارا وثمری بخش را می‌طلبد و افزایش جمعیت و رشد نیازها و خواسته‌های شهری و کمیابی منابع باعث شده که متصدیان عرصه شهری، سیاست و مدیریت جامعه و سازمان‌ها، ارتقای بهره‌وری سازمان‌های دولتی را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. مدیریت منابع انسانی الکترونیک توانایی بالقوه‌ای در هر دو حوزه کار آیی و اثربخشی و در نتیجه بهره‌وری سازمان دارد. از این رو در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر بهره‌وری در سازمان دارائی بیرجند پرداخته است. تحقیق حاضر کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شامل تمامی کارمندان دارائی شهرستان بیرجند می‌باشد که نرخ پاسخ‌گویی به پرسشنامه ۶۵ درصد بوده است. به‌منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه شاخص‌های الگوی استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک در سازمان‌های دولتی «خانزاده و همکاران» و «پرسشنامه بهره‌وری شریفی» استفاده شده است. مسیرهای فرض شده از مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر بهره‌وری در سازمان معنی دار بوده و از نظر کارکنان کسب بهره‌وری از طریق EHRM درگرو عوامل متعددی از جمله استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری، بعد فرهنگی، بعد استراتژیک، بعد تکنولوژیک و سایر عوامل می‌باشد. همه فرضیه متناظر با مسیرهای مورد نظر نیز با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت به جز مسیر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی بر بهره‌وری سازمان که رد شد.

واژگان کلیدی: منابع انسانی الکترونیک، بهره‌وری سازمان

مقدمه

امروزه محدودیت منابع در دسترس لزوم استفاده مفید و کارا و ثمربخش را می‌طلبد و افزایش جمعیت و رشد نیازها و خواسته‌های بشر و کمیابی منابع باعث شده که متصدیان عرصه شهری، سیاست و مدیریت جامعه و سازمان‌ها، افزایش بهره‌وری را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند (طاهری، ۱۳۷۸) و توسعه سریع اینترنت در این دهه اجرا و کاربرد مدیریت منابع انسانی الکترونیک می‌طلبد (استرومیر، ۲۰۰۷). مدیریت سرمایه‌های فکری و علی‌الخصوص مدیریت منابع انسانی به‌لحاظ الکترونیک باعث موفقیت سازمان در عرصه رقابتی می‌شود (برنان، ۲۰۰۰). مدیریت منابع انسانی به-لحاظ الکترونیک به سازمان اجازه خواهد داد که توانایی‌ها و شایستگی‌هایش را جهت بهره‌برداری از آنها طی زمان، شناسایی، حفظ و بازسازی کند (کابا و سریا، ۲۰۰۱). بدون تردید داشتن آینده‌ای پویا و توسعه یافته و ایستادگی اقتصادی در دنیای پررقابت امروزی، نیازمند افزایش بهره‌وری و استفاده حداکثری از امکانات هستیم. کارشناسان بسیاری براین باورند که حلقه مفقوده اقتصاد ایران پیش از آنکه سرمایه و یا منابع طبیعی باشد، نبودن بهره‌وری است (میرزایی، ۱۳۹۱). بهره‌وری، دغدغه بسیار مهم سازمان‌های خدماتی و غیر خدماتی بوده، زیرا اساسی‌ترین محرک رسیدن به نتایج رضایت‌بخش و کسب مزیت رقابتی قابل‌ملاحظه، نسبت به رقبا محسوب می‌شود (فراهانی و نظری، ۱۳۸۷). مدیریت منابع انسانی الکترونیک که کاربرد فناوری اطلاعات برای شبکه‌سازی و حمایت از کنشگران فردی و جمعی در انجام کارکردها و فعالیت‌های منابع انسانی می‌باشد (استرومیر، ۲۰۰۷) و از آنجا که سازمان‌های امروزی اگر قادر به انطباق با تغییرات محیطی نباشند، به سرعت از گردونه رقابت خارج و جای خود را به رقبا خواهند داد، مدیریت منابع انسانی الکترونیک نقش اساسی در عصر جدید در ارتقای بهره‌وری سازمان ایفا می‌نماید. نقش و جایگاه منابع انسانی و مدیریت آن در سازمان‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان یک تسریع‌کننده افزایش بهره‌وری یاد کرد. از این‌رو برای پیاده‌سازی EHRM در جهت افزایش بهره‌وری، راهبردهای مناسبی را بایستی در

نظر گرفت البته سازمانهای دولتی برنامه‌هایی برای استقرار EHRM انجام داده اند، اما استقرار این برنامه‌ها یا ضعیف بوده یا خیلی توفیق نداشته است و نتوانسته بهره‌وری را ارتقا دهد، لذا هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی بررسی رابطه بین مدیریت منابع انسانی الکترونیک با بهره‌وری در سازمان از نظر کارکنان سازمان دارایی در شهرستان بیرجند می‌باشد.

پیشینه تحقیق

سنایی و میرزایی (۲۰۰۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در صورت وجود رضایت شغلی، تعهد سازمانی و تعهد حرفه‌ای استقرار برنامه‌های تغییر از جمله مدیریت منابع انسانی الکترونیک موفقیت‌آمیز بود و در صورت فقدان این سه متغیر، می‌توانند به عنوان موانع استقرار و اجرا عمل کنند (سنایی و میرزایی، ۲۰۰۸). محمد موسی خانی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق تحت عنوان ارائه مدلی برای توسعه مدیریت الکترونیک منابع انسانی در سازمانهای دولتی ایران به این نتیجه رسیدند که فناوریهای اطلاعات و ارتباطات تأثیر عمیقی بر رشته مدیریت منابع انسانی گذاشته و مدیریت منابع انسانی الکترونیک پتانسیل تسریع زمان پاسخگویی، بهبود فرآیند تصمیم‌گیری را دارد و متغیرهایی چون شفافیت، محرمانه بودن داده‌ها، سهولت دسترسی، فرهنگ توزیع اطلاعات، حمایت مدیریت عالی به عنوان عوامل مهم در اجرای EHRM اشاره که در صورت عدم توجه به آنها، مانع استقرار EHRM می‌باشند (موسی خانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۱). روئل و همکاران (۲۰۰۷) یکی از کامل‌ترین طبقه‌بندی‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیک ارائه دادند شامل ۱- مدیریت منابع انسانی الکترونیک اطلاعاتی؛ ۲- مدیریت منابع انسانی الکترونیک ارتباطی؛ ۳- مدیریت منابع انسانی الکترونیک تحول‌آفرین که این حوزه در رابطه با فعالیت‌هایی است که بیشتر هویت استراتژیکی دارند و نگاه به منابع انسانی از عامل هزینه به عامل موفقیت تغییر کرده است. بر این اساس مدیریت منابع انسانی الکترونیک تحول‌آفرین نیز بر مسائل استراتژیک سازمان تمرکز دارد (نظری، ۱۳۹۱).

حسن فارسیجانی و محسن عارف نژاد، (۱۳۹۰) در تحقیق خود به رتبه بندی عوامل مؤثر بر اجرای مدیریت منابع انسانی الکترونیک جهت دستیابی به کلاس جهانی به این نتیجه رسیدند در فضای رقابتی امروز، نیروی انسانی است که وجه تمایز و برتری سازمان محسوب میشود؛ با تکنیک AHP و نرم افزار Expert Choise عوامل فردی و نوآوری به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر اجرا و استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک بوده‌اند (فارسیجانی و عارف نژاد، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

مبانی نظری تحقیق

سازمانهای در انطباق با تغییرات محیطی به مدیریت منابع انسانی الکترونیک در گردونه رقابت روی آورده اند. مدیریت منابع انسانی الکترونیک، یک مفهوم کاملاً جدید نمی‌باشد و از اوایل دهه ۱۹۹۰ (زمانی که مفهوم تجارت الکترونیک^۱ به سرعت جهان تجارت را درنوردید) مورد استفاده قرار گرفته است (اولیواس لوجان، رامیرز، زاپاتا-کانتا، ۲۰۰۷). عبارت مدیریت منابع انسانی الکترونیک به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفت اما هنوز یک تعریف پذیرفته شده جهانی در مورد آن وجود ندارد. این واژه اغلب مترادف با واژه‌های مشابه، نظیر منابع انسانی مبتنی بر وب^۲، سیستم‌های اطلاعاتی منابع انسانی^۳، مدیریت منابع انسانی مجازی^۴، اینترنت منابع انسانی^۵، سیستم‌های مدیریت منابع انسانی مبتنی بر کامپیوتر^۶ و پورتال‌های منابع انسانی^۷ در نظر گرفته میشود (رول، بونداروک و لویس، ۲۰۰۴). باندراک و رول (۲۰۰۴) مدیریت منابع انسانی الکترونیک را به عنوان «راهی برای اجرای

۱. e- commerce
۲. Olivas-Lujan, Ramirez, Zapata-Cantu
۳. web-based human resources
۴. human resource information systems (HRIS)
۵. virtual human resource management
۶. human resource intranet
۷. computer-based human resource management systems
۸. human resource portals
۹. Ruel, H., Bondarouk, T. & Looise

استراتژی‌ها، خط‌مشی‌ها و شیوه‌های منابع انسانی در سازمان‌ها از طریق یک پشتیبان هدایت‌شده و آگاه با استفاده کامل از کانال‌های مبتنی بر فناوری وب^{۱۰} تعریف کرده‌اند. همین نویسندگان در تحقیق بعدی خود این تعریف را بسط داده و بعد ارتباطات منابع انسانی الکترونیک را هم اضافه کردند، جاییکه کارمند و کارفرمایان از طریق مدیریت منابع انسانی الکترونیک میتوانند درباره محتوای منابع انسانی به‌طور اثربخش‌تر باهم ارتباط برقرار نمایند (بونداروک و رول^{۱۱}، ۲۰۰۶).

سال ۱۹۵۰ سازمان همکاری اقتصادی اروپا به‌طور رسمی بهره‌وری را چنین تعریف کرد: بهره‌وری حاصل کسری است که از تقسیم مقدار یا ارزش محصول بر مقدار یا ارزش یکی از عوامل تولید به دست می‌آید. بدین لحاظ می‌توان از بهره‌وری سرمایه، مواد اولیه و نیروی کار صحبت کرد (طاهری، ۱۳۷۸). یک شرکت، در صورتی می‌تواند به سودآوری مستمر خود امیدوار باشد که موضوع بهره‌وری را نادیده نگیرد (ابطحی، کاظمی، ۱۳۸۰). بنابراین مدیریت منابع انسانی به لحاظ الکترونیک در راستای بهره‌وری به‌عنوان ابزار کاربردی عمل می‌نماید. مدیریت منابع انسانی الکترونیک توانایی بالقوه‌ای در هر دو حوزه کار آبی و اثربخشی و بهره‌وری^{۱۲} دارد از طریق:

۱. کاهش دادن زمان‌های ملاقات برای کارهای غیر کاغذی، افزایش دادن دقت داده‌ها و کاهش دادن منابع انسانی بیش از حد.
۲. بهبود دادن و ارتقای شایستگی‌های مدیران و کارمندان در جهت گرفتن تصمیمات بهتر و سریعتر، دسترسی آسان و گسترده به داده‌های منابع انسانی و سهولت در طبقه‌بندی و دسته‌بندی مجدد داده‌ها.
۳. کاهش بار اداری فراهم آوردن پشتیبانی یکپارچه از مدیریت منابع انسانی و فرآیندهای اصلی درون شرکت همچنین

۱۰. web-technology based channels
۱۱. Bondarouk & Ruel

۱۲. بهره‌وری = کارایی + اثربخشی

از سیستم است و استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ سایر عوامل درگرو محرمانه بودن داده ها، تیم اجرا کننده تغییر، شکل بندی EHRM، سیستم پاداش جهت پذیرش است (عرفانیان خان زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

فرضیات پژوهش

فرضیه پژوهش تحقیق حاضر این است از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد در راستای این فرضیه، فرضیات زیر مطرح شده است: از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد.

گردش کاری قوی تر در فرآیند کسب و کار و بهره وری و رضایت بیشتر کارمندان، با صرفه جویی در هزینه ها با حفظ کیفیت داده ها (کاور^{۱۳}، ۲۰۱۳).

۴. اطلاع رسانی و اطلاعات: فناوری

اطلاعات با افزایش سطح کیفیت خدمات و کاهش زمان دسترسی می تواند بر جنبه های ارتباطی منابع انسانی تأثیر بگذارد.

۵. تحول آفرینی: فناوری اطلاعات با

برداشتن محدودیت های زمان و مکان باعث می شود مدیران منابع انسانی با یک فرآیند جدید روبرو شده و خارج از چارچوب کنونی تفکر نموده و نوآوری های نو را شکل دهند (گاردنر، لپاک و بارتول^{۱۴}، ۲۰۰۳).

بنابراین مدیریت منابع انسانی به لحاظ الکترونیک در راستای اتوماسیون تراکنشها، فناوری اطلاعات را به عنوان ابزار کاربردی در اختیار گرفته و از طریق طراحی زیرسیستم های پتانسیل مناسب را در اختیار مدیران قرار می دهد (درویش و همکاران، ۱۳۸۹). موفقیت EHRM درگرو عوامل متعددی است از جمله: استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری درگرو حمایت مدیریت عالی سازمان، جایگاه مدیریت منابع انسانی، سطح و کیفیت منابع انسانی، مدیریت تغییر، ارتباطات، خط مشی های سازمانی است (عرفانیان خان زاده و همکاران، ۱۳۹۴). استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی درگرو فرهنگ جامعه، پایبندی به قوانین و مقررات، فرهنگ سازمان می باشد. استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد استراتژیک درگرو قوانین و مقررات معاونت سرمایه انسانی ریاست جمهوری، نقش دولت، راهبردها و استراتژی های سازمان است (عرفانیان خان زاده، ۱۳۹۴). استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد تکنولوژیک درگرو حمایت بخش خصوصی، زیرساخت های فناوری و ارتباطات، کیفیت سیستم مدیریت منابع انسانی الکترونیک، نگرش به EHRM، سهولت استفاده

۱۳. Kaur

۱۴. Gardner, Lepak & Bartol

ابعاد مفهوم	مؤلفه ها
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری	مدیریت عالی سازمان جایگاه مدیریت منابع انسانی سطح و کیفیت منابع انسانی مدیریت تغییر ساختار سازمانی ارتباطات خط مشیهای سازمانی
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی	فرهنگ جامعه بعد فرهنگی پایبندی به قوانین و مقررات فرهنگ سازمان
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد استراتژیک	قوانین و مقررات معاونت سرمایه انسانی ریاست جمهوری نقش دولت راهبردها و استراتژیهای سازمان بعد استراتژیک حمایت بخش خصوصی
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد تکنولوژیک	زیرساختهای فناوری و ارتباطات کیفیت سیستم مدیریت منابع انسانی الکترونیک نگرش به EHRM سهولت استفاده از سیستم
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ سایر عوامل	محرمانه بودن داده ها تیم اجرا کننده تغییر(عاملین تغییر) شکل بندی EHRM سیستم پاداش جهت پذیرش

- ۱. روش تحقیق**
- تحقیق حاضر کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی میباشد. از نظر موضوعی نیز، به بررسی تأثیر استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر بهره وری در سازمان دارائی بیرجند پرداخته است. جامعه آماری شامل تمامی کارمندان دارائی شهرستان بیرجند می باشد که نرخ پاسخگویی به پرسشنامه ۶۵ درصد بوده است.
- ۴- روش اندازه گیری متغیرهای تحقیق**
- پرسشنامه بهره وری شریفی دارای ۱۵ سوال بوده که هدف آن سنجش میزان بهره وری در سازمان است. طیف پاسخ دهی آن به شکل جدول زیر می باشد:
- از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد.
- از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد استراتژیک با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد.
- از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد تکنولوژیک با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد.
- از نظر کارکنان مدیریت منابع انسانی الکترونیک به لحاظ سایر عوامل با بهره وری در سازمان رابطه مثبت و معناداری دارد.

البته این شیوه پاسخ‌دهی در سوالات ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ معکوس خواهد شد اگر مجموع نمره‌های بین «۲۰ تا ۳۰» باشد، بهره‌وری سازمانی در حد مطلوب است.

گزینه امتیاز	موافقم	نمی دانم	مخالقم
	۲	۱	۰

برای سنجش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی از شاخص های عرفانیان خان زاد و همکاران (۱۳۹۴) مطابق جدول ۱ استفاده شد که دارای ۲۳ مولفه میباشد. برای اطمینان از خوشه بندی ابتدا باید از روایی همگرا و پایایی مرکب اطمینان حاصل کرد. باید روابط ۱ برقرار باشد: رابطه $CR > 0.7$ و $CR > AVE$ و $AVE > 0.5$ که بر اساس مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و روایی همگرا برای هر سازه، تأیید شده است.

جدول ۲. مدل اندازه‌گیری

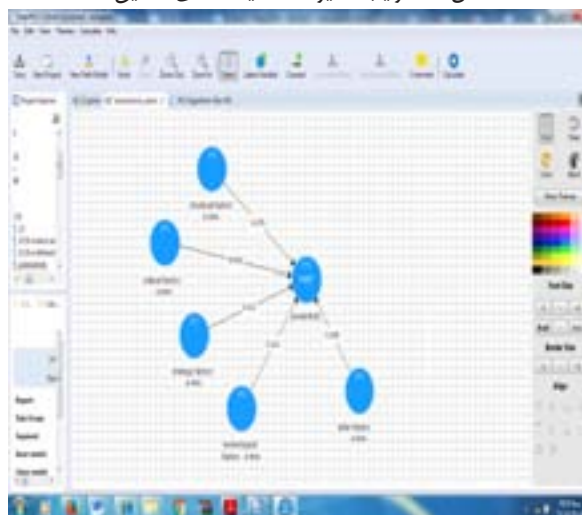
متغیر	آلفا کرونباخ	ضریب تعیین	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
بهره‌وری سازمان	۰,۸۸	۰,۸۰	۰,۸۴	۰,۷۵
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری	۰,۸۶		۰,۷۹	۰,۷۳
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی	۰,۸۵		۰,۶۹	۰,۶۴
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد استراتژیک	۰,۸۴		۰,۷۰	۰,۶۴
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد تکنولوژیک	۰,۶۹		۰,۹۴	۰,۸۲
استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ سایر عوامل	۰,۷۴		۰,۷۹	۰,۷۳

میزان آلفا و پایایی مرکب باید از ۰,۷ بیشتر باشد و روایی همگرا باید از ۰,۵ بیشتر باشد. بنابراین تمام شاخصهای مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفت.

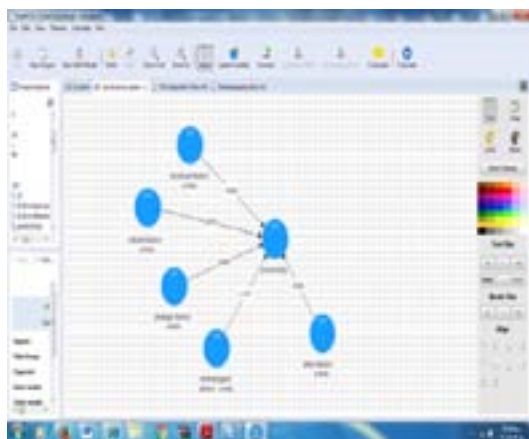
یافته‌های پژوهش

با استفاده از نرم افزار PLS و بر اساس تحلیل مسیر، مسیرهای فرض شده از بهره‌وری معنی‌دار بوده و به همین دلیل فرضیه متناظر با مسیرهای موردنظر نیز با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت؛ به‌جز مسیر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی بر بهره‌وری سازمان که رد گردید.

شکل ۱. ضرایب مسیر؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.



همانطور که شکل ۱ نشان می دهد بعد استراتژیک مدیریت منابع انسانی به لحاظ الکترونیک از نظر کارکنان بیشترین تاثیر را بر بهره وری دارد و بعد فرهنگی تاثیر ضعیفی را بر بهره وری دارد.



شکل ۲. معادلات ساختاری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

همانطور که شکل ۲ نشان میدهد اماره t برای همه مسیرهای بررسی شده مدیریت منابع انسانی به لحاظ الکترونیک بر بهره وری به جز بعد فرهنگی بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد که میتوان نتیجه گرفت به جز بعد فرهنگی سایر ابعاد مدیریت منابع انسانی به لحاظ الکترونیک با بهره وری رابطه مثبت و معناداری دارد.

جدول ۳. نتیجه آزمون فرضیه ها؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرهای بررسی شده	ضریب استاندارد	انحراف استاندارد	T	نتیجه ($p < 0.05$)
اثر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد ساختاری بر بهره وری سازمان	۰,۲۷	۰,۰۳۳	۴,۰۱	تأیید
اثر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد فرهنگی بعد ساختاری بر بهره وری سازمان	۰,۰۱۸	۰,۰۲۷	۰,۶	رد
اثر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد تکنولوژیکی بر بهره وری سازمان	۰,۲۱	۰,۰۲۳	۲,۲۰	تأیید
اثر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ بعد استراتژیک بر بهره وری سازمان	۰,۳۱	۰,۰۲۴	۲,۸۹	تأیید
اثر استقرار منابع انسانی الکترونیک به لحاظ سایر عوامل بر بهره وری سازمان	۰,۲۵	۰,۱۶	۲,۵۹	تأیید

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

آزمون فرضیه‌های تحقیق موید آن است که ابعاد مدیریت منابع انسانی الکترونیک (بعد ساختاری، بعد تکنولوژیکی، بعد استراتژیک، سایر عوامل) از نظر کارکنان بر در ارتقاء و بالابردن کارایی و اثر بخشی سازمان تأثیر داشته و در نتیجه بهره‌وری بسیار مؤثر می‌باشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر بسیار عمیقی بر مدیریت منابع انسانی گذاشته و در برخی از ابعاد جدید باعث تحول شده و به مدیریت منابع انسانی کمک نموده تا در زمینه‌های استخدام، انتخاب، ارزیابی عملکرد، حقوق و دستمزد، آموزش و توسعه، کار راه‌شغلی، بهداشت و امنیت، روابط کار/ مسائل کارکنان، استراتژی‌های حفظ، تعادل بین کار و زندگی شخصی منعطف‌تر، استراتژیک‌تر و از نظر هزینه مقرون به صرفه‌تر باشد. متخصصان نیز معتقدند مدیریت منابع انسانی الکترونیک پتانسیل کاهش هزینه‌های مدیریتی، تسریع در زمان پاسخ‌گویی، بهبود فرآیند تصمیم‌گیری و توسعه خدمات مشتری و در یک کلام افزایش بهره‌وری را داراست

منابع و ماخذ

- ابطحی، سیدحسین، کاظمی، بابک (۱۳۸۰). بهره‌وری؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۸). بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمانها (مدیریت بهره‌وری فراگیر)؛ تهران: نشردهستان.
- فارس‌سیجانی، حسن، عارف نژاد، محسن (۱۳۹۰) رتبه بندی عوامل مؤثر بر اجرای مدیریت، منابع انسانی الکترونیک جهت دستیابی به کلاس جهانی، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۶.
- درویش، حسین؛ کریم زادگان، داوود و میرزا نژاد، رضا (۱۳۸۹). آمادگی سازمان سنجش برای استقرار سیستم‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیک (مطالعه موردی شرکت سایپا). مجموعه مقالات سالانه نخست اجلاس مدیریت، نوآوری و کارآفرینی: شیراز.
- عرفانیان خانزاده حمید؛ نجف بیگی، رضا، دانشفرد، کرم الله (۱۳۹۴) مدیریت منابع انسانی الکترونیک ابزار تحول در بهره‌وری سازمان، مدیریت بهره‌وری؛ شماره ۳۲.
- موسی‌خان، محمد، مانیان، امیر، حسنقلی پور، طهمورث، میربهاء، امیر، آبتین، عبدالعزیز (۱۳۹۰) ارائه مدلی برای توسعه مدیریت الکترونیک منابع انسانی در سازمانهای دولتی ایران، پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۱۴.
- نظری، سمیه (۱۳۹۱). تأثیر مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثربخشی مدیریت منابع انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی
- دانشکده مدیریت و حسابداری، Bernnan, N. (2000). Intellectual capital: Current issues and policy implications. *Journal of Intellectual Capital*, 3(1), 206-240.
- Caba, C. and Sierra, M. (2001), "Incorporación de un estado sobre el capital intelectual en los organismos públicos", *Actualidad Financiera*, No. 175, pp. 59-74.
- Babaei Nivlouei, F. (2014). *Electronic Human Resource Management System: The Main Element in Capacitating Globalization Paradigm*.

Dulebohn, J. H., & Marler, J. H. (2005). *E-Compensation: The potential to transform practice*. In H. G. Gueutal, & D. L. Stone (Eds.), *the brave new world of e HR: Human resources management in the digital age* (pp. 166–189). San Francisco: Jossey Bass.

Ensher, E. A., Grant-Vallone, E., & Marelich, W. (2002). Effects of perceived attitudinal and demographic similarity on protégés support and satisfaction gained from their mentoring relationships. *Journal of Applied Social Psychology*, 32, 1–26.

Epstein, L.H, Saad FG, Handley EA, Roemmich JN, Hawk LW, McSweeney FK. (2003) *Habituation of salivation and motivated responding for food in children. Appetite*.41:283–289.

Feldman R, Eidelman AI, Sirota L, Weller A. (2002). Comparison of skin-to-skin (kangaroo) and traditional care: Parenting outcomes and preterm infant development. *Pediatrics*.110:16–26

Gardner, Disharyan , D& Iepak, p David & Bartol, Kathryn, (2003), “*Virtual HR*”, *Journal of vocational Behavior*.Vol.3

Henson, R.N. (2005). What can functional imaging tell the experimental psychologist? *Quarterly Journal of Experimental Psychology, A*, 58, 193-233.

Huub J.M.Ruel, (2006). *Tanya V. Bondarouk, Mandy Van der Velde*, “The contribution of e-HRM to HRM effectiveness, www.emeraklinsight.com May.

Huub Ruel, Tanya Bondarouk, Jan Kees Looise, (2005) *e-HRM: Innovation or Irritation?* *Utrecht School of Governance*, University of Twente.

Kaur, P. (2013) “E-HRM: A Boon or Bane?”, *ANVESHANAM a National. Journal of Management*, vol.1, NO.1, pp:35-36.

Kerrin, M, Kettley (2003). *E- Recruitment: Is it DeLiuring?* IES Report402.

Lievens, F., & Harris, M.M. (2003). *Research on Internet Recruiting and Testing: Current Status and Future Directions*.

Maatman, M. (2006). *Measuring the effectiveness of e-HRM: The development of an analytical framework for the measurement of e-HRM and its application within a Dutch Ministry*. Unpublished BA dissertation. University of Twente. Retrieved May 18, from the: http://essay.utwente.nl/583/1/scriptie_Maatman.pdf

Olivas-Lujan, M.R, J. and Zapata, L. (2007), “Human Resource and information technology in Mexico”, *Personnel Review*, Vol. 36 No. 4

Sanayei, A., & Mirzaei, A. (2008). *Designing a model for evaluating the effectiveness of E-HRM (Casestudy: Iranian organisations)*. *International Journal of Information Science & Technology*, 6(2), 79-97

Wright, Patrick M , Dyer., Lee (2000). *People in the E-Business: New Challenges, New Solutions*. Cornell University ILR School DigitalCommons@ILR. 11-29

Zampetti, R., & Adamson, L. (2001). Web-based employee self-service. In A. J. Walker (Ed.), *Web-based Human Resources*. New York: McGraw-Hill

Strohmeier, Stefan (2006) *Research in e-HRM: Review and implications*, *Human Resource Management Review* 17 (2007) 19–37 see front matter © 2006 Elsevier Inc. All rights reserved. doi:10.1016/j.hrmr.2006.11.002



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

نقش واسطه‌ای اخلاق حرفه‌ای در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری منطقه ۲ شیراز

نجف طهماسبی پور - استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
عبدالمحمد طاهری* - دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

هدف از انجام پژوهش تبیین نقش واسطه‌ای اخلاق حرفه‌ای در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری منطقه ۲ شیراز است. به لحاظ ماهیت توصیفی-پیمایشی و از جهت هدف از نوع کاربردی است. جامعه آماری کلیه کارکنان شهرداری به تعداد ۲۵۰ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان نمونه مورد مطالعه ۱۴۸ نفر تعیین گردید. این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه کیفیت زندگی کاری، جو سازمانی و اخلاق حرفه‌ای بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل مسیر با استفاده از روش بارون و کنی) و از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که بین ابعاد تحول و تکامل اخلاق حرفه‌ای با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود دارد. از میان ابعاد جو سازمانی، رضایت، توافق بر رویه‌ها و اثربخشی ارتباطات با کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود داشت. در نهایت اخلاق حرفه‌ای نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان ایفا نمود.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، جو سازمانی، کیفیت زندگی کاری

The Mediating of professional ethics in relation to the organizational climate and quality of work life of Region 2 of Shiraz Municipality

Abstract

This research has been done to investigate the mediating role of professional ethics in respect of organizational climate and quality of working life of Municipality of Shiraz Region 2. the research method was descriptive survey. Based on purpose, it was applied. The population of the study was all staff members of the Municipality about 250 persons. 148 persons were selected by Morgan table. They were selected by simple stratified sampling. The research instrument for collecting data were working life quality questionnaire {Ghasemzadeh}, organizational climate (Lyle Sasman&Sam Dip) and professional ethics (Marzban) Descriptive statistics (median, standard deviation) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient, the multiple regression path analysis using Baron and Kenny) were used to collect data by SPSS software. The result showed that there is a significant relationship between Evolution aspects and the development of the professional ethics. There is a significant relationship between satisfaction, agreement on procedures from organizational climate aspects and effectiveness of communication with working life quality. The professional ethics had the significant mediating role in respect of organizational climate and the staff working life quality.

Key words: professional ethics, organizational climate, working life quality

مقدمه

سازمان و سازمان یافتگی جزء جدانشدنی زندگی ماست. ما قبل از تولد و در رحم مادر توسط سازمان‌هایی مراقبت می‌شویم، در یک سازمان پزشکی چشم به جهان می‌گشاییم، در سازمان‌های متعدد آموزش می‌بینیم و به موقع در یک سازمان مشغول کار می‌شویم و همزمان با سازمان‌های متعدد رابطه و سروکار داریم و نهایتاً در یک سازمان با مراسم خاص تشییع و تدفین، صحنه نمایش جهانی را ترک می‌کنیم. بنابراین اخلاق در تمام سازمان‌ها مهم می‌باشد چراکه اگر اخلاق حرفه‌ای نباشد و به درستی اجرا نشود جو سازمان و به تبع آن کیفیت زندگی کاری هم دچار کم و کاستی‌هایی می‌شود (مقیم، ۱۳۹۰). در مزیت اخلاق حرفه‌ای باید گفت اخلاق حرفه‌ای نقش راهبردی در موفقیت معطوف به آینده سازمان دارد و دوری از آنها سازمان‌ها را سخت آسیب‌پذیر و متضرر کرده است. دستیابی سازمان به اخلاق حرفه‌ای موجب مزیت استراتژیک می‌شود. بخشی از هزینه‌های تبلیغاتی را صرف اخلاقی‌سازی سازمان کنید تا تاثیر ژرف آن را در موفقیت سازمان تجربه کنید. سازمان‌ها از طرفی خواهان اخلاق هستند و از طرفی دیگر اخلاق ورزی و پایبندی به اخلاقیات را در دروس‌ها می‌بینند و این مهمترین مانع سازمانها در روی آوردن به اخلاق حرفه‌ایست (قراملکی، ۱۳۸۲). اخلاق حرفه‌ای، مهم‌ترین متغیر در موفقیت سازمان است، و یکی از مسئولیت‌های مدیران آموزشی ترویج اخلاق حرفه‌ای در سازمان است. عدم توجه به اخلاق در محیط کار، مشکلات بزرگی را برای سازمان به همراه خواهد داشت (نظری؛ طاهری؛ کریمی و بیوکانی، ۱۳۹۲). ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در مفهوم امروزی آن عبارت است از هویت علم و دانش داشتن، نقش کاربردی داشتن، ارایه صبغهای، بومی و وابسته بودن به فرهنگ، وابستگی به یک نظام اخلاقی، ارایه دانش انسانی و دارای زبان روشن انگیزشی است (مقیم، ۱۳۹۰). اخلاق حرفه‌ای، انرژی ذهنی، روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه است. اخلاق حرفه‌ای به طور ذاتی از مسئولیت فرد در قبال رفتار خود به عنوان فرد انسانی و حتی مسئولیت فرد در قبال رفتار شغلی بحث نمی‌کند،

بلکه از مسئولیت سازمان یا بنگاه به‌عنوان یک واحد حقوقی در قبال همه عناصر محیط داخلی و خارجی سازمان بحث می‌کند (مقیم، ۱۳۹۰). جو یعنی ادراک رسمی و غیررسمی از سیاستها، اعمال و رویه‌های سازمانی که میتواند بر متغیرهای دیگر سازمانی اثر بگذارد (اشنایدر، اسمیت، تیلور و فلینور، ۲۰۰۲؛ به نقل از براتی، عریضی و نوری، ۱۳۸۹). جو سازمانی از دو رویه جو همکارانه^۱ و جو نوآورانه^۲ تشکیل شده است (جاو و لیو، ۲۰۱۰). هنگامی که در یک سازمان جو همکارانه وجود دارد اعضای آن تمایل بیشتری به کار کردن با یکدیگر به صورت گروهی و رشد و ارتقای یکدیگر دارند (جانز و پراسارنفاچی، ۲۰۰۳). هنگامی که افراد درجه بالایی از جو همکارانه را در دروند سازمان ادراک می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که با یکدیگر رابطه تعاملی برقرار کنند. هنگامی که شرکتها سطح بالایی از جو نوآورانه ارائه می‌دهند، کارکنان برای مبادله و تسهیم دانش، به منظور خلق موضوعهای جدید، تعامل خود را با دیگران افزایش می‌دهند (هوگل، پاربوتیا و مانسون، ۲۰۰۸). کیفیت زندگی کاری را عکس‌العمل کارکنان در برابر کار، به ویژه پیامدهای ضروری آن در ارضای نیازهای شغلی و سلامت روحی تعریف می‌کند، با استفاده از این تعریف کیفیت زندگی کاری به پیامدهای شخصی، تجربه کاری و چگونگی بهبود کار به منظور رفع نیازهای فردی تاکید دارد (قلاوندی و همکاران، ۱۳۸۹).

برنامه کیفیت زندگی کاری شامل هرگونه بهبود در فرهنگ سازمانی است که عامل رشد و تعالی کارکنان در سازمان می‌باشد (فلیو، ۱۹۸۴). کیفیت زندگی کاری را در کیفیت روابط بین کارکنان و تمامی محیط کار خلاصه می‌کند و یادآور می‌شود که در قالب برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که در جهت بهبود کیفیت زندگی کاری انجام می‌شود در کنار و به موازات توجه به ابعاد فنی و اقتصادی، که بیشتر

۱. Schnider, Smith, Taylor & Fleenor
۲. cooperative climate
۳. innovative climate
۴. Jaw & Liu
۵. Hoegl, Parboteeah & Munson
۶. Filipino

مورد توجه سازمانها می باشد ابعاد انسانی نیز مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

کیفیت زندگی کاری برنامه ای جامع و گسترده است که رضایت کارکنان را افزایش می دهد. یادگیری آنها را در محیط تقویت می کند و به آنها در امر مدیریت یاری می دهد. عدم رضایت از کیفیت زندگی کاری مشکلی است که تقریباً به همه کارکنان بدون توجه به مقام و جایگاه آنها آسیب می رساند. هدف بسیاری از سازمان ها افزایش رضایت کارکنان در تمام سطوح است، اما این مساله پیچیده است زیرا تفکیک و تعیین این که چه مشخصه هایی با کیفیت زندگی کاری رابطه دارند امری دشوار است. امروزه در مدیریت معاصر مفهوم کیفیت زندگی کاری به موضوع اجتماعی عمده ای در سراسر دنیا مبدل شده است (لوتانز، ۱۹۸۰)؛ در حالی که در دهه های گذشته در جستجوی نظام جدیدی برای کمک به کارکنان بودند تا آنها بتوانند بین زندگی کاری و زندگی شخصی خود تعادل برقرار کنند. برنامه کیفیت زندگی کاری شامل هرگونه بهبود در فرهنگ سازمانی است که شامل رشد و تعالی کارکنان می شود (فیلیپو، ۱۹۸۸). نظام ارزشی کیفیت زندگی کاری سرمایه گذاری بر روی افراد را به عنوان مهم ترین متغیر در معادله مدیریت راهبردی مورد توجه قرار می دهد. بدین معنی که برآورده ساختن نیازهای کارکنان به بهسازی و بهره‌وری بلند مدت سازمان منجر می شود. تردیدی نیست که شکوفایی هر جامعه ای در بهبود و پرورش منابع انسانی نهفته است. با توجه به مباحث فوق پژوهشگر در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این سوال است که: آیا میان اخلاق حرفه ای و جو سازمانی با کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

اخلاق حرفه‌ای

در روزگار کنونی کمتر کسی میتواند با نگاه مکانیستی به مدیریت سازمانی بنگرد، به ویژه در دهه های اخیر و مخصوصاً ورود به هزاره سوم عواملی چون آگاهی، اندیشه و آزادی، انسان گرایی و توجه به نقش نیروی انسانی در سازمان به طور فزاینده ای مورد تأکید قرار گرفته است. امروزه در پرتو تحولات اجتماعی و پیدایش تئوریهای نوین مدیریت، ارزشهای

نوین جهانی مطرح شده اند. لذا دیدگاه های جهان شناختی و انسان شناختی مدیران تغییر یافته و جایگاه انسان نسبت به قبل اعتلا و ارتقا یافته است. لذا سازمانهای مختلف به دنبال تربیت انسانهایی هستند که بتوانند در جامعه جهانی به دور از تعصب و کوتاه نگرینها زندگی کنند، معتقد به اخلاقیات و ارزشهای متعالی باشند و به حقوق و آزادی دیگران احترام بگذارند (قیصری، ۱۳۹۲). یکی از عمده ترین دغدغه های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه هاست تا با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل در جامعه و حرفه خود به کار پردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. امروزه داشتن اخلاق حرفه‌ای، به عنوان یک مزیت رقابتی در سازمان مطرح می باشد. «فرد دیوید» در حوزه مدیریت استراتژیک میگوید: در سازمان اصول اخلاقی خوب از پیش شرطهای مدیریت استراتژیک خوب است وی بر این باور است که روز به روز اعتقاد به اینکه پایبندی به اخلاق موجب ایجاد مزیت استراتژیک می شود، در میان مدیران فراگیر می گردد (کاظمی، ۱۳۹۴). موفقیت در سازمان ناشی از ایجاد و به کارگیری مدیریت اخلاق در سازمان است. ضعف در سیستم اخلاقیات و گرایش به سمت عدم اعتماد منجر به کاهش ارتباطات و افزایش خسارت سازمانی می گردد و مدیریت به سمت کنترل گذشته نگر سوق پیدا میکند. به این ترتیب انرژی سازمان به منفی تبدیل می شود. لذا معرفتی که میتواند به عنوان کاتالیزوری برای عقلانی کردن سازمان مبتنی بر نگرش انسان گرایانه عمل کند اخلاق حرفه‌ای است (قیصری، ۱۳۹۲).

جو سازمانی

جو سازمانی، اصطلاح وسیعی است که به ادراک کارکنان از محیط عمومی کار در سازمان اطلاق می شود و متاثر از سازمان رسمی، غیررسمی، شخصیت افراد و رهبری سازمان است (هوی و میسکل، ۱۹۸۰)؛ ترجمه عباس زاده، ۱۳۹۰). جو سازمانی به تصورات، احساسات و ارزشهای کارکنان در محیط کارشان اطلاق می شود. همین طور احساس تعهد نسبت به سازمان، حس اعتماد و تعلق، اعتماد به نفس و وفاداری را نیز شامل می-

شود که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فضای فیزیکی، قوانین سازمانی حاکم و ویژگی‌های رفتاری افراد در محیط کار قرار می‌گیرد (مسی زاده، ۱۳۷۵). جو سازمانی نگرش و رفتار کارکنان را هم به صورت مثبت (مانند بهره‌وری و رضایت شغلی) و هم به صورت منفی (مانند غیبت از کار و ترک خدمت) و به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط کسانی که در سازمان کار می‌کنند تحت تأثیر قرار می‌دهد، از این رو با توجه به تأثیری که جو سازمانی بر رفتار کارکنان دارد، مدیران، به ویژه در محیط رسمی مدارس، باید جو مناسبی در سازمان ایجاد کنند تا به نحو مطلوب به اهداف و آرمانهای سازمان دست یابند. لیتوین و استرینجر^۸ (۱۹۸۶) جو سازمانی را ادراکاتی که فرد از نوع سازمانی که در آن کار می‌کند را تعریف می‌کند (لیتوین و استرینجر، ۱۹۸۶). آراباسی^۹ (۲۰۱۰) ابعاد جو سازمانی را با تمرکز بر هفت بعد: ساختار سازمانی^۱، ارتباطات سازمانی^{۱۱}، پاداش^{۱۲}، تعهد سازمانی^{۱۳}، ریسک‌پذیری^{۱۴}، تعارض سازمانی^{۱۵}، کارگروهی^{۱۶} بررسی کرده است. ساختار سازمانی به چارچوبی گفته می‌شود که مدیران برای تقسیم و هماهنگی فعالیت‌های اعضای سازمان ایجاد می‌کنند. در حقیقت، ساختار سازمانی الگوی تعیین شده برای روابط میان اعضای یک سازمان و هم چنین یک نظام رسمی می‌باشد زیرا مدیران عالی سازمان‌ها آن را به صورت رسمی پدید می‌آورند به طوری که نوع ساختار سازمان‌ها بر رفتار کارکنان و بهره‌وری آن‌ها اثرگذار است (آراباسی، ۲۰۱۰).

کیفیت زندگی کاری

کیفیت زندگی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم مطرح در روانشناسی مثبت‌نگر است. اینکه فقط پیشرفت‌های علمی، پزشکی، و تکنولوژی می‌تواند زندگی را بهبود

۸. Litwin & Stringer
۹. Arabaci
۱۰. organizational structure
۱۱. communication
۱۲. reward
۱۳. organizational commitment
۱۴. risk-taking
۱۵. organizational conflict
۱۶. team working

بخشد، به این باور که بهزیستی فردی، خانوادگی، اجتماعی و جامعه از ترکیب این پیشرفت‌ها به همراه ارزش‌ها و ادراکات فرد از بهزیستی و شرایط محیطی به وجود می‌آید، از منابع اولیه گرایش به کیفیت زندگی است (مهاجرانی و همکاران، ۱۳۸۷). امروزه در مدیریت معاصر مفهوم کیفیت زندگی کاری به موضوع اجتماعی عمده‌ای در سراسر دنیا مبدل شده است. در حالی که در دهه‌های گذشته فقط بر زندگی کاری در یک محدوده خاص تأکید می‌شد. تا آنها بتوانند بین زندگی کاری و زندگی شخصی خود تعادل برقرار کنند (آتش پور، ۱۳۸۷). برنامه کیفیت زندگی کاری شامل هرگونه بهبود در فرهنگ سازمانی است که باعث رشد و تعالی کارکنان در سازمان می‌شود. از این‌رو، نظام ارزشی کیفیت زندگی کاری سرمایه‌گذاری بر روی افراد را به عنوان مهم‌ترین متغیر در معادله مدیریت راهبردی مورد توجه قرار می‌دهد. یافته‌های مطالعاتی نشان می‌دهد که اجزای این برنامه‌ها موجب کاهش میزان شکایت کارکنان، کاهش نرخ غیبت از کار، کاهش میزان اعمال مقررات انضباطی، افزایش نگرش مثبت کارکنان و افزایش مشارکت آنان در برنامه‌های نظام پیشنهادها بوده است. از طرف دیگر، برآورده ساختن نیازهای کارکنان به بهسازی و کارایی بلندمدت سازمان نیز منجر خواهد شد (حسینی، ۱۳۸۸).

پیشینه پژوهش پژوهش‌های داخلی

محبی و بتویی، (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان آموزش و پرورش» به این نتیجه رسید که بین جو سازمانی و بهره‌وری و همچنین بین ابعاد کیفیت زندگی کاری و بهره‌وری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. جو سازمانی به عنوان متغیر اثرگذار بر کیفیت زندگی کاری می‌باشد. برزین و پناهی، (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و جو سازمانی با انگیزش شغلی کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان اردبیل» به این نتیجه رسیدند که؛ بین ابعاد کیفیت زندگی کاری و ابعاد جو سازمانی با انگیزش شغلی اداره کل امور مالیاتی استان اردبیل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. قهرمانی؛ شمس مورکانی و فرهادی (۱۳۹۴)

در پژوهشی تحت عنوان «رابطه کیفیت زندگی کاری و اخلاق حرفه ای در مدیران دانشگاه شهید بهشتی» به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت زندگی کاری و اخلاق حرفه‌ای مدیران بر حسب جنس و سطح مدیریتی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین نتیجه گرفته شد که کیفیت زندگی کاری می‌تواند بخشی از تغییرات اخلاق حرفه ای را تبیین کند و عوامل جنسیت و سطوح مدیریتی در کیفیت زندگی کاری و اخلاق حرفه ای مدیران تاثیر دارد.

پژوهشهای خارجی

ساندی، ایزمایل و اوتمن (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین جو سازمانی و استرس شغلی با عملکرد شغلی کارکنان آموزش و پرورش» به این نتیجه رسیدند که بین جو سازمانی و استرس شغلی با عملکرد شغلی رابطه معناداری وجود دارد، رابطه بین جو سازمانی با عملکرد شغلی مثبت و رابطه بین استرس شغلی با عملکرد شغلی منفی و معنادار است. ورنانگ^{۱۷} (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین اصول رهبری و جو سازمانی مدرسه با عملکرد شغلی معلمان» به این نتیجه رسید که بین اصول رهبری با عملکرد شغلی معلمان مدارس دولتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها همچنین نشان داد بین جو سازمانی با عملکرد شغلی معلمان مدارس دولتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. آگاستاس^{۱۸} (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «تاثیر حرفه، موقعیت و جو سازمانی با اوضاع اخلاقی در بین ۲۶۷ نفر از کارکنان بخش خصوصی در مسکو» به این نتیجه رسید که بین ابعاد صداقت، تضاد، مسئولیت‌پذیری، پاداش و استاندارد جوسازمانی با ابعاد قوانین و رویه‌ها، دلسوز، ابزارگرایی جواخلاقی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: اخلاق حرفه ای نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری دارد.

فرضیات فرعی: فرضیه اول؛ بین اخلاق حرفه ای و جو سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم؛ بین اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم؛ بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی

در این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف پژوهش از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی از نوع همبستگی استفاده شده است. توصیفی بدان جهت که به توصیف آرای آزمودنی‌ها پرداخته می‌شود و پیمایشی بدان جهت که از ابزار پرسشنامه به جهت توزین آراء آزمودنی‌ها استفاده گردید. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه کارکنان شهرداری منطقه ۲ شیراز در سال ۹۶-۹۵ بود که تعداد آنان ۲۵۰ نفر می‌باشد. نمونه آماری و روش نمونه‌گیری: با توجه به جدول مورگان نمونه مورد مطالعه ۱۴۸ نفر تعیین گردید. جهت انتخاب نمونه با نظر داشت نمونه گیری طبقه ای با احتساب ضریب، حجم مورد مطالعه انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات: پرسش نامه کیفیت زندگی کاری قاسم زاده در سال (۱۳۸۴) و اخلاق حرفه ای مرزبان در سال (۱۳۸۹) و پرسشنامه جو سازمانی ساسمن و سام دیپ^{۱۹} (۱۹۸۹) که هر کدام شامل تعدادی گویه می‌باشد استفاده گردید.

۱۹. Sussman & Deep

۱۷. Werang

۱۸. Augustus

یافته‌ها

داده‌های توصیفی

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار کیفیت زندگی کاری و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار کیفیت زندگی کاری و ابعاد آن

ابعاد	روابط انسانی در محیط کاری	امنیّت شغلی	پیشرفت شغلی	مشارکت	رعایت حقوق و منزلت انسانی	توان بین کار و زندگی	تعهد کاری	مسائل مالی و رفاهی	کیفیت زندگی کاری
میانگین	۳۶/۷۱	۱۶/۳۳	۱۷/۱۳	۱۱/۴۵	۱۱/۸۲	۲۱/۷۶	۳۰/۹۵	۱۴/۸۱	۱۶۰/۹۵
انحراف معیار	۶/۱۴	۱/۴۲	۴/۱۸	۲/۹۵	۳/۹۲	۲/۱۴	۴/۰۳	۳/۸۲	۲۰/۵۴

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بیشترین میانگین ۳۶/۷۱ و مربوط به بعد روابط انسانی در محیط کاری و کمترین میانگین ۱۱/۴۵ و مربوط به بعد مشارکت می‌باشد. جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار اخلاق حرفه‌ای و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار اخلاق حرفه‌ای و ابعاد آن

ابعاد	تعهد	تخصص	تعلق	تداوم	تکامل	تحول	اخلاق حرفه‌ای
میانگین	۳۰/۶۰	۱۴/۶۰	۲۲/۳۲	۱۸/۴۳	۲۲/۸۷	۲۰/۶۰	۱۲۹/۴۳
انحراف معیار	۲/۷۸	۲/۶۶	۲/۹۰	۲/۰۱	۴/۳۰	۶/۵۴	۱۰/۶۵

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بیشترین میانگین ۳۰/۶۰ و مربوط به بعد تعهد و کمترین میانگین ۱۴/۶۰ و مربوط به بعد تخصص می‌باشد. جدول شماره ۳ میانگین و انحراف معیار جو سازمانی و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار جو سازمانی و ابعاد آن

ابعاد	وضوح و روشنی اهداف	وضوح و روشنی نقش	رضایت از پاداش	رضایت و توافق بر روی رویه‌ها	اثر بخشی ارتباطات	جو سازمانی
میانگین	۷/۱۹	۶/۵۳	۴/۵۵	۳/۹۷	۴/۱۳	۲۶/۳۷
انحراف معیار	۱/۹۵	۲/۴۲	۳/۴۰	۳/۸۵	۴/۳۹	۱۰/۵۵

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بیشترین میانگین ۷/۱۹ و مربوط به بعد وضوح و روشنی اهداف و کمترین میانگین ۳/۹۷ و مربوط به بعد رضایت و توافق بر روی رویه‌ها می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین اخلاق حرفه‌ای و جو سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای اخلاق حرفه‌ای و جو سازمانی

متغیرها	تحول	تکامل	تداوم	تعلق	تخصص	تعهد	جو سازمانی
تحول	۱						
تکامل	۰/۳۷**	۱					
تداوم	۰/۱۲	۰/۳۰**	۱				
تعلق	-۰/۲۵*	۰/۰۴	۰/۳۰**	۱			
تخصص	۰/۰۵۸	-۰/۳۳	۰/۱۶*	۰/۲۴**	۱		
تعهد	-۰/۳۴	۰/۰۹۳	۰/۰۶۷	۰/۶۵**	-۰/۰۸۰	۱	
جو سازمانی	-۰/۲۸	-۰/۲۹	-۰/۰۷۲	۰/۰۹۷	۰/۰۰۳	۰/۰۶۳	۱

** $P \leq 0.01$

* $P \leq 0.05$

همان گونه که در ماتریس ۴ مشاهده می‌شود از میان ابعاد اخلاق حرفه‌ای، بین ابعاد تحول و تکامل با جو سازمانی در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. اما بین ابعاد تداوم، تعلق، تخصص و تعهد با جو سازمانی رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵. ماتریس همبستگی متغیرهای اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری

متغیرها	تحول	تکامل	تداوم	تعلق	تخصص	تعهد	کیفیت زندگی کاری
تحول	۱						
تکامل	۰/۳۷**	۱					
تداوم	۰/۱۲۰	۰/۳۰**	۱				
تعلق	-۰/۲۵	۰/۰۴۰	۰/۳۰۹**	۱			
تخصص	۰/۰۵۸	-۰/۳۳	۰/۱۶۸*	۰/۲۴۷**	۱		
تعهد	۰/۳۴**	۰/۰۹۳	۰/۰۶۷	۰/۶۵۴**	-۰/۰۸	۱	
کیفیت زندگی کاری	۰/۳۳**	۰/۲۹**	۰/۱۲۴	-۰/۰۹۰	-۰/۰۴۷	-۰/۰۲۷	۱

**P ≤ ۰/۰۱

*P ≤ ۰/۰۵

همان گونه که در ماتریس ۵ مشاهده می شود از میان ابعاد اخلاق حرفه‌ای، بین ابعاد تحول و تکامل با کیفیت زندگی کاری در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. اما بین ابعاد تداوم، تعلق، تخصص و تعهد با کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۶ مشاهده می شود.

جدول ۶. ماتریس همبستگی متغیرهای جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری

متغیرها	وضوح و روشنی اهداف	وضوح و روشنی نقش	رضایت از پاداش	رضایت و توافق بر روی رویه‌ها	اثر بخشی ارتباطات	کیفیت زندگی کاری
وضوح و روشنی اهداف	۱					
وضوح و روشنی نقش	۰/۰۳۲	۱				
رضایت از پاداش	-۰/۰۴۱	۰/۴۸۹**	۱			
رضایت و توافق بر روی رویه‌ها	۰/۰۳۳	۰/۳۵۳**	۰/۵۹۴**	۱		
اثر بخشی ارتباطات	-۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۲۲۸**	۰/۵۵۴**	۱	
کیفیت زندگی کاری	-۰/۰۶۲	-۰/۰۱۰۵	-۰/۰۱۴۲	-۰/۰۳۷۶	-۰/۰۳۸۶	۱

**P ≤ ۰/۰۱

*P ≤ ۰/۰۵

همان گونه که در ماتریس ۶ مشاهده می‌شود از میان ابعاد جو سازمانی، بین ابعاد رضایت و توافق بر روی رویه‌ها و اثربخشی ارتباطات با کیفیت زندگی کاری در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، اما با توجه به معکوس بودن نمره‌گذاری جو سازمانی، رابطه بین ابعاد رضایت و توافق، وضوح و روشنی نقش و رضایت از پاداش بر روی رویه‌ها و اثربخشی ارتباطات با کیفیت زندگی کاری مستقیم ارزیابی می‌شود. اما بین ابعاد وضوح و روشنی اهداف، تعلق، تخصص و تعهد با کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه اصلی: اخلاق حرفه ای نقش واسطه ای معناداری در رابطه جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری دارد.

جهت بررسی نقش واسطه ای اخلاق حرفه‌ای در رابطه بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری از روش تحلیل رگرسیون به شیوه سلسله مراتبی و به شیوه بارون و کنی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ گزارش گردیده است.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل رگرسیون به روش بارن و کنی جهت تعیین نقش واسطه ای اخلاق حرفه‌ای

گام	متغیر های وارد شده	بتا	t	p	R	R ²	F	p
اول (ملاک کیفیت زندگی کاری)	جو سازمانی	-۰/۳۸۰	-۴/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۱۴	۲۴/۶۰	۰/۰۰۰
دوم (ملاک کیفیت زندگی کاری)	جو سازمانی	-۰/۳۲۲	-۴/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳	۰/۱۸	۱۶/۹۰	۰/۰۰۰
	اخلاق حرفه‌ای	۰/۲۲۰	۲/۸۴	۰/۰۰۰				

تفسیر و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین اخلاق حرفه‌ای و جو سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۴ مشاهده می‌شود. همان گونه که در ماتریس ۴ مشاهده می‌شود از میان ابعاد اخلاق حرفه‌ای، بین ابعاد تحول و تکامل با جو سازمانی در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. اما بین ابعاد تداوم، تعلق، تخصص و تعهد با جو سازمانی رابطه معنادار وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت هرچه افراد از اخلاق حرفه ای بالاتری (در بعد تحول و تکامل) در شهرداری منطقه ۲ شیراز برخوردار باشند، جو سازمانی مثبت و بهتری نیز در سازمان بوجود می‌آید. در بعد تکامل، کارکنان معتقد بودند که باید زمینه ای فراهم شود تا قابلیت های حرفه ای آنها افزایش یابد و معتقد بودند که مسیر حرفه ای آنها با یادگیری و توسعه ذهنی تکامل می‌شود و همچنین وجود روابط انسانی مناسب به ایجاد جو سازمانی مناسب به کارکنان کمک می‌کند. در بعد تحول کارکنان بر این باور بودند که با توجه به فراهم بودن زمینه بهبود در کار باید تلاش و کوشش خود را بیشتر کنند و باتوجه به مورد توجه بودن ارتباطشان با سایر مجامع و سازمان ها شغلشان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که اخلاق می‌تواند منبع خوشبختی و سعادت برای آنها باشد که در نتیجه همه اینها از جو سازمانی مطلوبی بهره‌مند خواهند شد. نتیجه این پژوهش با تحقیقات آگاستاس (۲۰۱۳) کریمی، رجاییپور و هویدا (۱۳۸۹) همخوانی داشته است.

فرضیه دوم: بین اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۵ مشاهده می‌شود. همان گونه که در ماتریس ۵ مشاهده می‌شود از میان ابعاد اخلاق حرفه‌ای، بین ابعاد تحول و تکامل با کیفیت زندگی کاری در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مستقیم معنادار وجود

دارد. اما بین ابعاد تداوم، تعلق، تخصص و تعهد با کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود ندارد. در تبیین این فرضیه میتوان بیان داشت که زیر بنای همه ارزش ها در سازمان، ارزش های اخلاقی می باشد. این ارزش ها به استقرار و حفظ استانداردهایی کمک می کند که میتواند بر هدایت افراد به سوی اقداماتی که برای سازمان مطلوب است تاثیر بگذارد بطور کلی در اکثر مواقع اخلاق حرفهای منجر به افزایش کیفیت زندگی کاری در سازمان می شود. پس بنابر این مراد از اخلاق حرفهای، مسئولیت اخلاقی فرد از همه این ابعاد است. یک کارمند به عنوان شخص حقیقی مسئولیت اخلاقی دارد. اما مسئولیتهای حرفهای او برخاسته از شغلی است که بر دوش گرفته است، به گونه ای که اگر شغل دیگری می پذیرفت، مسئولیت اخلاقی وی تغییر میکرد. هر شغلی مسئولیت های اخلاقی خاصی می آفریند. اخلاق در این مفهوم وابسته به شغل است که بر حسب تنوع مشاغل، اخلاقیات خاص مطرح می شود. هر سازمانی به دنبال روش هایی برای افزایش روابط انسانی کارکنان خود در محیط کار، امنیت شغلی، پیشرفت شغلی، مشارکت، رعایت حقوق و منزلت انسانی، برقراری توازن بین کار و زندگی، تعهد کاری و مسائل مالی و رفاهی کارکنان به عنوان ابعاد کیفیت زندگی کاری کارکنان خود میباشد که بدین ترتیب، عملکرد آنها را بهبود بخشیده و تعهدشان را به سازمان افزایش دهند. نتیجه این پژوهش با تحقیقات پیروانی نیا، (۱۳۹۳) باقری (۱۳۹۳) کبیری کناری (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

فرضیه سوم: بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمودن فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه آن در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۶ مشاهده می شود. همان گونه که در ماتریس جدول ۶ مشاهده می شود از میان ابعاد جو سازمانی، بین ابعاد رضایت و توافق بر روی رویه ها و اثربخشی ارتباطات با کیفیت زندگی کاری در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، اما با توجه به معکوس بودن نمره گذاری جو سازمانی، رابطه بین ابعاد رضایت و توافق، وضوح و روشنی نقش و رضایت از پاداش بر روی رویه ها و اثربخشی ارتباطات با کیفیت زندگی کاری مستقیم ارزیابی

می شود. اما بین ابعاد وضوح و روشنی اهداف، تعلق، تخصص و تعهد با کیفیت زندگی کاری رابطه معنادار وجود ندارد. در تبیین این یافته میتوان گفت که جو سازمانی به منزله شخصیت سازمان میباشد که شیوه برخورد اعضا با سازمان را بیان میکند، زمانی که سازمان جو مطلوب دارد کارکنان سازمان را قابل اعتماد، اطمینان بخش، تسهیل کننده وظایف می-انگارند، که این سبب تقویت روحیه آنها می شود و انگیزه کاری را در کارکنان بالا میبرد و قدرت نوآوری و ریسک پذیری را در آنها بالا میبرد و کمک می کند تا کارکنان در سازمان خلاقیت به خرج دهند و محیط سازمان را دلچسب و بانشاط سازند، لذا قابل توجیه است که کارکنان در این شرایط وظایف خود را خوب انجام دهند و عملکرد خود و بهره-وری سازمانی را بالا ببرند. نتیجه این پژوهش با تحقیقات برزین و پناهی، (۱۳۹۵)، محبی و بتویی (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

فرضیه اصلی: اخلاق حرفهای نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری دارد.

جهت بررسی نقش واسطه‌ای اخلاق حرفه‌ای در رابطه بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری از روش تحلیل رگرسیون به شیوه سلسله مراتبی و به شیوه بارون و کنی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۹ گزارش گردیده است. از نتایج آزمون تحلیل واریانس گام دوم در جدول ۷ می توان استنباط کرد که بین متغیرهای پیش‌بین (جو سازمانی و اخلاق حرفه‌ای) رابطه خطی معنی دار وجود دارد و جو سازمانی و اخلاق حرفه‌ای به طور معنی دار قادر به پیش بینی کیفیت زندگی کاری می باشند. مجذور ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۱۸ است، این بدان معنی است که حدود ۱۸ درصد واریانس کیفیت زندگی کاری توسط جو سازمانی و اخلاق حرفه‌ای قابل پیش بینی است. در این مرحله با وارد شدن متغیر اخلاق حرفه‌ای مقدار ضریب تعیین از ۱۴ درصد در گام اول به ۲۱ درصد در گام دوم رسید. به عبارتی با وارد شدن متغیر اخلاق حرفه‌ای ۷ درصد به قابلیت پیش بینی متغیرهای پیش بین افزوده شد و این نشان دهنده نقش واسطه‌گری معنادار اخلاق حرفه‌ای در رابطه بین جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری می باشد. در تبیین این



یافته می‌توان گفت اگر اخلاق مثبت در سازمان نهادینه شود جو سازمان جوی دوستانه و فضایی که حس همکاری در آن افزایش یافته و بنابراین در چنین سازمانی مسلم است که کیفیت زندگی کاری کارکنان افزایش یافته و فضایی قابل قبول برای کارکنان فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

پژوهش حاضر از لحاظ موضوعی به بررسی نقش واسطه‌ای اخلاق حرفه‌ای در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری منطقه ۲ شیراز در سال ۱۳۹۵ پرداخته است. که در این راستا مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای که عبارتند از (تعهد، تخصص، تعلق، تداوم، تکامل، تحول) و مولفه‌های جو سازمانی که عبارتند از (وضوح و روشنی اهداف، وضوح و روشنی نقش، رضایت از پاداش، رضایت و توافق بر روی رویه‌ها و اثربخشی ارتباطات) بر کیفیت زندگی کاری کارکنان مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها فرضیات اصلی تحقیق تایید گردید بدین معنی که اخلاق حرفه‌ای نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری منطقه ۲ شیراز ایفا نمود. همچنین مطابق با نتایج، اخلاق حرفه‌ای نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه با جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری ایفا نمود. کیفیت زندگی کاری به «مفهوم داشتن نظارتی صحیح، شرایط کاری خوب، پرداخت و مزایای مطلوب و مهم تر از همه ایجاد فضای کار چالش‌گرانه، مشارکتی، و اقناع کننده» مطرح شد. برنامه‌های کیفیت زندگی کاری چارچوبی را برای هماهنگی، ایجاد بقا یا ادامه و بهبود عملکرد و افزایش کارآئی سازمان فراهم نموده است. در نهایت تحقق اخلاقیات سازمان، مدیریت اخلاق را به عنوان بخشی راهبردی در سازمان تعریف کرده است. به شکل طبیعی تخصیص بخش خاصی از نظام مدیریتی سازمان به مدیریت اخلاق جایگاه سازمانی اخلاق حرفه‌ای را نشان می‌دهد که این امر تحقق آرمان‌ها و اهداف سازمان را در پی خواهد داشت.

منابع و ماخذ

آتش پور، زهرا (۱۳۸۷) بررسی کیفیت زندگی کاری کارکنان ستاد شرکت سهامی بیمه ایران در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

باقری، شهاب (۱۳۹۳). رابطه کیفیت زندگی کاری با اخلاق حرفه‌ای مهندسان عمران (مجریان) در استان گلستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

برزین، صلاح الدین و فرامرز، پناهی (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و جو سازمانی با انگیزش شغلی کارکنان اداره کل امورمالیاتی استان اردبیل. نخستین کنفرانس بین المللی پارادیم‌های نوین مدیریت هوشمندی تجاری و سازمانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

پیروانی نیا، لاله (۱۳۹۳). رابطه اخلاق حرفه‌ای و کیفیت زندگی کاری با بهره‌وری کارکنان بیمارستان مادر و کودک شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

حسینی، م (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت زندگی کاری و نعهد سازمانی کارکنان اداره کل تربیت بدنی استان اصفهان. نشریه ورزشی، شماره ۲.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۲)، اخلاق حرفه‌ای (چاپ دوم): تهران، انتشارات مجنون، ص ۶۹.

قلاوندی، حسن و همکاران (۱۳۸۹) بررسی نگرش دبیران به جو سازمانی و رابطهی آن با روحیه دبیران در دبیرستانهای دخترانه، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، دوره اول، شماره دوم.

قهرمانی، محمد؛ غلامرضا شمس مورکانی و محدثه فرهادی (۱۳۹۴). رابطه کیفیت زندگی کاری و اخلاق حرفه‌ای در مدیران دانشگاه و مقایسه آنها بر حسب جنس و سطوح مدیریتی. اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

قیصری، فرشته (۱۳۹۲) رابطه اخلاق حرفه‌ای و عدالت سازمانی با تعهد سازمانی در میان آموزگاران دبستان‌های دخترانه شهر مرودشت، پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت
کاظمی، سیدکاظم (۱۳۹۴) رابطه اخلاق کاری با
کیفیت زندگی کاری و خشنودی شغلی معلمان
مدارس پسرانه مقطع متوسطه شهرستان ساری،
پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد ساری

کریمی، مهدی؛ رجایی پور، سعید؛ هویدا، رضا
(۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین ابعاد جو سازمانی و رفتار
اخلاقی در بین کارکنان دانشگاه های اصفهان و
علوم پزشکی اصفهان. مجله رهبری و مدیریت
آموزشی، شماره ۲۰۱۱، صص ۸۳-۱۰۲.

کبیری کناری، مولود (۱۳۹۳). رابطه اخلاق کاری
با کیفیت زندگی کاری و خشنودی شغلی کارکنان
اداره آموزش و پرورش شهر بهشهر. پایان نامه
کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
گودرزی، اکرم و گمینیان، وحیده (۱۳۸۱)، اصول،
مبانی و نظریه های جو و فرهنگ سازمانی، اصفهان،
انتشارات جهاد دانشگاهی.

محبی، محمد مهدی و بتویی، ریحانه (۱۳۹۵). رابطه
جو سازمانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان آموزش
و پرورش، دومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین
و برنامه ریزی پایدار ایران، تهران، موسسه آموزش
عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به
توسعه پایدار.

مقیم، سید محمد (۱۳۹۰). اخلاق سازمانی جوهره
فرهنگ سازمانی کارآمد. فرهنگ مدیریت، سال
ششم، شماره ۱۷، صص ۳۶-۸۷.

ممی زاده، جعفر (۱۳۷۵). مدیریت فرهنگ سازمانی،
مجله تدبیر.

مهاجرانی، محمد امین و صیادی، سعید (۱۳۸۷).
کیفیت زندگی کاری نیاز سازمانهای امروزی. مجله
میشاق مدیران، شماره ۳۶، صص ۷۱-۶۸.

هوی، وین. ک، میکسل، سیسیل، ج. (۱۳۸۶)، تئوری
تحقیق و عمل در مدیریت (ترجمه میر محمد
عباس زاده)، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.

Arabaci B.(2010), Academic and
administration personnel's perceptions
of organizational climate (Sample of
Educational Faculty of Firat University).
Augustus, T. (2013). Investigating
the influence of profession, position
and organizational climate on ethical
attitudes in private sector. University of
Idaho.

Filippo, E. B. (1998). " Personal
management. MC Graw-Hill" .
Hoegl .M., Parboteeah K.P., & Munson
C.L. (2003). Team-level antecedents
of individuals' knowledge networks,
Decision Sciences, 34 (4): 741-770.
Janz B.D., & Prasarnphanich .P. (2003).
Understanding the antecedents of
effective knowledge management: The
importance of a knowledge-centered
culture, *Decision Sciences*. 34 (2):
351-384.

Jaw B.S., & Liu W. (2003). Promoting
organizational learning and self-
renewal in Taiwanese companies:
The role of HRM, *Human Resource
Management*, 42: 223-241.

Litwin, George, H. and Stringer,
A. Robert. (1986). Motivation and
Organization Climate. Boston: Harvard
University.

Luthans, F., (1980). Employee
Engagement and Manager
self-Efficacy: Implications for
Managerial Effectiveness and
Development. *Journal of Management
& Development*, 21(5), pp.376-387.

Schnider, B., Smith, D. B., Taylor, S.,
& Fleenor. J. (2002). Personality and
organizations: A test of the homogeneity
of personality hypothesis, *Journal of
Research in Psychology*, 83: 462-470
Suandi, Turiman& Ismail, Ismi Arif&
Othman , Zulfadli (2014), Relationship
Between Organizational Climate, Job

Stress And Job Performance Officer
At State Education Department,
International Journal of Education &
Literacy Student, vol 2, No 1.

-Walton, R. F. (1973). Quality of Work
life: what is it? Sloan Management
Review, fall.

Werang, B. R. (2014). Teachers' Social
Economic Status and Its Relationship
with Teachers' Work Morale and
Teachers' Job Performance at State
Senior High Schools in Merauke
Regency, Indonesia. International
Journal of Science and Research, Vol.
3, Issue 8, pp. 436-440.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در کالبد مسکن؛ نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران

احمد امین پور - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

رامین مدنی - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

حامد حیاتی* - دانشجوی دکتری تخصصی معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

با اینکه اصول اسلام، حقایق ثابت و تغییرناپذیر است که برای همه زمان‌ها وضع شده، ولی فروع آن زیاد بوده و اجتهاد ضرورت دارد. یعنی در هر عصر و زمانی به افراد متخصص نیاز است تا اصول اسلامی را با مسائل متغیری که در زمان پیش می‌آید تطبیق داده و معین نمایند که این مسائل وارد بر چه اصولی است، بدیهی است اصولی که در مورد مسکن وضع شده از این قاعده مستثنی نبوده و باید بازشناسی و با شرع و شرایط زمان انطباق داده شود. آموزه‌های اسلامی ارائه شده در قرآن مجید و کلام معصومین (علیهم‌السلام) راهبردهای مفهومی و عملی مشخصی را به صورت اصولی فرا زمانی و فرا مکانی ارائه داده که قابل بهره‌برداری هستند، از آن جایی که آموزه‌های اسلامی بر فضاهای زیستی از جمله مسکن تأثیر بسیار مفید و مثبتی دارد لذا مطالعه و تحقیق در این رابطه حائز اهمیت است. این پژوهش بر آن است که نقش آموزه‌های اسلامی را در چگونگی شکل‌گیری محیط مسکونی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در این پژوهش آموزه‌های اسلامی به عنوان باورها و ارزش‌های دینی ساکنان خانه به مثابه متغیر مستقلی است که بر ساختار کالبدی خانه به عنوان متغیری وابسته مؤثر واقع می‌شود. به صورتی که پس از مطالعه دقیق آموزه‌های اسلامی از آیات قرآن و احادیث معتبر، چگونگی تأثیر این عوامل و تجلی آن در نمونه‌های موردی، مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با انتخاب نمونه مسکن‌های سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فضاسازی خانه و مسکن در اسلام متناسب با نیازهای مادی و معنوی آنها و در واقع مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. لذا براساس این آموزه‌ها هویت ظاهری مسکن با نیازهای مادی هماهنگ است و نیز هویت دینی مسکن با نیازهای معنوی انسان سازگار و هماهنگ است.

واژگان کلیدی: مسکن، آموزه‌های اسلامی، معماری اسلامی، خانه‌های مسلمانان.

Study of how to manifest Islamic teachings in the housing complex; Case study: Traditional House in the warm and dry climate of Iran

Abstract

Although the principles of Islam are fixed and irreversible truths that have been laid down for all time, but the farewell is high and ijthad is necessary. That is, at any time and time, it is necessary for specialist experts to adapt the principles of Islam to the changing issues that occur in time, and to determine what these issues are based on. It is evident that the principles laid down for the housing laid down from this The rule is not an exception and should be recognized and adapted to the rules and conditions of the time. The Islamic teachings presented in the Holy Qur'an and the Word of the Innocents (PBUH) provide conceptual and practical strategies in the form of metaphysical and metaphysical principles that can be exploited, since Islamic teachings on biological spaces such as Housing has a very positive and positive effect, so studying and researching is important in this regard. This research studies the role of Islamic teachings in how to form a residential environment. In this study, Islamic teachings as religious beliefs and values of residents of the home are an independent variable that influences the physical structure of the home as a dependent variable. Following the detailed study of Islamic teachings from the Quranic verses and authentic Hadiths, the effect of these factors and its manifestation in the case examples has been carefully considered. The research method is descriptive-analytic and has been done by choosing traditional analgesics in a warm and dry climate in Iran. The results of the research show that the spatialization of home and housing in Islam is proportional to their material and spiritual needs and is in fact based on Islamic teachings. Therefore, based on these teachings, the apparent identity of housing is in harmony with material needs, and the religious identity of housing is consistent with the spiritual needs of man.

Key words: Housing, Islamic teachings, Islamic architecture, Muslim houses.

آید؛ مسکن مناسب باید شرایطی داشته باشد که بتواند فراهم آورنده آرامش و آسایش برای ساکنان خویش باشد. اگر برای مسکن شرایط و خصوصیات بر مبنای آموزه‌های اسلامی تدوین شود؛ میتوان با تطبیق این خصوصیات بر زمان‌ها و مکان‌های مختلف، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی مسکن اسلامی اتخاذ نمود (نقیزاده، ۱۳۷۹، ص ۹۲). لذا در آغاز پژوهش، مطالعه، بر روی منابع مختلف مانند آیات قرآن و تفاسیر مربوطه، احادیث و روایات مستند که به گونه‌ای به معماری پرداخته‌اند، انجام خواهد شد. جهت بررسی و تطبیق گزاره‌های معنایی آیات قرآن تعدادی از خانه‌های سنتی به عنوان نمونه‌های شاهد انتخاب میگردد، و بر این اساس موضوعات کاویده خواهد شد.

مباحث نظری

عوامل اصلی مؤثر بر شکلگیری خانه

از آنجایی که دین و مذهب به عنوان پدیده‌های الهی بروز اجتماعی و فرهنگی دارد، منشأ ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکانهای گوناگون بوده است (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). فرهنگ از جهان بینی نشأت گرفته و یکی از کاملترین نمود عینی آن در معماری ظهور یافته است، معماری تجلیگاه سنن و فرهنگ جامعه است و بر مبنای تصویری که انسان از هستی دارد، طراحی و ساخته میشود، لذا نظام فضائی سکونتگاه یا مسکن انسان بازتابی از اندیشه و بخشهایی از جهان‌بینیاش میباشد (معماریان، ۱۳۸۹، ص ۴). مسکن یکی از مهمترین عناصر معماری شهر بوده و نظام ارتباطی آن در فرهنگ اسلامی با نگرش بر نیازهای فطری انسان و با توجه به مراحل گوناگون رشد او، بدنبال محیطی است که موجب سلامت جسم و تکامل روحیاش شود. انسان از دیرباز نیازمند ساخت خانه، به مقاصد مختلفی بوده است، این مقاصد ریشه در دیدگاه وی به جهان و نیازهای وی است. به عبارتی دیگر، با تغییر دیدگاه انسانی نسبت به جهان، نوع معماری خانه وی نیز مسیر متفاوتی پیموده است (بمانیان، ۱۳۹۱، ص ۶۶۳). ادیان، اندیشه‌ها و مکاتب فکری، مفاهیم و راه‌للهای مختلفی جهت تبیین مسئله سکونت بیان داشته‌اند، اسلام نیز به عنوان یکی

اسلام از ابتدا تا به امروز یک دین شهری و مدنی به حساب می‌آید که به علت همین خصیصه خود، ساختار شهرها و سکونتگاه‌ها را باسازی و پیرایش کرد. لذا اسلام دینی شهری مطرح شده که برای تحقق آرمان‌های خود نیاز به شهر داشته است (ملکشاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲). چپستی و چگونگی شهر و شهر اسلامی در آموزه‌های اسلامی نیازمند تعمق و تتبع وسیع در منابع ارائه کننده این آموزه‌هاست (غنیزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰). بیشترین تعلیمات اسلام، به بهترین شکل در محیطی شهری نمود پیدا میکنند (Saoud Rabah, 2002, 1). اندیشه اسلامی در شهر دارای ویژگی‌های منحصر به خود است که حصول به آنها میتواند سبب رسیدن به حیات طیبه^۱ در فضاهای زیستی بشر و موفقیت توأمان مادی و معنوی شهروندان گردد. شهرهای امروزه ما در سرزمینهای اسلامی به دلیل بی‌توجهی به مبانی نظری و اندیشه اسلامی در طراحی فضاهای زیستی خود نیازمند احیا و باز طراحی مجدد با قرائت آموزه‌های اصیل اسلامی و با رجوع به سنت و کتاب خدا است (ستاری، ۱۳۹۰، ص ۴۸). طراحی خانه یکی از موضوعات مهم در حوزه معماری و طراحی شهری است که بطور مستقیم با تمامی ابعاد وجودی انسان ارتباط دارد و در هر فرهنگ و بوم شکلی متناسب با بستر خود پیدا میکند. با توجه به ابعاد همه شمول فرهنگ اسلامی، خانه و مسکن متناسب به این فرهنگ نیز میبایست شامل چنین ویژگی باشد، خانه و مسکن یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر است که بخش اعظمی از ساخت و سازهای درون شهری مربوط به این نوع کاربری می‌باشد. به همین دلیل رویکرد اتخاذ شده برای طراحی آن بر روی کل شهر اثر گذاشته و دارای جنبه اجتماعی قوی-ایی می‌باشد. بنابراین در شهر اسلامی باید اصول و معیارهای طراحی مسکن از منظر اسلام در مراحل مختلف کار مد نظر قرار گیرد (نقره‌کار، ۱۳۹۱، ص ۲). همانطور که از آموزه‌های اسلامی بر می-

۱. سوره نحل آیات ۹۵ تا ۱۰۰ ناظر به مفهوم حیات طیبه قرآنی است. ضمن آنکه واژه قرآنی خَیْوَةٌ طَیِّبَةٌ در آیه ۹۷ سوره نحل ذکر شده است.

از ادیان آسمانی، به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد، مسلمانان در امر خانه‌سازی براساس مضامین شرعی، اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). به گفته بورکهارت، معماری اسلامی برگرفته و براساس تفکر اسلامی و قوانین ویژه آن است (معماریان، ۱۳۸۹، ص ۲). لذا خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی با عملکرد چند بعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی است. از آنجا که ساخت خانه امری فرهنگی است، شکل و سازمان نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۴۶). شکل خانه نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر علت مجرد نیست، بلکه نتیجه گسترده عوامل اجتماعی و فرهنگی است (راپاپورت، ۱۳۸۸، ص ۸۳). فرهنگ عامل اصلی شکل‌گیری خانه است و عامل اقلیم و سایت و اقتصاد عوامل درجه دو محسوب می‌شود. در کنار نقش اصلی عامل فرهنگ، مذهب را میتوان به عنوان نیروی محرکه مهم دانست. مذهب در واقع تصویر مشخص از عالم هستی را ارئه داده و سازندگان بنا سعی میکنند این تصویر را در ساختمان خود نشان دهند، مذهب تأثیر خود را بر بناها بیشتر از سایر عوامل نشان میدهد چنانچه در منطقه‌ای که از نظر شکل زمین و آب و هوا و اقلیم در یک شرایط قرار دارد دو گونه متفاوت خانه‌ها را مشاهده میکنیم (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۳)، مانند خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان در یزد و کرمان.

باورهای فرهنگ ایرانی که برگرفته از جهان بینی اسلامی است، اساس معماری اسلامی را شکل می‌دهند. معماری اسلامی، به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی بعنوان معماری موفق در ایجاد فضای مطلوب انسانی مطرح است، از این رو میتواند در تعریف ژرف ساخته‌های نظری یک معماری اسلامی مناسب برای نیازهای روزآمد، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد (امینیور و حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۴۸). با توجه به نیاز ارتقاء کیفی مسکن، به نظر میرسد که میتوان از مبانی و اصول معماری اسلامی بهره برد (نقیی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱۳). در معماری اسلامی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روحبخش اسلامی و آموزه‌های معنوی به عالیترین شکل ممکن می‌

توان بهره جست (مهدوینژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

خانه‌های مورد بررسی

۱. خانه احسان: خانه تاریخی احسان در محله درب باغ کاشان واقع شده است. این خانه با دو حیاط بزرگ اندرونی و بیرونی ساخته شده است که در چهار جبهه حیاط، فضاهایی ساخته شده که سه جبهه آن دارای اهمیت بیشتری است. محور اصلی خانه شمالی و جنوبی و دارای حیاطی با حوض کشیده و باغچه‌های قرینه میباشد. مهمترین مجموعه خانه در جبهه شمالی قرار گرفته که به صورت دو طبقه بنا شده است. در زیر این جبهه و همکف حیاط بزرگترین سرداب خانه قرار دارد که تزیینات بسیار زیبایی از کاربندی و یزدینندی در آن دیده میشود. در جبهه جنوبی حیاط و روبروی ایوان ضلع شمالی، ورودی یک سرداب بزرگ و دو زیرزمین کوچک قرینه در کف حیاط دیده میشود. در میانه این جبهه و بر روی سقف سردابها تالار پنج‌دردی بزرگی با دو دهلیز جانبی (کریاس) قرار گرفته است. به نظر میرسد این جبهه قسمت تابستان‌نشین خانه را تشکیل میدهد. دومین مجموعه فضایی جبهه شرقی، شامل حوضخانه نسبتاً مرتفعی است که با حوض هشت گوش و فضاهای قرینه دیگر میان این جبهه بنا شده است (فرخیار، ۱۳۹۲، ص ۲۸۲).

۲. خانه آلیاسین: این خانه در خیابان امام و در محله پشت مشهد کاشان قرار دارد که با یک حیاط مرکزی بزرگ در گروه خانه‌های یک حیاطه-ای قرار می‌گیرد که در سه جبهه دارای ساخت و ساز میباشد. فضاهای آن متشکل از یک بخش اصلی شامل حوضخانه، تالارها و اتاقهای پیرامون آن است که در جبهه شمالی حیاط و دو بخش قرینه در دو جبهه‌ی شرقی و غربی واقع شده‌اند. در جبهه جنوبی تنها با دیوار طاق ناماسازی شده حیاط را محصور کرده است. جبهه شمالی در مرکز خود سرپوشیده مرتفع با سقف گنبدی شکل دارد. این سرپوشیده که فضای داخلی آن از تقسیمات دو طبقه برخوردار است با سقفی گنبدی دارای کلاه-فرنگی (نورگیری) بزرگی است که با پنجره‌های مشبک آجری و تزیینات زیبای کاربندی و نقاشی به نحو بسیار زیبایی پوشیده شده است. دو جبهه

غربی و شرقی حیاط، کمابیش مانند هم هستند، به خصوص آنکه شکل قائده‌ی فضاهای واقع در وسط هر یک از این دو جبهه مشابه یکدیگر است. این دو جبهه تنها در عناصر میانی متفاوتند (همان، ص ۱۵۲).

۳. خانه لذیذی: خانه قدیمی لذیذی با مساحتی حدود ۸۰۰ متر مربع در خیابان آیت‌الله کاشانی و در محله طاهر و منصور واقع شده است. خانه لذیذی به شکل چهار صفا بنا شده است و بنابراین در چهار جبهه چهار مجموعه فضایی است که دو جبهه اصلی آن به صورت تابستان نشین و زمستان نشین بنا شده است. در این خانه براساس الگوهای معماری درونگرا، فضاهای گوناگون مشتاقانه به گرد حیاط مرکزی که بخش اصلی خانه است حلقه زده و به آن نظر دارند. همه جبهه‌های حیاط در حد دو طبقه و هم ارتفاعند و به این ترتیب همچون حصاری ساده حیاط را در بر گرفته‌اند و از این نظر هیچ یک از جبهه‌ها بر دیگری رجحان ندارند. در جبهه شمالی حیاط، تالاری بزرگ قرار دارد که در دو طرف آن کفشک‌های قرینه (کریاس) تعبیه شده است. در جبهه جنوبی، ایوان کم عمق وی مرتفعی دیده می‌شود که از طریق دو راه‌پله (کریاس) می‌توان بدان دسترسی پیدا کرد. در جبهه غربی یک تالار پنج‌جدری و در دوسوی آن دو کریاس قرینه به همراه دو اتاق سهدری قرار گرفته‌اند. در جبهه شرقی نیز همین فضاها دوباره تکرار شده می‌شوند (همان، ص ۲۴۲).

بررسی آموزه‌های اسلامی مؤثر بر شکل‌گیری کالبد مسکن

۱- تجلی اصل طبیعت در مسکن

سوره توبه آیه ۷۲: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

ترجمه: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی (از بهشت) که از پای (درختان) آن، نهرها جاری و در آن جاودانند و (نیز) مسکن‌هایی دلپسند در بهشت برین را وعده داده است. ولی رضایت و خرسندی خداوند، برتر و والاتر (از اینها) است. این همان

رستگاری بزرگ است.

تفسیر: دیگر از مواهب الهی به مؤمنین و مؤمنات این است که خداوند مسکن‌های پاکیزه و منزلگاه‌های مرفه در قلب بهشت عدن در اختیار آنها می‌گذارد (و مسکن طیبه فی جنات عدن). از احادیث اسلامی چنین استفاده می‌شود که «جَنَاتِ عَدْنٍ» باغهای مخصوصی است از بهشت که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و جمعی از خاصان پیروان او در آنها مستقر خواهند شد. «عدن» در لغت به معنی اقامت و بقاء در یک مکان است (تفسیر برهان، جلد ۵، ص ۱۴۸).

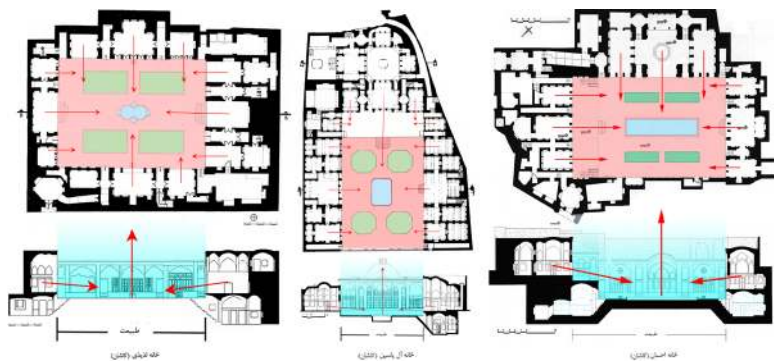
- **حدیث:** امام علی (علیه السلام) میفرماید: نگاه کردن به سبزه هم و غم را از بین میبرد (بحار الانوار، جلد ۶۳، ص ۲۹۱).

توضیحات: اعتقادات و باورهای دینی بر شکل‌گیری مسکن و فضای سبز آن تأثیر گذارده و در شکلگیری مفاهیم آن نقش داشته است. افزون بر آیات قرآنی، در روایات متعددی از معصومین از جمله کتاب نهج الفصاحه، به جنبه‌های مختلف فضای سبز اشاره شده است (امینپور و حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). بهشت مکانی است که ارواح نیکوکار در آن به سعادت جاوید میرسند. این دیدگاه از ابتدای تاریخ با بشر بوده و مهمترین تفکرات وی درباره حیات پس از مرگ را به خود اختصاص داده است (ساربانقلی و زاهدیان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲). در فرهنگ اسلامی، درخت دالی است برای مفاهیم جاودانگی و سرزندگی. از این رو آوردن نقش درخت بروی کاشی‌های آثار معماری اسلامی، تجدید دوباره نعمتها، و جاودانگی در باغ مقدس بهشت را بشارت میدهد (طهوری، ۱۳۸۱، ص ۸۵). معماران مسلمان، همواره کوشیدند با برقراری ارتباطی نزدیک و مأنوس با طبیعت پیرامونی، برای کشف راز و رمزهای نهانی خلقت، گام بردارند. اینان همزمان با برقراری این ارتباط، با بهره‌گیری از بیانی نمادین و استعاری، در قالب صور فیزیکی و فضایی کیفی، به خلق آثاری رازگونه و در عین حال قابل درک همت گماردند تا از این رهگذر، احدیت و وحدانیت ذاتی مقدس را به تصویر بکشاند و آدمی را شایسته حضور در وادی او گردانند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

تفکر در رابطه طبیعت، اجزا و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی و همچنین غور در

هماهنگی و تعادل موجود در کائنات به عنوان تجلی علم و قدرت الهی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی، به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، موكدا انسان را به آن ترغیب و توصیه مینماید و قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماورای طبیعت میخواند از این رو است میتوان گفت تعالیم اسلامی مسلمین را به این نکته بنیادین یادآور میگردد که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود آورده و مطمئنا او را به سوی شناختی بهتر و آگاهانه تر نسبت به اصول اساسی اسلام، همچون توحید رهنمون خواهد کرد (امینزاده، ۱۳۷۹، صص ۵۵-۵۴) (جدول شماره ۱).

جدول ۱. چگونگی تجلی اصل طبیعت در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



<p>در تمامی این خانه‌ها موارد ذیل مشاهده می‌گردد:</p> <ul style="list-style-type: none"> - استفاده از منابع طبیعی نظیر نور آفتاب، هوا، آب، فضای سبز و غیره. - برای هماهنگی با طبیعت از تزئینات اضافی خودداری شده است. 		<p>خانه احسان</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط با زمین و آسمان به گونه‌ی مشخص. - ترکیب ساختمان با طبیعت به معنای تلفیق اجزاء نسبت به کل و کل نسبت به جزء. - احترام به محیط طبیعی، تلفیق حجم و فرم طبیعی به گونه‌ای که هریک مکمل یکدیگرند. - استمرار نمایش مصالح از داخل بنا به خارج بنا. - به کاربردن عنصر خط برای بیان بهتر. - احترام به فطرت و ذات مصالح به همان گونه‌ای که هستند. 		<p>خانه آل یس</p>	<p>بهره‌گیری از عناصر طبیعت</p>
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از حیاط‌های داخلی درخت کاری شده و معطوف ساختن فضاهای زندگی به این حیاط‌ها از عمده‌ترین ویژگیهای معماری این اقلیم است. 		<p>خانه لذیذی</p>	

۲- رعایت اصل عدم اشراف در سازماندهی انتظام فضایی مسکن

سوره احزاب آیه ۵۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَظْرِينَ إِنِّيهِ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَسِينِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، اما او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

تفسیر: اینکه خدای عز و جل فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» سبب نزولش این بود که چون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با زینب دختر جحش ازدواج کرد، و او را دوست می‌داشت، پس ولیمه‌ای درست کرد و اصحابش را به آن ولیمه دعوت کرد، و اصحاب بعد از خوردن غذا دوست می‌داشتند بنشینند، و با هم گفتگو کنند، و آن جناب دلش می‌خواست میهمانان خانه را برای او و همسرش خلوت کنند، پس خدای عز و جل این آیه را فرستاد که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های رسول نشوید، مگر بعد از آنکه به شما اجازه داده شود، چون قبلاً بدون اجازه هم داخل می‌شدند، و این آیه این

کار را منع کرد، و نیز گفتگو کردن با همسران آن جناب را بدون پرده و حائل منع نمود (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۵۱۵).

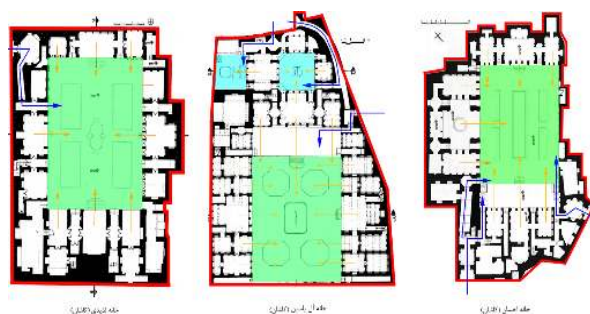
حدیث: امام صادق (علیه‌السلام) در روایت نواهی فرمود: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از سرک کشیدن به خانه همسایه نهی کرده و فرموده است: کسی که عمداً به محل حیا و حریم مرد مسلمانی یا غیر اهل خود نگاه کند، خداوند او را همراه منافقان محشور مینماید (من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، ص ۱۳).

توضیحات: مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان، موردی است که آسایش خانواده سخت بدان وابسته است در نتیجه مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند به طور مثال مکانهایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشد. در حالی که اتاقهای خاص باید از دید سایر اعضای خانواده نیز دور باشد (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۴۸). معمار سنتی براساس فطرت پاک خود و با تکیه بر اصول دین به ساختن مسکن می‌پردازد. یکی از مهمترین اصولی که آموزه‌های اسلامی در رابطه با خانواده و در روابط اجتماعی به آن توصیه کرده پوشاندن دید و ایجاد محرمیت است؛ آنجا که میفرماید: به مردان و زنان مومن بگو دیدگان خویش را از نگاه غریبه‌ها باز گیرند و زینت خود را، جز آنچه آشکار است، آشکار ن سازند. معمار سنتی هم با توجه به این اصل اقدام به طراحی مسکن سنتی میکند. تحقق مفهوم بیرونی و اندرونی، که با آداب زندگی یک خانواده مسلمان هماهنگی دارد پاسخی معمارانه به خواست فطری ساکنان که همانا حجاب داشتن و محفوظ ماندن از دید نامحرمان می‌باشد، است و در عین حجاب داشتن، حرمت و احترام میهمانان باقی میماند و بدین صورت با حفظ حریم اهل خانه، زندگی خانوادگی به هنگام میهمانی‌ها مختل نمی‌گردد و باعث افزایش آرامش روانی میشود (مسائلی، ۱۳۸۸، ۳۱-۳۲). جداسازی قاطع عمیق فضاهای حضوری و داخلی، از فضاهای خارجی و عبوری، با استفاده از مفصل بندیهای متعدد برای تشدید این جداسازی و ایجاد درونگرایی و محرمیت کامل با تأمین فضاهای باز داخلی که مطلوب و آرام و خودی هستند (نقره‌کار، ۱۳۹۲، ص ۱۸۳).

معمار سنتی ورودی مسکن را همچنین به گونه‌ای طراحی نموده است که مصداق آیه شریفه حجاب گردد. او با طراحی هشتی در ابتدای ورود، عرصه عمومی بیرون خانه را از عرصه خصوصی درون خانه، با رعایت بسته بودن دید نامحرمان، کاملاً مجزا میکند. در این فضا، با ایجاد سکوهایی در بدنه هشتی، میهمانان غریبه و نامحرمان پذیرایی اولیه میگردند. در این فضا، معمار سنتی با توجه به خواست دینی ساکنان اقدام به خلق و ابداع فضا با مفهوم جدید مینماید. یکی دیگر از مصداقهای حریمیت و ایجاد آرامش روانی، طرح خانه‌ها بصورت درون‌گرا و رو به درون است. در اینگونه خانه‌ها امکان اشراف و احاطه از بیرون خانه به درون آن منتفی میگردد. و همچنین مرکز خانه و حیاط مرکزی از سر و صدای کوچه و فضاهای عمومی اطراف در امان میماند. این نوع تفکیک و استقلال خانه از محیط پیرامون، خود باعث به ارمغان آوردن آرامش به درونی میگردد (مسائلی، ۱۳۸۸، صص ۳۱-۳۲) (جدول شماره ۲).

جدول ۲. تجزیه و تحلیل کالبدی مسکن سنتی از منظر عدم اشراف بر اساس آیات و روایات، مأخذ: نگارندگان

شکستگی ورودی ↑ اشراف ↑ مرز تفکیک | اندرونی ● بیرونی ●



وضعیت حریمیت و دید: مطلوب	دید از درب ورودی: ورودی اصلی تا یک هشتی و ورودی فرعی تا یک فضای تقسیم از فضاهای زندگی جدا شده و هیچ دیدی ندارد.	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	خانه احسان
وضعیت حریمیت و دید: مطلوب	دید از درب ورودی: ورودی با یک هشتی و دالان نسبتاً طولانی به فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی میرسد و هیچ دیدی به فضاهای خصوصی ندارد.	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	خانه آل یس
وضعیت حریمیت و دید: مطلوب	دید از درب ورودی: ورودی توسط یک دالان نسبتاً طولانی به دیگر فضاها رسیده است و هیچ دیدی ندارد.	دید داخل به خارج: وجود ندارد. دید داخل به داخل (حیاط مرکزی) وجود دارد. دید خارج به داخل: وجود ندارد (جز درب ورودی).	خانه لذیذی

۳- تجلی مفهوم همجواری در کالبد مسکن

سوره آل عمران آیه ۲۰۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ترجمه؛ ای اهل ایمان صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و با یکدیگر در ارتباط باشید و از خدا بپرهیزید، شاید که رستگار شوید.

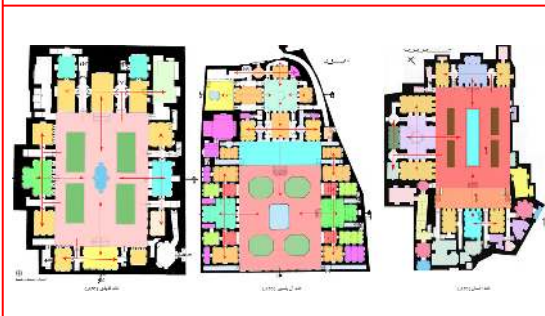
تفسیر؛ در این آیه همه افعال بصورت امری، مطلق و بدون قید است، (مربطه) از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد، اما مربوطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون زندگی اجتماعی دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی، و مراد از این مربوطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد، چون اگر این ارتباطات نباشد ممکن است، صبر هر کس به تنهایی یا علم هر کس به تنهایی یا مال هر کس به تنهایی سعادت آور باشد، اما نه سعادت کلی و تام و حقیقی. لذا در ادامه میفرماید: اگر با تقوی بوده و به حدود الهی پایبند باشید، در این صورت به هدف نهایی خود یعنی رستگاری حقیقی خواهید رسید (ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۱۴۴).

حدیث؛ دو گروه هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نگاه نمی‌کند: کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کرده و همسایه بد (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۴۹۴، ص ۲۵۸). زمانی که دو نفر همزمان تو را دعوت کردند، دعوت کسی که خانه‌اش به تو نزدیکتر است را قبول کن زیرا او همسایه تو است (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۶۸۵، ص ۲۸۳).

توضیحات؛ خانواده کوچکترین اجتماعی است که ارتباطاتی با خویش، با اعضای خود و با جهان خارج دارد. طبیعتاً هر یک از این ارتباطات، نیازمند فضاهایی مناسب برای فعالیتهای فردی و جمعی است که در مسکن رخ میدهند ارتباطات این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسباتشان با ویژگی-ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح هستند و همچنین تناسباتشان با فعالیتهای مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب می-نمایند بنابراین، مسکن مناسب، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد

بنیادین اجتماعی، نوع اشتغال، ویژگیهای وسایل ارتباط جمعی، تمایل به جدایی از خانواده در میان جوانان، ترک خانواده از سوی جوانان و تنها نهادن سالمندان، تغییر در سازمان فضایی مسکن و میل به دارا بودن فضایی اختصاصی (اتاق) از سوی تکتک افراد خانواده و بسیاری موضوعات از این دست، به عنوان عوامل دوری اعضا خانواده از یکدیگر عمل میکنند، بر برنامه‌ریزان و طراحان است که به طریق مناسب در جهت تضعیف تأثیر این عوامل و تقویت ارتباط اعضای خانواده با استفاده از ویژگیها و آئینها و مراسم و ارتباطات فرهنگی اقدام کنند. و خانه‌ها را از محل ملاقاتهای احتمالی و حتی اجباری اعضا آن برهانند (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳). ارتباطات صحیح فضاهای داخلی به گونه‌ای است که اولاً غریبه‌ها به فضای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده نیز به طریق مناسب از هم تفکیک شوند (همان، ص ۴۴۸). این بدان معناست که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد و خانواده را فراهم می‌آورند. از بروز مزاحمت‌های بصری، صوتی، روانی و امثال هم پیشگیری میکنند (همان، ص ۴۵۲) (جدول شماره ۳).

جدول ۳. چگونگی تجلی مفهوم همجواری فضاها در کنار یکدیگر در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان بسط فضایی و ارتباط بین فضاها



۴- تجلی مفهوم عدل در کالبد مسکن

سوره اعراف آیه ۲۹؛ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

ترجمه؛ بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده و اینکه نزد هر مسجدی (هنگام نماز) روی خویش را به سوی او بدارید و او را بخوانید، در حالی که دین را برای او خالص می‌سازید. آنگونه که شما را در آغاز آفرید، باز خواهید گشت.

تفسیر؛ عدالت مفهوم وسیعی دارد که همه اعمال نیک را در بر می‌گیرد، زیرا حقیقت عدالت آن است که هر چیز را در مورد خود به کار برند و به جای خود نهند. مفهوم وسیع این دو کلمه (قسط و عدالت) مخصوصاً به هنگامی که جدا از یکدیگر استعمال می‌شوند تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و هر چیز را به جای خویش قرار دادن می‌باشد (تفسیر نمونه، جلد ۶، ص ۱۴۴).

حدیث؛ رسول خدا (صلی الله علیه و اله) میفرماید: اگر یکی از شما به شهری داخل شد که سلطان عادل ندارد اصلاً در آن جا اقامت نکند (نهج الفصاحه، حدیث ۷۵۷، ص ۱۴۱). امام صادق (علیه السلام) سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش (تحف العقول، ۳۲۰).

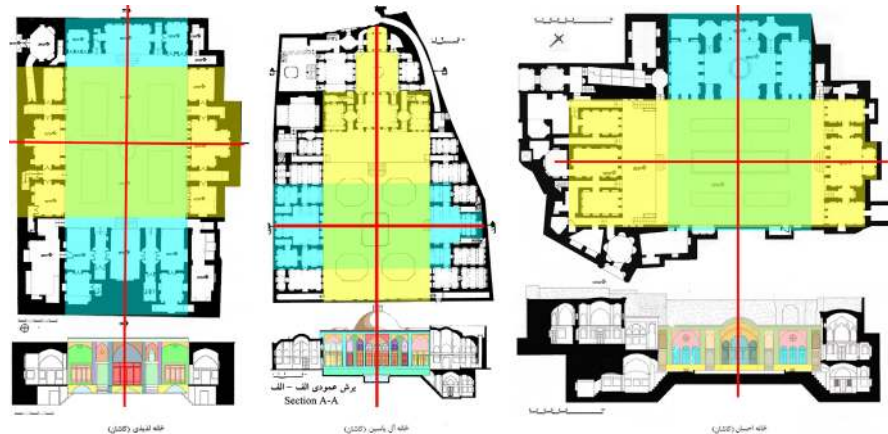
توضیحات؛ تعادل، بارزترین ویژگی و بنیادترین اصل حاکم بر عالم وجود که مشتق از عدل می‌باشد، بیان شده است (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۵۹). مفهوم تعادل در قرآن کریم مکرراً آمده است، همچنین در برخی از مکاتب خاص فلسفه اسلامی میزان به عنوان تعادل عالم تعبیر شده که به برکت حکمت خداوند هر شی را در جای خود قرار میدهد و همه اشیاء را براساس مقدار و اندازه صحیح و عادلانه‌ای خلق کرده تعبیر شده است، به همین جهت این اصطلاح رابطه نزدیکی با نظام حاکم بر طبیعت دارد (نصر، ۱۳۸۴). اهمیت تعادل در پدیده‌ها به حدی است که نه تنها رعایت آن در تنظیم روابط اجزا هر پدیده، ضروری قلمداد میشود، که فراتر از آن ایجاد تعادل بین قوانین حاکم بر آنها نیز از ضروریات توفیق در اهداف خلق پدیده‌ها تلقی میگردد (بمانیان و صالح، ۱۳۹۰، ص

۶۸). تعادل و عدالت را میتوان یکی از ویژگیهای جوامعی دانست که به تولید تمدن و فرهنگ روی آورده‌اند. نخستین مبحثی که در روند طراحی مطرح میشود، درباره ترکیب و چگونگی اجزای آن است؛ چرا که هر طراحی هنگامی منطقی خواهد بود که عناصر تشکیل‌دهنده آن به گونه‌ای هماهنگ ترکیب شده باشند. بنابراین معماری مجموعه-ای از عناصر است که به گونه‌ای با هم ترکیب شده‌اند، و شکل چگونگی آن به چگونگی ترکیب عناصر تشکیل‌دهنده آن بستگی کامل دارد. تعادل نیز هماهنگی میان تکتک بخشهای شکل‌دهنده فرآیند، فضا و بنای معمار را به ارمغان خواهد آورد (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

تمام عالم هستی به تبعیت از عدل الهی به راهی مشخص میروند؛ طبیعت نیز یکی از اجزای این عالم است. انسان در طبیعت دخل و تصرف و با مواهب موجود در آن محیط مصنوع خود را بنا می‌کند. حفظ تعادل‌های محیطی یکی از مسائل مرتبط با حیات سالم بشر است که از مسائل متعددی تشکیل شده است. هر ساختمان برای ایستایی در درجه اول به تعادل نیاز دارد. اصول معماری اسلامی، بر مبنای تعادل که سبب آرامش بیننده میشود، بنا نهاده شده است. این موضوع از اسپانیا تا مالزی که گستره معماری اسلامی است دیده میشود (همان، ۱۹). فشار روانی مضاعفی که از سوی بناهای ساخته دست انسان بر وی و بر روان او وارد میشود، یکی از مشکلات شهرهای معاصر است. شهر باید بتواند پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها از طریق تعادل فضایی بین فرمها، اشکال اماکن و فضاهای مختلف از طریق مکان‌بایی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان و نیز از طریق ارتقای آگاهی دانش و جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل عهده‌دار شود (امینزاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶-۲۵). در نمونه‌های موردی، پلان خانه‌ها در کلیت خود دارای فرم مستطیلی متعادل است. تعادل موجود تعادل محوری است. پلان کلی ریزفضا نیز فرم مستطیلی دارد که فرم تا حدودی متقارن دارای محور متعادلی است. در این خانه‌ها نیز حیاط عامل تعادل بخش به

فرم است؛ به گونه‌ای که فضاهای اطراف حیاط در تعادل کامل هستند. نماها در اطراف حیاط مرکزی از تعادل کامل و تقارن برخوردارند. این تعادل از نوع محوری بوده و با تکرار پنجره‌های اتاقها (سه دریها) در طرفین طاق مرکزی ایجاد شده‌اند. به طور کلی عامل تعادل بخش در این گونه خانه‌ها حیاط مرکزی، طاق مرکزی نما، سه و پنج دریها و حوض آب میتواند باشد (جدول شماره ۴).

جدول ۴. چگونگی تجلی مفهوم عدل در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان
* خطوط افقی و عمودی قرمز رنگ نشانگر محورهای تعادل در نما و پلان میباشد.



تعالد نسبتاً زیاد، در اطراف حیاط مرکزی و تعادل نسبی در کلیت پلان. چیدمان فضاها در اطراف حیاط براساس حریم اطراف زمین هماهنگ شده است و براساس نیاز و کاربری چیده است.	خانه احسان	<p>عدل؛ به معنای قرارگیری هر چیز در جایی که باید باشد.</p>
تعالد زیاد. تعادل در کلیت، زیاد و در جزئیات نسبتاً زیاد است. در این خانه نیز با توجه به بستر و حریم زمین بنا و نیازهای کاربردی مجموعه، چیدمان حیاط و فضاهای اطراف صورت گرفته است. در هر حیاط مرکزی نیز کاربریها بنا به شرایط و مستلزمات آن قرار گرفته است.	خانه آل یس	
تعالد نسبتاً زیاد. طراحی متناسب با بستر طراحی شده است. راهرو ورودی، چیدمان کلی بنا ناشی از اهمییت هر بنا متناسب با کاربری و نیاز.	خانه لذیذی	

۵- تجلی اصل سلسله مراتب در کالبد مسکن

سوره طه آیه ۷۵: **وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ.**

ترجمه؛ و هر کس در حالی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشد، نزد او آید، پس برای آنان درجات عالی و برتر است.

تفسیر؛ کلمه (درجه) به طوری که راغب در مفردات گفته به معنای منزلت است، لیکن در این ماده صعود نیز باید باشد، مانند درجات نردبان، و در مقابل آن (درکه) است که به معنای منزلت رو به پائین است، لذا گفته می‌شود: درجات بهشت، و درکات جهنم، و کلمه (تزکی) به معنای رشد و نمو به نمای صالح است، و در انسان به این است که با اعتقاد حق و عمل صالح زندگی کند (تفسیر نمونه، جلد ۱۳، ص ۲۵۲).

حدیث؛ دوست داشتنی ترین مکانهای شهر نزد خداوند مساجد و منفورترین مکان شهر نزد خدا بازارها

هستند (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۵۳۰، ص ۱۰۳).
توضیحات: سلسله مراتب از اصولی است که بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری و شهرسازی سنتی ایران دارا می‌باشد. در لغت-نامه‌ی جغرافیا سلسله مراتب عبارت است از: «هر گونه‌ی نظم‌ی از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی ذکر شود» (مایه‌یو، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷). سلسله مراتب محرمیت در خانه با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته می‌شود (وثیق و پشتوتیزاده، ۱۳۸۸، ص ۵۶). بحث سلسله مراتب، سخنی است میان درون و برون، چرا که حس فضای برون را در آهنگ حال و هوای درون نمیتوان یافت و به عبارتی، درون، فاقد این خواص است و احوال برون را نمیتوان به درون راه داد (شیرازی، ۱۳۸۸). پهنه شهر محل فعالیت‌های دنیوی و خانه محل آرامش و راز و نیاز با حضرت احدیت است. برای گذر از مکان اول به فضای دوم، آداب و اسباب و مقدماتی لازم است که عمده-ترین نقش آنها دگرگونی ذهن شخص و توجه او به کسی است که می‌خواهد با او سخن بگوید و توجه به راز و نیازی است که در پی انجام آن است (نقیزاده، ۱۳۸۷، ص ۳۷۰). رعایت سلسله مراتب در سازماندهی ارتباط فضاهای مرتبط اعم از بیرونی و درونی موردی است که کمک شایانی به پالایش ذهن و آمادگی انسان میکند. میتوان گفت این اصل بر بسیاری جنبه‌های نظری و عملی زندگی انسان حاکم است وجه و لزوم و توصیه به منازل گوناگون متوالی، روشن‌گر این مطلب است که اولاً هر منزل جای هر کسی نیست و در این سلسله مراتب منازل، هر منزل، هر فضا، هر حریمی با ویژگی‌های خاص خود به عده‌های خاص تعلق دارد. که شایستگی‌ها و بایستگی‌های لازم را تحصیل نکنند. امکان وصولشان به آن منزل و همچنین امکان عبورشان از آن منزل برای رسیدن به منزل بالاتر میسر نیست (همان، ۳۷۰). اصل سلسله مراتب در معماری سنتی حریم‌های خصوصی را با ایجاد شکستگی در محورهای حرکت از دیگر فضاها جدا می‌کرده است (آیوازیان، ۱۳۷۶، ص ۴۹). اصل سلسله مراتب که ارتباط قلمروهای محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف و تعیین میکند. به

دلیل ویژگی‌های مسکن که آن را مسکن نامیده‌اند از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با مسکن، سلسله مراتب را میتوان در دو وجه بیرونی و اندرونی مورد مذاقه قرار داد. سلسله مراتب بیرونی به ارتباط داخل مسکن با سایر فضاها و عملکردهای پیرامون آن می‌پردازد. در حالی که سلسله مراتب درونی بر تبیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است. تأثیر اصل سلسله مراتب بر معماری مسکن، به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) می‌پردازد و حد و حریم و فضاها و عناصر ارتباطی هر یک را تعیین مینماید (نقیزاده، ۱۳۸۷، صص ۴۵۸-۴۵۷). در خانه‌های قدیمی ورود به حیاط تابع یک سلسله مراتب فضایی است که فرد پس از عبور از آنها وارد حیاط میشود. پس از ورود به هشتی در مسیر دلان به حیاط وارد میشویم دلانی که هشتی را به حیاط وصل میکند، نیمه تاریک است. فضا به تدریج روشنتر میشود؛ آنقدر که همزمان و هم‌مکان به روشنی و به حیاط می‌رسیم (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). این سیر از فضای بیرون به حیاط، یک تجربه بسیار غنی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. و آن القای حسی از درون است (همان، ۱۶۵). در خانه‌های ایرانی ورود به داخل خانه سلسله مراتبی از فضای باز به بسته را طی می‌کرده است مراتب فضایی ورود به این صورت بود است از: فضای باز به فضای پوشیده (نیمه باز، بینابین و حریم) و از آنجا به فضای بسته (بمیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷) (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: چگونگی تجلی سلسله مراتب در مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



۶- تجلی اصل تناسب و توازن در کالبد مسکن

سوره حجر آیه ۱۹ و ۲۱؛ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. وَزَمِينَ رَا كَسْتَرَانَدِيمُ وَ دَر آن كوه‌های استوار افكندیم و در آن از هر چیز سنجیده و به اندازه، رویاندیم. و هیچ چیز نیست مگر آنکه منابع و گنجینه‌های آن نزد ماست و ما جز به مقدار معین فرو نمی‌فرستیم.

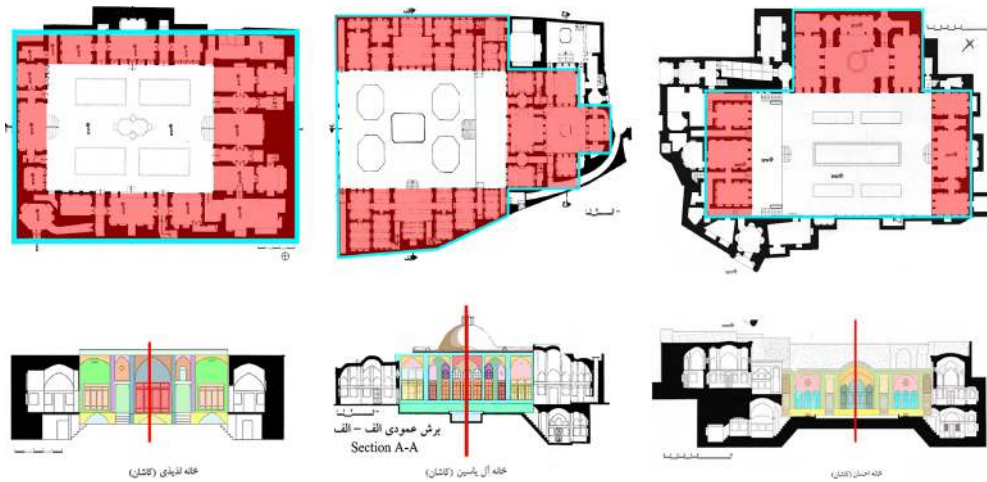
تفسیر: کلمه «موزون» از «وزن» و به معنای سنجیدن اجسام از جهت سنگینی است، لیکن آن را عمومیت داده و در اندازه‌گیری هر چیزی که ممکن باشد آن را اندازه‌گیری کرد، از قبیل اندازه‌گیری طول با وجب و یا ذراع و امثال آن، و اندازه‌گیری حجم، و اندازه‌گیری حرارت، و نور، و نیرو، و غیر آن استعمال کرده‌اند. (قدر) یعنی مبلغ و مقدار و کمیت معین هر چیز. به عبارتی دیگر مراد از (قدر) خصوصیت وجودی و کیفیت خلقت هر موجود است و اینکه فرمود (قدر معلوم) دلالت میکند که قدر هر موجودی برای خدای تعالی در آن زمانی که نازل میشود، معلوم است، یعنی هر موجودی قبل از وجودش معلوم القدر است و خدا برای او حدی قرار داده که از آن تجاوز نمیکند، پس قدر و کمیت هر چیز از نظر علم و مشیت مقدم بر آن چیز است هر چند که به حسب وجود مقارن با آن بوده و از آن جدا نمیشود (ترجمه المیزان، جلد ۱۲، ص، ۲۰۵).

حدیث: امام رضا (علیه السلام) به یونس بن عبدالرحمن فرمودند: آیا میدانی که قدر چیست؟ یونس پاسخ داد: خیر، حضرت فرمودند: قدر همان هندسه و مرزبندی است، مانند مقدار بنا و زمان فنا (عیون الاخبار الرضا ع، دینوری، ص ۱۵۴).

توضیحات: تناسب ارزشی است ذهنی و فقط در ارتباط با شکل قابل بررسی است (گروت، ۱۳۹۰، ص ۳۶۰). تناسب به ما این خبر را میدهد که بین اندازه‌های مختلف چه نسبت‌هایی وجود دارد (همان، ص ۳۶۸). تناسب تابع مقیاس است و تناسب مقیاس جزء ضروریات هر ترکیب محسوب میشود. در معماری ایران، اولین اصل، مردم‌واری است که به معنای داشتن مقیاس انسانی است در اینباره از واحدهای کوچکی چون پیمون بهره میگیرند.

که آن نیز با ابعاد انسانی مرتبط است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). تناسب یکی از اصول اولیه‌ی اثر هنری است که رابطه بصری میان اجزای آن را بیان میکند. یکی از دلایل زیبایی یک اثر تجسمی وجود تناسب میان رنگها، خطها، سایه-روشن و شکلهای آن است. میتوان در یک تابلوی نقاشی روابط متناسبی میان خطوط سیال خیال-انگیز، رنگها و وسعت سطوح برقرار کرد. و یا در یک اثر حجمی روابط مناسبی میان فرورفتگی‌ها و برجستگیها، فضای منفی و مثبت، بافتها و سطوح مختلف ایجاد کرد، همانطور که گوش یک نوازنده بلافاصله وجود یک نت خارجی را تشخیص میدهد، یک دیدهی حساس و کارآزموده به سرعت عدم تناسب را در رنگها و شکلهای یک اثر تجسمی میبیند (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۶۰) (جدول شماره ۶).

جدول ۶. چگونگی تجلی اصل تناسب در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



طراحی متناسب با بستر در این خانه نیز دیده میشود. چیدمان فضاها در اطراف حیاط براساس حریم اطراف زمین هماهنگ شده است و براساس نیاز و کاربری چیده است.	خانه احسان	بررسی تناسب در پلان و نمای واحد مسکونی
تمامی فضاها متناسب با بستر طراحی شده است. در این خانه نیز با توجه به بستر و حریم زمین بنا و نیازهای کاربردی مجموعه، چیدمان حیاط و فضاهای اطراف صورت گرفته است. در هر حیاط مرکزی نیز کاربریها بنا به شرایط و مستلزمات آن قرار گرفته است.	خانه آل یس	
طراحی متناسب با بستر طراحی شده است. راهرو ورودی، چیدمان کلی بنا ناشی از اهمیت هر بنا متناسب با کاربری و نیاز.	خانه لذیذی	

توازن

توأم است. ریتم از مقیاس قویتر است؛ زیرا با ریشه احساس سرو کار دارد. که یکی از ویژگیهای معماری عمیقتر است. تأثیر ایجاد شده توسط ریتم، ذاتی است. ریتم جزیی از جریان زندگی است که ما با آن تنفس میکنیم و این سریعترین واکنش انسان به ریتم است که با آن هماهنگ میشود. ریتم گاه بصورت متقارن و گاه بصورت منظم سرعت بیشتری مییابد و به اصطلاح کیفیت شادتری به خود می-گیرد. از اینرو انتخاب هر طرح ساختمانی با ریتم و تناسب متوازن که بتواند احساسات دلخواه معمار را در تماشاگر بیدار کند، از وظایف اصلی معمار و هنر خلاقه اوست (مایس، ۱۳۸۳، صص ۲۵۶-۲۵۵) (جدول شماره ۷).

هرگاه در یک اثر تجسمی انرژی بصری اجزای آن با یکدیگر و نسبت به کل اثر متعادل باشند، آن اثر دارای ترکیبی متوازن خواهد بود. اگر چه ممکن است اجزای آن نسبت به یکدیگر قرینه نباشد در واقع توازن بیانکنندهی روابط متعادل عناصر بصری در یک ترکیب غیر متقارن است (همان، ۷۱). در مواردی که انگیزه ایجاد طرح، فضای درونی است، محور اصلی توجه توأمان به تعادل و توازن است. در بسیاری از خانههای سنتی، اگرچه در حفظ اصول هندسی تقارن و مرکزشان تلاش شده، اما تقارنشان در پاسخگویی به فشارهای محیطی از هم پاشیده و به توازن نینجامیده است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). برای شناخت تعادل باید توازن را شناخت. توازن با ریتم و تواتر همراه و

جدول ۷. چگونگی تجلی اصل توازن در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان

<p>توازن در پلان: توازن نسبتاً زیاد در اطراف حیاط مرکزی و توازن نسبی در کلیت پلان. توازن در نما نسبتاً زیاد.</p>	خانه احسان	<p>بررسی توازن در پلان و نمای واحد مسکونی</p>
<p>توازن در پلان: زیاد توازن در نما و جزئیات نما زیاد است.</p>	خانه آل یس	
<p>توازن در پلان: توازن نسبتاً زیاد در اطراف حیاط مرکزی و توازن نسبی در کلیت پلان. توازن در نما نسبتاً زیاد.</p>	خانه لذیدی	

انسانی. آیه بعد به دنبال دعوتی که به وحدت و یگانگی در آیه قبل شد، انسانها را از پراکندگی و اختلاف با این عبارت بر حذر می‌دارد: اما آنها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند: فقطعوا امرهم بینهم زبرا (تفسیر نمونه جلد ۱۴، ص ۲۵۸).

حدیث: در شهرهای بزرگ و (مسلمان نشین) سکونت کن زیرا؛ مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاها و مناطقی که مردم آن از یاد خدا غافلاند، و به یکدیگر ستم (و جفا) روا میدارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمیکنند، پرهیز (نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۶۹، بند ۹، ص ۶۱۰). کسی که به اندازه یک وجب از مسلمانان دور شود خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می‌آورد (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۳۰۵، ص ۶۲).

۷- تجلی مفهوم وحدت هندسی در کالبد مسکن

سوره مؤمنون آیه ۵۲؛ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ.

ترجمه: و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید. **تفسیر:** این آیه به وحدت و یگانگی جامعه انسانی، و حذف هر گونه تبعیض و جدائی دعوت می‌کند، همانگونه که او پروردگار واحد است انسانها نیز امت واحد هستند. به همین دلیل باید از یک برنامه پیروی کنند همانگونه که پیامبرانشان نیز به آئین واحدی دعوت می‌کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود: توحید و شناسائی حق، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طبیعت و انجام اعمال صالح، و حمایت از عدالت و اصول

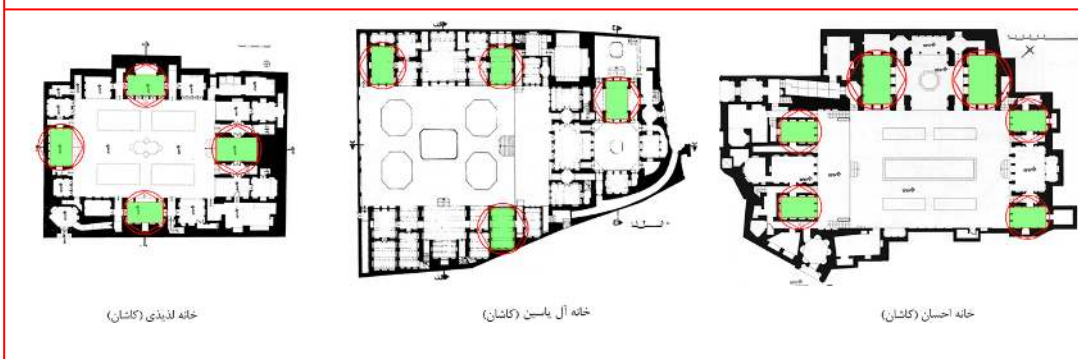
توضیحات؛ طبیعت جمادی و گیاهی و حیوانی مظهر کثرت انواع شکلها و رنگها، بافتها و بوهای متنوع و دلپذیر است و این کثرت به حفظ همه جاذبه‌های آن در هندسه‌ای منظم و قرینه‌سازی شده معماری میشود و بر حول محورهای فضاهای اصلی ساختمان و ایوانها و محلهای عبور و مرور به گونه‌ای سامان میدهد که قطب و قلب محوطه آب حیات آفرین و وحدت‌بخش و دل بر آسمان سپرده قرار میگیرد (شهیدی و بمانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۰). این مفهوم که بر مبنای اصل توحید در جهان - بینی اسلامی پایه‌ریزی شده، پدید آورنده اصل حرکت از کثرت به وحدت بوده است. این مهم، معماران را بر آن داشت تا آثاری را خلق نمایند که تجلیگاه اندیشه‌های توحیدی و فراطبیعی و اعتقاد به خدایی واحد باشد. آنان در تجسم وحدت و تجلی اندیشه توحیدی خود، از مفاهیمی چون عدالت - که ویژگی بارز خداوندی است - و از عناصری چون هندسه، نور و وزن در بستری عظمت‌گرا، متمرکز با حضور مکرر عناصر که تنها ذکر خالق یگانه را میگویند، بهره برده‌اند. تأکید آنان بر کانون و مرکزیت فضایی، جفتسازی و تقارن، محوربندی و جایگزینی فضاهای اصلی بر روی محورهای اصلی، از جمله تکنیکهایی است که معماران جهت تجلی مفهوم والای وحدت، در قالبی مادی و فیزیکی از آنان بهره جسته‌اند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۵۶). هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در ساحت هنر اسلامی، باز آفریننده صور قرآن دارد (بلخاری، ۱۳۸۸، ص ۳۹۸). معماری با نکات بسیاری از قبیل بعد، تناسب، تعادل و نظایر اینها همراه است. که وجود آنها جایی برای انکار ندارد. پس از ظهور اسلام، معماری ایران با زمینه - ای که از پیش از اسلام داشت حرکت‌های تازه‌ای در معماری ایران انجام داد. هندسه و تناسبها جایگاه وسیعی در معماری ایران داشته است. به طور کلی، ایرانیان بر این باور بوده‌اند که تمامی آفریده‌های انسان و طبیعت پذیرای قوانین ریاضی مانند تشابه، تقارن، هندسه هستند (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). هندسه ایرانی علاوه بر دخالت‌های اصولی، وسیله برقراری نظم و همبستگی عمومی و کلی بین تمام عوامل مثبت است (ابوالقاسمی، ۱۳۶۵). استفاده از الگوهای هندسی هماهنگ در اجزا و کلیت بنا و

فضاهای داخلی و خارجی، در نمود بصری وحدت و حضور خداوند، حضوری که در همهجا محسوس است مؤثر است همچنین استفاده از هندسه مرکزگرا در بیان بصری معنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مناسب است (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۳). معماران سنتی با توسل به هندسه و با درک و تجسم فضایی و نیز آگاهی از کم و کیف آن، تناسبات و ابعاد را تعیین و ساختار اصلی خانه سنتی را ایجاد میکردند، این هندسه در ساختار آشکار بنا به صورت خطوط و تناسبات صورت بنا را ترسیم میکرد، ولی در باطن اشاره و رمز آن حقیقت معنوی پنهان است. فضاهای خانه سنتی وسیله برقراری همبستگی و کلی بین عوامل مؤثر در طراحی خانه میباشد. هندسه که از مربع، دایره، و اشکال منظم تشکیل شده در مکانهای مختلف یکسان است اما راههای طرح و استفاده از خطوط، تناسبات و ایجاد مفاهیم مختلف و پنهان در معماری بسیار متفاوت میباشد (مسائلی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) (جدول شماره ۸).



خانه‌های تاریخی دارای هندسه‌ای از اشکال مربع و مستطیل میباشند و این اشکال در فضای مختلف مانند اتاقهای سهدری یا پنجدری بسته به کاربرد فضا بزرگ یا کوچک میباشند این تناسبات براساس اندازه فرشهای ایرانی در نظر گرفته میشدند و نیز تناسبات انسانی و نیز نیاز وی به فضا برای انجام فعالیت‌های مختلف مانند خوابیدن، نشستن و غیره طراحی میشده است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۶۰) (جدول شماره ۹).

جدول ۹. چگونگی تجلی وحدت هندسی در کالبد مسکن سنتی (وحدت اجزاء با همدیگر)، مأخذ: نگارندگان.



از جمله مصادیق وحدت، هماهنگی خانه در بافت مسکونی با دیگر واحدهای همسایگی است. نیاز به هماهنگی با دیگر واحدهای همسایگی و هماهنگی جزء با کل در واحد همسایگی و هماهنگ بودن بنا از نظر ظاهری و مادی با دیگر واحدهای مسکونی در واحد همسایگی و تعریف نمودن مصالح مطابق با اقلیم و همسایگی‌ها همگی، از جمله مصادیق وحدت همسایگی است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. بررسی هماهنگی با دیگر واحدهای همسایگی در نمونه‌های مورد بررسی، مأخذ: نگارندگان.

<p>در دید از بالای خانه احسان، میتوان هماهنگی آن با دیگر خانه‌های واحد همسایگی را مشاهده کرد. تمام خانه‌ها دارای حیاط مرکزی هستند. در مورد مصالح ساخت نیز خانه‌ها هماهنگ با هم و از یک نوع مصالح استفاده کرده‌اند.</p>		<p>خانه احسان</p>
<p>در دید از بالای خانه آل یاسین مشاهده میشود که این خانه‌ها در نوع کلی شبیه خانه‌های دیگر محله است. همگی دارای حیاط مرکزی و یک جهتگیری مشخص و هندسه نظام‌مند هستند. از مصالح همگن در ساخت خانه‌های خود استفاده کرده‌اند. در مورد گنبد‌های مشخص در پشت بام میتوان نمونه‌های مشابهی را در خانه‌های همسایگان مشاهده کرد.</p>		<p>خانه آل یاسین</p>
<p>دید از بالای خانه لذیذی نشان میدهد که تمام خانه‌ها دارای حیاط مرکزی هستند. فرم هندسی این خانه با خانه‌های همسایه دارای کلیت واحدی است. در مورد جهتگیری هندسی و مصالح ساخت نیز خانه‌ها هماهنگ با هم و از یک نوع مصالح استفاده کرده‌اند.</p>		<p>خانه لذیذی</p>
<p>هر سه خانه در هماهنگی کامل با واحدهای همسایگی هستند و این هماهنگی در ساختار، تیپ پلان و نما و مصالح به کار رفته و هندسه جهتگیری دیده میشود.</p>		<p>نتیجه‌گیری</p>

۸- تجلی اصل تنوع و تضاد در کالبد مسکن

سوره مرسلات آیه ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴؛ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ضَلَالٍ وَعُيُونٍ. وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ. كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.

ترجمه؛ همانا پرهیزکاران در سایه‌ها و چشمه‌ها (قرار دارند). و هر نوع میوه که بخواهند فراهم است. بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می‌دادید، گوارایتان باد. همانا ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

تفسیر؛ «ضلال» جمع ظل به معنی سایه است، خواه سایه‌ای مانند سایه درختان در روز، و یا سایه‌ای که در تاریکی شب حاصل می‌شود، در حالی که فیء به سایه‌ای گفته می‌شود که تنها در مقابل یک مبدا نورانی به وجود می‌آید همچون سایه درختان در مقابل آفتاب. و مراد از کلمه «عیون» چشمه‌های آن است. سپس می‌افزاید: (و فواکه مما یشتون) آنها در میان انواع میوه‌ها از آنچه مایل باشند و می‌خواهند قرار دارند (تفسیر نمونه، جلد ۲۵، ص ۴۲۶).

حدیث؛ امام علی (علیه السلام) به حارث همدانی نوشتند: ... از سکونت در منازل غفلت و جفا و آنجا که یاوران و اطاعت کنندگان خدا کماند، بپرهیز (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

توضیحات؛ واژه تضاد زمانی معنا پیدا میکند که رابطه یک عنصر خاص با دیگر عناصر مورد بررسی قرار گیرد. تضاد به این معنی است که آنچه ساخته میشود به عمد خود را از محیط اطراف جدا کرده به عنوان «چیز دیگر» خود را نشان میدهد. در دیدگاه نظریه اطلاعات «چیز دیگر بودن» به معنی غیر منتظره بودن است یا بداعت. هر چیز بدیعی باید حداقل ارتباطی با چیزهای قبلی (زمینه) داشته باشد تا پیام آن قابل درک باشد. به این معنی که برخلاف کوشش طراح در چیز دیگر بودن نقش، بایستی عوامل از زمینه در نقش حفظ شده باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۲۹). در کنار تضاد مفاهیم دیگری همچون تقابل، تباین، تجانس و اختلاف مطرح می‌شوند. که میتوان متناسب با نوع استفاده، آنها را به عنوان درجه‌هایی از تضاد به شمار آورده و تضاد در

کنار این مفاهیم ماهیت خود را بیشتر آشکار می‌کند (هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

از نظر قرآن نظام خلقت در عین تضاد و تزاومی که بین اجزایش است به نحو خاصی به هم مرتبط و پیوسته است و آن رشته ارتباط خاص، اجزای عالم را هم آغوش و هماهنگ یکدیگر کرده و در اثر این هم آغوشی و هماهنگی، هر موجودی را به نتیجه اثر رسانیده است (اصغری، ۱۳۷۸). یکی از اصول پایه و بسیار قابل اهمیت در خلق اثر هنری توجه به نقش کنتراست و استفاده از آن است. کنتراست به معنای تضاد، تباین و کشمکش متقابل میان عناصر و کیفیتهای بصری است. کنتراست ارتباط منطقی و در عین حال متضادی را میان اجزا و عناصر مختلف یک ترکیب و یا یک اثر هنری بیان میکند (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۷۲). هر مفهومی فقط در مقابل ضد خود معنا پیدا می‌کند بدون سرما گرمایی وجود ندارد و یا بدون پستی، بلندی نیست، و بدون تلخی، شیرینی معنا ندارد. تضاد یا کنتراست موجود در پدیده‌ها باعث حساستر شدن قوای حسی ما نسبت به معنای آنها میشود (دانیس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵). کنتراست به واسطه نقش مهمی که در انتقال معانی و مفاهیم در زندگی، طبیعت و آثار هنری دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان به طور طبیعی بسیاری از مفاهیم را از طریق مقایسه‌ی میان معانی و شکل‌های آنها درک میکند. همچنان که مفهوم شب و روز، سردی و گرمی، خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و یا بزرگی و کوچکی، پهنی و باریکی، تیرگی - روشنی و هندسی و غیر هندسی از طریق تجربه و شناخت تفاوتها و مقایسه‌ی میان آنها فهمیده میشود (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۷۲). وجود زوجیهایی همچون «آب و خشکی»، «گیاه و غیر گیاه»، «نور و سایه»، «آفتاب و مهتاب»، «باد و هوای ساکن»، «زمین و آسمان» و ... در محیط میتواند عامل ایجاد تنوع و در نتیجه باعث شادی و سرزندگی شود. زوجیت طبیعت سبب میشود که محیط زندگی انسان چهره ثابتی به خود نگیرد و هر روز تحت تأثیر تغییرات آن، با برکت گردد. آنچنان که ثبات خود را از دست ندهد (بمانیان و صالح، ۱۳۹۰، ص ۶۸). بهره گرفتن از کنتراست در آثار هنری باعث جلوه بیشتر معنی، گویاتر شدن حالت، قوی‌تر نشان دادن احساس و

در نتیجه انتقال مفاهیم و پیامها به شکلی مؤثر و عمیقتر است. در حالی که عدم بهره‌گیری از کنتراست در کیفیت و عناصر تأثیرگذار معمولا باعث یکنواختی، ملال و ناپایداری در تأثیرگذاری و عدم جذابیت اثر می‌شود. به طور مثال اگر نور را از یک محیط بصری حذف کنیم قادر خواهد بود برجستگی و فرورفتگی، تیرگی و روشنی، بزرگی و کوچکی و رنگ اشیا را تشخیص دهیم و همه چیز در تاریکی یکنواخت شناور خواهد شد و ارتباطی با مفاهیم فضای بصری مورد نظر به وجود نخواهد آمد. همچنین در صورت وجود نور بیش از حد و منابع نوری متعدد که منجر به حذف تیرگی‌ها شود با فضای روشن و یکنواختی منجر می‌شویم که به دلیل از بین رفتن کنتراست تیرگی - روشنی هیچگونه جذابیت بصری در آن دیده نمی‌شود. در حالی که وجود نور و تاریکی باعث ایجاد سایه - روشن و در نتیجه تشخیص فضای بصری می‌شود. در چنین حالتی هر چیزی به شکل، رنگ و ابعاد طبیعی خود می‌شود (حسینیراد، ۱۳۸۴، ص ۷۳). کنتراست نقطه مقابل تعادل است، کنتراست یا تضاد برهم زننده آن تعادل است، ذهن را تحریک و توجه را جلب می‌کند. بدون کنتراست تمامی مدارکات ذهن از بین می‌روند. و حالتی شبیه به مرگ یعنی حالت فنا به وجود می‌آید (دانیس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶) (جدول شماره ۱۱).

جدول ۱۱. چگونگی تجلی اصل تنوع و تضاد در کالبد مسکن سنتی، مأخذ: نگارندگان



نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با مطالعه و بررسی آیات و روایات میتوان براساس جدول ذیل به هفت اصل اساسی به عنوان معیارهای مؤثر بر کالبد مسکن به همراه توصیه‌های طراحی اشاره نمود.

جدول ۱۲. تحلیل اصول و معیارهای مسکن مطلوب براساس آیات و روایات

نشانی آیه	پیام و نکته‌ها	تجلی اصول در کالبد مسکن	توصیه‌های طراحی مسکن براساس آموزه‌های اسلامی
توبه آیه ۷۲	<p>– «جَنّاتِ عَدْنِ»، طبق روایات، بهترین و شریف‌ترین منطقه‌ی بهشت و جایگاه پیامبران و صدیقان و شهداست، منطقه‌ای که از نظر خوبی، به خیال کسی خطور نکرده است.</p> <p>– خداوند به اهل نفاق، «نار جهنّم» وعده داده، اما به اهل ایمان «جَنّات، مساکن».</p> <p>– «جَنّت» به باغهای دنیا نیز گفته می‌شود (بقره آیه ۳۵).</p> <p>– بزرگ‌ترین امتیاز بهشت، خلود در آن و جاودانگی نعمت‌های آن است. «خالدین فیها».</p> <p>– زندگی آخرت تنها معنوی نیست، بلکه مادی و جسمانی است. «جَنّات، مساکن طیبیه».</p> <p>– مسکن خوب، وقتی ارزشمند است که در منطقه‌ی خوب باشد. «مساکن طیبیه فی جَنّات عدن».</p> <p>– از تمایلات طبیعی انسان به آب، سرسبزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده کنیم. «وعدالله... جَنّات تجری من تحتها الانهار...».</p> <p>– لذت‌های معنوی، بالاتر از لذت‌های مادی بهشت است. «رضوان من الله اکبر».</p> <p>– بهشت نیز درجات و مراتبی دارد. «جَنّات تجری، جَنّات عدن و رضوان من الله اکبر».</p>	<p>رعایت اصل طبیعت</p>	<p>– بهشت حد والای طبیعت است.</p> <p>– براساس آیه ۳۵ سوره بقره، بهشت، مسکن اولیه بشر و خانه اخروی مومنین است.</p> <p>– بکارگیری توصیفات بهشتی در خانه برای آرامش و آسایش.</p> <p>– منظر و دید مناسب برای رؤیت آسمان در فضای مسکنی که امکانش وجود دارد.</p> <p>– اهمیت دید در شب مسکن با معیارهای زیباشناسی.</p> <p>– لزوم دیده شدن ستارگان آسمان در شب.</p> <p>– دیدن نزول آب باران از آسمان برای ساکنین.</p> <p>– صحنه‌پردازیهای هنری در فضای مسکن مرتبط با مفهوم مسکن و زیبایی فضای مسکن و صحنه‌پردازی طلوع و غروب (ایجاد فضای ذکر).</p>

<p>- مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. - آرامش بخشی مسکن. - داشتن فضای مناسب در ابتدای ورود به مسکن.</p>	<p>رعایت اصل عدم اشراف</p>	<p>- ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...» - حق آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا صلی الله علیه وآله. «لا تدخلوا بیوت النبی» - بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) «بیوت النبی... الی طعام» - صاحب خانه حق دارد به کسی اذن ورود ندهد. «الا ان یؤذن لکم» - اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصا اجازه بدهد. «یؤذن» به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود. - نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. «فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن».</p>	<p>احزاب آیه ۵۳</p>
<p>- اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. - ایجاد همجواری مطلوب بین مسکن. - ارتقا و بهبود روابط همسایگی. - در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم. - روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری.</p>	<p>رعایت اصل همجواری</p>	<p>- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران «رابطوا». - صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی قرار گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند «صابروا و رابطوا واتقوا الله». - اسلام دین جامعی است، صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است «اصبروا... رابطوا».</p>	<p>آل عمران آیه ۲۰۰</p>

<p>- تعادل در نظام کل و اجزاء. - تعادل در ارتباط متقابل با محیط. - تعادل بین فضاهای خانه. - تعادل بین خانه و همسایگان. - تعادل بین خانه و محیط طبیعی.</p>	<p>تجلی اصل تعادل</p>	<p>- انسان، مأمور به قسط و عدالت است. «أمر ربّی بالقسط» و کردار زشت، خارج از دائره‌ی قسط است. «لا یأمر بالفحشاء... امر ربّی بالقسط». - پایبندی خالصانه به دین، زمینه‌ی گسترش قسط و عدل است. «أمر ربّی بالقسط و اقیموا وجوهکم». - عدالت، تنها یک ارزش اخلاقی نیست. فرمان حتمی الهی است. - عدالت مستمر به صورت ملکه و عادت، ارزش است، نه عدالت لحظه‌ای. - انسان‌های عادل و منصف، به تقوا نزدیکتراند. - اگر باور کنیم که خدا عملکرد ما را می‌داند، به عدل رفتار خواهیم کرد (اعراف، آیه ۸). - مفاهیم قسط و عدل شرط جامعه اسلامی است. - عدل فقط، عدالت اجتماعی و قضایی نیست. - نقش عدل در اساس خلقت عالم و تداوم هستی کائنات.</p>	<p>اعراف آیه ۲۹</p>
<p>- اصل سلسله مراتب یکی از اصول بنیادین حاکم بر جهان هستی است. - رعایت نظام ارزشگذاری و دسته‌بندی فضاها براساس شأنیت کارکردیشان. - در نظرگیری مراتب برای فضاسازی خانه‌ها که این حرکت به گونه‌ای باشد که یادآور سلسله مراتب عرفانی برای نیل به مقصود الهی باشد و آرامش روحی و جسمی افراد را تأمین گرداند.</p>	<p>تجلی اصل سلسله مراتب</p>	<p>- بهشت دارای سلسله مراتب است. «درجات العلی». - اولویّت‌ها و سلسله مراتب را مراعات کنیم (محمد آیه ۳۳). - در میان فرشتگان نیز سلسله مراتب وجود دارد، «و ما منا الا له مقام معلوم» (صافات آیه ۱۶۴). - در قیامت، سلسله مراتب است (بقره آیه ۱۴۳). - در میان انبیاء، سلسله مراتب است و خاتم‌التبیین اشرف آنهاست، زیرا همه‌ی انبیا باید مؤمن به او و حامی او باشند (آل عمران آیه ۸۱). - در قانون الهی، میان خویشاوندان نیز سلسله مراتب وجود دارد. «و اولوا الارحام بعضهم أولى ببعض» (انفال آیه ۷۵). - رعایت سلسله مراتب و موقعیت سنی در خانواده و جامعه لازم است «قال کبیرهم» (یوسف آیه ۸۰). - راههای هدایت نیز درجات و سلسله مراتب دارد (اسرا آیه ۸۴). - گواهان در قیامت، سلسله مراتب دارند. برای هر امتی، امام آن شاهد است و پیامبر اسلام، شاهد بر همه‌ی گواهان است (نحل آیه ۸۹). - در میان پیامبران نیز سلسله مراتب و برتری وجود دارد. حتی بهترین افراد و متّقین با هم یکسان نیستند (اسرا، آیه ۵۵). - در احترام به دیگران، سلسله مراتب حفظ شود (صافات آیه ۱۲۰).</p>	<p>طه آیه ۷۵</p>

- چیزی در هستی، بدون اندازه معین آفریده نشده است. «بقدر معلوم».
- آفرینش، حساب و کتاب دارد. «فقدرة تقدیرا».
- تدبیر هستی، بسیار دقیق است. «تقدیرا».
- نظام آفرینش موجودات براساس مقدار و میزان دقیق است. «بمقدار».
- توازن ناظر بر هماهنگی کلیات و جزئیات خانه است؛ که در آن توازن با نظام خلقت میباشد.

**تجلی اصل
تناسب و
توازن**

- بهره‌گیری از ابعاد و اندازه دقیق پیمون در کالبد.
- رعایت تناسب منطقی فضاهای خانه با نیازهای کاربر (تناسب بین کاربر و کارکرد فضا).
- جهان هستی متوازن است و خانه جزئی از جهان و در توازن با آن است.
- توازن و تناسب خانه و فضاها، به نسبت وزنی فضاها در خانه بستگی دارد.
- جنبه دیگر تناسب، هموزنی شکل فضا و کاربری آن است.
- توازن اندام و عملکردها در خانه، توازن درونی فضاها؛ اصول توازن در طراحی فضا است.
- سازش و هماهنگی فضاها.
- در نظر گرفتن تناسب احجام و فاصله عناصر.
- برقراری اندازه و نسبت مشخص زیبایی در فضاهای مسکن.

بهشت و دوزخ سایه‌های متفاوت دارند. «ظل ذی ثلاث شعب...فی ظلال و عیون».
- انسان تنوع طلب است و در بهشت، باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، خوراکی‌ها و نهرها همه متنوع‌اند. «فی ظلال و عیون و فواکه ممّا یشتهون».
- وجود آب و درخت در کنار هم، نشانه کامیابی کامل است. «فی ظلال و عیون».
- در بهشت وسعت مکانی و تنوع وجود دارد (اعلی آیه ۱۷).
و تنوع - در بهشت، باغها و نهرها تعدد دارند (نحل آیه ۳۱).
- تنوع میوه‌ها با رنگ، مزه، بو و شکل‌های مختلف، همه از نشانه‌های قدرت الهی است.
- تنوع میوه‌ها با اراده و خواست خداوند است و گرنه یک آب، یک نوع مزه بیشتر ندارد (رعد آیه ۴)
- برای تذکر، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است (انعام آیه ۱۲۶).

**تجلی اصل
تنوع و تضاد**

- استفاده از تنوع و تضاد در فضای مسکن.
- گونه‌های مختلف گیاهی متناسب با اقلیم.
- استفاده از تضادهای روز و شب، نور و سایه، سفیدی و سیاهی در طراحی.
- در فضاهای مسکن عناصر متضاد با چینش همجواری مثبت و منفی قرار گیرد نور و تاریکی.
- بکارگیری تضاد و تنوع در جزئیات (بدنه‌ها، رنگ در بدنه‌ها، مصالح و مبلمان).

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۶۵)، هنجارهای شکلیابی معماری اسلامی ایران، مجموعه مقالات معماری ایران.

اریاب زادگان هاشمی، سید علیرضا، رنجبر، احسان (۱۳۸۸)، بازخوانی مفهوم تضاد در ارتقاع تنوع بصری فضاهای عمومی شهری، نشریه آرمانشهر، شماره ۳. اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۸۸)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

امینپور، احمد، مدنی، رامین و حامد حیاتی (۱۳۹۴)، بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه های اسلامی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۰، ص ۴۷-۶۰.

امینزاده، بهناز (۱۳۷۹)، حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین، نشریه علمی-پژوهشی صفا، شماره ۳۱.

امینزاده، بهنام، نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، آرمانشهر اسلام، شهر عدالت، نشریه صفا، شماره ۳۵. آیوزیان، سیمون (۱۳۷۶)، حفظ ارزشهای معماری سنتی در معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم، وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال، سوره مهر، تهران. بمانیان، محمدرضا، امینی، معصومه (۱۳۹۰)، بررسی شاخصهای مؤثر در شکلگیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵.

بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال، صادقی، علیرضا (۱۳۸۹)، بازخوانی هویت معنوی و انگارههای قدسی در معماری مساجد شیعی، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۰.

بمانیان، محمدرضا، صالح، الهام (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معادشناسی در قرآن کریم، پژوهشهای میان رشتهای قرآن کریم، شماره ۵.

بمانیان، محمدرضا، عظیمی، فاطمه (۱۳۸۹)، انعکاس

معانی منبعث از جهانبینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲.

بمانیان، محمدرضا، علی محمدی، فرزانه، ارجمندی، سحر، بررسی اصول زیباییشناسی در معماری خانههای سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانههای تاریخی شهر قزوین)، اولین همایش ملی اندیشهها و فناوریهای نو در معماری، تبریز-ایران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.

تولایی، نسرين (۱۳۸۲)، نقش مذهب در شکلگیری فضایی جغرافیایی. نشریه علمی و پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، تابستان ۸۲، صص ۶۲-۷۳.

حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران، ناشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

حسینبراد، عبدالمجید (۱۳۸۴)، مبانی هنرهای تجسمی، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران.

خسروی، محمدباقر، بمانیان، محمدرضا، سیفیان، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش هویتساز قانده لاضرر در شکلگیری الگوی معماری اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی نقشجهان، دوره سوم، شماره ۱.

دانیس، دونیس الف (۱۳۸۸)، مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، انتشارات سروش، چاپ بیستم، تهران.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، انسان شناسی مسکن. خسرو افضلیان، مشهد آستان قدس رضوی.

راپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، منشاء فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، جهاد دانشگاهی علم و صنعت، تهران.

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰)، سطح بندی شهر در کلام پیامبر (ص)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳، صص ۴۷-۵۵.

ستاری ساربانقلی، حسن، زاهدیان، المیرا (۱۳۹۳)، جایگاه فضای سبز در معماری مسکونی ابنیه سنتی ایران با رویکرد به قرآن کریم و متون دینی، عصرآینه، پاییز و شماره ۱۶-۱۵.

سیدرضی، محمد (۱۳۸۳)، نهجالبلاغه، ترجمه: محمدتقی جعفری تبریزی، چاپ پنجم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

شهیدی، شریف، بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، نقش خدامحوری در شکلدهی به ساختار، اجزا و عملکردهای معماری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۲۷.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۸۸)، روایت و سکونت، رایانه معماری و ساختمان.

طهوری، نیر، جستجوی مفاهیم نمادین کاشی زرین فام، فصلنامه خیال، فرهنگستان هنر، تهران، شماره ۱، ۱۳۸۱.

غنیزاده، مسعود (۱۳۸۵)، نگاه به شهر در تمدن اسلامی، نشریه علمی و پژوهشی راهبرد یاس، شماره ۷، پاییز ۸۵، ص ۱۹۷-۲۱۰.

فرخیار، حسین (۱۳۹۲)، صد خانه - صد پلان (ویژگیهای معماری خانههای قدیمی در اقلیم گرم و خشک)، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان.

کورت گروتز، یورگ (۱۳۹۰)، زیباییشناسی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ ششم، تهران. مایس، پیرفون (۱۳۸۳)، عناصر معماری از فرم تا مکان، ترجمه مجتبی دولتخواه، چاپ دوم، انتشارات ملائک، تهران.

مسائلی، صدیقه (۱۳۸۸)، نقشه پنهان به مثابه دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، تهران. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، فطرت، انتشارات صدرا، تهران.

معماریان، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۹)، تأثیر فرهنگ دینی بر شکل گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۲۵-۱.

ملکشاهی، غلامرضا (۱۳۸۰)، تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی. نشریه علمی و پژوهشی پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۶۱-۱۸۳. منصور، علی (۱۳۸۹)، حجاب و پوشیدگی در

شهرسازی ایرانی-اسلامی نمونه پژوهش میدانی بافت قدیم شهر شیراز، مسکن و محیط روستا. مهدوینژاد، محمد جواد (۱۳۸۳): حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساختهای معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۵۷-۶۶.

نصر، سید حسین، دین و نظم طبیعت، ترجمه محمد حسن فغفوری، انتشارات حکمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۱)، اصول مفهومی طراحی خانه براساس حکمت اسلامی. مقاله چهاردهم، صص ۱-۱۷.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۲)، تحلیل ساختار فضایی بیت الحرام و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران، مقالات بنیادی و کاربردی در حکمت هنر و معماری اسلامی، جلد اول، مقاله چهاردهم.

نقیزاده، محمد (۱۳۹۳): تدوین مبانی مسکن معاصر براساس جهان بینی اسلامی. مقاله ۳۳۳۹، صص ۳۲۱۳-۳۲۳۱.

نقیزاده، محمد (۱۳۷۹)، رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۷۹-۹۱.

نقیزاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، انتشارات مانی، اصفهان، چاپ اول.

وثیق، بهزاد، پشتونیزاده (۱۳۸۸)، آزاده، مفاهیم سکونت در آیات و روایت اسلامی، مسکن و محیط روستا، شماره ۲۹.

Rabah, Saoud (2002), Introduction to the Islamic City, foundation for science Technology and Civilization

استخراج راهبرد های محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم بر اساس نظریه (CPTED) (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی شهر رشت)

سیده فرگل حسینی دیوشلی - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
امیررضا کریمی آذری* - استادیار، دانشکده معماری و هنر، گروه معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

Extraction of effective environmental strategies in preventing of crimes based on CPTED theory (Case study: residential complexes of Rasht)

Abstract

Clarifying the role of city structure on reducing crimes is an important subject which is discussed in format of new theories of urbanism. The objective of present article is to extract theoretical strategies CPTED and determining contribution and rank of each of them is in preventing from crimes in residential complexes of Rasht. Present research is practical and the method of information collection in it is traversal and research methodology is analytical-descriptive. Statistical community are 10 persons of architectures in the first step and 390 persons of residents in residential complexes in the second step that three complexes such as Abrisham, Kaktous and Pardisan are selected as case matters. SPSS statistical software and factor analysis are used for statistical analysis. Findings of this survey show that in territory part, the variable "using real and symbolic barriers" with operating load 0.637, in increasing supervision of variable "supervision on Buildings' entrance by use of lighting" with operating load 0.778, in control of entrances and availability of variables "avoiding from partial designs and protrusility and setbacks" with operating load 0.574 and in improvement of environmental quality variable "allocating common defined environment to residents of each blocks" with operating load 0.541 has assigned the most contribution in preventing from crimes in residential complexes.

Keywords: crime, CPTED theory, environmental strategies, prevention, residential complexes in Rasht.

تبيين نقش کالبدی شهر بر کاهش جرائم، موضوع با اهمیتی است که در قالب نظریه های نوین شهرسازی مورد بحث قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر استخراج راهبردهای نظریه (CPTED) و تعیین سهم و رتبه هر یک از آن ها در پیشگیری از جرایم در مجتمع های مسکونی شهر رشت می باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و روش جمع آوری اطلاعات در آن، پیمایشی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. جامعه آماری تحقیق نیز در مرحله اول ۱۰ تن از متخصصین معماری و در مرحله دوم ۳۹۰ نفر از ساکنین مجتمع های مسکونی شهر رشت می باشند که سه مجتمع ابریشم، کاکتوس و پردیسان به عنوان نمونه موردی انتخاب شدند. برای انجام تجزیه و تحلیل های آماری نیز از نرم افزار آماری اس.پی.اس.اس و تحلیل عاملی استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که در قسمت قلمرو بندی متغیر «استفاده از موانع واقعی و نمادین» با بار عاملی ۰/۶۳۷، در قسمت افزایش نظارت متغیر «نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی» با بار عاملی ۰/۷۷۸، در قسمت کنترل ورودیها و دسترسی ها متغیر «اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگیها و عقب نشینیها» با بار عاملی ۰/۵۷۴ و در قسمت بهبود کیفیت های محیطی نیز متغیر «اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوکها» با بار عاملی ۰/۵۴۱ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرایم در مجتمع های مسکونی به خود اختصاص دادند.

واژگان کلیدی: جرم، نظریه (CPTED)، راهبردهای محیطی، پیشگیری، مجتمع های مسکونی در رشت.

مقدمه

با رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها، مفهوم امنیت در شهرها، از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است؛ رشد و گسترش ناامنی در شهرها با مطرح شدن پیچیدگی فناوری و تقسیم کار اجتماعی بیش از توسعه فیزیکی شهرها بوده و این امر احساس امنیت و آسایش و رفاه شهروندان را مورد تهدید قرار داده است (بهیمان و فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). افزایش جرم که رابطه نزدیکی با میزان امنیت (اجتناب از زیانهای فیزیکی و اجتماعی) دارد (Oktay and Jalaladini, 2012: 665) زمینه‌های عدم رضایت را از محیط ایجاد کرده است. در میان عوامل متعدد تأثیر گذار بر جرم مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیستی، روانی، محیطی (کالبدی) و غیره، دو عامل بیش از همه مهم به نظر می‌رسند. عامل اول، روابط خاص شهروندان و ساختار جامعه شهری که به دلیل تضاد فرهنگی حاصل از مهاجرت افراد مختلف در شهرهاست و عامل دوم به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمانها و نماهای شهر مربوط میشود، مانند: حاشیه نشینی، اشکال هندسی خیابانها و میداين، دسترسی غیرمجاز به بزرگراه‌ها، تراکم بیش از حد ساختمانها، ساختمانهای نیمه ساخته و مخروبه و غیره (افضلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۰). بحث امنیت شهری و پیشگیری از جرایم نیز به عامل دوم شکل گیری جرایم یعنی عامل کالبدی مربوط می‌شود. در مباحث نوین مطرح در طراحی شهری و برنامه ریزی شهری از اصولی یاد میشود که در آن تلاش می‌شود تا زمینه بروز جرم در یک مکان خاص را تا حد امکان از طریق طراحی و برنامه ریزی صحیح برطرف نماید. توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص (که گاهی ممکن است رفتاری مجرمانه باشد) می‌باشد امری ضروری است (ادیبی سعدی نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰، ص ۸۳). با توجه به این

مطالب، تحقیق در ارتباط با راهکارهای ارتقاء امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی، به کمک طراحی محیطی ضروری به نظر می‌رسد. تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با فعالیت معماران و طراحان شهری و جرم‌شناسان آمریکایی مانند جیکوبز^۱، اسکار نیومن^۲، جفری^۳ و اسجلمو انجل^۴ شکل می‌گیرد. این تئوری جزء رهیافت‌های مکانیکی در پیشگیری از جرم است و بر این اعتقاد است که با طراحی درست و کابردی موثر از محیط می‌توان علاوه بر کاهش جرم بر کیفیت زندگی نیز افزود. به عبارت دیگر اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند باعث بهبود نظارت افراد شود، تعلق خاطر ساکنان را به قلمرو خود بالا می‌برد و با ایجاد تصویری مثبت از محله، فرصت‌های مجرمانه را کاهش خواهد داد و مجرمان را از ارتکاب جرم باز میدارد (میر جمشیدیان و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۲). بنابراین برنامه ریزی و طراحی محیطی، می‌تواند نوعی رویکرد هدفمند در جهت کاهش جرائم در محیط‌های مصنوع شهر قلمداد شود که به‌طور مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت و افزایش رضایتمندی شهروندی در نتیجه بهبود رفاه اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۶). از این رو در این مقاله پس از گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی (پرسشنامه و مصاحبه)، ضمن استخراج راهبردهای نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، به اولویت بندی و تعیین سهم و رتبه هر یک از این متغیرها پرداخته میشود. این مقاله در پی پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد: ۱. راهبردها و راهکارهای نظریه (CPTED)^۵ که مؤثر بر پیشگیری و کاهش جرم در مجتمع‌های مسکونی می‌باشند، کدامند؟ ۲. کدام یک از این راهبردها و اصول دارای رتبه و سهم بیشتری در پیشگیری از جرایم هستند؟

۱. Jacobs

۲. Oscar Newman

۳. Jeffery

۴. Scholmo Angel

۵. Crime Prevention Through Environmental Design



ضرورت و اهمیت تحقیق

رفتارها در محلات مسکونی اتفاق افتاده است (مستوفی الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳، ص ۹۵).

اهداف و فرضیات پژوهش

هدف کلی این پژوهش، استخراج راهبردهای مؤثر در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت بر اساس نظریه (CPTED) می باشد، که این امر اولاً با بررسی تحلیلی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی فضای مسکونی و پیشگیری از جرایم و سپس دست‌یابی به مجموعه‌ای از مولفه‌ها و راهکارهای طراحی فضای مسکونی در جهت تأثیر مثبت بر ارتقاء امنیت و کاهش جرم حاصل می‌شود. هدف آرمانی این پژوهش نیز ارتقاء سطح امنیت در مجتمع‌های مسکونی به کمک طراحی محیطی به منظور رسیدن به جامعه ایمنتر، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و سوق جامعه به سمت امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. اهداف فرعی این پژوهش نیز به صورت زیر می باشند:

۱. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای تقویت قلمرو بندی؛
۲. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش نظارت؛
۳. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش کنترل ورودی و دسترسی‌ها؛
۴. استخراج راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرم در راستای افزایش بهبود کیفیت‌های محیطی.

همچنین این پژوهش در راستای آزمودن فرضیه‌های زیر انجام شده است: ۱. در قسمت قلمرو بندی، متغیر استفاده از موانع واقعی و نمادین برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی دارا می باشد. ۲. در قسمت افزایش نظارت، متغیر نظارت بر ورودی ساختمان‌ها با استفاده از نورپردازی، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی دارا می باشد. ۳. در قسمت کنترل ورودی‌ها و دسترسی‌ها، متغیر اجتناب از طراحی‌های جزئی و جلو آمدگی‌ها و عقب‌نشینیها (به گونه‌ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان‌ها مورد استفاده قرار گیرند)، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی دارا می باشد. ۴. در قسمت بهبود کیفیت‌های محیطی، متغیر

امنیت، پیش‌زمینه یک جامعه سالم و احساس امنیت، بسترساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقای امنیت و احساس ناشی از آن است (al et Ehsanifard, 2013:322). وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود. امروزه با توجه به گسترده‌ی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت و پیشگیری از جرایم و عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است (ذبیحی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). جرم و ارتکاب به جرم در جوامع امروزی به عنوان یک مشکل اجتماعی همه ساله بر زندگی هزاران تن از شهروندان اثر سوء می‌گذارد. جرم‌هایی از قبیل دزدی، تجاوزات، قتل و ربودن در اصل تهدیدات جدی بر علیه ایمنی و امنیت در یک جامعه می‌باشند (مستوفی الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳، ص ۹۴) و هزینه‌های زیادی را به دنبال دارند. در سطح جهانی، سیستم عدالت کیفری، در یک تخمین هر ساله ۴۲۴ بلیون دلار هزینه می‌کند و این یک هزینه خیلی زیاد و بیهوده است (Melenhorst & Cozens, 2014: 67). در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم (شی و شخص)، مکان جرم و زمان جرم مورد توجه قرار می‌گیرد. در میان این عوامل کلیدی، نقش مکان (محیط) به طور متمایز، از حوزه برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری مورد توجه قرار می‌گیرد (خلقت دوست و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۰). بنابراین آنچه انجام این پژوهش را ضروری می‌نماید، ظرفیت بالقوه فضاهای شهری و کالبد محیط در کاهش و یا جلوگیری از جرایم است (پاک نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۹). زیرا اگر در اثر طراحی محیطی مناسب، جرم‌زدایی به صورت اصولی انجام گردد مشکل بسیاری از شهرها و محلات ما در خصوص همبستگی اجتماعی، تمایل به مشارکت، هویت، حس تعلق مکانی، میزان استفاده از محیط و غیره برطرف می‌گردد. از جمله جرائم موجود در شهرها می‌توان به سرقت، قاچاق مواد مخدر و قتل و غیره اشاره نمود که طبق مطالعات انجام گرفته بیشترین این

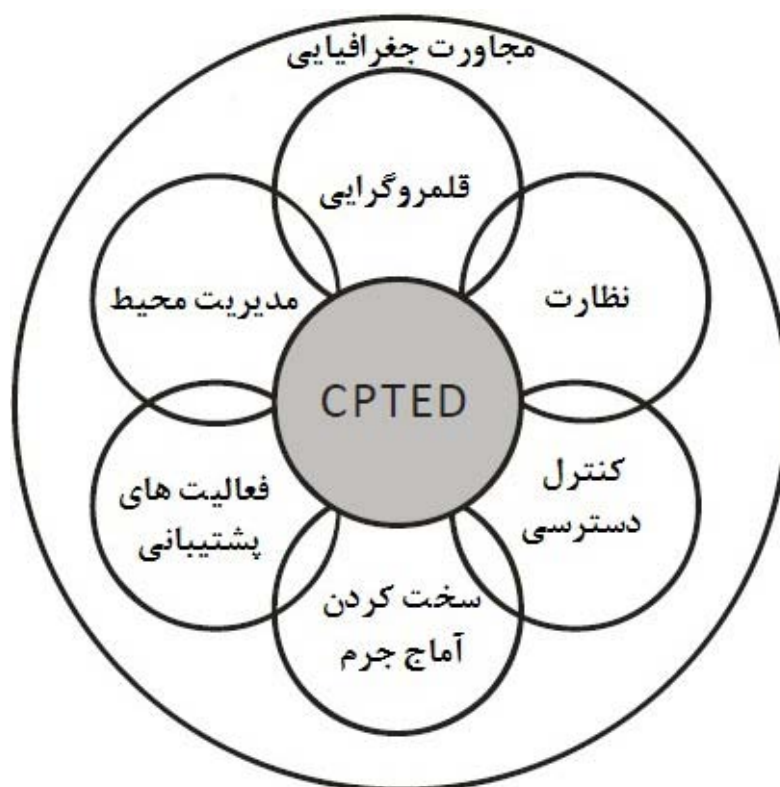
اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها برای انجام فعالیت های مشترک، بیشترین بار عاملی را در پیشگیری از جرایم در مجتمع های مسکونی دارا می باشد.

مبانی نظری

تعریف نظریه (CPTED)

نظریه (CPTED) بر این ادعا استوار است که با طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از محیط و با بهبود در کیفیت محیط زندگی می توان از جرم پیشگیری کرد و بر ترس از جرم نیز غلبه یافت (al et Ahmadi, 2015: 96). همان طور که در شکل (۱) مشاهده می شود، بر اساس جدیدترین تحقیقات، این نظریه روی هفت مفهوم کلیدی تعیین قلمرو (قلمرو گرایی) - نظارت - کنترل ورودی - مدیریت محیط (بهبود کیفیت محیطی) - فعالیت های پشتیبانی - سخت کردن آماج جرم - مجاورت جغرافیایی (اشاره دارد به تأثیر زمینها و فعالیت های نزدیک بر روی امنیت و ایمنی یک سایت ویژه) تمرکز میکند (Ekblom, 2011; Cozens, 2015: 74).

شکل ۱. اصول هفت گانه نظریه CPTED: مأخذ: Love and Cozens, 2015: 396.



سیر نظریه پردازی پیرامون نظریه CPTED

با ورود به قرن بیستم، بحث تاثیرگذاری محیط و نقش آن در تحقق بزهکاری وارد مرحله تازه ای شد. تئوری تاثیر محیط کالبدی ساخته دست بشر بر رفتارهای از اوایل دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی در آمریکا مطرح شد (کلانتیری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۴). همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود، بعد از این دهه بود که در اثر فعالیت هایی افرادی چون جین جاکوبز، اسچلمو آنجل، الیزابت وود، سی. ری جفری و اسکار نیومن و غیره این نظریه و روابط میان محیط و جرم بیشتر آشکار شد (فائده رحمتی و شمسی، ۱۳۹۲، ص ۶۵). نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روی محیط هایی که معمولاً هدف رفتارهای جرم خیز واقع می شوند، تمرکز می کند و سپس روی تکنیکها و روشهایی که می توانند رفتارهای جرم خیز رادر محیطهای تحت تأثیر واقع شده کاهش می دهند، تأکید می ورزد (al et Sakip, 2012: 629).

جدول ۱. پیشینه و سوابق رویکرد CPTED در آرای اندیشمندان

دهه	نظریه پرداز	نظریات و اصول پیشنهادی
۱۹۶۰	جاکوبزدر کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	چشمان ناظر بر خیابان؛ مرزبندی روشن بین فضای عمومی و خصوصی؛ پیوسته مورد استفاده قرار گرفتن پیاده راه ها؛ ایجاد اختلاط در کاربری
۱۹۷۰	جفری در کتاب جلوگیری از جرایم شهری با طراحی محیطی	انتشار کتاب پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که در انتخاب نام رویکرد CPTED مؤثر بود؛ کاهش وقوع جرم از طریق حذف تقویت کننده های آن
۱۹۷۰	اسکار نیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع	قلمرو و ایجاد حس مالکیت در ساکنین؛ نظارت طبیعی و توانایی دیدن و دیده شدن؛ بهبود سیمای ساختمان؛ مجاورت کاربری مسکونی با دیگر امکانات مورد نیاز مردم؛ نوشتن کتابی در اصلاح قبلی اش، با عنوان «خلق فضای قابل دفاع»؛ بررسی تاثیر گونه های مسکن بر توانایی ساکنان در کنترل محیط؛ وجود کمترین میزان فضای غیرقابل دفاع در بلوک های شهری متشکل از خانه های تک واحدی؛ قرار داشتن باغ- آپارتمانها در میان خانه های تک واحدی و بلند مرتبه ها از نظر دارا بودن فضای غیر قابل دفاع؛ دارا بودن بیشترین میزان فضای غیر قابل دفاع در بلند مرتبه ها؛ راحت تر بودن کنترل فضاهای عمومی برای ساکنین در آپارتمان های کم واحد
۱۹۸۰	ویلسون ^۱ و کلینگ ^۲ و پل براتینگهام در کتاب جرم شناسی شهری	نگهداری و مواظبت از محله نظیر عدم وجود عناصری چون پنجره های شکسته یک ساختمان، وجود آشغال و ... در محله؛ ارائه نظریه پنجره های شکسته؛ کاهش ظرفیت طبیعی جرم خیزی مناطق شهری؛ اشاره و تأکید بر ناکارآمدی قوانین و استاندارد های طراحی شهری و معماری؛ نقش موانع طبیعی و باز دارنده های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرایم شهری
۱۹۸۰	ساویل ^۳ و کلوند ^۴	ایجاد رویکرد نسل دوم CPTED و توصیه به در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و روانشناسانه در ورای توجه به محیط فیزیکی برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی
۱۹۰۰ و ۲۰۰۰	تیم کرو ^۵ مسئول برنامه های آموزشی جهانی CPTED	ارایه استراتژی و روش مندی این رویکرد؛ برگزاری کنفرانس ها و همایش های بین المللی با عنوان CPTED
۲۰۰۰	ساویل	ایجاد مدل امنیت گسترده که وظیفه ی ایجاد امنیت و پایدار نگه داشتن آن در محلات را به ساکنین واگذار می کند تا به کمک متخصصین به این امر مهم دست یابند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۴۶۳

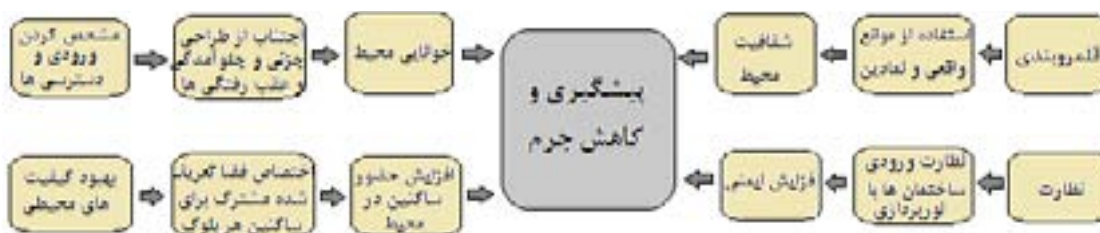
نگاهی به پیشینه رویکرد CPTED

پژوهش گران کشور طی چند ساله گذشته، به مباحث مربوط به مطالعه رابطه جرم و محیط توجه کرده‌اند و بررسی‌ها نشان از افزایش توجه به این موضوع در متون علمی کشور دارد که از مهم ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد.

صدیق سروستانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری (مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران)»، به آزمودن سطح ترس از جرم شهروندان در یکی از محله‌های تهران با تدوین مدل علی پرداختند. مدل نظری پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات با به‌کارگیری روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار آموس آزمون شده و مدل نهایی برآزش شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که بی‌نظمی در محله مهم ترین تبیین کننده ترس از جرم در محلات شهری است. تجربه بزه‌دیدگی و رضایت از محله نیز تأثیر چشمگیری بر سطح ترس از جرم شهروندان دارند. غفاری، نعمتی مهر و عبدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPT-ED) در محیط‌های مسکونی» به بررسی مراحل تکامل رویکرد (CPTED) و ارزیابی راهکارهایی برای کمک به معماران و طراحان شهری در جهت طراحی محیط مسکونی ایمن در برابر جرایم پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت محیطی، صرفاً پدیده‌ای حاصل از مداخلات کالبدی (ایده‌های نسل اول) نیست بلکه پدیده‌ای نیازمند نگرشی عمیق و جامعه‌شناختی است که در قالب جاری ساختن ایده‌ها و اصول نسل دوم به عنوان مکملی بر نظرات نسل اول و در نهایت، اجرای این ایده‌ها توسط خود ساکنین محلات و با نظارت متخصصین امر در قالب گام‌های امنیت گسترده‌تری، از دل محلات سالم و پایدار برآمده و در طول زمان، تداوم می‌یابد. میر غلامی، شکرانی دیزج، صدیق فر و موسویان (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان امنیت مجتمع‌های محصور با استفاده از روش تعیین ضریب مکانی و قانون‌های

جرم خیز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)» به بررسی کاربرد نظریه «مجتمع‌های محصور و دروازه دار» و میزان انطباق پذیری آن در شهر ارومیه پرداختند. در این پژوهش که از نوع کاربردی می‌باشد، از روش‌های تعیین ضریب مکانی و کانون‌های جرم خیز استفاده شده است. نتایج حاصل حاکی از آن بود که ایجاد حصار و دروازه‌های ورودی در مجتمع‌های محصور توانسته است نقش قابل ملاحظه‌ای در کاهش جرایم در مقایسه با کل شهر داشته باشد. لطفی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاها و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر»، به شناسایی شاخصها و عوامل مؤثر بر ویژگی‌های محیطی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که عوامل محیطی (۰/۲۹) و پس از آن نور (۰/۲۸۳) بیشترین تأثیر را در ارتقای احساس امنیت اجتماعی فضاها و عمومی شهر دارند. فرجیراد و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل شاخص‌های اثر گذار بر ارتقای امنیت محیطی در بافت تاریخی شهر یزد»، به واکاوی یکی از دلایل مهم جمعیت‌گریزی و تنزل امنیت محیطی شهر یزد پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که شاخصهای خوانایی، پوشش گیاهی و نظارت غیررسمی دارای شرایط نامناسبی بودند، لذا ضروری است که در اولویتهای اولیه اقدام در بافت تاریخی شهر یزد در راستای افزایش امنیت محیطی قرار گیرند. با ارزیابی مقالات مطالعه شده و در نظر داشتن این نکته که مطالعات اینچنینی در شهر رشت تا کنون صورت نگرفته، هدف از مقاله حاضر، استخراج راهبرد های نظریه (CPTED) برای ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجتمعهای مسکونی شهر رشت می‌باشد و امید است که نتایج آن بتواند در کاهش جرم و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کارآمد و مؤثر واقع شود. مدل مفومی پژوهش در شکل (۲) بیان شده است.





شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش؛ مأخذ: نگارندگان.

روش تحقیق

روش تحقیق، در پژوهش حاضر با توجه به اهداف تعیین شده، کاربردی و عملی بوده و از حیث ماهیت موضوع، توصیفی-تحلیلی می باشد. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو روش کتابخانه ای و میدانی انجام گرفته است. در روش کتابخانه ای به بررسی مهم ترین نظریات و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. در روش میدانی نیز از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از متخصصین معماری و همچنین پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری ما در این مرحله ساکنین مجتمع های مسکونی شهر رشت بودند که به دلیل نامحدود بودن جامعه، بر اساس فرمول حجم بهینه کوکران^۷ و با در نظر گرفتن میزان اطمینان ۹۵٪ و خطای قابل قبول ۵٪، تعداد حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد و ۳ مجتمع ابریشم، پردیسان و کاکتوس به عنوان نمونه موردی مورد بررسی قرار گرفته اند. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، در بخش اول پرسشنامه، اطلاعات فردی آنها شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، شغل و میزان تحصیلات مورد پرسش قرار گرفت. در بخش دوم پرسشنامه به پرسش های اصلی در قالب ۵ قسمت قلمروبندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها، کیفیت های محیطی محله و فاکتورهای جرم پرداخته شده است. در این پژوهش به منظور بررسی روایی پرسشنامه از «روایی صوری» یا «روایی ظاهری» و برای برآورد پایایی ابزار اندازه گیری از ضریب آلفای کرونباخ^۸ استفاده گردیده است که این ضریب در قسمت قلمروبندی برابر با ۷۵۶٪، در قسمت نظارت برابر با ۸۲۴٪، در قسمت کنترل ورودی ها و دسترسی ها برابر با ۸۵۸٪ و در قسمت بهبود کیفیت های محیطی نیز برابر با ۸۶۰٪ بدست آمد. روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی زمانی که هدف محقق یافتن عامل های مکنون جهت تلخیص داده ها از بین مجموعه ای از آن ها باشد، روش کارایی است (سجادی و احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). تحلیل و آنالیز داده ها نیز به وسیله نرم افزار اس.پی.اس.اس^۹ انجام گرفت.

جدول ۲. خلاصه متغیر های جمعیت شناختی نمونه؛ مأخذ: یافته های پژوهش

توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنس			
مرد	زن		
۵۱/۵٪	۴۸/۵٪		
توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سن			
کمتر از ۲۰ سال	۲۰-۴۰	۴۰-۶۰	بالاتر از ۶۰ سال
۷/۴٪	۵۹٪	۲۸/۵٪	۵/۱٪
توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تأهل			
متاهل	مجرد		
۲۶/۴٪	۷۳/۶٪		
توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی			
دولتی	آزاد	دانشجو	سایر
۱۸/۷٪	۳۳/۱٪	۱۴/۶٪	۳۳/۶٪
توزیع پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات			
زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس
فوق لیسانس و بالاتر	۱۹/۵٪	۲۶/۷٪	۶/۴٪
۳۴/۴٪	۱۳/۱٪		

Cochran formula . v

Cronbach's Alpha . ۸

SPSS . ۹



شکل ۴. موقعیت سه مجتمع مسکونی مورد مطالعه در تصویر هوایی رشت؛ مأخذ: نگارندگان و شکل ۳. موقعیت شهر رشت در تصویر هوایی استان گیلان؛ مأخذ: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گیلان.

یافته ها و نتایج

استخراج اهداف و راهبردهای نظریه (CPTED)

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، بر اساس ادبیات موضوع و پس از مطالعات دقیق و بررسی و تحلیل های انجام گرفته بر روی منابع فارسی و لاتین مختلف، جدولی حاوی معیارها، اهداف و راهکارهای طراحی رویکرد (CPTED) به منظور ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجموعه های مسکونی به دست آمد که می تواند به عنوان یک راهنما برای طراحی مجموعه های مسکونی امن و عاری از جرم به معماران و طراحان کمک نماید. طبق مطالعات انجام شده، به طور کلی می توان گفت راهبردهای نظریه (CPTED) با تغییر در وضعیت و محیط ساخته شده موجب ایجاد سلسله مراتب دسترسی، افزایش نظارت و رؤیت پذیری، ایجاد خط دیدی شفاف در فضا، حذف نقاط غافلگیری، کنترل دسترسی، بهبود کیفیت محیطی، ایجاد هویت مکانی، ایجاد کاربری مختلف و متنوع در محیط، افزایش حضور افراد در فضاهای عمومی، افزایش تعاملات اجتماعی و در نهایت کاهش فرصتهای مجرمانه می شود که این کاهش فرصت ها نیز منجر به پیشگیری از جرم می شود.

جدول ۳. ضریب آلفای کروناخ عوامل برای تعیین پایایی ابزار اندازه گیری؛ مأخذ: یافته های پژوهش

متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کروناخ
قلمروبندی	۷	۰/۷۶۵
نظارت	۷	۰/۸۲۴
کنترل ورودی ها و دسترسی ها	۷	۰/۸۵۸
بهبود کیفیت های محیطی	۷	۰/۸۶۰

محدوده مورد مطالعه تحقیق

شهر رشت مرکز استان گیلان می باشد که از شمال به دریای خزر و مرداب انزلی، از غرب به رودخانه پسیخان، صومعه سرا و فومن از جنوب به شهرسنگر و رودبار و از شرق به کوچصفهان و آستانه اشرفیه محدود است. رشت در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده که وسعت قانونی محدوده آن بالغ بر ۱۸۰ کیلومتر مربع در زمینی مسطح و هموار به ارتفاع به طور میانگین ۵ متر از سطح آب های آزاد قرار دارد، جمعیت این شهر در سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۶۳۹ هزار و ۹۵۱ نفر بوده که با تراکم جمعیتی ۴۳۴۰ نفر بر کیلومتر مربع می باشد (علی آقازاده رودسری، ۱۳۹۲، ص ۲). با توجه به بزرگی شهر و آمار قابل توجه جرم در این شهر، رشت به عنوان شهر مورد مطالعه تحقیق انتخاب شد و سه مجتمع ابریشم، پردیسان و کاکتوس به عنوان نمونه موردی انتخاب شدند. در شکل (۳)، موقعیت شهر رشت در استان گیلان و در شکل (۴)، موقعیت سه مجتمع مورد مطالعه تحقیق ارائه شده است.



جدول ۴. معیار ها، اهداف و راهکارهای طراحی رویکرد به منظور ارتقاء امنیت و پیشگیری از جرم در مجموعه های مسکونی

معیارهای رویکرد	اهداف	راهبردها و راهکارهای طراحی
قلمرو بندی	- القای حس مالکیت در ساکنین	- رعایت سلسله مراتب دسترسی به فضاها (گذر از فضای عمومی به فضای خصوصی)
	- احساس تعلق نسبت به مکان (تعلق مکانی)	- تفکیک و طراحی آشکار و مشخص عرصه های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی
	- افزایش شناسه، هویت و خلوت	- فرارگیری فضای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی (فضای حائل) مابین فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی
	- افزایش نظارت و مراقبت ساکنان بر محدوده تحت قلمروی خود	- استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و موانع نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر، تغییر مقیاس و تناسب، عقب نشینی نسبت به معبر، نورپردازی مکان یا تغییر در روشنایی مکان، دروازه ورودی، در ورودی، فضای سبز و منظر سازی، گذرگاه های سرپوشیده، نشانه گذاری، تابلوها، علائم و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضا
	- غریب گز بودن	- طراحی فضاهای تعریف شده و با کارکرد معین و حذف فضاهای غیرضروری، اضافی و مبهم
	- کاهش نفوذ پذیری (دسترسی)	- برخورداری هر یک از واحد های مسکونی از پارکینگ اختصاصی
	- تقویت حس همسایگی و افزایش تعاملات اجتماعی	- استفاده از فضای نیمه باز (مانند ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی.
	- تقلیل تقابلهای اجتماعی، مشکلات همسایگی و در نتیجه کاهش جرم و جنایت	- ایجاد مرز های مشخصی برای عرصه های خصوصی از طریق کاشتن گیاه، سنگ فرش یا نرده کشی
		- هماهنگ سازی ساختمان ها به وسیله شماری از عناصر طراحی (مانند رنگ، شکل، سطوح پر و خالی و سبک معماری)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

<ul style="list-style-type: none"> - عدم وجود فاصله زیاد بین ساختمان ها و خیابان - طراحی نمای اصلی خانه ها رو به خیابان و فضاهای عمومی - قرار گرفتن پنجره ها و بالکن های اتاق های فعال (نظیر آشپزخانه یا نشیمن) به سمت خیابان ها، معابر، فضاهای عمومی و فضای بازی کودکان - قرار گرفتن ورودی بلوک ها به سمت خیابان ها، کوچه ها و معابر - در نظر گرفتن بالکن، تراس یا ایوان (فضای باز و نیه باز خصوصی) برای همه واحدها به سمت عرصه های عمومی - عدم قرارگیری دیوار های پر و بدون پنجره در کنار خیابان - رویت پذیری مکانهای مشترک بلوکها (مانند پلکان، آسانسور، لابی، پارگرد وغیره) از بیرون ساختمان - قرار گیری فضاهایی نظیر آشپزخانه یا نشیمن (که در بیشتر ساعات روز زندگی فعالانه در آن ها در جریان است) در فاصله ی کمتری نسبت به عرصه های عمومی - طراحی ورودی بلوک ها به نحوی که فرد قبل از خروج یا قبل از ورود، فضای پیش ورودی را به طور کامل ببیند. - پرهیز از جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها در طراحی ساختمان ها به گونه ای که مانع دید شود. - اجتناب از طراحی گوشه ها، زاویه ها، نقاط کور، کنج ها و مکان های مخفی در فضاهای اشتراکی بلوک ها - اجتناب از طراحی گوشه ها، زاویه ها، نقاط کور، کنج ها و مکان های مخفی در فضاهای عمومی مجموعه مسکونی - کاستن از نقاط غافل گیری در طراحی محیط تا حد امکان (این نقاط، فضاهایی کوچک و تنگ هستند که با استفاده از موانع از سه طرف پوشیده شده اند/ فضاهای U شکل) - استفاده از نرده های شفاف(که از هر دو طرف قابل دید باشد) به جای دیوار در نقاط آسیب پذیر - اجتناب از کاشت درختچه های بلند و درختان رو به روی دروازه، ورودی ها، پنجره ها، بالکن ها، و یا ابزار های صنعتی چون چراغ روشنایی، دوربین های مدار بسته و غیره - کاشت گیاهان بلند جلوی دیوارها و گیاهان کوتاه تر و درختچه ها (حداکثر ارتفاع یک متر) در مجاورت پیاده رو ها - طراحی تعدادی از پارکینگ ها در محوطه باز جلوی خانه ها و در مقابل واحد های مسکونی - نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نور پردازی. 	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم آوردن فرصت های مراقبتی و نظارتی برای ساکنان، همسایگان و رهگذران - افزایش دید و رویت پذیری - بالا بردن قلمرو گرایبی - تقویت حس همسایگی - حضور بیشتر ساکنان در فضاهای عمومی مجموعه - القای حس امنیت - غلبه بر ترس از جرم - مهار فرصت های ارتکاب جرم، افزایش خطر ناشی از ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم 	<p style="text-align: center;">نظارت</p>
--	---	--



<ul style="list-style-type: none"> - تعریف ورودی مشخص و متمایز برای مجموعه مسکونی - قرار گیری اتاق نگهداری نزدیک ورودی مجموعه - استفاده از پیاده رو ها برای تعریف حد و مرزها - اختلاط سواره و پیاده - آرام سازی ترافیک در خیابان ها و کوچه های محلی. - استفاده از موانع واقعی و نمادین برای محدودیت دسترسی افراد غیر مجاز و کنترل معابر (موانع فیزیکی شامل حصار های توری، دیوار آجری، پرچین و غیره و موانع روانی شامل احداث باغچه و فضای سبز، تغییر در سطح طبقه همکف، نشانه گذاری روی مسیرها، تغییر سنگ فرش خیابان، تغییر پهنای مفروض یا ذهنی خیابان و غیره) - محدود کردن دسترسی ها به پشت ساختمان - دسترسی مستقیم و نزدیک از ورودی بلوک ها به پارکینگ ها - بن بست کردن کوچه ها در صورتی که مسیر های منتهی به آن ها کوتاه و مستقیم بوده و ابتدا و انتهای آن ها مشخص باشد. (حد اکثر طول معابر بن بست اتومبیل رو ۲۰۰ متر) - در نظر گرفتن تنها یک ورودی پیاده برای هر بلوک مسکونی - اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها به گونه ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان ها مورد استفاده قرار گیرند. - استفاده از حفاظ برای بالکن های طبقه اول در طول جداره ی فعال خیابان - موضع درختان و تیر چراغ برق نباید به گونه ای باشد که امکان بالا رفتن از آن ها برای ورود به ساختمان فراهم شود. - ایجاد یک مسیر اصلی به عنوان راهنما که تمام بخش های مجتمع مسکونی، در فاصله ی کوتاهی از آن قرار داشته باشند. - عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا - قابل رؤیت بودن و سادگی مسیر های دسترسی - کاهش تعداد واحدهایی که دارای ورودی مشترک هستند. 	<ul style="list-style-type: none"> - کنترل ورود و خروج و جلوگیری از ورود بزهکاران و مجرمان - تقویت حس قلمرو گرایي و احساس مالکیت - افزایش نظارت طبیعی - افزایش جهت یابی و خوانایی - کاهش فرصت های مجرمانه، افزایش تلاش برای ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم 	<p style="text-align: center;">کنترل ورودی و دسترسی ها</p>
---	---	---

<ul style="list-style-type: none"> - عدم طراحی استخوان بندی مجموعه مسکونی به صورت پیچیده و ناخوانا - استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه - هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی - ریتم و هماهنگی نماها و عناصر کالبدی - قراردادن مبلمان هایی جهت نشستن در طول مسیرها و حضور افراد در فضا - اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها برای انجام فعالیت های مشترک جمعی - طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا - تقسیم کردن فضاهای بزرگ جمعی به فضاهای جمعی کوچکتر اختصاصی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی - اختصاص دادن فضای ما بین ساختمان ها به طیف متنوعی از کاربری ها از جمله زمین بازی، فضاهای گردش و غیره - در نظر گرفتن فضاهای جمعی، مشارکتی و تفریحی برای ساکنان و برای گروه های سنی مختلف 	<ul style="list-style-type: none"> - انتقال پیام های مثبت به ساکنان - تقویت حس قلمروگرایی و مالکیت در میان ساکنان - افزایش شناسه و هویت مکانی - ارتقاء حس تعلق نسبت به فضا - بالا بردن حضور ساکنان در مجموعه - افزایش تعاملات اجتماعی و سرزندگی - افزایش نظارت طبیعی - القای حس امنیت - کاهش جرم 	<p>بهبود کیفیت های محیطی</p>
---	---	-------------------------------------

(مأخذ: نگارندگان)

با رویکرد تلخیص داده ها استفاده شده است. بدین منظور، متغیرهای مرتبط با پیشگیری از جرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

بررسی آزمون KMO: در این تحقیق مقدار KMO برابر با ۰/۸۶۲ به دست آمد و چون بالاتر از ۰/۷۵ است، نشان می دهد که وضعیت داده ها (همبستگی های موجود / بین داده ها) برای تحلیل عاملی در حد خوب است.

جدول ۵. اعتبار سازه ای ابزار اندازه گیری از طریق تحلیل عامل تاییدی

۰/۸۶۲	KMO
۱۰۸۲/۵۰۸	کای اسکوئر
۱۰	
۰/۰۰۰	سطح معناداری

(مأخذ: یافته های پژوهش)

پس از استخراج تمامی راهبردها و راهکارهای نظریه (CPTED)، بر اساس مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از متخصصین معماری، در هر یک از قسمت های قلمروبندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی ها و بهبود کیفیت های محیطی ۶ راهبرد را که نسبت به دیگر عوامل بیشتر قابل اهمیت بودند انتخاب و از طریق پرسشنامه مورد ارزیابی قرار دادیم تا سهم هر یک را در پیشگیری از جرم مشخص کنیم.

- تعیین سهم متغیرها در پیشگیری از جرم

تحلیل عمومی نامی عمومی است برای برخی از روش های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده ها است. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می پردازد و در نهایت آن ها را در قالب عامل های عمومی محدودی دسته بندی کرده و تبیین می کند. از این رو، در تحقیق حاضر از تحلیل عاملی اکتشافی

تعیین میزان اشتراک متغیرها با عوامل:

میزان اشتراک نمایانگر نسبتی از واریانس هر یک از متغیرها است که با سایر متغیرها مشترک است. این میزان در مرحله بعد از چرخش نمایانگر نسبتی از واریانس هر متغیر است که توسط عوامل استخراج شده تبیین می گردد. از این رو، در این تحقیق، مبنای معنی داری بار عاملی ۳/ است.

جدول ۶ تعیین کردن رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت قلمروبندی بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

بار عامل ها	گویه های قلمرو بندی
کمتر از ۰,۳	۱- استفاده از یک فضای نیمه باز (ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی
کمتر از ۰,۳	۲- هماهنگ سازی ساختمان ها (به وسیله شماری از عناصر طراحی مانند رنگ، شکل و سطوح پر و خالی)
۰,۴۳۱	۳- ایجاد مرزهای مشخصی برای عرصه های خصوصی (از طریق کاشتن گیاه، سنگ فرش یا نرده کشی)
۰,۵۴۷	۴- رعایت سلسله مراتب دسترسی به فضاها (گذر از فضای عمومی به فضای خصوصی)
۰,۶۱۳	۵- برخورداری هر یک از واحدهای مسکونی از پارکینگ اختصاصی
۰,۶۳۷	۶- استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها

مراتب فضاها» با بار عاملی ۰,۶۳۷ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت قلمروبندی به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه های استفاده از یک فضای نیمه باز (ایوان، بالکن و تراس) در جلوی خانه ها برای ایجاد یک فضای گذار بین عرصه عمومی و خصوصی و هماهنگ سازی ساختمان ها (به وسیله شماری از عناصر طراحی مانند رنگ، شکل و سطوح پر و خالی) با بار عاملی کمتر از ۳/، گویه های خیلی مناسبی برای تحقیق نبودند. بنابراین فرضیه شماره ۱ مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۷. تعیین کردن رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت نظارت بر اساس تحلیل عاملی

بار عامل ها	گویه های نظارت
۰,۵۳۴	۱- عدم وجود فاصله زیاد بین خانه ها و خیابان
۰,۴۵۶	۲- طراحی نمای اصلی خانه ها رو به خیابان و عرصه های عمومی
۰,۳۳۱	۳- اجتناب از طراحی منظر به صورتی که نقاط کور یا مکان های مخفی از دید ایجاد کند
۰,۷۷۸	۴- نظارت بر ورودی ساختمان ها با استفاده از نورپردازی
۰,۷۰۹	۵- طراحی تعدادی از پارکینگ ها در محوطه باز جلوی خانه ها و در مقابل واحدهای مسکونی
۰,۶۴۳	۶- کاستن از نقاط غافل گیری در طراحی محیط تا حد امکان (این نقاط، فضاهایی کوچک و تنگ هستند که با استفاده از موانع از سه طرف پوشیده شده اند. فضاها U شکل)

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۷) بر می آید، متغیر «نظارت بر ورودی ساختمانها با استفاده از نورپردازی» با بار عاملی ۰,۷۷۸ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت نظارت به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه «اجتناب از طراحی منظر به صورتی که نقاط کور یا مکان های مخفی از دید ایجاد کند»

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۶) بر می آید، متغیر «استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله

جدول ۹. تعیین کردن سهم و رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت بهبود کیفیت های محیطی بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

بار عامل ها	گویه های بهبود کیفیت های محیطی
کمتر از ۰,۳	۱- رسیدگی به نمای خانه ها
کمتر از ۰,۳	۲- استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه
کمتر از ۰,۳	۳- طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا
۰,۳۷۹	۴- هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی
۰,۵۱۹	۵- قرار دادن مبلمان هایی جهت نشستن در طول مسیرها (با هدف حضور افراد در فضا و کاهش اقداماتی چون تخریب گرایبی)
۰,۵۱۴	۶- اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک ها (برای انجام فعالیت های مشترک جمعی)

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۶) بر می آید، متغیر «اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوکها (برای انجام فعالیت های مشترک جمعی)» با بار عاملی ۰,۵۴۱ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت بهبود کیفیت های محیطی به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه های «رسیدگی به نمای خانه ها» و «استفاده از عناصر طبیعی (آب و گیاه و غیره) در عرصه های عمومی مجموعه» و «طراحی منظر مجموعه و استفاده از مبلمان شهری مناسب و زیبا» با بار عاملی کمتر از ۰,۳، گویه های خیلی مناسبی برای تحقیق نبودند. بنابراین فرضیه شماره ۴ مورد تأیید قرار گرفت.

با بار عاملی ۰,۳۳۱ کمترین سهم را در پیشگیری از جرم به خود اختصاص داده است. بنابراین فرضیه شماره ۲ مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۸. تعیین کردن سهم و رتبه راهبردهای نظریه (CPTED) در قسمت کنترل ورودی و دسترسی ها بر اساس تحلیل عاملی؛ مأخذ: یافته های پژوهش

بار عامل ها	گویه های کنترل ورودی و دسترسی ها
۰,۴۱۳	۱- کاهش تعداد واحدهایی که دارای ورودی مشترک هستند (بیشتر از ۴ آپارتمان از یک ورودی مشترک استفاده نکنند)
۰,۴۴۰	۲- استفاده از پیاده رو ها برای تعریف حد و مرزها
۰,۵۴۰	۳- تعریف ورودی مشخص و متمایز برای مجتمع مسکونی
۰,۳۶۳	۴- عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا
۰,۴۲۶	۵- بن بست کردن کوچه ها (در صورتی که مسیر های منتهی به آن ها کوتاه و مستقیم باشد)
۰,۵۷۴	۶- اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها (به گونه ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان ها مورد استفاده قرار گیرند)

همان گونه که از نتایج تحلیل داده ها بر اساس جدول (۸) بر می آید، متغیر «اجتناب از طراحی های جزئی و جلو آمدگی ها و عقب نشینی ها (به گونه های که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمانها مورد استفاده قرار گیرند)» با بار عاملی ۰,۵۷۴ بیشترین سهم را در پیشگیری از جرم در قسمت کنترل ورودی و دسترسی ها به خود اختصاص داده است بنا بر این مناسب ترین راهبرد در راستای پژوهش می باشد و گویه «عدم طراحی راه های پیچ در پیچ و ناخوانا» با بار عاملی ۰,۳۶۳ کمترین سهم را در پیشگیری از جرم به خود اختصاص داده است بنابراین فرضیه ی شماره ۳ مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

هدف نظریه (CPTED) در طراحی مسکونی، ایجاد مکان‌هایی ایمن از طریق کاهش امکان دسترسی به اموال، نظارت مناسب و ایجاد حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری است. باید متذکر شد که (CPTED) نمی‌تواند پادزهر تمام جرایم باشد و آن‌ها را ریشه‌کن کند اما به عنوان یک راه حل مکمل، همراه با سایر راهبردهای پیشگیری از جرم می‌تواند مؤثر واقع شود. بزرگ‌ترین حسن این رویکرد این است که بر روی پیشگیری از جرم، کاهش فرصت‌های جرم و از میان برداشتن بسترهای وقوع جرم پیش از وقوع جرم تمرکز دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در واقع محیط کالبدی و طراحی مناسب آن می‌تواند مانع وقوع جرم شود. از طرفی دیگر طراحی معماری مناسب بر عوامل روانی نیز مؤثر است به این معنی که با استفاده از طراحی معماری و عوامل کالبدی مناسب مانند تفکیک و عرصه بندی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، می‌توان باعث احساس ناامنی و ترس در مجرمان شد و از این طریق در عوامل روانی مؤثر بر وقوع جرم نیز نقش داشت. پژوهش حاضر با هدف استخراج راهبردها و راهکارهای نظریه (CPTED) و تعیین سهم و رتبه هر یک از آن‌ها در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت انجام شد. در راستای هدف تحقیق، دو مرحله را مورد بررسی قرار دادیم. در مرحله اول بر اساس مطالعات دقیق و بررسی و تحلیل‌های انجام گرفته بر روی منابع فارسی و لاتین مختلف، راهکارها و راهبردهای نظریه (CPTED) را به منظور پیشگیری و کاهش جرم استخراج نمودیم و به تقسیم بندی آن‌ها در هر کدام از زیر شاخه‌های قلمرو بندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی‌ها و بهبود کیفیت‌های محیطی پرداختیم. در مرحله دوم، پس از مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصین معماری، در هر قسمت گویه‌هایی را که از اهمیت بیشتری برخوردار بودند انتخاب و از طریق پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم تا رتبه و ارزش هر کدام تعیین شود. بر اساس یافته‌های قسمت اول پژوهش، هدف مهم قلمرو بندی و تفکیک عرصه‌ها: افزایش شناسه،

هویت و خلوت؛ کاهش نفوذ پذیری و دسترسی؛ غریب‌گز بودن محیط؛ افزایش حس تعلق نسبت به مکان و تقلیل تقابل‌های اجتماعی و مشکلات همسایگی و در نتیجه کاهش جرم و جنایت می‌باشد. مهم‌ترین هدف نظارت محیط نیز فراهم آوردن فرصت‌های مراقبتی و نظارتی برای ساکنان، همسایگان و رهگذران؛ القای حس امنیت و غلبه بر ترس از جرم می‌باشد. همچنین کنترل ورودی‌ها و دسترسی‌ها نیز باید با هدف کنترل ورود و خروج و جلوگیری از ورود بزه‌کاران و مجرمان؛ افزایش جهت‌یابی و خوانایی؛ کاهش فرصت‌های مجرمانه، افزایش تلاش برای ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش جرم انجام گیرد. هدف از بهبود کیفیت‌های محیطی نیز بالا بردن حضور ساکنان در مجموعه؛ افزایش تعاملات اجتماعی و سرزندگی و القای حس امنیت می‌باشد. یافته‌های قسمت دوم پژوهش نیز حاکی از آن است که در رتبه بندی عوامل این تحقیق، به ترتیب در قسمت قلمرو بندی، نظارت، کنترل ورودی و دسترسی‌ها و بهبود کیفیت محیطی عامل‌های استفاده از موانع واقعی (مانند دیوارها، حصارها، نرده‌ها و غیره) و نمادین (مانند تغییر سطح، تغییر بافت، تغییر رنگ، تغییر الگوی مسیر و غیره) برای تعیین شفافیت سلسله مراتب فضاها با بار عاملی ۰٫۶۳۷، نظارت بر ورودی ساختمان‌ها با استفاده از نورپردازی با بار عاملی ۰٫۷۷۸، اجتناب از طراحی‌های جزئی و جلو آمدگی‌ها و عقب نشینی‌ها (به گونه‌ای که به عنوان پله یا نردبان برای ورود به ساختمان‌ها مورد استفاده قرار گیرند) با بار عاملی ۰٫۵۴۷، و اختصاص دادن یک فضای تعریف شده مشترک به ساکنین هر یک از بلوک‌ها (برای انجام فعالیت‌های مشترک جمعی) با بار عاملی ۰٫۵۴۱، بیشترین رتبه و سهم را در پیشگیری از جرایم به خود اختصاص دادند.

با توجه به آموزه‌ها و راهکارهای مطرح شده، برنامه‌های راهبردی ذیل در محدوده مورد مطالعه پیشنهاد می‌گردد:

1. هرچه قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و نیمه عمومی، از قلمروهای عمومی به نحو مشخصی از یکدیگر متمایز شوند، امکان نفوذپذیری فیزیکی و بصری در آن از سطح عمومی به سطح

منابع و ماخذ

- ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰)، تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابلسر)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ی چهارم، شماره ۱۵، صص ۸۱-۱۰۵.

- افضل، رسول؛ ظهیری، ساناز؛ بذلی، سکینه و عیوضلو، داوود (۱۳۹۲)، بررسی ابعاد حقوقی قوانین امنیت شهری و عملکرد مسئولان در ساماندهی معضلات امنیتی شهروندان (مطالعه ی موردی: منطقه ی ۱۳ شهر تهران)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ی چهل و پنجم، شماره ۳، صص ۳۹-۵۴.

- بهیان، شاپور و فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر ها (مطالعه ی موردی: کرمان)، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۰۳-۱۲۲.

- پاک نژاد، نوید (۱۳۹۳)، برنامه ریزی فضاهای امن شهری با رویکرد CPTED (نمونه موردی محله آبک گلابدره واقع در منطقه یک شهرداری تهران)، نشریه ی معماری و شهرسازی هفت شهر، دوره ی چهارم، شماره ۴۷-۴۸، صص ۵۸-۶۹.

- خلقت دوست، روزبه؛ زمانی مقدم، افسانه و شمس آبادی، سید طناز (۱۳۹۲)، رابطه ی سازمان فضایی و نفوذ پذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی از نظر شهروندان بر اساس مدل CPTED (مطالعه ی موردی: شهر کرج)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۷۲-۵۹.

- ذبیحی، حسین؛ لاریمیان، تایماز و پورانی، حمیده (۱۳۹۲)، ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی (SBD) (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران)، مطالعه و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷.

خصوصی کنترل شده تر است و امکان وقوع جرایم نیز به همان نسبت قابل کنترل به نظر می رسد.

2. هرچه وضعیت روشنایی فضاهای اصلی و جانبی مکان در شب کیفیت بهتری داشته باشد، به نحوی که زوایای کمتری در فضاها و در طول معابر رویت شود، احساس امنیت بیش تری به وجود می آید.

3. هرچه در فرم کالبدی؛ طراحی های جزئی، شکاف و محل های مخفی کمتر باشد، به نحوی که قابلیت رویت فضا بیش تر باشد، فضا از ضریب امنیت بیشتری برخوردار خواهد شد و امکان اجرای اعمال مجرمانه اعم از تعرض به آسایش شهروندان کاهش می یابد.

4. هرچه فضاهای بزرگ به فضاهای کوچک تر تفکیک شوند و فضاهایی برای گروه همسالان در نظر گرفته شود حس تعلق و مالکیت و مسئولیت پذیری افراد نسبت به آن بیشتر شده و از امکان اجرای اعمال مجرمانه در آن جلوگیری می شود.

- سجادی، اشرف و احمدی، فاطمه (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات گردشگری روستایی شهرستان فومن از دیدگاه جامعه روستایی، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال هشتم، شماره ۲۳.
- صدیق سروستانی، رحمت الله و نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۰)، مطالعه ی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله های شهری (مطالعه محله ای در منطقه ۵ شهر تهران)، فصلنامه مسائل اجماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۴۹-۱۷۶.
- علی آقازاده ی رودسری، فرهنگ (۱۳۹۲)، بافت های فرسوده، چالش ها و راهکارها جهت رسیدن به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر رشت)، اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر.
- غفاری، علی؛ نعمتی مهر، مرجان و عبدی، ثمانه (۱۳۹۲)، تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط های مسکونی، فصل نامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و دوم، شماره ۱۴۴، صص ۳-۱۶.
- فرجی راد، خدر؛ علیان، مهدی و چراغی، رامین (۱۳۹۵)، تحلیل شاخص های اثر گذار بر ارتقای امنیت محیطی در بافت تاریخی شهر یزد، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره نهم، شماره ۳، صص ۱۴-۲۵.
- قائد رحمتی، صفر و شمسی، هژیر (۱۳۹۲)، بررسی شاخص های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، هویت شهر، دوره ی هفتم، شماره ی ۱۶، صص ۶۳-۷۰.
- کلانتری خلیل آباد، حسین؛ اردلانی، روناک؛ سراجی، سروه و پور احمد، عطیه (۱۳۹۲)، برنامه ریزی فضاهای امن شهری مبتنی بر تفکیک جنسیتی با رویکرد CPTED (نمونه موردی: محله فرهنگیان، شهر بناب)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ی ۱۲، صص ۱۵-۲۶.
- کلانتری، محسن، حیدریان؛ مسعود و محمودی، عاطفه (۱۳۹۰)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص ۵۱-۷۴.
- لطفی، صدیقه؛ مراد نژاد رحیم بردی، آنا و واحدی، حیدر (۱۳۹۴)، ارزیابی مؤلفه های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۹، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- مستوفی الممالکی، رضا و بهرامی، فریبا (۱۳۹۳)، بررسی راهکارهای پیشگیری محیطی از جرم با استفاده از رویکرد CPTED، فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ششم، شماره ۲۴، صص ۹۱-۱۳۴.
- میر جمشیدیان، علی؛ نعمت زاده، همت و عباس پور، سیاوش (۱۳۹۵)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره ۴، صص ۳۱-۴۰.
- میر غلامی، مرتضی؛ شکرانی دیزج، مهسا؛ صدیق فر، امین و موسویان، سیده مریم (۱۳۹۴)، بررسی میزان امنیت مجتمع های محصور با استفاده از روش تعیین ضریب مکانی و کانو نهایی جرمخیز (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۵۵-۶۶.
- Ahmadi, B., Afrouz, M., & Hashemi, M. (2015), Applying Enviromental Design Approach (CPTED) to Improve Security in Urban Worn Out Texture; Case Study: Urmia Downtone, Iran, Journal of Civil Engineering and Urbanism, Vol.5 Issue.2, pp. 94-101.
- Cozens, paul. (2015). Perceptions of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) at Australian Railway Stations, Journal of Public Transportation, Vol.18 No.4, pp.73-92.
- Cozens, P., & Love, T. (2015),

A Review and Current Status of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED), *Journal of Planning Literature*, Vol.30 No.4, pp. 393- 412.

- Cozens, P., & Melenhorst, P. (2014), Exploring Community Perceptions of Crime and Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) in Botswana, *Papers from the British Criminology Conference*, Vol.14, pp. 65-83.

- Ehsanifard, A., Shoae, H., & Maleki shoja, K ,(2013). New security concept in urban studies from the viewpoint of the new city Eshtehard ,*Modiriat shahri Journal* ,No ,31 .pp.317-334 .

- Ekblom, P. (2011), Deconstructing CPTED and Reconstructing It for Practice, Knowledge Management and Research, *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol.17 No.1, pp. 7-28.

Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012), - Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, pp.664-674

,Mamaghani Sardari Mahdavinia, M., - of Review ,(2014) .S ,Goudarzi & ,.N residential in paradigms environmental Ekbatan in study case A :complexes of *Journal Online European ,Complex Special ,Sciences Social and Natural Civil and ,Urbanism ,Architecture on Issue* .7-15 .pp ,4.No 3.Vol ,Engineering

Sakip, S. R. M., Johari, N., & Salleh, - M. N. M. (2012). The relationship between crime prevention through environmental design and fear of crime. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68, 628-636

تبیین و طراحی یک الگوی مفهومی اثربخش نظام جبران خدمت در راستای سیاست‌های کلی نظام اداری

مجتبی حیدری* - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

سنجر سلاجقه - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

مسعود پورکیانی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

سعید صیادی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

افلاطون امیری - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و طراحی یک الگوی مفهومی اثر بخش نظام جبران خدمت در راستای سیاست‌های کلی نظام اداری می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای محسوب می‌شود و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، آزمون فرضیه و نتیجه‌گیری، روش تحقیق از نوع توصیفی، پیمایشی و همبستگی است. جامعه هدف پژوهش حاضر شامل دو گروه می‌باشد. گروه اول شامل رؤسا و معاونین و خبرگان مدیریت منابع انسانی شرکت ملی گاز ایران به تعداد ۳۰ نفر می‌باشند و گروه دوم شامل کلیه کارکنان رسمی شرکت ملی گاز ایران به تعداد ۱۸۸۰۲ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۷ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. همچنین جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده است که پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و روایی آنها نیز با استفاده از دو روش روایی محتوایی و روایی سازه محاسبه و تأیید گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌ها و آزمون‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی نظیر آزمون ضریب همبستگی، آزمون t تک متغیره، آزمون کولموگراف-اسمیرنوف و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد و نهایتاً براساس تحلیل‌های انجام گرفته مدل بومی و اثر بخش نظام جبران خدمت در راستای سیاست‌های کلی نظام اداری برآزش و ارائه گردید. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن با متغیر وابسته یعنی مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین سیاست‌های کلی نظام اداری با متغیر وابسته یعنی مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: نظام جبران خدمت، نظام اداری، سیاست‌های کلی نظام اداری

Explaining and designing an effective conceptual model of compensation system in line with general policies of the administrative system

Abstract

The purpose of this research is to explain and design an effective conceptual model of compensation system in line with the general policies of the administrative system. This research is considered as objective, applied and development. In terms of data collection method, hypothesis testing and conclusion, research method is descriptive, survey and correlation. The target population of this study is two groups. The first group includes the heads and assistant heads of human resources management of the National Iranian Gas Company in the amount of 30 people, and the second group includes all the official staff of the National Iranian Gas Company in the amount of 18802 people. Using the Cochran formula, 377 samples Statistics were selected. Data were collected using a questionnaire. The reliability of the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha and their validity was determined using two methods: content validity and construct validity. Data were analyzed using descriptive and inferential methods such as correlation coefficient test, single-variable t test, Kolmogorov-Smirnov test and exploratory and confirmatory factor analysis. Finally, based on the analysis of the native and effective system of the system Compensation in accordance with the general policies of the administrative system was fitted and presented. Also, the results of the research show that there is a significant relationship between the compensation system and its components with the dependent variable, the model of the effectiveness of the compensation system, and also there is a significant relationship between the general policies of the administrative system and the dependent variable, the model of the effectiveness of the compensation system.

Keywords: Compensation System, Administrative System, General Policies of the Administrative System

مقدمه

هر فردی که به سازمان می‌پیوندد اولین سئوالی که از خود میپرسد این است که چه چیزی از این سازمان نصیب من میشود؟ برای ایجاد انگیزه در همه‌ی افرادی که به سازمان می‌پیوندند بهترین راه حل این است که سیستم حقوق و دستمزد بخشی از نیازهای آنها را برآورده سازد. البته جبران خدمت کارکنان صرفاً شامل حقوق و دستمزد نمیشود و انگیزه‌های غیر مالی و درونی همچون استقلال کاری، قدردانی و قدرشناسی در تلاشهای آنها موثر است در این زمینه سئوالاتی اساسی مطرح میشود از جمله این که آیا باید پاداش‌های درونی (مسئولیت، فرصت ارتقاء، تنوع وظایف، مشارکت در تصمیم‌گیری و کاردلنشین) به افراد داد یا پاداش‌های بیرونی؟ مزایا باید مالی باشد یا غیرمالی (مرخصیها، ساعات نهار و نماز، کار ترجیعی، عنوان شغلی جذاب، ایاب و ذهاب و پارکینگ)؟ آیا سیستم جبران خدمات باید بر مبنای عملکرد (مقاطع کاری، کمیسیون، پرداخت بر اساس شایستگی و مشوقها) باشد. یا بر مبنای عضویت (هزینه‌ی زندگی، وضعیت بازار، مشارکت در سود بیمه، مزایای قانونی)؟ شرکتهای مختلف در این زمینه سیاستهای متفاوتی دارند و هر کدام متناسب با شرایط خود ترکیبی از این گزینه‌ها را انتخاب میکنند.

انگیزه‌ی درونی هیچ فردی به اندازه‌ای بالا نیست که به مدت طولانی بصورت رایگان برای سازمان کار کند، لذا وجود انگیزه‌های بیرونی لازم است. در جبران کاری که فرد برای سازمان انجام میدهد باید حقوق و مزایایی برای وی در نظر گرفت که جنبه‌ی انگیزشی داشته باشد یعنی باید برای پرداخت، سیستمی طراحی شود که محرکی برای سخت کوشی و عملکرد بالا باشد (قلی پور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۴).

جبران خدمات ۱ اصطلاح عامی است که شامل سیستم حقوق و دستمزد، سیستم پرداخت ۳ و

سیستم پاداش ۴ میشود و منظور از آن جبران خدمات کارکنان در سازمان است. براساس قانون استانداردهای کاری منصفانه ۵ معمولاً جبران خدمات برای کارکنان معاف از مالیات ۶ همچون مدیران، متخصصان و حرفه‌ای‌هایی بصورت حقوق ماهیانه یا سالانه و برای کارکنان غیر معاف از مالیات بر اساس دستمزد ساعتی محاسبه میگردد. هر فردی که به سازمان میپیوندد قابلیت‌ها، تواناییها، مهارتها و در برخی موارد اعتبار خود را به سازمان می‌آورد که داده‌های آن فرد به سازمان است و انتظار دارد این داده‌ها با ستادهایی که سازمان به وی میدهد جبران شود. حقوق، دستمزد، پاداش، خدمات رفاهی و تشخیص سازمانی به طور کلی همه‌ی مالی و غیر مالی مواردی است که برای جبران خدمات به کار میروند. با نگاه استراتژیک به مدیریت منابع انسانی، جبران خدمات باید متناسب با شرایط سازمان و تحولات سریع محیطی به صورت پویا و انعطاف‌پذیر طراحی گردد این موضوع از آن جهت حساستر شده است که در اثر جهانی شدن، سازمانها در کشورها و فرهنگهای مختلف فعالیت میکنند، و این تفاوت‌های فرهنگی، ضرورت انعطاف‌پذیری را دو چندان کرده است. سیستم جبران خدمات مناسب ضمن توجه به شاخصهای کیفیت زندگی کاری باید شاخصهای کیفیت زندگی شخصی را نیز مدنظر قرار تا بتوان از منابع انسانی به عنوان مزیت رقابتی در دنیای سازمانی امروز بهره‌وری لازم را کسب کرد. سیستم جبران خدمات در گذشته بر اهمیت شغل متمرکز بود و ویژگیهای شاغل چندان مرتبط نبود ولی با رقابتیتر شدن شرایط سازمانها، شاغل اهمیت زیادی پیدا کرده و مهارتها و قابلیت‌های او در تعیین میزان مزایای مالی و غیرمالی موثر واقع شده است. مدیریت جبران خدمات حساس مسئله در سازمانهای امروزی است و در این بین نحوه‌ی تخصیص مزایای مالی و غیر مالی به افراد بسیار مهم است به عبارت دیگر مزایای مالی و غیر مالی نوعی بازی است که نحوه‌ی توزیع آنها برنده‌ی بازی را مشخص میکند (هندرسون، ۲۰۰۰، ص ۱۵).

۴. system Reward

۵. (flsa) act standards labor Fair

۶. Exempt

۷. Henderson

۱. system Compensation

۲. system salary and Wage

۳. system Pay

مدیریت برنده است که بتواند با این برگه‌ها (مالی - غیر مالی) بیشترین سطح رضایت کارکنان را جلب نماید. باب ۸ (۲۰۱۱) فرایند جبران خدمت براساس فلسفه‌ی جبران خدمت و استراتژی‌های مربوط به آن است که شامل نظم و ترتیب در سیاستهای مربوط به پرداخت، اصول پرداخت و همچنین پروسه‌هایی است که برای مدیریت انواع روشهای پرداخت سود و سایر غرامتها تعیین شده‌اند. پرداخت براساس ارزشیابی شغلی کارمندان، طرح‌ریزی مدیریت، ایجاد رقابت و کسب مهارت و فراهم کردن سود و منفعت برای کارمندان شکل میگیرد. گرچه جبران خدمت فقط مربوط به مسائل مالی و پولی نیست و با پرداختهای غیرمالی نیز در ارتباط است که باعث انگیزه‌های واقعی و حتی غیرواقعی نیز میشود. آرمسترانگ (۲۰۰۵)، اظهار میکند که مدیریت جبران خدمت بخش جدایی‌ناپذیر رویکرد منابع انسانی است و هدف آن افزایش بهره‌وری در سازمانها، نگهداری و کنترل سیستمهای جبران خدمت است و همچنین باعث مجهز شدن سازمانها و سایر فعالیتهای فردی و گروهی سازمان میشود.

پیرس (۲۰۱۰)، فلسفه‌ی جبران خدمت نشان میدهد که ساختار جبران خدمت به گونه‌ایست که کارمندانی که فعالیت بهتر و بیشتری دارند، دریافت پاداششان از میانگین دریافت سایر کارمندان بیشتر خواهد بود. انیب (۲۰۰۳)، وظیفه مهم سیاست جبران خدمت، گسترش سیاستها، بهبود شرایط جذب، راضی نگه داشتن کارمندان و ایجاد انگیزه در آنها است. رابرت و آنجلو (۲۰۰۱)، براساس اظهارنظر آنها موفقیت یا شکست فعالیتهای یک سازمان منوط به توانایی آنها در جذب افراد، دادن پاداشهای منظم و مختلف به افراد مناسب و توانمند است که به عنوان عنصر مهم و کلیدی در پیشرفت فعالیتهای تلقی میشود. هویت (۲۰۰۹)، مدیریت جبران خدمت همانگونه که از عنوانش پیداست

دارای ساختاری است که در آن کارمندانی که بهتر از بقیه کار میکنند، میانگین پاداش بیشتری نسبت به سایرین دریافت میکنند. این روش باعث افزایش عملکرد کارمندان شده و منجر به ایجاد فضاهای رقابتی در سازمان میشود. آرمسترانگ و براون (۲۰۰۵)، از دیدگاه آنها مدیریت جبران خدمت، بخش جدایی‌ناپذیر رویکرد مدیریت منابع انسانی است. هدف این رویکرد، مدیریت افراد و حمایت از کسب و کار است. استراتژی مورد استفاده در این رویکرد، چگونگی ارزشیابی افراد برای به دست آوردن پاداش است. در واقع اهداف این رویکرد درباره مسائل درازمدت است. همچنین رویکرد با سایر کارکردهای مدیریت منابع انسانی - به ویژه آنهایی که در ارتباط با گسترش منابع انسانی هستند - ادغام شده است. هریسون و لیسکا (۲۰۱۰)، آنها در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که دادن پاداش محور اصلی قرارداد استخدام به شمار میرود و مهمتر از همه، دلیل اصلی افراد برای کار کردن در سازمان است. این پاداشها شامل پاداشهای اصلی و فرعی است که براساس میزان فعالیت افراد در سازمان در نظر گرفته میشود. براون (۲۰۰۳)، براون جبران خدمت را بازگشت سرمایه مابین کارمندان و کارفرمایان میداند که به عنوان یک حق برای کارمندانی که وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام داده‌اند تعلق میگیرد. از دیدگاه وی جبران خدمت کارمندان فقط به کاری که کارمندان انجام میدهند تعلق ندارد. گرهارت و میلکوویچ (۱۹۹۲)، به اعتقاد آنها، تفاوت سازمانها در میزان پرداختهایشان براساس تفاوتهای اجرایی کارمندان، گروهها و یا کل سازمان است. همچنین میزان کیفیت کار کارمندان، میزان تحصیلات کارمندان و مهارتهای آنها نیز در میزان پرداختها تأثیرگذار است. دایر (۱۹۵۸) اظهار میکند، سیاستهای جبران خدمت، موضوعی استراتژیک است و از آنجایی که تأثیرگذاری فعالیت های سازمان، تحت تأثیر مقادیر زیادی سرمایه و پول است، در نتیجه پول و سرمایه نیز یکی از

Brown and Armstrong .۱۴

Liska and Harrison .۱۵

Brown .۱۶

Milkovich and Gerhart .۱۷

Dyer .۱۸

Bob .۸

Armstrong .۹

Pears .۱۰

Anyebe .۱۱

Angelo and Robert .۱۲

Hewitt .۱۳

بخشهای جدانشدنی تمام فعالیتهای استراتژیک است. هنگامی که سازمانی تحت تأثیر مسائل روز، سیاست جبران خدمت را از برنامه‌ی خود به نفع سایر مسائل حذف میکند، دیدگاه‌های متفاوتی به وجود می‌آید. یکی از دیدگاه‌های کمتر بدبینانه این است که چشم‌اندازهای استراتژیک درباره جبران خدمت، بخشی از شناخت و تشخیص رشد آن سازمان است که در آن، فعالیتهای کلان سازمانی متفاوت که بخش مهمی از مطالعات مدیریت منابع انسانی هستند، تأثیرگذار هستند. مینتزبرگ (۱۹۸۷) اظهار میکند که استراتژی کاربردی در مدیریت پرداخت تا حد زیادی ناقص است. براساس مقایسه‌هایی که انجام گرفته است این واژه دربرگیرنده‌ی مسائل مربوط به تصمیمگیری‌های پرداخت، مسائل محیطی و تهدیدهای مربوط به آن است. استراتژی، همچنین از تصمیمگیری‌های بلندمدت و اهداف سازمان‌ها نیز حمایت میکند. شاپ (۲۰۱۹۸۰) درباره‌ی استراتژیک بودن مسئله‌ی پرداخت بحث میکند و نشان میدهد که استراتژیک بودن فعالیتهای تجاری و حساسیت سازمانها نسبت به نشانه‌های محیطی پیشینی شده است. ولی داشتن چنین خصوصیات و ویژگیهایی باعث به وجود آمدن قدرت نفوذ زیاد و یا نظریه سازمانی نمیشود و همچنین هیچگونه حمایتی از مدیریت پرداخت نخواهد کرد. لاولر (۱۹۸۱) اظهار میکند که، گرچه مدت زیادی از اجرای برنامه‌ی مدیریت جبران خدمت نمیگذرد ولی احتمالاً تأثیرگذارترین برنامه بوده است. این برنامه شامل انواع موقعیتهای بازار و تجارت، مراحل مختلف جبران خدمت در مقایسه با سایر رقبای گرایشهای داخلی در مقابل مسائل خارجی، سلسله مراتبی بودن جبران خدمت، موقعیتهای شغلی افراد در مقابل مهارتهایشان و ... میباشد. همچنین تحقیقات انجام گرفته شده در رابطه با جبران خدمت نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند. علی نیکویی (۱۳۷۴)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی مشکلات اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت در شرکتهای دولتی وابسته به وزارت جهاد سازندگی به این نتیجه رسید که مشکلات مشخص و خط مشیها و

Mintzberg .۱۹

Schab .۲۰

Lawler .۲۱

سیاستهای مربوط به پرداخت در شرکتهای دولتی تعیین شود. ناظمی و بروجلیلیو (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان تبیین رابطه‌ی ابعاد عدالت سازمانی و جنبه‌های گوناگون رضایت از جبران خدمات به این نتیجه رسیده است که ادراک از عدالت سازمانی با رضایت از جبران خدمات رابطه مثبت و قوی دارد. همچنین هر سه بعد عدالت سازمانی با رضایت از جبران خدمات رابطه مثبت دارند که از این میان بیشترین همبستگی بین عدالت توزیعی و رضایت از جبران خدمات وجود دارد. همچنین در این پژوهش با تقسیم بندی ابعاد رضایت از جبران خدمات به ابعاد مبتنی بر ستاده (رضایت از میزان حقوق، رضایت از افزایش حقوق و رضایت از مزایا) و ابعاد مبتنی بر رویه (رضایت از ساختار و نحوه پرداخت حقوق)، رابطه قویتر عدالت توزیعی با ابعاد مبتنی بر ستاده رضایت از جبران خدمات اثبات شد. در حالی که تأثیر بیشتر عدالت رویه‌ای و مراددهای بر ابعاد مبتنی بر رویه رضایت از جبران خدمات اثبات گردید. سید جوادین، باباشاهی، افخمی اردکانی و ابراهیمی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی تحت عنوان انعطافپذیری سیستم‌های جبران خدمات؛ زمینه ساز ارتقاء کارآفرینی به این نتیجه رسیدن که جبران خدمات بر کارآفرینی تأثیر مثبت و معناداری دارد. هم چنین جبران خدمات عادلانه، تشویقی و مبتنی بر عملکرد بر کارآفرینی سازمانی تأثیری مثبت و معنادار دارد، بدین معنا که با انعطاف پذیر ساختن ساختارهای جبران خدمات، امکان ارتقای کارآفرینی فراهم میگردد. مونکراز و کای (۲۰۰۹) در تحقیقی در رابطه با جبران خدمت و افزایش تعهد نتیجه گرفت که پاداش یکی از مهمترین عواملی است که بر روی کارمندان تأثیر میگذارد در واقع جبران خدمت یک عامل حیاتی در کاهش تمایل به ترک خدمت کارکنان و افزایش تعهد محسوب میشود. در تحقیق دیگری که که با عنوان «تفاوتهای فردی مرتبط با رضایت پاداشهای فردی و رضایت شغلی» توسط هافمنز و همکاران (۲۰۱۳) انجام دادند. در نهایت نتایج نشان میدهد اثرات تفاوتهای فردی فراتر از فراتر از رضایت شغلی است. به طور خاص کارکنانی که رضایتمندی از پاداش مالی برای آنها

kay & Moncraz .۲۲

al et Hofmans .۲۳

به رضایت شغلی مربوط است تعهد موثر قوی تر و تمایل به ترک خدمت پایین تری دارند. این امر نشان می دهد ممکن است تفاوت های فردی مشاهده شده به علت تفاوت در مکانیزم محرک رضایت شغلی و مفاهیم مرتبط مانند تعهد موثر و تمایل به ترک خدمت کارکنان باشد. در تحقیقی که با عنوان «آیا پاداش بیشتر به تلاش کمتر منجر میشود» توسط کلار و همکاران ۲۴ (۲۰۱۴) انجام گرفت. یافته ها نشان می دهند که محرک های پولی قدرتمند می توانند دارای تاثیر متقابل باشند. ارائه پاداش های اضافی با قصدی بخصوص ممکن است گاهی پس زده شود مثلا افزایش پرداخت به نیروی کار یا ارائه فرصت های آموزش ضمن کار که هزینه های تلاش کارگران را کاهش می دهد ممکن است همیشه به افزایش عملکرد منجر نشود در مقابل فعالیتهایی که هدف از آنها تحریک کارگران است میتواند در واقع به انگیزه ی معکوس منجر شوند که نتیجه ی آن کاهش تلاش و هزینه های بالاتر برای مدیر خواهد بود با آن که این احتمال به ویژگی های دقیق محیط موجود بستگی دارد مدیران باید از آن آگاه باشند و هنگام انعقاد قراردادها آن را در نظر بگیرد. تحقیقی خارجی که با عنوان «نظام هماهنگ پرداخت براساس جنسیت و ملیت» توسط ارن و ایمبودن ۲۵ (۲۰۱۵) انجام گرفت. به این نتیجه رسیدند که قوانین زیاد وضع شده توسط کشورهای سوئیس و اتحادیه اروپا در خصوص فراهم نمودن نظام هماهنگ کارمندان، ناکارآمد بوده است. در این تحقیق نیز محقق در صدد است با شناسایی متغیر های کلیدی سیاست های کلی نظام اداری در رابطه با نظام جبران خدمت به شرح ذیل مدل مناسب نظام جبران خدمت در راستای سیاست های طراحی نماید:

۱. رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات با تاکید بر عملکرد، توانمندی، جایگاه و ویژگی های شغل و شاغل و تامین حداقل معیشت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی.

۲. حفظ کرامت و عزت و تامین معیشت بازنشستگان

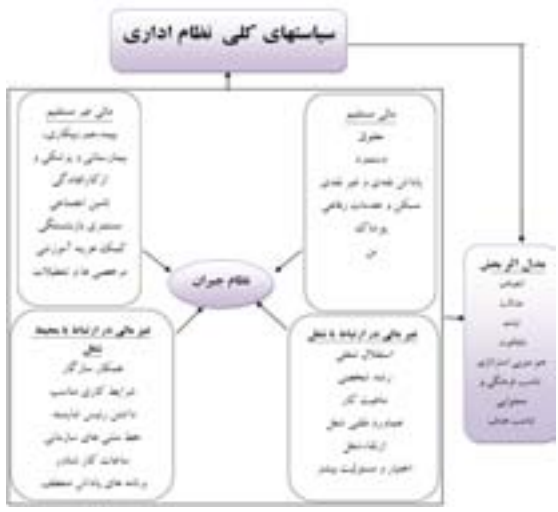
۲۴. et Klor

۲۵. imboden & Ern

و مستمری بگیران و بهره گیری از نظرات و تجارب مفید آنها.

۳. توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری.

مدل مفهومی اولیه



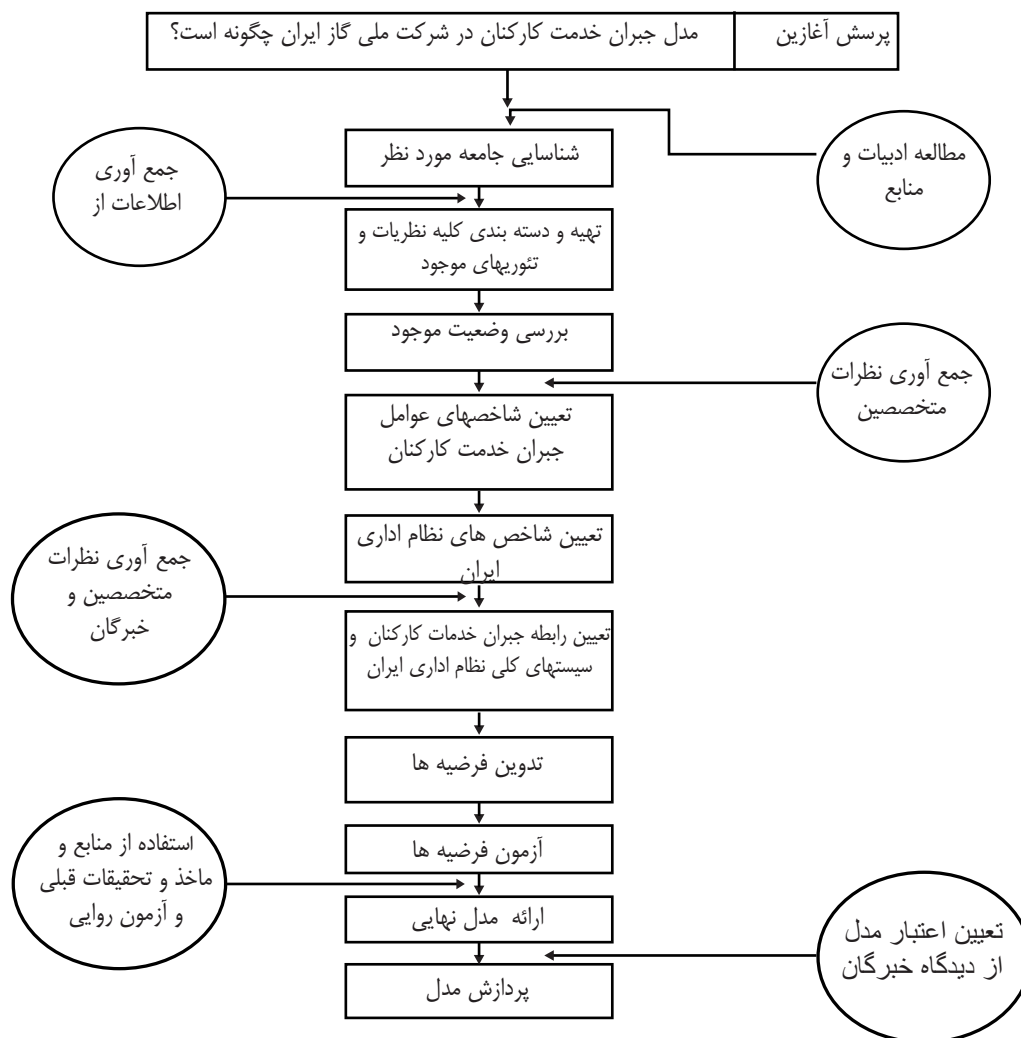
نمودار ۱. مدل مفهومی اولیه تحقیق

سئوالات تحقیق عبارتند از: سؤال ۱: وضعیت مؤلفه مالی مستقیم در نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۲: وضعیت مؤلفه مالی غیر مستقیم در نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۳: وضعیت مؤلفه غیر مالی در ارتباط با شغل در نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۴: وضعیت مؤلفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل در نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۵: وضعیت اجرای سیاست های کلی نظام اداری در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۶: وضعیت اثربخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟ سؤال ۷: آیا بین سیاست های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمت و مؤلفه های آن رابطه معنی داری وجود دارد؟ سؤال ۸: آیا بین نظام جبران خدمت و مؤلفه های آن با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی داری وجود دارد؟ سؤال ۹: آیا بین سیاست های کلی نظام اداری با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی داری وجود دارد؟

روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق اساتید و متخصصین در حوزه منابع انسانی، به عنوان نخبگان میباشند که در مرحله نخست شناسایی خواهند شد. سپس از طریق پرسشنامه شاخصهای جبران خدمات کارکنان در جامعه آماری تحقیق حاضر پرداخته خواهد شد. در گام بعد با توجه به نتایج تحقیقات ذکر شده در بخش قبل و ادبیات موجود و نتایج حاصل از پرسشنامه اولیه، عواملی که به نظر میرسد از جمله عوامل جبران خدمات محسوب میشوند، شناسایی شده، در قالب یک پرسشنامه در معرض ارزیابی صاحب نظران قرار خواهد گرفت. در پرسشنامه مذکور از پاسخ دهندگان درخواست شد تا عوامل شناسایی شده را بر اساس اهمیت الویت بندی نمایند. در

مرحله بعد پرسشنامه‌ای براساس بندهای سه‌گانه ابلاغیه مقام معظم رهبری با محتوای سیاستهای کلی نظام اداری در اختیار کارکنان رسمی شرکت ملی گاز ایران قرار خواهد گرفت، تا میزان اجرای سیاستهای کلی نظام اداری در جامعه آماری سنجش گردد. بدین ترتیب فرضیه‌های تحقیق بر اساس یافته‌های مرحله نخست طراحی، تدوین و دسته‌بندی شدند و پس از آزمون فرضیه‌ها، بر اساس اهمیت و میزان تأثیرگذاری عوامل شناسایی شده، با استفاده از آزمونهای آماری مناسب مدلسازی صورت گرفت و در مرحله پایانی نیز جهت ارزیابی روایی و اعتبار نتایج تحقیق، مدل استخراج شده جهت بررسی و اظهار نظر در اختیار متخصصان امر، قرار داده شدند. مراحل و فرآیند اجرایی تحقیق در نمودار ذیل نمایش داده شده است:



همچنین تحقیق حاضر از لحاظ روش گردآوری داده‌ها یک تحقیق توصیفی از نوع موردی-پیمایشی است. مطالعات توصیفی بیانگر نوعی تحقیق است که به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود یک پدیده یا موضوع میپردازد. روش توصیفی عمدتاً زمانی مورد استفاده واقع میشود که پژوهشگر علاقه‌مند به تشریح ویژگیهای مشکل یک حوزه خاص میباشد. پژوهش حاضر در راستای برخی از اهداف خود متمرکز است. از این رو یک تحقیق توصیفی است. در چارچوب مطالعات توصیفی، این تحقیق بر مبنای دامنه (گسترده‌گی جامعه آماری تحقیق)، از نوع مطالعات موردی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

سؤال ۱: وضعیت اثربخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟

نمره اثربخشی نظام جبران خدمت با نمره متوسط میانگین اختلاف معنی‌داری ندارد ($H_1(\mu \leq 3) =$

نمره اثربخشی نظام جبران خدمت با نمره متوسط میانگین اختلاف معنی‌داری دارد ($H_1(\mu > 3) =$

جدول ۱. آمار توصیفی اثربخشی نظام جبران خدمت

میانگین انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مؤلفه
۰,۰۸۱	۰,۵۲	۳,۷۳	۳۷۷	اثربخشی نظام جبران خدمت

جدول ۲. آزمون t برای توجه به سیاست‌های کلی نظام اداری

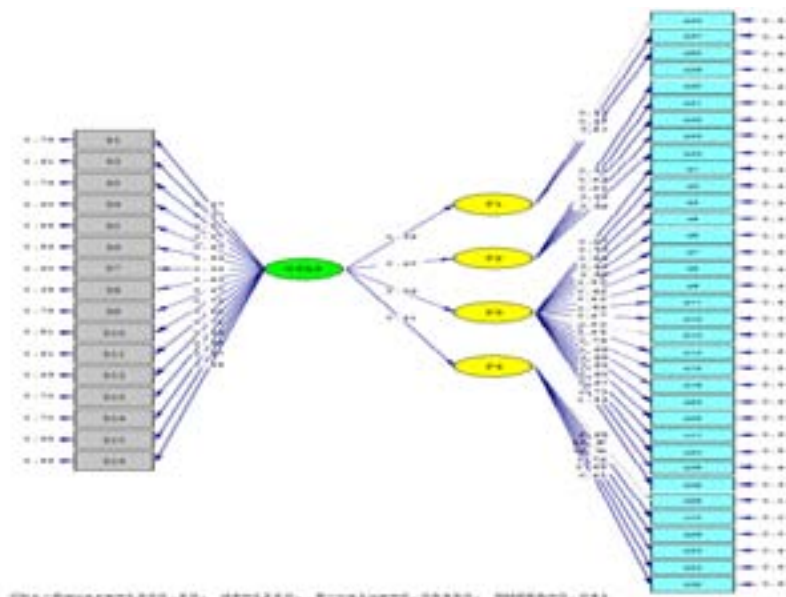
مؤلفه	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	میانگین تفاوت‌ها	سطح بررسی = ۳٪ حدود فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
					حد پایین	حد بالا
اثربخشی نظام جبران خدمت	۹,۰۵۴	۳۷۶	۰,۰۰۰	۰,۷۳۵	۰,۵۷۰۴	۰,۸۹۸۶

تحلیل جداول فوق

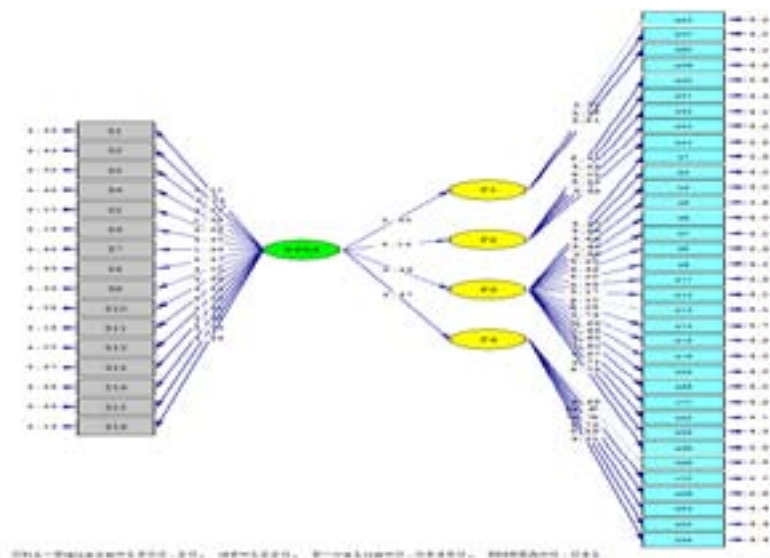
با توجه جدول فوق ستون سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ کوچکتر از $(\alpha = 5\%)$ یعنی $(sig < \alpha)$ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید میشود. به عبارت دیگر میانگین نمرات متغیر، اختلاف معناداری با عدد ۳ دارند. با توجه به مقادیر حد بالا و حد پایین میتوان گفت: هرگاه حد پایین و بالا مثبت باشد، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معنی‌داری دارد. بنابراین اثربخشی نظام جبران خدمت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین با توجه به جدول آمار توصیفی میانگین اثربخشی نظام جبران خدمت ۳/۷۳ و انحراف معیار ۰/۵۲ میباشد.

سؤال ۲: آیا بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

برای بررسی رابطه بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مؤلفه‌های جبران خدمات نیز تحلیل عاملی تأییدی نیز انجام گرفته است که در شکل شکل برآزش یافته در حالت استاندارد و شکل در حالت معناداری اعداد تی ارائه شده است.



نمودار ۲. مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد



نمودار ۳. مقادیر t برای بررسی معنی‌داری ضرایب

نتایج مندرج در جدول ۳ برای بررسی برازش شکل اندازه‌گیری نشان از برازش مناسب شکل اندازه‌گیری دارد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش شکل اندازه‌گیری ارتباط سیاست‌های کلی نظام اداری با مؤلفه‌های جبران خدمات

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
$\frac{\chi^2}{df}$ (شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی)	< ۳	۱,۰۶	مناسب
CFI (شاخص برازش تطبیقی)	> ۰,۹	۰,۹۵	مناسب
GFI (شاخص برازندگی)	> ۰,۹	۰,۹۶	مناسب
AGFI (شاخص تعدیل برازندگی)	> ۰,۹	۰,۹۵	مناسب
NFI (شاخص نرم شده برازندگی)	> ۰,۹	۰,۹۴	مناسب
NNFI (شاخص نرم نشده برازندگی)	> ۰,۹	۰,۹۷	مناسب
RMSEA (خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب)	کمتر از ۰,۰۸	۰,۰۴۱	مناسب

نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی برابر ۱/۰۶ است و همچنین ضرایب CFI، GFI، AGFI، NFI، NNFI همگی بالاتر از ۰/۹ هستند و RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. همگی شاخصها نشان از برازش مدل و مناسب بودن آن دارد. همانطور که از جدول فوق بر می‌آید محقق با اطمینان می‌تواند میزان ضریب اجرای سیاست‌های نظام اداری بر مؤلفه‌های نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران را با توجه به بارعاملی و اعداد معناداری آن مورد بررسی قرار دهد.

جدول ۴. رابطه سیاست‌های کلی نظام اداری با جبران خدمات و مؤلفه‌های آن با توجه به مدل ساختاری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	بارعاملی (R)	ضریب تعیین (R ²)	مقدار t
سیاست‌های کلی نظام اداری	نظام جبران خدمات	۰,۵۴	۰,۲۹	۵,۴۹
	مؤلفه مالی مستقیم	۰,۳۹	۰,۱۵	۲,۲۶
	مؤلفه مالی غیر مستقیم	۰,۴۱	۰,۱۷	۲,۵۷
	مؤلفه غیر مالی در ارتباط با شغل	۰,۴۰	۰,۱۶	۴,۱۴
	مؤلفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل	۰,۳۵	۰,۱۲	۳,۶۳

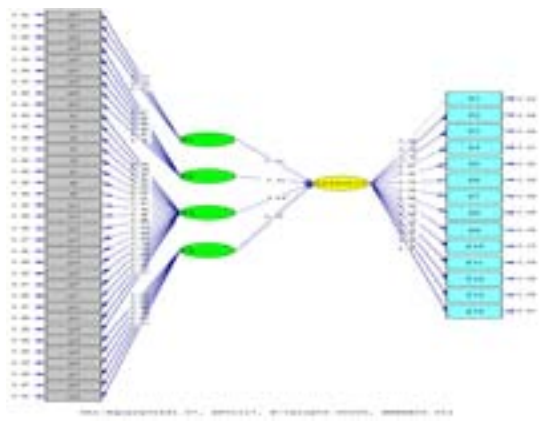
بررسی فرضیه تحقیق براساس نتایج شکل تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم در این قسمت مورد توجه است.

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۴ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۲۹ درصد نظام جبران خدمات را تبیین می‌کند.

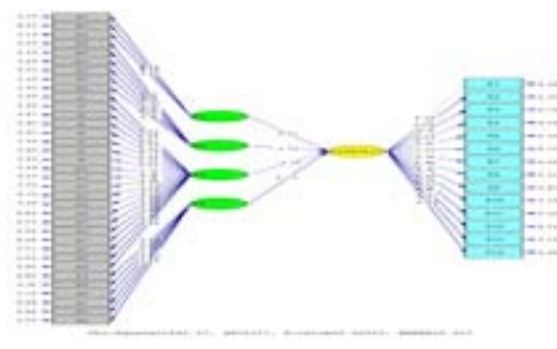
سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۱۲ درصد مولفه مالی غیر مالی در ارتباط با محیط شغل را تبیین می‌کند. لذا با توجه به نتایج بدست آمده، متغیر مستقل تحقیق یعنی سیاست‌های کلی نظام اداری بر متغیر وابسته یعنی نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های آن رابطه معنی‌داری دارد.

سؤال ۳: آیا بین نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران نیز تحلیل عاملی تأییدی نیز انجام گرفته است که در شکل ۴-۱۰ شکل برازش یافته در حالت استاندارد و شکل ۴-۱۱ در حالت معناداری اعداد تی ارائه شده است.



نمودار ۴. شکل ساختاری برازش یافته برای بررسی روابط بین متغیرها



نمودار ۵. مقادیر t برای بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی مستقیم در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۳۹ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی مستقیم در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۱۵ درصد مولفه مالی مستقیم را تبیین می‌کند.

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی غیر مستقیم در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۴۱ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی غیر مستقیم در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۱۷ درصد مولفه مالی غیر مستقیم را تبیین می‌کند.

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی در ارتباط با شغل در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۴۰ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی غیر مالی در ارتباط با شغل در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۱۶ درصد مولفه مالی غیر مالی در ارتباط با شغل را تبیین می‌کند.

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی در ارتباط با محیط شغل در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۳۵ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مولفه مالی غیر مالی در ارتباط با شغل در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که

نتایج مندرج در جدول ۵ برای بررسی برازش شکل اندازه‌گیری نشان از برازش مناسب شکل اندازه‌گیری دارد.

جدول ۵. شاخص‌های برازش شکل اندازه‌گیری

نتیجه	مقدار	دامنه مورد قبول	شاخص برازش
مناسب	۱,۴۰	< ۳	$\frac{\chi^2}{df}$ (شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی)
مناسب	۰,۹۱	> ۰,۹	CFI (شاخص برازش تطبیقی)
مناسب	۰,۹۱	> ۰,۹	GFI (شاخص برازندگی)
مناسب	۰,۹۳	> ۰,۹	AGFI (شاخص تعدیل برازندگی)
مناسب	۰,۹۲	> ۰,۹	NFI (شاخص نرم شده برازندگی)
مناسب	۰,۹۰	> ۰,۹	NNFI (شاخص نرم نشده برازندگی)
مناسب	۰,۰۱۱	کمتر از ۰,۰۸	RMSEA (خطای ریشه میانگین مجزورات تقریب)

نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی برابر ۱/۴۰ است و همچنین ضرایب CFI, GFI, AGFI, NFI, NNFI همگی بالاتر از ۰/۹ هستند و RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. همگی شاخصها نشان از برازش مدل و مناسب بودن آن دارد. همانطور که از جدول فوق بر می‌آید محقق با اطمینان می‌تواند میزان ضریب مؤلفه‌های نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران را با توجه به بارعاملی و اعداد معناداری آن مورد بررسی قرار دهد. جدول ۴-۳ خلاصه نتایج بدست آمده از آزمون رابطه بین نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۶. ضرایب مسیر، تعیین و معنی‌داری رابطه بین نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های با اثر بخشی نظام جبران خدمت

مقدار t	ضریب تعیین (R ²)	بارعاملی (R)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۵,۴۵	۰,۳۲	۰,۵۷	اثر بخشی نظام جبران خدمت	نظام جبران خدمات
۳,۹۲	۰,۱۹	۰,۴۴		مؤلفه مالی مستقیم
۶,۷۰	۰,۳۵	۰,۵۹		مؤلفه مالی غیر مستقیم
۴,۰۵	۰,۲۶	۰,۵۱		مؤلفه غیر مالی در ارتباط با شغل
۳,۹۱	۰,۲۵	۰,۵۰		مؤلفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل

در این قسمت و براساس نتایج شکل ساختاری برآورد شده می‌توان اینگونه نتیجه گیری کرد: براساس جدول ۶ بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۷ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که نظام جبران

سؤال ۴. وضعیت اجرای سیاست های کلی نظام اداری در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟

جدول ۹. آمار توصیفی توجه به اجرای سیاستهای کلی نظام اداری

میانگین انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مؤلفه
۰,۰۷۵	۰,۴۷	۳,۵۹	۳۷۷	اجرای سیاستهای کلی نظام اداری

جدول ۱۰. آزمون t برای اجرای سیاستهای کلی نظام اداری

سطح بررسی=۳						
مؤلفه	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوت ها	حدود فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
					حد بالا	حد پایین
اجرای سیاستهای کلی نظام اداری	۷,۸۵	۳۷۶	۰,۰۰۰	۰,۵۸۹	۰,۴۳۷۴	۰,۷۴۰۷

تحلیل جداول فوق:

با توجه جدول فوق ستون سطح معنی داری ۰,۰۰۰ کوچکتر از $\alpha = 5\%$ یعنی $(sig < \alpha)$ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید میشود. به عبارت دیگر میانگین نمرات متغیر، اختلاف معناداری با عدد ۳ دارند. با توجه به مقادیر حد بالا و حد پایین میتوان گفت: هرگاه حد پایین و بالا مثبت باشد، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معنی داری دارد. بنابراین اجرای سیاستهای کلی نظام اداری در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین با توجه به جدول آمار توصیفی میانگین اجرای سیاستهای کلی نظام اداری ۳/۵۹ و انحراف معیار ۰/۴۷ میباشد. سؤال ۵. وضعیت اثربخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران چگونه است؟

نمره اثربخشی نظام جبران خدمت با نمره متوسط میانگین اختلاف معنی داری ندارد $(H_0: \mu \leq 3)$

خدمت به میزان ۳۲ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می کند. همچنین براساس جدول ۶ بارعاملی این مسیر برابر ۰,۴۴ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض مقابل پذیرفته می شود که بیان می دارد بین مولفه مالی مستقیم با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که مولفه مالی مستقیم به میزان ۱۹ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می کند. علاوه بر این براساس جدول ۶ بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۹ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض مقابل پذیرفته می شود که بیان می دارد بین مولفه مالی غیر مستقیم با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که مولفه مالی غیر مستقیم به میزان ۳۵ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می کند. براساس جدول ۶ بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۱ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض مقابل پذیرفته می شود که بیان می دارد بین مولفه غیر مالی در ارتباط با شغل با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که مولفه غیر مالی در ارتباط با شغل به میزان ۲۶ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می کند. براساس جدول ۶ بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۰ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می شود و فرض مقابل پذیرفته می شود که بیان می دارد بین مولفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که مولفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل به میزان ۲۵ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می کند. براساس فرضیه های بررسی شده می توان دریافت که بین نظام جبران خدمت و مؤلفه های آن با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی داری وجود دارد.

نمره اثربخشی نظام جبران خدمت با نمره متوسط میانگین اختلاف معنیداری دارد ($H1 = (\mu > 3)$)

جدول ۱۱. آمار توصیفی اثربخشی نظام جبران خدمت

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
اثربخشی نظام جبران خدمت	۳۷۷	۳,۷۳	۰,۵۲	۰,۰۸۱

جدول ۱۲. آزمون t برای توجه به سیاست‌های کلی نظام اداری

مؤلفه	سطح بررسی = ۳					
	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوت ها	حدود فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
					حد پایین	حد بالا
اثربخشی نظام جبران خدمت	۹,۰۵۴	۳۷۶	۰,۰۰۰	۰,۷۳۵	۰,۵۷۰۴	۰,۸۹۸۶

تحلیل جداول فوق:

با توجه جدول فوق ستون سطح معنی داری ۰,۰۰۰ کوچکتر از $\alpha = 5\%$ یعنی $(sig < \alpha)$ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید میشود. به عبارت دیگر میانگین نمرات متغیر، اختلاف معناداری با عدد ۳ دارند. با توجه به مقادیر حد بالا و حد پایین میتوان گفت: هرگاه حد پایین و بالا مثبت باشد، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معنی داری دارد. بنابراین اثربخشی نظام جبران خدمت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین با توجه به جدول آمار توصیفی میانگین اثربخشی نظام جبران خدمت ۳/۷۳ و انحراف معیار ۰/۵۲ میباشد.

سؤال ۷: آیا بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن رابطه معنی داری وجود دارد؟

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی داری وجود دارد. براساس جدول ۱۳، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۴ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۲۹ درصد نظام جبران خدمت را تبیین می‌کند.

جدول ۱۳. رابطه سیاست‌های کلی نظام اداری با جبران خدمات و مؤلفه‌های آن با توجه به مدل ساختاری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	بارعاملی (R)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار t
سیاست‌های کلی نظام اداری	نظام جبران خدمات	۰,۵۴	۰,۲۹	۵,۴۹
	مؤلفه مالی مستقیم	۰,۳۹	۰,۱۵	۲,۲۶
	مؤلفه مالی غیر مستقیم	۰,۴۱	۰,۱۷	۲,۵۷
	مؤلفه غیر مالی در ارتباط با شغل	۰,۴۰	۰,۱۶	۴,۱۴
	مؤلفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل	۰,۳۵	۰,۱۲	۳,۶۳

سؤال ۶. آیا بین نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

بین نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۱۴، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۷ دارای مقدار t ، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که نظام جبران خدمت به میزان ۳۲ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می‌کند.

جدول ۱۴. ضرایب مسیر، تعیین و معنی‌داری رابطه بین نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های با اثربخشی نظام جبران خدمت

مقدار t	ضریب تعیین (R^2)	بارعاملی (R)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۵,۴۵	۰,۳۲	۰,۵۷	اثربخشی نظام جبران خدمت	نظام جبران خدمات
۳,۹۲	۰,۱۹	۰,۴۴		مؤلفه مالی مستقیم
۶,۷۰	۰,۳۵	۰,۵۹		مؤلفه مالی غیر مستقیم
۴,۰۵	۰,۲۶	۰,۵۱		مؤلفه غیر مالی در ارتباط با شغل
۳,۹۱	۰,۲۵	۰,۵۰		مؤلفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل

سؤال ۷. آیا بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

بین سیاست‌های کلی نظام اداری با اثربخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۱۵، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۸ دارای مقدار t ، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین سیاست‌های کلی نظام اداری با اثربخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که سیاست‌های کلی نظام اداری به میزان ۳۴ درصد اثربخشی نظام جبران خدمت را تبیین می‌کند.

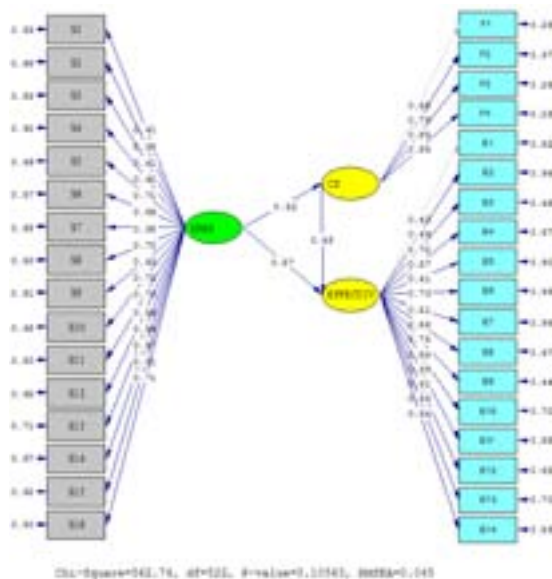
جدول ۱۵. رابطه سیاست‌های کلی نظام اداری با اثربخشی جبران خدمات و مؤلفه‌های آن با توجه به مدل ساختاری

مقدار t	ضریب تعیین (R^2)	بارعاملی (R)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۵,۷۸	۰,۳۴	۰,۵۸	اثربخشی نظام جبران خدمات	سیاست‌های کلی نظام اداری

جدول ۱۶. ضرایب مسیر، تعیین و معنی‌داری رابطه بین نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های با اثربخشی نظام جبران خدمت

مقدار t	ضریب تعیین (R ²)	بارعاملی (R)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۵,۴۵	۰,۳۲	۰,۵۷	اثربخشی نظام جبران خدمت	نظام جبران خدمات
۳,۹۲	۰,۱۹	۰,۴۴		مولفه مالی مستقیم
۶,۷۰	۰,۳۵	۰,۵۹		مولفه مالی غیر مستقیم
۴,۰۵	۰,۲۶	۰,۵۱		مولفه غیر مالی در ارتباط با شغل
۳,۹۱	۰,۲۵	۰,۵۰		مولفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل

بررسی مدل مفهومی تحقیق است. در این فرضیات نقش متغیرهای مستقل در شکل‌گیری مدل اثربخشی نظام جبران خدمات مورد توجه هستند. در شکل ۴-۱۲ شکل برازش یافته، برای بررسی این مدل آمده است. براساس این شکل و همچنین که مقدار t برای بررسی معنی‌داری این ضرایب آمده است، می‌توان مدل را، براساس این مقادیر اعتبار سنجی نمود. علاوه بر موارد فوق جهت برازش مدل بومی ارائه شده خروجی نرم افزار لیزرل در حالت مدل ساختاری استفاده شده است.



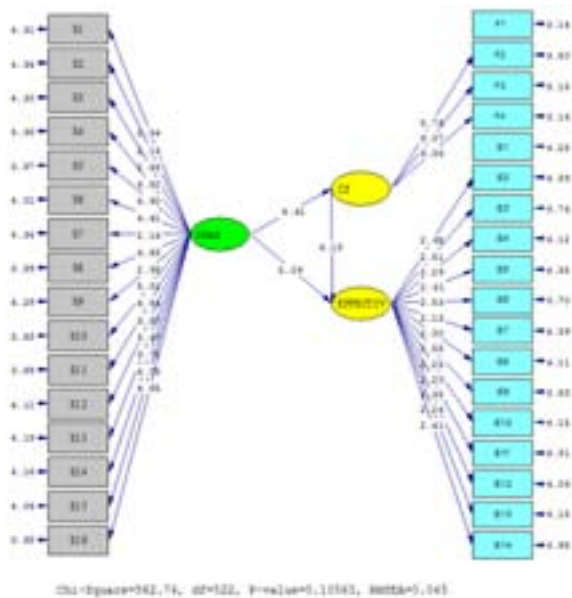
نمودار ۷. شکل ساختاری برازش یافته برای بررسی روابط بین متغیرها

در این قسمت و براساس نتایج شکل ساختاری برآورد شده می‌توان به آزمون فرضیه اصلی دوم و فرضیه‌های فرعی آن پرداخت.

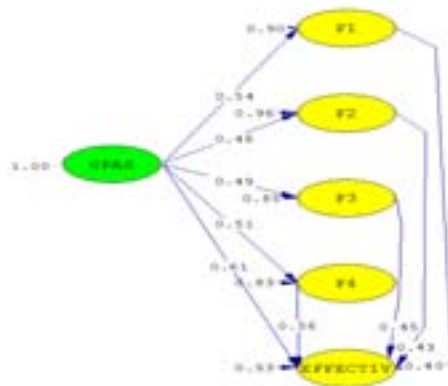
بین نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس جدول ۴-۳۵، بارعاملی این مسیر برابر ۰,۵۷ دارای مقدار t، بالاتر از ۱,۹۶ است. لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود که بیان می‌دارد بین نظام جبران خدمت با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز ایران معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت که نظام جبران خدمت به میزان ۳۲ درصد مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را تبیین می‌کند.

سؤال ۷. اعتبار الگوی الگوی مفهومی اثربخش نظام جبران خدمت در شرکت ملی گاز از نظر نخبگان چگونه می‌باشد؟

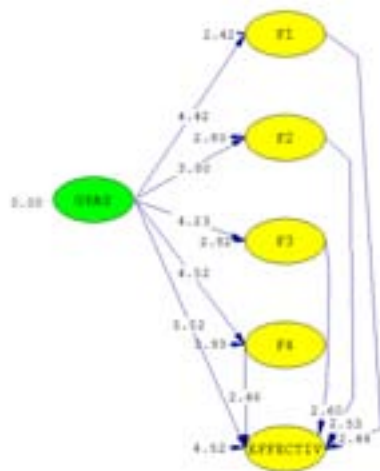
تجزیه و تحلیل‌های آماری انجام گرفته در خصوص مؤلفه‌های نظام جبران خدمات در شرکت ملی گاز ایران نشان می‌دهد که بطور کلی چهار دسته مؤلفه شامل مولفه مالی مستقیم، مولفه مالی غیرمستقیم، مولفه غیر مالی در ارتباط با شغل و مولفه غیر مالی در ارتباط با محیط شغل، می‌باشند. رابطه عوامل مرتبط شناسایی شده و سیاست‌های کلی نظام اداری با نظام جبران خدمات و مؤلفه‌های آن به صورت جداگانه در اشکال معادلات ساختاری محاسبه و ارائه گردیده است. در این مرحله و پس از بررسی و پالایش متغیرها در قالب تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و شکل اندازه‌گیری نوبت به



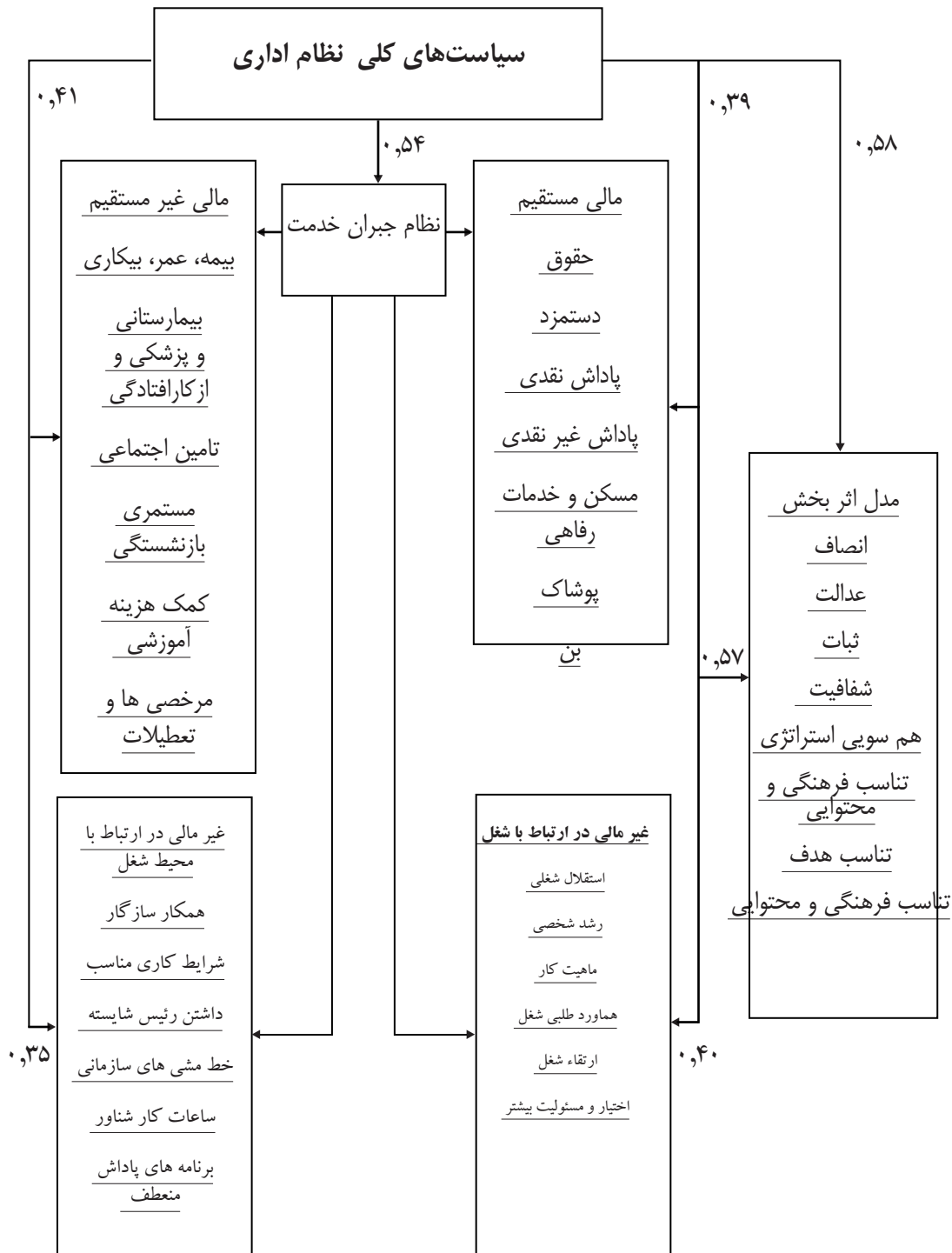
نمودار ۸. مقادیر t برای بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها



نمودار ۹. شکل ساختاری برازش یافته در حالت کلی مدل



نمودار ۱۰. مقادیر t برای بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها در حالت کلی مدل



نمودار ۱۱. مدل بومی الگوی مفهومی اثربخش نظام جبران خدمت

تبیین مدل بومی

به این منظور پرسشنامه مذکور به همراه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های ناشی از نظرات گروه دوم جامعه آماری شامل رؤسا و معاونین دانشگاه‌های جامعه هدف در قالب مدل نهایی، تدوین و در اختیار خبرگان قرار داده شد تا بر اساس نظرات خبرگان و آزمون‌های آماری اعتبار مدل نهایی برآزش گردد. ضرایب برآزش مدل که شرح کامل آن در جدول شماره ۱۸ آمده نشان دهنده مناسب بودن و معتبر بودن مدل بومی ارائه شده می باشد.

جدول ۱۸. شاخص‌های برآزش شکل اندازه‌گیری

شاخص برآزش	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
(شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی)	< 3	۱,۰۸	مناسب
CFI (شاخص برآزش تطبیقی)	$> 0,9$	۰,۹۹	مناسب
GFI (شاخص برآزندگی)	$> 0,9$	۰,۹۹	مناسب
AGFI (شاخص تعدیل برآزندگی)	$> 0,9$	۰,۹۸	مناسب
NFI (شاخص نرم شده برآزندگی)	$> 0,9$	۰,۹۸	مناسب
NNFI (شاخص نرم نشده برآزندگی)	$> 0,9$	۰,۹۷	مناسب
RMSEA (خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب)	کمتر از ۰,۰۸	۰,۴۵	مناسب



که به طور کلی مؤلفه‌های مذکور در چهار گروه کلی طبقه‌بندی می‌شوند. لذا مسؤالیان امر در برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاری خود میبایست اقدامات لازم را متناسب با نوع مسئله از حیث ماهیت مالی و غیر مالی بودن آن مدنظر قرار دهند تا بدین صورت احتمال توجه مذکور افزایش یافته و استراتژی‌های اخذ متخذه از اثربخشی لازم برخوردار باشند. با توجه به وضعیت مطلوب مؤلفه‌های نظام جبران خدمات، شرکت ملی گاز ایران در جهت ارتقاء و بهبود هرچه بهتر جبران خدمات اقدامات لازم را بعمل آورد. نتایج حاصل از آزمون‌های انجام گرفته در خصوص وضعیت اجرای سیاست‌های کلی نظام اداری در شرکت ملی گاز ایران حاکی از آن است که وضعیت اجرای سیاست‌های کلی نظام اداری در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بر این اساس بررسی و مطالعه در نظام پرداخت نمایانگر این است که

بمنظور بررسی برآزش مدل از شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی (χ^2)، شاخص برآزش تطبیقی (CFI)، شاخص برآزندگی (GFI)، شاخص تعدیل برآزندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برآزندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برآزندگی (NNFI)، خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) استفاده شد. همانطور که در جدول بالا مشاهده میشود، تمامی ضرایب برآزش در آستانه مورد قبول قرار دارند. نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی برابر ۱/۰۸ است و همچنین ضرایب CFI، GFI، AGFI، NFI، NNFI همگی بالاتر از ۰/۹ هستند و RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۵ میباشد. همگی شاخصها نشان از برآزش مدل بومی و مناسب بودن آن دارد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتایج بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد

کارمندان خشنود بازدهی بیشتری دارند. زیرا بازده بالا به پاداش‌هایی مانند: درآمد بالا و ترفیح منجر شده و این عامل به نوبه خود موجب رضایت شغلی شده که طبعاً در پی آن بهبود بهره‌وری کارکنان صورت می‌گیرد. همچنین موفقیت در اجرای طرح نظام پرداخت باعث می‌شود بهره‌وری کارکنان افزایش یابد، فرد نسبت به سازمان خود متعهد شود، سلامت فیزیکی فرد تضمین شود، روحیه فرد افزایش یابد، از زندگی راضی باشد و مهارت‌های جدید شغلی را به سرعت آموزش ببیند. همچنین عدم موفقیت در اجرای طرح نظام پرداخت باعث تضعیف روحیه کارکنان می‌شود که روحیه پایین در کار بسیار نامطلوب است. بررسی وضعیت داده‌ها و نیز تحلیل‌های انجام گرفته مؤید آن است که در شرکت ملی گاز ایران وضعیت اثربخشی نظام جبران خدمت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. برای اداره یک سازمان، مدیران نیازمند تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت هستند که بر آینده سازمان تأثیر خواهند گذاشت. یکی از تصمیمات کلیدی در سازمان، انتخاب یک استراتژی جبران خدمت برای کارکنان می‌باشد. طراحی این استراتژی از آنجا که می‌تواند بر عملکرد، انگیزش، نگهداری و تجدید قوای کارمندان اثر بگذارد، بسیار ضروری و حیاتی می‌باشد. یک نظام پرداخت اثربخش و جذاب، پرهزینه است. تقریباً ۵۰٪ هزینه‌های هر سازمانی را حقوق و دستمزد تشکیل می‌دهد. گذشته از این، درصد روزافزونی از این هزینه‌های حقوق و دستمزد، برای پرداخت‌های غیرمستقیم صرف می‌شود. به علاوه، ناکامی در رعایت موازین قانونی نیز می‌تواند برای سازمان بسیار پرهزینه باشد. با توجه به اینکه نتایج آزمون معادلات ساختاری رابطه بین نظام جبران خدمت و مؤلفه‌های آن با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را مورد تأیید قرار داده است. هزینه حقوق و دستمزد به عنوان یکی از مهمترین هزینه‌های عملیاتی اکثر مؤسسات، بیانگر سهم نیروی کار در تولید محصولات یا ارائه خدمات است و به عنوان یکی از عوامل بهاء تمام شده مستلزم اندازه‌گیری، کنترل و تجزیه و تحلیل مستمر میباشد، کمیت و کیفیت نیروی کار و هزینه‌های مربوط به آن از موضوعاتی است که همواره باید کنترل و بررسی شود تا با پرداخت حقوق و دستمزد مناسب کیفیت

نیروی کار حفظ شود. واحد حقوق و دستمزد بدلیل اینکه از مهمترین واسطه‌ای انگیزشی بین پرسنلها و سازمان‌ها به حساب می‌آیند در سازمانها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است لذا وجود هرگونه سیستم یا راهکار مناسبی که بتواند دقت، سرعت و اطمینان را در این بخش بالا ببرد توانسته این واحد را در پیشبرد اهداف پرسنلها و سازمانها یاری نماید. با توجه به اینکه نتایج آزمون معادلات ساختاری رابطه بین سیاست‌های کلی نظام اداری با مدل اثر بخشی نظام جبران خدمت را مورد تأیید قرار داده است. حقوق و دستمزد پرداختی کارکنان نیز باید در آنها ایجاد انگیزه لازم را فراهم آورد. به عبارت دیگر کارکنان باید مقدار حقوق و دستمزد پرداختی را با کار انجام شده خود مرتبط و منصفانه بدانند. و در نهایت اینکه جهت ارزیابی اعتبار و برآزش مدل بومی ارائه شده از پرسشنامه شماره پنج استفاده شده است. به این منظور پرسشنامه مذکور به همراه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های ناشی از نظرات گروه دوم جامعه آماری شامل رؤسا و معاونین دانشگاه‌های جامعه هدف در قالب مدل نهایی، تدوین و در اختیار خبرگان قرار داده شد و بر اساس نظرات خبرگان و آزمونهای آماری اعتبار مدل نهایی برآزش گردید و همگی شاخصها نشان از برآزش مدل بومی و مناسب بودن آن دارد.

,new jersey : prentice – hall

Hofmans joeri, De gieter sara , pepermans roland , 2013, individual differences in the relationships satisfaction with job rewards and job satisfaction , journal of vocational behavior, N. 8, pp 1-9.

Klor, Esteban F, et al. 2014. "Can Higher Bonuses Lead to Less Effort? Incentive Reversal in Teams". Journal of Economic Behaviour & Organization 97(1): 72-83.

Lawler ,E.E.(1981). Pay and organizational development. Reading, MA: Addison-Wesley.

Mintzberg ,H .(1987) .Crafting strategy. harvard business review, JulyAugust, 66-75.

Moncarz E, Zhao J, Kay C (2009). An exploratory study of US lodging properties' organizational practices on employee turnover and retention, Int. J. Contemp. . Hosp. Manage., 21(4): 437-458

Robert Kreitner, Angelo kinicki ,2001, Organizational behavior , Irwin/McGraw- . Hill

Schwab, D.P. (1980). Job evaluation and pay-setting: concepts and practices. In E.R. Livernash (Ed.), comparable worth: issues and alternatives. washington, D.C.: equal employment advisory council.

Pearce, L.(2010) managerial compensation based on organization performance, journal of industrial relation ,52:3-28.

سیدجوادین سیدرضا، باباشاهی جبار، افخمی اردکانی مهدی، ابراهیمی محسن (۱۳۹۰) انعطاف پذیری سیستم های جبران خدمات؛ زمینه ساز ارتقا کارآفرینی، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۶، شماره ۲۳.

قلیپور، آرین (۱۳۹۱) مدیریت منابع انسانی، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ سوم.

ناظمی، شمسالدین، برجعلیلو زهرا (۱۳۹۱) تبیین رابطه ابعاد عدالت سازمانی و جنبه های گوناگون رضایت از جبران خدمات، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، شماره ۷، ص ۱۴.

نیکویی، علی (۱۳۷۴) بررسی مشکلات قانون نظام هماهنگ پرداخت در شرکتهای دولتی وابسته به وزارت جهاد سازندگی، کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت تهران.

Armstrong, M.and Brown ,D.(2005). Relating competences to pay :The UK Experience ,compensation and benefit review,.2905-310 ;(2)18

–person of use The .(2003) Brown decision employment in fit organization criterion its of assessment an :making validity. journal of applied related–.Psychology, 91(4),786-801

Gerhart, B., Milkovich, G. T., & Murray, B. (1992). Pay, performance, and participation (CAHRS Working Paper -۹۲ ۲۸). ithaca,ny: cornell university, school of industrial and labor relations, center for advanced human resource studies.

.(2010) .N ,Liska and A.D ,Harrison occupational in Exercise regular Promoting personal of journal ,programme fitness .27-45 ,(5)5 , psychology

Henderson ,R.i,(2000).compensation management in a knowledge based world

آینده‌نگاری توسعه منطقه‌ای به روش شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی (مورد کاوی: استان کهگیلویه و بویراحمد)

سهراب دل انگیزان - دانشیار اقتصاد دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
محمد شریف کریمی - استادیار اقتصاد دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
حسن نوروزی* - دانشیار اقتصاد دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

به منظور آمادگی در برابر تغییرات محیطی، مطالعات آینده‌نگاری جایگزین تکنیک‌های پیش‌بینی و برنامه‌ریزی سنتی شده است. برخلاف بینی‌ها، فعالیت‌های آینده‌نگاری و سناریونویسی (به عنوان یکی از مهمترین روش‌های آینده‌نگاری)، بر عدم قطعیت‌هایی که تصمیم‌گیرندگان توانایی کنترل و یا کاهش آنها را ندارند تمرکز می‌نمایند. برنامه ریزی سناریو، تکنیکی است که با در نظر گرفتن عدم قطعیت‌های محیطی، آینده‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. سناریوها، آینده‌هایی که امکان وقوع آنها محتمل است را در قالب داستان‌هایی بیان نموده و روایت‌های بدیلی درباره موقعیت‌های مرتبط با آینده ارائه می‌دهند. در این پژوهش به تدوین سناریوهای آینده توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته شده است. برای این منظور از روش دلفی و نظرخواهی از خبرگان استان، جهت شناسایی نیروهای پیشران توسعه استان و عدم قطعیت‌های احتمالی پیش رو استفاده شده است. سپس با استفاده از روش ماتریس تأثیرات متقاطع و بهره‌گیری از نرم افزار میکمک، پیشرانهای توسعه استان شناسایی و بر اساس روش پیشنهادی شوارتز، سناریوهای توسعه آتی استان تدوین شده است. نتایج نشان می‌دهد که استان کهگیلویه و بویراحمد با دو عدم قطعیت کلیدی ساختار اقتصادی و نظام سکونتگاهی در آینده روبرو است و با لحاظ نمودن منطق سناریوها، استان با چهار سناریو توسعه در آینده مواجه بوده که در ادامه پژوهش به تشریح آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عدم قطعیت کلیدی، توسعه منطقه‌ای، آینده‌نگاری، کهگیلویه و بویراحمد

Regional scenario planning based on critical uncertainties

Abstract

In order to prepare for environmental changes, foresight studies have replaced conventional and traditional planning techniques. In contrast to predictions, futures and scenario activities (as one of the most important foresight methods) focus on uncertainties that decision-makers cannot control or reduce. Scenario planning is a technique that provides different perspectives with regard to environmental uncertainties. Scenarios present the future that is likely to occur in the form of stories, provide alternative about future-related situations. In this research, the development scenarios of the Kohgiluyeh and Boyerahmad Province have been addressed. For this purpose, the Delphi method and the expert's panel as local knowledge have been used to identify the driving forces and future uncertainties. The future development scenarios of the province were developed using the Cross-Impact Matrix and MickMak software. The results show that Kohgiluyeh and Boyer Ahmad province faces two critical uncertainties of Economic Structure and Fiscal Development. Considering the scenario logics, the province .faces four development scenarios in the future

Key words: Scenario planning, Regional development, foresight, Kohgiluyeh and Boyerahmad

۱. مقدمه

امروزه برنامه‌ریزی توسعه با هدف ارتقا ظرفیت‌های توسعه امری اجتناب ناپذیر در همه کشورهاست. در کشور ما سابقه قریب به ۷۰ سال برنامه‌ریزی‌های جامع (در برگزیده همه ابعاد زندگی انسانی) و ملی (با هدف رشد ملی بدون تعهد به رعایت ویژگی‌ها و نیازهای مناطق)، به دلیل ماهیت تمرکزطلبی توسعه در مسیر آرگانیک و اندام وار خود، عدم تعادل‌های چشمگیر منطقه‌ای، نبود هماهنگی‌های بین بخشی، حاشیه‌ای شدن قسمت‌هایی از سرزمین و از سوی دیگر فشار فزاینده از ظرفیت به منابع و عرصه‌های محدود در مناطق توسعه یافته، رشد غول‌آسای پایتخت، ناکارآمدی شبکه زیرساختی کشور و ... را موجب گردیده است. عدم تعادل‌های موجود در سرزمین در آینده، ساختار فضایی کشور را با مشکلات جدی مواجه خواهد نمود در حالی که عدالت محوری در توسعه همه مناطق در قوانین بالادستی کشور همواره مورد تأکید بوده است. برنامه‌ریزی فضایی (با هدف سازماندهی فعالیت‌ها در فضا با هدف حصول بالاترین کارایی)، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین (با هدف سازماندهی فعالیت‌ها در فضا با هدف بهینه نمودن روابط انسان، فضا و فعالیت) و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (با هدف یافتن توانایی‌ها و ظرفیت‌های منطقه برای رشد و توسعه) همگی با بارویکرد عدالت اجتماعی به ایجاد توازن و تعادل‌های منطقه‌ای در برخورداری‌ها براساس قابلیت‌های مناطق کمک می‌نمایند.

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحت ۱۵۵۰۴ کیلومتر مربع (۹۵٪ درصد مساحت کشور) و ۷۱۳ هزار نفر جمعیت (۹۰٪ جمعیت کشور)، علیرغم برخورداری از قابلیت‌های فراوان جهت رشد و توسعه، از جمله استان‌های کمتر برخوردار کشور از حیث شاخص‌های توسعه بوده به گونه‌ای که از نقطه نظر درآمد سرانه (۷۵ میلیون ریال بدون احتساب ارزش افزوده نفت خام و گاز طبیعی در سال ۱۳۹۳)، نرخ بیکاری نیروی کار (۱۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۵) و دیگر شاخص‌های اقتصادی با شرایط نامطلوبی مواجه است (نتایج حساب‌های اقتصادی استان‌ها-۱۳۹۳ و نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و خروج از وضعیت اقتصادی نامساعد فعلی،

آینده‌نگاری توسعه و ارتقاء جایگاه استان از منظر توسعه یافتگی در آینده دغدغه اصلی مسئولان و سیاستگذاران استان بوده است. از ویژگی‌های ارزشمند اقتصادی استان می‌توان به جایگاه قابل توجه استان در ذخائر نفت خام کشور اشاره نمود. بنا بر آمارهای رسمی کشور بالغ بر ۲۰ درصد نفت خام کشور از میادین نفتی این استان استخراج می‌گردد. حدود ۱۰ درصد منابع آب کشور در محدوده جغرافیایی استان تولید می‌گردد. دارا بودن ۶ درصد مساحت جنگل‌های کشور، وجود گونه‌های متفاوت گیاه دارویی و طبیعت بسیار زیبا و دلنواز استان که قابلیت توسعه بخش گردشگری طبیعی استان را فراهم نموده، جملگی بیانگر پتانسیل‌های فراوان استان برای نیل به توسعه می‌باشند (گزارش اقتصادی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴). بر اساس مطالعات متعدد انجام گرفته طی دهه‌های اخیر در زمینه رتبه‌بندی مناطق مختلف کشور از حیث شاخص‌های توسعه، این استان در مقایسه با سایر استان‌ها (۳۱ استان) همواره در زمره استان‌های کمتر توسعه یافته کشور بوده است. از جمله در مطالعه‌ای که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در سال ۱۳۹۲ با بکارگیری روش‌های مختلف سطح بندی انجام داده است، استان کهگیلویه و بویراحمد از حیث شاخص‌های توسعه جایگاهی بین ۲۹ تا ۳۱، در میان ۳۱ استان مورد مطالعه، را بخود اختصاص داده است.

در نظام برنامه‌ریزی ایران سند چشم‌انداز نظام، به عنوان عالی‌ترین سند راهبردی توسعه کشور، تدوین و در دستور کار دولت و نهادهای اجرایی کشور قرار گرفته است. سند چشم‌انداز به دلیل کلان‌نگری، ماهیت اجرایی مستقیم نداشته و لازم است با مطالعات دقیق و متناسب با قابلیت‌های منطقه‌ای، مأموریت مناطق مشخص و راه‌کارهای لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور فراهم گردد. استان کهگیلویه و بویراحمد از حیث پتانسیل‌های رشد و توسعه دارای قابلیت‌های فراوانی در بخش‌های نفت و گاز و سایر معادن، گردشگری، کشاورزی و دامپروری، منابع آب فراوان، تنوع اقلیمی، جنگل‌های انبوه و ... بوده و از لحاظ موقعیت جغرافیایی نیز واقع شدن استان بر محورهای مواصلاتی مهم

کشور و همسایگی استان با قطب های جمعیتی و صنعتی کشور (نظیر استان های خوزستان، بوشهر، فارس و اصفهان) این قابلیت را فراهم آورده تا استان بتواند در تقسیم کار ملی، ماموریت های مهمی را عهده دار گردد، گرچه تا کنون به دلیل عدم بهره برداری کامل از ظرفیت ها، نقش استان در تقسیم کار ملی و ارزش افزوده بخش های اقتصادی (به جز استخراج نفت خام و گاز طبیعی) ناچیز بوده است. این پژوهش با اعتقاد به ضرورت تحقق اهداف سند چشم انداز کشور و احترام به تقسیم کار ملی و منطقه ای و با هدف آینده نگاری توسعه (بر اساس رویکرد وفادارانه) و شناسایی پیشران های کلیدی با رویکرد سناریو نویسی در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام گرفته و اهداف جزئی تر زیر نیز مد نظر قرار دارد:

- شناسایی عوامل کلیدی و نیروهای پیشران موثر بر توسعه استان

- تحلیل اثرات متقاطع نیروهای پیشران و شناسایی تاثیرپذیرترین و تاثیرگذارترین عوامل موثر بر توسعه استان در آینده

- تبیین آینده های محتمل، ممکن و مطلوب توسعه استان

- تدوین سناریوهای ممکن و انتخاب سناریوی مطلوب توسعه آتی استان

- انتخاب سناریوی مطلوب و ارائه راهبردهای پابرجا و ویژه استان جهت دست یابی به آینده مطلوب

- تدوین جهتگیری های کلان راهبری مربوط به سناریوی مطلوب توسعه استان

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱- آینده نگاری منطقه کاتالونیای جنوبی^۱ (۱۹۹۰)

در این مطالعه که به برنامه Catalonia Horizon

۱. Sought Catalonia Regional Foresight

2010 معروف است، پس از شناسایی متغیرهای تاثیرگذار بر توسعه کاتالونیا (۴۵ عامل) در بازه زمانی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ و شناسایی رابطه متغیرها، نهایتاً پنج سناریوی جهانی برای منطقه کاتالونیا نگاشته شد که عبارت بودند از: سناریو روند انتقالی تا ۲۰۰۰ (بدست آوردن فرصت ها در مسیر حرکت)، سناریوهای روند مطلوب تا ۲۰۰۱ (کاتالونیا موتور حرکت اروپا)، سناریوی خوش بینانه برقرارشده تا ۲۰۱۰ (کاتالونیای درحاشیه فراگرفته)، سناریوهای گسسته جایگزین تا ۲۰۱۰ (استراتژی توسعه جدید)، سناریوهای گسسته موجود تا ۲۰۱۰ (کاتالونیای گذشته نگر) (Foren, ۲۰۰۱).

۲-۲- منطقه یوسیمما^۲ در فنلاند (۲۰۰۱)

دومین نمونه از کار آینده نگاری توسعه منطقه ای مربوط به منطقه یوسیممای فنلاند است که تحت عنوان "EEDC 2020" از آن یاد می شود این پروژه در سال ۲۰۰۱ تهیه و افق برنامه ریزی آن ۲۰۲۰ است و بر اساس راهنمای آینده نگاری توسعه منطقه ای پیشنهادی کمیسیون اروپا تهیه شده است (Foren, ۲۰۰۱).

۲-۳- سناریوهای مجمع جهانی اقتصاد^۳ (۲۰۱۶)

مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۶ در گزارش «خطرات جهانی» سه سناریو اصلی پیش روی جهان را تدوین نمود. روش شناسی سناریونگاری در این گزارش بدین شیوه است که با همکاری بیش از ۲۵۰ عضو از اعضای مجمع اقتصادی جهان سناریونگاری انجام گرفته است. (World Economic Forum, ۲۰۱۶). در این سناریوها ۷ نیروی پیشران شامل: «فناوری- های نوین، خطرات چندگانگی و عدم تناسب، امنیت- مدیریت منابع و آب و هوا، حکمرانی کارا، رقابت ژئو استراتژیک، تحولات جمعیتی، همبستگی و اعتماد اجتماعی»، مشخص و با توجه به نیروهای پیشران فوق، سه سناریو برای سال ۲۰۳۰ جهان تدوین گردید:

۲. Uusimaa (Finland)

۳. World Economic Forum

۱- سناریوی شهرهای محصور^۴: این سناریو افزایش نابرابری‌های درآمد، سلامتی، محیط زیست و دسترسی به فرصت‌ها و جدایی اجتماعات را پیش بینی مینماید. در کشورهای ثروتمند طبقه متوسط با کاهش دستمزدها و کاهش خدمات عمومی کم‌رنگ می‌شوند. خاک حاصلخیز، آب آشامیدنی سالم و حتی هوای پاک به کالا تبدیل شده و بین کسانی که توانایی خرید آن را دارند مبادله می‌شود. ۲- سناریوی مناطق نیرومند^۵: در این سناریو، ثروت در جنوب و شرق انباشته و بازیگران بیشتری قادر به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی استراتژیک از طریق گسترش دیپلماسی، گسترش فناوری‌های جدید و توسعه زیرساخت‌ها می‌باشند. تعادل قدرت تنظیم و نظم جدیدی از فضاهای تاثیرگذار در سطح منطقه ای ایجاد می‌گردد. ۳- سناریوی جنگ و صلح^۶: سناریوی نهایی نشان می‌دهد که جهان در خلال ۱۵ سال آینده به سوی کشمکشهای بزرگ رفته و سیستم جهانی نیازمند به کار دوباره می‌باشد.



نمودار ۱. سناریوهای جهان در سال ۲۰۳۰

۲-۴- سناریوهای توسعه هند^۷

در تدوین سناریوهای کشور هند، ابتدا عمده‌ترین روندهای کلیدی و عواملی که مزیت رشد در هند محسوب می‌شدند، فهرست و سپس چالش‌های عمده‌ای که کشور با آنها مواجه خواهد شد در هشت حوزه تعیین و از میان آنها، دو سؤال اصلی که مسیر توسعه هند در دو دهه آینده را شکل خواهد داد به شرح زیر شناسایی گردید: ۱- آیا هند میتواند همه ملت را در تلاش برای تحقق امنیت پایدار و ایجاد رفاه به کار گیرد؟ دو وضعیت ممکن در این باره عبارتند از: رشد و توسعه فراگیر یا رشد و توسعه غیرفراگیر. این امر در محور افقی ماتریس سناریو گزارش گردید. ۲- رابطه هند با دیگر نقاط جهان، چگونه برنامه‌های آن را متأثر خواهد ساخت؟ این پرسش نیز با یکی از دو وضعیت پیوند با جهان و یا کناره‌گیری و انزوا پاسخ داده شده که در محور عمودی ماتریس سناریو ارائه گردید.

این پرسش‌ها، مهمترین عدم قطعیت‌های کشور هند بوده و سه سناریو برای «هند و جهان» در ۲۰ سال آینده را مشخص نمودند: در سناریوی نخست (Pahale India)، هند در پیوند با جهان قرار داشته و با رشد و توسعه فراگیر نیز مواجه است که در نتیجه آن، هند در جایگاه مطلوب هندیان (هند نخستین) واقع گردیده و مسیر توسعه و پیشرفت را طی می‌نماید. سناریو دوم (Bally World) نشان از رویکرد تعاملی هند با جهان داشته اما همزمان با رشد و توسعه غیرفراگیر همراه است. سناریوی حاصله با اقتباس از صنعت فیلم سازی هند (Bollywood)، نام گذاری شده است. در این سناریو، هند با رشدی ناپایدار و رکود مواجه خواهد

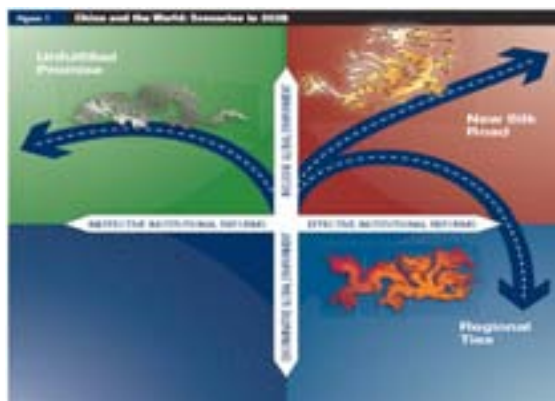
۴. Walled Cities

۵. Strong Regions

۶. ²-War and Peace

۷. ³- World Economic Forum, India and the World: Scenarios to 2025

نهادی مؤثر و محیط جهانی فراگیر همزمان شوند، این سناریو توسعه هم‌افزای چین را به دنبال دارد. ۲- سناریوی «پیوندهای منطقه‌ای»^{۱۰}، هنگامی به وجود می‌آید که محیط جهانی تبعیض‌آمیز بوده اما اصلاحات نهادی به‌طور مؤثری انجام شده باشد. در این حالت چین، موتور توسعه خود را با پیوندهای منطقه‌ای به پیش می‌راند. ۳- سناریوی «وعده‌های انجام نشده»^{۱۱}، هنگامی به وقوع می‌پیوندد که شمولیت محیط جهانی وجود داشته اما اصلاحات نهادی مورد نیاز انجام نشده است. چین در این حالت با «وعده‌هایی انجام نشده» مواجه است که سرانجامی توأم با رکود را به دنبال خواهد داشت (World Economic Forum, ۲۰۱۰).

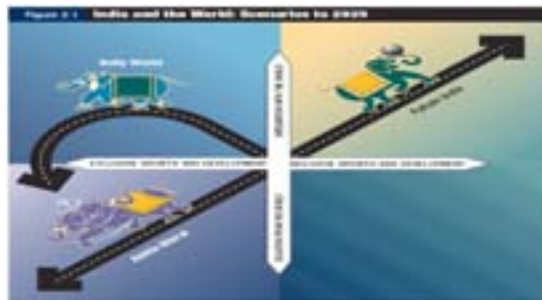


نمودار ۳. سناریوهای چین در ۲۰۲۵

۳. مدل مفهومی / فرضیه‌ها و سوالات تحقیق

سناریو نگاری: یکی از روش‌هایی که در سال‌های اخیر جهت آینده‌نگاری و مطالعه عدم قطعیت‌ها در آینده‌گرایی زیادی به آن وجود داشته است «برنامه‌ریزی سناریو» است (Randt, ۲۰۱۵). برنامه‌ریزی سناریو برای دوره‌ای است که برنامه‌ریزی استراتژیک سنتی منسوخ گردیده است (Metalo, ۲۰۱۵). سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر از درون به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات

بود. در سناریوی سوم (Atakta Bharat)، کشور هند تعاملی مناسب با جهان نداشته و شمولیتی نیز در رشد و توسعه وجود ندارد. سناریوی سوم حرکت بدون جهت‌گیری مشخص بوده که بدترین حالت ممکن در بین سناریوهای یاد شده است.



نمودار ۲. سناریوهای هند در رابطه با جهان برای افق ۲۰۲۵ (۲۰۱۰)، World (Economic Forum)

۲-۵- چین و جهان (سناریوهای ۲۰۲۵)^۸

در مطالعه فرایند جستجوی آینده‌چین، دو سؤال اصلی مطرح گردید که عبارت بودند از: ۱- روابط چین با سایر نقاط جهان چگونه خواهد بود؟ عدم قطعیت‌های حاصل شده در این سؤال عبارتند از: محیط جهانی فراگیر یا محیط جهانی تبعیض‌آمیز؟ ۲- آیا چین اجرای اصلاحات داخلی برای پیشبرد توسعه را اعمال می‌نماید؟ عدم قطعیت‌های ممکن در این سؤال عبارتند از: اصلاحات نهادی مؤثر یا اصلاحات غیر مؤثر. البته تعدادی از عوامل که بر چگونگی پاسخ به این سؤال‌ها در دو دهه آینده تأثیرگذار خواهند بود نیز در نظر گرفته شدند، عواملی چون نیت رهبران چین و توانایی آن‌ها برای حمایت از اجرای تصمیمات گرفته شده، انتخاب سیاست‌های اقتصادی شامل درجه‌گشودگی و آزادی اقتصاد، میزان حفظ ثبات اجتماعی و انتظارات مدیریت‌شده مردمی، عکس‌العمل دیگر بازیگران جهانی به خیز چین و موقعیت ژئوپلیتیکی گسترده‌تر آن. در نتیجه سؤال‌های ذکر شده، سه سناریو طراحی گردید: ۱- سناریوی «جاده ابریشم جدید»^۹، در صورتی تحقق می‌یابد که اصلاحات

۸. 1- World Economic Forum, China and the World: Scenarios to 2025

۹. 1 -New Silk Road

۱۰. 2- Regional Ties

۱۱. 3- Unfulfilled Promise

و روندهای متنوع (و بعضاً واگرا)، تصاویری باورپذیر و از درون سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنهاست که در آن کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده در بوته آزمایش قرار می‌گیرند. سناریوها همچنین کمک می‌کنند که هم چالش‌ها و هم فرصت‌های بالقوه ولی غیر منتظره شناسایی شوند. سناریوها باکشف سیستماتیک چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. معمولاً ۳ یا ۴ سناریو برای هر آینده نگاری تهیه می‌گردد. (Zahradníková and Vacík, 2014).

سناریوها روایتی از فضاهای موازی هستند که ممکن است از تصمیمات امروز تاثیر بگیرند. سناریوها پیش بینی و استراتژی نیستند بلکه فرضیه‌هایی هستند با سوال «چه می‌شود اگر؟» که به صورت منظم باعث به رسمیت شناخته شدن فرصت‌های جدید و پیش بینی نشده یا چالش‌هایی برای سازمان می‌شوند. (Gordon A., 2013).

در دنیای پیچیده امروز تنها اتفاق قطعی خود تغییر است. در فضایی که قوانین با سرعت زیادی باز نویسی می‌شوند برنامه ریزی بیشتر به شانس متکی است تا پیش بینی، اما روش‌هایی برای کاستن از عوامل غیر قابل پیش بینی وجود دارد. تکنیک‌های برنامه ریزی بر مبنای سناریوها به تفکر در مورد عدم قطعیت‌ها در فضای منظم کمک می‌کند (Ringland, 1998).

برنامه ریزی بر مبنای سناریوها اصالتاً برای مقاصد نظامی و بهینه کردن استراتژی‌های منطقی خلق شد. هرچند که سازمان‌ها امروزه برنامه ریزی بر مبنای سناریو را برای حل مشکل در حوزه‌هایی چون واحدهای تحقیق و توسعه، علوم مهندسی، کسب و کار، سیستم‌های کامپیوتری، صنعت اتومبیل‌سازی، صنعت نفت، صنایع ساختمان، هوافضا، مخابرات، کشاورزی، بانکداری، شیمی، پردازش اطلاعات و خدمات، بازاریابی استفاده می‌کنند (Acosta, 2014).

درس‌نویس‌نگاری تعدادی از احتمالات در نتیجه تشریح

وضعیت عدم قطعیت ظاهر می‌گردند در حالی که در پیش‌بینی (تحلیل روندها)، هدف شناسایی بیشتر مسیرها و تخمین عدم قطعیت مدنظر می‌باشد. (Stojanović Mitković and 2014). یک سناریو با هدف توصیف آینده ممکن، اما نه لزوماً قطعی، استفاده می‌شود (Amer et al., 2010). سناریوهای موثر می‌بایست دارای دو ویژگی مهم «محمّل بودن» (محدودیت‌هایی که امکان وقوع دارند را در نظر بگیرد) و «سازگار بودن» (عدم وجود هرگونه ناسازگاری ساختاری در ترکیب منطق‌های سناریو) باشند (Tankersley, 2006). سناریوها بر پایه احتمال وقوع به سه دسته ممکن، محتمل و مطلوب طبقه بندی میشوند. «ممکن» به این معنی که بر مبنای دانش آینده نگری امکان اتفاق دارد و «محمّل» یعنی اینکه بر مبنای روندهای موجود، احتمال وقوع دارد و «مطلوب» به مفهوم آن است که منطبق بر ارزش‌هاست و خواستی برای وقوع آن وجود دارد (Futures studies, 2015).

استفاده از تکنیک‌های برنامه ریزی بر مبنای سناریو در این موارد به کار گرفته می‌شود (Schoemaker, 1993):

۱. عدم قطعیت‌ها بالاست (سته به توانایی پیشگویی و سازگار کردن فرد).
۲. تعدد اتفاقات پرهزینه غیر قابل پیش بینی در گذشته.
۳. فرصت‌های جدید ایجاد شده کم است.
۴. کیفیت پایین تفکر راهبردی (به خاطر عادی شدن برنامه ریزی راهبردی).
۵. صنعت تغییرات اساسی را در گذشته تجربه نموده یا در شرف آن است.
۶. زبان مشترک و چهارچوب کاری بدون از بین بردن تنوع مورد نیاز است.
۷. تفاوت‌های اساسی در عقاید وجود دارد که هرکدام دارای فواید خاص خود می‌باشند.
۸. رقبای شما از روش برنامه ریزی بر مبنای سناریو استفاده می‌کنند.

برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها در مواقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اجراکنندگان قصد تدوین سیاست‌های عمومی در فضایی منظم را دارند. این روش به تصمیم‌سازان امکان می‌دهد تا طیفی از آینده‌های باورکردنی را ملاحظه کنند، در مورد دیدگاه‌های مطلوب بحث کنند و تجربیات حاصل از مشارکت در فرآیند توسعه سناریوها را در فرآیند رسمی تصمیم‌سازی و مدیریت بکار گیرند. این روش همچنین باعث تحریک خلاقیت و برطرف شدن مشکلات سنتی حال و کوتاه مدت است (Tankersley, 2006). فرآیند کلی برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها بدین شکل تدوین شده است (Rialland & Wold, 2009).



نمودار ۴. فرآیند کلی برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها (Acosta, 2014)

این فرآیند کلی در هر فاز خروجی مشخصی به ترتیب زیر خواهد داشت:

- فاز صفر: حیطة و تمرکز سناریوها
- فاز یک: جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل روندها
- فاز دو: شناسایی و طبقه‌بندی پیش‌رانها
- فاز سه: تشریح فضای سناریو و منطق آن
- فاز چهار: ارزیابی سناریو

پژوهش حاضر با رویکرد اکتشافی به دنبال شناسایی مهمترین مولفه‌های موثر بر توسعه منطقه‌ای برای رسیدن به آینده مطلوب منطقه با رویکرد آینده‌نگاری است. لذا این پژوهش، فرضیه مبنای نبوده و با هدف اثبات و یا رد یک فرضیه خاص اجرا نمی‌گردد. می‌توان یک پیش‌فرض اولیه برای این پژوهش متصور بود که در میان مولفه‌های توسعه، برخی دارای اهمیت و نقش بیشتری در تحقق اهداف توسعه‌ای منطقه می‌باشند که قابل‌بازشناسی و تبیین خواهند بود. پیش‌فرض تبعی دیگر پژوهش آن است که با پیاده‌سازی

روشمند آینده‌نگاری منطقه‌ای در استان کهگیلویه و بویراحمد، می‌توان آینده مطلوب منطقه از حیث توسعه یافتگی را ترسیم نمود. سوالات اصلی که مقاله حاضر در پی جواب به آنها می‌باشد عبارتند از:

۱-۳. کدام مولفه توسعه منطقه‌ای، نقش کلیدی در توسعه آتی استان کهگیلویه و بویراحمد دارد؟

۲-۳. آینده‌نگاری توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد در چه سناریوهایی قابل بررسی می‌باشد؟

۳-۳. سناریو مطلوب توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد با چه راهبردهایی قابل دست‌یابی می‌باشد؟

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحلیل ساختاری است. این تحقیق از نظر ماهیت داده‌ها کیفی است و بر اساس روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و پیمایشی و قلمرو تحقیق نیز محدوده جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد است. جامعه آماری این تحقیق شامل خبرگان و برنامه‌ریزان توسعه استان بوده که به روش «گلوله برفی»^{۱۳} به عنوان نمونه انتخاب می‌گردند. در فاز اول برای تشکیل سیستم پایه (جمع‌آوری اطلاعات) از روش توفان فکری (مصاحبه با خبرگان) و بررسی اسناد مرتبط و روند بلندمدت متغیرها و نیز تکمیل پرسشنامه و تکنیک دلفی استفاده و پرسشنامه‌ها صرفاً از متخصصین توسعه و برنامه‌ریزی استان احاطه دارند در دومرحله تکمیل گردیده است. تجزیه و تحلیل این مطالعه با بکارگیری روش ماتریس تاثیر متقاطع، روش دلفی و روش سناریو نویسی انجام می‌گردد. روش ماتریس تاثیر متقاطع جهت بررسی میزان تأثیر عوامل موثر بر توسعه بر یکدیگر، روش دلفی جهت اخذ نظرات متخصصان و روش سناریو نویسی برای تعیین سناریوهای مطلوب آینده مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در تحلیل «درون داده‌ها»^{۱۴} از نرم افزار «میک مک» جهت شناسایی عوامل موثر و کلیدی بر توسعه استان استفاده می‌گردد. به پیروی از روش

۱۲. 5- Snowball Sampling

۱۳. 1-Input

پیشنهادی شوارتز، مراحل برنامه‌ریزی بر پایه سناریو در این پژوهش به شرح ذیل است (Shwartz، ۱۹۹۱):

(۱) **شناخت وضع موجود:** در این مرحله، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های توسعه منطقه تحلیل می‌گردند.

(۲) **تعیین مسائل کلیدی:** بدین منظور از مدل‌هایی نظیر «تحلیل اثرات متقاطع» و نرم افزار میک مک استفاده می‌شود (Weimer-Jehle، ۲۰۰۶). شناسایی نیروهای پیشران و موثر در توسعه اقتصادی استان، با آنالیز STEEP (اجتماعی، فناوری، محیط زیست، اقتصادی، سیاسی) نیز انجام می‌گیرد.

(۳) **آینده‌نگاری**

(۴) **ترسیم چشم انداز و تعیین حوزه‌های هدف**

(۵) **شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی**

(۶) **گزینش سناریوی مطلوب آینده از میان سناریوهای ممکن**

(۷) **هدف‌گذاری کیفی و کمی جهت تدوین راهبردهای کلان برای سناریوی مطلوب**

(۸) **سیاست‌گذاری:** روشهای اجرایی شدن سناریوی بهینه، راهبردهای کلان و سیاست‌های اجرایی تعیین می‌گردند.

(۹) **تدوین پروگرام‌های اجرایی:** مجموعه‌ای از پروژه‌ها که نقش محرک توسعه منطقه را ایفا می‌نمایند، انتخاب می‌گردند.

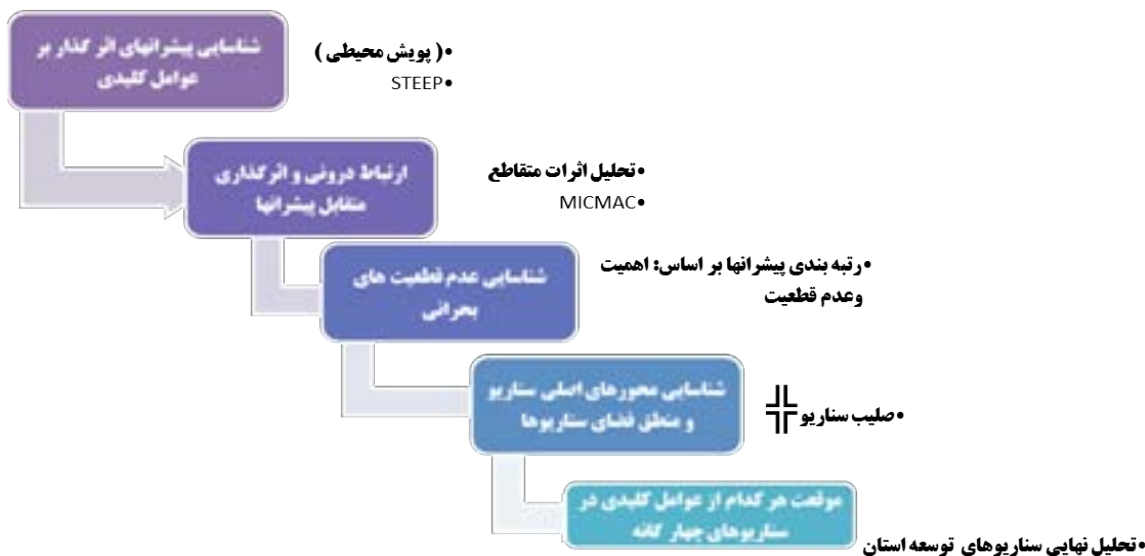
(۱۰) **اجرا و پایش فرآیند:** علاوه بر مسائل مربوط به اجرا، تحولات محیط رصد گردیده و تغییرات لازم در برنامه اعمال می‌گردد.

(۱۱) **بازخورد:** ارزیابی روند انجام کار و خروجی‌های مثبت یا منفی آن در این مرحله انجام می‌گردد که بر اصلاح فرایند برنامه‌ریزی، موانع، مشکلات و کاستی‌های فرایند برنامه‌ریزی تاثیر مهمی خواهد داشت.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



نمودار ۵. مراحل اصلی آینده‌نگاری توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد

۵. یافته‌های پژوهش (نتایج بکارگیری سناریونگاری براساس روش شوارتز)

۱-۵. موضوع سناریو: موضوع اصلی سناریو در پژوهش حاضر آینده‌نگاری توسعه استان می باشد.

۲-۵. شناسایی و تحلیل نیروهای پیشران:

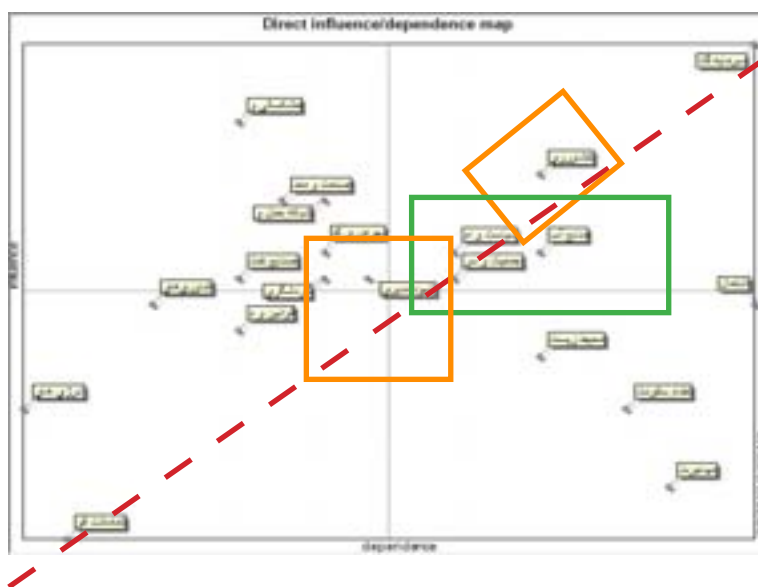
جهت شناسایی عوامل کلیدی موثر بر توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد، ابتدا از فرایند دلفی استفاده گردید. بدین منظور چارچوب اولیه پرسشنامه دلفی تدوین و لیستی از خبرگان شناسایی شده برای راند اول استخراج گردید. پرسشنامه اولیه (پس از بررسی روایی و پایایی آن با نظر خواهی از تعداد

محدودی از خبرگان استان) به صورت بدون ساختار یا باز پاسخ، جهت زایش ایده‌ها و آشکارسازی کلیه موضوعات مرتبط با عنوان تحت مطالعه و تکمیل پرسشنامه معتبر مبتنی بر مبانی نظری سناریو نگاری مشارکتی و در نظر گرفتن ویژگیهای خاص استان، برای خبرگان ارسال و نظرات خبرگان در پنج حوزه (بر اساس مدل STEEP)، جهت تدوین عدم قطعیتها، تغییرات متغیرهای اصلی در آینده و راهبرد های پابرجا در هر حوزه مورد سوال قرار گرفت. از متخصصان درخواست گردید طوفان مغزی برقرار نموده و ایده خود را آزادانه مطرح و فهرست موضوعات مورد نظر خود را مختصر و بدون نام

برگردانند. نتیجه نهایی این مرحله، مشخص شدن موضوعات و شناسایی عناوین جهت تدوین پرسشنامه دارای ساختار (به عنوان ابزار راند دوم) می باشد. پس از دریافت و تحلیل نتایج راند اول، پرسشنامه دارای ساختار مشخص و هدفمند تدوین و برای ۲۲۰ نفر از خبرگان ارسال گردید. از مرحله دوم (به بعد)، از افراد خواسته می شود تا هر عنوان را با استفاده از مقیاس لیکرت، رتبه بندی و کمیت پذیر نمایند. عدم اجماع در برخی مسائل سبب برگزاری مرحله سوم دلفی و دعوت از تعداد محدودی از متخصصان استان در حوزه های اصلی مورد مطالعه بود. در نهایت از خبرگان درخواست گردید لیست نهایی عوامل کلیدی موثر بر توسعه را شناسایی نمایند. عوامل کلیدی موثر و نیروهای پیشران در رابطه با توسعه استان بر اساس مدل STEEP و استفاده از پرسشنامه باز و نظر خواهی از خبرگان نیز حاصل گردید. پس از شناسایی عوامل موثر بر توسعه استان از دو روش فوق، عوامل نهایی موثر بر توسعه استان به صورت زیر تعیین گردید:

- ۱- بهره‌وری کار و سرمایه؛ ۲- اشتغال؛ ۳- جمعیت و نیروی انسانی؛ ۴- کشاورزی؛ ۵- صنعت و معدن؛ ۶- فن آوری های نوین؛ ۷- منابع آب؛ ۸- انرژی های نو و پاک؛ ۹- صنایع نفت و گاز؛ ۱۰- نظام سکونت گاهی شهری و روستایی؛ ۱۱- محیط زیست و منابع طبیعی؛ ۱۲- شبکه حمل و نقل؛ ۱۳- مهاجرت؛ ۱۴- سرمایه گذاری؛ ۱۵- گردشگری؛ ۱۶- تعاملات قومی؛ ۱۷- شیوه مدیریت؛ ۱۸- سیاست و امنیت ملی؛ ۱۹- قوانین و مقررات؛ ۲۰- خشکسالی و مخاطرات طبیعی.

با قرار دادن پیشرانهای ۲۰ گانه فوق در ماتریس (۲۰ در ۲۰)، تاثیر هر کدام از نیروهای پیشران بر دیگر نیروها در قالب طراحی، تکمیل و تحلیل پرسشنامه تعیین گردید. جهت بررسی میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری نیروهای پیشران توسعه آتی استان از نرم افزار «میک مک» استفاده گردید که نتایج آن در نمودار شماره (۶) و جدول شماره (۱) نشان داده شده است.



تاثیر پذیری

نمودار ۶ موقعیت عوامل توسعه استان بر اساس وضعیت آنها در دو محور تاثیر پذیری-تاثیرگذاری

جدول ۱. وضعیت هر یک از متغیرها بر اساس تحلیل در نرم افزار میک مک

ردیف	نوع متغیر	متغیر
۱	تاثیرگذار	خشکسالی و مخاطرات طبیعی، گردشگری، صنعت و معدن، شبکه حمل و نقل، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، صنایع وابسته به نفت و گاز
۲	دو وجهی	سرمایه گذاری، کشاورزی
۳	ریسک	سیاست و امنیت ملی
۴	هدف	جمعیت و سرمایه انسانی، منابع آب
۵	تاثیرپذیر	اشتغال، محیط زیست و منابع طبیعی، نظام سکونت گاهی شهری و روستایی، مهاجرت
۶	مستقل	قوانین و مقررات، فناوریهای نوین، تعاملات قومی
۷	تنظیمی	شیوه مدیریت
۸	اهرمی ثانویه	انرژی های نو و پاک

منبع: یافته‌های تحقیق

بحرانی: گرچه درک عمومی مبتنی بر این است که سناریوها در شرایط عدم قطعیت تدوین می‌گردند اما تعریف پذیرفته شده‌ای از عدم قطعیت و چگونگی لحاظ آن در توسعه سناریو وجود ندارد. سؤال اساسی آن است که آیا محدودیتی در شناسایی عدم قطعیت ها وجود دارد و آیا در توسعه سناریو هر دو عدم قطعیت «بزرگ بیرونی»^{۱۴} و عدم قطعیت «کوچک درونی»^{۱۵} میبایست با یکدیگر در نظر گرفته شوند (Tapinos, ۲۰۱۲). امروزه سرعت تغییرات محیطی به‌شدت افزایش یافته و عدم قطعیت ها را نمی‌توان تا سطح صفر کاهش داد اما تصمیم‌گیرندگان نیازمند واقعیت‌ها و رهنمودهای مطمئن هستند تا بر آن اساس، برنامه‌های استراتژیک تدوین و اجرا نمایند (Berger, ۲۰۱۳).

در این مرحله از پژوهش با استفاده از ماتریس میزان تاثیرگذاری و عدم قطعیت، مهمترین نیروهای پیشران که از میزان اثرگذاری زیادی برخوردار بوده و همزمان با درجه عدم قطعیت بالایی نیز مواجه هستند مشخص گردید. برای این کار با تهیه پرسشنامه و استفاده از نظر متخصصان برنامه ریزی منطقه‌ای، میزان و درجه تاثیرگذاری و عدم قطعیت نیروهای پیشران تعیین گردید. در جدول شماره (۲) میزان عدم قطعیت و سطح تاثیر هر یک از عوامل نشان داده شده است:

جدول ۲. ماتریس عدم قطعیت و سطح تاثیر نیروهای پیشران توسعه آتی استان

	میزان اثرگذاری		
	پایین	متوسط	بالا
میزان عدم قطعیت	۱. تغییرات اقلیمی و طبیعی ۲. تغییرات جمعیتی و اجتماعی ۳. تغییرات اقتصادی و سیاسی	۴. تغییرات فرهنگی و اجتماعی ۵. تغییرات تکنولوژی و علمی ۶. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی	۷. تغییرات سیاسی و امنیتی ۸. تغییرات اقتصادی و اجتماعی ۹. تغییرات فرهنگی و اجتماعی
	۱۰. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ۱۱. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۱۲. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی	۱۳. تغییرات فرهنگی و اجتماعی ۱۴. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۱۵. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی	۱۶. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ۱۷. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۱۸. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی
	۱۹. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ۲۰. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۲۱. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی	۲۲. تغییرات فرهنگی و اجتماعی ۲۳. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۲۴. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی	۲۵. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ۲۶. تغییرات اقتصادی و سیاسی ۲۷. تغییرات زیست‌محیطی و طبیعی

۱۴. macro-external
۱۵. micro-external

در این مطالعه، منظور از متغیرتاثیرگذار (کلیدی یا ورودی) با ارزشترین و کلیدی ترین متغیر راهبردی و تاثیرگذار بر توسعه استان می باشد، متغیر دووجهی (حدوسط) متغیری است که تاثیر پذیری و تاثیرگذاری بالایی بر دیگر متغیرها دارد. متغیرتاثیرپذیر (نتیجه) متغیر با تاثیرگذاری کم و تاثیر پذیری فراوان است. متغیر مستقل (قابل چشم پوشی) دارای تاثیرگذاری و تاثیر پذیری پایین می باشد. متغیر ریسک (نامعین یا خوشه ای) متغیری است که سیستم قادر نیست تصمیم قطعی درباره آنها اتخاذ نماید و با توجه به قرارگیری آنها در نواحی مرزی هر یک از نواحی چهارگانه دیگر، امکان پیوستن این متغیرها در آینده سیستم به یکی از چهار ناحیه دیگر بالاست.

۳-۵. شناسایی عدم قطعیت های

بر اساس نتایج بدست آمده، صنعت گردشگری، صنایع وابسته به نفت و گاز، سرمایه گذاری و نظام سکونت گاهی شهری و روستایی مهمترین عدم قطعیتها بوده و بیشترین تاثیر گذاری بر توسعه استان در افق آینده را دارا میباشند. لذا ابعاد بدست آمده از مدل تحلیل ساختاری تاثیرات متقاطع، دارای فضایی چهار بعدی می باشد.

۴-۵. تدوین منطق سناریو

بدون درک منطق سناریو، تصمیم گیرندگان نمی توانند باورپذیر بودن یک سناریو (میزان امکان رخ دادن سناریو و میزان سازگاری سناریو) را بپذیرند (Fahey & Randall, ۱۹۹۸). برنامه ریزی در شرایط عدم قطعیت های روزافزون، نیازمند طرح این پرسش است که: «آیا آن چیزی که در گذشته رخ داده است همان چیزی است که آینده را به وجود می آورد؟» به جای پرسش: «چه چیزی بیشتر امکان دارد اتفاق بیفتد؟» (Ratcliffe, 2000). در این مرحله، وضعیت های مختلف برای دو محور اصلی سناریو که بیشترین عدم قطعیت و بیشترین میزان تاثیر گذاری رابه طور همزمان دارا می باشند، مشخص گردید. در تعیین منطق سناریوها، به کار بردن پنج معیار باورپذیر بودن (در محدوده ای که سناریو امکان پذیر است، قرار گیرد)، تمایز (سناریوها بایستی از لحاظ ساختاری متفاوت بوده و چنان به یکدیگر نزدیک نباشند که صرفا تنوعی از یک ایده محسوب گردند)، سازگاری درونی (ترکیب منطق ها در سناریو نمی بایست دارای ناسازگاری درونی بوده که باعث تضعیف اعتبار سناریو گردد)، قابلیت بهره برداری در تصمیم گیری (سناریو باید نگرش ویژه های در مورد آینده فراهم سازد، به گونه ای که به تصمیم محوری انتخابی منجر گردد) و چالش انگیزی (سناریوها بایستی معرفت متعارف سازمان درباره آینده را به چالش بکشاند)، ضروری است. از آنجایی که تعداد سناریوها در یک فضای چهار بعدی تعداد ۱۶ سناریو است، با اعمال پیش فرض هایی منطبق بر ویژگی های ناظر بر منطق سناریوها، برخی از محورهای سناریوها حذف می گردند. به عنوان نمونه، توسعه گردشگری در استان تابعی از توسعه زیر ساختها و ارتباطات

منطقه ای برای جذب گردشگر از یک سو و ایجاد انگیزه و امنیت سرمایه گذاری از سوی دیگر می باشد، لذا تدوین سناریو مبنی بر توسعه گردشگری با تاکید بر توسعه ارتباطات درون استانی و یا کاهش میزان سرمایه گذاری در تضاد با اصول توسعه این بخش ارزیابی می گردد. هم چنین نوع توسعه ارتباطات (درون استانی و یا منطقه ای (بین استانی)) نیز در دیگر محورها نهفته است و با در نظر گرفتن معیارهای تعیین کننده منطق سناریوها، به ویژه معیارهای تمایز و سازگاری قابل حذف است. این عامل در قیاس با عامل نظام سکونتگاهی از نظر ساختاری تمایزی ایجاد نمی نماید و در مورد صنعت و گردشگری نیز با اصول توسعه این بخشها ناسازگار است. با توجه به اولویتهای توسعه فضایی استان از یکسو و اهمیت توسعه مناطق متناسب با پتانسیلهای موجود از سوی دیگر انتخاب محور سناریو برای توسعه فضایی استان بر مبنای توسعه گردشگری یا توسعه صنعت (به دلیل محدود بودن نقاطی از استان که دارای هر کدام از پتانسیل های فوق می باشد)، با اصول توسعه متوازن مناطق متناقص می باشد.

جدول ۳. آزمون عدم قطعیت ها بر اساس شاخص های منطق سناریو

عدم قطعیت / معیار سناریوی منطقی	باورپذیر بودن	تمایز	سازگاری	تاثیر در تصمیم	چالش
توسعه سکونتگاه های بزرگ یا کوچک و میانی	X	X	X	X	X
توسعه صنعت یا گردشگری		X		X	X
توسعه محورهای درون استانی یا بین استانی	X		X	X	X
کاهش یا افزایش میزان سرمایه گذاری	X	X	X	X	X

۵-۶- انتخاب سناریوی مطلوب و تصویر سازی سناریو ها

انتخاب سناریوی مطلوب مستلزم تبیین سناریوهای چهارگانه فوق و ارزیابی تغییرات متعاقب اتخاذ هر کدام از آنهاست. با مد نظر قرار دادن اهداف مطرح برای استان در سند چشم انداز توسعه، بیشترین «تغییرات با بار مثبت» در آینده استان در صورت اتخاذ سناریوی «توسعه متوازن» رخ داده و حرکت در فضای این سناریو امکان دستیابی به اهداف چشم انداز را بیش از دیگر سناریوها میسر می نماید، در حالی که سناریوی «کانون تبعیض»، بیشترین تضاد با اهداف توسعه‌ای استان و حداکثر تغییرات منفی در آینده را در بر خواهد داشت (نمودار شماره ۵). از این رو سناریو توسعه متوازن به عنوان سناریوی مطلوب انتخاب و در تدوین راهبردها و سیاستهای توسعه ای آتی می بایست به پیشرانهای مرتبط با این سناریو توجه نموده و تا حد امکان از تمرکزگرایی در سکونت گاه های اصلی و اتکا به بودجه عمومی و اقتصاد وابسته به منابع دولت پرهیز نمود. در سناریوی «توسعه متوازن»، توسعه متوازن حمل و نقل و توسعه متوازن سکونت گاه های استان نقشی کلیدی ایفا می نمایند. توسعه شبکه حمل و نقل استان (درون و برون استانی)، سبب رونق اقتصادی سکونت گاه های کوچک و میانی گردیده که فراخور پتانسیل ها و نقش های محوله، تاثیر مثبت و قابل توجهی در روند توسعه استان خواهد داشت. توسعه محور های ارتباطی در حال احداث استان با توجه به واقع بودن استان بر کریدور شمال به جنوب کشور (بندر انزلی تا بندر بوشهر و بندر امام خمینی (ره)) و نیز کریدور جنوب غرب (خوزستان) به شمال شرق (خراسان) که به طریق الرضا (ع) معروف است و نیز محورهای مناسب ارتباطی تا بنادر جنوبی و خلیج فارس و توسعه حمل و نقل ریلی و هوایی زمینه ساز توسعه متوازن استان خواهد گردید. توسعه شبکه راه های درون استانی نیز سهولت در خدمات رسانی و تحقق رونق اقتصادی به ویژه برای مناطقی که در بن بست ارتباطی قرار گرفته اند را به دنبال خواهد داشت و سکونت گاه های شهری میانی و سکونت گاه های روستایی استان را از خطر در حاشیه ماندن نجات خواهد داد.

با لحاظ نمودن یافته های مرحله قبل و نیز ارزیابی دقیق وضعیت استان، دو محور «وضعیت نظام سکونتگاهی» و «وضعیت اقتصادی استان» به عنوان محورهای مهم سناریونگاری مشخص گردیدند. بر اساس جمع بندی فوق دو محور (عدم قطعیت) اصلی شکل دهنده سناریوهای سازمان فضایی استان شامل موارد زیر است: ۱- اقتصاد دانش بنیان و رقابتی در مقابل اقتصاد سنتی و غیر رقابتی و ۲- توسعه سکونتگاه های بزرگ در مقابل سکونتگاه های کوچک و میانی.

۵-۵. تدوین سناریو ها

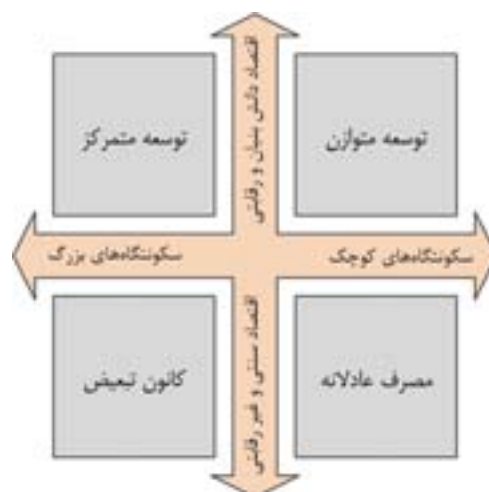
بر اساس عدم قطعیت های انتخابی و محورهای اصلی سناریو، چهار سناریو برای آینده استان میتوان متصور بود (نمودار شماره ۶):

سناریو اول (توسعه متوازن): سکونت گاه های کوچک (توزیع عادلانه خدمات و زیرساختها)، اقتصاد دانش بنیان و رقابتی.

سناریو دوم (توسعه متمرکز): سکونت گاه های بزرگ (تمرکز خدمات و زیرساختها در مراکز اصلی)، اقتصاد دانش بنیان و رقابتی.

سناریو سوم (مصرف عادلانه): سکونت گاه های کوچک (توزیع عادلانه خدمات و زیرساختها)، اقتصاد سنتی و غیر رقابتی.

سناریو چهارم (کانون تبعیض): سکونت گاه های بزرگ، اقتصاد سنتی و غیر رقابتی.



نمودار ۶. محورهای تشکیل دهنده سناریوهای توسعه فضایی استان



نمودار ۷. ارزیابی تغییرات مثبت و منفی در فضای هریک از سناریوها

۶- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در برنامه ریزی‌های سنتی، نیروهای سازنده آینده عمدتاً همان نیروهای سازنده گذشته در نظر گرفته شده و تغییرات و رویدادهای آتی چندان لحاظ نمی‌گردند. حال آنکه نیروهای پیشران (که آینده را می‌سازند)، همیشه از پیش مشخص نبوده و اساساً همراه با عدم قطعیت می‌باشند. عدم قطعیت‌های آینده، چنگانه‌هایی هستند که درباره وضعیت پدیده‌های خاص در آینده بیان شده و هر کدام از این وضعیتها میتوانند آینده موضوع مورد بررسی را تحت تأثیر قرار دهند. رویکرد آینده‌نگاری، یکی از رویکردهای جدید برنامه‌ریزی توسعه است که به ویژه در شرایط مواجهه با عدم قطعیت‌ها در آینده مطرح و بر نقش انسان در ساخت آینده خویش، در کنار پذیرش رویدادهای ملی تمرکز دارد و همزمان تعاملات تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و متغیرهای فرهنگی را در برنامه ریزی برای آینده مدنظر دارد.

روش‌شناسی پژوهش حاضر به گونه‌ای بود که در فاز اول پژوهش، برای تشکیل سیستم پایه (جمع‌آوری اطلاعات) از روش توفان فکری و دلفی خبرگان و نیز بررسی اسناد موجود در زمینه موضوع پژوهش استفاده گردید. در فاز دوم (تحلیل اجزای سیستم پایه)، متغیرهای راهبردی و قابلیت‌های توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد در افق ۱۴۰۴ گونه‌بندی و تحلیل گردید. برای این منظور روش تحلیل آثار متقاطع عوامل با نرم افزار میک به کار گرفته شد و در فاز سوم (و نهایی) تحقیق، منطق سناریو انتخاب و سناریوها و راهبردهای توسعه استان تدوین گردید. مهمترین نتایج اخذ شده پژوهش به شرح زیر است:

۱- در مرحله اول و با به کارگیری پویش محیطی و انجام دلفی‌های متخصصان تعداد ۲۰ عامل، به عنوان عوامل کلیدی و پیشران‌های توسعه استان شناسایی شدند.

۲- با قرار دادن پیشران‌های ۲۰ گانه فوق در ماتریس (۲۰ در ۲۰)، به روش تحلیل تأثیرات متقاطع تأثیر هر کدام از نیروهای پیشران بر دیگر نیروها به کمک نرم افزار و در قالب طراحی، تکمیل و تحلیل پرسشنامه تعیین گردید. روش تحلیل تأثیرات متقاطع (که به عنوان روش تحلیل ساختاری هم شناخته شده است)، با این پیش فرض وارد تحلیل‌های آینده‌نگاری شده است که در جهان همه چیز به هم پیوسته و در ارتباط است و تغییرات در هر کدام از عوامل بر سایر عوامل اثر گذاشته و در نهایت کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳- عوامل فوق، خود نیز تحت تأثیر نیروهای بیرونی هستند که عموماً با عدم قطعیت و نامعلومی مواجه هستند. در بخش بعدی پژوهش، با استفاده از ماتریس میزان تأثیرگذاری و عدم قطعیت، مهمترین نیروهای پیشران که از میزان اثرگذاری زیادی برخوردار بوده و همزمان با درجه عدم قطعیت بالایی نیز مواجه هستند مشخص گردید. برای این کار با تهیه پرسشنامه و استفاده از نظر متخصصان برنامه ریزی منطقه‌ای (پانل دوم)، میزان و درجه تأثیرگذاری و عدم قطعیت نیروهای پیشران تعیین گردید. به منظور طبقه‌بندی و نگرش جامع به پیشرانها، از چهارچوب STEEP استفاده گردید. به این معنی که پیشرانها و کلان روندها در قالب محورهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و فناورانه شناسایی و دسته‌بندی شدند. بر اساس نتایج به دست آمده، صنعت گردشگری، صنایع وابسته به نفت و گاز، میزان سرمایه‌گذاری و نظام سکونت‌گاهی، مهمترین عدم قطعیتها تشخیص داده شده که همزمان بیشترین تأثیرگذاری بر توسعه استان در افق آینده را دارا میباشند. این عوامل، محورها و عناصر فضای سناریوهای آینده توسعه استان را تشکیل می‌دهند. از برآیند حالت‌های مختلف پیشران‌ها، منطق و فضای سناریوها تشکیل گردید.

۴- از آنجایی که تعداد سناریوها در فضای چهار بعدی (چهار عدم قطعیت) فوق، تعداد ۱۶ سناریو

منابع و ماخذ

- 1) Amer et al, M. (2012). "A Review of Scenario Planning", Elsevier Futures, PP: 23-40
 - 2) Acoſta Tellez, C. (2014). "State of the art of scenario planning, Proposal of a classification of scenario building existing methods according to use", Ecole Central Paris, Laboratoire Genie Industriel
 - 3) Fahey, L. and Robert M. R. (1998). "Learning from the future, competitive foresight scenarios", Published by John Wiley & Sons Inc, Canada
 - 4) Foren. (2001). "A Practical Guide to Regional Foresight", Foren network, STRATA program.
 - 5) FuturesStudies. (2013, September 05). Shareslides. Retrieved March 17, 2014, from Shareslides: <http://www.slideshare.net/mkconway/introduction-to-scenario-planning>
 - 6) Metalo, Yves-Bernard, (2015), "Scenario Planning: linking Finance & Strategy Perspectives". "Yves-Bernard Metalo. 6
 - 7) Gordon, A. (2013, 03 01). Slideshare. Retrieved March 04, 2014, from Slideshare: <http://www.slideshare.net/adgo/scenario-building-workshop-how-to-build-and-use-scenarios>
 - 8) Rialland, A., & Wold, K. (2009). Future Studies, foresight and scenarios as basis for better strategic decisions. Trondheim: NTNU.
- Randt, Niclas P (2015). "An approach to product development with scenario planning: The case of aircraft design." Futures. 11-28.
- 9) Ratcliffe, John. (2000). "Scenario building: a suitable method for

است لذا با اعمال پیش‌فرض‌هایی منطبق بر ویژگی‌های ناظر بر منطق سناریوها و نیز ارزیابی دقیق وضعیت استان، برخی از محورهای سناریوها حذف و دو محور وضعیت نظام سکونت‌گاهی و وضعیت اقتصادی استان به عنوان محورهای مهم سناریونگاری مشخص گردیدند. رفتار و وضعیت متغیر هر کدام از این دو محور به سناریوهای آتی توسعه استان منجر خواهد شد. لذا مهمترین عدم قطعیت‌های مطرح تعیین شده از سوی خبرگان که محور (عدم قطعیت) های تشکیل‌دهنده سناریوهای سازمان فضایی استان را تشکیل می‌دهند، در دو حوزه توسعه کالبدی و توسعه اقتصادی قابل دسته‌بندی بوده و عبارتند از: ۱- اقتصاد دانش‌بنیان و رقابتی در مقابل اقتصاد سنتی و غیر رقابتی و ۲- توسعه سکونتگاه‌های بزرگ در مقابل سکونتگاه‌های کوچک و میانی.

بر اساس عدم قطعیت‌های انتخابی و محورهای اصلی سناریو، چهار سناریو برای آینده استان متصور گردید و از میان آنها سناریو «سکونت‌گاه‌های کوچک (توزیع عادلانه خدمات و زیرساختها) و اقتصاد دانش‌بنیان و رقابتی» که با «سناریوی توسعه متوازن» نام‌گذاری و تصویرسازی گردید، به عنوان سناریوی مطلوب توسعه استان در آینده انتخاب گردید. نیروهای پیش‌ران توسعه و «راهبردهای پابرجا» برای تحقق سناریوی «توسعه متوازن» استان نیز تعیین گردید.

strategic property planning? “,Property Management,, 2000: 127-144.

10) Ringland, G. (1998). Scenario planning : managing for the future. West Sussex: John Wiley and sons, Ltd.

11) Schoemaker, P. (1993, March 03). [12] Schoemaker, P.J.H., 1993. “Multiple Scenario Development: Its Conceptual and Behavioral Foundation”. P 193-213. . Strategic management journal , pp. 193-213.

12) Schwartz ,Peter. (1991). “The Art of the Long View: The Path to Strategic Insight for Yourself and Your Company” . 1st ed. Doubleday.

13) Stojanović ,Milica, Petar Mitković , Mihailo Mitković.” (2014), “THE SCENARIO METHOD IN URBAN PLANNING. Architecture and Civil Engineering. PP:81-95.

14) Tapinos, Efstathios. (2012). “Perceived Environmental Uncertainty in scenario planning”. Futures,PP 338-345.

15) Tankersley, J. (2006, October 29). European commission. Retrieved January 15, 2014, from European commission: http://forlearn.jrc.ec.europa.eu/guide/4_methodology/meth_scenario.htm

16) Weimer-Jehle, W. (2006). “Cross impact (CIB)”, science direct, Technological forecasting & social change, vol 73, pp334-361.

17) Weimer-Jehle, W. (2008). “Cross-impact balances ,Applying pair interaction systems and multi-value Kauffman nets to multidisciplinary systems analysis” science direct, Phisica A , 387 , PP3689-3700.

18) Zahradníková ,Lenka و ,Emil Vacík. ” (2014),”Scenarios as a Strong Support for Strategic Planning. “Procedia Engineering,PP:665-669.

ارایه چارچوب تحلیلی و الزامات بهسازی شهر-گستر برای سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران، الزامات قانونی و راهکارهای حقوقی تحقق آن

امیر محمود غفاری* - دبیر کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست، نهاد ریاست جمهوری، دفتر هیئت دولت، دکترای مهندسی عمران، تهران، ایران.
علی محمدنژاد - دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست دفتر هیئت دولت، تهران، ایران.
هدی غفاری - استادیار حقوق عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران.

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی از چهره‌های بارز فقر، نابرابری و محرومیت در شهرها هستند. یکی از راه‌حل‌ها برای بهبود شرایط زندگی این سکونتگاه‌ها، بهسازی است. از جدیدترین رویکردها در این زمینه، رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیررسمی است. هدف تحقیق حاضر ارائه چارچوبی تحلیلی جهت کاربرد رویکرد مذکور در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. برای ارائه چارچوب تحلیلی مناسب، از استنتاج قیاسی استفاده شده است. رویکرد بهسازی شهر-گستر سه پایه کلیدی دارد که شامل خیابان، مشارکت و بعد فضایی می‌شود. همچنین، این رویکرد دارای مزایایی چون مقیاس (شهر-گستر)، هم‌افزایی، جامعیت و پاسخ‌دهی می‌باشد. هدف اصلی آن یکپارچه‌سازی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری رسمی است. از مهمترین راهبردهای رویکرد مذکور، راهبرد خیابان محور است. این راهبرد شامل شش حوزه اصلی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد شهری، زیرساخت‌های پایه، امنیت تصرف (زمین و مسکن)، حکم‌روایی، قانون‌گذاری و مشارکت، و رویکرد حق محور است که چارچوب تحلیلی پژوهش حاضر نیز مبتنی بر این پنج حوزه ارائه شده است. در نهایت، مهمترین الزامات قانونی رویکرد مذکور برای بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور تشریح شده است.

واژگان کلیدی: سکونتگاه غیررسمی، نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، بهسازی، بهسازی شهر-گستر، راهبرد خیابان محور

Presenting analytical framework for city-wide slum upgrading (CWSU) and its implications for Iran, law and regulation for its implementation

Abstract

Informal settlements are prominent forms of poverty, inequality and exclusion in cities. One of the solutions to improve living conditions of these residents, is upgrading. The newest approaches in this area, is city-wide slum upgrading (CWSU). The research method is descriptive – analytical. The aim of this study is providing an analytical framework for the application of the approach in the management and planning of cities. CWSU approach have three basic infrastructure, including street, participation and the spatial dimension. Also, CWSU has the advantages of scale, synergy, comprehensiveness and responsiveness. The main objective of this approach is integrating economic, social, legal and physical all informal settlements in urban planning and management system. One of the most important strategies of CWSU is street – led strategy. This strategy comprises five main areas of management and urban planning, urban economics, basic infrastructure, security of tenure (land and housing), governance, legislation and participation, and rights-based approach which is also based on these five areas provide the analytical framework of this study. Finally, the legal requirements of this approach for informal settlements upgrading is presented.

Key words: informal settlements, management and urban planning system, upgrading, city-wide slum upgrading (CWSU), street – led strategy

مقدمه

طبق آمار مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۷ برای اولین بار در تاریخ بشر نسبت جمعیت شهری جهان به جمعیت روستایی پیشی گرفت و به عبارتی از مرز ۵۰ درصد فراتر رفت و در همین سال شاهد عبور تعداد جمعیت ساکن نواحی فقیرنشین شهری از مرز یک میلیارد نفر بودیم؛ یعنی یک نفر از هر سه نفر شهرنشین (صرافی، ۱۳۸۷، ص ۶). هم اکنون یک هشتم مردم جهان در سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند. ۸۸۱ میلیون نفر از ساکنین شهری کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۴ در این گونه سکونتگاه‌ها زندگی میکردند. در حالیکه این تعداد در این کشورهای در سال ۱۹۹۰ تنها ۶۸۹ میلیون نفر بود که هم‌اکنون حدود ۲۸ درصد افزایش یافته است (Habitat-UN, 2016: 57).

سکونتگاه‌های غیر رسمی یکی از چهره‌های بارز فقر، نابرابری و محرومیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (Habitat-UN, 2016: 57). این گونه سکونتگاه‌ها در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، بدون مجوز ساختمان و خارج از برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، آونک نشینی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و غیره نامیده میشوند که با توجه به نارسا بودن اصطلاحات مذکور برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح سکونتگاه غیررسمی، با تعبیری گسترده‌تر جایگزین سایر اسامی به کار رفته برای اشکال مختلف این پدیده شده است. شکلگیری سکونتگاه‌های غیررسمی دلایل متعددی دارد. سیاست‌های ناکارآمد دولتی، شکست دولت و بازار در برآوردن تقاضای عمده برای مسکن قابل استطاعت و استاندارد، سرمایه‌گذاری اندک دولت در زیرساختها، نظام برنامه‌ریزی شهری ناکارآمد، تنظیم‌گری اشتباه و بعلاوه عوامل پویای رشد شهرنشین و تمرکز فقر در شهرها اغلب به عنوان دلایل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی ذکر شده اند (Habitat-UN, 2014: 11). سکونتگاه

غیر رسمی، معمولاً در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد و معمولاً دارای برخی ویژگیهای زیر است: «مسکن غیرمتعارف، خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و باریک، مشکلات زیست محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پائین برخورداری یا عدم برخورداری از امکانات و تسهیلات لازم زندگی، امکانات، تاسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیر رسمی، تصرف و عدم مالکیت قانونی بر زمین و غیره»؛ بنابراین سکونتگاه غیر رسمی دارای مفهوم نسبی بوده و بنابر مقتضیات زمانی و مکانی از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است که در مقایسه با محیط پیرامون خود مشخص می‌شود.

بهبود شرایط زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان راهحلی ضروری برای حرکت در مسیر پایان دادن به فقر در سرتاسر جهان به‌شمار میرود. بهسازی این سکونتگاه‌ها در جهان به سوی یک جامعه مبتنی بر حقوق بشر حرکت میکند که در آن شهرها دربرگیرنده‌تر، ایمن‌تر، تاب‌آور و پایدار می‌شوند. اقدامات جمعی در بخش‌های مختلف جهان نشان داده است که شرایط زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی میتواند بهبود یابد. آمارها نشان داده که شرایط زندگی ۳۲۰ میلیون نفر از ساکنان این سکونتگاه‌ها بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ ارتقاء یافته است (Habitat-UN, 2016: 57). راه‌حل نهایی چالش سکونتگاه‌های غیررسمی تنها از طریق مشارکت همه ذینفعان می‌تواند به دست آید. بنابراین لازم است محیطی فراگیر ایجاد شود تا مسؤولان شهری و اجتماعات متعهد به انجام کار و مشارکت شوند تا چالش سکونتگاه‌های غیررسمی برای آنها به اولویت اصلی تبدیل شود (Habitat-UN, 2016: 57). تاکنون رویکردهای مختلفی برای مقابله و حل چالش سکونتگاه‌های غیر رسمی در اقصی نقاط جهان به کار گرفته شده که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نادیده گرفتن، تخلیه و تخریب اجباری، خودیاری، مسکن عمومی، طرح‌های مکان و خدمات، بهسازی

توانمندسازی و رویکردهای اجتماع محور.

را از سایر رویکردها متمایز می سازد؟

2) چارچوب تحلیلی مناسب برای رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی کدام است و مهمترین حوزه های اقدام و بایدها و نبایدهای آن چیست؟

3) مهمترین الزامات قانونی رویکرد بهسازی شهر-گستر برای بهسازی سکونتگاههای غیر رسمی کشور کدامند؟

پیشینه تحقیق

سکونتگاه غیر رسمی و عدم امنیت تصرف (زمین و مسکن) نشئت گرفته از نظام برنامه ریزی و «مدیریت شهری انحصارگرایانه»^۲ است که در فراهم کردن شرایط و بسترهای قانونی و عملی دسترسی به زمین و مسکن برای گروههای کم درآمد ناتوان است (Almansı, 2009: 389).

با پذیرش سکونتگاه غیررسمی به عنوان محصول مدیریت و برنامه ریزی شهری ناکارآمد، جهشی در مطالعات و طرح رهیافت های نوینی برای حل مسأله از درون و برپایه توسعه «اجتماعات محلی»^۳ و در پیوند با سیاست های کلان توسعه و در سطح «کل شهر»^۴ و در جهت «گسترش مقیاس پیدا کردن»^۵ به وقوع پیوسته است. دیگر با مهندسی ساختمان در جست و جوی حل مسأله مسکن کم درآمدها نبوده و صرف تزریق منابع مالی نیز راهگشا دانسته نشد بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و تسریع و میانجی گری سازمانهای غیردولتی و محلی^۶ و مشارکت فعال و مستقیم بهره برداران مورد نظر است (صرافعی، ۱۳۸۱، ص ۹).

در دهه های گذشته، در بسیاری از موارد مدیران شهری اقدامات مؤثری در جهت بهبود این نواحی انجام نداده اند و عمدتاً اقدامات خود را معطوف به

رویکرد بهسازی اواخر دهه ۱۹۷۰ و از زمانی آغاز شد که سکونتگاه های غیر رسمی به عنوان یک پدیده ساختاری پایدار پذیرفته شدند (Habitat-UN, 2003: 130). مشکلات طرح های مکان و خدمات و ناکامی سایر رویکردها، نهایتاً به رویکرد ارتقاء بخشی یا بهسازی سکونتگاه های غیررسمی منجر شد. لذا در دو دهه گذشته بهسازی بیش از هر رویکرد دیگری مورد توجه سیاست گذاران و مدیران شهری در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است که در این امر نقش ترویجی سازمانهای بین المللی به ویژه بانک جهانی و برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد قابل توجه بوده است؛ بهسازی در حقیقت کنار گذاشتن برخی رویکردهای حذفی و پذیرفتن واقعیت پدیده سکونتگاه های غیر رسمی از سوی مدیریت شهری و سیاست گذاران شهری است. در عمل بهسازی شروعی برای به رسمیت شناختن حق شهروندی و حق زندگی فقرا در شهر است (ایراندوست، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳).

رویکرد بهسازی شهر-گستر دیدگاهی مجزا و انتزاعی نسبت به اجتماعات غیررسمی ندارد، بلکه به عنوان پدیده های مشترک (سیستمی)، شکل گیری این سکونتگاه ها را به عنوان بخشی از کالبد شهری در نظر میگیرد و بنابراین راه حل های بهسازی آن را در یک بستر شهری گسترده جست و جو میکند (al et and Archer, 2012: 115). بنابراین رویکرد شهر-گستر برای بهسازی این سکونتگاه ها نسبت به رویکرد «بهبود تدریجی»^۱ بهتر است. زیرا این امکان به وجود می آید که ابعاد اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و قانونی این سکونتگاه ها در درون نظام برنامه ریزی عمومی و مدیریت شهری یکپارچه شود (Habitat-UN, 2016: 57). هدف اصلی تحقیق حاضر ارائه چارچوبی تحلیلی جهت کاربرد رویکرد مذکور در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهرها است. با توجه به طرح مقدمه مذکور، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسشهای زیر می باشد.

1) رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی واجد چه شرایط و ویژگی هایی است که آن

۲. piecemeal improvements

۲. exclusionary planning and urban management system

۳. Community Development

۴. Nation City - Wide

۵. Scaling - Up

۶. NGO-CBOs

بهسازی معابر و ارتقای وضعیت کالبدی آنها در طرحهای منفرد و مجزا میکنند و به توسعه پایدار انسانی که ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی را به صورت همه جانبه و همزمان دربرمی گیرد، توجه نمی شود (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۳). راهبرد عملیاتی جهت آماده نمودن برنامه‌های توسعه برای شهر بدون سکونتگاه‌های غیر رسمی نیازمند دو راهبرد اصلی است که یکی احیاء و بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی موجود است و دیگری جلوگیری از تشکیل سکونتگاه‌های غیر رسمی جدید در آینده است (Singh and Kalirajan, 2015: 66). از اینرو، رویکرد جدیدی در بهسازی این سکونتگاه توسط مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل معرفی شده که به بهسازی شهر-گستر معروف شده است و از نقایص رویکردهای قبلی مانند پروژه‌محوری، نگاه تک‌بعدی و برخورد گزینشی و مقطعی به دور بوده و سعی دارد سکونتگاه غیر رسمی را به عنوان پدیده ای درهم تنیده با شهر اصلی از لحاظ کالبدی و اجتماعی-اقتصادی بنگرد. پژوهش‌های انجام شده داخلی مانند (دویران و همکاران، ۱۳۹۰) بر ضرورت بکارگیری مدیریت یکپارچه شهری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی تأکید دارند، در سایر موارد بر تقویت مدیریت محلی (احمدیان و شاکر اردکانی، ۱۳۹۱)، بکارگیری فرایندی برای گزینش جامع محلات در اولویت برنامه ساماندهی (سرور، ۱۳۹۳)، استفاده از نگرش ساکنین محلی و رویه‌های مشارکتی (رستم زاده، ۱۳۹۱) تمرکز دارند و هنوز استفاده از رویکرد بهسازی شهر-گستر با الزامات قانونی آن در نهادهای پژوهشی و سیاست‌گذاری فراگیر نشده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و بنیادی (نظری) و بر مبنای روش اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام گرفته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی شامل مقالات و گزارشات جهت گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شده است. برای ارائه چارچوب تحلیلی مناسب جهت رویکرد بهسازی شهر-گستر

سکونتگاه غیر رسمی، استنتاج قیاسی (نتیجه‌گیری از کل به جزء) صورت گرفته که منجر به تدوین حوزه‌های اقدام و بایدها و نبایدهایی برای کاربرد رویکرد مذکور شده است. در نهایت، الزامات قانونی رویکرد مذکور برای بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی کشور تحلیل شده است.

مفهوم بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی

مقیاس و حوزه بهسازی از بهبود شرایط در مقیاس کوچک (برای مثال روشنایی خیابان، تعبیه شیرهای آب عمومی و بهبود زهکشی سطحی) تا تحولات عمده (دسترسی به آب لوله کشی و سیستم فاضلاب برای همه ساکنان، ساختن مدرسه، مراقبت‌های بهداشتی، ایجاد فضای عمومی و تأمین امنیت تصرف زمین) را شامل می‌شود. اما بهسازی در همه انواع دلالت بر پذیرش حق ساکنان برای زندگی در محلات غیر رسمی - حتی اگر زیرساختها و مسکن پایبندتر از استانداردهای رسمی باشند - دارد (Patel, 2013: 178). بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی موفق سه فرایند همزمان را در گذر زمان آشکار می‌کند:

- 1) ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی به شهروند تبدیل شوند؛
- 2) زاغه‌ها به مسکن تبدیل شوند؛
- 3) سکونتگاه غیر رسمی به یک محله تبدیل شود (Habitat-UN, 2012: 26).

بهسازی شهر-گستر مدل بدیلی در مقابل بهسازی پروژه محور سکونتگاه غیر رسمی به شمار می‌رود. این رویکرد جدید، روشی عملگراست که به چالش سکونتگاه غیر رسمی در یک شهر با هدف یکپارچه سازی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و کالبدی همه سکونتگاه‌های غیر رسمی در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری رسمی می‌پردازد. این رویکرد کل شهر را به عنوان یک واحد برنامه ریزی در نظر می‌گیرد به طوری که بهسازی فقط به اجتماعات غیر رسمی کوچک محدود نمی‌شود بلکه فرایندی

عملگراست^۷ که همه سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر را دربرمی گیرد. بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی مداخلات متعدد و همزمان در مقیاس سکونتگاه را با هدف بهبود کیفیت زندگی شهری و ساکنان آنها از طریق سرمایه گذاری در زیرساخت های پایه، برنامه ریزی سکونتگاه و فرایندهای توسعه اجتماعی و اقتصادی محلی ترویج می کند.

بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی نمایانگر تغییر جهت اساسی از مداخلات پروژه محور به رویکرد برنامه ریزی کل شهر است. پروژه ها معمولاً به حوزه، مقیاس، دوره زمانی و موقعیت جغرافیایی محدود می شوند. اما برنامه ها از لحاظ نهادی پیچیده تر، از نظر زمانی طولانی تر، و دارای حوزه ای وسیع ترند، و سکونتگاه‌های متعددی را دربرمی گیرند و مداخلات همزمان و منابع مالی متعدد را در خود دارند. به کارگیری رویکرد بهسازی شهر-گستر به منظور بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی (در ابعاد مختلف) نیازمند رویکردی یکپارچه (در برابر رویکرد بخشی و مجزا) است زیرا سرمایه گذاری عمومی مستقیماً با طیف وسیعی از بخش ها مانند زیرساخت های پایه (آب، بهداشت، زهکشی و پیاده رو)، برنامه ریزی شهری و وضع مقررات زمین و بازسازی مسکن در ارتباط است.

رویکرد بهسازی شهر-گستر فرصتی برای پیوند زدن سکونتگاه‌های غیر رسمی به بافت شهری اطراف به روشی یکپارچه ایجاد می کند و باعث می شود ساکنان این سکونتگاه‌ها از لحاظ کالبدی، قانونی و اجتماعی بخشی از شهر و نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری رسمی به حساب آیند (Habi--UN, 2014: 20).

پایه‌های کلیدی رویکرد بهسازی شهر-گستر

رویکرد بهسازی شهر-گستر سه پایه کلیدی دارد: خیابان، مشارکت، بعد فضایی.

(۱) «خیابان»: این رویکرد از خیابان ها به عنوان نقطه ورودی بهسازی سکونتگاه غیر رسمی استفاده

v. programmatic process

می کند. خیابانها فقط شاهراه ها و شبکه هایی نیستند که سیستم های زیرساختی در آن قرار دارند بلکه فضایی مشترک برای فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند که شبکه خیابانی بهبود یافته نواحی غیر رسمی را به سایر نقاط شهر متصل می کند (UNHABITAT, 2011).

(۲) «مشارکت»: این رویکرد مشارکت بسیاری از ذینفعان از جمله بخش های عمومی، خصوصی، دانشگاهی و اجتماعی شامل ساکنان سکونتگاه غیر رسمی را تسهیل می کند. در این رویکرد، بخش خصوصی و سازمانهای مردم نهاد نقش فاعلتری را در بهسازی بر عهده میگیرند و همچنین ارتباطات و تعامل میان نهادهای مربوط، ساکنان سکونتگاه غیر رسمی، گروه‌های مختلف اجتماعی برقرار می شود.

(۳) «بعد فضایی»: رویکرد بهسازی شهر-گستر تأکید مجددی بر ابعاد فضایی توسعه شهری و سکونتگاه غیررسمی دارد، و از ابزارهای فضایی مانند سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده می کند تا شرایط سکونتگاه‌های غیر رسمی را مستندسازی کرده و به تصویر بکشد، چالش‌های اقتصادی-اجتماعی و محیط زیستی و نیازهای این سکونتگاهها را تجزیه و تحلیل کرده و نوع مداخلات را اولویت بندی کند. بعد فضایی، ارتباطات ضروری میان بهسازی سکونتگاه‌ها و فرایندهای گسترده تر برنامه‌ریزی شهری، مدیریت زمین، و فراهم سازی خدمات و زیرساختها در شهرها را تقویت می کند (Habitat-UN, 2014: 20).

مزایای رویکرد بهسازی شهر-گستر

جهت پاسخگویی به پرسش اول مقاله، این قسمت به برشمردن ویژگیها و مزایای رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی می پردازد. رویکرد مذکور مزیت های زیر را دربردارد:

(۱) «مقیاس (شهر- گستر)»: رویکرد بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در مقیاس کل شهر فرصتهای بیشتری برای بهسازی مناطق مذکور در قالب راهبردی که شامل برنامه ریزی و توسعه کل شهر می شود در مقایسه با رویکردهای متمرکز بر پروژه

های کوچک مقیاس در برخی بخشها فراهم می کند. سرمایه گذاری در زیرساخت های کل شهر به اقتصادهای مبتنی بر مقیاس^۸ اجازه می دهد که بتوانند هزینه های خدمات برای ساکنان سکونتگاه غیر رسمی را قابل تحمل نمایند. در حالیکه خدمات مقطعی نسبتاً گران بوده و مستلزم پرداخت یارانه های ناپایدار^۹ از سوی بخش عمومی^{۱۰} است.

۲) «هم افزایی»: رویکرد بهسازی شهر-گستر فرایندهای بهبود سکونتگاههای غیر رسمی را با فعالیتهای و مسؤالیتهای شهرها متصل و مرتبط میکند، که شامل برنامه ریزی شهری، مدیریت زمین و ضوابط و مقررات زمین، توسعه سیستم کاداستر مالی و کالبدی، توسعه زیرساختها، حمل و نقل و حفاظت محیط زیست و غیره می شود.

۳) «جامعیت»: بهسازی شهر-گستر پاسخ برنامه ریزی به توسعه برنامه ریزی نشده و غیر رسمی شهری است. این رویکرد بستری برای بهبود زندگی و فعالیت کل شهر فراهم میکند، و همچنین، شرایط، نیازها و اولویتهای ساکنان فقیر سکونتگاههای غیر رسمی را با ساکنان کل شهر متصل می کند.

۴) «پاسخ دهی»: از آنجا که بهسازی به وسیله همان نهادهای عمومی شهری انجام می شود که در مقابل انتخاب کنندگان خود پاسخگو هستند، بنابراین انگیزه لازم برای پاسخگویی به نیازها و اولویتهای ساکنان سکونتگاههای غیررسمی را دارند. لذا فرض بر این است که تلاشهای صورت گرفته در جهت تضمین طراحی بهسازی بر اساس اولویت های ساکنان سکونتگاه غیر رسمی است نه بر اساس اولویت های مقیاس ملی (Habitat-UN, 2014: 20).

علاوه براین، در مقایسه با مقیاس سکونتگاه، این رویکرد می تواند مشارکت طیف وسیعی از کنشگران توسعه شهری را جذب کند یعنی کسانی که می توانند در موضوعات بیشتر و گسترده تری کمک کنند. این

۸. economic of scale
۹. unsustainable subsidies
۱۰. SYNERGIES
۱۱. RESPONSIVENESS

کنشگران ممکن است خواهان مشارکت در مقیاس وسیعتری باشند (برای مثال بانک ها با پیشنهاد تسهیلات اعتباری برای مسکن، شرکتهای توسعه که در جست و جوی سرمایه گذاری در صنعت یا سیستم های آموزشی حرفه ای هستند تا به عرضه نیروی کار آموزش دیده برای برآوردن تقاضاهای بازار توسعه شهری بپردازند). (Habitat-UN, 2014: 20).

برخی از موضوعات شهری نمی تواند در مقیاس کوچک و پروژه حل و فصل شود، و نیازمند یک رویکرد بهسازی شهر-گستر است. مسائلی مانند جرم، بهداشت و آموزش نیازمند پاسخ های شهر-گستر است، و این رویکرد بهسازی سکونتگاه غیر رسمی نقش مهمی در تسهیل کردن پاسخ جامع و گسترده به چنین مسائل و موضوعاتی است (Habitat-UN, 2014: 21).

چالش های رویکرد بهسازی شهر-گستر

رویکرد بهسازی شهر-گستر با چالشهای زیر مواجه است:

۱) «اراده سیاسی»: مسؤولان محلی و شهرداران سکونتگاه غیر رسمی را به رسمیت شناخته هستند و یک اراده سیاسی واقعی برای بهبود آنها داشته باشند. معمولاً وعده های سیاسی زیادی برای بهسازی این مناطق قبل از انتخابات داده می شود اما اغلب اوقات قابلیت تحقق پیدا نمی کنند.

۲) «تأمین مالی»: شهرها باید منابع مالی را به نحوی بسیج کنند که نه فقط برنامه مربوط و قالب آن را تهیه نمایند، بلکه فعالیتهای بهسازی موضوع آن برنامه را نیز به اجرا درآورند. در بسیاری از کشورها تأمین مالی توسعه شهری در منابع ملی ریشه دارد و منابع مالی موردنیاز برای بهسازی فراتر از بودجه شهرهاست، لذا شهرها نیازمند دسترسی به منابع مالی بیرونی هستند.

۳) «استقلال»: گزینه های مداخله در سطح شهرها بسته به میزان استقلال شهرداری و حاکمیت شهری تعیین می شود. در بسیاری از کشورها سیاست ها و برنامه های ملی حوزه ای را برای اجرای قوانین و

هنجارهای محلی ایجاد می کنند. که البته در محدوده سیاستها و برنامه های ملی قرار دارد و این محدودیت در استقلال مسؤولان محلی برای تصمیم گیری و هدایت بهسازی سکونتگاه غیر رسمی به طور نامطلوبی اثر می گذارد.

۴) «مقیاس»: رویکرد شهر-گستر یک رویکرد برنامه محور است. این امر نیازمند ایجاد و حفاظت از نهاد سازمان یافته قانونی برای حمایت از طراحی برنامه، اجرا و مدیریت آن است. ایجاد چنین فضایی زمان بر و نیازمند ظرفیت نهادی، تداوم ثبات سیاسی و تعهد است. بنابراین، برخی از شهرها روش دستیابی به آن را آسان نمی یابند.

۵) «ظرفیت»: رویکرد شهر-گستر نیازمند ظرفیت قابل ملاحظه نهادی، فنی و انسانی برای طراحی، برنامه ریزی، اجرا و پایش برنامه هاست، که بسیاری از شهرها چنین ظرفیتی ندارند و نیاز دارند تا آن را توسعه دهند (Habitat-UN, 2014: 21).

بایدها و نبایدها در رویکرد بهسازی شهر-گستر

جدول ۱ مقایسه ایی میان رویکرد بهسازی شهر-گستر با برنامه های بهسازی ملی و برنامه بهسازی نقاط جمعیتی انجام داده است. در مقیاس ملی، بهسازی فرآیندی کندتر و در عین حال برخوردار از استاندارد بالاتر می باشد و می تواند با ویژگی شهرها و سکونتگاهها ارتباط نزدیکی برقرار کند. با این حال، تأثیر بهسازی در مقیاس نقاط جمعیتی محدود است زیرا بر پروژه محوری متکی است، اما بهسازی شهر گستر معایب دو مقیاس مذکور را پوشش می دهد.

جدول ۱. توصیف مختصری از بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در مقیاس جغرافیایی و اداری مختلف؛ ماخذ: (Habitat-UN, 2014: 22).

مقیاس ها	بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در هر سطح
ملی	<p>- تصمیم سازی متمرکز و کند؛</p> <p>- بهسازی اغلب مناسب ویژگی های مقیاس نقاط جمعیتی نیست؛</p> <p>- وضع قانون را در همه بخش های اصلی امکان پذیر می کند (زمین و غیره)؛</p> <p>- امکان پذیر بودن رویکرد یکپارچه.</p>
شهری (بهسازی شهر گستر)	<p>- برنامه ریزی یکپارچه برای رسیدگی به سکونتگاههای غیر رسمی در مقیاس وسیع؛</p> <p>- امکاپذیر بودن وضع قانون در بعضی از بخش های اصلی؛</p> <p>- بهسازی با نیازها و شرایط شهری سازگار می شود؛</p>
نقاط جمعیتی	<p>- پروژه محور، مقاوم در برابر گسترش مقیاس و دارای قابلیت اتصال به برنامه ریزی های با مقیاس بزرگتر (اگرچه ممکن است متصل نباشد)؛</p> <p>- نمی تواند به موضوعاتی که مربوط به کل شهر هستند رسیدگی کند (مانند بیکاری، و ضعف در امکان جابه جایی)؛</p> <p>- بهسازی مناسب برای تأمین اولویتها و نیازها.</p>

در جدول ۲ بایدها و نبایدهای رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاههای غیر رسمی در موضوعات و محورهای مختلف تشریح شده است.

جدول ۲. چارچوب تحلیلی (باید و نیاید) در بهسازی شهر - گستر سکونتگاه غیر رسمی

نیایدها	بایدها
در نظر گرفتن بهسازی سکونتگاه غیر رسمی به عنوان یک موضوع خاص خارج از برنامه ریزی معمول توسعه شهری	منظور شدن سکونتگاه‌های غیر رسمی در برنامه جامع توسعه شهری
فرض نمودن اینکه بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در امروز پایانی بر تشکیل این سکونتگاه‌ها در آینده است	توسعه راهبردها برای مقابله با شکل گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی جدید
دست کم گرفتن تعداد ذینفعان و شرکای بالقوه که آمادگی مشارکت را خواهند داشت و خواستار این موضوع هستند	شناسایی ذینفعان و مشارکت کنندگان که می توانند در فرایند بهسازی نقش ایفا کنند
سرمایه گذاری با اتکا به منابع عمومی در طرح‌های بزرگ جدید مسکن اجتماعی	سرمایه گذاری روی منابع فیزیکی، اجتماعی و سازمانی موجود در سکونتگاه‌های غیر رسمی
نگرش به بهسازی سکونتگاه غیر رسمی به عنوان یک موضوعی صرفاً کالبدی	ترکیب بهسازی سکونتگاه غیر رسمی با ایجاد اشتغال و توسعه اقتصاد محلی
تحلیل نمودن استانداردها و مقررات غیر واقعی	عدم توقف کار به دلیل محوریت منابع و پذیرش یک رویکرد تدریجی برای بهسازی
دست کم گرفتن اهمیت اجتماعات فقیر در طراحی، اجرا و حفاظت از محله های شان	توجه به سرمایه اجتماعی برای توسعه سازمان یافته و منسجم منابع
القاء این فکر که اجتماعات غیر رسمی به دلیل فقر هیچ منابعی ندارند	شناسایی منابع اجتماعات غیر رسمی که می تواند در بهسازی نقش داشته باشد
در نظر گرفتن این فرض که سکونتگاه‌های بهسازی شده به طور خودکار موجب پایداری خودشان می شوند	در نظر گرفتن طرحی پایدار به عنوان بخشی از یک برنامه کلی و نهادینه کردن آن
تحلیل نمودن برنامه های بهسازی بر اجتماعات غیر رسمی یا بخش هایی از آن	برنامه ریزی با مشارکت مردم، در همه مراحل فرایند بهسازی
در نظر گرفتن این فرض که همه سکونتگاه‌ها نیازها و اولویت های یکسانی دارند و برای آنها می توان یک برنامه تهیه کرد	طراحی برنامه بهبود بر اساس نیازهای ویژه و اولویت های سکونتگاه‌ها
فراهم نمودن زیرساختها و خدمات غیر قابل استطاعت برای ساکنان	طراحی برنامه بهبود که برای جمعیت هدف قابل استطاعت باشد
در نظر گرفتن این فرض که حق تصرف انفرادی زمین برای امنیت تصرف ضروری است	فراهم نمودن امنیت حق تصرف برای ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی
تحلیل مقررات و استانداردهای غیر واقعی	تطبیق مقررات ساختمانی و قوانین مربوط که تسهیل مشارکت ساکنان در ساخت و ساز را امکان پذیر می کنند
تسلط یافتن برنامه ریزی سنتی قدرتمند، مسلط و مشهود	تشویق ابتکار عمل ساکنان سکونتگاه غیر رسمی و به رسمیت شناختن نقش زنان
تبعیض قائل شدن برای مسکن اجاره ای یا ترویج یک گزینه تصرف مسکن	درگیر کردن مستأجران و مالکان در فرایند یافتن راه حل‌هایی که هر دو از آن بهره مند شوند
در نظر گرفتن این فرض که گزینه جابه جایی بهترین آلت‌ناتیو برای افراد فقیر است که در شرایط بد مسکنی زندگی می کنند	طراحی و مذاکره برای جابه جایی ساکنان سکونتگاه غیر رسمی فقط در مواقع ضروری و با توافق افراد تأثیرپذیر از اجرای پروژه
اتکا به یارانه های دولتی و یا وصول کامل هزینه ها از ساکنان سکونتگاه غیر رسمی	جست و جو برای طیف وسیعی از منابع مالی و سازوکارهای پرداختی (عمومی، خصوصی، کمکهای مالی، یارانه ها و غیره)
در نظر گرفتن این فرض که فقرا به تنهایی می توانند منبع نیروی کار انسانی برای بهسازی باشند	جست و جو سازوکارهای مالی خلاق برای حمایت از ابتکارات سازمانهای اجتماع محور

(Habitat-UN, 2014: 129).

راهبرد خیابان محور در بهسازی شهر - گستر

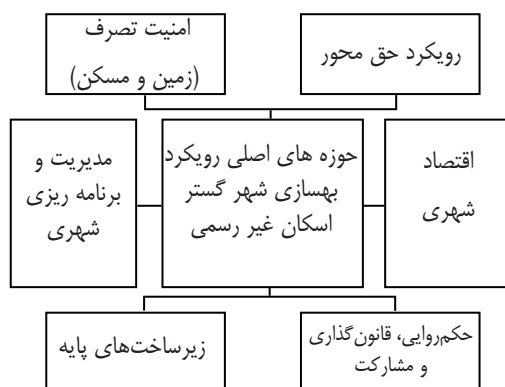
برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل از گسترش خیابان‌ها به عنوان نیروهای پیش ران در بهسازی شهر - گستر سکونتگاه‌های غیر رسمی یاد کرده است. این راهبرد ساده از خیابان‌ها نه فقط به عنوان شاهراه و خط انتقال شبکه های آب، فاضلاب، سیستم های زهکشی و خطوط انتقال نیرو استفاده می کند، بلکه به عنوان یک کالای عمومی که در آن فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورتبندی، تقویت و تسهیل می شود یاد می کند. این راهبرد شامل برگزاری جلسات، گسترش تعاملات اجتماعی، ایجاد فعالیتهای اقتصادی مانند ایجاد مغازه‌ها و احساس امنیت عمومی بیشتر در خیابان‌ها می شود زیرا خیابان‌ها شبکه‌های غیرقابل نفوذی از کوچه ها و مسیرهای تنگ و تاریک را باز می کنند. این راهبرد همچنین به عنوان یک شبکه خیابانی توسعه یافته ای نگریسته می شود که نواحی سکونتگاه غیر رسمی را به بقیه شهر متصل میسازد (Habitat-UN, 2014: 18). راهبرد خیابان محور در بهسازی شهر - گستر سکونتگاه غیر رسمی، توسعه تدریجی را به رسمیت می شناسد، رویکردهای مشارکتی را ترویج می دهد و سکونتگاه‌های غیر رسمی را به محله‌هایی تبدیل مینماید که نظام اقتصادی آنها از طریق فرایند یکپارچگی کالبدی با ناحیه شهری بزرگتر مرتبط میشود. در این محله‌ها، خیابان‌ها و فضاهای عمومی به عنوان مجراهای اولیه تحولات اقتصادی و اجتماعی عمل میکنند که کل شهر را منتفع میسازند. در این راهبرد، خیابان‌ها به عنوان نقطه شروع بهسازی سکونتگاه‌ها و پیوندی برای یکپارچگی با شهر و برنامه توسعه آن پیشنهاد میشوند (Habitat-UN, 2012: 13).

این راهبرد مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل بر اساس نقش محوری خیابان‌ها در دگرگونی شهری و احیای سکونتگاه‌های غیر رسمی استوار است. خیابان‌ها هویت های حیاتی در همه سکونتگاه‌های انسانی دارند. آنها نقش مهمی در تعیین فرم شهری بیشتر از هر عنصر دیگری در شهرها ایفا می کنند. همچنین ادبیات گسترده ای در مورد هویت و کارکردهای مختلف خیابان‌ها وجود دارد. بیشتر کارکردها می تواند در این موارد خلاصه شود: خیابان‌ها به عنوان مجرای جابه جایی، یک فضای ارتباطی، یک فضای عمومی، یک فضای اجتماعی و همچنین مکانی برای تجارت و کسب و کار، یک فضای سیاسی و همچنین یک فضای نمادین و جشنواره ای در شهر به شمار می روند (Habitat-UN, 2012: 13). اصول کلیدی راهبرد خیابان محور

در بهسازی شهر - گستر سکونتگاه غیر رسمی به شرح موارد زیر است:

برنامه ریزی شهر - گستر و یکپارچه؛ اجرای مرحله ای؛ بهبود ارتباطات و جابه جایی شهری؛ ارتقای رشد اقتصادی؛ بستر سازی حقوق شهروندی؛ توسعه از طریق مشارکت و شراکت راهبردی؛ بهینه سازی تراکم شهری و ترویج کاربری مختلط؛ تحقق پذیری طرح‌های توسعه شهری از طریق تعدیل مجدد زمین؛ ایجاد بستر و مبنایی برای فراهم کردن امنیت حق تصرف زمین و مسکن؛ پشتیبانی از شهرهای ایمن تر؛ فراهم آوردن گزینه های دیگر برای جابه جایی اجباری؛ برنامه ریزی برای کاهش خطرپذیری فاجعه های طبیعی و انسانی؛ تضمین جریان پیوسته حمایت مالی از منابع متنوع؛ پاسخگو نمودن بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی نسبت به زنان، مردان، جوانان، بچه ها، بزرگسالان و افراد ناتوان (Habitat-UN, 2012: 37). برای پاسخگویی به پرسش دوم مقاله و ارائه چارچوب تحلیلی بهسازی شهر - گستر سکونتگاه‌های غیر رسمی شش حوزه اصلی شناسایی شده است که عبارتند از: ۱. مدیریت و برنامه ریزی شهری؛ ۲. اقتصاد شهری؛ ۳. زیرساخت های پایه؛ ۴. حکمروایی، قانون گذاری و مشارکت؛ ۵. امنیت حق تصرف (زمین و مسکن)؛ و ۶. رویکرد حق محور. هر کدام از این حوزه ها، باید‌ها و نیاید‌هایی را بر رویکرد بهسازی شهر - گستر سکونتگاه غیر رسمی تحمیل می کنند که به شرح جدول شماره ۳ ارائه شده است.

شکل ۱. حوزه های اصلی راهبرد خیابان محور در رویکرد بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی؛ ترسیم: نگارندگان.



جدول ۳. چارچوب تحلیلی راهبرد خیابان محور در رویکرد بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی

حوزه ها	بایدها	نیایدها
مدیریت و برنامه ریزی شهری	۱. یکپارچه کردن بهسازی سکونتگاه غیر رسمی درون نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری	۱. جدا نمودن سکونتگاه‌های غیر رسمی از کل شهر و اجرای پروژه های بهسازی به صورت مقطعی و موردی
	۲. طراحی برنامه ناحیه- محور که الگوی شهری یا شبکه‌های خیابانی که بر اساس اولویت جوامع و توسعه شهر بنا شده است را معرفی می کند	۲. بهبود زیرساختها بدون در نظر گرفتن طرحهای شهری و شبکه خیابانها
	۳. پذیرش رویکرد مرحله ای و تدریجی در بهسازی و اولویت دادن به بازگشائی خیابان	۳. تلاش برای اجرای طرحها و ایجاد همه خیابان ها به صورت یکجا
	۴. مرتبط و متصل نمودن شبکه خیابانی سکونتگاه غیر رسمی با شبکه خیابان‌های کل شهر و شبکه های جابه جایی شهری	۴. اجرای بهسازی سکونتگاه غیر رسمی پروژه محور به صورت موردی و گزینشی
	۵. تهیه طرح شهر بر اساس استانداردهای مناسب به منظور منطقی نمودن تراکم شهر و به حداقل رساندن جابه جایی مجدد	۵. تحمیل کردن استانداردها و مقررات غیرواقعی
	۶. طراحی، برنامه ریزی و اجرایی نمودن برنامه بهسازی سکونتگاه غیر رسمی به شیوه مشارکتی و مشاوره ای	۶. اجرای رویکردهای بالا به پایین در طراحی برنامه های اجرایی و برنامه ریزی سکونتگاه‌ها
	۷. قابل دسترس نمودن زمین برای سکونتگاه مجدد در درون یا نزدیکی سایت های بهسازی در راستای ساخت مسکن جدید	۷. آغاز کردن اجرای برنامه ها بدون مجوز قانونی حق تصرف و مالکیت زمین
	۸. استفاده از ابزارهای ارتباطی مناسب برای افزایش سطح آگاهی ساکنان از اقدامات بهسازی	۸. اعطای کمک های مالی بلاعوض به ساکنان در راستای توانمندسازی آنها برای درک برنامه ها و طرح‌های فنی
	۹. طراحی نحوه مداخله در بهسازی سکونتگاه غیر رسمی براساس جمع آوری داده های قابل اعتماد و تهیه نقشه	۹. دست کم گرفتن نیاز به تهیه نقشه و اطلاعات ابتدایی در مورد جمعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی
	۱۰. بررسی ویژگی های خاص هر ناحیه غیر رسمی، شامل جمعیت و بافت کالبدی و زیست محیطی آنها	۱۰. اجرای یک راه حل یکسان برای همه سکونتگاه‌های غیر رسمی
		۱۱. دست کم گرفتن دخالت گروه‌های مافیایی و فشار و باندهای نامشروع زمین خواری
		۱۲. نادیده گرفتن مدیریت بحران و اثرات احتمالی محیط زیستی

اقتصاد شهری

۱. تقویت فعالیتهای اقتصادی موجود از طریق خیابانهای باز و عریض در سکونتگاههای غیر رسمی که با شبکه های کل شهر مرتبط هستند
 ۲. حمایت نمودن از کاربری زمین مختلط برای توانمند کردن مغازه ها، و فعالیتهای تولیدی - تجاری خانگی
 ۳. توسعه دادن راهبردهای مالی بلندمدت (چندساله) با ترکیبی از درآمدهای شهرداری، منابع مالی بیرونی و کمکهای ساکنان برای بهسازی و توسعه مساکن جدید
 ۴. بهبود امنیت حق تصرف به منظور تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی برای بهبود وضعیت مسکن، توسعه کسب و کار و فعالیت های تولیدی درآمدزا
 ۵. ایجاد سازوکارهای مالیات بر دارایی، اخذ هزینه های مربوط از کاربران و ابزارهای بازگشت هزینه ها به عنوان بخشی از راهبرد خودگردان و یکپارچه پایداری برنامه
 ۶. اجرای راهبردها بر اساس توانایی پرداخت ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی و تخصیص میزان مشخصی از درآمد شهرداریها به منظور حمایت بلندمدت و مستمر از برنامه
 ۷. بسیج سرمایه ها به شروع با اولویت خیابانهای کلیدی در سکونتگاه های غیر رسمی مهم به منظور نمایش مقبولیت رویکرد برنامه
 ۸. یکپارچه نمودن ایجاد شغل و آموزش مربوط به آن برای حمایت از کارآفرینی و نگاههای کوچک در طول دوره و بعد از فرایند بهسازی
 ۹. تأمین منابع مالی از طریق سپرده های امانی (صندوقها) با همکاری بخش تجاری محلی جهت حمایت از نوآوری و طرحهای توسعه تجاری مرتبط با بهسازی سکونتگاه های غیر رسمی
۱. بی توجهی به اتصال شبکه خیابانی سکونتگاههای غیر رسمی با راسته های خرید و شریان های اصلی شهر
 ۲. تبعیض قائل شدن برای بخش اقتصاد غیر رسمی و کسب و کارهای خانگی
 ۳. کم اهمیت شمردن نقش حقوق مالکیت و امنیت حق تصرف زمین در افزایش سرمایه گذاری در کسب و کارهای سکونتگاههای غیر رسمی
 ۴. مجزا نمودن بهسازی سکونتگاه غیر رسمی از برنامه ریزی سرمایه گذاری مدیریت شهری همان شهر
 ۵. اتکای صرف به تخصیص بودجه و بارانه های دولتی برای تأمین منابع مالی اجرای برنامه ها
 ۶. فرض نمودن بازگشت کامل هزینه های بهسازی از طریق پرداخت ساکنان سکونتگاه های غیر رسمی و چشم پوشی از توانایی ها و اشتیاق آنها جهت بهبود سکونتگاه
 ۷. تلاش در جهت بسیج منابع مالی برای تمام مراحل برنامه بهسازی به صورت آنی و یکباره بدون داشتن حتی یک پروژه عملیاتی
 ۸. منقطع نمودن راهبردهای توسعه اقتصادی محلی از رویکرد خیابان محور در بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی
 ۹. غفلت کردن از راهبردهای بلندمدت تأمین منابع مالی برای ترویج کسب و کار و فعالیت های درآمدزا و اشتغال برای ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی در قلمرو برنامه بهسازی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

زیرساخت های پایه

<p>۱. داشتن اهداف بلندپروازانه درباره ظرفیت اجرای همه شبکه های زیرساختی به صورت آبی و یکباره</p> <p>۲. فراهم کردن زیرساختها و خدماتی که در استطاعت ساکنان نبوده و هم نمی توانند از ایجاد آنها حمایت کنند</p> <p>۳. چشم پوشی از مشارکت ساکنان در مراحل اولیه برنامه ریزی برای بهبود زیرساختها به عنوان شرط نگهداری پایدار آن در آینده</p> <p>۴. چشم پوشی از نقش پیاده روها و مسیرهای کنار خیابانها به عنوان فضاهای عمومی ایمن و محل برای کسب و کار به منظور حمایت از خانه سازی های موجود و جدید</p> <p>۵. مجزا نمودن هزینه بهسازی سکونتگاه غیر رسمی از هزینه های فراهم سازی زیرساخت ها که توسط شرکت های خدمات عمومی تأمین می شود</p> <p>۶. چشم پوشی از ابعاد جنسیتی و نقش سایر گروهها در طراحی و استفاده از زیرساخت ها</p> <p>۷. بهسازی زیرساختها در سکونتگاههای غیر رسمی در سطحی بالاتر از سطح موجود زیرساختهای شهر که ممکن است موجب اعیان سازی و تغییر فرم سکونتگاههای مذکور شود</p> <p>۸. تحمیل هنجارهای فنی بر بافت های بی قاعده سکونتگاههای غیر رسمی</p> <p>۹. فراموش کردن نیاز به عملیات به هم پیوسته نگهداری شبکه های زیرساختی، تجهیزات و خدمات از ابتدای برنامه</p>	<p>۱. استفاده از خیابانها به عنوان مبنایی برای اجرای مرحله ای و فراهم سازی شبکه های زیرساخت در مسیرهای اولویت دار سکونتگاه غیر رسمی که بخشی از برنامه بهسازی اسکان غیر رسمی خیابان محور است</p> <p>۲. توسعه مزایای ناشی از خیابانها از طریق ترکیب ایجاد روشنایی عمومی، سیستم فاضلاب و پسماند</p> <p>۳. مشارکت دادن ساکنان در تنظیم اولویت ها، طراحی، اجرا، عملیات و حفظ زیرساختها</p> <p>۴. طراحی خیابانها و شبکه های زیرساختی برای به حداکثر رساندن سودمندی فضای عمومی برای ساکنان</p> <p>۵. استفاده از خیابان به منظور محاسبه میزان استفاده از آن و هزینه ای که از این بابت باید از کاربران اخذ شود به منظور تولید درآمد برای تأمین مالی خودگردان</p> <p>۶. مشارکت دادن همه گروههای آسیب پذیر، جوانان، زنان و سالمندان در فرایند تصمیم گیری درباره استفاده از زیرساختهای مبنایی شهری</p> <p>۷. بهسازی زیرساختها در سکونتگاههای غیر رسمی طبق هنجارها و استانداردهای کلی و سطح زیرساخت های سایر مناطق شهر</p> <p>۸. بازنگری استانداردهای فنی زیرساختها و تطبیق آنها با شرایط سکونتگاههای غیر رسمی مختلف</p> <p>۹. طراحی برنامه سرمایه گذاری زیرساختها در ارتباط با رویکرد خیابان محور برنامه بهسازی شهر گستر</p> <p>۱۰. ایجاد هم افزایی بین سرمایه گذاری روی زیرساختها در سکونتگاههای غیر رسمی و تأمین منابع مالی شهری و مالیات بر دارایی</p>
--	---

حکروایی، قانونگذاری و مشارکت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۵۲۵ ■

<p>۱. ایجاد کارگروه‌های موقت برای برنامه ریزی و مدیریت برنامه های رویکرد خیابان محور در بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی</p> <p>۲. کم اهمیت شمردن پایه سازمانی و ظرفیت نهادی برای طراحی و اجرای برنامه ها</p> <p>۳. مشارکت ندادن گروه‌های محلی</p> <p>۴. بی توجهی به قوانین موجود و چارچوب مقررات شهری و همه ظرفیت ها برای مدیریت و اجرای برنامه ها</p> <p>۵. حذف قانون گذاران، مشاوران، و سایر چارچوب های نهادی، سیاستی و راهبردی که توسعه شهری را هدایت می کنند</p> <p>۶. حذف سازوکارهای پس از فرایند بهسازی به منظور نگهداری و تحکیم آن</p> <p>۷. ایجاد انحصار و تصدی گری دولت در طراحی و اجرای برنامه ها</p> <p>۸. مدیریت نمودن فرایند بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در سطح دولت مرکزی و به دور از مکان اجرای پروژه</p>	<p>۱. نهادینه سازی رویکرد خیابان محور در بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی درون ساختارهای موجود حکومت محلی و سیاست های بخش عمومی</p> <p>۲. ایجاد ترتیبات نهادی و ساختاری قبل از شروع برنامه‌های بهسازی</p> <p>۳. مشارکت دادن سازمانهای جامعه مدنی، بخش خصوصی، جامعه دانشگاهی، ارایه کنندگان خدمات و سایر ذینفعان در طراحی، اجرا و نگهداری</p> <p>۴. ایجاد ظرفیت مشارکت محلی برای بهسازی شهر گستر خیابان محور سکونتگاه‌های غیر رسمی</p> <p>۵. نهادینه سازی ارتباط برنامه بهسازی شهر گستر خیابان محور سکونتگاه غیر رسمی با همه برنامه های راهبردی شهری</p> <p>۶. آماده نمودن قوانین و خط مشی های پس از بهسازی</p> <p>۷. استفاده از مناقصات و فرایندهای عمومی و فرایندهای شفاف برای اجرای برنامه</p> <p>۸. نهادینه سازی مشارکت شهروندان در فرایند بهسازی؛ از جمله نقشه برداری و سرشماری؛ طراحی و مدیریت خیابانها و فضای عمومی</p> <p>۹. نهادینه سازی بهسازی سکونتگاه غیر رسمی در مقیاس دولت محلی</p> <p>۱۰. ایجاد عرصه ای برای تصمیم سازی مشارکتی</p> <p>۱۱. آگاه سازی اجتماعی از حقوق خود به منظور تحقق برابری</p> <p>۱۲. مسکن و حق دسترسی به آب سالم و بهداشتی</p>
---	---

امنیت حق تصرف

<p>۱. قطع نمودن رابطه ایجاد خیابان با قطعات مرزها و حوزه های عمومی و خصوصی تعریف شده</p> <p>۲. تبعیض قائل شدن بر علیه گزینه های امنیت تصرف زمین و اجاره</p> <p>۳. ترویج دادن گزینه های تصرف انفرادی</p> <p>۴. مجزا نمودن ساماندهی مالکیت از امنیت تصرف</p> <p>۵. قانونی کردن یا خصوصی کردن زمین پیش از اینکه طرح توسعه شهری تعاریف قطعات مبتنی بر خیابانها و مرزها را مشخص نماید</p> <p>۶. ترویج ساماندهی قطعات منفرد</p> <p>۷. چشم پوشی از حقوق مالکیت شهروندان و ادعای غرامت آنها در صورت لزوم جابه جایی شهروندان مذکور و تخریب تصرفاتشان</p>	<p>۱. استفاده از خیابان در جهت شکل دادن به مرزهای قانونی جدید برای حوزه های عمومی و خصوصی</p> <p>۲. توجه به پیوستگی حقوق زمین و تصمیم گیری درباره اینکه کدامیک از گزینه ها مناسب است</p> <p>۳. تضمین امنیت تصرف، و تحکیم حقوق اشغال زمین</p> <p>۴. طراحی و چانه زنی درباره برنامه های جابه جایی ساکنان در صورتیکه نقشه سکونتگاهی و ایجاد خیابان ایجاب نماید</p> <p>۵. شامل شدن فرایند ساماندهی و رسمی کردن مسکن و ساختمانها در زمین هایی که روال قانونی را طی کرده و به عنوان بخشی از بهسازی سکونتگاه غیر رسمی مشخص شده اند</p> <p>۶. استفاده از طرح های شهری جهت ایجاد نقشه پایه برای ثبت حقوق مالکیت</p> <p>۷. ثبت طرح های شهری و آدرس های خیابان در اداره ثبت دولتی</p>
---	--

رویکرد حق محور

<p>۱. عدم توجه به اشکال مختلف امنیت تصرف و حقوق مالکیت که موجب تقویت باور ساکنان سکونتگاه های غیر رسمی در بهسازی محله به خود می شود</p> <p>۲. تبعیض نسبت به اشخاص مختلف در خصوص مشارکت آنها در فرایند بهسازی</p> <p>۳. اتخاذ تنها یک گزینه برای امنیت تصرف</p> <p>۴. اتخاذ رویکردهای تخلیه اجباری و بالا به پایین سکونتگاه مجدد به منظور ایجاد خیابان</p> <p>۵. سکونتگاه مجدد اتفاقی به محلهای دور از سایت های مربوط بدون احترام به حقوق شهروندی</p>	<p>۱. شناسایی روشهای مشارکتی و سایر اشکال حقوقی مستند برای تعیین و تعریف حق و حقوق جمعیت ساکن در فرایند بهسازی سکونتگاه غیر رسمی</p> <p>۲. درگیر کردن ساکنان و سازمانهای مردمی قانونی آنها در تصمیم سازی جهت طراحی و اجرای برنامه ها</p> <p>۳. پذیرش کثرت گرایی قانونی و حقوق عرفی در هنگام طراحی برنامه ناحیه محور که تعیین کننده نقشه های شهری و شبکه خیابان ها در سکونتگاه های غیر رسمی است</p> <p>۴. طراحی و مذاکره در مورد برنامه های جابه جایی ساکنان در صورتیکه نقشه سکونتگاه ها و ایجاد خیابانها ایجاب نماید</p> <p>۵. اجرای تخریب و جابه جایی ساکنان به سایت های سکونتگاه مجدد بر اساس اصولی چون مشارکت، اطلاع رسانی قبلی و مشاوره، جبران خسارت، ارائه گزینه های جایگزین، حمایت و پشتیبانی از معیشت قبلی ساکنان، در حین و بعد از سکونتگاه مجدد</p>
--	---

الزامات قانونی و راهکارهای حقوقی تحقق رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی در ایران

بر اساس برآوردهای انجام شده از جمعیت شهری کشور در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت ساکن در سکونت گاه‌های غیررسمی کشور بالغ بر ۱۲ میلیون نفر برآورد می‌شود. سیر تحول افزایش جمعیت ساکن در سکونت گاه‌های غیر رسمی نشان از افزایش روز افزون آن دارد. بنابراین با توجه شدت و ابعاد مسئله فقر شهری و سکونتگاه غیررسمی در کشور (جمعیت ساکن در سکونت گاه‌های غیررسمی کشور) لزوم برنامه‌های پیش‌گیری و پیش‌نگری را ضروری می‌نماید. در حال حاضر سیاست و برنامه مدون و مشخصی جهت انجام اقدامات پیش‌گیرانه در گسترش محدوده‌ها و محله‌های ناکارآمد شهری وجود ندارد (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۴). در سطح محلی به دلیل نبود برنامه‌ریزی برای مسکن کم درآمدها، وجود ضوابط نامتناسب و تشدید کننده سکونت گاه‌های غیر رسمی کشور در طرح‌های توسعه شهری و نبود سیاست مشخص و شفاف در مواجهه با این سکونت گاه‌ها خود بر افزایش ابعاد مسئله و افزایش چالش برای مدیریت شهری منجر شده است. به عبارت دیگر، به دلیل بالا بودن هزینه تأمین مسکن در شهرها هم برای مهاجران وارد به شهر و هم فقرای شهری که توان تأمین مسکن در محدوده شهری را ندارند این فرایند به شکل گیری سکونت گاه جدیدی منجر می‌شود و یا نقاط روستایی واقع در حریم به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و به صورت غیر قابل کنترلی و خارج از توان و ظرفیت موجود آن‌ها جمعیت به چندین برابر افزایش می‌یابد. محدوده‌ها و محلات فقیرنشین (بافتهای ناکارآمد میانی، تاریخی، سکونت گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌های) دارای ابعاد گسترده فقر هستند. پیامدهای انباشت فقر شهری از یک سو و نادیده انگاشتن این ساکنان از سوی دیگر مشکلات و آثار زیان‌باری را برای شهرهای کشور در پی خواهد داشت. بیش از ۵۶ هزار هکتار محلات نابسامان میانی، ۲۱ هزار هکتار از عرصه‌های تاریخی مراکز شهرها و ۵۳ هزار هکتار سکونتگاه‌های غیر رسمی

که رقمی بالغ بر ۳۰ درصد بافت‌های شهری موجود کشور را در بر می‌گیرند و جمعیتی بالغ بر ۱۸ میلیون نفر (حدود بیست درصد جمعیت شهری کشور) در آن ساکن هستند از این مسائل و مشکلات رنج می‌برند (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۴). دولت و شهرداری‌های کشور تاکنون تلاش‌های زیادی برای حل معضلات این مناطق برداشته‌اند؛ به رغم تلاش‌های صورت گرفته به دلیل عدم وفاق و همگرایی دستگاه‌های مختلف دخیل در این فرایند، روند افت منزلت مکانی-اجتماعی این مناطق رو به افزایش بوده است.

در ایران توجه جدی دولت به سکونتگاه غیر رسمی به سال ۱۳۸۲ باز می‌گردد. در این زمان هیات وزیران مصوبه‌ای را تحت عنوان سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه غیر رسمی تصویب رساند. بدنبال این مصوبه تلاش‌های دولت برای گرفتن کمک‌های جهانی آغاز گردید و متعاقب آن بانک جهانی با کمک‌های مالی خود و تاسیس دفاتر محلی زیر نظر وزارت کشور باعث گردید مطالعات مربوط به توانمندسازی سکونت گاه‌های غیر رسمی در تعدادی از کلان شهرها آغاز شود. با این حال، علیرغم دستاوردهای ارزشمند این سند، همچنان مشکلات و چالش‌هایی بر سر راه اجرای این مصوبه وجود داشت که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود: عدم سازماندهی و طراحی نظام کارآمد مالی برای پشتیبانی مالی از برنامه‌های توانمندسازی؛ بلااستفاده گذاشتن بسیاری از ظرفیت‌های انسانی و مالی دولتی، عمومی و خصوصی در کشور؛ عدم وجود مدیریت یکپارچه شهری و بخشی عمل نمودن دستگاهها؛ ضعف همکاری مابین دستگاه‌های محلی و ملی و نبود ظرفیت‌های لازم در سطح محلی؛ اولویت ندادن به مسأله سکونتگاه‌های غیر رسمی در برنامه‌های توسعه.

در سال ۱۳۹۳ سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری به تصویب رسید و در تعریفی مشخص از محدوده‌ها و محله‌های هدف بازآفرینی شهری شهرهای کشور ارائه شد که سکونتگاه‌های غیر رسمی نیز جزئی از بافت‌های ناکارآمد به شمار می

رود. با توجه به انجام مطالعات پراکنده و ناهماهنگ در سنوات گذشته در اشکال مختلف و نیز پیچیدگی خاص گونه‌های بافتی مختلف به ویژه در کلان شهرها؛ ضرورت دارد برنامه ریزی تغییر رویکردها و نگرش‌ها از طریق باز تعریف و تدقیق و اصلاح محدوده‌ها و محله‌های هدف بهسازی شهری به ویژه در کلانشهرهای کشور بیش از پیش احساس می‌گردد. با توجه به اینکه رویکرد بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی واجد ویژگی‌هایی چون جامعیت، هم‌افزایی، پاسخ‌دهی و مشارکت است و هدف آن یکپارچه سازی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و کالبدی همه سکونتگاه‌های غیر رسمی درون نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری رسمی می‌باشد. بنابراین، این موضوع نمایانگر تغییر جهت اساسی از مداخلات پروژه محور در بهسازی به سوی رویکرد برنامه ریزی برای کل شهر است. از اینرو، مصوبه جدید هیئت وزیران نیز نشانگر توجه یکپارچه و همه جانبه به پدیده سکونتگاه‌های غیر رسمی در قالب فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری و پرهیز از پروژه محوری و برخورد گزینشی و مقطعی است. اما اجرای چنین رویکردی مستلزم رعایت الزاماتی قانونی و به کارگیری راهکارهای حقوقی است. لذا از آنجا که در رویکردهای مختلف مدیریتی پدیده اسکان غیر رسمی همواره پیشگیری از تکرار و توسعه آنها ملازم ساماندهی وضع موجود می‌باشد، الزاماتی قانونی و راهکارهای حقوقی این تحقیق نیز در دو بخش پیشگیری از تشکیل اسکان غیر رسمی و تحقق رویکرد بهسازی شهر - گستر سکونتگاه غیر رسمی ارائه می‌شود. با توجه به موارد پیشگفته، مهمترین الزامات قانونی و راهکارهای حقوقی رویکرد بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی برای ایران به شرح موارد زیر است:

الف) الزامات قانونی و راهکارهای حقوقی پیشگیری از تشکیل پدیده اسکان غیر رسمی:

- در بخش الزامات قانونی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر

و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه

2) اصل ۲۲ قانون اساسی ج.ا.ا: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

3) اصل ۳۱ قانون اساسی ج.ا.ا: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

4) بند ۱ از اصل ۴۳ قانون اساسی ج.ا.ا: تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده‌ب رای همه.

5) ماده (۶۲) قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵: دولت موظف است به منظور ارتقای شرایط محیطی پایدار و فراگیر ساکنان مناطق حاشیه‌نشین و برخورداری آنها از مزایای شهرنشینی و پیش‌نگری و پیشگیری از ایجاد سکونتگاه‌های غیرمجاز اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- برنامه‌ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی با رویکرد تقویت مبادی مهاجرت، با ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین و کاهش جمعیت آن به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪)

ب- سامان بخشی مناطق حاشیه‌نشین تعیین شده توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از طریق تدوین و اجرای سازوکارهای حقوقی، مالی و فرهنگی و توانمندسازی ساکنان بافت‌های واقع در داخل محدوده‌های شهری با مشارکت آنها، در چهارچوب «سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیرمجاز» و ایجاد شهرک‌های اقماری برای اسکان جمعیت مهاجر.

پ- تهیه و اجرای طرح هادی برای روستاهای واقع در حریم شهرها با رویکرد کنترل محدوده روستاهای مذکور در حد رشد طبیعی آنها.

ت- طراحی و ایجاد کمربند سبز در اطراف مراکز جمعیتی توسط شهرداری‌ها با مشارکت دولت در قالب بودجه سنواتی

- در بخش راهکارهای حقوقی فارغ از ضرورت رسیدگی به وضعیت معیشتی مهاجرین متقاضی اسکان غیررسمی که جنبه های مدیریت اقتصادی موضوع را در بر می گیرد، اما از بعد جلوگیری از ساخت و ساز غیر رسمی که به عنوان اولین پیشنهاد ساخت افزاری اسکان غیر رسمی محسوب می شود، راهکارهای حقوقی زیر پیشنهاد می شود:

1) تنقیح و تفکیک قوانین مربوط به داخل و خارج از حریم شهرها که در حال حاضر به هر دو در قانون شهرداریها پرداخته شده است به عبارت دیگر با توجه به اینکه تبصره (۲) بند (۳) ماده (۹۹) قانون شهرداری‌ها که به موضوع خارج از حریم پرداخته است، هماهنگی و سنخیتی با دیگر مواد قانون شهرداری‌ها نداشته و با توجه به اینکه حوزه عمل شهرداری‌ها صرفاً در محدوده و حریم شهر می‌باشد، متأسفانه سازوکار مناسبی برای چگونگی اجرای این حکم تعریف نشده است.

2) الگوبرداری از تجربه موفق قانون ایمنی راهها و راه‌آهن - مصوب ۱۳۴۹- و اصلاحات بعدی آن در خصوص مستحذات غیرقانونی در حریم راهها برای برخورد جدی و مؤثر و به موقع با ساخت و سازهای غیرمجاز در خارج از حریم شهرها توسط مرجع صدور پروانه و معرفی به مراجع قضایی

3) جرم انگاری تخلفات ساخت و ساز در خارج از حریم شهرها

4) در نظر گرفتن جرایم مشخص اعم از قلع یا جریمه در خصوص تخلفات مختلفین

ب) الزامات قانونی و راهکارهای حقوقی تحقق رویکرد بهسازی شهر-گستر سکونتگاه غیر رسمی

- در بخش الزامات قانونی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) ماده (۵۹) قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵: در چهارچوب قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۵:

الف- وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری‌ها مکلفند در طول برنامه نسبت به احیاء، بهسازی، نوسازی و مقاوم‌سازی و بازآفرینی سالانه حداقل دویست و هفتاد محله در قالب مطالعات مصوب ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار بر حسب گونه‌های مختلف (شامل ناکارآمد- تاریخی- سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای) و ارتقای دسترسی به خدمات و بهبود زیرساخت‌ها با رویکرد محله‌محور در چهارچوب قوانین و مقررات ذی‌ربط اقدام نمایند. تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز سهم دولت همه‌ساله با پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی و هماهنگی شهرداری‌ها به تصویب ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار می‌رسد و در قالب بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود و در اختیار دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط و شهرداری‌ها قرار می‌گیرد. برنامه عملیاتی در دو بخش نوسازی مسکن و تأمین خدمات و زیرساخت، در سه‌ماهه اول اجرای قانون برنامه توسط وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور، سازمان، شورای عالی استان‌ها و کلیه دستگاه‌های عضو ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار در سطح مدیریت ملی، استانی و شهری تهیه و تعهد و التزام به اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری خواهند داشت.

تبصره- در تهیه برنامه عملیاتی محدوده‌های تاریخی شهرها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به دستگاه‌های موصوف اضافه می‌شود.

2) ماده (۶۱) قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵: الف- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف است نسبت به احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافتهای فرسوده و دسته‌بندی طرحهای واقع در این مناطق، با اولویتهای زیر اقدام نماید:

۱- طرحهایی که به دلیل وجود منافع عمومی، اجرای به موقع آنها ضروری است.

۲- طرح‌هایی که از طریق تدوین ضوابط و مقررات و مشارکت مردم و حمایت دولت، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به مرور زمان قابل انجام است.

تبصره- طرح‌های گروه (۱) مشمول برنامه‌های عمومی و عمرانی دولت موضوع «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب با اصلاحات و الحاقات بعدی» می‌باشد که تمام یا بخشی از منابع مورد نیاز آن می‌تواند از طریق بخش‌های غیردولتی تأمین شود.

ب- دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط موظفند به منظور افزایش بهره‌وری و استحصال زمین نسبت به احیای بافتهای فرسوده و نامناسب روستایی اقدام نمایند.

پ- وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری‌ها موظفند با اعمال سیاست‌های تشویقی و در چهارچوب قانون حمایت از احیای بافتهای فرسوده از اقدامات بخش غیردولتی برای احیاء و بازسازی بافتهای فرسوده در قالب بودجه مصوب حمایت نمایند.

ت- دولت مکلف است از طریق اعمال سیاستهای حمایتی، حقوقی، تشویقی و اعطای تسهیلات یارانه‌های نسبت به احیاء و بهسازی حداقل ده درصد (۱۰٪) از بافتهای فرسوده شهری با رعایت سرانه های رو بنائی و زیر بنائی توسط بخش غیردولتی و شهرداریها اقدام و مابه التفاوت سود تسهیلات یارانه‌ای مورد نیاز را همه ساله در قوانین بودجه سنوایی پیش بینی نماید.

بند (ت) ماده (۶۱) قانون برنامه ششم توسعه در بخش مغایرت بر مواد (۱) و (۴) قانون تشکیل وزارت راه و شهرسازی مصوب ۱۳۹۰/۳/۳۱ حاکم است.

ث- وزارت راه و شهرسازی موظف است ساماندهی و احیاء شهرهای آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی و استفاده از اراضی رهاشده و ساختمان‌های مخروبه باقیمانده داخل شهرهای مورد نظر را در اولویت قرار دهد.

۳) ماده (۱) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب سال ۱۳۸۷

به منظور تأمین مسکن و سهولت دسترسی فاقدین مسکن به ویژه گروه‌های کم‌درآمد به خانه مناسب، ارتقاء کیفی و کمی مسکن تولیدی کشور، حمایت از سرمایه‌گذاری در امر تولید مسکن با استفاده از فناوریهای نوین و تولید صنعتی مسکن، بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی موجود، دولت موظف است از طریق حمایت‌های لازم از قبیل تأمین زمین مناسب و کاهش یا حذف بهای زمین از قیمت تمام شده مسکن، تأمین تسهیلات بانکی ارزان قیمت، اعمال معافیت‌های مالیاتی و تأمین سایر نهاده‌های مورد نیاز بخش مسکن در چهارچوب مفاد این قانون، تدوین نظامات و مقررات ملی ساخت و ساز و اعمال نظارت بر تحقق آنها و افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری در بخش تولید و عرضه مسکن با هدف تأمین مسکن برای فاقدین مسکن (جهت هر خانوار یک‌بار) با رعایت مقررات ملی ساختمان و الگوی مصرف مسکن و اصول شهرسازی و معماری اقدام نماید.

۴) ماده (۱۶) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب سال ۱۳۸۷

کلیه طرح‌های تولید مسکن ویژه گروه‌های کم‌درآمد و طرح‌های تولید مسکن در بافتهای فرسوده شهرها مشمول تخفیف حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه‌های عوارض ساخت و تراکم ساخت و تقسیط بدون کارمزد باقیمانده می‌باشد. دولت موظف است معادل صد درصد (۱۰۰٪) تخفیف اعمال شده از سوی شهرداری‌ها ناشی از اجراء این قانون و سایر قوانین را در لوایح بودجه سنوایی منظور و پرداخت نماید.

۵) ماده ۱۱۱ قانون شهرداری‌ها مصوب سال ۱۳۳۴

به منظور نوسازی شهرها شهرداری‌ها می‌توانند از طریق تأسیس مؤسساتی با سرمایه خود خانه‌ها و مستغلات و اراضی و محلات قدیمی و کهنه شهر را

با استفاده از مقررات قانون تملک زمینها مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۳۹ خریداری نمایند و در صورت اقتضاء برای تجدید ساختمان طبق طرحهای مصوب شهرداری بفروشند و یا این که راساً اقدام به اجرای طرحهای ساختمانی بنمایند اساسنامه این گونه مؤسسات را که بر طبق اصول بازرگانی اداره خواهد شد شهرداری هر محل تهیه و با تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور قابل اجرا خواهد بود در هر جا که در قانون تملک زمینها و آیین نامه مصوب ۳۹،۸،۱۴ هیأت وزیران اسم از سازمان مسکن و وزارت کشاورزی و هیأت وزیران برده شده وظایف مزبور را به ترتیب شهرداری - انجمن شهر و وزارت کشور انجام خواهند داد.

در بخش راهکارهای حقوقی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(1) اهمیت نهاد سازی در قالب بهره گیری از مشاوران تسهیل گر و یا نهادهای مردمی-محلی؛ نهاد سازی موجب سازمان یافتن جامعه محلی در جهت پرداختن به مشکلات و مسائل محلی و نیز تحقق اجرای مناسب برنامه های بهسازی خواهد شد.

(2) اقدامات کاهش فقر شهری نیازمند همکاری گروه های مختلفی در سطح شهر از جمله شهرداری، اجتماعات محلی، بخش خصوصی، توسعه گران، سازمان های غیر دولتی و سایر دستگاه های تأثیر گذار است. توسعه گران می توانند علاوه بر نوسازی بافت های فرسوده، نقش مهمی در فرایند بهسازی سکونتگاه های غیر رسمی ایفا کنند. ضرورت حمایت از این توسعه گرها با تدوین نحوه حمایت مالی و اعتباری، نهادی و اجرایی دولت، نظام بانکی و بازار سرمایه از توسعه گران در محله ها از طریق دستگاه های مربوطه صورت پذیرد.

(3) مقایسه تعداد واحدهای مسکونی با تعداد خانوار در آمارهای رسمی کشور نشان می دهد که با توجه به روند افزایش تعداد واحد مسکونی در کشور، مسئله کمبود مسکن مسئله جدی نیست؛ بلکه مسئله اصلی فقر مسکن به صورت سکونت در محدوده های حاشیه نشین و غیررسمی و یا

بافت های ناکارآمدی با واحدهای مسکونی نامقاوم و دسترسی کم به زیرساخت ها و خدمات است. لذا کاهش مشکلات ناشی از این مسئله مستلزم توجه و اقدامات ویژه است. یکی از این اقدامات اختصاص حمایت های مالی دولت از بخش مسکن به اجرای طرح های بهسازی و ساماندهی سکونت گاه های غیررسمی به صورت بسته ای ویژه با در نظر گرفتن موضوعات اجتماعی و اقتصادی و... توسط دستگاه های مرتبط است.

(4) از آن جا که بهسازی سکونتگاه های غیر رسمی شهری مستلزم اتخاذ سیاست های چند وجهی در حوزه عمران، خدمات و مسکن شهری و ارایه خدمات اجتماعی و اقتصادی به ساکنان این نواحی است؛ انجام این وظیفه به تنهایی از عهده یک دستگاه دولتی بر نمی آید. به همین جهت برقراری سازوکارهای مناسب به منظور ایجاد وحدت رویه، تضمین هماهنگی و همکاری دستگاه ها و نهادهای ذی ربط در قالب ایجاد نهاد مدیریت یکپارچه و ساختار هماهنگ کننده اجرایی با محوریت شهرداری با همراهی و همکاری کلیه ذینفعان و ذی نفوذان با همراهی و مشارکت مردم و فعالان غیردولتی و خصوصی ضروری است.

(5) مسئولیت اجتماعی از مقولات اقتصادی و مالی فراتر می رود و پیش برنده سود و منفعت اجتماعی و فراتر از منافع سازمان است از آنجایی که شکل گیری این محلات گاهی اوقات ناشی از سوء مدیریت و عدم همراهی سازمان ها و بنگاه های مذکور برای تأمین مسکن و اشتغال و... بوده ضرورت دارد برای جبران بخشی از مسائل و مشکلات در ارتقاء وضعیت اجتماعی و اقتصادی محدوده ها، دستگاه های مذکور هزینه نمایند.

(6) انجام اقدامات بهسازی و توانمند سازی در کنار این که هزینه های زیادی را طلب می کند نیازمند حمایت های لازم از سوی مدیریت شهری است. تخفیف در عوارض ساخت و ساز نمونه ای از این حمایت هاست در حال حاضر شهرداری ها برای انجام این اقدامات متحمل هزینه های زیادی شده اند. حال آن که طبق قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن - مصوب ۱۳۸۷ -

می‌بایست دولت حمایت‌های لازم از جمله پرداخت دیون ناشی از اعمال تخفیفات از سوی شهرداری‌ها را از این اقدامات به عمل آورد. انجام این کار موجب تسریع روند برنامه‌های بهسازی خواهد شد.

7) در بسیاری از موارد، شهرداری‌ها به دلیل بار مالی فراوان برنامه‌های بهسازی و توانمندسازی، رغبتی به انجام اقدامات بهسازی در محدوده‌ها و محلات هدف ندارند. نبود منابع مالی مناسب نیز شهرداری‌ها را مجبور به سرمایه‌گذاری در بخش‌ها یا محدوده‌هایی در شهر می‌کند که برای آن‌ها درآمد مالی داشته باشد. توجه به تأمین منابع درآمدی پایدار توسط شهرداری‌ها و تشویق و حمایت شهرداری‌ها به سرمایه‌گذاری در این محدوده‌ها نقش مهمی در ارتقای آن‌ها خواهد داشت. یکی از این مکانیزم‌ها تشویقی استفاده از توزیع و تخصیص سهم مالیات بر ارزش افزوده شهرداری‌های کشور به عنوان شاخص عملکردی برای آن‌ها می‌باشد.

8) موضوع مهمی که در فرایند توسعه و بهسازی محدوده‌ها و محلات غیر رسمی مورد توجه قرار گیرد ظرفیت سازی و یا ارتقای ظرفیت است. برنامه‌های ترویجی، فرهنگ سازی و اطلاع رسانی و آموزش‌های شهروندی بخشی از این اقدام به شمار می‌روند که نقش مهمی در ارتقای حقوق شهروندی و پذیرش و درک اقدامات در سطح محلی خواهد داشت. این اقدام در واقع فراهم کردن بسترهای لازم مشارکت ساکنان در محدوده‌های هدف خواهد بود. بدیهی است در این زمینه نقش نهادهایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که در این زمینه دارند بسیار راه‌گشا خواهد بود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتایج حاصل از بررسی‌های نظری رویکرد بهسازی شهر- گستر سکونتگاه غیر رسمی در روند مدیریت و برنامه ریزی شهری می‌تواند جایگاهی مطلوب در ساختار نوین مدیریت شهری و همچنین نقشی وادارنده در روند توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، کالبدی، فضایی و مدیریت توسعه شهری کشور داشته باشد. با توجه به پرسش‌های مقاله حاضر، این رویکرد واجد ویژگی‌هایی چون جامعیت، پاسخگویی، مشارکت و هم‌افزایی می‌باشد. این رویکرد کل شهر را به عنوان یک واحد برنامه ریزی در نظر می‌گیرد به طوریکه بهسازی فقط به اجتماعات غیر رسمی کوچک و پروژه‌های محدود نمی‌شود بلکه فرایندی عملگراست که همه سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر را دربرمی‌گیرد و آن را در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری یکپارچه می‌سازد. ویژگی‌های مذکور موجب تمایز این رویکرد با سایر رویکردهای بهسازی شده است. راهبرد خیابان محور از مهمترین راهبردهای رویکرد مذکور، است. این راهبرد شامل پنج حوزه اصلی مدیریت و برنامه ریزی شهری، اقتصاد شهری، زیرساخت‌های پایه، امنیت تصرف (زمین و مسکن)، حکم‌روایی، قانون‌گذاری و مشارکت، و رویکرد حق محور می‌شود. جهت‌ارایه یک چارچوب تحلیلی مناسب برای بهسازی شهر گستر سکونتگاه غیر رسمی از این ۵ حوزه استفاده شد که منجر به تدوین اقدامات بهسازی در چارچوب باید‌ها و نبایدهای بهسازی شده است. در واقع این چارچوب و باید‌ها و نبایدهای حوزه‌های اقدام آن بیانگر عملگرا بودن رویکرد مذکور است. به هر حال نگاه یکپارچه به محدوده‌ها و محلات فقیرنشین (بافت‌های ناکارآمد میانی، تاریخی، سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای) و پیوند آنها با شهر می‌تواند نگاه دستگاه‌های خدمات رسانی و مجری را نسبت به بهسازی این سکونتگاه‌ها تغییر دهد و البته شکی نیست که برای تحقق چنین رویکرد متفاوتی باید ابتدا بسترهای قانونی و مقرراتی در نظام رسمی مقررات شهری کشور آماده شود که در بخش پایانی به طور مفصل بدان پرداخته شده است. خوشبختانه در موارد قابل توجهی ظرفیتهای قانونی لازم وجود دارد که البته در مواردی باید مورد استفاده بهینه قرار گیرند و در مواردی نیز ظرفیتهای موجود معطل مانده که نیاز به فعال شدن دارند. از جمله بسترهای موجود می‌توان به اصول مختلف قانون اساسی، قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد

شهری و از همه مهمتر مواد ذریبط قانون برنامه ششم توسعه اشاره نمود. همچنین تحقق این رویکرد در مدیریت موضوع اسکان غیر رسمی در کشور مستلزم ایجاد برخی ظرفیتهای قانونی جدید می باشد که مهم از رهگذر اصلاح برخی قوانین و مقررات موجود و نیز وضع برخی قوانین و مقررات جدید امکان پذیر است. برای نمونه می توان به ضرورت تنقیح و تفکیک قوانین مربوط به داخل و خارج از حریم شهرها از طریق اصلاح ماده (۹۹) قانون شهرداریها، الگوبرداری از تجربه موفق قانون ایمنی راهها و راه آهن در برخورد با مستحذات غیرقانونی، جرم انگاری و برخورد قاطع با تخلفات ساخت و ساز در خارج از حریم شهرها اشاره کرد. همچنین ضرورت نهادسازی، ظرفیت سازی، امکان سنجی مالی و استفاده از ظرفیت های مالیات بر ارزش افزوده، حمایت مدیریت شهری، پذیرش مسؤولیت اجتماعی از سوی دستگاههای ذریبط، و اجرای مقررات بالادستی مانند سند ملی راهبردی، قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و غیره از جمله موضوعات مهم دیگری است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته اند.

منابع و ماخذ

1. احدیان، امید و رضا شاکر اردستانی (۱۳۹۲) تقویت مدیریت محلی، راهکاری در جهت توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی؛ مطالعه موردی: محمود آباد اصفهان. نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۱، شماره ۳۲، صص ۳۱۱ تا ۳۲۶
2. ایراندوست، کیومرث، (۱۳۸۸). سکونتگاههای غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی. انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
3. ایمانی جاجرمی، حسین، غلامرضا کاظمیان، اسماعیل صالحی، علی نودرپور، نوید سعیدی رضوانی و مجید عبداللهی (۱۳۹۳). مدیریت شهری در ایران. تهران: انتشارات تیسرا.
4. دویران، اسماعیل، غلامرضا کاظمیان، ابوالفضل مشکینی، عبدالرضا رکن الدین افتخاری و بیژن کلهرنیا. (۱۳۹۰) مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی شهرهای میانی، موردپژوهی: زنجان و همدان. نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۰، شماره ۳۰. صص ۵۳ تا ۶۸
5. رستم زاده، یاور. (۱۳۹۱) ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی؛ مورد پژوهی: محله توحید، شهر بندرعباس. نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۰، شماره ۲۹.
6. سرور، رحیم. (۱۳۹۳) معرفی فرایندی جامع برای گزینش محلات در اولویت برنامه ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی؛ موردپژوهی: شهرگنبد کاووس. نشریه مدیریت شهری. دوره ۱۳، شماره ۳۴: صص ۵۹ تا ۷۶.
7. شرکت مادرتخصصی عمران و بهسازی شهری، (۱۳۹۴) گزارش احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت های ناکارآمد شهری.
8. صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی. فصلنامه هفت شهر، سال سوم،

ing Citywide Slum Upgrading Programme. Nairobi, Working Paper.

18. UN-HABITAT (2016). World cities report 2016: urbanization and development, emerging futures. Nairobi, Kenya

شماره هشتم، تهران.

9. صرافی، مظفر (۱۳۸۷)، ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری. فصلنامه هفت شهر. دوره ۲، شماره ۲۳ و ۲۴، صفحه ۴-۱۳

10. Almansi ,F .(2009) .Regularizing land tenure within upgrading programmes in Argentina; the cases of Promeba and Rosario Hábitat. Environment & Urbanization: Vol 21(2): 389-413.

11. Archer , D., CHAWANAD LUAN-SANG AND SUPAWUT BOONMAHA-THANAKORN .(2012). Facilitating community mapping and planning for citywide upgrading: the role of community architects. Environment & Urbanization: Vol 24(1): 115-129.

12. Patel, S. (2013). Upgrade, rehouse or resettle? An assessment of the Indian government's Basic Services for the Urban Poor (BSUP) programme. Environment & Urbanization: Vol 25(1): 177-188.

13. Singh, K., and Kalirajan, K. (2015). Towards a slum free city-strategies and policies:the case of Delhi. Soc. Econ. Dev. (2015) 17(1):66-89

14. UN-HABITAT (2003). The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlements2003. London: Earthscan.

15. UN-HABITAT (2011), Streets as Pillars of Urban Transformation: a UN-HABITAT Approach to Participatory Street-Led Citywide Slum Upgrading, Nairobi, Working Paper, August.

16. UN-HABITAT (2012), Streets as Tools for Urban Transformation in Slums: A Street-Led Approach to Citywide Slum Upgrading. Nairobi, Working Paper.

17. UN-HABITAT (2014). A Practical Guide to Designing, Planning, and Execut-



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017